



انتشارات دانشگاه تهران

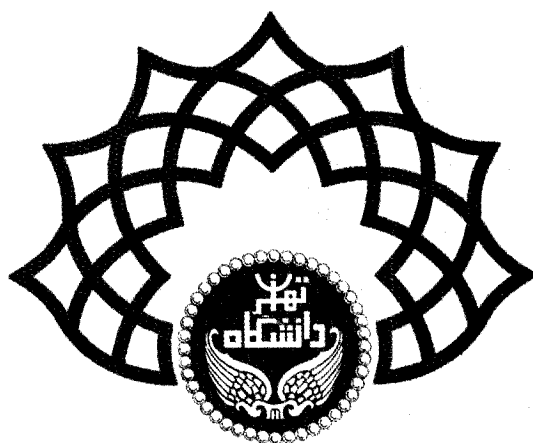
۲۶۴۸

# تطبیق نام های کهن گیاهان دارویی با نام های علمی

جلد اول

تاریخ گیاهان دارویی  
روش استفاده از منابع و متون قدیمی گیاهان دارویی  
نام های کهن گیاهان دارویی  
واژگان و نام های کهن در شناخت نام های علمی گیاهان

دکتر احمد قهرمان استاد دانشگاه تهران  
احمد رضا اخوت



هفتادمین سال تاسیس دانشگاه تهران - ۱۳۸۳

۷۰ کنج از ۷۰ سال کنجینه  
دانشگاه تهران

تفیق نام های کهن گیاهان دارویی  
بانام های علمی

جلد اول

۱۳



### پیشگفتار ناشر

گرچه دانشگاه تهران، هفتاد سال پیش پدید آمد، اما یک دهه و اندی پس از آن بود که انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۵ خورشیدی از آن رویش باشکوه، جوانه زد و بر شاخسارش شکوفه‌های خرد و اندیشه شکفتند و در همان سال نیز به بار نشستند. دیری دیگر، هنگامی که دانشگاه تهران درختی تناور شد، گشن و پر شاخسار، بر سرتاسر ایرانزمین سایه گستراند. انتشارات نیز هم گام با آن رشد شتاب‌آلود، پیشروی به عمق و درون را آغاز کرد تا بتواند از فرهنگ و دانش ره‌توشه‌ها به مشتاقان ارمغان کند.

اینک، که بیش از نیم سده از عمر انتشارات دانشگاه تهران، به مثابه نخستین ناشر دانشگاهی ایران، می‌گذرد، مفتخریم اعلام داریم که در طول این سال‌ها بسیاری از متون پارسی را به همت استادان فرهیخته‌ای که از استوانه‌های علم و فرهنگ و ادب این سرزمین کهن بوده‌اند، از دهلیزهای تار تاریخ بیرون کشیدیم، به زیور چاپ آراستیم و به خوانندگان عرضه کردیم. همچنین می‌توانیم ادعا کنیم و بر این ادعا پای بفشیریم که این انتشارات دانشگاه تهران بود که سرآغازگر آشنایی مردم میهنمان با آثار فرهنگی، متون و نیز نوشتارهای دانش جهانی شد،



و در سلسله انتشارات دانشگاه تهران است که می‌توان تاریخ تطور علوم جدید را در سرزمین‌مان و در نیم قرن گذشته جستجو کرد. تا آن‌جا که امروز، شمار عناوین کتاب‌های چاپ نخست انتشارات دانشگاه تهران، فزون از دوهزار و هفتصد عنوان است.

اینک به فرخندگی هفتادمین سال پیداری دانشگاه تهران، این اثر را به همه خواهندگان، به‌ویژه آنان که این شکوه ماندگاری، برآمدی بر تلاش سترگ آنان بود، ارمغان می‌کنیم.

باشد تا انتشار هفتادگنج از گنجینه‌های انتشارات دانشگاه تهران رهاورد پربار این سال باشد.

دکتر محمد شکرچی‌زاده

سرپرست مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

**تطبیق نام های کهن گیاهان دارویی**  
**با نام های علمی**  
**جلد اول**

- تاریخ گیاهان دارویی
- روش استفاده از منابع و متون قدیمی گیاهان دارویی
- نام های کهن گیاهان دارویی
- واژگان و نام های کهن در شناخت نام علمی گیاهان

**احمد قهرمان**

استاد گیاهشناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران

**احمد رضا اخوت**

عضو علمی گروه زیست شناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران



انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۲۶۴۸

شماره مسلسل ۴۸۰۸

قهرمان، احمد، ۱۳۰۷ -  
تطبیق نام‌های کهن گیاهان دارویی با نام‌های علمی ... / احمد قهرمان، احمد رضا اخوت. -  
تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۳. -  
ج: ۱. جدول. - (انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره ۲۶۴۸)  
ISBN 964-03-4808-2 (ج. ۱) ۸۵۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
Ahmad Ghahreman, Ahmad Reza Okhovvat.  
ص.ع. به انگلیسی:  
Matching the Old Medicinal Plant Names With Scientific Terminology.

۱. گیاهان دارویی - - نامها - - واژه‌نامه‌ها. ۲. گیاهان دارویی - - واژه‌نامه‌ها - - چندزبانه. ۳.  
فارسی - - واژه‌نامه‌ها - - چندزبانه. ۴. واژه‌نامه‌های چندزبانه. الف. اخوت، احمد رضا. ب. عنوان  
۱۳۸۳ ۵۸۰/۳ QK ۹۹/آ ۱ ق ۹  
کتابخانه ملی ایران  
۸۲-۳۵۲۷۶ م

شابک ۹۶۴-۰۳-۴۸۰۸-۲ ISBN 964-03-4808-2

عنوان: تطبیق نامهای کهن گیاهان دارویی با نامهای علمی

تألیف: دکتر احمد قهرمان، احمد رضا اخوت

ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۸۳ (چاپ اول)

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است.

«کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است»

بها: ۸۵۰۰ ریال

پست الکترونیک: Press@ut.ac.ir - آدرس سایت: Press.ut.ac.ir

# فهرست

عنوان

پیش سخن

مقدمه

۱	تاریخ شناخت گیاهان دارویی.....
۱۲	روش استفاده از منابع و متون قدیم گیاهان دارویی.....
۱۲	۱- ضرورت برگردان متون طبّی کهن و تعیین معادل نام علمی آن ها.....
۱۴	۲- روش استفاده از متون قدیم.....
	۱- ۲- شناخت دوره های اوج طب در ادوار تاریخ کهن و تفکیک کتب
۱۴	بجای مانده از این دوره ها.....
۱۴	۲- ۲- عناوین و موضوعات متفاوت کتب دارویی قرون و اعصار.....
۱۵	۳- ۲- معادل یابی و تطبیق واژگان متون قدیم با واژگان علمی.....
۱۵	۴- ۲- تفکیک عناوین و روش های تجربی و استدلالی در متون قدیم.....
	۵- ۲- لزوم تصحیح ادبی نوشتاری متون قدیمی، دسته بندی موضوعات
۱۵	مختلف آن ، برای ایجاد فرهنگ طب گذشته.....
۱۵	۳- روش شناسایی گیاهان دارویی مذکور در متون کهن.....
۱۷	۴- نام ها، نشانه ها و واژگان گیاهان دارویی متون کهن.....
۱۷	۱- ۴- تفکیک و طبقه بندی نام ها در متون گذشته.....
۱۹	آمار نام های محلی عربی و معرب.....
۲۰	آمار نام های محلی غیر عربی.....
۲۱	جدول ۱- آمار نام های کهن گیاهان دارویی از دیسکورید تا مخزن الادویه
۲۱	جدول ۲- آمار نام های گیاهان دارویی در کتاب جامع ابن بیطار.....
۲۱	جدول ۳- آمار نام های گیاهان در کتاب صیدنه و مخزن الادویه.....
۲۲	۲- ۴- اثر برخوردها و یا تداخل فرهنگ ها در گوناگونی نام گیاهان دارویی..
۲۲	۳- ۴- نگاهی بر تحول نام های کهن گیاهان دارویی در کتب فوق و نتایج آن



۲۳	..... ۴ - ۴ - نکاتی در مورد نام ها
۲۴	..... ۵ - ۴ - منابع مورد استفاده کتاب
۲۸	..... فصل اول : نام های کهن گیاهان دارویی با ترتیب الفبایی زیر
۳۴	..... حرف الف
۷۰	..... حرف ب
۹۳	..... حرف ت
۱۰۰	..... حرف ج
۱۱۰	..... حرف ح
۱۲۷	..... حرف خ
۱۴۱	..... حرف د
۱۴۹	..... حرف ذ
۱۵۲	..... حرف ر
۱۶۰	..... حرف ز
۱۶۶	..... حرف س
۱۸۳	..... حرف ش
۱۹۴	..... حرف ص
۱۹۷	..... حرف ض
۱۹۹	..... حرف ط
۲۰۵	..... حرف ظ
۲۰۵	..... حرف ع
۲۱۸	..... حرف غ
۲۲۱	..... حرف ف
۲۳۱	..... حرف ق
۲۴۸	..... حرف ک
۲۶۵	..... حرف ل
۲۷۵	..... حرف م
۲۸۷	..... حرف ن
۲۹۳	..... حرف و

۲۹۶	..... حرف ه
۲۹۹	..... حرف ی
۳۰۲	..... فصل دوم : واژگان و نام های کهن در شناخت نام علمی
۳۰۵	..... ۱ - تعیین نام علمی گیاهان با استفاده از منشاء نام های کهن یونانی
۳۰۵	..... ۱ - ۱ - نگاهی به ریشه یونانی نام های علمی کنونی
۳۰۵	..... ۱ - ۲ - نگارش و آوانویسی درست حروف عربی ، فارسی ، سریانی ، بربری
۳۰۵	..... الف - نگارش حروف یونانی به حروف عربی ، فارسی ، سریانی ، بربری
۳۰۶	..... ب - نگارش حروف یونانی به حروف لاتینی
۳۰۷	..... ج - معرب حروف لاتینی حسب کتاب ابن بیطار
۳۰۸	..... ۳ - ۱ - فهرست نام های علمی با منشاء نام های یونانی
۳۲۲	..... ۲ - برگردان نام های لاتینی گیاهان به توسط ابن بیطار در قرن هفتم
۳۵۸	ضمیمه ۱ : فهرست نام های کهن گیاهان دارویی به ترتیب حروف الفبا.....
۴۴۴	..... ضمیمه ۲ : فهرست نام های کهن گیاهان دارویی در زبان های مختلف
۴۴۶	..... ۱ - نام های عربی و معرب
۴۸۱	..... ۲ - نام های فارسی و محلی
۴۹۳	..... ۳ - نام های یونانی ، لاتینی و رومی
۵۱۰	..... ۴ - نام های هندی ، سندی و بنگالی
۵۱۵	..... ۵ - نام های سریانی
۵۱۸	..... ۶ - نام های بربری و نبطی
۵۲۰	..... ۷ - نام های ترکی
۵۲۱	..... ۸ - نام های متفرقه
۵۳۴	..... ضمیمه ۳ : فهرست نام های علمی و انگلیسی
۵۳۶	..... ۱ - نام های علمی گیاهان دارویی به ترتیب حروف الفبا
۵۸۹	..... ۲ - نام های گیاهان دارویی به ترتیب خانواده
۶۴۲	..... منابع



## پیش سخن

در دو دهه اخیر استفاده از گیاهان دارویی به هر دلیل بیشتر شده است و کتاب‌های گیاهان دارویی بسیاری، با ارزش‌های علمی متفاوت و غالباً کم محتوا، چه در شناخت و چه در کاربری گیاهان دارویی تالیف یا ترجمه شده است. بررسی کتاب‌های گیاهان دارویی تالیفی و یا ترجمه‌ای بازار، همه حاکی از چند گیاه دارویی شناخته شده معمولی، با محتوای یکسان و برگردان و یا برگرفته از کتاب‌های معمولی گیاهان دارویی عرضه شده در پیشخوان سوپر مارکت‌های اروپایی و آمریکایی است و فاقد اعتبار و یا منابع علمی قابل ملاحظه‌اند. در حال حاضر بازار کتاب اشباع از این قبیل کتاب‌های گیاهان دارویی است و هر از چند گاه نیز کتاب‌های دیگری با همان محتوا، با شکل و نحوه تبلیغ تازه و با شرحی از فواید و خواص اغراق آمیز و معجزه آسای درمان با گیاهان محتوای آن‌ها انتشار می‌یابد. گذشته از این دسته کتب، کتاب‌هایی نیز با عناوین گیاهان دارویی سنتی، گیاهان شفابخش طب سینایی و از این قبیل، با ذکر نام گیاهانی که تقریباً در همه آن‌ها تکراری است و با مولفان مختلف و غالباً بدون ذکر منابع مورد استفاده، چاپ و عرضه می‌شود. انتشار این قبیل کتب، همراه با تبلیغات و ذکر شواهد درمانی گیاهان مذکور در آن‌ها و پیدایش موسسات گوناگون خصوصی، نیمه خصوصی و دولتی و همچنین نهادهای دست اندرکار گیاهان دارویی و تجارت آن، باعث ظهور خودجوش برخی تشکیلات مخفی و یا نیمه آشکار در خرید و فروش گیاهان دارویی شده است. عرضه انواع گیاهان با عناوین دارویی، در بسته بندی‌های رنگارنگ و یا بصورت عرقیات در سوپرمارکت‌ها و یا دکان‌هایی با نام‌های طب علفی همگی سبب شده‌اند تا افرادی بدون هیچ مدرک علمی خود را متخصص درمان بوسیله این گیاهان دانسته و با برپایی تابلوهای بزرگ و چراغ نئون، به تبلیغ بسیار گسترده و وسیع این دکان‌پردازند و ذهن برخی مردم بی اطلاع را با این تبلیغات غیر واقعی هدف سودجویی خود قرار دهند. متأسفانه هیچ کنترلی بر کار آن‌ها نیست و چنان بازار آشفته مخفی از کاسبی و تجارت گیاهان با عناوین دارویی (که اغلب مستقیماً از طبیعت برداشت می‌شوند) بوجود آمده است که هر سودجوی فرصت طلب و ناآشنا به طب و درمان و ناشناسای گیاهان دارویی خود را صاحب تجربه معرفی کرده و شیادانی نیز بساطی از گیاهان به عنوان دارویی و



طب سنتی گسترده، از اعتماد و باور خلق ساده و غالباً کم در آمد استفاده می‌کنند و چشم به کیسه بضاعت بیماران لاعلاج و بستگان مستاصل آن‌ها داشته باشند. ناگفته نماند موسسات علمی و پژوهشی و دانشگاهی یا غیر دانشگاهی و تحقیقاتی نیز وجود دارند که به کار تحقیق در خواص عصاره و ترکیبات و اثر گیاهان دارویی بدون هیچ تبلیغی مشغول هستند.

در حال حاضر بکارگیری تکنولوژی تهیه دارو از گیاهان و شناخت مولکول‌های موثر آن، باعث درآمدهای کلان کشورهای صاحب تحقیقات و تکنولوژی پیشرفته داروسازی شده است. این موسسات سالیانه ده‌ها میلیارد دلار فقط صرف تحقیقات این کار می‌کنند. همچنین موسسات کارتل‌مانندی برای تهیه دارو از گیاهان و تجارت آن در گوشه و کنار جهان وجود دارد. و هر روز مولکول‌های موثری در گیاهان کشف و برای ساخت (کپی) آن الگو برداری می‌شود و با تغییر مولکول‌های همین گیاهان گرانتترین داروها را می‌سازند. مقایسه بهره‌ناچیز و روش ابتدایی و قدیمی ما از این گیاهان، نسبت به استفاده کلان اقتصادی همراه با تکنولوژی پیشرفته از گیاهان دارویی در دیگر کشورهای جهان که از نظر غنای این ثروت خدادادی در حد ما نیستند نشان از اتلاف آشکار این ثروت عظیم کشور دارد و بسیار جای تاسف است، و تاسف بیشتر برداشت غیر مسئولانه این گیاهان به طور انبوه از محیط است که باعث انهدام و انقراض آن در طبیعت می‌گردد، و خود فاجعه‌ای است نامعقول در هدر رفتن ثروت ملی و برهم خوردن شرایط تعادل زیست محیطی کشور، و این در حالی است که بهره‌گیری درست آن می‌تواند جای در آمد نفت را بگیرد. اگر مسئولان کشور از هم اکنون به نتایج این برداشت‌ها از طبیعت توجه نکنند، در آن صورت باید پاسخگوی نسل‌های آینده باشیم که بی شک فرهیخته‌تر از ما هستند.

استفاده از گیاهان دارویی در ایران سابقه چند هزار ساله دارد و گذشته از دوران کهن در دوران اسلامی آثار گرانبهایی از دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی در سرزمین ما جا مانده است. برخی از این آثار در یکی دو قرن اخیر، به زبان‌های اروپایی ترجمه گردیده است. به هر حال این حدیثی از سابقه درخشان کاربرد گیاهان دارویی و فرهنگ گذشته ایران است. و اکنون باید متناسب با پیشرفت علم و تکنولوژی از گیاهان دارویی بهره گرفت و اگر کسی ادعا کند در عصر حاضر هم باید از همان روش و شیوه بزرگان علم

طب گذشته ایران (همچون روش بوعلی سینا که به طب سینایی معروف است) از گیاهان دارویی استفاده کرد، بی شک در خواب قرون باقی مانده است. البته جای شک نیست که توجه به تجربه نسل‌ها در استفاده از گیاهان دارویی که پایه دانش این بزرگان را تشکیل می‌داد، امروزه نیز بسیار ارزشمند است. اما پرسش اینست اگر پورسینا (بنا به فرض) امروز هم می‌بود باز همان تجویز ده قرن پیش خود را داشت؟! که بسیار بعید است.

در هر صورت طرح عناوین استفاده از گیاهان دارویی با همان تجویز طبیبان و بزرگان علم پزشکی قدیم در واقع بهانه‌ای برای این مدعیان جهت برداشت گیاهان از طبیعت نیمه خشک ایران و دستبرد به این میراث طبیعی کشور و انهدام آن‌ها است. این مدعیان که حتی نام گیاهان مورد کاربرد این بزرگان را نمی‌دانند، با عنوان نمودن استفاده از روش آنها، نه تنها به ساحت علمی این مفاخر طب گذشته ما بی احترامی می‌کنند بلکه برای جامعه علمی ما در این روزگار پیشرفت سریع علم و توسعه تکنولوژی حقارت آمیز و بازگشت به قرون گذشته و تحقیر عقب ماندگی درخنده دار کردن فرهنگ علمی حال و گذشته است. متأسفانه در این ماجرای ناخوشایند گاهی برخی با عنوان پزشک و داروساز و حتی با عناوین عضویت در دانشگاه‌های کشور به نحوی با آن‌ها مشارکت دارند.

در سال ۱۳۷۰ که تب کاربرد گیاهان دارویی با عنوان درمان با روش طب سنتی تقریباً بالا گرفته بود و انواع بسته بندی گیاهان دارویی، با تبلیغات وسیع در هر داروخانه و سوپر مارکت و حتی خواربار فروشی‌ها و بالاخره در بازارهای دارویی فروخته می‌شد. محققان و اعضای هرباریوم مرکزی دانشگاه تصمیم به بررسی محتویات این بسته‌ها و مطابقت آن با نام روی بسته‌ها گرفتند. متأسفانه در همان ابتدای بررسی معلوم شد که محتوای بسته‌ها با نام علمی آن‌ها مطابقت ندارد و خواص قید شده نیز مربوط به آن‌ها نیست و در مواردی حتی گیاهان خرد شده داخل بسته‌ها ناشناخته بود. نتیجه مقدماتی این بررسی‌ها سبب شد تا بررسی دقیق آن موضوع طرح تحقیقاتی رساله کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی گیاهان دارویی بازار و عطاری‌ها" باشد و به عهده دانشجویی که سابقه‌ای در موسسه تحقیقات گیاهان دارویی داشت قرار گیرد. مقایسه بررسی محتویات بسته بندی‌های جمع آوری شده از بازار با اقلام خریداری شده با همان نام از عطاری‌های سنتی، نه تنها یکی نبود، بلکه با نام علمی آن‌ها نیز در بیشتر موارد مطابقت

نداشت و غالباً دو چیز متفاوت بود. نتیجه آماری این بررسی‌ها بسیار هشدار دهنده و نشان از آشفتگی این بازار بود. لذا بررسی آشفتگی و هرج و مرج بازار گیاهان دارویی، موضوع رساله کارشناسی ارشد دیگری شد تا اولاً معلوم شود نام گیاهان دارویی مورد شناسایی مثلاً بوعلی سینا یا ابن بیطار و دیگران در گذشته چه بوده است و چگونه و با مراجعه به چه منابعی تهیه کنندگان این بسته بندی‌ها آن نام‌ها را روی بسته بندی‌های تهیه شده خود گذاشته‌اند و همچنین منشا نام‌هایی را که عطاری‌ها معمولاً سینه به سینه می‌شناخته و می‌شناسند چیست. پس از سه سال کار روی روش‌های تطبیق نام گیاهان دارویی که در حد یک رساله کارشناسی ارشد بود، به این نتیجه رسیدیم که برای دستیابی به روش تطبیق نام‌های کهن گیاهان دارویی با نام‌های علمی آن‌ها که حداقل ۲۳ قرن سابقه مکتوب دارد. می‌باید کاری چند ساله را شروع کرد. خوشبختانه کار پژوهشی سه ساله آقای احمد رضا اخوت برای مسائل مقدماتی این تحقیق آماده شد و با ادامه این پژوهش اکنون ایشان اصلی‌ترین همکار و شریک شایسته این تحقیق می‌باشند. ضمناً می‌باید از سرکار خانم دکتر فریده عطار که در تمام موارد تطبیق نام‌های علمی و جدا نمودن مترادف‌ها و پژوهش نظام یافته در طبقه بندی موضوع کتاب با ما همکاری مداوم داشتند و از استاد فاضل و دانشمند جناب آقای دکتر موسی ایرانشهر که همیشه راهنما و همکار و مشوق این تحقیق بودند تشکر نمایم، همچنین از عضو دیگر هرباریوم مرکزی دانشگاه آقای مهندس کاظم مهدیقلی که تجربه فراوان در کار گیاهان دارویی و شناخت بازار آن داشته‌اند و از آقای دکتر غلامرضا امین که مشاور آقای احمد رضا اخوت در تهیه رساله کارشناسی ارشد بوده‌اند و از همه عزیزانی که ما را در این پژوهش همراهی نموده‌اند، صمیمانه تشکر نمایم

احمد قهرمان

## مقدمه

نام هر کس یا هر چیز معرف هویت آن است. همه چیز با نام شناخته می شود. لفظ یا کلمه «نام» در هر زبانی ریشه عمیق در پیدایش تمدن و تشکیل هر جمعیت دارد. با آنکه نام‌ها در جوامع بدوی و کهن تاریخ، مفهوم گسترده کنونی را نداشته و آواهای ساده بیش نبوده‌اند، ولی افراد خانواده های ابتدایی تاریخ و یا جمعیت‌های قبیله مانند انسان‌های اولیه، با همان «آواهای نام گونه» یکدیگر و موجودات و اوضاع اطراف را می‌شناختند و مثلاً متوجه می‌شدند هر آوا نام کدام حیوان درنده و یا بی‌آزار و پرنده یا خرنده است و یا نام، مربوط به گیاهی خوراکی، سمی، بدطعم و نامطبوع است و یا به عوامل محیطی و اوضاع اطراف مربوط می‌شود.

نامگذاری‌های اولیه به هر ضرورتی و به هر دوره‌ای که مربوط باشد، آغاز راه انتقال آگاهی‌ها و ارتباط بین افراد خانواده‌ها و قبیله‌های بدوی بوده است.

شاید آغاز تکلم و ارتباط آوایی بین انسان‌های روزگاران کهن و ما قبل تاریخ همین «آواهای نام گونه» بوده است. تاریخ پیدایش نام و نامگذاری و بررسی آن نیاز به تخصص زبان شناختی و شناخت جوامع اولیه انسانی دارد که در هر صورت خارج از تخصص ما است. اما همین آواهای نام گونه احتمالاً در جریان توسعه و پیشرفت جوامع اولیه در، مکان‌های مختلف جهان و پیدایش زبان در تمدن‌ها موثر بوده است. نام‌ها با پیشرفت فرهنگ در تمدن‌های پراکنده جهان به تدریج مفهوم عمیق و گسترده پیدا نمودند و بدیهی است در زبان‌های متفاوت، هر شئی یا هر موجودی با ماهیت واحد نامی شناخته شده در آن تمدن و فرهنگ پیدا کرد و در عین حال نسبت به تعالی تمدن و زبان آن جمعیت، نام تداعی کننده بسیاری از خصوصیات و حتی ذات اصلی صاحب آن شد. در جهان کنونی نام اصلی‌ترین معرف هر چیز و هویت هر کس و تغییر ناپذیر است. با پیشرفت سریع و همه جانبه علوم در زمینه‌های مختلف، به ویژه علوم طبیعی و تجربی، وجود نام‌های گوناگون یک گیاه یا یک حیوان در زبان‌های متفاوت جهان، انتقال آگاهی‌های علمی و نشر دانش و پیشرفت جهانی علم را مشکل می‌نمود. لذا دانشمندان علوم طبیعی (به ویژه لینه پدر نامگذاری علمی) از قرن هیجدهم به بعد با طرح قواعد علمی نامگذاری (نوموکلاتور) و اصول رده بندی موجودات و تعریف گونه



به عنوان واحد رده بندی، باعث شدند تا، نام علمی و اصول نامگذاری برای گیاهان و جانوران و دیگر واژگان به مجامع علمی ارائه گردد. در عصر ما نیز هر چند سال یک بار کنگره ای با حضور دانشمندان جهانی این علم در یکی از کشورهای جهان برای نامگذاری علمی و تعیین "کد"های آن با عنوان مجمع جهانی (نوموکلاتور) معروف است.

اما نام های کهن گیاهان دارویی که خارج از این قواعد قرار دارد و تطبیق آن با نام های علمی و یا معادل که موضوع کتاب حاضر است در زبان های قومی و قبیله ای و تمدن ها و فرهنگ های سرزمین های مختلف سوابق چند هزار ساله دارد و در طول تاریخ با برخورد تمدن ها و بروز جنگ ها از زبانی به زبان دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر وارد و در این تداخل گاه چنان دچار سایش از گویش های قومی قرار گرفت و در پوششی از خاکستر قرون و ابر زمان فرو رفت که دست یابی به واقعیت و منشاء آن اگر ناممکن نباشد بسیار مشکل است.

البته از همان آغاز مشکلات این پژوهش برای ما کاملاً محسوس و معلوم بود و ما با وقوف به آن با جمع آوری تمام منابع موجود مانند کتاب های خطی و مراجعه به کتابخانه های معتبر، مانند کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه آستان قدس رضوی و مطالعه فهرست کتاب های کتابخانه مجلس و مطالعات منابع دیگر را آغاز کردیم و رده بندی کتاب ها و منابع خارج از ایران را برای هر قرن قبل و بعد از میلاد مسیح و دوران اسلامی تا قرن حاضر آغاز نمودیم و نام گیاهان دارویی را در متون مختلف از زبانی به زبانی دیگر غربال کردیم تا بتوانیم در حد امکان به نام اصلی و اولیه گیاه نزدیک شویم و از تغییرات آن در برخورد تمدن ها و تداخل فرهنگ ها به ویژه فرهنگ شرق و غرب در هر قرن آگاه گردیم و برگردان نام ها را نیز در زبان های این دوره ها از نظر دور نداریم و به شرح گیاهان در متون مختلف که غالباً غیر علمی و نا مفهوم و عجیب با نام گیاه بوده است دقت کردیم و برای فهم آن گاه به رمزگشایی واژگان در شرح ها پردازیم و در جریان این پژوهش گاه ناچار به ترجمه بخش بزرگی از کتب قدیمی و یا تمامی آن کتب دارویی بشویم، از آنجمله برگردان تمامی متن کتاب تفسیر دیسکورید و تنقیح الجامع ابن بیطار در متن این کتاب است که جا به جا دیده می شود. فهرست بقیه منابع مورد استفاده در پایان کتاب ذکر شده است.

## تاریخ شناخت گیاهان دارویی

آغاز شناخت گیاهان دارویی تمدن یونان و رم / غرب قدیم  
اگر از دوران ماقبل تاریخ بگذریم تاریخ کهن شناخت گیاهان دارویی به عهد عتیق و به دوران ارسطو بر می‌گردد.

ارسطو (۳۳۰ ق.م) اولین کسی است که آثار و مطالبی مکتوب مربوط به شناخت گیاهان دارد. البته قبل از او در آثار کهن مصر (حدود ۲۶ قرن ق.م) در «پاپیروس»ها (*Papyrus*) و «ابرز» (*Ebers*) مطالبی از گیاهان با شرح خاصی از موارد استفاده از آن‌ها باقی مانده است. ولی ارسطو نخستین اندیشمندی است که از رشد و نمو گیاهان، ماده سازی و از تفاوت آن‌ها و چگونگی استفاده آن‌ها از مواد خاک [سیاه خاک] مطالبی نوشته است. نوشته او بدون هیچ مبنای علمی تا چندین قرن بعد از او مورد قبول همه بود و حتی تدریس می شد.

«توفراست» یا «توفراستوس» شاگرد ارسطو که در سالهای ۲۵۸-۳۷۰ قبل از میلاد طیب بود [و بعدها به او پدر گیاه‌شناسی گفته‌اند]، علاوه بر آن که پیرو فلسفه استاد خود ارسطو بود تحت تأثیر نظریات «پلاتو» (*Plato*)<sup>(۱)</sup> استاد ارسطو نیز قرار داشت. او رده بندی بسیار ابتدایی از روی ریختار یا قیافه [*Habit*] گیاهان، چرخه رشد، یک ساله یا چند ساله بودن، شکل گل آذین و نحوه رشد آن و همچنین وضع گلبرگ‌های گل‌ها در کتابی به نام «هیستوریا پلانتاروم» (*Historia Plantarum*) بر مبنایی مبهم و ناشی از استنباطات خود، دارد. او بر این مبنای تفکر ۴۸۰ گیاه را در کتاب مزبور رده بندی نمود که اساس آن کاملاً دور از حقیقت و واقعیت است. متأسفانه این نظر از ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تا قرن ۱۸ ماخذ و مبنای نگارش کتاب‌ها و آثار بسیار دیگر بود. توفراست به مقتضای شغل خود از گیاهان برای درمان استفاده می‌کرد. [متأسفانه آثاری در این مورد از او باقی نمانده است]

بعد از توفراست باید از بقراط یا «هیپوکرات» (*Hippokrates*) بزرگ‌ترین پزشک جهان باستان و هم عصر توفراست (۱۳۱ ق.م) نام برد که ادامه مکتب او بعدها منجر به مکتب طب جالینوسی شد. از این دانشمند که از گیاهان برای درمان استفاده می‌کرد مطالب و آثاری از نحوه درمان با گیاهان دارویی و یا توسط مواد گیاهی باقی مانده است.

بعد از این دانشمندان عهد عتیق می‌باید در سال‌های ۷۹ تا ۲۳ بعد از میلاد مسیح از «پلینی کهن» یا از «کارینوس پلینوس سکوندوس» (*Gaius Plinius Secundus*) یاد کنیم. او مجموعه آثاری در ۳۷ جلد به نام «تاریخ طبیعی» حاوی دانش‌ها و اطلاعات عصر و زمان خود دارد. ۹ جلد از مجموعه آثار او مربوط به گیاهان دارویی است که متأسفانه همه مطالب آن‌ها غیر واقعی و دور از حقیقت است. و جای تأسف است که تا قرن‌های بعد، یعنی تا پایان قرون وسطی آثار او سایه‌ای سنگین و تاریک بر بروز و ظهور آثار

علمی گیاه شناختی انداخته و سبب رکود این علم شده بود.

در همین عصر می‌باید از «دیوسکورید» [پدانیوس دیوسکوریدس] (*Pedanius Dioscorides*) طبیب و جراح، به ویژه جراح و طبیب ارتش روم در زمان نرون (در سال‌های ۷۵-۴۵ بعد از میلاد مسیح) اشاره کنیم که پس از ثاوفراست، مشهورترین دانشمند در شناخت گیاهان دارویی دوران عتیق است. دیسکورید چون جراح ارتش امپراتوری روم بود همراه با ارتش مهاجم روم مسافرت‌های بسیاری به خارج از روم داشت. و از موقعیت این سفرها توانست از خواص گیاهان دارویی متداول در نقاط مختلف جهان آن روز اطلاعات فراوانی کسب کند و مجموعه اطلاعات و دانسته‌های خود را در کتابی معروف به نام «ماتریا مدیکا» (*Materia Medica*) که شامل شرح و خواص حدود ۶۰۰ گیاه دارویی است بنویسد. بعدها او با افزودن تصاویر جالب بر این کتاب کاربرد و معرفیت آن را بالا برد. نام ماتریا مدیکا [کتاب او] بتدریج کم رنگ و به نام خود او [دیسکورید] معروف شد. این کتاب در طول ۱۵ قرن به چنان شهرتی رسید که فقط گیاهان ذکر شده در آن اعتبار دارویی داشتند.

معروف‌ترین نسخه این کتاب پس از سال‌های طولانی از تاریخ انتشار آن، برای «جولیان» (*Juliana*) دختر امپراطور وقت روم «فلایوس اولی بریوس آنیئوس» (*Flavius Olybrius Anieius*) تهیه شد. نسخه‌های کلیشه‌ای این کتاب امروزه در کتابخانه‌های دنیا و نسخه اصلی و خطی آن در وین وجود دارد. در مورد این کتاب باید گفت با آن که خواص هر گیاه ذکر شده در آن فاقد هرگونه واقعیت علمی و پر از مطالب غیرواقعی است ولی تا یک قرن پس از هزاره میلاد مسیح همه آثار و کتب مربوط به گیاهان دارویی انتشار یافته در غرب غالباً ترجمه‌ای از دیسکورید و یا برگرفته از آن بود که ذکر همه آنها باعث اطاله مطالب ما است.

### پیشگامان و نامداران دانش شناخت گیاهان دارویی در شرق

هزاره اول میلاد مسیح دوران طلوعه دانش گیاه‌شناختی در شرق است که تاریخی جدا از غرب دارد و با جنبه‌های کاربردی در درمان و تهیه داروهای گیاهی و مواد پزشکی معمول در شرق مشخص می‌شود. اما در عین حال بخشی از آن متأثر از شیوه‌های درمان غرب آن روز به ویژه روش دیسکورید و بخش عمده آن خاص شرق است. متأسفانه همه آگاهی‌ها و آشنایی‌ها به خواص داروها و گیاهان دارویی و همه دانستنی‌ها در مورد این گیاهان در شرق به علت عدم نشر آن‌ها [نسخه‌برداری‌های مکرر یا چاپ]، در داخل قوم‌ها و قبایل دور از هم سرزمین‌های شرقی و در سینه طبیبان، به صورت بسته و محدود باقی ماند و کمتر از آن خارج شد. بشریت وقتی در پژوهش‌های خود از این تجربیات گران قیمت قومی اطلاع یافت که جنگ‌هایی بین تمدن‌های ایران و روم، ایران و یونان و ایران و مصر و هندوستان و چین و سایر تمدن‌های آن روزی پیش آمد و موجبات تبادل اطلاعات و آگاهی از خواص گیاهان دارویی در بین این تمدن‌ها فراهم شد. مؤید این نظر، ریشه‌های متفاوت اسامی گیاهان دارویی است که گاه ایرانی و حتی محلی و قومی، گاه یونانی، عربی، هندی و یا چینی و غیره است. این اسامی به مرور زمان در هر کشور و در بین هر ملتی بر حسب زبان و حتی گویش‌های آنها غالباً دچار تغییرات متفاوت کم و یا زیاد کلامی شدند و اسامی تغییر یافته به سرزمین‌های دیگر یا حتی سرزمین منشاء منتقل گردید. در سرزمین ما متأسفانه در لشکرکشی اسکندر و حمله اعراب کتابخانه‌ها دوبار دچار آتش سوزی و انهدام شدند و همچنین کتابخانه مشهور اسکندریه در آتش سوزی عمدتاً نابود شد و بیشترین منابع و آثار و کتاب‌های

جمع آوری شده در آن سوخت و خاکستر شد، بدین ترتیب سوابق گیاهشناسی شرق کهن در دو تمدن ایران و مصر بر اثر این آتش سوزی‌ها فاقد هرگونه مدارک دیرینه شناخت گیاهان دارویی و خواص آن‌ها گردید. متأسفانه بعدها نیز بر اثر تخریب قلاع فرقه اسماعیلیه و آتش زدن کتابخانه‌های آن به وسیلهٔ هلاکوخان مغول، بقیهٔ آثار مکتوب گیاهان دارویی که توسط این فرقه جمع آوری شده بود از میان رفت.<sup>(۱)</sup>

آغاز کاربرد وسیع گیاهان دارویی و رونق و گسترش آن در کشورهای شرقی به خصوص در دوره اسلامی به زمانی که شرق به کارها، نوشته‌ها و ترجمه‌های آثار بقراط، جالینوس و کتاب‌های دیوسکورید و پلین کهن و دیگران دسترسی پیدا نمود مربوط می‌شود. زیرا کارها و آثار این دانشمندان یونانی مستقیماً از طریق سوریه به شرق رسید و در اوایل قرن سوم میلادی در «بیت الحکمة» به عربی ترجمه شد. «بیت الحکمة» در سال ۳۳۲ هجری مطابق با ۸۴۷ میلادی، بوسیله «المأمون» خلیفه عباسی در بغداد تأسیس شده بود و به وسیلهٔ جانشینانش به خصوص «المتوکل» مورد حمایت و توجه بیشتر قرار گرفت. منابع ترجمه شده «بیت الحکمة» توسط پزشکان این دوره و پزشکان ادوار بعدی، چه به صورت نظری و چه به صورت عملی مورد استفاده قرار گرفت و بسیاری از اسامی یونانی گیاهان دارویی معرب شد. برخی اطلاعات مکتوب و ترجمهٔ این آثار، یکی از منابع اصلی و مهم مورد استفاده و استنباط پزشکان و داروسازان ایران، عرب، یهود، مسیحی و غیره را تشکیل داده است. کتاب گیاهان یا «الحشایش» یکی از مهم‌ترین ترجمه‌های این منابع است که در واقع همان ترجمه «ماتریا مدیکا» دیوسکورید است و از آن زمان و حتی تا همین اواخر به عنوان طب سنتی همیشه مورد استفاده قرار می‌گرفت و هنوز هم از آن استفاده می‌گردد. ترجمه «ماتریا مدیکا» در واقع توسط «استفان بن بسیل» با کمک استادش «حُنین بن اسحاق» که پزشک و مترجم بود صورت گرفت. در کتاب الحشایش شرح حدود ۶۰۰ گیاه که عمدتاً مربوط به نواحی مدیترانه هستند مذکور است و اسامی آن‌ها به زبان‌های دیگر نیز آمده است یکی از ویژگی‌های این کتاب ذکر اختصاصات «ریخت شناختی» گیاهان دارویی است و خواص پزشکی آن‌ها نیز ذکر گردیده است.

«علی ابن سهل ربن طبری» در سال ۲۳۶ هجری برابر با ۸۵۰ میلادی کتاب «فردوس الحکمة» را به نام «المتوکل» خلیفه عباسی تدوین نمود. او در این کتاب ۲۰ گیاه جدید و مواد گیاهی را که دانشمندان یونانی نمی‌شناختند، با نام‌های فارسی و عربی ذکر می‌کند و بر آنچه دانشمندان یونانی نام برده بودند می‌افزاید.

از دیگر دانشمندان مهم عرصهٔ گیاه شناختی دارویی، می‌باید از «یوحنا بن ماسویه» پزشک و گیاه‌شناس ایرانی و یکی از آخرین استادان و پزشکان نامی دانشگاه جندی شاپور (به وسیله خسرو نوشیروان بنا شده بود) در سال ۲۴۳ هجری برابر با ۸۷۵ میلادی نام برد. کارهای علمی و کتاب «معرفی نامه داروهای گیاهی» این دانشمند و دیگر پزشکان هم عصر او مانند «عیسی بن ماسه» در سال ۲۵۷ هجری مطابق با ۸۸۸ میلادی و همچنین «ابوزید ازجانی» و برخی دیگر کاملاً از بین رفته و نابود شدند. از اهمیت کارهای ارزشمند این دانشمندان همین بس که پزشکان و دانشمندان بعد از آن‌ها در آثار خود

۱- فرقه اسماعیلیه با صدور گیاهان دارویی به نقاط مختلف ایران و کشورهای جهان آنروز نوعی تجارت مخفی برای رفع نیازهای مالی پیروان خود در نواحی مختلف داشت و به همین علت به آن‌ها «حشاشیون» می‌گفتند. این نام به علت ترورهایی که افراد این فرقه مرتکب می‌شدند بعدها در غرب به اساسین یا تروریست مشهور شد.



اشاراتی بر کارهای ارزنده آن‌ها دارند و در برخی از تألیفات خود از کارها و آثار این دانشمندان با اهمیت خاصی نام می‌برند از جمله این دانشمندان «ابن بیطار» است که در کتاب خود معروف به «الجامع لمفردات الادویه والتغذیه» از کارهای «یوحنا» که یکی از قدیمی‌ترین کارهای ارزنده در ایران است و در آن بیش از ۲۹ رقم از گیاهان دارویی و مشتقات آن‌ها و برخی از گیاهان معطر که ارقام جدیدی در آن زمان بوده‌اند و در آثار یونانی‌ها و پزشکان اسلامی دیده نمی‌شود، نام می‌برد.

یکی از دانشمندان نامی ایران «محمد بن زکریای رازی» است. این دانشمند بزرگ ایرانی (سال‌های ۲۵۰ تا ۳۱۳ هجری قمری مطابق با ۹۲۵ تا ۸۶۴ میلادی) نه تنها در کارهای مربوط به گیاهان دارویی مطالعات عمیق داشته است بلکه نخستین دانشمندی است که تمام کارهای فارماکولوژی و همه واژه‌هایی که تا آن زمان چه از دانشمندان غرب و چه از دانشمندان شرق باقی مانده بود را مورد مطالعه و بحث قرار داد و دایرة المعارفی در درمان شناسی به نام کتاب «الحاوی فی الطب» و کتاب خلاصه پزشکی، به نام «المنصوری» و کتاب دیگری به نام «منافع لاغذیه و دفع مضارها» را نوشت. این کتاب‌ها و بقیه آثار او مخزن و مرجع مهم اطلاعات گیاه شناختی برای نسل‌های متمادی در شرق و غرب بوده است. آثار این دانشمند به زبان‌های دیگر به ویژه به زبان لاتینی نیز ترجمه شده و در کتابخانه‌های دانشگاه‌های غرب و حتی کتابخانه‌های کلیساهای معروف جهان باقی مانده است «محمد بن زکریای رازی» حدود ۶۳۰ گیاه را که مصرف پزشکی و دارویی دارند در بخش بیست و یکم کتاب «الحاوی» ذکر می‌کند.

«علی بن عباس مجوسی اَرْجانی» از دیگر دانشمندان عالیقدر ایرانی است که پزشک مخصوص عضدالدوله بود. او در کتاب «کامل الصناعات الطبییه»، خود را شاگرد «ابوماهر موسی بن یوسف بن سیار مجوسی» معرفی می‌کند. جالب‌ترین بحث این کتاب آن است که «اَرْجانی» در آن از پزشکان یونانی و مقلد اسلامی آن‌ها انتقاد کرده و به نظر او بسیاری از نظرهای فارماکولوژی و به ویژه نام گیاهانی که آن‌ها در کشورهای شرقی نامبرده‌اند قابل تشخیص و شناسایی نمی‌باشد. او شیوه‌های مداوا را که خود به کار می‌برده است، در این کتاب شرح داده و از داروهایی نام می‌برد که قبلاً مکرر به وسیله پزشکان پارسی و عراقی تجربه شده و به کار می‌رفته است. «اَرْجانی» در این کتاب بسیاری از داروهای ذکر شده به وسیله پزشکان یونان قدیم را مردود می‌شناسد. او می‌گوید پزشکان فارسی و عراقی آن‌ها را مصرف نمی‌کنند. در کتاب و آثار مجوسی حدود ۳۳۳ گیاه و مشتقات گیاهی دیده می‌شود که شرح مختصر آن‌ها تقریباً همان شیوه شرح جالینوسی است. از ارزنده‌ترین آثار مجوسی نوعی رده بندی گیاهان دارویی در کارهای او است که کار شناسایی این گیاهان را عملی و آسان می‌سازد. او در واقع اولین بنیانگذار رده بندی نوع «کیمیاو تاکزونومی» است. زیرا طبق خواص گیاهان، آن‌ها را به ۱۳ گروه و یا طبقه تقسیم کرده است مانند:

- ۱ - سبزیجات (بقول) نظیر بادرنجبوه، (*Melissa officinalis*)، ریحان یا «بارزوج» (*Ocimum Sp.*) اسفناج (*Spinach*)
- ۲ - علفیها یا «حشایش» مانند «برنجاسف» یا درمنه (*Artimisia Vulgaris*)، شاهتره (*Fumaria Sp.*)، بادآورد (*Volutarella divaricata*)، پرسیاوشان (*Adiantum capillus veneris*) و غیره
- ۳ - گیاهانی که بذیشان مصرف می‌شود، مانند پنچ انگشتی (*Vitex angus-castus*)، سیاهدانه (*Nigella*)

- ۴- گیاهانی که دانه‌های مصرفی دارند (حبوب)، مانند «ماش» (*Vicia*) «کاکنج» یا عروسک پشت پرده (*Physalis alkekengi*)
  - ۵- سبزیهایی که میوه‌هایشان مصرف می‌شود (سماز)، مانند بادمجان (*Solanum melongena*)، بطیخ هندی یا هندوانه (*Citrulus vulgaris*) و غیره.
  - ۶- درختان بلند و درختچه‌ها، که شامل درختان باغ و درختان کاشته شده با میوه‌های خوراکی هستند، (شجر) نظیر فندق «فتق» یا پسته، گردو، نارگیل، انجیر و غیره
  - ۷- درختان وحشی که میوه آن‌ها قابل استفاده نیست، چون «گازمارچ» یا گز (*Tamarix*)، سپستان<sup>(۱)</sup>، شاه بلوط<sup>(۲)</sup> و غیره.
  - ۸- گیاهانی که گل‌هایشان مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند: نسترن (*Rosa sp.*)، نیلوفر آبی (*Nymphaea*) و بید مشک (*Salix aegyptica*) و غیره.
  - ۹- گیاهانی که برگ‌های مورد مصرف دارند، مانند آزاد درخت<sup>(۳)</sup>، سرو و زرین درخت.
  - ۱۰- گیاهانی که پوست و ریشه قابل استفاده دارند، مانند «پهن» (*Centaurea behen*) نوعی گل گندم، دیودار، سورنجان (*Colchicum*) و غیره.
  - ۱۱- گیاهانی که بن (ریشه، غده، پیاز و ریزوم) قابل استفاده دارند، مانند بصل یا پیاز، سلجم یا شلجم و غیره.
  - ۱۲- گیاهان روغنی که از آن‌ها روغن می‌گیرند (دهن)، مانند یاس زنبقی (*Jasminum sambac*)، بالسان<sup>(۴)</sup> یا بالم و غیره.
  - ۱۳- گیاهانی که انواع صمغ‌ها را از آن‌ها می‌گیرند، مانند «افیون» (*Opium*)، اندروت (*Sarcocolla*) کهربا (عنبر زرد) و نیل و غیره.
- «کتاب النبات ابوحنیفه دینوری»، (۲۸۳ ه.ق.) از جمله آثار ارزنده آن سال‌هاست. این کتاب دارای دو بخش یا دو قسمت متمایز است، بخش اول آن واژه‌شناسی (ترمینولوژی) عربی در موضوعاتی است که کم و بیش با گیاهان ارتباط دارد. دینوری در این قسمت از کتاب برای هر یک انواع گیاهان، فصل‌هایی جداگانه تخصیص داده است. در قسمت دوم کتاب او در کاربرد گیاهان، به ترمینولوژی عربی و نام‌های مترادف گیاهان توجهی خاص دارد. در قسمت اول و همچنین در فصل‌هایی از این کتاب در مورد قارچ‌ها و گیاهانی که در رنگرزی و عطرسازی به کار می‌روند و همچنین گیاهان دارای صمغ و گیاهان قابل استفاده در دباغی و گیاهانی که از الیاف آن‌ها برای تهیهٔ ریسمان، نساجی و یا موارد دیگر در صنعت استفاده می‌کنند، نام می‌برد. فهرست الفبایی این کتاب شامل یازده حرف یعنی از حرف «الف» تا حرف «ز» و شامل ۴۸۲ باب است که ۴۴۰ باب آن مربوط به گیاهان و واژه‌های گیاهی است. بقیهٔ باب‌های این کتاب به مترادف‌ها، منابع، موضوعات اصلی، اظهارنظرها و یادداشت‌های کوتاه مربوط می‌شود.
- م. حمیدالله - در واقع ویراستاری است که با افزودن ۱۴۵ باب به کتاب النبات، مجموع باب‌های آن

۱- سپستان *Cordia myxa* L. و انبوه *Cordia dicotoma* Boiss. دارای میوه با لعاب داروئی هستند و در تهیه چسب نیز از آن استفاده می‌کنند.

۲- شاه بلوط *Casanea sativa* Mill. دارای میوه خوراکی است.

۳- میوه و دانه‌های آزاد درخت یا چریش با نام علمی دارویی *Melia azadaracha* L. هستند و خاصیت حشره‌کش دارند.

۴- بالسام به ماده رزینی از گیاه *Abies balsama* (که در کانادا می‌روید) گویند.

را به ۶۳۷ باب که ۵۰۷ باب آن به گیاهان و ۱۳۰ باب به مترادف‌ها و منابع اختصاص دارد. «کتاب النبات» عمدتاً شامل گیاهان سرزمین‌های عربی و ضمناً حاوی اطلاعاتی چند از گیاهان غیر بومی و خارج از فلات و گیاهان ایرانی و نام‌هایی معادل برای نام‌های عربی است.

ابومنصور موفق هروی، (۳۰۷ هجری مطابق با ۹۸۰ میلادی) صاحب کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» از دیگر دانشمندان هم عصر با مجوسی است. به ویژه کتاب او اولین اثر فارسی در معرفی مواد پزشکی و تغذیه به شمار می‌آید. او ۴۵۰ گیاه و مشتقات آن را در کتاب خود معرفی کرده است. هروی در تألیف این کتاب معتقد است، تمام کتاب‌های فارماکولوژی یونانی و اسلامی پیشینیان خود را همراه با کارهای برخی از پزشکان هندی به دقت مطالعه کرده است. به همین علت کتاب او حاوی بسیاری از گیاهان دارویی با نام‌های هندی است که او آن‌ها را به نام‌های فارسی و یا معرب نام می‌برد. مانند اسامی فوفل، هل بویا، کبایه، قولنجان و زردچوبه و غیره.

«ابن سینا» (سال‌های ۳۷۰ تا ۴۲۸ هجری مطابق با ۹۸۰-۱۰۳۷ میلادی)، دانشمند و پزشک نامدار ایرانی که در غرب او را به نام «آویسینا» می‌شناسند و پس از انقراض تمدن یونان او را بزرگ‌ترین دانشمند جهان و به اشتباه عرب دانسته‌اند. (چون کتاب‌های او به عربی نوشته شده است) در جلد دوم کتاب «قانون فی الطب»، بیش از ۸۰۰ نمونه گیاه طبی و غذایی را نام می‌برد که از آن میان ۵۴۱ گیاه و مشتقات آن‌ها دارای توصیف کاربردی و صفات ریخت شناختی هستند. او اختلاف شکل و صفات گیاهان مشابه و یا نزدیک به هم را (برای اجتناب اشتباه آن‌ها از یکدیگر) با توجه خاصی در کتاب قانون توضیح می‌دهد و در مورد چگونگی استفاده از مشتقات گیاهان دارویی و کاربرد آن‌ها، با ترتیبی خاص، معین و نظام یافته به شرح و تفصیل آن‌ها می‌پردازد.

«ابوریحان بیرونی» (۳۶۲ تا ۴۴۰ هجری مطابق با ۹۳۷ تا ۱۰۴۸ میلادی)، این دانشمند نامی هم عصر ابن سینا مؤلف کتاب معروف «صیدیه فی الطب» است. کتاب صیدنه در نوع خود کتابی جامع و کامل است و در میان تمامی کتاب‌ها و نوشته‌های دانشمندان و فرهنگ‌های دوره اسلامی به عنوان اثری بی نظیر ذکر شده است. بیرونی با اطلاعات وسیعی که در شناخت گیاهان داشته است، با بهره‌گیری از کارهای مؤلفان بزرگ گذشته، به ویژه آشنائی با «ماتریا مدیکا» دیوسکورید و دانشمندان هم عصر خود و با گلچین نمودن و اخذ چکیده‌ای از آن‌ها و افزودن اطلاعات وسیع خود، کتاب «صیدنه» را تدوین و تألیف نمود. مواد پزشکی معرفی شده در صیدنه علاوه بر تمام مواد پزشکی موجود و شناخته شده قبل از او حاوی بسیاری از مواد پزشکی دیگری است که بیرونی خود بر آن افزوده است. در صیدنه به جز برخی مترادف‌ها (سینونیم) و ارجاع‌ها (رفرنس) حدود ۷۷۰ گیاه با مشتقات و صفات درمانی شرح داده شده است. اهمیت دیگر و منحصر به فرد صیدنه، فراوانی بی‌سابقه نام‌ها و اسامی معادل گیاهان است. بیرونی در صیدنه نه تنها نام‌های معادل زبان‌های سنتی (کلاسیک) زمان مانند یونانی، لاتینی، سیریاک، عربی، ایرانی و ترکی را به کار برده است. بلکه نام‌های موسوم در نواحی مختلف را با همان لهجه‌های محلی رایج عصر خود (مانند لهجه‌های بلخی، بخارایی، گرگانی، خوارزمی، سیستانی، بخارستانی و زابلی)، ذکر کرده و نام‌های هندی، سغدی را نیز جمع‌آوری نموده است. منظور بیرونی از ذکر نام‌های محلی همراه با نام‌های سنتی رایج، شناخت بهتر گیاهان دارویی و جلوگیری از اشتباهات متداولی بود که پیوسته از ترجمه نام‌های گیاهان از یک زبان به زبان دیگر مثلاً از سیریاک به عربی و یا از یونانی به سیریاک و عربی، از عربی به ایرانی و از ایرانی به زبان‌های دیگر پیش می‌آمد و مرتباً نیز در ترجمه‌ها

تکرار می شد. اگر به افزایش ورود گیاهان دارویی جدید و داروهای اخذ شده از آن‌ها در زمان بیرونی توجه کنیم، آن وقت به اهمیت و ارزش کار این دانشمندان در ثبت نام‌های محلی گیاهان دارویی در صیدنه آگاه خواهیم شد. بیرونی در تنظیم اسامی گیاهان در کتاب صیدنه از کتاب‌های لغت و مترادفات گیاهان که امروزه مفقود شده بهره گرفته است.

ضیاءالدین ابومحمد ابن بیطار المالقی معروف به ابن بیطار، متولد الماقه اندلس در نیمه دوم قرن ششم هجری معروف از دانشمندان بنام در شناخت گیاهان دارویی و درمان با این گیاهان است. ابن بیطار دارای کتاب «الجامع ابن بیطار» است. از دیگر آثار او «تفسیر دیسکورید» و «تنقیح الجامع» است. ابن بیطار در کتاب الجامع به نقد دانش شناخت گیاهان دارویی دانشمندان قبل از خود پرداخته و آن‌ها را نقد نموده است. ابن بیطار در اصل مدرس علم شناخت گیاهان دارویی به ویژه تدریس کتاب ماتریامدیکا دیسکورید و کتاب جالینوس در دمشق بود. او بسیار سفر می‌کرد و به زبان‌های عربی و یونانی تسلط کامل داشت و نام‌های یونانی را با همان تلفظ به شاگردان خود می‌آموخت. او وقتی گیاهی را در کتاب تفسیر دیسکورید نام می‌برد ولی خود آن را ندیده و نمی‌شناخته این عدم اطلاع و شناخت خود از آن گیاه را با صراحت یاد می‌کند.

قاسم ابونصر هروی مؤلف «کتاب ارشاد الزراعه» (سال ۹۲۱ هجری مطابق ۱۵۱۵ میلادی)، تقریباً اولین ایرانی است که علاوه بر ذکر گیاهان دارویی در این کتاب، به گیاهان کشاورزی و زراعی و درختان میوه نیز در کتاب خود توجه کرده است. در کتاب ارشاد الزراعه ۷۹ گیاه از غلات، سبزی‌ها، میوه‌ها، درخت‌ها، درختان زینتی، گل‌ها و گیاهان دارویی ذکر و شرح داده شده است. تحولی که در کتاب ارشاد الزراعه نسبت به زمان خود دیده می‌شود، پابندی هروی به مفهومی نزدیک به گونه یا نوع گیاه است که تا آن زمان تقریباً به طور مبهم وجود داشت. او گیاهان را به اقسام و جورهای (وارته‌ها) کاشته شده تقسیم کرده، سپس به تفصیل به شرح گیاهان کاشته شده که خود می‌شناخت می‌پردازد. هروی در نگارش شرح‌ها دقت خاصی که معرف دید علمی او است مبذول می‌دارد. مثلاً برای انگور نزدیک به ۱۰۰ وارته (کلتیوار) برای خریزه ۵۸، برای زردآلو ۳۳، برای گندم و سیب ۱۹، برای کدو ۱۴، برای هندوانه ۶ جور یا وارته ذکر می‌کند. بدیهی است وارته یا جورهایی که او برای این گیاهان شرح می‌دهد همان ارزش واحدهای تاکسونومی امروز را ندارد.

«محمد مومن تنکابنی» (۱۰۷۷ تا ۱۱۰۵ هجری مطابق ۱۶۶۷ میلادی)، حکیم و پزشک شاه سلیمان صفوی یکی از دانشمندان و شخصیت‌های برجسته تاریخ فارماکولوژی گیاهی ایران است. تنکابنی در کتاب خود به نام «تحفة المومنین» مواد پزشکی یونانی - اسلامی، را که بیشتر شامل گیاهان دارویی است، از منابع یونانی و اسلامی اخذ و بر آن مواد هندی را اضافه کرد و همه آن‌ها را با نتایج تجربیات و کشفیات خود تلفیق نمود و بر آن‌ها با نظم الفبایی شرح نوشت. این کتاب نزدیک به ۵۷۵۰ عنوان دارد و شامل ۱۵۲۰ باب اصلی است که ۹۴۰ باب آن به گیاهان دارویی و مشتقات آن‌ها تخصیص دارد. از ویژگی‌های دیگر کتاب تحفة المومنین وجود نزدیک به ۴۲۳۰ نام‌های مترادف و مشابه گیاهی از زبان‌های مختلف یونانی، عربی، عبری، سریانی و بعضی لهجه‌ها و گرایش مختلف خراسانی، اصفهانی، مازندرانی و گیلکی (خزری)، ترکی و هندی و غیره در آن است. شرح گیاهان در این کتاب گاه کوتاه و گاهی نیز نسبتاً مفصل است. به ویژه وقتی گیاه مورد شرح، شباهت نزدیک با گیاهی دیگر داشته و یا چند رقم (وارته) مختلف داشته باشد، معمولاً دارای شرح و تفصیل بیشتری است تا در شناخت آن اشتباه

پیش نیاید. تنکابنی یک محقق بود و برای دریافت و کسب اطلاعات بیشتر از گیاه مورد نظر، مبادرت به کاشت آن می نمود. او در شرح ریختار (مورفولوژی) گیاهان دقت خاصی داشت. به عنوان مثال او در شرح «جوز ماتل» (معادل عربی گیاه تاتوره)<sup>(۱)</sup> چنین می نویسد: «این گیاه هم وحشی است و هم کاشته می شود. ارتفاع یا قد آن به اندازه بوته بادمجان ولی برگ‌های آن کمی از بادمجان کوچک تر است. گل‌های آن سفید و شبیه گل نیلوفر ولی از آن کمی بزرگ تر است. میوه «جوز ماتل» به بزرگی گردو و مانند میوه‌های کوچک خاردار است. دانه‌های درون میوه مشابه دانه سماق و همان بخش مورد مصرف گیاه با طعم خوشمزه است». او همراه با شرح ریخت شناختی گیاه به تفصیل به شرح خواص دارویی گیاه می پردازد و سپس به نام‌های مترادف آن مانند جوز قائم، جوزماتا و دهاتورا (که نام هندی آن است) اشاره می کند.

محمد حسین عقیلی خراسانی (۱۱۸۳ هجری مطابق با ۷۰-۱۷۶۹ میلادی)، مؤلف آثاری ارزنده چون «مخزن الدویه» و «ذخایر التریب» است که مجموعاً به نام «قربادین کبیر» شناخته می شود. این دو کتاب عقیلی مجموعاً فرهنگ بزرگ و جامعی در موضوعات فارماکولوژی ایران تا آن زمان است. کتاب مخزن الدویه عقیلی تفصیلی نظام یافته (سیستماتیک) از کتاب تحفة المومنین تنکابنی است که عقیلی اطلاعات دیگری از منابع دیگر را که ظاهراً برای تنکابنی ناشناخته بود، بر آن افزوده است به طور مثال «الادویه القلبیه» ابن سینا و بعضی کارهای پس از تحریر تحفة المومنین و مواد پزشکی هندی را مانند «اکونیت» «بلادور» و «دیودار» و همچنین ذکر نظریات و مشاهدات و تجربیات شخصی نویسنده از این جمله‌اند. از ویژگی‌های کار عقیلی در تألیف این کتاب، به کارگیری نام‌های لاتینی و واژه‌های غربی است که با همان تلفظ غربی در آن آمده است. او نام‌ها و واژه‌های لاتینی و علمی را برای شناسایی و تشخیص بهتر گیاهان به کار می گیرد. به کارگیری نام‌های انگلیسی و علمی گیاهان دارویی توسط عقیلی توجه او را به کار دانشمندان انگلیسی که در آن زمان در هندوستان در امور فارماکولوژی و گیاه‌شناسی فعالیت داشته‌اند می‌رساند و نشانی از وجود نوعی نشر دانش در آن زمان است.

#### دینانس و آغاز تحول دانش شناخت گیاهان دارویی در غرب جدید

بعد از آثار این دانشمندان که در حقیقت دوران شکوفایی علم در شرق و عصر دوران فضای اندیشه باز اسلامی در مقابل فضای بسته تفکر قرون وسطی غرب (کلیسای اروپا) دارد. یکباره با پیدایش رنسانس و تحولات علمی در غرب، چنان جهشی در اروپا به وجود آمد که حتی کلیسا و کشیش‌ها هم به علم تجربی، به ویژه به شناخت گیاهان دارویی و به مطالعه و پژوهش خواص آن‌ها پرداختند. این گروه که عمدتاً همان حشاشین (هربالیست) غرب بودند برای درمان از گیاهان دارویی جمع‌آوری کرده از طبیعت استفاده می کردند و در بین همین هربالیست‌ها، دانشمندان و محققان بزرگی برخاستند که انتشار آثار آنان سبب اعتلای علمی غرب یا اروپا شد. این دوره، آغاز تجربه شناخت علمی گیاهان همراه با توصیف دقیق و همچنین آغاز شرح نویسی علمی برای انتقال بهتر آگاهی‌ها و دانسته‌ها از گیاهان بود و هر سال نیز این آگاهی‌ها فزونی می‌یافت. در سطور زیر روند توسعه دانش شناخت گیاهان دارویی را در غرب با ذکر آغازگران تحول این دانش،

۱- نام علمی تاتوره *Datura stramonium* و به احتمال زیاد *Datura innoxia* است.

شیوه‌های آنان در بهره‌گیری از گیاهان دارویی، به ویژه نحوه معرفی علمی این گیاهان توسط آن‌ها را یادآورد می‌شویم.

«آلبرت ماگنیوس» (*Albertus Magnus*)، این کشیش که در نوشته‌ها به «آلبرت بوستادت» بیشتر معروف است. در سال‌های ۱۲۸۰-۱۱۹۳ [بعد از ابن‌سینا و بیرونی در ایران] در بحران فکری قرون وسطی اروپا، در باره طب و تاریخ طبیعی و همچنین گیاه‌شناسی کتابی به نام رستنی‌ها [دو و ژتابلیس] (*De vegetabilis*) را نوشت. محتویات و نحوه نگارش این کتاب به خوبی نشان می‌دهد که آلبرت کبیر نیز تحت تأثیر شدید تئوفراست و دیگر دانشمندان و قدمای رم و یونان [مورد قبول کلیسا] قرار داشت و در عین حال برخی مشاهدات خود را نیز در این کتاب آورده است.

«اتوبرونفلس» (*Otto Brunfels*) (۱۴۶۴-۱۵۳۴م) این دانشمند ابتدا کشیش بود، بعد معلم شد و دومرتبه به کلیسا روی آورد و در آخر طبابت را انتخاب کرد. او برخی از گیاهان اطراف خود را جمع‌آوری نمود و به شناخت آن‌ها پرداخت و با شرح و تصاویر آن‌ها را منتشر کرد. شرح گیاهان در کتاب او بسیار ساده، عاری از هرگونه دیدگاه علمی است ولی حاکی از خواص درمانی، ارزش غذایی، طبخی، صنعتی و در واقع بیان ساده جنبه‌های کاربردی و برخی خواص غیر عادی و یا دارویی گیاهان است. برونفلس را در غرب پدر حشاشین یا طبیبان علفی (*Herbalist*) و درمان‌کنندگان با گیاهان طبیعی می‌شناسند. از کارهای برجسته او نگهداری نمونه‌های خشک کرده گیاهان جمع‌آوری شده بود و در واقع نخستین پایه‌گذار هرباریوم در جهان است. هرباریوم برونفلس مجموعه‌ای از گیاهان خشک شده، همراه با تصاویر بود و بیشتر گیاهان معرفی شده توسط تئوفراست، پلینی و دیوسکوریت را در برداشت. او در مورد این کار، کتابی به نام «هرباریوم ویواایکونس» (*Herbarium viva eicones*) را به چاپ رساند که از برجسته‌ترین آثار منتشر شده قرن شانزدهم اروپا (آلمان) است و شامل مطالبی در دسته‌بندی گیاهان گیاهان بی‌گل و گلدار است.

«والریوس کوردوس» (*Valerius Cordus*) از اهالی آلمان از حشاشیون (هربالیست‌ها) هم عصر اتوبرونفلس است (۱۵۴۴-۱۵۱۵ میلادی) کتاب «هیستوریا پلاتاروم» او علاوه بر داشتن نام ۴۴۶ گیاه دارویی، دارای شرح علمی و سیستماتیکی گیاهان است و ۲۰ سال پس از مرگ او چاپ شد.

«لئونارد فوکس» (*Leonard Fucsia*) از اهالی آلمان، از دیگر هربالیست‌ها است و کتابی در مورد گیاهان بویژه گیاهان دارویی به نام «دو هیستوریا استیپریوم» (*De historia stiprium*) دارد که در آن علاوه بر شرح نسبتاً مبسوط گیاهان تصاویر آن‌ها نیز برای شناسایی بهتر آنها دیده می‌شود. این کتاب یکی از ارزنده‌ترین آثار دوره رنسانس است.

گذشته از او در این دوره باید از «ویلیام تورنر» (*William turner*) انگلیسی (۱۵۶۸-۱۵۱۰ میلادی) و از «رابرت دو دوننس» (*Rambert Dodoens*) آلمانی (۱۵۸۵-۱۵۱۷ میلادی) و از «شارل دولکلوس» (*Charles de l'Ecluse*) و «جان جرارد» (*John Gerard*) انگلیسی در سالهای (۱۵۴۲-۱۶۱۲ میلادی) نام برد که کار و آثار هر یک از آن‌ها موجب شکوفایی علم گیاه‌شناختی در دوران رنسانس شد. از زمان این دانشمندان به بعد معرفی گیاهان دارویی همراه با شرح آن‌ها، جنبه علمی تازه‌ای پیدا کرد و به دانش وسیع‌تر یعنی علم گیاه‌شناسی منجر شد. به تدریج که بر تعداد گیاهان جمع‌آوری شده افزوده می‌شد تفکیک و تمایز آن‌ها از هم دشوارتر شده و ضرورت طبقه‌بندی به طریق ویژه و با روش‌های علمی تازه با نام علم رده‌بندی (تاگزونومی) برای شناسایی گیاهان پیش آمد. از این پس تا زمان لینه و حتی بعد از او

نیز که گیاه‌شناسان طبیب و یا داروساز بودند، انگیزه اصلی آن‌ها شناسایی گیاهان دارویی بود. ولی از آنجا که تعداد گیاهان دارویی بسیار زیاد شده بود و مجموع گیاهان جمع آوری شده نیز به چند هزار می‌رسید. لذا پژوهش در ریختار و خصوصیات کل گیاه [جدا از دارویی بودن یا نبودن آن‌ها] برای تفکیک آن‌ها از یکدیگر، در امر رده‌بندی گیاهان مقوله‌ای جدی و الزامی شد و از آن پس گیاه‌شناسانی که قبلاً فقط با گیاهان دارویی سرکار داشتند پا را فراتر نهاده پژوهش در نحوه طبقه‌بندی گیاهان را در پیش گرفتند و این سرآغاز علمی مستقل به عنوان علم رده‌بندی گیاهان شد. از این پس برای دستیابی به یک رده‌بندی واقعی و کارآمد و شناسایی هر چه بهتر گیاهان توجه به کلیه خصوصیات رستنی‌های سطح زمین امری ضروری و الزامی گردید و پژوهشگران این مسیر، به تدریج به مرزهای جدید و تازه‌ای در علم گیاه‌شناسی رسیدند که هر یک از آن‌ها سرآغاز رشته‌ای تازه شد و دانش ساده [فقط] شناخت نام و هویت گیاه، تبدیل به علوم گیاهی گردید.

در پایان نیمه اول قرن بیستم، با رایج شدن مواد پزشکی ساخته شده (سنتتیک) و شناخت مواد مؤثر درمانی گیاهان و استخراج و تعیین فرمول آن‌ها برای استفاده به عنوان دارو، ساخت مصنوعی این مواد وارد بازار شد و سبب تغییر در آموزش پزشکی گردید از این پس با پیشرفت علم درمان و فنون جراحی و به بازار آمدن داروهای گوناگون ساخته شده با تعیین «دز» مصرف، به ویژه تأثیر سریع آن‌ها در درمان، همه سبب شد تا استفاده مستقیم از گیاهان دارویی [روشهای طب قدیم (سنتی)] به تدریج به دست فراموشی سپرده شود.

### تحولات طب در نیمه دوم قرن بیستم

هر چند تحول اساسی در نحوه درمان و علم طب با شناخت علل پاره‌ای از بیماری‌ها از زمان پاستور آغاز گردید و موضوع کشف میکرب و باسیل و نقش آن‌ها در ایجاد برخی از بیماری‌های عفونی و به ویژه اهمیت واکسن و سرم در پیشگیری و درمان برخی از این امراض کاملاً مسلم شد و علم طب مرزهای تازه‌ای پیدا کرد ولی، کشف آنتی بیوتیک‌ها و اثر قاطع و معجزه آسای آن‌ها در درمان فوری عفونت‌ها [قبلاً علاج آن‌ها اگر ممکن بود بسیار مشکل میسر می‌شد] مسیری دیگر بود و از آن پس دانش میکروبیولوژی، بیوشیمی و شناخت آنزیم‌ها و هورمون‌ها توسعه‌ای غیرقابل پیش بینی پیدا کرد و به مرزهای تازه رسید. الگوهای ساختار مولکول‌های حیاتی و عوامل ژنتیکی برخی از بیماری‌های سرشتی، قابل پیش‌بینی شد و مسئله آگاهی‌های جدید هر روزه پزشکی و درمان قطعی بیماری‌ها چنان بُعد حیرت‌آوری پیدا کرد که تا دهه‌های پیش حتی تصور آن به ذهن نمی‌آمد. با کشف داروهای تازه در هر روز و چاره‌های جدید در درمان بیماری‌هایی که قبلاً کشتار می‌کرد و همچنین پیشرفت تکنولوژی در ساخت دستگاه‌های پزشکی، چه در مورد معاینات و چه در اعمال جراحی‌های حیرت‌آور، مرزهای تازه‌ای از علم طب را در مقابل پژوهشگران قرار داد.

طب ایران نیز در راستای تحولات جهانی علم طب از زمانی که اطبای تحصیل کرده ایرانی از خارج به وطن آمدند و با خود فرهنگی از طبابت غرب (طب جدید) و آموخته‌هایی تازه آوردند. این ره آورد سبب شد تا طب سنتی ایران نیز مانند همه جای دیگر در آستانه تحول و جذب پزشکی جدید و تأثیرات سریع آن قرار گیرد. پزشکان آمده از خارج غالباً معتقد به درمان با گیاهان دارویی نبودند و یا اطلاعات لازم در باره آن‌ها را نداشتند و یا حد و حدود مقدار مصرف این داروها را نمی‌دانستند، با

تجویز داروهای جدید سریع التاثیر و درمان محسوس و سریع امراض، روش‌های سنتی درمان مستقیم با گیاهان شناخته شده دارویی به طبای قدیم را کنار گذاشتند. با تأسیس دانشکده داروسازی و پزشکی و تربیت دکترهای داروساز و پزشک در این دانشکده‌ها که پس از فراغت از تحصیل در مراکز استان‌ها و شهرهای ایران مشغول به کار شدند، روش قدیمی طبای سنتی به جز در نقاط دور افتاده و در ایل‌ها [که کم و بیش باقی مانده بود]، در شهرها فراموش شد و تقریباً همه به طب جدید مایل شدند.

زندگی ماشینی و دور شدن انسان‌ها [به خصوص مردم کشورهای صنعتی] از طبیعت و گرایش بازگشت به آن و مطرح شدن اثرات جنبی و نامطلوب برخی از داروهای سنتتیک و این که مصرف داروهای گیاهی و یا گیاهان دارویی کم زیان‌تر از داروهای سنتتیک‌اند و با جای گرفتن نظر مزبور در اذهان عمومی و حتی در محافل علمی و پزشکی گوشه و کنار جهان، ناگهان مصرف گیاهان دارویی و داروهای گیاهی مجدداً با تبلیغی وسیع، مسئلهٔ روز جهان شد. در این میان فرصت طلبان و سودجویان، بازار آشفته‌ای به وجود آوردند و با برانگیختن اذهان مردم عادی با عناوین طب سنتی سینیایی، شفابخشی معجزه آسای گیاهان، جوی را باعث شدند که هر ناآگاهی خود را صاحب نظر در درمان با گیاهان دانست و متأسفانه رسانه‌های جمعی آگاهانه یا ناآگاهانه نیز با آن‌ها هم صدا شدند. معلوم نیست در این وضعیت چه باید کرد؟ و چگونه باید از گیاهان برای درمان بهره گرفت و راه درست استفاده چیست؟ در زیر فشار تبلیغات غالباً غیر واقعی که باور مردم عادی را هدف قرار داده است چه باید کرد؟ و مهم‌تر از همه، چه نباید کرد؟ تا دچار اشتباه بزرگی در سلامت جامعه نشویم و یکباره همهٔ اعتماد عامه را که به گیاهان دارویی رو آورده‌اند با سودجویی و عدم اطلاع و هزاران تبلیغ کاذب و دور از حقیقت و واقعیت، دچار آسیب جبران ناپذیر نسازیم. باید جلوی هرج و مرج و آشفستگی و بساط دروغین و پرفریب این کار در گوشه و کنار کشور گرفته شود و به وضع سواد و اطلاعات افرادی که به این کسب (که با سلامت مردم ارتباط دارد) رسیدگی گردد و از اشتغال چشم دوختگان به کیسه بیماران که علاوه بر هستی و سلامت آن‌ها با برداشت بی رویه گیاهان دارویی از طبیعت موجب انهدام آن‌ها می‌گردد، جلوگیری شود و به این هرج و مرج بازار آشفته گیاهان دارویی خاتمه داده شود. واقعاً در این غوغای تبلیغ و سودجویی چه باید کرد و یا احیاناً چه نباید کرد؟

احمد قهرمان



## روش استفاده از منابع و متون قدیم گیاهان دارویی

تاثیر و اهمیت گیاهان دارویی در زندگی روزانه اقوام و ملت های مختلف سبب شد تا هر قوم و یا هر ملتی بر حسب توان، ادراک، تجربه و حتی حدس و گمان خود، از اثر درمانی گیاهان به روش های گوناگون استفاده کند. به تدریج انباشت دانسته ها و تجربه ها با گذشت زمان موجب پدید آمدن نظرها و مکتب هایی در ملل و اقوام جهان برای استفاده هر بیشتر از گیاهان دارویی، استخراج مواد پزشکی و یافتن اثر درمانی گوناگون آنها شد.

در مسیر طولانی تاریخ، از کتاب ها و متونی که حاکی از تجربه گذشتگان برای بهره گیری از گیاهان دارویی است بسیار به جا مانده است. استفاده از این تجربیات نسل ها می تواند رهیافتی به گنجینه پر ارزش فرهنگ درمان بشر، در گذشته باشد.

برای بهره گیری از تجربیات گذشتگان، جمع آوری و طبقه بندی متون به جا مانده، برگردان آنها و حتی دانستن اندوخته های تجربی نانوشته و مانده در سینه نسل ها نیز (که در حال حاضر در درون قوم ها و قبیله ها بکار درمان می آید) بسیار مفید و ارزشمند است. بنابراین هر چه متون قدیمی بیشتر بررسی شود و مشکلاتی که برای ادراک مطالب آنها وجود دارد بر طرف شود واقعیت موجود این متون بیشتر معلوم می گردد.

### ۱ - ضرورت برگردان متون طبّی کهن و تعیین معادل نام علمی آنها:

حکیمان و دانشمندان طب قدیم، با بهره گیری از دانش درمان و آگاهی از فلسفه و تجربیات خود و رجوع به تجربیات گذشتگان و یا دیگر حکمای هم عصر خود، فرهنگی غنی در شناخت گیاهان دارویی و درمان با آنها به وجود آوردند. توجه به نگاه عقلایی - تجربی این منابع و دانستن استدلال و چگونگی به کارگیری شیوه ها و تجربه های طبیبان گذشته در درمان بیماری های شایع عمومی و بیماری های خاص، امروزه نیز بسیار با ارزش است. برای نگاه به این منابع و مقایسه آن با پیشرفت کنونی این علم، به ویژه مقایسه تجربی - استدلالی طب قدیم در برابر بهره گیری از تکنولوژی جدید توجه به مطالب زیر سودمند است: <sup>(۱)</sup>

---

۱- رجوع شود به کتاب مقایسه طب سنتی با پزشکی نوین نوشته دکتر مصطفوی.

- در ایران تا اواخر دوره قاجار پزشکی به همان شیوه گذشته بود. در آخر این دوره پزشکان به تدریج به طب جدید روی آورده، از داروهای ساخته شده شیمیایی [در اصطلاح قدیمی‌ها (جوهری)] استفاده کردند. این امر با همه محاسنی که در برداشت ولی به علت جایگزین شدن به جای روش درمانی گذشته، موجب قطع یکباره ارتباط طب قدیم با طب جدید گردید. در حقیقت طب جدید همان تداوم طب قدیم نبود و پزشکان رسماً از مکتب جدید پیروی نمودند و اساس تعلیم و تربیت پزشکی نیز از این پس بر این رویکرد قرار گرفت و طب قدیم آشکارا حذف شد و فقط در بازارهای دارویی ردپایی از آن کم و بیش باقی ماند. همچنین به علت عدم پشتیبانی علمی، معنوی و مالی از طب کهن این طب با همه فرهنگ کهن خود به فراموشی سپرده شد و هرگز موقعیتی برای تداوم و پیشرفت و حتی تغییرات و دگرگونی مناسب (در مقابل طب جدید که مقوله ای جدا بود) پیدا نکرد و مراجعین خود را که عامه مردم بودند از دست داد.<sup>(۱)</sup>

- متون گذشته به جا مانده از طب کهن، آن را یک طب استدلالی - تجربی نشان می‌دهد. عقل‌گرایی و منطق استدلال در این طب، با تمام محاسنی که داشته است در حل پاره‌ای مسائل از قبیل تعلیم عامه در پیشگیری یا درمان قاطع بیماری‌های شایع ناگهانی ناتوان بود، و دست آورد قابل توجهی در ابداع تکنولوژی‌های و ساخت ابزارهای معاینه و جراحی نداشت و این ناتوانی عاملی برای دوری عامه از آن گردیده است.<sup>(۲)</sup>

- در کنار مبانی استدلالی - تجربی و جنبه‌های عقلایی، که مبانی بسیاری از متون پزشکی قدیم را تشکیل می‌دهند، ذهنیت‌های واهی و خرافات نادرست نیز در این متون کم و بیش دیده می‌شود که موجب تردید مراجعه به آن‌ها می‌گردد.<sup>(۳)</sup> تفکیک موارد درست و نادرست در کتب قدیم می‌تواند موجب بهره‌گیری از بخش درست آن گردد.

- مطالب و محتوای استدلالی و تجربی متون قدیم می‌تواند با کمک تکنیک‌ها و تکنولوژی پیشرفته کنونی موجب پیدایش یک مکتب یا دیدگاه‌های دیگر در طب جدید گردد و بحثی تازه به وجود آورد و حتی در زمینه‌هایی می‌توان از شیوه و روش تشخیص بیماری و درمان بیمار، شناسایی و تعیین دارو و تشخیص اثر آن از قیاس و استدلال پزشکان قدیم بهره جست. زیرا تمام سعی پزشکان قدیم بر آن بود تا از تمام اجزای طبیعت (کانی، گیاه، جانور) برای متعادل ساختن جسم و روح بیمار و بهبود وی استفاده نمایند. و در این شیوه گاه می‌شد طبیب آن روزگار حتی نام گیاه مورد تجویز خود را نمی‌دانست<sup>(۴)</sup>

- نگاه لطف آمیز و همدلی و توجه عاطفی طبیب به بیمار در طب قدیم در بهبود حال بیمار

۱- با نقد و بررسی فرهنگ طب قدیم باید انقطاع روند تاریخی آن را جبران نموده و زمینه شکوفایی آن را فراهم آوریم.

۲- بهره‌گیری ابزار و تکنولوژی جدید در این طب می‌تواند موجب رونق و شکوفایی آن شده نواقص و کمبودهای آن را جبران کند.

۳- اگر سطح علم گذشته طب را با امروز مقایسه کنیم و ارتباط عاطفی بیمار با پزشک آن زمان را در نظر بگیریم گاه خواهیم دید خرافه‌ها معمول در طب قدیم گاه اثر روانی مهم در بهبود بیمار داشته است و به هر حال می‌توان از بخش‌های مختلف این طب امروزه نیز بخوبی بهره جست.

۴- رجوع شود به مقدمه کتاب الحاوی رازی جلد یک.

بسیار کارساز بود. توجه به این گونه ارتباط عاطفی در طب قدیم، می‌تواند مکمل شیوه‌های پیشرفته و تکنولوژی عظیم طب جدید در درمان بیماران باشد.

- معاینات بالینی پزشکان کنونی که غالباً با دستگاه‌های پیشرفته است چنانچه تا حدی همراه با پیش فرض‌های طب قدیم باشد - که باری از تجربه‌های تاریخی و قیاس‌های تجربی دارد - فواید بسیاری خواهد داشت.

- عوارض روش درمانی پزشکان جدید، روبرو بودن ناگهانی بیمار (در معاینات) با دستگاه‌های هیولایی خودکار رباتی و آزمایشگاه‌های مختلف نامأنوس، خشک و بی روح و گاه خشن و ترس آوری است که خود عاملی برای ناکارایی درمان طب حاضر است. از طرفی گرانی حق پزشک، دارو و درمان موجب رویکرد عامه به طب گیاهی و به عبارت دیگر استفاده از متون و کتب قدیمی طب است.

اگر در برنامه‌های دانشگاهی سهم کمی نیز برای آشنایی با متون دارویی قدیم وجود می‌داشت بالاخره تکلیف شناخت این طب معلوم می‌شد، محتوای آن مورد نقد قرار می‌گرفت و به این صورت یکباره کهنه و خرافه معرفی نمی‌شد.

## ۲ - روش استفاده از متون قدیم

برای بهره‌گیری از متون قدیم گیاهان دارویی، می‌باید آن را تصحیح نمود، برای تصحیح بهینه متون قدیم رعایت نکات زیر لازم است:

۱ - ۲ - شناخت دوره‌های اوج طب در ادوار تاریخ کهن و تفکیک کتب مربوط به این دوره‌ها: همه تمدن‌ها در مسیر اعصار و قرون با فراز و نشیب‌های بسیار روبرو بوده‌اند. اهمیت محتوای کتب و موضوعات متون پزشکی این تمدن‌ها نیز با دوره‌های اوج یا فرود آنها مطابقت کامل دارد این دوره‌ها عبارتند از:

۱ - دوران قبل از اسلام

۲ - دوران ظهور اسلام تا قرن سوم هجری

۳ - دوران شکوفایی علمی شرق

۴ - دوران رکود علمی غرب

۵ - دوران رونق علمی غرب

۶ - دوران رکود رونق علمی شرق

۷ - دوران خواب و فراموشی شرق

۲ - ۲ - عناوین و موضوعات متفاوت کتب دارویی قرون و اعصار: همه منابع قدیمی در دسترس ما، دارای یک اعتبار، دقت و موضوعات همسان نیستند. بنابراین ابتدا می‌باید عناوین موضوعات آنها را مشخص نمود مانند:

- قوانین استدلالی طب قدیم
- روش تشخیص و درمان طب قدیم
- روش شناخت دارویی بودن گیاه، جانور، کانی و...
- شناخت ابزارهای مورد استفاده طبیب قدیمی در معاینه و درمان
- دانستن نام‌های گیاهان، جانوران و کانی‌های مورد استفاده
- چگونگی استفاده از گیاهان، جانوران و کانی‌ها در درمان

۳-۲ - معادل‌یابی و تطبیق واژگان متون قدیم با واژگان علمی: انطباق درست واژگان متون قدیم با واژه‌های علمی جدید اگر مشکل نباشد ساده هم نخواهد بود. به هر حال این کار می‌باید صورت گیرد تا این واژگان در مجامع علمی و دانشگاهی جای خود را پیدا کنند. یافتن اینگونه معادل‌ها نیاز به دقت فراوان دارد تا معانی غیر واقعی از آن به ذهن نیاید و اختلاف نظرهای بیشتر نشود و همچنین نامأنوس بودن برخی واژگان این متون که سبب عدم رجوع به آن‌ها می‌شود برطرف گردد.

۴-۲ - تفکیک عناوین و روش‌های تجربی و استدلالی در متون قدیم: گرچه در طب قدیم، دستگاه‌های مدرن و رباتیک کنونی وجود نداشت ولی طبیب آن روزگار با دانسته‌های استدلالی و تجربه‌های خود و با دانستن زیر و بم روابط عاطفی با بیمار در او ایجاد اطمینان می‌نمود که این خود برای درمان بیمار و رفع بسیاری از مسائل ظریف دیگر او تاثیر بسزا داشت (به همین علت به پزشکان قدیم حکیم می‌گفتند). متأسفانه امروز مریض به جای عاطفه طبیب با دستگاه‌های آزمایشگاهی بی‌روح در معاینات سر و کار دارد و ارتباط عاطفی بین او و پزشک کمتر برقرار می‌شود.

۵-۲ - لزوم تصحیح ادبی نوشتارهای متون قدیمی، دسته‌بندی موضوعات مختلف آن، برای ایجاد فرهنگ طب گذشته: با آنکه در حد خود در این مورد کوشش نموده‌ایم ولی از صاحب‌نظران انتظار داریم، با نقد و بررسی این زمینه و یا ویرایش ادیبانه، محتوای علمی این فرهنگ را اعتلا بخشند.

### ۳- روش‌های شناسایی گیاهان دارویی مذکور در متون کهن:

ادبیات نامأنوس متون قدیمی، نارسا و ابتدایی بودن شرح گیاهان و پیچیدگی نوشتاری آن، به ویژه عدم طبقه‌بندی علمی گیاهان و نامشخص بودن شرح سیستماتیک آن‌ها، کار شناخت گیاهان مذکور در متون قدیمی را بسیار مشکل می‌کند. به ویژه که نام اغلب آن‌ها با گذشت زمان تغییر کرده و سبب شده تا مراجعه‌کنندگان به متون قدیم نتوانند نام واقعی و امروزی گیاهان این کتب را تعیین کنند و ناچار به بازار گیاهان دارویی روی آوردند و یا بیشتر به حدس و گمان متوسل شدند. در زیر به برخی نکاتی مهم و اساسی برای شناخت گیاهان دارویی متون قدیم

اشاره می‌شود:

۱ - در قدیم همه یا غالب پزشکان و درمانگران خود گیاه شناس بودند و گیاهان را از روی خواص آن‌ها و تقریباً بصورت عینی می‌شناختند. از اینرو از برداشت‌های شخصی این پزشکان از گیاهان دارویی و استدلال‌های آن‌ها پیرامون خواص و کاربرد آن می‌توان برای شناخت نام کنونی گیاه دارویی متون کهن بهره جست.<sup>(۱)</sup>

۲ - گیاهان دارویی متون قدیم را می‌توان در چهار گروه قرار داد: گروه کاملاً معروف، گروه کاملاً مجهول، گروهی نزدیک به گروه معروف و گروهی نزدیک به گروه مجهول<sup>(۲)</sup>

۲ - دانستن چگونگی تغییر نام گیاه از زبانی به زبان دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر می‌تواند ما را در رمزگشایی نام آن‌ها و شناخت گیاهان مذکور در متون قدیم یاری دهد.

۳ - گرچه دانش گیاه شناسی قدیم مانند حال پیشرفته نبود ولی در حد خود دارای اصطلاحات و واژگانی برای شناخت گیاهان بود که توجه به آن‌ها ما را به دانستن نوع و اساس طبقه بندی آن زمان کمک می‌کند و بدینوسیله بهتر می‌توانیم متوجه شرح گیاهان مذکور در متون قدیم بشویم.<sup>(۳)</sup>

۴ - در متون گذشته علاوه بر شرح گیاه، گاهی تصاویری نیز با شرح آمده است. تصاویر مزبور می‌تواند تا حدی مکمل شرح برای شناسایی بهتر و یافتن نام علمی آن باشد.<sup>(۴)</sup>

۵ - همراه با نام گیاه در متون قدیم گاه مشخصات فیزیولوژیکی<sup>(۵)</sup>، اکولوژیکی، بعضاً اکوفیزیولوژیکی، جغرافیای زیستی و صفات ریختاری گیاه را هم می‌بینیم، توجه به این نکات می‌تواند در تشخیص نام علمی گیاه ما را یاری دهد.

۶ - نام گیاهان مذکور در متون قدیم، معمولاً منشأ در منابع قدیمی‌تر دارد یا از منابع همان عصر استخراج شده و یا مربوط به خود نویسنده و یا نام رایج در بازار دارویی در زمان خود او بوده است، مؤلفان کتب قدیمی در ذکر نام گیاه، گاه خود نیز شک و تردید نموده، نسبت به نام برخوردهای متفاوتی داشته‌اند. از اینرو نام درست با منشأ نام و اعتبار مؤلف و دانش او ارتباط دارد. به عنوان مثال نام گیاهان مذکور در کتاب دیسکورید، در کتب مختلف دیگر نظیر کتاب جامع و مخزن و... نیز آمده است. بنابراین در مواردی بهتر است به مرجع اصلی و یا منابع تکمیل کننده کتاب دیسکورید رجوع شود. (در فصل دوم کتاب حاضر نام تعدادی از گیاهان متون قدیم به همین صورت مورد تطبیق قرار گرفته است.)

در تطبیق نام‌ها انجام بررسی‌های زیر ضروری است:

۱ - شناسایی منشأ نام یا نام اصلی و چگونگی انتقال آن از یک کتاب به کتاب دیگر و یا از یک زبان به زبان دیگر.

۱- در جلد‌های بعد از نحوه استفاده شخصی پزشک و دیدگاه‌های او در مورد یک گیاه بطور مفصل صحبت خواهیم کرد.

۲- در جلد دوم کتاب فهرستی از این نام‌ها آمده است.

۳- در جلد دوم این کتاب اصطلاحات گیاه شناسی و همچنین نوع دسته‌بندی گیاهان موجود در متون قدیم را خواهیم دید.

۴- برخی از این اشکال در جلد دوم آمده است.

۵- مطالب مربوط به فیزیولوژی گیاه عمدتاً تحت عنوان «طبیعت گیاه» با اصطلاحات مخصوصی ذکر شده است.

- ۲ - بررسی واژگان گیاه‌شناسی در متون قدیم و برگردان علمی آن‌ها و همچنین شناسایی انواع طبقه بندی گیاهان در متون قدیم.
- ۳ - برگردان علمی واژگان فیزیولوژیکی، اکولوژی و جغرافیای زیستی در متون قدیم.
- ۴ - گروه‌بندی گیاهان متون قدیم از نظر پراکنش و جغرافیای زیستی.
- ۵ - گروه‌بندی گیاهان متون قدیم از نظر مشخصات اکولوژی.
- ۶ - شناسایی گیاهان متون قدیم با توجه به شرح ریختاری، مشخصات فیزیولوژیکی، اکولوژیکی و جغرافیای زیستی آن‌ها در این کتب.
- ۷ - گمانه زنی نام اصلی گیاه از روی تفسیر تصاویر موجود از آن‌ها در متون قدیم

#### ه - نام‌ها، نشانه‌ها و واژگان گیاهان دارویی در متون کهن:

نام، واژگان و نشانه‌ها در واقع مدخل هر فرهنگ علمی‌اند. مطالعه چگونگی انتقال واژگان از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر نیاز به توجه و دقت فراوان دارد زیرا همانقدر که دانستن انتقال و یا دگرگونی دقیق نام‌ها می‌تواند در یافتن نام اصلی یا ریشه‌ای بسیار موثر باشد عدم توجه به آن نیز سبب پیچیدگی در تطبیق درست نام‌ها می‌گردد.

نام و واژگان موجود در هر علم اهمیت ویژه در بیان آن داشته معرّف و نشانگر بسیاری از ویژگی‌ها هستند. هر شیئی یا هر جاننداری با نام آن شناخته می‌شود، به عبارت دیگر نام تعیین کننده هویت و ویژگی‌ها در شناخت هر موجود است و تغییر آن موجب حذف تمام ویژگی‌ها و هویت گذشته صاحب آن می‌شود. مثلاً نام گیاه «بادآور» بیان کننده بسیاری از صفات ریختاری، روشنی، خواص و اهمیت آن است. در تاکسونومی کنونی نیز نام گیاه همیشه بخش ثابت است و هیچگاه نام گیاه در جابجایی‌ها و دگرگونی‌های مرتبه‌های رده بندی عوض نمی‌شود. اصلیت نام گیاه در متون قدیمی نیز از همین اهمیت برخوردار است. بنابراین جستجوی نام‌های اصلی، تفکیک آن‌ها از نام‌های مترادف دیگر و یافتن ریشه آن‌ها در متون گذشته که غالباً دستخوش بسیاری از تغییرات به ویژه بر اثر تداخل یک زبان به زبان دیگر، یک فرهنگ به فرهنگ دیگر و یک زمان به ادوار دیگر بوده‌اند کاری بسیار مشکل است ولی گاهی منجر به باز نمودن گره‌های کور در زمینه شناخت گیاهان می‌شود.

- ۱ - ۴ - تفکیک و طبقه بندی نام‌ها در متون گذشته: نام گیاهان دارویی متون قدیم را می‌توان به صور مختلف رده‌بندی یا گروه بندی نمود:

الف - رده‌بندی آن‌ها به نام‌های «مشهور» و «غیر مشهور»:

- ۱ - منظور از نام مشهور نامی است که علاوه بر نام گیاه، شرح و سایر اطلاعات مربوط به آن نیز در متون ذکر شده است، این قبیل نام‌ها در واقع همان اهمیت نام‌های علمی امروزی را دارا هستند و نام‌های استاندارد زمان خود و معرّف مشخصات اصلی گیاه و در حکم نام ذاتی یا نام جنس گیاه (معمول امروزی) هستند.

۲ - نام‌های غیر مشهور نام‌هایی هستند که در زبان‌های مختلف به نام مشهور افزوده شده یا به جای آن آمده‌اند. این نام‌ها در کتب و ادوار مختلف، با زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در کنار نام‌های مشهور و مترادف با آن قرار گرفته‌اند.

ب - نام‌های مشهور از دو گروه نام‌های اصلی و نام‌های مترادف و تفسیری تشکیل شده‌اند: نام‌های مشهور اصلی، معمولاً بدون مترادف‌اند و نام‌های مشهور مترادف غالباً دارای مترادف‌هایی در زبان‌های دیگر می‌باشند. بعنوان مثال در کتاب ابن بیطار که از مهم‌ترین منابع طب قدیم است ۲۳۵۳ نام مشهور دیده می‌شود که ۱۴۲۲ نام آن از گروه اول یعنی ۶۰/۴۳٪ و ۹۳۱ نام مشهور مترادف آن یعنی برابر ۳۹/۵۷٪ است.

علت وجودی نام‌های مشهور اصلی و مترادف در متون قدیمی ظاهراً مربوط است به:

- اختلاف نظر و شک مؤلفان در ذکر یک نام  
- اتخاذ نام از منابع، ترجمه‌ها و زبان‌های مختلف بدون ریشه یابی نام درست گیاه در متن اصلی

- بکارگیری نام اندام‌ها یا بخش‌های مهم و مورد استفاده گیاه به جای نام خود گیاه در متون  
۳ - نام گیاهان متون قدیم را می‌توان بر اساس زبان‌های مختلف به نام‌های: عربی، فارسی، لاتینی<sup>(۱)</sup>، یونانی<sup>(۲)</sup>، رومی<sup>(۳)</sup>، بربری<sup>(۴)</sup>، سریانی<sup>(۵)</sup>، نبطی<sup>(۶)</sup>، ترکی و هندی متمایز نمود.

۱- لاتینی: منسوب به لاتین یا در اصل مربوط به لاتیوم و لاتینی‌هاست و همچنین به کشورهایی چون فرانسه و ایتالیا و اسپانیا که زبان و فرهنگ آنها از لاتینی ناشی است بکار می‌رود. در دوران جنگ‌های صلیبی به سکنه اروپای غربی در مقابل یونانی‌ها گفته می‌شد. (لغت‌نامه دهخدا)

۲- یونانی: کشوری در جنوب غربی اروپا و در جنوب غربی شبه جزیره بالکان مشتمل بر جزایر پراکنده‌ای در دریای اژه و دریای ایونی. یونان کنونی است که از نظر جغرافیایی با یونان قدیم فرق دارد و خیلی کوچکتر و محدودتر است کلمه یونان که در السنه شرقی مشهور شده از کلمه یونیه که به قسمتی از سواحل آسیای صغیر می‌باشد گرفته شده است. (لغت‌نامه دهخدا)

۳- رومی: ژم در تداول مورخان اسلامی پایتخت ایتالیا است و در مواردی آسیای صغیر و نواح آن است، توضیح دیگر آن که دولت‌های جمهوری و امپراطوری روم چون وسعت پیدا کردند و حتی آسیای صغیر را مسخر شدند از قرن پنجم میلادی به این طرف به غربی و شرقی منقسم شدند. بخش غربی آن همان ایتالیا به پایتختی رم و بخش شرقی آسیای صغیر به پایتختی استانبول بود. (لغت‌نامه دهخدا)

۴- بربری: منسوب به پرپر و بربر مردم بین حبشه و زنگبار را گویند. و بنا به قول دیگر ممالک شمال آفریقا عبارت از مغرب، مصر، طرابلس، تونس، الجزایر و مراکش است. (لغت‌نامه دهخدا)

۵- سریانی: منسوب به سورستان (بلاد عراق) و نام قومی سامی نژاد منسوب به قوم آرامی و با لهجه‌ای به همین نام است لهجه سریانی از لهجه‌های مهم آرامی شرقی است و در ایران به خود آرامی معروف‌تر و از آن متأخرتر است، لهجه آرامی را رفته رفته از یادها زدوده و سریانی جانشین آن گردید. مرکز این لهجه در شمال عراق (بین النهرین) شهر ادسا یا ارها است. ارها در کتب اسلامی ارها خوانده شده و اکنون اورفا نامیده می‌شود و در قرن دوم میلادی این ناحیه از مراکز مهم عیسویان محسوب می‌شد. و در چند قرن پیش از آن یعنی زمان اسکندر و جانشینان وی سلوکس و انتیوخس شمال بین النهرین از مراکز زبان سریانی بوده و به واسطه مهاجرت گروهی از مردم مقدونیه و یونان به آن سرزمین‌ها سریانی رنگ و روی خاصی بخود گرفت و لهجه آن بر دیگر لهجه‌های آرامی برتری یافت و بسیار لغات یونانی با زبان سریانی در آمیخت و تغییری در آن پدید آمد. هنوز هم در بسیاری از سرزمین‌های عربی زبان، لهجه سریانی وجود دارد، لهجه آشوری‌ها و کلدانیهای سوریه و عراق و ترکیه و ایران سریانی است. (لغت‌نامه دهخدا)

۶- نبطی: به معنای منسوب به نبط گروهی از مردم بطایح میان عراق عرب و عراق عجم یا به سواد عراق ساکن بوده‌اند و

۴- نام‌های متون قدیم را می‌توان به نام‌های «محلی» و «غیر محلی» تقسیم کرد، نام‌های محلی نام‌هایی هستند که در یک شهر و یا مکان بکار می‌رفتند. بدیهی است نام‌های مشهور در این گروه قرار ندارند. نام شهرها و محل‌های معروف (جدول شماره ۴ این کتاب) عبارتند از: در ایران: اصفهان، شیرازی، سجز یا سجستان<sup>(۱)</sup>، سمرقند، کرمان، همدان، یزد، زابل، سیستان، مکران، تنکابن، دیلم، گیلان، مازندران، ترمذ<sup>(۲)</sup>، بخار<sup>(۳)</sup>، طبرستان، بهر، ماوراء النهر، ری، خراسان، جرجان، نیشابور، سنجر، خوارزم<sup>(۴)</sup>، خوز<sup>(۵)</sup>، سغد<sup>(۶)</sup>، خوازنه در کشورهای دیگر: مغرب، اندلس، شام، دمشق، عراق، حجاز، موصل، عراق، بغداد، آفریقا، اسکندر، فاس<sup>(۷)</sup>

### آمار نام‌های محلی عربی و مُعَرَّب

۱	اندلس	۲۱۹	جامع ابن بیطار
۲	مغرب + آفریقا	۷۷ + ۲۶	جامع ابن بیطار
۳	مصر	۷۴	جامع ابن بیطار
۴	شام - دمشق	۷۳	جامع و مخزن
۵	فاس	۶۸	حذیقہ الازهار
۶	عراق + بغداد + موصل + بصره	۱۰ + ۶ + ۲ + ۲	جامع و مخزن
۷	حجاز	۸	مخزن الادویه
۸	اسکندریه	۶	جامع

اینان غیر عرب بوده که عربیت را برگزیدند و در بر آوردن آب ماهر و در کثرت فلاحت مشهور بوده‌اند. (لغت‌نامه دهخدا)

۱- منظور سیستان و اصل آن سگستان است. (کتاب صیدنه)

۲- ترمذ شهری است در ساحل نهر بلخ که آن را جیحون می‌خوانند. (لغت‌نامه دهخدا)

۳- بخارا شهری از ماوراء النهر و مشرق از بخارست به معنای علم بسیار است. (لغت‌نامه دهخدا)

۴- خوارزم نام ناحیه‌ای است در سفلی جیحون و از ایام بسیار قدیم مهد قوم آریا بوده است لسترنج در جغرافیای تاریخی خود در مورد آن چنین می‌گوید: ایالت خوارزم در اوایل قرون وسطی دو کرسی داشت: یکی در جانب باختری یعنی جانب ایرانی رود جیحون موسوم به جرجانیه یا ارگنج و دیگری در جانب خاوری یعنی جانب ترکی آن رود موسوم به کاث و این کرسی اخیر در قرن چهارم هجری از ارگنج آبادتر شد. (لغت‌نامه دهخدا)

۵- منظور از خوزی مردم خوزستان است. زیرا «اهواز» را به فارسی «هورمشیر» می‌گفتند و نام آن «اخواز» بوده که پس از مغرب شدن به آن اهواز گفتند. (زریاب در کتاب صیدنه)

۶- سغد نام شهری است در ماوراءالنهر نزدیک سمرقند. گویند آب و هوای آن در نهایت لطافت باشد و آن به سغد سمرقند شهرت دارد آن را بهشت دنیا هم گویند. (برهان قاطع)

۷- فاس شهر مشهور و بزرگی بر کرانه دریای مغرب و بزرگ‌ترین شهر مراکش است. (لغت‌نامه دهخدا)



## آمار نام‌های محلی غیر عربی

ردیف	نام محل	تعداد نام	منبعی که بیشترین تکرار را داشته است.
۱	شیراز	۱۴۹	اختیارات بدیعی
۲	اصفهان	۳۷	مخزن الادویه
۳	سجری + زابل + سیستان + مکران	۲ + ۵ + ۱۳ + ۴۷	صیدنه
۴	تسکابن + مازندران + دیلم + گیلان	۷ + ۱۱ + ۱۳ + ۲۲	مخزن الادویه
۵	جرجان - گرگان	۱۰	صیدنه
۶	خراسان + نیشابور	۳ + ۱۲	صیدنه
۷	بلخ	۹	صیدنه
۸	طبرستان	۸	صیدنه و مخزن
۹	کرمان	۶	مخزن و اختیارات
۱۰	بخارستان	۶	صیدنه
۱۱	خوارزم	۶	صیدنه
۱۲	سغد	۶	صیدنه
۱۳	ترمذ + ماوراء النهر	۱ + ۴	صیدنه
۱۴	سمرقند + هرات	۱ + ۳	صیدنه
۱۵	ری	۳	صیدنه
۱۶	آذربایجان + تبریز	۳ + ۲	مخزن و اختیارات
۱۷	اهواز، هرات، بستی، دامغان، یزد، سنجر، هری، خوازنه،	۱	

۵- گسترده‌گی زبان عمومی شرق (عربی) نقش موثری در پدید آمدن آثار و متون قدیم گیاهان دارویی داشته سبب فراوان اشاعه نام‌های تازی گیاهان گردید. نام‌های تازی را می‌توان به دو گروه عربی و معرب متمایز نمود. منظور از نام معرب نام‌هایی هستند که ریشه غیر عربی دارند ولی دارای اعراب این زبان هستند.

۶- توضیح آمار از نام‌های مشهور و سایر نام‌ها و درصد آن‌ها در جداول و نمودارهای شماره ۱ تا ۳ صفحات بعد می‌بینیم. جدول شماره ۱ آمار نام‌های گیاهان دارویی در کتب مختلف از دیسکورید تا مخزن الادویه در کتب مورد مطالعه است. و جدول ۲ آمار نام‌های گیاهان مربوط به

کتاب ابن بیطار، و جدول ۳ آمار نام‌های مشهور کتاب مخزن الادویه و صیدنه است. نام‌های مشهور هندی در جدول شماره ۳ عمدتاً مربوط به کتاب مخزن الادویه است که به کتاب‌های طبی قرن ۱۱ و ۱۲ افزوده شد.

جدول ۱ - آمار نام‌ها کهن گیاهان دارویی از دیسکورید تا مخزن الادویه

نام	تعداد	درصد	نام	تعداد	درصد
عربی	۵۵۱۹	٪۴۳	فارسی	۱۲۶۸	٪۱۰
یونانی	۱۹۸۴	٪۱۵	محلی	۴۲۹	٪۳
رومی و لاتینی	۵۹۲	٪۴	هندی	۷۲۱	٪۵
سریانی	۴۴۳	٪۳	ترکی	۵۲	٪۰/۳
بربری و نبطی	۲۳۰	٪۲	متفرقه	۱۹۳۶	٪۱۵

جدول ۲ - آمار نام‌های گیاهان در کتاب جامع ابن بیطار

نام	تعداد	درصد	نام	تعداد	درصد
عربی	۱۲۷۱	٪۵۵	عبری	۱۱	٪۰/۱ کمتر
فارسی	۴۵۴	٪۲۰	هندی	۸	٪۰/۱ کمتر
یونانی	۴۲۸	٪۱۸	مرکب	۵	٪۰/۱ کمتر
لاتینی	۶۰	٪۳	مصر قدیم	۱	٪۰/۱ کمتر
سریانی	۴۷	٪۲	نبطی	۱	٪۰/۱ کمتر
ارامیه	۲۹	٪۱	سنسکریتی	۱	٪۰/۱ کمتر
بربری	۲۷	٪۱	مجهول	۹	٪۰/۱ کمتر

جدول ۲ - آمار نام‌های گیاهان در کتاب صیدنه و مخزن الادویه

نام	تعداد	درصد	نام	تعداد	درصد
عربی	۳۴۴۴	٪۴۶	سریانی	۳۷۴	٪۴
فارسی	۱۵۳۰	٪۱۸	بربری	۱۱۰	٪۱
یونانی	۱۵۳۰	٪۱۸	ترکی	۵۱	٪۰/۱ کمتر
رومی و لاتینی	۵۴۴	٪۷	نبطی	۲۵	٪۰/۱ کمتر
هندی	۶۸۰	٪۸	متفرقه	۱۲۲۴	٪۱۵

## ۲-۴- اثر برخورد ها و یا تداخل فرهنگ ها در گوناگونی نام گیاهان دارویی:

جابه جایی تاریخی نام گیاهان دارویی در زبان‌های ملل، در جریان برخورد تمدن‌ها و تداخل فرهنگ‌های متفاوت و تاثیر گویش‌های مختلف این ملت‌ها، گاه باعث دگرگونی‌های عمیق و استحاله آن‌ها گردید، برای ادراک این گونه تغییرات کافی است به نام‌های گیاهان دارویی از کتاب دیسکورید تا کتاب مخزن الادویه یا کتاب‌های دیگر برای مقایسه رجوع کنیم. در این مقایسه خواهیم دید:

### (۱) نام‌های یونانی:

شمار نام‌های مشهور در کتاب دیسکورید: در کتاب ربرت<sup>(۱)</sup> ۶۶۵، و در شرح ابن بیطار ۴۳۳، شمار نام‌های مشهور کتاب ابن بیطار<sup>(۲)</sup> به زبان یونانی: ۴۲۸ یعنی ۱۶٪ از کل نام‌های مشهور گیاهان دارویی این کتاب است.

شمار نام‌های مشهور در کتاب مخزن الادویه و صیدنه به زبان یونانی: ۱۱۸ یعنی ۱۴٪ از کل نام‌های مشهور در این دو کتاب است.

شمار نام‌های یونانی آمده در کتب قدیم مورد مطالعه در حدود ۱۹۸۴ یعنی معادل ۱۵٪ کل نام‌ها است.

علت فزونی نام یونانی در کتب قدیمی برای افزایش گیاهان دارویی در آن‌ها نیست بلکه تغییر نام گیاه بر اثر گویش‌ها، ترجمه‌ها و تغییر آن‌ها در زبان‌های مختلف است.<sup>(۳)</sup>

### (۲) نام‌های هندی:

شمار نام‌های هندی در کتاب ابن بیطار مجموعاً ۸

شمار نام‌های هندی در کتاب صیدنه و مخزن الادویه ۱۰۹ یعنی ۱۳٪ از نام‌های مشهور آن است.

شمار نام‌های هندی در کتب قدیم مورد مطالعه ۷۲۱ یعنی ۵٪ کل نام‌های این کتب است. نام‌های هندی در کتاب مخزن الادویه شامل ۱۳٪ از نام‌های مشهور آن است که به خوبی نشان دهنده تداخل نام‌های هندی در این زمان است.

### (۳) نام‌های سریانی:

شمار نام‌های سریانی در کتاب ابن بیطار ۴۷ یعنی ۲٪ از کل نام‌های مشهور آن است.

شمار نام‌های سریانی در صیدنه و مخزن الادویه ۱۸ یعنی ۲٪ از کل نام‌های مشهور این کتاب می‌باشد.

شمار نام‌های سریانی در کتب قدیم مورد مطالعه ۴۴۳ یعنی ۳٪ از کل نام‌های موجود در کتب قدیم است.

آمار فوق نشان می‌دهد که با گذشت زمان نام‌های سریانی به تدریج اعتبار خود را در این کتب از

۱- نام گیاهان کتاب دیسکورید همراه با نام علمی پیشنهادی ربرت در فصل دوم کتاب آمده است.

۲- نام گیاهان دیسکورید با ترجمه ابن بیطار در قرن هفتم به همراه نام علمی پیشنهادی توسط ابن مراد در مقایسه با نام علمی پیشنهادی ربرت فصل دوم آمده است.

۳- علت بیشتر بودن نام‌های یونانی در کتاب ابن بیطار نسبت به مخزن الادویه عمدتاً بخاطر وجود نام‌های مترادف مشهور در کتاب ابن بیطار است.

دست داده فقط شامل ۳٪ از کل نام‌ها هستند. این کاهش بیانگر کم اعتباری این نام‌ها در این برهه است.

(۴) نام‌های عربی:

شمار نام‌های مشهور عربی در کتاب ابن بیطار ۱۲۷۱ یعنی ۵۵٪ کل نام‌های مشهور آن است. شمار نام‌های مشهور عربی در کتاب مخزن الادویه ۵۱۱ یعنی ۵۹٪ کل نام‌های مشهور آن است.

شمار نام‌های عربی در کتب قدیم مورد مطالعه ۵۵۱۹ یعنی ۴۳٪ از کل نام‌های موجود در این کتب است.

تحولات آماری در این مقایسه مؤید آن است که زبان عربی از دوران ظهور اسلام تا قرن ۱۳ عنوان اصلی را در کتب دارویی قدیم داشته است و با مرور زمان نه تنها ارزش و اعتبار خود را از دست نداده بلکه بر اهمیت آن هر روز افزوده شد.

### ۳ - ۴ - نگاهی دیگر بر تحول نام‌های کهن گیاهان دارویی در کتب فوق و نتایج آن:

۱ - هر نامی در این آثار دارای بار تاریخی و سابقه‌ای مربوط به خود است و از سابقه آن‌ها می‌توان نحوه تغییر و انتقال این نام‌ها، زمان و آغاز و تغییر و اهمیت کاربرد گیاه مربوطه را در یک دوره یا یک مکان و یا محل پی برد.

۲ - افزایش یا کاهش نام‌های مختلف به نام اصلی یا تغییر در تلفظ و گویش نام‌ها، گاهی نشان از شکوفایی و یا افول کاربری گیاهان دارویی در یک زمان یا یک شهر و کشور و یا یک برهه تاریخی و تحولات اجتماعی را دارد.

۳ - شمار نام گیاهان تا حدودی تعیین کننده آن است که گیاه مربوط به آن فقط در این کتب نام برده شده بنابراین زمان تقریبی استفاده از گیاه را می‌توان تعیین کرد.

۴ - نام گیاه گاه گرفته شده از نام اندام مورد استفاده گیاه و دارویی بودن بخش خاصی از آن است مثلاً زیره نام میوه گیاه است که گیاه را به آن می‌نامند و یا هویج که نام ریشه است بر گیاه نیز اطلاق می‌شود.

۵ - نام‌های گوناگون یک گیاه غالباً حاکی از اهمیت دارویی و کاربری فراوان آن است. هرچه نام‌های گیاه متنوع و متفاوت و با گویش‌ها و زبان‌های گوناگون باشد نشان از اهمیت آن است.

۶ - تنوع نام یک گیاه گاه حاکی از انقطاع یا پیوستگی تاریخی یک روند اجتماعی است و اختلاف در نام‌ها معمولاً نشان از عدم پیوستگی روند اجتماعی در آن مقطع تاریخی دارد.

### ۴ - ۴ - نکاتی در مورد نام‌ها:

توجه به نکاتی در نام‌ها می‌تواند ریشه و علت برخی از ابهامات موجود در زمینه گوناگونی اختلافات و تشتت آن‌ها را معلوم نماید:

۱ - برخی نام‌ها به صورت مشترک استفاده می‌شدند که معمولاً نام‌های غیر مشهور می‌باشند.

۲ - در تسمیه برخی از نام‌ها از دیر زمان اختلاف وجود داشته و تا امروز نیز ادامه دارد.

- ۳ - برخی از نام‌های مذکور در متون تاریخی مربوط به گیاهان بازارهای دارویی است و نویسندگان خود هیچ گونه شناختی (جز خواص دارویی) از آن نداشته است. بنابراین نام این گیاهان هیچ کمکی به شناخت ریختاری گیاه نمی‌کند.
- ۴ - برخی از گیاهان در مناطق خاصی مورد استفاده بوده‌اند و با توجه به منابع همان مناطق رونویسی شده‌اند بنابراین نویسندگان خود از گیاه و حتی آثار تجربی آن اطلاعی نداشته است.
- ۵ - نام‌هایی نیز مربوط به گیاهانی از منطقه‌ای معین با مصارف دارویی معین بوده‌اند اما پس از انتقال نام گیاه به نواحی دیگر به اشتباه یا دانسته آن نام به گیاهان مشابه با همان مصارف دارویی داده شده که خود موضوعی جالب برای پژوهش است.

## ۵ - منابع مورد استفاده در این کتاب

در تألیف مجموعه حاضر دو نوع منبع برای استفاده مستقیم و غیر مستقیم در دست بوده است:

منابع مستقیم مورد استفاده شامل کتابهایی هستند که در ۶ دوره زیر<sup>(۱)</sup>، با مؤلفانی دقیق و ممتاز از سایرین انتخاب شده‌اند این مولفان در زمینه انتقال نام‌های از منابع دیگر دقیق‌تر بوده‌اند. منظور از منابع غیر مستقیم منابعی هستند که مورد استناد این منابع قرار داشتند. کتاب‌های انتخابی نوع اول عبارتند از:

- ۱ - کتاب دیسکورید مربوط به قرن اول میلاد [مربوط به دوران قبل از اسلام]
- ۲ - کتاب رازی (۲۵۱ هجری قمری) و الابنیه<sup>(۲)</sup> (۳۵۰ هجری قمری) [مربوط به دوران ظهور اسلام تا قرن چهارم]
- ۳ - کتاب صیدنه ابوریحان (۴۴۰ هجری قمری)<sup>(۳)</sup> و کتاب تنقیح الجامع ابن بیطار (۶۴۶ هجری

- ۱ - به کتاب تاریخ طب اسلامی اثر ادوارد بروان و ترجمه مسعود رجب نیا رجوع شود.
- ۲ - منابع مورد استفاده ابو منصور علی الهروی که معتقد است «کتاب‌های حکیمان قبلی و عالمان و طبیبان محدث همه بجستم و هر چه گفته بودند بتأمل نگه کردم». عبارتند از: جالینوس، دیسکورید، فولس، ماسرجویه، رازی، یوحنا.
- ۳ - منابع مورد استناد ابوریحان در صیدنه:
  - خوز یا خوزی که همان اطبای مکتب جندی شاپور (از زمان خسرو انوشیروان تا قرن سوم هجری در ایران و عراق) هستند. از کتب مورد استفاده کتاب شوسمای یا کتاب کَنَاش الخوز است که نظرات جمعی از پزشکان جندی‌شاپور به زبان سریانی که زبان علمی آن‌ها بوده، می‌باشد.
  - کتاب اوریباسیون از پزشکان جندی شاپور
  - کتاب العطر ابو عباس الخُشْکی - خُشْک شهری است از نواحی کابل و نزدیک تخارستان
  - و کتاب جیب العروس تیمی - احمد بن سعید تیمی مقدسی پزشکی از بیت المقدس که در سال ۳۷۰ هجری در مصر اقامت داشته است.
  - کتاب تفاسیر الادویه ابو معاذ جوانکانی (جوانکا یکی از شهرهای جرجان یا گرگان است). تقریباً هم عصر با بیرونی است.
  - کتاب کَنَاش سجزی
  - کتاب الجامع لاقوال القدماء و المحدثین من الاطباء و المتفلسفین فی ادویه المفردة از ابوبکر حامد بن ابن سمجون از اطبای اندلس در قرن چهارم هجری
  - کتاب الرسائل الطیبه از ابو سهل بشر بن یعقوب بن المتطبّب السجزی، مولف از سجستان یا سیستان بوده حدود (۴۰۰

- ۴- کتاب حذیقة الازهار غسانی<sup>(۱)</sup> (۸۹۸ هجری قمری) و کتاب اختیارات بدیعی (۱۰۲۳ هجری قمری) [مربوط به دوران نزول]
- ۵- کتاب مخزن الادویه<sup>(۲)</sup> (۱۱۸۹ هجری قمری) [مربوط به دوران رکود و کمون]

سوم هجری)

ب- نام کتاب‌هایی که از نظر گیاهشناسی مورد توجه بوده است عبارتست از: ۱- الانتخاب لابی حاتم السجستانی ۲- العیان یا اعیان النبات ابی حنیفة الدینوری ۳- الجمهوره لابن درید ۴- البارع لابی علی الفالی البغدادی ۵ و ۶- کتاب انشوطا و کتاب الاشجار از هرمس ۷- هیولی الطب فی الحشایش و السموم از دیسقوریئس العین زربی ۸ و ۹ و ۱۰- کتاب‌های تدبیر الاضحاء و حلیة البر و المیامر از جالینوس ۱۱ و ۱۲- کتابهای الاعتماد و سمائم و سموم از ابن جزّار ۱۳- فردوس الحکمة ابی الحسن علی بن سهل ربّین الطبری (۲۴۰ هـ) ۱۴- طب العرب لعبد الملک بن حبیب السلمی البیری (۲۳۸ هـ) ۱۵- التصریف لمن عجز عن التالیف لابی خلف بن عباس الزهراوی (۴۰۴ هـ) ۱۶- الفلاحه النبویه ترجمه ابی بکر احمد بن وحشیة (اواخر قرن سوم هجری)

ج- منابعی که فقط نام مؤلف آن ذکر شده است و مؤلف آن نیز در زمینه طب و گیاهشناسی صاحب نظر بوده است: ۱- ابقرط ۲- اهران القس ۳- بولش الاجانیطی ۴- ابن سرابیون یوحنا (قرن سوم هجری) ۵- ابن ماسویه ابو زکریا (۲۴۲ هـ) ۶- مسیح الدمشقی ابوالحسن عیسی بن الحکم (۱۷۰ هـ) ۷- سابور بن سهل (۲۵۵ هـ) ۸- ماسرجویه (قرن اول هجری) ۹- اسحاق بن سلیمان الاسرایلی لی (۳۲۰ هـ) ۱۰- ابوالحسن احمد بن محمد الطبری (۳۶۰ هـ) ۱۱- ابو عبدالله محمد بن سعید التمیمی ۱۲- علی بن عباس المجوسی (۳۸۴ هـ) ۱۳- عیسی بن علی (قرن سوم هجری) ۱۴- محمد بن عبدون الجبلی العددی (۳۶۱ هـ) ۱۴- ابن جلیجل ابو داود سلیمان بن حسان (۳۸۴ هـ) ۱۵- علی بن محمد ۱۶- ابن سمجون ابوبکر حامد (۳۹۲ هـ) علی بن سلیمان الحاسب الزهراوی ابوالحسن (قرن چهارم هجری) ۱۷- ابن الهیثم عبدالرحمن بن اسحاق القرطبی ۱۸- عمر بن ابی عمران (قرن چهارم هجری) ۱۹- السوسی عبدالله بن محمد الثقفی (۴۰۳ هـ) ۲۰- ابن الکتانی ابو عبدالله محمد بن الحسن المذحجی (۴۲۰ هـ) ۲۱- ابن البغونش ابو عثمان سعید بن محمد (۴۴۴ هـ) ۲۲- ابن وافد ابو المطرّف عبدالرحمن بن محمد اللخمی (۴۶۷ هـ) ۲۳- شیخ ابی الحسن اللونقه استاد مؤلف ۲۴- الیهودی مروان بن جناح (قرن پنجم هجری قمری)

۱- ابوالقاسم بن محمد الاندلسی الفسانی مشهور به وزیر در سال ۹۵۵ هجری قمری در شهر غرناطه اندلس متولد شد و در شهرهای فاس و مراکش به آموختن علوم طب و سایر علوم اشتغال ورزید. سه کتاب از او در زمینه گیاهان دارویی به جا مانده است که عبارتند از: ۱- روض المکنون در شرح ارجوزه ابن غررون - این کتاب به نظم و به منزله الفیه ابن سینا تألیف ابو موسی هارون بن اسحق بن غررون (۴۹۴ هجری - قمری) است. غسانی گیاهان این کتاب را در روض المکنون شرح داده است. ۲- مغنی الطیب عن کتب اعداد الحبيب که برگردان عربی کتابی در زمینه طب و گیاهان دارویی از یکی از زبان‌های اروپایی است. ۳- حذیقة الازهار فی شرح ماهیة العشب و العقار، وی در این کتاب نام گیاهان را با زبان روز تطبیق داده و اسامی را بر اساس حروف ابجد تنظیم نموده است در این کتاب از ۳۰ گیاه و ۷ حیوان و کانی نامبرده است از امتیازات این کتاب برخورداری آن از نظام طبقه بندی است.

۲- کتاب‌های مورد استناد مخزن الادویه:

- تذکرة شیخ انطاکی معروف به تذکرة اولی الالباب
- تذکرة شیخ یوسف بغدادی موسوم به مالايسع اللطیب جهله معروف به جامع بغدادی
- ارشاد شیخ اسماعیل هیبة الله
- ترجمه تذکرة ابریحان معروف به سیدی
- مفردات نواب حکیم معتمد الملوک سید علوی خان
- اختیارات قاسمی حکیم محمد قاسم ملقب به هندو شاه مشهور به فرشته
- معجریات افضل حکیم میر محمد افضل
- حواشی حکیم میر عبد الحمید بر تحفه
- قانون ابن سینا
- جامع مالقی یا جامع ابن بیطار

۶- کتاب‌های الموسوعه، تصحیح ابن مراد بر کتاب شرح دیسکورید ابن بیطار، تصحیح ربرت بر کتاب دیسکورید، تصحیح زریاب بر کتاب صیدنه، تصحیح طباطبایی بر الحاوی، دائرة المعارف گیاهان دارویی هند، دارونامه پارسا، تصحیح خطابی بر کتاب حدیقه الازهار [مربوط به دوران جدید و عصر حاضر]

در آثار این دوران حتی المقدور سعی شد تا حد امکان نام علمی رایج کنونی برای نام قدیمی گیاهان انتخاب شود. از منابع مزبور کتابهای شرح دیسکورید ابن بیطار و تنقیح الجامع تقریباً بطور کامل ترجمه شده و از کتب دیگر فقط نام‌های گیاهان استخراج شده است.

# فصل اول

## نام‌های کهن گیاهان داروئی در کتاب‌های:

- مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری)
- اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری)
- حدیقه غسانی (قرن دهم هجری)
- جامع ابن یطار (قرن هفتم هجری)
- تفسیر کتاب دیسقوریوس (قرن هفتم میلادی)
- عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری)
- صیدنه (قرن پنجم هجری)
- الابنیه (قرن چهارم هجری)
- الحاوی (قرن سوم هجری)



## نام‌های کهن گیاهان داروئی

مهمترین مطالب این فصل عبارتست از:

- ۱ - نام‌های کهن گیاهان داروئی از اوایل سال‌های میلادی تا عصر حاضر به تفکیک منبع
- ۲ - تاریخ استفاده از گیاه و میزان اهمیت آن در قرون گذشته
- ۳ - تصحیح نام‌ها با توجه به منشاء زبان و گویش آن
- ۳ - نام‌های علمی پیشنهادی در برخی از منابع جدید برای این گیاهان

برای استفاده از کتاب به نکات زیر توجه شود:

- ۱ - در این کتاب سعی شده تقریباً همه نام‌های اصلی و نام‌های منتقل شده در منابع گوناگون قدیم از کتاب دیسکورید تا مخزن الادویه جمع آوری شده و بدون پیش داوری در اختیار محققان قرار گیرد.
- ۲ - برای بالا رفتن دقت و تصحیح گویش‌ها و کامل شدن تاریخ گیاه سعی شده از هر قرن، کامل‌ترین منبع در زمینه نام‌های گیاهان انتخاب شود. بنابراین عدم استفاده از منابع دیگر بخاطر هم پوشانی مطالب آن با کتب انتخابی است.
- بعنوان مثال کتاب مخزن الادویه از نظر اسامی از کتاب تحفه حکیم مومن / با توجه تشابه‌های زیاد این دو / کامل‌تر است و بعلاوه به دلیل متاخر بودن آن از امتیاز بیشتری برخوردار است.
- ۳ - در جمع آوری مطالب از منابع مختلف درستی یا نادرستی نام یا مطلب، مورد نظر نبوده است زیرا عدم تفکیک موارد درست و یا نادرست می‌تواند زمینه بیشتر اظهار نظر پژوهشگران بعدی را فراهم و پژوهش آنان را پربارتر سازد. بعنوان مثال اگر نامی با زبان خاص از منبعی در این کتاب ذکر گردید درستی یا نادرستی آن مورد نظر نبوده است، بنابراین منسوب کردن نام به یونانی، عربی، و... فقط نقل قول از منابع است که ممکن است نادرست باشد.<sup>(۱)</sup> گاهی نیز نادرستی مطلب و واژگان در زمان خاص می‌تواند سرنخ‌های مطلوبی را در زمینه کشف قوانین دوره‌ای از تاریخ فراهم آورد.
- ۴ - در فصل حاضر کوشش بر این بوده نام‌های مشهور ذکر شده از منابع مختلف با یک شماره مشخص شوند مگر آنکه اختلافی بین نام‌ها به نظر آمده باشد. بنابر این تکرار شماره برای نام‌ها موید اختلاف آن‌ها با نام‌های مترادف است.
- ۵ - چنانچه قبلاً اشاره کردیم نام گیاهان با نام مشهور و غیر مشهور در کتاب متمایز شده‌اند و نام مشهور ممکن است مربوط به منابع یکسان یا منابع مختلف باشد. در هر صورت نام مشهور بلافاصله بعد از شماره در کتاب آمده و نام‌های بعدی آن با عنوان " سایر نام‌ها " آمده و غیر مشهور یا مترادف بشمار می‌روند.

---

۱- به همین دلیل همه مطالب و نام‌ها در کتاب با ذکر منبع آمده و برای هر منبع کلمه اختصاری انتخاب شده است.

۶- در بخش پایانی کتاب نام های گیاهان داروئی به زبان های مختلف به تفکیک با ذکر صفحه، فهرست شده اند تا با مراجعه به آن بتوان به تمام نام های موجود بویژه نام های مشهور در کتب قدیم دسترسی یافت.<sup>(۱)</sup> با استفاده از این فهرست و مراجعه به متن کتاب امکان دستیابی به گیاه مورد نظر در منابع قدیم فراهم می شود. بعنوان مثال چنانچه محققى در نظر داشته باشد در زمینه گیاه «اسفرزه» در متون قدیم اطلاعاتی را استخراج نماید با مراجعه به فهرست آخر کتاب به متن ارجاع داده شده و با عنوان «بزرقوتونا» مواجه می شود بنابراین در کتبی که نام آن ها به صورت اندیس روی نام گیاه آمده است می توان اطلاعات مربوط به «اسفرزه» را تحت عنوان «بزرقوتونا» جستجو نمود.

۷- نام های علمی در جداول کتاب برای حفظ امانت به همان صورت کتاب است و به معنی تایید درستی آن ها نیست، بدیهی است در ضمیمه شماره ۳ کتاب نام های اصلاح شده یا درست آن ها آمده است.

۸- البته امکان یافتن نام علمی برخی از نام های علمی به علت نبود منابع میسر نگردید.

۹- برای هر گونه اظهار نظر در مورد گیاه خاص باید حتماً به اندیس و فونت آن توجه نمود.

شایان ذکر است نشانه ها اتخاذ شده برای مشخص نمودن منابعی است که نام ها و مطالب از آن ها گرفته شده است. این نشانه ها عبارتند از:

نشانه حرف «م» مربوط به کتاب مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری) با فونت لوتوس ۱۴

نشانه حرف «ت» مربوط به کتاب اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری) با فونت ۱۰ یاقوت

نشانه حرف «غ» مربوط به کتاب حدیقه غسانی (قرن دهم هجری) با فونت بدر ۱۲

نشانه حرف «ج» مربوط به کتب ابن بیطار (قرن هفتم هجری) با فونت ۱۲ زر ایرانیک

نشانه حرف «ش» مربوط به کتاب عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری) با فونت ۱۰

نشانه حرف «ص» مربوط به کتاب صیدنه (قرن پنجم هجری) با فونت لوتوس سیاه ۱۲

نشانه حرف «ب» مربوط به کتاب الابنیه (قرن چهارم هجری) با فونت لوتوس ۱۰

نشانه حرف «ح» مربوط به کتاب الحاوی (قرن سوم هجری) با فونت میترا ۱۲

نشانه «Glo» مربوط به کتاب *GLOSSARY OF INDIAN MEDICINAL PLANTS*

نشانه «دی.» یا «د.» مربوط به تصحیح ابراهیم بن مراد بر کتاب «تفسیر کتاب دیسکورید ابن بیطار»

نشانه «زر.» یا «ز.» مربوط به کتاب تصحیح عباس زریاب بر کتاب «صیدنه»

نشانه «الم.» یا «ال.» مربوط به کتاب «الموسوعة فی علوم الطبیعة»

نشانه «طبا.» یا «ط.» مربوط به تصحیح سید محمود طباطبائی بر کتاب «الحاوی»

نشانه «خطا.» یا «خ.» مربوط به تصحیح محمد العربی الخطابی بر کتاب «حدیقة الازهار»

نشانه «صحا.» یا «صح.» مربوط به کتاب «الصالح فی اللغة و العلوم»

نشانه «پار.» یا «پ.» مربوط به کتاب «دارو نامه» احمد پارسا

برای روشن شدن مطالب فوق به مثال زیر اشاره می کنیم:

نام شماره ۱۸ این فصل بعنوان نمونه انتخاب می شود، که «آس» نام دارد.

۱۸- «آس»، «آس» (نامی فارسی)، هَدَس (نام دانه)، آس، آس، آس، اسفرم، اسمار، حب الاس، قیطس؛ نام های دیگر آن: ریحان، - سریانی: آسای، آسای گدلفسی، (به معنای جاء بک نفسه) و کرلفنسا، به معنای خصومت کننده با جان خود نام های نوع بستانی آن: یونانی: مرسا ایمارس، قیطس، - سریانی: مرسین، مرسینی - حبشی: ازورا - هندی: ادھیره، نام دانه آن: بکام، قطوس، قُطسا، (بنک آس را) منطر - نام گیاه

۱- بدین ترتیب پژوهشگران می توانند با مراجعه به صفحه مربوط نام مشهور گیاه را در منبع دلخواه خود پیدا و به آن مراجعه کنند مثلاً گیاه «مورد» را باید در کتاب مخزن الادویه تحت عنوان «آس» جستجو نمایند.

در کتاب دیسکورید: مرسینس ایماروس<sup>۴</sup> - بنکه قیطس<sup>۵</sup>، غمار<sup>۶</sup>، اسماروزند<sup>۷</sup> - مورد<sup>۸</sup> (۱)

در مثال فوق:

- نام‌های مشهور گیاه عبارت است از: «آس، هدس، اسفرم، اسمار، حب الاس، قیطس» سایر شرح‌های گیاه و خواص آن در کتاب‌های مورد نظر در ذیل این نام‌ها آمده است.

- برای بررسی این گیاه در کتب قدیم به نام‌های زیر باید رجوع شود:

در کتاب الالبیه و جامع ابن بیطار و مخزن الادویه: آس

در کتاب صیدنه: آس، هدس

در کتاب اختیارات بدیعی: آس، قیطس، حب الاس، اسمار، اسفرم

- سایر نام‌ها و مطالب این گیاه در منابع مختلف در ادامه نام‌های مشهور گیاه ذکر شده است.

- اگر نام «ازورا» بعنوان نامی مجهول در اختیار ما باشد با مراجعه به فهرست پایان کتاب به صفحه مربوط به «آس» راهنمایی می‌شویم و برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های مخزن الادویه، صیدنه، جامع، اختیارات بدیعی و الالبیه به کلمه «آس» مراجعه خواهیم نمود.

- در این مراجعات به منشأ تاریخی نام گیاه نیز واقف خواهیم شد مثلاً این گیاه از زمان دیسکورید با نام «مرسینس ایماروس» مورد استفاده بوده و در زمان‌ها، کشورها و فرهنگ‌های مختلف استفاده شده است، بنابراین به نظر می‌رسد امتداد تاریخی استفاده این گیاه از زمان دیسکورید تا قرن ۱۳ ادامه داشته است (زیرا در همه منابع قرون گذشته از آن نامبرده شده است).

- از آنجا که نام دانه گیاه بصورت مستقل آمده می‌توان نتیجه گرفت که مصرف خاص داروئی داشته است.

- نام‌های گیاه در انتقال مؤلفان و کتب آن‌ها دستخوش تغییر شده است که می‌توان بهترین گویش را انتخاب و واژه‌ها و اصطلاحات بکار برده شده را اصلاح نمود و به منشاء نام تا حدودی بطور مستند نزدیک شد، مثلاً نام یونانی این گیاه در کتاب مخزن «مرسا ایمارس» و در کتاب جامع «مرسینس ایمارس» است و با نام سریانی آن که مرسین است تشابه زیادی دارد بنابراین نام «مرسینس ایمارس» نام یونانی قابل قبول‌تری برای آن است.

- استفاده گسترده از این گیاه در کشورهای مختلف مغرب، هند، ایران و ممالک دیگر از مواردی است که می‌توان با توجه به تعدد نام‌های مختلف گیاه در زبان‌های متفاوت به آن پی برد.

۱۱- آذان الفار؛ آذان الفار، آذن الفار، آذان الفار البستاني، آذان الفار البري، آذان الفار، آذان الفار (نامی)

عربی)، سمقشمحون<sup>۲</sup>: آذان الفار جنسی از مرزنگوش است. نام‌های دیگر آن: حشیشه الزجاج<sup>۳</sup> - یونانی: مروش<sup>۴</sup>، مروش آقطی به معنی اذان الفار<sup>۵</sup> - هندی: چوهه کنی<sup>۶</sup> - اناغلس<sup>۷</sup> - سمسق<sup>۸</sup>، سمسر<sup>۹</sup>، ریحان داود<sup>۱۰</sup>، سمشیر<sup>۱۱</sup>، عیسوب<sup>۱۲</sup>، عنقر<sup>۱۳</sup>، مردوش<sup>۱۴</sup>، مرزنجوش<sup>۱۵</sup>، مرزجوش<sup>۱۶</sup>، حبق القنا<sup>۱۷</sup> - فارسی: مرزنگوش<sup>۱۸</sup> - اشبیلی<sup>۱۹</sup> می‌گوید: چهار گیاه به دلیل شباهت برگ‌هایشان به گوش موش - آذن الفار - به این نام مشهورند نام نوع اول «حشیشه الزجاج» و نوع دوم «آناغالیس» و نوع سوم «مرزنجوش» و نوع چهارم «البستنی» به معنی بستانی و با نام یونانی «ماوش اوطا» است. برخی آن را به اشتباه نوعی «هیوفاریقون» و یا نوعی «آناغالیس» می‌دانند در حالی که این نام به همه این گیاهان گفته می‌شود ولی به تنهایی برای آن‌ها استعمال نمی‌شود.<sup>۲۰</sup> «آذان الفار البری» در آفریقا به «عین الهدهد»<sup>۲۱</sup> معروف است. بُتوقس اوطا (Muos ota): «حنین ابن اسحق» در تفسیر «بتوقس اوطا» آن را نامی برای «آذان الفارالرومی» می‌داند. در آفریقا آن را «عین الهدهد» و همان «بادوَرْد» می‌دانند. اینان در این نامگذاری دچار اشتباه شده‌اند که در فصل ۴ به «آذان الفار حقیقی» اشاره می‌شود.

آلسینی (Alsine): این نام «آذان الفار حقیقی» است و بیشتر در باغها روئیده می‌شود. [ابن بیطار (در تفسیر کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۶۴ و ۴ - ۷۹]

الموسوعه	آذان الفار	<i>Myosotis sp.</i>
الموسوعه	آذان الفار بری	<i>Myosotis arvensis L.</i> <i>M.stricta Roem &amp; Schut.</i>
الموسوعه	آذان الفار جبلی	<i>Myosotis alpestris Schm.</i>
الموسوعه	آذان الفار المقعی - عین الهدهد - لاتسنی	<i>Myosotis palustris Lam.</i>
صاح	آذان الفار	<i>Myosotis palustris Lam.</i>
زریاب	آذان الفار	<i>Myosotis palustris Lam.</i> <i>Asperugo procumbens L.</i>
دیسکورید	آذان الفارالرومی	<i>Myosotis palustris Lam.</i>
دیسکورید	آذان الفار الحقیقی	<i>Parietaria cretica L.</i>
پارسا	آذان الفار - گوش موش	<i>Parietaria officinalis L.</i>
طباطبائی	آذان الفار	<i>Asperugo procumbens L.</i>
ط. - زر.	آذان الفار نبطی	<i>Anagallis arvensis L.</i>

۱۲ - آذان الفستیس<sup>۲۲</sup>: نام دیگر آن «قوتولیدون» است و نوعی از «حی العالم» است.

EN.	آذان القسیس	<i>Cotyledon umbilicus L.</i>
-----	-------------	-------------------------------

۱۳ - آذان الفیل<sup>۲۳</sup>: به آن «قلقاس» گفته‌اند اما «لوف الکبیر» صحیح تر است.<sup>۲۴</sup>

۱۴ - آذربو<sup>۲۵</sup> یا آذربویه<sup>۲۶</sup>، آذربوی<sup>۲۷</sup>، آذربوا<sup>۲۸</sup>، اصل العربیثا<sup>۲۹</sup>: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: بیخ عربیثا<sup>۳۰</sup> - سیطرمنون<sup>۳۱</sup> - شیرازی: یریک<sup>۳۲</sup> - تلاد<sup>۳۳</sup>، بلاد<sup>۳۴</sup>، گلیم شوی<sup>۳۵</sup>، قصب شوی<sup>۳۶</sup> - قعیلاس<sup>۳۷</sup> - بخور مریم نوعی از آتست<sup>۳۸</sup>. نام ریشه آن عربتیفه است.<sup>۳۹</sup> - عربتیثا پیارسی «شبریون» است و «تورم» و «فلال» نیز به آن گویند، پشم و گلیم‌ها را با آن می‌شویند نام گیاه «آذربوی» است.<sup>۴۰</sup> - «آذربوی» نام ریشه گیاهی است که به فارسی به آن «چوه صباغان» گویند.<sup>۴۱</sup>

۱۵ - آذریون<sup>۴۲</sup>، آذریون<sup>۴۳</sup>، آذریون<sup>۴۴</sup> (معنا: آتش گون)، آذریون<sup>۴۵</sup>، آذریون<sup>۴۶</sup>، آذریون<sup>۴۷</sup>، حنوة<sup>۴۸</sup>، ادام<sup>۴۹</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: حنوه<sup>۵۰</sup>، حنوة<sup>۵۱</sup>، تاجر الاصفر<sup>۵۲</sup>، ذهبی<sup>۵۳</sup>، عرار<sup>۵۴</sup>، بهار البر<sup>۵۵</sup>، بهار الاصفر معروف به نرجس<sup>۵۶</sup>، عین العجم<sup>۵۷</sup>، کف الاسد (زیرا شکل آن در هنگام ریزش گل مشابه کف پای شیر است).<sup>۵۸</sup> ازریول (فاس)<sup>۵۹</sup>، جمره (فاس)<sup>۶۰</sup>، تاجر (فاس)<sup>۶۱</sup> وجه تسمیه آن به تاجر بخاطر اینست که گل آن با طلوع خورشید باز و با غروب بسته می‌شود و از این جهت مشابه تاجر است.<sup>۶۲</sup> - فارسی: گل آفتاب پرست<sup>۶۳</sup>، آذرگون - هندی: سورج مکھی<sup>۶۴</sup> - اردم - به زبان عجمی: قلنبه فوله - بنابر قول صاحب جامع نوعی از «قحوانست» و این خلاف است زیرا

گل «اقحوان» زرد و سفید است، و گل آن زرد و سرخ است، و او گوید نبات آن به مقدار یک گز باشد اما نبات «آذریون» از یک وجب زیادت نباشد و برگ آن مطلقاً به برگ «اقحوان» ماند، اما گل وی بغایت سرخ رنگ باشد مانند آتش و میان گل وی سیاه رنگ است و از گل «اقحوان» کوچکتر بود اما میان گل «اقحوان» زرد بود و برگ های (گلبرگ های) کنار آن سفید، اما در «آذرگون» (گلبرگ های) کنار آن سرخ با میان سیاه است، و این نوعی از «شقاییق» است.<sup>۵</sup>

الموسوعه	آذریون البری، آذریون الحقل، قَوْحَان، کحله	<i>Calendula arvensis L.</i>
الموسوعه	آذریون مخزنی، آذریون الحدائق، قره‌هان، زُیده، حَهوان	<i>Calendula officinalis L.</i>
زریاب	آذریون	<i>Calendula arvensis L.</i> <i>Calendula officinalis L.</i>
پارسا	گل آفتاب پرست	<i>Heliotropium europaeum</i>
طبا، خطا.	آذریون	<i>Calendula officinalis L.</i>

۱۶ - آذریونه،<sup>۶</sup> فلار،<sup>۷</sup> آذریون،<sup>۸</sup> نام های دیگر آن عبارتست از: فارسی: گلیم شوی، صابون لباس و امثال آن - سریانی: عرطینثا، عقاراعرطینثا - بلال،<sup>۹</sup> فلار - طالون - نام ریشه گیاه به رومی اطروکیا و لیطفورس است.<sup>۱۰</sup> "اسحاق بن عمران" می گوید آن نوعی «أَقْحُوَان» است.<sup>۱۱</sup>

زریاب	فلار، آذریونه	<i>Cyclamen europaeum L.</i> <i>Leontica leontopetalum L.</i>
الموسوعه	عرطینثا، شُکَم، بخورمریم، زَهْرالمسیح، وَکُف، خُبْزالمشاخ، بَقْلَامُس، رِکْهه	<i>Cyclamen sp.</i>

۱۷ - آرغیس، آدرغیس،<sup>۱۲</sup> (نامی بربری) نام های دیگر آن: دمشق و مصر: عود الریح،<sup>۱۳</sup> عودرنج - فارسی: پوست بیخ زرشک - اصل امیرباریس - به پوست درخت «برباریس» گفته می شود و در مصر به آن «عود الریح» گویند.<sup>۱۴</sup>

۱۸ - آزاد درخت، آزاد درخت، آزاد رخت، آزاد درخت، آزاد درخت، طاحسک (نام میوه): نام های دیگر آن: فارسی: شیشبان، طاق - عربی: شجرة الحر، حریطه، فالسیسبانه، علقم، لَبِخ، غُتاب الابيض، شجرة الفارسیه - تنکابن: داروان، زویاترس - جرجان: زهر زمین، یونانی: فرسیا - مازندران: سیسبان - سند: نیم - کرگان: زمین - شهرری: درخت هلیله - طبرستان: طاحک - شیرازی: طفک - «آزاد درخت» معنای فارسی «حر السحر» است.<sup>۱۵</sup>

الموسوعه	إزْدَرَحَت	<i>Melia azadarach L.</i>
زر - طبا.	آزاد درخت	<i>Melia azadarach L.</i>
Glo-in	هندی: نیم - سندی: نیمبا	<i>Melia azadarach L.</i> <i>Azadirachta india Juss.</i>
پارسا	درخت آزاد، تومه (شیراز)، نیل (آستارا)، آقچه داغ (کردنه چناران)، ازار (علی آباد، حاجی آباد)	<i>Zelkova crenata Spac.</i>

۱۹ - آس، آس، آس (نامی فارسی)، هَدَس (نام دانه)، آس، آس، اسفرم، اسمار، حب الاس، قیطس، آس، ریحان: نام های دیگر آن: ریحان،<sup>۱۶</sup> آس - سریانی: آسای، آسای گدلنفسی (به معنای جاء بک نفسه) و کرلنفسا به معنای خصومت کننده با جان خود - نام های نوع بستانی آن: یونانی: مرسا ایمارس، قیطس - سریانی: مرسنین، مرسنی - حبشی: ازورا - هندی: ادھیره، نام دانه آن: بکام، قطوس، قَطُسا، (بنک آس را) منظر - نام

گیاه در کتاب دیسکورید: مرسینس ایماروس<sup>۴</sup> - بنکه قیطس<sup>۵</sup>، غمار<sup>۶</sup>، اسماروزند<sup>۷</sup> - مورد<sup>۸</sup> - مزتیہ<sup>۹</sup> - مرثش<sup>۱۰</sup> - میبریان<sup>۱۱</sup> - رند<sup>۱۲</sup> - مرسینوس<sup>۱۳</sup> - آس دو جنس دارد: دشتی، و بستانی، نام دشتی آن «مورداسفرم» است.<sup>۱۴</sup> «آشیللی» می‌گوید: آس دارای دو نوع بستانی و سه نوع بری است که نام آن‌ها عبارت است از: ۱ - نوع بستانی هاشمی با نام ایماروس ۲ - نوع بستانی مشرقی ۳ - نوع بری مشرقی ۴ - نوع بری هاشمی ۵ - نوع بری جبلی<sup>۱۵</sup>

مرسینس ایمارس (*Mursine he hemeros*): به معنای "آس البستانی" است، زیرا مرسینس یعنی آس و ایمارس به معنی بستان است. - میوه آن به سریانی «مژدایانج» و به لاتینی عمومی «مژتان» (*Myrtinus*) و «مژته» (*Murta*) است. نام گل آن به بربری «أقام» و در اندلس «ریحان» است. دیسکورید در همین ذیل به نام "مُتُیْدَانُون" (*Murridanon*) اشاره دارد که نام "بُنْکَه" یا مواد ترش‌حی از ساقه این گیاه است. [این پیتار (در تفسیر کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۱۵]

الموسوعه	آس جوی، خَبلاس، حَبلاس، میزین، هُدس، خَلْموش	<i>Myrtus communis L.</i>
الموسوعه	آس - خَبلاس - حَمَبلاس - ریحان	<i>Myrtus spp.</i>
Glo-in	هندی و پاکستانی: ویلانی مِهَنَدی - اردو: هَبولاس	<i>Myrtus communis L.</i>
ز-طب.	هدس - آس	<i>Myrtus communis L.</i>
دیسکورید	آس البستانی	<i>Myrtus communis L.</i>
پارسا	حب الّاس	<i>Baccae murti (C)</i>
پارسا	برگ مورد - مورد سبز	<i>Myrtus communis L.</i>
خطابی	آس	<i>Ruscus aculeatus L.</i>

۲۵ - آس بری، آس بری<sup>۱۶</sup>، آس بری<sup>۱۷</sup>، مورداسفرم<sup>۱۸</sup>، مورداسفرم<sup>۱۹</sup>: نام‌های دیگر آن: آس نبی<sup>۲۰</sup> (ایض و اسود)، فارسی: مورداسفرم<sup>۲۱</sup>، اسمار<sup>۲۲</sup>، مارمورد<sup>۲۳</sup>، ماهومورد<sup>۲۴</sup>، مورداسبرم<sup>۲۵</sup>، اس کرمانی - عربی: رند<sup>۲۶</sup>، ریحان القبور<sup>۲۷</sup>، اسمادوسفرم<sup>۲۸</sup> - یونانی: مرسیا اغریا<sup>۲۹</sup>، مرسیسا اغریا<sup>۳۰</sup> - تنکابن: جز، عمار<sup>۳۱</sup> - دمشق و شهرهای شام: قف<sup>۳۲</sup>، انظر<sup>۳۳</sup> - عامه اندلس: خیزران البلدی<sup>۳۴</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: مرسینا آغریا<sup>۳۵</sup>

الموسوعه	سَفَنَدَزْلَایِج	<i>Ruscus aculeatus L.</i>
زر - طب.	آس بری	<i>Ruscus aculeatus L.</i>

۲۱ - اَطْرِیلال<sup>۳۶</sup>، اَطْرِیلال<sup>۳۷</sup>، اَطْرِیلال<sup>۳۸</sup>، اَطْرِیلال<sup>۳۹</sup> نامی بربری به معنای پای پرنده و پای کلاغ، برای مشابهت شاخه‌های آن با چنگ کلاغ، حرز الشیاطین<sup>۴۰</sup>، حشیشة البرص<sup>۴۱</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: حشیشة الارض<sup>۴۲</sup>، حرز الشیاطین<sup>۴۳</sup>، رجل الطیر<sup>۴۴</sup>، رجل الغراب<sup>۴۵</sup> - ترکی: غازایاغی<sup>۴۶</sup> - هندی: کال چنگی<sup>۴۷</sup> (پای زاغ)، مسی<sup>۴۸</sup>

الموسوعه	اَطْرِیلال - اَطْرِیلال - سِرْفَل - حشیشة البرص - حشیشة البهاق - رجل الغراب - جَزَر الشیطان	<i>Carum ammioides Benth.</i>
دیسکورید	حشیشة البرص (نام مشترک) - اَطْرِیلال - اَطْرِیلال	<i>Ptychotis verticellata Duby.</i>
پارسا	رجل الغراب - اَطْرِیلال - حشیشة البرص - قازایاغی	<i>Cochlearia coronopus L.</i>
EN.	اَطْرِیلال	<i>Peucedanum oreoselinum M.</i>

۲۲ - اَافْشور<sup>۴۹</sup>: (نامی بربری) بعضی از گیاهشناسان آن را بعنوان «قنطوریون الأصفر» می‌شناسند در حالیکه «ابو عباس» نام آن را «قنطوریون» نمی‌داند.<sup>۵۰</sup>

- ۲۳ - آکُتار<sup>ع</sup>: (نامی بربری) نام دیگر آن تلغوطه است.<sup>ع</sup>  
 ۲۴ - آکل نفسه<sup>ع</sup>، اکل نفسه<sup>ع</sup>: نام دیگر آن «فریون» است.<sup>ع</sup>  
 ۲۵ - آلاء<sup>ع</sup>، آلاء<sup>ع</sup>، آلاء<sup>ع</sup>: طَباقَة<sup>ع</sup>، ارطی<sup>ع</sup>، غشاة<sup>ع</sup>

<i>Dalbergia volubilis</i> Roxb.	Bobay: Alai	GLO.IN
----------------------------------	-------------	--------

۲۶ - آلاء<sup>ع</sup>: بنا به گفته‌ای نام دیگر «دفلی» است.<sup>ع</sup>

۲۷ - آلْسَن<sup>ع</sup>، آلْسَن<sup>ع</sup>: نامی یونانی به معنا دور کننده سگ دیوانه<sup>ع</sup> (زهر سگ) نام های دیگر آن: شام: حشیشة السلحفا<sup>ع</sup>، حشیشة السلحفاة<sup>ع</sup>، حشیشة النجاة<sup>ع</sup>، حشیشة اللجأة<sup>ع</sup> - "جالینوس" می گوید: این گیاه را «آلسن» می نامد زیرا برای درمان گزیدگی سگ بسیار مفید است.<sup>ع</sup>

<i>Ramnus alaternus</i> L.	زُفرین الجُرد، نبق مترادف، آملیس، آملیلیس، عودالقیسة	الموسوعة
----------------------------	--	----------

۲۸ - آآملیس<sup>ع</sup>: (نامی بربری)

۲۹ - آنیس النفس<sup>ع</sup>:

۳۰ - آباؤ<sup>ع</sup>: نام دیگر «قصب» است و گویند نام «حلفاء» نیز هست و سنبل آن «مقیل» نامیده می شود و به «بردیه» نیز «آباءة» گویند.<sup>ع</sup>

۳۱ - آنیج: نام های دیگر آن: اسفودلوس<sup>ع</sup> یا خنثی<sup>ع</sup> - فارسی: اشراس<sup>ع</sup>، اشریس<sup>ع</sup>، اشراز<sup>ع</sup> - بلوط الارض<sup>ع</sup> - ایجه<sup>ع</sup> - بروق<sup>ع</sup> - بربری: لاقلیشت<sup>ع</sup>، ایغرتی<sup>ع</sup>

۳۲ - أبرة الراعی<sup>ع</sup> أبرة الراعی<sup>ع</sup>: نام دیگر آن شکاعی است.<sup>ع</sup> - گویند نوعی «عصا الراعی» است و گویند نام «انجیلة» است که این درست تر است و گویند نوعی «حسک» است.<sup>ع</sup> «غافقی» می گوید نام های دیگر آن «أبرة الراهب» و «جحلوق» است.<sup>ع</sup> - این گیاه نوعی از «حسک» است و بعضی آن را به یونانی «لوقبوسوس» گویند و نوعی از گیاهی با نام یونانی «غارانیون» است و برخی «أبرة الراعی» را همان «شکاعی» می دانند که اشتباه است.<sup>ع</sup>

<i>Geranium columbinum</i> L.	عُزْرَنُوق العِزْهَل - جیرانیوم یمانی - أبرة الراعی	الموسوعة
<i>Geranium</i> sp.	أبرة الراعی	صاح

۳۳ - آبُرون<sup>ع</sup> یا ایزون<sup>ع</sup>، ابرون<sup>ع</sup> (نامی یونانی)، حی العالم<sup>ع</sup>، حی العالم<sup>ع</sup>، حی العالم<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: حی العالم<sup>ع</sup> یعنی همیشه زنده - رومی: ایزویون<sup>ع</sup> - هندی: کزُوج<sup>ع</sup> - فارسی: همیشه بهار<sup>ع</sup> - عربی: حی العالم<sup>ع</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: میشکجان<sup>ع</sup>، طلافیون<sup>ع</sup>، میشبهار<sup>ع</sup> - سیستان: میشناء<sup>ع</sup> - نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: ایزون الکیر است و دارای سه نوع بزرگ، کوچک و نوع سوم را بعضی از مردم «بقلة حمقاء بری» می نامند. دارای سه نوع بزرگ، متوسط و کوچک است و این اسم بر همه انواع «عصا الراعی» گفته می شود زیرا این گیاه همیشه وجود دارد.<sup>ع</sup>  
 ایزون الکیر (Aeizoon mega): به معنای همیشه زنده است و نام های دیگر آن عبارتست از: حی العالم الکیر<sup>ع</sup> - شیان<sup>ع</sup> و مغرب در مصر رویش ندارد.

ایزون الصغیر (Aeizoon to mikron): نام های دیگر آن عبارتست از: حی العالم الصغیر<sup>ع</sup>، عِنب السَّقْف<sup>ع</sup> - مردم اندلس به زبان لاتینی: أیبله دِطَلْباطَه<sup>ع</sup> - اهالی آفریقا: بَرَاذِل القِطَّة<sup>ع</sup>  
 "دیسکورید" با همین اسامی نوع سوم حی العالم را یادآور شده است که خاصیت گرم و خشک و سوزنده ای دارد. [ابن بطار] در



<i>Sempervivum arborerum L.</i>	ایزون الکبیر	دیسکورید
<i>Sedum acre L.</i>	ایزون الصغیر	دیسکورید
<i>Sedum telephilum L.</i>	نوع سوم حی العالم	دیسکورید
<i>Sempervivum spp.</i> <i>sedum spp.</i>	حی العالم	صحاح
<i>Sempervivum arborerum L.*</i> <i>Sempervivum tectorum L.*</i>	ایزون	زریاب
<i>Sedum sp.</i>	حی العالم - حَیَوْن - وَذْنَة	الموسوعه
<i>Sempervivum tectorum</i> <i>Sempervivum arborerum</i>	حی العالم	طباطبائی
<i>Sedum telephium</i>	حی العالم بری - طیلّاس	طباطبائی
<i>Sedum acre</i>	حی العالم صغیر - حی العالم رعونا - امرومن	طباطبائی
<i>Pistia stratiotes L.</i>	حی العالم الماء	طباطبائی
<i>Sempervivum arborerum L.</i>	حی العالم	خطابی

۳۴ - أَبْزَارُ، ابْزَارٌ، انبویاریس: نام‌های دیگر آن: نزار (عوام) - فارسی: زرشک، زارج - انبیریاریس - اثرا - امبودیسیس - درنک

۳۵ - ایلیم: گیاهی در حجاز

۳۶ - اَبْلَم: ش

۳۷ - اَبْلَمَة: ش: شاید «انجیله» باشد. ش

۳۸ - ابْنُ، ابْنُ الارض، ابْن الارض: ش

۳۹ - ابْن أَوْبَر: نوعی کماة ش

۴۰ - ابوخلسا، ابوخلسا (نامی یونانی)، اروسا، انجسا، شجرة الدم: نام‌های دیگر آن: عربی: شجرة الدم، حمیرا، حناء الغول، خس الحمار، اروسه، رجل الحمامه، شنجار، شیفار، سنجار، شنغار، شنجار، شنکار - زابلستان: طلخشقوک، خرجکوک، کوک یعنی خس یا کاسنی - هوفیلوس - شنقار - کحلا - انقلیا - سریانی: حالوما - بالقس - کاهورجنه - عاقرشمعا

الف - أَنْخُصَا (*Ankhusa*): در بعضی از نسخ به آن «أَنْخُوسَا» گویند و در بعضی از ترجمه‌ها به نام‌های «أَبُوخْلَسَا»، «خَسُّ الحِمَار»، «شَنَكَار»، «شَنقَار»، «شَنكَال»، «شَنقال» معروف است و اهالی اندلس به آن «حُمَيْرَا» و «رَجُل الحَمَامَة» گویند و نزد اهالی مصر به «جَنَالُ الغُولَة» موسوم است. دیسکورید ذیل این نام به سه نوع از این گیاه اشاره می‌کند.

ب - لُوقَبْسُون (*Lukapsos*) (لوقسیون): از جنس شنجار (سنجار) است. [این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۳ و ۲۴]

<i>Alkanna tinctoria L.</i> <i>Lithospermum fruticosum L.</i> <i>Echium diffusam L.</i>	انخسا	دیسکورید
<i>Echium italicum L.</i>	لوقبسون	دیسکورید
<i>Onosma spp.</i>	شنجار	الموسوعه
<i>Alkanna tinctoria Tausch.</i>	شنجار البر	الموسوعه
<i>Alkanna tinctoria Tausch.</i> <i>Anchusa tinctoria L.</i>	اروسا	زریاب

<i>Alkanna tinctoria</i> Tausch.	شجرة الدم	طباطباني
----------------------------------	-----------	----------

۴۱- ابوقانس' (یونانی)، ابوفایس<sup>۴</sup>، اتوفایس<sup>۵</sup>، ابوسفن<sup>۶</sup>، قللجة<sup>۷</sup>: نوعی خفص - نام‌های دیگر آن: ابوقاوس، اوقاس - عربی: غاسول رومی' - نام گیاه در کتاب دیسکورید: ابوفایس<sup>۸</sup> زیرا محل رویش آن 'ابوفایس' نام دارد.<sup>۹</sup>  
ابوسفن<sup>۱۰</sup> (*Hippophaiston*): نوعی از غاسول است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۴]

<i>Cirsium stellatum</i> L.	ابوفطن	دیسکورید
<i>Euphorbia spinosa</i> L.		
<i>Hippophae rhamnoides</i> L.	غاسول ( <i>Hippophaes</i> )	دیسکورید

۴۲- ابو قنسطس<sup>۱</sup>: «ابو فسطن<sup>۲</sup>» نوعی «أبو فایس» است.<sup>۳</sup>

[illegible]

برائی (Brathu): اُبھل (ابن بیطار (در ترجمہ دیسکورید) ۱ - ۷۶]

<i>Juniperus sabina</i> L.	ابھل	د.ط.خ.-EN.
<i>Cuperessus sempervirens</i> L. <i>Cupressus horizontalis</i> Mill.	سرو کومی	پارسا
<i>Cuperessus sempervirens</i> L. <i>var. fastigiata</i>	زرین (منجیل، کوه درفک) - سور (شمال)	پارسا
<i>Juniperus communis</i>	<i>Hendia: Araar - Dakan: Abhal</i> <i>Kashmir: Betar, Pethra - Sanskrit: Vapusha</i>	<i>Glo.in</i>

۴۴- ابهل هندی، شجرة الله، شجرة اكله، نام های دیگر آن: هندی: دیودار<sup>۲</sup> - صنوبر هندی<sup>۳</sup> - ابهل هندی<sup>۴</sup>  
۴۵- ایغفل<sup>۵</sup>:

<i>Melilotus officinalis</i> Lam.	ابیغل	زریاب
<i>Trygonella hamosa</i> L.		
<i>Trifolium fragiferum</i> L.		

۴۶ - اَبَید: نام دیگر آن: بوراطاغونس

۴۷- «أَنْزُجْ»؛ أنرج، أنزع، أترج، أترج، تفاح مائي، تفاح مائی، متک: نام‌های دیگر آن: عربی: «تفاح مائی»<sup>ش</sup> (منسوب به شهر «ماء»)؛ متکه، متک، ریحان الماء - مصر: ریحان النعنع؛ تمر الهندية، تمر الذهبی<sup>ش</sup> - یونانی: مارسیسقاء، یامارسیقا، میزیقیا - سریانی: اطروغا، عاقر شمعاً، حالوما، کحلا، کحیلا، هرقلو، هیقلوس، اطروکا - شیراز: طوس - هند: بکاین - فارسی:

هو جویه، باذرنگ، و وادرنگ (به معنای لا زال هذا اللون موجودا) و باذرنگ (یعنی لا زال هذا اللون باقیا)، تَرَنج (اهواز)، تَرَنج، قدرومیل<sup>ش</sup> - افرنجی: برشیقا<sup>ش</sup> - عجمی: جطریا<sup>ش</sup> - بربری: تَرَنج<sup>ش</sup> - هندی: رتن جوت - سریانی: - عوام: طرنج<sup>ش</sup> - فاس: تَرَنج<sup>ش</sup> - بربری: تَرَنج - نام‌های میوه: حب العرعر<sup>۱</sup> - فارسی: تخم وهل<sup>۲</sup> - هندی: بجوڑه<sup>۳</sup> - فارسی (نوع کوچک): تَرَنج<sup>۴</sup> - نام میوه نوع بزرگ: بالنگ<sup>۵</sup> - فرنگی: مبدکه ماله<sup>۶</sup> - نام میوه نوع کوچک به فرنگی: لیمونیه ماله<sup>۷</sup> - نام نوعی از آن: نارنج<sup>۸</sup>، فاس: نرنج<sup>۹</sup> - نام نوع دیگر آن: زنبوع<sup>۱۰</sup> - نام نوع دیگر آن: لیمون<sup>۱۱</sup> - نام نوعی از آن: لیم<sup>۱۲</sup> میدیقامیلا (Medika mela): نام دیگر آن عبارتست از: «أترج» و «تُفاح الماهی»<sup>(۱۳)</sup> - نام عربی آن «مُثْک» است. [این بيطار (در

ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۲]

<i>Citrus medica L.</i>	اترج - تفاح ماهی - مُثْک - کَبَاد	الموسوعه
<i>Citrus medica Risso. Var. Cedrata</i>	اترج	دیسکورید
<i>Citrus medica</i>	بالنگ - بادرنگه	پارسا
<i>Citrus medica L.</i>	اترج	زر. - خط.
<i>Citrus aurantium</i>	نارنج	خطابی
<i>Citrus limonum</i>	لیمون	خطابی

۴۸ - أثاب<sup>ش</sup>: أثل<sup>ش</sup>

۴۹ - أثبة<sup>ش</sup>:

۵۰ - أترار: بر اساس گفته‌های نوعی «ریباس» با نام «حماض الجیلی» است و بنا به گفته درست‌تر نام دیگر «انبریاریس» است.<sup>ش</sup>

۵۱ - أثل، أثل<sup>ش</sup>، أثل<sup>ش</sup>، اثل (نامی عربی)، نُضار<sup>ش</sup>، کُزمازک<sup>ش</sup>، جزمارج<sup>ش</sup> (دانه): نوع بزرگ "گز" به هندی "جهاؤ" است. نام دیگر آن: طرفاء البستانی<sup>۱</sup> - نام‌های میوه: هندی: نهی مائین، اُجهوتی مائین<sup>۲</sup> - کُزمارک<sup>۳</sup>، کُزمازق<sup>۴</sup>، عَذبه<sup>۵</sup> آفالیس (Akakallis): شجر الأثل، نام میوه به فارسی: کُزمازک، کُزمازق، کُزمازج<sup>۶</sup>، نام میوه به عربی: عَذبة<sup>۷</sup> [این بيطار (در ترجمه

دیسکورید) ۱ - ۹۱]

<i>Tamarix niloticaa Ehr &amp; Bung.</i>	اثل	EN.
<i>Tamarix articulata Vahl.</i>	اثل	د. - ط. - خ.
<i>Tamarix spp.</i>	اثل - عَبل - طرفاء	الموسوعه
<i>Tamarix orientalis Forsk.</i> <i>Tamarix articulata Vahl.</i>	عبل - اثل مفصلی	الموسوعه
<i>Tamarix gallica L. var. mann</i>	حب الاثل - گز خوانسار	پارسا
<i>Tamarix orientalis Forsk.</i> <i>Tamarix articulata Vahl.</i>	اثل	زریاب
<i>Tamarix gallica</i> <i>Tamarix articulata Vahl.</i>	کُزمارک	طباطبائی

۵۲ - أثلق، أثلق<sup>ش</sup> (نامی عربی)، اغنیس<sup>۱</sup>، أغس<sup>۲</sup> (نامی یونانی به معنای طاهر)، بَنج أَثْکُشت<sup>۳</sup>، بَنجْکُشت<sup>۴</sup>، فَنجْکُشت<sup>۵</sup>،

۱- ماهی: به معنای منسوب به "ماه"، و آن منطقه‌ای است در دینور و نهاوند و همدان و نام واقعی آن "میدیا" است. - جهت اطلاعات بیشتر به کتاب "معجم البلدان" یا قوت الحموی مراجعه شود.

۲- "تفاح ماهی" در اصل "تفاح مای" بوده و صحیح آن "مادی" یا "میدئ" است، این بيطار هر دو واژه را بکار برده و می‌گوید منسوب به "ماه" است نه به "ماه" - نقل از ابن مراد

۳- نامی مصری

بنجنگشت<sup>۴</sup> (نامی فارسی)، بنجگشت<sup>۵</sup>، بزر البنجنگشت<sup>۶</sup>، حب الفقد<sup>۷</sup>، فقد<sup>۸</sup>، فلفل الصقالیه (بذر)<sup>۹</sup>؛

نام های دیگر آن: رومی: اغنوس، لوغیوس، سقاو - سریانی: خمساطرفی، ارعاحورا، قیمولیا<sup>۱۰</sup> - فارسی: بنجگشت<sup>۱۱</sup>، فنجنگشت - بذر آن: بیدمر - عربی: ذوخمسة اوراق<sup>۱۲</sup>، ذوخمسة اجنحه<sup>۱۳</sup> - یونانی: اغنیس<sup>۱۴</sup> این نام به معنای طاهر و پاک است زیرا زهاد گمان می کردند ضعیف کننده باه و شکننده شهوتست و به همین دلیل در اعیاد در هنگام بهار آنرا در معابد فرش می کردند - فارسی: پنجنگشت<sup>۱۵</sup>، فلفل بری<sup>۱۶</sup> - هندی: سنیهالو<sup>۱۷</sup> - فرنگی: اسکی نان تو<sup>۱۸</sup> - لاتینی: ویطس<sup>۱۹</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: اغنوس<sup>۲۰</sup> (اغنس)<sup>۲۱</sup>، فنطافیلن، شجرة الطهر<sup>۲۲</sup> نام میوه آن: عربی: حب الفقد<sup>۲۳</sup> و حب النسل<sup>۲۴</sup> یعنی قاطع نسل - فارسی: فلفل کوهی<sup>۲۵</sup> - شیرازی: دل اشوب<sup>۲۶</sup>، تخم دل اشوب<sup>۲۷</sup> - هندی: رنیکا<sup>۲۸</sup>

ابن بیطار: «بنجنگشت» به معنای «ذو خمسة أصابع» است و معادل دانستن آن با نام «بنطفلون» اشتباه است.<sup>۲۹</sup> أغنس (Agnos): دیسکورید: این نام به معنای طاهر (پاک کننده) است زیرا زنان زاهد با فرش نمودن این گیاه در معابد، شهوات را از خود دور می کردند. برخی آنرا «لغس» یا «لوغس» به معنای سخت شکننده و «شجرة ابراهیم (علیه السلام) دانسته و می پنداشتند خوابیدن روی این گیاه شهوات جنسی از آنها رفع می شود و به همین علت آنرا «شجرة المطهره» می گفتند. نام سریانی آن «أیلاقدیسا» و نام هندی آن «سرساد» و «شمیثا» و نام بربری آن «وَنقَارَف» (انقارف) و نام عربی آن «كَفَّ الْجَدْمَا» است و عموم اهالی مصر به آن «شجرة مریم» گویند و اهالی اندلس آن را با نام «شجرة الفلفل» و «فلفل الصَّقَالِیَّة» (نامی مشترک بین چند گیاه) می شناسند، نام دانه آن «شُرْبُلَه» و در مصر «حب الشجرة» است و نزد عرب و پزشکان به «فقد» معروف است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید)]

<i>Vitex agnus castus</i> L.	بنجنگشت	د، ز، ط.
<i>Vitex agnus castus</i> L.	<i>Persia: Panjangusht - Arabia: Athlak</i>	GLO.IN.
<i>Vitex agnus castus</i> L.	پنج انگشت - فلفل نما - فلفل	پارسا

۵۳- أجاص<sup>۱</sup>؛ اجاص<sup>۲</sup>، إیجاص<sup>۳</sup>، أجاص<sup>۴</sup>، اجاص<sup>۵</sup>، إجاص<sup>۶</sup>، أجاص<sup>۷</sup>؛ مراد از مطلق آن آلوی زرد بخارانی است. نام های دیگر آن: آلو - إنجاص<sup>۸</sup> - فارسی: آلو، آلو، کرک سیاه<sup>۹</sup>، آلوی سیاه<sup>۱۰</sup> - سریانی: جاسا اکاما<sup>۱۱</sup>، حاحی اکامی، حوحانیثا، سنگ بادکوکافیلون<sup>۱۲</sup> - رومی: مسقینون<sup>۱۳</sup>، دمشقینی<sup>۱۴</sup> - فاس: برقوق<sup>۱۵</sup> - اهل مغرب و اندلس ترش آن را عین البقر<sup>۱۶</sup> می دانند. - اهل اندلس: عیون البقر<sup>۱۷</sup> - نام میوه زرد: یونانی: ادرک<sup>۱۸</sup> - فارسی: آلوچه<sup>۱۹</sup>، آلوچه سلطانی<sup>۲۰</sup> - عراق: شاهلوج<sup>۲۱</sup>، یعنی شاه آلو، شاهلوج<sup>۲۲</sup> (۱) - نام میوه سرخ و ترش آن: کشبه<sup>۲۳</sup> - نام آلوی سیاه: عربی: قلوب الدحج یعنی دل گیاهان<sup>۲۴</sup> - نام نوع دمشقی آن: میشو<sup>۲۵</sup> - به رومی: ققومیلاس<sup>۲۶</sup>، ققومیلاس به معنای تفاح الذهب<sup>۲۷</sup> - نام نوع طبری آن: نیشوق<sup>۲۸</sup>، نیشق<sup>۲۹</sup>

دو نوع است سیاه و سفید، سیاه آن را «ممنون البقر» خوانند، و سفید آن را «شاهلوج»، و سیاه به فارسی آن را «آلوی سیاه» گویند. قُومِیلا (Kokkumelea): نام های دیگر آن عبارتست از: شجرة الأجاج، شاهلوج، شاهلوک - عموم اهالی مغرب: عین البقر [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۳۰]

<i>Prunus spinosa</i> L.	اجاص	خطابی
<i>Prunus communis</i> L.	اجاص - کمتری - انجاص	الموسوعه
<i>Prunus divaricata</i> Led.	آلوچه (جنگل های شمال)	پارسا
<i>Prunus domestica</i> L.	اجاص	ز، ط، د، ع.

۱- صیدنه فقد را دانه عرفج می داند. - فقد به معنای فاقد ساختن و از بین بردن زیرا موجب فقدان نسل می شود.

۱- در عراق به میوه بزرگ سفید گفته می شود

<i>Prunus domestica</i> L. Syn: <i>Prunus communis</i>	Hendia & Bengal: Alu-bokhara	GLO.IN.
---	------------------------------	---------

۵۴- أُجْرِدٌ<sup>ش</sup>: نام نوع دیگر آن «قصص» است.<sup>ش</sup>

۵۵- اُخْرِیضُ، اُخْرِیضُ<sup>ع</sup>، اُحْرِیضُ<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: خربیع<sup>ش</sup> - فارسی: گل کافشه، گل خنق، رنگ زعفران<sup>۱</sup> - دیلمی: کاجیره<sup>۲</sup> - هندی: کسم‌کاپهول<sup>۳</sup> - "ابوحنیفه" می‌گوید نام دیگر آن «عُصْفُرُ» است.<sup>ع</sup>

<i>Charthamus lanatus</i> L.	أطرقطولس - عصفر البری - مرزجون	دیسکورید
<i>Charthamus tinctorius</i> L.	عصفر	زر. - طبأ.
<i>Charthamus tinctorius</i> L.	گل کافیشه - تخم کاجیره - قرطم	پارسا
<i>Charthamus tinctorius</i> L.	قُرْطُم الصبَاغین، تبراض، عُصْفُرُ	الموسوعه

۵۶- اُحیرش<sup>ش</sup>:

۵۷- اُخْیون<sup>۴</sup>، اُخْیون<sup>۴</sup>، اُخْیون<sup>۴</sup>: نامی یونانی به معنای سرافعی است، زیرا میوه گیاه به شکل سرافعی است.<sup>۴</sup> نام دیگر آن رأس الأُقی است.<sup>۴</sup>

اُخْیون (Ekhion): این نام به معنای سرافعی است زیرا گیاه دارای میوه‌ای مشابه سرافعی است. [ابن بطار(در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۷]

<i>Echium rubrum</i> L.	اُخْیون	دیسکورید
<i>Echium</i> sp.	اُخْیون	EN.

۵۸- اُخْرَسَاجُ، اُخْرَسَاجُ<sup>۵</sup>؟

۵۹- اُخْیروس<sup>۶</sup>، اُخْیروس<sup>۶</sup>: نام دیگر آن: قمع البری<sup>۶</sup>

<i>Camoanula ramosissima</i> Sibth.	اُخْیروس	زریاب
-------------------------------------	----------	-------

۶۰- اُخْلیوس<sup>۷</sup>: برخی آن را به اشتباه «شَیْتان» نامیده‌اند.<sup>ش</sup>

۶۱- اُدْرَکُ<sup>۸</sup>: (نامی عربی) نام دیگر آن به فارسی آلوچه سلطانی است.<sup>۸</sup>

۶۲- اُدْیرزا (اُدْیرزا): گیاهی منسوب به کوه «ایدا»<sup>۹</sup>

۶۳- اُدْارَقِی<sup>۱۰</sup> (نامی سریانی)، قاتل الکلب<sup>۱۱</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: کچله، کچوله<sup>۱۲</sup> - به زبان هندی نیز نام آن همین است - عربی: قاتل الکلب<sup>۱۳</sup>، حب الغراب<sup>۱۴</sup>، خائق الکلب<sup>۱۵</sup>

اُفُوقُونُ (Apokunon)<sup>(۱)</sup>: یعنی عَنَب الکَلَب، گیاهی کشنده، بذر آن در میوه‌ای همانند خرنوب قرار دارد و نام دیگر آن قاتل الذئب است. [ابن بطار(در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۲]

<i>Marsedenia erecta</i> L. <i>Strychnos nux-vomica</i> L. <i>Barjonia racemosa</i> Decne. <i>Aconitum erectum</i> L. <i>Cynanchum erectum</i> L.	قاتل الکلب	زریاب
---	------------	-------

۱- در کتاب جامع ابن بطار نام آن معادل "افوقون"، "قاتل الکب"، "خائق الکلب" آمده است.

دیسکورید	افقونن	<i>Apocynum erectum Vell.</i>
----------	--------	-------------------------------

۶۴ - اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، طیب العرب، خلال مامونی، سجویس، طیب العرب: نام های دیگر آن: هندی: سوندهی، گژیل (فجاج)، عربی: نجم، اغرسطس، گور گیاه، رعی العیر - جرجان: گوزن تل - سریانی: سحیل - یونانی: سجومیس، طوفسس، نحوفس، سخیونس - کامکه، تین مک - کر به دشتی - اذخر دو نوع است: نام های قسم مکی آن: عربی: تین مک، خلال مامونی، طیب الغریب - رومی یا یونانی: سخیس، سخس - رومی: ادماطیوش - عجمی: جرنه - هندی: کندهیس، کندهیل، کشول، سوندهی، روس، سوریا - فارسی: گور گیاه، کاه مک، کژنه دشتی، طوسیطس - مک: غسول - فاس: اذخر، تین مک - بربری: تیطمست - هیروم، بیروم، جوز جنا، حشیشة البابی - "ابوحنیفة" می گوید: نوعی از آن معروف به «جرنه» یا همان «دیس» است که از آن دایره های جهت غربال تهیه می کنند.

سَخِينُوس (Skhoninos): اذخر - تین مک [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۷]

دیسکورید	سخیونس - اذخر - تین مک	<i>Andropogon schoenanthus L.</i>
زر - خ.	اذخر	<i>Andropogon schoenanthus L.</i> <i>Andropogon lanigera Desf.</i>
الموسوعه	اذخر - تین مک - طیب العرب	<i>Andropogon schoenanthus L.</i>
پارسا	کور گیاه - کاه مک - کر به دشتی	<i>Andropogon schoenanthus L.</i>
طبا، EN.	اذخر	<i>Andropogon schoenanthus L.</i> <i>Cymbopogon schoenanthus Spreng.</i>
GLO.IN.	Bombay: Azkhir	<i>Cymbopogon jawarancusa Sch.</i> Syn: <i>Andropogon jawarancusa Jo.</i>

۶۵ - اذُن الحِمَار: أونوما: یعنی ساقط کننده جنین. نوعی از گیاه "خس الحمار" است، عموم اهالی اندلس آن را «رِجُل الحَمَامَة» می نامند و دارویی بنام «اونوما» در اندلس وجود دارد و گیاهشناسان و پزشکان اندلسی به آن «اُذُن الحِمَار» گویند و "جالینوس" آن را با نام «انوسما» می شناسد. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۶]

دی - الم.	اونوما - اذن الحمار	<i>Onosma echinoides L.</i>
زریاب	اذن الحمار	<i>Onosma echinoides L.</i> <i>Symphytum officinale L.</i>

۶۶ - اذن البوطاط:

۶۷ - اراق، اراقوا: نام های دیگر آن: فارسی: سیهک

۶۸ - اراک، اراک، اراک، اراک، بربر: نوعی رتم نام های دیگر آن: فارسی: درخت مسواک - به زبان گرمسیری: جوج - هندی: پیلو و جال - نام بذریل - نام میوه رسیده به عربی: کباث، بربر - اشبیلی می گوید: برخی آن را به اشتباه «مخیطا» و عده ای «رند» و بعضی «ضرو» و «بطم» و گروهی «بنتومه» و عده ای «محلَب» می دانند در حالی که «اراک» نزد عرب گیاه مشهوری است.

ال، ط، ز، E.	اراک	<i>Salvadora persica Gaertn.</i>
پارسا	درخت مسواک	<i>Salvadora persica - S. indica</i>

- ۶۹- آر بیان<sup>۴</sup>: (نام گیاه در شام) این گیاه نزد "البکری" نوعی از «بابونج» است که به یونانی به آن «فکتلمن» گویند و آن نام «بهار» است.<sup>۵</sup> و غیر از "بکری" «آریان» را نامی برای «جراد بحری» می‌دانند که به آن «رویان» هم گویند.<sup>۶</sup>
- ۷۰- آرجان<sup>۷</sup>: (نامی بربری)
- ۷۱- أرجنقة<sup>۸</sup>: رنگرزان به آن «أرجیقن» گویند.<sup>۹</sup>
- ۷۲- أرْجوان، ارجوان<sup>۱۰</sup>، أرجوان<sup>۱۱</sup>: نامی معرب از ارغوان<sup>۱۲</sup> یا أرْجوان<sup>۱۳</sup> - نام‌های دیگر آن: فارسی: رغیدا، داذااروان<sup>۱۴</sup>، دارارون<sup>۱۵</sup>

الموسوعه	أرجوان - ارجوان العرب ارغوان خزریق - سجریق - شجرة اليهود	<i>Cercis spp.</i>
زر. - پا.	ارغوان - ارجوان	<i>Cercis siliquastrum L.</i>
GLO.IN.	Arabia & Persia: Arghavan	<i>Sophora mollis Gr.</i>

۷۳- أرْدَقْ نافی، ارزاردفناقی<sup>۱۶</sup>: (نامی یونانی)؟

- ۷۴- أرْز، ارز<sup>۱۷</sup>، أرْز، ارز<sup>۱۸</sup> معرب اورزأ واوریزأ، برنج<sup>۱۹</sup>، ابرنج (نام فارسی): نام‌های دیگر آن: الرز<sup>۲۰</sup> - سریانی: روزی، رزأ<sup>۲۱</sup> - عربی: من<sup>۲۲</sup> - فارسی: برنج - تورانی: کرنج<sup>۲۳</sup> - برنق<sup>۲۴</sup> - برنک<sup>۲۵</sup> - ابرنج<sup>۲۶</sup> - هندی: چاول<sup>۲۷</sup> - رومی: اریزون<sup>۲۸</sup> - سری فرکودات: کُرْنَج<sup>۲۹</sup> فاس: رُوْز<sup>۳۰</sup> - بربری: رُوْز<sup>۳۱</sup>

الموسوعه	ارز - رز	<i>Oryza sativa L.</i>
زر. - خط.	ارز	<i>Oryza sativa L.</i>

- ۷۵- أرْز، أرْزَة<sup>۳۲</sup>: نام‌های دیگر آن: درخت صنوبر بی بار<sup>۳۳</sup> - رومی: اغروسطوس<sup>۳۴</sup>، مروسیا<sup>۳۵</sup> - سریانی: ییلا<sup>۳۶</sup>، شعیعادیما<sup>۳۷</sup> - فارسی: فرزدجویار<sup>۳۸</sup> - عربی: حشیشه<sup>۳۹</sup> - نزد صاحب نظران عرب «أرز» نام «صنوبر نر» و «فرزدجویار» نام «ثیل» است.<sup>۴۰</sup>
- قوفی (Peuke): به معنای دُخنه و نوعی تنوب است، نام دیگر آن «شجره الأرز» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید)]

زریاب	ارزه	<i>Cedrus libani Bar.</i> کاشته شده <i>Pinus halepensis Mill.</i>
دیسکورید	قوفی - شجرة الارز	<i>Picea exelsa Link. *</i> کاشته شده

- ۷۶- ارطی<sup>۴۱</sup>: بنا به قولی نام «طرفاء» و بنا به قول دیگر نام «رمت» است و نام هندی آن «مهت» است.<sup>۴۲</sup>

زریاب	ارطی	<i>Calligonum comosum L.</i>
الموسوعه	ارطی	<i>Calligonum spp.</i>

- ۷۷- أرغامونی، أرغامونی<sup>۴۳</sup>، ارغامونی<sup>۴۴</sup>، ماشیا<sup>۴۵</sup>: نام دیگر آن به فارسی «مامیشای سرخ» است.<sup>۴۶</sup>

الموسوعه	ارغوان خشخاشیه	<i>Argemone sp.</i>
EN.	ارغامونی	<i>Papaver argemone L.</i>

۷۸ - آرْقِطون، آرْقِطیون: معرب ارقیسون یونانی، نام دیگر آن «فروسوقیون» است.<sup>۱</sup>

<i>Arctium lappa</i> L. = <i>Lappa major</i>	اراقیطون - ریشه بابا آدم	پارسا
<i>Arctium lappa</i> L. <i>Arctium tomentosum</i> <i>Arctium bardana</i> Willd.	ارقیطون	الموسوعه
<i>Lappa major</i>	ارقیطون	EN.

۷۹ - آرْقِطیون، ارقطیون آخر: نام دیگر آن: ارقطون، آرْقِطیون (*Arktion*): به زبان عربی آن را "حربان"<sup>(۱)</sup> گویند. ارقطیون اخر: به زبان عربی آن را "حربان" گویند و دارای دو نوع بری و بستانی است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۴ و ۹۵]

<i>Arctium tomentosum</i> Shk.	ارقیطون	دیسکورید
<i>Arctium lappa</i> L.	ارقیطون اخر	دیسکورید

۸۰ - ارماط: نام های دیگر آن: درخت کدز - کاوی<sup>۲</sup>

۸۱ - از مال، وارمالک، آزمالک، ارماک<sup>۳</sup>، ارمال: پوست چربی است. - چوبی سمی است و خوش بو - نام های دیگر آن: سریانی: ارمالی - پوست درخت کاذی<sup>۴</sup>

<i>Pandanus</i> sp.	کاذی	الموسوعه
---------------------	------	----------

۸۲ - از منین، آرمیس<sup>۵</sup>، ارمنین: (نامی یونانی) "ابن جلجل" پنداشته این گیاه «قلقل» و «قلقلان» است ولی مشخصات این گیاه با «قلقلانی» که در عراق به این نام مشهور است، متفاوت است.<sup>۶</sup> اُرْمِینُ (*Horminon*): ابن حسان معتقد است نام گیاه "حَبُّ الْقَلْقَلِ" و "قَلْقَال" و "قَلْقَالِی" است ولی صرف نظر از نام معروف آن نزد عرب، به آنچه مورد نظر [کتاب شرح دیسکورید / است نرسیدم. - نام این گیاه در کتاب جالینوس "قُومِیون" است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۴]

<i>Salvia horminum</i> L.	ارمنین	دیسکورید
<i>Horminum pyrenaicum</i> L.	ارمنین	EN.

۸۳ - ارمیس<sup>۷</sup>:

۸۴ - اریدبرید<sup>۸</sup>، اُرتدبرید<sup>۹</sup>، ارید برید: پیازی که از سجستان جمع آوری می شود<sup>۱۰</sup>. - به نظر "غافقی" به احتمال زیاد این گیاه همان «وِلبوث» است.<sup>۱۱</sup>

<i>Gladiolus communis</i> L. <i>Gladiolus segetum</i> Ker.	اریدبرید	زریاب
---	----------	-------

۸۵ - اُزروُد<sup>۱۲</sup>، ازروُد: (نامی بربری) نزد بربرهای آفریقا نام «حندقوقا»<sup>۱۳</sup> است.

۱- حربان بدون نقطه در رسم الخط آمده که مجهول می باشد.



۸۶- آژوسه<sup>۱</sup>: (نامی هندی)؟ نام‌های دیگر آن: وانسه<sup>۲</sup> و وانسه<sup>۳</sup>

۸۷- آسارون<sup>۴</sup>، آسارون<sup>۵</sup> (نامی رومی)، آسارون<sup>۶</sup>، آسارون<sup>۷</sup>، آسارون<sup>۸</sup>، آسارون<sup>۹</sup>، آسارون<sup>۱۰</sup>، آسارون<sup>۱۱</sup>: (نامی سریانی) نام‌های دیگر آن: یونانی: سراسیون<sup>۱۲</sup> - عربی: نوغان<sup>۱۳</sup> - عجمی: آشزه<sup>۱۴</sup>، افرقه دلف<sup>۱۵</sup> - بربری: قرنه<sup>۱۶</sup> - اشبیله: لوبیانیه<sup>۱۷</sup> - هندی: تکر<sup>۱۸</sup>، بنتی تکر<sup>۱۹</sup> - ناردین بری<sup>۲۰</sup>، سنبل بری<sup>۲۱</sup> - سریانی: ناردین دبرا<sup>۲۲</sup>، قرنفل جبلی<sup>۲۳</sup> - فاس: اسرون<sup>۲۴</sup> گویند «اسارون» بیخ «سنبل رومی» است و این خلاف است، زیرا «ناردین» ریشه «سنبل رومی» است.

آسارون (Asaron): گیاه معروفی است. بعضی از مردم به آن «ناردین بری» گویند. (۲) [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰]

زر- پا.	اسارون - اسارون شامی	<i>Asarum europaeum L.</i>
الموسوعه	ناردین بری - اسارون	<i>Asarum europaeum L.</i>
دی. - طب.	اسارون	<i>Asarum europaeum L.</i>
GLO.IN.	Hend & Bengal: Taggar/Kumaon: Asrun	<i>Valeriana hardwickii Wal.</i>

۸۸- اسپیدمرد<sup>۲۵</sup>: نام دیگر آن: فلفل ایض<sup>۲۶</sup>

باباری (Peperi): فلفل - به درخت آن "دار فلفل" و "فلفل الایض" گویند. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۲]

دیسکورید	اسپیدمرد	<i>Piper aromaticum Lam.</i>
		<i>Piper nigrum L.</i>

۸۹- استیب<sup>۲۷</sup>: (نامی عربی) نام گروه انواع مختلفی از گیاهان است<sup>۲۸</sup>: نام‌های نوع اول عبارتند از: یونانی: قستوس - رومی: شقواصه - فارسی: قسثارون - بربری: تبرحله، وتورلت - عجمی: برتلاقش، برتقش - نام میوه: جلجل - نام نوع دیگر: ورد الحمار - یونانی: ایذون - نام نوع دیگر: فارسی: شقاص - یونانی: سطوبی - نام نوع دیگر: رشال الاحمر - یونانی: قلوامانی، برطوماش - عجمی: رشاله - سریانی: قلواماش - کواکب - نام نوع دیگر: خطبه، قرغار

۹۰- استبرق<sup>۲۹</sup>:

۹۱- استن: طوبه<sup>۳۰</sup>

۹۲- اسحاره<sup>۳۱</sup>، اسحاره<sup>۳۲</sup>، اسحاره<sup>۳۳</sup>: نام‌های دیگر آن: یونانی: اوسیمون<sup>۳۴</sup>، اوسیمون<sup>۳۵</sup> - "حنین" آن را «تودری» ترجمه کرده است.

۹۳- اسخفان<sup>۳۶</sup>، اسخفان<sup>۳۷</sup>:

۹۴- اسجل<sup>۳۸</sup> (۳):

أریقی (Ereike): از انواع "أسجل" است و اهالی مغرب به آن "شجر الخلج" گویند، زنبور عسل اگر از شهد آن استفاده کند عسل آن تلخ خواهد بود. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۰]

دیسکورید	أریقی - شجر الخلج	<i>Erica arborea L.</i>
----------	-------------------	-------------------------

۹۵- اسد الارض<sup>۳۹</sup>، اسد الارض<sup>۴۰</sup>، اسد الارض<sup>۴۱</sup>، اسد الارض<sup>۴۲</sup>: نوعی از طرائث<sup>۴۳</sup>، نام‌های دیگر آن: بزرالزیتون البری<sup>۴۴</sup>، مازریون<sup>۴۵</sup> بعضی گویند «اسد الارض» نباتیست که به یونانی خامالون<sup>۴۶</sup> مالس گویند و معنی آن مازریون سیاه است. برخی از مترجمان آن را «مازریون» می‌دانند ولی آن‌ها اشتباه کرده‌اند و در حقیقت نام آن «حرباه» و به یونانی «خامالون» است و

Asaro - ۱ ۲- در کتاب تنقیح ابن بیتار عین این عبارت ذکر شده است.

۳- ابوحنیفه این گیاه را درختی مشابه «فل» می‌داند که از چوب سخت آن در ساختن رحل استفاده می‌نمایند، به یکی از آن «اسحله» گویند.

«مازیون» به یونانی «خامالیون» است، و همین نزدیک بودن دو واژه منشاء ابهام و اشتباه آن بوده است. و بعضی از متأخرین نام یونانی «أسد الأرض» را «خامالان مالس» می‌دانند و «مالس» به معنای سیاه است زیرا در اطراف آن گیاه دیگری نمی‌روید به همین دلیل عموم مردم مغرب به آن «أداد الوحید» که به عربی همان «أشخیص» است می‌گویند.<sup>۹۶</sup>

زریاب	اسد الارض	<i>Chamaeleo vulgaris</i>
الموسوعه	اسد الارض	<i>Cardopatum corymbosum</i>

۹۶ - اسد العدس<sup>۹۷</sup>: وجه تسمیه آن بخاطر اینست که هر گاه در مزرعه «عدس» روید آنها را از بین می‌برد.<sup>۹۸</sup> نام‌های دیگر آن: جحفیل<sup>۹۹</sup> - یونانی: أوروبخی<sup>۱۰۰</sup>

طباطبانی	اسد العدس	<i>Orobanch sp.</i>
----------	-----------	---------------------

۹۷ - اسرار، اسرار: (نامی مغربی)؟

۹۸ - أسطراطیقوس<sup>۹۹</sup>: «ابن وافد» به اشتباه نام آن را «قرصنه» پنداشته است.<sup>۱۰۰</sup> «دیسکورید» به نقل از «جالینوس» نام دیگر آن را «قرسیون» آورده که مشتق از نام «حالب» است.<sup>۱۰۱</sup>

EN.	اسطیرا طیقوس	<i>Aster atticus Pall.</i>
-----	--------------	----------------------------

۹۹ - أسطراغلُس نام‌های دیگر آن: یونانی: برکینه<sup>۱۰۲</sup>، برکیره<sup>۱۰۳</sup>، أسطراغالیس<sup>۱۰۴</sup> گیاهشناسان اندلس به آن «مخلب العقارب الأبيض» گویند.<sup>۱۰۵</sup>

EN.	اسطراغالس	<i>Astragalus sesameus L.</i>
-----	-----------	-------------------------------

۱۰۰ - أسطوخودوس<sup>۱۰۱</sup>، اسطوخودوس<sup>۱۰۲</sup>، اسطوخودوس<sup>۱۰۳</sup>، اسطوخودوس<sup>۱۰۴</sup>، اسطوخودوس<sup>۱۰۵</sup>، اسطوخودوس<sup>۱۰۶</sup> (نامی یونانی)، مُسِیک الأرواح<sup>۱۰۷</sup>، ضَریم<sup>۱۰۸</sup>، مُسِک الأرواح<sup>۱۰۹</sup>: اسطوخودوس به معنای حافظ الأرواح - نگهدارنده ارواح - است.<sup>۱۱۰</sup> و ابن جرّار<sup>۱۱۱</sup> می‌گوید به معنای موقف الأرواح - محل توقف ارواح - است.<sup>۱۱۲</sup> نام‌های دیگر آن: عربی: انس الأرواح<sup>۱۱۳</sup>، ممسک الأرواح<sup>۱۱۴</sup> - مکه: ضَرَم فاس و مغرب: حَلحال<sup>۱۱۵</sup> - رومی: ستوخس<sup>۱۱۶</sup> (نام اصلی از این نام گرفته شده است.) - سند: دَهار<sup>۱۱۷</sup>

سْتَحْدَس (Stoikhas): «اصطفن بن بسیل» این را معادل نام «اسطوخودوس» دانسته در حالیکه اینچنین نیست زیرا صفات و خصوصیات «اسطوخودوس» با خصوصیات این گیاه مطابقت ندارد و در ماهیت و خواص نیز با آن متفاوت است. از طرفی «سْتَحْدَس» در شهرهای اندلس و مغرب یافت می‌شود و غیر از گیاه «اسطوخودوس» است و معروف به «یَزَه فَشوشکه» است. اما در مورد گیاه «اسطوخودوس»، این گیاه بسیار فراوان در شهرهای اندلس و غیر آن می‌روید، و عامه مردم ما به آن «حَلحال»، «سَمِیرَه»، «سَمِیْلَه»، «حانن»، «لَطِیّیْ أَرْشِیمِیْسَه» به معنای مَوْقِف الأرواح (محل توقف روح‌ها) گویند. (ابن یطار در ترجمه دیسکورید) ۳ -

[۲۷]

ز.ح. - د.خ.	اسطوخودوس	<i>Lavandula stoechas L.</i>
الموسوعه	اسطوخودوس - خزای - شاه اسپرم رومی	<i>Lavandula stoechas L.</i>
پا.، EN.	اسطوخودوس	<i>Lavandula stoechas L.</i> <i>Lavandula dentata L.</i>

۱۰۱- اسطوماخوس<sup>۳</sup>:

زریاب	اسطوماخوس	<i>Lithospermum officinale L.</i>
-------	-----------	-----------------------------------

۱۰۲- آشفاقش<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: عجمی: شامبه<sup>۵</sup> - یونانی: شالییة<sup>۶</sup> - عربی: ثعامة<sup>۷</sup> (زیرا بسیار سفید است.)، سالمه<sup>۸</sup>، مُفَصِّحة (زیرا معتقدند هر کس از آن بخورد زبانش فصیح می‌شود.)<sup>۹</sup>

خطابی	اشفاقش	<i>Salvia officinalis</i>
-------	--------	---------------------------

۱۰۳- اسفاناخ<sup>۱۰</sup>، اسفاناخ<sup>۱۱</sup>، اسفاناخ<sup>۱۲</sup>، بقله دستیه<sup>۱۳</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: اسفناج<sup>۱۴</sup>، اسپناج<sup>۱۵</sup>، اسباناچ<sup>۱۶</sup> - یونانی: سوناخیوس<sup>۱۷</sup>، سوسان فوسوخیوس<sup>۱۸</sup>، صنجیس<sup>۱۹</sup> - رومی: ابرقیا<sup>۲۰</sup> - فرنگی: اسپنس<sup>۲۱</sup> - هندی: پالک<sup>۲۲</sup> (همان اسفناج رومی یا قطف است)

Glo-in	هندی، پاکستانی: پالک	<i>Spinacia oleracea L.</i>
پارسا	اسفناج	<i>Spinacia oleracea L.</i>
EN.	اسفاناخ	<i>Spinacia oleracea L.</i>

۱۰۴- اسفلیاطیقوس<sup>۲۳</sup>: نام‌های دیگر آن: خُرَم<sup>۲۴</sup> - اسطراطیقوس<sup>۲۵</sup>، استراتیکو به معنای ستاره آتیکاست.

زریاب		<i>Aster atticus Pall.</i> <i>Aster amellus</i>
الموسوعه	اسطراطیقوس - خُرَم	<i>Aster tripolium L.</i>
EN.	اسطراطیقوس	<i>Aster atticus Pall.</i>

۱۰۵- اسفَلیناس<sup>۲۶</sup>، اسقلیاس<sup>۲۷</sup>: "حنین" در مفردات "جالینوس" این نام را معادل «قنابری» گرفته که اشتباه است زیرا «قنابری» گیاهی است که همه اهالی شام آن را می‌شناسند و مشخصات آن با «اسقلیاس» همخوانی ندارد و همچنین نام «قنابری» را جالینوس و دیسکورید هم ذکر نکرده‌اند.<sup>۲۸</sup>  
 اسفَلیس (Asplenos): سقُولُوفَندِریون - عامه اندلس: حشیشه الدودیة، حشیشه الذهبیه، گیاهشناسان اندلسی: عَقْرَبان [این بیطار] در ترجمه دیسکورید (۳ - ۱۲۹)

دیسکورید	اسفلیس	<i>Scolopendrium vulgare Sw.</i>
----------	--------	----------------------------------

۱۰۶- اسفند<sup>۲۹</sup>: (نامی فارسی) نوعی حرمل است. این نام برای «خَزَل» و «خَزَف ابیض» بصورت مشترکی بکاررفته است. برخی آن را به اشتباه «سذاب بری» معرفی کرده‌اند.<sup>۳۰</sup> - نام دیگر آن: یونانی: مولی<sup>۳۱</sup>  
 ۱۰۷- اسقُوردیون<sup>۳۲</sup>، اسقوردیون<sup>۳۳</sup>، اسقوردیون<sup>۳۴</sup>، اسقوردیون<sup>۳۵</sup>: نامی یونانی به معنای ثوم الحیه<sup>۳۶</sup> (۱)<sup>۳۷</sup> است. - نام‌های دیگر آن: ثوم بری<sup>۳۸</sup>، ثوم الکلب<sup>۳۹</sup>، سیر صحرائی<sup>۴۰</sup> - فارسی: موسیر<sup>۴۱</sup>، سیر مو<sup>۴۲</sup> این گیاه دارای دو نوع است: نوع بی دانه آن به نام اسقوردیون جبلی، اسقوردیون مصری، کراث بری است.<sup>۴۳</sup>

۱- در کتاب دیسکورید و ابن بیطار «ثوم الحیه» و «ثوم بری» نام گیاه دیگری است که در این کتاب به آن اشاره شده است.

اُسْقُرْدِین (Skordion): این گیاه را "ثوم" (پیاز) می نامند چون دارای بوئی چون بوی پیاز است، جالینوس آن را "ثوم بری" نامیده است، ولی نام "ثوم الحیة" برای این گیاه صحیح نیست، نام های دیگر آن "حافظ الاجساد" و "حافظ الموتی" است و عامه اندلس به آن "مطر" و گیاهشناسان اندلسی "حشیشه الثومیه" گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۰۶]

Teucrium scordium L.	اشقردین	دیسکورید
Teucrium scordium L.	اسقوردیون	زر. طب.

۱۰۸ - اسقولوفندریون، اسقولوفندریون<sup>(۱)</sup>، اسقولوفندریون، سقولوفندریون، سقولوفندریون، اسقولوفندریون، اسقولوفندریون، سقوتزیون (نامی یونانی)، عقرمان، نام های دیگر آن: نباتی صخری - سقولوفندریون، به معنای مزقل الصفار، کاوی السهرز (زائل کننده و بر طرف کننده سپرز است.) و آن ریشه کبرالرومی است. - اندلس: ابرنان، عقران - مصر: کف النسر - شیرازی: دنبی دارو، زنگی دارو - یونانی: اسفلیس، سفلیون، المیون، فطاریقا، سقولوفندریا

Scolopendrium vulgaris Sw. Ceterach officinarum L.	اسقولوفندریون	ز. ط. خ.
---	---------------	----------

۱۰۹ - اسقیل، اسقیل، اسقیل، اسقیل، اشقیل، اشقیل (نامی یونانی)، یربوع: نام های دیگر آن: اسقال - سریانی: اسقال، سقیلا، اسقال، اسقیلا، اسیطون - عربی: عُنْصَل، بصل البری، بصل الفار، بصل العنصل، بصل الفار، بصل البر، عنصل، عنصلان - رومی: افلیطون، اسقوتقراطیس، اسلوقوطیس - فارسی: پیاز موش (چون کشنده موش است)، موشان پیاز، پیاز موش، پیاز دشتی - هندی: کابده، کددی - سند: قویابصل - فاس: بصل الخنزیر - نوع دیگر این گیاه در شهر فاس به «مُخبر» و «مدیکه» معروف است.  
سقیلا (Skilla): اشقیل، عُنْصَل، عُنْصَلان - اهالی مغرب: بصل الفار، بصل الخنزیر - بربری: اُکفیل (Agufal) [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۳]

Scilla maritima L. Urgenia maritima Baker.	اسقیل	ز. خ. - EN
Scilla maritima L.	اشقیل - سقیلا	دیسکورید
Scilla maritima L.	پیاز عنصل	پارسا

۱۱۰ - اسکتو، زلم: نام های دیگر آن: تنکابن: سعد - عربی: حب الزلم

Cyperus esculentus L.	زلم	زریاب
Cyperus esculentus L.	حب الزلم - حب العزیز - زلم - سغد ماکول	الموسوعه

۱۱۱ - اسکنده: (نامی هندی)

۱۱۲ - اسل، اسل، اسل، اسل، کولان: (نامی عربی) نام های دیگر آن: عربی: کولان، دیس - هندی: کسرافی، ابو حنیفه می گوید: «اسل» از همان «سمار» گرفته شده و از حصیر هاست و نباید با انواع «أذخر» اشتباه شود.<sup>۱</sup>

۱- در کتاب دیسکورید این نام همراه با «اسفلیاس» آمده است.

«دیسکورید» «سخیونس الأجامی» (أسل) را دو نوع می‌داند، نوعی به نام «أوکسجونس» که خود از دو نوع دارای میوه و بدون میوه است و نوع دیگر آنرا «أوکسجونس» نام می‌برد.<sup>۴</sup>

سَخُونُسٌ لِیَا (Skhoinu heleias): نام انواع «سمار» است و عامه اندلس به آن «دیس» و «أسل» هم می‌گویند. [این بیتار در ترجمه دیسکورید ۳ - ۴۶]

<i>Juncus sp.</i>	أسل - سمار	الموسوعه
<i>Juncus acutus</i>	أسل کرلانی	الموسوعه
<i>Juncus arabicus Pos.</i>	سخونس لیا - سمار	دیسکورید
<i>Juncus acutus</i>	أسل	خطابی
<i>Juncus sp.</i>	أسل	EN.

۱۱۳ - أَسْلِیحٌ، أَسْلِیحٌ: ابوحنیفه نام آن را «رثیث» یا «لیرون» می‌داند.<sup>۵</sup> «غافقی» می‌گوید: «لیرون» است که رنگ‌رزان از آن استفاده می‌کنند.<sup>۶</sup>

۱۱۴ - إِسْلَنْجٌ: نام دیگر آن: ذنب الخیل<sup>۷</sup>

أُفُورِس (Hippuris): به معنای ذنب الخیل، جالینوس: أیفورِس [این بیتار در ترجمه دیسکورید ۴ - ۴۲]

<i>Equisetum arvense L.</i>	افورس - ذنب الخیل	دیسکورید
<i>Equisetum ramosissimum Desf.</i>	ریش بز - قنطریون - دم اسب	پارسا

۱۱۵ - أسنام<sup>۸</sup>: این نام به گیاهانی که دارای سنبله‌ای مشابه سنبله‌های ذرت و اذخر باشد گفته می‌شود و گویند نام گیاهی به نام «قارج» است.<sup>۹</sup>

۱۱۶ - أَسْنَانُ الذَّنْبِ<sup>۱۰</sup>: نام‌های دیگر آن: رومی: اورغیون، هوارغون<sup>۱۱</sup> - فارسی: دندانان گرگ<sup>۱۲</sup> - سریانی: سَنْتْ ذِیْبِی<sup>۱۳</sup> - عربی: بقلة اليهود<sup>۱۴</sup>

<i>Eryngium creticum Lam.</i> <i>Eryngium campestre L.</i>	اسنان الذنب، بقلة اليهود	زریاب
<i>Sonchus oleraceus L.</i> <i>Sonchus ciliatus L.</i>	بقلة اليهود - تناف معروف - سبزنک	الموسوعه

۱۱۷ - اسنولوس<sup>۱۵</sup>: نام‌های دیگر آن: اباسیا<sup>۱۶</sup> - قفر اليهود<sup>۱۷</sup>

۱۱۸ - أسیدار<sup>۱۸</sup>: نوعی صفصاف با نام غُرَب است.<sup>۱۹</sup>

۱۱۹ - أشبرتالَه<sup>۲۰</sup>: نام‌های دیگر آن: سنبل الکلاب<sup>۲۱</sup> - عرفج<sup>۲۲</sup>

۱۲۰ - أَشْتَرْغَارٌ، أَشْتَرْغَازٌ، أَشْتَرْغَازٌ، أَشْتَرْغَارٌ، اصل الانجدان خراسانی<sup>۲۳</sup>: معرب اشترخار است، و برگردان آن به عربی شوک الجمال<sup>۲۴</sup> است. نام‌های دیگر آن: عربی: حِزَابٌ، محروث<sup>۲۵</sup> زنجبیل العجم، زنجبیل الفارس، محروث<sup>۲۶</sup> - یونانی: فرافیون، آثاریون<sup>۲۷</sup> - مصر: لحاح<sup>۲۸</sup> - هندی: اونت کتاره<sup>۲۹</sup> 'فرازی' محروث را ریشه 'انجدان' یا همان 'گز انگدان خوش' که به سندی 'هنکفار' (یا شاید اونت کتاره به معنای خار شتر) می‌داند. و 'حزاب' را نیز قُتیبی<sup>۳۰</sup> جزریبری<sup>۳۱</sup> می‌داند.<sup>۳۲</sup>



۱۲۴ - أَشَقُّ الْإِبِلَةِ: نوعی مُقَل  
 ۱۲۵ - اَشْمُوسًا: نوعی مرو  
 ۱۲۶ - أَشْنَانٌ؛ أَشْنَانٌ، أَشْنَانٌ، أَشْنَانٌ، أَشْنَانٌ، حَمْضٌ، حُرْضٌ، حَرْضٌ (نامی عربی)، غاسولٌ: نوعی حمض نام‌های دیگر آن: حُرْضٌ، غاسولٌ (به معنای شوینده است، زیرا لباس را با آن می‌شویند).  
 نام‌های اشنان تازه: قافلٌ، زائاٌ - رومی: اذررقوسٌ، اذرقیسٌ - سریانی: حلاذقاصریٌ - فارسی: اشنان گازرانٌ  
 اشنان چهار قسم است: سپید و زرد و سبز و و قسم دیگر آن هندی است. وی را «فندق هندی» و نیز «حُرْض صینی» گویند و رُثه. أَشْنَان دارای انواع متعددی است و همگی نوعی «حَمْض» هستند.

۱۲۷ - اشنان العربی<sup>ش</sup>: نوعی حمض است. نام‌های دیگر آن: رجل الفروج<sup>ش</sup>، اشنان القصارین<sup>ش</sup>

۱۲۸ - آشنان فارسی ش: طروج ش

۱۲۹۔ اُشنان داودؑ: نام دیگر آن: زوفای یابسؑ

۱۳۰ - اشنه، اشنه، اشنه، اشنه، شیه العجوز، مساوک القروء، اشنه، اشنه، نام‌های دیگر آن: رومی: برواه، توفه - یونانی: ابردیون، ابرویون، برون - عربی: شیه العجوز، مسک القروء، دواء المسک - فارسی: دواله، دوالک، دوالی - هندی: چهریله، چیره، اکسیر، سیخ، سلبوا - سجزیه: ذالکه - فاس: جوز القروء - بربری: تامیکلت، تیفورا - اندلس: شب العجوز - بربودا - بربوث - بنتومه - شب الشجر، جوزة القروء، افواه - نام نوعی از آن: یونانی: دروپاراس

برون (Bruon): اُشْة، شَيْبُ العَجُوزِ، سِوَاكُ القُرودِ (هنگام مسواک زدن موجب رنگی شدن دهان می شود). [ابن بطار] (در ترجمه

(دیسکورید) ۱ - ۲۰]

(۱- ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید ۳- ۲۳) "شَبَّ الْعُجُوز" را نامی مشترک برای "اوبشتنی یا اُفستین" و "اُشنه" می داند، که بیشتر برای "اُشنه" بکار برده می شود.

<i>usenea articulata</i>	اشنه	طباطبانی
<i>Muscus arboreus</i>	اشنه	خطابی
<i>Lichen</i>	اشنه	EN.
<i>Muscus sp.</i>		

۱۳۱- اصابع الصفر<sup>۱</sup>، اصابع الصفر<sup>۲</sup>، اصابع الصفر<sup>۳</sup>، اصابع الصفر<sup>۴</sup>، اصابع الصفر<sup>۵</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: انگشت زرد (در شرح این گیاه اختلاف نظر وجود دارد). کف العایشه<sup>۶</sup>، کف مریم<sup>۷</sup> - هندی: هنس بدی<sup>۸</sup>

<i>Vitex agnus castus L.</i> <i>Memecylon tinctorium L.</i>	اصابع الصفر	زریاب
<i>Curcuma longa Ra.</i> <i>Curcuma tinctoria Gui.</i>	اصابع الصفر - کُرُم صباغی - هُرد عقید هندی - مامیران	الموسوعه
<i>Curcuma longa Ra.</i> <i>Curcuma zedoaria Rox.</i> <i>Curcuma zerumbet Rox.</i>	زردچوبه	پارسا
<i>Curcuma domestica Valet.</i>	کرکم	پارسا
<i>Curcuma zedoaria Rox.</i> <i>Curcuma zerumbet Rox.</i>	زرمباد	پارسا

۱۳۲- اصابع اللصوص<sup>۹</sup>: نام های دیگر آن: هندی: جورانکلی<sup>۱۰</sup>

۱۳۳- اصابع العذاری<sup>۱۱</sup>، اصابع العذری<sup>۱۲</sup>، اصابع العذری<sup>۱۳</sup>: نوعی از «عنب الطوال»<sup>۱۴</sup>

۱۳۴- اصابع القینات<sup>۱۵</sup>، اصابع القینات<sup>۱۶</sup>: نوعی «عنب» که در عراق می روید. "ابو حنیفه" می گوید: گیاه خوشبوئی که به فارسی به آن «فَرَنْجِمَشْک»<sup>۱۷</sup> گویند.

۱۳۵- اصابع هُرمس<sup>۱۸</sup>، اصابع هُرمس<sup>۱۹</sup>، شنبلیله<sup>۲۰</sup>، فقاح السورنجان<sup>۲۱</sup>: فقاح السورنجان<sup>۲۲</sup> "صاحب جامع" می گوید: «شنبلید» هم فقاح (شکوفه) «سولنجان» است.<sup>۲۳</sup> "صاحب منهاج" می گوید: «شنبلید» ورق (برگ) «سورنجان» است.<sup>۲۴</sup>

۱۳۶- اصطرک<sup>۲۵</sup>، اصطرک<sup>۲۶</sup>، بُنی<sup>۲۷</sup>، اِصْطَرک<sup>۲۸</sup>، اصطرک<sup>۲۹</sup>، اصطرک<sup>۳۰</sup>، اصطرک<sup>۳۱</sup>، جنسی از «میعه» است.<sup>۳۲</sup> بنابه قولی نامی هندی است. نام های دیگر آن: میعه یابسه<sup>۳۳</sup> - سریانی: اسطرکاییشا<sup>۳۴</sup> - فارسی: قنار و خشک<sup>۳۵</sup>، کنار هوشه<sup>۳۶</sup> - سندی: شلها - جالینوس: غلیا و ن<sup>۳۷</sup> - سطرکا<sup>۳۸</sup>

شطی رکس (*Sturax*): اِصْطَرک<sup>۳۹</sup>، عَسَل اللَّبَنی - سریانی: شطرکا<sup>۴۰</sup> - عسل رومان، لبنی رومان (منسوب به رومانی که از شهر های روم است). - لبنی رهبان (منسوب به راهبان است که در معابد خود آن را فراوان به صورت بخور استفاده می کردند). [این بیطار در ترجمه دیسکورید ۱ - ۵۶]

<i>Styrax officinale L.</i> <i>Liquidambar orientalis Mill.</i>	اصطرک	زر.، EN.
<i>Styrax officinale L.</i>	اِصْطَرک - بُنی - میعه	الموسوعه
<i>Styrax officinale L.</i>	اصطرک	دی. - طب.

۱۳۷- اصاص: "اشبیلی" می گوید: در مورد نام این نام اختلاف نظر است برخی آن را نام بربری «مثنان» می دانند و تلفظی از نام «آزاز» است و به



گمان من نام دیگر «مازریون» است.<sup>ش</sup>

۱۳۸ - اَصْطَفَلین: (نام گیاه در شام) نام دیگر آن: جَزَر<sup>ع</sup>

EN.	اصطفالین	<i>Daucus carota L.</i>
-----	----------	-------------------------

۱۳۹ - اَصْفُوزَن<sup>ع</sup>: "دیسکورید" می‌گوید: برخی مردم به آن «فاسیلون» گویند زیرا گیاه آن مشابه «فاسیلِس» (لویای سفید) است.<sup>ع</sup>

۱۴۰ - اصل السوسن الابيض: نام دیگر آن: بیخ سوسن سفید<sup>ث</sup>

۱۴۱ - اَضْحیان: بنا به گفته‌ای نوعی «مشکطرامشیر» است و گویند نوعی «بابونج» است که درست‌تر است و همچنین گویند نام «بُئلیه الاصفر» است.<sup>ش</sup>

۱۴۲ - اَضراس الکلب<sup>ع</sup>، اضراس الکلب: نام دیگر آن: بسفایج<sup>ث</sup> - گفته شده نام «بسفایج» است.<sup>ع</sup>

۱۴۳ - اَطْرَاطِيقُوس<sup>ث</sup> (نامی یونانی)، حالبی<sup>ع</sup>، حالبی<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: یونانی: استراطیقوس<sup>ع</sup> به معنای شبیه الکواکب، خَرَم<sup>ث</sup> - عربی: حالبی<sup>ث</sup> (جهت ورم‌های حالب مفید است). - رومی: اسقلیطاس<sup>ث</sup>، اسقلیاطیقوس<sup>ث</sup>، بنولیون<sup>ث</sup> - قسطلیه<sup>ث</sup> - اشبیلی<sup>ث</sup> می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است

زر. - طب.	خرم - اسقلیطاس	<i>Aster amellus L.</i> <i>Aster atticus Pall.</i>
-----------	----------------	---

۱۴۴ - اطاء<sup>ث</sup>: اشبیلی<sup>ث</sup> می‌گوید: برخی آن را به اشتباه «خلاف» می‌دانند. و اسحاق بن عمران<sup>ث</sup> آن را نوعی از «صُفیراء» گفته است.<sup>ث</sup>

۱۴۵ - اَطْرَمَالَه<sup>ث</sup>، اَطْرَمَالَه<sup>ع</sup>، اطرمانه<sup>ث</sup>:؟ نام‌های دیگر آن: مَدْبَقَه<sup>ث</sup> - مَطْبَقَه<sup>ث</sup> - حَلِیْلَه<sup>ث</sup>

۱۴۶ - اَطْمُوط<sup>ث</sup>، اَطْمَط<sup>ث</sup>، اَطْمَاط<sup>ع</sup>، اطمط<sup>ث</sup>:؟ نام‌های دیگر آن: بُندُق هندی<sup>ث</sup> - فوفل<sup>ث</sup> - قلوب النعام<sup>ث</sup> - نُهود القینات<sup>ث</sup> - ثمر شجر الکافور<sup>ث</sup> - "رازی" نام آن را «اطماط» نوشته، به اعتقاد وی دواى هندی است. و گویند نام باقلی هندی است.<sup>ث</sup> - «اطمط» دانه‌ای چون «فندق هندی» و قوتش بقوت «بوزیدان» ماند و «تخم نیلوفر هندی» است.<sup>ث</sup> - نام «بندق هندی» معروف به «رته» است و برخی آن را «فوفل» نوشته‌اند که درست نیست و آن «جوز الرته» است.<sup>ع</sup>

زریاب	اطموط	<i>Caesalpinia bonducella Fleming</i> <i>Areca catechu L.</i>
-------	-------	--

۱۴۷ - اَظْفَار الجن: نام دیگر آن: به هندی: کرنبات است.<sup>ث</sup>

۱۴۸ - اُغالوجن<sup>ع</sup>، اغالوجن<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: عود البخور<sup>ع</sup>

EN.	اغالوجن	<i>Agallochum sp.</i>
-----	---------	-----------------------

۱۴۹ - اغافت<sup>ث</sup>، اغافت<sup>ع</sup>، ترمانان<sup>ث</sup>، حشیش الغافت<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: رومی: فطریون<sup>ث</sup> (یا بوفاطریوس) - سریانی: عَقَارادشکرا<sup>ث</sup> و تریامان<sup>ث</sup> واغفت<sup>ث</sup> - "جالینوس" عصاره آن را «بوفاطریوس» و «صهاربخت» هیوفاطریقون می‌داند.<sup>ث</sup>

زر. - طب.	اغافت	<i>Agrimonia eupatoria L.</i>
-----------	-------	-------------------------------

<i>Achillea ageratum</i> L.	اغیراطون	زر، EN.
<i>Achillea ageratum</i> L.	أغیراطن	دیسکورید

<i>Cuscuta epithymum</i> Murr.	افثيمون	ز، ط، خ، ع.
<i>Cuscuta epithymum</i> Murr.	افثيمون - كشوث السعتر	الموسوعه
<i>Cuscuta epithymum</i> Murr. <i>Cuscuta europea</i>	افثيمون	پارسا

<i>Galium aparine</i> L.	افادینی ؟	EN.
--------------------------	-----------	-----

<i>Euphorbia spp.</i>	أفريون - فريون	ديسکورید
-----------------------	----------------	----------

*Takkawt -1*

رومی: انسیتون<sup>۱</sup>، افستینون<sup>۲</sup> - فارسی: مروه<sup>۳</sup> - مصر: (نوع زبون آن را) دسیسه<sup>۴</sup>، (نوع جبلی آن را) ربل<sup>۵</sup> - هندی: مجتری<sup>۶</sup>، شتاور<sup>۷</sup> - زابل: مستار<sup>۸</sup>، شیخ رومی<sup>۹</sup>، کشوت رومی<sup>۱۰</sup>

بنا به نظر "رسائل" دارای انواع نبطی، فارسی، خراسانی و سوری است.<sup>۱۱</sup> - «افستین» رومی و نبطی است.

اوپسینثی (Apsinthion): افستین با نام لاتینی «شانشه»<sup>(۱)</sup> در بعضی از ترجمه ها نام آن "کشوت رومی" نام دارد و دارای انواع مختلفی است که بهترین آن ها از نظر پزشکی - نوع رومی آن است. عامه اندلس و نقاط دور مغرب به آن «افستین الساحلی» و «شِبب العُجُون» گویند و «شِبب العُجُون» نامی مشترک است و بیشتر برای گیاه "أشنه" بکار می رود.

ساریفون (Seriphon): نام دو نوع "شیخ"، "شیخ الارمنی" و "شیخ المصری" است. شیخ المصری به افستین البحرى مشهور است. و "دیسکورید" این دو نوع افستین - ساحلی و بحر - را با عنوان کلی افستین شرح داده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۴ و ۲۳]

دیسکورید	اوپسینثی - افستین الساحلی - افستین	<i>Artemisia absinthium L.</i>
دیسکورید	ساریفون - شیخ المصری - افستین البحرى	<i>Artemisia maritima L.</i>
الموسوعه	أبسنث، افستین، دسیسه، شیخ رومی، خُتْرَق	<i>Artemisia absinthium L.</i>
ز، ط، خ، ع.	افستین	<i>Artemisia absinthium L.</i>
GLO.IN.	عربی و فارسی: افستین	<i>Artemisia absinthium L.</i>
GLO.IN.	عربی و فارسی: شیخ	<i>Artemisia maritima L.</i>
GLO.IN.	عربی: افستین	<i>Artemisia siversiana Eh.&amp;Wi.</i>

۱۵۶ - اَفْلَنْجَه<sup>۱</sup>، اَفْلَنْجَه<sup>۲</sup>، فلنجه<sup>۳</sup>، فلنجه<sup>۴</sup>، فلنجه<sup>۵</sup>، فلنجه<sup>۶</sup>، فلنجه<sup>۷</sup>، ریشه نیلوفر هندی<sup>۸</sup> نام‌های دیگر آن: افلنجه<sup>۹</sup> - هندی: پل پر نک<sup>۱۰</sup> - کشوت زنجی<sup>۱۱</sup>

زر - طب.	فلنجه	<i>Cuscuta epithymum Mur.</i> <i>Piper cubeba L.</i>
----------	-------	---

۱۵۷ - اَفْنِيقُون<sup>۱</sup>: (نامی یونانی)

۱۵۸ - اَفِيقرون<sup>۲</sup>، اَفِيقون<sup>۳</sup>: (افیقون)<sup>۴</sup> نام رومی آن یقرون به معنای تلخ است.<sup>۵</sup>

اَفِيقُون (Hupekoon): به یونانی «اویقوان» نام دارد و بر این گمانند نوعی "جلبان البری" با خاصیت تخدیری و خواب آور است که احتمالاً درست است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۲]

زریاب	افیقرون	<i>Hypecoum procumbens L.</i>
دیسکورید	اَفِيقون	<i>Hypecoum procumbens L.</i>
الموسوعه	هَیِّقون - اَفِيقون - جُهِیرَه	<i>Hypecoum procumbens L.</i>
EN.	اسقیرن	<i>Hypericum quadrangulum L.</i>

۱۵۹ - اَفِیقَطُس<sup>۱</sup>، اَفِیقَطُس<sup>۲</sup>: نامی یونانی به معنای محلل

۱۶۰ - اَفیلون<sup>۳</sup>: نام دیگر آن: شیخ جبلی<sup>۴</sup>

۱۶۱ - اَفیمارون<sup>۵</sup>: نوعی از سورنجان

۱- اصل آن *Acienzo* - فِلَنْجَه (با معادل نام اصلی *Filix*) همراه با واژه "بطارس" و "کیلدارو" آمده است.

۱۶۲ - اَپِمیدون<sup>۱</sup>، اَپِمیدِیون<sup>۲</sup>، اَپِمیدِیون<sup>۳</sup>: (نامی یونانی) نام دیگر آن: فافوس<sup>۴</sup>

اَپِمیدِیون (*Epimedium*): جالینوس نیز این گیاه به این نام ذکر کرده است ولی من - ابن یطار - آن را نمی شناسم. [ابن یطار] در ترجمه دیسکورید<sup>۴</sup> (۱۹ - ۴)

دیسکورید	اَپِمیدِیون	<i>Epimedium alpinum L.</i>
----------	-------------	-----------------------------

۱۶۳ - اَپِیوس<sup>۱</sup>، اَپِیوس<sup>۲</sup>: (نامی یونانی) نام های دیگر آن: فافِیوس الحدقی<sup>۳</sup>، چون شبیه حدقه است، خامالانس<sup>۴</sup>، فجل بری<sup>۵</sup> - "دیسکورید" می گوید: برخی مردم آن را «رابانس اَزْغَرِبا» (به معنای فجل بری) نامیده اند.<sup>۶</sup>  
اَپِیوس (*Apios*): کَثْمَرِی البُستانی [ابن یطار] در ترجمه دیسکورید<sup>۴</sup>

دیسکورید	اَپِیوس - کَثْمَرِی البُستانی	<i>Pyrus communis L.</i>
الموسوعه	اَپِیوس - اشخاص - شلجم بری - زَخل	<i>Euphorbia apios L.</i>

۱۶۴ - اَپِیون<sup>۱</sup>، اَپِیون<sup>۲</sup>، اَپِیون<sup>۳</sup>: فاس: عفیون<sup>۴</sup>

۱۶۵ - اَاقاقلیس<sup>۱</sup>: اَاقاقلیس (*Akakallis*): شجرالاکل<sup>۲</sup>، نام میوه آن به فارسی "کَرْمَازَک" است و در کتب طبّی "کَرْمَازَج" و "کَرْمَازَق" و به زبان عربی "عَدْبَة" نامبرده شده است. [ابن یطار] در ترجمه دیسکورید<sup>۴</sup> (۹۱ - ۱)

دی. - زر.	اَاقاقلیس	<i>Tamarix articulata Wahl.</i>
-----------	-----------	---------------------------------

۱۶۶ - اَاقاقیا، اَاقاقیا، اَاقاقیا، قاتل اینه<sup>۱</sup>: نام های دیگر آن: مصر: سط<sup>۲</sup>، ضط<sup>۳</sup> - فارسی: کره<sup>۴</sup>، فلفل تر<sup>۵</sup> - عربی: سیئت<sup>۶</sup> - رازی<sup>۷</sup> می گوید: صمغ شبدر است و "بولیس" این واژه را برای رب شبدر بکار برده ولی من آن را به معنی صمغ زیتون یافته ام.<sup>۸</sup> - نام عصاره قرظ و قرفا و آن گیاهی مصری است.<sup>۹</sup>

خطابی	اَاقاقیا	<i>Acacia arabica</i>
-------	----------	-----------------------

۱۶۷ - اَاقِحْوان<sup>۱</sup>، اَاقِحْوان<sup>۲</sup>، اَاقِحْوان<sup>۳</sup>، اَاقِحْوان<sup>۴</sup>، اَاقِحْوان<sup>۵</sup>، اَاقِحْوان<sup>۶</sup>، اَاقِحْوان<sup>۷</sup>: خبز الغراب<sup>۸</sup>: (نامی عربی) نوعی بابونج - نام های دیگر آن: عربی: بابونج<sup>۹</sup>، قُرْاص<sup>۱۰</sup>، اَاحداق المرضی<sup>۱۱</sup>، قَحْوان<sup>۱۲</sup> - فاس: بابونج الحمیر<sup>۱۳</sup> بابونه گاو<sup>۱۴</sup>، بابونه گاو چشم<sup>۱۵</sup> - یونانی: اوبیانس<sup>۱۶</sup>، اوبیانس<sup>۱۷</sup>، اوبیانس<sup>۱۸</sup> - سندی: فلانج<sup>۱۹</sup> - عبرانی: فیفایفا<sup>۲۰</sup> - سریانی: فشا<sup>۲۱</sup>، فرابیون<sup>۲۲</sup>، کرکیش<sup>۲۳</sup>، کرکاش<sup>۲۴</sup>، کافوریه<sup>۲۵</sup> - دیسکورید: برتانیون<sup>۲۶</sup> - نام های نوع صغیر (کوچک) آن: یونانی: فلیمن<sup>۲۷</sup> - فارسی: بهار<sup>۲۸</sup> - مصر: کاش<sup>۲۹</sup> - عرار<sup>۳۰</sup> - میشهار<sup>۳۱</sup> - کاو چشم<sup>۳۲</sup> - خریع<sup>۳۳</sup> - عصفر<sup>۳۴</sup> - مریق<sup>۳۵</sup> - مقد<sup>۳۶</sup> - کافوری نر - مهران<sup>۳۷</sup> «اَاقِحْوان بستانی» با نام «کافوری» و «اَاقِحْوان بری» با نام «بابونج» است و «بهار» جنسی از «اَاقِحْوان» است.<sup>۳۸</sup> «دیسکورید» آن را به سه نوع تقسیم کرده است.<sup>۳۹</sup> او را به پارسی «کافوری» خوانند، و «بابونه» جنسی است از وی.<sup>۴۰</sup> «اَاقِحْوان» نزد عرب به «بابونج» معروف است و در مصر به «کرکاش» و دارای انواعی است به همین دلیل برخی از گیاهشناسان اندلس «اَاقِحْوان» را نوع کوچکی از انواع «کرکاش» می دانند. برخی از گیاهشناسان پنداشته اند منظور از «اَاقِحْوان» همین اسامی است در حالیکه «اَاقِحْوان» در ترجمه واژه یونانی «برتانیون» آمده و آن از انواع «کرکاش» نیست و در حقیقت رستی معرفی است که در قدیم و امروزه در اندلس به آن «شجره مریم» می گویند و در آفریقا معروف به «کافوریه» است و در شهر موصل بسیار کاشته می شود و در آنجا نیز به «شجره الکافور» مشهور است و دارای دو نوع کوهی و زراعی است.<sup>۴۱</sup> «اشبیلی» می گوید: در مورد ماهیت آن

اختلاف است برخی آن را نوعی «بابونج» می‌دانند و عده‌ای می‌گویند نام دیگر «بابونج» است و نزد بعضی همان «بُبْلِيَّة» می‌باشد نام‌های دیگر آن عبارتست از: یونانی: قربانیون، برثانیون، آمارقون، اماریقون، لوقیموس - مقرجالة و اقحوان و به نظر من «اقحوان» دارای انواعی است و «ببلیه» نوعی از آن است که خود به چهار گروه تقسیم می‌شود نام‌های نوع اول آن عبارتست از: بُبْلِيَّة - اماریقون، امارقن - سقندوقس، سندوقس - نام‌های نوع دوم عبارتست از: امارنطون - اماراقوا و نام نوع دیگر «ارجل الجراد» است و نوع آخر آن را «اریان» گویند. از انواع دیگر اقحوان «قَضْب» و همچنین «شجرة مريم» با نام «برثانیون» است. نوع دیگر اقحوان «بابونج» است که خود دارای هفت گروه است: گروه اول «بابونج لاطلیطلی» است، گروه دوم دارای گلی بزرگتر از گل آن است، گروه سوم را «خبز الغراب»، «بابونج الاسود» و «بابونج الرومی» می‌نامند، گروه چهارم «بابونج الجبلی» است، گروه پنجم گلی آبی دارد و در اشبیل می‌روید و گروه ششم «بابونج الخریفی» است.<sup>ش</sup>

فَرَثَانِيُون (Parthenion): أَقْحَوَان (این یطار) در ترجمه دیسکورید ۳ - ۱۲۲]

<i>Anthemis arvensis</i>	أقحوان	خطابی
<i>Anthemis arvensis</i>	أقحوان اصفر - عَيْن القط - بهار حقلی	خطابی
<i>Anthemis spp.</i>	أقحوان	الموسوعة
<i>Anthemis tinctoria L.</i>	اقحوان الصباغین، بهار الصباغین، بابونج اصفر، عین القور	الموسوعة
<i>Anthemis nobilis</i>	بابونج	الموسوعة
<i>Matricaria chamomilla L.</i> <i>Matricaria parthenium L.</i> <i>Chrysanthemum parthenium Pers.</i>	اقحوان - بابونج - قراص	زریاب
<i>Matricaria chamomilla L.</i> <i>Matricaria aurea Sch.</i> <i>Chrysanthemum parthenium Pers.</i>	اقحوان - بابونه	پارسا
<i>Matricaria chamomilla L.</i> <i>Matricaria aurea Sch.</i> <i>Chrysanthemum parthenium Pers.</i>	اقحوان - بابونه	پارسا
<i>Chrysanthemum parthenium Per.</i>	أقحوان	دیسکورید
<i>Matricaria parthenium L.</i>	أقحوان	EN.

۱۶۸ - افسوس<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: شجرة الدب<sup>ش</sup>، جنا الاحمر<sup>ش</sup>، دبق<sup>ش</sup>  
۱۶۹ - افسون<sup>ش</sup>، افتون<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: افنیثون<sup>ش</sup> - رأس الشیخ<sup>ش</sup>

الموسوعة	أفسون - رأس الشیخ - شکاعی - طوبه - فص الجمار	<i>Onopordon acanthium</i>
----------	--	----------------------------

۱۷۰ - افسی<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: زعرور الأدویه<sup>ش</sup> - گیاهشناسان اندلس: حیربول<sup>ش</sup> - این نام درخت «برباریس» که «ابن جلدل» آن را پنداشته و همچنین «فیلزهرج» نیست.<sup>ش</sup>  
۱۷۱ - اقطین<sup>ش</sup>، اقط<sup>ش</sup>: (نامی یمنی) نام‌های دیگر آن: ماش<sup>ش</sup> - اصل... ماش<sup>ش</sup>  
۱۷۲ - اقتالوقی<sup>ش</sup>، اقیثالوقی<sup>ش</sup>، شوكة البیضاء<sup>ش</sup>: نامی یونانی به معنای شوكة البیضاء نام‌های دیگر آن: بازورد<sup>ش</sup> - شوكة البیضاء<sup>ش</sup> - بازاورد<sup>ش</sup>

طباطبانی	شوكة البیضاء	<i>Cincus acarna</i> <i>Sylibum marianum</i>
----------	--------------	---

<i>Crataegus oxycantha</i> L.	اقتتالوقى	EN.
-------------------------------	-----------	-----

۱۷۲ - أَقِيمُنْ: نام‌های دیگر آن: ابوقینوس، نارطیطس، اوقینه، هراس - عربی: عَنَقَرُ، مَرَارُ، سَمْعَرُ، شَوَكُ الْمُقْفَلِ، حَسَكُ الْجَمَالِ، شَوْكَةُ الْبَيْضَاءِ، شَوْكَةُ الْمُنْكَرَةِ، قَتَادُ الصَّغِيرِ

۱۷۴ - اَكْتِمَكْتْ، اَكْتِمَكْتْ، اَكْتِمَكْتْ: نام‌های دیگر آن: فارس: خایه ابلیس - هندی: کربخور، کرنج - سانس کرت: ساکرکهوله - بعضی گویند او میوه «ام غیلان» است. - «صاحب مناجات» می‌گوید: چوبی هندی و نام دیگر آن «بندق هندی» است.

<i>Lapis aetites</i>	اکمکت	زریاب
----------------------	-------	-------

۱۷۵- اکسیوس؟

۱۷۶- أكرار<sup>۴</sup>: "ابو عباس نباتی" می‌گوید نام عربی آن نجد است.<sup>۵</sup> نوع بزرگ آن به نام «طرنشول» و بدون میوه است و نوع میوه‌دار آن آبی رنگ با نام «تنوم» است.<sup>۶</sup>

۱۷۷- أکر البحر: نام‌های دیگر آن: لیف البحر

۱۷۸- اَکلیل المَلِک، اکلیل الملک<sup>ص</sup>، اکلیل الملک<sup>ع</sup>، اکلیل الملک<sup>ف</sup>، اکلیل الملک<sup>س</sup>. اکلیل الملک<sup>ش</sup>: اکلیل الملک دارای هفت جنس است.<sup>ص</sup> نام‌های دیگر آن: عربی: عَکْفِیةٌ، حُمَیدُش (فاس)، مَکْیدُش (فاس)، اصابع الملک، ملکا<sup>ف</sup> - یونانی: هالینوٹس، هللیسفاقوس<sup>ص</sup> (نامی که جالینوس مطرح کرده است). مالیلوطس<sup>ص</sup> (نامی که دیسکورید بر آن نهاده است.) - فارسی: قیصر<sup>ص</sup>، شاه پسه<sup>ص</sup>، شاه افسر<sup>ص</sup>، اسبرک<sup>ص</sup>، کلل الملک<sup>ص</sup> - هندی: پرَنک<sup>ف</sup> - سندی: سوَتَن<sup>ص</sup> - سریانی: کلِل ملکا<sup>ص</sup> - «اشبیلی» می‌گوید: دارای چند نوع است نام نوع چهارم آن «عربی» است و خود سه نوع است نام نوعی از آن به رومی «شاهسبرم» و به عجمی «قرنوله یکانه» و به بربری «أذنه» و به عربی «قمره» یا «قمر» و «تُلّیحاء» و به آفریقائی «شجر الحب» و در مشرق «أذان الجداء» و به هندی «سورج الملک» و «رونق الملک» و به نبطی «فارنیا» و «قارنیا» است.<sup>ش</sup>

مالبلوطوس (Melilotos): اُكلیل المَلِك چهار نوع است: نوع اول و دوم آن به زبان اندلسی "قُرْنَج" <sup>(۱)</sup> است که یک نوع آن را پزشکان مصر تجویز می کنند. نام نوع سوم "مُعَقَرَب" و نوع چهارم "مُدْرَهْمُ الْوُزُق" و نام فارسی آن "دارشاه" است که اهالی آفریقا به آن "شجره الحُب" گویند. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳۸]

<i>Melilotus officinalis</i> L.	ماليلوطس - أكليل الملك	دى. - طبيا.
<i>Fritillaria imperialis</i> L.	اكليل الملك - عرار قيصرى	الموسوعه
<i>Melilotus officinalis</i> L.	اكليل الملك	زر، خطا.
<i>Astragalus hamosus</i>	اكليل الملك	پارسا
<i>Trigonella grandiflora</i> Bunge.	ناخنك - اكليل الملك	پارسا
<i>Astragalus hamosus</i> L.	اصابع الملك، هندى: پورتوك، بمبئى: اخليل المليك	<i>Glo.-In</i>

۱۷۹ - اَكْلِيلُ الْجَبَلِ، اَكْلِيلُ الْجَبَلِ<sup>۱</sup>، اَكْلِيلُ الْجَبَلِ<sup>۲</sup>، از انواع «صعتر» است. نام‌های دیگر آن: یونانی: اوقلا اوقا، بلایه قُثْرُونَه<sup>(۲)</sup> - فاس: اَزْرُغ - دارای سه نوع است و به یونانی آن را «لیباطیش» و به رومی «رومیرو رومینیو» یعنی «حشیشة الرومانیین» گویند و نام بذر آن به عربی «فُخْدَه» نام دارد نام بربری آن «أزیر» و نام سریانی آن «اَكْلِيلُ الْجَبَلِ» است. نوع اول را «عَبْثِرَةُ الْأَيْل» و «صعتر الرومی» گویند و نوع دوم را «فُخْدَا» و «راء» نامند و نام نوع سوم «قَمِصْنا» است.<sup>۳</sup>

۱- قرنج به زبان لاتینی اسپانیایی "*Cornejo*" و نام "قرنیا" "*Cornus mas L.*" است. و اهالی اندلس اکلیل الملک را با نام "قرنولیه" یا "قرنعله" یا "قرنلیه" ذکر کرده‌اند که معادل نام لاتینی "*Cornilla real*" است.

<i>Rosmarinus officinalis L.</i>	اکلیل الجبل - نَدَى البحر - قِزْمانا	الموسوعه
<i>Rosmarinus officinalis L.</i>	اکلیل الجبل	خطابی

۱۸۰ - اَکْمُويزَانْ<sup>ع</sup>، اَکْمُويزَانْ<sup>ع</sup>: "ماسرجویه" می‌گوید نام «رعی الحمام» است.<sup>ع</sup>

۱۸۱ - اَلْأَطَى<sup>ع</sup>:

۱۸۲ - اَلْأَطِينِ<sup>ع</sup>: نام دیگر آن لبلاب است و "مجوسی" آن را «لبلاب الأحرش» می‌داند<sup>ع</sup> و عامه اندلس به آن «شحمیه»<sup>ع</sup> و «سراویل الطلول» گویند.<sup>ع</sup>

۱۸۳ - اَلْبُ، اَلْبُ، اَلْبُ<sup>ع</sup>: (نامی عربی)

۱۸۴ - اَلْبَابِینْ<sup>ع</sup>: "اشبیلی" می‌گوید: نام نوعی از آن: مفاتل الراعی - نام نوع دیگر: یونانی: قلندیرله یعنی سراجیه - نام نوع دیگر: بُخْتَرَنَه - یونانی: برطانیقی - نام نوع دیگر: کُوکَبِیَه - نام نوع دیگر: عربی: شقواص - نام نوع دیگر: اَبَالَه - غرغال - قاره - نام نوعی: کما در یوس - نام نوعی: فُضْیَه - نام نوع دیگر: فلومس مُفْزَن به معنای فلومس صغیر - عجمی: اَلْبَابِنَه - حلیق - مفاتل الرعا<sup>ع</sup>

۱۸۵ - اَلْسَفَاقِنْ<sup>ع</sup>، اَلْسَفَاقِسْ<sup>ع</sup>: (اَلْسَفَاقِنْ) به معنای «لسان الأبل» است و به اشتباه گفته شده نام آن «نِیقُولَا الرَّاهِب» و «رعی الأبل» است. گیاهشناسان اندلس آن را «شالییه» و «ناعمه» نامیده‌اند<sup>ع</sup>. گمان کرده‌اند رعی اَلْأَيْلْ<sup>ع</sup> با نام قَلَامْ<sup>ع</sup> است.<sup>ع</sup> اَلْأَيْلْ<sup>ع</sup> اَلْسَفَاقِسْ (Elelisphakon): برگردان آن به عربی "لسان الأیل" (۱) است. عامه اندلس به آن «ناعمه» گویند و نام لاتینی آن شالییه است. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳۱]

<i>Salvia officinalis L.</i>	اللسفاقس	دیسکورید
<i>Salvia officinalis L.</i>	السفاقن	زریاب

۱۸۶ - اَلْف دینار<sup>ع</sup>:

۱۸۷ - اَللَّثی<sup>ع</sup>: (نامی یونانی) "ادریسی" می‌گوید: این نام به معنای «أهلی» است. و نزد من - ابن یطار - از انواع «جَزِر البری» است و غیر از این نام دیگری برای آن نمی‌شناسم.<sup>ع</sup>

۱۸۸ - اَلنَّجْ<sup>ع</sup>: نامی یونانی به معنای اهل

۱۸۹ - اَلْوَسْنْ<sup>ع</sup> و اَلْوَسُونْ<sup>ع</sup>، اَلْوَسْنْ<sup>ع</sup>، شجرة الکلب<sup>ع</sup>، مُذْهِب الکَلْب<sup>ع</sup>: آلو سن به معنای برطرف کننده آزار گزیدگی سگ دیوانه<sup>ع</sup>

اَلْوَسْنْ (Alusson): به معنای نافع در درمان گاز گرفتگی سگ دیوانه. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۸۶] «ابن یطار» در کتاب جامع خود آن را معادل نام های عربی "حشیشه اللِّجَاة" و "حشیشه السُّلَّحْفَاة" آورده است.

<i>Alyssum saxatile L.</i>	الوسن	زریاب
<i>Farsetia chypeata R.Br.</i>		طباطبائی
<i>Alyssum spp.</i>	الوسن - اَلِیْشَم - اَلْوَسْن	الموسوعه
<i>Alyssum saxatile L.</i>	اَلْوَسْن	دیسکورید

۱۹۰ - اَلْوِیْنْ<sup>ع</sup>، اَلْوِیْنْ<sup>ع</sup>: (نامی یونانی) "غافقی" می‌گوید: در ترجمه بطرق - از کتاب جالینوس - محل رویش «اَلْوِیاس» در مکان‌های رملی آمده است. و او آن را همان «ترید» می‌داند که این اشتباه است. «ابن وافد» نیز این نام را معادل نام «طریفیلون» می‌داند و گفته خود را با مطالب "دیسکورید" پیرامون «طریفیلون» همسو می‌آورد و نام دیگر آن را «اَرطریفیلون» یا همان «ترید» می‌داند.<sup>ع</sup>

أَلْوِي (Aloe): نام «شجرة الصبر» است و این گیاه مثالی برای حروف است؟ و در خانه ها بسیار روئیده می شود و عامه مردم به آن «صَبَّارَة» و «صَابِرَة» نیز می گویند و مکانی نیست که از این گیاه برداشت نکنند. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۲]

Alone vera L.	الونی	دیسکورید
Aloe aloexylon	صبر زرد	پارسا
Aloe scotrina	صبر زرد سقوطی	پارسا

۱۹۱ - امارَة<sup>(۱)</sup>: شجرة القرمز

۱۹۲ - آماریطُنْ، امارنُطُنْ<sup>ع</sup>: (نامی یونانی) گروهی از مترجمان آنرا نوعی «أقحوان» می دانند که در حقیقت اینچنین نیست بلکه نزد من - این بیتار - از انواع «قیصوم» است و خود آن را دیده ام.<sup>ع</sup>  
 أَلِخْرِيسُون (Helikhruson): برگردان آن به عربی «مَذْهَب» (طلائی) و مشابه «قیصوم» است، و بعید نیست از انواع آن باشد. و جالینوس آن را با نام «آمارنُطُنْ»<sup>(۲)</sup> آورده است. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۲]

Tanacetum annum L.	أَلِخْرِيسُون	دیسکورید
Helichrysum stoenchas DC.	امارنطون - بزاز العذراء - خالدة الجُر	الموسوعة

۱۹۳ - آمَبَرَبَارِيسْ، امبرباریس<sup>ص</sup>، آمَبَرَبَارِيسْ<sup>ع</sup>، امبرباریس<sup>ث</sup>، امبرباریس<sup>ث</sup>، حب الانبرباریس<sup>ث</sup>، أثَرار<sup>(۳)</sup>، زرشک<sup>ص</sup>، زرشک<sup>ث</sup>، امبرباریس<sup>ث</sup>: نوعی از عوسج نام های دیگر آن: انبرباریس<sup>ث</sup>، برباریس<sup>ث</sup> - بربری: ابراز، آرزغت<sup>ث</sup> - فارسی: زرشک<sup>ص</sup>، زرشک<sup>ث</sup>، زَرک<sup>ص</sup>، زیرکش<sup>ص</sup>، زارج<sup>ث</sup>، زرنک<sup>ث</sup> - عربی: الإثرار<sup>ص</sup> - برباریس<sup>ع</sup>  
 در الحاوی به نام «قالیورس» آمده است و نام دیگر آن «اوقاتوس» است. دیسکورید معنای آن را دارنده خارهای تیز گفته است.<sup>ص</sup> - نام ریشه های فرعی آن «آرغیس» است.<sup>ث</sup> اشبیلی<sup>ث</sup> می گوید: دارای دو نوع حبلی و بری است نام های نوع حبلی عبارتست از: امبرباریس - ریفی - اشقیطله - یونانی: أفتنا أفنیس یعنی شوکه حادة - سربانی: بوفسافسوس - فارسی: زرشک - بربری: آزرغن - نام ریشه: آرغیس - فرنجه: أسطنکه - نام های نوع بری: عوسج الاسود - اشقیطله - بربری: أشک بردین - عجمی: أشکوذ<sup>ث</sup>

Berberis vulgaris L.	امبرباریس - زرشک	زریاب، طباطبائی
Berberis asiatica Roxb		
Berberis vulgaris L.	بُرَبَرِیس، انبرباریس، اثراره، زرشک، عود الريح	الموسوعة
Berberis lycii extractum	حضض هندی - راس هدی	پارسا
Berberis vulgaris L.	زرشک	پارسا
Lycium afrum	حضض	طباطبائی
Rhamnus infecteria		
Berberis vulgaris L.	امبرباریس	خطابی

۱۹۴ - آمَبَرُوسِیا<sup>ص</sup>، آمروسیا<sup>ع</sup>: برخی مردم به آن «بطرس» گویند و برخی «أرطاماسیا»<sup>ع</sup>. دیسکورید<sup>ع</sup> می گوید برخی آن را عنقود (بطرس) (خوشه انگور) و دیگران ارطاماسیا (ارطیسیا) می دانند.<sup>ص</sup>

Ambrosia maritima L.	امبروسیا	زریاب
----------------------	----------	-------



۱۹۶ - أم دفراء ش: "اشبیلی" می‌گوید: نوعی «قصوم» است و شاید «فجن» باشد. ش

۱۹۷ - امروزه: نام‌های دیگر آن: کمثری، مرشدآباد: حسینی

۱۹۸- آمزوه: (نامی هندی)

٢٠٠ - أمطى، أمطى، أمطى: (اميطى)

۲۰۱- ام عمر<sup>ش</sup>: قسمی تین به رنگ سیاه که در شام فراوان وجود دارد.

۲۰۲ - اُمغیلان<sup>۱</sup>، اُمغیلان<sup>۲</sup>، اُغیلان<sup>۳</sup>، امغیلان<sup>۴</sup>، ام غیلان<sup>۵</sup>: نوعی سنت نام‌های دیگر آن: اهل بادیه: سمرقند، سمرقند، طلح<sup>۶</sup>، شوکه مصریه<sup>۷</sup>، شوکه اعرابیه<sup>۸</sup> و سدوری<sup>۹</sup> - فارسی: مغیلان<sup>۱۰</sup> - هندی: کیکرو بیول<sup>۱۱</sup> - سند: جاماها<sup>۱۲</sup> - اهل بغشور: حاله غوره<sup>۱۳</sup>

۲۰۳- اُمّ کلب<sup>۱</sup>، اُم کلب<sup>۲</sup>، اُم کلب<sup>۳</sup>: نام گیاه در کتاب دیسکورید: اناغیرس<sup>۴</sup> - "اشبیلی" می‌گوید: برخی آن را «طَبَاقَةُ الْجَبَلِیَّة» می‌دانند و به نظر من درست است.<sup>۵</sup>

آناغرن (*Anaguros*): نام عربی آن «شجرهٔ أم کلب» و نام میوه آن «خرنوب الکلب» است و «خرنوب الکلب» نام مشترکی است که بیشتر در غیر این مورد بکار می رود. در غلاف میوه آن دانه هایی با رنگ های مختلف قرار دارد که اهالی مصر به آن «حب الکلی» گویند. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۵]

٢٠٤ - امّ الف ورق:

۲۰۵- اَمَلْ بید: (نامی، ہندی)

۲۰۶- اَمَلْ، کِجائے؟ (نامہ، ہندی)

۲۰۷- «أَمْلَجٌ»؛ املج، املج، املج، املج. نام‌های دیگر آن: سریانی: املک - عربی: راح العرب - فارسی: آمله - مصر: سنایزه - هند: انوله - شیره پرورده آن به نام «شیر املج» و دارای انواعی است که بهترین آن را «شاه املج» گویند. - آمله دو جنس - قسم - است باسته (هسته) و بی استه. در مقایسه برخی از طبیبان جنسی از آمله «سیر املج» نوشته شده

وایشان مصحِّف - تصحیح کرده‌اند به - «شیر آملج»، و پنداشتند که آن «شیر آملج»، آنست که اندر شیر آغشته است و این نادرست است، زیرا نام آن خود «سیر آملج» به سین است و این به زبان هندی گفته شده است و به معنای آملج بی استخوان است و من آنجا که آن می‌روید حاضر آمده و دیده‌ام.<sup>۲</sup>

Phyllanthus emblica L.	املج	زر-خ.
Embelica officinalis Ga. Syn: Ph.em.	بلوچستان: املک، امل - هند: املا، اونلا	Glo-in
Emblca officinalis Gae.	املج	الموسوعه

۲۰۸ - املیس<sup>۳</sup>: نوعی از درخت صُفیراء مشهور به عُدوة<sup>۴</sup>

۲۰۹ - اُمّ وَجَع الکبد<sup>۵</sup>، ام وجع الکبد<sup>۶</sup>: «ابوحنیفه» وجه تسمیه آنرا بخاطر درمان درد کبد و برطرف کننده صفرا دانسته است.<sup>۷</sup>

Herniaria tourneforti	ام وجع الکبد	زریاب
-----------------------	--------------	-------

۲۱۰ - اَنَاجَالِسْ، اَبَاغَلِسْ، اَنَاجَالِسْ، اَنَاجَالِسْ، اَنَاجَالِسْ (نامی یونانی) اَنَاکیر<sup>۸</sup>: نام های دیگر آن: فاس: حشیشه العلق<sup>۹</sup> - نبطی: اَنَاکیر<sup>۱۰</sup> - فرنگی: اَنکال<sup>۱۱</sup> - دارای دو پایه نر و ماده است، پایه ماده با گل آبی و پایه نر با گل قرمز.<sup>۱۲</sup> اَشیبلی<sup>۱۳</sup> می‌گوید: دارای دو نوع است نام‌های نوع اول آن عبارتست از: یونانی: قیخوریون - عجمی: شِنتَلَه - قبطی: اَناطیا - عربی: خِمْجَم، حشیشه العلق - اهالی شام: اَذان الفار و نام‌های نوع دوم: یونانی: قیخوریون قارذنون به معنای سیاه، اَناطیریا ارمالی<sup>۱۴</sup> اَنَاجَالِسْ (Anagallis): دو نوع است: نوعی با گل آبی که نام لاتینی آن «قَرْدَنَالَه» (Cardenella) است و به آن «حشیشه العلق» گویند. و نوع دیگر آن با گل قرمز خونی با نام لاتینی «شَتَالَه» (Centella) (Scintilla) به معنای «شَراره» است. (این یطارد) در ترجمه دیکرید: ۲ - ۱۱۰]

Anagallis coerulea Schreb	اباغالس	زریاب
Anagallis arvensis L.		
Anagallis arvensis L.	اناغالس	د.سط.خ.

۲۱۱ - اَنَاغورِسْ (نامی رومی)، اَبَاغورِسْ، اَبَاغورِسْ، اَنَاغورون<sup>۱۵</sup>، صلون<sup>۱۶</sup>: نام های دیگر آن: مصر: خرنوب الخنزیر<sup>۱۷</sup> - هری: دُبِج<sup>۱۸</sup> - دُبَحَه<sup>۱۹</sup> - نام میوه آن: حب الکُلّی<sup>۲۰</sup>، حب الکُنّی<sup>۲۱</sup>

Anagyris foetida L.	اباغورس - ذبح	زریاب
---------------------	---------------	-------

۲۱۲ - اَنَیْجْ، اَنَیْجْ، اَنَیْجْ، اَنَیْجْ<sup>۲۲</sup>: اَنَیْجْ<sup>۲۳</sup>: معرب انبه هندی - نام های دیگر آن: اَنَبْ - تورانی: نغزک<sup>۲۴</sup> اَشیبلی<sup>۲۵</sup> می‌گوید: این نام به دو گیاه «مُصع» و «مشتهی» گفته می‌شود.<sup>۲۶</sup>

Mangifera indica L.	انج	زریاب
Mangifera indica L.	هندی و بلغاری: امب - ام، بلوچستانی: ام	Glo-in

۲۱۳ - اَنَبُطرون<sup>۲۷</sup>: «جالینوس» می‌گوید: شبیه بالکُرَات است.<sup>۲۸</sup>

۲۱۴ - انبوب الراعی<sup>۱</sup>، انبوب الراعی<sup>۲</sup>: گویند «مزممار الراعی» و همچنین «عصی الراعی» است، «مسیح» نیز آن را نوعی «حی» می‌داند و این نظر صحیح تر است.<sup>۳</sup> «اشبیلی» می‌گوید: نوع دوم «العالم» است.<sup>۴</sup>

۲۱۵ - انبوب الملك: نوعی حی العالم<sup>۵</sup>

زریاب	انبوب الملك	<i>Semperivium arboreum L.</i>
-------	-------------	--------------------------------

۲۱۶ - اَنْتَلَه<sup>۱</sup>، اَنْتَلَه<sup>۲</sup>: (نام عجمی اندلسی) نام‌های دیگر آن: جدوار اندلسی<sup>۳</sup>، جدوار<sup>۴</sup> - هندی: نرنسبی<sup>۵</sup>

الموسوعه	انتله - بیش - اقونین - اکونیت	<i>Aconitum spp.</i>
----------	-------------------------------	----------------------

۲۱۷ - اَنْتَلَه بیضاء<sup>۱</sup>: نام دیگر آن: عامه اندلس: فیهق<sup>۲</sup>

۲۱۸ - اَنْتَلَه سوداء<sup>۱</sup>: نام دیگر آن: جدوار اندلسی<sup>۲</sup>

الموسوعه	انتله سوداء، جدوار اندلسی، طَوَّارَه	<i>Aconitum anthora L.</i>
----------	--------------------------------------	----------------------------

۲۱۹ - انثامیس<sup>۱</sup>: نوعی بابونج است.<sup>۲</sup> - نام دیگر آن: اقحوان البری<sup>۳</sup>

اَنْثِمَه<sup>(۲)</sup> س (*Anthrism*): بابونج، بابونق، بابونک، بابونه - یونانی: خَمَائِلُن<sup>(۱)</sup> برگردان عربی آن: ثَقَّاح الأرض - لائینی: مَسْنَالَه<sup>۴</sup> ، برگردان عربی آن: ثَقَّاح، زیرا بوئی مشابه بوی سیب دارد.<sup>۵</sup> [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۲]

زریاب	انثامیس	<i>Anthemis nobilis L.</i>
دیسکورید	انثیمس - بابونج - بابونه	<i>Anthemis nobilis L.</i>
پارسا	بابونه شیرازی	<i>Anthemis nobilis L.</i>

۲۲۰ - اَنْثَلِیس<sup>۱</sup>، اَنْثَلِیس<sup>۲</sup>، اَنْثَلِیش<sup>(۳)</sup>: (نامی یونانی)

اَنْثَلِیس (*Anthullis*): برای من این بیطار - گیاه ناشناخته‌ای است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۱]

دیسکورید	انثلیس	<i>Cressa cretica L.</i> <i>Ebenus cretica L.</i>
----------	--------	--

۲۲۱ - اَنْجَبَار<sup>۱</sup>، اَنْجَبَار<sup>۲</sup>: نام آن مشتق از واژه جبر است.<sup>۳</sup>

اَذَارِیْذَا (*Idaia rhiza*): به معنی روئیده در محل - اِیْذَا (اَذَایْذَا یا ایدایارِیْزَا) و آن مکانی است در شهرهای روم، زیرا بر این باورند این گیاه اولین بار از این مکان جمع آوری شده است. عامه اندلس به آن "اَنْجَبَار" می‌گویند و آنچه گفته شد نزد آنان مشهور است و بیشتر در کنار آب و نهرها می‌روید. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۴۰]

دیسکورید	انجبار - اذاریذا	<i>Uvalaria amplexifolia L.</i>
پارسا	انجبار - انجبار رومی	<i>Polygonum bistorta L.</i> <i>Bistorta officinalis Rafin.</i>

<i>Euphorbia pilulifera</i> L.	انجبار	پارسا
<i>Polygonum viviparum</i> L.	اردو: انجبار	GLO.IN.

۲۲۲- آنجبار رومی<sup>۴</sup>: نام دیگر آن: ساسلیوس<sup>۵</sup>

۲۲۳- آنجُدان<sup>۶</sup>، انجُدان<sup>۷</sup>، آنجُدان<sup>۸</sup>، آنجُدان<sup>۹</sup>، آنجُدان<sup>۱۰</sup> (معرب انگدان فارسی)، عود الرقة (ریشه)<sup>۱۱</sup>، محروت (نام ریشه)<sup>۱۲</sup>، آنجُدان<sup>۱۳</sup>، محروت<sup>۱۴</sup>: نوعی کلخ - نام های دیگر آن: یونانی (دیسکورید): سلفیون<sup>۱۵</sup>، سلیون<sup>۱۶</sup> - سریانی: انکرانا اوکاما<sup>۱۷</sup> - فارسی: انگدان<sup>۱۸</sup> - سجزیه: هینگ<sup>۱۹</sup> - فاس: درياس - بربری: ادرياس<sup>۲۰</sup>، اورياس<sup>۲۱</sup>، ادريس<sup>۲۲</sup> - عربی: عشبة النساء<sup>۲۳</sup> - نام ریشه: محروت<sup>۲۴</sup> - نام نوع سیاه: سرخس<sup>۲۵</sup> - سوریه: باديقون<sup>۲۶</sup> - یونانی: ناغيطارس طوماغاش - تازه قبرونه<sup>۲۷</sup> - آله قَبْرُونَه<sup>۲۸</sup> (۱) - عشبة التيسية<sup>۲۹</sup> - به مازندرانی انجُدان خوشبو را "کوله پر" گویند. ریشه آن به عربی «محروت» نام دارد<sup>۳۰</sup> و به ترکی به آن «بالدرغان» گویند و نام صمغ آن «حلتیت»<sup>۳۱</sup> است. <sup>۳۲</sup> - نام آنجُدان رومی: سیسسالوش<sup>۳۳</sup> نام تخم آن: کاشم<sup>۳۴</sup> - ریشه انجُدان خراسانی: اشترغار<sup>۳۵</sup> - «انگیان» دو جنس سیاه و سپید و جنسی دیگر هم دارد که رومیان آن را «سالیون» گویند. <sup>۳۶</sup> - «اسحاق بن عمران» می گوید: «انجُدان» دو نوع است یکی سفید خوشبو که به نام «سرخسی» است و ریشه آن «محروت» نام دارد و نوع دوم سیاه بد بوست.<sup>۳۷</sup>

سلفیون (Silphion) یا سلفیون: آنجُدان، شجرة الحلتیت [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۱]

<i>Ferula asafoetida</i> L.	انجُدان	ز.ط.د.خ.
<i>Ferula asafoetida</i> L.	انجُدان - شجرة الحلتیت - حلتیت - حلتیث	الموسوعه
<i>Ferula asafoetida</i> L.	آنقوزه هراتی	پارسا
<i>Ferula asadulcis</i>	انجُدان	پارسا
<i>Ligusticum levisticum</i>	انجُدان رومی	پارسا
<i>Ferula narthex</i> Boiss.	Sanskrit: Hinguka - Hendia & Bombay & Bengal: Hing - Kashmir: Anjudan	GLO.IN.

۲۲۴- آنجُره (فارسی)<sup>۱</sup>، انجره<sup>۲</sup>، انجره<sup>۳</sup>، آنجره<sup>۴</sup>، آنجره<sup>۵</sup>، بنات النار<sup>۶</sup>، قریص<sup>۷</sup>، قُریص<sup>۸</sup>، قریص<sup>۹</sup> (نام بذر)<sup>۱۰</sup>، آنجُره<sup>۱۱</sup>: نوعی از خَزَق نام های دیگر آن: هندی: آننکن<sup>۱۲</sup> - عربی: قریص<sup>۱۳</sup>، قریص<sup>۱۴</sup>، حریق<sup>۱۵</sup>، دار المرز<sup>۱۶</sup>، آنجره<sup>۱۷</sup> - ترکی: کجیتب<sup>۱۸</sup> - لاتینی: ارتیک پریم<sup>۱۹</sup> - گیلان: هریتکه<sup>۲۰</sup> - فارسی: گزنه<sup>۲۱</sup> - نام ذکر شده توسط اورباسیوس: اقالیفی<sup>۲۲</sup> - سریانی: فارو و صیثو<sup>۲۳</sup>، انباتئورا<sup>۲۴</sup>، سوسرخون<sup>۲۵</sup> - رومی: قرصیناتا<sup>۲۶</sup>، افلابوس<sup>۲۷</sup>، وافلایا<sup>۲۸</sup> - یونانی: قروص<sup>۲۹</sup> - قریص = یزر الانجره<sup>۳۰</sup>

اَقَالِیفِ (Akalephe): قُریص - آنجُره، اهل مغرب: خَزَق - این گیاه دو نوع است و نام دیگر آن "بنات النار" است. [این بیطار (در

ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۱]

<i>Urtica pilulifera</i> L.	اقالیفی - قریص - آنجره	دیسکورید
<i>Urtica urens</i> L.		
<i>Urtica spp.</i>	قُرَاص - قُریص - خَزَق - آنجره	الموسوعه
<i>Urtica pilulifera</i> L.	انجره - قریص	زر. خطا.
<i>Urtica dioica</i> L.		
<i>Urtica dioica</i> L.	انجره، قریص، گزنه، بنات النار، هریتکه	پارسا
<i>Blepharis persica</i>	انجره	طباطبائی

- |  |                     |       |
|--|---------------------|-------|
| <i>Ficus sycomorus</i> L.<br><i>Aegle marmelo</i> Cor. | انجیر آدم - تین آدم | زریاب |
|--|---------------------|-------|

- |   |                             |          |
|---|-----------------------------|----------|
| <i>Hedysarum spp.</i>                                   | ایدو صارون - فاس - عدس مزّ  | الموسوعه |
| <i>Hedysarum spp.</i><br><i>Coronilla securidaca L.</i> | أيدى صارون - فلاقینس - فاسی | دیسکورید |

- |   |                                       |          |
|---|---------------------------------------|----------|
| <i>Astragalus sarcocolla</i> Dym.                               | صوقلا - عنزروت - أنزروت - کحل فارس    | دیسکوریڈ |
| <i>Astragalus sarcocolla</i> Dym.<br><i>Penaea mucronata</i> L. | انزروت                                | ز، ط.    |
| <i>Astragalus fasciculaefolius</i> Boiss.                       | کنجد سرخ و سفید                       | پارسا    |
| <i>Penaea mucronata</i>   | انزروت، کنجد، کحول کرمانی، کحول فارسی | پارسا    |

- ۲۳۳- انس النفس<sup>ع</sup>: "شریف ادریسی" این گیاه را از قول "ابن وحشیه" «اسکاطامن» نام داده است.<sup>ع</sup>  
 ۲۳۴- أنطویة<sup>ع</sup>: نام «هندباء الشامی» برگ بهن است.<sup>ع</sup>  
 ۲۳۵- أنغزأ، أنغزأ<sup>ع</sup>: (نامی یونانی)  
 ۲۳۶- أنف العجل<sup>ع</sup>، أنف العجل<sup>ع</sup>: (نام میوه‌ای به زبان مغربی) نام‌های دیگر آن: انطریون<sup>ث</sup>، لوخنیس اغریا<sup>ث</sup>.

نام های نوع بزرگ آن: رأس العجل الكبير<sup>ش</sup>، عشبة القوباء<sup>ش</sup>

أَنْطَرِينُ (*Antirrhinum*): أَنْفُ الْعَجَل - شَحْمُ الطَّعَامِ ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۰

قَمِيص (*Kemos*): نوعی از أَنْفُ الْعَجَل [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۲]

<i>Leontopodium de Dioscorides</i>	قمیص	دیسکورید
<i>Antirrhinum majus L.</i>	أنطرين	دیسکورید
<i>Antirrhinum majus L.</i>	أنف العجل	EN.

۲۳۷ - أَنْقَرْدِيَا: (نامی رومی) «أنقرديا» به معنای مشابه قلب است.<sup>ع</sup> - نام دیگر آن: هند: بلاذر<sup>ع</sup>

۲۳۸ - أَنْكُولُ وَاكُولُ: (نامی هندی)

<i>Alanglum salviifolium (L.F.)Wan.</i> <i>Syn: Alanglum lamarckii Th.</i>	سند: آنکوتا - هند: آکولا - بلوچستان: آکارکانتا - بلغار: آنکولا	<i>Glo-in</i>
---	---	---------------

۲۳۹ - أَنْكِيْزُ: به لغت صفالبه به آن «خاوانی» گویند.<sup>ع</sup>

۲۴۰ - أَنْاسُ: (نام میوه هندی)

۲۴۱ - أَنْوَطِيلُونُ، أُوْبُوَطِيلُونُ: (نامی یونانی) نام دیگر آن: خوز<sup>ع</sup>

۲۴۲ - أَنْيسُونُ، أَنْيسُونُ، أَنْيسومُ، أَنْيسُونُ، أَنْيسُونُ، أَنْيسُونُ (نامی رومی)، كَمُونُ الْحَلَوُ، حب الحلو، رازیانه شامی<sup>ش</sup>

انيسونُ: نام های دیگر آن: انسون<sup>ش</sup>، انيسن<sup>ش</sup>، رهلیا<sup>ش</sup>، برانیا<sup>ش</sup>، تلکنت<sup>ش</sup> - سریانی: زرعشامرا<sup>ش</sup> - عربی: بزر الرازیانج

الرومی<sup>ش</sup>، رازیانج رومی<sup>ش</sup>، رازیانج الشامی<sup>ش</sup>، حب الحلو، كَمُونُ الْحَلَوُ، حَبْ حلاوة<sup>ع</sup> - فارسی: بادیان رومی<sup>ش</sup>

زیره رومی، رازیانه رومی - هندی: رندلی<sup>ش</sup> - سندی: سروق<sup>ش</sup>

نام نوع بری بزرگ: أبجاله<sup>ش</sup> - نام نوع دیگر بری: غرائیق<sup>ش</sup> - امجلیه<sup>ش</sup>، دقلیوس<sup>ش</sup>، قرنساء<sup>ش</sup> - جحلیق<sup>ش</sup>، جحلق<sup>ش</sup>، لدیقه<sup>ش</sup> - بحریره<sup>ش</sup>

نام نوع صخری: کحلوان<sup>ش</sup>، تمک<sup>ش</sup>، تاموک<sup>ش</sup> - خلوانه<sup>ش</sup> - خلای<sup>ش</sup>، خلوه<sup>ش</sup> - روفس<sup>ش</sup> - قومایس<sup>ش</sup> - قریطیقوس<sup>ش</sup> - جبروان<sup>ش</sup> - اقلیولش<sup>ش</sup>

انیراتش - اهالی صقلیه: خرفله<sup>ش</sup> - «انيسون» رومی و نبطی است. و جنسی از جنس های «رازیانه» است.<sup>ع</sup>

أَنِيسُن (*Anesson*): نام های دیگر آن عبارتست از: أنيسون - رازیانج الرومی - كَمُونُ الْحَلَوُ - اهالی اندلس: حَبْ الْحَلَوُ [ابن بطار (در

ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۲]

<i>Pimpinella anisum L.</i> <i>Anisum vulgare Gaertn.</i>	انيسون - يانسون - كَمُونُ حلو - حبه حلو	زریاب
<i>Pimpinella anisum L.</i>	انيسون	طبا، خطا.
<i>Pimpinella anisum L.</i>	انيسون	پارسا

۲۴۳ - أَوَافِيوسُ، أَوَاقْتوسُ: نامی یونانی به معنای حلقه بعضی از مترجمان برگردان عربی آن را «حدقی» می دانند.<sup>ع</sup>

چون گل آن مشابه گل نرگس است.<sup>ع</sup>

<i>Iris sp.</i>	حدقة	الموسوعة
-----------------	------	----------

۲۴۴ - أُوْبَقْلَصُنُ، أُوْبُوْغْلَصُنُ: "ابن جليل" آن را به معنای «لسان الفرس» دانسته است.<sup>ع</sup>

۲۴۵ - أَوْثَا: برخی مردم آن را عصاره «مامیثا»، و برخی آن را عصاره خشخاشی به نام «قاراطیطس» و برخی آن را عصاره

گیاهی به نام «أوثنا» می‌دانند.<sup>۷</sup>

۲۴۶ - اودومالی<sup>۷</sup>: روغن گیاهی از سرزمین ترمذ<sup>۷</sup>

۲۴۷ - اورونخی<sup>۷</sup>، هالوک<sup>۷</sup>: «اورونخی» به معنای «أسد الأرض» است.<sup>۷</sup> نوعی از «طراثیث» به معنای «خاتق الکرسنه» است.<sup>۷</sup> - مصر: هالوک<sup>۷</sup>، زیرا گیاهان اطراف محل رویش خود را ازین می‌برد.<sup>۷</sup> - نام‌های دیگر آن: عراق: تراب الهالک<sup>۷</sup> - سم الفار<sup>۷</sup> - اهالی مغرب: رَهَج الفار<sup>۷</sup> - شک<sup>۷</sup>

EN.	اورونخی	<i>Oroboanche sp.</i> <i>Oroboanche aegyptiaca Pers.</i>
-----	---------	---

۲۴۸ - اوسید<sup>۷</sup>، اوسید<sup>۷</sup>، اوسین<sup>۷</sup>، اوسفید<sup>۷</sup> (نامی فارسی)، نیلوفر هندی<sup>۷</sup>: نوعی نیلوفر هندی است.<sup>۷</sup> نام‌های دیگر آن: نیلوفر هندی<sup>۷</sup> - "رازی" گوید: نوعی از «لینوفر هندی» است.<sup>۷</sup>

زریاب	اوسید - نیلوفر هندی	<i>Nelmbium speciosum L.</i> <i>Syn: N.nuciferum Gaertn.</i>
الموسوعه	اوسید - نیلوفر هندی	<i>Nymphaea indica</i>

۲۴۹ - اوشیرس<sup>۷</sup>:

۲۵۰ - اوفیموبنداس<sup>۷</sup>، اوفیموداس<sup>۷</sup>: نامی یونانی به معنای مشابه بادروج<sup>۷</sup> نام‌های دیگر آن: مغرب: لسیعه<sup>۷</sup>، اخیون<sup>۷</sup>، فیلاطاریون<sup>۷</sup> - گیاهشناسان آفریقا و شهر تونس: لسعة<sup>۷</sup>

۲۵۱ - ائونما<sup>۷</sup>، ائونما<sup>۷</sup>: (نامی یونانی) به معنای «مسقط الأجنة» و از انواع «شنجار» است.<sup>۷</sup> ائونما (Onosma): برگردان عربی آن را «مُسْقِطُ الْأَجْنَةِ» و نوعی از «خَس الحمار» می‌داند. عامه اندلس به آن «رِجْل الحَمَامَةِ» می‌گویند و گیاهشناسان اندلس آن را «أُذُن الحِمَار» می‌نامند و جالینوس آن را با نام «أونوسما» آورده است. (این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۶)

دیسکورید	ائونما - مسقط الاجنه - أذن الحمار	<i>Onosma echinoides L.</i>
EN.	ائونما	<i>Onosma echinoides L.</i>

۲۵۲ - اونیآ<sup>۷</sup>: (نامی یونانی عصاره گیاه)

۲۵۳ - أهلال قسطا<sup>۷</sup>:

۲۵۴ - اهلیج<sup>۷</sup>، اهلیج<sup>۷</sup>، اهلیج<sup>۷</sup>، اهلیجات<sup>۷</sup>، هلیله<sup>۷</sup>، هلیج<sup>۷</sup>، هلیج<sup>۷</sup>: (معرب هلیله فارسی) نام‌های دیگر آن: رومی: هلیقون<sup>۷</sup> - سریانی: هلیلقی<sup>۷</sup> - هندی: هروره<sup>۷</sup>، هوزبد<sup>۷</sup>، هزین<sup>۷</sup> - هلیله سه جنس است یکی زرد... و دوم «هلیله کابلی»... سوم «هلیله سیاه» و او نیز دو گونه است یکی استه (هسته) دارد و دیگری فاقد آن است و به آن هندی می‌گویند.<sup>۷</sup> - دارای چهار نوع است<sup>۷</sup>

- اهلیج کابلی<sup>۷</sup>، هلیله کابلی<sup>۷</sup>

- اهلیج اصفر<sup>۷</sup>، هلیله زرد<sup>۷</sup>

- اهلیج اسود<sup>۷</sup>، هلیله سیاه<sup>۷</sup> - شیرازی: هلیله مویزک<sup>۷</sup>

- اهلیج هندی<sup>۷</sup>

- اهلیج چینی<sup>۷</sup>

زر. - خط.	اهلیج کابلی	<i>Terminalia chebula Ret.</i>
-----------	-------------	--------------------------------

<i>Terminalia citrina</i> Roxb.	اهلیج اصفر	زریاب
<i>Terminalia horride</i> Stend.	اهلیج هندی	زریاب
<i>Terminalia bellerica</i>	بللیج - اهلیج بلبله	الموسوعه
<i>Myrobalanus bellerica</i> Gaertn.	هلبله	پارسا
<i>Myrobalanus chebulae</i> Gaertn.	هلبله کابلی	پارسا
<i>Myrobalanus citrinae</i> Gaertn.	هلبله زرد	پارسا
<i>Myrobalanus nigrae</i>	هلبله سیاه	پارسا
<i>Terminalia chebula</i> Ret.	هللیج	طباطبائی

۲۵۵ - اوطمی<sup>۳</sup>:۲۵۶ - ایارانوطابی<sup>۴</sup>: (نامی یونانی)

ایرانوطانی (*Hiera botane*): نوعی رِغی الحَمَام با نام های: حشیشه المَکْرَمَة - حشیشه المَقْدَسَة - لاتینی: یَرَبَانَه [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۵]

<i>Verbena sapina</i> L.	حشیشه المَکْرَمَة - حشیشه المَقْدَسَة	دیسکورید
--------------------------	---------------------------------------	----------

۲۵۷ - ایثولیس<sup>۵</sup>، آیتویس<sup>۶</sup>: (نامی یونانی)۲۵۸ - ایذامامیر<sup>۷</sup>: (نامی یونانی)

۲۵۹ - ایدع<sup>۸</sup>، ایدع<sup>۹</sup>، ایدع<sup>۱۰</sup>: نام های دیگر آن: شَتَّان القاطر - اشنان<sup>۱۱</sup> - قنط<sup>۱۲</sup> - دم الاخوین<sup>۱۳</sup> - برخی آن را «دم الاخوین» دانسته، «ابو حنیفه» آن را نام صمغ قرمز رنگی که از سقطری می آوردند می داند که برای مداوای جراحات از آن استفاده می شود.<sup>۱۴</sup> این نام برای «حی العالم» نیز استفاده می شود.<sup>۱۵</sup>

<i>Dracaena cinnabari</i> Balf.	ایدع	زریاب
---------------------------------	------	-------

۲۶۰ - آیدآاریدا<sup>(۱)</sup>، آیدایاریز<sup>(۲)</sup>: (نامی یونانی)۲۶۱ - ایدوسارون یا ایدونیارون یا ایدوصارون<sup>۳</sup>: رازی آن را اندرصارون خوانده است.<sup>۴</sup>

<i>Securigera coronilla</i> D.C. Syn: <i>S.securidaca</i> (L.) Deg.&Dor. <i>Bonaveria securidaca</i> Desv.	ایدوسارون	زریاب
---	-----------	-------

۲۶۲ - ایرامامیز<sup>۵</sup>: (نامی فارسی)

۲۶۳ - ایردوبساناس (ایردوسیاناس)<sup>۶</sup>: نام های دیگر آن: اندرسافس<sup>۷</sup>، اندرساخس<sup>۸</sup> - رازی: اندروساماس<sup>۹</sup> - دیسکورید: نوعی هوفاریقون<sup>۱۰</sup>

آندروسام<sup>(۱)</sup> (*Androsaimon*): بزرگترین نوع هیوفاریقون - جالینوس: آسقیرون [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۵۱]

<i>Hypericum ciliatum</i> L.	آندروسامن	دیسکورید
------------------------------	-----------	----------



أبرس (*Iris*): ابرسا به معنی قوس و قزح - سوسن آسمانجونی [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱]

<i>Iris florentina</i> L.	ایریس - سوسن آسمانجونی	دیسکورید
<i>Iris germanica</i>	ایریسا	خطابی
<i>Iris ensata</i> Thund.	Hendia: <i>Irisa</i> , Sosan - Kashmir: <i>Marjal</i> , <i>arjal</i>	GLO.IN.
<i>Iris ensata</i> Thund.	Hendia & Punjab: <i>Chiluchi</i> , Sosan	GLO.IN.

۲۶۵- ایریفارون؛ یا ایزیفازن؛<sup>۴</sup> اُیرِغازن؛<sup>۴</sup> نامی یونانی به معنای پیر در بهار نام دیگر آن: اندلس؛<sup>۵</sup> ثریا<sup>۶</sup>  
۲۶۶- ایل؛<sup>۷</sup> نام‌های دیگر آن: قاقله الصغار<sup>۸</sup> - هیل،<sup>۹</sup> هال بوا،<sup>۱۰</sup> هیل بوا،<sup>۱۱</sup> شوشمشیر<sup>۱۲</sup> - چون از غلاف بیرون آید آن را لاحی  
گویند.<sup>۱۳</sup>  
۲۶۷- ایمارانوطولی؛<sup>۱۴</sup> ایارابوطانی؛<sup>۱۵</sup> نامی یونانی به معنای عشبۀ مکرّمه - نام‌های دیگر آن: مصر: زیتونیه؛<sup>۱۶</sup> نام گیاه  
در کتاب دیسکورید: بارسطاریون<sup>۱۷</sup>  
۲۶۸- ایمارو قالس؛<sup>۱۸</sup> نام دیگر آن: سوسن زرد<sup>۱۹</sup>  
۲۶۹- ایمونیطس؛<sup>۲۰</sup>  
۲۷۰- ایهقان،<sup>۲۱</sup> ایهقان،<sup>۲۲</sup> ایهقان؛<sup>۲۳</sup> نام‌های دیگر آن: نَهَق؛<sup>۲۴</sup> جرجیر البری؛<sup>۲۵</sup> جرجیر بیابانی<sup>۲۶</sup> - گویند نام «جرجیر بری» است.<sup>۲۷</sup>

## حرف «ب»

۲۷۱ - باباری<sup>۴</sup>، باباری<sup>۵</sup>: (نامی یونانی) فلفل الأسود<sup>۶</sup> - فلفل سیاه<sup>۷</sup>

۲۷۲ - بابلص<sup>۸</sup>: از انواع خشخاش<sup>۹</sup>

۲۷۳ - بابونج<sup>(۱)</sup>، بابونج<sup>۲</sup>، بابونج<sup>۳</sup>، تفاح الأرض<sup>۴</sup>، تفاح الارض<sup>۵</sup>، حبق البقر<sup>۶</sup>، خامانیل<sup>۷</sup>: گیاهی یکساله از جنس هدیات است. <sup>۸</sup>نام‌های دیگر آن: عربی: بابونج<sup>۹</sup>، تفاح الارض<sup>۱۰</sup>، شجرة مریم<sup>۱۱</sup> - فارسی: بابونه<sup>۱۲</sup>، کلنجه<sup>۱۳</sup>، بابونک<sup>۱۴</sup>، حبق البقر<sup>۱۵</sup>، حبق التفر<sup>۱۶</sup>، بشاش<sup>۱۷</sup> - مغرب: بابونق<sup>۱۸</sup> - یونانی: انثیمس<sup>۱۹</sup>، انثامیس<sup>۲۰</sup>، خماملن<sup>۲۱</sup>، میلانتیون<sup>۲۲</sup> - رومی: امیرون<sup>۲۳</sup>، امرقون<sup>۲۴</sup>، انفالیوس<sup>۲۵</sup> (بنا به نظر جالینوس) - سریانی: میثویا<sup>۲۶</sup> - بربری: تیزمارت<sup>۲۷</sup> - بنا به نظر اورباسیوس: ارانتموس<sup>۲۸</sup> - «اقحوان زرد» را «خروسوقولی» گویند. «دیسکورید» آن را سه نوع با تفاوت رنگ گل‌های آن‌ها می‌داند.<sup>۲۹</sup> «بابونجی» که «دیسکورید» با رنگ گل سفید شرح می‌دهد گیاه معروفی است که امروزه در مصر به آن «کرکاش» گویند و اهل اندلس آن را به نام لاتینی «مقارجه» می‌شناسند و اهالی آفریقا آن را «رجل الدجاجة» نامیده‌اند و آن نزد عرب مشهور به نام «اقحوان» است.<sup>۳۰</sup>

<i>Solanum tuberosum</i>	تفاح الارض	طباطبائی
<i>Anthemis nobilis L.</i>	بابونج	ال۔ ط۔ سخ.
<i>Anthemis nobilis L.</i>	ہندی: بابونہ کی پول	Glo.

۲۷۴ - ماجرو جی: ۵

۱- به انشمیس و اقحوان رجوع شود.

۲۷۵- بادیورد (فارسی)، باذآورد، شوكة البيضاء، بادآورد، باذورد، بادآورد: نامی است که بر سبک بودن و اجتماع شاخه ها برای بالا رفتن توسط باد از زمین دلالت دارد. - نام های دیگر آن: سیدخار، کنگر سفید - عربی: شوكة البيضاء، شکاع - رومی: لوفینیقی، لوفیقشی، دریقاق - سریانی: ساناحور، سابا حورار، کبا عربا یا - عصفبر بری - هندی: جواسا - سیستان: جولاه کش - رومی: لوقاقانسی - سریانی: اقتولوقاقیثادشتا - دیسکورید: اقتالوقین (اقتالوقی)

اقتالوقی (*Akantha leuke*): برگردان آن به عربی «شوكة البيضاء» است، اکتا (اقتا) به یونانی به معنی خار و لوقا به معنی سفید این گیاه علی رغم نوشته های پزشکان مصر در آنجا وجود ندارد. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲]

زریاب	بادآورد - شوكة البيضاء	<i>Cnicus acarna L.</i> <i>Picnomon acarna (L.) Cass.</i> <i>Onopordon acanthium L.</i> <i>Silybum marianum Gaertn.</i>
دیسکورید	اقتالوقی - شوكة البيضاء	<i>Picnomon acarna (L.) Cass.</i>
پارسا	بادآورد	<i>Carduus benedictus Auct.</i>
طباطبانی	بادآورد	<i>Fagonia cretica L.</i>

۲۷۶- بادرنجبویه، بادرنجبویه، بادرنجبویه، بادرنجبویه، بادرنجبویه، ترنجان، ترنجان، مفرح قلب المحزون، بادرنجبویه، ترنجان، حیق ترنخانی، مالمسوفلن: نام های دیگر آن: بادرنبویه، بادرنبویه، بادرنجبویه، نامی فارسی به معنای بوی ترنج «أترجی الرائحة» - و معرب بادرنگبویه است. - عربی: مفرح القلب، بادرنبویه، باذرواکوهی، بقلّة الأترجیة - ترنجان - نام گیاه در کتاب دیسکورید: مالمسوفلن، مالیطانا - فارسی: بالنکو - بادرنگ - بادرنجبویه دارای دو نوع است نوعی با برگ کوچک که در فاس به آن «حیق القرنفلی» گویند و نوع دیگر با برگ بزرگ معروف به «حیق البربری» است و برگردان عربی این نام فارسی «رائحة الأترج» است و به آن «مفرح قلب المحزون» گویند.

مالمسوفلن (*Melissoophullon*): ریحان الترنجانی - بادرنجویه - بادرنبویه، این گیاه را جالینوس ذکر نکرده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۹]

ز.ط.سخ.	بادرنجبویه	<i>Melissa officinalis L.</i>
دیسکورید	مالیسوفلن - ریحان الترنجی - بادرنجویه	<i>Melissa officinalis L.</i>
پارسا	بادرنجبویه	<i>Asperugo procumbens</i>
پارسا	بادرنجبویه	<i>Dracocephalum moldavica L.</i>

۲۷۷- بادروج، بادروج، بادروج، بادروج (نامی نبطی)، صومر، صومر، صومر، حوک، حوک، صریرا: نوعی از احباب نام های دیگر آن: بادروج - عربی: جوک، حوک - فارسی: ریحان کوهی، تره خراسانی - رومی: اوقیمون - سریانی: حوکا، اوکا (لوکا) - هندی: بابری، تلسی جنگلی، فیلاطاریون به معنای دوست دارنده صاحب خود - «ابوحنیفه» صومران را حوک می داند.

اوقیمون (*Okimon*): بادروج - حوک - بنابه قول ضعیفی: بستان افروز [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۲۵]

دیسکورید	اوقیمون - بادروج - حوک	<i>Ocimum basilicum L.</i>
زریاب	بادروج - صومر - حوک	<i>Ocimum basilicum L.</i>
پارسا	باروج ایض - ریحان کوهی - تخم شربتی	<i>Ocimum album L.</i>

الموسوعه	حبّی معروف، حبّی هندی، حبّی نبطی، حوک، باذروج	<i>Ocimum basilicum</i>
----------	---	-------------------------

۲۷۸ - بادِنجان، بادِنجان، بادِنجان، بادِنجان، بادِنجان، کَهکَم، کَهلم، وِغْد، اَنب، بادِنجان: معرب بادنگان فارسی از جنس کفوف است نام‌های دیگر آن: عربی: مَغْد، مَغْد، غَدو، مَغْد، اَنب، وِغْد، نالیل الجنات - هندی: بیکن، بهانتانا، یروچی دشینا، باذاینگان، کَهکب، حَق، کَهیرک - حیصل

زر - طب.	بادنجان - معد - انب	<i>Solanum melongena L.</i>
الموسوعه	بادنجان - انب - مَغْد	<i>Solanum melongena L.</i>
پار. - خط.	بادنجان	<i>Solanum melongena L.</i>

۲۷۹ - بادِنجان بَرّی: نام‌های دیگر آن: هندی: بهکتائی و (بزرگ) بهرتا - یونانی: کفیشون  
۲۸۰ - بادیان خطائی: (نام میوه گیاه است)

پارسا	بادیان خطائی	<i>Illicium anisatum Lo. = I. verum H. = Anisum stellatum L.</i>
GLO.IN.	<i>Hendia: Anasphal - Bombay: Badian Madras: Anashal</i>	<i>Illicium anisatum Lo</i>
Glo.IN.	<i>Persian: Badian kohl</i>	<i>Prangos pabularia L.</i>

۲۸۱ - باذامک: نوعی صفصاف است. - نام دیگر آن در اندلس: ینبر  
۲۸۲ - بازَرْد، بازَرْد، بازَرْد: نامی صمغی به زبان فارسی نام‌های دیگر آن: عربی: قَنَه، قَنَه - یونانی: خلبانی - ترکی: قاسی - هندی: بریجا، کنده بهروزه - شیرازی: مروسرز - فارسی: پیژرد - اشبیلی می‌گوید: نام صمغ «جزر بری» است و همچنین این نام برای «قَنَه» نیز بکار برده می‌شود.  
خَلْبَانِی (Khalbane): - ابن پطار - به رومی بنابر آنچه در انطالیا شنیده‌ام: خَلْوَانِی - قَنَه - فارسی: بازَرْد<sup>(۱)</sup> [ابن پطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۷۹]

دیسکورید	خلبانی - بازَرْد - قَنَه	<i>Ferula galbaniflua Boiss. &amp; Bus.</i>
الموسوعه	قَنَه مَبْذُولَه - کَلَخ	<i>Ferula communis L.</i>
الموسوعه	قَنَه مَهْجُوتَه - بازَرْد قَنَاشِق	<i>Ferula galbaniflua Boiss. &amp; Bus. Ferula ferulago L.</i>
طباطبانی	بازَرْد	<i>Ferula rubricaulis Boiss.</i>

۲۸۳ - باذَوَرْد، باذورد: نام دیگر آن: عصفور البری، اشبیلی می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «فَشال»، عده‌ای «قصب البردی»، گروهی «شکاعی»، بعضی «شوکه المصریه»، برخی «اقین»، گروهی «قرذیوله» و اکثر پزشکان آن «عصر بری» می‌دانند که همگی اشتباه است. نام دیگر آن «اقنثالوقی» یعنی «شوکه البیضاء» است و اعراب بادیه به آن «اشبینه آله» گویند.

خطابی	باذورد	<i>Picnomon acarna (L.) Cass.</i>
-------	--------	-----------------------------------

۲۸۴ - بارسطاریون: (به معنای حمامی) نوعی رمی الحمام - نام های دیگر آن: فرسطاریون<sup>ت</sup>

۲۸۵ - باریلوماین: (نام اندلسی به معنی مشابه چشم)

۲۸۶ - باشان<sup>س</sup>:

۲۸۷ - باشیون<sup>س</sup> و باخیون<sup>س</sup>: (پیخین) نام دیگر آن: سعله، زیرا موجب تسکین بیماری سعال می باشد.

زریاب	باشیون - باخیون	<i>Tussilago farfara L.</i> <i>Ungula caballina</i> <i>Flores tussilaginis</i>
-------	-----------------	--

۲۸۸ - باقلّا، باقلی<sup>س</sup>، باقلی<sup>س</sup>، باقلّا، باقلاء، باقلا<sup>س</sup>، جاسه<sup>س</sup>، فابش یونانی<sup>س</sup>، فابش یونانی<sup>س</sup>، جرجر<sup>س</sup>، جناح البشر<sup>س</sup>، فول<sup>س</sup>: نام های دیگر آن: باقلی<sup>س</sup> - قبطی و مصری: فول<sup>س</sup> - عراق: جرجر<sup>س</sup> - معرب کرکر - سریانی: وکونی کرانیس، قواباوس، کومی<sup>س</sup> - سنجرى و سجزی: کالوسک<sup>س</sup>، بیستی کوسک<sup>س</sup> - رومی: کیرانس، قوامس یا (کوامس)<sup>س</sup>، قویارس<sup>س</sup>، فافا(فابا)<sup>س</sup>، فاطن<sup>س</sup> - بستی: کوسک<sup>س</sup> - فارسی: خوشک<sup>س</sup>

فابش الیونانی (*Kuamos hellenikos*): فول - باقلّا - جرجر - لاتینی: فابّه [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۹۰]

ز.خ.پ.	باقلی	<i>Vicia faba L.</i>
دیسکورید	فابش الیونانی - فول - باقلاء	<i>Vicia faba L.</i>
الموسوعه	فول - باقلی - باقلاء - جُمی	<i>Vicia faba L.</i>
طباطبائی	باقلی	<i>Faba vulgaris Monch.</i>
<i>GLO.IN.</i>	<i>Hendia: Bakla</i>	<i>Faba faba L.</i>

۲۸۹ - باقلّای قبطی، باقلی قبطی، غلالوطا، قاباش قبطی، فاباش قبطی، جامسه، غلالوطا: نام دیگر آن: جامسیه<sup>س</sup> فابش القبطی (*Kuamos Aiguptios*): از گیاهان شهرهای مغرب نیست و تنها خاص مناطق مصر بویژه در مکانی به نام "بشرمساح" است. و عامه اهالی مصر به آن "جامسه" گویند. جالینوس این گیاه را ذکر نکرده است. «جاسه» در مصر به باقلی قبطی، گفته می شود. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۹۱]

زریاب	فابش القبطی	<i>Nymphaea nelumbo L.</i>
-------	-------------	----------------------------

۲۹۰ - باکر: (نامی هندی)

<i>GIO.IN.</i>	هند: باکر - بلوچستانی: گوهرامونای	<i>Premna latifolia Roxb.</i>
----------------	-----------------------------------	-------------------------------

۲۹۱ - بالسه: (نامی هندی)

۲۹۲ - بالک جوهری: (نامی هندی)

۲۹۳ - بالنکو:

پارسا	بالنگو شهری	<i>Lallemantia iberica F.&amp; M.</i>
پارسا	بالنگو شیرازی	<i>Lallemantia royleana Benth.</i>

۲۹۴ - باله<sup>ش</sup>:

<i>Hibiscus mutabilis</i> L.	کاشته شده	باله	زریاب
<i>Hibiscus tortuosus</i> Roub.			

۲۹۵ - بامیه<sup>ش</sup>:

<i>Hibiscus esculentus</i> L.	بامیه	الموسوعه
<i>Abelmoschus esculentus</i> (L.) Moench	بامیه	پارسا

۲۹۶ - بیبته<sup>ش</sup>: تخم میوه‌ای است.

<i>Dalbergia lanceolaria</i> L.	هند: بیتوا ( <i>Bithua</i> )	Glo-in
---------------------------------	------------------------------	--------

۲۹۷ - بیپه<sup>ش</sup>: نام میوه‌ای به زبان هندی

<i>Dalbergia volubilis</i> Roxb.	هند: بهاتا ( <i>Bhatia</i> )	Glo-in
----------------------------------	------------------------------	--------

۲۹۸ - یخن<sup>ش</sup>: یخنه<sup>ش</sup>۲۹۹ - یخره<sup>ش</sup>: یخن<sup>ش</sup>۳۰۰ - بخورالاکراد<sup>ش</sup>: زیراگردان بسیار زیاد آن را در تهیه بخورات استفاده می‌کنند؛ نام‌های دیگر آن: اندلس:

بربطوره<sup>ش</sup> - سریانی: اندراسیون<sup>ش</sup>  
 فوقاذان<sup>ش</sup> (فوقاذین): (*Peucedanon*): آندراسیون - لائینی: یزبطوره - عامه مغرب: یزبطور - در بعضی از شرح‌ها: جابنک -  
 فوقاذانس [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۷۴ - ۳]

<i>Selinum officinal</i> <i>Peucedanum officinale</i> L.	بخورالاکراد - شمرالخنازیر - یزباطوره	الموسوعه
<i>Peucedanum officinale</i> L.	فوقاذان - یربطوره	دیسکورید
<i>Peucedanum officinale</i> L.	بخورالاکراد	طباطبانی

۳۰۱ - بخورالسودان<sup>ش</sup>: بخورالسودان<sup>ش</sup>

<i>Telephium imperati</i> L.	بخورالسودان - بخورالبریر - سزغند - دیزهک	الموسوعه
------------------------------	--	----------

۳۰۲ - بخورمریم<sup>ش</sup>: بخورمریم<sup>ش</sup>، بخورمزیم<sup>ش</sup>، بخورمریم<sup>ش</sup>، دُخنة مریم<sup>ش</sup>، فقلامینوس<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن:  
 خراسان: گلیم شوی<sup>ش</sup> - عرطینا<sup>ش</sup> - رومی: فوفیلاطینوس<sup>ش</sup> - افریقا: جر المشایخ، بُشام، شجرة المریم<sup>(۱)</sup> -  
 فقیلاموس<sup>ش</sup>، فقلامینوس<sup>ش</sup>، فقلامینوس<sup>ش</sup> - قسیاس<sup>ش</sup>

فُقْلَامینوس (*Kuklaminos*): بخورمریم - اهالی آفریقا: عَرَطینَا، رَکَف - خُبْرُالْقُرود - گیاه معروفی است.  
 فُقْلَامینوس اخر (*Kuklaminos helera*): لاتینی: ماطرْشَالِه (۱) برگردان آن به عربی: اُم الشَّعْراء اهالی اندلس: صَریمَةُ الْجَدی - گیاهشناسان: سلطان الْجَبَل - رای مُت (۲)، رای به معنی سلطان و منت به معنی جبل (کوه) است. - بربری: اَفْلَدان و اَدَار (۳)، به معنی سلطان الجبل [ابن بطار (در ترجمه دیسکورد) ۲ - ۱۴۷ و ۱۴۸]

<i>Cyclamen europaeum L.</i>	بخور مریم، فقلامینوس، عرطینا - خبز القرد	دیسکورید
<i>Lonicera caprifolium L.</i>	صریمه الجدی، سلطان الجبل، فقلامینوس، بخور مریم	دیسکورید
<i>Cyclamen europaeum L.</i>	بخور مریم، دخنه مریم، عرطینا، گلیم شوی	زر - طب.
<i>Cyclamen spp.</i>	عرطینا، سَکَع، بخور مریم، زهرالمسیح، وَکَف، خُبْرُالمشایخ، بَقْلَاس، رَکَفَه	الموسوعه

۳۰۳ - بَدَاشِقان، بَدَاشِغان، بَدَاشِغان، بَدَاشِغان: معرب بدسکان فارسی، نام های دیگر آن: بَدَاشِغان، بَدَکشان، قاتل ابیه، کف الکلب، بدسکان - بدکستان - بَدَاشِغان

<i>Sparilum junceum L.</i>	بَدَاشِغان	زریاب
<i>Parkinsonia spp.</i>	بدسکان	الموسوعه
<i>Parkinsonia aculeata L.</i>	بدسکان الشانک	الموسوعه

۳۰۴ - بدلیون: نام دیگر آن: مقل

۳۰۵ - بَرّ: (نامی هندی)

۳۰۶ - بریناقه (۴): نام دیگر آن: اهالی عجم نغر: اَبْرولِیَه (۵) - برخی آن را به اشتباه «شکاعی» گویند.

۳۰۷ - برتنقه: نوعی کمدربوس نام های دیگر آن: باطرنیقی - عجمی اندلس: طریه لبّه (۶) - ذنب النمر

۳۰۸ - بردی، بردی، بردی، بردی (نامی عربی)، عُنْقَر (نام ریشه)، حَقّ، فافیر: نام های دیگر آن: بابروس، بابیر، قارجی، اباء - فارسی: پیزد، لُغ - هندی: کوندل، بهته، پیزا - مصر: فاقیر، خوص (به خاطر تشابه به برگ آن به برگ درخت خرما) - سریانی: بانورس - عربی: حَقّا - نام بیخ (ریشه) آن: عُسْلُج - کرک های روی گیاه را به رومی «اقتلقا» و به فارسی «ایکور» و به عربی «تِلْم» و اهل ترمذ به آن «کابور» گویند. اشبیلی می گوید: از گیاهان مجاور آب و از جنس «جنبه» و از انواع «سیوف» و دارای چند نوع است: یک نوع نر و نوعی ماده، نام نوعی «سوسن اصفر» و نام نوع دیگر «سوسن الاسمانجونی» است.

<i>Cyperus papyrus L.</i>	بردی - لُخ	زر - طب.
<i>Cyperus papyrus L.</i> <i>Papyrus antiquorum Willd.</i> <i>Papyrus domesticus Poir.</i>	بردی - بابیر - بَبیر - بابیر - بابروس - بابورس	الموسوعه

۳۰۹ - بَرّسیاوشان، بَرّسیاوشان، برسیاوشان، برسیاوشان، بَرّسیاوشان (نامی یونانی به معنای داروی سینه)، شعر الجبار، بولوطریخون، سابقه، سَبْع الأرض، سبع الارض، ضفائر الجن، ضفاير الجن، شعر الجن، لحيه

۳- «اَفْلَدان و اَدَار» با هم نام گیاه است و «اَدَار» به بربری به معنی کوه است.

۲- *Rey Monte* رای - پادشاه - *Rey* منت - کوه - *Monte*

۱- *Mater sylvae*

۵- *Abre-ulayo-abrojo* - *Torva-lupa*

۴- *Berbenaca*

الحمراء: «بولوطریخون» به معنای پر مو نام «برسیاوشان» است.<sup>۴</sup> - نام‌های دیگر آن: عربی: شعر الجبال<sup>۵</sup>، شعر الجبار<sup>۶</sup>، شعر الارض<sup>۷</sup>، شعر الجن<sup>۸</sup>، شعر الخنازیر<sup>۹</sup>، شعر الخنزیر<sup>۱۰</sup>، شعر الجان<sup>۱۱</sup>، شعر الماء<sup>۱۲</sup>، جعدة القنا<sup>۱۳</sup>، شعر الکلاب<sup>۱۴</sup>، کر بزة البئر<sup>۱۵</sup>، ساق الاسود<sup>۱۶</sup>، ساق الوصیف<sup>۱۷</sup>، ساق الاسود<sup>۱۸</sup>، شعر العیار<sup>۱۹</sup>، لحة الحمراء<sup>۲۰</sup>، وصف الاسود - یونانی: بولوطوطریخون<sup>۲۱</sup> یا بولوطونخون ( به معنای پر مو)<sup>۲۲</sup>، بولیطریخوس<sup>۲۳</sup> - لاتینی: قافلا<sup>۲۴</sup> - فارسی: برسیاوشان<sup>۲۵</sup> - عوام: سنبل<sup>۲۶</sup> - هندی: کالی جهانپ<sup>۲۷</sup>، کرجاور نکوت<sup>۲۸</sup> - رومی: اذ یارطون<sup>۲۹</sup>، اطبوس<sup>۳۰</sup>، ابن سرایون<sup>۳۱</sup> - کرمان: کور سور<sup>۳۲</sup> - زمان شرار<sup>۳۳</sup> - براكيس یری<sup>۳۴</sup>

ز.ط.سج.	برسیاوشان - شعر الجبار	<i>Adiantum capillus veneris L.</i>
الموسوعه	کریزه البئر، شعر الغول، شعر الارض، وصیف، برشاوشان	<i>Adiantum capillus veneris L.</i>

۳۱۰ - برسیون<sup>۳۵</sup> (برسیا)، لَئِخ<sup>۳۶</sup>، برسیان<sup>۳۷</sup>: نام‌های دیگر آن: لَیخ<sup>۳۸</sup>، فرسانا<sup>۳۹</sup>، لبخه<sup>۴۰</sup>، آثابه<sup>۴۱</sup>، مرسیفا<sup>۴۲</sup> - سریانی: حولانا<sup>۴۳</sup> - مصر: هواسمه<sup>۴۴</sup>  
فُرسیا (Persaia): لَئِخ - شجرة الفارسیة [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۸]

زریاب	برسیون - لَیخ	<i>Mimusops schimperi Hochst.</i> <i>Albizzia lebbek Bth.</i>
الموسوعه	کَنج - البیزیه اللبخ - ذقن الباشا	<i>Albizzia lebbek Bth.</i>
دیسکورید	فُرسیا - لَئِخ - شجرة الفارسیة	<i>Mimusops schimperi Hochst.</i>

۳۱۱ - برسیانداریو<sup>۴۵</sup>: نام‌های دیگر آن: عصی الراعی<sup>۴۶</sup> - تهلول<sup>۴۷</sup>، عمول<sup>۴۸</sup>، فوهل<sup>۴۹</sup>، قنابری<sup>۵۰</sup>، شجرة البهق<sup>۵۱</sup>  
۳۱۲ - بَرطانیقی<sup>۵۲</sup>، برطانیقی<sup>۵۳</sup> (نامی یونانی)، طروقون<sup>۵۴</sup>: نام‌های دیگر آن: هندی: سروالی<sup>۵۵</sup>، بستان افروز<sup>۵۶</sup>  
بَرطانیقی (Brettanike): نوعی "حماض حَسَکَی" است که در رمل‌ها می‌روید و بنا به گفته ضعیفی نام آن "بستان افروز" است.  
[ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲]

زریاب	بستان افروز	<i>Amaranthus tricolor L.</i>
دیسکورید	برطانیقی	<i>Rumex brettanica L.</i>

۳۱۳ - برقا مصر<sup>۵۷</sup>:

۳۱۴ - برقوق<sup>۵۸</sup>: نام‌های دیگر آن: مغرب و اندلس: شمش<sup>۵۹</sup> - شام: نوعی اُجاص کوچک<sup>۶۰</sup>

EN.	برقوق	<i>Prunus domestica L.</i>
-----	-------	----------------------------

۳۱۵ - بَزْکان<sup>۶۱</sup>: نوعی حمص

۳۱۶ - بَزْکسوس<sup>۶۲</sup>: نرجس الاصفر<sup>۶۳</sup>

۳۱۷ - بَزْکک شیرازی<sup>۶۴</sup>: نام برگ گیاه است. ریشه آن عود پری<sup>۶۵</sup> و عود البندق<sup>۶۶</sup> است.

۳۱۸ - بَرْنَجاسف<sup>۶۷</sup>، برنجاسف<sup>۶۸</sup>، برنجاسف<sup>۶۹</sup>، برنجاسف<sup>۷۰</sup>، شویلا<sup>۷۱</sup>، شویلا<sup>۷۲</sup>، اُطماسیا<sup>۷۳</sup>، اطمیسا<sup>۷۴</sup>، حیق الراعی<sup>۷۵</sup>: «برنج اسف» به زبان عربی به «ارز الخلیل» تعبیر می‌شود. و به نام‌های «برنجاسب»، «قیصوم»، «قیسوم»، «جَنجات» معروف است. نام‌های دیگر آن: قیصوم<sup>۷۶</sup> - برنجاسف<sup>۷۷</sup> - یونانی: ارطیه ماسیا<sup>۷۸</sup>، ارطاماسیا<sup>۷۹</sup>، ارطاماسیا<sup>۸۰</sup> - عربی: سویلا<sup>۸۱</sup>

شَوْبَلَاءَ - فارسی: بومادران؛ بوی ماذران<sup>۳</sup>، مروارد شیر<sup>۴</sup> - شیرازی: برتراسک<sup>۵</sup> - رومی: ارطمیسا<sup>۶</sup> - سریانی: شواصر<sup>۷</sup>، شواصر<sup>۸</sup> - شیرازی: برتراسک<sup>۹</sup> - اشبیلی<sup>۱۰</sup> می‌گوید: برخی به اشتباه آن را «افستین» می‌دانند. ش<sup>۱۱</sup> - «جالینوس» یونانی‌ها آن را با نام «برنجاسف» می‌شناسند.<sup>۱۲</sup>

أرطاماسیا (Artemisia): بَلَنجَاسَف - بَرَنجَاسَف، دارای انواعی است که دو نوع آن را جالینوس ذکر کرده است.

أَمْبَرَسِیَا (Ambrosia): نوعی برنجاسف

بَطْرُس<sup>(۱)</sup> (Botrus): نوعی از برنجاسف

أَبْرُوتُون (Abrotonon): نام نوع نر و ماده "قیصوم" است. و نامیدن "برنجاسف" آن اشتباه است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ -

۱۰۸ و ۱۱۰ و ۲۵]

Artemisia vulgaris L.	برنجاسف - ارطاماسیا - قیصوم	زر. - طبای.
Artemisia vulgaris L.	ارطاماسیا - بلنجاسف - برنجاسف	دیسکورید
Artemisia vulgaris L.	شَوْبَلَاءَ - شَوْبَلَاءَ - عَیْثَرَان مَبْدُول - برنجاسف - بلنجاسف - حَبَق الرَاعِی	الموسوعه
Artemisia abrotonon L.	قیصوم	دیسکورید
Ambrosia maritima L.	أَمْبَرُوسِیَا	دیسکورید
Chenopodium botrys L. Chenopodium ambrosioides L.	بَطْرُس	دیسکورید
Artemisia abrotanum L.	قیصوم	پارسا
Artemisia vulgaris L.	برنجاسف - افستین	پارسا
Achillea pubescens L.	بومادران	پارسا
Artemisia maritima L.	برنجاسف کوهی	پارسا
Artemisia sp.	برنجاسف	EN.

۳۱۹ - برنج کابلی: نام‌های دیگر آن: ابرنج<sup>۱۳</sup> - بونق<sup>۱۴</sup> - فارسی: برنگ<sup>۱۵</sup>

۳۲۰ - برنيس<sup>۱۶</sup>: نوعی بلوط<sup>۱۷</sup>

۳۲۱ - بَرَم، بَرَم؟ نوعی درخت سَنَط، در بغداد

۳۲۲ - برمس<sup>۱۸</sup>:

Verbascum thapsus L.	برمس	زریاب
----------------------	------	-------

۳۲۳ - بَرَنُوف، بَرَنُوف: (گیاهی در مصر) نام‌های دیگر آن: بنا به نظر "تیمی": شابانک<sup>۱۹</sup>، شالبج<sup>۲۰</sup> - فارسی: شابانک<sup>۲۱</sup>، معرب آن: شابانج<sup>۲۲</sup>

قُونِزَا (Konuza): نام بربری آن و تَهْلَا، و به زبان لاتینی اندلسی: «لَبَارْدَه» و «طَبَّاق» نام دارد و «شجرة البراغیث» و «بَرَنُوف» نوعی از آنست. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱۶]

Inula conyzoides DC.	قونیزا - برنوف	دیسکورید
----------------------	----------------	----------

۱ - این بیطار در کتاب جامع خود نام "شواصر" و "مسک الجن" را معادل "بطرس" ذکر کرده است.



۳۲۴ - بَرَوانی، بروانی: (نامی عجمی) نام‌های دیگر آن: سریانی: عربروس، فاشر<sup>۱</sup> - یونانی: اسقوانس<sup>۲</sup> - کرمة الیضاء<sup>۳</sup>  
 ۳۲۵ - بَرَهتا: (نامی هندی) نام دیگر آن: کتائی بزرگ<sup>۴</sup>

<i>Solanum indicum</i> L. Syn: <i>S. incanum</i> L.	هند: برهتا <i>Birhatta</i>	<i>Glo-in</i>
---	----------------------------	---------------

۳۲۶ - بَرِیامصری: (نامی مصری)  
 ۳۲۷ - بَرِیاله: (نامی هندی)  
 ۳۲۸ - بَزَر بَرْدی: نام بذر «دیس» یا «سمار» است.  
 ۳۲۹ - بَزَر قَطونا، قَطونا، بَزَر قَطونا، بَزَر قَطونا، بَزَر قَطونا (نامی عربی)، حشیش، برغوئی، برغوئی، بَزَر قَطونا، بَزَر قَطونا، اسفرزه، اسفیوش: نام‌های دیگر آن: بشلیون<sup>۱</sup> - برغوئی (به معنای مشابه برغوئ) - عراق: بَزَر قَطونا<sup>۲</sup> - فاس: الزَر قَطونا<sup>۳</sup> - بحرین: حب الزرقه<sup>۴</sup> - یونانی: نسلیون<sup>۵</sup> یا فاسلیون<sup>۶</sup>، بسلیون<sup>۷</sup> - فارسی: ورق بنگو، اسفیوس<sup>۸</sup>، اسفیدش<sup>۹</sup>، اسفیوش<sup>۱۰</sup>، اسفیون الشوده، اسپغول<sup>۱۱</sup>، خرغول<sup>۱۲</sup>، اسپغل - در هند نیز به این نام مشهور است. - اصفهان: اسپرزه<sup>۱۳</sup> - شیراز: بنگو<sup>۱۴</sup>، شکم دریده<sup>۱۵</sup> - ترکی: قارنی باروق<sup>۱۶</sup> - شبطه و قروتن<sup>۱۷</sup>  
 فُشْلِیون (*Psullion*): برگردان عربی آن «بَرغوئی» و نام‌های دیگر آن «بَزَر قَطونا» و «اُسفیوس» است. [این عبارت در ترجمه دیسکورید] ۴ -

[۶۴]

<i>Plantago psyllium</i> L.	فسلیون - بَزَر قَطونا - اسفیوس	دیسکورید
<i>Plantago psyllium</i> L.	قَطونا - بَزَر قَطونا	ز. ط. خ.
<i>Plantago psyllium</i> L.	بَزَر قَطونا - عشبۃ البراغیث - حشیشۃ البراغیث	الموسوعه
<i>Plantago psyllium</i> L.	اسفرزه - بَزَر قَطونا	پارسا

۳۳۰ - بَزَر الکرفس البستانی: بَزَر کرفس بستانی<sup>۱</sup>  
 ۳۳۱ - بَزَر الکرفس الجبلی: نام دیگر آن: فطراسالیون<sup>۲</sup>  
 ۳۳۲ - بَسباس، بَسباس، بَسباس<sup>۳</sup>: نوعی از احرار البقول و از جنس هدهبات - نام‌های دیگر آن: بَسباسة<sup>۴</sup> - در مغرب و اندلس: رازیانج<sup>۵</sup> «غسانی» می‌گوید: دارای دو نوع بری و بستانی است، نوع بستانی به «رازیانج» و نوع بری به «بَسباس» معروف است. «اشبیلی» می‌گوید: دارای پنج نوع است: نوع بستانی آن «رازیانج» با نام‌های مارئون - فلیه - نافع - شمار - شومر - رازیانق است. نوع دیگر آن «بَسباس رومی» یا «انیسون» است. نوع دیگر «بَسباس نبطی» با نام «کحلوان» است که اکثر گیاهشناسان از آن اظهار بی اطلاعی می‌کنند. نوع آخر «بَسباس حبشی» با نام «انجیله» که خود نوعی از «انیسون بری» است.<sup>۶</sup>

<i>Foenivulum vulgare</i>	بَسباس	خطابی
---------------------------	--------	-------

۳۳۳ - بَسباسة، بَسباسة: نام پوست میوه خوشبونی است.<sup>۱</sup> نام‌های دیگر آن: فاس: بَسباسة - شیرازی: بَزبار<sup>۲</sup>

<i>Myristica fragrans</i> Houff.	بَسباسة	خطابی
----------------------------------	---------	-------

۳۳۴ - بستان الجواری: بواب الحاجب<sup>۱</sup>  
 ۳۳۵ - بُستان افروز، بستان افروز<sup>(۱)</sup>، بستان ابروز، بستان افروز<sup>(۲)</sup> (نامی فارسی)، حور اسفیدان: نام‌های دیگر آن:

۱- به واژه «برطانیفی» یا «حماض» و «بادروج» رجوع شود.

بستان ابروز<sup>۳۳۶</sup> - عربی: حبق بستانی؛ زينة الرياحین<sup>۳۳۷</sup>، راح (به معنای خوش منظر)<sup>۳۳۸</sup>، مَضیء البساتین<sup>۳۳۹</sup> - فارسی: تاج خروس<sup>۳۴۰</sup>، گل حلوا<sup>۳۴۱</sup>، گل یوسف<sup>۳۴۲</sup> - نام نوع کوچک به هندی: کوکنی، نام نوع بزرگ به هندی: حَبَّارَهاری<sup>۳۴۳</sup>

<i>Amaranthus tricolor L.</i>	بستان افروز	زریاب
<i>Amaranthus cruentus L.</i>	گل حلوا - گل تاج خروس	پارسا
<i>Celosia argentea L.</i>	گل حلوا - گل تاج خروس	پارسا

۳۳۶ - بستیناج<sup>۳۳۶</sup>: دارای انواع فراوان است. نام های دیگر آن: مصر: حَسَكَة<sup>۳۳۷</sup> - أَخِلَّة<sup>۳۳۸</sup>

۳۳۷ - بُسْد<sup>۳۳۷</sup>، بَسْد<sup>۳۳۸</sup>، بَسْدَة<sup>۳۳۹</sup>، بُسْدَة<sup>۳۴۰</sup>: نام های دیگر آن: رومی: قوالن<sup>۳۴۱</sup>، قولویون<sup>۳۴۲</sup> - به نوعی از آن خرو هک گفته می شود.<sup>۳۴۳</sup> - مرجان مروارید خرد<sup>۳۴۴</sup> درختی است که در آب دریا رسته شود و چون غواصان آن را برکشند و هوا او را در یابد جرم او صلب شود و محکم گردد. - نام «عزول»<sup>۳۴۵</sup> و «مرجان»<sup>۳۴۶</sup> است. نام گیاه در کتاب دیسکورید «فراولیون»<sup>۳۴۷</sup> و «بَسْدَة»<sup>۳۴۸</sup> است که بعنوان گیاهی دریائی معرفی شده است.<sup>۳۴۹</sup>

<i>Corallium rubraum L.</i> <i>Isis nobilis Pall.</i>	بسد	زریاب
<i>E: Coral</i>	بسد - مرجان - نوعی جانور دریائی	خطابی

بسد دیگر: گل خیری الاحمر

<i>Matthiola incana</i>	بسد - گل خیری الاحمر	زریاب
-------------------------	----------------------	-------

۳۳۹ - بَسْفَایِج<sup>۳۳۹</sup>، بَسْبَایِج<sup>۳۴۰</sup>، بَسْفَایِج<sup>۳۴۱</sup>، بَسْفَایِج<sup>۳۴۲</sup>، بَسْفَایِج<sup>۳۴۳</sup>، بَسْبَایِج<sup>۳۴۴</sup>، بولوبودیون<sup>۳۴۵</sup>، ثاقب الحجر<sup>۳۴۶</sup>، کثیر الأرجل<sup>۳۴۷</sup>، بولوبودیون<sup>۳۴۸</sup>، سکی رَغْلًا<sup>۳۴۹</sup>، سکی رَغْلًا<sup>۳۵۰</sup> (نام سریانی به معنای کثیر الأرجل): نام ریشه است. «بولوبودیون» به معنای دارای پای زیاد نام «بَسْفَایِج» است.<sup>۳۵۱</sup> - نام های دیگر آن: عربی: اضراس الکلب<sup>۳۵۲</sup>، ثاقب الحجر<sup>۳۵۳</sup>، تَشْمِیز<sup>۳۵۴</sup>، تَشْمِیر<sup>۳۵۵</sup>، کثیر الأرجل<sup>۳۵۶</sup>، دود الصخر<sup>۳۵۷</sup>، جناح الزرزور<sup>۳۵۸</sup>، خسران<sup>۳۵۹</sup> - یونانی: بولوزیون<sup>۳۶۰</sup>، بولوبودیون<sup>۳۶۱</sup> (به معنای دارای پای زیاد یا کثیر الأرجل) - مصر: اشتوان<sup>۳۶۲</sup> - هندی: کهنکالی<sup>۳۶۳</sup>، فولوفدین<sup>۳۶۴</sup> - سریانی: سکی رَغْلًا<sup>۳۶۵</sup>، به معنای کثیر الأرجل<sup>۳۶۶</sup> اشبیلی می گوید: بسبایج دارای انواعی است نام نوعی از آن «قلال» یا «بطارس» است و نوع دیگر آن معروف به «سیسون» است.<sup>۳۶۷</sup>

بولوبودیون: به معنای کثیر الأرجل - سریانی: سَقی رَغْلًا<sup>۳۶۸</sup>، سَخی رَغْلًا<sup>۳۶۹</sup> به معنای کثیر الأرجل (دارای پای فراوان) زیرا شبیه به "ا" اربعة و اربعین (هزار پا) است. - لاتینی: بُزْبُودِیه - بربری: أَشْتِیوان<sup>(۱)</sup> (این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۹)

<i>Polypodium vulgare L.</i>	<i>India: Basfaij</i>	<i>GLO.IN.</i>
<i>Polypodium vulgare L.</i>	بَسْبَایِج - اضراس الکلب - قشتیوان	ال، ز، پ، د.

۳۴۰ - بَسِیلَة<sup>۳۴۰</sup>: نوعی «جلبان» بزرگ دانه است.<sup>۳۴۱</sup>

<i>Pisum sativum L.</i>	بسيله - عثر - بسله	EN.
-------------------------	--------------------	-----

۳۴۱ - بَشَام، بَشَامٌ: (نامی عربی)

۳۴۲ - بَشَنَة:

۳۴۳ - بَشْنِین، بَشْنِین، بِرور، جُلجلان مصری: نام‌های دیگر آن: مصر: عرایس النیل، زیرا هنگام برگشتن آب نیل (پس روی) و ماندن آن ناگهان می‌روید. - "دیسکورید" می‌گوید: نام «لوطوس» موجود در مصر است و در هنگام برگشت آب نیل در مصر در آب می‌روید. نام «نیلوفر» است و دارای دو نوع است، نوعی به نام «جزیری» و نوع دیگر به نام «أعرابی» است. - «برور» در مصر نام ریشه «بشنین» است.

الموسوعه	نیلوفرابیض - بشنین ابيض - عرایس النیل - حشيشة السمک	<i>Nymphaea alba L.</i>
الموسوعه	بشنین عربی - نیلوفر العروس - لوطس	<i>Nymphaea lotus L.</i>

۳۴۴ - بَشَوْش: نام خُرمل یا حرف السطوح است.

۳۴۵ - بصل، بصل، بصل، بصل، بصل، دوقص، بزر البصل: نام‌های دیگر آن: رومی: قرومیدیا، قاراماون - سریانی: بصل - سندی: بصل - نام بذر آن: تخم پیاز - "رازی" گوید تلخ پیاز تیزتر است و پیاز آن را "شلار" خوانند و حدت او کم است. و ابوریحان گوید در بلاد ما آنچه ازو تیزتر باشد آن را "زُرَنک" گویند. نوعی از انواع آن "بصل الزیز" با نام‌های "قنّب" و "قُفُور" است. - بصل پنج نوع است: شامی و بنبی و زیزی و فار و بلبوس - "اشبیلی" می‌گوید: بصل دارای سه جنس بستانی، بری و احمر است. نوع بستانی دارای انواع فراوانی با نام‌های ۱ - بصل الأکل ۲ - بصل الأبیض یا بیضی ۳ - بصل الزیدی، بصل المجوسی، بصل الخراسانی، بصل الفارسی است. نام‌های دیگر آن عبارتست از: یونانی: قرومیدیا - عجمی: چبّله، بربری: تاصلیمت، ازالیم - نوع بستانی دارای سه صنف دیگر است: ۱ - براسن ۲ - کُرّاث الشامی، کُرّاث ملوکی، کُرّاث اندلسی، قلفوط ۳ - کُرّاث الریفی و کُرّاث الجلیقی - نوع بری همان نوع شامی یا کُرّاث الروم و کُرّاث الجبلی است که به یونانی دراقنوسقردیون نامیده می‌شود و نوع دیگری از آن کُرّاث الثومی با نام یونانی سقردوناس است. نام‌های نوع دیگر آن عبارتست از: بریه اواناله یعنی عشبة الخُروف - یونانی: براسن و قافالوطن - سریانی: قلفوط، علفوط - عربی: کاؤل - بربری: تراست - و نام‌های دیگر آن: قطلونیه - بوزّه - بُلْبُس طویل (۱) - بلاس - کُرّاث الروم - الراسن است.

نام‌های نوع احمر - قرمز - عبارتست از: ۱ - شوطی (نوع کوچک آن) معروف به مقشلان ۲ - شرغلی (نوع بزرگ آن) معروف به شلوبینی، بصل الرومی - نام نوع دیگر بصل جلیلین به معنای بصل الصغیر است و نوع دیگر بصل، کُرّاث با شش نوع مختلف است.

بلبوس نیز از انواع بصل است که در ماهیت آن اختلاف است نام یونانی یا رومی آن بُلْبُس و نام‌های دیگر آن عبارتست از: ماغره - البطن - فضل الجوّاری - نوع دیگر بصل که خوردن آن موجب قی می‌شود بصل القیء یا بصل الزیز است.

گروه‌های دیگر بصل عبارتند از: ۱ - بصل الهام با نام‌های: یونانی: ارنیوس - عربی: ذَکَر الهَرّ - قشطنیولا یعنی قِشْطَلَة صغیره

۲ - بصل النرجس: دارای پنج گروه اصغر، ابيض، مجزّع، بُواقی، مُقَوَّدَس است. نام‌های دیگر آن عبارتست از: به یونانی: نرکسوس، نرسیس - رومی: ونیریون - به سریانی: مریت - به عربی: نرجس - به لاتینی: نرجسینوس - به عجمی: نبقرس، قَلُور اورو گاهی به نرجس ابيض بهار نیز گفته می‌شود نام یونانی آن نرکسوس است. و نام یونانی نرجس مُقَوَّدَس، ایمارو قالاس است. ۳ - بصل الزعفران ۴ - بصل الفار با نام‌های: بصل البر، بصل الخنزیر، عنصل، اشقیل ۵ - ثوم: دارای چهار نوع بستانی با نام‌های قشطنیونی، عُقابی، سنانی، صقلی و دو نوع بری با نام اسقوزدیون یا حشيشة الثومیه یا ثوم الجبلی و سقردیون براسن است. ۶ - بصل نسرين المروج: دارای گل‌های واژگون است و دو نوع زرد و سفید دارد. ۷ - بصل الخصى: انواع آن فراوان است نوعی خصى الکلب با هشت صنف نحلی با گل سیاه، نحلی با گل بنفش، دیکي، دبیرانی، ثومی، فرفری، کرائی است. و نوع دیگر آن خصى الثعلب با گل سفید است و همچنین خنثی نیز از این گروه می‌باشد. ۸ - بصل اللوف ۹ - بصل السنجر ۱۰ - بصل السوسن: دارای انواع فراوان پیازی و غیر پیازی است، از انواع پیازی آن سوسن بستانی، سوسن بحری، سوسن رملی، بصل الخُرّم است. ۱۱ - سورنجان: دارای دو نوع سیاه و سفید است. ۱۲ - بصل النیلوفر: دارای انواع بسیاری است برخی دارای ریشه پیازی و گروهی فاقد آن هستند از گروه اول می‌توان به نیلوفر مجوسی یا نیلوفر فارسی یا نیلوفر ترکی با نام فارسی سفتا اشاره کرد و از انواع دیگر آن نیلوفر ابيض المائی و نیلوفر ابيض البری است.

قَرومیان (*Kromuon*): بَصَل این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۵

<i>Allium cepa L.</i>	بصل	ال. - خ. - ز.
<i>Allium cepa L.</i>	قرومیان - بصل	دیسکورید
<i>Allium cepa L.</i>	پیاز	پارسا

۳۴۶ - بصل الذئب<sup>ع</sup>: به پیاز و بلبوس<sup>ع</sup> خوراکی گفته اند.۳۴۷ - بصل القی<sup>ع</sup>:۳۴۸ - بطره<sup>ع</sup>، بطره<sup>ع</sup>: گویند «بطره» همان «بستناج» است.۳۴۹ - بطریون<sup>ع</sup>: گویند «شجرة الفرس» یا «شجرة الخولان» و یا «شوكة العصبية» است.

۳۵۰ - بَطْمٌ، بَطْمٌ، بَطْمٌ، بَطْمٌ، بَطْمٌ، حب الخضراء، ابرقان<sup>ع</sup>: از انواع «ضرو» است<sup>ع</sup> و «ضرو بستانی» است. نام های دیگر آن: درخت حبة الخضراء<sup>ع</sup>، حبة الخضراء فارسی و ترکی: سقز<sup>ع</sup> - رومی: اقطرمتوس<sup>ع</sup>، طرابثیوس<sup>ع</sup>، طرامینوس<sup>ع</sup>، اقطاطاقیس<sup>ع</sup>، اقوقوس<sup>ع</sup>، طراسانوس<sup>ع</sup> (طرابثیوس) - سریانی: بطمتا<sup>ع</sup> - فارسی: کینهن<sup>ع</sup>، اونیره<sup>ع</sup> (ونیره)، اسفردانه<sup>ع</sup>، ونوشک<sup>ع</sup> (ون نام درخت و وشک نام دانه)، بن<sup>ع</sup> - هندی: خروک<sup>ع</sup> - نیشابور: بانقش<sup>ع</sup>، نانکش<sup>ع</sup> - خراسان: خنجک<sup>ع</sup> - سجز: کنشک<sup>ع</sup> - مکران و قزدار: کل انگور<sup>ع</sup> دو نوع است یک نوع را «شاه بن» گویند و یک نوع «بن شاه» - نام صمغ آن: علك البطم<sup>ع</sup> - فارسی: سقز، ونزد<sup>ع</sup>، خشک<sup>ع</sup> - اصفهانی: قندرون<sup>ع</sup> - سریانی: دختا<sup>ع</sup>، بطمّا<sup>ع</sup>، دعتادشغاری<sup>ع</sup> (سفاری) - نام صمغ خشک: قلفون<sup>ع</sup>

طَرْمِثَسْ<sup>ع</sup> (۱) (*Terminthos*): شجرة البطم - صمغ: علك الأنباط [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۷]

<i>Pistacia terebinthus L.</i>	طرمثس - شجرة البطم	دیسکورید
<i>Pistacia terebinthus L.</i>	بطم	ز. - خ. - ط.
<i>Pistacia terebinthus L.</i>	سقز سفید	پارسا
<i>Pistacia khinjuk Stoc.</i>	حب الغار (اصفهان) - حب الخضرا (تهران) - حب البنه (عرب) - سبز قلنج (تهران) - بزقنز (همدان، اصفهان) - گل پسته (بمبی)	پارسا

۳۵۱ - بَطِیخٌ، بَطِیخٌ، بَطِیخٌ، بَطِیخٌ، بَطِیخٌ (نامی رومی)، بزر البطیخ<sup>ع</sup>، حب البطیخ<sup>ع</sup>، خربزه<sup>ع</sup>، عملج<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: خربزه<sup>ع</sup> - یونانی: فافس<sup>ع</sup> - ملفون<sup>ع</sup> معرب ملیونا - «دلاع» از انواع آن است. عملج<sup>ع</sup>: نوعی از خربزه است که گوشت آن سرخ و سبز است و با تخم خورده می شود و آن را «خربزه زمستان» هم گویند. اشبیلی<sup>ع</sup> می گوید: بطیخ دارای پنج نوع است: ۱ - نوع ریفی یا بطیخ حقیقی با نام های: سملا، ملونیا ۲ - نوع فلسطینی یا بطیخ هندی و سندی و شامی و شتوی با نام های: ذلاع، افلسطین ۳ - حنظل ۴ - نوع شیرین به اندازه حنظل از صحرای مرابطین ۵ - بطیخ سگری و بطیخ عقابی با نام های: ملون - مؤزنی<sup>ع</sup>

<i>Cucumis melo L.</i>	بطیخ	زر. - خط.
<i>Cucumis melo L.</i>	خربوزه	پارسا
<i>Cucumis melo L.</i>	<i>Sanskrit &amp; Hendia: Kharbuja - Bengal: Kharmuj - Telugu: Kharbuja</i>	GLO.IN.
<i>Cucumis vulgaris</i>	دلاع	خطابی

۳۵۲- بطیخ هندی، بطیخ الهندی، بطیخ هندی، بطیخ رقی: نام‌های دیگر آن: بطیخ سندی، بطیخ رقی، بطیخ اخضر، عربی: دلاع، رابوقه، فارسی: خریزه هندی، هندوانه، شیرازی: خیار کدو، تبریزی: هندوانه، هندی: تربوز، بغداد: رقی

الموسوعه	بطیخ احمر - بطیخ هندی - جیس - رقی - دلاع - خربز	<i>Cucumis vulgaris</i>
پارسا	هندوانه	<i>Cucurbita citrullus</i> = <i>Citrullus vulgaris</i>
زریاب	بطیخ هندی	<i>Cucumis vulgaris</i>

۳۵۳- بَقْشُفَرْتُنْ: (نامی یونانی)

۳۵۴- بَقْس، بَقْس، بَقْس، بَقْس، شمشاد، شمسار: معرب نام یونانی بقسین و یاقسین یونانی - نام‌های دیگر آن: یونانی: بقسیس، باکسیان، اهل شام: شمشاد، شمشاد، سمسار، فارسی: شمشاد، صحرانشینان: صفیرا یعنی بقس البلدی، بَقْس، بَقْس، بَقْس

پارسا	قسم شمشاد - گوشوارک (شیرگاه) - سیاتوسکا	<i>Evonymus europaeus L.</i> <i>Evonymus verrucosa L.</i> <i>Evonymus velutina L.</i> <i>Evonymus latifolia L.</i>
الموسوعه	بَقْس - شمشاد	<i>Buxus spp.</i>
EN.	بَقْس - شمشاد	<i>Buxus sp.</i> <i>Buxus sempervirens L.</i>

۳۵۵- بقلة الأترجة: به گیاهی با نام فارسی «کروان» و هم به گیاه «بادرنجبویه» می‌گویند.

۳۵۶- بقلة الانتصار: گویند نام «سلق» است و درست‌تر آنست که نام دیگر «کرنب الدوری» باشد.

۳۵۷- بقلة الاوجاع، افاقیا، بقلة الأوجاع: نام‌های دیگر آن: یونانی: افاقیا (نام رومی است) - مغرب: توجردره، توجدة - سریانی: دعنادقرطی - عربی: قفل (قفل) - فارسی: ملبند شدردک - سندی: سلفارها - اندلس: اذن البجدی - دیسکورید: قاقالیه

زریاب	افاقیا - قفل - ملبند شدردک	<i>Acacia arabica Willd. (Succus Acacia)</i>
الموسوعه	بقلة الاوجاع	<i>Collinsonia canadensis L.</i>

۳۵۸- بقلة البراری: نام دیگر آن: بقلة الرمل

۳۵۹- بقلة الحَمَقاء، بقلة الحَمَقاء، بقلة الحَمَقاء، بقلة الحَمَقاء، بِلْمُون (فرغ البری)، بقلة لينة (نامی عربی)، کف، بزر الخرفه، خرفه، زریرا (نام سریانی)، فرغین، فرغ، رجله: نام‌های دیگر آن: رومی: اندرخانا، اندرخنا - سریانی: بَرِخینا - عربی: فرغ، فرغ، فرغین، رجله، حبیب، بقلة اللینه، بقلة

۱- وجه تسمیه آن به بقلة الحَمَقاء (گیاه خوراکی نادان) بخاطر اینست که بدون بذر - خودرو و بدون کشت - در مسیر و راه مردم قرار می‌گیرد. (به نقل از غسانی)

۱۱- وجه تسمیه آن به رجله به معنای پای‌خاطر واقعه‌ای است که از رسول خدا صلوات الله علیه و اله حکایت شده و آن واقعه عبارتست از اینکه روزی در یکی از غزوات سربازان پیامبر (ص) از شدت گرما و سوزش پاهایشان به حضرت (ص) شکایت کردند حضرت (ص) برای آنان دعا فرمود پس از آن این گیاه رویش یافت - این گیاه بر سر راه آنان قرار گرفت - و موجب تسکین سوزش پاهایشان شد. (به نقل از غسانی)

مبارکه<sup>۱۱۳</sup>، بقله فاطمه (سلام الله علیها)، بقله الزهرا (سلام الله علیها)<sup>۱۱۴</sup> - فارسی: خرفه، تورک<sup>۱۱۵</sup>، بفرخ<sup>۱۱۶</sup>،  
 فرهن<sup>۱۱۷</sup>، فرینه<sup>۱۱۸</sup> - عبرانی: ارغیلیم<sup>۱۱۹</sup> - فرنگی: برغال سالی<sup>۱۲۰</sup> - هندی: رجه<sup>۱۲۱</sup>، لونه<sup>۱۲۲</sup>، لونک<sup>۱۲۳</sup> - نیشابور: بوخل<sup>۱۲۴</sup> -  
 سجزی: وشفنگ<sup>۱۲۵</sup> - بستی: کلنک<sup>۱۲۶</sup> - هری: سنجاب<sup>۱۲۷</sup> - بلخ و زابلستان: خفرج<sup>۱۲۸</sup> - لاتینی: برقفلی<sup>۱۲۹</sup> - فره<sup>۱۳۰</sup>، پرهن<sup>۱۳۱</sup> -  
 اصفهانی: برهن<sup>۱۳۲</sup> - کرمانی: تخم بلوک<sup>۱۳۳</sup> - تبریزی: تخمکان<sup>۱۳۴</sup> - شیرازی: تورکی<sup>۱۳۵</sup> - دندان ساوکف<sup>۱۳۶</sup> - قزقحیر<sup>۱۳۷</sup> - فرقین<sup>۱۳۸</sup> - حقوق<sup>۱۳۹</sup>  
 - نام قسم کوچک به هندی: لونیا<sup>۱۴۰</sup>

اُوبیدجی (Andrakhne): در بعضی از نسخه ها: آندرَخنی به معنای یک پا و نام های دیگر مانند رَجَلَه، بَقْلَه الحَمَاء،  
 بَقْلَه المبارکَه، فُزفیر آمده است. [ابن بطار (در ترجمه دیکورید) ۲ - ۱۰۸]

Portulaca oleracea L.	بقله الزهراء	زریاب
Portulaca oleracea L.	اوبیدجی - آندرَخنی - رجه	دیسکورید
Portulaca oleracea L. Portulaca sativa Ha.	Bombay: Khurfah	GLO.IN.
Portulaca oleracea L.	بقله الحماء	خطابی

۳۶۰ - بقله حماء بریه<sup>۱۴۱</sup>: نام گیاه علفی نام یونانی آن «فابلص» است و نیز نام نوعی از بتوعات (گیاهان شیرابه دار) است.<sup>۱۴۲</sup>  
 ۳۶۱ - بقله حامضه<sup>۱۴۳</sup>، بقله حامضه<sup>۱۴۴</sup>، بقله خراسانی<sup>۱۴۵</sup>، بقله خراسانی<sup>۱۴۶</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: تره خراسانی<sup>۱۴۷</sup>، ساق  
 ترشک<sup>۱۴۸</sup>

Oxalis acetosella L.	حماض العید - بقله حامضه - اقلیس صغیر	الموسوعه
Oxalis acetosella L.	ترشک - حماض	پارسا

۳۶۲ - بقله خراسانیه: «اشبیلی» می گوید: نام های دیگر آن «حماض»، «وغد» و «رغل» است. و گروهی معتقدند نام «ترنجان» غیر معطر است و  
 گروهی آن را از «فوذنجات» می دانند و درست آنست که نام مشترکی برای «ترنجان» و «حماض» است.<sup>۱۴۹</sup>

۳۶۳ - بقله دشتی<sup>۱۵۰</sup>: گیاهان علفی دشتی یا گیاهان صحرائی یا بقول بری چون «شاهترج»، «طرخون»، «یعضید»، «تفاف» است  
 در عین حال این نام بطور اختصاصی به گیاه «تفاف» اطلاق می شود. برخی این نام را به «بقل ریشی» و «بقل دمشقی» تصحیح  
 کرده اند.<sup>۱۵۱</sup>

۳۶۴ - بقله الرُمَاهُ، بقله الرَمَاهُ<sup>۱۵۲</sup>: شریف می گوید: عرب به آن بقله البراری گویند.<sup>۱۵۳</sup>  
 ۳۶۵ - بقله الحسینیّه<sup>۱۵۴</sup>:

۳۶۶ - بقله الضَّبّ<sup>۱۵۵</sup>، بقله الضَّبّ<sup>۱۵۶</sup>: گویند نام «ریحان بری» است.<sup>۱۵۷</sup> - نام «بادرنیویه بری» است.<sup>۱۵۸</sup>

۳۶۷ - بقله العروس<sup>۱۵۹</sup>: نام دیگر آن: عروشیه<sup>۱۶۰</sup> - جنجش (یعنی لطیف و شیرین)<sup>۱۶۱</sup> - القسینی<sup>۱۶۲</sup> - میوش اوطاش<sup>۱۶۳</sup>

۳۶۸ - بقله العدس<sup>۱۶۴</sup>، بقله العدس<sup>۱۶۵</sup>: نام دیگر آن: فودنج البری<sup>۱۶۶</sup>

Mentha pulegium L.	بقله العدس - فودنج بری	زریاب
--------------------	------------------------	-------

۳۶۹ - بقله الفارسیه<sup>۱۶۷</sup>: نام های دیگر آن: تره داهان<sup>۱۶۸</sup>، تره گربه<sup>۱۶۹</sup> - عربی: بقله السنانیر<sup>۱۷۰</sup> زیرا گربه از بوی آن به ولع افتاده  
 و آن را می خورد و در زیر سایه یا روی آن می خوابد. در نسخه فارسی نام این گیاه معادل پلنگ مشک یا فلنجمشک

۱ - (و می منسوبه الی فاطمه ابنة رسول الله (صلی الله علیه و اله) و کانت تحبها و نکثر من اکلها فسمها بنو امیه بذلك و جعلوا بدل الزهراء (س) الحماء (این گیاه منسوب به حضرت فاطمه  
 زهرا سلام الله علیهاست که بسیار از آن تناول می فرمود و آن را دوست داشت و بنی امیه لعنهم الله بجای آن به این گیاه «بقله الحماء» گفتند. (صیدنه)



زریاب	بم - برنیکان - داربرنیا	<i>Caesalpinia sappan L.</i>
-------	-------------------------	------------------------------

۳۷۴ - بقنوقوم<sup>ع</sup>:۳۷۵ - بگا، بگا<sup>ع</sup>:

۳۷۶ - بکچی، (بابچی): (نامی هندی)

۳۷۷ - بگن، (یابگم): (نامی هندی)

۳۷۸ - بگمون (نامی فارسی)، عرفج: (عربی) عرفج

زریاب	عرفج	<i>Astragalus gummifera Lab.</i>
الموسوعه	عرفج	<i>Cotoneaster spp.</i>

۳۷۹ - بکهرینده: (نام هندی)

۳۸۰ - بِل، قثاء البری الهندی:

زریاب	بِل - قثاء البری الهندی	کاشته شده در بلوچستان. <i>Aegle marmelos Corr.</i>
-------	-------------------------	--

۳۸۱ - بِل، بِل: نام دیگر آن بنا به نظر رازی نزد خواننده «قثا هندی» است.<sup>ع</sup> «اشبیلی» می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف استبرخی شل و بِل را «شبوق» و «یدقه» می دانند که درست تر از بقیه نظر هاست و «بِل» همان «أقطی» یا «شبوق» است.<sup>ش</sup>۳۸۲ - بلاذر، (یابلاذر، بلاذر، بلاذر، بلاذر، بلاذر): نام فارسی برگرفته از نام بهلاوه هندی به معنای مشابه قلب<sup>ع</sup>است. - نام های دیگر آن: عربی: حب الفهم، حب القلب (به خاطر شباهت آن به قلب حیوان) - رومی: انقردیا<sup>ع</sup>

زر - پار.	بلاذر	<i>Semecarpus anacardium L.</i>
-----------	-------	---------------------------------

۳۸۳ - بلاس: (نامی هندی) نام های دیگر آن: دهاک، تیسو

۳۸۴ - بلاس بابره: (نامی هندی)

۳۸۵ - بلاسنطور: نامی فرنگی به معنای شجرة النبی (صلوات الله علیه و اله) نام های دیگر آن:

دسنطو، لینوسنطو نام اول شجرة النبی و نام دوم یعنی شجرة مبارکه)

۳۸۶ - بلان: نام دیگر آن نزد اعراب «شیرق» است.<sup>ع</sup>۳۸۷ - بلبوس، بلبوس، بلبوس، بلبوس<sup>ع</sup> (نامی یونانی)، بصل الزیر: نام های دیگر آن: عربی: بصل الذئب، بصل

الزئر، فصل ماکول - فارسی: زیر، تلخه پیاز - شیرازی: پیاز تلک - تبریزی: رزی - ترکی: داغ سوغائی - لرستان:

طرم - سریانی: بلابس

بلبوس (*Bolbos*): بصل الزاز<sup>(۱)</sup>مولی اخر (*Molu*): نام مشترک گیاه "حرمل" یعنی نوعی از بلبوس است. من - ابن بیطار - آن را می شناسم و نام دیگری غیر از این

نام برای آن نمی دانم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۳/۱۵۲ - ۴۴]

زریاب	بلبوس	<i>Muscari comosum Mill.</i>
-------	-------	------------------------------



<i>Muscari comosum</i> Mill.	دیسکورید	بلیوس - بصل الزاز
<i>Muscari spp.</i>	الموسوعه	بلیوس - جلجل
<i>Allium moly</i> L.	دیسکورید	نوعی بلیوس - مولی
<i>Allium magicium</i> L.		

۳۸۸ - بِلِخْتَه، بِلِخْتَه: (نامی مغربی)

<i>Periploca spp.</i>	الموسوعه	بلخیه
-----------------------	----------	-------

۳۸۹ - بِلِخْتَه:

۳۹۰ - بِلَس، بِلَس: نام دیگر آن: تین ایض - «آشبیلی» آن را نام همه انواع «تین» می‌داند.

۳۹۱ - بِلَسَان، بِلَسَان، بِلَسَان، بِلَسَان، بِلَسَان، بِلَسَان، حب البلسان، سعند (نام چوب)، عود البلسان: نام‌های دیگر آن: بنا به نظر جالینوس: سمون - بنا به نظر اورباسیوس: سامون - اسامی چوب آن: رومی: اسفوخوس، بوبلسمون - سریانی: قیس دافورسما، قیسادافورسما - فارسی: دارا فرسام - این گیاه بغیر از مصر در جای دیگر رویش ندارد و صاحب منهاج به سهر آن را «هیوفاریقون» گفته است.

<i>Commiphora opobalsamum</i> Engl.	زر - پار.	بلسان - حب بلسان
<i>Amyris gileadensis</i> L.		
<i>Semcarpus anacardium</i>	خطابی	بلسان
<i>Balsamodendron</i> DC.	EN.	بلسان
<i>Balsamodendron myrrha</i> Nees.	EN.	بلسم

۳۹۲ - بِلَسْکِی، بِلَسْکِی: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: گیاهشناسان اندلس و مغرب: مصفی الرعاة، ودود، حب الصیان، فوة البرانیة - صیدلانیة: قوت البریه - دیسکورید: آفرینی

۳۹۳ - بَلَوُط، بَلَوُط، بَلَوُط، بَلَوُط، بَلَوُط، جفت البلوط (نام پوست)، لُزاق الرخام (نام صمغ): نام میوه است. نام‌های دیگر آن: طبرستان: دارمازی - فارسی: بالوط - انطاکیه: دوام - عراق: عفضیج - مصر: ثمر الفؤاد - رومی: زَبان لباس - نام میوه: دارمازو - «شاهبلوط» از انواع آنست که به آن «قسطل» گویند.

دِرُس (Drus): با توجه به اختلاف نظرهای موجود این نام معادل «بلوط» است. و دیسکورید همراه با این واژه «شاهبلوط»<sup>(۱)</sup> را نیز ذکر کرده است و آن را «قسطانیا» که همان «قسطل» است نامیده است. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۱- ۱۰۸/۲ - ۹۴/۴ - ۱۱۰]

<i>Quercus coccifera</i> L.	دیسکورید	درس - بلوط
<i>Quercus ilex</i> L.	زر - خط.	بلوط
<i>Quercus persica</i> Jaub. & Sp.	پارسا	بلوط
<i>Quercus robur</i> L.		

۳۹۴ - بَلَوُط الارض، بَلَوُط الأرض، بَلَوُط الارض، بَلَوُط الارض، خامادریوس: نام مشترک بین کماذریوس و گیاه دیگر است. - نام دیگر آن به یونانی: کماذریوس است. - «آشبیلی» می‌گوید: گاهی این نام را برای ریشه‌های «خنثی» بخاطر شباهت

آن به بلوط بکار می‌برند.<sup>ش</sup>

خامادرئوس (*Khamaidaruos*): برگردان عربی «کَماَدَریوس» «بلوط الارض» است زیرا «خاما» به معنای «ارض» (زمین) و «درس» به معنای «بلوط» است. [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۳]

دیسکورید	خامادریوس - کامادریوس - بلوط الارض	<i>Teucrium chamaedrys L.</i>
----------	------------------------------------	-------------------------------

۳۹۵ - بلوط الملك، بلوط الملك، شاهبلوط، شاهبلوط: نام های دیگر آن: شاهبلوط<sup>ت</sup> - سریانی: بلوطا ملکا<sup>س</sup> - رومی: قسطنه<sup>س</sup>، قسطل<sup>س</sup>، قسطل<sup>س</sup>

زریاب	شاه بلوط	<i>Castanea sativa Mill.</i> <i>Castanea vesca Gaertn.</i> <i>Castanea vulgaris Lam.</i>
طباطبانی	شاه بلوط	<i>Castanea sativa Mill.</i> <i>Castanea vulgaris Lam.</i>
طباطبانی	شاه بلوط هندی	<i>Aesculus hippocastanum L.</i>

۳۹۶ - بلوطی، بلوطی: نام های دیگر آن: هندی: کجی، کهجور، عامه اندلس به لاتینی به آن «مرویه یلبوسه» گویند و نباید با گیاهان شیرابه دار اشتباه شود.<sup>ع</sup>

بلوطی (*Ballote*): نوعی از فراسیون با رنگ سیاه و با نام لاتینی «مرویه بُتوشه» است. - در ترجمه کتاب جالینوس نام این گیاه با «لاعیه» اشتباه شده است زیرا «لاعیه» از گیاهان صمغ دار است و «بلوطی» فاقد آن است. [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۸]

دیسکورید	بلوطی	<i>Ballota nigra L.</i>
----------	-------	-------------------------

۳۹۷ - بلوغناطن<sup>ش</sup>: گروهی آن را به اشتباه «غوذیوله» می‌دانند.<sup>ش</sup>

۳۹۸ - بلول<sup>ش</sup>: (نامی هندی)

۳۹۹ - بلیان<sup>ت</sup>: (نام درخت مصری)

۴۰۰ - بلیحاء<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: مغرب: لیرون<sup>ع</sup> - اسلیج<sup>ع</sup>

۴۰۱ - بلیج<sup>س</sup>، بلیج<sup>س</sup>، بلیج<sup>س</sup>: نام های دیگر آن: هندی: بهیره<sup>س</sup> - هلیله<sup>ت</sup>

زریاب	بلیج	<i>Terminalia bellerica Roxb.</i>
-------	------	-----------------------------------

۴۰۲ - بلیطن<sup>ش</sup>: برخی پنداشته‌اند «عشبة الطحال» است و نام های دیگر آن «فلیطش» و «بلیطش» است.<sup>ش</sup>

۴۰۳ - بُنْتَرْنَقَه<sup>ش(۱)</sup>: برخی آن را به اشتباه «باطرنیقی» می‌دانند.<sup>ش</sup> نام های دیگر آن: خامادریوس<sup>ش</sup> - بلطالة<sup>ش</sup> - بلوط الارض<sup>ش</sup>

۴۰۴ - بُنْتَقَه<sup>ش</sup>: بنا به نظری نوع دوم کامادریوس با نام «طربه اُنه» است و بنا به نظر دیگر نوع سوم «کامادریوس» است. نام های دیگر آن عبارتست از: قسطن، قسطریون، قسطوریون، باطرنیقی، رُسْمارینا، ذنب الهی<sup>ش</sup>

۴۰۵ - بتومه<sup>ع</sup>، بتومه<sup>ع</sup>، بتومه<sup>ع</sup>: (نام گیاهی در اندلس) نام های دیگر آن: شام و اندلس: رقعة الفارسیه<sup>ع</sup>، ذَرَق الطیر<sup>ع</sup> - اهالی شوبک شام: عَنَم<sup>ع</sup> - فاس: انجبار<sup>ع</sup>

<i>Loranthus europaeus</i> L.	بستومه	خطابی
-------------------------------	--------	-------

[illegible]

<i>Hyoscyamus niger L.</i>	ايسقوامس - بنج	ديسكوريد
<i>Hyoscyamus albus L.</i>	بنج ابيض - سيكران	الموسوعه
<i>Hyoscyamus niger L.</i>	بنج اسود - سكران	الموسوعه
<i>Hyoscyamus albus L.</i>	بنج - حشيشة الشرك	زرياب
<i>Hyoscyamus niger L.</i>		
<i>Hyoscyamus niger L.</i>	بذر البنج	پار - طبيا.
<i>Hyoscyamus reticulatus L.</i>		
<i>Datura fastuosa L.</i>	بنج	خطابی

۴۰۷ - بنجشکروان<sup>۴</sup>: (نامی فارسی) نام دیگر آن: لسان العصفور<sup>۵</sup>

۴۰۸ - بنجین<sup>ش</sup>: نام دیگر آن «فنجین» است و برخی آن را «کف السبع» و عده‌ای «مدلوک» می‌دانند.

۴۰۹-بَندِا: (نامی ہندی) نام دیگر آن: عربی: خرطان'

۴۱۰- بُندال: (نامی ہندی) نام دیگر آن: سنکپہ'

۴۱۱ - بُنْدُقْ، بُنْدُقْ، بُنْدُقْ، بُنْدُقْ، بُنْدُقْ (معرب فندق فارسی): نام‌های دیگر آن: فارسی: فندق - عربی:

جلوز، جلوز<sup>۱۰</sup> - رومی: ایلر سیا<sup>۱۱</sup> - سریانی: فندقا<sup>۱۲</sup>

<i>Corylus avellana</i> L.	بندق - فندق	ز.ب.خ.
----------------------------	-------------	--------

۴۱۲- بندق هندی، بندق هندی، بندق هندی: نام‌های دیگر آن: هندی، ریتیه<sup>۱</sup> - نبطی، رته<sup>۲</sup> - بربری:

اطموط، اطماط' - جوز الرثة

<i>Caesalpinia bonducella</i> Fl.	بندق هندی - قارج - جوزلزنه	الموسوعه
-----------------------------------	----------------------------	----------

۴۱۳ - بِنَاطِلُنْ (فَنَاطِيلُون) ، بَنَاطِلُونْ ، فَنَاطِلُونْ ، بَنَاطِلُنْ : (نامی یونانی) به معنای ذو خمسة اوراق عس یعنی دارای پنج برگ ، بَنَاطُوسْ ، بَنَاطُوسْ به معنای ذو خمسة اقسام (دارای پنج قسمت) ، بَنَاطَانَاطِیْ ، بَنَاطَاطِیْ به معنای ذو خمسة اجنحه یعنی دارای پنج بال ، بَنَاطَاقُطُولُنْ به معنای ذو خمسة أصابع یعنی دارای پنج انگشت - فاس : عشیة خبر من الف

نَظَاطُلُنْ (Pentaphullon): به معنای «دو خمسه اوراق» یعنی دارای پنج برگ - نَظَاطُومُنْ (Pentatomon) به معنای «مقسّم

<i>Potentilla reptans</i> L.	ذو خمسة اوراق - نطافيلون	زر. - طبيا.
<i>Potentilla reptans</i> L.	بنطانان	ديسكوريد

<i>Viola odorata</i> L.	بنفسج	ز.ط.خ.ع. E.
<i>Viola</i> spp.	بنفسج	الموسوعه
<i>Viola odorata</i> L.	بنفشه	پارسا
<i>Viola tricolor</i> L.	بنفشه فرنگی	پارسا
<i>Viola cinerea</i> Boiss.	Punjab & Bombay: Banafsha	GLO.IN.
<i>Viola odorata</i> L.	Bengal: Banafsha Hend & Bombay: Banafshah	GLO.IN.
<i>Viola serpens</i> Wa.	Punjab & Hendia: Banafsha	GLO.IN.

بیطار۔ [ابن یطار (در ترجمہ دیسکورید) ۱ - ۲۱]

<i>Orchis morio L.</i> <i>Tanacetum umbeliferum Boiss.</i> <i>Caucalis orientalis (L.) RE.</i> <i>Syn: Torilis leptophylla</i>	بوزیدان	زریاب
<i>Withania somnifera Dunal</i>	بوزیدان	پارسا

الموسوعه	بوزیدان، سَحْلَب، خصی الثعلب، قاتل اخیه، سطوریون	<i>Orchis spp.</i>
خطابی	بوزیدان، خصی الثعلب	<i>Opuntia hircina</i>
EN.	بوزیدان	<i>Orchis morio L.</i>

۴۲۳- بوش دربندی؛ بوش، بوش دربندی؛ نام قرص هائی است که از برگ های گیاه آن می گیرند.<sup>۴</sup>

۴۲۴- بوشیاد؛ نزد "دَوْنَس بن تمیم" نام «سلجم» است.<sup>۴</sup>

۴۲۵- بوصیر، بوصیر، سیکران الحوت، فلوس؛ نام های دیگر آن: جوزناق - عامه اندلس: برشکه - بربری: أَقْتَن - دیسکورید: فلوس، یونانی: فلوس - پزشکان شام و عراق: ماهی زهرج - وجه تسمیه آن به «سیکران الحوت» برای کاربرد آن است زیرا نرم شده و کوبیده شده آن بر صخره اگر در آب راکدی ریخته شود و با حرکت دادن آن، با آب مخلوط گردد سبب می شود تا ماهی ها بی حس و در حال برگشته روی آب بیایند.<sup>۴</sup>

فَلُومُس (*Phlomos*): بوصیر - انواع فلوس بسیار و دارای گل زرداند. گیاه در مصر یافت می شود. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۳]

زر - طبأ.	بوصیر	<i>Verbascum thapsus L.</i>
دیسکورید	فلوس - بوصیر	<i>Verbascum spp.</i>
الموسوعه	بوصیر، بوصیر، اذان الدب، مُشْکِر الحوت	<i>Verbascum spp.</i>
الموسوعه	بوصیر ابیض	<i>Verbascum thapsus L.</i>
الموسوعه	بوصیر اسود، لبیده سوداء	<i>Verbascum nigrum L.</i>

۴۲۶- بوطانیة؛ نام دیگر آن به عجمی اندلس «کرمه السوداء» است. ابن وافت آن را «کرمه البیضاء» می داند که اشتباه مسلم است زیرا این به سریانی داروئی با نام «فاشرشتین» است.<sup>۴</sup>

۴۲۷- بوطامخیطس؛

۴۲۸- بولامونیون، بولامنیون، بولامنیون؛ (نامی یونانی)

الموسوعه	قَبَس - بولمونیوم	<i>Polemonium Spp.</i>
----------	-------------------	------------------------

۴۲۹- بولسری؛ (نامی هندی) نام های دیگر آن: بهولسری - بنگاله: بول، مولسری؛

۴۳۰- بولوغن؛ نامی یونانی به معنای «مُكْثَر اللَّبَن» یا زیاد کننده شیر

۴۳۱- بولوغانطن؛ نامی یونانی به معنای «کثیر العقد» یا پر گره

۴۳۲- بولوقیمن؛ نامی یونانی به معنای «کثیر الرؤوس» یا دارای سرشاخه بسیار

۴۳۳- بوینون، بونیون، بونیون؛ (نامی یونانی) نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: أَقْطِیون

۴۳۴- بوئی؛ (نامی هندی)

۴۳۵- بهار، بهار، بهار، کاو چشم؛ نام های دیگر آن: بنا به نظر اورباسیوس: بوفثالمون، بولمون - سریانی:

عینی ثورا - فارسی: گاوچشم - عربی: عَرَار، عین الثور، عین البقر - اقحوان زرد - اندلس: مقارجه - بربری:

أملال - عامه اندلس: خبز الغراب - بنا به نظر "ابن سینا": فارسی: کاو چشم - بنا به نظر "تمیمی": نام نوع کوچک آن در شام:

عین العجل - "اشبیلی" می گوید: برخی آن را نام نوعی «بصل» و عده ای آن را نوعی «اقاحی» و گروهی آن را نوعی «اغافت» می دانند. احمد بن

داود: «بهار البر» را «عَرَار» معرفی کرده و «سیح» بهار را «عین العجل» و «بولش» و «بصری» آن را «عین الثور» می داند و آنچه در باغ های ما می روید

گیاهی است که با نوع بری بسیار متفاوت است و نام های آن عبارتست: بقلتمن - فجلن - طیلاله - زنبوش - بهار ابیض - بهار الریاض - قلیمونه

همچنین «بهار» نام «عین الثور» و «عین البقر» و «عبر» نیز هست.<sup>۴</sup>

بُقْتَلْمُنْ (Bupthalmion): برگردان عربی آن «عین البقر» است و نام دیگر آن در ترجمه کتاب جالینوس «بهار» ذکر شده و از انواع «بابونج» و از آن بزرگتر است. نام بربری آن اَمَلال و به لاتینی بیلو (Boliche) است. - برخی از انواع آن زرد و برخی سفید رنگ است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۴]

<i>Anthemis arvensis</i> L.	بقثلمن - بهار	دیسکورید
<i>Anthemis arvensis</i> L. <i>Chrysanthemum coronarium</i> L. <i>Chrysanthemum segetum</i> L. <i>Anacyclus radiatus</i> L. <i>Anacyclus valentina</i>	بهار	ز. - ط. E.
<i>Anthemis tinctoria</i> L.	عین الثور	طباطبانی

۴۳۶ - بَهِش<sup>ع</sup>: نوعی بلوط - نام های دیگر آن: عجمی اندلس: جرکه<sup>ع</sup>، شوبر<sup>ع</sup>

۴۳۷ - بهفانج<sup>ع</sup>: گویند نام «مرو» است و در کتاب مجوسی دو نوع از آن نامبرده شده، نوع خوشبوی آن «مرماحور» نام دارد.<sup>ع</sup>

۴۳۸ - بهمن<sup>ع</sup>، بهمن<sup>س</sup>، بهمن<sup>ب</sup>، بهمن<sup>ج</sup>، بهمن<sup>د</sup>، بهمن<sup>ه</sup> (نامی فارسی) بهمن دارای دو نوع قرمز و سفید است.<sup>ع</sup> نام های دیگر آن: فاس: جیز<sup>ع</sup> - نوع قرمز: بهمن ایض<sup>ع</sup> - نوع سفید: بهمن سفید<sup>ع</sup>، کف الجذماء<sup>ع</sup>، کرمة البیضاء<sup>ع</sup>

<i>Statice limonium</i> L.	بهمن سرخ	زریاب
<i>Centaurea behen</i> L.	بهمن سفید	ز. - الم.
<i>Centaurea behen</i> L.	بهمن	خطابی

۴۳۹ - بُهْمی<sup>ع</sup>، بهمی<sup>س</sup>، بهمی<sup>ج</sup>، بهمی<sup>د</sup>:

فونُئس (فونئس) (Phoinix): نام عربی آن «بُهمی» است. ابوحنیفه گیاه تازه و خشک «بهمی» را از بهترین گیاهان یکساله خوراکی می داند. عرب به گیاه خشک آن «عُزْب» (غرب) و «صَفار» (صقار) گوید. "بکری" نام واحد آن را «بُهماء» گوید و عامه مردم به آن «بُهماء» گویند. این گیاهی مشابه «خُرطال» ولی از آن باریکتر و دارای سنبله ای قرمز رنگ است. وقتی خشک آن در فضا پراکنده شود و به لباس می چسبد. در منابع دیگر گیاه دارای سفس؟ ذکر شده است اجزای خشک شده گیاه در هوا معلق مانده و با وزش باد در چشم و گوش رفته و در مواقعی ممکن است منجر به کوری شود. ذوالرمة نیز در مورد این گیاه و اسامی مختلف آن این شعر را سروده است:

رَعَتْ بِأَرْضِ الْبُهْمِيِّ جَمِماً وَبُسْرَةً وَصَمْعَاءَ حَتَّى آفَتْهَا نِصَالُهَا

واژه «بارض» مربوط به موقعی است که گیاه از زمین رویش می یابد. واژه «بُسْرَة» هنگامی که برگ های گیاه روئیده می شود. واژه «صَمْعاء» در موقع رشد سنبله گل گیاه است. واژه «جَمِیم» مربوط به زمانی است که گل باز شده آن حالت چتر پیدا می کند. واژه «آفَتْهَا» دَخَلَتْ فِیْ أُنُوفِهَا؟ و این گیاه نزد عرب معروف است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۹]

<i>Lolium perenne</i> L.	بهمی	زریاب
<i>Lolium perenne</i> L. <i>Avena fatua</i> L.	فونئس - بهمی	دیسکورید
<i>Avena fatua</i> L.	بهمی	خطابی

۴۴۰ - بُهْنُکَرَه<sup>ع</sup>: (نامی هندی)

۴۴۱- بُهوتی انوله: نامی هندی به معنای امله زمینی

۴۴۲- بیارانکا: (نامی هندی)

۴۴۳- بیبل: (نامی هندی)

۴۴۴- بیخ زرین گیاه: نام‌های دیگر آن: فرنگی: جیسو'

۴۴۵- بیزه: نام دیگر آن: آذربایجان: بیه زاس'

<i>Eryngium campestre L.</i>	بیزه	زریاب
------------------------------	------	-------

۴۴۶- بیسم: نام میوه‌ای است.

۴۴۷- بیش، بیش، بیش، بیش، بیش: (نامی هندی) "عیسی بن علی" می‌گوید: بیش دارای سه نوع است... نام نوع سوم آن «نبال» است. بیش زهری است و بدان که زهرها اگر چه بسیارند اصل آن‌ها سه است، یکی زهر جانوران است که با دندان چون دد و دام... بگزند. دیگری سمی است که چون بخورند صدمه ببینند مانند زهر نبات یا آن زهر هائی که از سنگ‌های معدنی حاصل شوند... دیسقوریدوس که بیش پنج گونه است یکی را «حددی» گویند و آن سست است بر دورنگ زرد و سپید و دوم «شذه» خوانند به «مارچوبه» ماند و سستی است میانه، و سیم را «برهن» گویند، درونش سپید بود یا زرد و سستی است این نیز میانه و چهارم «کلاکون» است، رنگش به «لهل» زند و وصفش همانند اوست و پنجم «لهل» است...

<i>Aconitum ferox Wall.</i>	بیش	زر- طب.
<i>Aconitum spp.</i>	اتله - بیش - اقونیتن - اکونیت	الموسوعه
<i>Aconitum ferox Wall.</i> <i>Aconitum luridum Hook.</i>	<i>Hindia &amp; Bengal: Bish</i> <i>Hindia: Bish</i>	GLO.IN.

۴۴۸- بیش موش بیش:

۴۴۹- بیض الاوز: نوعی فطر، نام‌های دیگر آن: فواش، غوره الارض، ذکر الارض

۴۵۰- یقیه، یقیه:

أفاقی (*Aphake*): نوعی از «رطبه» که در ابتدا رویش آن مشابه «حدقوقی» است. (ابن بطار در کتاب جامع این نام را معادل یقیه دانسته است.) [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۲]

<i>Vicia cracca L.</i> <i>Vicia sativa L.</i>	بیقه	دی - زریاب
--	------	------------

۴۵۱- بینب: نام دیگر آن: فینقس

۴۵۲- سیل: نام هندی میوه‌ای است.

## حرف «ت»

۴۵۳- تار: (نامی هندی)

۴۵۴- تاجر: نام دیگر آن: آذریون - وجه تسمیه آن به تاجر بخاطر اینست که گل آن در روز باز و شب بسته است بنابراین به هر گیاه دیگر که دارای این خصوصیت باشد چون نیلوفر نیز گفته می‌شود.

۴۵۵- تازرت: برخی آن را «کرمه البیضاء» می‌دانند.

۴۵۶ - تاكُوت<sup>ع</sup>، تاكُوت<sup>ش</sup>: (نامی بربری) این نام برای «فریون» و هم برای «حب الأثل» یا «کرم‌ازک» است.<sup>ج</sup>

۴۵۷ - تالِب<sup>ش</sup>: آشبیلی<sup>ش</sup> می‌گوید: از جنس درختان بزرگ است و برخی آن را به اشتباه «کتم» معرفی کرده‌اند.<sup>ش</sup>

۴۵۸ - تال مَکهارا<sup>ا</sup>: (نامی هندی) تال مکهانانبول<sup>ا</sup>

۴۵۹ - تامسورت<sup>ع</sup>: (نامی بربری) نام‌های دیگر آن: مو<sup>ع</sup> - گیاهشناسان آشیلای: بُسینِسه<sup>ع</sup> - بعضی از بربرها: کَمُون الجبل<sup>ع</sup>

۴۶۰ - تانبول<sup>ا</sup>، تامول<sup>س</sup>، تامول<sup>ش</sup>، تنبول<sup>س</sup>، تانبول<sup>ع</sup>: (نامی هندی) ابوحنیفه می‌گوید: نوعی یقطین است.<sup>ع</sup> نام‌های دیگر آن: تنبول<sup>س</sup> - تنبل<sup>ع</sup>

الموسوعه	تامول - تنبل - شاه صینی	<i>Piper betle L.</i>
زر.، EN.	تامول	<i>Piper betle L.</i>
پارسا	برگ ناملوک - برگ تانبوک	<i>Piper betle L.</i>

۴۶۱ - تانقیت<sup>ع</sup>: (نامی بربری)

۴۶۲ - ترِبَه<sup>ش</sup>:

۴۶۳ - تُرْبِد<sup>ا</sup>، ترِبِد<sup>س</sup>، ترِبِد<sup>ش</sup>، ترِبِد<sup>ع</sup>، ترِبِد<sup>ا</sup>، ترِبِد<sup>س</sup>، ترِبِد<sup>ش</sup>: (نامی فارسی) نام‌های دیگر آن: هندی: تسوت<sup>ا</sup>، تاک پترویداره<sup>ا</sup> - بنگال: پتوهری<sup>ا</sup> - رومی: یتون<sup>س</sup>، طریون<sup>س</sup>، سندریون<sup>س</sup> - سریانی: طربد<sup>س</sup>، طربید<sup>س</sup> - هندی: تریج<sup>س</sup>، نایزه<sup>س</sup> (نوع سفید)، نوع دیگر: جبلهنک<sup>س</sup> آشبیلی<sup>ش</sup> می‌گوید: نظرهای متفاوتی در مورد ماهیت آن ذکر شده که همگی اشتباه است این نظرها عبارتند از: ۱ - نوعی انجدان ۲ - ریشه نوعی خار ۳ - ریشه‌های درخت توت و انجیر<sup>ش</sup> - نام‌های دیگر آن عبارتست از: طریفولیون - حاراسوافی - الویاس - سوفی نام «ترید ابیض» «اسطاری» است.<sup>ش</sup>

طریفولیون (Tripolion): بنا به نظر "ابن واقد" نام «ترید» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۱]

ز، خ، ط.	ترید	<i>Ipomea turpethum R.Br.</i> <i>Convolvulus turpethum L.</i>
الموسوعه	تُرْبِد	<i>Ipomea turpethum R.Br.</i>
دیسکورید	طریفولیون - تُرْبِد	<i>Aster tripolium L.</i>

۴۶۴ - ترسی<sup>ش</sup>: نوعی نیلوفر نام دیگر آن: به یونانی: باطاسیطس<sup>ش</sup>

۴۶۵ - تُرْمِس<sup>ا</sup>، ترمس<sup>س</sup>، ترمس<sup>ش</sup>، ترمس<sup>ع</sup>، ترمس<sup>ا</sup>، جرجر المصری<sup>ش</sup>، قیطاقون<sup>ش</sup>، باقلاء مصری<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: باقلا مصری<sup>ا</sup>، خوشک امحری<sup>س</sup>، کرکر امحری<sup>س</sup> - سریانی: ترمس<sup>ا</sup>، اوثرمسوا<sup>س</sup> آشبیلی<sup>ش</sup> می‌گوید: ترمس از انواع کفوف و از جنس بقل و دارای انواع زراعی و غیر زراعی است: نوع زراعی آن سه نوع است و نام‌های آن عبارتست از: ایمارس - ایفغسه - چزچر - بسیله - فیافه و نوع بری پنج نوع دارد ۱ - ترمس الخنزیر با نام‌های: مسد، فابَه بورکه (نام میوه)، بسیله ۲ - ترمس الثعلب با نام‌های: کَف الغدري، فسوة الضبع، خانق الکلاب ۳ و ۴ - ترمس الحجل با نام: کَف الضبع ۵ - کَف الغظابه<sup>ش</sup>

تَرْمِیْ ایماروس (Thermos hemeros): تُرْمِس - ابوحنیفه می‌گوید: بَسَلَه نام دارد زیرا تلخ و بدمزه است. [ابن بطار (در ترجمه

دیسکورید) ۲ - ۹۴]

الم.، EN.	تُرْمِس	<i>Lupinus spp.</i>
دیسکورید	ترمی ایماروس - ترمس - بسیله	<i>Lupinus termis forsk.</i>
زریاب	ترمس	<i>Lupinus angustifolius L.</i> <i>Lupinus termis forsk.</i>
پارسا	باقلاي مصری - ترمس	<i>Lupinus albus L.</i>



طباطبائی	ترمس	<i>Lupinus angustifolius L.</i>
----------	------	---------------------------------

۴۶۶ - تزلیت<sup>ش</sup>:۴۶۷ - تَنْصَب<sup>ش</sup>: از جنس درختان بزرگ۴۶۸ - تَنْعِیمَه<sup>ش</sup>: به عقیده برخی «قَلْقاص» و به نظر عده‌ای نوعی «جوز» است.<sup>ش</sup>۴۶۹ - تریامان<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: اغافت<sup>ش</sup>

زریاب	تریامان - اغافت	<i>Agrimonia eupatoria L.</i> <i>Eupatorium cannabinum L.</i>
-------	-----------------	--

۴۷۰ - تَشْمِیزَجْ، چشمیزَجْ، چشمیزَجْ، تَشْمِیزَجْ، کحل السودان<sup>ع</sup>، کحل السودان<sup>ع</sup>، تَشْمِیزَجْ، جاکسو<sup>ع</sup>: نام دانه و مغرب «چشمیزج» فارسی است.<sup>ع</sup> - نام‌های دیگر آن: فارسی: چشمک، چشم، چاکشو<sup>ع</sup>، جاکشو<sup>ع</sup>، چشمیز<sup>ع</sup>، چشمیزه<sup>ع</sup>، پشم<sup>ع</sup>، چشم<sup>ع</sup>، چشمیزج<sup>ع</sup>، جاسو<sup>ع</sup> - عربی: حبة السوداء<sup>ع</sup> - اهل حجاز: بَشمه<sup>ع</sup>، یشمه<sup>ع</sup> - هندی: چاکسو<sup>ع</sup> - رومی: انفیلامی<sup>ع</sup> - هندی: جاکله<sup>ع</sup> - اهل هری: جَخْجَن<sup>ع</sup> - سیستان: تشن<sup>ع</sup> - خوارزم: جاکج<sup>ع</sup>، جاکجو<sup>ع</sup>، جمسینج<sup>ع</sup> - جَمَشْک<sup>ع</sup>، حبة السوداء<sup>ع</sup> - شیرازی: چشمک<sup>ع</sup> - اطرابلس<sup>ع</sup>

زریاب	چشمیزج	<i>Nigella sativa L.</i> <i>Cassia absus L.</i>
EN.	تشمیزج	<i>Pimpinella anisum L.</i>

۴۷۱ - تُفَاحْ، تفاح<sup>ع</sup>، تفاح<sup>ع</sup>، تفاح<sup>ع</sup>، تفاح<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: سیب<sup>ع</sup>، می سیب<sup>ع</sup> - رومی: ادرومیلن<sup>ع</sup>، میلا<sup>ع</sup> - سریانی: حمرا دحزوری<sup>ع</sup> (حزوزی) - یونانی: منسانیا<sup>ع</sup> - بربری: آتفاح<sup>ع</sup> - عجمی: مُنْسَانَه<sup>ع</sup> - تفاح بری: جالینوس: همیملیون<sup>ع</sup>

میلا<sup>ع</sup> آس (Meleas): تُفَاحْ [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۸]

زریاب	تفاح - می سیب	<i>Pyrus malus L.</i>
دیسکورید	میلا <sup>ع</sup> - تفاح	<i>Pyrus malus L.</i>
طباطبائی	تفاح	<i>Malus orientalis Ugli.</i>

۴۷۲ - تفاح الدب<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: رومی: فقو میلاس<sup>ع</sup>

زریاب	تفاح الدب	<i>Crataegus azarolus L.</i> <i>Crataegus sinaica Boiss.</i>
-------	-----------	---

۴۷۳ - تَفَاف<sup>ع</sup>: (نامی بربری) نام‌های دیگر آن: بقلة اليهودیة<sup>ع</sup> - خس الحمار<sup>ع</sup> - "دیسکورید" می گوید دارای دو نوع بری و بستانی است.<sup>ع</sup>

۴۷۴ - تَمَرْ، تمر<sup>ع</sup>، نخل<sup>ع</sup>، تمر<sup>ع</sup>، تَمَرْ، تَمَرْ، بَلْجْ، بلج<sup>ع</sup>، بَلْجْ، بسر<sup>ع</sup>، بسر<sup>ع</sup> (غوره خرما)، طلع (اول ثمر نخل)، بُرشون (نخل تازه)<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: خرما، سریانی: تمر<sup>ع</sup>، بلوطی صقلا<sup>ع</sup> - هندی: کهجور<sup>ع</sup>، چهارا<sup>ع</sup> - بُسر<sup>ع</sup>: غوره خرما<sup>ع</sup> - شیرازی: خرک<sup>ع</sup> - بَلْجْ: فارسی: غوره خرما<sup>ع</sup> - بلج: هرگاه «ولیع» (آنچه در درون خوشه‌های خرما است) سبز شود و مدور

دَقْسُطُسْ یا فَنیکُسْ: (*Phoinix*) نخل [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۱]

۱- *Torna sol* اصطلاح اسپانیائی

<i>Morus acedosa</i> Cr. Syn: <i>M. indica</i> L. <i>Morus alba</i> L.	Hendia & Panjub & Bombay & Bengal: Tut	GLO.IN.
<i>Morus nigra</i> L.	Baluchistan: Shahtut	GLO.IN.

۴۸۰- تودری، تودری، تودری، تودری (نامی فارسی) تودریج، شنبله، بزر الهوه، قصیصه: نام‌های دیگر آن: تودریج، لبسان، أسحارة، سحار، هندی و سریانی: طودریک - سریانی: اکثر (اسخرون) - یونانی: اروسیمون، هری سمن - عربی: بزر الخمخم، بزر الهوه، قصیصه - اصفهانی: قدومه - کرمانی: مار درخت، مادر درخت - تبریزی: دزینه، ورینه - شیرازی: تدری - شنبله - این گیاه سه قسم است: سرخ، زرد و سفید، نام‌های نوع سرخ در اصفهان: قدومه، گلگون

أروسیمن (Erusimon): تودری - تودریج - عربی: صوب - عجمیة اندلس: شندله - جالینوس: أروسیمون (این عبارت در ترجمه دیسکورید) ۱۴۱

<i>Sisymbrium officinale</i> L. <i>Erysimum officinale</i> L.	اروسیم - توذری - صوب	دیسکورید
<i>Sisymbrium</i> spp.	توذریج - فِجَل الجِمال - قسطبری - سماره	الموسوعه
<i>Sisymbrium officinale</i> L. <i>Erysimum officinale</i> L.	تودری	زریاب
<i>Alyssum campestre</i> L.	تودرنج	طباطبائی
<i>Alyssum campestre</i>	<i>Panjab &amp; Bengal: Todri safed</i>	<i>GLO.IN.</i>

۴۸۱- تُورثی: نام ہندی میوہ

۲۸۲ - تو عمان : ش

۴۸۳- تھکار: (نام، ہندی)

۴۸۴- تین، تین، تین، تین، تین، تین، تین، بلس، ام عمر (نام نوعی در شام)، طَبَّار: نام‌های دیگر آن: فارسی: انجیر، بلبل، شوبا، سوفاس - رومی: صیکه - یونانی: بشیوماش - بربری: تاوَرْت - سریانی: تین - عربی: حشا - عجمی: فیقه - نام نوعی از آن: جُمَیز، انجبر دشتی - نوعی دیگر: به نام زَنابیر، زَنْبَارَه، زُنْبورَه، زَنِیره، انجبر حلوانی - «نیقولوس» نام انجبر زمین‌های رمله فلسطین است. و «شاه انجبر» انجیری است که خلک (صمغ) و عسل و شیرینی آن بسیار است. و «طَبَّار» نوعی انجبر با نام «تین الرحانی» است. - «اشیلی» می‌گوید: دارای انواع(صنف) بسیاری است که برخی عبارتند از: قَلّاطی - طَبَّار - بنجانی - صدی - مَلّاخی - وحشی - ازغب - شیولی، برجین - لطین - قرطی - فاخر - قصی - برنجان - سهلی - فشک - شعری - فراط - قرشی - نقرار - جعفری - ملجی الاسود - نفریل - بودال - قصری - زنگال - قبی - صباحی - عسیلی - ام عمر - قجلال - برجی - فارق - صناعی - ملجی الایض - دبّی - جلیقی، مرتبنی - به شیره آن «شبر» و به «تین پری»، «ذکار» و به «تین جبلی» «جُمِیز» گویند.

سپکا (Suka): تین - بکس [ابن بطار (در ترجمہ دیسکورید) ۱ - ۱۴۰]

<i>Ficus palmata</i> Forsk.	تین - انجیر - طبار	زریاب
<i>Ficus carica</i> L.		
<i>Ficus carica</i> L.	تین	دی. - خط.
<i>Ficus</i> spp.	تین	الموسوعه
<i>Ficus carica</i> L.	تین معروف - بلس	الموسوعه
<i>Ficus carica</i> L.	قسمی انجیر وحشی	پارسا

<i>Ficus carica L.</i>	تین	طباطبانی
<i>Ficus carica L.</i>	<i>Hendia &amp; Bengal: Anjir - Punjab: Fagari</i> <i>Sanskrit &amp; Bobay: Anjira</i>	GLO.IN.

۴۸۵- تیواج:؟

## حرف «ث»

۴۸۶- ثافسیا، ثافسیه، ثافسیا، تفسیا، تفسیا، تافسیا، تافسیا (نامی مغربی)، آدریس<sup>ع</sup> (نامی بربری)، یفتون: نام صمغ گیاه است. ثافیس نام جزیره ای است که اولین بار گیاه از آن ذکر شده است.<sup>ع</sup> در مورد ماهیت آن اختلاف است.<sup>ش</sup> آن را صمغ نوعی «کلخ» یا صمغ «سذاب بری» یا صمغ «مثنان» یا صمغ «دمینا» می دانند و برخی آن «سذاب» گفته اند.<sup>ع</sup> نام های دیگر آن: یونانی: مراس<sup>ع</sup> - بربری: اورباس<sup>ع</sup>، آدریاس<sup>ع</sup> - مغرب: دریاس<sup>ع</sup> - صمغ و سذاب: دانستن آن اشتباه است.<sup>ع</sup>

<i>Thapsia garganica</i>	دریاس - دروس - دزست - اذریاس - ثافسیا	زریاب
<i>Thapsia garganica</i> <i>Vicia sativa L.</i>	تافسیا	خطابی
<i>Gum of Anethum graveolens L.</i>	ثافسیا	EN.

۴۸۷- ثالیطرون: نام های دیگر آن: کُزْبَرَةُ الحَبْشَةِ<sup>ع</sup> - برخی نام ورقه اللطینیه<sup>ع</sup> به آن داده اند.<sup>ع</sup>

<i>Thalictrum aquilegifolium L.</i>	ثالیطرون	EN.
-------------------------------------	----------	-----

۴۸۸- ثُداء<sup>ش</sup>: در مورد ماهیت آن اختلاف است. ابونصر<sup>ع</sup> آن را نوعی خُمَاض با نام «ثُزف» معرفی کرده و «ابو خَرَشَن» خشک آن را «مُصاص» گفته است.<sup>ش</sup>

۴۸۹- ثُرمَان<sup>ش</sup>: نوعی جنبه از جنس خُمَض است.<sup>ش</sup>

۴۹۰- ثُریا<sup>ش</sup>:

۴۹۱- ثُغَب<sup>ش</sup>: درخت بزرگی است که در قله های کوه رویش دارد.<sup>ش</sup>

۴۹۲- ثُغام<sup>ع</sup>، ثُغام<sup>ش</sup>: نام های دیگر آن: عربی: حَلی<sup>ع</sup>، اززاری<sup>ش</sup> - فارسی: سپید گیاه<sup>ع</sup> (درمنه اسپید)

<i>Atractylis gummifera L.</i>	ثُغام - سپید گیاه	زریاب
--------------------------------	-------------------	-------

۴۹۳- ثُلب<sup>ع</sup>: (نامی عربی)

۴۹۴- ثُمام<sup>ع</sup>، ثُمام<sup>ش</sup>: (نامی عربی) نام های دیگر آن: غُزَب<sup>ش</sup> - تنکابن: زرواش<sup>ع</sup> - مازندران: میل<sup>ع</sup>

<i>Pennisetum sp.</i>	ثُمام	زریاب
-----------------------	-------	-------

۴۹۵- ثُوع<sup>ش</sup>:

۴۹۶- ثُوم<sup>ش</sup>: درخت بزرگی است که در شهرهای عربی رویش دارد.<sup>ش</sup>

۴۹۷- «ثوم»، «ثوم»، «ثوم»، «ثوم»، «ثوم»: نام‌های دیگر آن: فارسی: «سیر» - هندی: «لهسن» - سریانی: «توما» - رومی: «اسکردا» - نام‌های نوع دشتی آن: رومی: «اسکردیون» - سریانی: «ثومادیرا» - فارسی: «سیردشتی» - «مولیفنس» (هوفیوسکردن) - نام‌های ثوم بری: یونانی: «اسقوردیون» - عربی: «ثوم الحیه»<sup>۴</sup>، «دراقوسقردیون»<sup>۵</sup> نام‌های ثوم جبلی: فارسی: «موسیر» - نوع دیگر «ثوم ذی الأسنان» به نام «أغلیس» است.<sup>۶</sup> - «آشبیلی» می‌گوید: ثوم برگ‌هاها مختلف‌ی گفته می‌شود که عبارتند از: ۱- ثوم معروف (نوعی بصل) ۲- نوع بستانی با نام‌های: «سقردین»، «لوفو سقردین»، «یش»، «تیشرت»، «تسکرت» ۳- نوع بری با نام‌های: «اسقندریون»، «ثوم الحیه» ۴- ثوم جبلی با نام «اسقندریون»<sup>۷</sup>

شُقَرْدِین (Skordon): ثوم البستانی

أَوْفِیُوشُقَرْدِین (Ophiooskordon): ثوم الحیه

بُرَاسِنُوشُقَرْدِین (Skordoprason): ثوم کُرّائی

أَشُقَرْدِین (Skordion): این گیاه را بخاطر مشابهت در بو «ثوم» نامیده‌اند و جالینوس آن را بعنوان «ثوم بری» معرفی کرده و آن غیر از «ثوم الحیه» است. نام‌های دیگر آن «حافظ الأجساد» و «حافظ الموتی» است و اهالی اندلس به آن «مَطَرَقَال» (Matricalis) و گیاهشناسان اندلسی نیز به آن «حشیشه الثومیه» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیکرید) ۳- ۱۳۶ و ۱۳۷]

<i>Allium sativum L.</i>	ثوم	ز، خ، ط.
<i>Allium sativum L.</i>	شقرذین - ثوم بستانی	دیسکورید
<i>Allium scorodoprasum L.</i>	براسنوشقرذین - ثوم کرائی	دیسکورید
<i>Teucrium scordium L.</i>	اشقرذین - ثوم بری - حافظ الاجساد	دیسکورید
<i>Allium carinatum L.</i>	ثوم جبلی	الموسوعه
<i>Allium sativum</i>	ثوم زراعی	الموسوعه
<i>Teucrium scordium L.</i>	ثوم الحیه	الموسوعه
<i>Allium xiphopetalum Ait.</i> <i>Allium silvestrum</i>	ثوم بری - شقردیون	الموسوعه
<i>Allium sativum L.</i>	سیر	پارسا
<i>Allium scorodoprasum L.</i>	پیاز کوهی	پارسا
<i>Teucrium scordium L.</i>	ثوم کرائی	طباطبائی

۴۹۸- ثوم بری<sup>۴</sup>: چنانچه ذکر شد دیسکورید نام آن را «ثوم الحیه» نهاده ولی جالینوس آن را به گیاه دیگری به نام «أسقردین»<sup>۵</sup> که گیاهشناسان اندلسی به آن «حشیشه الثومیه» گویند اطلاق می‌کند. و به نام‌های «مطرقال»، «حافظ الأجساد» و «حافظ الموتی» نیز نامگذاری شده است. و بسیاری از مترجمان به اشتباه این گیاه را همان «ثوم الحیه» می‌دانند و آن را ذیل ترجمه «ثوم» ذکر می‌کنند.<sup>۶</sup>

<i>Alliaria officinalis L.</i> <i>Sysambrium alliaria Scop.</i>	حشیشه الثومیه - ألباریا	الموسوعه
<i>Allium xiphopetalum Ait.</i> <i>Allium silvestrum</i>	ثوم بری - شقردیون	الموسوعه
<i>Allium xiphopetalum Ait.</i> <i>Allium silvestrum</i>	ثوم بری	خطابی

۴۹۹- ثومیه<sup>۷</sup>: حشیشه الثومیه<sup>۸</sup> نام‌های نوع دیگر آن عبارتست از: حشیشه الثومیه، ثوم الضفادع - مطرقال، مطرقان - ملجاله - بلزباله یعنی

۵۰۰-ثومون'، ثومون'، ثوموس'، ثومش': (نامی یونانی) ابوریحان نام آن را «حاشا» ذکر می‌کند.<sup>۳</sup> -نام‌های دیگر آن: فارسی: تخم زرداب' - ترکی: صفراالدوی' - حاشا'

۵۰۱ - ثیل، تِیْل، تِلْ، تیل، نَیْل، نیل، اُغْرُسْطُسْ (نامی یونانی)، نجیل، نجیر: نام‌های دیگر آن: عربی: نجم، نیل فارسی: قُرْزُدْ (فریز)، مارنه، مکرنه، بید گیاه - در ماوراءالنهر و فرغانه: کوم - یونانی: اغرواطس - لَحْبَةُ التَّيْسِ - تخم - عربی: نجم، نجیل، وشیح، عکرش، نجمه، تخمه، خومه - ترکی: پیلان فردی - تنکابن: کرک جروش - دیسکورید: اُغْرُسْطُسْ - مغرب: نجیر<sup>۴</sup> اشبیلی می‌گوید: دارای سه نوع است: ۱ - نام‌های نوع اول عبارتست از: وشیح، اغرسطس، اغرسطیس، ماده، دقتوریه، غراه، آقار، نجم، نجیل، ورپزه، شاقه ۲ - نام‌های نوع دوم: عِکْرِش، قالامغرسطس ۳ - نام‌های نوع دوم: مرطنه، خِذراف، قَصَبَه<sup>۵</sup>

اُغْرُسْطُسْ (*Agrostis*): عربی: نَجْم، تیل - لاتینی عمومی: نَجیل، نَجیر (*Neguilla*) - عِکْرِش - بربری: أْفَاد (این بیطا در ترجمه دیسکورید) ۴- ۶۷]

<i>Agropyrum repens</i> Beauv. <i>Triticum repens</i> L.	اقرسطس - نجم - ثيل - عكرش - نجير	الموسوعه
<i>Digitaria stolonifera</i> Schrad. <i>Cynodon dactylon</i> L. <i>Panicum dactylon</i> L. <i>Dactylon officinale</i> Villars.	ثيل - ثيل	الموسوعه
<i>Triticum repens</i> L.	چمن - مرغ - بيد گياه - شيئل - نخيل	پارسا
<i>Agropyrum repens</i> Beauv. <i>Triticum repens</i> L.	ثيل - عكرش - فرزد	زرياب
<i>Agropyrum repens</i> Beauv.	نجم	طبا.

۵۰۲ - چا:

۵۰۳ - جاپور ش: قبساطہ ش

۵۰۴ - جار النهر، جار النهر، جار النهر، سلق الماء، سلق الماء، نام‌های دیگر آن: سلق الماء - در کتاب دیسکورید: بوطاموغیطن، یعنی همسایه نهر، زیرا همیشه در کنار آب های روان و مکان‌های جنگلی و حلقه چاه‌ها می‌رود.<sup>۵۴</sup>

<i>Potamogeton natans</i> L.	جارالنهر	زر. - طبا.
<i>Potamogeton natans</i> L.	جارالنهر - سلق الماء - لسان البحر	الموسوعه

۵۰۵ - جاشوش<sup>ص</sup> (جاسوس)، جاسوس<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: خشخاش الزبدی<sup>ع</sup> - کاشوش<sup>ص</sup> - سریانی: کشوش<sup>ص</sup> - دیسکورید نام آن را «میغن افرووس» می‌داند که این نام معادل «جاشوش» یا «جاسوس» و «خشخاش زبدی» ذکر شده است.<sup>ص</sup>

زریاب	جاشوش	<i>Silene infelata</i> Sm. <i>Silene cucubalus</i> Willd <i>Gratiola officinalis</i> L.
-------	-------	---

۵۰۶ - جام بهل<sup>ف</sup>: (نام میوه هندی) نام دیگر آن به بنگالی «سفری» است.<sup>ف</sup>

۵۰۷ - چامرکھاس<sup>ف</sup>: (نامی هندی وینگالی)

۵۰۸ - جامون<sup>ف</sup>: (نام میوه هندی)

۵۰۹ - جاووس<sup>ص</sup>، جاووس<sup>ع</sup>، جاووس<sup>ث</sup>، جاووس<sup>ج</sup>، جاووس<sup>ث</sup> (معرب گاورس)، کنخروس<sup>ع</sup>، کیموس<sup>ص</sup>: نام‌های دیگر آن: کاورس<sup>ف</sup>، گاورس<sup>ص</sup> - رومی: کنخون<sup>ص</sup> - عربی: دخن<sup>ص</sup> - هندی: باجرا<sup>ف</sup> - سه نوع است: نام‌های نوع اول: فارسی: ارزن<sup>ث</sup> - شیرازی: آلم<sup>ف</sup> - نام‌های نوع دوم: فارسی: ذرت<sup>ف</sup> - هندی: جوار<sup>ف</sup> - نام‌های نوع سوم: جاووس که همان معرب گاورس<sup>ث</sup> است. - شیرازی: کال<sup>ث</sup> - هندی: کنکنی<sup>ف</sup> - یک نوع دیگر: جاووس هندی<sup>ص</sup> - فارسی: ذره<sup>ص</sup> - گاورس بر سه گونه است یکی (از) گونه (های آن) «دخن» است.<sup>ص</sup> آشپلی<sup>ف</sup> می‌گوید: دارای سه نوع ۱- ذره ۲- شینه ۳- دخن بری<sup>ث</sup> است که دانه‌های آن‌ها به ترتیب کوچک می‌شود. نام‌های دیگر دخن بری عبارتست از: کنجروس، قمح السودان، بنجاین<sup>ف</sup> «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف کرده‌اند گروهی آن را نام «دخن» دانسته و گروهی آن را نامی برای «ذره» می‌دانند و مشهور آنست که همان «دخن» است.<sup>ث</sup> ابن وافد<sup>ف</sup> می‌گوید: این گیاه نزد همه پزشکان نوع کوچک «دخن» است و دانه‌ای محکم و خاکستری رنگ دارد، ولی نزد غالب مترجمان نام خود «دخن» است، به خلاف دیگران «ابوحنیفه» برای «دخن» دو قسم ذکر می‌کند و معتقد است «جاووس» نام فارسی و «دخن» نامی عربی است.<sup>ع</sup>

کیخروس<sup>ص</sup> (Kenkhros): نوعی از «ذره» که اطباء آن را «جاووس» می‌نامند. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۲]

دیسکورید	کیخروس - جاووس	<i>Panicum miliaceum</i> L. <i>Opopanax chironium</i> Koch
زر - خط.	جاووس - دخن	<i>Panicum miliaceum</i> L. <i>Opopanax chironium</i> Koch
پارسا	قسم ارزن - ذرت دانه ریزه - دیمیله (بانه)	<i>Holcus sorgum</i>
پارسا	ارزن	<i>Panicum miliaceum</i> L.
پارسا	ذرت	<i>Zea mais</i>
EN.	جاووس	<i>Milium indicum</i>

۵۱۰ - جاوشیر<sup>ف</sup> (نام صمغ)، جاوشیر<sup>ص</sup>، جاوشیر<sup>ع</sup>، جاوشیر<sup>ث</sup>، جاوشیر<sup>ج</sup>، جاوشیر<sup>ث</sup>، فاناqs ایراقلیوس<sup>ع</sup>، جاوشیر<sup>ع</sup>، جاوشیر<sup>ث</sup>، فاناqs ایراقلیون<sup>ث</sup>: از جنس کفوف و نوعی جنبه است.<sup>ث</sup> نام‌های دیگر آن: جاوشیر<sup>ف</sup>، جاوشیر<sup>ع</sup>، فارسی: گاوشیر<sup>ص</sup>، لاورشیر<sup>ص</sup>، جاوشیر<sup>ث</sup>، کوشیر<sup>ف</sup>، کاهل<sup>ص</sup>، این گیاه از اصفهان جمع آوری می‌شود.<sup>ص</sup> - شیرازی: جاحوشی<sup>ث</sup> - سریانی: ذفارا<sup>ص</sup>، حلباتورا<sup>ص</sup> - یونانی: ابویناقس<sup>ص</sup> (ابوپاناقس نام صمغ و پاناقس نام گیاه است). - رومی: باناقس<sup>ص</sup> - عسالیج - ابراوی<sup>ث</sup> - ابرقلیون<sup>ث</sup> - ابرقینون<sup>ث</sup> - برورا<sup>ث</sup> - جلوکا<sup>ث</sup>

فاناqs ایراقلیون<sup>ث</sup> (*Panakes herakleion*): برگردان آن به عربی «فاناqs کبیر» و نام درخت - گیاه - «جاوشیر» و نام ریشه آن به

سریانی «برورا» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۲۵]

<i>Opopanax sp.</i>	کاشیر - جاشیر - بیسارون بری	الموسوعه
<i>Opopanax chironium Koch.</i>	فاناقس ابرقلیون - جاشیر	دیسکورید
<i>Opopanax chironium Koch.</i>	جاشیر	طبا.، EN.
<i>Ferula galbaniflua Boiss. &amp; Buhse</i>	India: Jawashir	GLO.IN.

## ۵۱۱ - چاول مُنْکری: (نام درخت هندی)

۵۱۲ - جامع اللحم: به دو گیاه مختلف گفته می شود یکی «فول الحمام» و دیگری نوعی از «یتوع» است.<sup>ش</sup>۵۱۳ - جَبْرَة، جبره: (نام مغربی مشتق از جبر)، اولسپیون: نام های دیگر آن: گیاهشناسان اندلس: جبره<sup>ع</sup> - یونانی: اولسپیون<sup>ع</sup> (به معنای جمع کننده پوست)اولسپیون (*Holosteon*): برگردان عربی آن «جامع البضع»<sup>(۱)</sup> یعنی جمع کننده گوشت است و آن را نمی شناسم. این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱]

<i>Holosteum umbellatum L.</i>	اولسپیون - جامع البضع	دیسکورید
--------------------------------	-----------------------	----------

۵۱۴ - جَبْلَاهَنک، جبلهنگ، جَبْلَهَنک، جَبْلَهَنک، جَبْلَهَنک، جَبْلَهَنک: معرب جبل هنج که نام فارسی دانه ای است. - نام های دیگر آن: جلهنگ<sup>ع</sup>، جلهنگ<sup>ع</sup>، جبل اهتق<sup>ع</sup>، جبراهنگ<sup>ع</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: سیسامویداس الکبیر، به معنای مشابه «سمسم»<sup>ع</sup>

<i>Reseda alba L.</i>	خزام ایض - ذیل ایض - ذیل الخروف - جَبْلَهَنک	الموسوعه
<i>Reseda alba L.</i>	جبلهنگ	زر. - طبا.

## ۵۱۵ - جَبَه:

<i>Hibiscus rosa-sinensis L.</i>	جبه	الموسوعه
----------------------------------	-----	----------

۵۱۶ - جَبْجَاث، جَبْجَاث، جَبْجَاث: (نامی عربی) نام های دیگر آن: یونانی: بردیسیون<sup>ع</sup> - ریحان بری<sup>ع</sup> - مصر: شاهور<sup>ع</sup>

<i>Pulicaria crispa Cass.</i>	جَبْجَاث - ریحان بری	زریاب
-------------------------------	----------------------	-------

۵۱۷ - جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار: (نام ریشه) معرب زوار نام های دیگر آن: عربی: انتله<sup>ع</sup> - یونانی: ساطریوس<sup>ع</sup> - مغربی: ماه فرفین، ماه فروین<sup>ع</sup> - هندی: نیرِسی<sup>ع</sup> ('نیر' به معنای دافع و خالص کننده و بسی به معنای زهر است).

<i>Curcuma zedoaria Rosc.</i>	جدوار	زر. - خط.
<i>Curcuma zedoaria Rosc.</i>	جدوار عقید، کرکم زَزوار، زدوار، سَطْوَال	الموسوعه
<i>Curcuma caesia Roxb.</i>	جدوار اسود، کرکم اسود	الموسوعه

۱- ابن جلیجل بجای این واژه در برگردان نام جامع اللحم را آورده است.



۵۱۹ - جرجار<sup>ش</sup>: نوعی ترمس

نام‌های تخم آن: هالوم، هالم، چند سور، چند سر<sup>۱</sup> - سیستان: تره میره<sup>۲</sup> - یونانی: اگریمون<sup>۳</sup>، ایهقان<sup>۴</sup>، کثاه<sup>۵</sup> - ماوراءالنهر: اندوا<sup>۶</sup> - نام‌های نوع دشتی: عربی: نهق<sup>۷</sup>، جرجیر الماء، جرجیر الهمد<sup>۸</sup> - دارای دو نوع: یکی به نام خردل بری<sup>۹</sup> - نام نوع بری: بهقان<sup>۱۰</sup> - نام‌های نوع بستانی: کف عایشه<sup>۱۱</sup> - فارسی: کیکر<sup>۱۲</sup> - شیرازی: کهزک<sup>۱۳</sup>، کفرک<sup>۱۴</sup> - بستانی خود دارای سه نوع است: یک نوع: مازندران: شاه‌تره، کورتره<sup>۱۵</sup> - تنکابن: خاص تره<sup>۱۶</sup> و تخم آن: حرف بابلی<sup>۱۷</sup> - نوعی دیگر: رشاد<sup>۱۸</sup> - فارسی: تره‌تیزک<sup>۱۹</sup> - نوع سوم: دارای بذری به نام حب الرشاد<sup>۲۰</sup> "غافقی" می‌گوید: نام «جرجیر بری» «ایهقان» است و دارای دو نوع است یکی «خسا» یا «خردل بری» می‌شناسند و دیگری دارای گل قرمز رنگ است.<sup>۲۱</sup> «اشبیلی» می‌گوید: جرجیر دارای چهار نوع است: ۱ - نوعی کرفس با نام جرجیر الماء ۲ - نوعی فجل بری با نام جرجیر ۳ - نوع کشنده با نام مرنغر<sup>۲۲</sup> نوع خوراکی با نام خرسیطس<sup>۲۳</sup> - «غسانی» می‌گوید: این گیاه دارای اصنافی است یکی با نام «جرجیر الماء» و آن از انواع «کرفس» است. و دیگری نوعی از «فجل بری» است که خود دارای دو نوع است نوع اول زبر نیست و دیگری زبر و به ارتفاع یک یا دو ذراع است... و این گیاه در فاس با دو نام «وحمو» و «شطبة» معروف است.<sup>۲۴</sup>

<i>Eruca sativa</i> Lam. <i>Brassica erucastrum</i> L. <i>Lepidium campestre</i> L. <i>Thlaspi campestre</i> L.	اوزيمن - جرجير كُتَّاه نَهَق حرف بابلی	دیسکورید
<i>Brassica erucastrum</i> L. <i>Brassica erucastrum</i> L. <i>Lepidium campestre</i> L. <i>Thlaspi campestre</i> L.	ایهقان - اوزيمن بری - جرجیر بری نَهَق حرف بابلی	دیسکورید
<i>Eruca sativa</i> Lam. <i>Brassica erucastrum</i> L. <i>Lepidium campestre</i> L. <i>Thlaspi campestre</i> L.	جرجیر	زریاب طباطبائی
<i>Eruca sativa</i> Lam. <i>Brassica erucastrum</i> L. <i>Lepidium campestre</i> L. <i>Thlaspi campestre</i> L.	جرجیر - رُكَّه - کُتَّاه - ایهان	الموسوعه
<i>Barbarea vulgaris</i> R.Br.	جرجیرالبر - جرجیر ارض - برناره	الموسوعه
<i>Brassica erucastrum</i> L.	جرجیر بری - ایهقان	الم. - خط.
<i>Senecio coronopifolius</i> Defs.	جرجیر الجبل	خطابی
<i>Sium latifolium</i> L.	جرجیر الماء	خطابی
<i>Eruca sativa</i> Lam.	جرجیر	EN.

۵۲۱ - جرجیر الکلاب<sup>ش</sup>: نوعی لغت بری معروف به اخشنه<sup>ش</sup>

۵۲۲ - جرمامة: نوعی بقل نام های دیگر آن: دُنج - باربه دلابر یعنی لحية الارنب - باربه قُنْلیة یعنی لحية القنلیة<sup>ش</sup>

۵۲۳ - جَرْمیلک: نام های دیگر آن: کوهستان و لرستان: وجائلق<sup>۱</sup> - ترکان: نبات ازاد<sup>۲</sup>

۵۲۴ - جرنوب<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: حُرِیق الأملس<sup>۴</sup> - جلبوب<sup>۵</sup>

۵۲۵ - جَرُونَجی: (نامی هندی)

۵۲۶ - جریال<sup>۶</sup>: معرب گرد هیار و گریال<sup>۷</sup> - نام های دیگر آن: در اصطلاح رنگرزان: عروس آب<sup>۸</sup>، جریال بقم<sup>۹</sup> - عربی:

جریال<sup>۱۰</sup>، جریله خمر<sup>۱۱</sup> (به رنگ خمر جریال گویند).

۵۲۷ - جَزَر، جَزَر، جَزَر، جَزَر، جَزَر، نهشل<sup>۱۲</sup>، نهشل<sup>۱۳</sup> (نام نوع بری) بزر الجزر البستانی<sup>۱۴</sup>، بزر الجزر البری<sup>۱۵</sup>:

معرب کرد فارسی از جنس هدبات است. - نام های دیگر آن: فارسی: زردک، گزر<sup>۱۶</sup> - هندی: کاجر<sup>۱۷</sup> - سریانی:

اصطفیلن<sup>۱۸</sup> - یونانی: دفقوس<sup>۱۹</sup>، دَفِقه<sup>۲۰</sup>، دَفقینی<sup>۲۱</sup> - رومی: دَفقین<sup>۲۲</sup>، کشور<sup>۲۳</sup>، کرز<sup>۲۴</sup> - فاس: سفناریه<sup>۲۵</sup> - مراکش: خیزو<sup>۲۶</sup>،

اقلیشا<sup>۲۷</sup> - بزر الجزر البستانی - تخم گزر<sup>۲۸</sup> - بزر الجزر البری - دوقو<sup>۲۹</sup> - نام نوعی از آن: زوفس<sup>۳۰</sup> (شاید همان دوقس باشد)

- نام های نوع دشتی: در کتاب دیسکورید: اسطافالینوس<sup>۳۱</sup> - رومی: نافوس<sup>۳۲</sup> - بنا به نقل اهوازی: شقاق<sup>۳۳</sup>، شقاق<sup>۳۴</sup>

نام های نوع بری: اسطافالیوس<sup>۳۵</sup>، اسطافالیقوس اغریوس<sup>۳۶</sup>، نام نوعی: دوقو<sup>۳۷</sup> - نام نوعی: دوقو القراذی<sup>۳۸</sup> - دشتی آن «شقاق<sup>۳۹</sup>»

باشد. <sup>۴۰</sup> «اشبیلی» می گوید: دارای انواع بسیار است که برخی عبارتند از: ۱ - نوع بری با نام های: اسطافالینوس اغریوس، دوقو الاحرش، اصطفیلن،

ماژش، جهنک، بشتناقه ۲ - نوعی با نام دوقو القراذی ۳ - نوعی با نام لباله و صناعیه ۴ - نوعی با نام دوقو الرومی ۵ - نوعی با نام بهنک و جهنک

۶ - نوعی با نام قمح جبلی و بسطیقون<sup>۴۱</sup>

اسطافالینوس اغریوس (Staphulinos agrios): جَزَر بری - دوقو - جزر بستانی

جَنجیدِیون (Gingidion): اصطفن ابن بسیل آن را «شاهترج» می داند در صورتیکه نه تنها با مشخصات «شاهترج» همخوانی

ندارد بلکه با آن مغایر است و صحیح آن است که این گیاه را نوعی «جزر بری» بدانیم. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۹ - ۲ - ۱۲۱]

ز. خ. ط.	جزر	<i>Daucus carota L.</i>
دیسکورید	اسطافالینوس اغریوس، جزر بری، جزر بستانی	<i>Daucus carota L.</i>
دیسکورید	جَنجیدِیون - نوعی جزر بری	<i>Daucus gingidium L.</i>
الموسوعه	جزر - اصطفیلن	<i>Daucus carota L.</i>
الموسوعه	جزر بری	<i>Daucus carota L.</i>
الموسوعه	جزر الرعاة - دوقس	<i>Athamanta cretensis</i>
پارسا	گزر دشتی	<i>Pastinaca sativa L.</i>
پارسا	گزر صحرائی - شقاق مصری	<i>Pastinaca secacul Russ.</i>

۵۲۸ - جُعْدَه، جُعْدَه، جُعْدَه، جُعْدَه، جُعْدَه، جُعْدَه: از جنس شیحات است نام های دیگر آن: یونانی: فولیون<sup>۴۲</sup> -

کیسرگونه<sup>۴۳</sup> - کیسومر<sup>۴۴</sup> نوع صغیر جبلی به شیرازی: گل اربه<sup>۴۵</sup> - نوع کبیر، نوع بستانی: جُعْدَه کبیر<sup>۴۶</sup> - فارسی: عنبر

بید<sup>۴۷</sup> «اشبیلی» می گوید: نام جُعْدَه در کنار نام های مشابهی چون «جُعْدَه، جُعْدَه، جُعْدَه، جُعْدَه حزان» قرار می گیرد ولی هیچ یک با هم شباهتی

ندارند و در ماهیت آن اختلاف است و از آن چهار نوع ذکر شده است: ۱ - کوهی سفید معروف به بذلیره ۲ - نوعی معروف به مِسک الجن ۳ - نوع

حرانیه با نام های: الیون، الیاله - بولیون، فولیون، کلیون، قرشبون، یربه قرشته، شنشطوره، کموتان، قلوبن ۴ - نوع بحری معروف به جُعْدَه

بحری - اما سایر گیاهانی که فقط شباهت اسمی به جُعْدَه دارند عبارتند از: الف - جُعْدَه الجدران که همان هندباء الاجعد است. ب - جُعْدَه با

نام یَزْبه بذلیره یعنی از بین برنده قمل که خود دارای دو نوع است و نام های آن عبارتست از: ۱ - مسک الجن، مسک الارض ۲ - تافیزان، فنقین،

میوس، فرلیون ج - جُعْدَه که همان قَرَة العین است. د - جُعْدَه ه - جُعْدَه یَلَه که نوعی اسطوخودوس است. <sup>۴۸</sup> - «دیسکورید» نوع جبلی را

«فولیون» می نامند.

پُلُون (Polion): نوع سیاه و سفید «جُعْدَه» را گویند که نام رومی آن «فولیون» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۰۵]

<i>Teucrium polium</i> L.	بلوین - جعدہ	دیسکورید
<i>Teucrium polium</i> L.	جعدہ	زر، EN.
<i>Ajuga iva</i>	جعدہ	طبّا - خطّ

۵۲۹ - جعدة القنأ: نام‌های دیگر آن: دمشق: کُزبرة البير

۵۳۰ - جُفْتُ آفرید، جُفْتُ آفرید، جُفْتُ آفرید، جُفْتُ آفرید: نامی فارسی به معنای زوج آفریده شده.

<i>Androsace Tourn.</i>	جفت افريد	زرياب
-------------------------	-----------	-------

۵۳۱- جَفْنُ ش:

۵۳۲- چَکّی: (نامی ہندی) نام دیگر آن بہ بنگالی «کتھل» است۔

۵۳۳- چکوثره: (نامی هندی) نوعی لیمو - نام دیگر آن به هندی «تاوه» است.

۵۳۴- چکوند؛ (نامی هندی) نام دیگر آن به هندی «پنواز» است.<sup>۲</sup>

۵۳۵- چَلاپا: (در شهر چلاپا وجود دارد) نام دیگر آن به انگلیسی «جلب» است.<sup>۲</sup>

۵۳۶- جُلْبَان<sup>۵</sup>، جُلْبَان<sup>۶</sup>، جُلْبَان<sup>۷</sup>، جُلْبَان<sup>۸</sup>، جُلْبَان<sup>۹</sup>، جُلْبَان<sup>۱۰</sup> از انواع «قُطْنِيَّة» است<sup>۱۱</sup> و دارای سه جنس است، یکی - از آن سه - «کرسنه»... و «جلبان» را در قزوین «خُکَر» و در آذربایجان «کلول» و در خراسان گروهی - آن را - «مُلک» گویند.<sup>۱۲</sup> «اشبیلی» می‌گوید: دارای انواع زراعی و غیر زراعی است، گروه زراعی در چهار نوع با نام‌های ۱ - بسیل ۲ - بزاج، خَلَر، خَزَفی ۳ - شنترن ۴ - جُلْبَان است نام‌های نوع غیر زراعی در پنج نوع عبارتست از: ۱ - بقیقه، اباقی ۲ - ... ۳ - اقینی یعنی مکثر اللبن، بولوغالی، غلوکش ۴ - جَلْبَان، خَلَر، اربلیش، تتیفن، الخرفا، جلدان، جاجر ۵ - حبشه، اقروم<sup>۱۳</sup> «غافقی» می‌گوید: نوع بزرگ «جلبان» که تنها پخته آن خوراکی است به نام «بسیله» معروف است و نوع دیگر آن بری است.<sup>۱۴</sup>

<i>Pisum sativum</i> L.	جلبان	خطابی
<i>Lathyrus sativus</i>	جلبان	طباطبائی
<i>Lathyrus</i> sp.	جلبان	EN.

٥٣٧ - جلعلان الحشة<sup>٤</sup>: ابن جلعجل آن را «نزر خشخاش الأسود» می شناسد.<sup>٥</sup>

[illegible]

«جلنار بری» «بالسطون» است<sup>۷</sup> «جالینوس» می‌گوید: «جلنار» گل «رمان بری» است و «جُنْدَه» گل «رمان بستانی»<sup>۸</sup> بالسطون (Balaustion): «جُلنار» نام گل «رُمان بری» و «جُنْدَه» گل «انار بستانی» است که به آن «جلنار» نیز گویند. نام دیگر

جلنار «رَغْث» است. [ابن پطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۴]

<i>Punica granatum L.</i>	بالسطينون - جلنار	ديسکورید
<i>Punica granatum L.</i>	جلنار	ز. - ط. - خ.
<i>Punica granatum L.</i>	درخت انار	پارسا

۵۳۹ - جلنجمون<sup>ش</sup>، جلنجویه<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: صعتر الفرس<sup>ع</sup> - فوتنج البری<sup>ع</sup> - یونانی: غلجن<sup>ع</sup> - فلائیه<sup>ع</sup> - نام دیگر آن صعتر العدس<sup>ش</sup> است و شاید همان «صعتر الفرس» باشد که همان «بودنه صحرائی» و صعتر فارسی است.

زریاب	جلنجمون - صعترالعدس	<i>Mentha pulegium L.</i>
-------	---------------------	---------------------------

۵۴۰ - جُلَسَرین<sup>ع</sup>: نوعی از «نسرین» پر خار که در شهرهای ما به «ورد الذکر» معروف است.<sup>ع</sup>  
 ۵۴۱ - جُلُوز<sup>ش</sup> یا جِلُوز<sup>ش</sup>، جِلُوز<sup>ش</sup>، جِلُوز<sup>ش</sup>، جِلُوز<sup>ش</sup>، جِلُوز<sup>ش</sup>: (نامی عربی) نام های دیگر آن: بندق<sup>ش</sup> - جیلغوز یعنی جوزالجلیل<sup>ش</sup>، جلفوزه مصری<sup>ش</sup> - آرزه<sup>ش</sup> - فارسی: فندق<sup>ش</sup> - اهل مغرب: ارجان<sup>ش</sup>، ارقان<sup>ش</sup>، بادام کوهی<sup>ش</sup> - شیرازی: بخرک<sup>ش</sup> - لوز الدربرت<sup>ش</sup> - ابیلانس<sup>ش</sup> - بسطیقیا<sup>ش</sup>  
 قاربانیطقا (*Karua pontika*): شجرة البندق - اهالی مغرب: جِلُوز<sup>ش</sup> [این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۴]

زریاب	جلوز - بندق - ارزه	<i>Corylus avelana L.</i>
دیسکورید	قاربانیطقا - شجرة البندق - جلوز	<i>Corylus avelana L.</i>

۵۴۲ - جُلهم<sup>ع</sup>: گویند نام «عوسج أسود» است.<sup>ع</sup>  
 ۵۴۳ - جلیف<sup>ع</sup>: «غافقی» می گوید: بذر معروف به عجمی اندلس به «بشت» و نام دیگر آن «زوان» است.<sup>ع</sup>  
 ۵۴۴ - جلیط<sup>ش</sup>: نوعی ابله  
 ۵۴۵ - جِمَمِجَم<sup>ش</sup>، جِمِجَم<sup>ش</sup>، جم جم<sup>ش</sup>: برخی آن را «بهمن ایض» می دانند.<sup>ع</sup>  
 ۵۴۶ - جمسفرم<sup>ع</sup>، جمسفرم<sup>ش</sup>: گویند به معنای «ریحان سلیمان» است.<sup>ع</sup> - نام دیگر آن: جماهو سلیمان<sup>ش</sup>

الموسوعه	حبق الزهبان - ریحان سلیمانی	<i>Ocimum filamentosum Forsk.</i>
طباطبائی	جمسفرم	<i>Ocimum gratissimum L.</i>

۵۴۷ - جمره الارض<sup>ش</sup>: نام مشترک برای گیاه «قُزْنَبی» و «شمالال» است. علت نامگذاری به جمره الارض بخاطر رنگ قرمز آتشین آن در مراحل اولیه رویشش می باشد.<sup>ش</sup>  
 ۵۴۸ - جَمَمِز<sup>ش</sup>، جَمِز<sup>ش</sup>، جَمِز<sup>ش</sup>، جَمِز<sup>ش</sup>: نوعی انجیر<sup>ش</sup> نام های دیگر آن: عربی و یمن: زَقَع<sup>ش</sup> - یونانی: شیقوموری<sup>ش</sup>، اسفومغری<sup>ش</sup>، ایعاسوفسین<sup>ش</sup> یعنی تین الاحمق<sup>ش</sup>، سیقوموروس<sup>ش</sup> - هندی: کولر<sup>ش</sup>، ثمر پشه<sup>ش</sup> به دلیل آنکه درون میوه آن پشه جمع می شود.<sup>ش</sup> - دیسکورید: سیقوموری<sup>ع</sup> - سواسینیس<sup>ع</sup>، به معنای «تین احمق» - سوفامینوس<sup>ش</sup> - فیقوس<sup>ش</sup> - فیقومور<sup>ش</sup> - فیه منتیره یعنی تین جبلی<sup>ش</sup>  
 سیقاموری (*Sukomoron*): تین احمق - جَمَمِز<sup>ش</sup> - این گیاه در مغرب نمی روید. [این بطار (در ترجمه دیسکورید)]

د.خ - EN	جمیز	<i>Ficus sycomorus L.</i>
----------	------	---------------------------

۵۴۹ - جنت قابطه<sup>(۱)</sup>: از جنس گیاهان خاردار و از نوع جنبه است و «ابن جزار» آن را به اشتباه «فو» معرفی کرده است. دارای چهار نوع با نام های زیر است: ۱ - کامیونین، ابارس، اسطراطیقوس به معنا شوک المفلل، ایرنجی یعنی مفید برای ورم حالب، جنت قابطه یعنی دارای صد سر، قرصنه - شام: مجنون، ام یحیی، شوکه العقر، شوکه الزرقاء، کوبیه ۲ - اسطراطیقوس الصغری، ارنتاله، زریقاه ۳ - زریقاه، ارنتاله ۴ - اروناردش، بولابیطس، اورمش<sup>ش</sup>

۵۵۲- جنّیانسه: "اشبیلی" می‌گوید: نام دو گیاه است: ۱- عَقْرَبان ۲- هُذیلیه، که برخی آن را نوعی «خولنجان» با نام اندمولیا و الطردونه می‌دانند.

۵۵۴- جنجیدیون<sup>۴</sup>: هر چند «اصطفی بن یسیل» آن را گیاه «شاهترج» معرفی کرده ولی این درست نیست زیرا من - ابن بیطار - این گیاه را در شهرهای ایتالیا مشاهده کرده‌ام و مشخصات آن را با گیاه «شاهترج» متفاوت دیده‌ام و آن نوعی «جزر» است.<sup>۵</sup>

۵۵۵ - جنطیانا، جنطیاناس، جنطیانان، جنطیانان، جنطیانان (نامی یونانی یا رومی)، بشل، شکه<sup>۱</sup> (نامی اندلسی)، دواء الحیه، دواء الحیه، کوشاد: نوعی جنبه ریشه «حنظل رومی» است.<sup>۲</sup> اسم آن از نام پادشاهی به نام جنطین که از آن خواص اطلاع یافت و یا به وسیله آن شفا یافت گرفته شده است. نام‌های دیگر آن: داء الحیه، جنطیان رومی: اسلیسقان، قنطیانی، غنطیانی - فارسی: کوشاد - اندلس: یش کشکه - هندی: یکهان بید، فاهان<sup>۳</sup> «ابن بیطار» می‌گوید: دارای سه نوع است: نوعی در کوه‌ها و مکان‌های سردسیر و یخی می‌روید که نوع رومی است و نوع دیگر «جرمقانی» و در مکان‌های مرطوب می‌روید.<sup>۴</sup> - «اشبیلی» می‌گوید: دارای دو نوع است: ۱ - نوعی جنطیان الرومی با نام‌های: شاشیف، جنطیانان، بشلیشه، ثوم الحیه، دواء الحته، شجر الحته، لوف الکبر، نام ریشه: کرشاد، کرنیا ۲ - نوع دوم جنطیانان الجرمقانی<sup>۵</sup>

<i>Gentiana lutea</i> L.	جنطیانا	ز.خ.ط. - E.
<i>Gentiana lutea</i> L.	جنطیانا - دواء الحیه - کوشاد	دیسکورید

۵۵۶ - جَنَى، جنی، جناء، اَجْش: نوعی از شَم است. نام‌های دیگر آن: در فیروان: شُماری<sup>۵</sup> - نزد عرب: برقة<sup>۶</sup> - اهل قدس: قیقبان، یَقْب<sup>۷</sup> - فاس: ساسوا<sup>۸</sup> - بربری: بوخْوَ<sup>۹</sup> - اشبیلی<sup>۱۰</sup> می‌گوید: جِنا الاحمر از جنس درخت خشبی و از نوع ورق الاسی است و دارای دو نوع است نام‌های نوع اول آن عبارتست از: اباریقون، اماریقون، قامارون، ازبریا، مطرونیه، بذلون، ثومارس، ماماقولا، قومارقوس، اساسنوا، جَنْج، حَنْجوا، قاتل ابنه، بزنطه - و نوع دوم نوع نر و دارای نوع کوچک و بزرگ است.<sup>۱۱</sup>

<i>Arbutus unedo</i>	جناء	خطابی
----------------------	------	-------

۵۵۷ - جَوْدَرَج :

۵۵۸ - جُوانِ سَیَرَم<sup>ب</sup>: جنسی است از «یاسمین»<sup>پ</sup>

۵۵۹- چوب چینی: 'خشب الصینی' و بیخ چینی'

<i>Smilax L.</i>	چوب چینی	پارسا
<i>Smilax glabra Roxb</i>		

۵۶۰۔ چوب چینی خطائی:

۵۶۱- جوز، جوز، جوز، جوز، جوز، خسف: نام‌های دیگر آن: گردکان، چهار مغز- هندی: اخروی- جالینوس: قاریا- رازی: جوزالعد- رومی: قریدی- اوریبسیس: قاریاسلقا (قارواباسلیقا). باسلیقا، قرشیقا-

قاروذبّا ش - نوچی ش - اتسویک ش - برشیقا ش - الموش

قارَباسَلِقا (Karua basilika): جَوْز ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۳۵ / ۱۴۶:

Juglans regia L.	جوز	زر - طبّا.
Juglans regia L.	قاربابسِلقا - جوز	دیسکورید

۵۶۲ - جَوْز اَرْقَم، جوز اَرْقَم: نام های دیگر آن: بربری: اکتار<sup>۳</sup>

Bunium bulbocastanum L.	آاکتار اجرد - تلفوطه - جوزارقم	الموسوعه
-------------------------	--------------------------------	----------

۵۶۳ - جوز اَرمانیوس<sup>۴</sup>: بنا به نظر ابن یطار نامی برای «مُخَلَّصه» است.<sup>۵</sup>۵۶۴ - جوز الأَنْهَار، جوز الارض<sup>۶</sup>: نام های دیگر آن: کاتنج المرجی<sup>۷</sup> - در کتاب دیسکورید: قفا<sup>۸</sup> - نام گیاه از نظر ابن جلد و ابن یطار: جوز القَطَا<sup>۹</sup>۵۶۵ - جوز الاکل<sup>۱۰</sup>: از جنس درختان بزرگ است و گویند «جوز السواک» است و در مغرب بطور فراوان یافت شده و مشهور و معروف می باشد.<sup>۱۱</sup>

Jualans regia	جوز الاکل	خطابی
---------------	-----------	-------

۵۶۶ - جَوْز بَوَا، جوز بَوَا، جوز بَوَا، جوز بَوَا، سَباس<sup>۱۲</sup>، دارکیسه<sup>۱۳</sup>، جَوْز بَوَا، سَباسه<sup>۱۴</sup>، جارکون<sup>۱۵</sup>، جوز بَوَا، سَباسه<sup>۱۶</sup> (پوست جوزبوا)، جوز بَوَا: نام های دیگر آن: جوز الطیب<sup>۱۷</sup> - جوز بوا مغرب جوزبویای فارسی - یونانی: طریفولین<sup>۱۸</sup>، طریفولیا<sup>۱۹</sup> - هندی: جای پهل<sup>۲۰</sup>، جای بل<sup>۲۱</sup>، جادیفل<sup>۲۲</sup>، ابرسناروا<sup>۲۳</sup>، جادوبوی<sup>۲۴</sup>، جای بل<sup>۲۵</sup>، جاونری<sup>۲۶</sup> - سریانی: کوزی دبسم<sup>۲۷</sup>، کوزی بویا<sup>۲۸</sup> - شام: دارکیسه<sup>۲۹</sup> - عربی: سَباسه<sup>۳۰</sup> - فارسی: بزباز<sup>۳۱</sup>، سبزبار<sup>۳۲</sup>، کوزبویا<sup>۳۳</sup> - جالینوس: بالانوس<sup>۳۴</sup> - جوز الطیب<sup>۳۵</sup>، جوزالملک<sup>۳۶</sup> - نام ریشه آن «قَرْقَه» و نام میوه آن «جوز الطیب» و نام پوست خارجی میوه اش «سَباسه» است.<sup>۳۷</sup> "اسحاق بن عمران" می گوید: پوست بخش زیرین چوبی شده «جوزبوا» است که بر بالای پوست صدفی آن پیچیده شده است.<sup>۳۸</sup> - "رازی" می گوید: «جارکون» نام سَباسه است.<sup>۳۹</sup>

Myristica fragrans Houtt.	جوزبوا - جوزالطیب - سبلة الطیب - صَبَر	الموسوعه
Myristica fragrans Houtt.	جوزبوا - سَباس - دارکیسه	زریاب
Myristica fragrans Houtt.	جوزبویا	پارسا
Myristica aromatica Lam.	جوزبوا	خطابی

۵۶۷ - جَوْز جَنْدَم، جَوْز جَنْدَم، جوز جندَم<sup>۴۰</sup> (مغرب گوز گندم فارسی)، کوز کندَم<sup>۴۱</sup>، گَوْز گندَم<sup>۴۲</sup>، کور کندَم<sup>۴۳</sup>: نام های دیگر آن: کور گندک<sup>۴۴</sup> - گل گندم<sup>۴۵</sup> - عربی: نعیج الحبشه<sup>۴۶</sup>، شحم الارض<sup>۴۷</sup> - اهل رقه: خرو الحمام<sup>۴۸</sup> - اهل اندلس: تربة العسل<sup>۴۹</sup> - فرو الحمام<sup>۵۰</sup> - شیرازی: گل گندم<sup>۵۱</sup> - رومی: کرکسن<sup>۵۲</sup> - سریانی: حزازینا دخیقا<sup>۵۳</sup> - جوز جندَم<sup>۵۴</sup> - جوز جندَم جنسی است از کل و طعمش از طعم کل با طعم کندَم دهد.<sup>۵۵</sup>

Lecanora esculenta Ev.	گوز گندم	زریاب
Lecanora affini Ev.		
Garicina mangostana L.		

<i>Garicina mangostana L.</i>	کوز گندم	طباطبائی
<i>Garcinia mangostana</i>	چندم مُنْغُستان - جوز چَندَم کُوز گَندَم - زهره‌الحجر	الموسوعه
<i>Centaurea cyanus L.</i>	گل فیروزه - گل گندم	پارسا

۵۶۸ - جوز الخَمْسُ، جوز الخمس<sup>۴</sup>: (میوه‌ای هندی)

۵۶۹ - جوز الرُّقْع: نام دیگر آن: اهل السراة: رقعة<sup>۴</sup>

"ابن هیثم" آن را «جوز القی» می‌داند و در آن تردید است زیرا رازی «رقع الیمانی» و «جوز القی» را یک جا در کتاب «تقاسیم العلل» شرح داده و کیفیت قی را به هر دو نسبت داده است و از طرف دیگر ابو حنیفه طعم «رقع» را شیرین ذکر می‌کند و حال آنکه «جوز القی» شیرین نیست.<sup>۴</sup>

۵۷۰ - جوز داود<sup>۵</sup>: دانه‌ای که از هند و چین آورده می‌شود.

۵۷۱ - جوز رومی<sup>۶</sup>، جوز رومی<sup>۷</sup>: نام‌های دیگر آن: اکبروس، اکروفس<sup>۸</sup> - نام صمغ آن: اَشْحَنُ<sup>۹</sup>

<i>Populus nigra L.</i>	جوز رومی	زریاب
-------------------------	----------	-------

۵۷۲ - جوز الریح<sup>۴</sup>، جوز الریح<sup>۵</sup>: نام‌های دیگر آن: لقم القاضی<sup>۶</sup>، بنادق البربر<sup>۷</sup> - اَشْبیلی<sup>۸</sup> می‌گوید: نام میوه نوع دیگر آن «ثمرالغالبه» است و در ناحیه غرطانه به آن «بلیار» گویند.<sup>۹</sup>

۵۷۳ - جوز الزنج<sup>۴</sup>، جوز الزنج<sup>۵</sup>، جوز الزنج<sup>۶</sup>:

<i>Sterculia acuminata</i>	جوز الزنج - کولا - کوله	الموسوعه
<i>Amomum granum-paradisi L.</i>	جوز الزنج	خطابی

۵۷۴ - جوز الشِرْک<sup>۴</sup>، جوز الشِرْک<sup>۵</sup>، جوز الشِرْک<sup>۶</sup>: نام‌های دیگر آن: تین الفیل<sup>۷</sup>، جوز الحبشه<sup>۸</sup>

۵۷۵ - جوز العَبْهَر<sup>۴</sup>، جوز العَبْهَر<sup>۵</sup>:

۵۷۶ - جوز القِطَاة<sup>۴</sup>، جوز القِطَاة<sup>۵</sup>: «قِطَاة» به فارسی یعنی پرنده سنگ خوار، و چون این پرنده بسیار از آن می‌خورد به همین نام مشهور است.<sup>۶</sup>

قیماً<sup>۷</sup> (*Kepaia*): گیاه‌شناسان اندلس به آن «جَوْز القِطَا» گویند زیرا پرنده «قِطَا» بر خوردن این گیاه بسیار حریص است و در طعم آن حالت گسی چون گردوست. "ابن حَسَّان" آن را «شَجَر حب الأسیر» معرفی کرده است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۶]

<i>Sedum cepaea L.</i>	جوز القِطَا - شجر حب الاسیر	دیسکورید
------------------------	-----------------------------	----------

۵۷۷ - جوز القی<sup>۴</sup>، جوز القی<sup>۵</sup>، جوز القی<sup>۶</sup>، جوز القی<sup>۷</sup>، جوز القی<sup>۸</sup>: نام‌های دیگر آن: جوز الدفَع<sup>۹</sup> زیرا بوسیله آن قی و اسهال دفع می‌شود. - هندی: ممین پهل<sup>۱۰</sup>، مین بل<sup>۱۱</sup> - سندی: منبهل<sup>۱۲</sup> - فرنگی: نور مطلبیه<sup>۱۳</sup> - رومی:

بلايوس<sup>۱۴</sup> - سریانی: کوزی دهفاخت<sup>۱۵</sup> اَشْبیلی<sup>۱۶</sup> می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است و درست آنست که دو نوع دارد: ۱ - سورنجان قتال با نام‌های: قلیخین، جردیونه، افیمارون ۲ - نوعی از نقّاح با نام‌های: رجلة الشتاء و الصیف<sup>۱۷</sup>

<i>Euphorbia curcas = Jatropha curcas</i>	جوز القی	پارسا
<i>Trichilia enetica Vahl</i> <i>Elcaya jemenensis Forsk.</i>	جوز القی	زریاب

<i>Strychnos nux-vomica</i> L.		
<i>Trichilia enetica</i> Vahl.	جوز القىء	طباطبائى
<i>Strychnos nux-vomica</i> L.		
<i>Strychnos nux-vomica</i> L.	جوز القىء - سترىكنوس القىء	الموسوعه
<i>Strychnos nux-vomica</i> L.	جوز القىء،، جوز المقىء	خطا،، EN.

۵۷۸- جوز الكوثل؛ جوز الكوثل<sup>۲</sup>، جوز الكوثل<sup>۳</sup>: (میوه ای هندی) جوز القی<sup>۴</sup>

<i>Randia dumetorum</i> L.	جوز کوئل	پارسا
----------------------------	----------	-------

۵۷۹- جوز المائل، جوز مائل<sup>ص</sup>، جُوزِ مایل<sup>ب</sup>، جوڑ مائل<sup>ج</sup>، جوز مائل<sup>د</sup>، جوز مائل<sup>هـ</sup>، جوز مائل<sup>و</sup> معرب کوز مائل فارسی؛ جوز روث<sup>ز</sup>: نام‌های دیگر آن: جوز ماتم، جوز ماٹا، جوز ماٹ، مرقد<sup>ح</sup> - فارسی: تاتوله<sup>ط</sup> - هندی: دهتوره، ته توره<sup>ث</sup> - به لغتی: استرمونیه<sup>ی</sup> - ابن بطریق می‌گوید: همان جوز القیء است.<sup>ک</sup>

<i>Datura metel</i> L.	جوز مائل - بيم	الموسوعه
<i>Datura metel</i> L.	جوز مائل	زرياب
<i>Datura stramonium</i> L.		
<i>Datura stramonium</i> L.	تانوره - جوز مائل	پارسا
<i>Datura metel</i> L.	Bengal: Dhatura - Bombay: Dhutura - Hendia: Sadah dhatura Sanskrit: Dhustura - Tamil: Vellum mattai	GLO.IN.

۵۸۰- جوز المَرَج<sup>۵</sup>، جوز المَرَج<sup>۶</sup>: نام‌های دیگر آن: حب الکاکنج الجبلی<sup>۷</sup> - حب کاکنج کوهی<sup>۸</sup>

۵۸۱ - حوز النعاس : فارسي، العود ش

۵۸۲- جوز الهند<sup>۳</sup>: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را میوه «حور الرومی» و عده‌ای «نخل العقول» و گروهی «شجر الفوقل» می‌دانند و در  
 سست آنست که نام دیگر «نارجیل» است. نام‌های دیگر آن عبارتست از: اغیرم، نارنج، انج، تافندوب<sup>۴</sup>

۵۸۳- جوز اليسرو يا جوز الفسرو: نام ديگر آن: كوز كلاغ<sup>۳</sup>

۵۸۴ - جولق<sup>۷</sup>، جولق<sup>۸</sup>: نامی نزد عجم اندلس، که نام لاتینی آن «بلاقه»<sup>۹</sup> است و «دارشیشان» دانستن آن اشتباه است.<sup>۱۰</sup> «اشیلی» می‌گوید: از جنس تمنش و نوعی شوک است. دارای پنج نوع است، نام‌های نوع پنجم آن عبارتست از: اسبالاقوس، دارشیشان، بلاقه، وارونه، شوکه رهاویه، قندول<sup>۱۱</sup>

۵۸۵ - جوشیصا<sup>۴</sup>: (نامی فارسی) نام دیگر آن نزد اهالی جزیره «حوسالی» است.<sup>۵</sup>

۵۸۶ - چولائی: (نامی ہندی)

۵۸۷-جینت؛ (نامی ہندی)

۵۸۸- جیدار، جیدار<sup>۲</sup>: (نام، فارسی)

۵۸۹- جیرش<sup>۷</sup>: نام دیگر آن از نظر "قسطابن لوقا" «فستق المصری» است.<sup>۷</sup>

۵۹۰- جیش: نام دیگر آن: فارسی: شلمیز

۵۹۱-جیکلکی؟ (نامی، ترکی)

۵۹۲- جینه: نام دیگر آن: ینبوتة، جمع آن: ینبوت - "اشبیلی" می‌گوید: دارای دو نوع است نوعی کوچک و نوع بزرگ که معروف به «شوکة الشہاء» است و برخی آن را به اشتباه «خزوب النبط» می‌دانند.<sup>۱۸</sup>



۵۹۳ - حاقطی: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: یوس اقطی، شبقه

۵۹۴ -حاج، حاج، حاج، حاج، ترنجبین<sup>۵</sup>، ترنجبین<sup>۶</sup>، ترنجبین<sup>۷</sup>، ترنجبین<sup>۸</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: خارشتر<sup>۹</sup> خراسان: تر<sup>۱۰</sup> - فارس: ارود<sup>۱۱</sup> - اصفهان: اشتر<sup>۱۲</sup> - ترکی: دویتکانی<sup>۱۳</sup> - هندی: جواسا<sup>۱۴</sup> - عاقول<sup>۱۵</sup>  
در خراسان ترنجبین روی آن تشکیل می‌شود.<sup>۱۶</sup> - نام‌های دیگر ترنجبین: جواسا سکر الحاج<sup>۱۷</sup> - اصفهان: اشترانگبین<sup>۱۸</sup> - در کتاب الحاوی این نام معادل نامی که دیسکورید از آن بعنوان «أرتقی» یاد می‌کند، آمده و «أرتقی» به زبان اندلس همان «خلنج» است و درخت «حاج» نمی‌تواند حتی نوعی از آن بشمار آید و /درست همین است / زیرا حاج<sup>۱۹</sup> درخت خارداری است که در شهرهای مصر و شام و عراق به «عاقول» معروف است.<sup>۲۰</sup> ترنجبین، شبنمی است عسل مانند که از آسمان بر روی برخی گیاهان چون «حاج» می‌نشیند و برگردان عربی آن «عسل الّندی» است. (بر اثر نیش حشره از گیاه ترشح می‌شود).<sup>۲۱</sup>

<i>Alhagi maurorum</i> Tourn. <i>Alhagi mannifera</i> Desv.	عاقول، حاج، زَنْجَبِيل الْعَجَم، اشتر غار	الموسوعه
<i>Centaurea benedicta</i> L.	خارشتر	پارسا
<i>Alhagi camelorum</i> Fisch. <i>Alhagi maurorum</i> Tourn.	ترنجبین	پارسا
<i>Alhagi camelorum</i> Fisch. <i>Alhagi maurorum</i> Tourn.	حاج - ترنجبین	زریاب
<i>Alhagi mauronum</i> <i>Alhagi maurorum</i> Tourn.	حاج	طباطبانی

۵۹۵ - حاذ: نوعی از حَمَض ش

۵۹۶ - حارز الانهار<sup>ش</sup>: وجه تسمیه: بر روی آبهای راكد رویش دارد. <sup>ش</sup> نام دیگر آن: سلق الماء<sup>ش</sup>، طاموغيطن<sup>ش</sup>

۵۹۷ - حارز الماء<sup>۳۱</sup>: دارای دو نوع است: نوع اول آن را «مربافلن» و نوع دیگر آن را «حارس» می‌نامند. نام‌های دیگر آن عبارتست از: بوطاموغیطس، سطرابطیوس ماریوس یعنی بحری زیرا گیاه بر روی آب می‌روید.<sup>۳۲</sup> برخی آن را به اشتباه «امیره» و عده‌ای نوعی «عصاالرعی» با نام «ألف ورق» می‌دانند و نام صحیح آن «صنوبر الماء» و معروف به «قُرْبَص» است.<sup>۳۳</sup>

[illegible]

تومش (Thumos): «اصطفن» آن را معادل نام «حاشا» میدانند ولی مشخصات این دو با هم یکی نیست. [این بطلار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۴]

<i>Thymus capitatus</i> Lk. & Hoffm.	ثومس	ديسکورید
<i>Thymus capitatus</i> Lk. & Hoffm.	سَعْتَر العَبَس - حاشا - سَعْتَر فارسی	الموسوعه
<i>Thymus capitatus</i> Lk. & Hoffm.	حاشا	زر. - خط.
<i>Thymus vulgaris</i> L.	حاشا	EN.

۱- بر اثر نیش حشره‌ای یا کرم آن بر برگ از گیاه ترشح می‌شود.

۵۹۹- حاشیش؛ حاسیس<sup>۴</sup>: نام دیگر آن به فارسی «حسن یوسف» است.<sup>۵</sup>

۶۰۰- حاماقسیس<sup>۶</sup>: حاماقسیس<sup>۷</sup>

۶۰۱- حاماسوقی<sup>۸</sup>:

۶۰۲- حَبَّحَوْ: (نامی عمانی و شحری)

۶۰۳- حَبَّالبان؛ حب البان<sup>۹</sup>، بان<sup>۱۰</sup>، شوع<sup>۱۱</sup>، شوع<sup>۱۲</sup>، فسق الهاویه<sup>۱۳</sup>: نام های دیگر آن: شجر البان<sup>۱۴</sup> - سریانی: فسقی<sup>۱۵</sup> - هندی: بکاین<sup>۱۶</sup> - فرنگی: توزانکون ناریه<sup>۱۷</sup> - دانه: فسق البادیه<sup>۱۸</sup> - درخت: شوع<sup>۱۹</sup>

<i>Moringa aptera Gaertn.</i>	بان - یسر - یسار - شوع - سیاع	الموسوعه
<i>Moringa arabica Pers.</i> <i>Moringa pterygosperma Gaertn.</i> <i>Moringa aptera Gaertn.</i>	بان - شوع - فسق البادیه	زریاب
<i>Moringa arabica Pers.</i> <i>Moringa pterygosperma Gaertn.</i>	حب البان	طباطبانی
<i>Salix aegyptiaca Forsk.</i>	حب البان	EN.

۶۰۴- حَبَّ بَلَّسان:

۶۰۵- حَبَّة الخضراء؛ حبة الخضراء<sup>۲۰</sup>: نام های دیگر آن: میوه درخت بطم<sup>۲۱</sup> - فارسی: خنجک<sup>۲۲</sup> - سجزی: کنشک<sup>۲۳</sup> - سندی: کلنکور<sup>۲۴</sup>

<i>Pistacia khinjuk Stoc.</i>	حب الغار (اصفهان) - حب الخضرا (تهران) - حب البنه (عرب) - سبز قلنج (تهران) - بزقنز (همدان، اصفهان) - کل پسته (بمبی)	پارسا
<i>Pistacia terebinthus L.</i>	حبة الخضراء - بطم - خنجک	زریاب
<i>Laurus camphora L.</i>	حبة الخضراء	EN.

۶۰۶- حَبَّ الراسن؛ زیب الجبل<sup>۲۵</sup>، امباشا<sup>۲۶</sup>، حب الراسن<sup>۲۷</sup>: نام های دیگر آن: حب الراس<sup>۲۸</sup> - زیب الجبل؛ زیب بری<sup>۲۹</sup> - اسطاقندماغریا<sup>۳۰</sup> - دیسکورید: أسطافانديا أغریا<sup>۳۱</sup> صاحب مفرد<sup>۳۲</sup> گوید آن «مویزج» است و این سهو است و صاحب منهاج ماهیت آن را درست گفته است که آن زرد رنگ و طعم وی تلخ بود و گرد شکل است مانند تخم مخلصه، و در کوهستان فارس خیزد و از کردستان حد آن و آن را «رانج ویر» خوانند و «راسن» دو نوع است: جبلی و بستانی و منظور تخم جبلی است.<sup>۳۳</sup> صاحب جامع گوید «زیب الجبل» «حب الراسن» است و این سهو است.

۶۰۷- حب الریباس؛ نام دیگر آن به فارسی «تخم ریباس» است.<sup>۳۴</sup>

۶۰۸- حَبَّ الزَّلْم؛ حب الزلم<sup>۳۵</sup>، حب الزلم<sup>۳۶</sup>، حب الزلم<sup>۳۷</sup>: نام های دیگر آن: حب دیم<sup>۳۸</sup>، فلفل السودان<sup>۳۹</sup> اشبیلی<sup>۴۰</sup> می گوید: برخی آن را به اشتباه «حب النشم» و «حب الدسم» و «فلفل السودان» می دانند.

<i>Cyperus esculentus L.</i>	حب الزلم	زر. - خط.
<i>Cyperus esculentus L.</i>	حب العزیز، زَلْم، شَعْدماکول، حب الزلم	الموسوعه

۶۰۹- حَبَّ السِّمْنَه؛ حب السِّمْنَه<sup>۴۱</sup>، حب السمنه<sup>۴۲</sup>، شاهدانق<sup>۴۳</sup>، حب السمنه<sup>۴۴</sup>، حب السمنه<sup>۴۵</sup>، حب السمنه<sup>۴۶</sup>، حب السمنه<sup>۴۷</sup>، حب السمنه<sup>۴۸</sup>، حب السمنه<sup>۴۹</sup>، حب السمنه<sup>۵۰</sup>، حب السمنه<sup>۵۱</sup>، حب السمنه<sup>۵۲</sup>، حب السمنه<sup>۵۳</sup>، حب السمنه<sup>۵۴</sup>، حب السمنه<sup>۵۵</sup>، حب السمنه<sup>۵۶</sup>، حب السمنه<sup>۵۷</sup>، حب السمنه<sup>۵۸</sup>، حب السمنه<sup>۵۹</sup>، حب السمنه<sup>۶۰</sup>، حب السمنه<sup>۶۱</sup>، حب السمنه<sup>۶۲</sup>، حب السمنه<sup>۶۳</sup>، حب السمنه<sup>۶۴</sup>، حب السمنه<sup>۶۵</sup>، حب السمنه<sup>۶۶</sup>، حب السمنه<sup>۶۷</sup>، حب السمنه<sup>۶۸</sup>، حب السمنه<sup>۶۹</sup>، حب السمنه<sup>۷۰</sup>، حب السمنه<sup>۷۱</sup>، حب السمنه<sup>۷۲</sup>، حب السمنه<sup>۷۳</sup>، حب السمنه<sup>۷۴</sup>، حب السمنه<sup>۷۵</sup>، حب السمنه<sup>۷۶</sup>، حب السمنه<sup>۷۷</sup>، حب السمنه<sup>۷۸</sup>، حب السمنه<sup>۷۹</sup>، حب السمنه<sup>۸۰</sup>، حب السمنه<sup>۸۱</sup>، حب السمنه<sup>۸۲</sup>، حب السمنه<sup>۸۳</sup>، حب السمنه<sup>۸۴</sup>، حب السمنه<sup>۸۵</sup>، حب السمنه<sup>۸۶</sup>، حب السمنه<sup>۸۷</sup>، حب السمنه<sup>۸۸</sup>، حب السمنه<sup>۸۹</sup>، حب السمنه<sup>۹۰</sup>، حب السمنه<sup>۹۱</sup>، حب السمنه<sup>۹۲</sup>، حب السمنه<sup>۹۳</sup>، حب السمنه<sup>۹۴</sup>، حب السمنه<sup>۹۵</sup>، حب السمنه<sup>۹۶</sup>، حب السمنه<sup>۹۷</sup>، حب السمنه<sup>۹۸</sup>، حب السمنه<sup>۹۹</sup>، حب السمنه<sup>۱۰۰</sup>

قَنَابَش (Kannabis): قَنَب - شَهْدَانَج، شاهدانق

قَنَابَش أَغْرِیون (Kagria): قَنَب بری - اهالی شهرهای ما به آن «قَنَبیه» - اسم تصغیر «قَنَب» - گویند که همان «شَهْدَانَج بری» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۳ و ۱۴۴]

Cannabis sativa var. indica	قَنَابَش - قَنَب - شَهْدَانَج - شاهدانق	دیسکورید
Althaea cannabina L.	قَنَابَش أَغْرِیون - قَنَب بری - شَهْدَانَج بری	دیسکورید
Cannabis sativa L.	حَب السَمْنَه	زر - طبّا.
Cannabis indica L.	شاهدانه هندی	پارسا

۶۱۰ - حَب الصَّنَوْبِر الصَّغَار: نام دیگر آن به فارسی «تخم کاج» است.

۶۱۱ - حَب الصَّنَوْبِر الکِبَار: محل رویش: سیستان - نام دیگر آن: جلفوزه - نام درخت: سوسن

۶۱۲ - حَب العَزِیز، حَب الزَلَم:

Cyperus esculentus L.	حَب العَزِیز، زَلَم، شَعْدَمَا کُول، حَب الزَلَم	الموسوعه
Cyperus esculentus L.	حَب العَزِیز	EN.

۶۱۳ - حَب الفَار:

۶۱۴ - حَب الْقَلْت، حَب الْقَلْت، حَب الْقَلْت، قَلْت، قَلْت، کَاسِر الحَجَر، مَاش هندی قَلْت: قَلْت، مَعَرَب از کَلْتَهه هندی است. نام‌های دیگر آن: سریانی: قَلْتا - یونانی: اقونیا - رومی: توانیقی - نزد اهالی عراق: مَاش هندی - هندی: کَلْتَهی، کَلْتَه - نام‌های نوعی از آن: رابج - عربی: کَاسِر الحَجَر

Dolichos biflorus L.	قَلْت	زریاب
Dolichos uniflorus L.		

۶۱۵ - حَب الْقَلْقَل: برخی آن را به اشتباه «فلفل الابيض» می‌دانند و برخی آن را نوعی «رمان بری» به نام «ارمنین» معرفی کرده‌اند و عده‌ای نیز آن را میوه لوبیائی شکل به نام «قَلْقَل»، «قَلْقَلان» و «قَلْقَل» می‌دانند.

Dolichos sp.	حَب الْقَلْقَل	EN.
--------------	----------------	-----

۶۱۶ - حَب الْمَحْلَب، مَحْلَب، مَحْلَب، حَب الْمَحْلَب: نام‌های دیگر آن: فارسی: پیوند مریم<sup>۲</sup> - هندی: کَهِیونی<sup>۱</sup> فیلورا (Philura): "ابن وافد" آن را «شَجَرَة مَحْلَب» می‌داند و ابن حَسَّان آن را به نام «شَجَرَة الْعُتْم» دانسته و دانه آن را به نام «رَعَجَج»<sup>(۱)</sup> می‌شناسد ولی به هر دو نظر اشکال وارد است و من - ابن بیطار - این گیاه رانمی شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۹۸]

Phillyrea latifolia L.	فیلورا - شَجَرَة الْمَحْلَب؟ - شَجَرَة الْعُتْم؟	دیسکورید
Prunus mahaleb L.	مَحْلَب	زریاب
Cerasus mahaleb Mill.		

۱- رَعَجَج یا زَعِج یا زَبُوج و زَبُوج واژم‌ای بربری گرفته شده از «تَزَبُوج» (Tazabbugt) و به معنای «زیتون بری و زیتون جبلی است. ابن مراد

طباطبائی	محلّب	<i>Cerasus mahaleb Mill.</i>
----------	-------	------------------------------

۶۱۷ - حب المُنَسَم، حب المِيسَم<sup>۴</sup>: (نامی عربی)

الموسوعة	منَسَم	<i>Aspidium lonchitis</i>
----------	--------	---------------------------

۶۱۸ - حب الملوك<sup>۵</sup>، حب الملوك<sup>۶</sup>، حبة الملوك<sup>۷</sup>، حب الملوك<sup>۸</sup>، طارطقه<sup>۹</sup>: (۱) نام های دیگر آن: ماهودانه<sup>۱۰</sup>، اهالی مغرب و اندلس «ماهودانه» را نام «قراصیا» می دانند و برخی از مردم نیز آن را نام دانه «صنوبر الكبير» می دانند. <sup>۱۱</sup> - اشبیلی می گوید این نام به سه گیاه گفته می شود: ۱ - میوه فستق ۲ - میوه صنوبر ۳ - قراسیا

پارسا	حب السلاطين، حب الملوك، كرجك هندی، دند، بيدانجیرخطائی	<i>Croton tiglium L.</i>
-------	---	--------------------------

۶۱۹ - حب النیل، حب النیل<sup>۱۲</sup>، حب النیل<sup>۱۳</sup>، حب النیل<sup>۱۴</sup>، حب النیل<sup>۱۵</sup>، حب النیل<sup>۱۶</sup>، حب النیل<sup>۱۷</sup>: نام های دیگر آن: قرطم<sup>۱۸</sup> - سریانی: نیلن<sup>۱۹</sup>، نیل فلفل<sup>۲۰</sup>، قرطم هندی<sup>۲۱</sup> - فارسی: تخم نیلوفر<sup>۲۲</sup> - هندی: مرچائی<sup>۲۳</sup>، زیرکی<sup>۲۴</sup> - بنگالی: جهاز قرچه<sup>۲۵</sup>، اپراچنا<sup>۲۶</sup>  
 أساطس (*Isatis*): نیل، نیلج - طین الأخضر - عین الخضراء  
 أساطس أغریا (*I. agria*): نیل بری [ابن یطلا (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۵]

دیسکورید	أساطس، نیل، نیلج، طین الأخضر، عین الخضراء	<i>Isatis tinctoria L.</i>
دیسکورید	نیل بری	<i>Isatis tinctoria L.</i>
ز. - خ. - ط.	حب النیل	<i>Ipomoea hederacea Jack.</i>
پارسا	تخم نیلوفر	<i>Ipomoea hederacea Jack.</i>

۶۲۰ - حبریان<sup>۲۷</sup>: نام دیگر آن: ورق الحنا<sup>۲۸</sup> (گاهی بجای حنا از آن استفاده می شود). نوع کوچک: ارقطس<sup>۲۹</sup>

۶۲۱ - حَبَق<sup>۳۰</sup>: نام جنسی است که گیاهان بسیاری را در بر می گیرد و گاهی منظور «فودنج النهری» است و به گیاهان معطر و خوش منظر با ساقه های چهارگوش گفته می شود که برخی از انواع آن عبارتست از: الف - بستانی با ده نوع با نام های: ۱ - نام، حب مصری، باسلیقی، منشی، ایدراسیمون، مانته ۲ - مقلوب ۳ - حب الصلّی، حب الخَز، برثماز، هیتمازه ۴ - حب الصعتری، حب الکرمائی، حب الحاحی، ریحانة الملك، شاهشُبیرم، مارن، ایصورین ۵ - حب القَرْنَفلی، اصابع القینات، ریحانة الرومیه، کما دریون، افرنجمشک، ارفلن، ابنیس ۶ - حب الترنجانی ۷ - حوک، بادروج، حب العریض الورق، طرطور الحاجب ۸ - ترنجان، بادرنجویه، برجارش، تقزین، ترنجاش، سیسنه، مفرح قلب المحزون، دافع الغم ۸ - نعنن، ایدیا سمن، یوسیمون، ابریا منتی، میوره، بوریا، هشرار، هازان، هازوما، هرتما ۹ - سیسنبر، شیشنبر، شنبّر، ایدیا سمن، منده ۱۰ - مرزنجوش، صمسخن، شرخره، عنقر، مرددوش، حب المُرْد، حب الفتی، ریحانة المروء، مردادوش، سمسقون، سمسخون - ب - بری که نوعی مشکطرامشیع است. - ج - جبلی: با نام حوک و همچنین فودنج جبلی - د - نهري با نام فودنج نهري<sup>۳۱</sup>  
 ۶۲۲ - حب المنتن<sup>۳۲</sup>:

۶۲۳ - حب المساکین<sup>۳۳</sup>: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را نوعی «قسوس» و عده ای «لبلاب المجوس» و گروهی «عصا الراعی» و بعضی «یذره» - که درست تر نیز هست - می نامند و در قرطبه به آن «حب المساکین» و «غالبه» می گویند.<sup>۳۴</sup>

EN.	حب المساکین	<i>Hedera sp.</i>
-----	-------------	-------------------

۶۲۴ - جَیْشِل<sup>۱</sup>:

۶۲۵ - حَذَق<sup>(۱)</sup>، حَذَق<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: بادنجان<sup>۳</sup>، بادنجان دشتی<sup>۴</sup> - اهل حجاز: شوكة العقب<sup>۵</sup> - اهل قدس: بادنجان بری<sup>۶</sup> - هندی: بهتکتیه<sup>۷</sup>، کتبیکن<sup>۸</sup>

۶۲۶ - حدیدی<sup>۹</sup>: یونانی: سندریطس<sup>۱۰</sup>۶۲۷ - حربث، حُرْبُث<sup>۱۱</sup>، حُرْبُث<sup>۱۲</sup>، حُرْبُث<sup>۱۳</sup>: نام‌های دیگر آن: پیژه، تمک، انیسون البری

الموسوعه	حربث	<i>Astragalus annulaire</i>
----------	------	-----------------------------

۶۲۸ - حربه<sup>۱۴</sup>: (نامی عربی)

زریاب	حربه	<i>Aspidium lonchitis</i>
-------	------	---------------------------

۶۲۹ - حرشاء: 'اشبیلی' می‌گوید: به چهار نوع گیاه گفته می‌شود: ۱ - نوع مشهورتر آن خردل بری است. ۲ - گیاهی به نام رضایف و ردایف ۳ - گیاهی به نام مَصاصه و خربشه ۴ - گیاهی با نام قرادیة و قرذالیوم<sup>۱۵</sup>

۶۳۰ - حَرْشَف<sup>۱۶</sup>، حَرْشَف<sup>۱۷</sup>، حَرْشَف<sup>۱۸</sup>، حَرْشَف<sup>۱۹</sup>، حَرْشَف<sup>۲۰</sup> (نامی نبطی)، کَنکر<sup>۲۱</sup>، کَنکر<sup>۲۲</sup>، کَنکر<sup>۲۳</sup>، کَنکر<sup>۲۴</sup>، کَنکر<sup>۲۵</sup> (نام صمغ)، تراب القی<sup>۲۶</sup>، تراب القی<sup>۲۷</sup>، عَکُوب<sup>۲۸</sup>، عَکُوب<sup>۲۹</sup>، عَکُوب<sup>۳۰</sup>، شوك الدَّهن<sup>۳۱</sup>، شوكة الدهن<sup>۳۲</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: عکوب<sup>۳۳</sup>، سلبین<sup>۳۴</sup>، خربع<sup>۳۵</sup> - فارسی: کنگر<sup>۳۶</sup>، دروکی کنگر<sup>۳۷</sup> - سریانی: دعالفنا<sup>۳۸</sup> - رومی: کنکریس<sup>۳۹</sup> - یونانی: سقولوموا<sup>۴۰</sup> - کبر<sup>۴۱</sup> - نام نوع بستانی: کناروس<sup>۴۲</sup> - صمغ آن: کنکرزد<sup>۴۳</sup> - نام نوع بری: فارسی: کنگرزد<sup>۴۴</sup> - نام صمغ آن: فارسی: کَنکرزِد<sup>۴۵</sup> - کنگری<sup>۴۶</sup> - تراب القی<sup>۴۷</sup> - حَرْشَف<sup>۴۸</sup> و کَنکر<sup>۴۹</sup> باشد و او دو جنس است دشتی و بستانی<sup>۵۰</sup> - تراب القی<sup>۵۱</sup> به فارسی «کنکرزد» نام دارد و آن صمغ «حَرْشَف» است.<sup>۵۲</sup> - «حَرْشَف» دارای انواع بسیاری است ولی مشهور آن نزد پزشکان نوع بستانی و بری آنست، نوع بستانی آن «کنکر» و به عجمی اندلس «قناریه» نام دارد و نام نوع بری به یونانی «سقولومس» است و عامه اندلس به آن «لِصَف» گویند.<sup>۵۳</sup> - «ابن بیطار» می‌گوید: کَنکر = حَرْشَف بستانی و کَنکر زِد = صمغ الحَرْشَف، تراب القی<sup>۵۴</sup> "حامد بن سمجون" می‌گوید: «کنکر بری» نوعی از خار با نام یونانی «آفتش» و با نام عربی «هیشر» است.<sup>۵۵</sup> - «غسانی» می‌گوید: دارای انواع بستانی و بری با انواع فراوان است، نام بستانی آن «قناریه» است. بری آن با انواع فراوان بوده نام نوعی از آن «حَرْشَف» است که گیاه معروفی است و پس از پختن سر شاخه‌های آن مورد استفاده غذایی می‌شود و نام نوع دیگر آن «باذورد» و نوع دیگر «افزان» و نوعی «تافغیت» و در شهر فاس معروف به «تاففا» است.<sup>۵۶</sup> 'اشبیلی' می‌گوید: دارای انواع بری و بستانی با نام‌های زیر است:

۱ - نوع بستانی معروف: کَنکر، قناریه، سقولومس، قشلومن، کنجر، خنجر، قنار، عَکَر - اهل شام: عَکُوب ۲ - قناریه بری با نام طوب و قوبع ۳ - تمیط ۴ - الداد، شوک الفلک، بشکرانیة ۵ - شوک الدراجین، عَطشان ۶ - باذورد ۷ - لَصِیف، ایفَد، کَنکر الکبیر، سیلونس، عَکُوب الفارسی، شوک الجمل ۵ - لَصِیف، شِیبِیة<sup>۵۷</sup>

سَقُولُومُس (*Skolumos*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: حَرْشَف البری - عامه اندلس: لَصَف  
آفتش (*Acanthos*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: حَرْشَف البُستانی - کَنکر - عامه اهالی مغرب: قناریه (*Cynara*) [ابن بیطار (در ترجمه

دیسکورید) ۳ - ۱۴ و ۱۷]

دیسکورید	سقولومس - حَرْشَف بری - لَصَف	کاشته شده	<i>Cynara scolymus L.</i>
دیسکورید	آفتش - حَرْشَف بستانی - کَنکر - قناریه		<i>Scolymus hispanicus L.</i>
زر - طب:	کَنکر	کاشته شده	<i>Cynara scolymus L.</i>
پارسا	کَنکر دهری - کَنکر فرنگی	کاشته شده	<i>Cynara scolymus L.</i>

<i>Gundelia tournefortii</i> L.	تریاک برگردان - تراب القی - کنگر زرد - کنگر	پارسا
<i>Cynara</i> sp.	حرشف - هیثر - قَرَدون	الموسوعه
<i>Silybum marianum</i> Gaer.	حرشف بری	طباطبائی
<i>Cynara scolymus</i> L. <i>Silybum marianum</i> Gae.	عکوب	زر. - طبأ.
<i>Gundelia tournefortii</i> <i>Silybum marianum</i> Gae.	عَكُوب	الموسوعه
<i>Cynara scolymus</i> L. <i>Cynara cardunculus</i> L. <i>Silybum marianum</i> Gae.	حرشف بستانیی حرشف بری حرشف بری یا نام عکوب یا شوک الدمن	خطابی

۶۳۱- حُرْفُ؛ حرفٌ، حرفٌ، حرفٌ، حرفٌ، حرفٌ (نامی نبطی)، ثَقَاءٌ، رشادٌ، قردامنٌ (یونانی)، حب الرشادٌ: نام‌های دیگر آن: عربی: ثَقَاءٌ، حب الرشادٌ، ثَقَاٌ - سریانی: مقلیانانٌ، مقلیانٌ، مَقْلِیثٌ، تحلی - عبری: بلاسفین - فارسی: تخم سپندان، اسفند سفید، تخم تره تیزک، شب خیزک - یونانی: قردامومن، قردمون - حرف المَحْمَص - حرف ابیض - هندی: هالم، اهلوا - تون تره - سپندانک - نام حرف ابیض: اسفند سفید، خردل سفید - نام حرف بابلی: بردیلاسقیس «اشبیلی» می‌گوید: از جنس هدیبات و بصورت زراعی و خودرو است انواع آن عبارتست از: ۱- بستانی احمر زراعی با نام‌های: قردامن، قردامومن، تاسلفی، تلاشفین، تنالیش، اسطورا، الثُفاء، ثَقَاء، حُرْف، حرف البابلی، مقلیان ۲- نوع ابیض بستانی: با نام‌های: ثلسفی، خردل الفارسی، اسفند، حرف الشامی، حرف السطوح، حرف البری، جرجیر الکلاب، حرف المائی، سبسرین ۳- نوع بستانی مشرقی با نام‌های: لیبیدون، درابی، حرف المشرقی، حُوق الماء - «ثَقَاء» نام «حُرْف» معروف به «حب الرشاد» است.

<i>Lepidium sativum</i> L.	حرف - ثقا	زرياب
<i>Nasturtium officinale</i> R.Br.		
<i>Nasturtium officinale</i> R.Br.	حرف	خطا..EN

۶۳۲- حرف ابیض، اسفند، اسفند اسفید: نام‌های دیگر آن: فارسی: اسفندان سفید- هندی: سرسون،  
 ثلاثیس - اسفندسناه (اسفندسناه) اسفندشغان = خردل سفید - عربی: خردل الابيض - حرف سفید

<i>Sinapis alba</i> L. <i>Brassica alba</i> L.	اسفند - خردل سفید	زریاب
<i>Lamium album</i> L. <i>Brassica alba</i> L.	حرف ایض	طباطبائی

۶۳۳- حرف البابی؛ بزرگلاستیس: نام‌های دیگر آن: سریانی: زوفرا، تحلی، بابلیایا، - ثلاثی (Thlaspi): از جنس «حرف» است و آن گیاهی معروفی است که اهالی اندلس آن را با نام «اشیرون» می‌شناسند و برخی از دانشمندان متأخر آن را همان «حرف بابلی» و «حرف أبيض» و «حرف السطوح» می‌شناسند ولی صحیح آنست که «حرف بابلی» همان «حرف احمر» است. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۲- ۱۳۹]

<i>Lepidium campestris</i> R.BR.	تلسفی - حرف بابلی	دیسکورید
----------------------------------	-------------------	----------

۶۳۴- حرف السطوح، حرف السطوح، حرف السطوح، ظفرة الفروج، نام‌های دیگر آن: یونانی: تلسفی، تلسفین، - عوام اندلس: اشیرون، آسیرون، اشترینه میاطش، پزشکان: حرف بابلی - نام نوع دیگر: بجبلین، باذبلین یعنی رجل الفروج - ظفرة الفروج

الموسوعة	حرف السطوح، خردل فارسی، صواب بری	<i>Lepidium campestre R.BR.</i>
طباطبائی	حرف السطوح	<i>Lepidium campestre R.BR.</i>

۶۳۵- حرف الماء، حرف الماء، حرف الماء، حرف الماء؟ نام‌های دیگر آن: جرجیر الماء نام گیاه در کتاب دیسکورید: سنبریون - قرادامون - سیسنبرون - قرا دسینی، سیسنبرینی اقوانته، قرا مینن

الموسوعة	حرف الماء - رشاد بری	<i>Seneblera coronopus Poir.</i> <i>Cochlearia coronopus L.</i>
طباطبائی	حرف الماء	<i>Nasturtium officinale R.Br.</i>

۶۳۶- حرف المشرقی، حرف مشرقی: درابی (Drabe): بنا به نظری نام «حرف المشرقی» است و صقاله آن را به نام «أخران» می‌شناسند. ولی من - ابن یطار - نسبت به آن شناختی ندارم. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۰]

دیسکورید	درابی - حرف مشرقی	<i>Lepidium draba L.</i>
----------	-------------------	--------------------------

۶۳۷- حُرْمَل، حُرْمَل، حُرْمَل، حُرْمَل، حُرْمَل (نامی سریانی)، مولی: نام‌های دیگر آن: فارسی: اسفند، سپند، سریانی: زرع بشاشا - سندی: هملو - سجری: سبری تهلك - سداب البر - نوع دیگر آن: اسفند - دیسکورید: مولی - دو نوع است سفید و قرمز، نوع سفید آن نوع عربی است در مورد ماهیت آن اختلاف نظر است. برخی گویند نام «سداب البری» است و گویند نام «خردل» است. - نام‌های نوع سفید: حُرْمَل عربی - یونانی: مولی - فارسی: ضدل دانج - سریانی: بسباسا - نام‌های نوع قرمز: حُرْمَل عامی - فارسی: اسفید - شیرازی: ننوند، هزار سفید - اشبیلی: می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «سداب بری» و «مولی» می‌گویند و عده‌ای نام فارسی آن را «اسفند» و نام یونانی آن را «مولی» می‌دانند. نام‌های دیگر آن عبارتست از: حُرْمَل، حُرْمَل - دارای سه نوع ۱ - حُرْمَل الاحمر ۲ - نوع دیگر آن نوعی از «خردل بری» با نام «ايقارن» است. ۳ - نوعی که «ابوحنیفه» آن را با عنوان «حرملة» معرفی کرده است و سایر نام‌های آن عبارتست از: اسفند، اسفندار، اولایی بوشاشا، حُرْمَل فیغانن (Peganon): واژه صحیح آن با توجه به تلفظ یونانی آن «بیغانن» است و آن نام «سداب بری» و «سداب بستانی» است، دیسکورید تحت همین نام گیاه «حُرْمَل» را که نام فارسی آن «اسفند» است، یادآور می‌شود. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۳]

ز. - ط. - خ.	حُرْمَل	<i>Peganum harmala L.</i>
دیسکورید	فیغانن - بیغانن - اسفند - مولی	<i>Peganum harmala L.</i>
پارسا	اسپند - اوزاریخ (ترکی) - سداب کوهی - حُرْمَل	<i>Peganum harmala L.</i>
الموسوعة	حُرْمَل - غَلَّة الذنب	<i>Peganum harmala L.</i>

۶۳۸- حُرْمَلَه، حُرْمَلَه: نام عربی آن قصبانا است.

<i>Sarcostemma viminalis</i>	حرمله	الموسوعه
------------------------------	-------	----------

۶۳۹ - حر بملہ، خر بملہ: نام نوع دیگر: تہ نجان: الشعب ش

[illegible]

<i>Anethum graveolens</i> L. <i>Echinophora tenuifolia</i> <i>Laserpitium siler</i> <i>Levisticum officinale</i> Koch.	حزاء - زوفرا	زرياب
<i>Echinophora tenuifolia</i>	حزاء	EN.

٦٤١ - حِزَاءَةٌ، حِزَاءٌ ش:

۶۴۲۔ حزاء آخری، حزاء آخری ش: دوراوش

۶۴۳- حَزاء بَری: نام‌های دیگر آن: خِراةُ - شیرازی: کو خِر

۶۴۲- حَزَّازُ الصَّخْرِ، حَزَازُ الصُّخُورِ، حَزَاذُ الصَّخْرَةِ، حَزَازُ الصَّخَرِ، حَزَازُ الصَّخْرِ، حَنْاءُ قَرْيَشٍ، حَنْاءُ فَرِيشٍ<sup>۱</sup>: (حزاز نام نوعی بیماری است که این گیاه آن را درمان می‌کند) نام‌های دیگر آن: حزاز الجبل<sup>۲</sup> - مصر: حناء القريش<sup>۳</sup> - فارسی: گل سنگ<sup>۴</sup> - دیلمی: سنگ حنا<sup>۵</sup> - ارجانه<sup>۶</sup>

<i>Roccella tinctoria</i> DC. <i>Lecanara circummunita</i> nyl.	حزاز الصخور - حزاز الجبل	زرياب
<i>Usnea barbata</i>	حزاز الصخر - شبية العجوز	الموسوعه
<i>Roccella tinctoria</i> DC. <i>Lecanara circummunita</i> <i>Cetraria islandica</i> (L.) Ach. (moss)	حزاز الصخر	طباطباني

۶۴۵ حَزْزَبِيلٌ، يَاحَزْزَبِيلُ، حَزْزَبِيلٌ، حَزْزَبِيلٌ، حَزْزَبِيلٌ: (نامی عربی) جنسی است از «همین سید» نام‌های دیگر آن: کف الدابة، کف النسر - یونانی: مُزْيَافَلَن - بیخی است که از طرف شام و بیت المقدس می‌آورند و سفید تیره رنگ است که به سیاهی مایل بود.

<i>Ochna</i>	حُرْثِيل - عيون الثمر	الموسوعة
<i>Myriophyllum spicatum</i>	حزنيل الماء - حزنيل الغي	الموسوعة
<i>Achillea millefolium</i>	حزنيل	زرياب
<i>Myriophyllum sp.</i>		
<i>Andropogon nardus L.</i>	حزنيل	EN.

۶۴۶- حصار<sup>۱۱</sup>: «اشبیلی» می‌گوید: برخی آن را نوعی «خُرف بری» می‌دانند و من آن را با نام «ظَفِیرَةُ الفُروج» و «جُبُلین» می‌شناسم و نام دیگر آن





EN.	حشیشة الداحس	<i>Paronchia sp.</i>
-----	--------------	----------------------

۶۵۴ - حشیشة دودیه<sup>۲</sup>، حشیشة دودیه<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: سقوفندریون<sup>۴</sup>، وجه تسمیه: «سقوفندرو» برای شباهت آن کرم هزار پاست و به همین دلیل به آن «حشیشة دودیه» (کرم مانند) می گویند.<sup>۵</sup> آشبیلی<sup>۶</sup> می گوید: این نام به گیاهانی از قبیل: «ننغ، دخن البری، ورد، اسارون» گفته می شود زیرا ریشه آن ها مانند کرم در زمین پیچ می خورند.<sup>۷</sup>

الموسوعة	حشیشة الدود، حشیشة الشفاء، حشیشة الملوك	<i>Tanacetum vulgare L.</i>
----------	---	-----------------------------

۶۵۵ - حشیشة الدم: منظور گیاهانی است که موجب بند آمدن خون می شوند از قبیل: فضیة، لسان الحمل، اذن الارنب، رجل الحمامه، انواع عصا الراعی و بویژه گیاهی به نام قاب طیره<sup>۸</sup>

۶۵۶ - حشیشة الرثة<sup>۹</sup>: به معنی مفید برای ذات الریه نام دیگر آن: آئنة دغاته<sup>۱۰</sup>

۶۵۷ - حشیشة الزجاج<sup>۱۱</sup>، حشیشة الزجاج<sup>۱۲</sup>، حشیشة الزجاج<sup>۱۳</sup>، حشیشة الزجاج<sup>۱۴</sup>، حشیشة الزجاج<sup>۱۵</sup>، عوقیة<sup>۱۶</sup>: نام های دیگر آن: رومی: کسنین<sup>۱۷</sup> - اهل اندلس: حبیقه<sup>۱۸</sup>، حَقَالَة<sup>۱۹</sup>، حبقا<sup>۲۰</sup> - فارسی: گیاه آبگینه<sup>۲۱</sup>، گیاهی آبگینه<sup>۲۲</sup> - نام گیاه در کتاب اوریباسیوس: الکسینی<sup>۲۳</sup> - نام گیاه در کتاب بولس: بردیقاس<sup>۲۴</sup> - «غسانی» می گوید: این گیاه بر دو نوع است از نوعی «قلی» ساخته می شود که در ساختن آینه از آن استفاده می شود و معروف به «شب ارماس» و نوعی از «قطف» است و نوع دوم که در شستشوی آینه و جلا دادن آن استفاده می شود معروف به «عشبة البرطال» است و مردم به آن «حبیقه» گویند.<sup>۲۵</sup> آشبیلی<sup>۲۶</sup> می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است و بر سه قسم گیاه گفته شده است: ۱ - گیاهی مشابه القسینی با نام های: القسینی، انفسینی، انکسینی، بطریره، بطرقیره، ابی رستم، مؤش اوطیش، ارقلیا ۲ - اذان الفار ۳ - رفاید<sup>۲۷</sup>

أَلْقَسِیْنِ (*Helxine*): حشیشة الرُّجَاج - به این نام مشهور است زیرا تمیز کننده شیشه و آینه است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۸]

زر، EN.	حشیشة الزجاج	<i>Parietaria officinalis L.</i>
دیسکورید	القسینی - حشیشة الزجاج	<i>Parietaria diffusa L.</i>
الم. - خط.	حشیشة الزجاج	<i>Parietaria cretica</i>

۶۵۸ - حشیشة السعال<sup>۲۸</sup>، حشیشة السعال<sup>۲۹</sup>: نام دیگر آن: یونانی: فیخون<sup>۳۰</sup>، آشبیلی<sup>۳۱</sup> می گوید: این نام به گیاهان مختلفی از قبیل: کُزْبَرَة البیر، اسطوخودوس گفته می شود ولی درست تر آنست که نام «جعدة الجدران» یا «هندباء الاجعد» است.<sup>۳۲</sup>

الموسوعة	حشیشة السعال - فزفارة	<i>Tussilago farfara</i>
EN.	حشیشة السعال	<i>Tussilago farfara</i>

۶۵۹ - حشیشة الطحال<sup>۳۳</sup>، حشیشة الطحال<sup>۳۴</sup>، حشیشة الطحال<sup>۳۵</sup>: نام دیگر آن: یونانی: سقوفندریون<sup>۳۶</sup> به گیاه دیگری با نام یونانی «طوقوریوس» و به گیاهی به نام «أمیونیطس» هم می گویند.<sup>۳۷</sup> آشبیلی<sup>۳۸</sup> می گوید: این نام به گیاهانی که برای درد طحال مفیدند گفته می شود یکی از این گیاهان به نام «رئیس الجبل» و دیگری به نام «بیلطس» معروف به «عشبة الطحال» و «تیلت اینرطف» است.<sup>۳۹</sup>

زریاب	جترک - حشبة الادویه - حشیشة الطحال	<i>Cetrach officinarum</i>
-------	------------------------------------	----------------------------

۶۶۰ - حشیشة الطلق<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: ابومارس<sup>ش</sup> - نام نوع دیگر: اوبلس وفلوطین<sup>ش</sup>

۶۶۱ - حشیشة العلق<sup>(۱)</sup>: نام‌های دیگر آن: گیلان: خنیس<sup>۱</sup> - مازندران: اوحی<sup>۱</sup>

۶۶۲ - حشیشة الفرج<sup>ش</sup>:

۶۶۳ - حشیشة القمل<sup>ش</sup>: نوعی جَفده نام دیگر آن: پرنه بُذلییره<sup>ش</sup>

۶۶۴ - حشیشة الکبد<sup>ش</sup>: این نام مربوط به گیاهانی است که برای کبد مفیدند از قبیل: افستین، هندباء، غافت، رئیس الجبل و... نام دیگر آن: امّ وجع الکبد<sup>ش</sup>

۶۶۵ - حشیشة المَعْدِن<sup>۱</sup>: نام دیگر آن: ریش سمندر<sup>۱</sup>

۶۶۶ - حُضْض<sup>۱</sup>، حُضْض<sup>۲</sup>، حُضْض<sup>۳</sup>، حُضْض<sup>۴</sup>، حُضْض<sup>۵</sup>، حُضْض<sup>۶</sup>، حُضْض<sup>۷</sup>، حُضْض<sup>۸</sup>، حُضْض<sup>۹</sup>، حُضْض<sup>۱۰</sup>، حُضْض<sup>۱۱</sup>، حُضْض<sup>۱۲</sup>، حُضْض<sup>۱۳</sup>، حُضْض<sup>۱۴</sup>، حُضْض<sup>۱۵</sup>، حُضْض<sup>۱۶</sup>، حُضْض<sup>۱۷</sup>، حُضْض<sup>۱۸</sup>، حُضْض<sup>۱۹</sup>، حُضْض<sup>۲۰</sup>، حُضْض<sup>۲۱</sup>، حُضْض<sup>۲۲</sup>، حُضْض<sup>۲۳</sup>، حُضْض<sup>۲۴</sup>، حُضْض<sup>۲۵</sup>، حُضْض<sup>۲۶</sup>، حُضْض<sup>۲۷</sup>، حُضْض<sup>۲۸</sup>، حُضْض<sup>۲۹</sup>، حُضْض<sup>۳۰</sup>، حُضْض<sup>۳۱</sup>، حُضْض<sup>۳۲</sup>، حُضْض<sup>۳۳</sup>، حُضْض<sup>۳۴</sup>، حُضْض<sup>۳۵</sup>، حُضْض<sup>۳۶</sup>، حُضْض<sup>۳۷</sup>، حُضْض<sup>۳۸</sup>، حُضْض<sup>۳۹</sup>، حُضْض<sup>۴۰</sup>، حُضْض<sup>۴۱</sup>، حُضْض<sup>۴۲</sup>، حُضْض<sup>۴۳</sup>، حُضْض<sup>۴۴</sup>، حُضْض<sup>۴۵</sup>، حُضْض<sup>۴۶</sup>، حُضْض<sup>۴۷</sup>، حُضْض<sup>۴۸</sup>، حُضْض<sup>۴۹</sup>، حُضْض<sup>۵۰</sup>، حُضْض<sup>۵۱</sup>، حُضْض<sup>۵۲</sup>، حُضْض<sup>۵۳</sup>، حُضْض<sup>۵۴</sup>، حُضْض<sup>۵۵</sup>، حُضْض<sup>۵۶</sup>، حُضْض<sup>۵۷</sup>، حُضْض<sup>۵۸</sup>، حُضْض<sup>۵۹</sup>، حُضْض<sup>۶۰</sup>، حُضْض<sup>۶۱</sup>، حُضْض<sup>۶۲</sup>، حُضْض<sup>۶۳</sup>، حُضْض<sup>۶۴</sup>، حُضْض<sup>۶۵</sup>، حُضْض<sup>۶۶</sup>، حُضْض<sup>۶۷</sup>، حُضْض<sup>۶۸</sup>، حُضْض<sup>۶۹</sup>، حُضْض<sup>۷۰</sup>، حُضْض<sup>۷۱</sup>، حُضْض<sup>۷۲</sup>، حُضْض<sup>۷۳</sup>، حُضْض<sup>۷۴</sup>، حُضْض<sup>۷۵</sup>، حُضْض<sup>۷۶</sup>، حُضْض<sup>۷۷</sup>، حُضْض<sup>۷۸</sup>، حُضْض<sup>۷۹</sup>، حُضْض<sup>۸۰</sup>، حُضْض<sup>۸۱</sup>، حُضْض<sup>۸۲</sup>، حُضْض<sup>۸۳</sup>، حُضْض<sup>۸۴</sup>، حُضْض<sup>۸۵</sup>، حُضْض<sup>۸۶</sup>، حُضْض<sup>۸۷</sup>، حُضْض<sup>۸۸</sup>، حُضْض<sup>۸۹</sup>، حُضْض<sup>۹۰</sup>، حُضْض<sup>۹۱</sup>، حُضْض<sup>۹۲</sup>، حُضْض<sup>۹۳</sup>، حُضْض<sup>۹۴</sup>، حُضْض<sup>۹۵</sup>، حُضْض<sup>۹۶</sup>، حُضْض<sup>۹۷</sup>، حُضْض<sup>۹۸</sup>، حُضْض<sup>۹۹</sup>، حُضْض<sup>۱۰۰</sup>

نام‌های دیگر آن: رومی: لوقیون<sup>۱</sup> - سریانی: مرارت فیلا<sup>۱</sup> - فارسی: پیل زهره<sup>۱</sup>، هدل<sup>۱</sup> - هندی: قولوط<sup>۱</sup> - سندی: وَطه<sup>۱</sup> - جالینوس: فیلزهرج<sup>۱</sup> - شیرازی: هلال<sup>۱</sup> - کحل خولان<sup>۱</sup> = حُضْضِ یمانی<sup>۱</sup> دو نوع است: نام نوع مکی: یونانی: لوفیون<sup>۱</sup> - نام نوع هندی: رسوت<sup>۱</sup> - "غسانی" می‌گوید: «حُضْض» نامی برای «کُحل خولان» است و آن عصاره «کُرم» است و گویند عصاره «صبر» در مرتبه دوم عصاره گیری آن است کما اینکه به عصاره اول «صبر» و به عصاره سوم آن «مُقر» گفته می‌شود. این گیاه نزد اهالی و عطاران فاس به «خولان المکی» معروف است.<sup>۲</sup> دارای انواعی است مکی، هندی و مشهدی و بهترین نوع آن برای مداوای ورم‌ها نوع مکی و جهت بوی (بر طرف کردن بوی نامطلوب بدن) نوع هندی است. و نوعی هست که شیراز از ورق‌های - برگ‌ها - آن می‌سازند و روستائیان شیراز آن را «هلل مشکک» خوانند.<sup>۳</sup> در کتاب فردوس الحکمة آمده: عصاره درختی است، دو نوع عربی و هندی دارد. نوع عربی را عصاره «خولان» و نوع هندی را عصاره «فیلزهرج» گویند.<sup>۴</sup> "ماسرجویه" می‌گوید: «فیلزهرج» سه نوع است، یک نوع هندی، دیگری عربی بنام «حُضْض» و از نوع سوم «زرشک» حاصل می‌شود.<sup>۵</sup>

لُوفیون (Lukion): شَجَرَةُ الحُضْض - کُحل خولان - نام عصاره است به زبان هندی به آن «فیلزهرج» به معنای زهره فیل می‌گویند. گیاه معروف اندلس است. "دیسکورید" دو نوع از آن را ذکر کرده است: نوعی در اصطلاح گیاهشناسی به نام «عوسج الأسود» است. نوع دوم آن به نام «لُنْخِیطِس» (Lonkhitis) است که تردید نیست همان نام «شجرة الأمیرباریس» یا «زرشک» باشد زیرا منظور از «امیرباریس» - در منابع - همان «حُضْض» است و «حُضْض» از ریشه های این گیاه تهیه می‌شود که نزد مردم نام «عودالریح المغربی» و نزد مردم اندلس به «أزغیس» (اصطلاح بربری) مشهور است و به لاتینی به آن مصربه «أشکیطله» (Oxyacantha) گویند. این مطالب برای کسی که در شرح گیاه به توسط دیسکورید دقت کرده و خود، گیاه و محل رویش و «حُضْض» را که از پخته شدن ریشه گیاه حاصل می‌شود، دیده باشد مورد قبول است. [این پیتار (در ترجمه دیسکورید) ۱-۱۰۲]

<i>Rhamnus infectoria</i> L. <i>Areca catechu</i> Willd. <i>Rhamnus infectoria</i> L.	نوع اول لوقیون - فیلزهرج	دیسکورید
<i>Berberis lycium</i> Roy.	لوقیون نوع دوم، لنخیطس، زرشک، امیرباریس	دیسکورید
<i>Lycium afrum</i> L. <i>Rhamnus infectoria</i> L.	لوقیون - پیل زهره - حُضْض	ززباب
<i>Lycium</i> sp. <i>Rhamnus infectoria</i> L.	حُضْض	الموسوعه
<i>Lycium afrum</i> L.	حُضْض	خطا، EN.

۶۶۷ - حُلاب<sup>۱</sup>، حُلاب<sup>۲</sup>:

۶۶۸ - حُلبَه<sup>۱</sup>، حُلبَه<sup>۲</sup>، حُلبَه<sup>۳</sup>، حُلبَه<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: سریانی: حمصلیثا<sup>۱</sup> - فارسی: شملت<sup>۱</sup> - شام: فریقه<sup>۱</sup> -

گیلان: خلبه<sup>۱</sup> - اصفهان: شنبلیله<sup>۲</sup> - شیراز: شملیز<sup>۳</sup> - هندی: میتھی<sup>۴</sup> - از انواع آن می توان به «نفل»، «خندقوفا»، «بصبصه» و «رجل الغراب» اشاره کرد که همگی مشهورند.<sup>۵</sup>

Trigonella foenum-graecum L.	خلبه - شملت	ز. - خ. ط.
Trigonella grandiflora Bunge.	شنبلیله - اکلبل الملک - ناخنک	پارسا
Trigonella sp.	خلبه	الموسوعه

۶۶۹ - حَلَبَلَب<sup>۶</sup>، حَلَبَلَب<sup>۷</sup>، حَلَبَلَب<sup>۸</sup>: نام های دیگر آن: لبلاب<sup>۹</sup> - سجزیه: اشبرک<sup>۱۰</sup> - حَلَبُوب<sup>۱۱</sup> غیر منقط<sup>۱۲</sup> - قرداسات الذوائب<sup>۱۳</sup> گویند نام «لبلاب» پهن برگ بنام «قُتُوس» است و بعضی نیز آن را «لایعه» می نامند.<sup>۱۴</sup>

Bupleurum sp.	حَلَبَلَب - ضِلَع البقره	الموسوعه
Bupleurum fruticosum L.	حَلَبَلَب مُشَوَّش - أَذُن الْأَرْب	الموسوعه
Bupleurum rotundifolium Schous.	حَلَبَلَب مستدیر الورق - ثاقب الورق	الموسوعه

۶۷۰ - حَلَبِيب<sup>۱۵</sup>، حَلِيب<sup>۱۶</sup>: نام های دیگر آن: سورنجان هندی<sup>۱۷</sup>

۶۷۱ - حَلِيبَة<sup>۱۸</sup>: برخی نام آن را «بَقْلَةُ الحَمَاء البرية» می دانند ولی بقراط به آن «یلیلون» گفته است.<sup>۱۹</sup>

۶۷۲ - حَلَبُوب<sup>۲۰</sup> (نامی نبطی)، حَلُوب<sup>۲۱</sup>، حَلِيب<sup>۲۲</sup>: نام های دیگر آن: لبلاب<sup>۲۳</sup> - جبل المساکین<sup>۲۴</sup> - عشقه<sup>۲۵</sup> اندلس: حریف الاملس<sup>۲۶</sup>، حَرْقِ الْأَمْلَس<sup>۲۷</sup>، عصا هرمس<sup>۲۸</sup>، خصی هرمس<sup>۲۹</sup> - یونانی: لیئورسطس<sup>۳۰</sup>، برسانئون<sup>۳۱</sup>، اربوطانون<sup>۳۲</sup> لیئوزسطیس (Linostotis): نام «عصا هرمس» است، مؤلفی نام آن را برگرفته از «خصی هرمس» دانسته است. نام های دیگر به لاتینی «یَزَبَه نَقِيشَه» است و گیاهشناسان اندلسی به آن «حَلُوب» و «حَرْقِ الْأَمْلَس» گویند. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱۱]

Euphorbia dendroides L.	حَلَبَلَب - حَلِيبُوب غیر منقط	زریاب
Mercurialis annua L.	دیسکورید لیئوزسطس، عصا هرمس، حَلِيبُوب، حَرِيقْ أَمْلَس	دیسکورید
Mercurialis sp.	دیسکورید حَرِيقْ، عصا هرمس، حَلِيبُوب، حَشِيشَةُ الرَّثِيق	دیسکورید

۶۷۳ - حَلْتِيت<sup>۳۳</sup>، حَلْتِيت<sup>۳۴</sup>، حَلْتِيت<sup>۳۵</sup>، حَلْتِيت<sup>۳۶</sup>: محروث<sup>۳۷</sup> سبب انجدان رجوع شود، صمغ محروث<sup>۳۸</sup> یا صمغ انجدان<sup>۳۹</sup> - نام های دیگر آن: سریانی: حَلْتِيتَا<sup>۴۰</sup>، دعاقوویتنا<sup>۴۱</sup> - سندی: هین<sup>۴۲</sup> (هینگ) - فارسی: انکزرا<sup>۴۳</sup>، انگزد<sup>۴۴</sup> انجدان زد<sup>۴۵</sup>، انگزد<sup>۴۶</sup>، انگزه<sup>۴۷</sup> اغوزه<sup>۴۸</sup> - اصفهانی: انگشت کنده<sup>۴۹</sup> - هندی: هینک<sup>۵۰</sup>، هیک<sup>۵۱</sup> - دو نوع است: خوشبو و بدبو<sup>۵۲</sup>: نام های نوع خوشبو: کولرپر<sup>۵۳</sup>، نوکانی<sup>۵۴</sup> - نام نوع بدبو: فارسی: کمات<sup>۵۵</sup> - «محروث»، «ساق انجدان» یا ریشه انجدان خوشبو<sup>۵۶</sup> است و به فارسی به آن «گزانگدان خوش<sup>۵۷</sup>» گویند و نام سندی آن «متن هنگ فار» است.<sup>۵۸</sup>

Ferula scordosma Benth & Hook.	حَلْتِيت - محروث - گز انجدان	زریاب
Ferula assafoetida L.		
Ferula assafoetida L.	حَلْتِيت	ز. - خ. ط. - ع.
Ferula assafoetida L.	صمغ انجدان - حَلِيبُوب - حَلْتِيت	الموسوعه

۶۷۴ - حَلَفَا<sup>۵۹</sup>، حَلَفَاء<sup>۶۰</sup>، حَلَفَاء<sup>۶۱</sup>: نوعی بردی و از اغلات است. - نام های دیگر آن: قرز<sup>۶۲</sup> - فارسی: پیژرا<sup>۶۳</sup>، (غیشه) - سجزیه: کَرْتَه<sup>۶۴</sup> - اغوری<sup>۶۵</sup>

<i>Poa cynosuroides</i> Retz. <i>Poa multiflora</i> Forsk. <i>Leptochloa bipinnata</i>	حلفاء	زرياب
<i>Stypa</i> sp. <i>Poa multiflora</i> Forsk. <i>Leptochloa bipinnata</i>	حلفاء - حَلْفَة - حَلْفَة	الموسوعه

۶۷۵- حَلَقْ؛ حَلَقْ: عصاره برگ یمنی

۶۷۶- خَلْبٌ: دارای دو نوع است: نام‌های نوع اول آن عبارتست از: اوسیرس، زنبوقه - نام‌های نوع دوم: خَلْبُ التیسسی، خَلْبَاب، خَلْبَابُ ش

۶۷۷- جَلَّة: از جنس شوک و از نوع خنثه است. نام‌های دیگر آن: بریتافه، جنجبنیه، ابزولویه، قججوله - نام نوع دیگر: حشیشة الثومیه<sup>۱۸</sup>

۶۷۸- حَلَمَ: نوعی شلیم با نام «جراطه» است و گویند خشک شده «قَتَّ» است. ش

۶۷۹- حَلْمَه : ش

۶۸۰ - حَمَاحِمٌ، حَمَاحِمْ، حمّاحمٌ، حبّق نبطی<sup>٢</sup>: نوعی فوتنج بستانی<sup>١</sup> - نام‌های دیگر آن: حبّق الکرمائی<sup>٣</sup> - حبّق بستانی<sup>٤</sup> - شام: حبّق نبطی<sup>٥</sup> - عربی: ریسَمْ - فارسی: احتمالاً بُستان افروز<sup>٦</sup> - هندی: کلغه<sup>٧</sup>

<i>Ocimum basilicum</i>	حبیب صغیر - حبیب کرمانی - شاهسفرم	الموسوعه
<i>Ocimum pilosum</i>	حبیب ویر، حبیب قرنفللی، فرنجمشک، حَمَاجِم	الموسوعه

۶۸۱ - حَمَاضٌ، حَمَاضٌ، حُمَاضٌ، حَمَاضٌ، حَمَاضٌ، حُمَاضٌ، بزر حماض، نامر (گل حماض)، تاسمَت (نامی بربری)، تاشمصت (نام بربری)، حب الرشاد از جنس السن، و از نوع جنبه است. نام‌های دیگر آن: حماض<sup>۳</sup> - طوطاق اغریون<sup>۴</sup> - شیرازی: ترشه<sup>۵</sup> - هندی: چرکانا<sup>۶</sup> - فرنگی: (بستانی) اشلیه<sup>۷</sup> (بری) اشلیه پاتم<sup>۸</sup> - فاس: حُمَيْطُ قسم دیگر که کوچکتر و برگ آن سه برگچه است به نام: اطریفیلین، به معنی «حماض سه برگ» است.<sup>۹</sup> - عربی: خمضیض<sup>۱۰</sup> - هندی: انزوله<sup>۱۱</sup> - نام نوع بستانی: سریانی: حموعیاننا<sup>۱۲</sup> - فارسی: ترشیج<sup>۱۳</sup> (ترشه و ترشک و ترشینک)، صرخ بای<sup>۱۴</sup> (سرخ پای) - نام نوع بری: سلق البری<sup>۱۵</sup> - نام نوع جبلی: هلموت<sup>۱۶</sup> - حلیمو<sup>۱۷</sup> - سلق جبلی<sup>۱۸</sup> - نام‌های بذّر آن: حب الرشید<sup>۱۹</sup> - فارسی: تخم ترشه<sup>۲۰</sup> - شیرازی: تخم ترشیشک<sup>۲۱</sup> - هندی: دیله<sup>۲۲</sup>، حماض املی<sup>۲۳</sup> آشبیلی می‌گوید: دارای انواعی است: ۱ - بستانی: اقولاقان، یعنی حماض الماء ۲ - بری: حماض الاجامی، حمّاض، حماض السواقی، نام ریشه: انکولس ۳ - مائی: انطینس، الفلیس، لیمونیون یعنی السبخی، الرمث، سیسبرونه ۴ - سبخی: حماض السبخی، حماض الشامی، لیمونیون، بورقداس ۵ - جبلی: ربیاس الجبلی ۶ - حسکی: حماض الحسکی، قُطَلَب، ربیاس الفارسی، یوریداس ۶- شامی: ربیاس الشامی ۷ - خراسانی: ربیاس الخراسانی، راوند الفارسی و نوع‌های دیگری از قبیل: جَطْرَه - اجْطالَه، جَطیره، حَمْصِص الترف، قرنبا، عَشْبَة الحومل، أَكْرنب البحرى، قولیلیه - شیطنرج الهندی و نوعی از تین که طعم ترشی دارد و در یمن است.

لاباثون (Lapathon): نام «حماض» است و «دیسکورید» چهار نوع حماض را با این نام ذکر کرده است.

أُثُولَا بَاثُنْ (Hippolapathon): نوع پنجم از «حماض کبیر» است. بربری: تَاسَمْتُ - اهل اندلس: لَبَاصَةُ [ابن یطار (در ترجمه دیکورید) ۲]

[100, 99 -

<i>Rumex acutus</i> L. <i>Rumex patientia</i> L. <i>Rumex scutatus</i> L. <i>Rumex acetosa</i> L.	لابائون - حماض	ديسکورید
<i>Rumex hydrolapathon</i> L.	أفولابائون - نوع پنجم حماض کبیر	ديسکورید

<i>Rumex actosa</i> L.	حماض - ثامر	ز. ط.، E.
<i>Rumex conglomeratus</i> L. <i>Rumex obtusifolius</i> L. <i>Rumex elbursensis</i> Boiss. <i>Rumex patientia</i> L.	تخم حماز - استا	پارسا
<i>Oxalis</i> sp. <i>Rumex obtusifolius</i> L. <i>Rumex elburesensis</i> <i>Rumex patientia</i> L.	حُمَاض	الموسوعه

۶۸۲ - حماض الارض<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: خراطین<sup>ع</sup>

۶۸۳ - حماض الاترج<sup>ع</sup>: دارای نوع بری و بستانی است: نام بری، «سلق بری» است و آن بیشتر از جبلی است و در خاک نرم و زمین سبب می‌روید و آن را به یونانی «طوطاق غریون» گویند و به شیرازی بیخ - ریشه - آن را «خلیمو» خوانند... و بستانی را به شیرازی «ترسسک» خوانند.<sup>ع</sup>

۶۸۴ - حماض الأرنب<sup>ع</sup>، حماض الارنب<sup>ع</sup>: کشوث<sup>ع</sup>

<i>Cuscuta epithymum</i> <i>Rumex obtusifolius</i> L. <i>Rumex elburesensis</i> <i>Rumex patientia</i> L.	حُمَاض	طباطبائی
--	--------	----------

۶۸۵ - حماض البقر<sup>ع</sup>، حماض البقر<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: حماض البری<sup>ع</sup>

<i>Rumex patientia</i> <i>Rumex obtusifolius</i> L. <i>Rumex elburesensis</i> <i>Rumex patientia</i> L.	حُمَاض البقر	طباطبائی
--	--------------	----------

۶۸۶ - حماض السواقی<sup>ع</sup>، حماض السواقی<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: حماض الاجامی<sup>ع</sup> اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: همه انواع حماض خود نوعی «حمض» هستند و برخی از انواع «حمض» عبارتند از: ۱ - خُرُض: اشنان القصارین، شبناله، طردجه ۲ - ثیل ۳ - بادی بلاله یعنی رجل الفروج ۴ - اشنان الفارسی: طردجه، قلی ۵ - غاسول: شویلاء ۶ - مَلّاح: کشملخ، کشمخه، غِسلین، ابروطان، حمض الابل ۷ - افانی: شورش لاطه ۸ - تَزْمَد ۹ - الحاذ ۱۰ - اخريط ۱۱ - قَضام و جذرفات ۱۲ - الحاج: عاقول ۱۳ - زَغَل: قَمِلین ۱۴ - شعرا ۱۵ - تَزمان ۱۶ - قَلّام: (نوعی کرفس) اقرونش ۱۷ - قُطْلَب: طردج ۱۸ - خوشان: ذیره ۱۹ - قَزْمَل ۲۰ - خَزْنیل ۲۱ - حَيَّهَل ۲۲ - غُولان: عقاد ۲۳ - ابوقانس ۲۴ - ابرقطس<sup>ع</sup>

۶۸۷ - حماض الماء<sup>ع</sup>، حماض الماء<sup>ع</sup>:

<i>Lapathum aquaticum</i> Scop.	لَبْث، حماض الماء	الموسوعه
---------------------------------	-------------------	----------

۶۸۸ - حماض نیری<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: حماض بستانی<sup>ع</sup>

۶۸۹ - حَمَاط<sup>ع</sup>، حَمَاط<sup>ع</sup>: نوعی «جُمِيز<sup>ع</sup>» - نوعی از آن درختی و قسمی از «تین» است و نوعی علفی که به گیاه خشک «افانی» یا «خَمَلَه» گویند.<sup>ع</sup>

۶۹۰ - حَمَامَا، حَمَامَا، حَمَامَا، حَمَامَا، حَمَامَا، حَمَامَا، حَمَامَا (نامی نبطی)، امامون<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: رومی: او مومون<sup>۳</sup>، امامون<sup>۴</sup>، امؤمن<sup>۵</sup> - سریانی: حَمَامَا - نوعی: فَنطسی<sup>۶</sup> - شیرازی: ماهلو<sup>۷</sup> - بارشطان<sup>۸</sup>، باد دقلنبه<sup>۹</sup> - ارمارینون<sup>۱۰</sup> - "ابن ماسویه" می گوید: بهترین نوع آن، نوع ارمنی است که رنگ آن زرین است.<sup>۱۱</sup> گونه‌ای در آب می‌روید و بوئی مشابه بوی «سداب» دارد و گونه‌ای نبطی به رنگ یاقوت است<sup>۱۲</sup>

أُمُومُنْ (*Amomon*): حَمَامَا [بن بطار (در ترجمه دیکورید) ۱ - ۱۵]

٦٩١- حمز، حومر، حَمَز: نام «تمر هندی» و همچنین نام «قفر اليهود» «کفر اليهود» است. جش

۶۹۲ - حَمَصٌ؛ حمص، جنص، حمص، حمص، حمص، نوعی قطنیه نام‌های دیگر آن: رومی: ارفنتوس، ارینتوس - سریانی: حمصی - فارسی: نخود - هندی: خپه، بوست - هندی و ترکی: بولچاق - نام‌های نوع بری: رومی: ارفامسیس ارینتوس، اغریوس - سریانی: حمصی دبرا - فارسی: نخود دشتی - حَمَصٌ آشیلی می‌گوید: دارای چهار قسم است: ۱ - قرمز با نام: اربیانس ۲ - سیاه با نام‌های: قرونوس، کبلاس ۳ - سفید ۴ - زرد با نام‌های: اربانتوس، افادملس، معروف به مشرقی و طرابلسی - نام‌های نوع بری و غیر زراعی آن عبارتند از: کباس، اربانتس ایمارس - نوع سیاه و قرمز را بخاطر شباهت آن با کرسنه «کرسنی» گویند. و به نوع بزرگ آن «اربانثس» و «اربانثس» گویند.

اُربَنْثُس اِمَارُس (Erebinthos hemeros): نام «حَمَص بری» و «حمص بستانی» است. [ابن بطاردر ترجمه دیسکورید] ۳ - ۹۶]

۶۹۳ - حمص الأمير<sup>ع</sup>، حمص الامير<sup>ث</sup>: نام های دیگر آن: شکوچ<sup>ع</sup> - حَسَك<sup>ث</sup> "اشبیلی" می گوید: برخی آن را به اشتباه «حَسَك» گویند.<sup>ث</sup>

۶۹۴ - حَمَصِص<sup>ث</sup>، حمصيص<sup>ع</sup>، حمصيص<sup>ث</sup>: نوعی حماض نام دیگر آن در خراسان: ترف<sup>ث</sup>

<i>Rumex lacerus</i> Balb.	حمصيص	زرياب
<i>Rumex vesicarius</i> L.		

<i>Oxalis corniculata</i> L.		
<i>Oxalis corniculata</i> L. <i>Rumex vesicarius</i> L.	حماض أصفر، حماض قُرْنی، جَمِضِض	الموسوعه

۶۹۵ - حُمَيْرَاءٌ، حُمَيْرَا، حُمَيْرَا ش. بساط الامیر ش. نوعی بقل نام های دیگر آن: اهل اندلس: رَجُلُ الحَمَامِ ش. - شَنجَار ش. - اشْبیلی ش. می گوید: این نام را برای گیاهان «رَجُلُ الحَمَامَه»، «مَشْكِيَّة»، «أرجالَة» و ریشه «بَنطافلون» بکار می برند.

<i>Adonsonia</i> sp. <i>Rumex vesicarius</i> L. <i>Oxalis corniculata</i> L.	بُؤَاب، باؤَاب، حَبْج، عَمَارَة تَبْلَدی، حُمَيْرَاء، شَجَرَة خَبز القُرود	الموسوعه
--	---	----------

۶۹۶ - حِنَاءٌ، حِنَاءٌ، حِنَاءٌ، حِنَاءٌ (نامی عربی)، فَفْوَسٌ، فَاغِيَّةٌ، يُرْنَاءٌ: نام های دیگر آن: فَاغِيَّةٌ - یونانی اِرْقَانٌ، فُقُولِیونٌ - هندی: مَهَنْدِیْ، اشْبیلی می گوید: دارای انواع بستانی، بری، و جبلی با نام های زیر است: ۱ - بستانی علفی ۲ - بستانی درختی با نام های: قیفرس، فیغروا، فوفارون، اساسنه، یُرْنَا، رَقُون، غَلَام ۳ - نوع بری با نام حناء المجنونه یا مجنون، حناء المروج، حناء الرعاة - نوعی جنبه است ۴ - نوع بری با نام: ابی یَمُوت ۵ - نوع جبلی با نام: حناء الجبلیه، خَطَر ش

قیفروس (*Kupros*): شَجَرَة الحِنَاء - اهل شام: یُرْنَا - عربی: رَقَان، رَقُون [این یطار (در ترجمه دیکورید) ۱ - ۹۷]

<i>Lawsonia alba</i> Lam.	قیفروس - شَجَرَة الحناء - رَقَان	دیسکورید
<i>Lawsonia alba</i> Lam.	فغو - فَاغِيه	زر. - خط.
<i>Lawsonia</i> sp. <i>Lawsonia alba</i> Lam.	حِنَاء - قَطَب - فَاغِيه	الموسوعه
<i>Lawsonia inermis</i> L. <i>Lawsonia alba</i> Lam.	حنا	پا. - طب.
<i>Lawsonia inermis</i> <i>Lawsonia alba</i> Lam.	Sanskrit: Mendika - Hendia: Hena, Mehndi Bombay: Mendi	GLO.IN.

۶۹۷ - حِنَاءُ الغُولَة، حناء الغولة: عامه مصر این نام را برای «شَنجَار» استفاده می کنند.

<i>Onosma</i> sp.	شَنجَار	الموسوعه
<i>Anchusa tinctoria</i> L.	حناء الغول	EN.

۶۹۸ - حَنْدَقُوقِیْ، حَنْدَقُوقِیْ، حَنْدَقُوقِیْ (نامی نبطی)، کَرکَمَان، حَنْدَقُوقِیْ، بَزَر حَنْدَقُوقِیْ، حَبَاقَا، دیواسپست: نام های دیگر آن: حَنْدَقُوقِیْ - رومی: طَرِیفُولُون - سریانی: کَرکَرینَا - فارسی: دیواسپست - سَجْزِی: سَوک، عَرَقْصَاء، عَرِيقْصَاء - شیرازی: انده قوقو - درق - خیاط - دیواسپست - نام های نوع بری: عربی: حَبَاقَا، حَبَاقِی، ذَرَق، ذَرَق - یونانی: لوطوس اغریوس، به معنای حندقوقی بری - فارسی: دیواسپست صحرائی - شیرازی: اندقوقو - لاتینی: لوطوس سکرار - هندی: بسکهره، کده پرته - نام های نوع بستانی: عربی: ذرق - یونانی: لوطوس - به لغتی: طریفِلن - لاتینی: طریفلم اورانم، بوکسطلان طربول رماکه - هندی: همان نام بری است - اصفهان: شبدر - مازندران: شرویه - برخی از پزشکان بی جهت «حندقوقی» و «طریفِلن» را یکی دانسته اند.



<i>Trigonella coerulea</i> Ser. <i>Trigonella hamosa</i> L.	خندقونی - دیوسبست	زر. - طبخا.
<i>Trigonella coerulea</i> Ser. <i>Trigonella hamosa</i> L.	لوطوس أغریوس - حباقا - ذرق	دیسکورید
<i>Melilotus</i> sp. <i>Trigonella hamosa</i> L.	خندقوق	الموسوعه
<i>Arum colcocasias</i> L.	خندقوقا	EN.

فورا (Puroi): حِنْطَة - بُرّ - فُوم - قَمَح [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۶۹]

<i>Triticum vulgare</i> Vill.	حنطه	ز. - خ. ط.
<i>Triticum vulgare</i> Vill.	حنطه - بر - نوم - قمح	دیسکورید

<i>Citrullus colocynthis</i> <i>Trigonella hamosa</i> L.	حنظل - حَدْج - مَرَاة الصَّحَارَى	الموسوعة
---	-----------------------------------	----------

<i>Citrullus colocynthis</i> Schrad.	حَنْظَل	ز،خ،ط،...E
--------------------------------------	---------	------------

۷۰۲ - جَفُول: نام درختی همانند درخت انار

۷۰۳ - حَوْدَان:

<i>Ranunculus</i> sp.	خودان	الموسوعه
-----------------------	-------	----------

۷۰۴ - حُور، حُور، حور رومی: نام های دیگر آن: حوز، کروفس، فارسی: توز، دیسکورید: کهرباء، لوقا: حَوْر و مَنَس ۲ - (Leuke) آن دارای انواعی است. آشیلوی می گوید: از جنس درختان بزرگ و دارای انواع بسیار است برخی از آن عبارتند از: ۱ - نَشَم الاسود ۳ - شجر الصفاف ۴ - حور الرومی: اغیرس ش اغیرس (Aigeiros): شجر الحورالرومی - نام پوست آن «توز» است که با آن تیر و کمان را می بندند. دیسکورید نام صمغ آن را «کهرباء» می داند. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۶۹ / ۱ - ۸۴]

<i>Populus alba</i> L.	لوقا - حور	دیسکورید
<i>Populus nigra</i> L.	اغیرس - حور رومی - توز	دیسکورید
<i>Populus</i> sp.	خَوْر - حَوْر	الموسوعه

### حرف «خ»

۷۰۵ - خافور، خافور: گروهی پنداشته اند نام «مرو» است و همچنین آن را اهالی مصر «خرطال» موجود در «شعیر» گویند. آشیلوی می گوید: برخی آن را «مرو» و عده ای آن را نوعی «حبّ» معروف به «طرطور الحاجب» و «قبسطاله» می دانند و هر دو را «خافور» می نامند.

<i>Danthonia</i> sp.	خافور	الموسوعه
----------------------	-------	----------

۷۰۶ - خالیدونیون، خالیدونیون، خالیدونیون: نام دیگر آن: فشرأ - به یونانی به معنای «خطافی» یعنی منسوب به «خطاف» است و پزشکان به آن «عروق الصفر» گویند. دو نوع است: بزرگ آن «عروق الصفر» و کوچک آن «مامیران» نام دارد و معنی «خالیدونیون ذو الخطافی» بوده بدان سبب که پرستوک چون بچه وی در آشیان نابینا گردد بفرمان حضرت عزت شانه برود و شاخ «مامیران» در آشیانه بیاورد و در آنجا نهد، بچه نابینا بینا گردد و این از خواص آن است فتبارک الله احسن الخالقین

<i>Scrophularia aquatica</i>	خالیدونیوم صغیر	EN.
<i>Chelidonium majus</i>	خالیدونیوم کبیر	EN.

۷۰۷ - خاماسوقی، خاماسوقی: نامی یونانی به معنای «انجیر زمینی» است. - «خاما» به معنای زمین و «سوقی» به معنای انجیر است. - «حنین» در ترجمه مفردات جالینوس این گیاه را «تین جبلی» معرفی کرده که نظر درستی به نظر نمی رسد زیرا دیسکورید «تین جبلی» را در مقاله اول کتاب خود همراه درختان بزرگ یاد کرده است.

<i>Euphorbia chamaesyce</i> L.	خاماسوقی - تین الأرض	الموسوعه
--------------------------------	----------------------	----------

۷۰۸ - خامالوقی<sup>ع</sup>:

الموسوعه	خامابوقی	<i>Chamaepeuce diacantha</i> DC. <i>Cirsium diacantha</i> DC.
----------	----------	--

۷۰۹ - خاماقسیس<sup>ع</sup>:

الموسوعه	سَبْمِمْ أُصْرِيَه - خاماقسُس	<i>Antirrhinum asarina</i> L.
----------	-------------------------------	-------------------------------

۷۱۰ - خامالاء<sup>ع</sup>، خامالاون<sup>ع</sup>: «صاحب جامع<sup>ع</sup> می گوید: «حربا» نوعی «مازریون سیاه» است و نام های دیگر آن «خامالیون»<sup>ع</sup> و «کمالیون» است.<sup>ع</sup> و «اسد الارض» را «مازریون» نامیدن سهو است زیرا «اسد الارض»، «جربا» است و گویند «خامالا» اسم «مازریون» است و این سهو بخاطر اشتراک اسم آن هاست، و هم صاحب جامع از قول برخی متأخرین «اسد الارض» را «خامالاون مالس» می داند که آن «مازریون سیاه» است بنابر این قول صاحب منهج معتبرتر است.<sup>ع</sup> - برگردان آن به عربی «زیتون الأرض» است و آن گیاه «مازریون» است. بسیاری از مترجمان «مازریون» را به اشتباه همان «أسد الأرض» می دانند در حالیکه «أسد الأرض» برگردان «خامالاون الأسود» است و «مازریون» برگردان «خامالاء»، و این اشتباه مترجمان برای نزدیک بودن این دو لفظ با هم است. و من - ابن یطار - برخی از این اشتباهات را در کتاب «الأبانة والأعلام بما فی المنهاج من الخلل والأوهام» ذکر کرده ام.<sup>ع</sup>

۷۱۱ - خامامیلن<sup>ع</sup>: برگردان عربی آن «تَفَاح الأرض» و همان «بابونج» است.<sup>ع</sup>

۷۱۲ - خامشة<sup>ع</sup>، خامشه<sup>ع</sup>: نام دیگر آن نزد اهالی بیت المقدس و شام «شیطرنج شامی» است.<sup>ع</sup>

۷۱۳ - خائق الذئب<sup>ع</sup>، خائق الذئب<sup>ع</sup>، قاتل الذئب<sup>ع</sup>، خائق الذئب<sup>ع</sup>: نام دیگر آن «قاتل الذئب» است.<sup>ع</sup>  
أَفُوقُونُ (*Apocynon*): برگردان آن به عربی «عَنْب الكلاب» یا «انگور سگان» است و گیاه سمی کشنده ای با دانه هائی درون نیامی طویل است و نام دیگر آن «قاتل الذئب» یا «کشنده روباه» است. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۳]

دیسکورید	أفوقونن - قاتل الذئب - عَنْب الكلاب	<i>Aconitum erectum</i> L.
زر، EN.	خائق الذئب - قاتل الذئب	<i>Aconitum napellus</i> L.
پارسا	قاتل الذئب	<i>Aconitum lycoctonum</i> L.
طباطبائی	قاتل الذئب	<i>Aconitum napellus</i> L. <i>Aconitum lycoctonum</i> L.

۷۱۴ - خائق الکلب<sup>ع</sup>، خائق الکلب<sup>ع</sup>، خائق الکلب<sup>ع</sup>: خائق الکلب<sup>ع</sup>، ترمس البری<sup>ع</sup>، فسوة الضبع، قاتل الکلب<sup>ع</sup> - هندی: کلهاڑی<sup>ع</sup> «ابن یطار» در کتاب جامع این گیاه را معادل «قاتل الکلب» می داند. - جالینوس وجه تسمیه آن را «کشنده سگ» می داند.<sup>ع</sup> برخی آن را «فول الخنزیر» با نام «أفوقونس» معرفی می کنند.<sup>ع</sup>

الموسوعه	خوشان - خائق الکلب	<i>Apocynum</i> sp.
طباطبائی	قاتل الکلب	<i>Strychnos nux-vomica</i> L.

۷۱۵ - خائق النمر<sup>ع</sup>، خائق النمر<sup>ع</sup>، خائق النمر<sup>ع</sup>، خائق النمر<sup>ع</sup>: نوعی از مازریون نام های دیگر آن: قاتل النمر<sup>ع</sup> - یونانی: أفونیطن<sup>ع</sup> - قاتل الذئب<sup>ع</sup> - «خائق النمر» یا «قاتل الذئب» را بتازی و پیارسی «گرگ مرگ» گویند.<sup>ع</sup>  
أفونیطن: نام های دیگر آن عبارتست از: قاتل النمر - عامه اندلس: نَبَال (نَبال) [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۰]

<i>Aconitum lycoctonum</i> L.	خائق النمر	زر - طبأ.
<i>Aconitum napellus</i> L.	اقونيطن - قاتل النمر - نبال	ديسكوريد
<i>Aconitum napellus</i> L.	اقونيطون - تاج الملوك	پارسا
<i>Doronicum pardalianches</i> <i>Doronicum cordatum</i> C.Koch	خائق النمر - دُونوق خائق النمر	الموسوعه

۷۱۶- «خَبَازِي»، خَبَازِي، خَبَازِي، خَبَازِي، خُبَازِي، بُزْدِ خَبَازِي، خِرُوج، خِرُوج: نَوْحِي خَطْمِي و از جنس مِتْرَسَات (گیاهان دارای برگ گرد) است. نام‌های دیگر آن: ملوکیه البریه - فارسی: نان کلاغ، پنیِرک، خیری؛ خرو - ترکی: اِبم\_کماجی - ماژندران: نحیلک - شیرازی: خطمی کوچک؛ نان کلاغ - نام‌های بذر: فارسی: تخم خرد - کرمانی: پنیِرک خطمی - نام‌های نوع بستانی: ملوخیه، ملوکیه - خیرج - نام‌های نوع بری بزرگ: خطمی - سریانی: حمري مرکي - نام‌های نوع بری کوچک: «خَبَازِي» و به فارسی «خیرو» است و مراد از مطلق آن همین نوع کوچک است.<sup>۱</sup> «خَبَازِي» نوعی از «ملوکیه» است و گویند «ملوخیان بستانی» است و «ملوکیه بری» و نوعی از «ملوخیا» را، «بَقْلَةُ الْيَهُود» خوانند و «ملوکیه» گویند و آن «خطمی» است.<sup>۲</sup> اشبیلی می‌گوید: دارای انواع بسیاری است که برخی از آن‌ها عبارتند از: ۱- خَبَازِي الماکول (خوراکی)، مَالْبَه ۲- نوع بزرگ خودرو در محل‌های متروکه به نام ملوکیه، مَالْبَه ملوخه، ملوغه، الشَا، غَلْکَلْک، سفوس ۳- نوعی از «ورد الزینه البری» با نام: خَبَازِي المجوسی ۴- نوع معروف به مصری با نام خَبَازِي الصقلی ۵- نوع معروف به شقایق که رنگ گل آن چون شقایق قرمز است با نام الحاحی و الصينی ۶- نوع معروف به قُرطی با نام مَالْبَه اوراطه یعنی خَبَازِي حَمْقَاء ۷- نوع معروف به خطمی با نام‌های: آلثَا، انشعی، الغسل، غسول، مَالْبَه بَشَنَک، تیبی ان و امان، ملوکیه البحر، شَخْمَة المَرَج، خَبَازِي السبخی، أَلْتْنَه ۸- نوعی با نام‌های: خطمی النهری، خطمی الرومی، خطمی الازغب، غَضْرَس ۹- نوعی با نام «ورد الزینه» یا شش نوع، سه نوع از آن بستانی با گل‌های سفید، قرمز، آبی و سه نوع آن بری، که نوعی دارای گل قرمز و نام‌های دو نوع بری دیگر آن عبارتست از: خطمیه البیضاء، خطمی المروج، خَبَازِي الفارسی ۱۰- نوع جبلی: خَبَازِي الجَبَلِي و نوع خَبَازِي الاسود ۱۱- نوعی معروف به فم الطائر، خَبَازِي الهندی، بلارجِه، اقْلُولش، اخْلَه الارض، قُرْنَه، غرنوقی، ادقام الغرانیق، ابی الولید، مُتَفَتِلَه ۱۲- بنفسج ۱۳- خریق الاسود ۱۴- نوع بزرگ حمامح<sup>۳</sup>

ملوخی (*Molokhe*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: خَبَازِي - ملوکیه [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۳]

<i>Malva sp.</i>	خُبّازی - خُبازه	الموسوعه
<i>Malva rotundifolia L.</i>	خُبازی	طباطبائی
<i>Malva parviflora L.</i>	<i>Hendia &amp; Panjeb: Panirak, Supra</i>	<i>GLO.IN.</i>
<i>Malva silvestris L.</i>	گل پنیرک	پارسا
<i>Althaea sp.</i>	خِیازی	EN.

۷۱۷ حُجَبَه، بزرالْحُبَّةِ، حُجْبَه، خِبَه، حَبَّةٌ: نام‌های دیگر آن: عربی: فَتْ، نجم - شیرازی: شفتَرک<sup>۱</sup> اصفهانی: خاکشی<sup>۲</sup> - تبریزی: سوردن<sup>۳</sup> - ترکی: شیودان<sup>۴</sup>، واشوه<sup>۵</sup> - مازندران: شلم‌بی<sup>۶</sup> - هندی: خوب کلان<sup>۷</sup> - فارسی: السنه<sup>۸</sup> (نامی عربی)، الداس<sup>۹</sup> و اش<sup>۱۰</sup> - بدربی: سوارون<sup>۱۱</sup>

<i>Sisymbrium officinale</i> Scop. <i>Sisymbrium polyceraton</i>	بزرالغبه - فث - نجم	زریاب
<i>Sisymbrium officinale</i> Scop. <i>Erysimum repandum</i> L. <i>Sisymbrium irio</i> <i>Sisymbrium sophia</i>	جنفج، تودری، قدومه شیرازی، خاکشیر، خاکشی	پارسا

<i>Sisymbrium sophia</i>	خاكشير	پارسا
<i>Erysimum barbarea</i> L. <i>Erysimum cheiranthoides</i> L.	حشيشة الخفر، أريسيموم طبي، خبه	الموسوعه

- ۷۱۸ - خبز رومی: نام‌های دیگر آن: قسماط<sup>۱</sup> - عامه مغرب: بَسْمَاط<sup>۲</sup>  
 ۷۱۹ - خبز القروء، خبز القروء، خبز القروء: نام‌های دیگر آن: لوف<sup>۳</sup> - بعضی از گیاهشناسان اندلس: نوع بزرگ لوف<sup>۴</sup>  
 ۷۲۰ - خبز المشایخ، خبز المشایخ: نام دیگر آن: عامه آفریقا: بخور مریم<sup>۵</sup>

<i>Cyclamen sp.</i>	خبز المشايخ - سَعَع	الموسوعة
---------------------	---------------------	----------

۷۲۱- خِتْرَفٌ، ختَرْفٌ: نام دیگر آن در بعضی از ترجمه‌ها: اُفستین<sup>۷</sup>

الم.	خَرْف، أْبَسْت، أَسْتِين، شِيح رُومِي، دَمْسِيَّة	<i>Artemisia absinthium</i>
------	---	-----------------------------

۷۲۲ - خُرَّءُ الْحَمَامِ<sup>۴</sup>، خرو الحمام<sup>۵</sup>: نام‌های دیگر آن: ابن جلیجل: اهالی رِقَّة: جوز جندم<sup>۶</sup>

۷۲۳- خرامقان، خرامقان:

[illegible]

<i>Helleborus alba</i> L.	خريق	زرياب
<i>Veratrum album</i> L.		
<i>Veratrum album</i> L.	خريق ابيض	طبا. - خط.
<i>Helleborus</i> sp.	خريق	الموسوعه
<i>Helleborus</i> sp.	خريق ابيض	EN.

۷۲۵- خَرِیقِ اسود، خَرِیقِ اَسود، خَرِیقِ اسود، خَرِیقِ اسود: نوعی کفوف و از جنس جنبه است نام‌های دیگر آن: هندی: کتکی، مالیبیدون - الیورث مالش - الباشه - سافاریعون - مَلَبَّالَه (اهالی ثغر) یعنی حَبَبَزَه صغیره - سیصامویداس - هیطومون - نام نوع دیگر آن: خروسوقومی - اهالی ثغر: طَرْنَه ماطر - ضابطه الجبلیه - رافعه زیرا رحم را به محل خود بر می‌گرداند - راس الذهب - نام گیاه در کتاب دسکورید: مالنودیون<sup>۷</sup>

<i>Helleborus niger</i> L.	خریق اسود	ز.ال،خ،ط.
<i>Helleborus niger</i> L.	خریق سیاه	پارسا
<i>Veratrum nigrum</i> L.	خریق اسود	EN.

۷۲۶- خَرْدَل؛ خردل<sup>س</sup>، خردل<sup>پ</sup>، خردل<sup>ع</sup>، خردل<sup>د</sup>، خردل<sup>ت</sup>، خردل<sup>ث</sup>، حَرْشاء<sup>س</sup>: نوعی بقل یکساله نام‌های دیگر آن: سینی - صناب - اسفیندار - سریانی: خردلا<sup>س</sup> - فارسی: اسبندان خوش<sup>س</sup> - هندی: وائی<sup>س</sup>، وائی<sup>پ</sup> (رای)، بمولتان اهری<sup>س</sup>، تریزه<sup>س</sup> - خردل البر<sup>س</sup> - نام های نوع بری: عربی: حرشا<sup>س</sup> - ترکی: فجی<sup>س</sup> - نام های نوع سفید: حرف ابیض<sup>س</sup> -

فارسی: سپندان<sup>۱</sup>، اسپند<sup>۲</sup> - «خردل» «سپندان» است ... و جنسی از آن «سپید اسفند» و آن را «خردل بابلی» گویند.<sup>۳</sup>

<i>Brassica nigra</i> Koch. <i>Sinapis nigra</i> L.	خردل - مشمع خردل	پارسا
<i>Sinapis</i> sp.	خردل	الموسوعه
<i>Sinapis arvensis</i> L. <i>Sinapis nigra</i> L. <i>Brassica nigra</i> Koch.	حرشاء - خردل	زریاب
<i>Sinapis alba</i> L. <i>Sinapis nigra</i> L. <i>Sinapis arvensis</i> L.	خردل ایض خردل اسود خردل بری	خطابی
<i>Sinapis arvensis</i> L.	خردل بری	طباطبائی
<i>Sinapis arvensis</i> L.	خردل	EN.

۷۲۷ - خردل بری<sup>۴</sup>، خردل البر<sup>۵</sup>، حراشا<sup>۶</sup>، خنج<sup>۷</sup>: نوعی احرار است. گروهی پنداشته اند نام «لَبسان» است.<sup>۸</sup> و برخی آن را نوعی «لفت» می دانند.<sup>۹</sup>

<i>Sinapis arvensis</i> L. <i>Brassica sinapistrum</i> Boiss.	خردل بری، خردل حَقْلی، حَرْشاء، لَبسان	الموسوعه
--	--	----------

۷۲۸ - خَزَزَة<sup>۱۰</sup>:

۷۲۹ - خَزَزَل: نام های دیگر آن: یونانی: البانونس

۷۳۰ - خردل فارسی<sup>۱۱</sup>، خردل فارسی<sup>۱۲</sup>، خرفق<sup>۱۳</sup>: نوعی «حرف» که آن را «اسفند اسفید» خوانند و «خردل سفید» گویند.<sup>۱۴</sup> نام های دیگر آن: تلسفی<sup>۱۵</sup> - گیاهشناسان و اهالی غرب اندلس: ضباب البری<sup>۱۶</sup> - مصر: حشيشة السلطان<sup>۱۷</sup>

<i>Lepidium campestre</i> R.Br. <i>Thalaspia campestre</i> L.	خردل فارسی، خَزَف السطوح، صتاب بری	الموسوعه
--	------------------------------------	----------

۷۳۱ - خرطال<sup>۱۸</sup>، خرطال<sup>۱۹</sup>: به گیاهی از جنس «راء» و همچنین به گیاهی از نوع «شعیر» گفته می شود.<sup>۲۰</sup> نام دیگر آن: فارسی: قرطمان<sup>۲۱</sup>

<i>Avena</i> sp.	خزطال، شوقان	الموسوعه
------------------	--------------	----------

۷۳۲ - خُرْفَع<sup>۲۲</sup>، خُرْفَع<sup>۲۳</sup>: نام های دیگر آن: جنی العُشَر<sup>۲۴</sup>، عُشَر<sup>۲۵</sup> - برخی مواقع به «قُطُن» نیز «خُرْفَع» گویند.<sup>۲۶</sup>

۷۳۳ - خرکوش<sup>۲۷</sup>: در بعضی از تفاسیر آن را «لسان الحمل» می دانند.<sup>۲۸</sup>

۷۳۴ - سَخَزَقُطان<sup>۲۹</sup>: نام هندی آن «بندا» است.<sup>۳۰</sup>

<i>Loranthus globiferus</i> A.Rich.	خرقطان	الموسوعه
-------------------------------------	--------	----------

۷۳۵ - خُرْم<sup>۳۱</sup>: "رازی" این نام را گیاهی با نام یونانی «اسطراطيقوس» به معنای «حالبی» پنداشته و برخی نیز آن را با نام یونانی

«لخنس» و عده‌ای هم آن را با نام یونانی «لَنخِیْطُس» ذکر کرده‌اند و این همان گیاهی است که ابن جَلجل از آن به «سراج القطرب» یاد کرده است.<sup>ع</sup>

الموسوعه	خرَم - سراج القطرب	<i>Agrostemma sp.</i>
----------	--------------------	-----------------------

۷۳۶ - خَرْنُوبٌ، خرنوبٌ، خرنوبٌ، خرنوبٌ، خرنوبٌ<sup>ع</sup>، خَرْوَبٌ<sup>ا</sup>؛ خرنوب (در دو نوع) نبطی و شامی است. - نام‌های دیگر آن: خرنوبٌ، خَرْوَبٌ - شجرة سليمان<sup>ع</sup> - میوه ینبوت<sup>س</sup> - سریانی: حروبی<sup>س</sup>، حُجْثَا<sup>س</sup>، فیزیدجاغی<sup>س</sup> - فارسی: زنک فلیج<sup>س</sup> - بلخ: جنکک<sup>س</sup> - سجزیه: شمرك<sup>س</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: قاراطیا<sup>س</sup> - فاس: تاسلقوا - نام‌های ریشه آن: سریانی: زریات<sup>س</sup> - سجزی: سم<sup>س</sup> - نام خرنوب نبطی: ینبوت زنکورج<sup>س</sup> "تیمی" می‌گوید: «خرنوب شامی» دارای سه نوع است و بهترین آن نوعی به نام «صیدلانی» است.<sup>س</sup>

ز،خ،ط،ع	خرنوب	<i>Ceratonia siliqua L.</i>
الموسوعه	خرنوب - خَرْوَب	<i>Ceratonia siliqua</i>
GLO.IN.	Punjab: Khamub	<i>Ceratonia siliqua</i>

۷۳۷ - خروب السودان: نام میوه‌ای در مغرب که عوام به آن «کورو» گویند و در مناطق سودان رویش دارد.<sup>ع</sup>

خطابی	خروب السودان	<i>Cola acuminata Scho.</i>
-------	--------------	-----------------------------

۷۳۸ - خرنوب نبطی<sup>ع</sup>، خرنوب نبطی<sup>س</sup>، خَرْوَب النبطی<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: خروب<sup>س</sup> - اهالی شام: خرنوب الشوک<sup>ع</sup>، خرنوب المعزی<sup>ع</sup>، مغربی<sup>س</sup> - عربی: ینبوت<sup>ع</sup> - قضم قدیش<sup>س</sup> - فارسی: کووارا<sup>س</sup> - شیرازی: کیرکازرونی<sup>س</sup>

۷۳۹ - خرنوب الخنزیر<sup>ع</sup>، خَرْوَب الخنزیر<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: عود الیسر<sup>ش</sup> - یونانی: أناغورس<sup>ع</sup> - در بازار مصر: حبّ الکلی<sup>ع</sup>

۷۴۰ - خَرْوَب الشامی: نام‌های دیگر آن: قراطیا - تیکظا - سلقوا - خرنوب - دارای انواعی است: ۱ - نوعی با نیامی بلند با نام نارجین ۲ - نوع دیگر با نیامی بلند و یهن معروف به صندلی ۳ - نوعی با نیامی کوتاه و یهن معروف به صینی<sup>ش</sup>

۷۴۱ - خروب الشوک<sup>ش</sup>: گویند «قَرْظ» است و گویند «ینبوت» است که درست‌تر است.<sup>ش</sup>

۷۴۲ - خرنوب مصری<sup>ع</sup>، خرنوب مصری<sup>س</sup>: نام‌های دیگر آن: خرنوب نبطی<sup>س</sup> - قرط<sup>س</sup>

خرنوب (غلاف) درخت «سَنَط» است.<sup>ع</sup> از این خرنوب در شهرهای مصر عصاره «أَقاقیا» استخراج می‌شود که به آن «رب القَرْظ» می‌گویند.<sup>ع</sup>

طبباطیانی	خرنوب مصری	<i>Acacia arabica</i>
-----------	------------	-----------------------

۷۴۳ - خرسوقومی<sup>ع</sup>: برگردان عربی آن «رأس الذهب» است.<sup>ع</sup>

EN.	خرسوقومی	<i>Aster alpinus L.</i>
-----	----------	-------------------------

۱- در مورد وجه تسمیه این گیاه به «خروب» و «شجرة سليمان» غسانی<sup>۱</sup> در کتاب خود می‌گوید: بر اساس آنچه آورده شده حضرت سلیمان علیه السلام در محراب خود گیاه بزرگ خودروئی را مشاهده کرد از گیاه پرسید اسم تو چیست و چه فواید و ضررهائی داری؟ گیاه به قدرت خداوند به سخن آمد و در حالی که حضرت سلیمان (ع) آماده نوشتن بود گفت: نام من «خروب» است. حضرت سلیمان (ع) فرمود: «خروب» همان «خرب» است پس با این نشان فهمید که حکومت او بزودی از بین می‌رود و دیر زمانی نگذشت که چنین شد و به همین دلیل به این گیاه «شجرة سليمان» گویند.

۷۴۴ - خروسوموغالی<sup>ع</sup>: نام گیاه در کتاب دیسکورید: دسقس<sup>ع</sup>

۷۴۵ - خِروَع<sup>ع</sup>، خِروَع<sup>س</sup>، خِروَع<sup>ث</sup>، خِروَع<sup>ط</sup>، خِروَع<sup>ث</sup>، طمره<sup>ع</sup>، خِروَع<sup>ث</sup>، حب الخِروَع<sup>ث</sup>: از جنس کفوف و از درختان خَوار است. نام های دیگر آن: فارسی: پیدانجیر<sup>ث</sup>، پیدانجیر<sup>س</sup>، انجیر<sup>ث</sup> - شیرازی: کنتو<sup>ث</sup> - ترکی: کرچک<sup>ث</sup> - هندی: ازنید<sup>ث</sup> - رومی: قفروس<sup>س</sup> (قیفوس) - سریانی: طمری<sup>س</sup>، قردی<sup>س</sup> - جالینوس: قیفاوس<sup>س</sup> - نام دانه به شیرازی «کنتور» است.<sup>ث</sup> آشبیلی<sup>ث</sup> می گوید: دارای چهار نوع بزرگ، کوچک، متوسط و نوعی روئیده در کنار نهرها است: ۱ - نام های نوع بزرگ: قیقی - شیشاسینی - شیشم - قبرس: قروطن - رجنه - اریقنه - نام دانه: اسفغار ۲ - نام های نوع متوسط: کسینثیون - قصفا - خولادولیون - اماری - صیصاموغربون ۳ - نام نوع کوچک: اسپیدار ۴ - نام نوع چهارم: حبربان<sup>ث</sup>

<i>Ricinus communis L.</i>	خِروَع	ز،خ،ط،ع.
<i>Ricinus communis L.</i>	کرچک	پارسا
<i>Ricinus communis L.</i>	خِروَع	الموسوعه

۷۴۶ - خَرِیع<sup>ع</sup>، خَرِیع<sup>ث</sup>: نام دیگر آن: غُضَر<sup>ث</sup> - آفریقا و تونس به زبان بربری به آن «تاغفیت» گویند و نوعی «حشش» غیر خاری است.<sup>ع</sup>

۷۴۷ - خَزَامِی<sup>ث</sup>، خَزَامِی<sup>س</sup>، خَزَامِی<sup>ع</sup>، خَزَامِی<sup>ث</sup>: نام های دیگر آن: خیری البر<sup>س</sup> - سجزیه: گل نرمه<sup>س</sup> - فارسی: شب انبوی<sup>ث</sup>، ارونه<sup>س</sup>، شب بو<sup>ث</sup>؟ - آشبیلی<sup>ث</sup> می گوید: این نام برای دو گیاه بکار برده شده است و هر دو نوعی «شیخ» هستند: ۱ - اسطوخودوس ۲ - خَزَامِی<sup>ث</sup>

لوقاس الجبلیه (*Leukas*): نام «خیری جبلی» است زیرا «لوقاس» به معنای «خیری» بوده و آن نوعی از «خزامی» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۹۴]

<i>Lamium maculatum L.</i> <i>Lavandula vera DC.</i>	نوعی از خزامی - لوقاس الجبلیه - خیری جبلی	دیسکورید
<i>Lavandula spica Cav.</i> <i>Lavandula vera DC.</i>	خزامی	زر، EN.
<i>Lavandula sp.</i> <i>Lavandula vera DC.</i>	خزامی - لاژنده	الموسوعه
<i>Lavandula vera DC.</i>	خزامی	طباطبائی

۷۴۸ - خَزَم<sup>ث</sup>:

۷۴۹ - خَس<sup>ث</sup>: (نام ریشه ای هندی)

۷۵۰ - خَس<sup>ث</sup>، خَس<sup>س</sup>، خَس<sup>ع</sup>، خَس<sup>ث</sup>، خَس<sup>ث</sup>، بزر الخس<sup>ث</sup>، خس بری: نام های دیگر آن: فارسی: کاهو<sup>ث</sup> - ترکی: خاس<sup>ث</sup> - نام «خس بری» در شهر فاس «خس الحمار» است.<sup>ث</sup> آشبیلی<sup>ث</sup> می گوید: نوعی السُن و از جنس نقل با نام های بلودقش، لیتوقش و مرولیه است و دارای انواع فراوانی است که بستانی آن عبارت است از: ۱ - مأمونی و صقلی ۲ - خس الاسود ۳ - الحاحی ۴ - قسطنطنینی یا مصری ۵ - بجانی و عراقی ۶ - ربیعی - بری آن عبارتست از: ۱ - یعضید بری با نام های: ثرودوقس ایمارس، لیتوقه کنبیانه، خس الفدان ۲ - خس الارنب ۳ - شوال الحمار، خَزْشاء، خس الحمار ۴ - بیروح ۵ - غطشان، دیساقوس - می توان از «سِلَق» و انواع آن را از انواع خس دانست.<sup>ث</sup> ثرئوقس ایماروس (*Thridax hemeros*): نام «خس بستانی» و «خس بری» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۲۰]

<i>Lactuca sativa L.</i>	ثرئوقس ایماروس - خس بستانی - خس بری	دیسکورید
<i>Lactuca sp.</i>	خَس	الموسوعه



<i>Lactuca sativa L.</i>	تخم کاهو	پارسا
<i>Lactuca sativa L.</i>	خس	طبا، EN.
<i>Lactuca sativa L.</i>	خس بستانی	خطابی
<i>Taraxacum officinale</i>	خس بری	

۷۵۱ - خس الحمار<sup>۱</sup>، خس الحمار<sup>۲</sup>، خس الحمار<sup>۳</sup>، هوفیلوس<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: قابضه، ضابطه، مصاصه، عشبۃ الفتوق، شنجار<sup>۵</sup> - هوفیلوس<sup>۶</sup> - ابوخلسا<sup>۷</sup> گویند نام نوع بزرگ «سنجار» است.<sup>۸</sup>

الموسوعه	کَنهان صباغی، شِنْجار البر، خس الحمار، رَجُل الحمار	<i>Alkanna sp.</i>
----------	---	--------------------

۷۵۲ - خشخاش<sup>۱</sup>، خشخاش<sup>۲</sup>، خشخاش<sup>۳</sup>، شیرابه<sup>۴</sup>: نام دیگر آن: هندی: پوست<sup>۵</sup> نوعی از آن بستانی است که از بذر آن نانی که در وقت المَحَل آن را می‌خورند و گاهی نیز آن را بجای «سمسم» با عسل استفاده می‌نمایند و این نوع را «بولاقیطس» گویند. و نوعی بری با سر شاخه‌های مشابه آن و بذرهای سیاه است که به آن «سفرطس» گویند و برخی مردم آن را «رواس» می‌گویند زیرا این کلمه به معنای سائل (روان) بوده و از آن مایع یا شیرهای خارج می‌شود. و نوع سوم خشخاش بری کوچکتر است.<sup>۶</sup>

میقن (*Mekon*): نام «خشخاش ابيض» است و همچنین «خشخاش أسود» و «أفیون» با همین نام ذکر شده است. میقن رُواس (*Mekon rhoias*): برگردان عربی آن «خَشْخَاش سائل» است وجه تسمیه آن بخاطر گل زودافت آن است و مشابه «شقاقق» است و در کشتزارها می‌روید. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۸ و ۵۹]

<i>Papaver roeas L.</i>	میقن رواس - خشخاش سائل	دیسکورید
<i>Papaver somniferum L.</i>	میقن، خشخاش ابيض، خشخاش أسود، أفیون	دیسکورید
<i>Papaver sp.</i>	خشخاش	الموسوعه
<i>Papaver somniferum L.</i>	کونکار - خشخاش	پارسا
<i>Papaver somniferum L.</i>	خشخاش	طبا، EN.

۷۵۳ - خشخاش سفید<sup>۱</sup>، خشخاش ابيض<sup>۲</sup>: از انواع آن «خشخاش احمر» است که به آن «شقاقق النعمان» گویند.<sup>۳</sup> نام دیگر آن: خشخاش بستانی<sup>۴</sup>

<i>Papaver somniferum L.</i>	خشخاش ابيض	خطابی
<i>Papaver roeas L.</i>	خشخاش احمر	خطابی
<i>Anemone sp.</i>		

۷۵۴ - خشخاش بری<sup>۱</sup>، خشخاش سیاه<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: خشخاش أسود<sup>۳</sup>، خشخاش اليهودی<sup>۴</sup> قاراطیطس<sup>۵</sup> که (*Mekon keratitis*): برگردان آن به عربی «خشخاش المُقَرَن» (خشخاش شاخ دار) است. بعضی به آن «فارالیون» (*Paralimon*) برگردان آن به عربی «خشخاش الساحلی» است، می‌گویند زیرا این گیاه بیشتر در سواحل می‌روید. نام دیگر آن «خشخاش البری» است. و برای نیام بلند چون نیام «لوییا» به آن «مُقَرَن» گویند. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۰

الموسوعه	خشخاش أسود، خشخاش احمر، خشخاش مُقَرَن، أبوالنوم	<i>Papaver somniferum</i>
خطابی	خشخاش أسود	<i>Papaver somniferum L.</i>

دیسکورید	قاراطیطس، خشخاش المقرن، خشخاش ساحلی، خشخاش بری	<i>Glaucium corniculatum</i> Curt.
EN.	خشخاش بری	<i>Glaucium corniculatum</i> Curt.

۷۵۵- خشخاش منشور، خشخاش منشور<sup>۴</sup>: "جالینوس" می گوید: از آن جهت منشور گویند که گلبرگهای آن زود می ریزد.<sup>۴</sup>

الموسوعه	خشخاش منشور، خشخاش اعمی، عَمَى الدجاج، شقائق خمر، شقائق النعمان	<i>Papaver rhoeas</i>
----------	---	-----------------------

۷۵۶- خشخاش زبیدی، خشخاش زبیدی<sup>۴</sup>، خشخاش زبیدی<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: میقن افروذس<sup>۴</sup> - قلیا<sup>۴</sup> میقن افروذس (*Mekon aphrodes*): برگردان آن به عربی «خشخاش زبیدی» است (زبد به معنای شیر یا کف روی آب) زیرا گل آن مانند کف روی آب بسیار سفید رنگ است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۱]

دی.، EN.	خشخاش زبیدی	<i>Silene inflatal</i> L.
----------	-------------	---------------------------

۷۵۷- خشخاش مقرن، خشخاش مقرن<sup>(۱)</sup>، خشخاش مقرن<sup>۴</sup>، خشخاش مقرن<sup>۴</sup>: نام دیگر آن: مامیثا<sup>۴</sup> خشخاش بحری<sup>۴</sup>، زیرا اکثراً کنار دریا و مکان های ناهموار می روید.

الموسوعه	خشخاش مقرن، مامیثا صفراء	<i>Glaucium flavum</i> Crantz.
----------	--------------------------	--------------------------------

۷۵۸- خُصَصِ الثعلب<sup>۴</sup>، خصی الثعلب<sup>۴</sup>، خصی الثعلب<sup>۴</sup>، خصی الثعلب<sup>۴</sup>، خصی الثعلب<sup>۴</sup>، سوطیون<sup>۴</sup>، طریفلن<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: یونانی: ساطریه<sup>۴</sup>، ساطریون<sup>۴</sup>، ساطیورین<sup>۴</sup>، شاطوریون<sup>۴</sup>، طریفلن<sup>۴</sup> (به معنای سه برگ) (در دونوع) خرد و بزرگ است.<sup>۴</sup> - برای برگ های سه تایی و مایل به سمت زمین آن برخی آن را «طریفلن» می دانند... و نوع دیگر آن را گاهی «أریقون شاطوریون» گفته اند.<sup>۴</sup> "غافقی" می گوید: «خصی الثعلب» معروف نزد ما در اندلس با آنچه دیسکورید معرفی کرده متفاوت است.<sup>۴</sup> "اشبیلی" می گوید: دارای دو نوع است، نوع اول را شاطوریون، اشتنکه و طریفلن و نوع دوم بذر هائی بزرگتر از بذرهای: کتان دارد.<sup>۴</sup> - ساطوریون (*Saturion*) نام «خصی الثعلب» بوده و دو نوع دارد. این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۳

دیسکورید	ساطوریون - خصی الثعلب	<i>Orchis anthropophora</i> L.
الموسوعه	سُخْلَب، خصی الثعلب، خصی الکلب، قاتل اخیه، سَطُوریون	<i>Orchis</i> sp.
طباطبائی	خصی الثعلب	<i>Aceras anthropophora</i> St. <i>Tulipa gesneriana</i> L.
خطابی	خصی الثعلب	<i>Orchis hircina</i> Griseb.

۷۵۹- خصی الדיک<sup>۴</sup>، خصی الدیك<sup>۴</sup>؟

۷۶۰- خصی القط<sup>۴</sup>: نوعی بقل معروف به ذکر الرئيس - اهالی ثغر: قلیون دیغاته<sup>۴</sup>

۷۶۱- خصی الکلب<sup>۴</sup>، خصی الکلب<sup>۴</sup>، خصی الکلب<sup>۴</sup>، قاتل اخیه<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: رومی: اُسْمَاقُوس<sup>۴</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: أَرْحُص<sup>۴</sup> - این اسم - قاتل اخیه (برادر کش) - به این سبب بر آن نهاده اند که دارای دو بیخ مانند دو زیتون است که در سالی یکی از آن ها فربه شود و در سال دیگر آن فربه لاغر گردد و لاغر آن فربه گردد.<sup>۴</sup> "اشبیلی" می گوید: نوعی بصل با نام های:

«ارخس، قاتل اخیه، قَلیون، دِقان» و دارای ده نوع با نام‌های زیر است: ۱- نوع ثومی با نام‌های ارخس و ارخیس ۲- نوع دیکِی با نام‌های ارخس طوماغن یعنی بزرگ، ساراقیاس و خصی السمور ۳- نوع نحلی ۴- نوع دیبرانی یا زنبوری که در دو نوع است. ۵- نوع کرائی ۶- نوع بصلی ۷- نوع بصلی ۸- نوع خُطافی ۹- نوع زُبْدی ۱۰- نوع ثعلبی<sup>ش</sup>

طحاطبانی	خصی الکلب	<i>Orchis hircina</i> Griseb.
----------	-----------	-------------------------------

۷۶۲- خصی هرمس<sup>ع</sup>، خصی هرمس<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: حلیوب<sup>ث</sup> - یونانی: لسورسپس<sup>ث</sup> - گویند نام «عصا هرمس» است و به نظر صحیح تر از بقیه نظرها است و نام یونانی آن «لینوزسپس» و نام دیگر آن «حلیوب» است.<sup>ع</sup>  
۷۶۳- خُطَر<sup>ث</sup>، خُطَر<sup>ع</sup>: برگ «نیل رومی» است.<sup>ث</sup> - گویند نام «وسمة» است.<sup>ع</sup>

الموسوعه	خُطَر	<i>Cladrastis</i> sp. <i>Virgilia</i> sp.
----------	-------	--

۷۶۴- خُطَرَة<sup>ث</sup>:

۷۶۵- خُطَمی<sup>ث</sup> (نامی یونانی)، خُطَمی<sup>ث</sup>، خُطَمی<sup>ع</sup>، خُطَمی<sup>ث</sup>، خُطَمی<sup>ع</sup>، خُطَمی<sup>ث</sup>، خُطَمی<sup>ع</sup>، شحم المَرَج<sup>ع</sup>، غِسل<sup>ع</sup>، بزر الخُطَمی<sup>ث</sup>، صمغ الخُطَمی<sup>ث</sup>: مشتق از کثیرالمنافع<sup>ث</sup> - نام‌های دیگر آن: رومی: لاثوس<sup>ث</sup>، انونکسا<sup>ث</sup> - سریانی: حلمنا<sup>ث</sup>، نطفنا<sup>ث</sup> - فارسی: خیروج<sup>ث</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: ایسفسوس<sup>ث</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: الٹا<sup>ث</sup> - فارسی: هشت دهان<sup>ث</sup>، الٹا<sup>ث</sup> فاس: ورد الزوان<sup>ث</sup> نام‌های نوع بری: شحم المَرَج<sup>ث</sup> - یونانی: الیا<sup>ث</sup> - نام گل: کثیرالمنفعة<sup>ث</sup> - بهترین آن کوهی است که گل آن به رنگ سفید است و بستانی آن به نام «الزوانی» است.<sup>ث</sup> نوعی از آن بستانی و در اندلس معروف به «ورد الزوانی» است و نوع دیگر آن را عامه مردم به نام «شحم المَرَج<sup>ث</sup>» می‌شناسند و «دیسکورید» نام آن را به یونانی «الٹا<sup>ث</sup>» گفته است. و دیسکورید همچنین آن را نوعی از «ملوخیه بری» معرفی می‌کند.<sup>ع</sup>

الٹا<sup>ث</sup> (Althaea): خُطَمی<sup>ث</sup> - مُلوخیا الشَّجَر - عامه اهل اندلس: وَرد الزَّوانی

الٹا<sup>ث</sup> آخر (Alkea): نوعی از «خُطَمی بری» معروف به «شحم المَرَج<sup>ث</sup>» است. قسمت مورد استفاده ریشه‌های گیاه است و برای نرم کردن صلابات بسیار موثر است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۱ و ۱۴۲]

خطابی	خُطَمی بری	<i>Althaea rosea</i>
ز. - خ. - ط.	خُطَمی	<i>Althaea officinalis</i> L.
EN.	خُطَمی	<i>Althaea officinalis</i> L. <i>Althaea ficifolia</i> R.Br.

۷۶۶- خِلَاف<sup>ث</sup>، خِلَاف<sup>ع</sup>، خِلَاف<sup>ث</sup>، خِلَاف<sup>ع</sup>، خِلَاف<sup>ث</sup>، صَفْصَف<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: صفاف<sup>ث</sup> - فارسی: بید<sup>ث</sup> - جالینوس: بطاس<sup>ث</sup>، غرب<sup>ث</sup>، شاه بید<sup>ث</sup> - شام: خِلَاف<sup>ث</sup> «خِلَاف» دارای انواع متعددی است نوعی از آن را «صفاف» گویند که خود دارای نوع سفید و قرمز است و نوع دیگر آن «بادامک» نام دارد که نزد اهالی اندلس به «نصی» مشهور است.<sup>ع</sup> «خِلَاف» شامل «بید مشک»، «بید بری»، «بید موله» است و از هر گاه بدون قیدی نامبرده شود منظور «بید بری» یا «صفاف» که به فارسی «بید ساده» است، می‌باشد.<sup>ث</sup> «خِلَاف»، «بید» است و از او «خِلَاف» است و «صفاف» و «شاه بید» - «خِلَاف» نوعی «صفاف» است و صمغ آن از برگ بیرون می‌آید.<sup>ث</sup>

أُطَا<sup>ث</sup> (Itea): شَجَر الصَّفْصَف - خِلَاف ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰۶

EN.	بید	<i>Salix aegyptiaca</i> Forsk.
-----	-----	--------------------------------

<i>Salix babylonica</i> L. <i>Salix babilonia</i> L.	أطا - شجر الصفصاف - خلاف	دیسکورید
<i>Salix safsaf</i> Forsk. <i>Salix babilonia</i> L.	صفصاف	زر. - طب.
<i>Salix alba</i> L.	بید	پارسا
<i>Salix australior</i> Forbes	بید سیاه	پارسا
<i>Salix babylonica</i> L.	بید مجنون	پارسا
<i>Salix fragilis</i> L.	بید خشت	پارسا
<i>Salix babilonia</i> L. <i>Salix aegyptiaca</i>	خلاف	خطابی
<i>Salix acmophylla</i> Boiss.	Hendia: Bada - Punjab: Bed	GLO.IN.
<i>Salix acmophylla</i> Boiss.	Punjab: Bedi	GLO.IN.

۷۶۷ - خلاف بلخی، بهرامج، بهرامج: نام های دیگر آن: فارسی: بید مشک - شام: شاه بید - روم: بهرامج، رنف، بورکر - سندی: سریس (سرس) - بهرامه - خلاف بلخی

<i>Salix caprea</i> L. <i>Salix balchia</i> <i>Salix rosmarinifolia</i> L.	بهرامج	زریاب
<i>Salix aegyptiaca</i> Forsk.	بید مشک	پارسا

۷۶۸ - خلجی، خلجان: گویند «گرنب بری» یا «شهدانج بری» است.

۷۶۹ - خلص: شاید «کاکنج النهري» باشد.

۷۷۰ - خلر، جلبان، خلر: نام های دیگر آن: عربی: خلر، ملک، جلبان، به واحد آن «جلبانه» گویند. - هندی: متر کابلی - «قصاص» نوعی خلر با غلاف نازک است. - عرب «ماش» را «میخ» و «خلر» را «زن» گوید.

<i>Lathyrus sativus</i> L.	جلبان - ملک - خلر	زریاب
<i>Pisum sativum</i> L.	کرکرو (خرقان) - خلر	پارسا
<i>Lathyrus</i> sp.	جلبان - خلر	الموسوعه

۷۷۱ - خلة: نام بوته خاردار با نام «شبرق»

۷۷۲ - خلنج، خلنج، خلنج: (نام فارسی مغرب) نام های دیگر آن: یونانی: آریقی - جرجه - عود الشرح - نام نوع دیگر: غنب الذیب

آریقی (*Ereike*): اهالی مغرب به آن «شجرالخلنج» گویند و از انواع «أشجل» است و هنگامی که زنبور عسل از شهد آن استفاده کند عسلی تلخ بوجود می آید. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۰]

<i>Erica arborea</i> L.	آریقی - شجرالخلنج - نوعی أشجل	دیسکورید
<i>Erica</i> sp.	خلنج - شتطف	الموسوعه
<i>Erica cinerea</i> L.	خلنج	EN.

۷۷۳- خَمَانُ؛ خَمَانٌ (نامی نبطی)، خَمَانٌ، شَبُوقَةٌ (خَمَانُ الْكَبِيرُ)، يَذْقَةٌ، يَذْقَةٌ (خَامَا أَقْطَى)، أَقْطَى، أَقْطَى، خَامَا أَقْطَى، خَامَا أَقْطَى: نام‌های دیگر آن: عربی: رَقْعَا - یونانی: أَقْطَى - خَمَانٌ - درخت معروفی است، بزرگ آن به عجمیت اندلس «شَبُوقَةٌ» و کوچک آن «یَذْقَةٌ» نام دارد. «خَامَا أَقْطَى» به یونانی به معنای «خَمَانُ الْأَرْضِ» و هَمَان «خَمَانُ الصَّغِيرِ» است. - دارای دو نوع بزرگ و کوچک است: خَمَانُ بَزرگ را «شَبُوقَةٌ» گویند و کوچک آن را «خَامَى أَقْطَى» و به ثمر آن «بَل» گویند. - دارای دو نوع است یکی بزرگ که گروهی به آن «خَابُور» گویند و به لاتینی «يَذْقَةٌ» و به یونانی «أَقْطَى» نام دارد و نوعی کوچک که گروهی به آن «رَقْعَا» گویند و به لاتینی «شَبُوقَةٌ» نامیده می‌شود و دادن نام لاتینی به نوع کوچک «شَبُوقَةٌ» اشتباه است و همچنین دانستن «خَامَا أَقْطَى» که درختی هندی با میوه هائی با نام‌های «بَل» و «فَل» است اشتباه آشکاری می‌باشد.

أَقْطَى (Akte): دو نوع دارد و نام هر دو آن‌ها «عُود الْكَلْبِ» و «شَجَرُ الْخَابُور» است.

نوع دوم به نام «خَامَا أَقْطَى» است. ابن بیطار در کتاب جامع خود نوع اول را «خَمَانُ کَبِير» و نوع دوم را «خَمَانُ صَغِير» نامیده است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۶]

دیسکورید	أَقْطَى - عود الکلب - شجر الخابور	<i>Sambucus nigra L.</i>
پارسا	غلیون، پلم، پلیم، پلاخون، بل خون، شون	<i>Sambucus ebulus L.</i>
الموسوعه	خمان - أقتی - أَقْطَى	<i>Actaea sp.</i>
طباطبانی	خمان صغیر	<i>Sambucus ebelus</i>
طباطبانی	خمان کبیر	<i>Sambucus nigra L.</i>
EN.	خمان - ییلسان	<i>Sambucus nigra L.</i>

۷۷۴- خَمَخَمٌ، خَمَخَمٌ: "غافقی" نام این گیاه را «أَرْغَامُونِي» ذکر کرده است ولی من آن را صحیح نمی‌دانم - ابن بیطار - زیرا «خَمَخَم» نامی عربی است و مشخصات آن با «أَرْغَامُونِي» متفاوت است. برخی از مترجمان «خَمَخَم» را «لسان الثور» ذکر کرده‌اند که صحیح نیست و این توهّم بخاطر شباهت لفظی «خَمَخَم» با «حَمَحَم» است زیرا «حَمَحَم» در شهرهای بکر و شرق نام «لسان الثور» است.

الموسوعه	خَمَخَم، مَشُور بَری، شِمِشِم	<i>Matthiola livida DC.</i>
----------	-------------------------------	-----------------------------

۷۷۵- خُخْنِي، خُخْنِي، خُخْنِي، خُخْنِي، خُخْنِي (نامی سریانی)، بَرُوقٌ، اصل الخنثی: از جنس بصل و از نوع جنبه و دارای دو نوع نر و ماده است. نام‌های دیگر آن: اسقورولوس (اسفودالوس): اهل مغرب: بزواق، بروق، خُخْنِي، غَری الاساکفه - عجمیت اندلس: أبجّه - اسراش - بَرُوق - نام ریشه آن: سراش - خُخْنِي «سَرِش» است. - نام نوع کوچک: خُخْنِي الصخریه - نام برگ: اینارهر

اسفودولوس (Asphodelos): سفودولوس - عربی: خُخْنِي در حاشیه کتاب دیسکورید تصحیح ابن مراد ۲ - ۱۵۲

خطابی	خُخْنِي	<i>Asphodelus microcarpus (L.) Swartz</i>
خطابی	صاصل، صوصلا، اشراس، لبن الطیر، خُخْنِي	<i>Ornithogalum stachyoides</i>
زر. - طبأ.	خُخْنِي	<i>Asphodelus ramosus L.</i>
EN.	خُخْنِي	<i>Asphodelus sp.</i>

۷۷۶- خَنْدَرُوس<sup>۱</sup>، خَنْدَرُوس<sup>۲</sup>، خندروس<sup>۳</sup>، خندوس<sup>۴</sup>، خندوس<sup>۵</sup>، خندروس<sup>۶</sup>، حنطه رومی<sup>۷</sup>، حنطه رومی<sup>۸</sup>، خالون<sup>۹</sup>، شعیر رومی<sup>۱۰</sup>: نوعی از «راء» است<sup>۱۱</sup> و دارای دو دانه است<sup>۱۲</sup>. نوعی اشقالیه است. نام‌های دیگر آن: خندروس<sup>۱۳</sup>، خندروش<sup>۱۴</sup> - خالون<sup>۱۵</sup> - فارسی: ذره مکّه<sup>۱۶</sup>، کاکل<sup>۱۷</sup> - عربی: حنطه رومی<sup>۱۸</sup>، شعیر رومی<sup>۱۹</sup> - تنکابن: گندم مکّه<sup>۲۰</sup> - هندی: جوار<sup>۲۱</sup> - گندم رومی<sup>۲۲</sup> - لوفقطوش<sup>۲۳</sup>، شوخط<sup>۲۴</sup>، طخش<sup>۲۵</sup>

خندروس (Khondros): نام «حَنْطَة الرّمیه» و نوعی «شعیر العربی» است و عامه اندلس به آن «شعیر النبی (صلی الله علیه و اله)» گویند. [این پیتار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۱]

دیسکورید	خندروس - حنطه‌الرومیة - شعیر النبی	<i>Triticum romanum L.</i>
طبا.، EN.	خندروس	<i>Triticum spelte L.</i>

۷۷۷ - خندریلی<sup>۱</sup>، خندریل<sup>۲</sup>: نوعی «هندباء بری» تلخ است و گویند نام «یعضید» است<sup>۳</sup>. نوعی «کاسنی بری» اما به غایت تلخ است و آن را «یعضید» خوانند<sup>۴</sup>.

الموسوعه	خندویل - مُزْرِیة	<i>Chondrilla sp.</i>
EN.	خنزیلی	<i>Chondrilla juncea L.</i>

۷۷۸ - خَوْخ<sup>۱</sup>، خَوْخ<sup>۲</sup>، خَوْخ<sup>۳</sup>، خَوْخ<sup>۴</sup>، خَوْخ<sup>۵</sup>، خَوْخ<sup>۶</sup>، خَوْخ<sup>۷</sup>، خَوْخ<sup>۸</sup>، خَوْخ<sup>۹</sup>، خَوْخ<sup>۱۰</sup>، خَوْخ<sup>۱۱</sup>، خَوْخ<sup>۱۲</sup>، خَوْخ<sup>۱۳</sup>، خَوْخ<sup>۱۴</sup>، خَوْخ<sup>۱۵</sup>، خَوْخ<sup>۱۶</sup>، خَوْخ<sup>۱۷</sup>، خَوْخ<sup>۱۸</sup>، خَوْخ<sup>۱۹</sup>، خَوْخ<sup>۲۰</sup>، خَوْخ<sup>۲۱</sup>، خَوْخ<sup>۲۲</sup>، خَوْخ<sup>۲۳</sup>، خَوْخ<sup>۲۴</sup>، خَوْخ<sup>۲۵</sup>، خَوْخ<sup>۲۶</sup>، خَوْخ<sup>۲۷</sup>، خَوْخ<sup>۲۸</sup>، خَوْخ<sup>۲۹</sup>، خَوْخ<sup>۳۰</sup>، خَوْخ<sup>۳۱</sup>، خَوْخ<sup>۳۲</sup>، خَوْخ<sup>۳۳</sup>، خَوْخ<sup>۳۴</sup>، خَوْخ<sup>۳۵</sup>، خَوْخ<sup>۳۶</sup>، خَوْخ<sup>۳۷</sup>، خَوْخ<sup>۳۸</sup>، خَوْخ<sup>۳۹</sup>، خَوْخ<sup>۴۰</sup>، خَوْخ<sup>۴۱</sup>، خَوْخ<sup>۴۲</sup>، خَوْخ<sup>۴۳</sup>، خَوْخ<sup>۴۴</sup>، خَوْخ<sup>۴۵</sup>، خَوْخ<sup>۴۶</sup>، خَوْخ<sup>۴۷</sup>، خَوْخ<sup>۴۸</sup>، خَوْخ<sup>۴۹</sup>، خَوْخ<sup>۵۰</sup>، خَوْخ<sup>۵۱</sup>، خَوْخ<sup>۵۲</sup>، خَوْخ<sup>۵۳</sup>، خَوْخ<sup>۵۴</sup>، خَوْخ<sup>۵۵</sup>، خَوْخ<sup>۵۶</sup>، خَوْخ<sup>۵۷</sup>، خَوْخ<sup>۵۸</sup>، خَوْخ<sup>۵۹</sup>، خَوْخ<sup>۶۰</sup>، خَوْخ<sup>۶۱</sup>، خَوْخ<sup>۶۲</sup>، خَوْخ<sup>۶۳</sup>، خَوْخ<sup>۶۴</sup>، خَوْخ<sup>۶۵</sup>، خَوْخ<sup>۶۶</sup>، خَوْخ<sup>۶۷</sup>، خَوْخ<sup>۶۸</sup>، خَوْخ<sup>۶۹</sup>، خَوْخ<sup>۷۰</sup>، خَوْخ<sup>۷۱</sup>، خَوْخ<sup>۷۲</sup>، خَوْخ<sup>۷۳</sup>، خَوْخ<sup>۷۴</sup>، خَوْخ<sup>۷۵</sup>، خَوْخ<sup>۷۶</sup>، خَوْخ<sup>۷۷</sup>، خَوْخ<sup>۷۸</sup>، خَوْخ<sup>۷۹</sup>، خَوْخ<sup>۸۰</sup>، خَوْخ<sup>۸۱</sup>، خَوْخ<sup>۸۲</sup>، خَوْخ<sup>۸۳</sup>، خَوْخ<sup>۸۴</sup>، خَوْخ<sup>۸۵</sup>، خَوْخ<sup>۸۶</sup>، خَوْخ<sup>۸۷</sup>، خَوْخ<sup>۸۸</sup>، خَوْخ<sup>۸۹</sup>، خَوْخ<sup>۹۰</sup>، خَوْخ<sup>۹۱</sup>، خَوْخ<sup>۹۲</sup>، خَوْخ<sup>۹۳</sup>، خَوْخ<sup>۹۴</sup>، خَوْخ<sup>۹۵</sup>، خَوْخ<sup>۹۶</sup>، خَوْخ<sup>۹۷</sup>، خَوْخ<sup>۹۸</sup>، خَوْخ<sup>۹۹</sup>، خَوْخ<sup>۱۰۰</sup>

دیسکورید: «خَوْخ» نام «خَوْخ» است و دارای انواع فراوانی است. این پیتار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۰

زر. - طبا.	خَوْخ - دراقن	<i>Persica vulgaris Mill.</i>
دی. - خ.	خَوْخ	<i>Prunus persica Sieb.</i>
الموسوعه	خَوْخ	<i>Prunus domestica</i>
EN.	خَوْخ	<i>Amygdalus persica L.</i>

۷۷۹ - خَوْشَان: قسمس قطف بری و از انواع جَمْض - نام دیگر آن: زَغَل<sup>۱</sup>

۷۸۰ - خَوْلَنْجَان<sup>۱</sup>، خاولنجان<sup>۲</sup>، خولنجان<sup>۳</sup>، خولنجان<sup>۴</sup>، خولنجان<sup>۵</sup>، خولنجان<sup>۶</sup>، خولنجان<sup>۷</sup>، خولنجان<sup>۸</sup>، خولنجان<sup>۹</sup>، خولنجان<sup>۱۰</sup>، خولنجان<sup>۱۱</sup>، خولنجان<sup>۱۲</sup>، خولنجان<sup>۱۳</sup>، خولنجان<sup>۱۴</sup>، خولنجان<sup>۱۵</sup>، خولنجان<sup>۱۶</sup>، خولنجان<sup>۱۷</sup>، خولنجان<sup>۱۸</sup>، خولنجان<sup>۱۹</sup>، خولنجان<sup>۲۰</sup>، خولنجان<sup>۲۱</sup>، خولنجان<sup>۲۲</sup>، خولنجان<sup>۲۳</sup>، خولنجان<sup>۲۴</sup>، خولنجان<sup>۲۵</sup>، خولنجان<sup>۲۶</sup>، خولنجان<sup>۲۷</sup>، خولنجان<sup>۲۸</sup>، خولنجان<sup>۲۹</sup>، خولنجان<sup>۳۰</sup>، خولنجان<sup>۳۱</sup>، خولنجان<sup>۳۲</sup>، خولنجان<sup>۳۳</sup>، خولنجان<sup>۳۴</sup>، خولنجان<sup>۳۵</sup>، خولنجان<sup>۳۶</sup>، خولنجان<sup>۳۷</sup>، خولنجان<sup>۳۸</sup>، خولنجان<sup>۳۹</sup>، خولنجان<sup>۴۰</sup>، خولنجان<sup>۴۱</sup>، خولنجان<sup>۴۲</sup>، خولنجان<sup>۴۳</sup>، خولنجان<sup>۴۴</sup>، خولنجان<sup>۴۵</sup>، خولنجان<sup>۴۶</sup>، خولنجان<sup>۴۷</sup>، خولنجان<sup>۴۸</sup>، خولنجان<sup>۴۹</sup>، خولنجان<sup>۵۰</sup>، خولنجان<sup>۵۱</sup>، خولنجان<sup>۵۲</sup>، خولنجان<sup>۵۳</sup>، خولنجان<sup>۵۴</sup>، خولنجان<sup>۵۵</sup>، خولنجان<sup>۵۶</sup>، خولنجان<sup>۵۷</sup>، خولنجان<sup>۵۸</sup>، خولنجان<sup>۵۹</sup>، خولنجان<sup>۶۰</sup>، خولنجان<sup>۶۱</sup>، خولنجان<sup>۶۲</sup>، خولنجان<sup>۶۳</sup>، خولنجان<sup>۶۴</sup>، خولنجان<sup>۶۵</sup>، خولنجان<sup>۶۶</sup>، خولنجان<sup>۶۷</sup>، خولنجان<sup>۶۸</sup>، خولنجان<sup>۶۹</sup>، خولنجان<sup>۷۰</sup>، خولنجان<sup>۷۱</sup>، خولنجان<sup>۷۲</sup>، خولنجان<sup>۷۳</sup>، خولنجان<sup>۷۴</sup>، خولنجان<sup>۷۵</sup>، خولنجان<sup>۷۶</sup>، خولنجان<sup>۷۷</sup>، خولنجان<sup>۷۸</sup>، خولنجان<sup>۷۹</sup>، خولنجان<sup>۸۰</sup>، خولنجان<sup>۸۱</sup>، خولنجان<sup>۸۲</sup>، خولنجان<sup>۸۳</sup>، خولنجان<sup>۸۴</sup>، خولنجان<sup>۸۵</sup>، خولنجان<sup>۸۶</sup>، خولنجان<sup>۸۷</sup>، خولنجان<sup>۸۸</sup>، خولنجان<sup>۸۹</sup>، خولنجان<sup>۹۰</sup>، خولنجان<sup>۹۱</sup>، خولنجان<sup>۹۲</sup>، خولنجان<sup>۹۳</sup>، خولنجان<sup>۹۴</sup>، خولنجان<sup>۹۵</sup>، خولنجان<sup>۹۶</sup>، خولنجان<sup>۹۷</sup>، خولنجان<sup>۹۸</sup>، خولنجان<sup>۹۹</sup>، خولنجان<sup>۱۰۰</sup>

سودار<sup>۱</sup>، جَشْرِق<sup>۲</sup> - خسرو دارو<sup>۳</sup> - ترکی: غرغات<sup>۴</sup> - هندی: کلیجن<sup>۵</sup>، کلاجن<sup>۶</sup> - نام نوع دیگر: جنجبانسه<sup>۷</sup>

پارسا	خولنجان مصری - ریشه جوز	<i>Alpinia galanga (L.) Will.</i>
خطابی	خولنجان	<i>Alpinia galanga (L.) Will.</i>
الموسوعه	خولنجان	<i>Alpinia sp.</i>
طبا.، EN.	خولنجان	<i>Alpinia officinarum Hance</i>
GLO.IN.	Vernacular: Khulanjan	<i>Alpinia khulanjan = A. galanga</i>
GLO.IN.	Hendia: Kulanjan - Bengal: Sugandha	<i>Alpinia officinarum Hance</i>



## حرف «د»

۷۸۷- داذی<sup>۱</sup>، داذی<sup>۲</sup>، داذی<sup>۳</sup>، داذی<sup>۴</sup>، داذی<sup>۵</sup>، داذی<sup>۶</sup>: نام درختی بزرگ نام های دیگر آن: فارسی: جوجادو<sup>۷</sup> - قلنبیل<sup>۸</sup>، انوثیرا<sup>۹</sup>، مونس الوحش<sup>۱۰</sup>

خطابی	دادی	<i>Cercis siliquastrum L.</i>
الموسوعه	داذی - هیوفاریقون - اوفاریقون	<i>Hypericum sp.</i>
EN.	دادی	<i>Hypericum perforatum L.</i>

۷۸۸- داذی رومی<sup>۱</sup>، داذی رومی<sup>۲</sup>، داذی رومی<sup>۳</sup>: نام دیگر آن: حنین: هوفاریقون<sup>۴</sup>

الم.	داذی، هیوفاریقون معروف، حشیشه القلب، عَصْبَة القلب، مُنْبِیَه	<i>Hypericum perforatum L.</i>
------	---	--------------------------------

۷۸۹- دارشیشعان<sup>۱</sup>، دارشیشغان<sup>۲</sup>، دارشیشعان<sup>۳</sup>، دارشیشعان<sup>۴</sup>، دارشیشعان<sup>۵</sup>، دارشیشعان<sup>۶</sup> (فارسی)، قلنسند ناردین: نام های دیگر آن: قندول<sup>۷</sup> - عود البرق<sup>۸</sup> - جهت آنکه چون قوس و قزح به برسد خوشبوتر از عود هندی شود.<sup>۹</sup> - هندی: کای پهل<sup>۱۰</sup>، کاپنهل<sup>۱۱</sup> - بنا به نظر جالینوس: اسپالاتوس<sup>۱۲</sup> - حشیشه السنبل الرومی<sup>۱۳</sup> - بربری: آزوری<sup>۱۴</sup>، ازدری<sup>۱۵</sup> - اشلابوس<sup>۱۶</sup> - اصبالاثوس<sup>۱۷</sup> - دیاکلمن<sup>۱۸</sup> - قشقابن فلسدیار<sup>۱۹</sup> - جُولُی<sup>۲۰</sup> غسانی<sup>۲۱</sup> می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف نظر است بعضی از پزشکان آن را شاخه های «سنبل» می دانند و گویند «سنبل هندی» است و بنا به نظری «رمان هندی» است که داخل میوه آن را «البل» گویند.<sup>۲۲</sup>

زر. - خط.	دارشیشغان	<i>Calycotome spinosa L.</i>
پارسا	دارشیشعان - عود البرق	<i>Myrica sapida</i>
الموسوعه	قندول، دارشیشعان، عود البرق	<i>Spartium spinosum L.</i> <i>Cytisus spinosus Lam.</i> <i>Calycotome spinosa Lk.</i>

۷۹۰- دارصینی<sup>۱</sup>، دارصینی<sup>۲</sup>، دارصینی<sup>۳</sup>، دارصینی<sup>۴</sup>، دارصینی<sup>۵</sup>، دارچینی<sup>۶</sup>، دارچینی<sup>۷</sup>: نام آن به فارسی دار به معنای درخت و چوب است. نام های دیگر آن: سریانی: مرسلون<sup>۸</sup> - یونانی: افتمون<sup>۹</sup>، موسولون<sup>۱۰</sup>، قناموم<sup>۱۱</sup> یعنی قصب الصین<sup>۱۲</sup> - «اسحاق بن سلیمان» می گوید: «دار صینی» دارای انواعی است نوعی از آن در سرزمین چین به «دار صینی حقیقی» معروف است، و نوع دیگری در شهر صوص معروف به «دار صینی الدون» است.<sup>۱۳</sup> - «اشبیلی» می گوید: دارای چهار قسم است: ۱- قِرفه، قِرفه القرنفل، موسولون، سلیخه - زیرا بین آن و سلیخه مشابهت زیادی هست. ۲- دارصینی زور یعنی ضعیف ۳- دارصینی حبشی ۴- دارصینی تازه قرمز رنگ خوشبو<sup>۱۴</sup>

قناموم<sup>۱۵</sup> (Kinnamomon): به انواع «دارصینی» گویند. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۴

زریاب	دارصینی	<i>Cinnamomum cassia Boiss.</i> <i>Cinnamomum spp.</i>
دی. - طب.	دارصینی	<i>Cinnamomum zeilanicum Nees.</i>
الموسوعه	قِرفه سَرُنْدِیْب، قِرفه سیلان، دارصینی	<i>Cinnamomum zeilanicum Nees.</i>



۷۹۱- دارفلفل<sup>۱</sup>، دارفلفل<sup>۲</sup>، دارفلفل<sup>۳</sup>، دارفلفل<sup>۴</sup>، دارفلفل<sup>۵</sup>، دارفلفل<sup>۶</sup>، دارفلفل<sup>۷</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: فلفل دراز<sup>۸</sup> - هندی: پیپل<sup>۹</sup>، پیپلی<sup>۱۰</sup> - «جالینوس» گوید «بهار»، «فلفل سفید» است و گویند درخت آن غیر از «درخت فلفل» است.<sup>۱۱</sup>  
باباری (Peperi): فلفل<sup>۱۲</sup> - به درخت آن «دار فلفل» گویند. - فلفل الأبيض این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۲

<i>Capsicum frutescens L.</i> <i>Piper nigrum L.</i>	دارفلفل	الموسوعه
<i>Cucurbita sp.</i> <i>Piper nigrum L.</i>	قنق، یقطین	الموسوعه
<i>Piper aromaticum Lamk.</i> <i>Piper nigrum L.</i>	باباری - دارفلفل - فلفل أبيض	دیسکورید
<i>Piper longum L.</i>	دارفلفل	طبا، EN.

۷۹۲- دارقفوطون<sup>۱۳</sup>:

<i>Arum italicum L.</i> <i>Dracunculus vulgaris Schott.</i>	دارقفوطون	زریاب
--	-----------	-------

۷۹۳- دارکیسه<sup>۱۴</sup>، دارکیسه<sup>۱۵</sup>: نام دیگر آن: بسباسه<sup>۱۶</sup> - نام درخت: مافر<sup>۱۷</sup> - گویند نام «طالیسفر» است و همچنین نام آن را «بسباسه» گفته‌اند.<sup>۱۸</sup>

<i>Myristica fragrans Houff.</i>	دارکیسه - ردرس	طباطبائی
----------------------------------	----------------	----------

۷۹۴- دارم<sup>۱۹</sup>، دارم<sup>۲۰</sup>:

۷۹۵- دارمک<sup>۲۱</sup>: نوعی از مرو<sup>۲۲</sup>

۷۹۶- دارمیران<sup>۲۳</sup>: نام‌های دیگر آن: مامیران - شاید نوع کوچک «سارون» باشد و گویند چوب هائی هندی است که در سرمه از آن استفاده می‌شود.<sup>۲۴</sup>

۷۹۷- دارهلد<sup>۲۵</sup>: (نام درختی هندی) نام‌های دیگر آن: دارچوبه<sup>۲۶</sup> - هندی: ابینی هلدی<sup>۲۷</sup>

۷۹۸- دانج أبروج<sup>۲۸</sup>، دانج أبرونج<sup>۲۹</sup>، دانج أبروج<sup>۳۰</sup>: از کوه کیلویه که از ولایت پارس است برخیزد و در هیچ موضع دیگر نباشد.<sup>۳۱</sup>  
نام‌های دیگر آن: دانک افرونک<sup>۳۲</sup> - شیرازی: انچلک<sup>۳۳</sup>، تخم امروود جنگلی است.<sup>۳۴</sup> صیاده عراق آن را بعنوان «فلفل أبيض» و بعضی از ایشان آن را «قرطم» می‌دانند.<sup>۳۵</sup>

۷۹۹- دانک<sup>۳۶</sup>؟:

۸۰۰- دُبا<sup>۳۷</sup>، دُبا<sup>۳۸</sup>، دُبا<sup>۳۹</sup>، دُبا<sup>۴۰</sup>: نام‌های دیگر آن: قرع<sup>۴۱</sup> - فارسی: کدوی رومی<sup>۴۲</sup>، قرع الیابس<sup>۴۳</sup> - «ابوحنیفه» آن را «قرع» می‌داند نه «قرع یابس»<sup>۴۴</sup>

<i>Lagenaria vulgaris Ser.</i>	دبا	زریاب
<i>Lagenaria vulgaris Ser.</i>	کدوی قلبانی	پارسا
<i>Cucurbita pepo L.</i>	دبا	خطابی

۸۰۱- دِیق<sup>۴۵</sup>، دِیق<sup>۴۶</sup>، دِیق<sup>۴۷</sup>، شجرة الدِّیق<sup>۴۸</sup>، شجرة الدِّیق<sup>۴۹</sup>، دبقتست<sup>۵۰</sup>: نام‌های دیگر آن: درخت سیستان<sup>۵۱</sup> - غلتان<sup>۵۲</sup> - مخاطه<sup>۵۳</sup> -

رومی: اکتیفوس<sup>۳</sup>، هذوغورون<sup>۴</sup> - سریانی: دبوقا<sup>۵</sup>، قسوس<sup>۶</sup> - فارسی: مویزک عسلی<sup>۷</sup>، کشمش کاولیا<sup>۸</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: اقسوس<sup>۹</sup> - عطاران شیراز: مویزج عسلی<sup>۱۰</sup>  
اُقسوس: دق - صمغی که از درخت «کُمُتری» و غیر آن است. ابن بطار (در ترجمه دیسکورید)

<i>Loranthus europaeus L.</i>	دبق	دیسکورید
<i>Viscum album L.</i> <i>Loranthus europaeus L.</i>	دبق - اکتیفوس	زریاب
<i>Cordia myxa L.</i> <i>Viscum album L.</i>	دبق - فور - عداس	طباطبانی

۸۰۲ - دیداریا<sup>۱۱</sup>، دیداریه<sup>۱۲</sup>: (لغت نبطی مشتق از فارسی)

۸۰۳ - دبیراز<sup>۱۳</sup>: نوعی ابل<sup>۱۴</sup>

۸۰۴ - دحداح<sup>۱۵</sup>، داح<sup>۱۶</sup>: سرخ مرد<sup>۱۷</sup>، (لاک ساک)

<i>Crinum sp.</i>	دحداح - زُنبَقِیَّة	الموسوعه
<i>Amaranthus paniculatus L.</i> <i>Amaranthus gangeticus L.</i>	دحداح	زریاب
<i>Amaranthus tricolor</i>	داح	طباطبانی

۸۰۵ - دخسیسه<sup>۱۸</sup>: نامی مشترک برای «بُنک» و روغن «بلسان» است.<sup>۱۹</sup>

۸۰۶ - دُخن<sup>۲۰</sup>، دخن<sup>۲۱</sup>، دخن<sup>۲۲</sup>، دخن<sup>۲۳</sup>: نوعی جاورس<sup>۲۴</sup> نام های دیگر آن: فارسی: ارزن<sup>۲۵</sup> - شیرازی: الم<sup>۲۶</sup> -

هندی: کنکنی<sup>۲۷</sup> - جالینوس: قنخروس<sup>۲۸</sup>، جاوروس<sup>۲۹</sup> - برخی آن را به اشتباه «جاورس» می دانند. دارای هفت قسم زراعی و غیر زراعی است، غیر زراعی آن عبارتست از: ۱ - بنجاین: قلفورا، قفورا ۲ - حشیشة الحوت: قمرون، دخن النملی، ملّاجه اقوانته، ملّاجه بطره ۳ - اُنید

۴ - بَشَط: شَنَلَم ۵ - خافور: قَبساطه، دخن العصافیر، بَزَمَس<sup>۳۰</sup>

اُلُمُس (Elumos): دخن ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۴

<i>Andropogon sorghum Brot.</i>	اُلُمُس - دخن	دیسکورید
<i>Panicum italicum L.</i> <i>Panicum miliaceum L.</i> <i>Sqtaria italica Beauv.</i> <i>Holcus dochyna Forscal</i> <i>Sorghum vulgare L.</i>	دخن	زریاب
<i>Panicum sp.</i> <i>Panicum miliaceum L.</i> <i>Sqtaria italica Beauv.</i> <i>Holcus dochyna Forscal</i> <i>Sorghum vulgare L.</i>	دخن	الموسوعه

۸۰۷ - دراقیل<sup>۳۱</sup>: نوعی «قرصنة» که اهالی کوهستانی بیروت و لبنان به آن «شنداب» گویند.<sup>۳۲</sup>

۸۰۸ - درامج<sup>۳۳</sup>، درانیج<sup>۳۴</sup>: گفته شده نام «بعضید» است و همچنین گفته شده نوعی «بلاب» کوچک است.<sup>۳۵</sup>

۸۰۹ - دُرْحوْلَة: نوعی از «سوسن بری» با نام یونانی «کسفیون» یا به نام «دَلْبُوث» است.<sup>۴</sup>  
 ۸۱۰ - دُرْدَاب: دستنبویه، شمام: نام نوعی بطیخ کوچک - نام‌های دیگر آن: فارسی: دستنبویه، دستنبو - هندی: کچری - بنگالی: کژمین، سیندنی - شام: شمام  
 ۸۱۱ - دُرْدَار: دردار، دردار، دردار، دردار، دردار (نامی فارسی)، شجرة البق، بوقصا: نام‌های دیگر آن: شجرة دردار - شام و عراق: شجرة البق - خوش سایه - دارون، سسفیدار، درخت پشه، گویند در میوه آن پشه جمع می‌شود. - «بولس» می‌گوید: نام «شجرة البق» است. بیشتر پزشکان آن را «لسان العصفور» می‌دانند. «اشبیلی» می‌گوید: درختی بزرگ با نام‌های: «باطالا، بنجکسروان، قیلورا، فراشنه، براخشنه، مالیا، وزق، شجرة البق» با انواع افرنجی، جلیقی و بلدی است.<sup>۵</sup>  
 بطالایا (Ptelea): شجر الدردار - اهل عراق: شجرة البق - اهل اندلس: شَمَّ الأسود - جالینوس: بنطادانقا به «ایذیسارون» هم مراجعه شود. (این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۵ و ۳ - ۱۲۵)

Ulmus spp.	دردار	دیسکورید
Ulmus spp.	بطالایا - شجر الدردار - شجرة البق	خطابی
Ulmus campestris L.	دردار	ز. ط.، E.
Ulmus campestris L. Ulmus montana With. Ulmus effusa Sibth.	درخت نارون - شجرة البق - دردار - دارون - قرانجاج - درخت صمت (آستارا) - لی (لاهیجان) - قلع (شمال) - شل درا (حاجیلر) - اوجا (شمال)	پارسا
Ulmus sp. Ulmus montana With. Ulmus effusa Sibth.	بوقصیا - دردار - شجرة البق - آلم	الموسوعه

۸۱۲ - درماء: نوعی حمض یا نوعی از ذکور البقل

۸۱۳ - درمامة:

۸۱۴ - دُرُوبِطَارِس: دروبطارس، دروبطارس: به یونانی به معنای فرزند بلوط، «بلوطی» و «سرخس البلوط» است، زیرا گیاه آن بریدن کهنه بلوط می‌روید. نام دیگر آن «دودسپاروس» است. - در جزیره الخضراء اندلس به «دیک» و نزد برخی از گیاهشناسان اندلسی «غلالة» معروف است و آن نوعی «سقایج» است.<sup>۴</sup>  
 دُرُوبِطَارِس (Droopteris): یعنی «بلوطی» و نام دیگر آن «سرخس البلوط» است زیرا بر روی درخت بلوط رویش می‌یابد و سمی و کشنده است. (این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱۰)

Asplenium adiantum nigrum L.	دروبطاروس - سرخس البلوط	دیسکورید
------------------------------	-------------------------	----------

۸۱۵ - دُرُوفِینُوس: دروفینون، دروفینون: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: عربی: زیتونیه، زیرا برگ‌های آن مشابه برگ زیتون است.

دُرُوفِینُوس (Doruknion): گیاهی است که در ابتدای رویش برگ‌های مشابه برگ «زیتون» دارد و مخدر و خواب‌آور است و من - این بیطار آن را می‌شناسم. (این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۸)

Dorycnium spp.	دروفینون	دیسکورید
----------------	----------	----------

۸۱۶ - دُرُونِج: درونج، درونج، درونج: (نامی فارسی) نام‌های دیگر آن: درونک - هندی: سنکهاوت، سنکهاورت - لبنان: عَقْرَبَة - حارکوش - جذوار - سیسدار - یزبه غلیشکه

<i>Doronicum pardalianches</i> L. <i>Doronicum scorpioides</i> Lam.	درونک	زریاب
<i>Doronicum scorpioides</i> Lam.	درونج	خطا، EN.
<i>Doronicum pardalianches</i> L.	درونج عقربی	پارسا
<i>Doronicum</i> sp.	دُرُونُک - دُرُونُک - درونج	الموسوعه
<i>Doronicum hookeri</i> Hook. <i>Doronicum roylei</i> DC.	Punjab: Darunj-akrabi	GLO.IN.
<i>Doronicum pardalianches</i> L.	India: Darunj-akrabi	GLO.IN.

۸۱۷- دُرَیاس: معرب دورس فارسی<sup>۱</sup>

الم.	دُرَیاس، دُرُوس، دُرُست، اُدَیارس، ثافشیا	<i>Thapsia garganica</i>
------	---	--------------------------

۸۱۸- دُرَیان: میوه ای مخصوص زیرباد<sup>۲</sup>

۸۱۹- دستبویه<sup>۳</sup>: نوعی «بطیخ» کوچک که در شام به آن «شمامت» و «لفاح» گویند.<sup>۴</sup>

۸۲۰- دُعاع<sup>۵</sup>: نام دیگر آن: شونیز القمح<sup>۶</sup>

۸۲۱- دُعُوب<sup>۷</sup>:

۸۲۲- دُعُلُول<sup>۸</sup>: نام دیگر آن: فسق الارض<sup>۹</sup> - قَشْطَنُولَه<sup>۱۰</sup>

۸۲۳- دِفْلَی<sup>۱۱</sup>، دِفْلَی<sup>۱۲</sup>، دِفْلَی<sup>۱۳</sup>، دِفْلَی<sup>۱۴</sup>، دِفْلَی<sup>۱۵</sup>، دِفْلَی<sup>۱۶</sup>، دِفْلَی<sup>۱۷</sup>، خورزهرج<sup>۱۸</sup>، خرزهرج<sup>۱۹</sup> (نوعی دِفْلَی<sup>۲۰</sup>)، سَمِّ الحمار<sup>۲۱</sup>، سم الحمار<sup>۲۲</sup>، جین<sup>۲۳</sup>، قاتل الحمیر<sup>۲۴</sup>، سم البهائم<sup>۲۵</sup>، عقر<sup>۲۶</sup>، حَمَط<sup>۲۷</sup>، شجر الخبیثه<sup>۲۸</sup> - فارسی: خرزهره<sup>۲۹</sup> - هندی: کین<sup>۳۰</sup>، کنیر<sup>۳۱</sup> - جالینوس: دافنی<sup>۳۲</sup> - سندی: قنوبر<sup>۳۳</sup> - سم الحمار<sup>۳۴</sup> - ارنوله<sup>۳۵</sup> - روذ دقنی<sup>۳۶</sup> - الیلی<sup>۳۷</sup> - زودوذا<sup>۳۸</sup> - جوجهرج<sup>۳۹</sup> - خرزون<sup>۴۰</sup> - دُودِر<sup>۴۱</sup> "غسانی" می گوید: دارای سه نوع است نوعی نهری و دو نوع دیگر آن جلی است که نوع بزرگ آن به نام «دِفْلَی البیضاء» و نوع کوچک آن به نام «دِفْلَی الخضراء» است.<sup>۴۲</sup>

نیرون (Nerion): دِفْلَی - خَرَزْهَرَج برگردان عربی آن از زبان فارسی «سَمِّ الحمار» و نام عربی «جَبَن»<sup>(۱)</sup> است. [این عبارت (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۴]

<i>Nerium oleander</i> L.	نیرون - دِفْلَی - جبن	دیسکورید
<i>Nerium oleander</i> L.	خرزهره	پارسا
<i>Nerium oleander</i> L.	دِفْلَی	ز، ط، خ، E.
<i>Nerium</i> sp.	دِفْلَی - سم الحمار	الموسوعه

۸۲۴- دُفْتَرَانَش<sup>(۲)</sup>: نام های دیگر آن: انطالین - بائلن - خامادفنی - رند - یزبه اوناله<sup>۳</sup>

۸۲۵- دُلب<sup>۴</sup>، دُلب<sup>۵</sup>، دُلب<sup>۶</sup>، دُلب<sup>۷</sup>، دُلب<sup>۸</sup>، دُلب<sup>۹</sup>، دُلب<sup>۱۰</sup>، جُنار<sup>۱۱</sup>، صنار<sup>۱۲</sup>: درختی از نوع صَفَیْراء نام های دیگر آن: شجر الدلب<sup>۱۳</sup> - فارسی: چنار<sup>۱۴</sup>، صنار<sup>۱۵</sup> - فرنگی: بلطانس<sup>۱۶</sup> - ابلاطنوس<sup>۱۷</sup> - عیثام<sup>۱۸</sup>، صنار<sup>۱۹</sup>، شجرة العیثام<sup>۲۰</sup>، جوزالدلب<sup>۲۱</sup>، عُنصوة<sup>۲۲</sup> - شیرازی: چنار<sup>۲۳</sup> - فاس: دُلم<sup>۲۴</sup> - «ابوحنیفه» «چنار» را به معنای درخت بی بار معنی کرده و شاید به تعبیر مخفف «چیز نیار» بوده است.<sup>۲۵</sup>

أفلاطینس (Platanos): نام‌های دیگر آن عبارتست از: شجرالدُّلب - صَنار - جَنار این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۰

Platanus orientalis L.	دلب	ز، ط، خ، د.
Platanus orientalis L.	درخت چنار	پارسا
Platanus sp.	دلب	الموسوعه

۸۲۶- ذَلْبُوثٌ، دَلْبُوثٌ، دَلْبُوثٌ، دلبوسٌ، سیف الغرابٌ، سیف الغرابٌ، نافوخٌ: نام‌های دیگر آن: سوسن الاحمرٌ، سنجارٌ - ریشه سوسن سرخ صحرائی معروف به «سیف الغراب» است، زیرا برگ آن مشابه شمشیر است.<sup>۲</sup> - نوعی «سوسن بری» است و آن معروف به «سیف الغراب» است و به آن سبب این اسم بوی نهاده‌اند که ورق آن مانند سیف (شمشیر) است و به شکل ورق «ایرسا» بود اما ورق «ایرسا» باریکتر و کوچکتر بود و ساق وی بمقدار یک کز بود و گل آن سرخ بود و وی را «سقراغانیون» و بعضی «باخاریون» خوانند و «کسیفون» نیز گویند.<sup>۳</sup> «ابن بیطار» می‌گوید: نام نوع قرمز «سوسن البری» است و بنا به نقل غافقی معروف به «سیف الغراب» است و نام ریشه آن به گفته «ابوعباس» در بغداد به نام «نافوخ» است.<sup>۴</sup> کَسِیفُون (Xiphion): با نام‌های «سُوسَن بری»، «سَیْف الغُراب»، «سَیْف القُراب»، «دُورْخُولی» و «فَسْغانیون» (Phasganion) بیشتر در مزارع گندم می‌روید. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۰]

Gladiolus communis L.	کَسِیفُون، سُوسَن بری، سَیْف الغُراب، سَیْف القُراب، دُورْخُولی، فَسْغانیون	دیسکورید
Gladiolus sp.	دلبُوث - سَیْف الغُراب - غلدیون	الموسوعه

۸۲۷- دلدغٌ: «ابو عباس» نباتی می‌گوید: «دلدغ» نام گیاهی در شهر بیت المقدس از نوع «کلخی» معروف به «غرناطه» است که در شهرهای اندلس آن را «کلخ دلی» و در سرزمین بربر به آن «ثافقرا» گویند.<sup>۵</sup>  
۸۲۸- ذَلِیکُ، ذَلِیکُ، ذَلِیکُ، ذَلِیکُ: نام‌های دیگر آن: میوه گل سرخ صحرائی<sup>۶</sup> - تنکابن: کلِیک - ترکی: اینبروئی<sup>۷</sup> - شام: سرسر الدیک<sup>۸</sup>، صرم الدیک<sup>۹</sup>

Rosa gallica L.	دلیک	زریاب
Rosa centifolia L.		
Rosa centifolia L.	گل سرخ	پارسا
Rosa damascena Mill.		
Rosa anserinaefolia Boiss.	ایت یورنی - کلِیک	پارسا

۸۲۹- دَمُ الاخوین<sup>۱۰</sup>، دَمُ الاخوین<sup>۱۱</sup>، دَمُ الاخوین<sup>۱۲</sup>، دَمُ الاخوین<sup>۱۳</sup>، خون سیاوشان<sup>۱۴</sup>، خون سیاوشان<sup>۱۵</sup>:؟ نام‌های دیگر آن: فارسی: خون سیاوشان<sup>۱۶</sup> - عربی: عَنْدَمٌ، شِیانٌ، ایدعٌ - سندی: پاندروت<sup>۱۷</sup> - صیادله: قاطر<sup>۱۸</sup> - سریانی: ورداد صیادی<sup>۱۹</sup> - جالینوس: آرون<sup>۲۰</sup>، درقنطیون<sup>۲۱</sup> - شجره دَمُ الاخوین<sup>۲۲</sup> - هندی: پاندورت یعنی دم پاندو - «دم الاخوین»، «خون سیاوشان» باشد و او را «قاطر» گویند.<sup>۲۳</sup> - در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی گویند صمغ درخت «شیان» است و گویند عصاره آن است.<sup>۲۴</sup> أَخْلِیوس سَنْدَرِیطس: برگردان عربی آن «النافع من أخلیوس» است و «أخلیوس» نام بیماری «غُرب» است. و این گیاه رانه دیده‌ام و نه هیچ شناختی نسبت به آن دارم. ابن وافت نام گیاه را «دَمُ الأَخوین» ذکر میکند. و من در این مورد بی اطلاعم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۲]

Achillea tomentosa L.	أخلیوس سندریطس - دَمُ الأَخوین	دیسکورید
-----------------------	--------------------------------	----------

<i>Calamus draco Willd.</i> <i>Dracaena cinnabari Balf.</i> <i>Dracaena draco L.</i>	دم الاخوين - عندم - درقنطیون	زریاب
<i>Daemonorops draco Blume</i>	دم الاخوين	طباطبائی
<i>Dracaena cinnabari Balf.</i>	خون سیاوش	پارسا
<i>Dracaena cinnabari Balf.</i>	دم الاخوين	خطابی

۸۳۰ - دم الأمير<sup>۴</sup>: نامی است که در شهرهای بکر و اطراف آن به گیاهی با نام فارسی «بستان افروز» گفته می شود.<sup>۵</sup>

۸۳۱ - دم الغزال<sup>۶</sup>: دم الغزال<sup>۷</sup> در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی آن را قسمی حمض معروف به «ثرف» و عده ای آن را نوعی «بقل» مشابه «طرخشقون» و بعضی هم آن را «طرخون» می دانند.<sup>۸</sup>

<i>Gnaphalium sanguineum Spr.</i> <i>Helichrysum sanguineum Cost.</i>	دم الغزال	زریاب
<i>Gnaphalium leontopodium</i>	كُرْشَفِيَّة حمرء، غُثَّال أحمر، دم الغزال	الموسوعة

۸۳۲ - دَمَادَم<sup>۹</sup>: دَمَادَم<sup>۱۰</sup>: نوعی لوبیای هندی

۸۳۳ - دَمَادَم<sup>۱۱</sup>:

۸۳۴ - دند<sup>۱۲</sup>، دند<sup>۱۳</sup>، دند<sup>۱۴</sup>، دند<sup>۱۵</sup>، دند<sup>۱۶</sup>: نوعی یتوع دارای سه نوع است. حبشی، سجزی، هندی نام های دیگر آن: تارتقه<sup>۱۷</sup> - هندی: چپال<sup>۱۸</sup> - شیرازی: باتو<sup>۱۹</sup> - حب قطامی<sup>۲۰</sup> - حب سلاطین<sup>۲۱</sup> - نام «خروع صینی» که نام<sup>۲۲</sup> «ماهودانه» است، برای آن اشتباه است.<sup>۲۳</sup> - بعضی گویند «حب الملوك» «دند» است و این خطاست و «حب الملوك»، «ماهودانه» است.<sup>۲۴</sup> - «ابوجریح» می گوید: سه گونه است: گونه چینی که دارای دانه هائی بزرگ همانند پسته دارد، گونه دیگرش همچون دانه کرچک است ولی کوچکتر و دارای خال های سیاه است و از سگستان می آورند و گونه سوم که اندازه اش بین گونه چینی و گونه شحری است رنگ آن تیره متمایل به زرد و از هندوستان بدست می آید.<sup>۲۵</sup>

<i>Croton tiglium L.</i>	دند	زریاب
--------------------------	-----	-------

۸۳۵ - دوادم<sup>۲۶</sup>: دَوْدَم<sup>۲۷</sup>: چیزی همانند صمغ است که از درون تنه چوب درخت «عرعر» بیرون می آید.<sup>۲۸</sup> - لثی الشمر<sup>۲۹</sup>

۸۳۶ - دَوَايا أغریا<sup>۳۰</sup>: دواغریه<sup>۳۱</sup>: (نامی یونانی) به معنای قصب جبلی یا قصب بری<sup>۳۲</sup>

۸۳۷ - دورقنی<sup>۳۳</sup>: نوعی کاکنج نام های دیگر آن: قراطاوس - دروقینون یعنی جن القتال<sup>۳۴</sup>

۸۳۸ - دُوسر<sup>۳۵</sup>، دُوسر<sup>۳۶</sup>، دُوسر<sup>۳۷</sup>، دُوسر<sup>۳۸</sup>: دوسر<sup>۳۹</sup>: نام های دیگر آن: دوشسر<sup>۴۰</sup> - اغیلفس<sup>۴۱</sup> - زَن<sup>۴۲</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: أجلیس<sup>۴۳</sup> - نام تخم آن به شیرازی: کرکاس<sup>۴۴</sup> - اشبیلی<sup>۴۵</sup> می گوید: دارای سه نوع است: ۱ - نوع اول معروف به پُجَه بانام های: اغلبس، اغلبس - اولیذا - دنقه - ازقون - واوذاق - وازنیر - زوان - زَن - عبری: سالم - سعیع - سَعَسع - قَبَاة ۲ - نوع جبلی با نام: طردقیره منتیره یعنی حنطة جبلیه ۳ - نوع معروف به شتین<sup>۴۶</sup>

<i>Triticum ovatum L.</i> <i>Aegilops ovata L.</i>	دوسر - زن	زر - طبأ.
<i>Secale corutum</i>	سککاله - دوسر گندم زنگزده	پارسا
<i>Avena elatior L.</i>	خَرْطال رفیع - دُوسر	الموسوعة

۸۳۹- دَوْقُسْ، دوقس<sup>۴</sup>، دوقس ایمارس<sup>۵</sup>: (نامی یونانی) اشبیلی<sup>۶</sup> می‌گوید: دارای سه قسم است: ۱- رجل الغراب ۲- رازیانج القرد ۳- بخور عایشه<sup>۷</sup> - قریطقوس ارمالی<sup>۸</sup>، برخی آن را به اشتباه شحمیله<sup>۹</sup> گویند.

"دیسکورید" می‌گوید: نوعی از آن به نام «قریطقوس» است و دارای سه نوع است.<sup>۱۰</sup> - "سفیان اندلسی" می‌گوید: نوعی از آن در شام به نام «قُمیله» و در بیت المقدس به نام «حشیشه البراغیث» است.<sup>۱۱</sup>

دوقس (Daukos): گیاهی است که خود آن را می‌شناسم و سه نوع دارد. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۹]

الموسوعه	جَزَر الرعاة - دوقس	<i>Athamanta cretensis</i>
دیسکورید	دوقس	<i>Athamanta cretensis L.</i> <i>Peucedanum cervaria L.</i> <i>Seseli ammoides L.</i>

۸۴۰- دَوْقُو، دوقو<sup>۱۲</sup>، دوقو<sup>۱۳</sup>، دوقو<sup>۱۴</sup>، دوقو<sup>۱۵</sup> (نامی یونانی)، قوقابس<sup>۱۶</sup>: نام‌های دیگر آن: تخم گزر دشتی<sup>۱۷</sup> - ری: نهنمک<sup>۱۸</sup>، دوقو اغریا<sup>۱۹</sup>، دوقو بری<sup>۲۰</sup>، تخم جزر بری<sup>۲۱</sup> - نام ریشه آن: مستسقاقل<sup>۲۲</sup> - نام گیاه: خرس گیاه<sup>۲۳</sup>، - نام نوع زیرا خرس آن را بسیار دوست دارد. - شیرازی: بدوان<sup>۲۴</sup>، ترخر<sup>۲۵</sup> دو گیاه جبلی: دوا یا اغریا<sup>۲۶</sup> اشبیلی<sup>۲۷</sup> می‌گوید: دوقو به «کاشم کبیر» و «اذخر» گفته می‌شود و منظور از «دوقو الاحرش» انواع «جَزَر البری» با نام «سنفاله» است و منظور از «دوقو املس»، «بَسَناج» است که خود در دو نوع بدو و غیر آن می‌باشد، نام‌های نوع اول «طقاره»، «مقارجه» و «قیعرن» و نام‌های نوع دیگر «غراء» و «غَزْراء» است.<sup>۲۸</sup>

اسطافالینوس اُغْرِیوس (*Staphulinos agrios*): جَزَر البری - جزر البستانی - دوقو ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۹:

زر. - طب.	دوقو - تخم گزر دشتی	<i>Daucus carota L.</i> <i>Athamanta cretensis L.</i>
دیسکورید	اسطافالینوس اُغْرِیوس - جزربری - جزرستانی - دوقو	<i>Daucus carota L.</i> <i>Athamanta cretensis L.</i>

۸۴۱- دهاهایج<sup>۲۹</sup>:

۸۴۲- دهماسا<sup>۳۰</sup> (نامی هندی)، دَهَمَسْت<sup>۳۱</sup>، دهمست<sup>۳۲</sup>، دهمست<sup>۳۳</sup> (نامی فارسی)، شجرة الغار<sup>۳۴</sup>، غار<sup>۳۵</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: غار<sup>۳۶</sup> - رومی: اذفونیدیس<sup>۳۷</sup>، اذفیوس<sup>۳۸</sup> - دهمست<sup>۳۹</sup>

زر. - طب.	دهمست - غار	<i>Laurus nobilis L.</i>
پارسا	درخت غار	<i>Laurus nobilis L.</i>
الموسوعه	رند، غار	<i>Laurus nobilis L.</i>

۸۴۳- دیس<sup>۴۰</sup>: اشبیلی<sup>۴۱</sup> می‌گوید: دارای انواع بسیاری برخی از آن عبارتست از: ۱- سَمَار: دارای دو نوع نر و ماده است: نر آن را «اسل» گویند و هر دو نوعی «اغلاث» با نام‌های غانافلیان، سخیونس الیا، ازلاف، ترهیلیه، ترهلیان، سومر، سمار است. ۲- سامان ۳- خَلْفاء ۴- مَلْجی: طرح ۵- طرباج: نوعی سَعْدی ۶- بوطة: نوعی سعدی، رَغی البَط ۷- مَزْطنه ۸- فَنال ۹- اذخر ۱۰- قارِج: قَزَج، قمسِل، اسنام ۱۱- قَصْبَة: قَلامُفَرَسطس ۱۲- جَزْزینَه: نوعی اذخر<sup>۴۲</sup>

۸۴۴- دینارویه<sup>۴۳</sup>، دینارویه<sup>۴۴</sup>: نام‌های دیگر آن: عراق: حزاء<sup>۴۵</sup>، زوفراء<sup>۴۶</sup>

پزشکان مغرب بر خلاف پزشکان بغداد «زوفراء» را غیر از «حزاء» می‌دانند.<sup>۴۷</sup>

۸۴۵- دِینِساَقوس<sup>۴۸</sup>، دیساقوس<sup>۴۹</sup>، دیساقوس<sup>۵۰</sup> (نامی یونانی)، دیناقوس<sup>۵۱</sup>، شوک الدراجین<sup>۵۲</sup>، شوک الدراجین<sup>۵۳</sup>، عطشان<sup>۵۴</sup>، عطشان<sup>۵۵</sup>، مشط الراعی<sup>۵۶</sup>، ملطاه<sup>۵۷</sup>: نام‌های دیگر آن: یونانی: دبساَقوس<sup>۵۸</sup> یعنی دائم العطش یا همیشه تشنه<sup>۵۹</sup> جِرامغه<sup>۶۰</sup>؛

جرامقه<sup>۳</sup>، خالینوس<sup>۴</sup> - مشط الراعی<sup>۵</sup>، عطشان<sup>۶</sup> - شیرازی: طوسک<sup>۷</sup> - شوک الدراجین<sup>۸</sup> - مغرب: مشط الراعی - خس الکلب<sup>۹</sup> - تیمشطان و انتلی<sup>۱۰</sup>  
 دبساquos (Dipsakos): برگردان عربی واژه یونانی «عطشان» است. نام های دیگر آن «شوک الدراجین» و «مسط الراعی» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱]

دیسکورید	دبساquos - شوک الدراجین - مشط الراعی	<i>Dipsacus fullonum L.</i>
----------	--------------------------------------	-----------------------------

۸۴۶ - دیودار<sup>۱</sup>، دیودار<sup>۲</sup> (نامی فارسی)، تفاح الجن<sup>۳</sup>، دیودار<sup>۴</sup>، دبندار<sup>۵</sup>، دیودار<sup>۶</sup>: به معنای شجر الجن<sup>۷</sup> شاید اسمی مرکب از فارسی و هندی است. «دیو» به هندی یعنی «بزرگ» و «دار» به فارسی یعنی درخت - چوب - است و آن را به هندی «چیر» نامند. نام های دیگر آن: بیدار<sup>۸</sup> - عربی: شجرة البق<sup>۹</sup>، شجرة الجن<sup>۱۰</sup> - فارسی: دیودر<sup>۱۱</sup>، اسپیدار<sup>۱۲</sup> «ابن سینا» می گوید: «دیودار» از جنس «أبهل» است و به آن «صنوبر الهندی» گویند. «ابوماسویه» می گوید: گونه ای است از «أبهل» و همانند «سرو» است.<sup>۱۳</sup>

زریاب	تفاح الجن	<i>Mandrgora officinarum L.</i>
طباطبائی	دیودار	<i>Cedrus deodara Loud.</i> <i>Cedrus libani Loud.</i>

### حرف «ذ»

۸۴۷ - ذات الریش<sup>۱</sup>: «اشبیلی» می گوید: این نام به سه گیاه گفته می شود: ۱ - قسمی عصا الراعی<sup>۲</sup> - نوعی قیاصم و قسمی ریحان الثعلب با نام فورینه یا فلورینه<sup>۳</sup> - عشبة الطیور<sup>۴</sup>  
 ۸۴۸ - ذاقینی الاسکندری<sup>۵</sup>، ذافنی الاسکندری<sup>۶</sup>، ذاقنی<sup>۷</sup> (نامی یونانی)، خاماذفی<sup>۸</sup>: به معنای غار الاسکندری<sup>۹</sup> و برگردان عربی آن «ذافنی الاسکندری» است.<sup>۱۰</sup> «ابوعباس نباتی» می گوید: نوعی از «شقال» است.<sup>۱۱</sup>  
 ذافنی (Daphne): شجر الغار - شجر الرند - دارای دو نوع نر و ماده است. ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۷۸:

دیسکورید	ذافنی - شجر الغار - شجر الرند	<i>Laurus nobbilis L.</i>
----------	-------------------------------	---------------------------

۸۴۹ - ذاقنیویداس<sup>۱</sup>، ذافنیدس<sup>۲</sup>، ذاقنیویداس<sup>۳</sup>: (نامی یونانی) نوعی مازریون<sup>۴</sup> - نام های دیگر آن: ذاقنیویداس<sup>۵</sup> به معنای «مشابه غار» است.<sup>۶</sup> - مغربی: مازرو<sup>۷</sup> - شام: بقله<sup>۸</sup> - «دیسکورید» می گوید: برخی مردم آن را «خاماذفی» می دانند.<sup>۹</sup>  
 نام دانه گیاه غار است که اسامی آن در «ذاقنی الاسکندری» ذکر آن آمده است.<sup>۱۰</sup>  
 ذافنیدس (Daphnides): نام های دیگر آن عبارتست از: حب الغار - حب الرند - حب الدهمشت (Dahmast) - لاتینی: آرباقه (Orbaco) - لوره (Laurus) - بربری: بسلیت [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۷۹]

الموسوعه	ذافنیداس، ذفنه سامة، اثم، مازریون	<i>Daphne mezereum</i>
----------	-----------------------------------	------------------------

۸۵۰ - ذره<sup>۱</sup>، ذره<sup>۲</sup>، ذره<sup>۳</sup>، ذره<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: جاورس الهندی فارسی: ارزن<sup>۵</sup> - هندی: جنبه<sup>۶</sup>، جوار<sup>۷</sup> - جاوروس هندی<sup>۸</sup> - شیرازی: زره<sup>۹</sup> - دو نوع است سیاه و سفید، نوعی از آن «جواری» که به نام «ارزن هندی» است.<sup>۱۰</sup>

۱- به تفاح الجن رجوع شود. ۲- به «جاوروس» رجوع شود.



نام پوست ارزن به عربی «طَهْف» است. نیبذ «ارزن» را به عربی «مرز» گویند و چون شیرین است آن را «جَمَه» گویند. آشپیلی می‌گوید: دارای دو نوع کوچک و بزرگ است نام‌های نوع بزرگ آن عبارتست از: کنخروس - بنیشه - اتلی - نام سنبله آن: مَطَر - نام کاه آن: حَمَاط - نام‌های نوع کوچک آن: بنجَه - امزقور - جاورس<sup>ش</sup>

<i>Andropogon sorghum</i> <i>Sorghum vulare Pers.</i>	ذره	الموسوعه
<i>Holcus sorghum L.</i> <i>Sorghum vulare Pers.</i>	ذره - ارزن	زریاب
<i>Holcus sorghum L.</i> <i>Zea mays</i>	ذره	طباطبائی
<i>Sorghum vulgare Pers.</i>	ذرة رفيعه	EN.
<i>Zea mays</i>	ذرة شامی	EN.

۸۵۱ - ذرفی: نوعی سداب<sup>ش</sup>  
 ۸۵۲ - ذرق، ذرق، ذرق، ذرق<sup>ش</sup>: (نامی فارسی) نوعی بصل بری نام دیگر آن در بغداد: حَنْدَقُوقِی<sup>ش</sup> - نام نوعی از آن «عَرْقُصَان» است.<sup>ع</sup> - نوع دیگر آن: حَنْدَقُوقَا - اهالی حیره: حباقا  
 لوطوس آغریوس (*Lotos agrios*): حباقا - ذرق ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۶

<i>Trigonella laciniata L.</i> <i>Trigonella corniculata L.</i>	ذرق	زر. - طبأ.
<i>Trigonella corniculata L.</i>	لوطوس آغریوس - حباقا - ذرق	دیسکورید
<i>Trigonella corniculata L.</i>	حلبه قرنیه، ذرق	الموسوعه

۸۵۳ - ذرق الحَمَام: نوعی شاهترج معروف به قَلَنْبِیَنَه<sup>ش</sup>  
 ۸۵۴ - ذرق الطَّیْر: نام آن به یونانی: بتومه<sup>ع</sup>  
 ۸۵۵ - ذروفینون<sup>ش</sup>  
 ۸۵۶ - ذریزه<sup>ش</sup>

<i>Arum italicum Mill.</i>	أروم إيطالی - لوف جعد - ذُرَّیْزَة	الموسوعه
<i>Acorus calamus L.</i>	ذُرَّیْزَة	EN.

۸۵۷ - دُغْلُوق<sup>ش</sup>:  
 ۸۵۸ - ذَفْراء، ذَفْراء<sup>ش</sup>: "رازی" می‌گوید: گویند نام «سداب البر» است.<sup>ع</sup> برخی آن را «فجن» و عده‌ای آن را «عجمی» می‌دانند.

<i>Ruta montana</i>	ذَفْراء - سداب البر - حَزْمَل الجبل	الموسوعه
---------------------	-------------------------------------	----------

۸۵۹ - ذَکَر الدیک: نوعی بصل بری معروف به ماغره الاسود<sup>ش</sup>  
 ۸۶۰ - ذَکَر الرئیس: نام‌های دیگر آن: قلیونش دِغاته یعنی خصی الهَر - عجمی اندلس: شوله دی رای  
 ۸۶۱ - ذَکَر الکلب: نوعی بصل بری نام دیگر آن: زَب زَباح<sup>ش</sup>





ماژئون (*Marathon*): رازیانج البستانی - شمار - شمور - بزَهلیا [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۶]  
 اُفومارثُن (*Hippomarathon*): به معنای «شمار العریض» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۸]

ز.خ، ط.ب.	رازیانج	<i>Foeniculum vulgare</i> Mill.
دیسکورید	ماژئون، رازیانج البستانی، شمار، شمور، بزَهلیا	<i>Foeniculum vulgare</i> Mill.
دیسکورید	اُفومارثُن - شمار العریض	<i>Hippomarathrum libanotis</i> Koch.
الموسوعه	شمار، شُمرة، شومار، رازیانج	<i>Feniculum</i> sp.

۸۸۷ - رازیانج حبشی: نوعی انیسون و قسمی کحلوان است.<sup>ش</sup>

۸۸۸ - رازیانج رومی و رازیانج شامی<sup>ع</sup>: اَنِسون<sup>ع</sup>

۸۸۹ - رازیانه بری<sup>ف</sup>:

ماژئون اُغریون (*Marathon*): به معنای «رازیانج بری» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۸]

۸۹۰ - رازیانج القروء: نام دیگر آن: تُوْنَع<sup>ش</sup>

۸۹۱ - رأس الذهب: نامی است که به گیاهان بسیاری گفته می شود برخی از این گیاهان عبارتند از: خردل، بابونج الاسود، ذهبیه، خربق الاسود، اقحوان العربی نام نوع دیگر آن: بُلْبُلِیة الاسود: اماریطون، شنثمن، اقند، حودان، اخرسون<sup>ش</sup>

۸۹۲ - رأس الزرور: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را به اشتباه نام «قبسطاله» و یا نام «شَحْمَة الدجاجة» می دانند و درست آنست که «عُضْر بری» معروف به «شَنْقِیرَه» است.<sup>ش</sup>

۸۹۳ - رأس العصفور: نام های دیگر آن: قولومینس - قولوقمین - تَبْسِیروله<sup>ش</sup>

۸۹۴ - رأس الشیخ: نام های دیگر آن: قاذازش - قَباسه - رأس القنفذ<sup>ش</sup>

۸۹۵ - راسَن، راسَن، راسَن، راسَن، راسَن، راسَن (نامی در اندلس)، کلموج<sup>ص</sup>، قسط شامی<sup>ع</sup>، قسط شامی<sup>ص</sup>، زنجبیل شامی<sup>ع</sup>، زنجبیل بلدی<sup>ع</sup>، زنجبیل شامی<sup>ص</sup>، اَلانیون<sup>ع</sup>، اَلانیون<sup>ص</sup>، اصل الراسَن، جناح<sup>ص</sup>: نوعی جنبه نام های دیگر آن: قُسط الرومی<sup>ع</sup>، کرات الروم<sup>ع</sup>، زنجبیل شامی<sup>ع</sup>، زنجبیل بلدی<sup>ص</sup> - یونانی: انیون<sup>ش</sup> - اندلس: جناح<sup>ش</sup>، کلموج<sup>ص</sup> - رومی: قعالا<sup>ص</sup>، النیسون<sup>ص</sup>، الیون<sup>ص</sup>، الفوثویا<sup>ص</sup>، انفولوفا<sup>ص</sup>، اورافلون<sup>ص</sup>، ایروفلون<sup>ص</sup> - سریانی: ریسنا<sup>ص</sup>، اسفلیغین<sup>ص</sup>، طماخنا<sup>ص</sup>، عکارشا<sup>ص</sup>، زرقوتبا<sup>ص</sup>، فشقل<sup>ص</sup>، تملح<sup>ص</sup>، کراعی قمصی<sup>ص</sup>، شنکوسا<sup>ص</sup>، قلفوح<sup>ص</sup> - ارسطیون<sup>ش</sup> - بناطش ابذا<sup>ش</sup> - آله<sup>ش</sup>(۱) - بنور<sup>ش</sup> - قسط رومی<sup>ص</sup> - میدیقی<sup>ش</sup> - فلومس اداوش<sup>ش</sup> - علیة و برشقی<sup>ش</sup> - آتلیه کمبانه<sup>ش</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: هیلانیون<sup>ص</sup> - ترکی: اَنَدَر<sup>ص</sup> - رازی نام دیگر این گیاه را «عِکَرش» می داند.<sup>ص</sup>

اَلانیون (*Helenion*): نام دیگر آن: جناح - راسَن - زنجبیل الشامی - ترکی: عُنْطوز [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۶۷]

دیسکورید	الاتیون - جناح - راسَن - زنجبیل شامی	<i>Inula helenium</i> L. <i>Calamintha incana</i> Boiss. & Held.
پارسا	رأس هندی - زنجبیل شامی	<i>Inula helenium</i> L.
GLO.IN.	Pers & Arab: Rasan	<i>Inula helenium</i> L.
GLO.IN.	Arab: Rasan - Kash: Poshkar	<i>Inula helenium</i> L.
زر - طب.	راسَن	<i>Inula helenium</i> L. <i>Calamintha incana</i> Bois & Held.
خطا، EN.	راسَن	<i>Inula helenium</i> L.

۸۹۷- رامک<sup>۲</sup>: عطری است که از «مازو» گیرند.<sup>۳</sup>

۹۰۳ - رَتم، رَتم، رَتم: (نامی عربی) از جنس هذبات نام‌های دیگر آن: شبرطیون - تالقبت - یناشه - "اشبیلی" می‌گوید: سیاه آن سه نوع است نام‌های دو نوع آن عبارتست از: ۱ - رَتم القلباء ۲ - رَتم الخنزیر - برکینه - یناشته دَیورکه - نام نوع دیگر آن: ینشاله: کوچک آن: اذئاب البقر، بزرگ آن: اذئاب الخیل<sup>۴</sup> - غافقی می‌گوید: دارای دونوع سیاه و سفید است.<sup>۵</sup>

الموسوعه	رَئَم	<i>Retama sp.</i>
EN.	رَئَم	<i>Cytisus scoparius Br.</i>

۹۰۴ - رَئَم، رَئَم، رَئَم، رَئَم، رَئَم: نام دیگر بندق هندی <sup>سبب</sup>

زر. - طبای.	رته	<i>Caesalpinia bonducella Flem.</i> <i>Guilandina boneculla Flem.</i>
-------------	-----	--

۹۰۵ - رجه <sup>س</sup>:

۹۰۶ - رجل البازي: نام های دیگر آن: کاشم الکبیر - طریفلون - سسالیوس ایتونیکون <sup>ش</sup>

۹۰۷ - رجل الجراد، رجل الجراد، رجل الجراد <sup>ش</sup>: نام های دیگر آن: زرنب <sup>ش</sup> - روبیان <sup>ش</sup> - شیخ رئیس - گوید بقله است که قائم مقام «بقله یمانی» است... و مسیح گوید «زرنب» است و مولف دیگری گوید همچنین نام «زرنب» است و آن را «سرو ترکستانی» خوانند. <sup>ش</sup>  
این نام به گیاه دیگری از انواع «اقاحی» معروف به «اریان» نیز گفته می شود. <sup>ش</sup>

طباطبائی	رجل الجراد	<i>Taxus baccata</i>
----------	------------	----------------------

۹۰۸ - رجل الحداء: نام های دیگر آن: باطانیقی - فوروفش - لختیره <sup>ش</sup>

۹۰۹ - رجل الحمامه: اسم جنس و نوعی انجسا و دارای سه نوع: ۱ - انجسا الساحلی: لوقیدس - ارجیولیه - تاینس - حَمیر ۲ - نحلیه: عیبادیوس - انوخیلوس - ارطی صغیر ۳ - انجسا الرملی: لوقیمو بداس - سن نوذه - فیلاطاریون <sup>ش</sup>

۹۱۰ - رجل الزرور: نام دیگر آن: غنب السقف <sup>ش</sup>

۹۱۱ - رجل العقاب، رجل العقاب، رجل العقاب <sup>ش</sup>: نام های دیگر آن: حَمیراء <sup>ش</sup> - مسکیه <sup>ش</sup> - رجل العقق <sup>ش</sup>، رجل الزرور <sup>ش</sup> -

رجل الغراب <sup>ش</sup> اهالی مصر گیاه دیگری با نام بربری «آطریلال» را به این نام که /معروف به «رجل الغراب» است / می شناسند. <sup>ع</sup>

۹۱۲ - رجل الغراب، رجل الغراب، رجل الغراب، زرقوری، زرقوری: نام های دیگر آن: شام: رجل

الزراع <sup>ع</sup> - پهلوی: پای کلاغ، کلاغ پا - ترکی: غاز یاغی - فرنگی: کرتویس - فاس: آطریلان <sup>ش</sup> - قنلیه <sup>ش</sup> همچنین

می گویند «آطریلال» است، ولی بیشتر آن را غیر آن می دانند. <sup>ش</sup> غسانی گوید برخی به اشتباه آن را «زرنب» می دانند. <sup>ش</sup>

- آشیللی می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است

قورونفس (*Krethmon*): نام های دیگر آن عبارتست از: رجل الغراب - رجل الزراع [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۴]

دیسکورید	قورونفس، رجل الغراب، رجل الزراع	<i>Crithmum maritimum L.</i>
خطابی	رجل الغراب	<i>Carum ammiodides Benth.</i>

۹۱۳ - رجل الفروج، رجل الفروج: نوعی حَمض نام های دیگر آن: رجل الدجاجة <sup>ش</sup> - رجل القلوس <sup>ش</sup> - قاقلی <sup>ش</sup>

نام «رجل القلوس» و هم نام اندلسی گیاه دیگری در بغداد با نام «قاقلی» می باشد و آن نوعی «حَمض» است. <sup>ع</sup>

۹۱۴ - رجل الحرشاء: نام های دیگر آن: شج مال - اذن الحمار - شهیدیه <sup>ش</sup>

۹۱۵ - رخامی <sup>ش</sup>:

۹۱۶ - رُدُونْتی: (نامی هندی)

۹۱۷ - رَطْبَه، رَطْبَه، رَطْبَه، رَطْبَه، رَطْبَه، رَطْبَه، بزر الرطبه، علف، قداح، قصب (فصفصه): نام های

دیگر آن: فارسی: اسپست باغ تازه، اسپست <sup>ش</sup>، اسپست <sup>ش</sup>، اسپست <sup>ش</sup> - ترکی: یونجه نام های نوع خشک آن:

عربی: قَتَّ - هندی: هفت - رومی: میدیکی - فِصْفِصَة = رطب القَتَّ، فارسی: اَسبَسْت - نام‌های بذر: بزر القداح، بزر الفصفصة، بزر القَتَّ، بزر القَتْد، بزر القصب، بزر العلق - تخم اسبست  
 میدیقی: رَطْبَة - فِصْفِصَة - خشک آن: قَتَّ - فارسی: اَسْفَسْت - عربی: قَضْب - عجمیت اندلس: يُرْبَة موله به معنای «عشبه البغلة» ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۱ و ۱۳۲

Medicago sativa L.	فصفصه - رطبه - اسفست - قضب	دیسکورید
Medicago sativa L.	یونجه - قَت - اسبوست - اسپسته (افغانها)	پارسا
Trifolium pratense L.	رطبه، نفل المروج، نفل بنفسجی، بزسیم احمر	الموسوعه
Medicago sativa L.	رطبه	ز، ط، E.
Medicago sativa L. Trifolium alexandrinum L.	فصفصه	خطابی

۹۱۸ - رَعَى الْإِبِلَ، رعى الابل، رَعَى الْإِبِلَ، رعى الأيّل: نام‌های دیگر آن: سنائی، سفائی - مصر: شوک الجمل - سریانی: رعاویلا - نام گیاه در کتاب جالینوس: هیلابسقون - نام گیاه در کتاب دیسکورید: آلفوبسقن - سریانی: رعیادیل

آلفوبسقن: نام آن «رعى الأيّل» و به سریانی «رعیادیل» است و آن گیاه معروفی است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۵]

Salvia officinalis L. Pastinaca sativa L.	رعى الابل - رعى الابل	دی - زر.
Echinops sphaerocephalus Pastinaca sativa L.	رعى الابل	الم - طبا.

۹۱۹ - رعى الحمار، رعى الحمار: گویند رعى الابل است.

۹۲۰ - رعى الحَمَام، رعى الحمام، رعى الحمام، رعى الحمام، فسطاریون، فرسطالیون، قارسطاریون، فارس ناریون: نوعی کرسنه نام‌های دیگر آن: در کتاب دیسکورید با نام یونانی: فارسطاریون، یعنی «حمامی» و یا به معنای «مظلل الحمام»، قوسطاریون، فارسطازیون - فارسی: گاو مشنگ، دیو مشنگ، چینه کبوتران - نام گیاه در کتاب جالینوس: فارستاریون، باریسطاریون -

فارسطازیون به (Peristerion): برگردان آن «حمامی» است و نام‌های دیگر آن «رعى الحمام» و «حشیش الأعظم» است. و «جالینوس» آن را نوعی از «میامیر» می‌داند و به لاتینی «قُلْبَارِش» (Columbaris) معنای «حمامی» است. نام یونانی و لاتینی این گیاه یکی است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۴ و ۵۵]

Verbena officinalis L.	فارسطاریون، رعى الحمام، حشیش الأعظم	دیسکورید
Verbena sp. Pastinaca sativa L.	رعى الحمام	الموسوعه
Verbena officinalis L.	رعى الحمام	زریاب
Verbena officinalis L.	فارسطاریون	خطابی

۹۲۱ - رَعَى، رَعَى: در بعضی از ترجمه‌ها: جَلَنَارَ

۹۲۲ - رعى الابل: نام دو گیاه است ۱ - لصف و کنکر بری ۲ - سواک العباس





شامل انواع شیرین، تلخ و ترش می‌باشد که هر یک خود اقسام مختلفی دارند، اقسام نوع ترش عبارتست از: ۱- فطیسی: داوری ۲- برجین ۳- بلدی - اقسام نوع تلخ عبارتست از: ۱- کبیر (بزرگ): رومی ۲- صغیر (کوچک): اقسام نوع شیرین عبارتست از: ۱- فسطیسی ۲- مقدسی ۳- قمحی - رمان بری نرو معروف به جلنار است نام‌های دیگر آن عبارتست از: رَغَث - نارِ مِشک - تاغیش - لوسپیون<sup>۳</sup> انار بسیار آبدار را که تخم کم داشته باشد به لغت عرب «مرمار» گویند.<sup>۴</sup> «جالینوس» می‌گوید: «نالاسطون» نام شکوفه انار دشتی است.<sup>۵</sup> - نام دانه آن: انار دانه<sup>۶</sup> «غسانی» می‌گوید: رمان دارای دو نوع نرو ماده است نام نوع نر «جُلنار» است و ماده آن دارای انواع فراوانی از قبیل شیرین، ترش، تلخ، آبی، و... می‌باشد که هر یک از این انواع در شهر فاس دارای اسامی خاصی است بعنوان مثال: منظور از درخت «سلطان» بلندترین و نیکوترین درخت انار است و به ترتیب نوع «سفری» و «کلخی» قرار دارد و هرگاه درختی دارای انارهای بزرگ باشد به آن «میمونه» و اگر دارای انارهای ریز باشد به آن درخت «عَظْمی» گویند.<sup>۷</sup>

رُوداْأَیْذا (Rhoa): رمان (این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۳]

ز، خ، پ، ال، ط.	رمان	<i>Punica granatum L.</i>
دیسکورید	روداْأَیْذا - رمان	<i>Punica granatum L.</i>

۹۴۲ - رمان الأنهار<sup>۸</sup>، رمان الانهار<sup>۹</sup>: در دمشق نام نوع بزرگ «هوفاریقون» با نام «أندروسا» یا «اندرسامس» است.<sup>۱۰</sup>

۹۴۳ - رمان السعال<sup>۱۱</sup>، رمان السعال<sup>۱۲</sup>، رمان السعال<sup>۱۳</sup>: نام دیگر آن: خشخاش<sup>۱۴</sup>، خشخاش الابيض<sup>۱۵</sup> برای بسیاری از پزشکان این نام نوعی «خشخاش سفید» است و درست تر آنست که نوعی «خشخاش» معروف به «منثور» است که مشابه «شقایق النعمان» است ولی شقایق مزبور نیست.<sup>۱۶</sup>

الموسوعه	رمان السعال - خشخاش أبيض	<i>Papaver somniferum album</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>
----------	--------------------------	---

۹۴۴ - رمان بری<sup>۱۷</sup>، رمان البری<sup>۱۸</sup>، حب القلقل<sup>۱۹</sup>، حب القلقل<sup>۲۰</sup>، بزرالمط<sup>۲۱</sup>: مض<sup>۲۲</sup> - رمان بری<sup>۲۳</sup> - نام‌های میوه: حب القلقل<sup>۲۴</sup>، رمان البری<sup>۲۵</sup>، شاهدانج<sup>۲۶</sup>، نار دانه دشتی<sup>۲۷</sup> - نام ریشه: مغاث<sup>۲۸</sup>

زریاب	رمان البری	<i>Crotalaria retusa L.</i> <i>Cassia tora L.</i>
پارسا	حب القلقل	<i>Cassia tora L.</i>
الموسوعه	رمان بری - مَطَّ	<i>Balaustion sp.</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>

۹۴۵ - رَمَث<sup>۲۹</sup>، رَمَث<sup>۳۰</sup>، رَمَث<sup>۳۱</sup>: نوعی «حَمَض»<sup>۳۲</sup> نام دیگر آن: طردج - نام شیره سفید رنگ بر روی گیاه: مغفور الرمَث<sup>۳۳</sup> - نام نوع دیگر آن: شعران<sup>۳۴</sup>

الموسوعه	رَمَث	<i>Caroxylon articulatum Moq.</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>
----------	-------	---

۹۴۶ - رَمَرام<sup>۳۵</sup>، رَمَرام<sup>۳۶</sup>، رَمَرام<sup>۳۷</sup>: نام دیگر آن: قرصنه<sup>۳۸</sup> - ابريجون<sup>۳۹</sup> نام «قرطم بری» است و گویند نام «قرصنه» است.<sup>۴۰</sup>

<i>Chenopodium murale</i> L. <i>Pastinaca sativa</i> L.	رمرام - رقرم	الموسوعة
--	--------------	----------

۹۴۷- رَنْدُ، وندس، رند، رند، رند، رند؟ (نامی عربی) نوعی زیتون است. نام‌های دیگر آن: شجر الغار<sup>۱</sup> - حَنْوَه<sup>۲</sup> - دافنی<sup>۳</sup> - ارباقه<sup>۴</sup> - دهمست<sup>۵</sup> - سطا فان<sup>۶</sup> - غار<sup>۷</sup> - تاسلت<sup>۸</sup> - حب القوقایا<sup>۹</sup> به «راسن» در شام «غار»<sup>۱۰</sup> گویند و همچنین آن را نام دیگر «صندل» گفته‌اند.<sup>۱۱</sup> «صاحب منهاج» گوید نام «اس» است و به «غار» هم گفته می‌شود.<sup>۱۲</sup>

<i>Laurus nobilis</i> L.	رند	زر. - خط.
--------------------------	-----	-----------

۹۴۸ - رند اسکندرانی: نام‌های نوعی از آن: خامادفنی - مازر - خُضیراء - نام نوع دیگر: دفنوداس<sup>ش</sup>

۹۴۹ - رنف: آشِبیلی<sup>۱</sup> می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «خلاف بلخی» و عده‌ای آن را نوعی «یبروح می‌دانند و همچنین گویند نام «بهرامج البر» است برخی نام عجمی آن را «بِزْبه دی فوئَه»<sup>(۱)</sup> به معنای «عشبه النار» گفته‌اند و به نام‌های «لبن الحمارة» و «کوکبة» نیز آمده است. و درست آنست که دارای دو نوع بزرگ و کوچک است نوع بزرگ آن «خلاف بلخی» و کوچک آن «ظِلّان» یا «یاسمین البر» است.<sup>ش</sup>

۹۵۰ - رضایف<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: کرکیشه - بطریره - بطرقیره - حریشه - حشیشه الزجاج - عصا هرمس<sup>ش</sup>

۹۵۱ - رواس<sup>ع</sup>، رواس<sup>ث</sup>: گروهی آن را «جرجیر الماء» می‌دانند.<sup>ث</sup>

۹۵۲ - رُوذا اَرِیْذا<sup>ع</sup>، رودیاریزا<sup>ث</sup>، رودبازیزا<sup>ث</sup>: (نامی یونانی) برگردان عربی آن از نام یونانی «اصل الوردی» است.<sup>ع</sup>

رُوذا اَرِیْذا (Rhoa): رمان [این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۳]

۹۵۳ - ریپاس<sup>ث</sup>، ریپاس<sup>ع</sup>، ریپاس<sup>ث</sup>، ریپاس<sup>ث</sup>، زرنیلج<sup>ث</sup>، زرنیلج<sup>ث</sup>، یَغْصِیصا<sup>ث</sup>، یَعْضِیْما<sup>ث</sup> (نامی سریانی): نام‌های دیگر آن: حماض جلی<sup>ث</sup> - ریپاس<sup>ع</sup> - فارسی: ریواس<sup>ث</sup>، ریواج<sup>ث</sup>، جگری<sup>ث</sup>، جُکْری<sup>ث</sup> - تازی: نامی چون نبات او بزرگ شود هر برگری ازو بدست آدمی مشابهت دارد. و اردشیر را ریوند دست گویند بآن سبب که دست های او دراز بود. و تخم او از آن قَضِیب [گل آذین سنبله افراشته] پدید آید و در هر طرف سنبله برگهائی بشکل دست آدمی وجود دارد.<sup>ث</sup>

«غسانی» می‌گوید: برخی آن را به اشتباه «راوند الفارسی» می‌دانند.<sup>ث</sup> آشِبیلی<sup>ث</sup> می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را به اشتباه «حماض حسکی» می‌دانند و درست آنست که «حماض الجلی» است.

<i>Rheum ribes</i> L.	ريباس	ز.خ، پ.ط.
<i>Rheum ribes</i>	راوند ريپاسي - ريپاس - ريباص - يقيميصا	الموسوعه

۹۵۴- ریحان، ریحان، ریحان، ریحان، بزرالریحان: نام‌های دیگر آن: ضمران - ریحان‌الملک - فارسی: شاهسفرم، شاه‌اسپر، سپرم، مورداسپر، شاهسفرم - هندی: ناذبود، نکدبابوی - حمام - حمام - معربست از لفظ «همبهم» و «همبهم» را معنی اینچنین باشد بلغت تازی که «هاناذا» یعنی «چنانستی که نبات ریحان چون از زمین پدید آید گوید نک من اینم»، اهالی اندلس به «آس بستانی»<sup>(۲)</sup> گویند. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۵]

«شبیلی» می‌گوید: به هر گیاه خوشبو ریحان گفته می‌شود و عرب این نام را برای «حنوة» نیز بکار می‌برند و اهالی اندلس به آن «آس» گویند. انواع آن عبارتست از:

- ريحان الثعلب <sup>ش</sup>: نوعى قيضوم <sup>ش</sup>
- ريحان الجن <sup>ش</sup>: ريحان الثعلب <sup>ش</sup>
- ريحان السواقي <sup>ش</sup>: ضومران <sup>ش</sup>
- ريحان المزد <sup>ش</sup>: مرزنجوش <sup>ش</sup>

- ریحانة الملك<sup>ش</sup>: نوعی حقیق<sup>ش</sup> - افرنجیمشک<sup>ش</sup>  
 - ریحانة الفتی<sup>ش</sup>: مرزنجوش<sup>ش</sup>

<i>Ocimum basilicum L.</i>	ریحان	ز. ط.، E.
<i>Ocimum basilicum L.</i>	ریحان سبز - شاهسفرم	پارسا

۹۵۵ - ریحان السلیمان<sup>۱</sup>، ریحان السلیمان<sup>۲</sup>، ریحان سلیمان<sup>۳</sup>، جم اسپرم<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: فُشاع<sup>۵</sup> - فارسی: ریحان سلیمان<sup>۶</sup>، جمسفرم<sup>۷</sup>، جماهو سلیمان<sup>۸</sup> نبات آن در کوهستان فارس و اصفهان بود<sup>۹</sup>.

<i>Ocimum filamentosum Forsk.</i>	ریحان سلیمان - حقیق الرهبان	الموسوعة
<i>Ocimum filamentosum Forsk.</i> <i>Ocimum gratissimum L.</i>	فُشاع - ریحان سلیمان	زریاب
<i>Ocimum gratissimum L.</i>	ریحان سلیمان	طباطبائی

۹۵۶ - ریحان الکافور<sup>۱</sup>، ریحان الکافور<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: کافور یهودی<sup>۳</sup>، شجر الکافور<sup>۴</sup>، ریحان الیهود<sup>۵</sup>، شجر الکافور<sup>۶</sup> - فارسی: سوسن<sup>۷</sup> گویند: گیاه «سوس» است<sup>۸</sup>. - نوعی درخت است و نبات وی بیشتر در خراسان باشد<sup>۹</sup>.

<i>Camphorosma sp.</i>	ریحان الکافور	الموسوعة
------------------------	---------------	----------

۹۵۷ - رئیس الجبل<sup>۱</sup>، طرفیوس<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: رائی مَنت - فارقلومانن - اطرس - ماطرشَلَبَة - الف دینار - حشیشة الطحال - صریمة الجدی<sup>۳</sup>

## حرف «ز»

۹۵۸ - زان<sup>۱</sup>، زان<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: مران<sup>۳</sup> - قرانیا<sup>۴</sup> - مالیا<sup>۵</sup> - برخی آن را به اشتباه «شَوْحَط» می‌دانند<sup>۶</sup>.  
 مَالِیا (*Melia*): نام عربی آن «مُران» و نام بربری آن «زان» است. اما «مران» ذکر شده در کتاب جالینوس با آن متفاوت بلکه منظور گیاه «قرانیا» است.

۹۵۹ - زَبَدای<sup>۱</sup>: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «بِزرقطونا» و عده‌ای «صَغِیْتَرَه» و گروهی آن را نوعی «هوفاریقون» می‌دانند<sup>۲</sup>.  
 ۹۶۰ - زراوند خراسانی<sup>۱</sup>: نوعی کمداریوس نام‌های دیگر آن: ریشه بنثرقه<sup>۲</sup>

۹۶۱ - زَراوند<sup>۱</sup>، زَراوند<sup>۲</sup>، زَراوند<sup>۳</sup>، زَراوند<sup>۴</sup>، زَراوند<sup>۵</sup>، زَراوند<sup>۶</sup> (نامی فارسی)، مسمقوره<sup>۷</sup>، مسمقوره<sup>۸</sup> (نام بربری)، ارسطولوخیا<sup>۹</sup>، ارسطولوخیا<sup>۱۰</sup> (نامی یونانی زراوند طویل)<sup>۱۱</sup>: زراوند دو جنس است طویل و مدور. نام‌های دیگر آن: عجمی اندلس: مسمقوره و معرب آن مسمقاره، مسمقران<sup>۱۲</sup> - اهل مغرب: شجر رستم<sup>۱۳</sup> - یونانی: ارسطولوخیا «ارسطو» به معنای «فاضل» و «لوخیا» به معنای «نفسا» است زیرا موجب تسهیل زایمان می‌گردد<sup>۱۴</sup>. - ارسطالوخیا<sup>۱۵</sup>، ارسطالوخیا<sup>۱۶</sup> - سریانی: سفولاس<sup>۱۷</sup> ابن ماسویه<sup>۱۸</sup> می‌گوید: دارای سه گونه است: دراز و گرد و گونه‌هائی چون «بقش الکرم» است<sup>۱۹</sup>. و ارسطولوخیا از دو نام «ارسطو» و «لوخیا» گرفته شده است منظور از «ارسطو» دانشمند فاضل معروف است و منظور از «لوخیا» زن نفساء است بنابراین معنای کلی واژه «الفاضل بالنفع للنساء» یا داروی برتر برای سود بخشیدن زن نفساء است<sup>۲۰</sup>. - غسانی<sup>۲۱</sup> می‌گوید: دارای دو نوع نر و ماده است نوع نر طویل (کشیده) و نوع ماده آن مدحرج (پیچ خورده) می‌باشد و در فاس به آن «بُرْشْتُم» گویند<sup>۲۲</sup>.





۹۸۰- زلم: نام‌های دیگر آن: حب الزلم - اندلس و مغرب: فلفل السودان

الموسوعه	حب الزُّلْم، حب العزیز، زُلْم، سُغْد مأکول	<i>Cyperus esculentus</i>
----------	--	---------------------------

۹۸۱ - زَنْبَا، زَنْبَا: (نامی فارسی)

۹۸۲ - زَنْبَق، زَنْبَق، زَنْبَق، زَنْبَق: نام‌های دیگر آن: یاسمین<sup>۳</sup> - فارسی: سوسن آزاد به روغن «حَلّ» پرورش یافته در «یاسمین» گویند.

أیماروقالِس (Hemerokallis): ابن حَسَّان می‌گوید: سَوْسَن أَصْفَر - دمشق: زَنْبَق [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱۷]

دیسکورید	أیماروقالِس - سوسن أَصْفَر - زَنْبَق	<i>Hemerocallis flava L.</i>
پارسا	زَنْبَق	<i>Iris germanica L.</i>
الموسوعه	زَنْبَق	<i>Lilium sp.</i>

۹۸۳ - زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل: نام‌های دیگر آن: زَنْبَاری - هندی: (تازه آن) اذْرک<sup>۴</sup>، (خشک آن) سونته<sup>۵</sup>، سندهی<sup>۶</sup>، سنده<sup>۷</sup> - فارسی: شنگویر<sup>۸</sup>، زَنْگِیر<sup>۹</sup>، شَنْگِلِیل<sup>۱۰</sup> - سریانی: زَنْکِیل<sup>۱۱</sup> - طَخاری: شَنْگَرَفِیر<sup>۱۲</sup>

زَنْغِیَارِی (Zingiberi): زَنْجَبِيل [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۳]

ز، پ، ط، خ	زَنْجَبِيل	<i>Zingiber officinale Rosc.</i>
دیسکورید	زَنْجَبِيل	<i>Zingiber officinale Rosc.</i>
الموسوعه	زَنْجَبِيل	<i>Zingiber sp.</i>
GLO.IN.	Sanskrit & Kanares: Ardraka - Hendia & Punjab: Adrak - Telugu: Ardrakamu	<i>Zingiber officinale Ros.</i>

۹۸۴ - زَنْجَبِيل الافرنجی<sup>۱۳</sup>: نام‌های دیگر آن: زَنْبَارِی، مابرونه<sup>۱۴</sup>

۹۸۵ - زَنْجَبِيل العجم<sup>۱۵</sup>، زَنْجَبِيل العجم<sup>۱۶</sup>: نام دیگر آن: اَشْتَرَاغ<sup>۱۷</sup>

۹۸۶ - زَنْجَبِيل الکلاب<sup>۱۸</sup>، زَنْجَبِيل الکلاب<sup>۱۹</sup>، زَنْجَبِيل الکلاب<sup>۲۰</sup>: (کشنده سگ) نام‌های دیگر آن: رِی: تَزْم<sup>۲۱</sup> - طبرستان: فَلَک<sup>۲۲</sup> - بهران<sup>۲۳</sup>

زریاب	زَنْجَبِيل الکلاب	<i>Polygonum hydropiper L.</i>
-------	-------------------	--------------------------------

۹۸۷ - زَوَان، جَوَز زَوَان<sup>۲۴</sup>، زَوَان<sup>۲۵</sup>، زَوَان<sup>۲۶</sup>، زَوَان<sup>۲۷</sup>، زَوَان<sup>۲۸</sup>، دَنْقَه<sup>۲۹</sup>، دَنْقَه<sup>۳۰</sup>: نام‌های دیگر آن: زَوَان<sup>۳۱</sup> - فارسی: تَوِیُوش<sup>۳۲</sup> - شیلِم<sup>۳۳</sup> - حر<sup>۳۴</sup>

أرَا (Aira): «شیلِم» موجود بین «قَمَح» و «زَوَان» - نام‌های دیگر آن عبارتست از: دَنْقَه - زَعْبَدَاء - زَعْبَدَاء - مُرْزَاء

گویند به زبان عرب «خَضِر» نام دارد. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۵]

زریاب	زَوَان	<i>Lolium temulentum L.</i>
دیسکورید	أرَا - زَوَان - شیلِم - دَنْقَه - رَعْبَدَاء	<i>Lolium temulentum L.</i>
الموسوعه	زَوَان	<i>Lolium sp.</i>

۹۸۸ - زوفای یابس<sup>۱</sup>، زوفا یابس<sup>۲</sup>، زوفاس<sup>۳</sup>، زوفآ<sup>۴</sup>، زوفای یابس<sup>۵</sup>، زوفا یابس<sup>۶</sup>: «زوفا» دوجنس خشک و تر دارد، خشک آن جنسی از «سَعْتَر» است.<sup>۷</sup> جبلی و بستانی بود و بهترین آن بود که از بیت المقدس خیزد و آن مشهور بود به زوفای مصری.<sup>۸</sup> - نام های زوفای یابس: صعتر رومی<sup>۹</sup> - رومی: اوسفول<sup>۱۰</sup>، هوسفون<sup>۱۱</sup> - سریانی: زوفاییشا<sup>۱۲</sup> - اسوفس<sup>۱۳</sup> - سیوس<sup>۱۴</sup> نام های زوفای رطب: رومی: اوسفون، و سیطون - سریانی: زوفارطیا<sup>۱۵</sup> - «زوفای رطب» بیخی است که به دنیهای میش ارمن جمع می شود زیرا گیاهی شیرابه دار است و از «یتوعات» می باشد و چون میش آن را بخورد سبب حدت و قوت شیر و جمع شدن آن بر دنبه آنان شود.<sup>۱۶</sup>

اُسُوفُون (Hussopon): زوفا الیابس [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۶]

اُیْسُفُس (Oisupos): «زوفا الرطب» را از «دسم الصوف الودج» است (ودج قسمت های زائد پشم گوسفند است). [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۶۲]

Hyssopus officinalis L. Origanum aegyptiacum L.	زوفا یابس	دیسکورید
Hyssopus officinalis L. Origanum aegyptiacum L.	زوفا	ز. - پ. - ال. - ط. - خ.
Nepeta micrantha Bu. Nepeta mispahanica Bo.	زوفا	پارسا
Hyssopus officinalis L. Origanum aegyptiacum L.	Hendia: Zufah-yabeis - Urdu: Zufh	GLO.IN.

۹۸۹ - زوفر<sup>۱</sup>، زوفرآ<sup>۲</sup>، سسطیعون<sup>۳</sup>: نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: فاناقس اسقلیوس<sup>۴</sup>

Echinophora tenuifolia L. Laserpitium silver L.	زوفرآ	طباطبائی
--	-------	----------

۹۹۰ - زهره<sup>۱</sup>، زهره<sup>۲</sup>، زهره<sup>۳</sup>: نام های گیاه از نظر ابن بطار: انیلس، نقخارس<sup>۴</sup> - به گیاه «وج» گویند و همچنین به گیاهی که در اندلس مشهور به «قرنقلیه» است.<sup>۵</sup> نام «الوج» است و برخی گویند نام به «سوسن اصر» است.<sup>۶</sup> آفُورُون (Akoron): به «وَج» و در بعضی از ترجمه ها به «زهره» گویند. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۲]

Cyclamen hederacifolium Ait. Cressa cretica Willd.	زهره	زر. - طب.
Acorus calamus L.	آفورون - وج - زهره	دیسکورید

۹۹۱ - زهره الحجر<sup>۱</sup>، زهر الحجر<sup>۲</sup>: نام های دیگر آن: حزاز الصخر<sup>۳</sup> - گویند نام «جوز جندم» و همچنین نام «حزاز الصخر» است.<sup>۴</sup>

۹۹۲ - زهر الملح<sup>۱</sup>: نباتیست که در نیل مصر، در آبهای ایستاده، نهرها و در زمینهای شور می روید.<sup>۲</sup>

۹۹۳ - زیتون<sup>۱</sup>، زیتون<sup>۲</sup>، زیتون<sup>۳</sup>، زیتون<sup>۴</sup>، زیتون<sup>۵</sup>، زیتون<sup>۶</sup>، شجرة لا ولا، اُثم<sup>۷</sup>: نام دیگر آن: غَم<sup>۸</sup> - زنبوج<sup>۹</sup> - زیتونی که نزدیک آب باشد، «زیتون الماء» نام دارد. غسانی می گوید: درخت «زیتون» را بخاطر آیه شریفه قرآن «یوقد من شجرة مباركة زیتون لا شرقية ولا غربية» «شجرة لا ولا» گویند.<sup>۱۰</sup> اشبیلی<sup>۱۱</sup> می گوید: دارای اقسامی است، برخی از آن عبارتست از: ۱ - ملیان ۲ - احمر ۳ - اللجن ۴ - طرل ۵ - مرقیر ۶ - وركط



الأَغْرِيا (Agrielaia): برگردان آن به عربی «زیتون بری» است و نام‌های دیگر آن «عُثم» و «زَعْبَج» و به بربری «أَزْمُون» و نزد عامه اندلس «زَبُوج» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰۷]

<i>Olea europaea</i> L.	زیتون	ز. پ. - ال. - ط. - خ.
<i>Olea oleaster</i> L.	الأغریا، زیتون بری، زیوج، عثم، زعجج	دیسکورید

۹۹۴ - زیتون البحر<sup>ش</sup>:

۹۹۵ - زیتون صخری: نام‌های دیگر آن: قطلم - عقاب الجبل - زیتون الطحال - زیتون المعز - جرجس - ارجان<sup>ش</sup>

۹۹۶ - زیتون الحَبَش<sup>ع</sup>، زیتون الحبش<sup>ت</sup>: نام‌های دیگر آن: زیتون الکلبه<sup>ع</sup>، زیتون البری<sup>ع</sup>

<i>Daphne oleoides</i>	دَفْنَةُ الزیتونیه - زیتون البر	الموسوعه
<i>Olea oleaster</i> L.	زیتون بری	طباطبائی
<i>Phillyrea latifolia</i>		

۹۹۷ - زیت السودان<sup>ل</sup>، زیت السودان<sup>ع</sup>، زیت المهرجان<sup>ت</sup>: نام‌های دیگر آن: زیت الهرجان<sup>ل</sup> - اهل مغرب: ارجان<sup>ت</sup>، ارقان<sup>ت</sup>

۹۹۸ - زیزفون<sup>ع</sup>، زیزفون<sup>ت</sup>: نام دمشق نوع بدون میوه درخت «غیراء» است.<sup>ع</sup>

<i>Tilia rubra</i> De. & T.	کیو - پالادیا - پالاس - برگ تیول - زیزفون - کف - نمدار (شمال)	پارسا
<i>Tilia sylvestris</i> Desf.		
<i>Tilia</i> sp.	زیزفون	الموسوعه
<i>Tilia silvestris</i> Desf.	زیزفون	EN.

## حرف «س»

۹۹۹ - ساج<sup>س</sup>، ساج<sup>ع</sup>، ساج<sup>ت</sup>: (نام درختی در هندوستان)

<i>Tectonia grandis</i> L.	ساج	زریاب
<i>Tectonia</i> sp.	ساج	الموسوعه

۱۰۰۰ - ساداوران<sup>ل</sup>: (نام گیاهی در هند) معرب سیاه‌داران (فارسی) به معنای سیاهی درختان<sup>ل</sup> نام‌های دیگر آن: عربی: سواد الحکام<sup>ل</sup>، سواد القضا<sup>ل</sup>

<i>Orseille tinctoria</i>	أشنة الصباغین - سادروان	الموسوعه
---------------------------	-------------------------	----------

۱۰۰۱ - سادج<sup>ل</sup>، سادج<sup>س</sup>، سادج<sup>ع</sup>، سادج<sup>ت</sup> (نام گیاهی در هند)، خوج اقرع<sup>ت</sup>، مامهستا<sup>ت</sup>: نام‌های دیگر آن: هندی: پترو تیزپاپ<sup>ل</sup>، کندبتر<sup>ت</sup>، مامهستان<sup>ت</sup> - مالایترون<sup>ت</sup>، مالاثرون<sup>ت</sup> "دیسکورید" می‌گوید: «مالاثرون» یا همان «سادج» را برخی می‌پندارند برگ «فردین» است در حالیکه چنین نیست و علت اشتباه آنها برای تشابه بوی هر دو آنهاست.<sup>ع</sup>

مالابثرون (Malabathron): ساذج هندی [این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲]

<i>Cinnamomum citriadorum</i> Th.	مالابثرون - ساذج هندی	دیسکورید
<i>Melastoma</i> sp.	مَلَسْتُمَة، ساذج هندی	الموسوعه
<i>Cinnamomum tamala</i> Nees.	ساذج	طباطبانی
<i>Cinnamomum malabathrum</i> Burm.	ساذج هندی	EN.

- ۱۰۰۲ - ساذرون<sup>۴</sup>، سادوران<sup>۵</sup>: نامی فارسی و برگردان عربی آن «سواد العُصارَة» است.<sup>۶</sup> نام های دیگر آن: ساداوران قنطار<sup>۷</sup> - عربی: ختم الملك<sup>۸</sup> - شیرازی: سهک داوران<sup>۹</sup>
- ۱۰۰۳ - ساطریون<sup>۱۰</sup>: نام دیگر آن: سوفطیون<sup>۱۱</sup>
- ۱۰۰۴ - سالی<sup>۱۲</sup>، ساسالیوس<sup>۱۳</sup>، سیسالیوس<sup>۱۴</sup>: نام های دیگر آن: ساسلیوس<sup>۱۵</sup> - طردیلون<sup>۱۶</sup> - انجدان رومی<sup>۱۷</sup> - کاشم رومی<sup>۱۸</sup>

<i>Seseli tortuosum</i> L.	ساسالی	EN.
----------------------------	--------	-----

- ۱۰۰۵ - سامان<sup>۱۹</sup>: نوعی بردی نام دیگر آن به فارسی: پیرز<sup>۲۰</sup>
- ۱۰۰۶ - سَعِ الْكَتَان<sup>۲۱</sup>: یعنی با مجاورت این گیاه با «کتان» موجب از بین رفتن آن می شود /وجه تسمیه آن/ و نزد پزشکان اندلس و مصر و مغرب و آفریقا به «كشوث» معروف است و در اندلس به آن «قُرْنَة الكتان» گویند و اهالی اندلس آن را «جامول الكتان» می نامند و این با «کشوثی» که در عراق است متفاوت است و آن به نام «کشوث» بیشتر معروف است.<sup>۲۲</sup>
- ۱۰۰۷ - سَعِ الشَّعْرَاء<sup>۲۳</sup>، سَعِ الشَّعْرَاء<sup>۲۴</sup>: گویند نام «أفثیمون» است.<sup>۲۵</sup>
- ۱۰۰۸ - سَبَسْتَان<sup>۲۶</sup> (نامی فارسی)، سَبَسْتَان<sup>۲۷</sup>، أطباء الكَلْبَة<sup>۲۸</sup>، مخاطة<sup>۲۹</sup>، مخاطه<sup>۳۰</sup>، مخیطا<sup>۳۱</sup>: نام های دیگر آن: سَبَسْتَان<sup>۳۲</sup> - سَبَسْتَان<sup>۳۳</sup> - عربی: دبق<sup>۳۴</sup> - هندی: لسوده<sup>۳۵</sup>، به معنای اطباء الکلبیه<sup>۳۶</sup>، مخیطا<sup>۳۷</sup> - [به «دبق» یا «اقسوس» رجوع شود. (۳ - ۸۴)]

<i>Loranthus europeus</i> L.	اقسوس - دبق	دیسکورید
<i>Cordia myxa</i> L.	سبستان	پارسا
<i>Cordia sebestena</i> L.	سبستان	EN.

- ۱۰۰۹ - سَجَا<sup>۳۸</sup>:
- ۱۰۱۰ - سَحْسُونَه<sup>۳۹</sup>: نام دیگر آن به نظر تذره عبدوس<sup>۴۰</sup>: دانه سَجَسْتَان<sup>۴۱</sup>
- ۱۰۱۱ - سَخَار<sup>۴۲</sup>:
- ۱۰۱۲ - سُخَّر<sup>۴۳</sup>:
- ۱۰۱۳ - سُدَاب<sup>۴۴</sup>، سُدَاب<sup>۴۵</sup>، سُدَاب<sup>۴۶</sup>، سُدَاب<sup>۴۷</sup>، سُدَاب<sup>۴۸</sup> (نامی عربی)، تافسیا<sup>۴۹</sup>، تفسیا<sup>۵۰</sup>، تافسیا (نام صمغ)، فیجن<sup>۵۱</sup>، تفسیا<sup>۵۲</sup> (نام صمغ سذاب دشتی)، تافسیا<sup>۵۳</sup>، بذر السداب<sup>۵۴</sup>: برای انوشیروان خضائع فیجن را بردند او امر می کرد که آن ها را آبیاری کنند تا سبز شوند پس آن ها را در صد محل قرار دادند تا سبز شد و بدین ترتیب به نام سذاب موسوم گردید.<sup>۵۵</sup> - نام های دیگر آن: فیجن<sup>۵۶</sup> - دیلم و تنکابن: بیم<sup>۵۷</sup> - هندی: سانول<sup>۵۸</sup>، ساتری<sup>۵۹</sup> - در لغتی: زنجی<sup>۶۰</sup> - بنگالی: تتلی<sup>۶۱</sup> - رومی: فغوس<sup>۶۲</sup>، طریفوس<sup>۶۳</sup> - سریانی: فیفتا<sup>۶۴</sup>، خُفَت<sup>۶۵</sup>، قَبْجَل<sup>۶۶</sup> - فارسی: سذاب<sup>۶۷</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: «فیغان»<sup>۶۸</sup> و نام بری آن «فیغانن اغریون»<sup>۶۹</sup> - نام های صمغ سذاب بری و جبلی: تافسیا<sup>۷۰</sup>، تفسیا<sup>۷۱</sup> (تایسوس)، یتون<sup>۷۲</sup> - فاس: روطه<sup>۷۳</sup>

۱- در اصل سگ پستان بوده است و دارای میوه ای شبیه عتاب است - بهمنیار

<i>Ruta graveolens</i> L.	سذاب	ز. ط.، E.
<i>Thapsia garganica</i> L.	صمغ سذاب بری و جبلّی	زر. - طبا.
<i>Ruta montana</i> L.	فیغانن - بیغانس - سذاب بری	دیسکورید
<i>Ruta</i> sp.	سذاب - فُتِجَن	الموسوعه
<i>Ruta graveolens</i> L.	<i>Hendia: Sadab - Panjub: Sdab - Kan sadabu</i>	GLO.IN.
<i>Ruta tuberculata</i> Fisch.	<i>Arab: fidjel</i>	GLO.IN.
<i>Ruta graveolens</i> L.	سذاب بستانی	دیسکورید
<i>Ruta montana</i> L.	سذاب بری	خطابی
<i>Ruta hortensis</i> Mill.	سذاب بستانی	خطابی

<i>Paliurus aculeatus</i> Lam.	فاليورس - سدر عبري و سدر ضال	ديسكوريد
<i>Zizyphus lotus</i> Lam.	درخت سدر	پار. خطا.
<i>Willd. Zizyphus-christii spina</i>	ثَبَق المَسيح - شجرة الثبق - سدر	الموسوعه
<i>Zizyphus spina-christii</i> Willd.	سدر	ز. ط.،،، EN.

خطابی	خزم - سراج القطرب	<i>Agrostemna sp.</i>
-------	-------------------	-----------------------

۱- ابو حنیفه در کتاب الثبات می‌گوید: «سدر عبری» دارای خار و «سدر ضال» بدون خار است.

<i>Cheiranthus incanus L.</i> <i>Mathiola incana R.Br.</i>	خیبری ازرق - سراج القطرب	خطابی
<i>Cheiranthus cheiri L.</i>	خیبری اصفر - سراج القطرب	خطابی
<i>Lychnis githago L.</i> <i>Coronaria L.</i> <i>Agrostemna githago L.</i>	سراج القطرب	زریاب

۱۰۱۷ - سراج القطریل: 'صاحب منهاج' نام آن را «خرم» می داند.

۱۰۱۸ - سُرة الأرض: نام دیگر آن به یونانی «قوتولیدون» است.<sup>۴</sup>

<i>Cotyledon umbelicus L.</i>	سُرة الأرض - اشتران الأرض - خُبز القاف	الموسوعة
-------------------------------	--	----------

۱۰۱۹ - سَرَح:

<i>Cadaba farinosa Forsk.</i>	سرح	زریاب
<i>Cadaba sp.</i>	قَضْبَة، سَرَح، طَزِيع	الموسوعة

۱۰۲۰ - سَرَحْس (نامی فارسی)، سَرَحْس، سَرَحْس، سَرَحْس، سَرَحْس، بشعیر، بطارس، بطارس، رقعاء، رقعاء، کیلدارو، کیل دارو، کیلدارو، جمان: 'سَرَحْس نر' گیاهی است با برگ هائی شبیه «بطارس». امروزه در کوههای لبنان و بیروت به نام «شرد» است.<sup>۴</sup> نام های دیگر آن: جیلدارو - سعبد - کیلدار - قلحون - یونانی: بطارس - تنکابن و دیلم: جماز، هندی: کیل دارو، بسوره - بنگال: پنکهرج - سریانی: نشرا - فارسی: گیل دارو - اصل التهل

<i>Dryopteris filix max L.</i> <i>Ahyrium filix-mas L.</i>	کرف - بیخ جماز - سَرَحْس مذکر	پارسا
<i>Asplenium adiantum-nigrum L.</i>	سَرَحْس البلوط	الموسوعة
<i>Dryopteris robertiana (Hof.) Chr.</i>	سَرَحْس جَفْطَاص	الموسوعة
<i>Dryopteris filix mas</i>	سَرَحْس ذَکَر	الموسوعة
<i>Asplenium ruta muraria L.</i>	سَرَحْس سَبَع الأجررض	الموسوعة
<i>Osmunda cinnamomea L.</i>	سَرَحْس قاتن	الموسوعة
<i>Asplenium trichomanes L.</i>	سَرَحْس لِحاء الغول	الموسوعة
<i>Phyllitis scolopendrium L.</i>	سَرَحْس مخزنی - سَرَحْس عَشْ التَر - کف النسر	الموسوعة
<i>Dryopteris aculeata (L.) Kuntze</i>	سَرَحْس مُسْتَن - سَرَحْس شوکی	الموسوعة
<i>Osmunda regalis L.</i>	سَرَحْس مُلْکی	الموسوعة
<i>Dryopteris filix-max L.</i> <i>Aspidium filix-mas L.</i>	سَرَحْس	زر. - طبأ.
<i>Athyrium filix-mas L.</i> <i>Dryopteris filix max L.</i>	سَرَحْس ماده سَرَحْس نر	خطابی

۱۰۲۱ - سیرس: (نامی هندی) نام های دیگر آن: سلطان الاشجار - فارسی: درخت زکریا

۱۰۲۲ - سرشاد<sup>۴</sup>: در بعضی از ترجمه‌ها با نام «بنجنکشت» آمده است.<sup>۵</sup>

الموسوعه	سرساد - آرثد - بنجنکشت - فنجنکشت - شجرة ابراهيم - كف مریم	<i>Vitex agnus castus</i>
----------	---	---------------------------

۱۰۲۳ - سرغت<sup>۶</sup>، سرغت<sup>۷</sup>: نام بربری گیاهی به نام «بخور البربر»<sup>۸</sup> - نام دیگر آن: «سرغت»<sup>۹</sup> - «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «بخور مریم» و عده‌ای «بخور السودان» و گروهی «بخور البربر» می‌دانند و این نظر صحیح است.<sup>۱۰</sup>

خطابی	سرغینه - سرغت	<i>Telephium imperati L.</i>
-------	---------------	------------------------------

۱۰۲۴ - سرقسانه<sup>۱۱</sup>:

۱۰۲۵ - سرما<sup>۱۲</sup>: گیاهی با نام یونانی «مُریق» که ابن البطریق آن را «طرفاء» می‌داند.<sup>۱۳</sup>

۱۰۲۶ - سَرْمَقْ، سَرْمَقْ، سَرْمَقْ، سَرْمَقْ، سَرْمَقْ، بقله ذهبیه<sup>۱۴</sup>، بقله ذهبیه<sup>۱۵</sup>، قطف<sup>۱۶</sup>، بزر السرمق<sup>۱۷</sup>: نام‌های دیگر آن: سرمج<sup>۱۸</sup> - مغرب: قُطْف<sup>۱۹</sup> - صحرائشینان: کُطْف<sup>۲۰</sup> - رومی: اَطَرَقَسُوس<sup>۲۱</sup> - سریانی: قُطْفَا<sup>۲۲</sup> - فارسی: سَرْمَه<sup>۲۳</sup>، بستولاک<sup>۲۴</sup> - هندی: باتو<sup>۲۵</sup> - بربری: تاسلقا<sup>۲۶</sup> - ارموش<sup>۲۷</sup> - کرساخسن<sup>۲۸</sup> - سرمس<sup>۲۹</sup> - رُغُل<sup>۳۰</sup> - سرمج اطرافاکیسیس<sup>۳۱</sup> - «اشبیلی» می‌گوید: قطف دارای پنج نوع است نوعی از آن را «عشبه الکلب» و نوع دیگر آن را «جملج» و «غالیبوس» می‌نامند.<sup>۳۲</sup>  
اَنْدَرَوَافَقْسُس (*Andrapphaxus*) نام‌های آن عبارتند از: السَرْمَقْ - السَرْمَج - قُطْف - بَقْل الرُّوم - بَقْل الذَّهَبی (این ببطار در ترجمه دیسکورید ۲ - ۱۰۴)

ز، د، خ، ع، E.	سرمق	<i>Atriplex hortensis L.</i> <i>Atriplex rosea L.</i>
الموسوعه	قُطْف - سرمق	<i>Atriplex sp.</i> <i>Atriplex rosea L.</i>

۱۰۲۷ - سَرْمَنَجی<sup>۳۳</sup>: (نامی هندی)

الموسوعه	فیلادلفس - سَرْمَنَجَ	<i>Philadelphus sp.</i> <i>Atriplex rosea L.</i>
----------	-----------------------	---

۱۰۲۸ - سَرَو، سَرَو، سَرَو، سَرَو (نامی فارسی)، شجرة الحیات<sup>۳۴</sup>، شجرة الحیات<sup>۳۵</sup>: جبلی یا بری آن را «درخت عرعر»<sup>۳۶</sup> می‌نامند. «جوز السرو» نام میوه درخت سرو است.<sup>۳۷</sup> «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را درخت «اثل» و بعضی «عرعر» و عده‌ای «ارز» می‌دانند.<sup>۳۸</sup>  
از آن جهت شجرة الحیات را درخت مارها گویند که جایگاه مار است.<sup>۳۹</sup> (این ببطار در ترجمه دیسکورید ۱ - ۷۴)

ز، خ، ط.	درخت عرعر	<i>Cupressus sempervirens L.</i>
EN.	سرو	<i>Cupressus sp.</i> <i>Cupressus sempervirens L.</i>

۱۰۲۹ - سَرْمَنَجی<sup>۴۰</sup>: (نامی هندی)

۱۰۳۰ - سَرَهُونَكَه: (نامی هندی)

۱۰۳۱ - سَطَاخِينُس، سَطَاخِيس: (نامی یونانی) نام های دیگر آن: اندلس: قارة<sup>ع</sup> - عجمی اندلس: بتوشة<sup>ع</sup>  
 سَطَاخِيس (Stakhus) در اندلس به آن «قارة» گویند زیرا نوشیدن آن در هنگام تنگی نفس و خفقان قلب را «قرار» می دهد و در  
 لاتینی به «اَنوشة» (Hianusa) معروف است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۱]

الموسوعه	سطاقس - سطاخيس	<i>Stachys sp.</i>
ديسکورید	سطاخيس	<i>Stachys germanica L.</i>
EN.	سطاخيس	<i>Stachys hirta L.</i>

۱۰۳۲ - سَطَارِيُون، سَطَارِيُوس، قَرَسَطَارِيُون: (نامی یونانی) گیاهی است که روی آب می روید.<sup>ع</sup> «سَطَارِيُوس»  
 معروف به «ذو ألف ورقة» و دارای هزار برگ است و آن درختچه ای کوچک است.<sup>ع</sup> نام های دیگر آن: سَطَارِيُون -  
 شیرازی: کماه کوهی<sup>ع</sup>  
 ۱۰۳۳ - سَطَّرَاطِيُوطُس، سَطَّرَاطِيُوس، سَطَّرَاطِيُوطُس: نام یونانی گیاهی آبزی - نام های دیگر آن: خيوخير<sup>ع</sup>  
 (خيرخير) - فارس الماء<sup>ع</sup>

زر. - طبا.	فارس الماء - سطرانيون	<i>Achillea millefolium L.</i> <i>Pistia stratiotes L.</i>
EN.	سطراطيوس	<i>Stratiotes aloides L.</i>

۱۰۳۴ - سَطْرَكَا: نام های دیگر آن: قَرَسَطَارِيُون - فارسی: مران<sup>ع</sup>  
 ۱۰۳۵ - سَطَّرُونِيُون، سَطَّرُومِيُون، سَطَّرُوثِيُون، سَطَّرُونِيُون: (نامی یونانی) گویند «کنده» است و مولف گوید نوعی  
 «کنده» است و آن را «آذربو» گویند.<sup>ع</sup> "حنين" در ترجمه كتاب جالينوس اين نام را معادل «کنده» می داند و درست بودن آن  
 بعيد است زیرا «کنده» مشهور است و "ابو عباس" نام اندلسی آن را «قوللية» و نام بربری آن را «تاغيغشت» می داند.<sup>ع</sup>

زرياب	سطروميون	<i>Saponaria officinalis L.</i> <i>Gypsophila struthium L.</i>
EN.	سطروثيون	<i>Lysimachia vulgaris</i>

۱۰۳۶ - سَطُوبِي: "ابن بطار" می گوید: اگر کسی این نام را برای گیاه «خلاف» بداند اشتباه می کند.<sup>ع</sup>

EN.	سطوی ؟	<i>Trichera arvensis Schrad.</i>
-----	--------	----------------------------------

۱۰۳۷ - سَعَالِي: نام های دیگر آن: فَنجَبُون، حَشِيشَةُ السَّعَالِ<sup>ع</sup>  
 ۱۰۳۸ - سَعْدٌ، سَعْدٌ، سَعْدٌ، سَعْدٌ، سَعْدٌ، سَعْدٌ، سَعْدٌ: برخی این نام را مربوط به «دارشيشعان» می دانند.<sup>ع</sup> نام های دیگر  
 آن: فارسی: مشک زمین - تنکابن: استکو - ترکی: يتلاق قرقرون، توبالغ - هندی: موفه، مشکک، مت -  
 رومی: قيو فاروس - سریانی: سعدی - زابلی: مُست - سجزی: خويو - ترکیه: طبرقاق، سعادى - دیسکورید:  
 قیارس، اَروسیطيقون - غسانی می گوید: دارای انواع فراوانی است نوعی به نام «سعدی المُنْفَرَة» است.  
 کييارس (Kuperos): در بعضی از نسخه ها «قیارس» آمده و نام «سعد» است و دارای انواعی است بهترین آن نوع کوفی آن  
 است و دیسکورید نوع دیگری از «سعد» را یادآور شده که در هند وجود دارد و رنگ آن مشابه «زنجبیل» است و هر گاه

<i>Cyperus sp.</i> <i>Cyperus rotundus L.</i>	سعد	الموسوعه
<i>Cyperus longus L.</i> <i>Cyperus rotundus L.</i>	سعد	ز، خ، ط.
<i>Cyperus longus L.</i> <i>Cyperus rotundus L.</i>	كيبارس - سعد	ديسكوريد

<i>Neurada procumbens</i> L.	سعدان	زرياب
------------------------------	-------	-------

<i>Tussilago farfara</i> L.	سعله	زر - طبيا.
-----------------------------	------	------------

<i>Pyrus cydonia</i> L. <i>Cydonia vulgaris</i> Pers.	سفرجل	الموسوعه - زر
<i>Cydonia semina</i>	به دانه	پارسا
<i>Cydonia oblonga</i> Mill.	شغال به (رامیال، كتول) - قوچ (لاهیجان)	پارسا
<i>Cydonia vulgaris</i> Pers.	درخت به	پارسا
<i>Cydonia oblonga</i> Mill.	سفرجل	طبایانی
<i>Cidonia vulgaris</i> Delarbre	سفرجل	خطابی
<i>Cydonia vulgaris</i> Pers.	سفرجل	EN.

<i>Heracleum spondylium</i>	هَرَاقْلِيَّةُ نَافَعَة، سَفَنْدِيلِيُون، غَيْطَل	الموسوعه
-----------------------------	---	----------

۱۰۴۶ - سَقْمُونِیَا، سَفْمُونِیَا، سَمْرِنِیَا، سَقْمُونِیَا، سَقْمُونِیَا، سَقْمُونِیَا، سَقْمُونِیَا محمودہ، محمدۃؑ: (نام عصارہ گیاه) نام

<i>Convolvulus scammonia</i> L.	سقمونيا	ز.خ.ط.
<i>Convolvulus scammonia</i> L.	محمودة - سقمونيا	الموسوعة
<i>Convolvulus syriacus</i>		

<i>Ferula scowitziana</i> DC.	سکینج	دی. - خط.
<i>Ferula scowitziana</i> DC.	أنجدان العجم - حلیث عجمی - سکینج	الموسوعه
<i>Ferula persica</i> Willd.	سکینج	پارسا
<i>Ferula saapenum</i> Polack <i>Ferula persica</i> Willd.	سکینج	طباطبانی
<i>Kandelia rheedii</i> W. & A.	Bengal: Guria - Tamil: Kandal - Kannarese:Kandale Telugu: Kandigala - Maalyalam: Kantal	GLO.IN.

<i>Saccharum officinarum</i> L.	سكر	زرياب
---------------------------------	-----	-------

۱- منسوب به جرمگان که معربش جرمغان است و ظاهراً نام محلی در حوالی موصل است که طایفه‌ای از عجم موسوم به جرمغه در آنجا ساکن بوده‌اند. - بهمنیار



طراغیس (*Tragos*): سُلْتُ - گیاه معروفی است. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۷۸]

<i>Gymnorithon tragus L.</i>	طراغیس - سلت	دیسکورید
<i>Triticum spelta L.</i>	سلت	زر. - خط.
<i>Avena sativa</i>	سلت - جو برهنه	پارسا

۱۰۵۴ - سَلْدَانیون: (نامی نبطی) نام دیگر آن در مصر: سدایان  
 ۱۰۵۵ - سَلْع: نام‌های دیگر آن: شجر تهاّم - مَظ - صاب - سَلْع - مَرخ - عَفار - سَلَب - حُضَض - هَلْتی - جَدَف

<i>Saelanthus quadragonum Forsk.</i>	سلع - صاب	زریاب
<i>Cissus sp.</i>	سَلْع - خلوق	الموسوعه

۱۰۵۶ - سِلْق: سلق، سلق، سلق، سلق، بزر السلق: دارای سه نوع است. نام‌های دیگر آن: فارسی: چغندر، چگندر، صربه - رومی: ایروقولیون، طوطلون - سریانی: سلقا، شیلوما، شیلوم  
 طُوطُن (*Teutlon*) (*Seutlon*): نام «سِلْق بستانی» است و به نوع بری نیز گویند. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۰۷]

<i>Beta vulgaris L.</i>	سلق	ال، ز، خ، E.
<i>Beta vulgaris L.</i>	طوطان - سلق بستانی	دیسکورید
<i>Beta vulgaris L.</i>	چغندر	پار. - طب.

۱۰۵۷ - سلق بری، سلق بری: نوعی حمّاض

<i>Rumex hydrolapathum</i>	سِلْق بری - حَمِیض المناق	الموسوعه
----------------------------	---------------------------	----------

۱۰۵۸ - سَلَم:

<i>Acacia ehrenbergiana Hayne.</i> <i>Acacia arabica W.</i> <i>Acacia flava Forsk.</i>	سلم	زریاب
<i>Acacia flava</i> <i>Acacia arabica W.</i> <i>Acacia flava Forsk.</i>	سلم - سلام	الموسوعه

۱۰۵۹ - سلمه: نام‌های دیگر آن: شوکه قبطیه  
 ۱۰۶۰ - سَلِیْخَه، سَلِیْخَه، سَلِیْخَه، نَجَب (نام پوست)، سَلِیْخَه، قَشَا: نام‌های دیگر آن: یونانی: اسلیوس - هندی: تج - تجار اسکندریه: دافنطس  
 قَسِیَا (*Kassias*): نام «سَلِیْخَه» است و دارای انواع فراوانی است. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۲]



## ۱۰۶۵ - سَمَر:

Acacia mellifera Bth. Acacia spirocarpa Hook.	سمر	زریاب
Acacia spirocarpa Hook.	سمره - سمر	EN.

۱۰۶۶ - سمرنیون<sup>۱</sup>، سمورنیون<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: کرفس بری<sup>۳</sup> - سمونیون<sup>۴</sup>

Smyrnum sp.	سمرنیون	EN.
-------------	---------	-----

۱۰۶۷ - سَمَسِم<sup>۱</sup>، سَمَسَم<sup>۲</sup>، سَنَسِم<sup>۳</sup>، سَمَسَم<sup>۴</sup>، جَلَجَلان<sup>۵</sup>، جَلَجَلان<sup>۶</sup>، جَلَجَلان<sup>۷</sup>: نام‌های دیگر آن: حبشه: جَلَجَلان<sup>۸</sup> - فارسی: کنجد<sup>۹</sup> - هندی: تِل<sup>۱۰</sup> - رومی: سیسامون<sup>۱۱</sup>، اوروسیمون<sup>۱۲</sup> - "ابوریحان" از قول "خلیل بن احمد" نقل می‌کند «جَلَجَلان» از انواع تره‌ها است که پارسیان او را «گشنیز» می‌نامند. و عرب تخم آن را «جَلَجَلان» گوید. - روغن آن به عربی: سلیط<sup>۱۳</sup>

سِیسَامُن (Sesamon): نام‌های آن عبارتست از: سَمَسِم - جَلَجَلان - روغن آن: حَلّ - شَیْزَج [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۸۴]

Sesamum orientale L.	جَلَجَلان	زر. - خط.
Sesamum indicum L.	سیسامن - سَمَسِم - جَلَجَلان	دیسکورید
Sesamum oleiferum Moench	جَلَجَلان، جَلَجَلان، سَمَسِم، سَمَسِم	الموسوعه
Sesamum indicum L.	کنجد - سَمَسِم	پارسا
Sesamum indicum L.	سَمَسِم	طبا، EN.

۱۰۶۸ - سَمَسِم بری<sup>۱</sup>، سَمَسِم بری<sup>۲</sup>: نام دیگر آن: جَلَبَهَنگ<sup>۳</sup>

۱۰۶۹ - سَمَقُوطُن<sup>۱</sup>، سَمَقُوطُن<sup>۲</sup>: (نامی یونانی)؟

سَمَقُوطُن بَطْرَاوُن (Sumphuton petraion): برگردان عربی «بطراون» «صخری» است. و عامه گیاهشناسان اندلس به «شَاغَة صخریه» گویند.

سَمَقُوطُن آخَر (Sumphuton allo): گیاهشناسان اندلسی به آن «شَاغَة البستانیه» و عامه شهرهای ما به زبان لاتینی به آن «شَیْبَطَه»<sup>(۱)</sup> (Sinfito) گویند و جالینوس هر دو نوع را در فصل هشتم کتاب خود ذکر کرده است. [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۰]

Symphytum petraeum	سَمَقُوطُن بطراون - شَاغَة الصخریه	دیسکورید
Symphytum bulbosum Schi.	سَمَقُوطُن - شَاغَة البستانیه - شَیْبَطَه	دیسکورید
Symphytum sp.	سَمَقُوطُن، سَمَقُوطُن، کُتْسُودَه	الموسوعه
Symphytum officinale L.	سَمَقُوطُن مخزنی، کُتْسُودَه مخزنی	الموسوعه

۱۰۷۰ - سَمَقُوطُن آخَر<sup>۱</sup>: نام دیگر آن نزد عجم اندلس: شَیْبَطَه<sup>۲</sup>

۱۰۷۱ - سَمِیْقُلَس<sup>۱</sup>:

۱۰۷۲ - سَنامکی<sup>۱</sup>، سَنامکی<sup>۲</sup>، سَنامکی<sup>۳</sup>، سَناء<sup>۴</sup>، سَناء<sup>۵</sup>، سَناء<sup>۶</sup>: نام‌های دیگر آن: هندی: مهار<sup>۷</sup>، کوالهریها<sup>۸</sup> - حَرَمی<sup>۹</sup>، سَناء<sup>۱۰</sup>

## حرمی و سنا

<i>Cassia angustifolia Vahl.</i> <i>Cassia acutifolia Del.</i>	سنا مکی	زر - طب.
<i>Cassia lanceolata Forsk.</i>	سنا مکی	پارسا
<i>Cassia angustifolia Vahl</i>	<i>Hendia: Hindisana ; Bengal: Sanna makki</i>	GLO.IN.
<i>Crotalaria juncea L.</i>	<i>Sanskrit: Sana - Hendia: Sunn</i>	GLO.IN.
<i>Cassia acutifolia Deli.</i>	سنا مکی، سنا حجازی، سنا حرمی	الموسوعه
<i>Cassia angustifolia Vahl</i>	سنا مکی	خطابی
<i>Cassia acutifolia Deli.</i>	سنا هندی	خطابی

۱۰۷۳ - سنپراس<sup>(۱)</sup>: دانه‌ای چون «بزرقنونا» سپید لیکن مدور<sup>۱</sup>

۱۰۷۴ - سنجسفویه<sup>(۲)</sup>: دانه‌ای است کناره‌اش مختلف<sup>۲</sup>

۱۰۷۵ - سنبل، سنبل، سنبل، سنبل، سنبل، عصفایر السنبل<sup>۳</sup>: منظور «سنبل الطیب»، «سنبل العصفایر»، «سنبل رومی»، «سنبل جبلی» است و از مطلق آن «سنبل هندی» است.<sup>۴</sup> - نام‌های دیگر آن: ناردین اقلیطی<sup>۵</sup> - هندی: بال چهر، غنغیطس اشقاقا<sup>۶</sup>، غنغس الجاری<sup>۷</sup>، جناماسی<sup>۸</sup> - یونانی: ناردین<sup>۹</sup> - لاتینی: نارود<sup>۱۰</sup> - سوری<sup>۱۱</sup> - نوع دوم آن را «ناردوایتالیون» گویند.<sup>۱۲</sup> - «شرف ادرسی» می‌گوید: دارای سه نوع هندی، رومی و جبلی است که به نوع هندی آن «سنبل الطیب» و همچنین «سنبل العصفایر» گویند<sup>۱۳</sup> و نوع رومی آن «ناردین اقلیطی» نام دارد.<sup>۱۴</sup> - «دیسکورید» می‌گوید: نام «سنبل هندی» «ناردین» است و دارای دو جنس است، جنسی هندی و جنس سوری.<sup>۱۵</sup>

ناردس (*Nardos*): در بعضی نسخه‌ها با نام «ناردین» آمده و آن نام هر دو نوع «سنبل هندی» است.

ناردس ستفاریطیقی (*N. sampharitique*): جالینوس «سنبل هندی» و انواع آن را در ابتدای فصل هشتم کتاب خود ذکر کرده است. [این بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۶ و ۷]

<i>Nardostachys jatamansi D.C.</i>	ناردس ستفاریطیقی	دیسکورید
<i>Valeriana celtica L.</i> <i>Valeriana jatamansi Jones</i> <i>Nardostachys jatamansi D.C.</i>	عصفایر السنبل	زریاب
<i>Valeriana sp.</i>	سنبل، ناردین	الموسوعه
<i>Valeriana officinalis L.</i>	سنبل الطیب	پا - طب.
<i>Adropogon nardus</i>	سنبل	EN.

۱۰۷۶ - سنبل جبلی: ریشه والا؟<sup>۱۶</sup>

ناردین اوری (*N. oreine*): نام دیگر آن «سنبل جبلی» است و هم اکنون در شهرهای مصر بجای سنبل رومی مصرف می‌شود و دارای خاصیتی نزدیک با آن است. [این بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۹]

<i>Valeriana tubereuse Sprun.</i>	ناردین اوری - سنبل جبلی	دیسکورید
-----------------------------------	-------------------------	----------

۱- در بحر جواهر آمده دوائی است هندیسکورید

۲- مغرب سنگ سیوه و دانه‌ای سخت و املس شبیه به سنگهای مربعی شکل و به رنگ ماش است و نیامی دراز چون نیام لوبیا دارد. - بهمنیار

پارسا	سنبل کوهی - فو - سنبل جبلی	<i>Valeriana dioscorides Sibt.</i>
-------	----------------------------	------------------------------------

۱۰۷۷ - سنبل رومی؛ عطارد<sup>۱</sup>، عطارد<sup>۲</sup>، متجوشه<sup>۳</sup>، منتجوشه<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: سنبل رومی<sup>۵</sup>، سنبل اقلیطی<sup>۶</sup>، ناردین اقلیطی<sup>۷</sup> - فرنگی: ناردین ناروس<sup>۸</sup>، گیاکو<sup>۹</sup>  
 ناردس اقلیطی (N. keltike): نام‌های دیگر آن عبارتست از: سنبل الرومی، اقلیطی، متجوشه<sup>(۱)</sup>، شرائط [ابن بطار] (در شرح کتاب دیسکورید) ۸ - ۱۸

دیسکورید	ناردس اقلیطی - سنبل رومی - میخوشه	<i>Valeriana celtica L.</i>
----------	-----------------------------------	-----------------------------

۱۰۷۸ - سنبل فارسی: «پرسیاوشان» را نیز شامل می‌شود.  
 ۱۰۷۹ - سنبل الکلب<sup>۱</sup>، سنبل الکلب<sup>۲</sup>: میوه «درخت درداری» معروف به «السنه العصافیر» است.<sup>۳</sup> صاحب جامع گوید ثمر «شجر درداری» معروف به «السنه العصافیر» است و سهو کرده است، زیرا «درداری» نام پارسی «اسفیدار» است و بعربی «شجرة البق» و «السنه العصافیر» ثمر درختی است که به پارسی به آن «اهر» گویند.  
 ۱۰۸۰ - سنبل هندی<sup>۴</sup>، سنبل هندی<sup>۵</sup>: «سنبل الطیب» است.<sup>۶</sup> و گفته شده «دارشیشعان» نیز هست و این خلافت. نام‌های دیگر آن: ناردین<sup>۷</sup> - سنبل العصافیر<sup>۸</sup>

پا. - طب.	سنبل الطیب	<i>Valeriana officinalis L.</i>
پارسا	سنبل هندی	<i>Nardus indica L.</i>
دیسکورید	ناردس - ناردین - سنبل هندی	<i>Nardostachys jatamansi DC.</i>
خطابی	سنبل هندی	<i>Nardostachys jatamansi</i>

۱۰۸۱ - سندروس<sup>۱</sup>، سندروس<sup>۲</sup>، سندروس<sup>۳</sup>، سندروس<sup>۴</sup>: صمغ درخت «جوز الهند» است.<sup>۵</sup> نام‌های دیگر آن: هندی: وال<sup>۶</sup>، مَرْمَدَهون<sup>۷</sup>، میمو<sup>۸</sup>  
 قِقمَن (Kankamon)<sup>(۲)</sup>: در بعضی از نسخ «قِقمِن» آمده و ابن وافد نام آن را «لُکُک» می‌داند و دانشمندان قبل از او این نام را برای «سندروس»<sup>(۳)</sup> که صحیح‌تر نیز هست، ذکر کرده‌اند. [ابن بطار] (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۲۳

دیسکورید	قِقمَن - سندروس	<i>Amryris kataf Forsk.</i>
الموسوعه	سندروس	<i>Callitris sp.</i>
طب. - خطا.	سندروس	<i>Callitris quadrivalvis Vent.</i> <i>Thuya articulatta Vahl.</i>
EN.	سندروس	<i>Rhus vermicifera DC.</i>

۱۰۸۲ - سَنَدَرِیْطُس<sup>۱</sup>، سیدریطس<sup>۲</sup>: نامی یونانی به معنای شبیه به آهن یا حیددی - سریانی: سمیقا<sup>۳</sup>  
 سَنَدَرِیْطُس (Sideritis): گیاهی است که عامه اهالی اندلس و مغرب به زبان لاتینی به آن «غالِه قُرَشْتَه» (Gallocresta) گویند. [ابن

۱- در کتاب مستدرک دوزی بنا به نقل ابن مراد صحیح این کلمه «میخوشه» برگرفته از «می» (شراب) و «یخوشه» (سنبل) به معنی «شراب السنبل» ذکر شده است.

۲- در اصل «قِقمَن» است که صحیح آن «قِقمَن» می‌باشد و در رسم الخط این کلمه اختلاف زیادی است و بصورت‌های مختلفی تلفظ شده چون «قِقمَن»، «قِقمَن»

۳- ابن بطار در کتاب جامع خود از این نظر برگشته و چنین گوید: برخی «قِقمَن» را نامی برای «سندروس» دانند و عده‌ای نیز نامی برای «لک» در حالیکه هیچکدام نمی‌توانند صحیح باشد چراکه این صمغ بخلاف دو گیاه دیگر بلبوست.

یبطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۹]

سندریطس آخر (*Alle sideritis*): این گیاه را گیاهشناسان اندلسی به «توت الثعلب» و «توتیه» می شناسند و عوام به آن «خیر من ألف» گویند و اهالی آفریقا آن را «عشبة كل بلا» نامند. [این یبطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۰]

سندریطس آخر: عوام ما به آن «کُزْبُرَة الثعلب» گویند و در سقف خانه ها و لبه های دیوار می روید و بواسطه شیرابه ای که دارد معروف است. [این یبطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۱]

أخلیوس سندریطس (*Akhilleios*): یعنی سندریطسی که برای بیماری «أخلیوس» نافع است و این همان بیماری «عَرَب» (یک نوع بیماری مربوط به چشم) است. این گیاه را ندیده و نمی شناسم. "ابن وافد" این گیاه را همان گیاه «دم الأخوين» می داند و من - این یبطار - از صحت آن اطلاعی ندارم. [این یبطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۲]

Stachys recta L.	سندریطس - غاله قرشته	دیسکورید
Poterium sanguisorba L.	سندریطس - توت الثعلب - توتیه - خیر من ألف - عشبه كل بلا	دیسکورید
Scrophularia chrysanthemifolia L.	سندریطس - کزبرة الثعلب	دیسکورید
Achillea tomentosa L.	أخلیوس سندریطس	دیسکورید

۱۰۸۳ - سیدریطس آخر: نام های دیگر آن: عامه اندلس: خیر من ألف درهم، توت الثعلب، اهالی مغرب: عشبة كل بلاء

۱۰۸۴ - سندیان، سندیان: نام دیگر آن در شام: درخت بلوط<sup>ت</sup>

Quercus sp.	بلوط - سندیان	الموسوعة
Thuya articulata Vahl.		

۱۰۸۵ - سندیان الأرض، سندیان الارض: نام دیگر فراسیون، برخی آن را «فراسیون» می دانند اما دیسکورید از آن با نام «بلوطی» یاد کرده است که صحیح به نظر می رسد.

بلوطی (*Ballote*): نوعی از فراسیون با رنگ سیاه با نام لاتینی «مَرْوُیَة بُتَوْشَة» است. در ترجمه کتاب جالینوس این گیاه بر اثر مترجمان «لاعیه» دانسته شد اما «لاعیه» از گیاهان صمغ داراست و «بلوطی» اینگونه نیست. [این یبطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۸]

Ballota nigra L.	بلوطی	دیسکورید
------------------	-------	----------

۱۰۸۶ - سندهان، یلنجوح: نام دیگر آن: عود هندی

۱۰۸۷ - سنک سبویه، سنکسبویه: (نامی فارسی) معرب آن «سنج سبویه» است. نام های دیگر آن: سریانی: مشحونا - هندی: تخم چکوند، تخم پنوار

۱۰۸۸ - سنکهارا: (نامی هندی) نام های دیگر آن: گیلانی: جیلان، جیلام

۱۰۸۹ - سنکها: (نامی هندی)

۱۰۹۰ - سواد القضا: نام دیگر آن: عقص

۱۰۹۱ - سواد الهند: نوعی از سلیخه - نام دیگر آن: سلیخ اسود

۱۰۹۲ - سورنجان، سورنجان، سورنجان، سورنجان (گل)، سورنجان، سورنجان، سورنجان (نامی هندی و بربری)، اصابع هرمس، حافر المهر، حافر المهر، خمل، سنبلیذ، عکنه: نام های دیگر آن: فارسی: لعبت بربری، سورنگان - سندی: لایحل مول - رومی: ارمز دقطولوس - سریانی: حمصی لیتا، دبلیغ، سنبلیذ - مصر: عکبة، عکنه - عراق: لعبة البربرية - یونانی: ملحتفن، بلبوسا، افیمارون - نام ریشه: جغزیه - قسمی را «یستهارمک»

نامند. - گویند «اصابع هرمس» نام گل «سورنجان» است. نام‌های دیگر آن «چغزب» و «چغرب» است. و آن گلی است که در اول بهار پس از آب شدن یخ ظاهر می‌شود و به رنگ‌های زرد، سفید و اکهب بوده و دونوع بری و بستانی دارد. قلخیقن به (Kolkhikon): نام «سورنجان» است و آن گیاه معروفی است و نام‌های دیگر آن عبارتست از: «فَرْج الأرض» و «قَلْب الأرض». گل آن «اصابع هرمس» نام دارد که به لاتینی به آن «قَشْتَنِيُولَه» (Castanuela) معنای «قَسْطَلَه صغیر» گویند. کتاب منهاج نام گل این گیاه را «شَبْنَلِذ» می‌داند و در شهرهای مصر به آن «عُكْنَه» گویند. [این بیتار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۶]

Colchicum autmnale L.	قلخیقن - سورنجان - اصابع هرمس	دیسکورید
Colchicum autmnale L.	سوزنجان مصری - گل حسرت	پارسا
Colchicum luteum Bak. Colchicum speciosum Ste.	سوزنجان کرمانی	پارسا
Colchicum persicum Bak. Colchicum violaceum Par.	گل حضرتی - پیاز حضرتی - گل حسرت (تفرش) - پیاز سگ (طالش)	پارسا
Merendera persica Boiss	سورنجان شیرین	پارسا
Colchicum sp.	سراج الغولة - سورنجان	الموسوعه
Colchicum autmnale L. Colchicum variegatum L.	سورنجان	زر. - طب.
Colchicum autmnale L.	سورنجان	خطابی
Colchicum variegatum L.	سورنجان	EN.

۱۰۹۳ - سوس، سوس، سوس، سوس، سوس، عروق دار هرم، عروق دارموم، غلوقریزا، غلوقریزا، اصل السوس: نام‌های دیگر آن: شیرازی: مهک - اصفهانی: مژو، اند - ترکی: شیرین‌بان - مری: - فرنگی: گلیسریزه - هندی: مهلت، ملهتی حیتهی مد - سجزی: موژ - سحستان: بوی هیربدان - زابل: مَلخَج - نام ریشه: کلوقورون - سریانی: عقارشوشا - هندی: بشرسون - سندی: مهلتی، میلی - فارسی: منزه و شک، دارورهرام، دار شیرین، بیخ مهک - حشیشه الحلو - خوردپیلان یعنی طعام فیل - عربی: مدهوق - جالینوس: جلوقریزون، غلوقریزا، به معنای شیرین - اصل المتک

Glycyrrhiza glabra L.	سوس	زر. - خط.
Glycyrrhiza glabra L.	شیرین بیان - ریشه اصل سوس - رب سوس	پارسا
Glycyrrhiza sp.	سوس، عِرْقَسوس، شجرة السوس، ریکلیس	الموسوعه
Glycyrrhiza sp.	سوس	EN.

۱۰۹۷ - سوسن، یاسوسن، سوسن، سوسن، سوسن، سوسن، سوسن، مشک: معرب از «سوسانی» سریانی است. نام‌های دیگر آن: رومی: قرینوس، سوسنین - سریانی: شوشینا - فارسی: سوسن - نام روغن آن: رومی: ایریمورون - سریانی: مشحادیرسا

نام سوسن سفید: عبقر - آزاد سوسن - سوسن ادرا - نام سوسن آسمانجونی: افامیرون - نام سوسن الارجوانی: دلال - نام ریشه سیاه آن: رومی: اخینوس، ایرنیوقرینوس - سریانی: ادم، حزا اوکامی - دارای سه نوع سفید و بستانی و بری است، نوع سفید را «سوسن آزاد» گویند. چهار نوع است یکی سفید و آن را «سوسن آزاد» خوانند و یکی ازرق که آن را «سوسن کبود» خوانند. یکی صحرائی و آن الوان رنگ است که به ازرق و زرد و «سوسن آسمان‌گون» موسوم است و بیخ وی را «ایرسا» گویند که زرد است و آنرا «سوسن خطاهی» گویند. غسانی می‌گوید: سوسن نامی غیر عربی و معروف است که دارای

انواع فراوانی می باشد به نوع آبی (گل) آن «ایرسا» یا «سوسن الاسمانجونی» گویند و نوع سفید آن دارای دو نوع بری و بستانی است و نوع قرمز آن نیز دو نوع دارد که به نوعی «مسیخا» و به نوع دیگر «ذنب الثعلب» گویند. و نوع زرد آن نوعی از «نرجس» است. ایریس (*Iris*): ایرسا - نام «سوسن الاسمانجونی» است. و «ایرسا» به معنای قوس و قزح است.

لیرئون (*Leirion*): روغن ایرسا (این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱ و ۴۴)

کَرینوسواسین (*Krion-susin*): گل «سوسن الأبيض» است و به آن «رازقی» گویند. (این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۹۷) ایماروقالس (*Hemerokallis*): این حسان آن را «سوسن أصفر» می داند و در دمشق به نام «زنبق» معروف است. (این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۷)

کسیفیون (*Xiphion*): نام سوسن بری است و سایر نام های آن عبارتست از: «سیف الغراب»، «سیف القراب»، «دورحولی»، «سُغْغانیون»

سُغْغانیون (*Sparganion*): نوعی سوسن است - سوسن بری - و جالینوس آن را «سُغْغانیون» نامیده است.

اُکُورُس (*Xuris*): نوعی سوسن (این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۰ و ۲۱ و ۲۲)

اُفیمارون (*Ephemeron*): نوعی «سوسن بری» با نام لاتینی «اُشبْطانه» (*Espadana*) (این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۷)

<i>Iris florentina L.</i>	ایرس - سوسن آسمانجونی	دیسکورید
<i>Lilium candidum L.</i>	قراینوسواسین - سوسن أبيض - رازقی	دیسکورید
<i>Hemerocallis flava L.</i>	ایماروقالس - سوسن أصفر - زنبق	دیسکورید
<i>Glaodialis communis L.</i>	کسیفیون - سوسن بری - سیف الغراب	دیسکورید
<i>Sparganium ramosum Huds.</i>	سُغْغانیون - سوسن بری	دیسکورید
<i>Iris florentina L.</i>	اُکُورس - سوسن بری	دیسکورید
<i>Convallaria rusticellata L.</i>	اُفیمارون - نوعی سوسن بری - اُشبْطانه	دیسکورید
<i>Lilium candidum L.</i>	سوسن	پارسا
<i>Iris sp.</i>	سوسن	الموسوعه
<i>Lilium candidum L.</i>	سوسن	زر - طبّا.
<i>Iris florentina L.</i>		
<i>Lilium sp.</i>	سوسن	خطابی
<i>Iris florentina L.</i>	سوسن	EN.

۱۰۹۵ - سوفال؟

۱۰۹۶ - سُولان؛ سولان یا شولان، سولان، سولان، دواء رومی: (نامی یونانی) شیخ الرئیس گوید دوائی رومی است.

۱۰۹۷ - سَهْجَه: (نامی هندی) نام های دیگر آن: سرکوه، سی کوه

۱۰۹۸ - سیساریون، سیسارون، سیساریون: (نامی یونانی) نام دیگر آن: خشب سومر - برخی آن را «قلقاس» می دانند که اینچنین نیست.<sup>۴</sup> «رازی» می گوید: «حنین بن اسحاق» آن را چوب «شونیز» می داند و این درست نیست.<sup>۵</sup>

<i>Sium sisarum</i>	سیسارون	الموسوعه
<i>Peucedanum sativum Benth.</i>	سیسارون کبیر	الموسوعه
<i>Pastinaca sativa L.</i>		
<i>Pastinaca sativa L.</i>	سیسارون	EN.

۱۰۹۹ - سیسالیون، ساسلیون: (نامی یونانی) نام دیگر آن به فارسی: کاشم رومی؟ - دیسکورید: ساسالی<sup>۶</sup>



ساسالیوس (*Seseli*): این گیاه دارای سه نوع است که همه آن‌ها را دیده‌ام - ابن بیطار - و می‌شناسم.  
 طُرْدِیلُن (*Tordilon*): نوع چهارم گیاه «ساسالیون» است و نام دیگر آن افریطی است و در اندلس به آن «بَقُولُ الشَّعَالِ» گویند زیرا در سوخت آتش استفاده می‌شود. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۵۰ و ۵۱]

<i>Seseli tortuosum</i> L. <i>Tordylion officinale</i> L.	ساسالی	زر - طب.
<i>Seseli tortuosum</i> L. <i>Bupleurum fruticosum</i> L. <i>Lophotenia aurea</i> L.	ساسالیون	دیسکورید
<i>Tordilium officinale</i> L.	طرذیلن، نوعی ساسالیون، افریطی، بقول الشعاع	دیسکورید

۱۱۰۰ - سَیْسَبَان (نامی عربی)، سیسبان<sup>ع</sup>: (نام گیاهی در مصر) نام دیگر آن: هندی: گل انول؟ دارای دو نوع بری و بستانی است و بسیار در فلسطین می‌روید.<sup>ع</sup> «ابن بیطار» می‌گوید: «سیسبانی» که رازی در حاوی ذکر کرده ممکن است «درخت ائل» باشد، نه غیر آن.<sup>ع</sup>

<i>Sesbania</i> sp. <i>Pastinaca sativa</i> L.	سیسبان	الموسوعه
<i>Sesbania aegyptiaca</i> Poir.	سیسبان	EN.

۱۱۰۱ - سیسبر<sup>ع</sup>:

۱۱۰۲ - سیسنبرون<sup>ع</sup>، سیسنبریون<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: حرف الماء<sup>ع</sup>

۱۱۰۳ - سیسِنْبِل: (نامی هندی)

۱۱۰۴ - سیو: (نامی فرنگی)

۱۱۰۵ - سیسِنْبِر، سیسنبر (نامی فارسی)، نَمَام<sup>ع</sup>، نَمَام<sup>ع</sup>، اَقْط<sup>ع</sup>، بَزَر النَمَام<sup>ع</sup>، دَبَاب<sup>ع</sup>، هِرْقُولِیون<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: سوسنبر<sup>ع</sup> - سندی: سیسنبر<sup>ع</sup> - فارسی: سه سنبل<sup>ع</sup>، سی سنبل<sup>ع</sup>، سُسْرَم<sup>ع</sup> - لاتینی: وسربیلیم<sup>ع</sup> - عربی: نَمَام<sup>ع</sup>، نَمَام المَلِك<sup>ع</sup>، قَلَس<sup>ع</sup> (وجه تسمیه آن به نَمَام به خاطر بوی تند آن است) - نیقولاولوس<sup>ع</sup> - اَطَه<sup>ع</sup> - قَرادامنی<sup>ع</sup> - عَیْس<sup>ع</sup> - دیسکورید: ارفلس<sup>ع</sup> - هرقلیون<sup>ع</sup> - نام‌های نوع بری: الاَلَط<sup>ع</sup> - زیفَس<sup>ع</sup>

سیسنبرون (*Sisumbrion*): نوعی از «نَمَام بری» به نام «سیسنبر» است که به زبان لاتینی به آن «مَنَته» (*Mentha*) گویند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۳۹]

<i>Thymus glaber</i> Mill. <i>Thymus serpyllum</i> Fries.	نَمَام - سیسنبر	زریاب
<i>Thymus glaber</i> Mill.	سیسنبرون - نَمَام بری - سیسنبر	دیسکورید
<i>Thymus nummularius</i> Benth.	سیسنبر - ککلیک اودی - اس‌بویه (گیلان)	پارسا

۱۱۰۶ - سین<sup>ع</sup>، سین<sup>ع</sup>، قَرَة العین<sup>ع</sup>، جرجیر الماء<sup>ع</sup>، جرجیر الماء<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: قَرَة العین<sup>ع</sup> - بَقَرَة العین<sup>ع</sup> (قَرَة العین)، کرفس الماء<sup>ع</sup>، جرجیر الماء<sup>ع</sup>

سین (*Sion*): نام دیگر آن «قَرَة العین» و «کَرَفَس الماء» است و «قَلَام» دانستن آن اشتباه است. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۱۱]

<i>Sium latifolium L.</i>	سین - قره العین	زریاب
<i>Sium latifolium L.</i>	سین - قره العین - کرفس الماء	دیسکورید

## حرف «ش»

۱۱۰۷ - شارَف: (نامی هندی)

۱۱۰۸ - شاض: نام دیگر آن به هندی: اره رتور

۱۱۰۹ - شاهبانک، شاهبانک، شاهبانک و شایانج، جوانسفرم، شه بانو:؟ نام های دیگر آن: جوانسپریم، شاهبانک، شاهبانک، شامامک، عربی: عَبَس، قسوة الکلابغلتک، شابانک، شاهبانج، بنفسج الکلاب، صاحب جامع می گوید: «برنوف» است هم گوید «شجره ابراهیم» کوچک است و هم او از قول غافقی گوید نوعی از «قیصوم» است و از قول صاحب حاوی گویند «حب سرم بری» است مولف گوید این اقوال خلاف است آنچه محقق است «بنفسج الکلاب» را به شیرازی «افس سک» خوانند. "غافقی" می گوید: گویند نام نوعی «قیصوم» است و گویند «شاهبانج» است و در حاوی آن را «حب الشبرم البری» ذکر کرده است و در بعضی از کتب آن را «شاهبانک» و «شجره ابراهیم» کوچک دیده ام که در نقاط دور دست می روید و بعضی مردم آن را «شجيرة مریم» می نامند و درست تر آنست که آن نوعی «قیصوم» به نام «برنوف» است. - برهان قاطع نام های دیگر آن را «ریحان الشیاطین»، «بنفسج الکلاب»، «شابانج» می داند.

<i>Inula conyzoides L.</i>	جوانسفرم - عیس	زریاب
<i>Inula conyzoides L.</i> <i>Pulicaria odora Reichb.</i>	بزنوف، شاهبانج، طباق البراغیث، راسن البراغیث	الموسوعه

۱۱۱۰ - شاهتره، شاهترج، شاهترج، شاهترج، شاهترج (نامی فارسی)، بقله الملک، فرنث، هلیانسه: معرب آن: شاه ترج به معنای سلطان البقول - نام های دیگر آن: عربی: بقله الملک، کربزه الحمام - یونانی: وقتص - هندی: پت پایره (به معنای گیاه مفید برای صفرا) و کت پایره، پایله، پایره - نام آن در کتب طب قدیم: فلاخان - شام: شجرة الدم (چون صاف کننده خون است). - رومی: طابلید یون - نام گیاه در کتاب دیسکورید: غینغید یون، فقیص - زابلی: تشیک (تَشْنُک) - نام گیاه در کتاب جالینوس: فالینوس - یونانی: قانیوس به معنای دخیانی - شیرازی: شاه تره - فاس: بقول الصبیه - حنین در کتاب خود آن را «بسقما» خوانده است و وی «کمون بری» بوده به آن «کربزه الحمام» و «بقله الملک» گویند. - دارای دو نوع است گروهی نام نوع اول را «شاهترج» و نام نوع دوم را «فقیص» پنداشته اند که درست نیست.<sup>۵</sup>

<i>Fumaria parviflora Lam.</i>	شاه تره	پارسا
<i>Fumaria sp.</i>	شاهتره	الموسوعه
<i>Fumaria officinalis L.</i>	شاهتره	زر، EN.
<i>Fumaria parviflora</i>	شاهترج	طباطبائی
<i>Fumaria parviflora</i> <i>Fumaria officinalis</i>	شاهترج	خطابی

۱۱۱۱ - شاهسفرم، شاهسپریم، شاهسفرم، شاهسپریم، شاهسفرم، حبق کرمانی: معرب شاهسپریم فارسی به معنای «سلطان الریاحین» است. نام های دیگر آن: حبق کرمانی، حبق الصعتری، شاهسفرم - فارسی: نازبو



ز.خ.ط.	شبرم	<i>Euphorbia pithyusa L.</i>
--------	------	------------------------------

۱۱۱۸ - شَبْطاط<sup>ع</sup>، شَبْطاط<sup>ع</sup>: نام «عصا الراعی» است و تفسیر آن به سریانی «عَصِیة» است.<sup>ع</sup>

الموسوعه	بَطْبَاط نیلی، شَبْطاط، نِلَّة صِیْنِیَّة	<i>Polygonum tinctoriumm Hort.</i>
----------	---	------------------------------------

۱۱۱۹ - شَبِیْه<sup>ع</sup>، شَبْهَان<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: شَبِیْهَان<sup>ع</sup> - سریانی: شَابَاهِی<sup>ع</sup> - یونانی: فالیورس<sup>ع</sup>

الموسوعه	شَبْهَان، صامور	<i>Paliurus sp.</i>
----------	-----------------	---------------------

۱۱۲۰ - شَثْ؟:

۱۱۲۱ - شَجَرَة اِبْنِ مَالِك<sup>ع</sup>، شَجَرَة اَبی مَالِك<sup>ع</sup>، شَجَرَة اِبْنِ مَالِك<sup>ع</sup>، صابون القُلْی<sup>ع</sup> (نامی در دمشق)، صابون القاق<sup>ع</sup>، قُلُومَان<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: یونانی: فلو ماین<sup>ع</sup> - شام: صابون القاق<sup>ع</sup> - در اندلس به لاتینی: سَبِیْرَة<sup>ع</sup> - مغرب: اَبی مَالِك<sup>ع</sup> دارای نوع بری و نهري است، نام بری «أَبَاغْسَالَة» و نام نهري آن «أَبَا مَالِك» است.<sup>ع</sup> نباتی است که در مکان های نمناک روید و در میان نهرا، بیخ آن مانند صابون برای پاک کردن جامه بکار می رود.

قُلُومَان<sup>ع</sup> (*Klumenon*): ابن حسان نام لاتینی آن را اُونِیَاغَاثَة (*una de gato*) دانسته که برگردان عربی آن «أَطْفَار الْقُطْ» است. این گیاه را خود می شناسم و نامی غیر از این نام ها برای آن نمی دانم. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۳]

دیسکورید	قُلُومَان - اُونِیَاغَاثَة	<i>Leonicera perichlymenon L.</i>
----------	----------------------------	-----------------------------------

۱۱۲۲ - شَجَرَة الرَّاهِب<sup>ع</sup>:

۱۱۲۳ - شَجَرَة اِبْرَاهِیْم<sup>ع</sup>، شَجَرَة اِبْرَاهِیْم<sup>ع</sup>، شَجَرَة اِبْرَاهِیْم<sup>ع</sup>، شَجَرَة اِبْرَاهِیْم<sup>ع</sup>: ؟ «صاحب فلاحه» گوید نام «درخت بریم» است.<sup>ع</sup> «غافقی» می گوید: به گیاه «بنجنگشت» و همچنین به زعم گروهی به گیاه «شاهدانج» گویند.<sup>ع</sup> آغْنُس (*Agnos*): دیسکورید این واژه را به معنای ظاهر دانسته نام دیگر گیاه «شَجَرَة اِبْرَاهِیْم» است... [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۰۵ (به آغنس رجوع خود)]

زریاب	شَجَرَة اِبْرَاهِیْم	<i>Vitex agnus castus L.</i>
دیسکورید	أَغْنِیس - لیفس - عسرة الارض - شَجَرَة اِبْرَاهِیْم	<i>Vitex agnus castus L.</i>
الموسوعه	سرساد - آرئد - بنجنگشت - فنجنگشت - شَجَرَة اِبْرَاهِیْم - کف مریم	<i>Vitex agnus castus</i>

۱۱۲۴ - شَجَرَة بَارْدَة<sup>ع</sup>، بَقْلَة الْبَارْدَة<sup>ع</sup>، شَجَرَة بَارْدَة<sup>ع</sup>: نام دیگری برای «لباب الصغیر» و «لباب» است.<sup>ع</sup>

۱۱۲۵ - شَجَرَة الْبَق<sup>ع</sup>، نَشْم<sup>ع</sup>، شَجَرَة الْبَق<sup>ع</sup>، شَجَرَة الْبَق<sup>ع</sup>: (نامی نزد اهالی شام) نام های دیگر آن: سَجْزِی و سمرقندی: کُزْم<sup>ع</sup> - زَابَلِی: عَزْبَة<sup>ع</sup> - شَجَرَة الدردار<sup>ع</sup> [به «دردار» و «ایذیسارون» رجوع شود. ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۸۵ و ۱۲۵]

الموسوعه	یوقصیا، دردار، شَجَرَة الْبَق، أَلْم	<i>Ulmus sp.</i> <i>Ulmus montana With.</i> <i>Ulmus effusa Sibth.</i>
دیسکورید	بَطَلَايَا، شَجَر الدردار، شَجَرَة الْبَق، نَشْم الْأَسْوَد	<i>Ulmus spp.</i>

زیر - طبایع.	شجره البق	<i>Ulmus campestris</i> L. <i>Ulmus glabra</i> L.
--------------	-----------	--

۱۱۲۶ - شجره التنین<sup>ع</sup>: نام «لوف الكبير» معروف به «لوف الحیة» است.<sup>ع</sup>

الموسوعة	حشيشة التنين	<i>Draconitium</i> sp.
----------	--------------	------------------------

۱۱۲۷ - شجر التیس<sup>ع</sup>، شجره التیس<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: یونانی: طراغیون<sup>ع</sup>

ال.	داذی المتن، هیوفاریقون المتن، شجره التیس، دُموع التستین	<i>Hypericum hircinum</i>
-----	---	---------------------------

۱۱۲۸ - شجره الدب<sup>ع</sup>: گویند نام «زعرور» است و گویند نام «علیق الکلب» است و همچنین ممکن است «قُطَلَب» باشد.<sup>ع</sup>

"ابن جزار" در کتاب سمائم «أفسوس» را «شجره الدب» ذکر کرده است.<sup>ع</sup>

۱۱۲۹ - شجره رستم<sup>ع</sup>، شجره رستم<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: آفریقا: زراوند الطویل<sup>ع</sup>

۱۱۳۰ - شجره الشین<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: لوف الكبير<sup>ع</sup>

۱۱۳۱ - شجره الضفادع<sup>ع</sup>، شجره الضفادع<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: کیکج<sup>ع</sup>

۱۱۳۲ - شجره الطلق<sup>ع</sup>، شجره الطلق<sup>ع</sup>: وجه تسمیه آن به طلق بخاطر اینست که هرگاه زن حامله در حال زایمان از حل شده آن بخورد بلافاصله فرزند از او جدا (طلق) می شود.

خطابی	شجره الطلق	<i>Anastatica hierochuntica</i>
-------	------------	---------------------------------

۱۱۳۳ - شجره الکف<sup>ع</sup>، شجره الکف<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: الصانع الصفّر<sup>ع</sup> - "سلیمان بن حسان" می گوید: درختی است باریشه‌ای مشابه پنجه دست انسان و به «کف مریم» نیز مشهور است.<sup>ع</sup> - "ابن بیطار" می گوید: نام «أصابع الصفّر» است و برخی از مترجمین آن را «کف عائشة» خوانده‌اند.<sup>ع</sup>

۱۱۳۴ - شجره مریم<sup>ع</sup>، شجره مریم<sup>ع</sup>، شجره مریم<sup>ع</sup>، شجره مریم<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: تازی: عبوتران<sup>ع</sup>، عبیثران<sup>ع</sup> "صاحب جامع" اقوال مخالف یکدیگر بسیار آورده و محقق نکرده است و صاحب منهاج به تحقیق می گوید آن «بخور مریم» است و آن سه نوع است یک نوع بر /میوه/ نمی دهد و دو نوع بر می دهد و بیخ آن «عرطینثا» است.<sup>ع</sup> - "ابن بیطار" می گوید: نامی مشترک که در شهرهای مائندلس به نوعی رستنی بنام «أقحوان» با نام مغربی «کافوریه» گویند و همچنین نام گیاه دیگری با نام یونانی «لینتوس» است و همچنین به گیاه «بخور مریم» و درخت «بنجنگشت» و درخت دیگری در شام و شهرهای روم که مشابه درخت «سفرجل» است گفته می شود و در سرزمین مصر به «حب الفول» معروف است و در شهر شام آن را به «عَهر» و «شجره اللیثی» و «اصطرک» می شناسند و پزشکان ما این اسامی را به «میعة»<sup>(۱)</sup> اطلاق می کنند.<sup>ع</sup> [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) به «شجره ابراهیم، و «اغنس، رجوع شود.]

زریاب	شجره مریم - عبوتران	<i>Cyclamen europaeum</i> L. <i>Anastatica hierochuntica</i> L. <i>Pyrethrum partheinm</i> Sm.
الموسوعة	قَوْحَان مُثْنَات، کَرکاش، شجره مریم	<i>Chrysanthemum parthenium</i>

خطابی	شجرهٔ مریم	<i>Chrysanthemum parthenium</i> <i>Matricaria chmomilla</i>
-------	------------	--

- ۱۱۳۵ - شحم الحنظل: نام های دیگر آن: خطمی بری<sup>۱</sup> - گویند «شنجار» و «شجره قلی» است.<sup>۲</sup>  
 ۱۱۳۶ - شربین، شربین، قَطْران<sup>۳</sup>: دیسکورید می گوید: درخت بزرگی است که «قَطْران» نوعی از آن است.<sup>۴</sup>

الموسوعه	شربین، سرو رشیق، سرو فضی	<i>Chamacyparis sp.</i>
----------	--------------------------	-------------------------

- ۱۱۳۷ - شُرْس<sup>۵</sup>: نام «شوکه مغیلة» است و «مغیلة» شهری از شهرهای مغرب است. برخی آن را به نام «زریعة ابلیس» می شناسند زیرا در مسیرها و راهها بطور پراکنده می روید.<sup>۶</sup>  
 ۱۱۳۸ - شرم<sup>۷</sup>: گیاهی است که در کنار بستانها و کنار جوی ها و در صحراها می روید، به شیرازی «گاومطوسک» نام دارد زیرا اگر گاو از آن بخورد می میرد و گوسفند هر چند بخورد هیچ مضرت بوی نرسد.  
 ۱۱۳۹ - شری<sup>۸</sup>: «حنظل» است و گویند نام «عَلَقَم» است.<sup>۹</sup>  
 ۱۱۴۰ - شَرِیفَه<sup>۱۰</sup>: (نامی هندی) نام دیگر آن: سیناپهل<sup>۱۱</sup>  
 ۱۱۴۱ - شِشْتَرَه<sup>۱۲</sup>، شِشْتَرَه<sup>۱۳</sup>: نوعی سعتَر<sup>۱۴</sup> نام های دیگر آن: شطریه<sup>۱۵</sup> - فارسی: مرزه<sup>۱۶</sup> - نام «مْرِقِیرَه» و «مْرِقِیرَه» به معنای «مَحْسَنَه» نیکو شده است.<sup>۱۷</sup>  
 ۱۱۴۲ - شِشْرِیْث<sup>۱۸</sup>: (نام گیاه مصری)، شُشْرُوب<sup>۱۹</sup>: (نام گیاهی در مصر و قاهره)  
 ۱۱۴۳ - شَطْرِیَه<sup>۲۰</sup>: (نام گیاهی در اندلس) نام «صعتر البستانی» بابرگ های بلند است و در مصر و اندلس کشت می شود.<sup>۲۱</sup>  
 ۱۱۴۴ - شَطْبِیَه<sup>۲۲</sup>، شَطْبِیَه<sup>۲۳</sup>: (نام مغربی) نام دیگر آن: اندلس: سسترنه<sup>۲۴</sup>  
 ۱۱۴۵ - شِعْر الجیاد<sup>۲۵</sup>، شعر الجبار<sup>۲۶</sup>: نام های دیگر آن: برشیاوشان<sup>۲۷</sup> - کُزْبَرَه البیر<sup>۲۸</sup>

طباطبائی	شعر الجبار	<i>Adiantum capillus-veneris L.</i>
----------	------------	-------------------------------------

- ۱۱۴۶ - شعر العُؤل<sup>۲۹</sup>، شعر الغول<sup>۳۰</sup>، شعر الغول<sup>۳۱</sup>، شعر الغول<sup>۳۲</sup>: نام دیگر آن «لحاء الغول» است<sup>۳۳</sup> و بنابر قولی پرسیاوشان است.<sup>۳۴</sup> گویند نام «پرسیاوشان» است ولی صحیح نیست، این گیاه را دیسکورید در کتاب خود بعد از «پرسیاوشان» با نام یونانی «طریخومانس» یادآور شده است.<sup>۳۵</sup>

ز، خ، ط.	شعر الغول	<i>Asplenium trichomanes L.</i> <i>Adiantum capillus-veneris L.</i>
الموسوعه	کزبرة البئر، شَعْر الجن، شعر الأرض، وصیف، بَرَشَاوْشان، شعر الغول	<i>Adiantum capillus-veneris L.</i>

- ۱۱۴۷ - شعیر<sup>۳۶</sup>، شعیر<sup>۳۷</sup>، شعیر<sup>۳۸</sup>، شعیر<sup>۳۹</sup>، شعیر<sup>۴۰</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: جو<sup>۴۱</sup> - هندی: سج<sup>۴۲</sup> - رومی: قرثارون<sup>۴۳</sup> - سریانی: صعاری<sup>۴۴</sup>

قَرْتِی (Krithe): شَعِیر [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۷۲ و ۷۹]

ز، خ، ط، ع.	شعیر	<i>Hordeum vulgare L.</i>
دیسکورید	قَرْتِی - شعیر	<i>Hordeum spp.</i>
الموسوعه	شعیر، شِیْتَعُور، شِیْتَعُور	<i>Hordeum spp.</i>



دو گیاه اینگونه نامگذاری کرده است.<sup>۶</sup>

۱۱۵۱ - شقر دیون<sup>۷</sup>، شقر دیون<sup>۸</sup>: این نام مربوط به «ثوم الحیه» نیست.<sup>۹</sup> نام های دیگر آن: اسفی دیون<sup>۱۰</sup> - اسقوردیون<sup>۱۱</sup> - حشیشه الثویه<sup>۱۲</sup> - حافظ الأجساد<sup>۱۳</sup>، حافظ الموتی<sup>۱۴</sup> - اندلس: مطرقال<sup>۱۵</sup>

الموسوعه	ثوم بری - شقر دیون	<i>Allium xiphopetalum</i> Ait. <i>Allium silvestrum</i>
----------	--------------------	---

۱۱۵۲ - سُکاعی<sup>۱۶</sup>، سُکاعی<sup>۱۷</sup>، سُکاعی<sup>۱۸</sup>، سُکاع<sup>۱۹</sup>، سُکاعی<sup>۲۰</sup>، أَقْتَا أَرَائِقَا<sup>۲۱</sup> (نامی یونانی به معنای شوکه العربیه)، شوکه عربیه<sup>۲۲</sup>، شوکه غربیه<sup>۲۳</sup>: (نامی عربی) از اصناف «بادآورد» است.<sup>۲۴</sup> نام های دیگر آن: سُکاعی<sup>۲۵</sup> - یونانی: اقرانیقی<sup>۲۶</sup> به معنای شوکه البیضاء، شوکه البیضاء<sup>۲۷</sup>، شوکه العربیه<sup>۲۸</sup>، کثیرالکب<sup>۲۹</sup> - لاتینی: کطباس<sup>۳۰</sup> - فارسی: چرجه<sup>۳۱</sup> - در بعضی بلاد: کنگرخر<sup>۳۲</sup> - هندی: اونت کتاره<sup>۳۳</sup> - برخی پزشکان «قناد» را «شکاعا» دانسته و به آن «کُثیرا» گفته اند.<sup>۳۴</sup>

أَقْتَا أَرَائِقِی (Akantha leuke): برگردان عربی آن «شوکه العربیه» و نام دیگر آن «سُکاعی» است. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۳ و ۱۸]

دیسکورید	أَقْتَا أَرَائِقِی - سُکاعی - شوکه العربیه	<i>Onopordon acanthium</i> L.
الموسوعه	أَقْسُون - رأس الشیخ - سُکاعی - طربه - فُص الجمار	<i>Onopordon acanthium</i> L.
زر. - طب.	سُکاعی	<i>Onopordon acanthium</i> L. <i>Onopordon arabicum</i> L.
EN.	سُکاعی	<i>Onopordon arabicum</i> L.

۱۱۵۳ - شَکَرَقَنْد<sup>۳۵</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: زمین قند<sup>۳۶</sup>

۱۱۵۴ - شُل<sup>۳۷</sup>، شُل<sup>۳۸</sup>، شُل<sup>۳۹</sup>: شُل<sup>۴۰</sup>: (نامی هندی)؟ «اسحاق بن عمران» می گوید: «شُل» نام هندی «سفرجل هندی» است.<sup>۴۱</sup> غسانی<sup>۴۲</sup> می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی آن را «سفرجل هندی» و برخی آن را «صفصاف البُلخی» می دانند و «اصمعی» گوید برخی از اعراب به اشتباه آن را «غرب» نامیده اند و گویند «رمان الهندی» است و نظر ابو فتوح جرجانی صحیح است که در مورد «شُل» و «بل» گفته یکی «رمان الهند» و دیگری «سفرجل الهند» است و هر دو گیاه در مغرب بسیار کم می روید و رویش اصلی آن در سرزمین چین و هند است.<sup>۴۳</sup>

زر. - خط.	شُل	<i>Cydonia indica</i> Spach.
خطابی	بل	<i>Aegle marmelos</i>
الموسوعه	دوسینیه - شُل، سَفَرَجَل هندی	<i>Docynia</i> sp.

۱۱۵۵ - شَلْجَم<sup>۴۴</sup> (معرب شلغم فارسی)، شَلْجَم<sup>۴۵</sup>، شَلْجَم<sup>۴۶</sup>، شَلْجَم<sup>۴۷</sup>، شَلْجَم<sup>۴۸</sup>، شَلْجَم<sup>۴۹</sup>، غَنْقِلی<sup>۵۰</sup>، لَفْت<sup>۵۱</sup>، لَفْت<sup>۵۲</sup>: نام های دیگر آن: لَفْت<sup>۵۳</sup>، لَفْت مدور<sup>۵۴</sup> فاس: لَفْت البلدی<sup>۵۵</sup> - یونانی: غنقلی<sup>۵۶</sup>، غنقلی<sup>۵۷</sup> - فارسی: برشاد<sup>۵۸</sup> - شيلم<sup>۵۹</sup> - فرنگی: پُثم<sup>۶۰</sup> - نام نوعی: لَفْت المحفور<sup>۶۱</sup> - نام نوع غیر خوراکی: یونانی: نونیناس<sup>۶۲</sup>، نونیناس<sup>۶۳</sup> - رومی: غنکیلی<sup>۶۴</sup> نام نوع بری: بونیاون<sup>۶۵</sup> (بوبونیاون) - نام نوع بستانی: جنخلیدس<sup>۶۶</sup> - «صاحب فلاحه» می گوید: نوعی از «شلجم» را «أبوشاد» گویند که در باغ ها کاشته می شود.<sup>۶۷</sup> - «دیسکورید» می گوید: «بونیناس» نوعی «شلجم» کوچک است.<sup>۶۸</sup> «اشبیلی» می گوید: دارای انواعی است، بستانی آن عبارتست: ۱ - لَفْت مدور ۲ - طلیطلی: غنقل، سلجم، برشاد، بورشاد ۳ - صفلی بری آن عبارتست: ۱ - لسان ۲ - اشبرون: نابیارش ۳ - قلستر ۴ - لاختنه: روبیاس، اروسیمون، اسحارة، سحارة ۵ - صتاب: خردل نام های نوع جلی آن عبارتست از: اسطراطیقوس، نبال

غَنْقِلی (Gongule): شَلْجَم معروف به «لَفْت الأَحْمَر المدور» - شَلْجَم [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۹۵]



<i>Brassica rapa</i> L. <i>Brassica napus</i> L.	غشلی - سلجم - لفت الأحمر المدور	دیسکورید
<i>Brassica rapa</i> L. <i>Brassica napus</i> L.	شلجم	ز. ط. خ.
<i>Brassica campestris</i> L. var. <i>napus</i> Bal.	شلجم	پارسا
<i>Brassica campestris</i> L.	سلجم، شلجم	الموسوعه

۱۱۵۶ - شلیل: نام‌های دیگر آن: خراسانی: شقرنگ، شیرهو - گویند درختی حاصل از پیوند درخت «زردآلو» و «شفتالو» است.<sup>۱</sup>

۱۱۵۷ - شمام: نام نوعی «بطیخ» کوچک - شام: لَفَّاح<sup>۲</sup> برخی عقیده دارند «لَفَّاح» غیر از آن است.<sup>۳</sup>

<i>Cucumis melo</i> L.	شمام	EN، ال.
------------------------	------	---------

۱۱۵۸ - شنجار، شنجار، شنجار، رجل الحمامة (نامی در اندلس)، رجل الحمامة، عاقر شمع، عود الفالوج: دارای چهار نوع است.<sup>۴</sup> نام‌های دیگر آن: شنجار، کَحْلَاء، حُمِيزَاء، رجل الحمامة - سریانی: حالوما<sup>۵</sup>

<i>Onosma</i> sp.	شِنْجَار	الموسوعه
<i>Lithospermum tinctorium</i> L.	شِنْجَار - ابو حلسا - خس الحمار	EN.

۱۱۵۹ - شَنْدَلَة: نام‌های دیگر آن: بنا به نظر بکری: (أسحارة - یونانی: أروسیم - تودری<sup>۶</sup>

۱۱۶۰ - شَوَاصِرَا، شَوَاصِرَه، شَوَاصِرَا، شَوَاصِرَا: (نامی یونانی) نوعی برنجاسف<sup>۷</sup> "رازی" آن را از انواع «بلنجاسف» به نام «برنجاسف» می‌داند. نام‌های دیگر آن: مشک الجن، مسک الجن<sup>۸</sup> - بلاد شبانکاره فارس: مشک چوپان - تنکابن: مشک داش<sup>۹</sup> یونانی: بطوس<sup>۱۰</sup> - «ابن یطار» می‌گوید: «شَوَاصِرَا» و «مسک الجن» معادل نام «بطرس» است.

بُطْرُس (*Botrus*): از انواع «بَرَنْجَاسَف» است [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۰]

<i>Artemisia vulgaris</i> L. <i>Artemisia abrotanum</i> L. <i>Chenopodium ambrosioides</i> L.	شَوَاصِرَه	زریاب
<i>Chenopodium botrys</i> L. <i>Chenopodium ambrosioides</i> L.	بطرس، از انواع برنجاسف، شَوَاصِرَا، مسک الجن	دیسکورید

۱۱۶۱ - شَوْحَط، شوخط: (نام عربی)؟ نام دیگر آن: خوشه ارزن<sup>۱۱</sup>

سمیلَقَس (*Smilax*): درخت بزرگی در سرزمین روم و مغرب با نام لاتینی «طَخَش» (*Taxus*) است که از آن «قِس» می‌سازند. «عاقی» با توجه به اختلاف نظرهایی که وجود دارد این نام را معادل نام «شَوْحَط» می‌داند. [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴/۷۲]

<i>Taxus baccata</i> L.	سمیلَقَس - طَخَش - (شوخط)	دیسکورید
-------------------------	---------------------------	----------

۱۱۶۲ - شَوْزَه: (نامی حجازی)

۱۱۶۳ - شَوَكْرَان، شَوَكْرَان، شَوَكْرَان، شَوَكْرَان، شَوَكْرَان، صَرَو، طَحْمَا: ؟ (نام عربی) نام های دیگر آن: نزد عجم اندلس: حفوظه - یونانی: قونیون، سقونیون، بارقیون، طفنیقوس، منقوسیون، طفسقویون، ماریقون، قثیون - فرنگی: شبکنه - فارسی: بیخ تفت - حفوظ - تخم بیخ رومی شَبَبِی: ریشه «شوکران» و «بیخ تفت» (چون در کوه تفت بسیار می روید).

قونیون (Koneion): نام های دیگر آن عبارتست از: شوکران - لاتینی: حَقُوطَه (Cicuta) - اهالی آفریقا: حَزْمَل البَلْدی [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۶۳ و ۷۱]

Conium masculatum L. Hyoscyamus niger L.	قونیون - شوکران - حَقُوطَه	دیسکورید
Conium maculatum L. Hyoscyamus niger L.	شوکران	زر. - طب.
Conium maculatum L. Hyoscyamus niger L.	بیخ تفت - شوکران	پارسا
Cicuta virosa L.	شوکران سام، شوکران متن، قاتل البقر	الموسوعه
Aethusa cynapium L.	شوکران صغیر، شوکران البساتین، بقَدونس کاذب	الموسوعه
Conium maculatum L.	شوکران، طَحْمَاءِ بَنَسِیس	الموسوعه
Conium maculatum L.	شوکران	EN.

۱۱۶۴ - شَوْكَة المَصْرِیَّة، شَوْكَة المَصْرِیَّة، شَوْكَة مَصْرِیَّة، ام غیلان، انفیطینا (نام میوه شوک مصری): نام های دیگر آن: ام غیلان - شوکه اعرابی - قَبِیْطَه - نام میوه: بلوسیطون، سیطوس، عنم، حد  
أَقَاكِیَا (Akakia): به عصاره «قَرْط» گویند و نام گیاه آن «خَرْوَب السَّنَط» و «شَوْكَة المَصْرِیَّة» است و به نوع بری آن «أُمُّ غِیْلَان» گویند و صمغ آن به «صمغ العربی» معروف است. [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۰۳]

Acacia arabica W. Acacia nilotica D. Acacia vera Willd. Mimosa niltica L.	شَوْكَة المَصْرِیَّة - ام غیلان - شَوْكَة اعرابی	زریاب
Acacia arabica W.	أَقَاكِیَا - قَرْط - خَرْوَب السَّنَط	دیسکورید
Acacia vera Willd.	ام غیلان - صمغ عربی	دیسکورید
Acacia arabica Willd.	ام غیلان	زریاب
Acacia arabica Willd. Acacia nilotica	شَوْكَة المَصْرِیَّة	طباطبائی

۱۱۶۵ - شَوْكَة الیهودیَّة، شَوْكَة یهودیَّة: نام های دیگر آن: قَرَصَعَنَة الزَّرْقَاء - عربی: سَوْدَاءُ الْوَرَق (سیاه برگ)، عَضْر الصَّیْبَان

أَیْرَنْجِی (Erunge): گیاه «شَوْكَة» (خار دار) است و نام سریانی آن «قَرَصَعَنَة» (Qersa anna) است. در بعضی از ترجمه ها نام آن را «شَوْكَة السَّوْدَاء»، «شَوْكَة الیهودیَّة» و «شَوْكَة الزَّرْقَاء» ذکر کرده اند و دارای دو نوع سفید و آبی رنگ است. در کتب پزشکان با

نام «جَنْت قابضة»<sup>(۱)</sup> (*Centumcantha*) آمده است و دو نوع آن ذکر گردید. نام لاتینی آن «پِرَاطَه» (*Piperito*) به معنای «شوکت المُفْلَق» است و گویند این گیاه در زمین اسکندریه می‌روید، جالینوس آن را «أیرنجان» نامیده است. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۲۱]

دیسکورید	اَیرنجی، قرصنه، شوکة یهودیه، شوکة الزرقاء	<i>Eryngium campestre</i> L.
طباطبائی	شوکة یهودیه	<i>Eryngium campestre</i> L. <i>Eryngium creticum</i>

۱۱۶۶ - شومر، شینر، شومر

۱۱۶۷ - شُونْدَر؟

الموسوعه	شُونْدَر، شَمَنْدَر، بَنْجَر، صَوَطَلَة	<i>Beta vulgaris</i> L.
----------	---	-------------------------

۱۱۶۸ - شُونِیز، شُونِیز (نامی فارسی)، شُونِیز، شُونِیز، شُونِیز، شُونِیز (نامی حجازی)، حبة السوداء، حبة السوداء، نام‌های دیگر آن: فارسی: شونوز، سیاه دانه - عربی: حبة السوداء - یونانی: سنو، شنون - هندی: کلونجی، سَوِیداء - یونانی: میلانثیون - لاتینی: نیلی - رومی: میروقوقین - سریانی: شبوبانا - هندی: قالنجی، کالنجی، قالیر - اهل هری: غنج - غسانی می‌گوید: «شونیز» دارای دو نوع بری و بستانی است نوع بری را «حبة السوداء» گویند و منظور روایت نقل شده از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و اله «حبة السوداء شفاء من کل داء» همین گیاه است و در شهر فاس به «سانوج» معروف است.

مالِیْثِیُون (*Melanthion*): دارای نام‌های «شونیز»، «کَمُون الأسود» و به عربی «حبة السوداء» است که نامی مشترکی می‌باشد و به لاتینی به آن «شَمِیْتُ مورس» به معنای «زریعة السوداء» گویند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۷۵]

دیسکورید	مالیثیون، شونیز، کمون الأسود، حبة السوداء	<i>Nigella sativa</i> L.
ز، خ، ط.	شونیز	<i>Nigella sativa</i> L. <i>Agrostemma githago</i>
پارسا	سیاه تخمه - شونیز - سیاه دانه	<i>Nigella sativa</i> L.
الموسوعه	شونیز، شینیز	<i>Nigella</i> sp.
الموسوعه	شونیز زراعی	<i>Nigella sativa</i>

۱۱۶۹ - شیان، شیان: نام دیگر آن: دم الاخوین صمغی است که از جزیره سقطری می‌آورند و معروف به «دم الاخوین» است و همچنین عوام اندلس این نام را برای نوع بزرگ «حی العالم» می‌دانند.

۱۱۷۰ - شَیْبَه، شَیْبَه، شَیْبَة العجوز: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: اشنه - بعضی افراد: اشنه بستانی  
بَرُیون (*Bruon*): نام «أَشْنَة» است و آن نام «شَیْب العجوز» است و به آن «سواک الفُرد» نیز گویند زیرا هنگام مسواک دهان را رنگی می‌کند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۲۰ و ۳ - ۲۳]

دیسکورید	بریون، اشنه، شیب العجوز، سواک الفرد	<i>Usnea barbata</i> Ach.
الموسوعه	شَیْبَه، دَقْن الشیخ، ریحان أبيض	<i>Artemisia arborescens</i> L.

۱۱۷۱ - شیخ<sup>۱</sup>، شیخ<sup>۲</sup>، شیخ<sup>۳</sup>، شیخ<sup>۴</sup>، شیخ<sup>۵</sup>، شیخ<sup>۶</sup>: نام های دیگر آن: اُفستین بحری<sup>۷</sup> - فارسی: درمنه<sup>۸</sup> - یونانی: ساریقون<sup>۹</sup>، اقدینا<sup>۱۰</sup>، شجر اوسیتا<sup>۱۱</sup> - زابل: ابرو طنیون<sup>۱۲</sup> - سریانی: ابروتا<sup>۱۳</sup> - تخم «درمنه ترکی» را «بستیاج» گویند.<sup>۱۴</sup> - دارای انواع شیخ خراسانی<sup>۱۵</sup>، شیخ ترکی<sup>۱۶</sup> است و گلی قرمز رنگ دارد. نام نوعی از آن «سریقون ارمنی» و «افستین البحر» است. بهترین آن ارمنی آن است و آن را «درمنه ترکی» خوانند و «شیخ جبلی» را «افیلون» خوانند.<sup>۱۷</sup> - دارای انواع فراوانی از قبیل «اسطوخودوس»، «اکلیل الجبل»، «خُزامی» و «شیخ ارمنی» است و در اینجا منظور «شیخ ارمنی» است.<sup>۱۸</sup> ساریفون (Seriphon): نام هر دو نوع «شیخ» است، نوع اول آن «شیخ المصری» یا معروف به «اُفستین» است و نوع دوم «شیخ الأَرْمَنی» نام دارد. [این بطار (در شرح کتاب دیسکورد) ۳ - ۲۴]

Artemisia maritima L.	ساریفون - شیخ مصری - اُفستین	دیسکورید
Artemisia sp.	شیخ، اُرطماسیا	الموسوعه
Artemisia judaica L.	شیخ	زر. - طب.
Artemisia pontica L.	شیخ ارمنی	دی. - خط.
Artemisia pontica L.	شیخ	EN.
Artemisia santonica Lam.	شیخ خراسانی	EN.

۱۱۷۲ - شیخ الربیع<sup>۱۹</sup>: نام دیگر آن: اُریقارون<sup>۲۰</sup>

Erigeron sp.	شیخ الربیع	الموسوعه
--------------	------------	----------

۱۱۷۳ - شیر انجیر<sup>۲۱</sup>:

۱۱۷۴ - شیر خشت<sup>۲۲</sup>، شیر خشک<sup>۲۳</sup>: نام دیگر آن: فارسی: شیر خشک<sup>۲۴</sup>

بعضی از دانشمندان ما معتقدند شبنمی است که از آسمان روی درخت «خلاف» به نام «بَهْرَة» در سرزمین عجم قرار می گیرد و شیرین است و از «ترنجبین» قویتر می باشد.<sup>۲۵</sup> - «خشت» در لغت اهل نواحی خراسان به معنای صمغ است.<sup>۲۶</sup>

Cotoneaster nummularia Fich & Mey	شیر خشت	پارسا
Cotoneaster nigra Wahl.		
Cotoneaster vulgaris L.		

۱۱۷۵ - شیطرج<sup>۲۷</sup>، شیطرنج<sup>۲۸</sup>، شیطرج<sup>۲۹</sup>، شیطرج<sup>۳۰</sup>، شیطرج<sup>۳۱</sup>، شیطرج<sup>۳۲</sup>، شیطرج<sup>۳۳</sup>، شیطرج<sup>۳۴</sup>، شیطرج<sup>۳۵</sup>: این نام معرب «چیپژک هندی» یا معرب «شیتره» فارسی است. - نام های دیگر آن: جوز الراعی<sup>۳۶</sup> - اَعْصَاب<sup>۳۷</sup> - هندی: چتره<sup>۳۸</sup> - سریانی: جطرغ<sup>۳۹</sup> - رومی: لوبادون<sup>۴۰</sup>، لیبیدیون<sup>۴۱</sup> - دیسکورید: شاطرج<sup>۴۲</sup> - شام: قالیقیا<sup>۴۳</sup>، سرقوقینا<sup>۴۴</sup> - عربی: مسواک الراعی<sup>۴۵</sup>، خینوس<sup>۴۶</sup>، فاغوس<sup>۴۷</sup> یا فاغوش<sup>۴۸</sup>، حنامشه<sup>۴۹</sup> - یونانی: لیبیدیون<sup>۵۰</sup>، لفیدیون<sup>۵۱</sup> - بربری: عضات<sup>۵۲</sup> - فارسی: بیخ برنده<sup>۵۳</sup> - فاس: عصاب<sup>۵۴</sup> - دارای انواعی است صاحب منهای<sup>۵۵</sup> گوید بهترین آن هندی است تا بحری، مولف گوید چندانکه امتحان کرده شد بهتر از پارسای نیست.<sup>۵۶</sup> [این بطار (در شرح کتاب دیسکورد) ۲ - ۱۵۶: به «حرف» و «لیبیدیون» رجوع شود.]

Plumbago rosea L.	ریشه طمش (تهران)، شیطراج، شیتراک (هندی)، شیطرا (بمبئی)	پارسا
Lepidium sp.	عصاب، مسواک الراعی، شیطرنج	الموسوعه

<i>Lepidium latifolium</i> L. <i>Plumbago zeylanica</i> L.	شیطرنج	ز. ط.، EN.
<i>Lepidium iberis</i> L. <i>Lepidium latifolium</i> L. <i>Lepidium sativum</i> L.	شیطرنج اندلسی شیطرنج هندی عصاب	خطابی

۱۱۷۶ - شَیْلَم، شَیْلَم، شَیْلَم، شَیْلَم: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: شالم<sup>۵</sup> - سیاه دانو<sup>۶</sup>، زوان<sup>۷</sup>، زیاء<sup>۸</sup> - عربی: حنطه السوداء، زوان<sup>۹</sup> (مغرب) - فارسی: گندم دیوانه<sup>۱۰</sup>، زغیر<sup>۱۱</sup> - اصفهان: کاکلک<sup>۱۲</sup> - شیرازی: مشکک<sup>۱۳</sup> - رومی: لیخونن<sup>۱۴</sup> - زوان گندم<sup>۱۵</sup> - دوسر<sup>۱۶</sup>  
(Aria): نام «زوان» است و آن «شَیْلَم» موجود بین «قَنَح» است. نام‌های دیگر آن «دَنَقَة»، «رُعَیْدَاء»، «رُعَیْدَاء» و «مُرَیْرَاء» است و گویند نام عربی آن «خَضِر» است. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۸۵] اَرَأَ

<i>Lolium temulentum</i> L.	شیلیم - زوان -	ز. خ. ط.
<i>Lolium temulentum</i> L.	اَرَأَ - زوان - شیلیم - مریراء - رغیداژ	دیسکورید
<i>Secale cereale</i> L.	شیلیم، سَلْت، شَوْلَم	الموسوعه

### حرف «ص»

۱۱۷۷ - صاب<sup>۱۷</sup>، صاب<sup>۱۸</sup>، صاب<sup>۱۹</sup>: گویند «قسا الحمار» است و گویند نوعی از یتوعات است. گویند نام «قَتَاء الحمار» است که درست نیست و بعضی از دانشمندان ما بر این گمانند که از «یتوع» است.<sup>۲۰</sup>

<i>Ecballium elaterium</i> Rich.	صاب	زریاب
<i>Hippomane manchinella</i> L.	صابه، مَسْنِیْلَا	الموسوعه

۱۱۷۸ - حِصَاصِلِی، حِصَاصِلِی: نام‌های دیگر آن: صوصلا<sup>۲۱</sup>، ساصلی<sup>۲۲</sup> - یونانی: ارتینوس غالا<sup>۲۳</sup>، اَرْتِیْنُوس غالا<sup>۲۴</sup>

<i>Ornithogalum</i> sp.	صاصل، اُشْراس، صَوْصَلَا	الموسوعه
-------------------------	--------------------------	----------

۱۱۷۹ - صَالِیَّة: (نامی عجمی) نام دیگر آن نزد اهالی صقلیه: نوع نازک شالییه<sup>۲۵</sup>

۱۱۸۰ - حِصَامَرِیُومَا، حِصَامَرِیُومَا: (نامی سریانی) نام‌های دیگر آن: عربی: غبرا<sup>۲۶</sup>، چون رنگ آن اغبر یا خاکستری است. - لاجوردیه<sup>۲۷</sup>، زیرا رنگ عصاره گل آن لاجوردی است. - عجمی اندلس: طُرْشُول<sup>۲۸</sup> - مصر: گیاه عقرب<sup>۲۹</sup>، حشیشه العقرب<sup>۳۰</sup>، غُبِرَاء<sup>۳۱</sup> - اهل اندلس: ترانشول<sup>۳۲</sup> - دیسکورید: علت نامگذاری این گیاه به «أیلپوترویون» بخاطر اینست که برگ خود را به سمت آفتاب می‌گرداند.<sup>۳۳</sup>

<i>Heliotropium europaeum</i> L.	صامریوما	طباطبائی
----------------------------------	----------	----------

۱۱۸۱ - صَبَّار: نام‌های دیگر آن: تمر هندی ترش<sup>۳۴</sup> - صَبَّارِی<sup>۳۵</sup>



<i>Thymus kotchyanus</i> Boiss.	صعتر، کوشان شیرازی، اذشان، اشمه کوهی (تفرش)	پارسا
<i>Origanum vulgare</i> L.	آویشن شیرازی	پارسا
<i>Origanum</i> sp.	صعتر، صعتر	الموسوعه
<i>Thymus serpyllum</i> L.	صعتر	طباطبائی
<i>Thymus vulgaris</i> L.	صعتر	خطا، EN.

۱۱۸۶ - صَعْتَرُ الْفُرْسِ: [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۳۵: به «صعتر» رجوع شود.]

<i>Mentha pulegium</i> L.	صعتر الفرس	زریاب
---------------------------	------------	-------

۱۱۸۷ - صَعْدٌ:

۱۱۸۸ - صَفْرَاءُ:

۱۱۸۹ - صَفِيرَاءُ، صَفِيرَاءُ: نام‌های دیگر آن: صفیرا - اهالی مصر: عود القسینة

<i>Sophora</i> sp.	صَفِيرَاءُ	الموسوعه
<i>Rhamnus tinctoria</i> Waldest.	صَفِيرَاءُ	خطابی

۱۱۹۰ - صَلْيَانٌ:

۱۱۹۱ - صَلْوَانٌ: (نامی موصلی) نام‌های دیگر آن: خَرُوب الخنزیر - نام میوه در مصر: حب الکلی

۱۱۹۲ - صَمِغ الدَمِيثَا، صَمِغ دَمِيثَا:

۱۱۹۳ - صَنْدَلٌ، صَنْدَلٌ، صَنْدَلٌ، صَنْدَلٌ، صَنْدَلٌ ابيض، صَنْدَلٌ احمر: صندل سرخ و سپید بود. نام‌های دیگر آن: رومی: گلو سطقا، قلودیقی - سندنل (فارسی یا سریانی) - یونانی: حلوسطقاقیل - رومی: فلوریکا - هندی: چندن

<i>Petrocarpus santalinus</i> L. <i>Santalum album</i> L.	صندل	زریاب
<i>Santalum</i> sp. <i>Santalum album</i> L.	صندل	الموسوعه
<i>Santalum album</i> <i>Santalum album</i> L.	صندل ابيض	الم. - طب.
<i>Pterocarpus santalinus</i> L.	صندل احمر	طباطبائی

۱۱۹۴ - صَنْوَبَرٌ، صَنْوَبَرٌ، صَنْوَبَرٌ، صَنْوَبَرٌ (عربی)، حب الصنوبر، قضم قریش، راتینج، تَوْبٌ، صَنْوَبَرٌ، قضم قریش (دانه)، تنوب (صنوبر کوچک)، کرکر، کرکر (صنوبر صغیر معروف به «قضم قریش»): نام‌های دیگر آن: عربی: ارزه، اُزْز - سریانی: ارزند - رومی: بقطانیون، اسطرویلیا، قونوس، فایوقی - یونانی: قلوغیطون - سریانی: ارزا - فارسی و شیرازی: کاج - فارسی: بادام نشک، جلفوزه، چنار، جن آر

دارای انواعی است: نام نوع بستانی: فارسی: ناز، ناجو - شیرازی: کاج - نام میوه آن به شیرازی: پرکاج - نام نوع جبلی: سریانی: ارزند - نام میوه نوع انثی کبیر: چلفوزه - در شیروان و آذربایجان و نقاطی از روم و کشمیر می روید. - نام نوع انثی صغیر: تنوب - نام میوه آن: قضم قریش - عامه اهل شیراز: فستق - غسانی:

می گوید: از انواع صنوبر «بَقَم قریش» است که در شام به آن «قَطواندس» گویند و از انواع دیگر آن «رجینة» و «سرو» است.<sup>۵</sup> نام های صمغ صنوبر: راتیانج، راتینج، رتیانج، رحبینه، دشینه<sup>۶</sup> آنچه در شیراز به نام «چلغوزه» معروف است از اقسام «بادام» است.<sup>۷</sup> - «تَوَب» نام «صنوبر کوچکی» است که میوه آن «قَضَم قریش» است.<sup>۸</sup> - ابن بطار: دیسکورید: «بیطویداس» یا «قَضَم قریش» میوه «تَوَب» و «أَرْز» است.<sup>۹</sup> بیطوئیداس (Pituides): نام «صنوبر الصغار» است و میوه آن را «قَضَم قُریش»، «فَم قریش» و «فَمَل قریش» گویند. سَطْرَویلو (Stroobilo) نام «شجر الصنوبر الکبار» است. اسامی صمغ هر دو نوع «راتینج»، «راتیانج»، «راتینا»، «راطینا» نام دارد. [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۶۴ و ۶۵]

<i>Pinus orientalis</i> Link.	صنوبر	زریاب
<i>Pinus pinea</i> L. <i>Picea excelsa</i> Link.	قضم قریش	زریاب
<i>Pinus pinea</i> L. <i>Pinus cembra</i> L.	حب الصنوبر: جلوز	زر. - طب.
<i>Pinus pinea</i> L.	بیطویداس (نوع کوچک) سَطْرَویلو (نوع بزرگ)	دیسکورید
<i>Pinus eldarica</i> Medew.	کاج	پارسا
<i>Pinus</i> sp.	صنوبر	الموسوعه
<i>Pinus pinea</i> L. <i>Pinus excelsa</i> L.	قضم قریش	طباطبائی
<i>Pinus pinea</i> L.	صنوبر	خطابی
<i>Pinus halepensis</i> Mill.	صنوبر الحلبی	خطابی
<i>Pinus nigra</i> L.	صنوبر الاسود	خطابی
<i>Pinus maritima</i> Lam.	صنوبر البحرى	خطابی
<i>Pinus sylvestris</i> L.	صنوبر الفضى	خطابی
<i>Pinus pinea</i> L.	صنوبر	EN.

۱۱۹۵ - صنین<sup>۱۰</sup>:۱۱۹۶ - صوصلة<sup>۱۱</sup>، صوطله<sup>۱۲</sup>: نوعی «سَلَق»<sup>۱۳</sup>

<i>Beta vulgaris</i> L.	سَوْنَدَر، شَمَنْدَر، بَنْجَر، صَوَطَلَة	الموسوعه
-------------------------	--	----------

### حرف «ض»

۱۱۹۷ - ضَجَاج<sup>۱۴</sup>، ضجاج<sup>۱۵</sup>: (نام صمغ گیاهی در کوه های عمان)۱۱۹۸ - ضرم<sup>۱۶</sup>: گویند نام «أسطوخودوس» است.<sup>۱۷</sup>

<i>Quereillet</i> (F)	ضرم	الموسوعه
-----------------------	-----	----------





<i>Mentha aquatica L.</i>	ضمیران	زریاب
<i>Ocimum minimum L.</i>		
<i>Mentha aquatica L.</i>	ضومران	خطابی

## حرف «ط»

۱۲۰۵ - طالیسفر<sup>۱</sup>، طالیسفر<sup>۲</sup>، طالیسفر<sup>۳</sup>، طالیسفر<sup>۴</sup>، طالیسفر<sup>۵</sup>، طالیسفر<sup>۶</sup>، طالیسفر<sup>۷</sup>؛ نام های دیگر آن: بسباسه - کندیت<sup>۸</sup> - یونانی: دارکیسه<sup>۹</sup> با آنکه اکثر مردم آن را «بسباسه» می دانند ولی آن نیست. و «ابن جلجل» به اشتباه آن را «لسان العصافیر» می داند. - و گویند ریشه درختی هندی است که نام یونانی آن «دارکیسه» است، دیسکورید نیز آن را به نام «ماقر» معرفی کرده و آن را پوست درختی می داند که از یونان آورده می شود.<sup>۱۰</sup> «صاحب منهای» گوید ورق «رسون هندی» است و آن قشوری هندی بود، صاحب جامع اقوال بسیار آورده است اول گفته «بسباسه» است و دیگر قول «ابن جلجل» را آورده است که «لسان العصافیر» است و دیگری گفته که «عرق»<sup>(۱)</sup> «شجره هندی» است و یا گویند «عرق درخت توت» که کرم ابریشم برگ آن را می خورد، و همه خلافت و قول مجوسی را آورده است که «ورق زیتون هندی» است و این موافق با منهای است و صاحب منهای «صاحب جامع» بیان نکرده اند که آن چیست. مولف گوید: «پوست بیخ زیتون هندی» است و همه این قول ها خلافت.<sup>۱۱</sup>

ماقر (*Makir*): نام «بسباسه» است و اهل شام به آن «دارکیسه» گویند.<sup>۱۲</sup> ابن بیطار در کتاب جامع خود بیان می کند این نامگذاری ها سبب اختلاف زیادی بین دانشمندان قدیم شده است، برخی آن را معادل «بسباسه» و عده ای نیز آن را همان گیاه «طالسفر» می دانند.<sup>۱۳</sup> [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۸۲]

<i>Taxus Baccata L.</i>	طالیسفر	دیسکورید
<i>Flacourita cataphracta Willd.</i>	طالیسفر	زر - طبا.
<i>Taxus Baccata L.</i>		
<i>Myristica fragrans Houff.</i>	طالیسفر	خطابی

۱۲۰۶ - طباشیر<sup>۱</sup>، طباشیر<sup>۲</sup>، طباشیر<sup>۳</sup>، طباشیر<sup>۴</sup>، طباشیر<sup>۵</sup>، طباشیر<sup>۶</sup>؛ مواد مشابه گره که از نوعی «نی» به نام هندی «توله بانس» خارج می شود.<sup>۷</sup> نام های دیگر آن: هندی: بنس لوجن<sup>۸</sup>، بنس روجن<sup>۹</sup>، توشیر<sup>۱۰</sup>، تباکیر<sup>۱۱</sup> نام های طباشیر هندی به سریانی «قمحادرزی»<sup>۱۲</sup>، «طبشیر»<sup>۱۳</sup> و «طواخشیر» است.<sup>۱۴</sup>

<i>Bambusa arundinacea willd.</i>	طباشیر	زر - طبا.
<i>Arundo bambos L.</i>	طباشیر	پارسا

۱۲۰۷ - طباق<sup>۱</sup>، طباق<sup>۲</sup>، طباق<sup>۳</sup>، شوکه مینته<sup>۴</sup>، شوکه منفته<sup>۵</sup>، شجرة البراغیث<sup>۶</sup>، شجرة البراغیث<sup>۷</sup>، ترهلان<sup>۸</sup> (نامی بربری): نام های دیگر آن: یونانی: قونیزا<sup>۹</sup>، قوئیرا<sup>۱۰</sup> - عربی: طباق<sup>۱۱</sup> - عامه مردم اندلس: طباقه<sup>۱۲</sup> - بربری: ترهلان<sup>۱۳</sup>، ترهلا<sup>۱۴</sup> - فارسی: اسپرغم بیابانی<sup>۱۵</sup> - چند نوع است: نوع بزرگ آن «طباشیر متن»<sup>۱۶</sup>، یا «شجر البراغیث»<sup>۱۷</sup> است زیرا گستراندن برگ های آن حشرات موزی و براغیث را دور می کند. اکثر پزشکان ما آن را بعنوان «غاف» مورد استفاده قرار می دهند بدلیل اینکه «غاف» واقعی را نمی شناسند.<sup>۱۸</sup> بعضی گویند غیر «غافت» است اما قول بیشتر آنست که «غافت» است.<sup>۱۹</sup> «دیسکورید» می گوید: نوعی از این گیاه را «قونیزا الأصغر» می نامند.<sup>۲۰</sup> [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۶: به «شجر البراغیث» و «قونیزا» رجوع شود.]

<i>Inula conyzoides</i> DC.	قونیزا، ترهلا - مشکینہ - لباردہ طباق - شجرة البراغیث - برنوف	دیسکورید
<i>Inula viscosa</i> Ait.	طَبَّاق، طَيُون، راسن دَبَق طباق - شجرة البراغیث - برنوف	الموسوعه

۱۲۰۸ - طبرزد<sup>۴</sup>: (نامی فارسی) نام دیگر آن: تبرزد<sup>۵</sup>

۱۲۰۹ - طبق: نوعی گندم

۱۲۱۰ - طُحْلُبْ؛ طَحْلَبٌ، طُخْلِبٌ، طُحْلُبٌ، طُطْلَبٌ، خَرُو الضَّفَادِعُ، كَتَّانَ الْبَحْرِ، كَتَّانَ الْمَاءِ<sup>ش</sup>: نام گیاهی آبرزی - نام‌های دیگر آن: عدس الماء<sup>-</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: برواونثلاسیون<sup>-</sup> فارسی: جامه خواب دارای چند نوع است: نام نوعی: خراز الماء؛ طحلبل لیفی<sup>۱</sup> - نوع گرد و جدا از هم - نام نوعی: غزل الماء؛ نوع چسبیده به هم و ریشه مانند - نام نوعی: خرور الضفادع<sup>۲</sup>; نوع متراکم "دیسکورید"<sup>۳</sup> «طحلب» را در دو نوع «طحلب نهري» و «طحلب بحری» نامبرده است.<sup>۴</sup> - دارای سه نوع نهري و بحری و صخری است، به نوع صخری آن «حرز»<sup>(۵)</sup>

(گلکسنگ) گویند.<sup>۶</sup> آشبیلی می‌گوید: دارای انواع بسیاری است : ۱- صوف البحر : اشبتیه ، عکرشه ۲- بحری: برون ۳- ضریع ۴- عدس الماء معروف به ثور ۵- ارجاله<sup>ش</sup>

بُرون تالاسیون (*Bruon thalassion*): نام «طَحْلَبُ البحرى» است و دارای انواع فراوانی است.

فوقس البحرى (*Phukos thalassion*): نوعى «طحلب» است. [ابن بطار (در شرح كتاب ديسكوريد) ۴ - ۹۰]

<i>Lemna minor</i> L.	طحلب - عدس الماء	ز، خ، ط...، EN
<i>Corallina officinalis</i> L.	برون ثلاثيون - طحلب بحري	ديسكوريد
<i>Gnaphallium leontopodium</i> L.	فوقس البحري - نوعي طحلب	ديسكوريد
<i>Moss</i> (E)	طُحْلَب، طُحْلَب، طُحْلَب	الموسوعه

۱۲۱۱ - طثیه ش:

۱۲۱۲ - طَخْمَاءٌ، طَخْمَاءٌ: نام دیگر آن به سجزی: روی<sup>ص</sup> - در بعضی تفسیرها: نجیل<sup>ش</sup> - ابو عمرو: هُرم

<i>Cynodon dactylon Pers.</i>	طحماء	زرياب
<i>Conium maculatum L.</i>	شوكران، طخماء، پښيس	الموسوعه

۱۲۱۳ - طخس<sup>ع</sup>: چوبی است که در اندلس از «قسی» گرفته می‌شود. و گروهی نام آن را «سمیلقس» پنداشته اند که درست نیست و گروهی آن را «مزان» می‌دانند و گویند نام «شَوْحَط» است.<sup>ع</sup>

۱۲۱۴ - طَخْشِیقون، طَخْشِیقون<sup>۴</sup>، طَحْسیفیون<sup>۵</sup>: نام‌های دیگر آن: طَفْسیقون<sup>۶</sup> - طَفْشِیقون<sup>۷</sup>، به معنای قوسی<sup>۸</sup> زیرا اهل ارمن پیکان را به وی زهر آلود می‌کنند و در جنگ‌ها به کار می‌برند.

<i>Taraxacum dens-leonis</i> DC. <i>Taraxacum officinalis</i> Will. <i>Taraxacum vulgare</i> Shramk <i>Leontodon taraxacum</i> L.	هِنْدَب، طَرَخْشَقُوق	الموسوعة
--	-----------------------	----------

۱- واژه صحیح آن «خزاز» است و به معنای خزر الصحور از گیاهانی است که امروزه به آن «گل‌سنگ» گویند.

طباطبائی	طَرَحْشَقُوق	<i>Taraxacum officinalis Will.</i>
----------	--------------	------------------------------------

۱۲۱۵ - طرائیث<sup>س</sup>، طرائیث<sup>ج</sup>، طرائیث<sup>ع</sup>، طرائیث<sup>ث</sup>، طرائیث<sup>ش</sup>؛ از جنس کَمَاة و فُطَر - بنا به نظر عده ای عصاره گیاهان دیگر است.<sup>س</sup> -- «طرائیث» اسم جمع و «طرثوث» مفرد آن است و جنسی از «کَمَاة» و «فُطَر» است که بدون ریشه و بذر می روید.<sup>ث</sup> - نام های دیگر آن: سَجِسْتَان: رُطُط<sup>س</sup> - اصحاب السوائِم: هیوز<sup>س</sup>، خیوز<sup>س</sup> - شیراز: یل شیرین<sup>س</sup> - طرثوث<sup>س</sup> - قیسارون<sup>س</sup> «اشبیلی» می گوید: دارای انواع مختلف است: ۱ - طرثوث: زَب رباح، فُشال، لَحیة التیس ۲ - طرثوث ابیض: دُونُون ۳ - قسطیس: قسطیس، جَمَرَة الارض، جَلَنار بری ۴ - فُشال: تومرنا، قسطیس، زَب رباح<sup>ش</sup>

أُورُوبَنْجِی (*Orobanch*): نوعی «طرائیث» با برگردان عربی «خائق الکرسنة» است و در بعضی از ترجمه به آن «جَعْفیل» گویند و اهالی مصر آن را بعنوان «هالوک» می شناسند چراکه هر گاه بین گیاهان مزرعه روئیده شود موجب از بین رفتن آنها می شود. [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۶۶]

ز. - خ. - ط.	طرائیث	<i>Cynomorium coccineum L.</i>
دیسکورید	نوعی طرائیث، خائق الکرسنه، جَعْفیل، هالوک	<i>Orobanche caryophyllacea SM.</i>
الموسوعة	طرثوث، مَصْرور، زَب الأرض، أبر الخَبْش، أبر الذنب	<i>Cynomorium coccineum L.</i>
الموسوعة	طرثوث أحمر، هالوک شرقی	<i>Phelypaea coccinea Poir.</i>
الموسوعة	طرثوث مصری، هالوک ریخی	<i>Phelypaea egyptiaca Walp.</i>

۱۲۱۶ - طَرَّاشَنَه<sup>ث</sup>، طَرَّاشَنَه<sup>ع</sup>، طَرَّاشَنَه<sup>س</sup>: نام های دیگر آن: جَعْفَرِیَه<sup>ث</sup>، عَشْبَة العَجُول<sup>ث</sup>، یعنی بهبود دهنده سفیدی چشم

پارسا	گل جعفری	<i>Tagetes erecta L.</i>
-------	----------	--------------------------

۱۲۱۷ - طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>: به معنای قوسی و نام دیگر آن «قوسی» است.<sup>ث</sup>

۱۲۱۸ - طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>، طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>: نام های دیگر آن: «رازی» می گوید: نام های دیگر آن «قوسی» و «مُتَلَّث» است.<sup>ث</sup> «اشبیلی» می گوید: برخی آن را به اشتباه «لَحیة التیس» و برخی آن را «ذَکَر الهَر» می دانند.<sup>ث</sup>

۱۲۱۹ - طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>: نوعی از حبوب - برخی آن را «طرامیش» و عده ای «سَلت» و گروهی «خندروس» و بعضی «دوسر» می دانند که صحیح است.<sup>ث</sup>

۱۲۲۰ - طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>: سقریبون<sup>ث</sup>.

۱۲۲۱ - طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>: نام های دیگر آن: طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>، سَقُونِیوس<sup>ث</sup>

طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup> (*Tragion*): برگردان عربی آن «تِسی» است و بنا به نقل «ابن جَلجل» نوعی درخت «مصطکی» است ولی من - ابن بطار - از آن اطلاعی ندارم.

طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>: نوعی از گیاه قبلای است که در جزیره افریطش می روید.

طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>: گویند «حُمَاص بحری» است ولی من - ابن بطار - از آن اطلاعی ندارم. [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۴۴ و ۴۵ و ۴۶]

دیسکورید	طَرَّاعْثُون - تِسی	<i>Hypericum hircinum L.</i>
دیسکورید	طَرَّاعْثُون	<i>Tragium columnae Spreng.</i>
دیسکورید	طَرَّاعْثُون	<i>Ephedra distachya L.</i>

۱۲۲۲ - طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>، طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>، طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>، طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>: نامی یونانی به معنای مشابه «بیش» و دارای دو نوع است.<sup>ث</sup>

<i>Hypericum hircinum</i> L.	طراغيون	زرياب
<i>Pimpinella trgium</i> Vill.		
<i>Androsacinum hircinum</i> Spach.		

۱۲۲۳ - طراغیون آخر<sup>۷</sup>: نام‌های دیگر آن در کتاب دیسکورید: سقریون<sup>۸</sup>، طراغین<sup>۹</sup>

۱۲۲۴ - طرأه ش:

۱۲۲۵ - طَزَح النواتية<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: کاشم الصغیر<sup>ش</sup>

[illegible]

<i>Artemisia dracunculus</i> L.	طرخون	ز،ال،پ،ط،ع.
---------------------------------	-------	-------------

۱۲۲۷ - طَرْفَا، طرفاء، طرفاء، طرف، طرفه، کزماج<sup>س</sup> (نام میوه)، جزمارج<sup>ب</sup>، طَرَفَه: نام‌های دیگر آن: فارسی: گز<sup>ز</sup> - هندی: چهار، برواه<sup>س</sup> - رومی: موریکا<sup>ا</sup> - سریانی: عرا<sup>ا</sup> - یونانی: اریقابوشا<sup>ا</sup>، مورشقی<sup>ا</sup> - فارسی: طنجهین (ترنجبین)<sup>ع</sup> - غسانی<sup>ی</sup> می‌گوید: دارای دو نوع بری و بستانی است به نوع بستانی «أثل» و به بری «طرفه» گویند و گیاه معروفی است.<sup>ع</sup> - «فلاحه» می‌گوید: «طرفاء» سه نوع است نوعی از آن «کزمازک» است.<sup>ع</sup> «عقیلی» می‌گوید: دارای چهار نوع است: نام‌های نوع اول: بزرگ: اثل<sup>ل</sup> - میوه: عذبه<sup>ب</sup> - به هندی: نتهی مائی<sup>ل</sup>؛ درخت سال<sup>ل</sup> - نام نوع دوم: .... نام نوع سوم: هندی: بری مائی<sup>ل</sup> - نام نوع چهارم: ... زین الدین<sup>ن</sup> می‌گوید: دارای انواعی است یک نوع «کزمارج» خوانند و آن «اثل» است و «حب الاثل» گویند و «ثمرة الطوفان» خوانند.<sup>ث</sup> «اشبیلی» می‌گوید: «طرفاء» از جنس هدبات و نوعی درخت بزرگ و خاردار است دارای پنج نوع بستانی و بری است، انواع بستانی را «أثل» و بری را «طرفاء» گویند، نام‌های دیگر «طرفاء» عبارتست از: موریکا - طمرشکه - تاممشت - اثاب - اثل - خَمَر - مَزْخَة - نُضار - به تعبیری دیگر نوعی طرفاء «اثل» است و سایر نام‌های آن عبارتست از: اقاقلیس - خرمازق - طمرشکه - خوفان - خومان - جرمان- اثاب

موریقی (Murike): شجرة الطرفاء [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۸۹]

<i>Tamarix tetrandra</i> Guebh.	سیاه کز	پارسا
<i>Tamarix gallica</i> L.	طرفاء	طبّا. - خطّا.
<i>Tamarix gallica</i> L.	موریقی - شجرة الطرفاء	دیسکورید
<i>Tamarix pentandra</i> Pall. <i>Tamarix tetrandra</i> Guebh. <i>Tamarix articulata</i> Vahi.	کزمازج	پارسا
<i>Tamarix</i> sp.	أثل، طرفاء	الموسوعه
<i>Tamarix</i> sp.	طرفاء	EN.

۱۲۲۸ - طَرْفَرِیْدُسُ: (نامی یونانی) نام دیگر آن: عشبہ کثیرالاعصان'

۱۲۲۹ - طَرْفُولُسْ: (نامی یونانی)

۱۲۳۰ - طَرْنَة: نام دیگر آن به عربی: بساط الغول<sup>ع</sup>

الموسوعة	بَطْبَاط، جُنْجُر، طَرْنَة، شَبَط الغول	<i>Polygonum avicularee L.</i>
----------	---	--------------------------------

۱۲۳۱ - طریخومانس<sup>ث</sup>: همراه کریمه البئر می‌روید و دارای همان خواص است.

۱۲۳۲ - طَرِيفْلُنْ، طَرِيفْلَنْ، طَرِيفْلَنْ، طَرِيفْلَنْ (نامی یونانی)، حرمانه<sup>ث</sup>: به معنای ذو ثلاثة اوراق<sup>ث</sup> نام های دیگر آن: سریانی: طَرِيفْلَنْ - اسواس<sup>ث</sup> - اسفلیطس<sup>ث</sup> - اکسوفیلن<sup>ث</sup> - جدّة حَزَانْ<sup>ث</sup> - "ابن یبطار" می‌گوید: نام مشترکی بین چند گیاه است که به «حندقوقا» و یکی از انواع «خُصَى الثعلب» و «حومانة» گفته می‌شود.<sup>ع</sup> "اشبیلی" می‌گوید این نام به انواع گیاهان یکساله و بیشتر انواع «خُصَى الثعلب» و نوعی «الطورنه شول»<sup>(۱)</sup> گفته می‌شود. و همچنین گیاهانی را که دارای سه برگ از یک رگبرگ اصلی هستند نیز شامل می‌شود.<sup>ث</sup>

طَرِيفْلُنْ (*Tiphullon*): عامه گیاهشناسان اندلس به آن «طریفل» گویند و اهالی آفریقا آن را «حشیشه الحُمَى» و «حومانة» می‌نامند. [ابن یبطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۰۴]

زر. - طبّا.	طَرِيفْلَنْ	<i>Psoralea bituminosa L.</i>
دیسکورید	طَرِيفْلَنْ - طَرِيفْل - حشیشه الحمی	<i>Psoralea bituminosa L.</i>
EN.	طَرِيفْلَنْ	<i>Trifolium sp.</i>

۱۲۳۳ - طَرِيفُولِیونْ، طَرِيفُولِیونْ: نامی یونانی به معنای «ذو ثلاثة عناقید» (سه خوشه ای)؛ برخی آن را «ترید» دانسته‌اند که چنین نیست.<sup>ع</sup>

طَرِيفُولِیونْ (*Tripolion*): ابن وافد آن را نامی برای «تَرِيد» می‌داند. [ابن یبطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۰۱]

زریاب	طَرِيفُولِیونْ	<i>Aster tripolium L.</i>
EN.	طَرِيفُولِیونْ	<i>Plumbago europaea L.</i>

۱۲۳۴ - طَلَاء: گویند نوعی «قطران» است.<sup>ع</sup>

۱۲۳۵ - طَلَحْ، طَلَحْ، طَلَحْ، طَلَحْ: ؟ برخی آن را «موز» و برخی «ام غیلان» دانسته‌اند.<sup>ث</sup> - "خلیل بن احمد" می‌گوید: منظور از «طلح» در قرآن «موز» است.<sup>ع</sup>

طباطبائی	موز	<i>Musa sepintum</i> <i>Musa paradisiaca</i>
----------	-----	---

۱۲۳۶ - طمره<sup>ع</sup>: نام دیگر آن در کتاب رازی: خروع<sup>ع</sup>

الموسوعة	خروع	<i>Ricinus communis L.</i>
----------	------	----------------------------

۱۲۳۷ - طَهْطَف: می‌گویند نام «دُرّه» است و گویند نام غذایی است که از آن تهیه می‌شود.<sup>ع</sup>

الموسوعه	طَهْف	<i>Milium nigricans Ruis.</i>
----------	-------	-------------------------------

۱۲۳۸ - طَوَارَة<sup>ع</sup>: گویند نوعی «یش» است.<sup>ع</sup>

الموسوعه	اتله سوداء، جدوار اندلسی، طَوَارَه	<i>Aconitum anthora L.</i>
----------	------------------------------------	----------------------------

۱۲۳۹ - طوبه<sup>ع</sup>: (نامی عجمی) نام دیگر آن: نزد عرب: أَشْتَر<sup>ع</sup>

الموسوعه	أقسون، رأس الشيخ، شکاعی، طَوْنَة، فَص الحمار	<i>Onopordon acanthium</i>
----------	--	----------------------------

۱۲۴۰ - طورنه شول<sup>(۱)</sup>: به گیاهانی گفته می‌شود که حرکت خورشید موجب چرخش آن‌ها می‌شود که سه نوع از این گیاهان عبارتند از: ۱ - ایلوپتروبیون با نام‌های: ایلوپتروبیون طومقرون، شحیره، تنوم، بروقیا (یعنی مفید برای دانه‌ها یا ثالیلی به نام بروقه)، عشبۃ الثالیل، عابده الشمس، مائله، ترتلی، رعی الشواھین، کوکب الارض ۲ - نوع نر آن با نام‌های: ایلوپتروبیون طوماغا، سقریون یعنی ذنب العقرب ۲ - نوع دیگر از نر آن با نام‌های: سقرابیدداس، سقریون یعنی مشابه دم عقرب ۴ - گیاهی معروف به ابی ان یموت ۵ - گیاهی ابزی با نام: طرافلون ۶ - گیاهی به نام قلنبارس یا قلنبره که گاهی به آن رعی الحمام نیز می‌گویند. (هرچند این نام گیاه دیگری از انواع طراشنه است).<sup>ش</sup>

۱۲۴۱ - طورنه لیته<sup>(۲)</sup>: دامداران بخور این گیاه را برای زیاد شدن شیر گوسفندان خود استفاده می‌کنند از اینرو به آن «ابیره» یعنی شیر گویند.<sup>ش</sup>

۱۲۴۲ - طورنه مریطه<sup>(۳)</sup>، طَفَّیرَه<sup>ش</sup>: گیاهی است که به نظر عوام در سحر از آن استفاده می‌شود و به آن «نبات سحری» گفته می‌شود و زنان می‌پندارند با استفاده این گیاه هنگام ترک شوهر نشان موجب مراجعت آنان می‌شود. (شاید موجب مهر شوهر نشان شود). و دارای دو نوع است: ۱ - نوعی «لفت بری» معروف به «اشبرون» - که از گیاهان مربوط به سحر و جادو است. ۲ - نوعی خزاز الصخر (گل‌سنگ یا خزه) که بر روی سنگ‌ها بوجود می‌آید.<sup>ش</sup>

۱۲۴۳ - طَوْرَه نام دیگر آن: طیثومالس<sup>ش</sup>، الطانه - نام نوع دیگر آن: درغل - بوذافان<sup>ش</sup>

۱۲۴۴ - طوقریوس<sup>ع</sup>، طوقریوس<sup>ش</sup>، طوقریوس<sup>ش</sup>: نوعی حی العالم نام دیگر آن یزبه اشبیلی است.<sup>ش</sup> - نام نوعی «کمداریوس النعنعی» است که اهالی اندلس به آن «شویعه» گویند و به لاتینی «یزبه آسلی» به معنای «عشبۃ الطحال» است.<sup>ع</sup>

الموسوعه	طوقزیون، طیوقزیون	<i>Teucrium sp.</i>
----------	-------------------	---------------------

۱۲۴۵ - طوله<sup>ع</sup>، طوله<sup>ش</sup>: نوعی کلخ و از ذوات الجُهم است. نام‌های دیگر آن: سفندولیون - قریطیقوس - انثار - بغصران - ترتیق - کاشم - یغفر - فیطل - ارتکا - الطفرا - طفیر - بعضی از مترجمان: کتون الابيض<sup>ش</sup> گویند نام «فیطل» است و بنا به گفته برخی مترجمان نام «طی» با نام یونانی «سفندولیون» است.<sup>ع</sup>

۱۲۴۶ - طَیْرَانَه<sup>ش</sup>، طیرنه<sup>(۴)</sup>: نام‌های دیگر آن: طشیر<sup>ش</sup>، طشور<sup>ش</sup> - اللقامن<sup>ش</sup>

۱۲۴۷ - طیطان<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: کراث بری<sup>ع</sup>

۱۲۴۸ - طیفی<sup>ع</sup>: دادی<sup>ع</sup>

طیفی (Tuphe): نوعی «حَلَفَاء» معروف [این عبارت (در ترجمه دیسکورد) ۳ - ۱۱۲]

دیسکورید	طیفی	<i>Typha latifolia L.</i>
----------	------	---------------------------

۱۲۴۹ - طیلانیون<sup>ع</sup>:





<i>Anacyclus pyrethrum DC.</i> <i>Anthemis pyrethrum L.</i>	عاققرحا	ز، پ، خ، ط.
<i>Anacyclus pyrethrum DC.</i>	عاقِر قَرَحَا، عود القرح	الموسوعة
<i>Anacyclus pyrethrum DC.</i>	Sanskrit: Akara-karava - Hendia & Bengal & Bombay: Akarakara - Madras: Akkirakaram	GLO.IN.

۱۲۶۰ - عاقول: نام دیگر آن: شوكة الجمال<sup>۱</sup>

<i>Alhagi mannifera Desv.</i> <i>Alhagi maurorum</i>	عاقول، حاج، زَنْجَبِيل الْعَجَم، أَشْتَرخار	الموسوعة
---	---	----------

۱۲۶۱ - عِبَّ، عِبَب: نام‌های دیگر آن: قاهره: كَاكُنْج<sup>۲</sup> - حب اللهو<sup>(۱)</sup> - میوه کاکنج<sup>۳</sup>  
 ۱۲۶۲ - عَبْهَر، عِبْهَر، نرجس: نام‌های دیگر آن: نرجس<sup>۴</sup> - عَبْهَر<sup>۵</sup> - اهالی شام: شجر اللُّبْنی<sup>۶</sup> - شجر الأَصْطَرَك<sup>۷</sup> -  
 شجرة النبی (ص)، اصطرک؟

<i>Narcissus tazetta L.</i> <i>Narcissus poeticus L.</i>	نرجس - عِبْهَر	زریاب
<i>Leucoium sp.</i>	عِبْهَر	الموسوعة

۱۲۶۳ - عَبْثَرَان، عبوثران، عَبْثَرَان: نام‌های دیگر آن: عبوثران - هندی: دانه، داونه مروا، شجره مریم، بخور مریم<sup>۸</sup>

<i>Artemisia judaica</i> <i>Alhagi maurorum</i>	شیخ اليهودية، شَيْحَان، عَبْثَرَان، عبوثران، بُخْتَرَان	الموسوعة
--	---	----------

۱۲۶۴ - عُمَم، عُمَم<sup>(۲)</sup>، عَمَم، زَغْبِج<sup>۹</sup>: نام‌های دیگر آن: زیتون الجبلی، زیتون کوهی<sup>۱۰</sup> - میوه: زَبُوج<sup>۱۱</sup> - یونانی: فیلورا<sup>۱۲</sup>  
 فیلورا (Philura): ابن ولفد - رحمه الله - بر این گمان است که آن نام «شجر المَحَلَب» است و ابن حَسَّان آن را «شجرة العُثم»  
 که دانه ای به نام «زَغْبِج» دارد می داند ولی هر دو نظر خالی از اشکال نیست. [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۹۸ و ۱۰۷]

<i>Olea oleaster L.</i> <i>Phillyrea latifolia L.</i>	عتم	زریاب
<i>Phillyrea latifolia L.</i>	فیلورا	دیسکورید
<i>Olea oleaster L.</i>	الْأَغْرِيَا - زیتون بری - عتم - زغبج	دیسکورید

۱۲۶۵ - عُمَرَب<sup>(۳)</sup>: گروهی به آنرا نام «سَمَّان» دانسته‌اند.<sup>۱۳</sup>  
 ۱۲۶۶ - عَعَق، عَعَق، عَعَق: نام‌های دیگر آن: عثر<sup>۱۴</sup>

۱- الموسوعة: «عِب» در کتاب لسان به دانه «کاکنج» و «عنب الثعلب» و «شجرة الرءاء» گفته شده و از نظر ابوحنیفه نام درختی از انواع «افلات» است.

۲- به زیتون رجوع شود.

۳- الموسوعة: ابوحنیفه: درختی در اندازه مشابه درخت «نار» و با برگی قرمز مشابه «ترشک» ابتدا بر روی آن ترق علیه بطون الماشیة؟ و سپس گوستی بر آن بسته می‌شود و دارای خوشه‌های قرمز رنگ است و دانه‌ای چون دانه «ترشک» دارد.

<i>Buxus sempervirens L.</i>	عش، عثر	زریاب
<i>Buxus sempervirens L.</i>	عش، بَس دائم الخضره، شمشاد أخضر، شمشیر	الموسوعه

۱۲۶۷ - عجمه<sup>۱</sup>: "ابن بیطار" می گوید: بنا به نظر "غافقی" گیاهی است با نام بربری «تاغیغشت» و با نام «قولیة»، ولی هنگام بررسی آن، مشخصات گیاه «مستعجلة» را ذکر می کند و از منافع «قولیة» غافل می شود البته او در اینجا اشتباه کرده زیرا «قولیة» گیاهی با نام یونانی «سپروثیون» است و آن غیر از «مستعجلة» است.<sup>۲</sup>

۱۲۶۸ - عدس<sup>۱</sup>، بلسن<sup>۲</sup>، عدس<sup>۳</sup>، بلسن<sup>۴</sup>، عدس<sup>۵</sup>، بلسن<sup>۶</sup>، عدس<sup>۷</sup>، بلسن<sup>۸</sup>: نام های دیگر آن: عدس<sup>۹</sup> - یمن: ملس<sup>۱۰</sup> - فارسی: نشک<sup>۱۱</sup>، مرجومک<sup>۱۲</sup>، نرسک<sup>۱۳</sup> - هندی: مسور<sup>۱۴</sup> - نام های نوع بستانی آن: شوخدانه<sup>۱۵</sup> - بنگالی: اکری<sup>۱۶</sup> - رومی: فکی<sup>۱۷</sup> - مکه: بلسن<sup>۱۸</sup> - سجزی: شیر<sup>۱۹</sup>، علس<sup>۲۰</sup>، بلسن<sup>۲۱</sup>

فاقوس (*Phakos*): عدس المأكول (عدس خوراکی) - عربی: بلسن [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورد) ۲ - ۹۹]

<i>Lens esculenta Mo.</i>	عدس	ز،خ،ال،پ.
<i>Lens culinaris Medic.</i>	بلسن، عدس	طباطبائی

۱۲۶۹ - عدس الماء<sup>۱</sup>، عدس الماء<sup>۲</sup>: نام دیگر آن: طحلب<sup>۳</sup> - «صاحب منهاج» گوید «برسیاوشان» است و صاحب جامع گوید «طحلب» است.<sup>۴</sup>

<i>Lemna sp.</i>	عدس الماء	الموسوعة
------------------	-----------	----------

۱۲۷۰ - عدس المَر: نام های دیگر آن: یونانی: سفارغانیون<sup>۱</sup> - سوسن بری<sup>۲</sup>

<i>Hedysarum sp.</i>	أیدصارون، فأس، عدس مَر	الموسوعة
----------------------	------------------------	----------

۱۲۷۱ - عدس نبطي<sup>۱</sup>:

۱۲۷۲ - عُدَيْسَة<sup>(۱)</sup>: نام های دیگر آن: اندلس: مروشة<sup>۲</sup> - مزودة<sup>۳</sup>

۱۲۷۳ - عُدْبَة<sup>۴</sup>: (نامی مصری) نام میوه «أثل» است.<sup>۵</sup>

۱۲۷۴ - عرصف<sup>۱</sup>: گویند نام «کمافیطوس» است.<sup>۲</sup>

<i>Ajuga sp.</i>	عَرَصَف	الموسوعة
<i>Ajuga chamaepitys L.</i>	کمافیطوس، عَرَصَف صَنوبری	الموسوعة

۱۲۷۵ - عَرَصَم<sup>۱</sup>، عرصم<sup>۲</sup>: نامی یمنی است. نام های دیگر آن: باذنجان بری<sup>۳</sup> - حَقَق<sup>۴</sup>

<i>Streptosolen sp.</i>	عَرَصَم	الموسوعة
-------------------------	---------	----------

۱۲۷۶ - عرطنیة<sup>۱</sup>، عرطنیة<sup>۲</sup>: به «بخور مریم» و همچنین به گیاهی در شام با نام «مهد» که در ساحل غزه می روید، گویند و برخی آن را «علج» می نامند و نزد اهالی مشرق به «قلبی» معروف است و با آن لباس های پشمی خود را می شویند.<sup>۳</sup>

الموسوعه	عَرَطَيْثَا، سَكَّع، بخورمریم، زَهْرَالمسیح، وَكْف، خُبْزَالمشایخ، بَقْلَامْس، رَكْفَه	<i>Cyclamen spp.</i>
طباطبائی	عَرَطَيْثَا	<i>Cyclamen spp.</i>

۱۲۷۷ - عَرَعَر، عَرَعَر، عَرَعَر، عَرَعَر، حب العرعر، طرفاء الهندی: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: فارسی: سرو کوهی، اُبرس - شیرازی: وهل - سریانی: سروبیاجبلا - رومی: قرونوس - یونانی: ثمارون، اروس، سرونمارون - بربری: طاگائا  
 اَرَقُوش (Arkeuthos: عَرَعَر [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۷۵]

دی. - خط.	عرعر	<i>Juniperus communis L.</i>
الموسوعه	شیزی، عرعر	<i>Juniperus sp.</i>
طباطبائی	عرعر	<i>Juniperus oxycedrus</i>
EN.	عرعر	<i>Juniperus vulgaris</i>

۱۲۷۸ - عرف: نام‌های دیگر آن: نزدیک اهل مغرب: خوص و دوم  
 ۱۲۷۹ - عرفج بری: نام دیگر آن: عمون  
 ۱۲۸۰ - عَرَفُط:

زریاب	عرفط	<i>Mimosa oerfota Fork.</i> <i>Acacia oerfota (Forsk.) Sch.</i>
الموسوعه	عَرَفُط	<i>Acacia oerfota (Forsk.) Sch.</i>

۱۲۸۱ - عَرَفُصَاء: گروهی آن را گیاهی که در اندلس به نام «یربطوره» است می‌دانند ولی ابو حنیفه آن را «حَدَقُوقی» می‌داند.  
 ۱۲۸۲ - عروق الصبغین، عروق الصبغین: نام‌های دیگر آن: بقلة الخطاطیف، فوه الصبغین، یا عروق الصفرة. نام گیاه در کتاب دیسکورید: خالیدونیون طوماغا دارای دو نوع است، نوع بزرگ آن به فارسی «زردجوبه» و به عربی «هَرْد» نام دارد برخی پنداشته‌اند «کَرُکُم الصغیر» است و یا گمان کرده‌اند نام «مامیران» است.<sup>۷</sup>

الموسوعه	عروق الصبغین، عروق الصفرة، بقلة الخطاطیف، میران	<i>Chelidonium majus</i>
----------	---	--------------------------

۱۲۸۳ - عروق الصفرة، عروق الصفرة، عروق الصفرة، عروق الصفرة، خالیدونیون، بقلة الخطاطیف، شجرة الخطاطیف، بقلة الخطاطیف: نام‌های دیگر آن: زرجوبک - عروق الزعفران، حشیشه الصفرا، عروق الصبغین - عربی: بردرده، بقلة الخطاطیف - یونانی: خالیدونیون، خلدانیون، طوماغا - رومی: کالیدونیون - فارسی: زرجوبه، زردجوبه - هندی: هلدی - روالحطافی - دو نوع دارد نام نوع کوچک آن «مامیران» است.<sup>۸</sup> خالیدونیون طوماغا (*Khelidonium to mega*): گویند نام «کَرُکُم» است ولی این صحیح به نظر نمی‌رسد و «طوماغا» به معنای بزرگ است و برگردان این نام به عربی «دواء الخطاطیف» است.  
 خالیدونیون طومقرن (*K. to mikron*): گویند نام «مامیران» است ولی این صحیح به نظر نمی‌رسد. [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۶۲ و ۱۶۳]

دیسکورید	خالیدونیون	<i>Chelidonium majus L.</i>
----------	------------	-----------------------------

<i>Chelidonium majus L.</i>	خالدونیون - زرجوبک	زریاب
<i>Curcuma longa</i>	عروق الصفر	طباطبانی

- ۱۲۸۴ - عریز الکبیر یا عزیر الکبیر: نام‌های دیگر آن: قنطوریون غلیظ<sup>۲</sup>  
 ۱۲۸۵ - عریز الصغیر یا عزیر الصغیر: نام‌های دیگر آن: قنطوریون دقیق<sup>۳</sup>  
 ۱۲۸۶ - عَشْبَةُ السَّبَاعِ<sup>۴</sup>:

<i>Daphne tartonrarira L.</i> <i>Thymelaea tartonraira Endl.</i>	کَرْد، عَشْبَةُ السَّبْع، دَفْنَةُ قَاتِلَة	الموسوعة
---	---	----------

- ۱۲۸۷ - عَشْبَةُ مغریه<sup>۴</sup>: نامی برگرفته از وجه تسمیه آن زیرا ابتدا اهل مغرب از آن اطلاع یافتند و سپس در سایر شهرها شناخته شد. - نام‌های دیگر آن: مغرب: عَشْبَةُ النار (زیرا تند است) - هندی: رس - رومی: سرینه - فرنگی: اسفرینه<sup>۵</sup>

<i>Smilax sarsaparilla L.</i>	عشبه	پارسا
-------------------------------	------	-------

- ۱۲۸۸ - عَشْرٌ، عَشْرٌ، عَشْرٌ، عَشْرٌ، عَشْرٌ: درختی اعرابی - یمانی - و از یتوعاتست. و ثمر وی را «خریج» خوانند. نام‌های دیگر آن: عربی: عشار - یونانی: حجاجیوس<sup>۶</sup> - فارسی: خزل، درخت زهرناک - هندی: آک، اکون، مدارا - جالینوس: تی سمیل<sup>۷</sup> - دیودار<sup>۸</sup> - "احمد بن داود" می‌گوید: «عشر» از انواع «عِضَاه» است.<sup>۹</sup>

<i>Calotropis sp.</i> <i>Calotropis procera R.Br.</i>	عُشْر	الموسوعة
<i>Asclepias gigantea R.Br.</i> <i>Calotropis procera R.Br.</i>	عُشْر	زریاب
<i>Asclepias cynanchoides Humb.</i>	عُشْر	EN.

- ۱۲۸۹ - عَشْرَقٌ، عَشْرَقٌ، عَشْرَقٌ، عَشْرَقٌ: نام‌های دیگر آن: یونانی: قرحاً، مرفوران - اهل حجاز: سنای عریض‌الورق، سنامکی<sup>۱۰</sup> - سندی: قشوقی<sup>۱۱</sup>، قوال سریسی<sup>۱۲</sup> - بزرالمرو<sup>۱۳</sup>  
 قَرَقَا (*Kirkaia*): ابن حسان آن را با نام لاتینی «یُنْکَه» معرفی می‌کند و من - ابن بیطار - خود آن را دیده ام ولی به غیر از این نام، نام دیگری برای آن نمی‌شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۴]

<i>Circaea spp.</i>	قرقا - ینکه	دیسکورید
<i>Circaea lutetiana</i>	أبوسلام، عَشْرَق	الموسوعة
<i>Cassia obeovata Coll.</i> <i>Cassia sophera L.</i> <i>Circaea lutetiana L.</i>	عشرق - سنای مکی	زریاب
<i>Cassia tora L.</i> <i>Cassia sophera L.</i> <i>Circaea lutetiana L.</i>	عشرق	طباطبانی

۱۲۹۰ - عشق الصبیان<sup>۴</sup>، عشر الصبیان<sup>۴</sup>:

طباطبائی	عشر الصبیان	<i>Eryngium coeruleum</i> <i>Eryngium creticum</i> L.
----------	-------------	--

۱۲۹۱ - عَشَقَه: نام‌های دیگر آن: فارسی: اخفاک؛ تال شال<sup>۵</sup> - هندی: چاندریل<sup>۶</sup>

الموسوعه	عَشَقَه	<i>Hedera</i> sp.
----------	---------	-------------------

۱۲۹۲ - عَصْفَر<sup>۷</sup>، عَصْفَر<sup>۷</sup>، عَصْفَر<sup>۷</sup>، بهرم<sup>۸</sup>، مَرِيق<sup>۹</sup>، بهرمان<sup>۱۰</sup>، حب العصفَر<sup>۱۱</sup>، خریع<sup>۱۲</sup>، مریق<sup>۱۳</sup>، نقد<sup>۱۴</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: خسق<sup>۱۵</sup> - اصفهانی: گل کاوشه<sup>۱۶</sup>، رنگ زعفران<sup>۱۷</sup> - ابوحنیفه: عصفَر<sup>۱۸</sup> - هندی: کُسْب<sup>۱۹</sup>، بهرمان<sup>۲۰</sup>، ثوب مَبْهَرَم<sup>۲۱</sup> - خریع<sup>۲۲</sup>، بهرامج<sup>۲۳</sup> - همدان: کاجیره<sup>۲۴</sup> - سجزی: یَلَم<sup>۲۵</sup>، شَورَان<sup>۲۶</sup>، سُیُونک<sup>۲۷</sup> - اخریض<sup>۲۸</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: اطراقتولیس<sup>۲۹</sup> - بنا به قول حمزه: «بهرامه» نام گل آن و «هَسک» نام گیاه آن است و «قرطم هسک» و «هسک توم» نام دانه و نام دیگر آن «کافیشه» است.<sup>۳۰</sup> - نام دانه: قرطم<sup>۳۱</sup> - دارای دو نوع بری و بستانی است.<sup>۳۲</sup>

«عصفَر» معرب «هُسْكَفَر» است و آب آن «هسک آقه» که همان «عندم» است.<sup>۳۳</sup> صاحب مفرده گوید نوعی «حشرف» است که به زبان بربری به آن «بانقیب» گویند.<sup>۳۴</sup>

أَطْرَقُطُولُس (Atraktulis): نام «عُصْفَرُالْبَری» است و به لاتینی به آن «مَرْزُجُون» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۸۸]

دیسکورید	أَطْرَقُطُولُس - عصفَر البری - مرزجون	<i>Charthamus lanatus</i> L.
زر. - طبأ.	عصفَر	<i>Charthamus tinctorius</i> L.
پارسا	گل کافیشه - تخم کاجیره - قرطم	<i>Charthamus tinctorius</i> L.
الموسوعه	قُرْطُم الصَّبَاغین، تِرْبَاض، عُصْفَر	<i>Charthamus tinctorius</i> L.

۱۲۹۳ - عَصَصِ الرَّاعِی<sup>۳۵</sup>، عَصَا الرَّاعِی<sup>۳۶</sup>، عَصَا الرَّاعِی<sup>۳۷</sup> (نامی عربی)، بَطْبَاط<sup>۳۸</sup>، برشیان دار<sup>۳۹</sup>؟ دارای دو نوع نر و ماده است.<sup>۴۰</sup> - نام‌های دیگر آن: لاتینی: بسباث بلی کوئیم<sup>۴۱</sup> - بربری: رستنی نودیه<sup>۴۲</sup>، کوری زوله<sup>۴۳</sup> - عربی: عَصَا الرَّاعِی<sup>۴۴</sup> - یونانی: طباط<sup>۴۵</sup>، بلغوثیون برمندار<sup>۴۶</sup> - سریانی: شطبانی فلوعرین<sup>۴۷</sup>، باقریقی خنجر<sup>۴۸</sup>، حطری راعیا<sup>۴۹</sup> - فارسی: برشیان دارو<sup>۵۰</sup>، برسیاج دارو<sup>۵۱</sup>، برسیان دارو<sup>۵۲</sup>، هزار بندک<sup>۵۳</sup>، صَذِیوَنَد<sup>۵۴</sup>، وِیْ اِیْزَه<sup>۵۵</sup> - شیرازی: کسته<sup>۵۶</sup>، سرخ فرد<sup>۵۷</sup> - یزدی: سلم سرخ<sup>۵۸</sup> - هندی: لال ساک<sup>۵۹</sup>، راج کیری<sup>۶۰</sup>، عصای موسی<sup>۶۱</sup> - بستی: دیوزوان<sup>۶۲</sup> - بَطْبَاط<sup>۶۳</sup> - «غسانی» می‌گوید: دارای چهار نوع با شکل‌های مختلف و خواص مشابه است نام نوعی از آن در فاس «بوعقاد» است. نام نوع دوم آن - که نوع ماده آنست - «مزمار الراعی» و نوع سوم آن «اذناب الخیل» و نوع چهارم آن «اذن الوطاط» است.<sup>۶۴</sup>

بُلُوغُونُ (Polugonon arren) hyu: برگردان «اَرَن» به عربی «ذَکَر» (نر) است. نام گیاه «عَصَا الرَّاعِی» است و گویند به سریانی به آن «شَبَطَاط»، «خطری دَعِیَا» و «بَطْبَاط» گویند.

بُلُوغُونُ (Polugonon thelu): نوع دوم «عَصَا الرَّاعِی» با گره‌های بسیار «کثیر العُقَد» است.

فلوغوناتُن (Polugonaton): نامی است که جالینوس در مقاله هشتم به آن اشاره کرده است و ابن حسان نام لاتینی آن را «عُوْذِیَالَه» (Corrigiola) می‌داند ولی من - ابن بیطار - آن را نمی‌شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۵ و ۶]

دیسکورید	بلوغانن - عصا الراعی - بطباط	<i>Polygonum aviculare</i> L. <i>Cephalaria pilosa</i> Schr.
دیسکورید	بلوغانن - عصا الراعی	<i>Equisetum pallidum</i> L.

<i>Polygonatum officinale L.</i>	فلوغاناٹن - غوذیاله	دیسکورید
<i>Polygoum sp.</i>	قَرْدَب، عَصَا الرَّاعِي	الموسوعة
<i>Polygonum aviculare L.</i>	عَصَا الرَّاعِي - بَطاط - صَذِیْبُونَد	زریاب
<i>Polygonum aviculare L.</i> <i>Polygonum amphibium L.</i>	عَصَا الرَّاعِي	طباطبانی
<i>Polygonum aviculare L.</i>	عَصَا الرَّاعِي	خطابی
<i>Equisetum arvensi</i> <i>Polygonum amphibium</i>	عَصَا الرَّاعِي - ذَنْب الْخَيْل	خطابی
<i>Polygonum equiestiforme Sibth.</i>	عَصَا الرَّاعِي	EN.

۱۲۹۴ - عَصِيفَرَة<sup>۱</sup>، عَصِيفَرَة<sup>۲</sup> نام دیگر آن: در بغداد و موصل: خیری با گل زرد<sup>۳</sup>

<i>Impatiens balsamina L.</i> <i>Balsamina hortensis L.</i>	بَہَا، عَصِیْفِیرَة، مِیْخْرَاعَة	الموسوعة
--	-----------------------------------	----------

۱۲۹۵ - عَضْرَس<sup>(۱)</sup>: می گویند نام «ختمی بری» معروف به «شَحْم المَرْج» است.<sup>۴</sup>  
 ۱۲۹۶ - عِظْلَم<sup>۵</sup>، عِظْلَم<sup>۶</sup>، عِظْلَم<sup>۷</sup>: نام های دیگر آن: نیل<sup>۸</sup>، وَشْمَة الذَّكْر<sup>۹</sup> - نام عصاره خشک شده آن «نیلج» و «سُدوس» است.<sup>۱۰</sup> گیاهی است که از آن «نیلج» گرفته می شود و بعضی دانشمندان ما آن را «وَشْمَة» نامیده اند.<sup>۱۱</sup>  
 أساطیس أغریا (*Isatis agria*): نام «نیل البری» است و نزد گیاهشناسان معروف و شناخته شده است.  
 أساطیس (*Isatis*): نام های دیگر آن عبارتست از: نیل - نیلج - طین الأخضر - عین الأخضر [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۶۵]

<i>Isatis tinctoria L.</i> <i>Indigofera tinctoria L.</i>	عظلم	زر-طبا.
<i>Isatis tinctoria L.</i>	أساطیس، نیل، نیلج، طین الأخضر، عین الأخضر	دیسکورید
<i>Isatis sp.</i>	وَشْمَة، وَشْمَة، عِظْلَم	الموسوعة

۱۲۹۷ - عَفَار<sup>۱۲</sup>، عَفَار<sup>(۲)</sup>: گروهی آن را میوه «قاتل ایبه» دانسته اند ولی مشخصات «عفار» با «قاتل ایبه» متفاوت است. نام دیگر آن بنا به گفته ابو حنیفه «جَاء الأحمر» است و گویند نام «مرخ» است.<sup>۱۳</sup>

<i>Arbutus unedo L.</i>	عفار	زریاب
-------------------------	------	-------

۱۲۹۸ - عَفْص<sup>۱۴</sup>، عَفْص<sup>۱۵</sup>، عَفْص<sup>۱۶</sup>، عَفْص<sup>۱۷</sup>، عَفْص<sup>۱۸</sup>: نام های دیگر آن: قیقیدیس<sup>۱۹</sup> - رومی: قیسوس<sup>۲۰</sup> - یونانی: ققیس<sup>۲۱</sup> - سریانی: افصی<sup>۲۲</sup>، میشی<sup>۲۳</sup> - جالینوس: ققیس<sup>۲۴</sup> - فارسی: مازو<sup>۲۵</sup> - ترمدی: سکفس<sup>۲۶</sup> - بخاریه: سکوک<sup>۲۷</sup>، مازن شیر<sup>۲۸</sup> - شیر<sup>۲۹</sup> آن «بسباس» نام دارد.<sup>۳۰</sup> سبز آن بهترین است و بی سوراخ است و آن را «نعاقلیس» خوانند و آن غوره بود.<sup>۳۱</sup>  
 قَیْس (*Kekis*): نام «عَفْص» و بنا به بعضی از تفاسیر نام «قَشَف» است که به لاتینی به آن «جُولَه» (*Galla*) گویند. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱۱ - ۱۰۹]

۱- الموسوعة: نام «تخملی مخزنی» (ختمی داروئی) است که گل آن قرمز رنگ است و پوزه حیواناتی را که از آن می خورند به رنگ سیاه می شود.

۲- الموسوعة: ابو حنیفه: بعضی از اعراب مرا مطلع ساخته اند که گیاهی است مشابه «غیراء» با گلی مشابه با گل آن و آن درختی است خار دار و لذلك جاد للزناد؟

<i>Quercus lustanica</i> Lam.	قیس - عقص - قشف - جوله	دیسکورید
<i>Quercus infectpria</i> Olivier	مازو - انار - مایفلا (هند)	پارسا
<i>Quercus lustanica</i> var. <i>tauricola</i>	مازوی بصره	پارسا
<i>Quercus</i> sp.	مازوی تیغ دار - زیاش ماشی	پارسا
<i>Quercus lustanica</i> Lam. <i>Cynips gallaeturcieae</i> Hart.	عقص - قیس - مازو - قیسوس	زریاب
<i>Quercus lustanica</i> Lam. <i>Thuya orientalis</i>	عقص	زر. - طبّا.
<i>Quercus ilex</i> L.	عقص	خطابی

۱۲۹۹ - عَقَار<sup>(۱)</sup>:

<i>Urtica pilulifera</i> L.	عقار	زریاب
-----------------------------	------	-------

۱۳۰۰ - عَقْفَاء<sup>۱</sup>:۱۳۰۱ - عَكْرَب<sup>۱</sup>: نوعی حرسف بری<sup>۱</sup>

۱۳۰۲ - عكرش<sup>۱</sup>، عكرش<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: شجرالکلب<sup>۱</sup>، حسک الفراخ<sup>۱</sup> - سجزی: بُثُو<sup>۱</sup> - ثیل<sup>۱</sup>، نجمه<sup>۱</sup> - حجاز: بکروش<sup>۱</sup> گروهی آن را همان «ثیل» دانسته‌اند و برخی گفته‌اند «قصی» نوعی از آنست و برخی دیگر آن را نوعی «عكرش» دانسته‌اند.<sup>۲</sup> [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۷: به ثیل رجوع شود]

<i>Agropyrum repens</i> Be.	أغرسطس، نجم، نجیل، نجیر، عكرش، ثیل	دیسکورید
<i>Festuca</i> sp.	عَكْرِش	الموسوعه
<i>Agropyrum repens</i> Be. <i>Aeluropus littoralis</i> Ga. <i>Aeluropus repens</i> De.	عكرش - ثیل - نجمه	زریاب
<i>Agropyrum repens</i> Be. <i>Festuca altissima</i> Boiss.	عكرش	طباطبائی

۱۳۰۳ - عَكْنَةُ، عَكْنَةُ: (نامی بربری) نوع دقیق - نازک - «سورنجان» است.<sup>۱</sup> نام‌های دیگر آن: لعبة البربرية<sup>۱</sup> - سورنجان<sup>۲</sup> - مصر: عَكْنَةُ<sup>۲</sup> - اندلس: سورنجان الدقیق<sup>۲</sup>

<i>Colchicum montanum</i>	سورنجان الجبل، فوج الأرض، عَكْنَةُ	الموسوعه
---------------------------	------------------------------------	----------

۱۳۰۴ - عَلْت<sup>(۲)</sup>: نام‌های دیگر آن: یونانی: خندربلی<sup>۲</sup>۱۳۰۵ - عَلْجَان<sup>۲</sup>: (نام عربی در آفریقا) نام‌های دیگر آن: قَوَّاح<sup>۲</sup>

۱- الموسوعة: اللسان: گیاهی علفی است که به اندازه نصف قامت رشد پیدا می‌کند و میوه آن چون فندق است و مزه‌ای بسیار تلخ (ممض) دارد و آن را هیچ موجودی نمی‌خورد حتی سگ و هرگاه به آن لب زد عوعو می‌کند و عقار را «ناعمة» نیز نامیده‌اند و ناعمة زنی است که آن را پخته و با خوردن آن گشته شده است.

۲- الموسوعة: اللسان: «طرفاء» و «حاج» و «ینوت» و «عكرش» همگی نوعی «عَلْت» هستند. ج: أعلات

<i>Arundinaria sp.</i> <i>Silybum marianum</i> Gae.	عَلْجَان، عَلَج	الموسوعة
--	-----------------	----------

۱۳۰۶ - عَلسُ، زَاآءٌ، عَلسٌ: نام‌های دیگر آن: فارسی: گندم مکّه - عجمی اندلس: أشقالیه - علس - زَاآ (Zea): نام‌های آن عبارتست از: عربی: کَئیب، اندلسی: عَلس - لاتینی: اُشکالیه (Secale) - «جلبان» دانستن آن اشتباه است. أولیرا (Olura): دانه ای از جنس «زَاآ» ست و نوع دوم آن با نام‌های «علس» و «کَئیب» است. [این بیطار] در ترجمه کتاب دیکورید ۲ - ۷۵ [۷۷]

<i>Triticum monococcum</i> L.	زآا - علس - كنيب - أشكاليه	ديسكوريد
<i>Triticum dicoccum</i> Schr.		

۱۳۰۷ - علقم<sup>۴</sup>، علقم<sup>۵</sup>: نام دیگر آن: قثاء الحمار<sup>۶</sup> - ابوحنیفه گوید: نام «حنظل» و نام هر گیاه تلخی است.<sup>۷</sup> گویند «قثاء الحمار» است و گویند «حنظل» است و هر چه تلخ باشد آن را «علقم» خوانند.<sup>۸</sup>

**۱۲۰۸ -** علیجان، قراح؛ نباتی مانند «رازیانه» است که گوسفند و خر آن را می‌خورند و مؤلف گوید آن را به شیرازی «که» گویند.

**۱۳۰۹ -** عَلَیقْ، عَلِیقْ، عَلِیقْ، توت وحشی، توت وحشئ، نوعی از آن «علیق الکلب» است و «عوسج» هم نوعی از «علیق» است. نام های دیگر آن: توت العلیق - جرجان: تمش - یونانی: باطس، ناطس - رومی: روس، سایر - فارسی: وزدا، در، کیهه - باطوس - شیرازی: توت سه گل - دیلم: تموش - ترکی: بکوزتیکان - عَلِیقْ - نام میوه آن به فارسی: اَلْدِر دارای دو نوع جبلی و غیر جبلی است نام یونانی نوع غیرجبلی آن «ساز ساهوره» است.

باطس الوحشی (Batos): گیاه خاردار مشهوری است که اهالی اندلس و اهالی مغرب به آن «علیق» گویند و میوه آن به نام «توت» است و به بربری به آن «ثائقا» و به لاتیسی «أرجه» گویند.

باطس ایذا (Batos idaira): به معنای روئیدن آن در محل «ایذی» و آن کوهی است در شهرهای روم و نوعی از «عَیْق» باشد که خار ندارد. [این پستار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۳، ۳۴]

<i>Rubus fruticosus L.</i>	باطس، علیق، توت وحشی، ثابقا، أرجه	دیسکورید
<i>Rubus Idaeus L.</i>	باطس آیدا - نوعی از علیق	دیسکورید
<i>Rubus sanctus Schreb.</i>	توت سه گل - تموش - بخور تیگان - لام - تندل - کرتیف - تمشک	پارسا
<i>Rubus sp.</i>	عَوْسَج، عَلِیق، بَاطَس، شَوَکَل	الموسوعه
<i>Rubus fruticosus L.</i>	علیق	ز. - خ. - ط.
<i>Rubus fruticosus L.</i>	علیق اسود	EN.
<i>Rubus ideaus L.</i>	علیق احمر	EN.

۱۳۱۰ «عَنْاب»؛ عَنْابٌ، عَنَابٌ، عُنَابٌ، عُنَابٌ، زَفِيفٌ<sup>ع</sup> (نامی اندلسی): نام دیگر آن به سریانی «زیزوفی» است.<sup>س</sup> غسانی می‌گوید: دارای انواع فراوانی از قبیل بری، بستانی، قرمز و سفید است و منظور در اینجا نوع احمر آن می‌باشد و در شهر فاس رویش بسیاری دارد و عوام به آن «زفروف» گویند. نوع سفید آن که از گیاهان نواحی مغرب نبوده و در خراسان و شام و مصر می‌روید و به نام «عَنْاب الایض» و «ازادریخت» معروف است، محل اصلی رویش آن در شهرهای فارس بوده و در آنجا دارای سموم کشنده‌ای بوده که با انتقال آن به مکان‌های دیگر حالت سمی خود را از دست داده است و عرب آن را «لَبْنَج» می‌نامند.<sup>ث</sup> ابن بیطار<sup>ر</sup> در کتاب عمدة الطیب فی معرفة النبات می‌گوید: «عَنْاب» درختی با انواع فراوان از جمله بری، بستانی، سفید، و قرمز است، نام نوع سفید آن «ازادریخت» است و قرمز آن پنج نوع دارد، یکی از آن با نام «أملیسی» و دیگری «جلی» و نوع دیگر آن «شوکی» با نام عربی «أشکل» و نوع



چهارم «برجین» و نوع آخر آن «سدر» با نام یونانی «فلورس» و نام عجمی «شفلیش» و نام عربی «عُتاب» است. نام دیگر آن مربوط به نوع بری یعنی «زفیزف» و «نبق» است که معروف به «خرز الملوک» می‌باشد. در کتاب صیدنه «عُتاب» با نام یونانی «زیزوفی» آمده است.<sup>۴</sup> [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۹۴: به «سدر» رجوع شود.]

<i>Zizyphus vulgaris L.</i>	عُتاب	پارسا
<i>Zizyphus jujuba Lam.</i>	عُتاب	طباطبائی
<i>Zizyphus sativa G. Syn: Z. vulgaris L.</i>	Bombay: Unnab	GLO.IN.
<i>Zizyphus sativus Gae.</i> <i>Rhamnus zizyphus L.</i>	عُتاب	زریاب
<i>Zizyphus sativus Gae.</i>	عُتاب	خطابی
<i>Zizyphus sativa Gae.</i> <i>Zizyphus vulgaris L.</i> <i>Rhamnus zizyphus</i>	عُتاب	الموسوعه
<i>Zizyphus vulgaris L.</i>	عُتاب	EN.

۱۳۱۱ - عُنَب: (گیاهی هندی)

<i>Mangifera indica L.</i>	أنج، مَنغا، مَنجا، مَنجو، مَنجو، عُنبا	الموسوعه
<i>Mangifera indica L.</i>	Hendia & Bombay: Am, Amb	GLO.IN.

۱۳۱۲ - عُنَب: عُنب خمری، عُنب، عُنب، عُنب، عُنب: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: فارسی: انگور<sup>۲</sup> - ترکی: اوزم<sup>۱</sup> - هندی: داک<sup>۱</sup> - رومی: اصطفیذه<sup>۳</sup>  
زرجون<sup>۴</sup>: نام «کُرم» است و گویند نام چوب آنست و همچنین گفته شده نام باران ریخته بر (مستنقع) بر روی صخره هاست.<sup>۵</sup>

<i>Vitis vinifera L.</i>	عُنب خمری	ز. - خ. - ط.
<i>Vitis vinifera L.</i>	کُرمه العنب، کرمه عنبیه	الموسوعه
<i>Vitis vinifera L.</i>	Hendia & Punjab & Bengal: Angur	GLO.IN.

۱۳۱۳ - عُنَب الثَّعْلَب: عُنب الثَّعْلَب، عُنب الثَّعْلَب، عُنب الثَّعْلَب، عُنب الثَّعْلَب، رُوباه، رُوباه، رُوباه، ثلثان<sup>۱</sup>، حب الفنا<sup>۲</sup>، لما<sup>۳</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: رُوباه، تربک<sup>۴</sup>، رُوباه، تورک<sup>۵</sup> (به معنای انگور رُوباه)، شکر انگور رُوباه، رُوبارزج<sup>۶</sup>، کلنکر<sup>۷</sup>، سک انگور<sup>۸</sup> - ترکی: قوش اوزی<sup>۹</sup> - دیسکورید: اطزوخیوس<sup>۱۰</sup> - سندی: قواد<sup>۱۱</sup> - عُنب الثَّعْلَب<sup>۱۲</sup> - زابلی: سک انگور<sup>۱۳</sup> - سجزی: کنکرُوزی<sup>۱۴</sup> - عربی: فنا<sup>۱۵</sup> - اصفهانی: تاج ریزی<sup>۱۶</sup> - هندی: مکوی و مکوی، کاک ماجهی<sup>۱۷</sup> - بنگالی: کال ماجهی<sup>۱۸</sup>، کُستی<sup>۱۹</sup> - لاتینی: سلاطم<sup>۲۰</sup> - بربری: مزابله<sup>۲۱</sup>، بکسیتلان از مور<sup>۲۲</sup> - طولیدون<sup>۲۳</sup> - دربرق<sup>۲۴</sup> - ثلثان<sup>۲۵</sup> - فاس: عُنب الذیْب، ابی مقینة<sup>۲۶</sup> - دارای پایه های نر و ماده و دارای انواع بستانی، جبلی و بری است: نام‌های نوع نر بستانی آن: کاکنج<sup>۲۷</sup> - اهل مغرب: حب اللهو<sup>۲۸</sup> - نام‌های نوع ماده آن: عُنب الثَّعْلَب<sup>۲۹</sup> - اهل مغرب: قناد<sup>۳۰</sup> - نام‌های نوع جبلی نر آن نزد اهل مغرب: کاکنج غالیه<sup>۳۱</sup>، کاکنج منوم<sup>۳۲</sup> - نام نوع ماده بری: عُنب الثَّعْلَب مخین<sup>۳۳</sup> - نوع بستانی به عربی به نام «فنا» و «برنوف» و «بلبان» است و عامه اندلس به آن «عُنب الذیْب» گویند. و نوع نر به نام «کاکنج» با دو نوع بستانی و بری جبلی است، که بستانی آن در اندلس به «حب اللهو» معروف و دیگری به «عُنب» مشهور است و مردم اندلس آن را به نام «غالبه» می‌شناسند.<sup>۳۴</sup>

سُطْرُوخْنُ البِستانی (*Strukhnon kepaion*): گیاه معروف به «عَنْبُ الثَّعْلَبِ» است که به عربی به آن «فَنَا» گویند و همان «ثَلْثَان» است و از اعراب خود شنیدم به این گیاه «ثَلْثَان» هم می گویند و به فارسی به آن «زَرَوَان زَنْج» و «زَوَزارج» گفته است. می شود و در زبان رومی «اسْطَرخْلُو» دیسکورید (*Strumum*) (*Strychnus*) نام دارد و نام لاتینی آن «أَوْتَه قَنِینَه» (*Uva canina*) و همراه با این ترجمه «کاکنج» را یادآور می شود که نام لاتینی آن «غَالِیَّة» است و اهالی اندلس و مغرب به آن «حَب اللُّهُو» گویند و به رومی «أَلِیقَاقَبْن» (*Halikakkabon*) نام دارد و عامه مصر به آن «عُجَب» گویند و جالینوس انواع «عنب الثعلب» را در فصل هشتم از کتاب خود ذکر کرده است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۶۵]

زر. - طبای.	عنب الثعلب	<i>Solanum nigrum L.</i>
دیسکورید	سُطْرُوخْنُ البِستانی، فَنَا، ثَلْثَان، عنب الثعلب	<i>Solanum nigrum L.</i>
دیسکورید	نوع دوم عنب الثعلب، کاکنج، حب اللهو	<i>Physalis alkekengi L.</i>
پارسا	کاکنج - عروسک پس پرده	<i>Physalis glkekengi L.</i>
الموسوعه	حبوة کاکنجیة، کاکنج، کَرَزُ القدس، شاش القاضی	<i>Physalis alkekengi L.</i>
الموسوعه	فَنَا، عَنْبُ الثَّعْلَبِ	<i>Paris incompleta Bieb.</i>
خطابی	عنب الثعلب بری	<i>Solanum nigrum L.</i>
خطابی	عنب الثعلب بستانی	<i>Physalis alkekengi L.</i>

۱۳۱۴ - عنب الحیة<sup>۴</sup>، عنب الحیة<sup>۵</sup>: به میوه آن «هزار جَسَن» گویند و آن «کرمة البیضاء» است و گاهی منظور یونانیان از این نام میوه «کَبَر» است.<sup>۶</sup>

الموسوعه	فاشرا سَوْدَاء، عنب الحیة، خَیْطَة	<i>Bryonia dioica Jacq.</i>
----------	------------------------------------	-----------------------------

۱۳۱۵ - عنب الدُّب<sup>۷</sup>، عنب الدب<sup>۸</sup>، عنب الدب<sup>۹</sup>: نام های دیگر آن: ترکی: مردار اِغاجی<sup>۱۰</sup> - درخت غایش<sup>۱۱</sup>

الموسوعه	عَیْسران عنب الدب، عنب الدب	<i>Arctostaphylos uva-ursi Spreng.</i>
----------	-----------------------------	--

۱۳۱۶ - عَنَدَم<sup>۱۲</sup>، عَنَدَم<sup>۱۳</sup>، عَنَدَم<sup>۱۴</sup>: نام های دیگر آن: به گفته ابو حنیفه: بَقَم<sup>۱۵</sup> - دیگر مترجمان: دم الأخوين<sup>۱۶</sup> - نام صمغ: شِیَان<sup>۱۷</sup>

الموسوعه	عَنَدَم	<i>Caesalpinia sp.</i>
خطابی	عَنَدَم	<i>Caesalpinia echinata L.</i>

۱۳۱۷ - عُنْصَل<sup>۱۸</sup>، عُنْصَل<sup>۱۹</sup>، عُنْصَل<sup>۲۰</sup>: نام های دیگر آن: اسْقِیل<sup>۲۱</sup> - به گفته ابو حنیفه: بَصَل البر<sup>۲۲</sup> - عموم مردم: بصل الفار<sup>۲۳</sup> - عُنْصَلان<sup>۲۴</sup> - پزشکان: اَسْقِیل<sup>۲۵</sup>

الموسوعه	اَسْقِیل، عُنْصَل	<i>Scilla sp.</i>
EN.	عُنْصَل	<i>Scilla sp.</i>

۱۳۱۸ - عُنْقُود<sup>۲۶</sup>:

۱۳۱۹ - عَنَم<sup>۲۷</sup>، عَنَم<sup>۲۸</sup>، عَنَم<sup>۲۹</sup>: نام های دیگر آن: دیلم و تنکابن: دارواش<sup>۳۰</sup> - هندی: شکر داری<sup>۳۱</sup>

<i>Loranthus curopaeus</i> Jack. <i>Viscum album</i> L.	عنم	زرياب
<i>Loranthus</i> sp. <i>Viscum album</i> L.	حَصَال، عنم	الموسوعه

<i>Aquilaria malaccensis</i> Lam.	عود	زریاب
<i>Aloexylon agallocha</i> Roxb.		
<i>Aloexylon agallocha</i> Roxb.	عود رطب	خطابی

<i>Ophioxylon serpentium</i> L.	عود الحية	الموسوعة
<i>Viscum album</i> L.		

<i>Achillea ptarmica</i> L.	بطرمیتی - عطاس	دیسکورید
-----------------------------	----------------	----------

<i>Anthemis pyrethrum</i> L.	عود القرح	EN.
------------------------------	-----------	-----

۱۳۲۶ - عود الیسر، عود النسر.<sup>۷</sup> شریف آن را نام گیاهی با نام یونانی «أناغورس» می‌داند و دیگران آن را نامی برای چوب «خطمی» یا چوب «مخلب» یا «أراک» می‌دانند.<sup>۸</sup>



الموسوعه	عين الديك، ششم، عُصبة السوس	<i>Abrus pectorius</i>
----------	-----------------------------	------------------------

۱۳۳۲ - عین الهدد<sup>ع</sup>، عین الهدد<sup>ن</sup>: (نامی در آفریقا) نام دیگر آن: آذان الفار الرومی<sup>ع</sup>

الموسوعه	اذان الفار المنقعی - عین الهدد - لاتسنی	<i>Myosotis palustris</i>
----------	---	---------------------------

۱۳۳۳ - عینون<sup>ع</sup>، عینون<sup>ن</sup>، غسله<sup>ع</sup>، سنا أندلسی<sup>ع</sup>: دارای پایه نر و ماده است که یکی را «کحلا» و «کحدان» و «سایس» می نامند. «غافقی» می گوید: نزد ما این نام مربوط به دو نوع گیاه است یکی با نام «کُخِلاء» و «کُحلوان» و «سلیس» و نزد پزشکان ما در اندلس به «سنا البلدی» معروف است.<sup>ع</sup>

خامالوقی (*Khamaipeuke*): نام بربری آن «تاسلغا» (*Taselga*) است و همان گیاه «عینون» است و نام‌های دیگر آن به لاتینی «شلباش» (*Sivaticus*) و «شرباتش» است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۹۹]

دیسکورید	خامالوقی - تاسلغا - عینون - شلباش شرباتش	<i>Stachelina chamepeuce L.</i> <i>Serrattula chamepeuce L.</i>
الموسوعه	عینون شرباتش	<i>Globularia sp.</i> <i>Serrattula chamepeuce L.</i>

### حرف «غ»

۱۳۳۴ - غار<sup>ع</sup>، غار<sup>ن</sup>، غار<sup>س</sup>: نام‌های دیگر آن: رومی: ارقونیذوس<sup>س</sup> - یونانی: انیموروس قلمیوس<sup>س</sup> - اهل شام: زند<sup>ع</sup>، رند<sup>ع</sup> - فارسی: باهشتان<sup>س</sup> - فرنگی: لاورس<sup>س</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: ذافنی<sup>ع</sup> - نام میوه: فارسی: دهمشت<sup>ع</sup>، دهمست<sup>س</sup> - یونانی: ذافنی<sup>س</sup> - سندی: شنکر<sup>س</sup>، رند<sup>س</sup> [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۷۸: به «ذافنی» رجوع شود.]

زریاب	حب الغار	<i>Laurus nobilis L.</i>
دیسکورید	ذافنی - شجر الغار شجر الرند	<i>Laurus nobilis L.</i>
الموسوعه	غار، رند	<i>Laurus nobilis L.</i>

۱۳۳۵ - غارنیون<sup>ع</sup>: نوع اول از این گیاه در ثغر اسکندریه با نام «یمان» و «یُمین» معروف است و نام آن را از اعراب «رقه» شنیده‌ام.<sup>ع</sup>

EN.	غارنیون	<i>Geranium sp.</i>
-----	---------	---------------------

۱۳۳۶ - غاریقون<sup>ع</sup>، غاریقون<sup>س</sup>، غاریقون<sup>ن</sup>، غاریقون<sup>ع</sup>، غاریقون<sup>س</sup>، غاریقون<sup>ن</sup>، غاریقون<sup>ع</sup>: احتمالاً نوعی «قارچ» است. «دو نوع دارد نر و ماده» - نوعی از «فطر» است و دو نوع سفید و سیاه دارد که نوع سفید آن دارای دو نوع نر و ماده است.<sup>ع</sup>

اغاریقون (*Agarikon*): گیاه معروفی است که وجه تسمیه آن از شهر «أغارِقه» روم که در آنجا یافت شده گرفته شده است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱]

ز.ط.خ.	غاریقون	<i>Polyporus officinalis Fr.</i>
دیسکورید	اغاریقون	<i>Polyporus officinalis Fr.</i>

<i>Agaricus sp.</i>	غاريقون	الموسوعة
---------------------	---------	----------

۱۳۳۷ - غاغلُس: نام‌های دیگر آن: غَالَسِير - این نام لغتی یونانی و به معنای «متن الرائحه» یا بدبوست.<sup>۱</sup>  
 غالونیس<sup>۲</sup> - اهل مصر: قس الکلاب<sup>۳</sup> - طبرستان: پلِهم<sup>۴</sup>

۱۳۳۸ - غَافْتْ، غَافْتْ، غَافْتْ، غَافْتْ، غَافْتْ: نام‌های دیگر آن: لاتینی: اوبطوری - بربری: اکرمیوسنه، ترهلا - عربی: حشیشه الغاف، شجرة البراغيث، شوكة منتنه - فارس: غاف - بهترین آن فارسی بود که از کوهستان حوالی شیراز آوردند. "ابن بیطار" می‌گوید: در مورد این گیاه اختلاف نظر بین پزشکان مغرب و مشرق بسیار است تا جایی که نزد هیچ یک حقیقت این گیاه مشخص نشده، پزشکان مغرب و آفریقا بجای آن از گیاه «ترهلان» یا «طباق» استفاده می‌کنند و آن را به "اسحاق بن عمران" و "احمد بن خالد" استاد می‌کنند و حال آنکه این اشتباه آشکاری است زیرا «ترهلان» را دیسکورید در فصل سوم کتاب خود معادل «قونیزا» با نام عربی «طباق» آورده است. اما بعضی از پزشکان اندلس گیاهی را که دیسکورید شرح داده را تجویز می‌کنند و پزشکان شرق اندلس آن را معادل با نام عجمی اندلسی «ریمنده» می‌دانند. و اما پزشکان عراق و شام و مصر بطور کلی این گیاه را نمی‌شناسند و بجای آن گیاه دیگری را مصرف می‌کنند.<sup>۴</sup>

اوباطوریوس (eupatorios): «غافت» و «غافت الشاهدانجی» را گویند و غافتی که امروزه در مصر تجویز می‌شود حقیقی نیست و غافت حقیقی در اندلس به «الرَّيْمَنْدَه» مشهور است. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۷]

<i>Agrimonia sp.</i>	غافث	الموسوعه
<i>Agrimonia eupatoria L.</i>	اوياطوريوس، غافث، غافث الشاهدانجي، رمنده	ديسكوريد
<i>Agrimonia eupatoria L.</i>	غافث	طب. - خط.

۱۳۳۹ - غالیس<sup>۷</sup>: نام‌های دیگر آن: عامه اندلس: جملج<sup>۸</sup> - اهالی مصر: مُسْتَه<sup>۹</sup>

۱۳۴۰ - غالئون، غالئون<sup>۴</sup> و غلادرتون<sup>۵</sup>: «غالئون» نامی یونانی به معنای «عاقِد اللبن» یا منجمد کننده شیر است.<sup>۶</sup>  
 غالئون (Galion): به لاتینی به آن «لُخْتِرِواله» (Lactariola) گویند و موجب بستن شیر می شود. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۸۶]

<i>Galium verum L.</i>	غالبون - لختير واله	ديسکورید
<i>Galium verum L.</i>	غالبون حقیقی، غالبون أصفر، بَقْلَةُ اللَّبْنِ	ديسکورید
<i>Galium sp.</i>	غالبون	الموسوعه
<i>Lamium album L.</i>	غالبون	EN.

۱۳۴۱ - غباریه<sup>۴</sup>، غباریه<sup>۵</sup>: نام‌های دیگر آن: اهالی کوهستان: تقوریه<sup>۶</sup> - دیسکورید: سطانئون<sup>۷</sup> - غنب‌الدب<sup>۸</sup>

<i>Mespilus pycnoloba</i> C.Koch.	غبارية	الموسوعة
-----------------------------------	--------	----------

۱۳۴۲ - غُبَيْرَا، غَبِيرَا، غَبِرَاء، غَبِيرَا، غُبَر (نام ریشه)؛ نام‌های دیگر آن: فارسی: سنجدا<sup>۷</sup> - ترکی:  
ایکده<sup>۸</sup> - فارس: سلیسک<sup>۹</sup>، سیس بوان<sup>۱۰</sup>، سلس<sup>۱۱</sup> -- فاس: تیزغا<sup>۱۲</sup> - نام درخت میوه دار: زیتون<sup>۱۳</sup>  
وَأَوَّلُهَا (Oua): نام «شجر الغبیرا» است و در عراق درخت معروفی است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۲۹]

<i>Pyrus sorbus</i> Ga.	أوالا - غبیرا	دیسکورید
<i>Elaeagnus angustifolius</i> L.	سنجد - غبیرا - غبیدا بادام	پارسا

۱۳۴۳ - غُزَاء و غُرْبَاء: سینون (*Sinon*): این گیاه را نمی‌شناسم - ابن بیطار - (ابن بیطار در کتاب جامع نام آن را «غُرْبَاء» می‌داند).<sup>۴</sup>

۱۳۴۴ غَرْبٌ، غربٌ، غربٌ، غُرْبٌ، غُربٌ، غُرْبٌ، آطَاءٌ (نامی یونانی): نام‌های دیگر آن: شجر الغرب<sup>۷</sup> - یونانی: اظا؛ اطأ - شیرازی: وزک<sup>۸</sup> - اصفهانی: وشک<sup>۹</sup> - تنکابن و دیلم: اوچا<sup>۱۰</sup> - رومی: الیکائ<sup>۱۱</sup> - سریانی: عربثاء<sup>۱۲</sup> - فارسی: بذه<sup>۱۳</sup>، پده<sup>۱۴</sup> - اطباء<sup>۱۵</sup> - دیسکورید: أطاء<sup>۱۶</sup> غسانی می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی آن را نوعی «طرفاء» و عده‌ای آن را «شجر ابراهیم (ع)» می‌دانند و گویند درخت «صفاصاف» است و این نظر صحیح است.<sup>۱۷</sup> در کتاب «عمدة الطیب» به نقل از ابوحنیفه آن را «صفاصاف» دانسته است.<sup>۱۸</sup> ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۲: به دم الاخرین، و أخلیوس، رجوع شود. (این بیطار از گیاه غرب اظهار بی اطلاعی می‌کند).

۱۳۴۵ - غَرَز، غَرَز: نام‌های دیگر آن: فنتوریون<sup>۳۳</sup>، غریر<sup>۳۴</sup> - نام نوع کوچک «عصی الراعی» که معروف به ماده است.<sup>۳۵</sup>

۱۳۴۶ - غرقده، غرقده: (نامی عربی) نوع سفید و بزرگ «عوسج»<sup>۴</sup> است. «ابن بیطار» می‌گوید: بنا به گفته ابوحنیفه هرگاه درخت «عوسجه» بزرگ شود به آن «غرقده» گویند و برخی مترجمان «غرقده» را از گیاه «قُف» می‌دانند.<sup>۵</sup>

۱۳۴۷ - غربراء: غافقی می‌گوید: نام «سباس» نازک بذر و خوشبو است.<sup>۶</sup>

۳- الموسوعة: گیاهی است خوشبو. ابوحنیفه آن را «مروپهن برگ» می‌داند. و گویند در وسط آن گل آذینی مشابه دم روماء با گل قرمز خوشبونی دارد.



۱۳۵۵ - فاسی: نام دیگر آن: یونانی: اندرو صارون  
 ۱۳۵۶ - فاشرا، فاشرا، فاشرا، فاشرا، حلق الشعر، کرمة بیضاء، کرمة البیضاء، ورحالور (نامی بربری)، براوانیا: فاشرا معرب از «فاشار» سریانی است.<sup>۲</sup> - نام‌های دیگر آن: عربی: کرمة البیضاء، کرم البری الایض - فارسی: ماردارو، کرم دشتی، خسرو دارو، هزار فشان، هزار چشان، هزارکشان و معرب آن: هزارچشان، هزار چشان و برگردان عربی آن: الف عسالیج (هزارشاخه) - شیرازی: نخوشی (زیرا در زمستان خشک نمی شود). سریانی: کتبنا - رومی: حلیلوطن - یونانی: اغلیطوس، أنبالس لوقی، به معنای کرم البیضاء - بربری: ارجالون - تنکابن و طبرستان: الا ملک - جالینوس: براونیا - حلق الشعر - ابزراله یعنی قرنفة - طنبیة - تازرت - نام ریشه آن: عود الحیه، بیخ سیاه تاک

<i>Bryonia sp.</i>	فاشرا، فاشر، فاسری، فش	الموسوعه
<i>Bryonia alba L.</i>	فاشرا	زریاب
<i>Bryonia alba L.</i> <i>Tamus dioica</i>	فاشرا	طباطبائی

۱۳۵۷ - فاشرشتین، فاشرشتین، فاشرشتین، شستبدان، ششبداز، شسبدان، کرمة سوداء، کرمة السوداء، کرمة الحمراء: فاشرشتین (به معنای بر طرف کننده شصت بیماری) یا فاشرشتین (سریانی) نام‌های دیگر آن: عربی: کرمة السوداء - فارسی: شش بندان سیاه، شستبدار، شستبدار، سیاه وارو - شیرازی: شش بندان - یونانی: انبالس مالیا (به معنای کرمة السوداء) - بربری: همون، سمون - اندلس: بوطنیه - هندی: بیر - رومی: لثوهر مرطیس - ششپاز - فانیرستینست - عجمی اندلس: بوطنیه - بربری: میمون - نام ریشه: بیخ سپید تاک  
 انبالس مالیا (*Ampelios melaina*): به معنای «کرم الأسود» است و بعضی آن را «أنبالس مالیس» گفته‌اند. با توجه به اختلاف این دو واژه - مالیس و مالیا - آیا هر دو به یک معنی است یا «مالیس» را به معنای سیاه و «مالیا» را به معنای بدون دانه باید گرفت؟ به نظر می‌رسد هر دو به یک معنا بوده و سین آخر «مالیس» حرف اصلی نیست زیرا سین در زبان یونانی در حکم تونین عربی است و همچنین یاء در آخر کلمه در حکم تونین می‌باشد بهمین دلیل گفته می‌شود سوریا، انطالیا و ماقدونیا... و بنابر این معنای «مالیا» را بعضی از مترجمان «أسود» (سیاه) معنی کرده‌اند. نام‌های دیگری این گیاه به زبان اندلسی «فاشرشتین» و «بوطنیه» است و اهالی مغرب به آن «میمون» گویند. [این بيطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۰۷]

<i>Bryonia dioica Jacq.</i> <i>Bryonica alba L.</i> <i>Tamus communis L.</i>	فاشرشتین	زریاب
<i>Tamus communis L.</i>	انبالس مالیا، فاشرشتین، بوطنیه، میمون	دیسکورید
<i>Tamus sp.</i>	فاشرشتین، ششبدار، هزارچشان	الموسوعه
<i>Bryonia diocica Jacq</i> <i>Tamus communis L.</i>	فاشرا ستین	طباطبائی

۱۳۵۸ - فاطه:

۱۳۵۹ - فاغره، فاغره، فاغره، فاغره، فاغره (نام ریشه): نام‌های دیگر آن: فارغه - فارسی: کبابه دهن گشاد، کبابه دهن شکافته در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی آن را ریشه «نیلوفر هندی» می‌دانند و عده‌ای می‌گویند دانه‌ای است به اندازه نخود و شبیه به پسته کوچک و در شهرهای مغرب بسیار یافت می‌شود.

<i>Fagara sp.</i> <i>Fragra avicennae Lam.</i>	فاغره	الموسوعه
<i>Xanthoxylon avicenne D.C.</i> <i>Fragra avicennae Lam.</i>	فاغره	زریاب
<i>Xanthoxylon avicenne D.C.</i>	فاغره	خطابی

۱۳۶۰ - فَاَلِنْجِيْقَنْ، فالنجیقن: نامی یونانی به معنای رتیل است. نام های دیگر آن: فالنجیطس<sup>۴</sup>، نوقاقیس<sup>۵</sup> فالنجین (*Phalangion*): به معنای «النافع من الرتلاء» نافع برای نیش رتیل است. و من این گیاه را نمی شناسم. [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورد) ۳ - ۱۰۳]

<i>Phalangium ramosum Lam.</i> <i>Anthericum ramosum L.</i>	فالنجنین	دیسکورد
--	----------	---------

۱۳۶۱ - فَاَلْبَرْئُس، فالبریس: نام های دیگر آن: فالبرس، فالی بورس، فالبریس (*Phaleris*): این گیاه را نمی شناسم. جالینوس آن را «فالپورس» می نامد. [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورد) ۳ - ۱۳۷]

<i>Phalaris tuberosa L.</i>	فالبریس	دیسکورد
-----------------------------	---------	---------

۱۳۶۲ - فَاَنَاقِسْ اَسْقَلِيُوس<sup>۴</sup>، فاناقس اسقینوس: نوع بزرگ «زوفرا»<sup>۵</sup>  
 ۱۳۶۳ - فَاَنَاقِسْ خَيْرُونِيُون<sup>۴</sup>، فاناقس خیرونیون: نوع کوچک «زوفرا»<sup>۵</sup>  
 ۱۳۶۴ - فَاَوَانِيَا، فاونیا، فارانیا، فاونیا، فاونیا، عود الصلیب<sup>۴</sup>، کهبانا<sup>۵</sup> (نام چوب)، عود الصلیب، عود الصلیب<sup>۴</sup>، عود الصلب<sup>۵</sup>: ؟ نام های دیگر آن: عود الصلیب<sup>۴</sup> - جالینوس: جالقیسیدس<sup>۵</sup> - عود الريح<sup>۴</sup> - سریانی: کهبانا، کهبنا<sup>۵</sup> - مغرب: عود الحمیر<sup>۴</sup>؟ دارای دو نوع نر و ماده است نام نوع ماده آن نزد عوام «ورد الحمیر» است.<sup>۵</sup>  
 غلیقیسیدی (*Glukuside*): همان «فاونیا»، «کهبانا» و «عود الصلیب» است و دارای پایه های نر و ماده است.  
 نام پایه نر را گیاهشناسان اندلسی «وَرْدُ الْحَمِير» گویند و این نامی مشترک است و این نوع در بازار عطاری مصر هم اکنون وجود دارد. پایه ماده آن برای یملوی «صرع» مفید است. [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورد) ۳ - ۱۳۵]

<i>Paeonia officinalis Retz.</i>	فاروانیا	ز. - خ. - ط.
<i>Sedum telphium</i>	فاروانیا - عود الصلیب - ناز	پارسا
<i>Sedum telphium</i>	فاروانیا - عود الصلیب - ناز	پارسا
<i>Paeonia corallina L.</i> <i>Paeonia officinalis L.</i>	غلیقیسیدی، فاونیا، عود الصلیب، کهبانا، ورد الحمیر	دیسکورد
<i>Paeonia corallina L.</i>	فاروانیا	EN.

۱۳۶۵ - فَتَانِلُ الرَّهْبَان، فتائل الرهبان: نام دیگر آن در اسکندریه: زنجبیل<sup>۴</sup>  
 ۱۳۶۶ - فُجْل، فُجْل، فُجْل، فُجْل، فُجْل، فُجْل، هیضمان<sup>۴</sup>، هیضمان (فجل بری): نام های دیگر آن: فارسی: ترب<sup>۵</sup>، تربیزه<sup>۴</sup> - شیرازی: تربزه، تربیزک<sup>۴</sup> - سریانی: فعالا، فوغلی<sup>۴</sup> - رومی: دفیون، رفینون، رفانی<sup>۴</sup> - یونانی: افاتیس، ابابوس<sup>۴</sup> - هندی: مولی<sup>۴</sup> - فرنگی: رفالس<sup>۴</sup> «غسانی» می گوید: دارای نوع بستانی و بری است و بستانی به دو نوع کوچک و بزرگ تقسیم می شود، نام نوع بزرگ «فجل رخامی» و نام نوع بری «اقرنون» است و عوام شهر فاس به آن «کرونونش» گویند و

رافانوس (*Rhaphanis*): فُجُل [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۹۷]

۱۳۶۷ - فجل باعشقی: نام دیگر آن: فجل شامی

بلوطی (Ballota): به لاتینی «مَرْوُیَه بُتُوشَه» نام دارد و نوعی فراسیون سیاه رنگ است. جالینوس آن را «لایعیه» معرفی کرده در حالیکه لایعیه از «یتوعات» (گیاهان شیرابه دار) است و «بلوطی» شیرابه ندارد. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳- ۹۸ و ۱۰۰- ۴/ ۱۱۳]

۱۳۶۹ - فریون، فریون<sup>۱</sup>، فریبون<sup>۲</sup>، فریبون<sup>۳</sup>، تاکوب<sup>۴</sup>، حافظ الطفل<sup>۵</sup>، حافظ الاطفال<sup>۶</sup>؛؟ 'مغرب اوبرنیون فارسی است. نام‌های دیگر آن: رومی: فریبون<sup>۷</sup>، هیومافون<sup>۸</sup>، افریبون<sup>۹</sup>، ابریون<sup>۱۰</sup> - اکل نفسه<sup>۱۱</sup>، حافظ اطفال<sup>۱۲</sup>، قاتل ایه<sup>۱۳</sup> - بربری: تاکسوت<sup>۱۴</sup> - رومی: فوطینوس<sup>۱۵</sup> - یونانی: کمالیون<sup>۱۶</sup> - اهل مصر و شام: لبانه مغربیه<sup>۱۷</sup> - مغرب: تگوت<sup>۱۸</sup>

أَفْرِیُون (*Euphorbion*): نام دیگر آن «فَریون» است و به بربری «تاکوت» نام دارد و در مصر به آن «لوانة المغریه» گویند. این  
 یطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۷۸]

<i>Euphorbia</i> L.	أفريون، فريون، تاكوت، لوبانة المغربيه	ديسكوريد
<i>Euphorbia</i> L. <i>Euphorbia lathyris</i> L.	فرفيون	پارسا
<i>Euphorbia</i> L. <i>Euphorbia lathyris</i> L.	فريون، يتوع، تاكوت، عُنجد	الموسوعه

<i>Euphorbia resinifera</i> Berg.	فرييون	زرياب
<i>Euphorbia resinifera</i> Berg. <i>Euphorbia helioscopia</i> L.	فرييون	زر. - طبا.
<i>Euphorbia officinarum</i> L.	فرييون	خطا.، EN.
<i>Euphorbia pithyusa</i> L.	ناكوت	خطايي

۱۳۷۰ - فرمیوس؛ نام دیگر آن: برنفیس

۱۳۷۱- «فَرَنْجَمَشْک»، «فلنجمشک»، «فرنجمشک»، «فَرَنْجَمَشْک»، «بَرَنْجَمَشْک»، «برنجمشک»، «فرنجمشک»، «افرنجمشک»، «برشک»، «بلنجمشک»، «حبق قرنفل»<sup>۱</sup> («فرنجمشک بستانی»، «فلنجمشک»، «قرنفل بستانی»، «قرنفل بستانی»: «فرنجمشک» - «معرب پلنجمشک» فارسی است. نام‌های دیگر آن: «فلنجمشک»، «ابرنجمشک» برگ «فرنجمشک» - «هندی: انبل»، «رام‌تلسی» - «ابن ماسویه: حَقّ قرنفلی»<sup>۲</sup> - «سریانی: فلنلمنکا» - «رومی: امیولوفرأس» - «سریانی: اتبلیس» - «ریحان قرنفلی» - «فرنجمشک»، «پلنگ مشک» - «نام گیاه در کتاب دیسکورید: آقیس» - «شیرازی: پوبهکل»<sup>۳</sup> «ابن بیطار» می‌گوید: بعضی از دانشمندان ما «فرنجمشک» را دو نوع می‌دانند یکی بستانی معروف به هندی و دیگری بری معروف به صینی، و نوع اول به یونانی به «آقیس» معروف است.<sup>۴</sup> - «ابوحنیفة» نام دیگر «فرنجمشک» را «أصابع الفتیات» می‌داند.<sup>۵</sup>

اَکِیْنُس (Akinos): نام‌های دیگر آن عبارتست از: فرنجمشک - برنجمشک - حَبَق قَرْفَلی - اصابع الفتیات - قَلْثَمَان [ابن یطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۴۱]

<i>Ocimum pilosum W.</i>	أَقِيْثُس - فرنجمشك - برنجمشك - حَبَقْ قرنفلی - اصابع الفتیات - قلْثمان	ديسکورید
<i>Calamintha acinos Man.</i> <i>Ocimum pilosum W.</i> <i>Ocimum basilicum L.</i>	فلنجمشك	زریاب
<i>Calamintha graveolens Benh.</i>	ترنج مسك - فرنج مشك	پارسا
<i>Melissa calamintha Benth.</i> <i>Melissa officinalis L.</i>	فرنجمشك	پارسا
<i>Ocimum pilosum Willd.</i>	فرنجمشك، حَبَقْ قرنفلی، حبق ویر، حمام	الموسوعه

۱۳۷۲ - فَرْخَار:

۱۳۷۳ - فرود و هامان<sup>۵</sup>:

۱۳۷۴ - فرفار: نام درختی بزرگ

۱۳۷۵ - فروقودیلان<sup>۷</sup>، تیمط<sup>۸</sup>: نام‌های دیگر آن: اندلس و مغرب: تیمق<sup>۹</sup>، تیمط<sup>۱۰</sup> - برخی از شهرهای اندلس: رعی الحمیر<sup>۱۱</sup> - خاملاؤن مالس<sup>۱۲</sup> - تاسکرا<sup>۱۳</sup> - وایله<sup>۱۴</sup> - شوک الحمیر<sup>۱۵</sup>، شوک الفراء<sup>۱۶</sup>

۱۳۷۶ - فُسْتُقْ، فسْتَقْ، فسْتَقْ، فسْتَقْ، فسْتَقْ: معرب پسته فارسی - نام «پسته» مشهور است و یک سال نمی بندد که به این نام موسوم می باشد. - نام های دیگر آن: سریانی: بستقی - یونانی: بسطاقیا - فرنگی: بسباکه - «بُزغنج» و «بزغد» به فارسی نام میوه «درخت پسته» است و گویند نام میوه پسته ای است که یک سال مغز می بندد.

بِسْطَانِيَا (*Pistakia*): نام «فُسْتُق» است و ابن جزار صمغ آن را «عِلْكُ الْأَبْنِط» نامد. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۳۴]

<i>Pistacia vera</i> L.	بسطاقيا - فستق - علك الابطاط (صمغ)	ديسکورید
-------------------------	------------------------------------	----------

<i>Pistacia vera L.</i>	فستق	ز. - خ. - ط. - ال.
<i>Pistacia vera L.</i>	پسته - شهنّا (بلوچستان)	پارسا

۱۳۷۷ - فَسَوَة الصَّبِغ، فوه الصبغ: نوعی کماة - نام دیگر آن: قَعْبَل

<i>Tuber brumale Vittad.</i> <i>Bovista plumbea Pers.</i>	فوه الصبغ - قعبل - نوعی کماة	زریاب
<i>Pancratium maritimum</i>	فسوه الصبغ	خطابی

۱۳۷۸ - فُشَاغ، فُشَاغ، فُشَغ، کَرَمَة شائِکَة، کَرَمَة شائِکَة: نام‌های دیگر آن: فُشَغ - فارسی: سرم - بخاریه: افزغنج - سفیدیه: فزغند - ترمذیه: قوج - بلخیه و طخاریه: جُذری، عَکاش - عجمی اندلس: ریوله - دیسکورید: میلقص طراخیا - نام میوه آن نزد عامه اندلس و مغرب «حَب النعام» است.<sup>۴</sup>

<i>Smilax aspera L.</i>	فُشَاغ	زریاب
<i>Smilax sp.</i>	فُشَاغ، فُشَاغ	الموسوعه

۱۳۷۹ - فُضِيَّة، غُنافالیون، غُنافالیون: نام‌های دیگر آن: در کتاب دیسکورید: غُنابلیان - در کتاب جالینوس: نام این گیاه «غالبون» مشتق از «قطن» است زیرا مردم بخاطر برگ‌های نرم و فربه آن جهت زیر انداز آن استفاده می‌کنند.<sup>۴</sup> غُنافَلِیان (*Gnaphallion*) نام گیاه «فضیه» و به معنای «حشوی» است. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۲]

<i>Gnaphalium dioicum L.</i> <i>Santolina maritima Smith.</i>	غُنافالیون	زریاب
<i>Gnaphalium L.</i> <i>Santolina maritima Smith.</i>	غُنافالیان	دیسکورید
<i>Protea sp.</i>	فُضِيَّة	الموسوعه

۱۳۸۰ - فُطْر، کَوکَب الارض، فُطْر، فُطْر، فُطْر: نام‌های دیگر آن: فُطْر - فارسی: سماروغ، شما - سریانی: فُطْر یا ثا - رومی: موکوپیس - هندی: پهن چهر - یونانی: اونطریثا، قنطس، موکوپس - دارای انواعی است: نام‌های نوعی از آن: فُقع - فارسی: هیکل - نام نوعی دیگر: فوشنه - نام نوعی دیگر: فقیل - نام فُطْر خوراکی به هندی: کینهی بخفای - نام فُطْر غیر خوراکی به هندی «پدیهر» و نام نوعی دیگر آن «چهر بخفای‌ها» و نوع دیگر آن «ککن دهول» است.  
موکُطُس (*Muketos*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: فُطْر - فُقع [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۵]

<i>Tuber album Sow.</i>	کوکب الارض	ز. - خط.
<i>Funji spp.</i>	فُطْر	دی. - خط.
<i>Funus - Mushroom (E)</i>	فُطْر	الموسوعه
<i>Mushroom (E)</i>	فُطْر	EN.

۱۳۸۱ - فُطْر اسالیون، فُطْر اسالیون، بطراسالیون، بطراسالیون (نامی یونانی)، نفکر: نام‌های دیگر آن: فُطْر اسالیون -

<i>Carum petroselinum</i> Benth. & Hook.	فطراسالیون - بزر کرفس کوهی	زریاب
<i>Carum petroselinum</i> Benth. & Hook.	بطراسالینون - کرفس صخری	دیسکورید
<i>Apium petroselinum</i> L.	فطراسالینون	EN.

<i>Lycoperdon sp.</i>	نَمَق	الموسوعه
-----------------------	-------	----------

<i>Cucumis sativus</i> L.	فَقْرَس، فُنَاء، مَفْتَى، فُنَى، فُنْشُر	الموسوعة
---------------------------	--	----------

<i>Jasminum sambac</i> (L.) Ait.	فل - ریشه نیلوفر هندی	زریاب
<i>Jatropha gossipifolia</i> L.	فل	خطابی
<i>Jasminum sambac</i> (L.) Ait. <i>Mogorium sambac</i> Lam.	فل - یاسمین زنبقی	الموسوعه
<i>Jasminum sambac</i> (L.) Ait. <i>Mogorium sambac</i> Lam.	فل	EN.

باباری (Peperi): به آن «فلفل» گویند و درخت آن «دارفلفل» نام دارد و نام دیگر آن «فلفل الأبيض» است. [این بیطارا در ترجمه کتاب دیسکورید ۲-۱۴۲]

<i>Piper nigrum L.</i>	فلفل أسود - فلفل أبيض	زر. - خط.
<i>Piper nigrum L.</i> <i>Piper aromaticum Lamk.</i>	باباری - فلفل - دار فلفل - فلفل أبيض	دیسکورید
<i>Piper nigrum L.</i>	فلفل سیاه	پا. - طب.
<i>Piper sp.</i>	فلفل	الموسوعة

۱۳۸۸ - فلفل السودان، فلفل السودان، فلفل السودان: نام دیگر آن: بربری: حرفی<sup>۴</sup>

۱۳۸۹ - فلفل الصقالبة<sup>(۱)</sup>، فلفل الصقالبة: نام دیگر آن: بزر فنجنگشت<sup>۵</sup>

گاهی منظور از این نام میوه «بنجنگشت» است و گاهی نیز «بزر حُرَف مشرقی» است.<sup>۴</sup>

۱۳۹۰ - فلفل الماء، فلفل الماء، فلفل الماء: نام دیگر آن در کتاب جالینوس: اوردپاپاری<sup>۶</sup> - نباتیست که در آبهای راکد و آب‌های روان و آرام می‌روید.<sup>۷</sup>

اُودَرَباباری (*Hudropeperi*): به معنای «فلفل الماء» است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۴۴]

<i>Polygonum hydropiper L.</i>	فلفل الماء - اوردپاپاری	زر. - طب.
<i>Polygonum hydropiper L.</i>	اُودَرَباباری - فلفل الماء	دیسکورید
<i>Polygonum hydropiper L.</i>	زنجبیل الکلاب - فلفل الماء	الموسوعة

۱۳۹۱ - فلفلمون: نوعی پودنه - نام‌های دیگر آن: حبق جبلی - فارسی: نه کوهی<sup>۸</sup>

۱۳۹۲ - فلفل مویه، فلفل مویه، فلفل مویه، فلفل مویه، فلفل مویه، فلفل مویه، اصل الفلفل: یعنی شبیه به فافل<sup>۹</sup> نام‌های دیگر آن: فلفلموی، فلفلمون، فلفل مویه - هندی: پی پل مول، پیپلا مول بلام، پیپلا مور، «مور» و «مول» به معنای ریشه و «پیپل» نام درخت «فلفل» است. بنا بر گفته‌ای معنای «فلفل مویه»، «ریشه دار فلفل» است.<sup>۱۰</sup> «ابن ماسه» و دیگران آن را ریشه درخت «فلفل» می‌دانند.<sup>۱۱</sup> - «رازی» «فلفل مویه» را شاخه «فلفل» می‌داند.<sup>۱۲</sup> «اسحاق بن عمران» می‌گوید: ریشه‌های نارگی است...<sup>۱۳</sup> - «صهاربخت» آن را ریشه «فلفل» می‌داند.<sup>۱۴</sup>

<i>Piper longum L.</i> <i>Piper betle L.</i>	فلفلمول	زریاب
<i>Capsicum frutescens L.</i>	فلفل مویه - فلفل سرخ - فلفل احمر	پارسا

۱۳۹۳ - فلیفلة<sup>۱۵</sup>، فلیفلة: نام «هرنوة» است و عامه اندلس آن را نام «نانخواه» می‌دانند و بعضی آن را بعنوان میوه «بنجنگشت» می‌شناسند.<sup>۱۶</sup>

<i>Capsicum sp.</i>	فَلَيْفَلَة	الموسوعة
---------------------	-------------	----------

۱۳۹۴ - فَنَجْیون: نام دیگر آن: فنجریون<sup>۱۷</sup>

۱۳۹۵ - فَو، فَو، فَو، فَو، فَو (نامی یونانی)، عروق حُمَر: نام‌های دیگر آن: فَوه - فارسی: شیشه‌ره، بیخ سنبل - یونانی: ثبوریدوس، فوله - اهل خوارزم: زوله - هندی: چهل کری، جالکری، قرین مو - دوقو - نارین بری، ناردوس بری - سریانی: رعناد ملا - حنین: کرفس عظیم<sup>۱۸</sup>

۱- الموسوعة: نام «أرنده» و «سرساده» و «کف مریم» و... است.

دارای دو نوع است: نام های نوع بزرگ آن: فرنگی: فوباکینوم<sup>۱</sup> - نام کوچک آن: فرنگی: فوباروم<sup>۲</sup> - غسانی<sup>۳</sup> می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است عده ای آن را «سنبل بری» و گروهی «قُرْصَنَة» و برخی «شَقَاقِل» می دانند و بعضی آن را نامی برای ریشه های «جَزَر بری» و گروهی هم نام ریشه «غَیْطَل» می گویند. برخی هم می گویند نوعی «قرصنه» است و این نظر را برخی از دانشمند جدید بر سایر نظرات ترجیح داده اند.<sup>۴</sup>

فو (Phu): غیر از این نام دیگری برای آن نمی شناسم. [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۱]

Valeriana dioscorides Sibt.	فو	دی - خط.
Valeriana dioscorides Sibt. Valeriana phu L.	ناردین الحدائق، سنبل الحدائق، فُو	الموسوعه
Valeriana Phu L. Valeriana dioscorides Sibt. Valeriana officinalis L.	فو - ناردوس بری	زریاب
Valeriana officinalis L.	فو	طباطبائی
Valeriana sp.	فو	EN.

۱۳۹۶ - فودَنْج<sup>۱</sup>، فوتنج<sup>۲</sup>، فودنج<sup>۳</sup>، فودنج<sup>۴</sup>، غلیجن<sup>۵</sup> (نوع بری)، حبق<sup>۶</sup>، حبق الماء (فوتنج نهری)، فودنج<sup>۷</sup>: فوتنج<sup>۸</sup> معرب از «پودنه»<sup>۹</sup> یا «پودنک» فارسی است.<sup>۱۰</sup> - نام های دیگر آن: سریانی: هیزارنا، فونیاتا، فیلا - رومی: اربقانون<sup>۱۱</sup> - عربی: حبق<sup>۱۲</sup> - فاس: مشیشتر<sup>۱۳</sup> - مراکش: تیمج<sup>۱۴</sup> - بربری: تیمرساط<sup>۱۵</sup> - اندلس: ضومران<sup>۱۶</sup> - بلایه<sup>۱۷</sup> (۱) - دارای سه نوع است: نام های نوع بری: یونانی: علیجن<sup>۱۸</sup> - اهل اندلس: بلاه<sup>۱۹</sup> - مصر: قلیه<sup>۲۰</sup> - شام: صعتر<sup>۲۱</sup> - غُبیره<sup>۲۲</sup> - نام های نوع جبلی: رومی: اریقانون<sup>۲۳</sup> - اوریاسیوس: غلیشن<sup>۲۴</sup> - سریانی: قورنیشادطوری<sup>۲۵</sup> - سندی: فودنو<sup>۲۶</sup> - فارسی: پودنه کوهی<sup>۲۷</sup> - نام های نوع بستانی: حبق بستانی - فریشا<sup>۲۸</sup>، قریشا<sup>۲۹</sup> - نام های نوع دیگر: رومی: طراغوریفاس<sup>۳۰</sup> - فودنج التیس<sup>۳۱</sup> - نام های نوع نهری: حبق الماء - حبق التمساح<sup>۳۲</sup> - فوتنج نهری<sup>۳۳</sup> - ضومران<sup>۳۴</sup> - «فوتنج»، «پودنه» است... سه جنس است کوهی و جویباری و بستانی، کوهی را «فوتنج جبلی» گویند، و جویباری را «هیرازمای» خوانند، و بستانی را «ننع» گویند.<sup>۳۵</sup> «فودنج» سه نوع باشد جبلی و بری و نهری. مولف گوید جبلی دو نوع است یک نوع را «حاشا» خوانند، به یک نوع «فلقمون» و «فم» گفته اند. بری آن دو نوع دارد یکی را «مسک طرامسیع» گویند و نوع دیگری مانند «پودنه» است. و نهری آن یک نوع بیش ندارد، بهترین آن جبلی است تازه سبز آن خوشبو است و برگ های کوچک دارد.<sup>۳۶</sup> «ابن بطار» می گوید: دارای سه جنس است: بری، جبلی و نهری. نوع بری گیاهی معروف است. عجم اندلس به آن «بلایه» و عامه مصر «قلیه» و به یونانی «غلیخن» گویند، اصطفاان این گیاه را در روم با همین نام مشاهده کرده و می گوید اهالی شام به آن «صعتر» گویند.<sup>۳۷</sup> اما گیاه «غلیخن آغریا» یا «مشکطرامشیع» در جزیره آفریقای می روید، و «قلامتی» نام «فودنج نهری» است.<sup>۳۸</sup>

قلامتی (Kalaminthe): نام «فودنج» است .... [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۳۳: به وضومران، و وضومران، رجوع شود.]

Thymus barrelieri Spreng. Thymus nepeta Sm. Thymus calamintha Scop.	فالامتی - فودنج	دیسکورید
Mentha aquatica L.	فودنج نهری	دیسکورید
Origanum vulgare L. Mentha sylvestris L. Mentha officinalis Hull. = M.piperita L.	فودنج شائع، فودنج	الموسوعه





دِرَاقَطِیون (*Drakontion*): به معنای «لوف الحیه» و نام آن «فِلَجُوش» و «لوف الجعد» است و در مغرب به آن «صاره» و در اندلس «صَرَاخه» و به زبان لاتینی عمومی «عَرَعَنَیته» گویند. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۴۹]

زر. - طبای.	فیلجوش	<i>Colocasia antiquorum</i> Shott. <i>Arum colocasia</i> L.
دیسکورید	دراقتیون، فیلجوش، لوف الجعد	<i>Arum dracunculus</i> L.
الموسوعه	فیلجوش، تریاق آبیض	<i>Arum</i> sp.

۱۴۰۲ - فیلزهرج، فیلزهرج، فیلزهرج، فیلزهرج (نامی فارسی)، لوقیون: نام های دیگر آن: حُضض هندی، درخت حضض - لوقیون - مرارة الفیل - نام عصاره: حضض - رازی می گوید: دارای سه نوع، هندی است و از زرشک گرفته می شود و نام عربی آن «حضض» و «لوقیون» است.

زر. - طبای.	فیلزهرج - لوقیون	<i>Lycium afrum</i> L. <i>Rhamnus infectoria</i> L.
-------------	------------------	--

۱۴۰۳ - فیلون:

۱۴۰۴ - فیلپس: نام دیگر آن: نزد گیاهشناسان اندلس: ذنب الحدأة

### حرف «ق»

۱۴۰۵ - قاتل ایبه، قاتل ایبه، قاتل ایبه: نام های دیگر آن: قوماروس - اطيوس - قطلب - وجه تسمیه آن: برای ماندن آن روی درخت تا پیدایش جوانه های تازه است.

قوماروس: به معنای «طُعْمَةُ الْحَمْرَاء» است و نام میوه آن «جَنَى الاحمر» و «قاتل ایبه» است و به درخت آن «شجر القُطْلَب» گویند، نام رومی آن «قاماریون» است و اهالی اندلس آن را «عصیر الدب» و عامه مغرب «آسانثوا» نامند و به زبان لاتینی عمومی «مَطْرُونیه» (*Matromus*) نام دارد. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱۲۱ - ۱]

الموسوعه	قاتل ایبه، قُطْلَب، قُطْلَب، بَج	<i>Arbutus</i> sp.
زر. - طبای.	قاتل ایبه	<i>Arbutus unedo</i> L.
دیسکورید	قومارس - قاتل ایبه	<i>Arbutus unedo</i> L.

۱۴۰۶ - قاتل الدب: نام های دیگر آن: بارویشا - بارونوخیا، از اسم داحس گرفته شده چون موجب بهبودی آن است.

زریاب	قاتل الدب - باروخیا	<i>Paronychia serpyllifolia</i> D.C.
-------	---------------------	--------------------------------------

۱۴۰۷ - قاتل العلق: نوع ماده «أناغلس» با گل آبی است.

۱۴۰۸ - قاتل الکلب، قاتل الکلب: نام های دیگر آن: خائق الکلب، کرنب الکلب - سطاخیس [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۳: به «خائق الدب» و «خائق الکلب» رجوع شود.]



۱۴۱۶ - قاقیا<sup>ث</sup>: نوعی اشق<sup>ث</sup>

۱۴۲۰ - قِثَاءُ الْحَمَارِ؛ قِثَاءُ الْحَمَارِ، قِثَاءُ الْحَمَارِ، قِثَاءُ الْحَمَارِ، قِثَاءُ الْحَمَارِ، قِثَاءُ الْحَمِيرِ (نامی عربی)، اومادا (نام عصاره)؛ نام‌های دیگر آن: عربی: مِشْطُ الذَّنْبِ - فارسی: خیارزه اسپند، خیارخر، سماهنگ، کربز، خیارزده سفید - یونانی: شقوشینا، اسفیراداغویوس - هندی: کرمی، کچری تلخ - رومی: اغرو سو قومیس - سریانی: قطبی حمارا - قِثَاءُ الْبَرِّ - اندلس: عِلْقَمٌ - فِقُّوسُ الْحَمِيرِ - نام میوه به یونانی: اطرین - نام عصاره آن به رومی: الطیرون و اطرین - اونودیآ

<i>Momordica elaterium</i> L. = <i>Cucumis asininus</i> Willd.	قثاء الحمار - اصفهان: کوزسگی، کموژکمل، خرخیار	پارسا
<i>Momordica elaterium</i> L. <i>Echallium elaterium</i> <i>Elaterium officinale</i> <i>Elaterium agreste</i>	قثاء بری، ققوس الحمیر، عوزور، اطرِبون	الموسوعه
<i>Echallium elaterium</i> Rich. <i>Momordica elaterium</i> L.	قثاء الحمار	زریاب
<i>Echallium elaterium</i> Rich.	قثاء الحمار	خزابی

۱۴۲۱ - قثاء الحیة، قثاء الحیه: نام دیگر آن: زراوند الطویل<sup>ع</sup>  
 ۱۴۲۲ - قثد (نامی عربی) قثل، خیار، جلجمانا، قثد، بزر القثد، جلمات، قثد، خیار: نام‌های دیگر آن: عربی: قثد - فارسی: خیار خوراکی، خیار باذرنگ - شیرازی: خیار دراز، خیار بالنک - خراسانی: خیار بادرنگ - هندی: کهپرا - فرنگی: کوکوابرس - رومی: تیطراانگورن (*Tetraggouron*)، کیطروناکوس - عراق: خیار - حجاز: قثد - خراسان: خیار باذرنگ - نام‌های بذر آن: تخم خیار - شیرازی: خیار بالنک - رازی می‌گوید: «جلجمانا» نام «خیار» است.<sup>ع</sup> - در الانبیه آمده: «قثد» را «خیار» گویند.<sup>ع</sup>

<i>Cucumis sativus</i> L.	قثد - خیار	زر - الم - طباء
---------------------------	------------	-----------------

۱۴۲۳ - قذروس: نام دیگر آن: شجر القطران<sup>ع</sup>

<i>Cedrus libani</i> Bar. <i>Juniperus oxycedrus</i> L.	قذروس - شجر القطران	زریاب
--	---------------------	-------

۱۴۲۴ - قثی: (نام دانه)

۱۴۲۵ - قدح مریم، قدح مریم: نام دیگر آن: یونانی: قوطولیون<sup>ع</sup>

۱۴۲۶ - قراض، قراض، قراض: «ابوقتیة» آن را «بابونج» می‌داند و غیر او آن را نامی برای «أقحوان»<sup>ع</sup>.

<i>Utrica pillulifera</i> L. <i>Anthemis nobilie</i> L. <i>Matricaria chamomilla</i> L.	قراض	زریاب
<i>Utrica</i> sp.	قراض، قریص، حریق، أنجزة	الموسوعه

۱۴۲۷ - قراسیا، قراسیا، قراسیا، قراسیا، قراسیا: نام‌های دیگر آن: اهالی صقلیه: قراسیا البعلبکیه<sup>ع</sup> - جراسیه<sup>ع</sup> - رومی: کراسیا، قراضیا، قراسیا<sup>ع</sup> - اهل صقلیه: چراسیا<sup>ع</sup> - اهل مغرب و اندلس و فاس: حب الملوک<sup>ع</sup> - اهل دمشق: قراسیا، قراسیا بعلبکی<sup>ع</sup> - فارسی: گکنار (گیله نار)<sup>ع</sup> - شیرازی: آلی باقلی<sup>ع</sup> - به فارسی شیرین آن را «گیلاس» و ترش آن را «آلوبوعلی» و عوام آن را «آلوبالو»، «آلوبولی» و «آلی بالی» گویند.<sup>ع</sup> - سه نوع بود شیرین، ترش و عفص<sup>ع</sup>

<i>Cerasus avium</i> L.	آلوبالو	پارسا
<i>Prunus avium</i> L.	گیلاس - خلار - علی کک - آلو کک	پارسا

۱۴۲۸ - قَراطِیَارْغُونْ، قَراطِیَاغُونْ<sup>۴</sup>، قَراطِیَارْغِیُونْ<sup>۵</sup>: نام دیگر آن: گندم صحرائی<sup>۶</sup>  
۱۴۲۹ - قَراطِاطْ<sup>۷</sup>: (نامی ترکی)  
۱۴۳۰ - قَرائِنا<sup>۸</sup>: درختی است بزرگ که در کوهستان‌های سر‌دسیر روید.<sup>۹</sup>  
۱۴۳۱ - قَرائِنا<sup>۱۰</sup>:

۱۴۳۲ - قرثمن<sup>۴</sup>: نام دیگر آن در شهر مالق اندلس: قرن الایمل<sup>۵</sup>  
 ۱۴۳۳ - قَرَّةُ العین، قرة العین<sup>۶</sup>، قرّة العین، بیشتر در آبهای راکد می‌روید. نام‌های دیگر آن: جرجیر الماء<sup>۷</sup>،  
 کرفس الماء<sup>۸</sup> - یونانی: دیقورس<sup>۹</sup>، سلینون<sup>۱۰</sup>، افوسالیون به معنای کرفس الماء - سریانی: کرشأ<sup>۱۱</sup> - رومی:  
 سیون<sup>۱۲</sup> - فارسی: کنگر آبی<sup>۱۳</sup> - مصر و صقلیه و اسکندریه: بقول المائده<sup>۱۴</sup> - اقرنون<sup>۱۵</sup>  
 سیسُمْبِرُون: (Sisumbrion) نزد اهالی مغرب به «حُرْف الماء»، «فُجُل الماء» و «جَرَجیر الماء» معروف است و عامه مردم به آن  
 «قَرُونُش» (Acoriones) گویند. (این پطار در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۱۲]

۱۴۳۴ - قِرْدَمَانَا، قَرْدَمَانَا، قُرْدَمَنَا، قَرْدَمَنَّا، قَرْدَمَانَا، قَرْدَمَانَ، قَرْمَامُون<sup>۵</sup>، قَرطمانا<sup>۶</sup>، قَرْدَمَانَا، قَرادمن<sup>۷</sup>، کَرْدَمَانَا<sup>۸</sup>: نام‌های دیگر آن: قَرطمانا، قَرْدَمَانَا، قَرْدَمَانِي، یونانی: قَردامون<sup>۹</sup> - کروییای دشتی<sup>۱۰</sup> - فارسی: کَرْوِیا رومی<sup>۱۱</sup> - قَردامومون<sup>۱۲</sup> - فریقان<sup>۱۳</sup> - گیاهشناسان اندلس: کَرْوِیا الجلیة<sup>۱۴</sup> - نام‌های تخم آن: فارسی: تخم توخره<sup>۱۵</sup> - شیرازی: تخم تخرر<sup>۱۶</sup>، تخم پدران<sup>۱۷</sup>

قَردامون (*Kardamomon*): نام‌های دیگر آن عبارتند از: قَرْدَمانا - کرویا جلیه - قَرنباد - قَرنفاد (عرب به این گیاه قافله گوید.) [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۵]

زریاب	قردما - قرطمانا - قردامومون	<i>Lagoecia cuminoides L.</i>
دیسکورید	قردامومون - قردمانا - کرویا جبلیه قرنبا - قرنفا - (قالله)	<i>Elletaria cardamomum Wh.&amp;ma.</i> نوع کوچک <i>Amomum melegueta Ros.</i> نوع بزرگ
الموسوعه	خَسَاة، قُرْدُمَانَا، قُرْنَبَا، قُرْنَفَا، (قالله)	<i>Cardamina amara L.</i>
EN.	قُرْدُمَانَا	<i>Cardamina sp.</i>

۱۴۳۵ - قَرَصَعَنَه (نامی عربی)، شوکه زرقاء، شوکه یهودیه، قرصعنه، قرصونه: نام‌های دیگر آن: حافظ النحل - اهل شام: شوکه ابراهیم، شجرة ابراهیم - فرنگی: اریزجیم - عامه اندلس: شوکه ابراهیم - بقله یهودیه - نوعی از آن: تفاح الجمل - دیسکورید: ایرنجی - چند قسم است: نام نوعی از آن: فارسی: بیوه‌زا - نام نوعی: قرصعنه جبلی - نام‌های نوعی دیگر: قرصعنه مسدس - مازندرانی و لنگ و تنکابن: ششکاک (مخفف شش شاخ) نوعی از خار و دارای انواع بسیار است و در سنگستانها و زمینهای خشن و در ریگ بومها روید... بیخ آن به درازی سه گزیل یا زیاده است و مؤلف گوید به زبان قومی که زنبور عسل می‌دارند آن را «خارخسک» گویند و به شیرازی «سزه» و در صحراهای شیراز بسیار بود و زنبور عسل گل وی را دوست دارد.

ایرنجی (*Erunge*) گیاه خاردار با نام سریانی «قَرَصَعَنَه» (*Qersa anna*) و نام‌های «شوکه السوداء» و «شوکه اليهودیه» و «شوکه الزرقاء» است و دارای دو نوع سفید و آبی است و در برخی از کتاب‌های پزشکان با نام «جَنْبِ قَابِظَه» (*Centumcapita*) آمده که آنها نیز دو نوع سفید و آبی آن را تأیید کرده‌اند و به لاتینی به آن «پِیْرَاطَه» (*Piperito*) یعنی «شوکه المغفل» گویند و آن گیاهی از شهرهای اسکندریه است و جالینوس آن را «ایرنجان» نامیده است. [این پطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۲۱]

الموسوعه	قَرَصَعَنَه، قَرَصَعَنِي، شوک عَقْرَبَانِي، شِدَاب اُكْرَتِي	<i>Eryngium creticum</i>
----------	--	--------------------------

۱۴۳۶ - قُرْط، قُرْط، قُرْط، قُرْط: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: فارسی: شیدر، شیدار - اصفهانی: شودر - نام میوه آن: رسین - نوعی در مصر به نام «ذراع» و میوه آن به نام «رسیم» است.

زریاب	قرط	<i>Trifolium alexandrium L.</i>
الموسوعه	خَنْدَقُوق صَغِير الزَّهَر، قُرْط، مَحْبِلَة	<i>Melilotus parviflora</i>

۱۴۳۷ - قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم: نام‌های دیگر آن: سریانی: خریع، کشنی - فارسی: کاکیان، کاهیان، کاجیل - جالینوس: قنیقوس - عربی: احریضه، قِرْطُم، حب العصفرة، بردالحریض - فارسی: خشک دانه، تخم کافشه - گیلانی: تخم کاجره، تخم کازیره - هندی: کروکسینه، کابیج - رومی: قنطادوس - یونانی: اطرقطوس، فنیفس - نام نوع بری: فنیفس اغریون (یعنی اصفر بری) - فاس: عَصْفَرَة

ز. خ. ط.	قرطم	<i>Carthamus tinctorius L.</i>
الموسوعه	قُرْطُم، قُرْطُم، اخْرِیض، بَهْرَم، بَهْرَمَان، مُرْتَق	<i>Carthamus sp.</i>
EN.	قُرْطُم	<i>Carthamus sp.</i>

۱۴۳۹ - قُرْطُم بری، قُرْطُم بری، قرطم بری، طریفا: نام‌های دیگر آن: سجزی: سونک - در کتاب دیسکورید: اطرقطولس - یونانی: انطرقطولس، فیغن اغریون - شیرازی: انکر، نکریز

<i>Carthamus lanatus</i> L.	قرطم بری	زر. - طباً.
<i>Carthamus lanatus</i> L. <i>Kentrophyllum lanatum</i>	قرطم صوفی، شَوَارِب، عَنَثَر، قرطم بری	الموسوعه

۱۴۴۰ - قُرطُم هندی<sup>۴</sup>، قرطم هندی<sup>۵</sup>: گویند نام «حب النیل» است<sup>۶</sup> و می گویند دانه‌ای است که از هند می‌آورند.<sup>۷</sup>  
۱۴۴۱ - قُرطُمان<sup>۸</sup>، قُرطُمان<sup>۹</sup>، قُرطُمان<sup>۱۰</sup>، قرطمانا<sup>۱۱</sup>، هرطمان<sup>۱۲</sup>، هرطمان<sup>۱۳</sup>: ؟ «معرب «هرطمان» فارسی است.<sup>۱۴</sup> نام دیگر آن: فاس: خرطال<sup>۱۵</sup> - گویند همان «جلبان» است.<sup>۱۶</sup>

<i>Avena sativa</i> L.	خَرْطَال زراعی، شُوفان زراعی، قُرْطُمَان	الموسوعه
<i>Avena sativa</i> L.	قُرْطُمَان مَزْرُوعی	خطابی
<i>Avena fatua</i> L.	قُرطمان بری	

۱۴۴۲ - قَرْظٌ، قَرْظٌ، قَرْظٌ، قَرْظٌ، قَرْظٌ، قَرْظٌ؛ قرظ معرب «کرت» فارسی است.<sup>۱</sup> - نام‌های دیگر آن: فارسی: بزغند<sup>۲</sup> - عربی: سَبْتٌ - سریانی: خفجرو میثا<sup>۳</sup> - یونانی: عرصمودون<sup>۴</sup> - هندی: کیکر<sup>۵</sup> - مصری: سنط<sup>۶</sup>، صنط<sup>۷</sup> نام‌های میوه: سنط<sup>۸</sup> - قرظ - هندی: کیکر کارس<sup>۹</sup> - میوه «شوکه مصریه» معروف به «سنط»<sup>۱۰</sup> است. نام عصاره میوه: اقاقیا<sup>۱۱</sup> - هندی: کیکر<sup>۱۲</sup> - فرنگی: اکاکیا<sup>۱۳</sup> - «صمغ عربی» از این گیاه است.<sup>۱۴</sup> خار مصریست که آن را «سنط» گویند و از ثمره آن عصاره می‌گیرند و آن را «اقاقیا» گویند.<sup>۱۵</sup>

<i>Acacia arabica</i> W. <i>Mimosa arabica</i> Lam. <i>Mimosa nilotica</i> L.	سَنَط عربي، قُرْظ، شَوْكَة قِطِيَّة	الموسوعه
<i>Acacia arabica</i> W. <i>Mimosa arabica</i> Lam. <i>Mimosa nilotica</i> L.	قرظ	زرياب
<i>Acacia arabica</i> W. <i>Mimosa arabica</i> Lam. <i>Mimosa nilotica</i> L.	قرظ	خطابی
<i>Mimosa nilotica</i> L.	قرظ	EN.

۱۳۴۳ - قرط: نوعی «رطب» است که در مصر می‌کارند و برگ آن بزرگتر از «رطب» است و چهارپایان آن را می‌خورند و فربه می‌شوند.<sup>۷</sup>

۱۴۴۴ - قَرَع؛ قَرَع؛ قَرَع؛ قَرَع؛ قَرَع؛ حب القرع؛ نام‌های دیگر آن: عربی: قَرَع؛ - فارسی: کدو؛ - هندی: کدو؛ قیرع - ترکی: قباق؛ - سریانی: قرأ؛ قرا - رومی: فلوقرنیا؛ قولوقوناس - یونانی: قروفا؛ قلوفا؛ قولوقونطس - گیاه به عربی «یقطين» و میوه آن «دبا» نام دارد. دارای انواعی است: نام‌های نوعی: فارسی: کدوی تلخ؛ - هندی: تونبری؛ - عربی: قَرَع المُرّ؛ - نام‌های نوعی به هندی: دیسندس؛ - نام‌های نوع دیگر به هندی: پیتته؛ - بنگالی: کونده؛ - نام‌های نوعی: مزوبه؛ - فارسی: کدو مکه؛ - هندی: کدیمه

<i>Cucumis colocynthis</i> L. = <i>Citrullus colocynthis</i> Schrad.	كدو يبابانی	پارسا
<i>Cucurbita pepo</i> L. <i>Cucurbita langenaria</i> كدو سراجی	كدو	پارسا
<i>Cucurbita</i> sp.	قَزَع، بَقْطِين	الموسوعه



<i>Cucurbita maxima</i> Duch.	قرع	زرياب
<i>Cucurbita maxima</i> Duch.	قرع	زر. - طبا.
<i>Cucurbita pepo</i> L.		

۱۴۴۵ - قِرْفَه، قِرْفَه، قِرْفَه: نوعی دار صینی - نام‌های دیگر آن: هندی، طبع، تج - سندی: حاد طبع

<i>Cinnamomum zeylanicum</i> N.	قره	زر - طباً
---------------------------------	-----	-----------

۱۴۴۶ - قرقسیون<sup>۴</sup>: (نامی یونانی) نام دیگر آن: کُبابه<sup>۵</sup> - گروهی تصور می‌کنند نام «سباسة» است ولی اینچنین نیست.<sup>۶</sup>

۱۴۴۷ - قِرْقِمَان، قِرْقَمَان؟ در درون تنه درختِ مقل حجازی و صعیدی و خرما بوجود می آید.<sup>۴</sup>

۱۴۴۸ - قُرْم، قُرْم (۱) ع:

<i>Avicennia officinalis</i> L.	قرم	زریاب
<i>Seura marina</i> Fo.		

۱۴۴۹- قَرْنُفُلْ، قَرْنِفْلْ، قَرْنِفْلْ، قَرْنِفْلْ، قَرْنِفْلْ؟ دو جنس است و ماده<sup>۳</sup> - نام‌های دیگر آن: هندی: لُونْگ، لُونْکَهْل،

لونک، بانگریزی کلوف - قرنفول - یونانی: غرنیواس - رومی: قرفلون - فارسی: میخک

<i>Clinopodium montanum</i> (L.) Kuntz.	حب القرنفل	پارسا
<i>Eugenia aromatica</i> Baill. <i>Eupatoria cannabinum</i> L.	قرنفل	پارسا
<i>Caryophyllus aromaticus</i> L. <i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb.	قرنفل	زر، EN.
<i>Syzygium aromaticus</i> (L.) Merr.	قرنفل	طباطبائی
<i>Dianthus</i> sp. <i>Eupatoria cannabinum</i> L.	قرنفل	الموسوعه
<i>Dianthus caryophyllus</i> L. <i>Eugenia caryophyllata</i>	قرنفل	خطابی

۱۴۵۰- قرنفل شامی: نام دیگر آن: قرنفلیه (نامی مغربی)

۱۴۵۱ - قَرْنَوَة<sup>۴</sup>: گروهی گفته اند نام «هَرْنَوَة» است.<sup>۵</sup>

۱۴۵۲ - قرون السنبل<sup>۱</sup>، قرون السنبل<sup>۲</sup>؟ برخی گویند نوعی «سنبل سفید» است کشنده است و در میان «سنبل» یابند و گویند بیخ «خاق النمر» است و صاحب منهاج گوید دواء کشنده است.<sup>۳</sup> [این بیتار (در ترجمه دیسکورید): به سنبل، رجوع شود.]

<i>Nardostachys sampharitke</i>	ناردس سنفاریطقی - سنبل - قرون السنبیل	دیسکورید
---------------------------------	---------------------------------------	----------

۱۴۵۳ - قُزَاح، قُزَاح<sup>۴</sup>: (نامی مغربی) نوعی «رازینج» که مورد چرای شتر قرار می‌گیرد.<sup>۵</sup> نام دیگر آن: اعراب افریقا: علیجان - شیراز: کُهِ، کُماه - قُرون<sup>۶</sup>





قلاُمُسْ اَرُوماطِیْقِس (Kalamos aromatikos): قصب الزریرة - قلماس - قُمَحَة [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۸]

<i>Acorus calams L.</i> <i>Andropogona martini</i>	قصب الذریرة	طب. - خط.
<i>Swertia chirata Ham.</i> <i>Acorus calams L.</i> <i>Andropogona martini Roxb.</i>	قصب الزریرة	زریاب
<i>Acorus calams L.</i>	قلاُمُسْ اَرُوماطِیْقِس، قصب الزریرة	دیسکورید
<i>Acorus calams L.</i> <i>Acorus aromaticus Gilib.</i>	عود الوَج، عَزَق اُكُور، وَج، اُیْکِر، قصب الزریرة	الموسوعة
<i>Calamus aromaticus</i>	قصب الزریرة	EN.

۱۴۶۵ - قَصَب السُّکَر، قَصَب السُّکَر، قَصَب السُّکَر، قَصَب السُّکَر: نام های دیگر آن: فارسی: نیشکر<sup>۱</sup> - هندی: اوکھے، کاندہ، کنه، پوندا<sup>۲</sup> - نام عصاره: عسل القصب<sup>۳</sup>

<i>Saccharum officinarum L.</i>	قصب السکر	ز. - خ. - ط.
<i>Saccharum officinarum L.</i>	قصب السُّکَر، مُصَان، بَزُوم	الموسوعة

۱۴۶۶ - قَضَاب مِصری<sup>۴</sup>، قَضَاب مِصری<sup>۵</sup>: در مصر نام عربی نوع بزرگ آن «عصی الراعی» است.<sup>۶</sup> «ابن یطار» می گوید: «قَضَاب» تنها در شهرهای مصر وجود دارد و آنگونه که عده می پندارند «عصا الراعی» نیست، بلکه گیاهی است که دیسکورید در مقاله چهارم خود آن را به یونانی «قَلِیْمَاصِیْس» نامیده است.<sup>۷</sup>

<i>Vinca minor</i>	قَضَاب صغیر، قَضَاب مِصری	الموسوعة
--------------------	---------------------------	----------

۱۴۶۷ - قَضَب<sup>۸</sup>: نام های دیگر آن: رطبة و فصفصة<sup>۹</sup>

<i>Medicago sp.</i>	قَضَب، فِصَّة، رَطْبَة، فِصْفَصَة	الموسوعة
---------------------	-----------------------------------	----------

۱۴۶۸ - قَضَم قَرِیش: نام های دیگر آن قَم قَرِیش است که به «بزر تنوب» می گویند و به «خرنوب» نیز می گویند و «صاحب جامع» گوید آن «حب صنوبر صغار» است و در این مورد جای بحث است و گویند «حب صنوبر کبار» است.<sup>۱۰</sup>

۱۴۶۹ - قَطرات کوئی<sup>۱۱</sup>: (نامی فارسی)

۱۴۷۰ - قَطْف، قَطْف، قَطْف: (نامی عربی) نام های دیگر آن: در کتاب جالینوس: اطفکسوس<sup>۱۲</sup> - سریانی: قَطْبَا، قَرطَف<sup>۱۳</sup> - عربی: سَرْمَق<sup>۱۴</sup>، معرب از «سلمه» یا نام «سرمک» فارسی است.<sup>۱۵</sup> - سریانی: قَفْطَا - یونانی: افلیوکبیون<sup>۱۶</sup>، افکرکسیس<sup>۱۷</sup>، اندرافکسیس<sup>۱۸</sup>، اطرافعس<sup>۱۹</sup> - فارسی: اسفناج رومی<sup>۲۰</sup> - شیرازی: اسفناج رومی<sup>۲۱</sup> - هندی: پالک<sup>۲۲</sup>، ککروهن<sup>۲۳</sup>، تبهو<sup>۲۴</sup>

أَنْدَرُوافَقْسُس: سَرْمَق - سَرْمَج - بَقْل الرُّوم - بَقْل الذَّهَبی ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۴:

<i>Atriplex hortensis L.</i>	أَنْدَرُوافَقْسُس، سَرْمَق، قَطْف، بَقْل الرُّوم، بَقْل الذَّهَبی	دیسکورید
<i>Atriplex sp.</i>	سَرْمَق، قَطْف	الموسوعة



طباطبانی	قطیفه، عصیرالدب، اساسنوا، مطرونیه، قاماریون	<i>Tagetes erecta</i>
----------	---	-----------------------

۱۴۷۵ - قَعْبَلْ، قَعْبَلْ، قَعْبَلْ؟ نام های دیگر آن: یونانی: سقراطیون، سفلاریقون - در کتاب دیسکورید: فنقراطیون<sup>۴</sup>  
بنقراطیون (*Pankration*): نوعی پیاز «عنصل» است با این تفاوت که کوچکتر از آن است و این گیاه بجای «عنصل» مورد استفاده قرار می گیرد و آن را «فانقراطیون» می نامند. - ابن بیطار در کتاب جامع خود آن را معادل «قعبل» می داند. - [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۴]

دیسکورید	بنقراطیون - فانقراطیون (قعبل)	<i>Pancratium maritimum L.</i>
----------	-------------------------------	--------------------------------

۱۴۷۶ - قَعْنَبْ، قَعْنَبْ: نام های دیگر آن: عجم اندلس: طرنیه - اهالی بادیه: لعاس<sup>۵</sup> - نام مشترک با «شیر» و «روباه نر»<sup>۶</sup>  
و «ناخن بازو» و گیاهی است که به عجمیت اندلس «طرسه» یا «طرنه» نام دارد.<sup>۷</sup>  
۱۴۷۷ - قفلوط<sup>۸</sup>، قفلوط<sup>۹</sup>: نوعی کراث شامی<sup>۱۰</sup>

الموسوعه	کراث عَمْلُون، کراث اندلسی، کراث أبوشوشة، قفلوط	<i>Allium ascalonicum</i>
----------	---	---------------------------

۱۴۷۸ - قَفُور<sup>۱۱</sup>، قَفُور<sup>۱۲</sup>: نباتی است که «قطا» بر آن چرا کند.  
۱۴۷۹ - قُلَانُشْ، قِلَانَشْ: نام دیگر آن: خوخ المروج<sup>۱۳</sup>  
۱۴۸۰ - قَلَام<sup>۱۴</sup>، قَلَام<sup>۱۵</sup>: ملاح<sup>۱۶</sup>: نام های دیگر آن: عربی: شجرة الفسلین<sup>۱۷</sup>، مَلَّاح<sup>۱۸</sup> - کُشْمَلْنَجْ<sup>۱۹</sup> - قاقلا<sup>۲۰</sup>

الموسوعه	قَلَام	<i>Conandron sp.</i>
زریاب	قَلَام - قاقلا	<i>Cakile maritima Scop.</i>
خطابی	قَلَام - ملاح	<i>Androsaces sp.</i> <i>Androsaces lactea L.</i>

۱۴۸۱ - قُلْبْ، قُلْبْ، قُلْبْ، قُلْبْ: نام های دیگر آن: یونانی: لبلیس فرسن<sup>۲۱</sup> یعنی بذر حجری - عجمیت اندلس: سجس افرایه<sup>۲۲</sup> (به معنای «کاسر الحجر»)<sup>۲۳</sup> - فارسی: سنگ سبویه<sup>۲۴</sup> - کلب<sup>۲۵</sup> - لسوالسومر<sup>۲۶</sup> «ابن ماسویه» می گوید: دانه ای است هندی همانند دانه «کتان» ولی اندکی بزرگتر و تیره رنگ.<sup>۲۷</sup>  
لیثسفرمن (*Lithospermon*): برگردان عربی این نام یونانی «بزر الحجر» است و به عربی به آن «قُلْب» گویند. زیرا بسیار سخت و سفید است به لاتینی آن را «شَخْفراغنه» به معنای «کاسر الحجر» شکنده سنگ یا «مُشْطیه» گویند و این گیاه نهایت اثر را در شکستن سنگ دارد و بذر آن مدور، سخت و براق است و در شهرهای اندلس بسیار یافت می شود و در بازار داروئی خرید و فروش می شود. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۶]

دیسکورید	لیثسفرمن، بزرالحجری، کاسرالحجر، قلب	<i>Lithospermum officinale L.</i>
----------	-------------------------------------	-----------------------------------

۱۴۸۲ - قَلْجُونَه<sup>۲۸</sup>: نام های دیگر آن نزد اهالی آفریقا و بعضی از عرب ها: قیروان<sup>۲۹</sup> - کرنجونه<sup>۳۰</sup>  
۱۴۸۳ - قَلْسُوفُودِیُونْ، قَلْسُوفُودِیُونْ: (نامی یونانی)  
۱۴۸۴ - قَلْقَاسْ، قَلْقَاسْ، قَلْقَاسْ، قَلْقَاسْ: (نامی عربی) نام های دیگر آن: رومی: قَلْقَاسْ، اوذی تغس<sup>۳۱</sup> - سریانی: قَلْقَاسِ<sup>۳۲</sup> - هندی: اروی<sup>۳۳</sup> - دکهنی: چمکدلا<sup>۳۴</sup> - بنگالی: کچو<sup>۳۵</sup> - فاس: قرقاز<sup>۳۶</sup>

<i>Colacasia antiquorum</i> Sch. <i>Colacasia esculenta</i> L. <i>Arum esculenta</i> L.	قَلَقاس	الموسوعه
<i>Colacasia antiquorum</i> Sch. <i>Arum colocasia</i> L.	قَلَقاس	زر. - طب.
<i>Arum colocasia</i> L.	قَلَقاس	خطابی

۱۴۸۵ - قَلْقِلْ، قَلْقَلْ، قَلْقَلْ، قَلْقَلْ، حب القَلْقَلْ، حب القَلْقَلْ. نام‌های دیگر آن: قَلْقَلْ، قَلْقَلْ، قَلْقَلْ، قَلْقَلْ، قَلْقَلْ.

<i>Crotalaria retusa</i> L. <i>Cassia tora</i> L.	قَلْقَلْ	زریاب
<i>Cassia tora</i> L.	سنابری، قَلْقِلْ، قَلْقَلْ	الموسوعه
<i>Dolchos</i> sp.	قَلْقِلْ	EN.

۱۴۸۶ - قَلْقُونِیَه، قَلْقُونِیَه: "غافقی" می‌گوید: صمغ صنوبر معروف به «قوا» است. نام‌های دیگر آن: در کتاب نام گیاه در کتاب "جالینوس": عِلْک. در کتاب "حنین": راتینج. به شیرازی: زنگباری.  
۱۴۸۷ - قَلْوُمُس: نامی یونانی به معنای اذان الدب - "رازی" آن را «بوسیر» دانسته است.  
۱۴۸۸ - قَلْوَمَائِن: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: شجره‌ابی مالک - شام: صابون القاف، صابون الثیاب، ظفر القط.

قَلْوَمَائِن (*KLumenon*): ابن حسان نام لاتینی این گیاه را «اونیاغاته» می‌داند که به معنای «اضفار القط» است. این گیاه را خود می‌شناسم و غیر از این نامی برای آن نمی‌دانم. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۳]

<i>Leonicea perichlymenon</i> L.	قَلْوَمَائِن - اونیباغاته	دیسکورید
----------------------------------	---------------------------	----------

۱۴۸۹ - قَلْی: خاکستر درخت «طاق» است. نام‌های دیگر آن: فارسی: شخار - رومی: اسطوریقون - سریانی: قلیا - هندی: ساجی، ساجی و نام یک نوع دیگر آن: «کالو».

<i>Salicornia herbacea</i> L. <i>Cassia tora</i> L.	اشنان القلی - قلی، أبوقابس، خَرْنَس	الم. - طب.
--	-------------------------------------	------------

۱۴۹۰ - قَمِیحَه: نام دیگر آن: قصب الذریره.

۱۴۹۱ - قَنِیل، قَنِیل:

<i>Rottlera tinctoria</i> Roxb. <i>Mallotus philippinensis</i> Mull.	قَنِیل	زریاب
<i>Mallotus</i> sp.	قَنِیل، وَرْس مَلُوتا	الموسوعه
<i>Mallotus philippinensis</i>	قَنِیل	طباطبانی

۱۴۹۲ - قَنَی، قَنَ، شعارید (قنا صغیر): عامه مغرب: کلخ - یونانی: تَرْتَقُس

<i>Canna sp.</i>	قنا	الموسوعه
<i>Ferula communis L.</i>	نرقيس - كلخ كبير - قنا	ديسكوريد
<i>Ferula communis L.</i>	قنا	EN.

<i>Lepidium draba</i> L.	قنابری	زر. - طباً.
<i>Plumbago europaea</i> L.		
<i>Asclepias vincetoxicum</i> L.	سقلیاس - قنابری	دیسکورید

قنابش (*Kannabis*): نام‌های دیگر آن عبارتست: قَنَب - شهدانج - شاذانق [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۸۷]

<i>Cannabis sativa</i> L.	قَنَابَش - قَنْب - شَهْدَانَج - شاذانق	دیسکورید
<i>Cannabis sativa</i> L.	قَنْب	EN. ال.،
<i>Cannabis sylvestris</i>	قَنْب البری	EN.

<i>Brassica oleracea</i> var. <i>botrytis</i>	قُرْبَيْط، قُنَيْط	الموسوعة
---	--------------------	----------

### ۱- ورغست یا یرغست





۱۴۹۸ - قوطامه<sup>۴</sup>:

۱۴۹۹ - قُوطِلْدُون، قوطلیدون<sup>۴</sup>، قوطولیدون<sup>۴</sup>: (نامی یونانی) نام های دیگر آن: یونانی: قومالیون<sup>۴</sup> - مغرب: زلایف الملوک<sup>۴</sup>، بشائق<sup>۴</sup>، اذان القسیس<sup>۴</sup> (زیرا برگ آن شبیه به ترازوئی است که به زبان یونانی «قطولی» نام دارد)، سفائیک<sup>۴</sup> - عربی: کاسات<sup>۴</sup> (زیرا برگ آن شبیه به کاسه است).

قوطلیدون (*Kotuledon*): نام دیگر آن «کأس» است زیرا مشابه ظروف کوچکی به نام «سکارج» می باشد و عوام شهرهای ما به آن «المصافق» گویند زیرا برگی پهن دارد و به «اذان القسیس» و «زلائف الملوک» نیز مشهور است.

این گیاه در بام ها و دیوار خانه ها و صخره کوه ها می روید و دو نوع دارد و نوع دوم آن را اهالی مصر «اذنة» (یا ادنه) نامند. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۸۳]

دیسکورید	قوطلیدون، کأس، اذان القسیس، زلائف الملوک،	<i>Cotyledon lusitanicus Lam.</i>
----------	---	-----------------------------------

۱۵۰۰ - قوفی<sup>۴</sup>: (نامی یونانی) نام دیگر آن: بخور<sup>۴</sup> - همچنین به درخت «أرز» نیز گفته می شود.

۱۵۰۱ - قوقالس<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: عجمی اندلس: إقجاله<sup>۴</sup>

۱۵۰۲ - قونیزا<sup>۴</sup>، قونیزا<sup>۴</sup>: نام «طَبَّاق» است ولی بطریق نام آن را «تَبْنُوت» می داند که اشتباه است.

۱۵۰۳ - قولانی<sup>۴</sup>: «جوی» است که از هندوستان آرند.

۱۵۰۴ - قومن<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: مرز<sup>۴</sup> - رازی: مئثل<sup>۴</sup>

۱۵۰۵ - قِیْصُوم، قِیْصُوم، قِیْصُوم، قِیْصُوم، قِیْصُوم (نامی عربی)، اَرْطَمِيسَا، اَرْطَمِيسَا: نوعی برنجاسف<sup>۴</sup> - نام های دیگر آن: عربی: قِیْصُوم، قِیْصُوم، قِیْصُوم، جنجاث<sup>۴</sup>، وطاس<sup>۴</sup> قِیْصُوم - یونانی: شوصر<sup>۴</sup> - رومی: ارطاماسیا، اطمیثا<sup>۴</sup> - فارسی: برنجاسف<sup>۴</sup>، بلنجاسف<sup>۴</sup>، برنجاسب<sup>۴</sup>، فلسب<sup>۴</sup>، فریرسب<sup>۴</sup>، بوی ماذوان<sup>۴</sup> بوی مادران<sup>۴</sup>، برتراسک<sup>۴</sup> - شیراز: سرزردک<sup>۴</sup> - سجزستان: بَرْبِر<sup>۴</sup> - هندی: کندنا، کندمار<sup>۴</sup> - غسانی<sup>۴</sup> می گوید قِیْصُوم دارای انواع فراوانی است در عین حال در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «شیخ ارمنی» می دانند و عده ای بر این اعتقادند که «افستین» است.

اَبْرُوطُون (*Abrotonon*): نام «قِیْصُوم» است و دارای دو پایه نر و ماده است و کسی که آن را «برنجاسف» نامیده دچار اشتباه شده است. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۵]

زریاب	ارطمیسا - قِیْصُوم - جنجاث	<i>Artemisia vulgaris L.</i>
دیسکورید	ابروطنون - قِیْصُوم (نوع اول) (نوع دوم)	<i>Achillea fragrantissima Sch.</i> <i>Artemisia abrotonon L.</i>
الموسوعه	قِیْصُوم، اَبْرُوطُون، رِیحان الأرض، مِشک الجَن	<i>Artemisia abrotonon L.</i>
طباطبائی	قِیْصُوم	<i>Artemisia abrotonon L.</i>
خطابی	قِیْصُوم (ذکر) قِیْصُوم (انثی)	<i>Artemisia abrotonon L.</i> <i>Achillea fragrantissima Sch.</i>

۱۵۰۶ - قِیْقَهْر، قِیْقَهْر، قِیْقَهْر: نام های دیگر آن: یونانی: قیقهن<sup>۴</sup>، قنقهر<sup>۴</sup>، قینهر<sup>۴</sup> - عربی: شجر<sup>۴</sup> - فارسی: لعل معبری<sup>۴</sup> هندی: رال، دھونه<sup>۴</sup>؟

۱۵۰۷ - قِیْمَص<sup>۴</sup>:

۱۵۰۸ - قینا<sup>۴</sup>: نوعی بقله الحمقاء<sup>۴</sup>

۱۵۰۹ - کات: نام مشترک «برنجی» در شوشتر و صمغ درخت هندی به نام «کیهر»<sup>۱</sup>  
 ۱۵۱۰ - کاذی: کاذی<sup>۲</sup>، کاذی<sup>۳</sup>، کاذی<sup>۴</sup> (لغت عربی اهل یمن یا لغت هندی است.)، کاوی<sup>۵</sup>، کدر<sup>(۱)</sup>: گویند طلعی است و «ابن سمجون» گوید بیشتر در زمین هند باشد و درخت آن مانند درخت خرما است... و مؤلف گوید بدانچه محق و مشهور است گلی است که در بحرین و نواحی عمان و در مناطق گرمسیر شیراز روید و آن را «گل کیدی» گویند. و بوی بسیار خوش دارد حتی جامه که بوی آن بگیرد تا مدت‌ها آن بوی زایل نگردد.<sup>۲</sup> نوع کوچک آن «کیتکی» نام دارد.<sup>۱</sup> - نام‌های دیگر آن: عربی: کدر<sup>۱</sup> - هندی: کبوار<sup>۲</sup>، گل کبوره<sup>۳</sup> - اصفهان: کیده<sup>۴</sup>

<i>Pandanus odoratissimus</i> L.	کازی - گل کیورہ	زر. - طبیا.
<i>Pandanus</i> sp.	کازی	الموسوعه

۱۵۱۱ - کاشم، کاشم، کاشم، کاشم رومی: از هدایات و نوعی جنبه (نامی عربی یا فارسی) نام‌های دیگر آن: رومی: لویسطیقون - یونانی: قنالیون، لیفستیقون ساسالی، لیفطیقون، لیفسطیقون، سیالیوس - سریانی: نیلی یشا - رومی: کملاون - گویند نام «انجدان رومی» است.<sup>۲</sup> - تخم آن به فارسی «گل‌پر» نام دارد. رازی آن را «زوفرا» می‌داند. بعضی گفته‌اند نوع چهارم «سیسالیون» که با نام یونانی «طروبین» است. اشیبلی می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را بذر «کلخ» و گروهی نوعی «انجدان» و بعضی «سسیالون» یا «بسطیقون» که همان «انجدان رومی» و «کمون رومی» است، می‌دانند. نام نوعی از آن: سسیالون - کاشم صینی - منفوخه - بله بانته - بُلبراله - نوعی «ابی دالس» نام‌های نوع دیگر آن: فول الشعال - کاشم الریفی - طریدلیون - اقریطون - فاناقس خیرونیون - انطبذه - نام‌های نوع دیگر آن: سسیالیوس و سناتیا یعنی سنوت الجبلی - سنوت یعنی کمون - کمون الملوکی - طفارنه - طفاره - قلیقله - کاشم صغیر: طَرَح النواتیه - خَرَاء النواتیه - رَجُل البازی<sup>۳</sup> لیقُسطیقون (ligustikon): نام «کاشم» است و اهالی انطالیا به آن «رُزْعَد» گویند و آن را با گوشت بجای گیاه «التوبل» می‌پزند.

[این پیتاز (در ترجمه دیسکورید) ۴۸ - ۳]

<i>Levisticum officinale Koch.</i>	کاشم - لیقسطیقون - ززغد	دیسکورید
<i>Levisticum officinale Koch.</i>	اُنجدان رومی، کاشم، کاشم رومی	الموسوعه
<i>Levisticum officinale Koch.</i> <i>Ligusticum levisticum L.</i>	کاشم	زر. - طبای.
<i>Levisticum officinale Koch.</i>	کاشم رومی	خطابی
<i>Seseli tortuosum L.</i>	کاشم	خطابی

۱۵۱۲- کافور، کافورس، کافورث، کافورد، کافورف، کافورج، کافوری، کافورتی، نام‌های دیگر آن: هندی، کپور - پوست طلعه - .  
کُفری<sup>ع</sup> - کافور<sup>ع</sup> - شیر درخت «فوفل» است.<sup>غ</sup>

<i>Cinnamomum camphora</i> Nees. <i>Laurus camphora</i> L.	كافور	ز، خ، ط.
<i>Cinnamomum camphora</i> Nees. <i>Laurus camphora</i> L.	كافور	الموسوعه

۱۵۱۳ - کافوریوه<sup>س</sup>: نام دیگر آن: کافور یهودی<sup>س</sup>

زریاب	کافور بویه	<i>Camphorosma glabrum L.</i>
-------	------------	-------------------------------

۱۵۱۴ - کاکراسینکی<sup>۱</sup>: (نامی هندی)

۱۵۱۵ - کاکنج<sup>۱</sup>، کاکنج<sup>س</sup>، کاکنج<sup>۲</sup>، کاکنج<sup>۳</sup>، کاکنج<sup>۴</sup>، کاکنج<sup>۵</sup>، کاکنج<sup>۶</sup>، حب اللهق<sup>۷</sup>، حب الکاکنج<sup>۸</sup>، قسطولیدون<sup>۹</sup>: معرب «کاکنه» فارسی است. نوعی از اغلات است.<sup>۱۰</sup> - نوعی عروس در پرده است.<sup>۱۱</sup> - نام های دیگر آن: اهالی فارس: عروسک پس پرده<sup>۱۲</sup> - شیراز: کچومن<sup>۱۳</sup> - یونانی: اوسفدنون<sup>۱۴</sup>، بقغاین - سریانی: خمیری مرجا<sup>۱۵</sup> - رومی: اسقیدولون<sup>۱۶</sup> - عربی: جوزالمزج<sup>۱۷</sup>، حب اللهو<sup>۱۸</sup>، عُب<sup>۱۹</sup> - هندی: راجپونکه<sup>۲۰</sup>، بن پوتکه<sup>۲۱</sup>، بیر<sup>۲۲</sup> - لاتینی: هلیله کایم<sup>۲۳</sup> - مرو: عروس در قبه<sup>۲۴</sup> - ماوراءالنهر: عروس رزانی<sup>۲۵</sup>، عروس در پرده<sup>۲۶</sup> - مغرب: حب اللهو<sup>۲۷</sup> - عنب الثعلب<sup>۲۸</sup> میفالا فالون<sup>۲۹</sup> - نام میوه آن: فسولیدس<sup>۳۰</sup> - فاس: عنب الثعلب<sup>۳۱</sup>، عنب الذیپ<sup>۳۲</sup> "خوزی" می گوید: دو گونه است: یکی را از ماه و اصفهان و شهرهای سردسیر می آورند.<sup>۳۳</sup> قاطاجانس<sup>۳۴</sup> گوید: کاکنج نوعی «عنب الثعلب» است که میوه اش سرخ است.<sup>۳۵</sup> دو نوع است یک نوع به شیرازی «عروس در پرده» خوانند و یک نوع دیگر «کچومن» گویند و بهترین آن بزرگ سرخ کوهی است.<sup>۳۶</sup> "اشبیلی" می گوید: دارای انواعی است ۱ - بستانی با نام های: عنب الثعلب البستانی - القباب - سطرخنوس - آبالش - فسولیدوس ۲ - نوع جیلی با نام های: سطرخنوس فنجوش - بلیار - مودیان - غالبه ۳ - شوطی: سلطان الجبل - سطرخنوس و قفالی ۴ - بری با نام های: أوبة قنینه - سطرخنوس - زئرق - فنا - روبادوج - ثعالة - ثلثان - دریقنن - مَجَنَن (دیوانه کننده) ۴ - مَنوم با نام های: فارسون - قراسیون - برون - وربوعن<sup>۳۷</sup> ۵ - مروج با نام های: کاکنج المروج - جوز القطاة - دروقنی - مراطولس<sup>۳۸</sup> [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۵: به عنب الثعلب، رجوع شود.]

ز.خ.ط.	کاکنج	<i>Physalis alkekengi L.</i>
الموسوعة	حبة کاکنجیه، کاکنج، کُرزالقدس، شاش القاضی	<i>Physalis alkekengi L.</i>
GLO.IN.	India: Kaknaj	<i>Physalis alkekengi L.</i>
GLO.IN.	Bombay: Kaknaj - Hendia: Akri - Bengal: Ashvaganda	<i>Withania coagulans Dunal</i>

۱۵۱۶ - کالاکوت<sup>۱</sup>: (نامی هندی به معنای سیاه گل)۱۵۱۷ - کالی زیری<sup>۲</sup>: (نامی هندی) نام دیگر آن: سوراج<sup>۳</sup>

۱۵۱۸ - کبابه<sup>۱</sup>، کبابه<sup>س</sup>، کبابه<sup>۲</sup>، کبابه<sup>۳</sup>، کبابه<sup>۴</sup>، کبابه<sup>۵</sup>، کبابه<sup>۶</sup>: (نامی عربی) نام های دیگر آن: عربی: حب العروس<sup>۷</sup> - یونانی: مهیلیون<sup>۸</sup> - رومی: فریغلیون<sup>۹</sup> - هندی: کباب چینی<sup>۱۰</sup> نوع بزرگ: حب العروس<sup>۱۱</sup> - نوع کوچک: فِلَنجَة<sup>۱۲</sup> "غسانی" می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «حب العروس» می دانند و گروهی می گویند «آس البری» است و آن دانه ای همانند دانه «ریحان» است و در کوه های شام بسیار رویش یافته و بهمین دلیل با بهای اندکی خرید و فروش می شود و نزد ایشان به «دارکیسه» معروف است و در عراق به آن «دارکسنة» و «کبابه» گویند و از داروهای خوشبوست که نزد ما در فاس به «کبابه هندی» معروف است.<sup>۱۳</sup>

ز.خ.پ.ط.	کبابه	<i>Piper cubeba L.</i>
الموسوعة	فلغل کبابه، حَب العروس، کبابَة	<i>Piper cubeba L.</i>

۱۵۱۹ - کبات<sup>۱</sup>، کبات<sup>س</sup>: گویند نام میوه «آراک» است و گویند نوعی از میوه «آراک» است.<sup>۲</sup>



السی<sup>۱۳</sup>، تیسسی<sup>۱۴</sup> - نام های تخم آن: عربی «بَزْرُکْتَان» یا «بَزْرُکْتَان»<sup>۱۵</sup> - فارسی: تخم کتان<sup>۱۶</sup>، کشدانک<sup>۱۷</sup>، کوشک دانک<sup>۱۸</sup> - شیرازی: برزک - هندی: السی کابیچ<sup>۱۹</sup>، تیسسی<sup>۲۰</sup> - سغد و سمرقند و فرغانه: زغیر<sup>۲۱</sup>، زغیره<sup>۲۲</sup> اشبیلی<sup>۲۳</sup> می گوید: دارای چهار نوع زراعی و غیر زراعی است. نام های زراعی آن عبارتست از: یونانی: لیئس فرمون - رومانی: لیناری - فارسی: قرمون و دارای دو نوع است: ۱- خلخل ۲- ابارتل یعنی باز شده زیرا بعد از رسیدن میوه پس از باز شدن، بذرها از آن خارج می شود. غیر زراعی آن در دو نوع است نام های آن عبارتست از: ۱- قنباله ۲- کتین - بربری: تیفتست ازوزغار<sup>۲۴</sup> لیئس فرمون (*Linis permon*): به «بز کتان» گویند و جالینوس آن را «الینو» می نامد. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۸ و ۹۷]

زریاب	کتان	<i>Linum usitatissimum L.</i>
دیسکورید	لینس برمون - کتان	<i>Linum usitatissimum L.</i>
الموسوعه	کتان	<i>Linum sp.</i>

۱۵۲۶ - کتم<sup>۲۵</sup>، کم<sup>۲۶</sup>، کم<sup>۲۷</sup>، کتم<sup>۲۸</sup>، کتم<sup>۲۹</sup> (نامی عربی)، خطر<sup>۳۰</sup>، فلفل القروء<sup>۳۱</sup> (دانه)، فلفل القروء (دانه): نام های دیگر آن: فارسی: وسمه<sup>۳۲</sup> - مازندران و تنکابن: شال حنی<sup>۳۳</sup> (به معنای حنای شغال) - خطار<sup>۳۴</sup> - نام نوعی به زبان بربری: زبوج<sup>۳۵</sup> نام های نوع دیگر: زغیج - غممر - فیلورا - اطیرنه - ازبوج - لطرنه<sup>۳۶</sup>

زریاب	کم - خطر	<i>Isatis tinctoria L.</i> <i>Buxus dioica For.</i>
خطابی	کم	<i>Buxus dioica For.</i>

۱۵۲۷ - کتنه<sup>۳۷</sup>، کتنه<sup>۳۸</sup>:

۱۵۲۸ - کتيله<sup>۳۹</sup>، کتيله<sup>۴۰</sup>:

۱۵۲۹ - کثیراء<sup>۴۱</sup>، کثیرا<sup>۴۲</sup>، کثیراء<sup>۴۳</sup>، کثیرا<sup>۴۴</sup>، کثیراء<sup>۴۵</sup>: صمغ گیاه خاردار در خراسان است و گویند صمغ «قتاد» است. نام های دیگر آن: صمغ القتاد<sup>۴۶</sup> - فارسی: گون<sup>۴۷</sup> - هندی: کتیرا<sup>۴۸</sup>، جیر<sup>۴۹</sup>، قادی<sup>۵۰</sup> - یونانی: طراغافینا<sup>۵۱</sup>، طراغافیا<sup>۵۲</sup>، طراغاقانی<sup>۵۳</sup>، دراغاقنی<sup>۵۴</sup> - سریانی: انفت الا<sup>۵۵</sup> - زول زده<sup>۵۶</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: طراغاقن<sup>۵۷</sup> - اهالی یمن ریشه آن را «وجد» گویند<sup>۵۸</sup>

طراغاقن<sup>۵۹</sup> (*Traagakantha*): نام «شوگ القتاد» است و به صمغ آن «کثیراء» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۰]

زر - طبا.	طراغاقانی - کثیراء	<i>Astragalus gummifera Lb.</i> <i>Astragalus tragacantha L.</i>
پارسا	کثیراء	<i>Astragalus gummifera Lb.</i> <i>Astragalus tragacantha L.</i>
الموسوعه	أسطراغالوس دَبَق، کثیراء بیضاء، قَتَاد الصمغ	<i>Astragalus gummifera Lb.</i> <i>Astragalus tragacantha L.</i>
دیسکورید	طراغاقنا - شوک القتاد - کثیراء	<i>Astragalus tragacantha L.</i>
خطابی	کثیراء	<i>Astragalus tragacantha L.</i>

۱- الموسوعة: گیاهی است کوهستانی با برگهایی مشابه برگ «آس» که نرم شده آن را برای حصاب استفاده می کنند و میوه های مانند میوه «فلفل» دارد که هنگام رسیدن سیاه رنگ می شود و گاهی از آن روغن می گیرند. ۲- الموسوعة: الكتلة هي النخلة فاتت الید.

- ۱۵۳۰ - کثیر الرؤوس<sup>ع</sup>، کثیر الرؤوس<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: یونانی: بولوفتیمین<sup>ع</sup> - بعضی «قرصنة» را نیز به این نام ذکر کرده‌اند.<sup>ع</sup>
- ۱۵۳۱ - کثیر الزکب<sup>ع</sup>، کثیر الزکب<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: غودیوله<sup>ع</sup> - یونانی: بولوغانط<sup>ع</sup>
- ۱۵۳۲ - کَحْلَاء<sup>ع</sup>، کَحْلَاء<sup>ع</sup>، کَحْلَاء<sup>ع</sup>: نوعی از ذکور اغلات است.<sup>ع</sup> - نام‌های دیگر آن: فدلقم<sup>ع</sup> - بلغیس<sup>ع</sup> - لسان الثور<sup>ع</sup> - سیسارون<sup>ع</sup> - نام نوع دیگر آن: شلبش<sup>ع</sup> به گیاه «لسان الثور» و همچنین به گیاه دیگری که شبیه به آنست، و به «لسان» نامیده می‌شود و همچنین به انواع «سَنجَار» و گاهی نیز به «عینون» می‌گویند.<sup>ع</sup> اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: گیاهان زیر از انواع کَحْلَاء هستند: ۱ - رجل الحمامة ۲ - اذن غزال: لصیقاء - لَضَق ۲ - قَفْعَاء: اخيون - مقامح ابلیس ۳ - اذن الحمار: فرسیون ۴ - لسان الفرس: شَطَاح ۵ - کَحْلَاء الجبلی<sup>ع</sup>

الموسوعه	سَنجَار صِباغی، اَنْشُورَة صِباغیَّة، بوغلصن الصباغین، جِنَّة الغول، کَحْلَاء
<i>Onosma echinoides L.</i>	
<i>Onosma tinctoria Bieb.</i>	

- ۱۵۳۳ - کَحْلَاء<sup>ع</sup>، کَحْلَاء<sup>ع</sup>، کَحْلَاء<sup>ع</sup>: اذن الثور<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: اندلس و مغرب: لسان الثور<sup>ع</sup> - بوغلصن، بلغیس - حاوزوان - جنجم - لِنْفُودِیوی یعنی لسان الثور<sup>ع</sup>
- ۱۵۳۴ - کَجُومَن<sup>ع</sup>: "چو من که دید" او را باین نام خوانند زیرا میوه او از برگ بیرون می‌آید؟ این درخت را عرب "مَنْ رَای مِثْلَی" می‌گوید.<sup>ع</sup>
- ۱۵۳۵ - کَحْجَار: (نامی هندی)
- ۱۵۳۶ - کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>: ثوم کُرَاثی<sup>ع</sup>، کاول<sup>ع</sup>، کاول<sup>ع</sup>، بزر الکراث<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: سریانی: کُرَاثَا، حطارا<sup>ع</sup> - فارسی: گندنا<sup>ع</sup> - کُرَاث<sup>ع</sup> (عربی) - فارسی و هندی: گندنا<sup>ع</sup> - اصفهان: تره<sup>ع</sup> - دیلم: کوار<sup>ع</sup> - لاتینی: کوپرکیسو<sup>ع</sup> - یونانی: فراسینا<sup>ع</sup> - رومی: قفلوطا<sup>ع</sup>، مروس<sup>ع</sup> - فلسطین: کراث شامی<sup>ع</sup> - قفالوط<sup>ع</sup>، قبلوط<sup>ع</sup> - طیطان<sup>ع</sup>، رَکَل<sup>ع</sup> اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: دارای انواعی است: ۱ - کُرَاث بری ۲ - کُرَاث رومی: راسن ۳ - کُرَاث الکرم: کراث الشامی - اولیه ۴ - کُرَاث نبطی: کراث الجبل ۵ - کُرَاث الصخر: ابچه ۶ - کُرَاث شامی: اندلسی، قفلوط
- بستانی آن را نبطی و جبلی آن را «فراسیون» نامند.<sup>ع</sup> - ابن سمجون می‌گوید: نام «کُرَاث نبطی» «کراث المائدة» است.<sup>ع</sup> نام‌های نوع بری: رومی: امفلویراسیون<sup>ع</sup> - سریانی: کراثادبرا<sup>ع</sup>، گندنا<sup>ع</sup> دشتی<sup>ع</sup> - «کاول» معادل نام «کُرَاث الکرم» است.<sup>ع</sup> "رازی" و "غافقی" نام دیگر «کُرَاث الشامی» را «قفلوط» می‌دانند<sup>ع</sup>
- "غافقی" می‌گوید «کُرَاث» دارای چهار نوع است: نوعی «کراث نبطی» و نوع دیگر «کوهیان» که در خراسان می‌روید و نوع سوم «کُلکان» که در ری و خراسان رویش دارد و نوع چهارم «لابس» که دارای بزری سیاه و غیر مدور است و در بابل می‌روید.<sup>ع</sup>
- فِرَاسْن قفالوطُن (*Parson kephalaton*): کراث شامی
- اَبْالْفِرَاسْن (*Ampeloprason*) به معنای «کراث الکرمی» و «کُرَاث بری» [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۴]

زر - طب.	کراث	<i>Allium porrum L.</i>
دیسکورید	کراث الشامی	<i>Allium ascalonicum L.</i>
دیسکورید	کراث الکرمی - کراث بری	<i>Allium ampeloparassum L.</i>
پارسا	گندنا - تره	<i>Allium porrum L.</i>
الموسوعه	کُرَاث معروف، کُرَاث رومی	<i>Allium porrum L.</i>
الموسوعه	کُرَاث البر، طَیْطَان	<i>Allium vineale L.</i>
الموسوعه	کُرَاث الدَّب	<i>Allium ursinum L.</i>
الموسوعه	کُرَاث الصخر، کراث اَسْبَانِیا	<i>Allium scorodoprasum L.</i>
الموسوعه	کُرَاث اُندلسی، کراث عَقْلُون، کراث اَبُو شَوْشَة، قُفْلُوط	<i>Allium ascalonicum L.</i>
الموسوعه	کُرَاث نبطی، بصل العَفْرِیت، ثوم الشرق	<i>Allium ampeloparassum L.</i>

<i>Allium roseum L.</i>	کراث و زدی، فزط	الموسوعة
<i>Allium ampeloprasum = A.porrum</i>	Arabic: Kirath - Bengal: Paru	GLO.IN.
<i>Allium ascalonicum L.</i>	Hendia: Kanda ; Lasum ; Gandana - Bengal: Gundhun	GLO.IN.
<i>Allium cepa L.</i>	Hendia: Piyaz - Bengal: Piaj	GLO.IN.

۱۵۳۷ - کراث<sup>۱</sup>، کراث<sup>۲</sup>، کراث<sup>۳</sup> (نامی عربی) نام های دیگر آن: عشبۃ الصباع<sup>۴</sup> - اندلس: عشبۃ السباع<sup>۵</sup>

<i>Euphorbia aculeata Forsk.</i>	کراث	زریاب
----------------------------------	------	-------

۱۵۳۸ - کریش<sup>۶</sup>: گویند «قثاء الکبر» است و خلافت آنچه محقق است «قثاء الحمار» است.<sup>۷</sup>

۱۵۳۹ - کردیلن<sup>۸</sup>: برخی پندارند نام «کاشم» است ولی اینگونه نیست بلکه نوعی «ساسلیوس» است و تلفظ صحیح آن «طردیلن» است.<sup>۹</sup>

۱۵۴۰ - کرَسَنَه<sup>۱۰</sup>، کرسنه<sup>۱۱</sup>، کرسنه<sup>۱۲</sup>، کرِسَنَه<sup>۱۳</sup>، کرسنه<sup>۱۴</sup>، کرِسَنَه<sup>۱۵</sup>، کشنی<sup>۱۶</sup>، نمیسقن<sup>۱۷</sup>: معرب کسینک<sup>۱۸</sup> نام های دیگر آن: عربی: حب البقر<sup>۱۹</sup> - یونانی: اوزنس<sup>۲۰</sup> - سریانی: کشنی<sup>۲۱</sup> - رومی: ناغیونس<sup>۲۲</sup> - فرنگی: بر<sup>۲۳</sup> - هندی: متر<sup>۲۴</sup> - فارسی: کسینک<sup>۲۵</sup>، گشن<sup>۲۶</sup>، کُشن<sup>۲۷</sup>، مشنگ گاوی<sup>۲۸</sup>، گاو دانه<sup>۲۹</sup> - جالینوس: ارویموس<sup>۳۰</sup> اوروبس (Orobos): نام های دیگر آن عبارتست از: کرَسَنَه<sup>۳۱</sup> - اهالی شام: کُشنی [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۹۳]

<i>Vicia ervillia Wi.</i>	اوروبس - کرسنه - کشنی - کشن	دیسکورید
<i>Ervum ervillia L.</i> <i>Vicia ervillia Wi.</i>	کرِسَنَه	الموسوعة
<i>Vicia ervillia Wi.</i>	کرسنه	زر. - خطا.
<i>Vicia ervillia Wi.</i> <i>Ervum ervilia</i>	کرسنه	طباطبائی

۱۵۴۱ - کرش<sup>۳۲</sup>: نوعی نفل نام های دیگر آن: یزبه نظره - جربونه

۱۵۴۲ - کَرَفَس<sup>۳۳</sup>، کرفس<sup>۳۴</sup>، کرفس<sup>۳۵</sup>، کرفس<sup>۳۶</sup>، کرفس<sup>۳۷</sup>، کرفس<sup>۳۸</sup>، مقدونس<sup>۳۹</sup>، مقدونس<sup>۴۰</sup>، یخصص<sup>۴۱</sup> (کرفس مشرقی)، اکرفس<sup>۴۲</sup>، اوراهیا سلیون (نوع جبلی)، براجیل<sup>۴۳</sup>، عمرو<sup>۴۴</sup>، یخصص (نوع بزرگ): کرفس معرب از کرفش یا کرسب فارسی است. نام های دیگر آن: یونانی: اوراسالیون<sup>۴۵</sup>، حیلث، سالیون، فطراسالیون - سریانی: کرفشا<sup>۴۶</sup> - رومی: باطراخیون<sup>۴۷</sup>، سیلنا<sup>۴۸</sup> - هندی: اجود<sup>۴۹</sup> - فرنگی: سلری<sup>۵۰</sup> - لاتینی: سلدهری<sup>۵۱</sup>، امبلوبراسون<sup>۵۲</sup>، عمرود<sup>۵۳</sup> - نام کرفس بزرگ: یخصص<sup>۵۴</sup> - مشرقی<sup>۵۵</sup> - نام نوع نهري: سریانی: کرفسادمیا<sup>۵۶</sup> - نام های نوع جبلی: سریانی: کرفسادطورا<sup>۵۷</sup> - فارسی: کرفس جوئی<sup>۵۸</sup> - اسمورنین<sup>۵۹</sup> - نام نوع بستانی: سالیون قیفون<sup>۶۰</sup> - نام ریشه به هندی: کُهرپا<sup>۶۱</sup> - نام بذر: کهریج<sup>۶۲</sup> - نام کرفس رومی: مقدونیس<sup>۶۳</sup> - دارای انواع فراوان بستانی، جبلی، صخری و مائی است و بستانی دو نوع است. کرفس را «بطرسالیون» و «ورسالیون» گویند.<sup>۶۴</sup> «غافقی» می گوید: نوعی کرفس به نام «أوراسالیون» معروف است که به معنای «کرفس جبلی» است.<sup>۶۵</sup> «دیسکورید» می گوید: نوع دیگر «کرفس» «بطراسالون» نام دارد که برگردان عربی آن به گفته «ابن بیطار» «کرفس الصخری» است. و آن «کرفس مقدونی» است. و نوع دیگر به نام «أفوسالیون» با برگردان عربی «کرفس العظیم» یا «کرفس النبطی»، «کرفس المشرقی»، «کرفس الشوی»، «کرفس العریض» و با نام بربری «تخصیص» است. و از «کرفس بستانی» بزرگتر است. و نوع دیگر آن «کرفس



بری» با نام یونانی «سمرنیون» است.<sup>۴</sup> اشبیلی می‌گوید: کرفس دارای انواع بسیاری است دو نوع آن بستانی و نوعی جبلی، صخری و مائی است و در یکی بودن «پترسالیئوس»، «اورسالیئون» و «کرفس العظیم» اختلاف است. برخی «پترسالیئوس» را نوعی «کرفس العظیم» می‌دانند، نام‌های دیگر آن عبارتست از: ابوسمس - بطرساموه، بعضی «اورسالیئون» را «کرفس الجبلی» می‌دانند، نام دیگر آن «سمرنیون» است. نام‌های دیگر «پترسالیئون» نیز عبارتست از: اغلیس، سواک العباس. نوع دیگر کرفس، «کرفس الصخری» با نام «انیولیون» است. «کرفس بستانی» دارای دو نوع کوچک و بزرگ است نام‌های نوع بزرگ آن عبارتست از: سیلن، سالیئون ریفان یعنی کرفس الریفی. نام نوع کوچک آن «سالیئون ایمارش» است. نوع دیگر کرفس «کرفس مائی» است نام‌های آن عبارتست از: افریون، افوسالیئن، رواش، شنفیل، افریوش، قریون، قلام، علام، جنداء، جندة الماء، مائده. نوع دیگر کرفس «کرفس المّ» است نام‌های آن عبارتست از: فلفل الماء، سمرنیون، سمربا، سیسارون، سیسنبرون، جرجیر الماء. نوع دیگر کرفس «بوطل» است و شش قسم است: ۱ - بوطولون: بوطلی، رعی الضفادع، شجرة الضفادع، سالین، ورد الحب، کبیکج، بطراخیون ۲ - کرفس المجوسی ۳ - قبتوریة ۴ - جبلی کشنده ۵ - کف الهمّ، راحة الکلب<sup>۵</sup>

سالیئوس قیفاؤن (*Selinon kepaion*): نام «کرفس البستانی» است که دیسکورید در ترجمه آن را «آلاوشالین» که همان «کرفس الماء» است، ذکر می‌کند. و همه پزشکان مغرب به آن «کرفس الاجامی» گویند، جالیئوس نیز آن را «کرفس بستانی» نامد.

افوسالیئون (*Hipposelinon*): به معنای «کرفس العظیم» و از انواع بزرگ «کرفس» است و به بربری به آن «یخصص» گویند و اهالی اسکندریه آن را «اجزنی» گویند و به بذر آن در مصر «بطراسالیئون» گویند که این نام برای آن اشتباه است.

سمرنیون (*Smurnion*): نام «کرفس بری» است. [این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۱ و ۶۲ و ۶۳]

<i>Apium petroselinum L.</i> <i>Apium graveolens L.</i>	کرفس	زر. - طب.
<i>Petroselinum sativum Hoffm.</i>	کرفس رومی یا مقدونیس	زریاب
<i>Sium latifolium L.</i> <i>Apium Gr.</i>	کرفس الماء کرفس بستانی	دیسکورید
<i>Smyrniium perfoliatum L.</i>	افوسالیئون - کرفس العظیم	دیسکورید
<i>Smyrniium olusatrum L.</i>	سپرونئون - کرفس بری	دیسکورید
<i>Ferula sumbul Hook.</i>	ریشه کلفس (به لهجه افغانی) - کرفش	پارسا
<i>Apium graveolens L.</i>	کرفس نبطی، کرفس	الموسوعة
<i>Sium latifolium L.</i>	کرفس الماء، کرفس بستانی، کرفس الاجامی	الموسوعة
<i>Smyrniium olusatrum L.</i>	سمرنیون، کرفس بری	الموسوعة
<i>Apium graveolens L.</i>	کرفس لفتی	الموسوعة
<i>Petroselinum sativum Hoff.</i> <i>Carum petroselinum Benth. &amp; Hook.</i> <i>Apium petroselinum</i> <i>Apium vulgare L.</i>	کرفس رومی، بتدونس، مقدونس	الموسوعة
<i>Athamanta oreoselinum L.</i> <i>Petroselinum oreoselinum</i>	کرفس الجبل	الموسوعة
<i>Levisticum officinale</i>	کرفس الجبل	طباطبانی
<i>Prangos pablaria L.</i>	کرفس کوهی	طباطبانی
<i>Apium graveolens L.</i>	کرفس الماء	طباطبانی
<i>Apium graveolens L.</i>	تخم کرفس - گل کرفس	پارسا
<i>Apium graveolens L.</i>	کرفس	خطابی

۱۵۴۳ - کَرْكَرْهَنْ، کرکروهان: (نامی بربری) گویند نام «عافر قرحا» است.<sup>ع</sup>

زر - طب.	کرکروهان	<i>Anacyclus pyrethrum D.C.</i>
----------	----------	---------------------------------

۱۵۴۴ - کَرْكَمْ، کرکم، کرکون: "غسانی" می گوید: نام دیگر آن «زعفران هندی» است و دارای دو نوع بزرگ و کوچک است، کوچک آن با نام «مامیران» و بزرگ آن با نام «کرکم» معروف است.<sup>ع</sup> "صاحب منهاج" گوید «زعفران» است و "صاحب جامع" می گوید نام ریشه گیاهی است. "دیسکورید" به آن «خالدونیون طوماغا» گوید و نوع بزرگ آن «عروق الصباغین» یا «عروق الصفر» نام دارد و گیاه آن را «بقلة الخطاطیف» گویند و به «کرکم» معروف است نزد ما ریشه هائی است که از هند می آورند و نام فارسی آن «قرمد» است.<sup>ع</sup> و هم او گوید اصول [ریشه های] «ورس» است.<sup>ت</sup>

الموسوعة	كَرْكَمْ	<i>Curcuma sp.</i>
الموسوعة	كَرْكَمْ أَسود، جذوار أندلسی	<i>Curcuma caesia</i>
الموسوعة	كَرْكَمْ زَدوار، زَدوار، جذوار عقید، سطوال	<i>Curcuma zedoaria</i>
الموسوعة	كَرْكَمْ صباغی، هُزْد، عقیده هندی، مامیران، أصابع صفر	<i>Curcuma longa</i>
خطابی	كَرْكَمْ	<i>Curcuma longa</i>

۱۵۴۵ - کرکی: نوعی خیار - نام های دیگر آن: فارسی: کلک یا کلنک

۱۵۴۶ - كَرْم، کرم، کرم کرم، کرم بری، کرم بستانی، فقاق الکرم: (نامی عربی) نام های دیگر آن: درخت تاک - یونانی: اولیاطیوم - سریانی: کبیشاحمرا - رومی: دیدرون آسیا، افلوس - فارسی: تاک، زر - هندی: داکهه جهاز - نام شکوفه انگور: فقاق الکرم - فارسی: ول وجه تسمیه آن به «کرم» بخاطر کرم گیاه است بگونه ای که میوه هایش در دسترس کوچک و بزرگ قرار می گیرد.<sup>ع</sup> [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۷: به وغب، رجوع شود.]

ز. - خ. - ط.	کرم	<i>Vitis vinifera L.</i>
--------------	-----	--------------------------

۱۵۴۷ - کِرْمَدَانَه، کِرْمَدَانَه، کِرْمَدَانَه (نامی فارسی)، مَثان: نوعی از قُرَيْص برگردان عربی آن: حب الدود نام های دیگر آن: رومی: اقلفوس، اقلفی - سریانی: نبات نورا - کرویان - خرمدانق "غافقی" می گوید: میوه درخت «مَثان» است.<sup>ع</sup> "زین الدین عطار" می گوید: بعضی آن را «انجر» گفته اند که اشتباه است و مؤلف می گوید به تحقیق نام تخم نوعی «مازیون» است.<sup>ت</sup>

الموسوعة	کِرْمَدان، مَثان	<i>Nartheicum sp.</i>
الموسوعة	کِرْمَدان مَثَمی، خُثی کَذاب	<i>Nartheicum ossifragum Huds.</i>
طباطبائی	کِرْمَدانه	<i>Daphne gnidium L.</i> <i>Urtica urens</i>

۱۵۴۸ - كَرْكَنْب، کَرْكَنْب، کَرْكَنْب، کَرْكَنْب، بَقلة الأنصار، کَرْكَنْب، بذر الکرنب: کَرْكَنْب، کَرْكَنْب (معرب از کرم فارسی) نام های دیگر آن: فارسی: کلم - اصفهانی: قمريت - یونانی: قرنبا، قرنبو - سریانی: کرنبا، کرانی، کَرْابا - رومی: عاریسا، اغریا، اغرسود و طوس، اغرسطورون، بدیلئون - عربی: بقلة الانصار - نام بذر: تخم کرنب - شیرازی: تخم کلم - دو نوع نبطی و خوری است. - دارای انواع مختلفی است: نوعی از آن «گل کلم» و نوعی



به آن «قَصْبور» گویند.<sup>۱</sup> نام های دیگر آن: سریانی: کسبر تا<sup>۲</sup>، جلجلان<sup>۳</sup> به خشک آن گفته می شود - یونانی: بردنمانمون<sup>۴</sup>، فوربون<sup>۵</sup> - نبطی: فاتره<sup>۶</sup> - فارسی: گشنیز<sup>۷</sup> - هندی: دهنیه<sup>۸</sup>، کوتهمیر<sup>۹</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: قوریانون<sup>۱۰</sup> «اشبیلی» می گوید: دارای انواعی است: ۱ - نوع بستانی با نام های: قوریون، یقده، قلاتره، خلجا، خلجلا ۲ - قلاتره کمبائیه یعنی بری، کزبر الصخری، کزبر السحری ۳ - کُزْبَرَة البیر: ادیانطن، برشیاوشان، کامن قزبان، برشیاوشان داوران، ارجقیل، شعر الجان، شعر الخنازیر، قُرش قَبْلَه یعنی انیت الشعر، شعر الغول، شعر الماء، فغلون، یزبه بانکه، قَبْلَه موره یعنی شعر کبیر ۳ - رَقْعَة الصخریه: طرینخومانس، بیقام الجن، شعر الجن، شعر الغول، لَخِیَة الجَمَل، ظفائر الجن، ضابطه<sup>۱۱</sup>

قوریون (Korion): نام های دیگر آن عبارتست از: کُزْبَرَه - دانه: تَقْدَه [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۵۹]

Coriandrum sativum L.	قوریون - کزبره - تقده	دیسکورید
Coriandrum sativum L.	کزبره	زر. - خط.
Coriandrum sativum L.	گشنیز	پارسا
Coriandrum sp.	کُزْبَرَة، کُزْبَرَة، کُشْبَرَة	الموسوعه
Coriandrum sp.	کُزْبَرَة	طباطبائی

۱۵۵۴ - کُزْبَرَة الثَّعْلَب<sup>۱</sup>، کزبره الثعلب<sup>۲</sup>، کسیره الثعلب<sup>۳</sup>، کزبره الثعلب<sup>۴</sup> (نامی اندلسی): نوعی بقل نام های دیگر آن: سیدیریطس<sup>۵</sup> - الف ورق

سندریطس اخر (Hetera sidritis): نام «کُزْبَرَة الثَّعْلَب» است و در بام ها و دیوار خانه ها می روید. [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۱]

Achillea tomentosa L.	سندریطس - کزبره الثعلب	دیسکورید
Poterium sanguisorba L.	کُزْبَرَة الثعلب، بَلَّان میخجام	الموسوعه

۱۵۵۵ - کُزْوان<sup>۱</sup>، کُزْوان<sup>۲</sup>: نام های دیگر آن: بقله اترجیه<sup>۳</sup>، بقله فلفلیه<sup>۴</sup> (به دلیل بوی آن) «غافقی» می گوید: گویند نام «بادرنجویه» است و همچنین گویند نام «بادرنویه» است.<sup>۵</sup> فلاحه می گوید: نام «بقله الأترجیه» معروف به «بادرنجویه» است و همچنین به خاطر تند بودن آن به نام «لفله» نیز مشهور است.<sup>۶</sup>

۱۵۰۸ - کسیره الحمام<sup>۷</sup>: نوعی «شاهترج»<sup>۸</sup>

۱۵۵۶ - کُسموفا<sup>۹</sup>، کُسمویه<sup>۱۰</sup>:

۱۵۵۷ - کُشُول<sup>۱۱</sup>: (نام گیاهی رومی)

۱۵۵۸ - کُشُونْدِی<sup>۱۲</sup>: کسونجی<sup>۱۳</sup> (نامی هندی)

۱۵۵۹ - کُسیرو<sup>۱۴</sup>: (نامی هندی)

۱۵۶۰ - کسیفون<sup>۱۵</sup>: نوعی از «سوسن بری» معروف به «دُکُوث» و «سَیْف الغراب» که «دور حولی» نیز نامیده می شود.<sup>۱۶</sup>

Gladiolus communis L.	کسیفون	EN.
-----------------------	--------	-----

۱۵۶۱ - کُسیلی<sup>۱</sup>، کُسیلا<sup>۲</sup>، کُسیلا<sup>۳</sup>: (نامی نبطی)

۱۵۶۲ - کُشْت بَزْکُشْت<sup>۴</sup>، کُشْت برْکُشْت<sup>۵</sup>، کُشْت برْکُشْت<sup>۶</sup>، کُشْت برْکُشْت<sup>۷</sup> (نامی فارسی)، سوراهند<sup>۸</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: کُشْت برْکُشْت<sup>۹</sup> - عربی: التواء بر التواء<sup>۱۰</sup> (به معنای زرع علی زرع)، سواد السند<sup>۱۱</sup>، سواد الهند<sup>۱۲</sup>، سواد الاکراد<sup>۱۳</sup> - فارسی و شیراز: پیچک<sup>۱۴</sup> - اهل شبانکاره فارس: بچو<sup>۱۵</sup> - عربی و یونانی: که از هند فناغیوس<sup>۱۶</sup> - رومی: بروطوس<sup>۱۷</sup> - هندی: پهیلی<sup>۱۸</sup> - بعضی نام دیگر آن را «برکشان» خوانده اند.<sup>۱۹</sup> - می آورند.<sup>۲۰</sup>



البارد ۲ - راحة الكف: نوعی «بوظل»

۱۵۷۳ - کُف الضَّبْع، کف الضبَع: (نامی عربی) غافقی: گاهی با این نام منظور «کیکج» است و «کف الضبَع» نوعی از «کیکج» است.<sup>ع</sup> [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۷: به «کیکج» رجوع شود.]  
 ۱۵۷۴ - کف عایشه<sup>ش</sup>:

۱۵۷۵ - کف القرد<sup>ش</sup>: نوعی خربق الاسود<sup>ش</sup>

۱۵۷۶ - کف الکلب<sup>ع</sup>: «صاحب منهاج» می گوید: بدشکان<sup>ع</sup> - ابو عباس نباتی می گوید: کف مریم حجازی<sup>ع</sup>  
 ۱۵۷۷ - کُف الهَر، کف الهَر، کف الهَر<sup>ش</sup>: (نامی عربی) نوعی از «کف الضبَع»<sup>ش</sup> نام های دیگر آن: مدلوک<sup>ش</sup> - خُودان<sup>ش</sup> - صفیراء<sup>ش</sup> - اسنان الفار<sup>ش</sup>

الموسوعة	کف الهَر، خُودان حَفَلی، شَفِیق حَفَلی	<i>Ranunculus arvensis L.</i>
----------	--	-------------------------------

۱۵۷۸ - کُف المَریم، کف مریم<sup>ع</sup>: (نامی عربی) کف عایشه<sup>ع</sup> - هندی: کتھاجوری<sup>ع</sup> گویند نام «أصابع الصفر» است اما اهالی غرب اندلس این نام را برای «بنطافن» و بعضی نیز برای «بنجنگشت» بکار می برند و اما در شهرهای مصر این نام را برای گیاه دیگری می گویند.<sup>ع</sup> [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۸: به «بنطافن» رجوع شود.]

الموسوعة	سرساد - آرند - بنجنگشت - فنجنکشت - شجرة ابراهيم - کف مریم	<i>Vitex agnus castus</i>
----------	---	---------------------------

۱۵۷۹ - کُفَر<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: قردب الاسود<sup>ش</sup>۱۵۸۰ - کُلت<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: ماش هندی<sup>ع</sup>

زریاب	کلت	<i>Dolichos biflorus L.</i> <i>Lithospermum officinale L.</i>
-------	-----	--

۱۵۸۱ - کُکُروْل<sup>ع</sup>: (نامی هندی)۱۵۸۲ - کُکُروْندَه<sup>ع</sup>: (نامی هندی) گویند نام «کماذریوس» است.<sup>ع</sup>

۱۵۸۳ - کُلُخ<sup>ع</sup>، کُلُخ<sup>ع</sup>، کُلُخ<sup>ش</sup>: (نامی سریانی) نام کلخ معروف «قنا» است نام های دیگر آن: عامه اندلس: قَنَة<sup>ع</sup> - اهالی مصر: أَشَق<sup>ع</sup> - اهالی ثغر: قَانَش<sup>ش</sup> - نَرْتَقَس<sup>ش</sup> - اوفال<sup>ش</sup> - مَرَح<sup>ش</sup>

سَفْدُولیون (*Sphondulion*): کُلُخ الذَّلْبی - بربری: تافیفرانَرْتَقَس (*Narthekos*): نام های دیگر آن: اندلس: کُلُخ الکبیر - شجر القنا - نارتکس [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۷۲ و ۷۳]

دیسکورید	سَفْدُولیون، کُلُخ الذَّلْبی، تافیفرا نَرْتَقَس، کُلُخ الکبیر، شجر القنا، نارتکس	<i>Heracleum spondylium L.</i> <i>Ferula communis L.</i>
الموسوعة	قَنَة مَبْدُولَة، کُلُخ نَرْتَقَس، کُلُخ الکبیر، شجر القنا، نارتکس	<i>Ferula communis L.</i>

۱۵۸۴ - کُل داودی<sup>ع</sup> (گل داودی): نام دیگر آن به لاتینی: «برطینی»<sup>ع</sup>۱۵۸۵ - کل مِهَنْدی<sup>ع</sup>: (نامی هندی)۱۵۸۶ - کِلَز<sup>ع</sup>: (نامی هندی)







۱۶۰۱ - کُمُکُوت: (نامی فرنگی به معنای صمغ «درخت کوت» است.) نام‌های دیگر آن: کوتا کبنا، غوتاغبنا<sup>۱</sup> - انگلیسی: کمبنوس<sup>۲</sup> - پرتغالی: برون<sup>۳</sup> - نزد عوام مشهور به «عصاره ریوند» است.<sup>۴</sup>

۱۶۰۲ - کُمُون، کُمُون، کُمُون، کُمُون، کُمُون، کُمُون، سنوت<sup>۵</sup>: نامی عربی معرب «خامون» یونانی یا «کمون» سریانی نام‌های دیگر آن: فارسی: زیره<sup>۶</sup>، قومینون<sup>۷</sup> - هندی: زیره<sup>۸</sup>، بیره<sup>۹</sup>، جیره<sup>۱۰</sup> - عربی: سنوت<sup>۱۱</sup> - رومی: اسفیقوس<sup>۱۲</sup>، قومینون<sup>۱۳</sup> - یونانی: کرمینون<sup>۱۴</sup>، کومینون<sup>۱۵</sup> - سریانی: کمونا<sup>۱۶</sup> - قُمِنَش، کُمِنَش<sup>۱۷</sup> - نام‌های نوع بری: رومی: قافنیس<sup>۱۸</sup>، قافتون<sup>۱۹</sup> - سریانی: کمونادبرا<sup>۲۰</sup>، کومنون اغریون<sup>۲۱</sup> - نام‌های نوع هندی: رومی: اسطبخیس<sup>۲۲</sup>، اصطیفیقوس<sup>۲۳</sup> - سریانی: کمونا هندو<sup>۲۴</sup> - فارسی: زیره هندو سیاه<sup>۲۵</sup> - هندی: اجاجی<sup>۲۶</sup> - سندی: جیروا<sup>۲۷</sup> - جالینوس: امراطیون<sup>۲۸</sup> - «ابن سینا» می‌گوید: کمون دارای انواع، کرمانی، فارسی، شامی، و ببطی است.<sup>۲۹</sup> آشبیلی<sup>۳۰</sup> می‌گوید: دارای انواعی است برخی عبارتند از: ۱ - کمون کرمانی: فانقوس ۲ - کمون البری: قیمین اغریون ۳ - کمون حبشی: نانخه، ننبیا ۴ - کمون الحلو: انیسون ۵ - کمون الرومی: اندراسیون، بربطوره ۶ - کمون الملوکی: ششتره ۷ - کمون صخری ۸ - کمون هندی: شونیز بری کومینون (*Kuminon to hemeron*): کمون الایض - کمون الکرمانی - دیسکورید: کمون الملوکی کسی که نوع کرمانی را غیر از این می‌داند دچار اشتباه شده است.

قیمینون اُغریون (*Kuminon agrion*): به معنای «کُمُون البری» و دو نوع است و اسمی غیر آن نمی‌شناسم.

آمی (*Ami*): کُمُون الحبشی - سریانی: التینیا - نانخواه [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۶]

<i>Cuminum cyminum L.</i>	کمون، کومینون، کمون الایض، کمون الکرمانی	دیسکورید
<i>Lagoecia cuminoides L.</i>	قیمینون اُغریون، کمون البری	دیسکورید
<i>Carum copticum Benth.</i>	کمون الحبشی، التینیا - نانخواه	دیسکورید
<i>Carum bulbocastanum Koch.</i> <i>Carum carvi</i>	زیره سیاه کرمانی	پارسا
<i>Cuminum cyminum L.</i>	زیره سبز - زیره سفید	پارسا
<i>Cuminum cyminum L.</i>	کُمُون، سَنُوت، سِنُوت	الموسوعه
<i>Cuminum cyminum L.</i>	کمون	ط.، ع.، E.

۱۶۰۳ - کُمُون الأسود<sup>۳۱</sup>: این نام هم به «کمون» سیاه رنگ و هم به «حبه السوداء» گفته می‌شود.<sup>۳۲</sup>

۱۶۰۴ - کمون حبشی<sup>۳۳</sup>: نام دیگر آن: کمون بری<sup>۳۴</sup>

۱۶۰۵ - کناوس<sup>۳۵</sup>:

<i>Cynara scolymus L.</i>	کناوس	زریاب
---------------------------	-------	-------

۱۶۰۶ - کنبات<sup>۳۶</sup>:

<i>Equisetum arvense L.</i>	امسوخ، کُنْبات الحَقْل، ذَنْب الخَيْل، شَيْالَة	الموسوعه
<i>Equisetum hyemale</i>	امسوخ شتوی، کُنْبات الشتاء، حَشِيشَة الطَوْخ، ذَنْب الفرس	الموسوعه

۱۶۰۷ - کَنَب<sup>۳۷</sup>:

<i>Eleusine coracana Gaer.</i>	کَنَب	زریاب
--------------------------------	-------	-------

۱۶۰۸ - کُنْدُرْ، کُنْدَرْ (لغت فارسی یا عربی)، کُنْدَرَسْ، کُنْدَرْ، کُنْدَرْ (نامی فارسی)، کُنْدَرْ، کُنْدَرْ، لُبَانْ، عود العطاس<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: یونانی: قیوطیسرون<sup>۵</sup> - سریانی: لیانئون<sup>۶</sup>، لبونا<sup>۷</sup>، لبنا<sup>۸</sup> - رومی: سیفروس<sup>۹</sup> - کُنْدَرْ دریایی<sup>۱۰</sup> - عربی: لُبَانْ، لُبَانْ - اصمعی<sup>۱۱</sup> گوید سه چیز است که از یمن برخیزد و در هیچ جای دیگر نبود: «لبان» و «ورشن» و «عصب» یعنی برد یمنی و ابوحنیفه گوید «لبان» نبود مگر بر درختهای عمان و درخت آن خارناک بود و قد آن دو گز زیاده بود و نرئید مگر در کوه و ورق و ثمر آن مانند «مورد» بود و عک وی را «کزر» و «نسج» گویند و به یونانی «لبیانوا» خوانند<sup>۱۲</sup>.

الموسوعه	لُبَانْ هندی، لُبَانْ دَكْرْ بَشَنجْ هندی، کُنْدَرْ	<i>Boswellia serrata</i> Roxb.
ز. خ. ط.	کُنْدَرْ - لبان	<i>Boswellia carterii</i> Bird W. <i>Boswellia serrata</i> Roxb.
EN.	کُنْدَرْ	<i>Boswellia</i> sp.

۱۶۰۹ - کُنْدَرِی<sup>۱۳</sup>:

۱۶۱۰ - کُنْدَشْ، کُنْدَشْ، کُنْدَسْ، کُنْدَسْ، کُنْدَسْ، کُنْدَسْ، عود العطاس<sup>۱۴</sup>: نوعی جنبه نام های دیگر آن: فارسی: بیخ کازران<sup>۱۵</sup>، کُنْدَشْ، کُنْدَشْ - رومی: اسطروثیون<sup>۱۶</sup>، دریولطاس<sup>۱۷</sup> - قُنْدَسْ - سطروثیون - برله - اسطرس - سراج القطرب<sup>۱۸</sup> نام نوع دیگر آن: بطرمیقی تاغیغشت - نام گیاه نزد رازی: عطشان - قولانه<sup>۱۹</sup> آشیلی<sup>۲۰</sup> می گوید: عوام به آن «بقلة» گویند و ریشه هائی را که از آن جدا می کنند «کُنْدَسْ» می نامند و از آنجا که این گیاه در شب می درخشد معروف به «سراج الظلام» است و از داروهای کُشَنده می باشد. نوع دیگر آن مشابه «کنکر» با نام «سعود الدواب» است که اهالی فاس در مغرب به آن «تغیغشت» گویند و از ریشه های آن در شستشوی لباس استفاده می کنند<sup>۲۱</sup>.

زر. - خطا.	کُنْدَشْ	<i>Gypsophila struthium</i> L.
پارسا	کُنْدَشْ - بیخ کازران	<i>Veratum album</i> L.
الموسوعه	کُنْدَسْ	<i>Gypsophila</i> sp.
EN.	کُنْدَسْ	<i>Schoenocaulon officinale</i> A. Gray

۱۶۱۱ - کُنْدَلَا<sup>۲۲</sup>: (گیاهی آبی) نام های دیگر آن: نام پوست: ایدع<sup>۲۳</sup> - حجاز: شوره<sup>۲۴</sup>  
 ۱۶۱۲ - کُنْکَهی<sup>۲۵</sup>: نام های دیگر آن: کُنْکَهی<sup>۲۶</sup> (نامی هندی) - فارسی: درخت شانه<sup>۲۷</sup> (زیرا میوه آن مشابه شانه است).  
 ۱۶۱۳ - کُنْهَانْ، کُنْهَانْ: نام های دیگر آن: کونْهَانْ (مغرب از «کوهان» فارسی است).

الموسوعه	لُبْنَن، کُنْهَانْ	<i>Alkanna orientalis</i> (L.) Boiss.
----------	--------------------	---------------------------------------

۱۶۱۴ - کُنْهَنْبَلَه<sup>۲۸</sup>: جنسی طلع نام دیگر آن: نزد عرب: عِلْفَه<sup>۲۹</sup>

۱۶۱۵ - کُنْیَبْ، کُنْیَبْ، کُنْیَبْ (نامی یمنی): نوعی علس<sup>۳۰</sup> یا نوعی قرطمان است. بنا به نظری علس و بنابه نظر دیگر جُلْبَان است. نام گیاه در کتاب رازی<sup>۳۱</sup> «هرطمان» است. در کتاب دیسکورید با نام «اولیرا» دانه ای از جنس «راء» است<sup>۳۲</sup>. نام دیگر آن: دُزَه [این عبارت (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۷۵ و ۷۷ به دُزَاه و اولیرا، رجوع شود.]

دیسکورید	کُنْیَبْ - اولیرا زَاآ	<i>Triticum monococcum</i> L. <i>Triticum dicoccum</i> Schr.
----------	---------------------------	---

<i>Triticum monococcum</i> L. <i>Triticum spelta</i> L. <i>Triticum zea</i> Host.	کتیب	زریاب
<i>Triticum monococcum</i> L. <i>Triticum spelta</i> L.	کتیب	طباطبانی

۱۶۱۶ - کور<sup>۳</sup>، کور<sup>۴</sup>، نام دیگر آن: مقل الیهود<sup>۵</sup>

<i>Balsamodendron mukul</i> Hook.	کور	زریاب
-----------------------------------	-----	-------

۱۶۱۷ - کوشنبیل<sup>۶</sup>: (نامی از تنکابن و دیلم) نام‌های دیگر آن: طبرستانی: دیودار<sup>۷</sup> - مازندران و دامغان: گوزن گیاه<sup>۸</sup>، کومرثل<sup>۹</sup>

۱۶۱۸ - کوکب الأرض<sup>۱۰</sup>، کوکب الارض<sup>۱۱</sup>، کوکب<sup>۱۲</sup>: گویند کوکب، «قیمولیا» است و رازی گوید آن را «طلق» می‌خوانند. ابوحنیفه<sup>۱۳</sup> آن را نام گل «شکاص» که نوعی «استب» است و همچنین گل «رُشالة الابيض» می‌داند.<sup>۱۴</sup>

۱۶۱۹ - کونله<sup>۱۵</sup>: (نامی هندی)

۱۶۲۰ - کویت<sup>۱۶</sup>: نام‌های دیگر آن: کبیت<sup>۱۷</sup> (نامی هندی) - بنگالی: کتیل<sup>۱۸</sup>

۱۶۲۱ - کهرَباء<sup>۱۹</sup>، کهرَباء<sup>۲۰</sup>، کهرَباء<sup>۲۱</sup>، کهرَباء<sup>۲۲</sup>، مصباح الروم<sup>۲۳</sup>، مصباح الروم<sup>۲۴</sup>: لغت فارسی یا معرب از «کاهربای» فارسی است.<sup>۲۵</sup> نام صمغ درختی بزرگ از بلاد مغرب به نام «اروس بلغار» است.<sup>۲۶</sup> نام صمغ «جوز رومی» است.<sup>۲۷</sup> نام‌های دیگر آن: کاربا - ایلیقپوران<sup>۲۸</sup> - یونانی: دیامنطیس<sup>۲۹</sup> - سریانی: حمرما<sup>۳۰</sup> - رومی: هیغیرس<sup>۳۱</sup>، القطرون<sup>۳۲</sup>، ادمنطوس<sup>۳۳</sup>، القطرون<sup>۳۴</sup>، ادمنطوس<sup>۳۵</sup> - سریانی: دقتا<sup>۳۶</sup>، حیاثوا<sup>۳۷</sup>، السری<sup>۳۸</sup> - هندی: کپور<sup>۳۹</sup> - عربی: قرن البحر<sup>۴۰</sup>، مصباح الروم<sup>۴۱</sup> مترجمان کتاب‌های جالینوس و دیسکورید پنداشته‌اند «کهرَباء» صمغ گیاه «جوز رومی» است، ولی اینچنین نیست.<sup>۴۲</sup> ابن سینا<sup>۴۳</sup> می‌گوید: «کهرَباء» صمغ «کالستندروس» است.<sup>۴۴</sup>

اغیرس (Aigeiros): نام «شجرالجوزالرومی» است و به پوست آن «توز» گویند و دیسکورید نام صمغ آن را «کهرَباء» می‌داند. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۴

<i>Pinites succinifer</i> Goppe. & Bern. <i>Pinites stroboides</i> (Conw.) Sch.	ایلیقپورون - کاربا	زر - طب.
<i>Populus nigra</i> L.	اغیرس، شجرالجوزالرومی، کهرَباء، توز	دیسکورید

۱۶۲۳ - کهرنی<sup>۴۵</sup>: (نامی هندی)

۱۶۲۴ - کهورات<sup>۴۶</sup>:

۱۶۲۵ - کَیک‌واشه<sup>۴۷</sup>:

۱۶۲۶ - کیلکان<sup>۴۸</sup>، کلیکان<sup>۴۹</sup>: از انواع «کراث»<sup>۵۰</sup>

۱۶۲۷ - کَینتی<sup>۵۱</sup>: (نامی بنگالی)

۱۶۲۸ - گوزن گیاه<sup>۵۲</sup>: نام‌های دیگر آن: خرس گیاه، گوزنیک<sup>۵۳</sup>

<i>Eryngium maritimum</i> L.	گوزن گیاه	زریاب
------------------------------	-----------	-------

## حرف «ل»

۱۶۲۹ - لاذن، لاذن، لاذن، لاذن، لادن، لاذینون: نام های دیگر آن: رومی: لاذیون، قیستوس - عربی: لادن - فارسی: لادنه - لادن - فرنگی: لدان، "دیسکورید" می گوید: نوعی «قسوس» که بعضی از مردم به آن «لیدون» گویند. رطوبتی است که به پشم بز در هنگام چرا از گیاه «اسل» می چسبد این رطوبت از برگ های این گیاه ترشح می شود. در مغازه های عطاری شهر فاس آن را به «لاذن العنبری» می شناسند.

قستوس (Kisthos): نزد اهالی اندلس گیاه معروفی است و به آن «شقواس» (Xaguarza) گویند و عامه مغرب آن را «ورد جلی» نامند و نام دیگر آن «ورد الفحصی» است و دارای سه نوع است: نوع اول با گل سفید و نوع دوم دارای گل قرمز و در پای ریشه های آن گیاه «هیو قسطیداس» می روید و نوع سوم به نام «قستوس» با صمغی به نام «لاذن» است و این همان نوعی است که اهالی اندلس (به لاتینی) به آن «استب» (Estepa - Stipa) گویند و اسامی دیگر آن «حطب الفتح» و «شجر اللادن» و به لاتینی «ارتقش» به معنای «کثیر العصی» است. ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۱:

<i>Cistus villosus</i> L. <i>Cytinus hypocistis</i> L. <i>Cistus ladaniferus</i> L. <i>Cistus creticus</i> L.	دیسکورید قستوس، شقواس، ورد جلی، ورد فحصى (نوع اول) نوع دوم نوع سوم - قستوس - لاذن - استب - حطب الفتح
<i>Cistus</i> sp.	الموسوعه لاذن، قستوس، قسطوس، قیسوس، انایه
<i>Cistus ladaniferus</i> L.	الموسوعه لاذن آسبانی، قستوس لاذنی، شقواس، قستوس
<i>Cistus creticus</i>	الموسوعه لاذن آکرتی، قسطوس آفریطی، عیدم
<i>Cistus villosus</i>	الموسوعه لاذن طوطی، بزغون
<i>Cistus ladaniferus</i> L.	زریاب لاذن
<i>Trophaeum majus</i> L.	طباطباتی لاذن

۱۶۳۰ - لاعرین، رجل الارنب، رجل الأرنب: نام های دیگر آن: لاعون، ارنبی (زیرا گیاه مشابه پای خرگوش است). - عربی: رجل الارنب، ذبیح - لاتینی: لکونس - بربری: طرمیطس - جرمامه - باذلبیرنه - گویند رجل الأرنب نام همان گیاهی است که "دیسکورید" به آن «لاغون» گفته است.  
لاغون (Lagopun): به معنای «ارنبی» است زیرا برای ورم ارنب مفید است و بعضی آن را «حشرف» می دانند ولی صحت آن بعید است زیرا «حشرف» گیاهی خاردار است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۷]

<i>Trifolium arvense</i> L.	الموسوعه رجل الأرنب، نفل البر
<i>Trifolium arvense</i> L.	زریاب لاغون - ارنبی

۱۶۳۱ - لاغیه، لاغیه، لاغیه، لاغیه، لاغیه، لاغیه، لاغیه: «لاغیه» به فارسی «جمشیزک» است و او جنسی است از اجناس «یتع»<sup>۴۳</sup> «ابوجریح» می گوید: محل رویش گیاه در کوهپایه هاست.

<i>Euphorbia triaculeata</i> For.	لاغیه	زر. - طباطباتی
<i>Euphorbia esula</i> L.	لاغیه	خطابی

۱۶۳۲ - لالا، لالا، لالا، لالا: نام دیگر آن: سمسمه - گیاهی که از طرف مکه می آورند.



الاطینی (Elatine): نام «لَبْلَابِ المَجُوسِ» و «لَبْلَابِ الْأَحْرَشِ» است و عامه اندلس به آن «سراویل الكُكَّة» (Cuco - Cucus) و «شَحِيمَه» یا «سَحِيمَه» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۵ و ۳۶]

<i>Convolvulus arvensis L.</i>	القسمینی - لبْلَابِ الحَقِیقِی	دیسکورید
<i>Linaria elatine Mill.</i>	الاطینی، لبْلَابِ المَجُوسِ، لبْلَابِ الاحْرَشِ، شَحیمه	دیسکورید
<i>Convolvulus sp.</i>	لَبْلَاب	الموسوعه
<i>Convolvulus arvensis L.</i>	لَبْلَابِ الخُقُولِ، لَبْلَابِ صَغِيرٍ، طُربُوش الغراب	دیسکورید
<i>Veronica officinalis L.</i>	فیرونیکا مَخْزَنیة، لبْلَابِ المَجُوس	دیسکورید
<i>Convolvulus arvensis L.</i> <i>Dolichos lablab</i>	لَبْلَاب	طباطبائی
<i>Hedera helix L.</i>	لَبْلَاب - پیچک دردس (آستارا)، پلک (نور)، ولو، بلو بلوه (گرگان)، پاپیتال (تهران)	پارسا
<i>Hedera helix L.</i>	Bohar: Lablab - Kumaon: Bana	GLO.IN.
<i>Dolichos lablab</i>	لَبْلَاب	خطابی
<i>Convolvulus arvensis L.</i>	قربوله	خطابی

۱۶۴۳ - لبن الحماره: نوعی يتوع

۱۶۴۵ - لَبْنِی، لَبْنِی، لَبْنِی: نوعی «میعۀ» که از «اصطُرک» درست می شود. دارای شیرهای چون عسل به نام «عسل لبنی» است.<sup>۴</sup> - آنچه سایله - روان - بود آن را «عسل لبنی» خوانند و «میعۀ سایله» گویند و در آن حلاوت نبود و آن صمغ درخت رومی است.<sup>۵</sup>

<i>Styrax officinale L.</i>	اصطُرک، لَبْنِی، مِیَعَه	دیسکورید
<i>Liquidambar sp.</i> <i>Styrax officinale</i>	لَبْنِی	طباطبائی

۱۶۴۶ - لَبْنِکُو: (نام گیاهی در بنگالی)

۱۶۴۷ - لَبْجَالُو: (نامی هندی)

۱۶۴۸ - لَحَاءِ الغُول: نام های دیگر آن: فارسی: آردمانه<sup>۶</sup> - بربری: تامرت<sup>۷</sup>

۱۶۴۹ - لَبْجَانِی: نام های دیگر آن: رازی: حَرْشُف<sup>۸</sup> - فلاحه می گوید: نوعی خار به نام «خبر الکلب»<sup>۹</sup>

۱۶۵۰ - لَحْیَةُ التَّیْسِ<sup>۱۰</sup>، لَحْیَةُ التَّیْسِ<sup>۱۱</sup>، لَحْیَةُ التَّیْسِ<sup>۱۲</sup>، لَحْیَةُ التَّیْسِ<sup>۱۳</sup>: (نامی عربی) نام های دیگر آن: رومی: هیوفقسطیداس<sup>۱۴</sup>، هوفقسطیطاس<sup>۱۵</sup>، هوفقسطیداس<sup>۱۶</sup>، هوف طیداس<sup>۱۷</sup> - سریانی: دقنادعزی<sup>۱۸</sup> - جالینوس: قستوس<sup>۱۹</sup> - عامه اندلس: بسقواس<sup>۲۰</sup> - فارسی: اسلیخ<sup>۲۱</sup>، اسبلنج - شنکی<sup>۲۲</sup> - اصفهانی: شنگ<sup>۲۳</sup>، الاشنگ<sup>۲۴</sup> - یونانی: قسوس<sup>۲۵</sup>، قسادق<sup>۲۶</sup>، قسارت<sup>۲۷</sup> - اهل شام و شرق: اذئاب الخیل<sup>۲۸</sup> - ذنب الخیل<sup>۲۹</sup> - "ابن بیطار" می گوید: این گیاه نزد اهالی شام و غرب و شرق و سرزمین مصر معروف است و نوعی از آن در شهر فیوم مصر می روید. اما آن گیاهی که "حنین" در ترجمه کتاب جالینوس و دیسکورید به نام «لَحْیَةُ التَّیْسِ» نامیده با آنچه شرح داده شد متفاوت است و آن گیاهی است که به یونانی به آن «قستوس» گویند.<sup>۳۰</sup>

<i>Tragopogon pratensis L.</i>	سَلْسَفِیلِ المَرَجِ، لَحْیَةُ التَّیْسِ	الموسوعه
<i>Tragopogon pratense L.</i> <i>Cytisus hypocistis L.</i>	لَحْیَةُ التَّیْسِ	زرباب

<i>Tragopogon pratense</i> L. <i>Filipendula ulmaria</i> Maxim.	لحیة التیس	طباطبانی
<i>Tragopogon</i> sp. <i>Podospermum jacquinianum</i> Koch.	شنگ	پارسا
<i>Tragopogon</i> sp.	لحیة التیس	EN.

۱۶۵۱ - لُخْنِیس<sup>۱</sup> (نامی یونانی)، لخنس الأکلییة<sup>۲</sup>، لحنس الاکلیه<sup>۳</sup>؛ نوعی از «خیری جبلی» و آن خرامی است.<sup>۴</sup> «ابو عباس نباتی» می‌گوید: نام گیاه «اکلیلی» نامیده شده زیرا آن را بر روی تاج‌ها قرار می‌دهند و نزد من نوع جبلی «خیری» با گل بنفش است.<sup>۵</sup> «دیسکورید» می‌گوید: «لخنس آگریا» در همه حالت‌ها مشابه «لخنس بستانی» است.<sup>۶</sup> لُخْنِیس الاکلیة (*Lukhnis stepha nomatike*): نوعی «لوقاس» با رنگ بنفش است و چون از نظر طبقه بندی آن را جزء گیاهان چتر دار می‌دانند به آن «اکلیلی» گویند.

لُخْنِیس آگریا (*Lukhnis agria*): نام آن «خُرامی» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۶]

<i>Lychnis coronaria</i> Desf.	لخنس الاکلیه	دی.، EN.
<i>Agrostemma githago</i> L.	لخنس آگریا - خرامی	دیسکورید
<i>Lychnis</i> sp.	لُخْنِیس	الموسوعه
<i>Lychnis chalconica</i> L.	لخنس آگریا	EN.

۱۶۵۲ - لِسَان الایِل<sup>۱</sup>؛ (نامی عربی)؟ الالسفاکس (*Eelisphakon*): به معنای «لسان الایِل» است و در اندلس به آن «ناعمة» گویند و به لاتینی «شالییه» نام دارد. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳۱]

<i>Salvia officinalis</i> L.	الالسفاکس - لسان الایِل، ناعمه، شالبیه	دیسکورید
------------------------------	--	----------

۱۶۵۳ - لِسَان الثَّور<sup>۱</sup>، لسان الثور<sup>۲</sup>، لسان الثور<sup>۳</sup>، لسان الثور<sup>۴</sup>، لسان الثور<sup>۵</sup> (نامی عربی)، بوغُلَصَن<sup>۶</sup> (نامی یونانی)، کاوزاون<sup>۷</sup> (نامی فارسی)، مَفْرَح<sup>۸</sup>، مَفْرَح<sup>۹</sup>، حُمَحُم<sup>۱۰</sup> (اهالی شام و شرق و دیار بکر)، کاوزبان<sup>۱۱</sup>: گویند نوعی «مرو» است.<sup>۱۲</sup> نام‌های دیگر آن: فارسی: گاوزبان<sup>۱۳</sup>، گاوزوان<sup>۱۴</sup> - یونانی: نو<sup>۱۵</sup> - لاتینی: بکلورم<sup>۱۶</sup>، یراجم<sup>۱۷</sup> - هندی: سنکاهولی<sup>۱۸</sup> - رومی: بوغُلوسن<sup>۱۹</sup> - سریانی: لشان ثورا<sup>۲۰</sup>، رقبه<sup>۲۱</sup> - ابن سینا: کاوزان<sup>۲۲</sup>

<i>Echium amoenum</i> Fis.& Mey. <i>Caccinia glauca</i> Savi. <i>Trichodesma molle</i> DC. <i>Trichodesma zeylanicum</i> R.Br. <i>Trichodesma indicum</i> DC. <i>Anchusa italica</i> Retz. <i>Anchusa hybrida</i> Ten.	گل کاوزبان	پارسا
<i>Echium sericeum</i> Vahl.	برگ کاوزبان	پارسا
<i>Pulmonaria officinalis</i> L.	قسمی کاوزبان	پارسا
<i>Anchusa italica</i> Retz. <i>Borago officinalis</i> L.	لسان الثور	زر - طب.
<i>Anchusa officinalis</i> L.	أنشوزة مخزنیه، بوغُلَصَن مخزنی، دُبُون، لسان الثور المخزنی	الموسوعه

<i>Borrago officinalis</i> L.	لسان الثور	EN.
-------------------------------	------------	-----

۱۶۵۴ - لسان الجمل<sup>ع</sup>: "غافقی" می‌گوید: برخی پنداشته‌اند «لسان الثور» است ولی چنین نیست بلکه آن گیاهی است که به آن «أذن الثور» و «كحلأ» گویند... و به عجمی اندلس «أدادی» نام دارد.<sup>۴</sup> ابن بیطار<sup>۵</sup> می‌گوید نام گیاه در آفریقا «أوسانی» است.<sup>۶</sup>

۱۶۵۵ - لسان الحمل<sup>۷</sup>، لسان الحمل<sup>۸</sup>، لسان الحمل<sup>۹</sup>، لسان الحمل<sup>۱۰</sup>، لسان الحمل<sup>۱۱</sup>، لسان الحمل<sup>۱۲</sup> (نامی عربی)، هفت پهلوس<sup>۱۳</sup>، كثير الاضلاع<sup>۱۴</sup>، كثير الاضلاع<sup>۱۵</sup>، برد و سلام<sup>۱۶</sup>، برد و سلام<sup>۱۷</sup>، بزر لسان الحمل<sup>۱۸</sup>، ذنب الفاره<sup>۱۹</sup>، أذن الأرنب<sup>۲۰</sup>، از جنس السن است. نام‌های دیگر آن: رومی: ارنگلیسون<sup>۲۱</sup>، ارطوس<sup>۲۲</sup>، ملطیرغون<sup>۲۳</sup> - سریانی: لحکا<sup>۲۴</sup>، شبعالعين<sup>۲۵</sup>، لسانامراس<sup>۲۶</sup> - فارسی: خرگوشک<sup>۲۷</sup> - ترکی: باغ پر باغ<sup>۲۸</sup> - شیرازی: ورق بارتنگ<sup>۲۹</sup> - عربی: ذنب الفار<sup>۳۰</sup> - لسان الحمل<sup>۳۱</sup> (زیرا خوشه آن مشابه دم موش است.)، كثيرة الاضلاع<sup>۳۲</sup>، ذو سبعة اضلاع<sup>۳۳</sup> - یونانی: أرنقالس<sup>۳۴</sup> - نام‌های تخم: فارسی: بارشک<sup>۳۵</sup> - تبریزی: تخم بزوشه<sup>۳۶</sup> - فاس: ماصاة<sup>۳۷</sup> - نام‌های لسان الحمل کبیر<sup>۳۸</sup>: فرنگی: بیشاک میسور<sup>۳۹</sup> - نام‌های لسان الحمل صغیر<sup>۴۰</sup>: فرنگی: بیشاک مینور<sup>۴۱</sup> - اشبیلی<sup>۴۲</sup> می‌گوید: دارای انواعی است که نام‌های برخی عبارتست از: ۱ - ارنقالس، بِلنتاین ۲ - قناله ۳ - ظفر الفرس: بِنَمه، قَطِیطن، اذن الارنب، خرافة العجوز، اولیه دِلینر ۴ - ظفرة الفرس

آرتوگلس (Aronoglosson): نام آن «لسان الحَمل» و «برد و سلام» و به لاتینی «پِلَتائین» (*Plantaina*) و در اندلس «مَصَّاصَة» و «ذَنب الفار» است. و دارای دو نوع کوچک و بزرگ است کوچک آن را اهالی اندلس «أذن الشاة» گویند. [این عبارت (در ترجمه دیکرید) ۲ - ۱۱۰]

<i>Plantago major L.</i>	ارنوغلِس، لسان الحمل، بِلَتائین، مِصاصه	دیسکورید
<i>Plantago major L.</i>	لسان الحمل	ز،خ،ط،،E.
<i>Plantago major L.</i>	بارهنگ، تخم سفید، قارنی یاروغ، تخم بیروشا (تبریز)	پارسا

۱۶۵۶- لسان الذیّب: نام‌های دیگر آن: سطرابطوس - امیره - امیریا - عُشبة الطحال - نام نوع دیگر: افمیدیون

١٦٥٧- لسان السَّبْع، لسان السبع<sup>٤</sup>:

۱۶۵۸ - لسان العَصافیر<sup>۴</sup>، لسان العَصافیر<sup>۵</sup>، لسان العَصافیر<sup>(۱)</sup>، لسان العَصافیر<sup>۶</sup>، السنة العَصافیر<sup>۷</sup>، لسان العَصافیر<sup>۸</sup>، لسان العَصافیر<sup>۹</sup>، حب السوء<sup>۱۰</sup>، نام‌های دیگر آن: فارسی: مرغ زفانک<sup>۱۱</sup>، پنجشک زبان<sup>۱۲</sup>، زبان گنجشک<sup>۱۳</sup>، سُرو<sup>۱۴</sup>، اهر<sup>۱۵</sup>، گنجشک ازوان<sup>۱۶</sup> - هندی: اندرجو<sup>۱۷</sup> - سندی: اندرجو<sup>۱۸</sup> - شیرازی: تخم اهر<sup>۱۹</sup> - سریانی: لشان صفرا<sup>۲۰</sup> - سجزی: سُرو<sup>۲۱</sup> - زابلی: شُک<sup>۲۲</sup> - درختی مشابه درخت «دردار» است و گویند نام درخت دردار است. «ابن بیطار» می‌گوید: میوه درخت «دردار» است نه درخت «بنق»<sup>۲۳</sup> اشبیلی می‌گوید: «لسان العَصافیر» نام مشترک نوعی «سنبل رومی» و «السنة العَصافیر» است و در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را نوعی «شجرة الدردار» با نام «پنجسکروان» و «فراخشنه» می‌دانند و درست آنست که درختی مشابه درخت دردار است نام‌های دیگر آن عبارتست از: ایدوصارون، بلائقس، اسکروان، السنة العَصافیر<sup>۲۴</sup>.

<i>Fraxinus excesior</i> L.	لسان المصافير	زخ، ط، ع.
<i>Fraxinus excesior</i> L.	زبان گنجشک - ون - ونل - ونو - سیر - سر (شمال)	پارسی

۱۶۵۹ - لسان الکَلْب؛ لسان الکلب، لسان الکلب، لسان الکلب؟ نام‌های یستانی آن: سطاربون، شبیطه، سمفوطن ارتارون نام‌های نوع بری آن: مورجون، لِفْهَو دِلْه یعنی لسان السبع، شبیطه کنبیانه، مسجدوان، توکردوز، سمفوطن - به «لسان الحمل» و همچنین «حماض» گفته می‌شود ولی در اینجا منظور گیاه دیگری است.

۱- الموسوعة: «السان العصفور» نام شایعی است که بر گیاهان متعددی اطلاق می‌شود از این رو هم، توان آن را به یک گیاه خاص، بست داد.



<i>Cynoglossum sp.</i>	لسان الکلب، آذان الأرنب، أذن الغزال	الموسوعه
<i>Cynoglossum officinale L.</i>	لسان الکلب	طبیب،
<i>Rumex acetosa</i>		EN.

۱۶۶۰ - لصیف<sup>ش</sup>: نوعی کنکر البری است. <sup>ش</sup> نام‌های دیگر آن: شوک الجمال<sup>ش</sup> - شوکه الشهباء<sup>ش</sup>  
 ۱۶۶۱ - لَصِیقْ، لَصِیقْ، لَصِیقْ، لَصِیقْ، لَصِیقْ، لَصِیقْ: نوع کوچک لسان الحمل<sup>ش</sup> از آن جهت که گیاه خاردار است و به لباس می چسبد به آن «لَصِیقْ» گویند.<sup>۱</sup> و ممکن است به گیاهان دیگر که دارای این خصوصیت هستند نیز گفته شود. <sup>ش</sup> نام‌های دیگر آن: آذان الدب<sup>۲</sup> - تنکابن: کاش<sup>۳</sup> - «ابن یطار» می‌گوید: گیاهی است که به آن «أذن الأرنب» گویند و گروهی نیز آن را «أذن الغزال» نام داده‌اند<sup>۴</sup> و گاهی نیز به گیاه دیگری به نام «بلسکی» گفته می‌شود.<sup>۵</sup>

<i>Galium aparine L.</i>	غالین ابيض، لَصِیقْ، حَشِيشَةُ الْأَفَاعِی، بَلْسَك، أَرْمَن	الموسوعه
--------------------------	--	----------

۱۶۶۲ - لُعْبَة بَرَبْرِی، لُعْبَة بَرَبْرِی، لُعْبَة بَرَبْرِی، لُعْبَة بَرَبْرِی، لُعْبَة بَرَبْرِی، لُعْبَة بَرَبْرِی: بنا به گفته ای «سورنجان» است. <sup>ش</sup> نام‌های دیگر آن: سورنجان<sup>۶</sup> - مصر: عَکْنَة<sup>۷</sup> آنچه محقق است «سورنجان» است و بعضی گویند نوعی «بیروح» است و این خلافت.<sup>۸</sup>

<i>Hermodactylus tuberosus Salisb.</i>	لُعْبَة	زریاب
--	---------	-------

۱۶۶۳ - لُعْبَة مَطْلَقَة، لُعْبَة مَطْلَقَة، لُعْبَة مَطْلَقَة، لُعْبَة مَطْلَقَة، لُعْبَة مَطْلَقَة، لُعْبَة مَطْلَقَة: نام دیگر آن: عَرُوسَالَة - مصر: ریشه بیروح<sup>۹</sup>  
 ۱۶۶۴ - لُفَّاح، لُفَّاح، لُفَّاح، لُفَّاح، لُفَّاح، لُفَّاح: (نامی عربی)، اصل اللفاح، تَفَّاح الجن، سَایِزَج، سَایِزَج، سَایِزَج: نام‌های دیگر آن: فارسی: شاییزک<sup>۱۰</sup>، سَایِزِک<sup>۱۱</sup> (به معنای سیب کوچک)، مَغْدَل<sup>۱۲</sup> - لُفَّاح: نام میوه آن «بیروح بری» است.<sup>۱۳</sup> - نام میوه «بیروح» است.<sup>۱۴</sup> - ریشه آن به نام «بیروح سریانی» است.<sup>۱۵</sup> - فارسی: سَایِزَه<sup>۱۶</sup> - سندی: سَایِزَوَا<sup>۱۷</sup>، سَایِشِک<sup>۱۸</sup> - نام‌های نوع ماده: لُفَّاح الجن<sup>۱۹</sup> «ابن یطار» می‌گوید: «لُفَّاح» در مصر به نوعی «بطیخ» کوچک گفته می‌شود.<sup>۲۰</sup>  
 مَندَرَاغُوس (mandragas): نام‌های دیگر آن عبارتست: بَیْرُوح - میوه: لُفَّاح - فارسی: سَایِزِک، شَایِزَج - تَفَّاح الجن - لاتینی: آرْجَبِلِطَه (Archobellitho) بربری: تَازِیل، عَرُوسَه [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۹]

<i>Mandragora officinarum L.</i>	لُفَّاح	زر - طبیب
<i>Mandragora officinarum L.</i>	مندراغوس - بیروح - لُفَّاح - تَفَّاح الجن	دیسکورید
<i>Mandragora sp.</i>	لُفَّاح، بَیْرُوح، مَندَرَاغُورَا، مَندَرَاک، تَفَّاح المجانین، تَفَّاح الجن	الموسوعه

۱۶۶۵ - لُفَّاح الهندی<sup>۲۱</sup>:

۱۶۶۶ - لُفَّش: (نام گیاهی در نواحی شام)

۱۶۶۷ - لُکْ، لُکْ، لُکْ، لُکْ، لُکْ، لُکْ: «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی گویند کرمی است که در شاخه‌های نازک درختی در سرزمین هند و ارامنه وجود می‌آید و برخی گویند رطوبتی است که بر درخت «عنبر» می‌نشیند و عده‌ای بر این اعتقادند که صمغ درخت «بَقَم» است.<sup>۲۲</sup> لُکْ صمغ درختی هندی است.<sup>۲۳</sup>

۱- «لُک» صمغ یا شبنم درختی است شبیه به درخت کنار یا سدر که در هند و بنگاله بهم می‌رسد. این صمغ سرخ رنگ است چون توت و حب هایش به اندازه لیمو و نارنج هم می‌رسد، آن را در آب می‌پزند و انواع رنگ‌های سرخ از آن بعمل می‌آید. لُک را به فارسی «لاک» گویند.

<i>Ficus laccifera</i> Roxb.	لی	زر۔ طباً
<i>Thus oxycantha</i>	لی	خطابی

۱۶۶۸ - لکّاع<sup>ش</sup>: نوعی حِلّه است. <sup>ش</sup>نام های دیگر آن: لکّاعه<sup>ش</sup> - حشیشه الثومیه<sup>ش</sup>

۱۶۶۹- لم لم: نام دیگر آن: در صحرای برنیق: قطف بحری<sup>۷</sup>

۱۶۷۰. لَنْجِيْطُسْ، لَنْخِيْطُسْ<sup>۴</sup>: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: شام: منسم<sup>۵</sup> - لبنان: تومین<sup>۶</sup>

لُنْخِطِس (Lonkhitis): گیاهی است با بذره‌های سه گوش مشابه نیزه. با توجه به اینکه آن را می‌شناسم ولی غیر از این نامی برای آن نمی‌دانم.

لنخبطس آخر: دارای برگهائی مشابه برگ «سقوفندریون» است و عامه گیاهشناسان اندلسی آن را به «الرّفعة الصّخریة» می‌شناسند. نوع دیگر آن به عنوان «لوقیون» یا «شجر الحوض» معرفی شده که همان «زرشک» یا «امیرباریس» است. [ابن بطار (در ترجمه دیکرید) ۲ - ۳۹ و ۱۴۰]

<i>Serapias lingua</i> L.	لنخيطس	ديسكوريد
<i>Aspidium lonchitis</i> L.	لنخيطس - رقعة الصخره	
<i>Aspidium lonchitis</i>	منبم، لنخيطس	الموسوعه
<i>Aspidium lonchitis</i> L.	لنخيطس - رقعة الصخره	

۱۶۷۱۔ لنخیطس آخر<sup>۷</sup>: نام دیگر آن: گیاهشناسان اندلس: رقعة الصخریة<sup>۸</sup>

۱۶۷۲ - لوبیا، لوبیا، لوبیا، لوبیا<sup>ش</sup> (نامی هندی)، دُجَر، لوبیا: از جنس کفوف و نوعی لبلاب است. نام‌های دیگر آن: لیا<sup>ش</sup>، لوبیاچ<sup>ش</sup> - ترمذی: راژموک<sup>ش</sup> - سجری: فراژمنک<sup>ش</sup> - یونانی: سیلهین<sup>ش</sup> - قبطی: مامیر<sup>ش</sup> - رومی: فسولن<sup>ش</sup> - در کتاب دیسکورید: سمیلنس<sup>ش</sup> - عربی: فریقا، دجر<sup>ش</sup> - فارسی: لوبیا، الویا، ثامروان، ثامر<sup>ش</sup> - رومی: فصولیا<sup>ش</sup> - سریانی: اصفوورون<sup>ش</sup> - عجمی: فسون<sup>ش</sup> اشبیلی می‌گوید: دارای انواعی است نام‌های آن عبارتست از: ۱ - لوبیا الابيض: اصفوورون ۲ - تبرئه ۳ - غَفَقَه ۴ - شَرکیه ۵ - هندیه: صنفور ۶ - جوز الریح ۷ - مَکثر اللین: فول الخنزیر، خَرُوب الخنزیر ۷ - صَنِیه<sup>ش</sup>

شمشلیس (*Smilax kepia*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: لوییا - ثامرا - ابی حنیفه: دُجَر [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۰]

<i>Phaseolus vulgaris</i> L.	لوبياء	زرر - طبيا.
<i>Dolichos lubia</i> Fors.		
<i>Dolichos lubia</i> Fors.	سميلقس - لوبيا - ثامرا - دجر	ديسكوريد
<i>Phaseolus communis</i> = <i>Ph. vulgaris</i>	لوبياء	پارسا
<i>Vigna catjang</i> Walp		
<i>Dolichos unguiculatus</i>	لوبياء، لُوبياء	الموسوعة

۱۶۷۳ - لنجریوله<sup>(۱)</sup>: به معنای رُمح صغیر است زیرا برای بیماری سینه پهلو (رُمح) مفید است. نام دیگر آن: حَرَبَة

۱۶۷۴ - کوز، لوز، لوز، لوز، لوز، لوز، لوز، لوز، لوز، لوز، مزج (نوع تلخ): نام‌های دیگر آن: رومی: امیقدالی - فارسی: بادام - فرنگی: انگذاله - نام نوع شیرین آن: لوز الحلو، بادام شیرین - نام نوع تلخ آن: لوز المر، بادام تلخ، باذام تلخ - رومی: ارموکی - سریانی: لوزدمیرا، شغدی میری -

قسمی از لوز بری با نام لوز البربر است.<sup>۲</sup>

امقدال بيقرا (*Amugdal picra*): اهالی انطالیا: لوز المر - در بعضی از ترجمه‌ها: معقلوس

امقدال غلوقيا (*Am. glukeia*): به معنای «لوز الحلو» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۳۲]

<i>Amygdalus communis</i> L. <i>Prunus amygdalus</i> Stokes.	لوز - بادام	زر. - طب.
<i>Prunus amygdalus</i> Stokes. <i>Amygdalus communis</i> L.	امقدال بيقرا - لوز المر امقدال غلوقيا	دیسکورید
<i>Prunus amygdalus</i> Stokes.	لوز	الم. - خط.
<i>Prunus amygdalus communis</i> L. <i>Amygdalus communis</i> L. <i>Amygdalus dulcis</i> Mill.	لوز الحلوز	الموسوعه
<i>Prunus amygdalus</i> var. <i>amara</i> Fock. <i>Amygdalus amara</i> Hayne	لوز المر	الموسوعه
<i>Amygdalus amara</i> Syn: <i>P. communis</i>	<i>Hendi &amp; Panjub &amp; Bambay: Badam</i> <i>Sanskrit: Badama</i>	GLO.IN.

۱۶۷۵ - لوسیماکھیوس<sup>۱</sup>، لوسیماکھیوس<sup>۲</sup>، لوسیماکھیوس<sup>۳</sup>: نامی یونانی به معنای «شبهه الذهب» یا مشابه طلا است.<sup>۴</sup> نام‌های دیگر آن: اهل اندلس: قصب الذهبی<sup>۵</sup>، خویصه مصغر<sup>۶</sup>، خوصه<sup>۷</sup>، لخوخ الماء<sup>۸</sup>، خوخ الماء<sup>۹</sup>، عود الريح<sup>۱۰</sup>، خویخه<sup>۱۱</sup> - هندی: جوراوراج ناکهه<sup>۱۲</sup> - «اشبیلی» می‌گوید: برخی آن را «انجبار النهری» و گروهی «سراج القطرب» و عده‌ای «خیری الماء» می‌دانند.<sup>۱۳</sup>

لوسیماکھیوس (*Lusimakheios*): گیاهی که اهالی اندلس به آن «عود الريح» و «قصب الريح» گویند و هر دو نام مشترک بین چند گیاه است نام دیگر آن در اندلس «قَصَب الذهبی» است و بعضی از گیاهشناسان به آن «خَوخ الماء» گویند و عامه نیز نام آن را «خَوِیخَة» نامند. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳]

<i>Lysimachia vulgaris</i> L.	لوسیماکھیوس - قصب الذهبی - خوخ الماء	زریاب
-------------------------------	--------------------------------------	-------

۱۶۷۶ - لوطوس<sup>۱</sup>، لوطوس<sup>۲</sup>، لوطوس<sup>۳</sup>: به نوعی «حندقوقی» گفته می‌شود و همچنین نام «بشنین» است و «بشنین» نوعی از «نیلوفر» است که در مصر وی را «خنزیری» خوانند و آن «نیلوفر» دیگر را «اعرابی» گویند. و همچنین دیسکورید در مقاله اول خود «لوطوس» را به گیاه دیگری گفته و «حنین» آن را به «سدر» ترجمه کرده ولی صحیح نیست<sup>۴</sup> و غیر «حنین» آن را به نام «میس» تفسیر کرده‌اند و این صحیح‌تر است.<sup>۵</sup>

لوطوس (*Lotos to dendron*): گویند معادل نام «شجر النبق المصری» است ولی صحیح آنست که گیاه معروفی است که اهالی اندلس به آن «نشم الاسود» (بشم الاسود) گویند و این نام مشترکی بین چند گیاه است. نام دیگر این گیاه «شجر المیس» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۵]

<i>Nymphaea lotus</i> L.	لوطوس	زریاب
<i>Celtis australis</i> L.	لوطوس - نشم الاسود - شجر المیس	دیسکورید
<i>Lotus</i> sp.	لُوطوس، لُوتوس	الموسوعه

[۱۵۱، ۱۵۰،

<i>Dracunculus vulgaris</i> Scho.	لوف - دراقنطيون	زرياب
<i>Arum dracunculus</i> L.		
<i>Arum italicum</i> L.		
<i>Arum dracunculus</i> L.	دراقنطيون، لوف الحية، لوف الجعد، فيلجوش، صاژه، صراخه، غرغنيته	ديسكوريد
<i>Arum vulgare</i>	أرؤن، لوف السبط، صارة الانثى، ايرن	ديسكوريد
<i>Arum arisarum</i> L.	أريصارون - ذرية الشحم	ديسكوريد
<i>Luffa</i> sp.	لوف، ليف، فيلجوش	الموسوعة
<i>Arum maculatum</i>	أروم، لوف مبع، تياق أبيض	الموسوعة
<i>Arum italicum</i>	أروم إيطالي، لوف جعد، دُرَيْزَة	الموسوعة
<i>Dracunculus vulgaris</i> Schot.	لوف الحية، أذن الراهب	الموسوعة
<i>Arum dracunculus</i>		
<i>Luffa cylindrica</i> M.Roe.	لوف أسطوانى، لوف مصرى	الموسوعة
<i>Luffa aegyptiaca</i> Mill.		
<i>Poppia fabiana</i> Koch.		
<i>Luffa aegyptiaca</i> Mill.	لوف	طباطبانى
<i>Dracunculus vulgaris</i> Schot.	لوف الحية	طباطبانى

۱۶۷۹ - لوفاف، لوفاف: "صاحب منهاج" گوید «قنطوریون باریک» است و صاحب جامع گوید نوعی از «حی العالم» است که آن را «اذان القسیس» خوانند.

۱۶۸۰ - لوقاس<sup>۷</sup>، لوقاین<sup>۸</sup>: "بطریق" آن را «حرف أبيض» می‌داند و "حنین" آن را به نام «سفند أسفید» نامگذاری کرده<sup>۹</sup> و "رازی" به آن «سفند اسفندو» گوید و گویند نام نوعی «مرو» است.<sup>۷</sup>

الموسوعه	لامیون أرقط، لوقاس، خَرْف أبيض	<i>Lamium maculatum</i>
----------	--------------------------------	-------------------------

۱۶۸۱ - لوقاقنا<sup>۸</sup>:

۱۶۸۲ - لهلولوقوغزاتیس: (نام گیاهی مصری)

۱۶۸۳ - لیثانوس<sup>۷</sup>، لیانوطس<sup>۷</sup>: دارای انواع مختلف است و به معنای «کندریات» یا «کندریات» است زیرا بوی «کندر» می‌دهد و نام یونانی آن نیز از «لیانس» که همان «کندر» است گرفته شده است.<sup>۷</sup> نوعی را اهل اندلس «بربطور» و بعضی را «استر» و بعضی را «عسالیج» دانند. انواع «لیانوطس» از انواع «کلوخ» است، نوعی از آن را گیاهشناسان اندلس به نام «یربطور الساحلی» می‌شناسند و نوع دیگر آن را اهالی غرب اندلس «یربطور الشعراوی» می‌نامند و نوعی «أشتر»، «عسالیج» و «قلیقل» نامیده می‌شود و ریشه‌های این گیاه بوئی چون بوی «کندر» دارد.<sup>۷</sup> «ابن جلیجل» پنداشته است نام «أکلیل الجبلی» است که در اندلس به «أکلیل النفساء» معروف است و این کاملاً اشتباه است و نظر او منشأ اشتباه بقیه نیز شده است.<sup>۷</sup> لیانو (Libanos): نام «کندر» و «لَبَان» است و محل رویش آن فقط در شحر عمان است. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۸]

دیسکورید	لیانو - کندر - لبان	<i>Baswellia Roxb.</i>
----------	---------------------	------------------------

۱۶۸۴ - لیرون: نوعی بقل یکساله نام‌های نوع جبلی آن: رَبْنَالَه یعنی فجل الصغیر، النینا نام‌های نوع سهلی آن: لورونیا، اسلیج، لیرون، خربث، تمک<sup>۸</sup>

۱۶۸۵ - لیفة: نام‌های دیگر آن: شغالة، لیفة، سمفوطن بطرا یعنی شاعة الصخریة<sup>۸</sup>

۱۶۸۶ - لیف البحر، لیف<sup>۸</sup>:

۱۶۸۷ - لیفیه<sup>۷</sup>، لیفة<sup>۷</sup>: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: لیقة<sup>۷</sup> - حجاز: عَلم<sup>۷</sup>

۱۶۸۸ - لیمو<sup>۷</sup>، لیمو<sup>۷</sup>، لیمون<sup>۷</sup>، لامون<sup>۸</sup>: صاحب منهاج گوید مانند «اترج» بود.<sup>۸</sup>

دیسکورید	لیمو	<i>Citrus medica Risso</i> <i>Citrus limonum Risso</i>
پارسا	لیمو	<i>Citrus aurantifolia Sw.</i>
الموسوعه	لیمون	<i>Citrus sp.</i>
المؤسوعه	لیمون حامض	<i>Citrus medica L.</i>
الموسوعه	لیمون حلو	<i>Citrus aurantifolia Sw.</i>

۱۶۸۹ - لیمونیون<sup>۷</sup>، لیمونیون<sup>۸</sup>: نوعی «حماض بزرگ» است و در باغ‌ها و بیشه‌ها روید.<sup>۸</sup> معنای این واژه یونانی «سبخی» است.<sup>۷</sup>

<i>Phaseolus mungo</i> <i>Phaseolus radiatus</i> L.	ماش	الموسوعه
--	-----	----------

<i>Phaseolus max. L.</i> <i>Phaseolus mungo L.</i>	ماش	زریاب
<i>Vicia sativa</i> <i>Phaseolus mungo L.</i>	ماش	طباطبانی
<i>Phaseolus mrabaiatus L.</i> <i>Vicia ervillia</i>	ماش	پارسا
<i>Phaseolus mungo L.</i> <i>Vigna sinensis Endl.</i>	ماش	خطابی

۱۶۹۸ - مَالِکَنَکْنِی: (نامی هندی)

۱۶۹۹ - مَالِیا، مَالِیا:؟ نام‌های دیگر آن: مَزَان

۱۷۰۰ - مامیثا، مامیثا، مامیثا، مامیثا، مامیثا: (نامی نبطی) نوعی بقل نام‌های دیگر آن: شام: مَنبِج - جالینوس: غلوقیون، غلوقی، حشیشة الخُمرة، خشخاش المَقَرَن، شقائق الفرس، همینا  
غلوقیون (*Glaukion*): مامیثا [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۸]

<i>Glaucium corniculatum Curt.</i> <i>Chelidonium carniculatum L.</i>	مامیثا	زر. - طبا.
<i>Glaucium corniculatum Curt.</i>	غلوقیون - مامیثا	دیسکورید
<i>Glaucium sp.</i>	مامیثا، مَمِیثا	الموسوعه

۱۷۰۱ - مامیران، مامیران، مامیران، مامیران، مامیران: (نامی فارسی و سریانی) نوعی زردچوبه نام‌های دیگر آن: رومی: بالیدونیقی، کلدونیا، کیلادونیا - زابلستان: سمرقندیا - نوع کوچک عروق الصفر - فاس: حشیشة الخطاطیف خالیدونیون طومقرون (*Khelidonium mikron*): بنا به قول ضعیفی نام «مامیران» است.  
خالیدونیون طوماغا: بنا به قول ضعیفی نام «کرکم» است و «طوماغا» به معنای کبیر است و برگردان عربی آن «دواء الخطاطیف» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۳]

<i>Chelidonium majus L.</i> <i>Coptis teeta Wall.</i>	مامیران	ز، د، پ، خ، ط.
<i>Curcuma longa</i> <i>Curcuma tinctoria</i>	اصابع الصفر - کُرْکُم صباغی - هَرْد - عقید هندی - مامیران	الموسوعه

۱۷۰۲ - ماهودانه، ماهودانه، ماهودانه، ماهودانه، ماهودانه: (نامی فارسی)، ماهودانه، ماهودانه، حب الملوک، طارطلقه (لاتینی)، فلفل الأخوص، فلفل الخواص، شباب: «ماهودانه» به معنای قائم بذات است، زیرا در درمان اسهال به تنهایی استفاده می‌شود. نام‌های دیگر آن: ماهودانه - اهل مشرق: حب الملوک - هندی: جیبالگوت، ماهوی دانه، دند هندی - عامه اندلس: طارطقه، سیسبان - فارسی: حبة الملوک، ابوجریح می‌گوید: دوگونه است. صاحب جامع در ماهیت اسم وی و تفسیر آن سهو کرده است از بهر آنکه وی تفسیر «ما هو بذاته» کرده و گفته «أی قائم بِنَفْسِهِ أی أَنَّهُ یَقُومُ بِذَاتِهِ فی الإسهال» و حال آنکه آن را «ماهودانه» خوانند نه «ما هو بذاته» و بعضی «دند» را «حب الملوک» خوانند و «دند» غیر از «حب الملوک» است.

<i>Croton tiglium</i> L.	حب الملوك	زریاب
<i>Euphorbia lathyris</i> L.	ماهوذانه	زریاب
<i>Euphorbia lathyris</i> L. <i>Croton tiglium</i>	ماهوذانه	طباطبانی

۱۷۰۳ - ماهیزهرج، ماهیزهرج، ماهی زهرة، ماهیزهرج، سیکران الحوت، مکنسة الاندر، سم السمک: معرب از ماهی زهره فارسی است، زیرا کشنده ماهی می باشد. نام های دیگر آن: سریانی: جغتاریختانا - جالینوس: بیورس قاتل الحیات - نوعی از «فلوس» است و به نام «سقوریدی» می باشد.

آن را «سیکران الحوت» خوانند و سه نوع بود دو نوع کوهی و یک نوع صحرائی و کوهی بقوت تر بود و آن را «بوصیر» خوانند و «فلوس» گویند و نوع سوم معروف بود به «ماهیزهره». «ابن بیطار» می گوید: برای شناخت حقیقت این گیاه در مشرق و مغرب بررسی کردم و نهایت آنچه دیدم این بود که اهالی مشرق و شام بجای این گیاه پوست ریشه «بوصیر» را استفاده می کردند و اهالی مغرب و اندلس آن را بعنوان «شوکران الحوت» می شناسند و دارای سه نوع است، که دو نوع آن جبلی و نوع دیگر بستانی است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۳: به «عینون» رجوع شود.]

<i>Anamirta paniculata</i> Colebr. <i>Menispermum cocculus</i> L.	ماهیزهرج	زریاب
--	----------	-------

۱۷۰۴ - مثنان، مثنان، مثنان: (نامی عربی) از جنس تمنس است. نام های دیگر آن: ثومالا، جامالا، قیسطون، طرشکه، الازار، لینش یعنی شبیه به کتان - «مازریون» و قسم های مختلف «شبارم» نوعی از آن است. ثومالا (*Thumelaia*): نام «مثنان» است و رنگرزان مغربی برای رنگ کردن از آن استفاده می کنند و به بربری نام آن «أصاص» و «أزاز» است و به دانه آن «أزرم» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۵]

<i>Daphne chidium</i>	ثومالا، مثنان، أصاص، أزاز	دیسکورید
<i>Daphne gnidium</i> L. <i>Thymelaea hirsuta</i> Endl.	مثنان، کزمدانه، دقنة لاحقة	الموسوعة

۱۷۰۵ - مثنان آخر:

۱۷۰۶ - مَجْنَح، مَجْنَح: (نامی عربی) نام های دیگر آن: گل خوش نظر:

۱۷۰۷ - مُخْلَصَة، مَخْلَصَة، مُحَاجِم، مُحَاجِم: (نامی اندلسی)، الوج، مکنسة قرشیه: وجه تسمیه آن: زیرا خوردن آن فرد را از سم افعی و سائر گزندگان خلاص می کند. نام های دیگر آن: شیرازی: کازریسک - فارسی: بلبل شامی - قنطوریون موریون یک نوع دیگر: گشنیز کوهی - یک نوع از آن «تریاق کوهی» نام دارد. نوع سوم در اسکندریه می روید و به «رأس الهدده» معروف است.

<i>Linaria vulgaris</i> Mill.	لیناریه عادی، حَبَابِ مبدول، جوز آرمانیوس، مُخْلَصَة	الموسوعة
<i>Linaria vulgaris</i> Mill.	مُخْلَصَة	EN.

۱۷۰۸ - مُرّ، مُرّ، مُرّ، مُرّ، مُرّ: نامی عربی صمغ گیاهی که در روم و بلاد مغرب و جزیره سقطره می روید. نام های دیگر آن: رومی: اعروعلیطوس - سریانی: مرادکبار - یونانی: سمرونا - هندی: بول شمرنا (*Smurna*): مُرّ [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۵]



دی. الم. خط.	مَرَّ	<i>Commiphora myrrha</i> Engl.
--------------	-------	--------------------------------

۱۷۰۹ - مَرَّار، مَرَّار، مَرَّار، مَرَّار: (نامی عربی) نوعی شکا‌عا است و باد آورد نام‌های دیگر آن: مصر: مَرَّزیر - سرزمین بکر: دردریة

زریاب	مَرَّار	<i>Centaurea aegptiaca</i> Del. <i>Centaurea alexandrina</i> D. <i>Centaurea calcitrapa</i> L. <i>Centaurea pallescens</i> Del. <i>Triptaris vaillantii</i> L.
الموسوعة	قطریون نَجْمی، مَرَّار	<i>Centaurea calcitrapa</i> L. <i>Centaurea stellata</i>

۱۷۱۰ - مَرَّان، مَرَّان، مَرَّان: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: شجرة الرمح - مالیا

مالیا (*Melia*): نام «شجر المَرَّان» است ولی منظور از «مَرَّان» در کتاب جالینوس این گیاه نیست بلکه گیاهی است که "دیسکورید" از آن بعنوان «قرانیا» یاد کرده است. جالینوس از «مالیا» در کتاب خود نامی نبرده است. "دیسکورید" «قرانیا» را گیاهی کوهستانی معرفی کرده که در لبنان و مکان‌های دیگر رویش دارد و دارای میوه‌ای کوچک چون سیب کوچک است و هنگام رسیدن زرد و قرمز می‌شود و کمی ترش مزه است و درون آن دانه‌ای از جنس «زعرور» قرار دارد. برای این گیاه غیر از نام «قرانیا» نام دیگری نمی‌شناسم. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۱]

دیسکورید	مالیا - مَرَّان - زان	<i>Fraxinus excelsior</i> L.
دیسکورید	قرانیا	<i>Cornus mascula</i> L.
الموسوعة	مَرَّان، لسان العصفور	<i>Fraxinus</i> sp.
دیسکورید	مَرَّان شامخ	<i>Fraxinus excelsior</i> L.
زریاب	مَرَّان	<i>Cornus mascula</i> L.
طباطبانی	مَرَّان	<i>Cornus mascula</i> L. <i>Fraxinus excelsior</i>
EN.	مَرَّان	<i>Fraxinus excelsior</i> L.

۱۷۱۱ - مَرَّخ، مَرَّخ: گیاهی است بیابانی که با وزش تند باده‌ها کنده شده و از آن برای درست کردن آتش استفاده می‌شود و عرب این نام را همچنین به هر گیاه خاردار مورد استفاده در آتش چون عفار، شبرق و کلخ بکار می‌برد.

زریاب	مَرَّخ	<i>Cynanchum pyrotechnicum</i> L.
-------	--------	-----------------------------------

۱۷۱۲ - مَرَّذکی، مَرَّذکی: نام‌های دیگر آن: رومی: طرغولیطوس - سریانی: مَرَّادخیا، مَرَّافروط، اسمرنا، سمرنا یو طبقا

زریاب	مَرَّذکی	<i>Commiphora abyssinica</i> Engl. <i>Balsamodendron myrrha</i> Nees.
-------	----------	--

ضمّصُوخُن «مکول (Samsukhon): نام «مرزنجوش» به معنای گوش موش است و از نام‌های دیگر آن: «سَمْسُق»، «مَرْدَقُوش»، «عَنْقَر»، «أَنْجَرَك» است و بعضی آن را «أُذُن الفار» نامیده‌اند در صورتیکه «أذن الفار» نام مشترکی است که به بقیه گیاهان تناسب بیشتری دارد. اهالی اندلس به این گیاه «مَرْدَقُوش» گویند. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳۷]

۱۷۱۴ - مرس:  
۱۷۱۵ - مَرَسَطُس: (نامی نبطی)  
۱۷۱۶ - مرطولست:

۱۷۱۹ - میزملاط<sup>ش</sup>: در دو نوع سفید و سیاه است، نام سفید آن «شَابِ رَدَجَه» یعنی «سبعة اصول» یا هفت ریشه می باشد.  
۱۷۲۰ - مریخا<sup>ب</sup>: (نامی سفیدی) نام دیگر آن به جرجانی «قمش» است.<sup>ص</sup>

۱۷۲۱- مَرَمَازاد: نام‌های دیگر آن: فارسی: مروازاد - فرنگی: اسطاکیس'

۱۷۲۲ - مرماطوس<sup>۱</sup>: نام‌های دیگر آن: مرو بری<sup>۲</sup> - فارسی: درنک<sup>۳</sup>

۱۷۲۳ - مرماهوس<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: مرو سفید<sup>۵</sup>، مرو تلخ<sup>۶</sup>

۱۷۲۴ - مرناغر<sup>۷</sup>: نام دیگر آن: سماق بری، اطریشیه

۱۷۲۵ - مَرُو، مَرُو، مَرُو<sup>۸</sup> (لغت نبطی یا فارسی)، بزرالمرو<sup>۹</sup>، حیق الشیوخ<sup>۱۰</sup>: نوعی جنبه نام‌های دیگر آن: ریحان الشیوخ<sup>۱۱</sup> - فارسی: مروزشک<sup>۱۲</sup> - شیرازی: مرورشک<sup>۱۳</sup> - هندی: کنوچه<sup>۱۴</sup> (دارای چهار نوع می باشد). عربی: زَغَبَر<sup>۱۵</sup>، زَغَبَر<sup>۱۶</sup> - "رازی" می‌گوید: نام آن «قهلمان» و چهار نوع است: اردشیران و میردارون و دارمک و مرماهویه و نوعی به نام «میشبهار» است. انواعی است نوع خوشبوی وی را مرماحوز خوانند، به شیرازی به آن «مرخوش» گویند و نوع دیگر آن را که بوی کمتر دارد «شموسا» خوانند و آن «مرو سفید» بود... و گویند بدرستی که «لسان الثور» است و یک نوع دیگر را «خراما» گویند و یک نوع دیگر را «دارمک» خوانند. و آن «مرو سفید» بود... و گویند بدرستی که «لسان الثور» است و یک نوع دیگر را «خراما» گویند و یک نوع دیگر را «اردشیر دارو» و «وارد شیران» گویند و آن را به شیرازی «مرو تلخ» خوانند و به لفظ دیگر «مرماهان» و «مرماهوس» گویند... مؤلف گوید: انواع «مرو» هیچ کدام حب سفید نیست الا «مرو تلخ» که خود و حب او هر دو سفیدند و این مشهور بود به «مرو سفید» پس بدین تقدیر «مرو سفید» غیر «لسان الثور» است و نوعی دیگر هست که آن را «میشبهار» گویند و آن «گاو چشم» است. ت<sup>۱۷</sup> «غافقی» می‌گوید: "صاحب فلاحه" برای «مَرُو» هفت نوع ذکر کرده است نوعی به نام «مرماحوز» است. ع<sup>۱۸</sup> «شبیلی» می‌گوید: دارای پنج قسم است که نام‌های آن‌ها عبارتست از: ۱ - نوع اول بستانی: مالیسوقلن، مرو، شبريله، مرماخور، زغبِر، مالیطا ۲ - نوع دوم بستانی: رائحة البستان، حبق الشیوخ، شاهشبرم، تاجیقطون، مندبونه، ازدشیر زاد، خَشَبُزَم، نام برگ: خَزَق ۳ - انیولیس یا انیوبس، خافور ۴ - مرو اسود: افریقیه منتهونه یعنی رجل صالح، میرادون، یعنی مرو الاسود ۵ - ممونون، اردمیردا<sup>۱۹</sup>

زَر - طبا.	مرو	<i>Origanum maru L.</i> <i>Teucrium marmu L.</i>
الموسوعه	مَرُو، حَبَقِ الشیوخ، خَرَبَاش، مَرُمَاحوز، بَزْدَقوش مُعَقَّد، زَغَبَر	<i>Origanum maru L.</i> <i>Origanum amaracus</i>

۱۷۲۶ - مروی مشتقی<sup>۲۰</sup>: این گیاه بصورت درختی و علفی است درختی آن در دو نوع جبلی و بستانی است. نام‌های علفی آن عبارتست از: بُشَج مائی یعنی مَص العسل، لسان الفرس نام‌های نوع جبلی آن عبارتست از: سطالیون، ابمیلُس، اسملیس، بُروله، نمره الدب، انبجه نوع دیگری از آن نیز طیلاسیون نامیده می‌شود.

۱۷۲۷ - مروریه<sup>۲۱</sup>، مروریه<sup>۲۲</sup>: نام‌های دیگر آن: یعضید<sup>۲۳</sup>، نوعی هندباء<sup>۲۴</sup> "رازی" می‌گوید: «مروریه» نوعی «خَس» است. ع<sup>۲۵</sup>  
۱۷۲۸ - مریافلون<sup>۲۶</sup>، مریافلون<sup>۲۷</sup>، مریافلن<sup>۲۸</sup>: به معنای ذو ألف ورقة<sup>۲۹</sup> نام‌های دیگر آن: موزق<sup>۳۰</sup>، قابطیره<sup>۳۱</sup>، شَعَر العجل<sup>۳۲</sup> - جامع گوید «حزنبل» است و طرقیان آن را «حدمانه» خوانند.

طباطبائی	مریافلن	<i>Myriophyllum sp.</i>
----------	---------	-------------------------

۱۷۲۹ - مریافلون آخر<sup>۳۳</sup>، مریافلون بحری<sup>۳۴</sup>: نام‌های دیگر آن: ماریون یعنی بحری - سطرابطیوطس شاید نیلوفر البزک باشد.

۱۷۳۰ - مرینخ<sup>۳۵</sup>، مرینخ<sup>۳۶</sup>: نام دیگر جوز هندی

۱۷۳۱ - مَرُیه<sup>(۱)</sup>: از جنس جنبه و نوعی فودنج و دارای سه نوع است: ۱ - سهلی با نام‌های: فرسیون، فراسیون، اسفیدارا راغیا، شنار، حبشیشه الکلاب، شزیت، اشکریه، مَرِیه الابيض ۲ - صخری با نام‌های: فراسیون، فلوقاریش یعنی شعری، غَرَب، مَرُیه الاسود ۳ - جبلی با نام‌های: قارة یعنی مفید برای خفقان سودائی، سطاخیس یعنی بیضاء، الوسن، مَرِیه ابیض، السمته، نسمة زیرا برای درمان بیماری نسمة بکار می‌رود، هانجه، حبشیشه الکلب زیرا برای گاز گرفتگی سگ مفید است، قنیره یعنی کلبیه، ساکته، مُشکته، الوسن یعنی خواب (گیاه سحری است). ش<sup>۳۷</sup>

<i>Alisma plantago L.</i>	ميزمار الزايعى	زر. - طبيا.
<i>Alisma plantago L.</i>	البسما، ميزمار الزايعى، أذن الازنب	ديسكوريد
<i>Alisma sp.</i>	ميزمار الرايعى، مَسَاس	الموسوعه

۱۷۳۹ - مساوڪ الراعى<sup>۷</sup>، مساوڪ الراعى<sup>۸</sup>: گویند «زوفاء» یا «زوفراء» و «شیطرح» است و این صحیح تر است.<sup>۹</sup>

الموسوعة	مسواك الراعي، عُصاب، شُنْج	<i>Lepidium sp.</i>
----------	----------------------------	---------------------

۱۷۴۴ - **مِشْکِرَامَشِيعْ**؛ **مَشْکُطَرَامَشِيرْ**، **تَرَمَشِيرْ**، **مَشْکُطَرَامَشِيرْ**، **مَشْکُطَرَامَشِيرْ**، **مَشْکُطَرَامَشِيعْ** (نامی نبطی)، **دَقْطَابَانُونْ**؛ قسمی «پودنه جبلی» است.<sup>۱</sup> - نام‌های دیگر آن: **فودنج بستانِی**، **فودنج بری** - **طرامَشِيعْ** - **رومی**: **دِيقَطْمِينُونْ**، **دَقْطَامِيُونْ**، **دَقْطَمْنْ** - **جالینوس**: **فسودودِيقْطَامِينْ**، **مَشْکُطَرَامَشِيعْ زورْ**، **تَالِيسْفِيسْ** - **شیرازی**: **ونک**، **رتک** **دِقْطَمْنْ** (*Diktamnon*): نام «**مَشْکُطَرَامَشِيعْ**» و «**فودنج التیسی**» و به لاتی‌نی «**بَلَايَهْ جَرْوَنَهْ**»<sup>(۲)</sup> (*Polecervuno*) به معنای «غیره‌الایئل» است و در سه نوع ذکر شده است: نوع اول در فوق ذکر شد، نوع دوم به نام «**فَسُودُودِ قَطْمُنْ**» (*Pseudodiktamon*) به معنی «**مَشْکُطَرَامَشِيعْ کاذب**» است و **جالینوس** به آن «**فَسُودُودِيقْطَامُنْ**» گوید که برگردان عربی آن «**مَشْکُطَرَامَشِيعْ زور**» است. نوع سوم مشهور به «**اقریطی**» و گیاهی بزرگتر از دو نوع قبل با برگ‌هایی بزرگتر است. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳۰]

<i>Origanum dictamnennus</i> L. <i>Amaracus dictamnus</i> Ben.	طرامشیع	زر. - طبأ.
<i>Origanum dictamnennus</i> L. <i>Origanum creticum</i> L. <i>Origanum hirtum</i> Lk.	مشكطرامشير - مشكطرامشيح (نوع اول) فسودودقطنن، مشكطرامشيح كاذب، نوع دوم اقریطى (نوع سوم)	ديسكوريد

الموسوعه	ننع الماء، حَبَق الماء، فوتنج الماء، فودُنج الماء، ضَمیران، مشکطرا، مشکطرا مشیرزور	<i>Mentha aquatica L.</i>
----------	---	---------------------------

۱۷۴۵ - مَشْمِش، مَشْمِش، مَشْمِش، مَشْمِش، مَشْمِش، تفاح ارمنی، تفاح ارمنی: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: برقوقیه - رومی: ارمیناقون، اغلقندریا - سریانی: رومانی دبرقویا - یونانی: ارمینافن، ارمیناقن - رومی: اصاقو - فارسی: زردآلو، قیسی - ترکی: اردک - مغرب: مشماش - فاس: نیش - به خشک کرده آن «قیسی» و «خوبانی» گویند.<sup>۱</sup>

ارمانیا (Armenika mela): مَشْمِش - تفاح الارمنی [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۱]

دیسکورید	ارمانیا - مَشْمِش - تفاح الارمنی	<i>Prunus armeniaca L.</i>
پارسا	زرد آلو مَشْمِش	<i>Prunus armeniaca L.</i>
ال.، EN.	مَشْمِش	<i>Prunus armeniaca L.</i>
طبایطانی	مَشْمِش	<i>Armeniaca vulgaris</i>
زر. - خط.	مَشْمِش	<i>Prunus armeniaca L.</i>
GLO.IN.	Hendia: Khobani, Zardalu - Panjub: Gurdiu	<i>Prunus armeniaca L.</i>

۱۷۴۶ - مَصْطَکِ، مَصْطَکِ، مَصْطَکِ، مَصْطَکِ، مَصْطَکِ، مَصْطَکِ، کِیَّه، کِیَّه، اراه: نام‌های دیگر آن: مُصْطَکِ، مَصْطَکَاء (مغرب از «مصطخای» یونانی یا «مصطخی» رومی است). عربی: علك رومی، علك الروم - سریانی: کیا<sup>۲</sup> - رومی: وسندی کیه، مصطخی - یونانی: سخینوس - سندی: کِیَّه، ریاس، ریاس - خلال - کِیَّه - اشبیلی می‌گوید: دارای دو نوع انطاکی و نیطی است، نوع انطاکی، نوع رومی و سفید و صمغ «صُرُوه» است و نام‌های آن عبارتست از: مشتجی، غرایه، علك الروم، مصطنجی و نوع نیطی سیاه رنگ و معروف به علك است.<sup>۳</sup>

سخینس (Skhinos): شجرة المصطکی

طراغین (Tragion): «ابن جلیل» آن را نوعی «شجرة المصطکی» می‌داند ولی من - ابن بطار - آن را نمی‌شناسم. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۶۶ و ۴ - ۴۴]

دیسکورید	سخینس - شجرة مصطکی	<i>Pistacia lentiscus L.</i>
دیسکورید	طراغین	<i>Hypericum hircinum L.</i>
الموسوعه	بُطم شرقی، بطم مستکی، صُرُوه، مَصْطَکَاء	<i>Pistacia lentiscus L.</i>
زریاب	مصطکی - الکیا	<i>Pistacia chia DC.</i> <i>Pistacia lentiscus L.</i>
طبایطانی	مصطکی	<i>Pistacia lentiscus L.</i>
EN.	مصطکی	<i>Pistacia lentiscus L.</i>

۱۷۴۷ - مَصْع، مَصْع: از جنس شوک و قسمی زعرور است.<sup>۴</sup> نام‌های دیگر آن: مُشْتَلِیش - غبانستر - انبج - نیاشبرش ابوحنیفه می‌گوید: میوه درخت «عوسج»<sup>۵</sup> است. «غافقی» می‌گوید: نزد ما در اندلس درای دو نوع جبلی و بستانی است و آن میوه‌ای از نوع خار چون «عوسج» است.<sup>۶</sup>

۱۷۴۸ - مطرقال<sup>(۱)</sup>: این نام به معنای «عشبة الحز» است و به دو نوع گیاه گفته می‌شود: ۱ - «قیصوم الصغیر» ۲ - گیاهی با برگ‌های مشابه فودنج

<i>Punica granatum L.</i>	مَظْ	زریاب
---------------------------	------	-------

<i>Glossostemon bruguieri</i> D.C.	مغاث	زرياب
<i>Glossostemon</i> sp.	مُغاث	الموسوع
<i>Glossostemon bruguieri</i> D.C.	مغاث عجمي	الموسوع

<i>Acacia oerfota</i> (Forsk.) Sch.	نام صمغ گیاه عُرْفُط	الموسوعة
-------------------------------------	----------------------	----------

<i>Solanum melongena</i> L.	بادنجان - أنب - مقعد	الموسوعة
-----------------------------	----------------------	----------

بذليون (Bdeilion): به معنای «راحة الاسد» و از انواع «مقل الأزرق» است. (این عبارت در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۷]

<i>Cammiphora mukul</i> Engl.	بدلیون - راحة الاسد - مقل أزرق	دیسکورید
<i>Cammiphora mukul</i> <i>Bdellium</i> Engl.	مقل أزرق	پارسا
<i>Cammiphora mulomol</i> Engel.	خاک مقل	پارسا
<i>Balsamodendron africanum</i> <i>Hendelotia africanum</i>	مقل	الم.، EN.
<i>Bdellium indicum</i>	مقل اليهود	الموسوعه
<i>Hyphaene thebaica</i> Mart. <i>Cammiphora africanum</i> Engl. <i>Balsamodendron africanum</i> Arn. <i>Balsamodendron mukul</i> Hook.	دوم - وقل - مقل	زریاب
<i>Hyphaene thebaica</i> Mart. <i>Balsamodendron africanum</i> Arn.	مقل	طباطبانی
<i>Cammiphora mukul</i> <i>Bdellium</i> Engl.	مقل یهودی	EN.

۱۷۵۸ - مقل مکی<sup>۱</sup>، مقل مکی<sup>۲</sup>، مقل مکی<sup>۳</sup>، خِضلاف<sup>۴</sup>، مقل مکی<sup>۵</sup>: نام دیگر آن: میوه دوم<sup>۶</sup>

<i>Hyphaene thebaica</i> Mart.	خضلاف - مقل مکی	خطابی
--------------------------------	-----------------	-------

۱۷۵۹ - مقلیانا<sup>۷</sup>، مقلیانا<sup>۸</sup>: (نامی سریانی) بنا به نظر عده‌ای نام «حرف» است.<sup>۹</sup>

<i>Nasturtium officinale</i> R.Br.	مقلیانا - حب الرشاد	EN.
------------------------------------	---------------------	-----

۱۷۶۰ - مَکْهَارَه<sup>۱۰</sup>: (نامی هندی) ریشه گیاهی که به هندی «بتال مکھانه» نامیده می شود.<sup>۱۱</sup>

۱۷۶۱ - مَلّاح<sup>۱۲</sup>: نوعی حَمَض<sup>۱۳</sup>

۱۷۶۲ - ملوح<sup>۱۴</sup>، ملوخ<sup>۱۵</sup>، مَلُوخ<sup>۱۶</sup>: (شام) نوعی قطف بحری نام‌های دیگر آن: نبطی: قاقلی<sup>۱۷</sup> - بصره: مَلّاح<sup>۱۸</sup> - اهالی شام: سامر<sup>۱۹</sup> - الیمون<sup>۲۰</sup> - ملوخ البطریق<sup>۲۱</sup> - تلیش<sup>۲۲</sup> - قرنبا<sup>۲۳</sup> - شَقْوَاص البحر<sup>۲۴</sup> - قطف بحری<sup>۲۵</sup> - [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۳: به «قطف» رجوع شود.]

<i>Atriplex halimus</i> L.	ملوخ	زریاب
----------------------------	------	-------

۱۷۶۳ - ملوکیه<sup>۲۶</sup>، ملوخیه<sup>۲۷</sup>، ملوخیا<sup>۲۸</sup>، ملوخیه<sup>۲۹</sup>: «ملوخیه» جنسی است از «خبازی»<sup>۳۰</sup> - نوعی «خبازی» است و آن بستانی بود. نام‌های دیگر آن: شیرازی: خطمی کوچک<sup>۳۱</sup> - رومی: ایسفسوس<sup>۳۲</sup> - سریانی: ملوخیا<sup>۳۳</sup> - سجزی قدیم: ملک<sup>۳۴</sup> - سجزی جدید: پنی‌رک<sup>۳۵</sup>، کُشِیعاء<sup>۳۶</sup> - بلخ: دبوکی<sup>۳۷</sup>، ملوخیه<sup>۳۸</sup> - ملوکیه<sup>۳۹</sup>، خَبَازِی<sup>۴۰</sup>، خَبَاز<sup>۴۱</sup>  
مَلُوخِی (Molokhe): نام‌های دیگر آن عبارتست از: خَبَازِی - ملوکیه<sup>۴۲</sup> [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۳]

<i>Malva rotundifolia</i> Desf.	ملوخ - ملوکیه - خبازی	زریاب
<i>Corchorus olitorius</i>	ملوخیه	الموسوعه
<i>Malva silvestris</i> L. <i>Corchorus olitorius</i> L.	ملوکیه - پنی‌رک - خبازی	زریاب

EN...طباً	ملوخیه	<i>Corchorus olitorius L.</i>
-----------	--------	-------------------------------

- ۱۷۶۴ - ملونیه<sup>ع</sup>، ملونیا<sup>ب</sup>: نام های دیگر آن: بطیخ الطویل<sup>ع</sup> - مقلونیا<sup>ب</sup> - خربزه دراز<sup>ب</sup> - شیرازی: خیار دراز<sup>ب</sup>  
 ۱۷۶۵ - مئور<sup>ع</sup>: به «خیری» گفته می شود و همچنین به نوعی «خشخاش» با نام یونانی «میقن زواس»<sup>ع</sup>.

الموسوعه	مئور بری، شیشیم، خمنجم	<i>Matthiola livida DC.</i>
الموسوعه	خیری، مئور	<i>Cheiranthus sp.</i>
EN.	خیری، مئور	<i>Cheiranthus cheiri L.</i>

- ۱۷۶۶ - مَنج زَراوْشان؛ منج زراوشان (تخم خیری): (نامی فارسی) نام های دیگر آن: عربی: مَنج<sup>ب</sup> - فارسی: کونک<sup>ب</sup>

زریاب	منج	<i>Datura metel L.</i>
-------	-----	------------------------

- ۱۷۶۷ - مَنسِیه<sup>ش</sup>: نوعی هیوفاریقون - وجه تسمیه: با نوشیدن شربتی از آن عشق زیاد فرد را با ایجاد فراموشی متعادل می کند.<sup>ش</sup>  
 ۱۷۶۸ - مَنشَم<sup>ب</sup>، حب المنشم<sup>ب</sup>: دانه ای به اندازه فلفل و به رنگ میان زردی و سرخی و بغایت ملس و خوش بوی و زود شکن بود و مغز آن بغایت سفید و معطر است.<sup>ب</sup>

زریاب	منشم	<i>Commiphora opobalsamum Engl.</i> <i>Amyris opobalsamum</i>
-------	------	--

- ۱۷۶۹ - مَنبیره<sup>ع</sup>، منیره<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: أرجونیه<sup>ع</sup> - ارجمونیه<sup>ش</sup>  
 ۱۷۷۰ - مو<sup>ب</sup>، مین<sup>ب</sup>، مو<sup>ب</sup>، مو<sup>ب</sup>، مو<sup>ب</sup>: نام دیگر آن: هندی: مون<sup>ب</sup>  
 میتون (Meon): مو [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۳]

ز. ط.، E.	مو	<i>Meum athamanticum Jack.</i>
دیسکورید	میتون - مو	<i>Meum athamanticum Jack.</i>
الموسوعه	شبت بری، موم، مو	<i>Meum athamanticum Jack.</i>

- ۱۷۷۱ - مواغز<sup>ش</sup>: به معنای عسلی - نام های دیگر آن: هزجان<sup>ش</sup>  
 ۱۷۷۲ - مورقا<sup>ش</sup>، مورقا<sup>ش</sup>: (نامی اندلسی) نام های دیگر آن: سرزمین بربر: آسمان<sup>ش</sup> - بعضی از مردم: سنبل بری<sup>ع</sup>  
 برخی گمان می کنند نام «مو» است ولی اینچنین نیست.<sup>ع</sup>  
 ۱۷۷۳ - مَوَزْ، مَوَزْ، موز<sup>ب</sup>، موز<sup>ب</sup>، موز<sup>ب</sup>، موز<sup>ب</sup>: (نامی عربی) نام های دیگر آن: عربی: طلح<sup>ب</sup> - هندی: کیله<sup>ب</sup>

الموسوعه	موز	<i>Musa sp.</i> <i>Musa sepientum L.</i>
زر. - خط.	موز	<i>Musa paradisiaca L.</i> <i>Musa sepientum L.</i>
EN.	موز	<i>Musa sepientum L.</i>



۱۷۷۴ - مؤسلی: (نامی هندی)

۱۷۷۵ - مؤل سَری: (نامی هندی)

۱۷۷۶ - مولی<sup>۴</sup>، مولی<sup>۵</sup>: گویند «حَرْمَل بری» است.<sup>۶</sup>

Arum dracuncululus L.	مولی	EN.
-----------------------	------	-----

۱۷۷۷ - مونج: پوست نی تو خالی به نام سرکنده است.<sup>۷</sup>

۱۷۷۸ - مونذی: (نامی هندی)

۱۷۷۹ - موؤس<sup>۸</sup>: نام‌های دیگر آن: هَروا<sup>۹</sup> - قونیون<sup>۱۰</sup>۱۷۸۰ - مَهْد، مَهْد: (نام کشمیری) نوعی «عرطینا» معروف به «راحة الأسد» که اهالی شام به آن «قیلعی» گویند.<sup>۱۱</sup>۱۷۸۱ - میه<sup>۱۲</sup>:

Pteris radiofa Mett.	میه	زریاب
Acrostichum dichototum Forsk.		

۱۷۸۲ - مَیسَن، مِیسَن، مِیس، مِیسَن، مِیس: (نامی عربی) نوعی قِیْقَب است.<sup>۱۳</sup> نام‌های دیگر آن: مَلَبونه<sup>۱۴</sup> - یونانی:لوسوس<sup>۱۵</sup>، لَطوس<sup>۱۶</sup> [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۵: به «لوطوس» رجوع شود.]

Trigonella elatior Sybth.	مِیسَن	زریاب
Nymphaea lotus L.		
Trigonella caerulea Ser.		
Nymphaea lotus L.	مِیسَن	طباطبائی
Celtis sp.	مِیس، نَمَم	الموسوعه
Nymphaea lotus L.		
Trigonella caerulea Ser.		
Sorbus torminalis (L.) Crantz	مِیس	EN.

۱۷۸۳ - میسنای<sup>۱۷</sup>: نام‌های دیگر آن: زابلستان: شیرگیا<sup>۱۸</sup> - بلخ و طخارستان: خیارک بی بر<sup>۱۹</sup> - خوارزم: ویدویک<sup>۲۰</sup>۱۷۸۴ - میعة سائله<sup>۲۱</sup>، میعه<sup>۲۲</sup>، میعه<sup>۲۳</sup>، میعه<sup>۲۴</sup>: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: عربی: لبنی<sup>۲۵</sup> - هندی: سلارس<sup>۲۶</sup>درخت آن را به فرنگی «اسطراکه‌لیکه» (یعنی نرم) گویند.<sup>۲۷</sup> دارای دو نوع میعه سائله و میعه یابسه<sup>۲۸</sup> است. «ابوجریح»می‌گوید: میعه صمغی است روان، از گیاهی که در شهرهای روم می‌روید بدست می‌آید.<sup>۲۹</sup> میعه دو نوع است: سائله با نام‌های:عسل اللبئی<sup>۳۰</sup> - هندی: سلهارس<sup>۳۱</sup>، اصطفی<sup>۳۲</sup>، عسل لبنی<sup>۳۳</sup> - یابسه با نام‌های: هندی: سلَهه<sup>۳۴</sup>، سلَهس<sup>۳۵</sup>، شیرازی: لحوز<sup>۳۶</sup> میعهسه جنس است، «میعه تر» و «میعه خشک» و «اصطُرک»<sup>۳۷</sup> و «أصطرک» نوعی از «میعه» است.<sup>۳۸</sup>

صَطَقَطی (Stakte): میعة السائله - حنین: دَسَم الشجر المرّ [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۱]

Commiphora myrrha Engl.	صطفی - میعه سائله	دیسکورید
Styrax officinale L.	میعه یابسه	
Rosa maialis Desf.	مِیاه سائله	پارسا
Strax officinale	اضطرک - لبنی - میعه	الموسوعه

<i>Liquidambar orientalis L.</i>	میعه سائله	زریاب
<i>Styrax officinale L.</i>	میعه یابسه	
<i>Liquidambar orientalis L.</i>	میعه	طبا، EN.
<i>Styrax officinale L.</i>	میعه یابسه	

۱۷۸۵ - میکلس:

<i>Convolvulus sepium L.</i>	میکلس	زریاب
<i>Smilax aspera L.</i>		

۱۷۸۶ - میلقص لیا:

۱۷۸۷ - مین: نام های دیگر آن: اثامطیقون - مین - میون - بیزه - مو - سنبل الاقلیطی - مورانه - موران

۱۷۸۸ - میواقتوس: نام دیگر آن: شوک الفأرة

<i>Asparagus officinalis L.</i>	میواقتوس - شوک الفأرة	زریاب
<i>Asparagus acutifolius L.</i>		

۱۷۸۹ - میودیون: نام دیگر آن: مادیون - برگردان عربی آن «ذنب الأیئل» است.

۱۷۹۰ - میویزج، میویزج، میویزج، میویزج (نامی فارسی)، زیبب الجبل: نام های دیگر آن: اسطافیدوس اغریا - حب الراس - صیب - خروع الاسود - شیرازی: مویزک - فاس: حب الراس - برگردان عربی آن زیبب الجبل و زیبب الریفی است و نام دیگر آن «حب الراسن» است. صاحب جامع گوید «حب الراسن» است و این سهو است.

<i>Delphinium staphisagria L.</i>	میویزج	ز، خ، ط.
-----------------------------------	--------	----------

## حرف «ن»

۱۷۹۱ - نارجیل، نارجیل، نارجیل، نارجیل، نارجیل، جوز هندی، رانج، نارجیل: معرب ناریل هندی است. نام های دیگر آن: هندی: نالیر - عربی: جوز هندی، الزنج - فرنگی: کوکرس اندیکریس - رانج - جوز الهند - شیرازی: گردو هندی - به هندی تازه آن را «ناریل» و خشک آن را «کهوپره» گویند.

<i>Cocos nucifera L.</i>	نارجیل	ز، ط، E.
<i>Cocos nucifera L.</i>	نارجیل - نارکیل	پارسا
<i>Cocos nucifera L.</i>	نارجیل معروف، جوز الهند، رانج، شمعور، جشرج	الموسوعه

۱۷۹۲ - نارجیل بحری: نام دیگر آن: فارسی: نارجیل دریائی

<i>Lodoicea sechellarum Lab.</i>	نارجیل دریائی - کشکول	پارسا
----------------------------------	-----------------------	-------

۱۷۹۳ - ناردین، ناردین، ناردین، ناردین، ناردین: سنبل رومی؟ «ابن بیطار» می گوید: هر گاه «ناردین» به تنهایی



۱۷۹۸ -نارنج، نارنج، نارنج، نارنج: معرب نارک فارسی نام دیگر آن به هندی «کرنا» است.<sup>۱</sup>

۱۷۹۹- ناطف، ناطف، ناطف: نام‌های دیگر آن: قبیطه، قُیْطَاء، قُیْط

۱۸۰۰ - ناغیشت<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: بربری: حسومی<sup>۵</sup> - آغرومی<sup>۶</sup> - بعضی از مردم: فلفل السودان<sup>۷</sup>

۱۸۰۱ - ناکسیر: نام دیگر آن: به ہندی: ناککسیر

۱۸۰۲ - نانخواه<sup>۱</sup>، نانخواه<sup>۲</sup>، نانخواه<sup>۳</sup>، نانخه<sup>۴</sup>، نانخه<sup>۵</sup>، اماموس مانپوس<sup>۶</sup>: لغت فارسی و به معنای درخواست کننده نان است.<sup>۷</sup> نام‌های دیگر آن: فارسی: زینیان<sup>۸</sup>، نغن خوالان<sup>۹</sup>، نانخواه<sup>۱۰</sup> نانخه<sup>۱۱</sup> - عربی: کمون ملوکی<sup>۱۲</sup> - هندی: اجواين<sup>۱۳</sup> - رومی: امی<sup>۱۴</sup> - سریانی: ننوا<sup>۱۵</sup>، نینیا<sup>۱۶</sup> - سندی: حوان<sup>۱۷</sup> - اندلس: نانخه<sup>۱۸</sup> - ناوخیه<sup>۱۹</sup> - دیسکورید: امیانی<sup>۲۰</sup>، آمی<sup>۲۱</sup>، قومنون باسیلقون<sup>۲۲</sup> - شیرازی: زینان<sup>۲۳</sup> - قومینون انتونیقون یعنی کتون حبشی، کتون الکرامنی، کتون الرطالی - باسیلقون یعنی ملوکی<sup>۲۴</sup> [این بظار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۵۸: به د کمون، رجوع شود].

۱۸۰۳ - نبق: در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی گویند «زهرور» است و عده‌ای آن را میوه درخت «سدر» می‌دانند و همین نظر در بین دانشمندان مشهور است.<sup>۴</sup>

۱۸۰۴ - تبغ، نَبغ: نام دیگر آن به سجزی «کنار» است. <sup>۴</sup>

<i>Grewia populifolia</i> L.	نوع - کنار	زریاب
------------------------------	------------	-------

۱۸۰۵ - نِجاله<sup>(۱)</sup>: نام دو گیاه، «شیطرح» و گیاه یکساله دیگری است و همچنین به «جوز القطاة» نیز می‌گویند.<sup>ش</sup>

۱۸۰۶ - نَرْتِیْقَسْ<sup>۱</sup>:

۱۸۰۷ - نرجس<sup>۱</sup>، نرجس<sup>۲</sup>، نرجس<sup>۳</sup>، نرجس<sup>۴</sup>، بصل النرجس<sup>۵</sup>: (معرب نرگس فارسی) نام‌های دیگر آن: پیاز نرگس<sup>۶</sup> - عبهر<sup>۷</sup> - شیرازی: هفت زرده<sup>۸</sup> - فاس: بهار<sup>۹</sup> - عامه: حنیق زنبق<sup>۱۰</sup> - مؤلف گوید نرجس دارای انواعست یک نوع را «شاه نرجس» و یک نوع را «نرجس مسکین» و یک نوع را «کافوری» و یک نوع را «بهاری» گویند.<sup>ش</sup>

Narcissus tazetta L.	نرگس	پارسا
Narcissus sp.	نرجس	ال، EN.
Narcissus poeticus	نرجس	خطابی

۱۸۰۸ - نَرُوک<sup>۱</sup>، نَرُوک<sup>۲</sup>: (نامی فارسی)

۱۸۰۹ - نسرین<sup>۱</sup>، نسرین<sup>۲</sup>، نسرین<sup>۳</sup>، نسرین<sup>۴</sup>، نسرین<sup>۵</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: ورد صینی<sup>۶</sup> - فارسی: گل مشکین<sup>۷</sup>، گل عنبرین<sup>۸</sup> - اصفهانی: مشکین‌جه<sup>۹</sup> - هندی: تیونی<sup>۱۰</sup> - نسترن گل<sup>۱۱</sup> [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۶: به «علیق» رجوع شود.]

Narcissus jonquilla L.	گل مشکى - گل عنبرى - نسرین	پارسا
Rosa moschata Herrn.	نسرین	زر. - خط.
Rosa canina L.		
Rosa canina	نسرین، جُنسَرین، ورد بری، ورد السیاح	الموسوعه
Rosa canina	نسرین	EN.

۱۸۱۰ - نَشَم<sup>۱</sup>، نَشَم<sup>۲</sup>: نام دیگر آن: حور<sup>۳</sup> - «غسانی» می‌گوید: پزشکان در مورد ماهیت آن اختلاف دارند برخی آن را «جوز» و عده‌ای «دلب» و گروهی «دردار» و بعضی «صفصاف» می‌دانند و همگی از انواع «نَشَم» است و لکن آنچه با این نام شناخته شده است «جوز الابيض» است.<sup>۴</sup> اشبیلی<sup>۵</sup> می‌گوید: دارای انواعی است که عبارتست از: ۱ - نوع سفید: صبر ۲ - نوع دیگر سفید با نام یونانی: بطیالایا ۳ - نوع سیاه با نام یونانی: بطیالایا و لورقی و نام شامی: دردار و نام‌های: شجر البَقّ، شخّ ۴ - شجر المیس: قَيْقَب، یونانی: اخردس، سریانی: المیس، عجمی: بُخَشَش، شجر الدردار، شجر الصفصاف، شجر الفندک<sup>ش</sup>

Grewia bicolor Juss.	نشم	خطابی
----------------------	-----	-------

۱۸۱۱ - نمشک: (نهشک) بنا به نقل کتاب کافی نام «جزر بری» است که زنان بعنوان روغن از آن استفاده می‌کنند ولی نزد ما «جزر بری» نیست و گیاهی هندی به رنگ یاقوت است که بویژه در مسافرت‌ها مصرف خوراکی دارد.<sup>ش</sup>

۱۸۱۲ - نضار<sup>۱</sup>، نضار<sup>۲</sup>، نضار<sup>۳</sup>: «ابو عید بکری» می‌گوید: به درخت «أثل» که در کوه‌ها روئیده شود «نُضار» و در مکانهای غیر کوهستانی «أثل» گویند.<sup>ش</sup>

۱۸۱۳ - نَعْنَع<sup>۱</sup>، نَعْنَع<sup>۲</sup>، نَعْنَع<sup>۳</sup>، نَعْنَع<sup>۴</sup>، نَعْنَع<sup>۵</sup>، حشرما (نامی سریانی)<sup>۶</sup>، هیزارما<sup>۷</sup>: نام‌های دیگر آن: نعناع<sup>۸</sup> - یونانی: مثنی<sup>۹</sup>، مثنی<sup>۱۰</sup>، مثنی<sup>۱۱</sup>، به معنای خوشبو، مینزارما<sup>۱۲</sup> - فارسی: هزارپا<sup>۱۳</sup>، بوذنه<sup>۱۴</sup> - شیرازی: راقوته<sup>۱۵</sup> - رومی: هوذا سمون<sup>۱۶</sup>، اوراسیمون<sup>۱۷</sup>، ایدووسمون<sup>۱۸</sup> - سریانی: رقوثا<sup>۱۹</sup>، ننعما<sup>۲۰</sup>، هیوازما<sup>۲۱</sup>

ایڈیاسْمُن (Hedusmon): نام گیاه «نعنع» است و آن گیاه معروفی است. [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۲ و ۹۳]

<i>Mentha piperita</i> Smith. <i>Mentha sativa</i> L.	نعنع	زط...E.
<i>Mentha piperita</i> Smith.	ابدیاسمن - نعن	دیسکورید
<i>Mentha</i> sp.	نعنع، نُعْنَع، نُعْنَاع	الموسوعه
<i>Mentha</i> sp.	نعنع	خطابی
<i>Mentha piperita</i> Smith.	نعنع فلفل	خطابی
<i>Mentha sativa</i> L.	نم	خطابی
<i>Mentha aquatica</i> L.	نعنع البری - نعن المانی	خطابی

۱۸۱۴ - نُقْلٌ، نُقْلٌ، نُقْلٌ، نُقْلٌ، نُقْلٌ: نام های دیگر آن: قَت البرّ، بارزد - فارسی: شَقْتَل، غسانی می گوید: از انواع آن «جَمَصی»، «حَنْدَقَوْقا»، «بساط الملك» و «انجبار» است. اشبیلی می گوید: نفل دارای انواع بسیاری است و همگی از گیاهان یکساله مرتعی هستند که عبارتند از: ۱ - جَمَصی ۲ - جَمری و نحلی ۳ - رطبه - قَت: لوطس اغریوس، یربه بطره یعنی عشبة البقلة ۴ - قَضَب: لوطس، یربه بطیره، قَت ۵ - حندقوقا: لوطس طوماغا، لوطس اغریوس، طریفیلن، طریفله، حندقوقا، خاقی، دُزق، آزود، کرکمان، قرنفل الارض ۶ - حندقوقا مصری: ذرق ۷ - فِصْفَصَة ۸ - بساط الملك ۹ - ازراز: ثغام، اِرْزَة الارض ۱۰ - بلوز الريح ۱۱ - کرسنی ۱۲ - میدیقی ۱۳ - عروق السوس ۱۴ - انجبار النهری ۱۵ - رقة النهری<sup>ش</sup>

<i>Trifolium</i> sp.	نفّل، شبدر	الموسوعه
<i>Trifolium melilotus-indica</i> L.	نفّل	طباطبائی
<i>Medicago ciliaris</i> Hook. <i>Medicago intertexta</i> L. <i>Trifolium melilotus indica</i> L.	نفّل	زریاب
<i>Medicago ciliaris</i> Hook. <i>Medicago hispida</i> Gaertn. <i>Medicago littoralis</i> Rhod. <i>Medicago sativa</i> L.	نفّل	خطابی

۱۸۱۵ - نِکاچونی: (نامی هندی)

۱۸۱۶ - نلک، نلک: به درخت «زعرور» و همچنین به درخت «دب» گویند.<sup>ع</sup>

<i>Prunus divaricata</i> Led.	نلک	زریاب
<i>Crataegus azarolus</i> L.	نلک، زعرور عادی	الموسوعه

۱۸۱۷ - نم<sup>ع</sup>:

<i>Thymus glaber</i>	سَعْتَر أَمْرَط، سَيْسَبْر، نَم، نَم المَلک، زُبْبَرَة	الموسوعه
<i>Thymus glaber</i> <i>Thymus serpyllum</i> L.	نَم	طباطبائی

۱۸۱۸ - نَوَاسِ، نَوَاسِ، نَوَاسِ (نامی یونانی)، عصب: نام های دیگر آن: شجرة القدس، مسواک

العباس<sup>۳</sup>، مسواک المسيح<sup>۴</sup> - دیسکورید: بطریون<sup>۵</sup> "غافقی" می‌گوید: نوع بزرگ «فتاد» را گویند و برخی از مردم آن را به نام «شجرة العرس» و برخی «سواک عباس» و «سواک عباسی» نامیده‌اند و در روم «سواک المسيح» نام دارد<sup>۶</sup> - "رازی" می‌گوید: نام دیگر آن «شجرة العصب» است<sup>۷</sup>.

الم.	أسطراغالوس نوارس، نوارس، شجرة القدس، عَصْب	<i>Astragalus arnacantha</i>
------	--	------------------------------

۱۸۱۹ - نُؤْبَع: نام‌های دیگر آن: دوقس، امسخسر یعنی باطل کننده سحر<sup>۸</sup>

۱۸۲۰ - نَهْمَا، نَهْمَا: (نامی نبطی)

۱۸۲۱ - نِيطَافَلِی:

۱۸۲۲ - نِيفَاطُوس:

۱۸۲۳ - نِیلَج، حب النیل، نِیلَج، لِنِیلَج، نِیل، نِیل، نِیل، وِسْمَه، وِسْمَه، حناء معجون، عجب، عجب (دانه)، وِسْمَه (نام برگ): نام‌های دیگر آن: نِیل - اساطوس - عَظْلَم، عَظْلَم (نام درخت) - خَطَر - اندلس - سمائی - نام گیاه در کتاب دیسکورید: اساطیس - "غسانی" می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف کرده‌اند گویند نام «نیل» است و گویند «عَظْلَم» است. ابوحنیفه به نقل از بعضی اعراب «عَظْلَم» و «توم» و «وِسْمَه» را نامی برای یک گیاه می‌داند. «اشبیلی» می‌گوید: به دو گیاه «عجب» و «وِسْمَه» با سه قسم می‌گویند سایر نام‌های وِسْمَه عبارتست از: سدوس، ایساطس، تنطریه، طیلسات<sup>۹</sup> - نام‌های دانه آن: قرطم هندی، نِیلِنَج، لِنِیلَج - عصاره گیاه هرگاه خشک شود «سدوس» نام دارد<sup>۱۰</sup> - «وِسْمَه» به برگ آن گفته می‌شود. اساطیس (Isatis): نِیل نِیلَج - طین الاخضر - عین الاخضر

اساطیس اغریا: نِیل بری [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۵ و ۱۶۶]

خطابی	نیل	<i>Isatis tinctoria L.</i>
دیسکورید	نیل - نِیلَج - طین الاخضر - عین الاخضر	<i>Isatis tinctoria L.</i>
الموسوعه	نیل - نِیلِنَج - حِلَّة	<i>Indigofera sp.</i>
زریاب	نیل - وِسْمَه	<i>Indigofera tinctoria L.</i>
طباطبائی	نیل	<i>Indigofera tinctoria L.</i>
الموسوعه	لِیلَک، لِنِیلَج، نِیلَج	<i>Syringa sp.</i>
زریاب	حب النیل - قرطم هندی	<i>Ipomoea hedracea Ja.</i>

۱۸۲۴ - نِیلُوفَر، نِیلُوفَر، نِیلُوفَر، نِیلُوفَر، نِیلُوفَر، کرنب الماء (سریانی)، عروس<sup>۱۱</sup>: معرب «نیلوپهل» هندی است و «نیل» به زبان هندی به معنای آب و پهل به معنای میوه است<sup>۱۲</sup> - نام‌های دیگر آن: سریانی: نِیلُوفَل - نام‌های دیگر آن: فارسی: بن لیلوفر، نِیلُوپَرک - خُرپرسته<sup>۱۳</sup> - یونانی: نیمفا<sup>۱۴</sup> - عربی: کرنب الماء، خیری، وردالشمس، وردالمجوس، سارق الخاتم - دیسکورید: نیمفا<sup>۱۵</sup> - بنگالی: سیلا، کوهن، دانه آن به نام «حب العروس» است<sup>۱۶</sup> - نام بری آن را در مصر «عرایس النیل» گویند<sup>۱۷</sup> - «اشبیلی» می‌گوید: دارای انواع بسیار بستانی، بری و نهري است برخی با گل سفید، زرد، قرمز و آبی است. نوعی نیلوفر بری با گل زرد و نهري و معروف به ذهبی است نام‌های دیگر آن عبارتست از: نیمفا یعنی عروسة المجلیة، سفتک، بلاطر، بشنین، نیلوفر ذهبی، قاتل النحل، سارق الخاتم، التاجر، عروس، نام برگ: تَزَس الماء، مراوح الجن، بوقی، نِیلُوفَر - نوع دیگر نیلوفر معروف به نیلوفر البَرک است و نام‌های دیگر آن عبارتست از: نیلوفر القَمَری، ورد الانهار، نیلوفر المجوسی - نوع دیگر نیلوفر به صقلی و شمسی معروف است و به آن نیلوفر الصینی گویند<sup>۱۸</sup>

نیمفا (Numphaia): لِنُوفَر - نُوفَر - عروس الماء - قاتل النحل [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۹۷]





بهترین نوع آنست که از گل فارسی گیرند. - دارای انواع مختلفی است: ورد احمر بستانی - ورد ابیض بری - نام ورد احمر بری: گل درخت دلیک - نام ورد احمر بستانی: گل سرخ

نام ورد اصفر بری: نسرین زرد بری - نام ورد اصفر بستانی: نسرین زرد بستانی - نام ورد الحماق: ورد العجار - فارسی: گل رعناى زیبا - شیرازی: گل قحبه - نام‌های ورد موجه: رومی: ططریوغنون - سریانی: ورد الصیاری - فارسی: گل روسیجہ

قونُس باطُس (Kunosbatos): برگردان عربی آن «عَلِیقُ الْکَلْب» است زیرا «قانس» به یونانی یعنی «کلب» (سگ) و «باطس» یعنی «علیق» و اهالی مغرب به آن «نسرین» گویند و به «ورد بری» مشهور است و نام بربری آن «ادمام» و نام لاتینی آن «سنلتجی» است و جالینوس نام آن را در مقاله هفتم خود یادآور شده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۶]

رُودَا (Rhoda): در بعضی از نسخه‌ها «جُودَا» گفته شده و آن نام - یونانی - «وُرد» یا همان «جُل» که ریشه واژه معرب شده آن فارسی است می باشد و به نوع سرخ آن «حَوَجَم» و به نوع سفید آن «وَتیرا» گویند و جالینوس آن را در مقاله هشتم خود یادآور شده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰۱]

<i>Rosa sp.</i> <i>Rosa damascena L.</i>	جُل، ورد	الموسوعه
<i>Rosa sp.</i>	ورد	خطابی
<i>Rosa canina L.</i>	قونس باطس - ورد بری - نسرین	دیسکورید
<i>Rosa Tourn.</i> <i>Rosa gallica L.</i> <i>Rosa alba L.</i>	روذا حوجم - ورد احمر وتیر - ورد ابیض	دیسکورید
<i>Rosa centifolia L.</i> <i>Rosa damascena L.</i>	ورد	زریاب
<i>Rosa gallica</i> <i>Rosa damascena L.</i>	ورد	طباطبانی
<i>Rosa alba L.</i>	Hendia: Gulab - Bengal: Swet glub Bombay: Gul - Panjub: Gulseoti	GLO.IN.
<i>Rosa centifolia L.</i>	Hendia: Gulab - Bengal: Glub Phul Bombay: Gul - Telugu: Gulab	GLO.IN.
<i>Rosa damascena Mill.</i>	Hendia: Gulab Ūe phul - Bengal: Glub Phul Telugu: Gulab	GLO.IN.
<i>Rosa gallica L.</i>	Hendia & Bengal: Glub	GLO.IN.
<i>Rosa cinensis Jac. Syn: R. indica L.</i>	Bengal: Kat glub - Panjub: Sada gulab	GLO.IN.

### ۱۸۲۹ - ورد الحب:

<i>Ranunculus asiaticus L.</i>	ورد الحب	زر - طباً.
--------------------------------	----------	------------

۱۸۳۰ - ورد الحمار، ورد الحمار، ورد الحمار: نام‌های دیگر آن: رازی: بهار - ابن ماسویه: ورد الفجّار - گل قحبه [این

بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۵: به «فانایا» و «عود الصلیب» رجوع شود.]

<i>Nerium oleander L.</i>	ورد الحمار	طباطبانی
---------------------------	------------	----------

<i>Buphthalmum speciosissimum</i> Ard. <i>Telekia speciosissimum</i> DC.	رَبْد ثَيْن، ورد الحمار	الموسوعه
<i>Paeonia officinalis</i> L. <i>Paeonia corallina</i> Ret. <i>Paeonia wittmanniana</i> Hart. <i>Althaea rosea</i> Cavan. <i>Anthemis arvensis</i> L.	ورد الحمار	زرياب

۱۸۳۱ - ورد الحمیر<sup>۷</sup>: عامه اندلس نوع نر آن را «فاونیا» گویند.<sup>۷</sup>

۱۸۳۲- ورد الحمه<sup>۳</sup>: نوع گل سرخ آن «القون» است.<sup>۴</sup>

١٨٣٣ - ورد منتن<sup>١</sup> : نوعی عود الصلیب<sup>٢</sup>

۱۸۳۴ - وَرْس، وَرْس، وَرْس، وَرْس، وَرْس: نام‌های دیگر آن: بادره، نَدی - سَریانی: وَرْش، حَص، قَندیز - حجر البقر<sup>۴</sup> - «ابن ماسویه» می‌گوید: از شهرهای یمن آورده می‌شود و به رنگ سرخ سیر است، بر روی پوست گیاهی که در یمن می‌روید، پدیدار گشته گرد آوری می‌شود. همانند زعفران نرم و سائیده شده است.<sup>۵</sup>

<i>Flemmigia rhodocarpus</i> Bak. <i>Mallotus philippinensis</i> Mill. <i>Rottlera tinctoria</i> Rox. <i>Memecylon tinctoria</i> Wil. <i>Memecylon edule</i> Rox.	ورس	زریاب
<i>Reseda luteola</i> L.	ورث	پارسا
<i>Memecylon tinctorium</i> L.	ورس	الموسوعه

۱۸۳۵۔ ورطوری<sup>۷</sup>، ورطوری<sup>۸</sup>: نام دیگر آن: یونانی: سطاخیس<sup>۹</sup>

<i>Stachys germanica</i> L.	سطاقس جرمانى، قازة، وُزْطُورَه	الموسوعه
<i>Stachys</i> sp.	سطاقس، سطاخييس	الموسوعه

۱۸۳۶ - وشيج، وسيح<sup>۴</sup>: نام ديگر آن: فارسي: ليمودار<sup>۵</sup>

امونیاقن (Ammoniakon): آشَق - وُسَق - أُشِج - وُسِج - لائینی: العُتَّه (Guta) لزاق الذهب - نام مشترکی است. - [این بطار (در ترجمه  
 دیسکورید ۳ - ۲۷]

<i>Dorema ammoniacum</i> Don.	امونیاقن - اشق - وشج	دیسکورید
<i>Heliconia</i> sp.	وَشِیج، هَلِیکُونیا	الموسوعه

۱۸۳۷ - وَطْمٌ: نام ریشه به بربری: أَوَطْمُو

۱۸۳۸ - وَلْبُ، وَلْبُ: (نامی عربی) نوعی از يتوعات است.<sup>۴</sup> - نام‌های دیگر آن: یونانی: نابلس، بابلس<sup>۵</sup> - گروهی پنداشته‌اند نوع معروف «عُرفج بری» با نام یونانی «فَیلس» است و «بقراط» نام آن را «بیلیون» گذاشته و نام آن در بعضی از ترجمه‌ها «حَلِیت» آمده است.<sup>۶</sup>

۱۸۳۹ - وقواق : (نامی ہندی)

۱۸۴۰ - ونجهک: نام‌های دیگر آن: شریف ادریسی: بربری: عشبۀ قبری

### حرف «ه»

۱۸۴۱ - هازُ سَنکَهَار: (نامی هندی) هار به معنای گردن بندی از گل و سنکه‌هار زینت و آرایش را گویند.

۱۸۴۲ - هاسیمونا، هاسیمونیا: (نامی نبطی)

۱۸۴۳ - هال بوا، هال، هال، هیدبوا، هیل بوا، خیر بوا، خیر بوا، شمین، هال: نام‌های دیگر آن: خیر بوا - هیل بوا، هیل وهال - سریانی: شوشمانیا - هندی: شمشیر، شوقشیر، هیل، شسمیرون - قاقلة صغیرة - قاقلة صغار

زر. - طب.	هال بوا	<i>Elettaria cardamomum</i> Whi. & Mat. <i>Amomun melegueta</i> Ros.
زریاب	هال صغیر، قاقلة صغیرة، حَنَهان	<i>Elettaria cardamomum</i> Whi. & Mat.
الموسوع	هال، هیل، هیلَبوا، قاقلة، شوشمة، شوشمیر	<i>Amomun</i> sp.
طباطبانی	هال، هیل، هیلَبوا، قاقلة، شوشمة، شوشمیر	<i>Amomun granum-paradisi</i> L.

۱۸۴۴ - هَذیلة: (نامی اندلسی)

۱۸۴۵ - هرانیة، هرَنوه: نام‌های دیگر آن: فارسی: هَره، هرَنوه - قرنوه - میوه درخت عود

الموسوع	هرَنَوی، هرَنَوَة	<i>Apera spica-venti</i> L.
---------	-------------------	-----------------------------

۱۸۴۶ - هُرَطَمان، هرطمان: نوعی از حبوب - نام‌های دیگر آن: بطیقی، بلورا - شام: بهاسلواواکرا - شام و مصر: حشیش الدواب [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۷۹: به «هرطمان، رجوع شود]

زر. - طب.	هرطمان	<i>Avena sativa</i> L.
الموسوع	خُرَطال زراعی، شوفان زراعی، قُرَطَمان	<i>Avena sativa</i>

۱۸۴۷ - هرقلوس، هرقلوس، هرقلوس: نوعی هندباء بری - نام‌های دیگر آن: بقلة اليهودیه - خَس الحمار، (هرقلوه) بعضی گویند نوعی از سنجار و بقلة اليهودیه است، و شریف گوید قرصعنه است و آنچه مسلم است هرقلوه است. [ابن بیطار] می‌گوید: برخی آن را «بقلة اليهودیه» نامیده‌اند و بعضی آن را نامی برای «خَس الحمار» می‌دانند و آن نوعی «هندباء بری» است و بر خلاف پندار برخی از مترجمان از انواع «سنجار» نیست و آن را به یونانی «صَنخیس» و به بربری «تفاف» می‌نامند. "اسحاق بن عمران" می‌گوید: از آنجا که به شکل فلفل کوچک است به آن «فَلیفلة» گویند.

صَنخیس (Sonkhos): نوعی «هندباء بری» با برگ‌های خار دارست و به بربری به آن «هرقلوس» گویند و عوام آن را «خَس الحمار» نامند. "ابو عباس اشیلی" آن را «اسفناج» دانسته در صورتیکه صحیح نیست. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۵]

زریاب	هرقلوس - خَس الحمار	<i>Taraxacum officinale</i> Wigg. <i>Lithospermum officinale</i> L.
دیسکورید	صَنخیس - هرقلوس - خَس الحمار	<i>Sonchus oleraceus</i> L. <i>Lithospermum officinale</i> L.

۱۸۴۸ - هرَنوه، هرَنوه، هرَنوه: نام‌های دیگر آن: هندی: تَمَر - فاغرة الهندیه - شجرة المود - فلیفلة

<i>Capsicum minimum</i> Rox. <i>Aloexylon agallochum</i> Lour. <i>Vitex agnus castus</i> L.	هرنوه	زریاب
<i>Aloexylon agallochum</i> Lour.	هرنوه	خطابی

۱۸۴۹ - هَرَنُودَ: دانه ای است از «پاپل» کمتر، بویش بوی «عود» است.<sup>۲</sup>

۱۸۵۰ - هزارگشان<sup>۳</sup>، هزارجشان<sup>۴</sup>، هزارجشان<sup>۵</sup>، هزارجشان<sup>۶</sup>: (نامی فارسی) به معنای ألف ذراع<sup>۷</sup> - نام های دیگر آن: هزارجشان<sup>۸</sup> - رومی: کلیلوپین<sup>۹</sup> - به سریانی «الفشرا»، «فاشرا» و «فاشرستین» را گویند.<sup>۱۰</sup> [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۷۹]

<i>Bryonia dioica</i> Jac. <i>Bryonia alba</i> L.	هزارگشان - هزارجشان	زریاب
<i>Tamus</i> sp.	فاشرشین، ششیدار، هزارجشان	الموسوعه
<i>Bryonia alba</i> L.	فاشرا - هزارجشان	پارسا
<i>Bryonia alba</i> L.	هزارجشان	طباطبائی

۱۸۵۱ - هشت دهان<sup>۱۱</sup>، هشت دهان<sup>۱۲</sup>: ریشه خيرو<sup>۱۳</sup>

<i>Althaea officinalis</i> L.	هشت دهان	زریاب
-------------------------------	----------	-------

۱۸۵۲ - هَلِیون<sup>۱۴</sup>، هَلِیون<sup>۱۵</sup>، هَلِیون<sup>۱۶</sup>، هَلِیون<sup>۱۷</sup> (نامی رومی)، یرامع<sup>۱۸</sup>، بذر الهلیون<sup>۱۹</sup>، مارچوبه<sup>۲۰</sup>، مارچوبه<sup>۲۱</sup>: نام های دیگر آن: مارچوبه<sup>۲۲</sup>، مارچوبه<sup>۲۳</sup>، مارکیا<sup>۲۴</sup> - هلیوس<sup>۲۵</sup> - سریانی: اذوس<sup>۲۶</sup> - عربی: خشب الحیه<sup>۲۷</sup> - فارسی: مارچوبه<sup>۲۸</sup> - اهل مغرب و اندلس: اسفراج<sup>۲۹</sup> - فرنگی: سپارک<sup>۳۰</sup> - هندی: ناکرون<sup>۳۱</sup> - عجمی اندلس: أسفراغس<sup>۳۲</sup> - فاس: سکوم<sup>۳۳</sup> - هلیون دشتی: لسباراغوس<sup>۳۴</sup>، اسپاراغوس<sup>۳۵</sup>  
اسفاراغش بطراؤس (Asparagus petraios): به معنای صخری است و نام دیگر آن «هَلِیون» است و اهالی مغرب به آن «اسفراج» گویند. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۹]

<i>Asparagus officinalis</i> L.	هلیون	ز،خ،ط...E.
<i>Asparagus officinalis</i> L.	اسفاراغش بطراؤس - اسفراج - هلیون	دیسکورید
<i>Asparagus adscendens</i> Roub.	مارچوبه	پارسا
<i>Asparagus officinalis</i> L.	هلیون	پارسا
<i>Asparagus</i> sp.	هَلِیون، هَلِیون	الموسوعه
<i>Asparagus officinalis</i> L.	هلیون معروف، ضَبُوس، یرمَع	الموسوعه

۱۸۵۳ - هِنْدِبا<sup>۳۶</sup>، هِنْدِبا<sup>۳۷</sup>، هِنْدِبا<sup>۳۸</sup>، هِنْدِبا<sup>۳۹</sup>، هِنْدِبا<sup>۴۰</sup>، تیفاف<sup>۴۱</sup>، اصل الهندباء<sup>۴۲</sup> (نامی عربی)، انطویا (کاسنی شامی)<sup>۴۳</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: کاسنی<sup>۴۴</sup> - رومی: بکریدیا<sup>۴۵</sup>، انطونیا<sup>۴۶</sup>، انطویا<sup>۴۷</sup>، طرکسمی<sup>۴۸</sup> - سریانی: حدبی<sup>۴۹</sup> - فارسی: کسناج<sup>۵۰</sup>، ملک طلحه<sup>۵۱</sup>، کسنی<sup>۵۲</sup>، کشنی<sup>۵۳</sup>، کذی<sup>۵۴</sup> - عربی: خَس<sup>۵۵</sup> - یونانی: ثَقولس<sup>۵۶</sup>، فتحوریون<sup>۵۷</sup> - فاس: تیفلت<sup>۵۸</sup>، هِنْدِبا<sup>۵۹</sup> - بستانی: یونانی: اندیقا<sup>۶۰</sup> - نام نوع بری: طرَحشقوق<sup>۶۱</sup> - فارسی: وتلخ<sup>۶۲</sup> - نوعی: خندریل<sup>۶۳</sup> - نام نوع شامی: انطولیا<sup>۶۴</sup> - "دیسکورید"

می‌گوید: دارای دو نوع بری و بستانی است، نوع بری را «بقریس» و «قیخوریون» گویند. «حامد بن سمجون» می‌گوید: نوع بستانی خود دارای دو نوع است، نوعی را «امیرون» می‌نامیم و نوع دیگر با نام رومی «أنطویا» و معروف به «هندباء شامی» و «هندباء هاشمی» است و به عجمی «سراییه» نام دارد و پنداشته‌اند «طرخشقون» است. «غافقی» می‌گوید: «طرخشقون» نوع اول از انواع بری «هندباء» است و دو نوع دیگر آن با نام «یعضید» و نام یونانی «خندریلی» است.<sup>۲</sup>

سارِس (Seris): نام‌های دیگر آن عبارتست از: هندباء البستانی - عامه اندلس به لاتینی: شرالیه (Sarralia)، انطویا (Intubos) [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۵ و ۱۱۶]

<i>Cichorium endivia L.</i> <i>Cichorium intybus L.</i>	هندباء	ز. خ. ط.
<i>Cichorium endivia L.</i> <i>Cichorium intybus L.</i>	هندباء	الموسوعه
<i>Cichorium endivia L.</i>	Bengal: Kassini - Bombay & Hendia: Kasini - Tamil: Kashini	GLO.IN.

۱۸۵۴ - هندبای بری، طلخشقون: نام‌های دیگر آن: طرخشقون - بقلة اليهود - طرخشقون - حواء البقر - خاروه - گاودر - فارسی: تالکن - هندی: کلی قیسوس، بهطل کطی - ابو معاذ «طرخشقون»، «امروسیا»، «مُرار» را جزء «هندباء بری» می‌داند.

خندریلی (Khondrile): هندباء بری - عجمیت اندلس: امیرون (Amarus) - لاتینی عامه: شرالیه الحمار - مصر: یعضید [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۶]

<i>Taraxacum officinale Will.</i>	طلخشقون	زریاب
<i>Chondrilla juncea L.</i>	خندریلی - هندباء بری	دیسکورید
<i>Chichorium intybus L.</i>	هندباء بریه، هندباء مُرّة، شیکوریّه	الموسوعه
<i>Chichorium intybus L.</i>	Hendia & Bengal: Kasni - Tamil: Kashni Telugu: Kasini	GLO.IN.

۱۸۵۵ - هوفاریقون، هیوفاریقون، هیوفاریقون، هیوفاریقون، هیوفاریقون، افساریقون، اوفاریقون: معرب اوفاریقون یونانی - نام‌های دیگر آن: سریانی: فرما - فارسی: مرودشتی - داذی الرومی - هیوفاریقون، اندروسامن، قوریون، امامانیطس - داذی کومی - گویند «هوفاریقون» لغت یونانی است. - در ماهیت آن اختلاف است گویند «داذی الرومی» است و گویند نام «زرشک» است و گویند «بزر الخشخاش الاسود» است و گویند میوه «عنب الحیه» است. - دمشقی آن را «مازریون» می‌داند.

اوفاریقون (Hyperikon): هیوفاریقون - نام گیاه در کتاب حنین: داذی الرومی - به عجمیت اندلس «یُرْبَه قَرْجِیْرَه» (Yerba corazonera) به معنای «عشبه القلب» است زیرا دارای دانه صئوری شکل مشابه قلب است و عامه بلاد ما به آن «مُشیبه» گویند. اسقیرن (Askuron): نوع دوم افاریقون. اندروسامن (Androsaimon): بزرگترین نوع هوفاریقون. قورِس (Koris): نوع چهارم هوفاریقون - جالینوس: اندروساقس [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۹ و ۱۵۱ و ۱۵۲]

<i>Hypericum barbatum L.</i>	اوفاریقون، هیوفاریقون، داذی الرومی	دیسکورید
<i>Hypericum perforatum L.</i>	اسقیرن - نوع دوم افاریقون	دیسکورید
<i>Hypericum ciliatum L.</i>	اندروسامن بزرگترین نوع هوفاریقون	دیسکورید
<i>Hypericum coris L.</i>	قورِس، نوع چهارم هوفاریقون، اندروساقس	دیسکورید



۱۸۶۱ - یَبْرُوح الصَّنَم، یَبْرُوح، یَبْرُوح، یَبْرُوح، یَبْرُوح، تَفَاح الجن، مَدَغُورَة، مَدَغُورَة: ریشه لفاح بری است<sup>۱</sup> - نام‌های دیگر آن: مهر گیاه، سککن<sup>۲</sup> - یَبْرُوح = مَدَغُورَة «تَفَاح الجن» نام «لَفَاح» یا نام میوه «یَبْرُوح» است.<sup>۳</sup> - این گیاه را بخاطر شباهتش به گیاه «خس» «خسی» گویند و نزد عوام به «لَفَاح» مشهور است و ریشه آن «یَبْرُوح» و میوه‌اش «لَفَاح» نام دارد.<sup>۴</sup> نام‌های دیگر آن: سریانی: یَبْرُوحی<sup>۵</sup> - فارسی: سایزک<sup>۶</sup> - یونانی: افطیمس، موقولن، درقیانا<sup>۷</sup> - نوع نر آن: موریون<sup>۸</sup> به ریشه لفاح «یمرو» گویند و به معنای «دارای دو صورت» است زیرا هنگامی که ریشه به دو نیمه می‌شود دو صورت مشابه صورت زن و مرد در آن آشکار می‌شود، «یم» به معنای هر چیز زوج و «رو» به معنای صورت است.<sup>۹</sup> - نام ریشه یَبْرُوح را «مَدَاغُورَس» گویند.<sup>۱۰</sup> دو نوع است: یک نوع «ببخ لفاح» خوانند و یکی «یَبْرُوح الصنم» گویند و آن ببخ «لفاح بری» است و مؤلف گوید در حدود گرمسیر شیراز نزدیک قلعه شهر یاری می‌باشد.<sup>۱۱</sup> «یَبْرُوح» دو جنس است، هندی و نبطی، هندی را «یَبْرُوح الصنم» گویند و نبطی را «اصل السرح».<sup>۱۲</sup> «یَبْرُوح» دارای دو نوع است نوعی ماده با رنگ سیاه معروف به «خسی» زیرا برگ هائی مشابه گیاه «خس» (کاهو) دارد... نام آن «لَفَاح» است. نوع دیگر معروف به نر و سفید رنگ با نام «موریون» است.<sup>۱۳</sup> [این ببطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۹: به «لفاح» رجوع شود.]

دیسکورید	یَبْرُوح مخزنی	<i>Mandragora officinarum</i> L.
پارسا	مهر گیاه - یَبْرُوح الصنم	<i>Mandragora officinarum</i> = <i>Atropa mandragora</i>
ط...خ... EN	یَبْرُوح	<i>Mandragora officinarum</i> L.

#### ۱۸۶۲ - یَبْقِیَة:

۱۸۶۳ - یَتَوَع، یَتَوَع، یَتَوَع، یَتَوَع، یَتَوَع: نام‌های دیگر آن: رومی: توتاملون<sup>۱</sup> - فارسی: اسفیدکشیر<sup>۲</sup> - یونانی: خارقیاس<sup>۳</sup> - انثی: مرسلطس<sup>۴</sup> (به معنای مشابه اس) اسم جنس گیاهان شیر به دار است.<sup>۵</sup> - دارای انواعی است: نام نوعی: نواصیر<sup>۶</sup> - نام نوعی: جوری<sup>۷</sup> - نام نوعی: مشمش<sup>۸</sup> (یعنی دایر با شمس) نام نوعی: سروی<sup>۹</sup> نام نوعی به یونانی: فودیاسایس<sup>۱۰</sup> - نوعی: بارلیوس<sup>۱۱</sup> چنین گفتند که هفت گونه است و او «مازریون» است و «عُشَر» و «دیودار» و «لاغیه» و «شَبِزَم» و «شیرانجیر» و «ترباق نبطی» و ذکر «ماهودانه»<sup>۱۲</sup> گویند نام دیگر آن «یَبْنُوع» است و این نامگذاری مناسبی است زیرا هنگامی که شاخه‌ای از آن قطع می‌شود شیرابه‌ای از آن خارج می‌شود «تَبَعَ مِنْهَا لَبَن».<sup>۱۳</sup>

ز...ط...خ... E.	یَتَوَع	<i>Euphorbia</i> sp.
زریاب	خارقیاس	<i>Euphorbia sibthorpii</i> Boiss.
زریاب	مرسلطس	<i>Euphorbia myrsinites</i> L.
زریاب	سروی و قوفارسیاس	<i>Euphorbia paralias</i> L.
زریاب	ایلقونیوس	<i>Euphorbia helioscopia</i> L.
الموسوعه	فریبون، یَتَوَع، تاکوت، عُشْجَد	<i>Euphorbia</i> sp.

۱۸۶۴ - یَبْطُورَة، یَبْطُورَة: (نامی لاتینی) از انواع «کلخ» و از جنس «هدبات» و دارای گل آذین چتر است.<sup>۱</sup> نام دیگر آن «کلخ الصغیر»<sup>۲</sup> و به یونانی فوقادان<sup>۳</sup> است.

خطابی	یَبْطُورَة	<i>Peucedanum ammoniacum</i>
-------	------------	------------------------------

۱۸۶۵ - یربه شانه<sup>۱</sup>: نامی به عجمی اندلسی به معنای «عُشْبَة الصَّحِیْحَة»<sup>۲</sup>

۱۸۶۶ - یَعْضِید، یَعْضِید، یَعْضِید، طرخشوق<sup>۳</sup>: نوعی جنبه و قسمی هندباء بری نام‌های دیگر آن: یونانی: خندریلی<sup>۴</sup> امیرون -

طرخشقون - بلحشکوک - لخنس - شَرّالیه اَشْنَش - بعضید<sup>ش</sup>

[ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۷: به «هندباء» رجوع شود.]

Chondrilla juncea L.	يعضيد	زرياب
Leontodon sp.	يعضيد، يعضيض	الموسوعه

۱۸۶۷ -- يَنْبوت<sup>۱</sup>، يَنْبوت<sup>۲</sup>، يَنْبوت<sup>۳</sup>، شوكه شهباء<sup>۴</sup>، يَنْبوت<sup>۵</sup>، يَنْبوت<sup>۶</sup>:

نام «خرنوب نبطی» است.<sup>۱-۶</sup> - نام های دیگر آن: شجر الخرنوب<sup>۷</sup> - فارسی: زنگورج<sup>۸</sup> - اهالی شام: خرنوب المعزی<sup>۹</sup> - دانه: حب الکلی<sup>۱۰</sup> "ابو حنیفه" می گوید: دارای دو نوع است، نوعی با خارهای کوچک به نام «خرنوب نبطی» - میوه آن را «فَش» گویند.<sup>۱۱</sup> "غسانی" می گوید: این نام به دو گیاه مختلف گفته می شود یکی از این دو بزرگ و دیگری کوچک است در مورد ماهیت نوع بزرگ اختلاف است برخی آن را «سرو» و بعضی «خروب العریض» و برخی «شجر الارز» می دانند و همگی اشتباه است... در مورد نوع کوچک نیز اختلاف نظر است برخی آن را «عوسج» و بعضی «شوک القتاد» و عده ای «خروب النبطی» و همچنین اسامی دیگری ذکر کرده اند.<sup>۱۲</sup>

Anagyris foetida	ينبوت تنن، اناغورس طَبی، خَرُوب الخنزیر، جَرُود	الموسوعه
Anagyris foetida	ينبوت	خطابی
Inula viscosa Ceratonlia silique L. Anagyris foetida L.	ينبوت	زرياب
Anagyris sp.	ينبوت، اناغورس	الموسوعه
Anagyris sp.	ينبوت	EN.





## **فصل دوم**

### **واژگان و نام های کهن در شناخت نام علمی گیاهان داروئی**

۱ - تعیین نام علمی گیاهان با استفاده از منشاء نام های کهن یونانی

۲ - برگردان عربی نام های لاتینی گیاهان در قرن هفتم به توسط ابن بیطار

## واژگان و نام های کهن در شناخت نام های علمی گیاهان داروئی

نام گیاهان داروئی متون قدیم مجموعه ای است از فرهنگ ها و زبان ها و گاه برگردان های چند باره یک نام به نام ها و زبان های دیگر است و با کمک زبان اصلی این متون ، می توان هویت گیاهان کهن را تا حدی شناسائی و نام معادل علمی دقیق تری را برای آن ها پیشنهاد نمود.

در فصل پیش زبان های لاتینی ، رومی، یونانی و عربی را به عنوان زبان های اصلی و تعیین کننده نام بردیم در این فصل نام های علمی دارای ریشه لاتینی و همچنین برگردان نام های لاتینی به عربی را جهت شناخت گیاهان بویژه رفع برخی ابهامات نام آن ها یاد آور می شویم.

### ۱ - نام علمی گیاهان برگرفته از نام لاتینی قدیم آن ها

تشابه نام علمی گیاهان با نام داروئی قدیم آنها - با تلفظ صحیح - احیاناً پایه نامگذاری جنس یا گونه گیاهان قرار گرفته است. تاریخ نامگذاری علمی - جنس و گونه - غالباً در زمان لینه صورت گرفت، برخی از نام های جنس و تیره و گونه نیز کم و بیش ارتباط با نام گیاهان در متون داروئی قدیم بویژه کتب یونانی که منشأ اسامی نام های عربی نیز هست می باشد نام های مشهور دارای ریشه لاتینی معمولاً معبر نام غیر علمی گیاهان و نام علمی آن است و با گذشت زمان کم و بیش در متون علمی نیز وارد شده اند.

با توجه و استفاده از نام های مشابه می توان تا حدی نام های علمی برخی از گیاهان داروئی موجود در متون قدیم را معلوم نمود.

برای نیل به این هدف لازم است ابتدا چگونگی تلفظ لغات یونانی و لاتینی و برگردان آن به عربی را بدانیم که در جداول زیر به این موضوع اشاره شده است.

در آغاز این فصل ابتدا فهرستی از نام های کهن گیاهان که ریشه یونانی دارند را خواهیم دید. سپس فهرستی از برگردان نام های یونانی به عربی یا معرب شده آن ها را مشاهده می کنیم . هر دو مورد فوق می تواند ما را در تعیین نام علمی گیاهان یاری دهد.

## ۱ - تعیین نام علمی گیاهان با استفاده از منشاء نام های کهن یونانی

### ۱-۱ - نگاهی به ریشه یونانی نام های علمی کنونی

نام گیاهان داروئی در متون قدیم مجموعه ای از فرهنگ ها، زبان ها و گاه نیز برگردان چند باره آن ها از یک نام به نام و یا از یک زبان به زبان دیگر است. شناخت زبان اصلی این متون ، هویت و نام گیاهان کهن را تا حدی شناخت و تعیین نام معادل علمی آن ها مؤثر باشد. چنانچه در فصل پیش نیز برخی از زبان های را مانند: لاتینی ، رومی، یونانی و عربی را به عنوان زبان های اصلی نام بردیم، در این فصل نیز نام های علمی دارای ریشه لاتینی و برگردان نام های لاتینی به عربی را برای شناخت نام کهن گیاهان داروئی یاد آور می شویم.

وجود تشابه نام علمی گیاهان با نام قدیمی آن ها [ با تلفظ صحیح ] احياناً همان منشاء نام جنس یا گونه آن ها است. با آنکه تاریخ نامگذاری علمی جنس و گونه به زمان لینه مربوط می شود، نام برخی از جنس ها ، تیره ها و گونه های امروزی با نام کهن آن ها در متون قدیمی بویژه در کتب یونانی ارتباط نزدیک دارد.

نام های مشهور با منشاء لاتینی و یونانی معمولاً معبر نام علمی ونام های دیگر معرب شده آن هاست. رعایت دقت در نام های مشابه تا حدی نام علمی برخی از گیاهان متون قدیم را معلوم می نماید.

### ۲-۱ - نگارش و آوانویسی درست حروف یونانی به لاتینی و عربی

تلفظ و نگارش درست حروف و کلمات در زبان یونانی و لاتینی و برگردان آن به عربی، فارسی، سریانی، بربری در یافتن نام های علمی گیاهان قدیم مورد توصیه ماست که در زیر بصورت جدول به تلفظ حروف در زبان های فوق اشاره شده است.

### الف - نگارش حروف یونانی به حروف عربی، فارسی، سریانی، بربری:

ء - ' -	ب - b	ج - ğ	ح - h	خ - h
د - d	ذ - d	ر - r	ز - z	س - s
ش - Š	ص - Š	ط - ṭ	ع - ' -	غ - g
ف - f	ق - q	ک - k	ل - l	م - m
ن - n	ه - h	و - w	ی - y	

## ب- نگارش حروف یونانی به حروف لاتینی:

نگارش حروف یونانی		نگارش حروف لاتینی	نام در لاتینی	نام در عربی	
A	α	A	Alpa	الفا	۱
B	β	B	Beta	بیتا	۲
Γ	γ	G	Gama	قما	۳
Δ	δ	D	Delta	دلتا	۴
E	ε	E (courte)	Epsilon	اپسلون	۵
Z	ζ	Z	Dzeta	دزیتا	۶
H	η	E(longue)	Eta	ایتا	۷
Θ	θ	TH	Theta	ثیتا	۸
I	ι	I	Iota	یوتا	۹
K	κ	K	Kappa	کپا	۱۰
Λ	λ	L	Lambda	لمدا	۱۱
M	μ	M	Mu	مو	۱۲
N	ν	N	Nu	نو	۱۳
Ξ	ξ	X	Ksi	کسی	۱۴
O	ο	O(courte)	Omicron	اومکرون	۱۵
Π	π	P	Pi	پی	۱۶
P	ρ	R	Rho	رو	۱۷
Σ	ςσ	S	Sigma	سیقما	۱۸
T	τ	T	Tau	تو	۱۹
Υ	υ	Y	Upsilon	اوپسلون	۲۰
Φ	φ	PH	Phi	فی	۲۱
X	χ	KH	Khi	خی	۲۲
Ψ	ψ	PS	Psi	پسی	۲۳
Ω	Ω	O(longue)	Omega	اومفا	۲۴

## ج - معرّب حروف لاتینی حسب کتاب ابن بیطار:

حرف لاتینی	معادل حرف عربی	مثال هائی از کتاب ابن بیطار
A	آ - ا	Akoron آقورون - Asarum اسارون
B	ب	Balaustion بالاسطیون
C		
D	د	Drabe درابی
	ذ	Hudropeperi اُذروباباری
E	-	-
F	-	-
G	غ	Lagopun لاغوبن - Glukurrisa غلوکیریزا
	ج	Gentiane جنطیانا
H	ا	Helxine القسینی - Helitropion ایلپوتروپیون
I	ای	Iris ایریس
J	-	-
K	ک	Kardamomon قرادامومن
L	ل	Linospermon لِنَس برمون
M	م	Meon مینون
N	ن	Nardos ناردس
O	او	Akoron
P	ب - ف	کیارس (kuperus) - Polugonon بلوغونن - Peperi باباری Polugonaton فلوغوناظن
Q	-	-
R	ر	Bruon بریون
S	ص - س - ش	Aspalathos اصبالاتوس Tribolos طروبیلش
T	ط	Kostos قُسطس
U	او	
V	-	-
W	-	-
Y	-	-
Z	ز	Zingiberi زنگباری
Ph	ف	Sampharitike سنفاریطیقی
Kh	خ	Skhoinos سخنیوس
Th	ث	La pathon لاثون

### ۳- ۱- فهرست نام های علمی دارای منشاء نام های کهن یونانی

نام های جداول زیر برای آسانی تطبیق نام علمی با نام داروئی کهن و دارای ریشه یونانی انتخاب شده است. منابع مورد استفاده این نام ها عبارتند از:

- ۱- کتاب دیسکورید (اول میلادی) - حاوی نام های لاتینی بسیاری از گیاهان داروئی قدیم
- ۲- "شرح دیسکوریدوس" ابن بیطار (۶۴۶ هـ-ق / ۱۲۴۸ م) - فرهنگی معتبر و غنی با واژگان عربی و لاتینی برای تطبیق نام های لاتین به عربی
- ۳- ترجمه کتاب دیسکورید به زبان انگلیسی حاوی تصحیح و تطبیق نام لاتینی به نام علمی به توسط R. T. GUNTHER (۱۹۳۴ میلادی) - از ویژگی های این ترجمه که در واقع افراد دیگری نیز با او همراهی کرده اند توجه مترجمین آن به تصاویر کتاب دیسکورید است که از نظر واقعیت یا خیالی بودن تصاویر ارزیابی شده است.
- ۴- تحقیق ابراهیم بن مراد بر تفسیر کتاب دیسکورید ابن بیطار که در آن نام علمی مناسب برای هر گیاه ذکر شده است.

#### راهنمای جداول:

نام های ستون اول مربوط به نام های لاتینی گیاهان کتاب دیسکورید است که به توسط ابن بیطار معرب یا عربی شده است.

- در ستون دوم نام های علمی پیشنهادی ابراهیم بن مراد است .
- در ستون سوم نام های دارای منشاء عربی از ابن بیطار است.
- در ستون چهارم نام های غیر مشهور به منشاء غربی و غیر عربی از ابن بیطار است.

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
کیبارس یا قیفارس kuperos	Cyperus longus L.	سعد	
آقورون Akoron	Acorus calamus L.	وَجْ - زهره	
ایریس Iris	Iris florentina L.	سوسن آسمانجونی	فوس و فزح
قرادامومن Kardamomon	Eletteria Cardamomum sp. White & Mat.	کرویا جبلیه - قرنباد - قرنقاد	قردمانا
مینون Meon	Meum athamanticum J.	مَر	
ناردس Nardos	Nardostaachys jatamansi D.C.	سنبل هندی	ناردین
اسارون Asaron	Asarum europaeum L		
کسیا Kassias	Cinnamomum cassia BL.	سلیخه	
قنا مومن Kinnamomon	Cinnamomum zeilanicum Nees.	دارصینی	
أمومن Amomon	Amomum racemosum Lam.	حماما	
کُستوس Kostos	Costus speciosus Sm.	قُسط - کُشط - کُشت	
سُخینوس Skhoinos	Andropogon schoentus L.	اذخر - تبین مکه	
فلامس اروماتیکس Kalamos aromatikos	Acorus calamus L.	قصب الذریره - قلماس - قمحه	
کُروکس Krokos	Crocus sativus L.	زعفران - کُرکُم - جادی	جساد - ربهقان
آنیون Helenion	Inula helenium L.	جناح - سراسن - زنجبیل شامی	عتطوز (ترکی)
شطی رکس Sturax	Styrax officinalis L.	أصطُرک - عسل اللبني - لبني رهبان - میعه	شطرا (سربانی) عسل رومان
بیطس - بنطس Pitus	Pinus pinea L.	تنوب	صمغ آن: قُلْفُونیا
قوفی یا فوقی Peuke	Picea excelsa Link.	شجر الأرز	نوعی از تنوب است به معنای دخته
قافاریسس Kuparissos	Cupressus sempervirens L.	شجر السرو	
قادرُس Kedros	Cedrus libani Barrel .	شجر الشربین	
أفلاطینس Platanos	Platanus orientalis L.	شجر الدب - صنار - جتار	
فافورُس Papuros	Cyperus papyrus Trin.	فافیر - بردی	
أریقی Ereike	Erica arborea L.	شجر الخَلَج (مغرب)	از انواع أسحل
ألیمون Halimon	Atriplex halimus L.	ملوخ - قَطَلَف بحری - ملیخ	
فالیورُس Paliuros	Paliurus aculeatus Lam.	سدر - شجره القناب؟ - فالیورون	دو نوع: غبری و ظبا



نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
فسیأفتش Oxuakantha	Crataegus oxyacantha L.	زعرور الادویه (اندلس)	به معنای شوک الحاد - جتینول (لاتینی) - تاغفرت (بربری)
فیلورا Philura	Phillyrea latifolia L.	شجره المحلب ؟ - شجره القتم	دانه آن : زنج ؟
فتوس Kisthos	Cistus ladanifolius L. C. villosus L. C. hypocistis L.	شقاوص (اندلس) - وردالجبل (مغرب) - وردالفحصى	دارای سه نوع است : دو نوع آن لحیه التیس نام دارد و نام نوع سوم آن از لادن گرفته شده و به نامهای أستب ، حطب الفتح ، شجراللاذن و ارتقش (لاتینی به معنای کثیر العصی) است .
آبائس Ebenos	Ebenus L.	أبنوس	
رودا Rhoda	Rosa Tourn . R. gallica L. R. alba L.	ورد	قرمز آن : حوچم سفید آن : وئیر چل (فارسی)
اکاکیا Akakia	Acacia arabica Willd.	عصاره القراط - خروب السیط - شوکه المصریه	بری آن : أم غیلان صمغ: صمغ العربی
اغنس Agnos	Vitex agnus castus L.	شجره ابراهیم - شجره مطهره - کف الجذماء - نام دانه آن : حب الققد - مصر : شجره مریم	به معنای طاهر - سریانی : ایلاقدیشا - هندی : سرساد و شمیثا - بربری : وتقاروف اندلس : شجره الفلفل و فلفل الصقالیه
رؤوس یا آطا اوپسا Rhous Epi ta opsa	Rhus coriaria L.	سماق - تتم	سریانی : سماعیل - - عربی - عربی
فینکس - دقسیطس Phoinix	Phoenix dactylifera L.	نخل	
قاراسیا Kerasia	Prunus cerasia Br.		
میلاس Meleas	Pyrus malus L.	تفاح	
قودونیا میلا Kudonia mela	Cydonia vulgaris Pers.	سفرجل	
برسیقا Persika mela	Prunus persica Sieb.	خوخ	
آرمانیا Armeenika mela	Prunus armenica L.	شمش - تفاح الارمنی	
میدیقا میلا Medika mela	Citrus medica Ris. var. cerata	آترج - تفاح المامی	عربی : مئک

نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
أخراس Akhras	<i>Pyrus communis</i> var. <i>akhras</i>	کُمثری البری	اندلس : برجون
أَمَقْدَال بَیْفَرَا Amugdala pikra	<i>Prunus amygdalus</i> var. <i>amara</i> Fock.	لوزالمر	
أَمَقْدَال غُلُوقِیَا Amugdala ukeia	<i>Prunus amygdalus</i> Stock.	لوزالحلو	
بِسْطَانِیَا Pistakia	<i>Pistacia vera</i> L.	فُسْتَق	صمغ : علك الانباط
مورا Morea	<i>Morus alba</i> L.	توت - قَرَصَاد	رب آن : دیامیرون
سِقَمُورِی Sukomoron	<i>Ficus sycomorus</i> L.	تین الاحمق - جَمِیز	
طِراغِیس Tragos	<i>Gymnorithon ragus</i> L.	سنت	
أُورِیزَا Oruza	<i>oryza sativa</i> L.	أرز	
سِیسامِن Sesamon	<i>Sesamum indicum</i> L.	سَمَسَم - جَلْجَلان	روغن : حَلْ - سَیْج
تَرْمِیْ اِیمَارُوس - تَرْمَس Thermos hemeros	<i>Lupinus termis</i> Forsk.	بَسَلَه (یعنی تلخ و بد مزه)	
رَافانوس Raphanis	<i>Rhaphanus sativus</i> L.	فُجَل	
سِیسارون؟ Sisaron	<i>Sium sisarum</i> L.		
بَلِیْطِی Bliton	<i>Amarantus blitum</i> L.	بقله الیمانیه	بریسوز (مغرب) - جربوز (شام) - کَنَج - مَلَح - قسطانیقی (سواد)
أَسْفَارَاغِش بِطْرَاوُس Petraios Asparagos	<i>Asparagus officinalis</i> L.	هَلِیون	أَسْفَرَاغ (مغرب)
سین Sion	<i>Sium latifolium</i> L.	قُرَه العین	کرفس الماء
قَرْتَمِن Krethemon	<i>Crithmum maritimum</i> L.	قَرَن الأیْل (اندلس)	زَبَل النواتیه (آفریقا)
قُورُونَفَس Koronopus	<i>Plantago coronopus</i> L.	رِجَلُ القُرَاب - رِجَل الزَوَاع	
صَنَخِیس Sonkhos	<i>Sonchus oleraceus</i> L.	هَنْدَبَاء البری - خَس الحمار	
خَنْدَرِیلِی Khondrile	<i>Chondrilla juncea</i> L.	هَنْدَبَاء البری - یَعْقِید (مصر)	أَمِیرون (اندلس) شِرالیه الحمار (لاتینی)
جَنْجِیدِیون Gingidion	<i>Daucus gingidion</i> L.		نوعی از جزر بری
سَقَنْدِیس Skandix	<i>Scandix pecten veneris</i> L.		سَقَنْدِیس
قَوَالِیس Kaukalis	<i>Caucalis maritima</i> L.	أَبْرَه الراعی - أَمْشَاط العجوز	تَامَشْطُت (بربری) أَنْجَالَه (لاتینی)
أَقِیمِن Okimon	<i>Ocimum basilicum</i> L.	بَازْرُوج - حوک	گفته شده به فارسی بستان افروز است ؟
أُورُوبَنْخِی Orobankhe	<i>Orobancha caryophyllacea</i> Sm.	طَرَاثِث - خَانِق الكَرْسَه	هَالُوک (مصر) - جَمْعِیل - أُورُونَاک جِی

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
طرا راغوبوغُن <b>Tragopogon</b>	<i>Tragopogon orientalis</i> L.	؟	
میدیکی <b>Medike</b>	<i>Medicago sativa</i> L.	رَطْبَه - فَصْفَصَه قَصَب (عربی) خشک : قَتَّ	بَزْبَه مَوَلَه (اندلس) به معنای عشبَه البَقْلَه - فارسی : اَسْفَشْت
اَنبَالفَراسِن <b>Ampeloprason</b>	<i>Allium ampeloprasum</i> L.	کُرْثِ الثَّکَرْمی - کراث بری	
سمیلکس - لوبیا <b>Samilax kepaia</b>	<i>Dolichos lubia</i> Forsk	لوبیا	دُجَر - نَاقِرا
شقر دین براسنو <b>Skordoprason</b>	<i>Allium scordoprasum</i> L.	ثوم کرائی - ثوم البستانی	
تلسفی <b>Thalaspi</b>		نوعی از حرف	اَشْبِرُون (اندلس)
دارابی <b>Drabe</b>	<i>Lepidium draba</i> L.	حرف المشرقی	أَحْرَاز (صقالیه)؟
باباری <b>Peperi</b>	<i>Piper aromaticum</i> Lamk. <i>Piper nigrum</i> L.	قُلُقُل	
اُودروباباری <b>Hudropeperi</b>	<i>Polygonum hydropiper</i> L.	قُلُقُل المَاء	
بطرمیقی <b>Ptarmike</b>	<i>Achillea ptarmica</i> L.		به معنای مَطَّس بر گرفته از بَطَرْمُوس به معنای بسیار عطسه کننده
فَقْلَامینوس <b>Kuklaminos</b>	<i>Cyclamen europaeum</i> L.	بخور مریم - رَکَف	عُرْطَشَا - خُشْبَرُ الْقُرُود (آفریقا)
دراکنتیون <b>Drakontion</b>	<i>Arum dracunculus</i> L.	لوف الجعد - فیلجوش	به معنای لوف الحِیَه است - صاره (مغرب) ( - صَرَاحَه (اندلس) - غَرْغَبَه (لاتینی)
اَارن <b>Aron</b>	<i>Arum vulgare</i>	لوف السبط	صاره - اَیرنی
اَارِیصارُن <b>Arisaron</b>	<i>Arum arisarum</i> L.	لوف	از انواع سه گانه لوف دُرْیَرَه
سقیلا <b>Skilla</b>	<i>Scilla maritima</i> L.	اَشْقِیل - غَنْصَل - غَنْصَلان	بَصَل الفار - بصل الفار بصل الخَنْزیر (مغرب) اَشْقِیل (بربری)
بَنفراطیون <b>Pankration</b>	<i>Pannkratium maritimum</i> L.		نوعی از بصل المنصل
قَبَارِس <b>Kapparis</b>	<i>Capparis spinosa</i> L.	کَبَر - میوه : شَفْلَح	اصف (چیزهائی که در ریشه آن )
لیبیدیون <b>Lepidion</b>	<i>Lepidium sativum</i> L.	عشبَه السلطان (مصر)	صَلَص
اَنامونی <b>Anemone</b>	<i>Anemone coronaria</i> L.	شقائق النعمان - شَقَر	اَرجامونی (جالینوس)

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
خالدونیون طوماغا Khelidonion to maga	Chelidonium majus L.		طوماغا به معنای بزرگ - به معنای دواء الخطاطیف است .
بنتوقس أوطا Muos ota	Myosotis palustris Lam	آذان الفارارومی	عين الهدد و باذرود (آفریقا)
أساطیس Isatis	Isatis titictoria L.	نیل - نیلج	طین الاخضر - عین الاخضر
جنتیانا Gentiane	Gentiana lutea L.	دواء الحیه - کوشاد	بشَلْشَکَ (لاتینی)
أرسطولوخیا Aristolokheia	Aristolochia Sp.	زراوند	دارای سه نوع است . مُسْمَقار و مُسْمَقور و مسمقران (بربری) بَرَسْم (افریقا)
غلوقیریزا Glukurrisa	Glycyrriza glabra L.	عود السوس - مَنک	عصاره آن به لاتینی مُتَدِلَه به معنای پاک کننده سینه است .
قَنَطُورِیون طوماغا Kentaureion to mega	Centaurea centaurium L.	قَنَطُورِیون الکبیر	
دِباساقوس Dipsakos	Dipsacus fullonum L.	شوک الدراجین - مَشَط الراعی	به معنای عطشان است .
سقولوموس Skolumos	Scolymus hispanicus L.	حَرْشَف البری	لَصَف (اندلس)
بطریون Potirrion	Astragalus poterium L.	؟	
آنونش Anonis	Anonis antiquorum L.	زریعه الأبلیس (مغرب)	مرر (مصر)
طراغاتنا Tragkantha	Astragallus tragacantha L.	شوک القَتَاد	صمغ کثیرا
أیرنجی Erunge	Eryngium campestre L.	فَرَصَعَنَه (مربانی) - شوکه الزرقا شوکه السوداء - شوکه اليهودیه	جَنَت قَابِطَه - به لاتینی : بیراطه به معنای شوک المَقْلَقَل
ألوی Aloe	Aloe vera L.	شجره الصبر	صابره - صابره
أوبشثنی Apsinthion	Artemisia absinthium L	افستین	نَشَانَسَه (لاتینی) - کشوت الرومی - افستین ساحلی = شِبب العُجُوز
أُسوفون Hussopon	Hyossopus officinalis L.	زوفای یابس	
سُتَخادس Stoikhas	Lavandula stoechas L	اسطوخودوس	
أوریفانُس ایرفلاوُطِیقِی Origanos Herakleotike	Origanum sp.	صعتر	دارای انواع آبِض و اسود و ملوکی و صعتر الشَّوْء که همان خوزی است - جالینوس: فودنج جبلی

نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
دقطنن Diktamnon	Origanum dictamnus L.	مشکطراشیع - فودنج التیسی	دارای سه نوع است : ۱ - بَلایَه جَزْبُونَه ۲ - فُودِرْدَقَطْنَن ، فُودِرْدَقَطْنَانَن ۳ - الاَقرِیطی
قَلامَنتی Kalaminthe	Thymus calamintha Scop. T. barrelieri Spreng.	فودنج	دارای سه نوع است : ۱ - نَهَری به نام صومُران (مغرب) ۲ - حَبِّق التَّمساح ۳ - جَبلی به نام نابطه (اندلس)
ثومش Thumos	Thymus capitatus L.	صعتر جبلی (آفریقا)	صعتر الحمیر (اندلس)
مالیلوطس Melilotos	Melilotus officinalis Lam	اکلیل الملک	دارای چهار نوع است : ۱ - و ۲ - قُرْتَبَسَج (اندلس) ۳ - مَعقَرَب ۴ - مَدْرُغَم الـورق - دارشاه (فارسی) - شجره الخب (آفریقا)
بَشْخارِس Bakcharis	Baccharis sp.	قرنغیه (اندلس)	
فیغانن Peganon	Peganum harmala L. Ruta montana L. بری R. graveolens L. بستانی		دو نام متفاوت برای این گیاه ذکر شده یکی سداب بری و بستانی و دیگری اسفند یا حرمل
مولی Molu	Allium moly L.		نوعی بلبوس
لِقُسْطِیقون Ligustikon	Levisticum officinale Koch.	کاشم	زُرْغَد (انطالیا)
ساسالیوس Seseli	Seseli tortuosum L.		دارای سه نوع است .
طُرْزِلَن Tordilon	Tordilium officinale L.		نوع چهارم ساسالیوس به نام اقریطی . بقول الشعاع (اندلس) زیرای برای درست کردن آتش از آن استفاده می شود.
سینون Sinon	Sison amomum L.	؟	
آنِیسَن Anesson	Pimpinella anisum L.	انیسون - رازیانج رومی - کمون الحلو	حبّہ الحلوہ (اندلس)
قاروا Karo	Carum carvi L.	کرویا بستانیہ - کمون الارمنی	
اَنثیون Anethon	Anethum graveolens L.	شبت	اَنیَط (لاتینی) - اَسلیلی (بربری)

نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام مغرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
کمون الابيض - کمون الکرماني	Cuminum cyminum L.	کومینون Kuminon	کمون الملوکی (دیسکورید)
کرفس الجبلی	Peucedanum oreoselinum Mo.	اوراسالینون Oreoselinon	(اورا) به یونانی به معنای کوه و (سالین) به معنای کرفس است.
کرفس الصخر	Carum petroselinum Benth & Hook.	بطراسالینون Petroselinon	(بطرا) به یونانی به معنای صخره است.
کرفس یری	Smyrniolum olusatrum L.	سمرنیون Smurniun	
	Hippomarathrum libantis Koch.	أفومارثن Hippomarathon	به معنای شمار العریض است.
	Anacyclus pyrethrum DC.	فُرترون Purithros	
کندریات	Cachrys libnotis Ferula nodiflora	لیبانوتس Libanotis	سه نوع است
کَلَح الدَلْبی	Heracleum spondylium L.	سفندولیون Sphondulion	تاقیرا (بربری)
أَنْدَرَاثِیون	Peucedanum officinale L.	فوقاذن Peukedanon	یربطوره (لاتینی) یربطور (مغرب) جاهنک
فُریون	Euphorbia L.	أفُریون Euphorbion	تاکوت (بربری) لویانه مغریه (مصر)
أَشَقْ - وَشَقْ - أُشَجْ - وَشَجْ	Dorema ammoniacum Don.	أمونیان Ammoniakon	غته (لاتینی) - لُزاق الذهب
عَنْزَرُوت - انزروت - کحل فارس	Astragalus sarcocolla L.	صرقولاً Sarkokolla	سرققلین (رومی)
مَصْفَى الرِّعَاه (اندلس) - حشیشه الافعی	Galium aparine L.	أفارینی Aparine	به معنای دوست دارنده صاحب خود بیض العنکبوت
	Alyssum saxatile L.	ألوسن Alusson	یعنی مفید برای گزیدگی سگ
؟ قنابری	Asclepias vincetoxicum L.	سقلیبیاس Asklepias	
	Clinopodium vulgare L.	قلینوفودیون Klinopodion	یعنی پایه های تخت. قلیبی به معنای تخت و فودیون به معنای پا است
عَریطِنَا (اسم مشترک)	Leontice leontopetalum L.	لاونطوباطالن Leontopetalon	مهد (ساحل غزه) غسلج (اهل مشرق)
کَمَاذِریوس التَّعنَی	Teucrium flavum L.	طوقریوس Teukrion	یربه اُشیلینی (لاتینی) (به معنای گیاه طحا
کَمَاذِریوس	Teucrium chamaedrys L.	خامادریوس Khamaidruos	به معنای بلوطی است.

نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
لُکْنِیس الاکلیلیه Lukhnis stephanomatike	Lychnis coronaria Desf.		
بَلُوطی Ballote	Ballota nigra L.	مَرُوبَه بَنْتُوشَه (لاتینی)	نوعی از فرواسیون سیا
مالیسوفُلُن Melissophullon	Melissa officinalis L.	بادرنَجَبویه - باذَرْتَبویه	ریحان الترنجی
سُطَاخِیس Stakhus	Stachys germanica L.	قَارَه (اندلس) زیرا نوشیدن آن فرد را از خفقان نجات می دهد.	اَنُوشَه (لاتینی)
فُلْبِطِش Phyllitis	Phyllitis scolopendrium L.	دَنْب الحداه	اکثرا در دهانه های چاه ها می روید.
فَالْتَجین Phalangion	Phalangion ramosum Lam		به معنای مفید برای نیش رتیل
بَلَوین Polion	Teucrium polium L.	جَعْدَه	دو نوع سفید و سیاه دارد فولیون (رومی)
اَشْقَر دین Skordion	Teucrium scordium L.	حافظ الأجساد - حافظ الارواح	ثوم (زیرا بوی پیاز می دهد) - ثوم ببری (جالبینوس) - مطرقه ل حشیشه الثومیه (اندلس)
اَرطاماسیا Artemisia	Artemisia vulgaris L.	بَلَنْجاسف - برنجاسف	دارای انواعی است.
اَمبروسیا Ambrosia	Ambrosia maritima L.	نوعی برنجاسف	
بَطرس Botrus	Chenopodium botrys L.	نوعی برنجاسف	
غارانین Geranion	Geranium rotundifolium L.	تَمار - جاپره	نوعی از رقعات
غَنافِلِیان Gnaphallon	Gnaphalium L.	قَضیه	
طیفی Tuphe	Typha latifolia L.	نوعی حلفاء	
قِرکا Kirkia	Circaea Tourn.	بَنکَه (لاتینی)	
قُونِزَا Konuza	Inula conyzoides DC.	شجره البراغیث	تَرَهْلَا (بربری) - مَشکِیَنَه (لاتینی) - لَبَارْدَه - طَباق (اندلس)
ایماروقالس Hemerokallis	Hemerocallis flava L.	سوسن اصفر	زنبق (دمشق)
اَرخس Orkhis	Orchis morio L.	خُصی الکلب	
اَرخس آخر Orkhis heteros	Orchis undulatifolia L.	نوعی خُصی الکلب - قاتل اخیه زیرا ریشه آن دو تائی بوده یکی پر از مواد و دیگری چروکیده، ولی پس از گذشت زمان موقعیت آن ها عوض می شود	ساراقیاس (ابن اسم از نام خدائی از قبسط مشتق شده است و به معنای بسیار پسر منفعت می باشد)

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
آرمین <b>Horminon</b>	<i>Salvia horminum L.</i>	حَبُّ الْقَلْقُل - قَلْقَال - قَلَقْلَى	قومبون (جالینوس)
ایذیسارون <b>Hedusaron</b>	<i>Hedysarum L.</i>		به معنای فاسی یعنی بزر آن دارای دو سر تیز چسبون فاسس است. - فلاقینس (به معنای زبان )
آنوما <b>Onosma</b>	<i>Onosma echinoides L.</i>	خَسَّ الحمار -	رجل الحمامه (اندلس) انوسما (جالینوس)
نیمفا <b>Numphaia</b>	<i>Nymphaea alba L.</i>	لینوفر - نوفر - عروس الماء - قاتل النحل	
آندرساکاس <b>Androsakes</b>	<i>Androsace lactea L.</i>	کشمَلَخ - کُشمَخَه	ملاح - به خاطر شباهت آن به رنگ نمک نه طعم آن به این نام مشهور است - از انواع حمض
ایمیونیتس <b>Hemiontis</b>	<i>Hemionitis L.</i>	ایمیونیتس ؟	
آنتیس <b>Anthemis</b>	<i>Anthemis nobilis L.</i>	بابونج - بابونق - بابونک - بابونه	خمامیلن (یونانی) به معنای تَفَاح الارض است) - مسنَّله (لاتینی) به معنای سیب زیرا بونی شبیه به بوی سیب دارد.
پارتانیون <b>Parthenion</b>	<i>Chrysanthemum parthenium Pers.</i>	أَقْحِرَان	
لیتسفرمن <b>Lithospermon</b>	<i>Lithospermum officinale L.</i>	قَلْب (زیرا بسیار سخت و سفید است)	به معنای بزر الحجری شَخْفَرَاغْته (لاتینی) برگردان عربی آن: کاسر الحجر یا مَشْطِیه
فالریس <b>Phaleris</b>	<i>Phalaris tuberosa L.</i>	؟	فالیروس (جالینوس)
لنخیتس آخر <b>Lonkhitis hetera</b>	<i>Aspidium lonchitis L.</i>	رَقْعَه الصخریه (اندلس)	
آلتا <b>Althaia</b>	<i>Althaea officinalis L.</i>	خطمی - ملوخیال الشجر	ورد الزوانی
آلتا آخر <b>Alkea</b>	<i>Althaea rosea Cau.</i>	خطمی البری - شحم المرج	
قنابش <b>Kannabis</b>	<i>Cannabis sativa L. var. indica</i>	قُنْب - شَهْدَانِج - شادانق	



نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
قَنَابَشِ أَغْرِیون Kannabis agria أناغرون Anaguros	Althaea cannabina L.	قَنْبُ البری - شهدانج البری	قَنْبیه (مصغر قَنْب است)
قیأ Kapaia	Anagyris foetida L.	أُم کلب - حب الکلی	میوه : خرنوب الکلب (اسم مشترک)
ألیسما Alisma	Sedum cepaea L.	جوز القَطَا (اندلس) (زیرا پرنده قطا بر خوردن آن حریص است.)	شجر حب الاسیر (ابن حسان)
أنوبْرَاحِیس Onobrychis	Alisma plantaga L.	مزمَار الراعی - أذن الأرتب - سنبیل الملوك	دَمَانٌ - وُثْنِیون (جالینوس)
أوفاریقون Huperikon	Onobrychis viciaefolia Scop.	عنب الحیه (برگردان نام یونانی به عربی)	
خامافیطس Khamaipitus	Hypericum barbatum L.	هیوفاریقون - ذاذی الرومی	یربسه قَرْجَنْبیره (عجمیت اندلس) به معنای عشب القلب یعنی دارای دانه ای قلبی شکل است. - مَشْتَبَه - دارای چهار نوع است.
برطانیقی Brettanike	Ajuga chamaepitys L.	صنوبر الارض (برگردان نام یونانی به عربی) - کامافیطوس	دارای سه نوع است. صنوبری کللیلی / فرقریری
لوسیماکھیوس Lusimakheios	Rumex brettanica L.	خماض حسکی	گفته شده بستان افروز است.
بلوغُون Polugonon arren	Lysimachia vulgaris L.	عود الريح (اسم مشترک) (اندلس) قَصَب الريح (اسم مشترک) (اندلس)	قصب الذهبی (اندلس) خَوْخ المَاء - خَوْیْخَه
فُلُوغُوناطن Polugonaton	Polygonum aviculare L.	عصا الراعی	به معنای ذکر است شَبَطاط - خطری دَغْبَا بَطْطاط (سریانی)
فولامونیون Polemonion	Polygonatum officinale L.	؟	غوذیاله (لاتینی)
سمفوطن بطراون Sumphuton petraion	Polemonium caruleum L.	؟	
سمفوطن آخر	Symphytum petraeum	شَاغَه الصخریه (اندلس)	
أولسْطِیون Holosteon	Symphytum bulbosum	شَاغَه البستانی	شَبیطه (لاتینی)
فارقلومائن Periklumenon	Holosteum umbellatum L.	؟ جامع البضع (برگردان نام یونانی به عربی)	
	Leonicea periclymenon L.	صَریمه الجدی	نوع دوم قُفْلَامِینوس است.

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
طربولس Tribolos	Tribulus terrestris L.	حسک - شکومج	أبروبوزیا (رومی) غاله جاقه (لاتینی) حمص الامیر (مغرب)
لیمونیون Leimonion	Statice limonium L.	سبخی (برگردان نام یونانی به عربی)	نوع ششم حماض طوبل السورق و عسلیج است - سلق الماء
سفرغانیون Sparganion	Sparganium ramosum Huds.	نوعی از سوسن بری	سقارطاغانیون (جالیئوس)
أخیون Ekhion	Echium rurum L.	ذکر الاقمی (به خاطر اینکه دارای میوه ای در رأس است که به شکل سر افعی می باشد).	
أخلیوس Akhilleios	Achillea tomentosa L.		یعنی مفید برای بیماری اخیلوس که همان غرب است.
الأتینی Elatine	Linaria elatine Mill.	لباب المعجوسی - لبلاب الاحرش	سراویل الککة سحیمة
أوباطورئوس Eupatorios	Agrimonia eupatoria L.	غافق الشاهدانجی	
طراغین آخر Tragion allo	Tragium colomnae		گیاه آن در جزیره اقربطش است.
فانونخیا Paronukhia	Paronychia serpyllifolia DC.		یعنی النافع من الداحس
خروسوقومی Khrusokome	Chrysocoma L.		برگردان عربی آن راس الذهب و نوعی از بابونه جبلی است.
ألیخریسون Helikhruson	Helichrysum sp. ?		برگردان عربی آن قذقذب است. امارتطن (جالیئوس) شاید نوعی قبصوم باشد
أسطراغالوس Astragalos	Astragalus Tourn.	کعب الخنزیر (برگردان نام یونانی به عربی)	مخلب العقاب الابيض (اندلس) - برطبره (لاتینی)
أواقثس Huakinthos	Hyacinthus orientalis	حافر البغل - قسطل الارض	بلبوسی (تأویل آن به عربی)
أیسقوامس Huoskuamos	Hyoscyamus Sp.	بنج - میکران (اندلس)	ملعنذر - یضمون
فسلیون Psullion	Plantago psyllium L.	بزرقطونا - استقیوس	برغوث (برگردان عربی آن)
دروکنیون Doruknion	Dorycnium L.		

نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
مندراغورس Mandradoras	Mandragora officinarum L.	بیروح - سابیژک - شابیژج - نُفّاح الجن	میوه: نُفّاح - أرجلیطه (لاتینی) - تاریسال (بربری) - عروسه
أقونیطون Akoniton	Aconitum nepellus L.	قاتل النمر	نبال (اندلس)
قونیون Koneion	Conium masculatum L.	شوکران	جقوطه (لاتینی) حرمل البلدی (آفریقا)
أفوقونن Apokunon	Apocynum erectum Vell.	قاتل الذئب	عنب الکلاب (برگردان عربی آن)
نیریون Nerion	Nerium oleander L.	ذُفلی - خَرَزَهَرَج - حبن	سم الحمار (برگرفته از لغت فارسی آن است.)
قُلْخِیْقُن Kolkhikon	Colchicum automnale L.	سورَنجان - فَرَج الارض - قَلب الارض - عَکَنه (مصر)	نام گل: اصابع هرمس و شنبلیذ - قُشْتِیَوَله (لاتینی) (به معنای قسطله کوچک است.)
قوتولیدیون Kotuledon	Cotyledon lusitanicus Lam.	کأس - آذان القشیس - زلائف الملوک - مصافق	دو نوع است، نوع دیگر آن در مصر اذنه خوانده می شود. این گیاه در شکافها و سقف ها و کوه هارونیده می شود.
غالین Galion	Galium verum L.	لُخْثِرَوَآله (لاتینی)	موجب بسته شدن شیر می شود.
ثالیترن Thaliatron	Thalictrum flavum L.	کُزْبَره حبشه	
بوطومایطین Potamogeiton	Potamogeton natans L.	جار الانهار (برگردان نام یونانی به عربی)	
سطراطیوٹس Stratiotes	Pistia stratiotes L.	فَارِس الماء (برگردان نام یونانی به عربی)	
أرْقَطِیون Arktion	Arctium tomentosum Shkuhr.		گفته شده نرد عرب به حریان (بدون نقطه در محل با) مشهور است.
أرْقَطِیون آخر Arktion	Arctium lappa L.		دارای دو نوع بری و بستانی است.
لوطوس أغریوس Lotos agrios	Lotus sp. ?	حَبَاقا	لوتوسی که دو مصر است به نام پُشْنین می باشد.
مریافُلُن Muriphullon	Myriophyllum spicatum L.		به معنای هزار برگ است.
أنْطِرینن Antirrhinon	Antirrhinum majus L.	أَنْف العجل - شحم الطعام	

نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
بولوپودیون <b>Polupodion</b>	<i>Polypodium vulgare</i> L.		به معنای دارای پای زیاد است. (کثیر الارجل) - سقی رَغْلا - سخی رَغْلا سکی - رَغْلا (سریانی) (به معنای کثیر الارجل) - بَریوْذَیْه (لاتینی) - اَشْنِیوان (بربری)
ایلو طرویون طوماغا <b>Heliotropion to mega</b>	<i>Heliotropium europaeum</i> L.	حشیشه العقرب (مصر) زیرا انتهای آن شبیه به دم عقرب است.	به معنای آفتاب گردان است طرنه سُوکی (اندلس)

## ۲- برگردان نام های لاتینی گیاهان به توسط ابن بیطار در قرن هفتم

محتوای متون پزشکی قدیمی به زبان عربی و ایرانی معمولاً متناخذ از کتب لاتینی و یونانی است و حاکی از آن است که منشاء نام های کهن گیاهان و همچنین برخی از نام های جدید لاتینی است. ریشه یابی نام ها، چه قدیمی و چه جدید، چه شرقی و چه غربی امکان تطبیق این نام ها را به یکدیگر فراهم می آورد و با این انطباق زمینه پیشنهاد مناسب ترین نام علمی را امکان پذیر می سازد.

با تعیین نام لاتینی گیاهان و سپس یافتن نام های معرب دارای ریشه لاتینی، ارتباط آن ها با نام های مشهور در متون قدیم [عربی و غیر عربی] میسر می شود. از سوی دیگر بررسی های صورت گرفته نشان می دهد برخی از نام ها چه در شرق و چه در غرب مستقل از هم بوده و متناخذ از هم نیستند. این نام ها نیز می توانند نام شناخت گیاه باشند.

از اینرو در نام یابی های کهن گیاهان دارونی دانستن ارتباط نام رایج گیاه با نام لاتینی آن می تواند معیاری برای یافتن نام علمی آن و همچنین دستیابی به سرچشمه نام های مشهور و چگونگی انتقال نام در زبان های دیگر باشد. برای دست یابی به این منظور شرح هر گیاه کتاب دیسکورید با دو منبع غربی و شرقی که هر یک ویژگی خود را دارند مقایسه گردید. مهمترین ویژگی های آن ها عبارتند از:

**الف - کتاب دیسکورید:** تا قرون اخیر به عنوان مهمترین منبع مورد استفاده اغلب محققان علوم زشکی و گیاهان دارونی بوده است، و نام های لاتین آن به زبان های دیگر بویژه عربی برگردانده شده است.

اولین کسی که به ترجمه این کتاب اهتمام ورزید حنین بن اسحق (۲۶۰ هـ - ق / ۸۷۳ م) بود که آن را از زبان یونانی به زبان سریانی برای بختیشوع بن جبریل برگرداند و همچنین یکی از شاگردان خود را به نام اصطفن بن بسیل تشویق به ترجمه این کتاب به زبان عربی نمود. اما این دو نتوانستند همه لغات لاتینی را به عربی برگردانند و تنها به معرب کردن لغات بسنده نمودند.

پس از آن نیز ترجمه هائی از کتاب دیسکورید به توسط ابوالفرج، مهران بن منصور، ابی سالم المطلبی نگاشته شد که در مجموع کار مهران بن منصور از همگی قویتر است.

دانشمندان مهمی که به شرح کتاب دیسکورید پرداختند چهار نفر و همگی از اهالی اندلس هستند این چهار نفر عبارتند از:

۱- ابو داود سلیمان بن حسان بن جُلجل (۳۸۴ هـ - ق / ۹۹۴ م)

۲- ابوالعباس احمد بن محمد النباتی ابن الرومیه (۶۳۷ هـ - ق / ۱۲۳۹ م)

۳- ابی محمد عبدالله بن احمد بن محمد بن ابن بیطار المالیقی (۶۴۶ هـ - ق / ۱۲۴۸ م)

۴- ابوالحسن علی بن عبدالله الاشبیلی (احتمالاً قرن هفتم هجری قمری)

**ب - تفسیر کتاب دیسکوریدوس به توسط ابن بیطار:** نام های لاتین در این کتاب معرب شده و یا به عربی برگردانده شده و نام های رایج دیگر نیز [فارسی، سریانی و ...] در این کتاب دیده می شود. از ویژگی های این کتاب و همچنین مؤلف آن می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱ - از آنجا که مؤلف به زبانهای لاتینی و عربی به خوبی مسلط بوده، انتقال نام ها و ترجمه مطالب کتاب و معرب نمودن نام ها دقیق صورت گرفته است.
  - ۲ - همراه بودن نام های معرب با نام های مشهور عربی و غیر عربی این کتاب را عامل مهمی در ارتباط فرهنگ های گیاهشناسی و پزشکی تمدن های گذشته است.
  - ۳ - مؤلف چون خود گیاهشناس بود سعی نمود تا شرح گیاهان را در این تالیف با نمونه های عینی در دست تطبیق داده درستی یا مجهول بودن آن را اعلام نماید.
  - ۴ - اشراف مؤلف به تالیفات قبلی، و تالیفات عصر خود و تالیفات متنوعی که خود داشت موجب شده، کتاب های او بعنوان تالیف شاخص برای قرن های بعدی در گستره ای جغرافیائی وسیع مطرح باشد.
  - ۵ - پرهیز مؤلف از ذکر خواص و حتی شرح های سیستماتیکی در این کتاب و بیان آن در کتاب جامع اهمیت وی را به تطبیق و تصحیح واژه ها و نام ها معلوم می نماید.
- با توجه به ویژگی های فوق می توان کتاب ابن بیطار را برگردان علمی - مطابق با زمان خود - از کتاب دیسکورید دانست که گذشته از ذکر نام ها گیاهان بطور دقیق، ضمن اشاره به اطلاعات به مربوط پیرامون محل رویش و جغرافیای گیاه، اختلاف نظرها موجود در مورد هویت گیاه را نیز به نقد و بررسی کند.

در جداول زیر نام های لاتینی معرب شده همراه با اسامی لاتینی آنها آمده است. دقت در این نام ها می تواند در برگردان صحیح نام ها را یاری رساند.

#### راهنمای جداول:

- نام های ستون اول مربوط به نام های لاتینی گیاهان کتاب دیسکورید که به توسط ابن بیطار معرب شده است.
- در ستون دوم نام های پیشنهادی ابراهیم بن مراد آمده است.
- در ستون سوم نام های پیشنهادی ROBERT T. GUNTHER آمده که با نام های لاتینی معرب ابن بیطار مقایسه شده است.
- در ستون چهارم شماره تصاویر مربوط به هر گیاه از کتاب دیسکورید ROBERT T. GUNTHER است، این تصاویر در جلد دو کتاب آمده است.
- در ستون پنجم نام های دارای منشاء عربی و از ابن بیطار است.
- در ستون ششم نام های عربی و غیر عربی مشهور و از ابن بیطار است.

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
کیارس یا قیفارس <b>kuperos</b>	Cyperos longus L.	C. rotundus	۴/ ۱	سعد	
آآقورون <b>Akoron</b>	Acorus calamus L.	Iris pseudacorus	۲/ ۱	رُج - زهره	
ایریس <b>Iris</b>	Iris florentina L.	I. florentina L. I. germanica	۱/ ۱	سوسن آسمانجونی	فوس و فرح
قرادامومن <b>Kardamomon</b>	Eletteria cardamomum White & Maton	E. cardamomum		کرویا جبلیه قرنباد - قرنفاد	قرمانا
مینون <b>Meon</b>	Meum athamanticum J.	M. athamanticum J.		مو	
ناردسستفاریطیقی <b>Sampharitike</b>	Valeriana celtica L.				
ناردس اقلیطیقی <b>N. keltike</b>	Valeriana celtica L.	V. celtica L.		سنبل الرومی	سنبل الاقلیطیقی متجوشه - شرانط
ناردس اُورنی <b>N. oreine</b>	Valeriana tubereuse Spr.	V. tubereuse Mountain Nard		سنبل الجبلی	
ناردس <b>Nardos</b>	Nardostaachys jatamansi DC.	N. jatamansi		سنبل هندی	ناردین
اسارون <b>Asaron</b>	Asarum europaeum L.	A. europaeum	۹/ ۱		
فو <b>Phu</b>	Valeriana dioscorides Sibth.	V. dioscorides			
مالابثرن <b>Malabathron</b>	Cinnamomum citriodorum Twhwait.			ساذج الهندی	
قسیا <b>Kassias</b>	Cinnamomum cassia BL.	Cinnamomum iners		سلیخه	
قَنّا مومن <b>Kinnamomon</b>	Cinnamomum zeilanicum Nees.	C. cassia		دارصینی	
أُمومن <b>Amomon</b>	Amomum racemosum La.	A. sublatum or cissus vitiginea		حماما	
قُسْطُس <b>Kostos</b>	Costus speciosus Sm.			قُسْط - کُشْط	کُشْط
سکینوس <b>Skhoinos</b>	Andropogon schoentus L.	Cymbopogon schoenanthus		أذخر	تبن مکه
قلامس اروماتیکس <b>Kalamos aromatikos</b>	Acorus calamus L.	A. calamus L.		قصب الذریره	
أصبالاتوس <b>Aspalathos</b>	Calycotom spinosa Lk.	Cytisus lanigerus DC. Genista acathoclada DC.		دارشیشغان	قندولی (مغرب)
بریون <b>Bruon</b>	Usenea barbata Ach.	Usenea sp.		أشنه - شَبب العجوز	سواک القروء (زیرا دهان هنگام استفاده از آن رنگ می گیرد).
نَشَقْشَن	؟	؟		بَنَک	

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
أغالوخن Agalokhon	Aloexylon agallochum Lou.	A. agallochum		عود هندی	آلنجج
قَبَمَن Kankamon	Amyris kataf Forsk.	Amyris sp.		سندروس - لک	قبین
قُرُوس Krokos	Crocus sativus L.	C.sativus	۲۵/ ۱	زعفران	کُرُکُم - جادی - جساد - ریهقان
هَلَنِیون Helenion	Inula helenium L.	I.helenium	۲۷/ ۱	جناح - راسن زنجبیل شامی	عُطُوز (ترکی)
سُمُرنا Smurna	Commiphora myrra Engl.	Amyris myrrh Hafal.		مر	
شَطی رِکس Sturax	Styrax officinalis L.	S. officinalis		أصطُرک عسل اللبني	شطركا (سریانی) عسل رومان -
بَذَلِیون Bdellion	Commiphora mukul Engl.	Hyphaene thebaica		مُغَل الازرق	دارای انواع متعدد است.
لِیبانو Libanos	Baswellia Roxb.	Baswellia cartera		کُندر - لَبان	تنها در شحر عمان رویش دارد .
بِیطس - بِنطس Pitus	Pinus pinea L.	P.halepensis P. cembra P. maritima		تَنوب	صمغ آن: قُلُقُوتیا
قُوفی یا قُوفی Peuke	Picea excelsa Link			شجر الأرز	نوعی تنوب
بِیطویداس Pituides		Pine-seeds		قَصَم قریش	میوه صنوبر الصغار
سَطرویلو Strobiloi		Pine-cones		شجرالصنوبر الکبار	صمغ هر دو صنوبر راتباج - راتباج
سَخِینُس Skhinos	Pistacia lentiscus L.	P. lentiscus		شجره المصطکی	
طَرْمِثَس Terminthos	Pistacia terebinthus L.	P.terebinthus.		شجره التَطم	صمغ: عُلک الانباط
أَرُقُوس Arkeuthos	Juniperus communis L.				
Arkeuthos Megale Arkeuthos Mikra		J.macrocarpa J. phoenicea J.co.- J. Drupacea	۱ - ۱۰۳	عرعر	
برائی Brathu	Juniperus sabina L.	J. sabina var. cupressifolia var. tamariscifolia		أبهل	
دافنی Daphne	Laurus nobilis L.	L.nobilis		شجر الغار شجر الرند	دونوع نر و ماده دانه: دافنیدس
قُانارِسیس Kuparissos	Cupressus sempervirens L.	C.sempervirens		شجرالسرو	



نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
قادرُس Kedros	Cedrus libani Barrel .	C. libani		شجر الشربین	
أفلاطینُس Platanos	Platanus orientalis L.	P.orientalis		شجر الدب صَنار - جنار	
مالیا Melia	Fraxinus excelsior L.	F.ornus Manna Ash		شجر المران	زان (بربری)
لوتا Leuke	Populus alba L.	P.alba		حور	دارای انواعی است.
ماقر Makir	Myrsica fragans Houutt.			بسباسه	دارکبه (شام)
أغیرس Aigeiros	Populus nigra L.	P.nigra		حورالرومی	نوز - کهریا
بطالایا Ptelea	Ulmus L.	Ulmus campestris		شجر الدردار	شجره البق - شَم الاسود
تالامن Kalamon	Phragmites communis Trin			قَصَب الفارسی	
Kalamos Nastos		Cenchrus frutescens Sieb.			
Ka.Suriggios		Erianthus ravennas			
Ka.Donax		Arundo donax			
K.Phragmites		Phragmites communis			
فانورس Papuros	Cyperus papyrus Trin.			فافر - بردی	
موریقی Murike	Tamarix gallica L.	T.gallica	۱ ۱۱۶	شجره الرفا	
Murris		Myrrhis odorata L.			
أریقی Ereike	Erica arborea L.	E.arborea -E.herbacea		شجر الخُلج	از انواع أسحل
أفقالیس Akakalis	Tamarix articulata Vahl.	T.orientalis		شجر الاثل عَذْبَه (عربی)	میوه : کزمازک کزمازق - کزمازج
رامنُس Rhamnos	Lycium afrum L.	Paliurus aculeatus	۱ ۱۱۹	عوسج - غَرَقْد	
أالیمون Halimon	Atriplex halimus L.			مَلُوخ	قُطَف بحری - ملیخ
فالپورس Paliuros	Paliurus aculeatus Lam.	Zizyphus vulgaris L.		سدر - شجره العَنَاب	دونوع عبری و ضال.
اقسیا آقئش Oxuakantha	Crataegus oxyacantha L.	Crataegus pyracantha Medic.		زعرور الادویه به معنای شوک الحاد	جبرئیل تاغفرت (بربری)
Papuros		Papyrus antiquorum Wild.			
قونس باطُس Kunosbatos	Rosa canina L.	Rosa sempervirens L.		علیق الکَلْب ورد بری	نسرین - اذمَام - قانس به یونانی به معنای کلب و باطُس به معنای علیق است .
قیفروس Kupros	Lawsonia alba Lam.	L.alba		شجره الحنا	یرناه - رفان

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فیلورا Philura	Phillyrea latifolia L.	P. latifolia.		شجره المحلب شجره العتم ؟	دانه آن : زنجب ؟
قستوس Kisthos	Cistus ladanifolius L. C. villosus L. C. hypocistis L.			شَقَوَاص (اندلس) وردالجبلی (مغیر) ب) وردالفحصى	سه نوع: دو نوع آن به نام لحيه التيس و نوع سوم گرفته شده از لادن با نام های أَسْتَب، حطب الفتح ، شجراللاذن، ارتقش (یعنی کثیر المصی) است.
Kustos Arren		Cistus villosus			
Kustos Thelus		Cistus salviaefolius			
Ladanon		Cistus creticus			
آبائس Ebenos	Ebenus L.	Diospyrus melanoxylon Ebenoxylon verum		أَبْنُوس	
لوقیون Lukion	Rhamnus infectoria L.	R.infectoria		شجره الحضض	عصاره : فیلزهرج کحل خولان
رُودَا Rhoda	Rosa Tourn R. gallica L. R. alba L.	Rosa lutea Bort.	۱ ۱۳۰	ورد	قزمز آن : حوجم سفید آن : و تبر جل (فارسی)
اکاکیا Akakia	Acacia arabica Willd.	Acacia vera		عصاره القَرظ خَرْزُوب السِّنْط شوکه المصریه	بری آن : اُمُ غِلان صمغ : صمغ العربی
اُطَا Itea	Salix babylonica L.	Salix sp.		شجرالصفصاف خلاف	
اَغْنَس Agnos	Vitex agnus castus L.	V. agnus castus	۱ ۱۳۵	شجره ابراهیم شجره مطهره حب القَد شجره مریم	یعنی طاهر- ایلاقدیشا (سربانی)- سرساده و شَمِیثا (هنسیدی) وتقاروف (بربری) شجره القُلُقُل و قُلُقُل الصقالیه (اندلس)
الْأَغْرِيَا Agrielaia	Olea oleaster Lk.	O.oleaster		زیتون بری عتم - زنجب	آزمود (بربری) زَبُوج (اندلس)
دَرْس Drus	Quercus coccifera L.	Quercus aegilops L.		شجر البلوط	شاه بلوط - قُسطانیا - قُسطل
قَقِيس Kekis Phegos	Quercus lusitanica Lam.	Quercus aesculus Boiss.		عفص - قُشف	جوله (لاتینی)
رُؤُوس یا اُطَا Rhous اُویسا Epi ta opsa	Rhus coriaria L.			سَمَاق - تَمْتُم	سربانی : سَمَاقیل عَرَبَر - عَرَبَر

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Robert)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فَئیکس دَقِیْطُس Phoinix	Phoenix dactylifera L.	P.dactylifera.		نخل	
رُودَا اَیْذا Rhoa	Punica granatum L.	P.granatum		رمان	جلنار، گل انار - پی جنبذه: گل انار بستانی - رَعَث
مُرسینس اَیمَارُس Mursine he hemeros	Myrtus communis L.	M.communis Gardan Myrtle		آس بستانی ریحان	میوه: مردابیانه (سریانی) مَرْتان و مَرْتَه (لاتینی) گل: اَقمام (بربری)
کَراسیا Kerasia	Prunus cerasia Br.	P. cerasia.			
کَراتیا Keratia	Cerantonia siliqua L.	C.siliqua		خرنوب شامی	
میلَاس Meleas	Pyrus malus L.	P.malus Appel		تَفاح	
قُودُونیا میلا Kudonia mela	Cydonia vulgaris Pers.	C.vulgaris Quince		سَفَرجل	
پرسیکا Persika mela	Prunus persica Sieb..	Pyrus malus Crab Appel		خوخ	
اَرْمَانِیَا Armeenika mela	Prunus armenica L.			تفاح الارمنی	مشمش
میدیکا میلا Medika mela	Citrus medica Risso var.cerata			اَنَرَج	مَنک - تفاح المامی
اَپیوس Apios	Pyrus communis L.	P. communis		کُمثری البستانی	
اَکْهَراس Akhras	Pyrus communis var. akhras	Pyrus amygdaliformis		کُمثری البری	برجون (اندلس)
لوطوس Lotos to dendron	Celtis australis L.	C.australis		شجر المیس	نَشم الاسود (نام مشترک)
مَشیپِلِن Mespilon	Crataegus azarolus L.	C.azarolus C.tanacetifolius		شجره الزعرور	طریقن (یعنی دارای سه دانه) - نلک
اَپِلمِلیس Epimelis	Pyrus germanica L.				شاید نوعی از زعرور
کَرانیا Krania	Cornus mas L.	Cornus mascula			از جنس زعرور
اَوَا Oua	Pyrus sorbus Gaertn.	Sorbus domestic		شجر الغیرا	
قَوامِیلا Kokkumelea	Prunus domestica L.	P. domestica		شجر الاجاص	عین البقر (مغرب) شاهلوج - شاهلوی
قَومارُوس Komaros	Arbutus unedo L.	Arbutus andrachne L.		شجر القطلب شجره قاتل ابیه میوه: جَنی الاحمر	معنای نام یونانی: طعمه قرمز - قاماریون (رومی) عصیر الدب (اندلس) - اَسامشَنوا (مغرب) - مطرونیه

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
Amugdale		Amygdalus communis			
أمقدال بیثرا Amugdala pikra	Prunus amygdalus var . amara Fock.			لوزالمُر	
أمقدال غُلُوقیا Amugdala glukeia	Prunus amygdalus Stock.			لوزالحلو	
بسطاقیا Pistakia	Pistacia vera L.	Pistacia lentiscus		فُسْتَق	صمغ : علك الانباط
قاربانیطیقا Karupontik a	Corylus avellana L.	C. avellana		بندق	جَلُوز (مغرب)
قارباسیلقا Karuabasilik a	Juglans regia L.	J. regia		جوز	
مورا Morea	Morus alba L.	Morus nigra		توت	عربی : قَرصاد رب آن : دیامیرون
سیقاموری Sukomoron	Ficus sycomorus L.	F.sycomorus		تین الاحمق	جوبیز
أَمینون سیفون Olunthoi	Caprificus	Unripe Fig		توت الفحج	ذکار- توت نارس
سیقا Suka	Ficus carica L.	F.carica		تین - بلس	
فَرمِیا Persaia	Mimusops schimperi Hot.	M. schimperi		لُخج	شجره فارسیه
زآا أولیرا Zea Olura	Triticum monococcum L. Triticum dicoccum	T.dicoccum T. Monococcum T.dicoccivarietas		عَلَس (اندلس) کَنبب	أولیر(از جنس زآا) أشکلیه (لاتینی)
طَراغیس Tragos	Gymnorrithon ragus L.	Ephedra distachya Br.		سَلت	
أوریزا Oruza	oryza sativa L.	O.sativa		أُرز	
سیسامن Sesamon	Sesamum indicum L.	S. indicum		سَمسم، جُلُجَلَا	روغن : حَلْ - شبرج
خَندروس Khondros	Tricticum romanum L.	Hordeum sp.	۲ ۱۱۸/	خَنطَه الرومیه	نوعی شعیر العربی شعیر النبی(ص) (اندلس)
کَبخَروس Kenkhros	Panicum milliaceum L.	P.milliaceum	۲ ۱۱۹/	جاوَوَس	نوعی از ذره
أَلومس Elumos	Andropogon sorghum Brot.	Setaria italicum Beauv.	۲ ۱۲۰/	دخن	
أَرآا Aira	Lolium temulentum L.	L. temulentum	۲ ۱۲۲/	زَوَان - شَیْلَم	دَنَقَه - رُعَیْدَا - رُعَیْدَا - مَریرَا - خَضَر
طیلِس Telis	Trigonella foenum graecum L.	T.foenum graecum	۲ ۱۲۴/	حلبه	فَریقَه
لِنُس برمون Linospemon	linum usitatissimum L.	L.usitatissimum		بزرکتان - آلینو	

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
اَرَبِنْثُس اَیْمَارُس <b>Erebinthos hemeros</b>	Cicer arietinum L.	C.arietinum	۲ ۱۳۶/	حمص	دارای دو نوع بری و بستانی است.
فابش الیونانی <b>Kuamos Hellenikos</b>	Vicia faba L.	V.faba	۲ ۱۳۷/	فول - باقلّا	فابه (لاتینی)
فابش القبطی <b>Kuamos Aiguptios</b>	Nymphaea nelumbo L.	Nelumbium speciosum Wild.		جامسه (مصر)	در سرزمین مصر روئیده می شود.
فانوس <b>Phakos</b>	Lens esculenta Monch.	Ervum lens L.	۲ ۱۳۹/	عدس - بَلَسَن	
اُوروبس <b>Orobos</b>	Vicia ervillia Willd.	Ervum ervillia L.	۲ ۱۳۱/	کرسنه	کُشَن (شام) - کُشَن (فارسی)
تُرْمَس اَیْمَارُس <b>Thermos hemeros</b>	Lupinus termis Forsk.	Lupinus pilosus Murr.	۲ ۱۳۲/	بسله	به علت تلخی و بد طعمی ابوحنیفه آن را بسله نامیده است.
<b>Termos Agrios</b>		Lupinus Angustifolius DC. Lupinus alba L.	۲ ۱۳۳/		
غَنَقِیْلَی <b>Gongule</b>	Brassica rapa L.	B.rapa	۲ ۱۳۴/	سلجم - سلجم	لفت الاحمر المدور
بونِیاس <b>Bunias</b>	Brassica napus L.	Bunias erucago Brassica bunias		لفت طویل	لفت طلیطلی (مغرب)
رافانوس <b>Raphanis</b>	Rhaphanus sativus L.	R.sa. - Radish	۲ ۱۳۷/	فُجَل	
<b>Raphanos Agria</b>		Raphanus raphanistrum L.	۲ ۱۳۸/		
سیسارون <b>Sisaron</b>	Sium sisarum L.	Pastinaca sativa	؟		
لاباثون <b>Lapathon</b>	Rumex acutus L. Rumex scutatus L. Rumex patientia L. Rumex acetosa L.	Rumex patientia L.	۲ ۱۴۰/	حَمَاض	دارای انواع مختلف است.
اُفولاباثُن <b>Hippolapathon</b>	Rumex hydrolapathum L.	Rumex aquaticus L.	۲ ۱۴۱/		نوع پنجم حماض کبیر
اَلْمَفْسَانِی <b>Lampsane</b>	Raphanus raphanistrum L.	Sinapis arvensis	۲ ۱۴۲/	؟	
بلیطی <b>Bliton</b>	Amarantus blitum L.	A.blitum	۲ ۱۴۳/	بقله الیمانیه	بربوز (مغرب) - جربوز (شام) - کُشَنج - صَدَح قُشَطَانِی (سواد)
ملوخی <b>Molokhe</b>	Malva rotundifolia Desf.			خیازی	
<b>Malache Agria</b>		Malva silvestris	۲ ۱۴۴/		

نام لاتینی (ابن بطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth از)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بطار)	سایر نام ها (از ابن بطار)
Malache Kepaia		Alcea rosea L.	۲ ۱۴۴/		
آندروآفکسس Andrapphaxus Atraphaxis	Atriplex hortensis L.	Atriplex rosea L.	۲ ۱۴۵/	سرمق - سرمج - قَطَف	بقل الروم - بقل الذهبی
قولی ایماؤوس Krambe hemeros	Brassica oleracea L.	B.oleracea	۲ ۱۴۶/	کرنب البستانی	قربنا
قولی آغریا Krambe agria	Brassica incana L.	Brassica cretica	۲ ۱۴۷/	کرنب البری	نوع دریائی را با همین نام ذکر کرده است.
Krambe Thalassia		Crithmum maritimum	۲ ۱۴۸/		
طوطلن Teutlon	Beta vulgaris L.	B.vulgaris	۲ ۱۴۹/	سلق البستانی	سلق بری را نیز با این اسم می شناسند.
اوبیذجی یا آندرکخی Andrakhne	Portulaca oleracea L.	P.oleacea - Purslane	۲ ۱۵۱/	رجله، بقله الحمقاء، بقله المبارکه، فرفیر	آندراخته (به معنای یک پا است، رجله)
أسفاراغش بطراؤس Asparagos Petraios	Asparagus officinalis L.	Asparagus acutifolius L.		هلینون	أسفراخ (مغرب)
آرنوغلشن Arnoglosson	Plantago major L.	P. major	۲ ۱۵۳/	لسان الحمل برد وسلام ذنب الفأ	بلشتان (لاتینی)- مصاضه دارای دو نوع بزرگ و کوچک . نوع کوچک آذن الشاه (اندلس)
سین Sion	Sium latifolium L.	Sium nodiflorum L.	۲ ۱۵۴/	قره العین	کرفس الماء
سیسنبیریون Sisumberion	Nasturtium officinalis L.		۲ ۱۵۵/	حرف الماء	قرونوش (اندلس)- فجل الماء - جرجیر الماء
Sisumberion Eteron		Sisymbrium nasturtium Muhl.	۲ ۱۵۶/		
قرنمن Krethmon	Crithmum maritimum L.	C.maritimum		قرن الأیل	زبل النواتیه (آفریقا)
قورونوش Koronopus	Plantago coronopus L.	Lotus ornithopodioides L.	۲ ۱۵۸/	رجل الغراب	رجل الزاغ
صنخیس Sonkhos	Sonchus oleraceus L.			هندباء البری	خس الحمار
Sonkhos Akanthodesteros		Helminthia echiodes Gaert.			
Sonkhos Trachos		Sonchus arvensis L.	۲ ۱۵۹/		

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
Sonkhos Trupheros		Sonchus oleraceus L.	۲ ۱۵۹/		
Seris سارس	Cichorium endivia L.	C.en. – Endive		هَنْدِیاء البِستانی یعضید(مصر)	شرالیه (اندلس) أنطوبیا
خَنْدَرِیلِ Khondrile	Chondrilla juncea L.	C. Juncea or chondrilla ramosissima	۲ ۱۶۱/	هَنْدِیاء البری یعضید (مصر)	أمیرون (اندلس) شرالیه الحمار(لاتینی)
Khondrile Etera		Thrinsia tuberosa or apargia			
قُلُوقَتِی Kolokuntha edodimos	Cucurbita lagenaria L.	Cucumis sativus L. Cucumber		قُرْع - یَقْطِین - دبا	
سِکُس اِیمارُوس Sikus hemeros	Cucumis sativus L.	Cucumis Melo L. Melon		قِثاء البِستانی	فَقُوس (مغرب)
Pepon		Cucumis pepo Dum. Pmpion			
ثُرُوقَس اِیمارُوس Thridax hemeros	Lactuca sativa L.	L. Sativa	۲ ۱۶۵/	خس	دارای دو نوع بری و بستانی است.
Thridax Agria		Lactuca scariola	۲ ۱۶۶/		
جَنْجِیدِیُون Gingidion	Daucus gingidion L.		۲ ۱۶۷/		نوعی از جزر بری
سَفَنْدِکَس Skandix	Scandix pecten veneris L.	S.pecten veneris	۲ ۱۶۸/		سقاندیکس
قُوقالِیس Kaukalis	Caucalis maritima L.	Handquistia aegyptiaca	۲ ۱۶۹/	أبره الراعی - أَمْشَاط العَجُوز	تَامَشْط (بربری) أَكْجَالَه (لاتینی)
أوزِیمَن Euzomon	Eruca sativa Mill.	E.sativa Brassica erucastrum L.	۲ ۱۷۰/	جَرَجِر - کُتاه	بری : اِبَهقان
أَقِیمَن Okimon	Ocimum basilicum L.	O.basilicum	۲ ۱۷۱/	بادرُوح - حوک	گفته شده به فارسی بستان افروز است .
اورُونْخِی Orobankhe	Orobanche caryophyllacea	Cuscuta europaea		طرائِث - خائق الکُرسَه	هالوک (مصر) اورُونْاَکْجِی - جَعْفِیل
طَرارِاغُوبُوعُن Tragopogon	Tragopogon orientalis L.	Tragopogon villosum L.	۲ ۱۷۳/	؟	
أَرْنِیْثُوس غالَا Ornithos gala	Ornithogalum umbellatum L.	O. umbellatum			
وَدْنَن Hudnon	Tuber michell - Terfezia claveriji	Tuber cibarium		کُتاه	بنات الرعد
مِیدِیْکِی Medike	Medicago sativa L.	M.sativa		رَطْبَه ، فَضْصَه قَضْب	خشک : قَت وبه فارسی : اَسْفَسْت بربه موله (اندلس)

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Robert)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
انبیالفراسن <b>Ampeloprasen</b>	Allium ampeloprasum L.			کُراث الکرمی	کراث بری
آفاقی <b>Aphake</b>	Vicia cracca L.	Lathyrus Aphaca	۲ ۱۷۸/		نوعی از رطبه
سمیلئس لوبیا <b>Samilax kepaia</b>	Dolichos lubia Forsk	Smilax aspera		لوبیا	دجر - نامرا
فرآسن قافالوٹن <b>Prason kephaloton</b>	Allium ascalonicum L.	Allium porrum L.	۲ ۱۷۹/	کُراث الشامی	
انبیالفراسن <b>Ampeloprasen</b>	Allium Ampeloprasum L.			کراث بری	به معنای کراث الکرمی است.
قرومیان <b>Kromuon</b>	Allium cepa L.	A. cepa	۲ ۱۸۱/	بصل	
شُکُردین <b>Skordon</b>	Allium sativum L.	A. sativum	۲ ۱۸۲/	نوم البستانی	
<b>Leukoskorodo n</b>		Allium ampeloprasum L.	۲ ۱۸۲/		
<b>Ophioskorodon</b>		Allium scorodoprasum L.	۲ ۱۸۲/		
<b>Elaphoskorodo n</b>		Allium subhirsutum L.	۲ ۱۸۲/		
براسنوشقردین <b>Skordoprasen</b>	Allium scordoprasum L.	Allium descendens L.	۲ ۱۸۳/	نوم کرائی	نوم البستانی
<b>Sinepi</b>		Brassica alba	۲ ۱۸۴/		
قردامن <b>Kardamon</b>	Lepidium sativum L.	L. sativum	۲ ۱۸۵/	حرف الاحمر	حب الرشاد - نقا
تلسفی <b>Thalaspi</b>	Lepidium campestris R.Br.	Thlaspi bursa- pastoris L.	۲ ۱۸۶/	نوعی از حرف	اشیرون (اندلس)
دارابی <b>Drabe</b>	Lepidium draba L.	L. draba		حرف المشرقی	أحراز (صقالیه)؟
أروسیمن <b>Erusimon</b>	Sisymbrium officinale Scop.	Sisymbrium polyceratum L.	۲ ۱۸۸/	نُودری نوڈرنج	صوب - شُندله (اندلس) - أورو سیمنو
باباری <b>Peperi</b>	Piper aromaticum Lamk.	Piper nigrum L.		فُلْفُل	
أودروباباری <b>Hudropeperi</b>	Polygonum hydropeperi L.	P. hydropiper		فُلْفُل الماء	
زنجباری <b>Zingiberi</b>	Zingiber officinale Rosc.	Z. officinale		زنجبیل	
بطرمیقی <b>Ptarmike</b>	Achillea ptarmica L.	Beranthemum Annum			به معنای معطس بر گرفته از بطرموس
سپروئین <b>Struthion</b>	Saponaria officinalis L.	S. officinalis	۲ ۱۹۳/		تاغیغیت (بربری) - قوللیه - کندش
فُفلامینوس <b>Kuklaminos</b>	Cyclamen europaeum L.	Cyclamen graecum Greek cyclamen	۲ ۱۹۴/	بخور مریم	عُرطنا - رکف - خبر القُروود (افریقا)



نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فقلامینوس اخر <b>Kuklaminos helera</b>	<i>Lonicera caprifolium</i> L.	<i>Cyclamen Hederifolium</i>	۲ ۱۹۵/	صَرمِمه الجدی (اندلس) سلطان الجبل	ماطرشالبه (لاتینی) برگردان عربی: امالشعراء - اقلیدان و آدار (نامی بربری به معنای سلطان الجبل) رأی مَنَسْت (لاتینی) (رای به معنای سلطان و منست به معنای کوه)
درائطیون <b>Drakontion</b>	<i>Arum dracunculus</i> L.	<i>A.dracunculus</i>	۲ ۱۹۶/	لوف الجعد - فیلجوش	به معنای لوف الحیه اصاره (مغرب) (صراخه (اندلس) غرغنیته (لاتینی)
<b>Drakontion Mikron</b>		<i>Arum maculatum</i>	۲ ۱۹۶/		
أرون <b>Aron</b>	<i>Arum vulgare</i> L.	<i>Arum dioscoridis</i> L. Cuckoo-Pint		لوف السبط	صاره - ایزنی
آریصارون <b>Arisaron</b>	<i>Arum arisarum</i> L.	<i>A. arisarum</i>		لوف	از انواع سه گانه لوف ذریره (مصر)
<b>Asphodelus</b>		<i>Asphodelus ramosus</i> Asphodel	۲ ۱۹۹/		
بلبوس <b>Bolbos</b>	<i>Muscari comosum</i> Mill.			بصل الزأز	
<b>Bolbos Edodimos</b>		<i>Hyacinthus comosus</i>	۲ ۲۰۰/		
<b>Bolbos Emetikos</b>		<i>Ornithogalum Stachyoides Bulbus vomitorium</i>			
سقیلا <b>Squilla</b>	<i>Scilla maritima</i> L.	<i>S. maritima</i>	۲ ۲۰۲/	أشقیل - عَنَصَل - عَنَصَلان	بصل الفار - بصل الفار بصل الخنزیر (مغرب) أَثَقِیل (بربری)
بَنَقراطیون <b>Pankration</b>	<i>Pannkratium maritimum</i> L.	<i>P.maritimum Scilla pancration Nym.</i>	۲ ۲۰۳/		نوعی بصل المنصل
قَبارس <b>Kapparis</b>	<i>Capparis spinosa</i> L.	<i>C. spinosa</i>	۲ ۲۰۴/	کبر	چیزهایی که در ریشه آن یافت می شود را أَصَف گویند. میوه: شَقْلَح
لیبیدیون <b>Lepidion</b>	<i>Lepidium sativum</i> L.	<i>Lepidium latifolium</i> L.		عشبه السلطان (مصر)	صَلَص
بطراخیون <b>Batrakhion</b>	<i>Ranunculus asiaticus</i> L.	<i>Ranunculus acris</i> L.	۲ ۲۰۶/	كَفَّ الکلب و کف الضبع (مغرب)	دارای چهار نوع - برگردان عربی آن عَنَقْدُعی - کَبِکَج (سریانی)

نام لاتینی (این بيطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بيطار)	سایر نام ها (از ابن بيطار)
<b>Batrakhion Eterin</b>		Ranunculus lanuginosum L.	۲ ۲۰۶/		
<b>Batrakhion Triton</b>		Ranunculus muricatus L.			
<b>Batrakhion Tetarton</b>		Ranunculus aquatilis L.			
آنانومنی <b>Anemone</b>	Anemone coronaria L.	A.coronaria	۲ ۲۰۷/	شقاقق النعمان شقر	أرجامونی (جالینوس)
أرجامونی أغریا <b>Argemone</b>	Anemona hortensis L.	Thalictrum flavium Agrimonia eupatorium	۲ ۲۰۸/ ۲ ۲۰۸/	أرجامونی	نوع دوم شقاقق النعمان
أناعلس <b>Anagallis</b>	Anagallis arvensis L.	A.arvensis	۲ ۲۰۹/		
<b>Korkoros</b>		Anagallis coerulea	۲ ۲۰۹/		
قسوس Kissos	Hedera helix L.	H.helix	۲ ۲۱۰/	لیلاب الکبیر حبل المساکین	بنکّه - بعضی از انواع آن به نام أحمل یا عصبه - یذره
خالدونیون طوماغا <b>Khelidonium to maga</b>	Chelidonium majus L.	C.majus			طوماغا به معنای بزرگ به معنای دواء الخطاطیف
خالدونیون طومشرون <b>Khelidonium to mikron</b>		Ranunculus ficaria L. Lesser celandine		نوع دوم طوماغا است .	
بتوقس أوطا <b>Muos ota</b>	Myosotis palustris Lam.	Lithospermum purpurea-coeruleum	۲ ۲۱۴/	أذان الفار الرومی	عين الهدد و باذرود (آفریقا)
أساطیس <b>Isatis</b>	Isatis titictoria L.	I. titictoria	۲ ۲۱۵/	نیل - نیلج	طین الاخضر - عین الاخضر
أساطیس أغریا <b>Isatis agria</b>		Isatis lusitanica	۲ ۲۱۶/	نیل بری	
طیلاقیون <b>Telephonion</b>	Cerinth minor L.	C.minor.	۲ ۲۱۷/	حشیشه البرص	
جنطیانا <b>Gentiane</b>	Gentiana lutea L.	G.lutea .	۳/۳	دواء الحبه کوشاد	بششنگه (لاتینی)
أغاریقون <b>Agarikon</b>	Polyporus officinalis Fr.				این نام یکی از شهر های روم به نام أغارِقَه است .
أرسطولوخیا <b>Aristolokheia</b>	Aristolochia Sp.	Aristolochia pallida Round Aristolochia	۴/۳	زراوند	دارای سه نوع است . مسمقار (بربری) تیرستم (آفریقا)

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
<b>Aristolochia Makra</b>		Aristolochia Parvifolia Sm. Aristolochia Sempervirens L.	۵/۳		
<b>Aristolochia Klematitis</b>		Aristolochia boetica			
غلوقریزا <b>Glukuriza</b>	Glycyrriza glabra L.	G.glabra	۷/۳ تصویر گویا نیست	عودالسوس	عصاره آن به لاتینی مُبدله به معنای پاک کننده سینه است. مُثک
قَنطوریون طوماغا <b>Kentaureion to mega</b>	Centaurea centaurium L.	C.centaurium		قَنطوریون الکبیر	
قَنطوریون طو لبطون <b>entaureion to lepton</b>	Erythraea centaurium Pers.	E. centaurium	۹/۳	قَنطوریون الدقیق قَنطوریون طومقرون (طومقرون به معنای کوچک است.)	جَنتوریه (لاتینی) - قَصَّه الحَیْه (مغرب) - مَکِیْسَه (اندلس) - طَریطر (مائیرقا) - أجیلیه (رومی) - عزیرا
خامالون لوئس <b>Kamaileon leukos</b>	Atractylis gummifera L.	A. gummifera			داد الایض (مغرب) بشکرائیه و شجرالملک و محقره (اندلس)
خامالان مالس <b>Kh.melas</b>	Cardoptium corymbosum pers.	C.corymbosum		داد الاسود (مغرب)	بشکرائین الاسود (اندلس) داد الوحید و وَغْد (آفریقا) زیرا با رویش آن گیاهان اطراف آن از بین می رود.
فروفودیلاون <b>Krokodeileon</b>	Carduus pycnocephalus L.	Echinops sphaerocephalus	۱۲/۳	رعی الحمیر (اندلس)	تیمط و تیمق (اندلس) فروفودیلاون (جالینوس)
دبسا قوس <b>Dipsakos</b>	Dipsacus fullonum L.	Dipsacus sylvestris Mill.	۱۳/۳	شوک الدراجین مُشَط الراعی	به معنای عطشان است.
أَنثالوقی <b>Akantha leuke</b>	Picnomon acarna Coss.	Echinops lanuginosus Acacia albida Cnicus acarna	۱۴/۳	بادآورد	شوکه البیضاء (برگردان عربی آن)
أَنثا آرابیقی <b>Akantha Arabike</b>	Onopordon acanthium L.	Onopordon Arbicum L.	۱۵/۳	شکاعا	شوکه العربی (برگردان عربی آن)
سقولومس <b>Skolumos</b>	Scolymus hispanicus L.	S.hispanicus.	۱۶/۳	حَرَشَف البری	لَصَف (اندلس)
بطریون <b>Potirion</b>	Astragalus poterium L.	Astragalus creticus Lam.	؟		

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
آکانتیون Akanthion		Onopordon illiricum L.	۱۸/۳	رأس الشَّيْخ نوعی شکامی	وجه تسمیه به رأس الشَّيْخ: روئیدن گل های سفید در وسط گل آذین آن می باشد.
آفثس Akanthos	Cynara scolymus L.			حرشَف البستانی کَنْکَر	قناریه (مغرب)
Akantha Erpekantha		Acanthus spinosus Acanthus mollis	۱۹/۳		
Akantha Agria		Silybum syriacum	۲۰/۳		
آنونش Anonis	Anonis antiquorum L.	Ononis antiquorum Ononis arvensis L.		زریعه الابلیس	مرمر (مصر)
لوقانتا Leukakantha	Cnicus tuberosus L.	Cirsium tuberosum	۲۲/۳	؟	گیاهی خاردار
طراغاتا Tragkantha	Astragalus tragacantha L.	Astragalus aristatus L.		شوگ القَتَاد	صمغ: کثیرا
ایرنجی Erunge	Eryngium campestre L.	Eryngium planum L.	۳/۲۴	شوکه السوداء شوکه اليهودیه شوکه الزرقا	جنت قابطه، ببراطه به معنای شوگ المتَقَلِّفَل - قرصنه (سربانی)
آلویی Aloe	Aloe vera L.	Aloe vulgaris Lam.	۲۵/۳	شجره الصَّبر	صابره - صابره
آپسینثی Apsinthion	Artemisia absinthium L.	Ar. absinthium Artemisia pontica		افسنتین کشوت الرومی	نشانه (لاتینی) افسنتین ساحلی = شَّيْب العُجُوز
Apsinthion Thalassion		Artemisia maritima	۲۷/۳		
Apsinthion Triton Santonion		Artemisia palmata			
ساریفون Seriphon	Artemisia maritima L.			شیخ	۱- شیخ الارمنی ۲- شیخ البحری
آبروتونون Abrotonon	Achillea fragrantissima Sch. Artemisia abrotonon L.	A. abrotonon	۲۹/۳	قبصوم	دارای دو نوع نر و ماده
أسوفون Hussopon	Hyossopus officinalis L.	Thymbra stricata Hor. تصویر مربوط است به Origanum Lirium	۳۰/۳	زوفای یابس	
ستخادس Stoikhas	Lavandula stoechas L.	L. stoechas	۳۱/۳	اسطوخودوس	ابن بیطار در نقدی این گیاه را اسطوخودوس ندانسته و آن را معادل نام لاتینی برسه قشوشکه می داند و می گوید: رویشگاه این گیاه در اندلس و شهرهای مغرب بوده و گیاهی که در مناطق محل زندگی او می روید حلتحال — سمیره -

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth از)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
اورینائس أبرقلاوطیقی Origanos Herakleotike	Origanum sp.	Origanum vulgare var. megastachyum	۳۲/۳	صعتر	دارای انواع ابيض و اسود و ملوکی و صعتر الشوا که همان خوزی است فودنج جبلی
Origanos onitis		Origanum onitis L. Origanum sipyleum L.	۳۳/۳		
Agrioriganos		Origanum vulgare			
Tragoriganos		Thymus graveolens Bieb. Origanum majorana L.	۳۵/۳		
Origanos Erakleotike		Origanum vulgare L. var. megastachyum			
غلیجن Glekhon	Mentha pulegium L.	Mentha pulegium var. erecta	۳۶/۳	فودنج بری	بلايه (اندلس)(مصر)
دقطنن Diktamnon	Origanum dictamnus L.	O. dictamnus	۳۷/۳ تصویر خیالی است.	مشکطرامشیع فودنج التیسی	دارای سه نوع است : ۱ - بلايه جربوئنه (لاتینی) به عربی به معنای غُبیره الأیل ۲ - فُسودودقطنن به معنای مشکطرامشیع کاذب. نام دیگر آن: فُسودودقطنن به معنای مشکطرامشیع زوری ۳ - الاقربطی
Pseudodiktamnos		Marrubium pseudodictamnus	۳۸/۳		تصویر مشابه Salvia officinalis
Diktamnos Allo		Ballota pseudodictamnus Be.			
آلسفائس Elelisphakon	Salvia officinalis L.	S.officinalis Salvia cyanescens	۴۰/۳	لسان الأیل (برگردان عربی آن)	ناعمه (اندلس) شالبیه (لاتینی)
أید یاسمن Heduosmon	Mentha piperita Smith.			نعنن	
Eduosmon Emeros		Mentha sativa L.	۴۱/۳ مشکوک		
Eduosmon Agrios		Mentha aquatica L.	۴۲/۳		
قالامنتی Kalaminthe	Thymus calamintha Scop. Thymus barrelieri Spreng. Thymus nepeta Sm.	Mentha sylvestris	۴۳/۳	فودنج	دارای سه نوع است: نهری به نام صومران (مغرب)، حبیق التمساح، جبلی به نام نابله (اندلس)
ثومش Thumos	Thymus capitatus L.	T.capitatus	۴۴/۳	صعتر جبلی	صعتر الحمیر (اندلس)

نام لاتینی (این بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ایراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth از)	شماره تصویر	نام عربی (از این بیطار)	سایر نام ها (از این بیطار)
ثمبرا <b>Thumbra</b>	<i>Satureia hortensis</i> L.	<i>Satureia thymbera</i> <i>Micromeria juliana</i> Bent.	۴۵/۳	صعتر الفارسی	شطریه (اندلس)
اُرفلس <b>Erpullos</b>	<i>Thymus vulgaris</i> L. <i>Thymus serpyllum</i> L.	<i>Thymus sibthorpii</i> Benth.	۴۶/۳	نعام	برگرفته از نام لاتینی اُرفی که همان دبیب ونعام است
صمصوخن <b>Sampsukhon</b>	<i>Orgianum majorana</i> L.	<i>O. majorana</i>	۴۷/۳ نامشخص ص	مرزنجوش سمسق	آتجرک - مرددوش (اندلس) - ملول - عُقر
مالیلوطس <b>Melilotos</b>	<i>Melilotus officinalis</i> Lam.	<i>Trifolium officinalis</i> Willd. <i>Trifolium italicum</i> Boiss. <i>Trigonella graeca</i> Boiss.		اُکلیل الملک	دارای چهار نوع است ۱- و ۲- قرنج (اندلس) ۳- معقرب ۴- مدرهم الورق دارشاه (فارسی) شجره الحب (آفریقا)
سینبرون <b>Sisumbrion</b>	<i>Thymus glaber</i> Mill.			نعام بری	العائنه (لاتینی) - سینبر
مارون <b>Maron</b>	<i>Origanum marum</i> L.	<i>Trifolium sipyleum</i>	۴۹/۳	مرماحوز	تصویر مربوط به <i>Hypericum</i> sp.
اُقیس <b>Akinos</b>	<i>Ocium pilosum</i>	<i>O. pilosum</i>	۵۰/۳	قرنجمشک	حبق القرنفل - أصابع الفتیات - قلثمان
بخخارس <b>Bakkharis</b>	<i>Baccharis</i> sp.	<i>Conyza squarrosa</i> <i>Gnaphalium</i> <i>sanguineum</i> Sp.		قرنغله (اندلس)	
پیغانن <b>Peganon</b>	<i>Peganum harmala</i> L. <i>Ruta montana</i> L. بری <i>Ruta graveolens</i> L.				دو نام متفاوت برای این گیاه ذکر شده یکی سداب بری و بستانی و دیگری اسفند یا حرمل
<b>Peganon To Kapaion</b>		<i>Ruta graveolens</i>	۵۲/۳		
<b>Peganon To oreinon</b>		<i>Ruta montana</i>	۵۲/۳		
<b>Peganon Agrion</b>		<i>Peganum harmala</i>	۵۳/۳		
مولی <b>Molu</b>	<i>Allium moly</i> L.	<i>Allium dioscorides</i> Si.	۵۴/۳		نوعی بلبوس
فاناکس ایرقلیون <b>Panakes Herakleion</b>	<i>Opopanax chironium</i> Koch.	<i>Opopanax hispidus</i> Gr. <i>Ferula opopanax</i> Spreng.	۵۵/۳	جاوشیر	ریشه: پرورا - برگردان نام لاتینی آن به عربی)
فاناکس اسقلیپوس <b>Panakes Asklepion</b>	<i>Echinophora tenuifolia</i> L.	<i>E. tenuifolia</i> <i>Ferula nodosa</i> Benth.		زوافرا	نام اولین شخصی است که آن را شناسایی کرده است.
فاناکس خیرونیون <b>Panakes Kheironion</b>					نام اولین شخصی است که آن را شناسایی کرده است.

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
لیقسطیقون <b>Ligustikon</b>	Levisticum officinale Koch.	Liserpitium siler L.		کاشم	زرغد (انطالیا)
اسطافالینوس أغریوس <b>Staphulinos agrios</b>	Daucus carota L.	Daucus guttatus Sibb.	۵۹/۳	جزر البری دوقوا	جزر البستانی
<b>Staphulinos Kepaios</b>		Daucus carota L.	۵۹/۳		
ساسالیوس <b>Seseli</b>	Seseli tortuosum L.				دارای سه نوع است.
<b>Sesel Massaleotikon</b>		Echinophora tenuifolia L.	۶۰/۳		
<b>Sesel aithiopikon</b>		Bupleurum fruticosum L.	۶۱/۳		
<b>Sesel Peloponnesiakon</b>		Angelica sylvestris L. Myrrhis odorata Scop.	۳ ۶۲/		
طرزیلن <b>Tordilon</b>	Tordilium officinale L.	T. officinale		نوع چهارم اسالیوس به نام اقریطی است.	بقول الشعال (اندلس) (زیرا برای درست کردن آتش از آن استفاده می شود.
سینون <b>Sinon</b>	Sison amomum L.	S. amomum		؟	
أنیس <b>Anesson</b>	Pimpinella anisum L.	P. anisum - Anise	۶۵/۳	انیسون رازیانج رومی کمون الحلو	حبّ الحلو (اندلس)
قاروا <b>Karo</b>	Carum carvi L.	C. carvi		کرویا بستانی کمون الارمنی	تصویر ممکن است مربوط به : <b>Ammi majus</b> باشد
أنثیون <b>Anethon</b>	Anethum graveolens L.	A. graveolens		شبت	أنبث (لاتینی) - أسلیلی (بربری)
کومینون <b>Kuminon Emeron</b>	Cuminum cyminum L.	C. cyminum	۶۹/۳	کمون الابيض کمون الکرماتی	کمون الملوکی (دیاسکوریدس)
قیمینون أغریون <b>Kuminon agrion</b>	Lagoecia cuminoides L.	L. cuminoides	۶۸/۳	کمون البری (برگردان نام لاتینی)	تصویر از <b>Centaurea sp.</b>
أمی <b>Ami</b>	Carum copticum Benth	Ammi visnaga	۷۰/۳	نانخواه	کمون الحبشی التیبیا (سریانی)
قوریون <b>Korion Koriannon</b>	Coriandrum sativum L.	C. sativum	۷۱/۳	کُزیره	دانه : نَقْدَه
<b>Ierakion Mega</b>		Arnopogon picroides	۷۲/۳		
<b>Ierakion Mikron</b>		Scorzonera elongata	۷۳/۳		

نام لاتینی (ابن بطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Robert)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بطار)	سایر نام ها (از ابن بطار)
سالیوس قیفاون <b>Selinon kepaion</b>	Apium graveolens L.	A. graveolens L.	۷۴/ ۳	کرفس البستانی	اوشالین - کرفس المبائی - کرفس الاجامی (مغرب)
<b>Selinon Agrion</b>		Ranunculus repens L.			
<b>Eleioselinon</b>		Apium graveolens Marsh Celery	۷۵/ ۳		
اوراسالینون <b>Oreoselinon</b>	Peucedanum oreoselinum	Petroselinum sativum تصویر ممکن است مربوط باشد به: Poterium sp.	۷۶/ ۳	کرفس الجبلی	اورا به یونانی به معنای کوه و سالیون به معنای کرفس است
بطراسالینون <b>Petroselinon</b>	Carum petroselinum Benth & hook.	Athamanta macedonica Spreng.		کرفس الصخر	بطرا به یونانی به معنای صخره می باشد.
أفوسالینون <b>Hipposelinon</b>	Smyrnium perfoliatum L.	Smyrnium olusatrum Alexanders		کرفس العظیم	یختمس (بربری) أجبرنی
سمرنیون <b>Smurniun</b>	Smyrnium olusatrum L.	Smyrnium dioscoridis	۷۹/ ۳	کرفس بری	
ألفوبشکن <b>Elaphobosko n</b>	Echinops spharocephalus L.	Pastinaca graeca	۸۰/ ۳	رعی الأیل	راعیاذیلا (سریانی)
مارثون <b>Marathon</b>	Foeniculum vulgare Mill.	F.vulgare	۸۱/ ۳	رازیانج البستانی	برهلیا- شمار - شمار
أفومارثن <b>Hippomarathon</b>	Hippomarathrum libanotis Koch.	Prangos ferulacea L.	۸۲/ ۳		به معنای شمار العریض است.
مارثون أغریون				رازیانج بری	
دوکس <b>Daukos</b>	Athamanta L. Peucedanum cervaria L. Seseli ammoides L.	Atcretensis Daucus carota S.ammoides L.			دارای سه نوع است.
<b>Delphinion</b>		Delphinium peregrinum	۸۴/ ۳		
<b>Delphinion Eteron</b>		Delphinium consolida			
فرثرون <b>Purithros</b>	Anacyclus pyrethrum DC.	Anthemis pyrethrum تصویر مربوط به Oenanthe:	۸۶/ ۳		
لیبانوتس <b>Libanotis</b>	Cachrys libnotis Ferula nodiflora L.	C. libnotis F.nodiflora Prenanthes purpurea		کندریات	سه نوع است
سفندولینون <b>Sphondulion</b>	Heracleum spondylium L.	H.spondylium	۹۰/ ۳	کَلخ الدلّبی	نافیغرا (بربری)
نرثکس <b>Narthekos</b>	Ferula communis L.	F.communis	۹۱/ ۳	کَلخ الكبير	نارثکس - شجر القنا
فوقاذن <b>Peukedanon</b>	Peucedanum officinale L.	P. officinale	۹۲/ ۳	آندراسیون	بربطوره (لاتینی) بربطور (مغرب)- جاهینک



نام لاتینی (این ببطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بيطار)	سایر نام ها (از ابن بيطار)
مالیشیون Melanthion	Nigella sativa L.	N.sativa	۹۳/۳	شونیز کَمُون الاسود	شمیت مورس (لاتینی) زربعه السوداء - حبه الاسود
سلفیون Silphion	Ferula assafoetida L.	Ferula tingitana L.		اَنْجِدَان	شجره الحلتیت
صاغابین Sagapenon	Ferula scowitziana DC.	Ferula persica Willd.		سکینج	شاکه بائنه ( نامی لاتینی به معنای خارج کننده باد.)
اُفریون Euphorbion	Euphorbia L.	Euphorbia L.		فریون	تاکوت (بربری) لویانه مغربیه (مصر)
خَلْبَانِی Khalbane	Ferula galbaniflua Boiss. & Bush.	Ferula ferulago L. Selinum galbanum		قنه	خَلْوَانِی (انطابا) بارزَه (فارسی)
اُمونیاکن Ammoniakon	Dorema ammoniacum Don.	Ferula orientalis L. Ferula tingitana L.	۹۸/۳	اَشَق - وَشَق اَشَج - وُشَج	عُنه (لاتینی) لِزاق الذهب
صَرَقوَلَا Sarkokolla	Astragalus sarcocolla L.	Penaea sp.		عزُرروت اَنْزُرروت	سرفقلین (رومی) مُحَل فارسی
Glaukion		Glaucium corniculatum Curt.			
Ixos		Viscum album L.or Loranthus europaeus			
اُفارینی Aparine	Galium aparine L.	G.aparine or Galium verrucosum Sm.	۳ ۱۰۴/	مصفی الرُعاه (اندلس) - حشیشه الافعی	به معنای دوست دارنده صاحب خود بیض العنکبوت
اَلوسن Alusson	Alyssum saxatile L.	Alyssum clypeatum	۳ ۱۰۵/		به معنای مفید برای گریذگی سگ
سقلیباس Asklepias	Asclepias vincetoxicum L.	Cynanchum vincetoxicum Pers.	۳ ۱۰۶/	؟ قَنابری	
اَطَر قَطوَلِس Atraktulis	Carthamus lanatus L.	C.lanatus Atriplex hortensis L.	۳ ۱۰۷/	عَصْفَر البری	مرزجون (لاتینی)
قَلینو فوْذِیون Klinopodion	Clinopodium vulgare L.	C.vulgare L. Melissa clinopodium	۳ ۱۰۹/		به معنای پایه های تخت
فولوقنمن Poluknemon	Zizyphora capitata L.	Mentha arvensis L.	۳ ۱۰۸/	اُمریه و شجیره ومشکرون	شاید تصویر مربوط باشد به: Stachys sp.
لاونطوباطالن Leontopetalon	Leontice leontopetalum L.	Leontice chrysogonum L.	۳ ۱۱۰/	عرطیشا (اسم مشترک)	مهد (ساحل غزه) عسلج (اهل مشرق)
طوْقْرِیوس Teukrion	Teucrium flavum L.	T.flavum or Veronica teucrium	۳ ۱۱۱/ تصویر همانند تهره نمناغ نیست با	کمداریوس التعنمی	یربه اُشیلینی به معنای گیاه طحال است

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
لوقاس الجبلیه Leukas	Lamium maculatum L.	L.maculatum		نوعی خُرّامی	به معنای خیری جبلی است زیرا برگردان لوقاس، خیری است.
خامادریوس Khamaidruos	Teucrium chamaedrys L.	T.chamaedrys	۳ ۱۱۲/	کَمَازِیوس	به معنای بلوطی است زیرا خاما به معنای زمین و درس به معنای بلوط می باشد
لُخْنِیس الاَکْلیله Lukhnis stephanomatik e	Lychnis coronaria Desf.	L.coronaria	۳ ۱۱۴/		
لُخْنِیس اَغْرِیا Lukhnis agria	grostemma githago L.	A.githago	۳ ۱۱۵/	خُرّامی	
قَرینُوصواسینُن Krinonsusino n	Lilium candidum L.	L.candidum	۳ ۱۱۶/	گل سوسن سفید و رازقی	
بَلْوَطی Ballote	Ballota nigra L.	B.nigra Lamium striatum Sib.		نوعی فراسیون سیاه رنگ	مروبه بَنْتوشه (لاتینی)
مالِیْوفُلُن Melissophullon	Melissa officinalis L.	M.officinalis	۳ ۱۱۸/	ریحان الترنجی	بادرنجبویه - باذر تبویه
براسین Prasion	Marrubium vulgare L.	M.vulgare	۳ ۱۱۹/	فَراسیون الابیض مَرَوَبه الابیض سنار	شجره الکلاب (سگ) ها بسیار پای آن بول می کنند. شجره سندیان الارض
سطاخیس Stakhus	Stachys germanica L.	Stachys palaestina L.	۳ ۱۲۰/ نامشده ص	قارَه (اندلس) زیرا نوشتن آن فرد را از خفَقان نجات می دهد.	أُونُقه (لاتینی)
فلیطش Phullitis	Phyllitis scolopendrium L.	Scolopendrium vulgare	۳ ۱۲۱/	ذَنَبُ الحدّاه	اکثرا در دهانه های چاه ها می روید.
فالنجین Phalangion	Phalangion ramosum Lam.	Anthericum graecum L.	۳ ۱۲۳/		به معنای مفید برای نیش رتیل می باشد.
طریفن Triphullon	Psoralea bituminosa L.	P.bituminosa	۳ ۱۲۳/		طریقل (اندلس) - حشیشه الحمی (آفریقا) - حومانه
بلوین Polion	Teucrium polium L.	T.polium	۳ ۱۲۴/	جعده	دونوع سفید و سیاه دارد فولیون (رومی)
أشقرذین Skordion	Teucrium scordium L.	T.scordium	۳ ۱۲۵/	حافظ الأجساد حافظ الأرواح	ثوم (زیرا بوی نیاز می دهد) ثوم بری - مطرقال - حشیشه التومیه (اندلس)

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Robert)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فیخین Bekhion	Tussilago vulgaris L.	Tussilago farfara L.		حشیشہ السعال	دستوربه (اندلس)
أرطاماسیا Artemisia	Artemisia vulgaris L.	A.vulgaris		بلنجاسف برنجاسف	دارای انواعی است .
Artemisia monoklonos		Artemisia campestris	۳ ۱۲۷/		
Artemisia monoklonos Etera		A.vulgaris	۳ ۱۲۷/		
Artemisia leptophullos		Artemisia arborescens			
أمبروسیا Ambrosia	Ambrosia maritima L.	Artemisia campestris	۳ ۱۲۹/	نوعی برنجاسف	
بطرس Botrus	Chenopodium botrys L. Ch. Ambrosioides L.	Chenopodium botrys		نوعی برنجاسف	
غارائین Geranion	Geranium rotundifolium L.	Geranium Tuberosum	۳ ۱۳۱/	تَمار - جابره	نوعی رَقعات
Geranion Eteron		Erodium malachoides Willd.	۳ ۱۳۱/		
غنافلین Gnaphallon	Gnaphalium L.	Santolina maritima	۳ ۱۳۲/	قضبہ	
طیفی Tuphe	Typha latifolia L.	Ty.latifolia Typha angustata L.	۳ ۱۳۳/	نوعی حلفاء	
قرقا Kirkaia	Circaea Tourn.	Cynanchum nigrum Pers.			بنکه (لاتینی)
ألنتی Oinanthe	Spiraea filipendula L.	Pedicularis tuberosa Vill.	۳ ۱۳۵/		
فونیزا Konuz	Inula conyzoides DC.	Inula viscosa Ait.Hor. Inula saxatilis Lam. Inula britannica L.	۳ ۱۳۶/	شجره البراغیث	ترهلا (بربری) - مَشکَبَه (لاتینی) - لبارذَه - طَباق (اندلس)
ایمارو قالس Hemerokallis	Hemerocallis flava L.	Lilium chalcedonicum	۳ ۱۳۷/	موسن اصفر	زنبق (دمشق)
لوقاین Leukoion	Cheiranthus flava L.	Cheiranthus cheiri Matthiola incana	۳ ۱۳۸/	خیری منشور	سه نوع است
Leukoion Thalassion		Cheiranthus tricuspidatus L.	۳ ۱۳۸/		
قراطاوغونون Krataiogonon	Polygonum persicaria L.	P.persicaria Polygonum hydropiper	۳ ۱۳۹/	حطه البریه ؟	
فیلون Phullon	Mercurialis annua L.	M.annua	۳ ۱۴۰/	تافورا ؟	
أرخص Orkhis	Orchis morio L.	Orchis rubra Jacq. Orchis papilionacea		خُصی الکلب	قاتل اخیه (لیرا) ریشه آن دو تائی بوده یکی پر از مِوَد و دیگری چروکیده می باشد ولی پس از گذشت زمانی مرفعت آن ها عوض می شود

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
أرخس آخر Orkhis heteros	Orchis undulatifolia L.	Ophrys apifera ?		نوعی خاصی الکلب	سارافقیاس (این اسم از نام خدائی از قبسط مشتق شده است و به معنای بسیار پسر منفعت می باشد)
ساطوریون Saturion	Orchis anthropophora L.	Ophrys sp.		خُصی الثَّعْلَب	دارای دو نوع است.
أرمنین Horminon	Salvia horminum L.	Sa.horminum	۳ ۱۴۵/ ص	حب القُلُقُل فلقال - قُلُقُلَى	قوشون (جالینوس) فلقال - قُلُقُلَى
أیدبصارون Hedusaron	Hedysarum L.	Securigera coronilla DC.			به معنای فأسی یعنی بزر آن دارای دو سر تیز چون فأس می باشد. فلاقینس (به معنای زیان)
أنوما Onosma	Onosma echinoides L.	Onosma sp.	۳ ۱۴۷/ ص	خَس الحمار	رَجَل الحَمَامَه (اندلس) انوسما (جالینوس)
نیمفا Numphaia	Nymphaea alba L.	N.alba	۳ ۱۴۸/ ص	عروس الماء قاتل النحل	لینوفر - نوفر
Numphaia Alle		Nuphar luteum Sibth			
أندرساقاس Androsakes	Androsace lactea L.			ملاح ( به خاطر شباهت آن به رنگ نمک نه طعم آن به این نام مشهور است )	از انواع حمض - كشْمَلَح - كُشْمَلَحَه
أسفلیئس Asplenos	Scolopendrium vulgare Sw.	Gymnogramma ceterach (L.) Spre.		السقُولوفَنْدَرِیُون عَقْرَبَان	حشیشة الدَّوْدِیَّة و حشیشة الذَّهَبِیَّة (اندلس)
ایمونیطس Hemionitis	Hemionitis L.	Scolopendrium hemionitis L.		ایمونیطس ؟	
أنتُلِیس Anthullis	Cressa cretica L. Ebenus cretica L.	C.cretica Ajuga iva		؟	
آنثمیس Anthemis	Anthemis nobilis L.	Anthemis chia L.		بابونج - بابونج بابونک - بابونه	خَمَامِلَین (یونانی) (به) معنای تَفْاح الارض است) مَسْتَالَه (لاتینی) (به) معنای سیب می باشد زیرا بونی شبیه به بوی سیب دارد.)

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ایراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
<b>Anthemis Porphuranthes</b>		Anthemis rosea Sibth.			
<b>Anthemis Melananthes</b>		Anthemis tinctoria L.			
فَرثانیون <b>Parthenion</b>	chrysanthemum parthenium Pers.	Pyrethrum parthenium	۳ ۱۵۵/	اَقْحوان	
بَقْثَلْمَن <b>Buphthalmion</b>	Anthemis arvensis L.	Anthemis valentina L.	۳ ۱۵۶/	بهار - عین البَقَر (برگردان نام لاتینی)	نوعی بابونج - امثال (بربری) - بیلیو (لاتینی)
غلیقسیدی <b>Glukuside Paionia Arren</b>	Paeonia corallina L.	P. corallina		فاوینا عود الصلیب	کهنایا - ورد الحمیر (اندلس) اسم مشترک دارای دو نوع نر و ماده است.
<b>Paionia Theleia</b>		Paeonia officinalis			
لِیْثَسْفَرْمَن <b>Lithospermon</b>	Lithosoermum officinale L.	L.officinale تصویر مربوط به: Lathyrus aphaca Tourn. & L.	۳ ۱۵۸/	قَلْب (زیرا بسیار سخت و سفید است)	به معنای بزر الحجری است. شَقْفَرَاغْثَه (لاتینی) برگردان عربی آن: کاسر الحجر یا مَشْطِیَه
فالریس <b>Phaleris</b>	Phalaris tuberosa L.	Phalaris canariensis Nutt.	۳ ۱۵۹/	؟	فالیورُس (جالیئوس)
اَرُثْرَدَانُون <b>Eruthrodanon</b>	Rubia tinctorium L.	R.tinctorium	۳ ۱۶۰/	قَوَه الصَّبِغ	ثاروبیا (بربری)
لَنْخِیْطُس <b>Lonkhitis</b>	Serapias lingua L.	S.lingua.			
لَنْخِیْطُس آخر <b>Lonkhitis hetera</b>	Aspidium lonchitis L.	A.lonchitis	۳ ۱۶۲/	رَقْعَه الصَخْرِیَه (اندلس)	
اَلْثَاِیَا <b>Althaia</b>	Althaea officinalis L.	A.officinalis	۳ ۱۶۳/	خطمی ملوخیا الشجر	ورد الزوانی
اَلْثَاِیَا آخر <b>Alkea</b>	Althaea rosea Cau.	Malva alcea L.		خطمی البری	شَحْم المَرْج
قَنَابِش <b>Kannabis</b>	Cannabis sativa L.var. indica	Cannabis sativa	۳ ۱۶۵/	قُنْب - شَهْدَانِج	شادانق
قَنَابِش اَغْرِیون <b>Kannabis agria</b>	Althaea cannabina L.	A.cannabina	۳ ۱۶۶/	قُنْب البری شهدانج البری	قَنَبِیَه (مصغر قُنْب)
اَنَاغُرُون <b>Anaguros</b>	Anagyris foetida L.	A.foetida	۳ ۱۶۷/	اُم کَلْب	میوه: خَرْتُوب الکَلْب (اسم مشترک) حَبَّ الکَلْبی
کِیَا <b>Kepaia</b>	Sedum cepaea L.	S.cepaea		جوز القَطَا (اندلس)	شجر حب الاسیر (ابن حسان)

نام لاتینی (ابن بطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بطار)	سایر نام ها (از ابن بطار)
آلیسما <b>Alisma</b>	<i>Alisma plantaga L.</i>	<i>A. plantaga</i>	۳ ۱۶۹/	مزمار الراعی	دماسونیون (جالینوس) سنبل الملوک-أذن الأرتب
أنوبراخیس <b>Onobrukhis</b>	<i>Onobrychis viciaefolia Scop.</i>	<i>Vicia onobrachioides Sanfoin</i>	۳ ۱۷۰/ مشکوی	عنب الحبه (برگردان آن به عربی)	
أوفاریقون <b>Huperikon</b>	<i>Hypericum barbatum L.</i>	<i>H. barbatum Hypericum crispium L.</i>	۳ ۱۷۱/	هیوفاریقون ذاذی الرومی دارای چهار نوع	یزبه قرنجیره ) اندلس(به معنای عشبه القلب است یعنی دارای دانه ای قلبی شکل است . - منسبه
أسقیرن <b>Askuron</b>	<i>Hypericum perforatum L.</i>	<i>H. perforatum L.</i>		نوع دوم هوفاریقون	
آندروسایمون <b>Androsaimon</b>	<i>Hypericum ciliatum L.</i>	<i>H. ciliatum</i>		نوع سوم هوفاریقون	بزرگترین نوع آن
قورس <b>Koris</b>	<i>Hypericum coris L.</i>	<i>H. coris</i>		نوع چهارم هوفاریقون	آندروساقاس (جالینوس)
خامایپتس <b>Khamaipitus</b>	<i>Ajuga chamaepitys L.</i>	<i>A. chamaepitys</i>		صنوبر الارض (برگردان آن به عربی)	دارای سه نوع است . صنوبری - اکلیلی - فرفری - کمافیطوس
<b>Khamaipitus Etera</b>		<i>Aiuga chamaepitys</i>			
<b>Khamaipitus Trite</b>		<i>Passeina hirsuta L.</i>			
کسرتون <b>Kestron</b>	<i>Stachys betonica Benth.</i>	<i>Betonica alopecuos Ros.</i>	۱/ ۴ نامشخص ص		
برطانیکی <b>Brettanike</b>	<i>Rumex brettanica L.</i>	<i>Lythrum salicaria L.</i>		خماض حسکی	گفته شده بستان افروز است.
لوسیماکهیوس <b>Lusimakheios</b>	<i>Lysimachia vulgaris L.</i>	<i>L. vulgaris</i>	۳/ ۴	عود الريح (اسم مشترک)(اندلس)	قصب الذهبی (اندلس) خوخ الماء - خویخته قصب الريح (اسم مشترک) (اندلس)
بلوغون <b>Polugonon arren</b>	<i>Polygonum aviculare L.</i>	<i>P. aviculare</i>	۴/ ۴	عصا الراعی	به معنای ذکر(نر) است. شبیطاط - خطری دعیا بطیطاط (سریانی)
بلوغان <b>Polugonon thelu</b>	<i>Equisetum pallidum L.</i>	<i>Hippuris vulgaris</i>		نوع دوم عصا الراعی	

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فلوغوناطن Polugonaton	Polygonatum officinale L.	Convallaria polygonatum	۶/ ۴	؟	غُودِیَالَه (لاتینی)
قلیماطیس Klematis	Vinca minor L.	V.minor	۷/ ۴	نوع بزرگ عصا الرأعی	قَضَاب (مصر)
فولامونیون Polemonion	Polemonium caruleum L.	Polemonium coeruleum	۸/ ۴	؟	
سمفوتُن بطراوُن Sumphuton Petraion	Symphytum petraeum	Symphytum sp.		شاغَه الصخریه (اندلس)	
سمفوتُن آخر	Symphytum bulbosum Sch.	Symphytum sp.		شاغَه البستانی	شَبِیْطَه (لاتینی)
اُولُکْطِیون Holosteon	Holosteum umbellatum L.	Holosteum sp.		جامع البضع (برگردان آن به عربی)	
سَطوِی Stoibe	Poterium spinosum L.	P.spinosum	۱۲/ ۴	؟ شجره اللاذن	
فارقلومائن Periklumenon	Leonicera periclymenon L.	Convolvulus arvensis L.	۱۴/ ۴	صَریمَه الجدی	نوع دوم قُفْلَامِیْنوس .
قُلومائن Klumenon	Leonicera periclymenon L.	Convolvulus sepium L.	۱۳/ ۴	أَطْفَار القَط	اَوْنِیَاغَاتَه (لاتینی)
طرویلش Tribolos	Tribulus terrestris L.	T.terrestris	۱۵/ ۴	حسک - شکومج	اَبْرُوذِیَا (رومی) غاله جاقه (لاتینی) حَمَصُ الامیر(مغرب)
لیمونیون Leimonion	Statice limonium L.	S.limonium	۱۶/ ۴	سَبْخِی (برگردان آن به عربی)	نوع ششم حماض طویل الورق و عسالیج ، سلق الماء
لاغوبن Lagopun	Trifolium arvense L.	T.arvense	۱۷/ ۴	اَرْبِی (برگردان نام لاتینی)	
میدیون Medion	Campanula lacinata L.	Astragalus sesameus L.	۱۸/ ۴	دَبَب ایل	
اَپِمدِیون Epimedium	Epimedium alpinum L.	E.alpinum	۱۹/ ۴	؟	
کسیفون Xiphion	Gladiolus communis L.	G.communis	۲۰/ ۴	سوسن بری سیف القُراب	سیف القُراب - دورحولی - ففسفاتیو
سفرغانیون Sparganion	Sparganium ramosum Huds.	S.ramosum	۲۱/ ۴	نوعی سوسن بری	سَقَارطَاغَانِیون (جالینوس)
اُکْسورس Xuris	Iris foeditissima L.	I.foeditissima	۲۲/ ۴	نوعی سوسن	
اَنکُسا Ankhusa	Alkanna tinctoria Tausch. chium diffusum L. Lithospermum fruticosum L.	Anchusa tinctoria L. Echium creticum L. L.fruticosum	۲۳/ ۴ ۲۴/ ۴ ۲۵/ ۴	خَس الحمار شَنجَار - حمیرا رِجْل الحمامه	اَنخوسا - اَبوحلسا خَنَاء الغولَه (مصر) دارای سه نوع است .

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
لوقبوسوس Lukapsos	Echium italicum L.	E.italicum	۳۶/ ۴	از جنس شنجار	
اخیون Ekhion	Echium rurum L.	Echium vulgare	۳۷/ ۴	ذکر الافعی	(به خاطر اینکه دارای میوه ای در رأس است که به شکل سر افعی می باشد.)
اُقیمیداس Okimoeides	Silene gallica L.	Cerastium aquaticum ?	۳۸/ ۴	کسیه (برای نیش عقرب مفید است.)	
اُغرسطس Agrostis	Agropyrum repens Beauv.	Cynodon dactylon	۳۰/ ۴	نجم - ثیل عُکُرش	آفار (بربری) - نَجیل و نجیر (لاتینی)
Agrostis en Parnasso		Parnassia palustris L.			
قالامُغرسطس Kalamagrostis	Dactylis repens L.	Cynosurus aegyptiaca L.	۳۱/ ۴	ثیل القصبی برگردان نام یونانی	
سُندریطس Sinderitis	Stachys recta L.	Sideritis remota Urv.	۳۳/ ۴		غاله قرشته (لاتینی)
سُندریطس آخر Alle sinderitis	Potenrium sanguisorba L.	Sanguisorba Officinalis		نوت الثعلب	توبته
سُندریطس آخر Hetera sinderitis	Scrophularia chrysanthemifolia L.	Scrophularia lucida L.		کُزبره الثعلب	
اُخیلوس Akhilleeios	Achillea tomentosa L.	Achillea sp.	۳۶/ ۴		به معنی مفید برای اخیلوس (غرب) است.
Batos		Rubus fruticosus L. Rubus ulmifolius Sco.			
Batos Idaia		Rubus idaeus L.			
Elxine kussampelos		Convolvulus arvensis Digitalis aegyptiaca	۳۹/ ۴		
الاطینی Elatine	Linaria elatine Mill.	Linaria spuria Mill.	۴۰/ ۴	لَبَلاب المَجوسی لَبَلاب الاحرش	سراویل الکُکَه - شجیمه
اُوباطُوریوس Eupatorios	Agrimonia eupatoria L.	Eupatorium cannabinum	۴۱/ ۴	غافَت الشاهدانجی	
بُطانُلن Pentaphullon	Potentilla reptens L.	P.reptens	۴۲/ ۴	دوخمسه اوراق کف مریم (اندلس)(نام مشترک)	بُطاطومُن (به معنای تقسیم شده به پنج قسم است.) - بُطایبُوس (به معنای دارای پنج بال است.) بُطادُفُطولُن (به معنای پنج انگشت است.)



نام لاتینی (این بيطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth از)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بيطار)	سایر نام ها (از ابن بيطار)
فونفس Phoineix	Avena fatua L. Lolium perenne L.	Hordeum murinum L.	۴۳/ ۴	بهمی	از احرار البقول — بهماء (یک گیاه بهمی )
آذاریذا Idaia rhiza	Uvularia amplexifolia L.			آنچبار	الثابت فی ایذا (برگردان نام یونانی) (ایذا شهری در روم) ... در کناره های نهر ها می روید.
روذباریذا Rhodia rhiza	Sedum roseum Scop.	S.roseum	۴۵/ ۴	؟	به معنای دارای بوی گل سرخ
افورس Hippuris	Equisetum arvense L.	Equisetum sylvaticum Equisetum fluviatile	۴۶/ ۴	دَنب الحَیَل	(برگردان نام یونانی)
Hippuris Etera		Equisetum arvense L. Equisetum limosum	۴۷/ ۴		
قیفس بافیکی Kokkos baphike	Quercus coccifera L.	Q.coccifera		شجره القرمز	قرمز (جالیئوس) در شهرهای اندلس می روید.
طراغین Tragion	Hypericum hircinum L.	H.hircinum		تیشی (برگردان نام یونانی)	نوعی درخت مصطکی
طراغین آخر Tragion	Ephedra distachya L.		۵۱/ ۴	؟	
طراغین آخر Tragion allo	Tragium colomnae Spreng.	Tragium columnae	۵۰/ ۴		گیاه آن در جزیره اقربطش است.
سُخُونس لیا Skhoinu heleias	Juncus arabicus Post.	Juncus acutus		سمار - دیس أسل	انواع سمار را شامل می شود.
لیخن Leikhen ho epi ton petron	Usnea barbata var. florida			حزاز الصخر	أُرْجِیلَه (اندلس)
فارنوخیا Paronukhia	Paronychia serpyllifolia D.C.	Illecebrum Paronychia	۵۴/ ۴		برگردان عربی آن : النافع من الداحس
خروسوقومی Khrusokome	Chrysocoma L.	Chrysocoma linosyris	۵۵/ ۴		برگردان عربی آن : راس الذهب - نوعی از بابونه جبلی
Chrusogonon		Leontice leontopetalum L.	۵۶/ ۴		
ألخِرسون Helikhruson	Helichrysum sp. ?	Helichrysum siculum (Spr.) Boiss.	۵۷/ ۴		برگردان عربی آن: مذهب — امارتُن (جالیئوس) شاید نوعی قيصوم باشد
Chrusanthemo n		Chrysanthemum cornarium	۵۸/ ۴		
أغیراطن Ageraton	Achillea ageratum L.	Achillea viscosa Lam.	۵۹/ ۴	نوعی اقحوان	به معنای الذی لا یتشنج زهره

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فارسطاریون Peristerion	Verbena officinalis L.		۶۰/ ۴	رعی الحمام	به معنای حمامی است قَلْبَارِش (نامی لاتینی به معنای حمامی)
Peristereon Uptios or Ierobotane		Verbena supina L. Vervain	۶۱/ ۴		
Peristereon Orthos		Verbena sp.	۶۰/ ۴		
آیارابوطانی Hiera botane	Verbena sapina L.		۶۱/ ۴	مکرمه - مقدسه	یربانه (لاتینی) نوعی رعی الحمام
أسطرغالوس Astragalos	Astragalus Tourn.	Astragalus baeticus L.	۶۲/ ۴	کعب الخنزیر (برگردان عربی آن).	مَحَلَّب المقاب الابيض (اندلس) - برطیره (لاتینی)
أواقشس Huakinthos	Hyacinthus orientalis	Scilla bifolia L.	۶۳/ ۴	حافر البغل قسطل الارض	بَلْبُوسی (برگردان عربی آن).
میثَن رُواس Mekon rhois	Papaver rhoeas L.	P.rhoeas	۶۴/ ۴	خشخاش سائل (برگردان عربی آن)	وجه تسمیه : به مرعت گل آن می ریزد در کشتزارها می روید.
میثَن Mekon	Papaver somniferum L.	P. somniferum.	۶۵/ ۴	خشخاش سفید	خشخاش سیاه و افیون نیز با این نام می آید
قاراطیطس Mekon keratitis	Glaucium corniculatum Curt .	Glaucium luteum Scop.	۶۶/ ۴	خشخاش المقرن (زیرا غلاف بزرگی چون لوبیا دارد).	خشخاش الساحلی (زیرا غالباً در سواحل می روید). خشخاش البری
میثَن أَفْرُودِس Mekon aphrodes	Silene inflata Sm.	S.inflata	۶۷/ ۴	خشخاش الزیدی (برگردان عربی آن).	وجه تسمیه : بسیار سفید چون زرد
أفیقون Hupekoon	Hypericum procumbens L.	H.procumbens L.	۶۸/ ۴	نوعی جلبان بی	مخدر ومنوم است . الوبيقواون (جالینوس)
أیسقوامس Huoskuamos	Hyoscyamus sp.			بَنَج - میکران (اندلس)	مَلْمُنْدَر - بیضمون
Huoskuamos Melas		Hyoscyamus niger L.			
Huoskuamos Leukos		Hyoscyamus albus L.			
Huoskuamos Meloides		Hyoscyamus aureus L.			
نُسلِیون Psullion	Plantago psyllium L.	P.psyllium.	۷۰/ ۴	بزرقطنونا أسقیس	برغوث (برگردان عربی آن)

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
سطروخن البستانی Strukhnon kepaion	Solanum nigrum L.	S.nigrum	۷۱/ ۴	عنب الثعلب قنا ثلثان - ثلثان	زَرَّانٌ وُتِج (فارسی) - روزَبَارَج - اسطرخلو (رومی) - اُوبه قَینه (لاتینی)
سطروخن البستانی Strukhnon kepaion	Physalis alkekengi L.	P.alkekengi	۷۲/ ۴	کاکَچ عَب (مصر)	حَب اللُّهُو (لاتینی) - البِقَاقِلین (رومی) - عنب اثمَلب
سطروخن المنوم Strukhnon hupnotikon	Physalis somnifera L.	P.somnifera	۷۳/ ۴	نوعی کاکنج	
سطروخن المَجَن Strukhnon manikon	Solanum sodomum L.	Datura stramonium		جَنَاج الرِعاَه	از انواع کاکنج
دُرُوقِنِون Doruknion	Dorycnium L.		۷۵/ ۴		
مَندِراغورَس Mandragoras	Mandragora officinarum L.	Atropa Mandragora L. Mandrake		بِیروح - سَابِیزک شَابِیزج - تَفَاح الجن	مِیوه : تَفَاح - أرجلیطه (لاتینی) - تاریال (بربری) عروسه
أقونیطن Akoniton	Aconitum nepellus L.	Doronicum pardalianches	۷۷/ ۴	قاتل الثَّمر	نبال (اندلس)
Akoniton Eteron		Aconitum lyconitum Aconitum napellus	۷۸/ ۴		
قونیون Koneion	Conium masculatum L.	C. masculatum	۷۹/ ۴	شوکران	جقوطة (لاتینی) حرمل البلدی (آفریقا)
سمیلَس Smilax	Taxus baccata L.	Quercus ilex L.		عَب الکلاب (برگردان عربی آن)	
أفوقونُن Apokunon	Apocynum erectum Vell.	Cynanche erectum L.	۸۱/ ۴	قاتل الذئب	عَب الکلاب (برگردان عربی آن)
نیریون Nerion	Nerium oleander L.	N.oleander	۸۲/ ۴	ذِفلی - خَزَهَرَج حبن	سم الحمار (برگرفته از لغت فارسی)
Muketes		Fungi sp.			
قَلخِیَن Kolkhikon	Colchicum automnale L.	C.automnale		سورَنجَان فَرَج الارض قَلَب الارض	نام گل: اصابع هرمس و شَنبِلِذ - قَشْتَنبِوله (نام لاتینی به معنای قسطله کوچک - عَکَنه (مصر)
قوطلیدون Kotuledon	Cotyledon lusitanicus Lam.			آذان القَیسِیس - زَلانف الملوک کاس - مصافق	دو نوع است ، به نوع دیگر آن در مصر اَذَنه رونیده درشکافها و سقفها و کوه ها

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
أفیمارون Ephemerom	Convallaria rusticellata L.	Colchicum parnassicum Sart.	۸۵/ ۴	نوعی از سوسن بری	أشبطانه (لاتینی)
ألفسینی Helxine	Parietaria cretica L.	Parietaria sp.	۸۶/ ۴	حشیشة الزجاج (زیرا آینه را جلا می دهد.)	
ألسینی Alsine	Parietaria cretica L.	P.cretica		آذان الفار	روئیده در باغ ها
فانوس Phakos	Lemna minor L.	Lemna sp.	۸۸/ ۴	عدس الماء	
أیزون الكبير Aeizoon mega	Sempervivum arboreum L.	S.arboreum	۸۹/ ۴	حی العالم الكبير	به معنای همیشه زنده
أیزون الصغير Aeizoon to mikron	Sedum acre L.	Sedum ochroleucum Vill.	۹۰/ ۴	حی العالم الصغير عنب السقف (آفریقا) *	أبیله دلباطه (لاتینی) بزازیل القطه (آفریقا) *
أیزون الصغير Aeizoon to leptophullon	Sedum telephium L.	Sedum stellatum L.	۹۱/ ۴	نوع سوم حی العالم	
Kotuledon		Cotyledon umbelicus	۹۲/ ۴		
Kotuledon Eteron		Cotyledon serrata	۹۳/ ۴		
أفالیفی Akalephe	Urtica pillulifera L.	U.pillulifera Urtica urens	۹۴/ ۴	قُرْبَص - آتجره	خزوق (مغرب) - بنات النار دارای دو نوع است.
غالبیس Galeopsis	Lamium purpureum L.	Scrophularia peregrina L.	۹۵/ ۴	شجره الکلب	مستننه (مصر) - جملج (لاتینی)
غالیون Galion	Galium verum L.	G.verum	۹۶/ ۴		لختیروآله (لاتینی) موجب بسته شدن شیر می شود.
Erigeron		Sencio vulgaris L.	۹۷/ ۴		
ثالیطرن Thaliatron	Thalictrum flavum L.	Thalictrum minus L.		کُزْبَره حبشه	
برون (تالاسیون) Bruon thalassion	Corallina officinalis L.	Uva lactuca	۹۹/ ۴	طحلب البحرى	دارای انواع مختلف است
فوقس البحرى Phukos thalassion	Gnaphalium leontopodium L.	Fucoidearum sp. Variae. Posidonia or laminaria		نوعی طحلب	
بو طوماغیطن Potamogeiton	Potamogeton natans L.	P.natans		جار الانهار	
سطر اطيوطس Stratiotes	Pistia stratiotes L.	Stratites aloides	۴ ۱۰۲/ ۴ ۱۰۳/	فارس الماء (برگردان عربی آن)	

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth از)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فلومس Phlomos	Verbascum sp.	Verbascum sp. Verbascum sinuatum Desc.	۴ ۱۰۴/	بوصیر	
Phlomos Leuke Theleia		Verbascum thapsus L.			
Phlomos Leuke Arren		Verbascum plicatum Sibth.			
Phlomos Leuke Melaina		Verbascum nigrum L.			
Aithiopsis		Salvia aethiopis			
أرقطیون Arktion	Arctium tomentosum Shkuhr.	Conyza candida	۴ ۱۰۶/		گفته شده نزد عرب به حریران (بدون نقطه در محل با) مشهور است
أرقطیون آخر Arktion	Arctium lappa L.				دارای دو نوع بری و پستانی است.
Kutisos		Laburnum vulgare	۴ ۱۱۳/		
لوطوس أغریوس Lotos agrios	Lotus sp. ?			حباقا	لوتوسی که در مصر است به نام پشین می باشد.
لوطوس الذی یکون بمصر Lotos ho en Aigupto	Nymphaea lotus L. Nymphaea coerulea L.	Nymphaea stellata Wild.	۴ ۱۱۴/	پشین (مصر)	دو نوع است .
Murris		Myrrhis odorata Scop.			
Muagros		Camelina sativa Cran.			
Onagrra		Oenothera biennis L.			
Kirsion		Cirsium tenuiflorum			
Aster astikos		Aster amellus	۴ ۱۲۰/		
Isopuron		Corydalis claviculata (L.) DC.	۴ ۱۲۱/		
Ion		Viola odorata	۴ ۱۲۲/		
Kakalia		Inula candida Cass.			
Bounion		Pimpinella dissecta Pollini	۴ ۱۲۴/		
Pseudobounion		Pimpinella dioica L.	۴ ۱۲۵/		
Bouglosson		Anchusa paniculata Aiton.	۴ ۱۲۸/		
Kunoglosson		Cynoglossum officinale L.	۴ ۱۲۹/		

نام لاتینی (این بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth از)	شماره تصویر	نام عربی (از این بیطار)	سایر نام ها (از این بیطار)
<b>Phuteuma</b>		Silene sp.	۴ ۱۳۰/		
<b>Leontopodion</b>		Micropus erectus L.			
<b>Ippoglosson</b>		Ruscus hypoglossum			
<b>Adianton</b>		Adiantum capillusveneris Asplenium trichomanes L.	۳ ۱۳۶/		
<b>Trichomanes</b>		Asplenium trichmanes L.			
<b>Xanthion</b>		Xanthium strumarium	۴ ۱۳۸/		
<b>Agilops</b>		Aegilops ovata L.	۴ ۱۳۹/		
<b>Bromos</b>		Avena fatua Avena sativa	۴ ۱۴۰/		
<b>Glaux</b>		Astragalus glaux L.			
<b>Polugalus</b>		Astragalus sp.	۴ ۱۴۲/		
<b>Osuros</b>		Osyris alba			
<b>Smilax tracheia</b>		Smilax aspera	۴ ۱۴۴/		
<b>Smilax leia</b>		Convolvulus sepium L.	۴ ۱۴۵/		
<b>Mursine agria</b>		Ruscus aculeatus			
<b>Daphne alexandrina</b>		Ruscus hypophyllum	۴ ۱۴۷/		
<b>Daphnoides</b>		Daphne mezeron			
<b>Elleboros</b>		Veratrum album	۴ ۱۵۰/		
<b>Elleboros Melas</b>		Helleborus officinalis Salis.	۴ ۱۵۱/		
<b>Sesamoeides</b>		Helleborus cyclophyllus Boiss.			
<b>Sesamoeides Mikron</b>		Reseda canescens L.	۴ ۱۵۳/		
<b>Sikus agrios</b>		Momordica elaterium	۴ ۱۵۴/		
<b>Elaterion</b>		Momordica elaterium			
<b>Staphisagria</b>		Delphinium staphisagia			
<b>Thapsia</b>		Thapsia garganica	۴ ۱۵۶/		
<b>Spartion</b>		Spartium juncum	۴ ۱۵۸/		
<b>Silubon</b>		Silybum marianum Gaer.	۴ ۱۵۹/		

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth j)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
Narkisson		Narcissus poeticus			
Ippophaes		Hippophae rhamnoides L.	۴ ۱۶۲/		
Kroton ekiki		Ricinus communis	۴ ۱۶۴/		
Tithumalos Charachias		Euphorbia characias L.	۴ ۱۶۵/		
Tithumalos Kuparissios		Euphorbia aleppica L.	۴ ۱۶۵/		
Tithumalos Mursinites		Euphorbia myrsinites L.	۴ ۱۶۵/		
Tithumalos Elioskopios		Euphorbia helioscopia L.	۴ ۱۶۵/		
Tithumalos Paralios		Euphorbia paralias L.	۴ ۱۶۵/		
Tithumalos Dendrites		Euphorbia dendroidea L.	۱۶/۴ ۵		
Tithumalos Platuphullos		Euphorbia pilosa L.	۴ ۱۶۵/		
Pituousa		Pinus halepensis	۴ ۱۶۶/		
Lathuros		Euphorbia lathyris L.	۴ ۱۶۷/		
Peplos		Euphorbia falcata L.			
Peplion		Euphorbia peplis L.	۴ ۱۶۹/		
Chamaisuke		Euphorbia chamaesyce L.	۴ ۱۷۰/		
Skammonia		Convolvulus farinosus Convolvulus scammonia	۴ ۱۷۱/		
Chamelaia					
Chamaiaakte		Sambucus ebulus L.	۴ ۱۷۵/		
Apios		Euphorbia apios L.			
Kolokunthis		Cucumis colocynthis L.	۴ ۱۷۸		
Epithumon		Cuscuta epithymum Mur.	۴ ۱۷۹/		
Empetron		Sedum anopetalum DC.			
Clematitis		Clematis cirhosa			
Ampelos Leuke			۴ ۱۸۴/		
Ampelos Melaina		Tamus communis L.	۴ ۱۸۵/		
مریافلن Muriphullon	Myriophyllum spicatum L.	Achillea millefolium L.	۴ ۱۱۵/		به معنای هزار برگ

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
خامالوقی <b>Khamaipeuke</b>	Stachelina chamepeuce L. Serratula chamepeuce L.			عینون	تاسلفا (بربری) - شرباتش (لاتینی)
آنطیرین <b>Antirrinon</b>	Antirrhinum majus L.	Antirrhinum orontium	۴ ۱۳۳/	آنف العجل	شحم الطعام
طریفولیون <b>Tripolion</b>	Asterattikos tripolium L.	A.tripolium	۴ ۱۳۵/	ترید	
قمیص <b>Kemos</b>	Leontopodium de Dioscorides			آنف العجل	
خامادافنی <b>Khamaidaphne</b>	Ruscus racemosus L.	Ruscus hypophyllum	۴ ۱۴۹/	رند اراضی برگردان عربی	
أبو فسطن <b>Hippophaiston</b>	Circium stellatum L. Euphorbia spinosa L.	C.stellatum	۴ ۱۶۳/	نوعی غاسول	
ثومالا <b>Thumelaia</b>	Daphne cnidium L.	D.cnidium	۴ ۱۷۳/	مثنان	أصطن - أزاز - أرزام
أقطی <b>Akte</b>	Sambucus nigra L.	S. nigra	۴ ۱۷۴/	عود الکلب	شجرالخابور
أنبالس مالیا <b>Ampelos melaina</b>	Tamus communis L.			کرم الاسود	فاشرمثنین و بوطانیه (اندلس) تیمون (مغرب)
بطارس <b>Pteris</b>	Dryopteris filix mas L.	Aspidium aculeatum Nephrodium	۴ ۱۸۶/	کیلدارو (فارسی)	قلجه (لاتینی)
<b>Thelupteris</b>		Pteris aquilina	۴ ۱۸۷/		
بولوبودیون <b>Polupodion</b>	Polypodium vulgare L.	P.vulgare Ceterach	۴ ۱۸۸/	تصویر از:	به معنای دارای پای زیاد است.
دروبطارس <b>Druopteris</b>	Aspelenium adianthum nigrum L.	A. adianthum nigrum	۴ ۱۸۹/	سرخس البلوط	به معنای بلوطی است (روئیده بر بلوط)
<b>Knikos</b>		Cincus sp. or carthamus tinctorius	۴ ۱۹۰/		
لینوزسطیس <b>Linozostis</b>	Mercurialis annua L.	M.annua	۴ ۱۹۱/	عصا هرمس	یره نقیشه (لاتینی) - حریق الاملس
<b>Kunokrambe</b>		Thelygonum cynocrambe L.	۴ ۱۹۲/		
أیلوطرویون طومقرون <b>Heliotropion to mikron</b>	Coroton tinctorium L.	Heliotropium villosum	۴ ۱۹۴/	تنوم	حشیشه لیواقی - یربه شلدیره (نام لاتینی به معنای عشبه اللحم)
أیلوطرویون طوماغا <b>Heliotropion to mega</b>	Heliotropium europaeum L.	H.europaeum	۴ ۱۹۳/	حشیشه العقرب	به معنای آفتاب گردان است . طونه شولی (اندلس)
<b>Skorpioides</b>		Calendula officinalis	۴ ۱۹۵/		





## ضمیمه (۱)

### فهرست نام‌های کهن گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا

در کتاب‌های:

- مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری)
- اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری)
- حدیقه غسانی (قرن دهم هجری)
- جامع ابن یطار (قرن هفتم هجری)
- تفسیر کتاب دیسقوریدس (قرن هفتم میلادی)
- عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری)
- صیدنه (قرن پنجم هجری)
- الابنیه (قرن چهارم هجری)
- الحاوی (قرن سوم هجری)

## فهرست نام‌های کهن گیاهان دارویی به ترتیب حروف الفبا

حرف «الف»		
آذریونه، ۳۵	آلوجبلی، ۵۱	اَبَّالَّة، ۶۰
آرغیس، ۳۵، ۶۱	آلوجه، ۵۱	ابانس، ۳۳
آرمیس، ۴۵	آلوچه، ۴۱	ابانون، ۳۳
آزاددرخت، ۳۵	آلوچه سلطانی، ۴۱، ۴۲	اباء، ۷۵
آزادِرخت، ۳۵	آلوسن، ۲۸۰	ابجه، ۳۷
آزاد سوسن، ۱۸۰	آلوکشته بتر، ۵۱	اِبِجَه، ۲۵۲
آزَرغنت، ۶۱	آلوی زرد بخارانی، ۴۱	ابراز، ۶۱
آزَر (فاس)، ۵۹	آلوی سیاه، ۴۱	ابراوی، ۱۰۰
آزرد، ۲۹۱	آله، ۱۵۳	ابریون، ۵۵، ۲۲۴
آس، ۳۱، ۳۵، ۱۵۹	آله قَبْرَونه، ۶۵	ابردیون، ۵۲
آسا، ۳۱، ۳۵	آله دِبقتر، ۱۵۷	ابرسناروا، ۱۰۷
آس البری، ۲۴۹	آلی باقلی (شیرازی)، ۲۳۴	ابرفیون، ۵۵
آس البستانی، ۳۶	آلی بالی، ۲۳۴	ابرقان، ۸۱
آسای، ۳۱، ۳۵	آلیلی، ۱۴۵	ابرقطس، ۱۲۳
آس بری، ۳۶، ۲۸۳	آمارقون، ۵۸	ابرقلیون، ۱۰۰
آس بری (اندلس)، ۱۴۰	آمزقور، ۱۵۰	ابرقیا، ۴۸
آس بستانی، ۱۵۹	آمله، ۶۲	ابرقینون، ۱۰۰
آست، ۲۶۶	آمله، ۶۲	ابرنا (اندلس)، ۴۹
آس نبطی، ۳۶	آمی، ۲۸۹	ابرنج، ۷۷
آشک بردین، ۶۱	آنیس النفس، ۳۷	ابر نجمشک، ۲۲۵
آطرس، ۱۶۰	آنقَتهَا، ۹۱	ابرو، ۸۹
آطریلال، ۳۶، ۱۱۸، ۱۵۵	آویشن، ۱۹۵	ابروتا، ۱۹۳
آطریلان (فاس)، ۱۵۵	آیزنی، ۲۷۳	ابروخیون، ۸۴
آطء، ۲۲۰	آء، ۳۳	ابروطائن، ۱۲۳
آغئس، ۱۸۵	آزُرذائِن، ۲۳۰	ابروطنیون، ۱۹۳
آفواه، ۵۲	الویقوان، ۵۶	ابروکیه، ۱۲۲
آقطی، ۱۳۸	ابابوس، ۳۳، ۲۲۳	آبروکیه (ثغری)، ۷۵
آک، ۱۷۳، ۲۰۹	اباخورس، ۶۳	آبرون، ۳۷
آکل نفسه، ۳۷	ابارتل، ۲۵۱	ابرویون، ۵۲
آلالاء، ۳۷	ابارس، ۱۰۵	ابریامتی، ۱۱۳
آلاء، ۳۷	اباریقون، ۱۰۶	ابریجون، ۱۵۸
آلسن، ۳۷	اباسیا، ۵۰	ابریمون، ۷۰
آلو، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷	اباغلِس، ۶۳	آبزار، ۳۸
آلوبالو، ۲۳۴	اباغورس، ۶۳	ابزراله، ۲۲۲
آلوبوعلی، ۲۳۴	اباقی، ۱۰۴	ابزیر، ۲۰۵
آلوبولی، ۲۳۴	آبالش، ۲۴۹	ابق، ۲۴۵
آغوری، ۱۲۱		
آفُورُون، ۱۶۵		
آأُکثار، ۳۷		
آاملیس، ۳۷		
آبنوس، ۳۳		
آبیل، ۳۳		
آبیوس، ۲۶۱		
آت جو، ۱۷۳		
آتفاح، ۹۴		
آچین، ۳۳		
آدریس، ۳۳		
آذان الأَرَب، ۳۳		
آذان التیس (اندلس)، ۳۳		
آذان الجداء، ۵۹		
آذان الجَدی (دمشق و شام)، ۳۳		
آذان الدب، ۳۳		
آذان الشاة، ۳۳		
آذان الشاة (اندلس)، ۳۳		
آذان العنز، ۳۳		
آذان الغزال، ۳۳		
آذان الفار، ۳۳، ۶۳		
آذان الفار البری، ۳۳، ۳۴		
آذان الفار البستانی، ۳۳		
آذان الفارالرومی، ۳۴		
آذان الفار الرومی، ۲۱۸		
آذان الفستیس، ۳۴		
آذان الفیل، ۳۴		
آذربو، ۳۴، ۱۷۱		
آذربوا، ۳۴		
آذربوی، ۳۴		
آذربویه، ۳۴		
آذرگون، ۳۴		
آذریون، ۳۴، ۲۵۸		

ابلاطنوس، ۱۴۵	ابیلا نس، ۱۰۵	اخراطن، ۸۴	اذفونیدیس، ۱۴۸
ابلر، ۱۶۳	ابی مقینة (فاس)، ۲۱۴	اخردس، ۲۹۰	اذفیوس، ۱۴۸
ابم کماجی، ۱۲۹	ابی یموت، ۱۲۵	آخز ساج، ۴۲	اذذاب البقر، ۱۵۴
ابمیلُس، ۲۸۰	اپراچنا، ۱۱۳	اخرسون، ۱۵۳	اذذاب الخیل، ۱۵۴، ۲۱۰
ابن، ۳۸	ابوپاقس، ۱۰۰	اخروطن، ۸۴	اذذاب الخیل (شام و شرق)، ۲۶۷
إِبْنُ الارض، ۳۸	اتبلیس، ۲۲۵	اخروی، ۱۰۶	أُذْنُ الارْتَب، ۱۱۹، ۲۶۹، ۲۸۱
ابن اُوَیر، ۳۸	أُتْرُج، ۳۹، ۱۶۲، ۲۷۴	اخریط، ۱۲۳	اذن الثور، ۲۲۴
ابن سرابیون، ۷۶	اتسویک، ۱۰۷	اخشنة، ۱۰۲	أُذْنُ الْجِمَار، ۴۳، ۱۵۵، ۲۲۴، ۲۵۲
ابنيس، ۱۱۳	أُتْنُکَن، ۶۵	اخفاک، ۲۱۰	أُذْنُ الشاة (اندلس)، ۲۶۹
ابنی هلدی، ۱۴۲	اثاب، ۲۰۲	اخلة الارض، ۱۲۹	اذن الفار، ۲۷۹
ابویناقس، ۱۰۰	آثابه، ۷۶	آخیروس، ۴۲	اذن القسیس، ۲۸۱
ابوپاناقس، ۱۰۰	اثاریون، ۵۰	اخینوس، ۱۸۰	اذن الوطواط، ۲۱۰
ابوخلسا، ۳۸، ۱۳۴	اثامنطیقون، ۲۸۷	اخیون، ۶۸، ۲۵۲	أُذْنُ غزال، ۲۵۲
ابوسمس، ۲۵۴	اثانقون، ۵۱	آذار، ۷۵	اذوس، ۲۹۷
ابوعیس، ۱۴۰	اثرا، ۳۸	آذرك، ۴۱، ۴۲	اذیارتون، ۷۶
ابوغلصن، ۶۷	اثقلیا، ۳۸	اذرك، ۱۶۴	ارابتش، ۱۲۴
ابوفاطریوس، ۵۴	آثَل، ۴۰، ۱۷۰، ۲۰۲	ادرومیلن، ۹۴	ارابتشوس، ۱۲۴
ابوفایس، ۳۹	آثَلَق، ۴۰	ادریاس، ۶۵	ارابتشس ایمارس، ۱۲۴
ابوفسطن، ۳۹	اثونبون، ۲۴۰	ادریس، ۳۳	أَرَأَقی، ۴۳
ابوقانس، ۳۹، ۱۲۳	اثونیطس، ۲۵۰	ادریفن، ۲۷۳	اراقوا، ۴۳
ابوقاوس، ۳۹	اثیوس، ۲۸۰	ادقام الغرائق، ۱۲۹	أَرَاک، ۴۳، ۱۶۱، ۲۳۳
ابوقَسْطُس، ۳۹	اجاجی، ۲۶۲	ادم، ۱۸۰	ارامانیا، ۲۸۲
ابوقینوس، ۵۹	أَجَاص، ۴۱، ۱۸۴	اذمام، ۲۹۴	ارامونی، ۱۸۸
ابومارس، ۱۲۰	اجاص اصفر، ۱۸۴	ادمطوس، ۲۶۴	اراثموس، ۷۰
ابونس، ۳۳	اجَبْرَنی (اسکندریه)، ۲۵۴	ادهیره، ۳۱، ۳۵	اراه، ۲۸۲
ابونیطش، ۲۵۰	اجرد، ۱۳۹	ادیانطن، ۲۵۷	ارب، ۲۷۳
ابهل، ۳۹، ۱۰۵، ۱۴۳	اجطاله، ۱۲۲	ادی دولی، ۲۶۰	اریاقه، ۱۵۹
ابهل هندی، ۳۹	اجواین، ۲۸۹	آذارقی، ۴۲	اریانسش، ۱۲۴
ابی، ۱۷۲	اجواین خراسانی، ۸۸	اذان الدب، ۲۴۴، ۲۷۰	اریسارم (فرنگی)، ۲۷۳
ابی الولید، ۱۲۹	اجود، ۲۵۳	اذان الفار، ۱۱۹	اریصارن، ۲۷۳
ابی ان یموت، ۲۰۴	اجیلیه، ۲۴۶	اذان الفار حقیقی، ۳۴	اریقانن، ۲۲۹
آبَید، ۱۴۳	احباق، ۷۱	اذان القیل، ۲۳۰	اریلیش، ۱۰۴
آبید، ۲۶۱	احداق المرضی، ۵۷	اذان القسیس، ۲۴۷، ۲۷۴	اریوطانون، ۱۲۱
ابی دالس، ۲۴۸	إِخْرِیض، ۴۲، ۲۱۰	اذان القسیس، ۲۴۷	ارییان، ۵۸، ۱۵۵
آبیدی، ۲۶۱	احریضه، ۲۳۶	إِذْخِر، ۴۳، ۱۴۸	ارییانس، ۱۲۴
ابی رستم، ۱۱۹	احنینه، ۲۶۶	اذخر (فاس)، ۴۳	
آبِیْغَل، ۳۹	آخیون، ۴۲	اذررقوس، ۵۲	
آبیکه (لاتین)، ۲۶۱	اخرداس، ۲۶۱	اذرقیس، ۵۲	

اریشوس، ۱۲۴	ارزوح، ۳۹	ارمارینون، ۱۲۴	ارید برید، ۴۵
ارتارون، ۲۶۹	ارزه، ۱۹۶	ارماس، ۲۴۲	اریدبرید، ۴۵
ارتقش (لاتینی)، ۲۶۵	آرزّه، ۴۴	ارماط، ۴۵	اریزجیم (فرنگی)، ۲۳۶
ارتکا، ۲۰۴	ارسطالاخیا، ۱۶۰	آزمال، ۴۵	اریزون، ۴۴
ارتیک پریم (لاتینی)، ۶۵	ارسطالوخیا، ۱۶۰	آزمالک، ۴۵	اریسه، ۱۹۸
ارتینوس، ۱۹۴	ارسطولوخیا، ۱۶۰	ارمالک، ۴۵	اریغانون، ۱۹۵، ۲۲۹
ارثیوس، ۸۰	ارسطیون، ۱۵۳	ارمالی، ۴۵	اریقابوشا، ۲۰۲
ارجالون، ۲۲۲	ارطاماسیا، ۶۱، ۷۶، ۲۴۷	ایرمزدقطلوس، ۱۷۹	اریقنه، ۱۳۳
ارجاله، ۱۱۷، ۱۲۵، ۲۰۰	آرطاماسا، ۲۴۷	ارمنیافن، ۲۸۲	ارینفس، ۲۲۷
ارجان، ۱۶۶	ارطمیسا، ۷۷	ارمنیقون، ۲۴۰	ازاددرخت، ۲۱۳
ارجان (مغرب)، ۱۰۵، ۱۶۶	آرطمیسا، ۲۴۷	آزمنین، ۴۵	ازاددرخت، ۲۱۳، ۲۶۶
ارجقیل، ۲۵۷	ارطوس، ۲۶۹	ارموش، ۱۷۰	آزاز، ۲۷۷
ارجل الجراد، ۵۸، ۱۶۱	ارطی، ۳۷، ۴۴	ارموکی، ۲۷۱	ازالیم، ۸۰
ارجمونه، ۲۸۵	ارطیسیا، ۶۱	ارمیس، ۴۵	ازبوج، ۲۵۱
آرجوان، ۴۴	ارطی صغیر، ۱۵۵	ارمیناقن، ۲۸۲	ازحمیون، ۲۵۶
ارجیقن، ۱۶۲	ارطیه ماسیا، ۷۶	ارمیناقون، ۲۸۲	ازدری، ۱۴۱
ارجیولیه، ۱۵۵	ارعاحورا، ۴۱	آزن، ۲۷۳	ازدشیرزاد، ۲۸۰
ارخس، ۱۳۶	آزغامونی، ۴۴	ارنبی، ۲۶۵	ازرار، ۲۹۱
ارخس طوماغن، ۱۳۶	ارغوان، ۴۴	ارنتاله، ۱۰۵	ازرود، ۴۵
ارخیس، ۱۳۶	ارغیلیم (عبرانی)، ۸۳	آزن صاژن، ۲۷۳	ازروی، ۶۶
اردشیران، ۲۸۰	ارفامسیس اربشوس، ۱۲۴	ارنغلیسون، ۲۶۹	ایزه الارض، ۲۹۱
اردشیر دارو، ۲۸۰	ارفلس، ۱۸۲	ارنقالس، ۲۶۹	ازریول (فاس)، ۳۴
ایزدق ناقی، ۴۴	ارفلن، ۱۱۳	آزنوغلشن، ۲۶۹	ازغب، ۹۶، ۱۳۹
اردک، ۲۸۲	ارفنطوس، ۱۲۴	ارنوله، ۱۴۵	ازقون، ۱۴۷
اردم، ۳۴	ارقالیا، ۲۶۶	ارنیوقرینوس، ۷۰	ازلاف، ۱۴۸
اردمیردا، ۲۸۰	ارقان، ۱۰۵، ۱۲۵	ارو، ۱۳۹	ازمایلوس، ۸۸
آرز، ۴۴	ارقان (مغرب)، ۱۶۶	ارویموس، ۲۵۳	ازنید، ۱۳۳
آرز، ۴۴	ارقطس، ۱۱۳	ارود (فارس)، ۱۱۰	ازورا (حبشی)، ۳۱، ۳۵
آرز، ۱۲۶	ارقطون، ۴۵	اروس، ۲۰۸	ازیریا، ۱۰۶
آرز، ۱۷۰	آزقطیون، ۴۵	اروسا، ۳۸	آزوسه، ۴۶
ارزا، ۱۹۶	ارقلیا، ۱۱۹	اروس بلغار، ۲۶۴	اسارون، ۴۶، ۱۱۹، ۱۴۲
ارزا اردفناقی، ۴۴	ارقوس، ۳۹	اروسه، ۳۸	۲۸۸
آرز الخلیل، ۷۶	ارقولس، ۳۹	اروسیمن، ۹۶	اساستوا، ۱۰۶
آززم، ۲۷۷	ارقونیدوس، ۲۱۸	اروسیمون، ۱۸۹	آساستوا (مغرب)، ۲۳۱
ارز می، ۲۶۰	ارقیسون، ۴۵	آرون، ۱۴۶	آساستوا (مغرب)، ۲۴۲
ارزن، ۱۰۰، ۱۴۳، ۱۴۹	آزقیطون، ۴۵	اروناردش، ۱۰۵	اساسنه، ۱۲۵
ارزند، ۱۹۶	ارکه، ۱۲۶	اروی، ۲۴۳	اساطوس، ۲۹۲
ارزن هندی، ۱۴۹	آزگوان، ۴۴	ارهرتور، ۱۸۳	آساطیس، ۲۹۲

اساطیس اغریا، ۲۹۲	اسرون (فاس)، ۴۶	۲۹۷	اسفیون الشوذه، ۷۸
اسبالاقوس، ۱۰۹	اسطاری، ۹۳	اسفردانه، ۸۱	اسقال، ۴۹
اسباناج، ۴۸	اسطافالیکوس اغریوس، ۱۰۳	اسفرک (شیراز)، ۱۶۲	اسقردین، ۲۸۳
اسبرک، ۵۹	اسطافالینوس اغریوس، ۱۰۳	اسفرم، ۳۱، ۳۵	اسقروامس، ۸۸
اسبریون، ۳۴	اسطافالینوس اغریوس، ۱۰۳	اسفرینه (فرنگی)، ۲۰۹	اسقلیاطیکوس، ۵۴
اسبط، ۲۷۳	اسطافالینوس اغریوس، ۱۴۸	اسفکوخوس، ۸۶	اسقلیطاس، ۵۴
اسبلنج، ۲۶۷	اسطافالینوس اغریوس، ۱۰۳	اسقلیاطیکوس، ۴۸	اسقندریون، ۹۸
اسبندان خوش، ۱۳۰	اسطافالینوس، ۲۸۷	اسفلیس، ۴۹	اسقنوقراطیس، ۴۹
اسبیدار، ۱۳۳، ۱۴۹	اسطافیدوس اغریا، ۱۱۱	اسفلیطس، ۲۰۳	اسقوانس، ۷۸
اسبیدمرد، ۴۶	اسطاکیس (فرنگی)، ۲۷۹	اسفلیغین، ۱۵۳	اُسقوردیون، ۴۸
اسپاراغوس، ۲۹۷	اسطبخیس، ۲۶۲	اِسقلیناس، ۴۸	اسقوردیون، ۸۰، ۹۸، ۱۸۹
اسپالانوس، ۱۴۱	اُسطخودوس، ۴۷	اسفناج، ۴۸، ۲۹۶	اسقوردیون جبلی، ۴۸
اسپرز (اصفهان)، ۷۸	اسطراطیکوس، ۴۸، ۱۰۵، ۱۳۱	اسفناج رومی، ۲۴۱	اسقوردیون مصری، ۴۸
اسپرغم بیابانی، ۱۹۹	اسطراطیکوس الصغری، ۱۰۵	اسفناج رومی (شیرازی)، ۲۴۱	اسقورولوس، ۱۳۸
اسپست باغ تازه، ۱۵۵	اسطراطیکوس الصغری، ۱۰۵	اسفند، ۱۱۵، ۱۱۶	اسقولس، ۸۸
اسپغل، ۷۸	اسطراطیکوس الصغری، ۱۰۵	اسفندار، ۱۱۶	اُسقولوقندریون، ۴۹
اسپناج، ۴۸	اسطراطیکوس الصغری، ۱۰۵	اسفندار، ۱۱۶	اسقون، ۱۲۶
اسپند، ۱۳۱	اسطراطیکوس الصغری، ۱۰۵	اسفند اسفید، ۱۱۵، ۱۳۱	اسقیدولیون، ۲۴۹
اسپنس (فرنگی)، ۴۸	اسطراکه لیکه (فرنگی)، ۲۸۶	اسفندان سفید، ۱۱۵	اسقیراسن، ۸۸
اسیب، ۴۶	اسطَرخلو، ۲۱۵	اسفندسفا، ۱۱۵	اسقیرن، ۲۹۸
اَسْتَب (اندلس - لاتینی)، ۲۶۵	اسطرس، ۲۶۳	اسفند سفید، ۱۱۵	اِسْقیل، ۴۹
استبرق، ۴۶	اسطراکیشا، ۵۳	اسفندسناه، ۱۱۵	اسقیل، ۲۱۵
استراتیکو، ۴۸	اسطروبیلیا، ۱۹۶	اسفندشغان، ۱۱۵	اسقیلا، ۴۹
استراطیکوس، ۵۴	اسطروثیون، ۲۶۳	اسفندغار، ۱۳۳	اسکتو، ۴۹
استر (اندلس)، ۲۷۴	اسطوخودوس، ۴۷، ۱۱۹	اسفودالوس، ۱۳۸	اسکردا، ۹۸
استرمونیه، ۱۰۹	۱۳۳، ۱۹۳، ۱۹۵	اسفودلوس، ۳۷	اسکردیون، ۹۸
استکو (تنکابن)، ۱۷۱	اسطوخودوس، ۱۰۳	اُسقودلوس، ۱۳۸	اسکرسول، ۱۶۲
اسحاره، ۴۶	اسطورا، ۱۱۵	اسفومغری، ۱۰۵	اس کرمانی، ۳۶
اسحاره، ۱۴۰، ۱۸۹	اسطوریقون، ۲۴۴	اسفیدار، ۱۷۸	اسکروان (نبطی)، ۲۶۹
اِسْجَل، ۴۶	اسطوماخوس، ۴۸	اسفیدارا راغیا، ۲۸۰	اِسْکنده، ۴۹
اسخرون، ۹۶	اسغارن امشانتن، ۳۳	اسفیدش، ۷۸	اسکیغیلا، ۲۴۶
اَسْحَر، ۱۰۸	اسغارن یزان، ۳۳	اسفیدکشیر، ۳۰۰	اسکیلیم چشم (سجزی)، ۲۱۷
اسد الارض، ۴۶، ۱۲۸	اسفاراغش بطراؤس، ۲۹۷	اسفی دیون، ۱۸۹	اسکی نان تو (فرنگی)، ۴۱
۲۷۵	اسفارج الصینی، ۲۵۶	اسفیراداغویوس، ۲۳۳	اَسْل، ۴۹
اسد العدس، ۴۷	اسفاناج، ۴۸	اسفیقوس، ۲۶۲	اسل، ۱۴۸
اِسْرار (مغرب)، ۴۷	اسفید، ۱۱۶	اسفیدار، ۱۳۰	اِسْلَنْج، ۵۰
اسراش، ۱۳۸	اسفراج (مغرب)، ۲۹۷	اسفیوس، ۷۸	اسلوقوطیس، ۴۹
	اسفراج (مغرب و اندلس)، ۱۳۸	اسفیوش، ۷۸	

اسلیج، ۲۷۴	اشج، ۵۱	اصابع الفتیات، ۲۲۵	اطراقتولیس، ۲۱۰
اسلیج، ۲۶۷	أشج، ۲۹۵	اصابع القینات، ۱۱۳	اطرایلس، ۹۴
اسلیوس، ۱۷۴	إشخیص، ۵۱	اصابع اللّصوص، ۵۳	أطرقفسوس، ۱۷۰
اسمادوسفرم، ۳۶	اشخیص، ۲۷۵	اصابع الملک، ۱۶۳، ۵۹	اطرقطوس، ۲۳۶
اسمار، ۳۱، ۳۵، ۳۶	اشخیص اسود، ۵۱	اصابع هرمس، ۱۷۹، ۱۸۰	اطرقطولس، ۲۳۶
اسماروزند، ۳۶، ۳۱	اشخیص سفید، ۵۱	أصاّص، ۲۷۷	أطرّماله، ۵۴
أشماقوس، ۱۳۵	اشراز، ۳۷	اصاقو، ۲۸۲	اطروغا، ۳۹
اسمرنا، ۲۷۸	اشراس، ۳۷	اصبالاثوس، ۱۴۱	اطروکا، ۳۹
اسملیس، ۲۸۰	إشراس، ۵۱	اصطرک، ۵۳، ۲۰۶، ۲۸۶	اطروکیا، ۳۵
اسمورنین، ۲۵۳	أشراس (مغرب)، ۵۱	اصطرک (شام)، ۱۸۶	اطریشیه، ۲۸۰
اسمیم باروم (فرنگی)، ۱۸۴	اشریس، ۳۷	اصطقالینوس، ۱۰۳	اطریفیلن، ۱۲۲
اسمیم (فرنگی)، ۱۸۴	أشفاقیش، ۴۸	اصطفی، ۲۸۶	اطریلال، ۱۵۵
اسمیم ماکنوم (فرنگی)، ۱۸۴	أشقی، ۵۱	اصطفیّذه، ۲۱۴	اطریون، ۲۳۳
اسنام، ۱۴۸	اشقی، ۲۳۳	اصطفیقوس، ۲۶۲	اطزوخیوس، ۲۱۴
أشنان الذّئب، ۸۴، ۵۰	أشقی، ۲۹۵	اصطفیلن، ۱۰۳	اطفکسوس، ۲۴۱
اشقیطله، ۶۱	اشقیطله، ۶۱	اصف، ۲۵۰	اطمات، ۸۸
اشقیل، ۸۰	اشقیل، ۸۰	اصل الانجدان خراسانی، ۵۴	أطمط، ۵۴
اشکریه، ۲۸۰	اشکریه، ۲۸۰	۵۰	أطموط، ۵۴
اشکّه، ۱۴۰	اشکّه، ۱۴۰	اصل التهل، ۱۶۹	اطموط، ۸۸
اشکیل، ۲۱۷	اشکیل، ۲۱۷	اصل الخثنی، ۱۳۸	اطمیثا، ۲۴۷
اشلابوس، ۱۴۱	اشلابوس، ۱۴۱	اصل الراسن، ۱۵۳	اطمیسّا، ۷۶
اشلیه پاتم (فرنگی)، ۱۲۲	اشلیه پاتم (فرنگی)، ۱۲۲	اصل السرح، ۳۰۰	اطّه، ۱۸۲
اشلیه (فرنگی)، ۱۲۲	اشلیه (فرنگی)، ۱۲۲	اصل السوس، ۱۸۰	اطیا، ۲۲۰
اشموسا، ۵۲	اشموسا، ۵۲	اصل السوسن الایض، ۵۴	اطیرنه، ۲۵۱
أشنان، ۵۲، ۶۹	أشنان، ۵۲، ۶۹	اصل الفلفل، ۲۲۸	اطیطون، ۴۹
اشنان العربی، ۵۲	اشنان العربی، ۵۲	اصل القصب، ۲۴۰	اطیوس، ۷۶، ۲۳۱
اشنان الفارسی، ۱۲۳	اشنان الفارسی، ۱۲۳	اصل اللفاح، ۲۷۰	اظّا، ۲۲۰
اشنان القصارین، ۱۲۳	اشنان القصارین، ۱۲۳	اصل اللوف، ۲۳۰	أظفّار الجن، ۵۴
اشنان گازران، ۵۲	اشنان گازران، ۵۲	اصل المتک، ۱۸۰	اعرابی، ۲۷۲
أشنه، ۵۲	أشنه، ۵۲	اصل النیلوفر هندی، ۲۲۷	اعروعلیطوس، ۲۷۷
أشنه، ۱۱۸	أشنه، ۱۱۸	اصل الوردی، ۱۵۹	اعناب السّراة، ۲۱۷
أشنه، ۱۹۲	أشنه، ۱۹۲	اصل امیرباریس، ۳۵	اغاریقون، ۲۱۸
أشنه بستانی، ۱۹۲	أشنه بستانی، ۱۹۲	اصوفورون، ۲۷۱	اغافت، ۵۴، ۹۰، ۹۴، ۱۵۴
أشود، ۱۸۴	أشود، ۱۸۴	اصوفورون، ۲۷۱	اغافت، ۵۴
أشه، ۵۱	أشه، ۵۱	اضراس الکلب، ۷۹	اغرابیون، ۲۸۱
اشیرون (اندلس)، ۱۱۶	اشیرون (اندلس)، ۱۱۶	اظّا، ۲۲۰	اغرسطورون، ۲۵۵
اصابع الصفّر، ۵۳	اصابع الصفّر، ۵۳	أطراطیقوس، ۵۴	اغرسطس، ۴۳، ۹۹
اصابع العذاری، ۵۳	اصابع العذاری، ۵۳	اطرافعس، ۲۴۱	اغرسطیس، ۹۹

اگر سوز و طوس، ۲۵۵	افرقه دلف، ۴۶	افیقون، ۸۸	اقربون، ۲۵۴
اغرقتیه، ۲۷۳	افرنجمشک، ۱۱۳، ۲۲۵	افیلون، ۵۶، ۱۹۳	اقسوس، ۱۴۳، ۱۶۲
اغر قونیة، ۲۰۵	افرنجَمَشک، ۱۶۰	افیمارن، ۷۰	اَقْسُون، ۵۸
اغر و سطوس، ۴۴	افرِیژ، ۲۹۳	افیمارون، ۱۰۸، ۱۷۹	اقسیس، ۱۶۲
اغر و سوقومیس، ۲۳۳	افریقیة متهونه، ۲۸۰	افیمدیون، ۲۶۹	اقسینی، ۲۶۶
اغر و غن، ۱۲۶	افز غنج (بخاریه)، ۲۲۶	افیمدیون، ۲۷۵	اقسیوس، ۱۶۱
اگریا، ۲۵۵	افس سک (شیرازی)، ۱۸۳	اَفیمیدون، ۵۷	اقط، ۱۸۲
اگریذی، ۲۵۶	اَفَسْتین، ۵۵	افینوس، ۱۶۸	اقطاطاقیس، ۸۱
اگریمون، ۱۰۲	افستین، ۷۷، ۱۲۰، ۱۵۴	اَفیوس، ۵۷	اقططر مثنوس، ۸۱
اگریوس، ۱۲۴، ۱۲۶	۲۵۸	افیوسطافیلن، ۲۵۰	اقطفیت، ۸۸
اغزو اطس، ۹۹	افستین البحر، ۱۹۳	افیون، ۵۷	اقطن (یمن)، ۲۷۵
اغفت، ۵۴	افستیون، ۵۶	اقاحی، ۹۰، ۱۵۵	اقط (یمن)، ۵۸
اغفورقیون، ۲۳۳	افصی، ۲۱۱	اقاروا، ۲۵۶	اقلفوس، ۲۵۵
اغلث، ۱۲۱، ۱۴۸، ۲۴۹	افطریون، ۱۷۳	اقارون، ۲۹۳	اقلفی، ۲۵۵
اغلِیس، ۱۴۷	افطیمس، ۳۰۰	اقاقالِیس، ۵۷	اَقْلُولش، ۱۲۹
اغلِیص، ۱۴۷	افکرکسیس، ۲۴۱	اقاقلیس، ۲۰۲	اقلیشا، ۱۰۳
اغلقلندریا، ۲۸۲	افلایوس، ۶۵	اقاقیا، ۵۷، ۸۲، ۲۳۷	اقلیطی، ۱۷۸
اغلِیس، ۲۵۴	اَفَلْدان، ۷۵	اقلیفی، ۶۵	اقلیولش، ۶۷
اغلیطوس، ۲۲۲	افلسطین، ۸۱	اقتلقا، ۷۵	اقتالوقی، ۷۱
اغنس، ۴۱	اَفَلَنَجَه، ۵۶	اقحوان، ۳۵، ۵۸	اقتالوقین، ۷۱
اغنوس، ۴۱	افلیطون، ۴۹	اَقْحُوَان، ۵۷	اقتولوقاقیثادشتا، ۷۱
اغنیس، ۴۰، ۴۱	افلیوکیون، ۲۴۱	اقحوان البری، ۶۴	اقتالوقی، ۷۲
اغیراطون، ۵۵	افتان سر، ۲۲۴	اقحوان العربی، ۱۵۳	اقتد، ۱۵۳
اگیرس، ۱۰۹، ۱۲۷	افنیئون، ۵۸	اقحوان بری، ۵۷	اقورون، ۲۹۳
اگیرُس، ۲۶۴	اَفَنیقون، ۵۶	اقحوان بستانی، ۵۷	اقوقوس، ۸۱
اغلِیفس، ۱۴۷	افنین بدنون، ۵۵	اقحوان زرد، ۷۰	اقولاقائن، ۱۲۲
افاتیس، ۲۲۳	افودوس، ۱۲۶	اقدینا، ۱۹۳	اقونطیاون، ۱۳۰
افادملس، ۱۲۴	افوروس، ۱۲۶	اقدی، ۱۷۲	اقونیا، ۱۱۲
اَفار، ۹۹	اَفوسالینث، ۲۵۴	اقراص الملک، ۸۴	اقونیطن، ۱۲۸
افاریقون، ۲۹۸	اَفوسالینون، ۲۵۴	اقرانیقی، ۱۸۹	اَقیاقیلونی، ۲۴۰
افامیرون، ۷۰، ۱۸۰	افوسالیون، ۲۳۵	اقرسینی، ۲۶۶	اَقیثالوقی، ۵۸
افانی، ۱۲۳	افوقونس، ۱۲۸	اقرع، ۱۳۹	اقیرون، ۲۹۳
افتاب پرست، ۲۹۹	اَفیثمون، ۵۵	اقرنون، ۲۲۳، ۲۳۵	اقین، ۷۲
افتیمون، ۵۵، ۱۴۱	افیثمون، ۱۹۵	اقرنوش، ۱۲۳	اقینی، ۱۰۴
اَفَیثمون، ۵۵	افیثمون لینون، ۵۵	اقروم، ۱۰۴	اکاسبیل، ۲۵۸
اَفَرَبیون، ۵۵	افیغون، ۵۶	اقریطون، ۲۴۸	اکاکیا (فرنگی)، ۲۳۷
افربیون، ۱۶۳، ۲۲۴	افیقرون، ۵۶	اقریطی، ۲۸۱	اکتر، ۹۶
افرسیر، ۱۵۷	اَفیقَطُس، ۵۶	اقریوش، ۲۵۴	اَکَت مکت، ۵۹



أَكْمَكِيَّت، ٥٩	اللاط، ١٨٢	الرَّمْنَدَه (اندلس)، ٢١٩	إلْقَيْس (سجزي)، ٢٦٦
اكتار، ١٠٧	الاملك (طبرستان و	الزنج، ٢٨٧	إلْقَيْس (سجزي)، ٢٦٦
اكتوث، ٢٥٨	تنكابن)، ٢٢٢	الريح، ٢٧٣	الكس، ١٢٦
اكتيقوس، ١٤٣	إلب، ٦٠	الزرقطونا (فاس)، ٧٨	الكسينا، ٢٦٦
اكر، ٢١٦	الباشه، ١٣٠	الزواني، ١٣٦	إلكسيني، ١١٩
اكرفس، ٢٥٣	البانونس، ١٣١	السَّرْمَج، ١٧٠	الكن، ٢٣٩
اكركره، ٢٠٥	البابن، ١٥١	السَّرْمَق، ١٧٠	الكور (يمنى)، ٢٨٣
اكرميوسنه، ٢١٩	البروس، ١٣٠	السرى، ٢٦٤	الكيا، ٢٨٢
أكرنب البحرى، ١٢٢	البستى، ٣٤	السفاقن، ٦٠	اللقامن، ٢٠٤
اكرنب الدورى، ٢٥٦	البطن، ٨٠	السمته، ٢٨٠	اللشى، ٦٠
اكرنب الرومى، ٢٥٦	البِّل، ١٤١	السن، ١٢٢	ألم (شيراز)، ١٠٠
اكرنب الشامى، ٢٥٦	البوزش لوقس، ١٣٠	السن، ١٣٣	الم (شيراز)، ١٤٣
اكرنب الكرمانى، ٢٥٦	البوقاله، ١٥٧	السنة، ١٢٩	المصافق، ٢٤٧
اكرنب الهاشمى، ٢٥٦	البهار، ٢١٧	السنة العصافير، ١٧٨، ٢٦٩	المعين، ٢٧٥
اكروفس، ١٠٨	البيسم (لاتين)، ٢٣٠	السى، ٢٥٠	ألمو (لاتينى)، ١٠٧
اكرى (بنگال)، ٢٠٧	التاجر، ٢٩٢	السى كابيج، ٢٥١	الميس، ٢٩٠
اكسوفيلن، ٢٠٣	التاره، ٣٣	الصانع الصفر، ١٨٦	الميون، ٤٩
اكسير، ٥٢	التواء بر التواء، ٢٥٧	الصينى، ١٢٩	النافع من الرُتَيْلاء، ٢٢٣
اكسيوس، ٥٩	التوبل، ٢٤٨	الطانه، ٢٠٤	النافع من أخليوس، ١٤٦
اكل نفسه، ٢٢٤	ألتينيا، ٢٦٢	الطردونه، ١٠٦	ألتج، ٦٠
إكليل الجبل، ٥٩	ألتيه، ١٢٩	الطفرا، ٢٠٤	النيسون، ١٥٣
اكليل الجبل، ١٩٣	الثا، ١٢٩	الطورثه شول، ٢٠٣	النينا، ٢٧٤
إكليل الملك، ٥٩	الثا، ١٣٦	الطيرون، ٢٣٣	الوا، ١٩٥
اكول، ٦٧	الثال، ١٣٦	الغته (لاتينى)، ٢٩٥	الواس، ٢١٦
اكون، ٢٠٩	الثفاء، ١١٥	الغسل، ١٢٩	الويباس، ٩٣
اكيروس، ١٠٨	الحاج، ١٢٣	الف، ٢٢٢	الوج، ٢٧٧، ٢٩٣
اگر، ٢١٦	الحاحى، ١٢٩، ١٣٣، ٢٥٦	الفاضل لثفساء، ١٦١	الوخن، ٢٨٣
اغيراتون، ٥٥	الحاذ، ١٢٣	الف دينار، ١٦٠	الودين، ٢٦٠
اغيرتركى، ٢٩٣	الخرقا، ١٠٤	الفشرا، ٢٩٧	ألوسن، ٦٠
الأس، ٣٥	الداد، ١١٤	الفليس، ١٢٢	ألوسن، ٦٠
الابورش مأش، ١٣٠	الداس واش، ١٢٩	الفوثويا، ١٥٣	ألوسون، ٦٠
الإثرار، ٦١	ألدِر، ٢١٣	القباين، ٢٤٩	الونى، ٢٧٣
الازاز، ٢٧٧	الدوم، ٢٨٣	القسينى، ٨٣، ١١٩، ٢٦٦	الويا، ٢٧١
الاشنگ (اصفهان)، ٢٦٧	الراسن، ٨٠	ألقسينى، ٢٦٦	ألوين، ٦٠
الاطينى، ٢٦٦	الرز، ٤٤	القسينى الكبير، ٢٦٦	الهدايه، ١٥٧
ألاطينى، ٢٦٧	الرقعة الصخرية (اندلس)،	القطرون، ٢٦٤	اليا، ١٣٦
الالسفاقس، ٢٦٨	٢٧١	القون، ٢٩٥	الياله، ١٠٣
الالسفاقن، ٦٠	الرمث، ١٢٢	القيس، ٢٦٦	اليسما، ٢٨١

الیس، ۹۸	آنسوخ، ۶۲	آناس، ۶۷	آنَجَرَك، ۲۷۹
إلیشكه، ۱۴۰	أفطی، ۶۲	أناغالس، ۳۴، ۶۳	أَنَجْرَه، ۶۵، ۶۵، ۲۵۵
الیکا، ۲۲۰	ام عمر، ۹۶، ۶۲	أناغورس، ۶۳	انجسا، ۳۸
الیلون، ۲۸۳	ام غیلان، ۵۹، ۲۱۷	اناغیرس، ۶۲	انجسا الرملی، ۱۵۵
الیمون، ۲۸۴	أُمُ غیلان، ۶۲	اناکیر (نبطی)، ۶۳	انجسا الساحلی، ۱۵۵
ألینو، ۲۵۱	أُمُ غیلان، ۶۲	انانوس، ۱۵۲	انجیده، ۲۲۴
الیون، ۱۰۳	ام غیلان، ۱۹۱، ۲۰۳	انب، ۷۲	انجیر، ۹۶، ۱۰۵، ۱۸۴
الیون، ۱۵۳	امفلوراسیون، ۲۵۲	انباتورا، ۶۵	انجیر آدم، ۶۶
امارقوا، ۵۸	إمقدال یقرا، ۲۷۲	انبالس مالیا، ۲۲۲	انجیر حلوانی، ۹۶
ام اربعة و اربعین، ۷۹	إمقدال غلوقیا، ۲۷۲	انبالفراسن، ۲۵۲	انجیر دشتی، ۹۶
امارنطون، ۵۸	أُمُ کلب، ۶۲	أنجج، ۶۳	انجیر زمینی، ۱۲۷
اماری، ۱۳۳	أمل بید، ۶۲	انجج، ۲۸۲	انجیر وربری، ۱۸۴
آماریطن، ۶۱	امل بیل، ۵۵، ۲۵۸	انبجّه، ۲۸۰	انجیلّه، ۷۸
اماریطون، ۱۵۳	أملج، ۶۲	انیریاریس، ۳۸، ۴۰، ۶۱	انجیله، ۳۷
اماریقون، ۵۸، ۱۰۶	املس، ۱۳۹	انیرسول، ۲۸۱	انچلک (شیراز)، ۱۴۲
ام الف ورق، ۶۲	املک، ۶۲	انیرود، ۲۶۱	اندراسیون، ۷۴، ۲۶۲
امامانیطس، ۲۹۸	أمل کجانی، ۶۲	انبل، ۲۲۵	اندرافکسیس، ۲۴۱
اماموس مانیوس، ۲۸۹	املناس، ۱۴۰	انبلی، ۹۵	اندراین کاپهل، ۱۲۶
امامون، ۱۲۴	أُمُ وَجَع الکبد، ۶۳	انبوباریس، ۳۸	اندرجو، ۲۶۹
امانیاقن، ۵۱	اموره، ۲۷۵	انبوب الراعی، ۶۴	اندرجو (سندی)، ۲۶۹
امباشا، ۱۱۱	امونیاقن، ۲۹۵	انبوب الملک، ۶۴	اندرخانا، ۸۲
آمبزیباریس، ۶۱	امونیاقون، ۵۱	انبه، ۶۳	اندرخنا، ۸۲
آمبروسیا، ۶۱	امونیقون، ۵۱	انتله، ۱۰۱	اندرساخس، ۶۹
امبلوراسون (لاتینی)، ۲۵۳	امی، ۲۸۹	أَنَثَلَه (عجمی اندلس)، ۶۴	اندرسافس، ۶۹
امبودایس، ۳۸	امیانی، ۲۸۹	انتلی، ۱۴۹	اندرسامس، ۱۵۸
امجلیه، ۶۷	ام یحیی (شام)، ۱۰۵	انثار، ۲۰۴	أَنَدَرَصارون، ۶۶، ۶۹
أَمَدَرِیان، ۶۲	امیریاریس، ۶۱، ۲۷۱	انثامیس، ۶۴	أَنَدَرَوَافَقُسُس، ۱۷۰
امراطیون، ۲۶۲	امیرون، ۷۰، ۳۰۰	أنثلیس، ۶۴	اندروت، ۶۶
امراقون، ۲۷۹	امیرون (اندلس)، ۲۹۸	انثوس، ۲۹۳	اندروساقس، ۲۹۸
امرباطون، ۱۱۸	امیره، ۱۱۰، ۲۶۹	انثون، ۱۸۴	اندروساماس، ۶۹
امرتیه، ۲۵۸	امیریا، ۲۶۹	انجاص، ۴۱	اندروسامن، ۲۹۸
امرقون، ۷۰	امیطی، ۶۲	انجاص (فاس)، ۲۶۱	اندروسائمن، ۲۹۸
امرو، ۲۶۱	امیغدالی، ۲۷۱	أنجبار، ۶۴، ۸۷، ۱۵۷، ۲۹۱	اندروصارون، ۲۲۲
آمرو، ۶۲	امیولوفراس، ۲۲۵	انجبار النهری، ۲۷۲، ۲۹۱	أَنَدَرَوَطاليس، ۶۶
امرو، ۲۶۱	امؤمن، ۱۲۴	انجدان، ۵۰، ۶۵، ۹۳، ۱۲۱	أَنَدَرَوَطون، ۶۶
امروسیا، ۲۹۸	انار، ۱۵۷	انجدان رومی، ۶۵، ۱۶۷	اندقوقو (شیراز)، ۱۲۵
آمژه، ۶۲	انار دانه، ۱۵۸	۲۴۸	اندمولیا، ۱۰۶
امسخر، ۲۹۲	اناریچه (مازندران)، ۱۱۷	انجرک، ۲۷۹	اندُمیان، ۲۵۶

اندوا (ماوراء النهر)، ۱۰۲	انکسینس، ۳۳	انیلس، ۱۶۵	أورویس، ۲۵۳
انده قوقو (شیرازی)، ۱۲۵	انکسینی، ۱۱۹	انیولیس، ۲۸۰	اوروذیس، ۲۳۰
اندیقا، ۲۹۷	آنکول، ۶۷	انیولیون، ۲۵۴	اوروسیمون، ۱۷۶
آنذر، ۱۵۳	انکولس، ۱۲۲	انیون، ۱۵۳	اوریز، ۴۴
انروله، ۱۲۲	آنکیز، ۶۷	آئیه دی غائه، ۲۰۵	اوریزا، ۱۲۶
آنزروت، ۶۶	انگدان، ۶۵	آئیه دغائه، ۱۱۹	اوریزوذنوس، ۲۳۰
انزروتا، ۶۶	انگدان زد، ۱۲۱	آوافیوس، ۶۷	اوریغاسن، ۱۹۵
انس الارواح، ۴۷	انگداله (فرنگی)، ۲۷۱	اوبانیس، ۵۷	اوزم، ۲۱۴
انسون، ۶۷	انگدان، ۶۵	اوبرنیون، ۲۲۴	اوزمون، ۱۰۲
انسیتون، ۵۶	انگزد، ۱۲۱	اویزر، ۲۴۶	اوزنس، ۲۵۳
انشعی، ۱۲۹	انگزه، ۱۲۱	اویطوری (لاتین)، ۲۱۹	اوزونا، ۲۶۰
انطاین، ۱۴۵	انگشت، ۵۳	اویلس وفلوطن، ۱۲۰	اوسید، ۶۸
انطبذه، ۲۴۸	انگشت کنده (اصفهان)، ۱۲۱	أویه قتیة، ۲۴۹	اوسید، ۶۸
انطرقطولس، ۲۳۶	انگور، ۲۱۴، ۲۱۷	اوبیانس، ۵۷	اوسفدون، ۲۴۹
انطریون، ۶۶	انگور سگان، ۱۲۸	اوبیانیس، ۵۷	اوسفول، ۱۶۵
انطولیا (شام)، ۲۹۷	انگیان، ۶۵	اوثرمسوا، ۹۳	اوسفون، ۱۶۵
انطویا، ۲۹۷	انلی، ۸۸، ۱۵۰	اوئنا، ۱۰۴	اوسفید، ۶۸
انطوینا (لاتینی)، ۲۹۸	آئلیه کمبیانه، ۱۵۳	اوئومیس، ۲۷۵	اوسیرس، ۱۲۲
انطینس، ۱۲۲	انئوس، ۲۶۱	اوجا (تنکابن و دیلم)، ۲۲۰	اوسیمون، ۴۶
انظر (دمشق و شام)، ۳۶	انوتیرا، ۱۴۱	اوحی (مازندران)، ۱۲۰	اوشن، ۱۹۵
آنغزا، ۶۶	انوخیلوس، ۱۵۵	اودومالی، ۶۸	اوشه (شیرازی)، ۱۹۵
انغوزه، ۱۲۱	انوسما، ۴۳	اوذمون، ۱۷۳	اوفاریقن، ۲۹۸
أنف العجل، ۶۶	آنوشه (لاتینی)، ۱۷۱	اوذی تغس، ۲۴۳	اوفاریقون، ۲۹۸
انقالیوس، ۷۰	آنوطلیون، ۶۷	اورابالاوسطون، ۱۰۴	اوفال، ۲۵۹
انفحة، ۲۵۰	انوله، ۶۲	اوراسالیون، ۲۵۳	اوفیموئداس، ۶۸
انفسینی، ۱۱۹	آنوما، ۶۸	اوراسیمون، ۲۹۰	اوقاس، ۳۹
انقلوس، ۲۵۵	انومیا، ۱۸۸	اورافلون، ۱۵۳	اوقانتوس، ۶۱
انقولوفا، ۱۵۳	انونکسا، ۱۳۶	اوراهیا سلیون، ۲۵۳	اوقلاوقا، ۵۹
انقیطینا، ۱۹۱	انیت الشعر، ۲۵۷	اورباس، ۹۷	اوقیمون، ۷۱
انقت الا، ۲۵۱	انیراتا، ۶۷	اوردپاپاری، ۲۲۸	اوقیمویداس، ۶۸
انقردیا، ۸۵	انیسن، ۶۷	اوردیقون، ۲۳۲	اوقینه، ۵۹
انقوس، ۲۶۱	انیسوم، ۶۷	اورزأ، ۴۴	اوکا، ۷۱
انقیلامی، ۹۴	آنسیسون، ۶۷، ۷۸، ۱۵۲	اورسالیون، ۲۵۴	اوکاماتا، ۲۲۷
انقیون، ۱۸۴	۱۵۳، ۲۶۲	اورسیمون، ۲۳۰	اوککه، ۲۴۱
انکالن (فرنگی)، ۶۳	انیسون البری، ۱۱۴	اورغیون، ۵۰	اولایی بوشاشا، ۱۱۶
انکر (شیرازی)، ۲۳۶	انیسون بری، ۷۸	اورمش، ۱۰۵	اولسطیون، ۱۰۱
انکزان اوکاما، ۶۵	انیطوا (لاتینی)، ۱۸۴	اورمون، ۱۰۲	اولیاطیوم، ۲۵۵
انکزر، ۱۲۱		اورمینون، ۲۲۴	اولیذا، ۱۴۷

اولیه، ۲۵۲	ایذوصارون، ۶۹	ایل، ۷۰، ۲۳۲	أَبَجَه (اندلس)، ۱۳۸
اولیه دَلْبَر، ۲۶۹	ایذون، ۴۶	ایلانجی، ۲۳۲	أَبَرَس، ۲۰۸
اومادا، ۲۳۳	ایذونیارون، ۶۹	ایلر سیا، ۸۸	أَبَرَنج، ۴۴
اومومون، ۱۲۴	ایذووسمون، ۲۹۰	ایلیقس، ۱۲۶	أَبَرَوُذْیا، ۱۱۸
اومیطرون، ۲۴۶	ایذیصارون، ۱۴۴	ایلیقطان، ۲۶۴	أَبَرَوُطُنُون، ۷۷
اونت کتاره، ۵۰	ایرامامیز، ۶۹	ایلیوطرویون، ۲۰۴	أَبَرَوُطُنُون، ۲۴۷
اونت کتاره، ۱۸۹	ایردویساناس، ۶۹	ایلیوطرویون طوماغا، ۲۰۴	أَبَرَة الرَّاعِی، ۳۷
اونظریتا، ۲۲۶	ایردوسیاناس، ۶۹	ایلیوطرویون طومقرون، ۲۰۴	أَبَرَة الرَّاهِب، ۳۷
اونودی، ۲۳۳	ایرس، ۳۹		أَبِلَم، ۳۸
اُونْیا، ۶۸	ایرسا، ۷۰، ۱۴۶، ۱۸۰، ۱۸۱	ایمارانوطولی، ۷۰	أَبِلَم، ۳۸
اونیاغائه (لاتینی)، ۲۴۴	ایرصا، ۲۷۳	ایمارس، ۹۳	أَبِلَم، ۲۸۳
اونیره، ۸۱	ایزن، ۲۷۳	ایمارو قالاس، ۸۰	أَبِلْمَة، ۳۸
اَوْهیر، ۳۹	ایرنجان، ۲۳۶	اینارهر، ۱۳۸	أَبُوخَلْسَا، ۳۸
اوهیر، ۳۹	ایرنجی، ۱۰۵	اینبروئی، ۱۴۶	أَبوشاد، ۱۸۹
اویشم (اصفهان)، ۱۹۵	ایرنجی، ۲۳۶	اینه، ۱۲۶	أَبُوفایس، ۳۹
اهالوا، ۱۱۵	آیرنی، ۲۷۳	ایورش، ۲۸۳	أَبُوفایس، ۳۹
اهر، ۱۷۸، ۲۶۹	ایرنیوقرینوس، ۱۸۰	ایو سقوامس، ۸۸	أَبُوْفَسْطُن، ۳۹
اهلیج، ۶۸	ایروفلون، ۱۵۳	ایهقان، ۱۰۲	أَبُوْفَسْطُن، ۳۹
اهلیج اسود، ۶۸	ایروقولیون، ۱۷۴	آآقشس، ۱۱۴	أَبومارئون، ۱۵۲
اهلیج اصفر، ۶۸	ایریس، ۷۰	أُرُون، ۲۷۳	أَبَهْل، ۱۴۹
اهلیج چینی، ۶۸	ایریفارون، ۷۰	أَفْشرو، ۳۶	أَبْیَد، ۳۹
اهلیج کابلی، ۶۸	ایریمورون، ۱۸۰	أَقُونِیْطَن، ۱۲۸	أَبْیَلَه دِطْلَبَاطَه (اندلس)، ۳۷
اهلیج هندی، ۶۸	ایرینون، ۷۰	أَقِشْس، ۲۲۵	أَبْی مالک (مغرب)، ۱۸۵
ایارانوطابی، ۶۹	ایزون، ۳۷	أَلِیْمُون، ۲۴۲	أَتَرَجِی الرَّانِیْطَة، ۷۱
ایسقسوس، ۲۸۴	ایزیون، ۳۷	أَلَمُومُن، ۱۲۴	أَتْم، ۱۶۵
ایبولوبوس، ۲۵۰	ایزیفازن، ۷۰	أَلْمَی، ۲۶۲	أَتَاب، ۴۰
ایثوسیس، ۲۷۵	ایساطس، ۲۹۲	أَلْنِیْسُن، ۶۷	أَتَبَة، ۴۰
ایثولیس، ۶۹	ایسقسوس، ۱۳۶	أَلْبَانِیْس، ۳۳	أَثَرار، ۴۰
ایدراسیمون، ۱۱۳	ایشن، ۱۹۵	أَذَارِیْذَا، ۶۴	أَثَرار، ۶۱
ایدع، ۱۴۶	ایصورین، ۱۱۳	أَزَرَن، ۲۷۳	أَثَل، ۴۰، ۲۰۷، ۲۹۰
ایدمامیر، ۶۹	ایعاسوفسین، ۱۰۵	أَرِیْصَارُون، ۲۷۳	أَج، ۱۰۶
ایدوصارون، ۲۶۹	ایغرتی، ۳۷	أَطْطَا، ۱۳۶	أَجاص، ۲۱۷
ایدیاسمن، ۱۱۳	ایغسه، ۹۳	أَتَامُونِی، ۱۸۸	أَجاص الْأَبِیْض، ۱۸۴
ایدیاسْمَن، ۲۹۰	ایفلوفوس، ۲۵۰	أَبَاغْسَالَة، ۱۸۵	أَجاص شتوی، ۱۶۲
ایدیاسمین، ۱۱۳	ایفوریس، ۱۵۱	أَبامالک، ۱۸۵	أَجاص کوجک، ۷۶
ایْذَاآرِیْذَا، ۶۹	ایقذ، ۱۱۴	أَبَاءَة، ۳۷	أَجْرِد، ۴۲
ایذنطوس، ۲۶۶	ایکده، ۲۱۹	أَبَاژ، ۳۷	أَجِیْلِبِس، ۱۴۷
ایذوسارون، ۶۹	ایکور، ۷۵	أَبْجَالَه، ۶۷	أَحْرَاز (صقالبه)، ۱۱۶

أحریص، ۴۲	أرجه (لاتین)، ۲۱۳	أزوری، ۱۴۱	أسنام، ۵۰
أحیرش، ۴۲	أرجیقن، ۴۴	أزیر، ۵۹	أُسُوفُون، ۱۶۵
أخِلَّة، ۷۹	أرخس، ۱۳۵	أسارون، ۲۸۸، ۴۶	أسیدار، ۵۰
أخلیوس، ۴۲	أردمانه، ۲۶۷	أساطیس، ۲۱۱، ۱۱۳	أسیرون (اندلس)، ۱۱۶
أخلیوس سَندَریطس، ۱۴۶	أرز، ۱۹۷	أساطیس، ۲۹۲	أشبرتالَه، ۵۰
أخلیوس سَندَریطس، ۱۷۹	أرز، ۲۴۷	أساطیس أغریا، ۲۱۱، ۱۱۳	أشبطانَه (لاتینی)، ۱۸۱
أخیون، ۴۲	أرسطُلُوخیا، ۱۶۱	أسبست، ۱۵۶	أشتر، ۲۷۴، ۲۰۴
أداد، ۵۱	أرسطولوخیا، ۱۶۰	أستن، ۴۶	أشترغاز، ۱۶۴
أداد الوحید (مغرب)، ۴۷	أرطاماسیا، ۶۱	أشجارَه، ۴۶	أشتیوان، ۷۹
أدادی (اندلس)، ۲۶۹	أرطاماسیا، ۷۷	أسحارة، ۹۶، ۱۹۰	أشخیص، ۴۷
أدریاس، ۹۷	أرطریفیون، ۶۰	أشخفان، ۴۶	أشرَه، ۴۶
أدریس، ۹۷	أرغامونی، ۱۳۸، ۱۸۸	أسجِل، ۴۶	أشق، ۲۳۲
أذ یرزا، ۴۲	أرغامونی أغریا، ۱۸۸	أسجِل، ۱۳۷	أشق الابله، ۵۲
أذخیر، ۴۳	أرغیس (اندلس)، ۱۲۰	أسد الأرض، ۶۸	أشقالیه (اندلس)، ۲۱۳
أذریون، ۳۵	أرقطیون، ۴۵	أسرغنت، ۱۷۰	أشقرذین، ۴۹، ۹۸
أذئاب البقر، ۱۵۱	أرقطیون آخر، ۴۵	أسطافالینوس أغریوس، ۱۰۳	أشق (مصر)، ۲۵۹
أذن الأرنب، ۲۶۹، ۲۷۰	أرقوش، ۲۰۸		أشقیطله، ۶۱
أذن الثور، ۲۶۹، ۲۵۲	أرماک، ۴۵	أسطافاندا أغریا، ۱۱۱	أشقیل، ۴۹
أذن الجَذی (اندلس)، ۸۲	أزمینن، ۴۵	أسطرا أطقوس، ۴۷	أشقیل، ۲۱۵
أذن الجِمار، ۴۳	أرنبی، ۲۶۵	أسطراطیوس، ۱۵۱	أشکالیه (لاتینی - اندلس)، ۲۱۳
أذن الجِمار (اندلس)، ۶۸	أرنقالس، ۲۶۹	أسطراغلَس، ۴۸	أشکل، ۲۱۳
أذن الغزال، ۳۳، ۲۷۰	أرنیثوس غالاً، ۱۹۴	أسطنکه (فرنچی)، ۶۱	أشکوذ، ۶۱
أذن الوطواط، ۴۳	أروسیطقون، ۱۷۱	أسطوخودوس، ۱۹۷	أشکیطَلَه (لاتینی)، ۱۲۰
أذنه، ۵۹	أروسیتمن، ۹۶	أسطوخودوس، ۴۷	أشنان القصارین، ۵۲
أرأا، ۱۶۴، ۱۹۴	أروسیمن، ۱۹۰	أسفراغس، ۲۹۷	أشنان داود، ۵۲
أراک، ۲۱۶، ۲۴۹	أروسیمون، ۹۶	أشفت، ۱۵۶	أشنان فارسی، ۵۲
أرباقَه (لاتینی)، ۱۴۹	أریصارون، ۲۷۳	أشقلیثس، ۴۸	أشنه، ۵۶
أربیشس ایمازس، ۱۲۴	أریقارون، ۱۹۳	أسفند، ۴۸	أصابع الصفر، ۱۸۶، ۲۵۹
أربیان، ۴۴	أریقون شاطوریون، ۱۳۵	أشفیوس، ۷۸	أصابع العذری، ۵۳
أربیان (شام)، ۴۴	أریقی، ۴۶	أسقردین، ۹۸	أصابع الفتیات، ۲۲۵
أرتدبرید، ۴۵	أریقی، ۱۳۷	أسقلیاس، ۴۸	أصابع القینات، ۵۳
أرتقی، ۱۱۰	أزاددرخت، ۳۵	أسقیون، ۶۹	أصابع هُرمس، ۵۳
أرتقی (اندلس)، ۱۱۰	أزاز، ۵۳	أسکاطامن، ۶۶	أصاص، ۵۳
أرجان، ۴۴	أزذَف، ۱۶۲	أشل، ۱۷۵	أصطرک، ۵۳
أرجل الجراد (لبنان، عراق، شام)، ۱۶۱	أزراری، ۹۷	أشل (اندلس)، ۵۰	أصطرک، ۲۸۶
أزجفقه، ۴۴	أزرغن، ۶۱	أسلیح، ۵۰، ۸۷	أصطقلین (شام)، ۵۴
أرجونیه، ۲۸۵	أزرد، ۴۵	أسلیلی، ۱۸۴	أصفوزن، ۵۴
	أزَمُور، ۱۶۶	أسمان، ۲۸۵	

أضحیان، ۵۴	أفوسالینون، ۲۵۳	أقنن، ۹۰	ألویی، ۶۱
أضرأس الکلب، ۵۴	أفوقوئن، ۴۲	أقیثا، ۷۱	ألویی، ۱۹۵
أطاء، ۵۴	أفوقوئن، ۱۲۸	أقیمن، ۵۹	ألخیرسون، ۶۱
أطاء، ۲۲۰	أفولابائئن، ۱۲۲	أقینس، ۲۲۵	أمارنطئن، ۶۱
أطباء الکلبه، ۱۶۷	أفومارئن، ۱۵۳	أقینس، ۲۲۵	أمارنطئن، ۶۱
أطرُقوئس، ۲۱۰	أفومارئون، ۱۵۲	أكباب، ۲۱۶	أماره، ۶۱
أطرماله، ۵۴	أفیغزون، ۵۶	أکرار، ۵۹	أماسیرنیون، ۱۵۱
أطماط، ۵۴	أفیققطس، ۵۶	أکر البحر، ۵۹	أم الشغراء، ۷۵
أظفار القیط، ۱۸۵	أفیقون، ۵۶	أكسورس، ۱۸۱	أمبرشیا، ۷۷
أعرابی، ۸۰	أفیمارون، ۵۶، ۱۸۱	أكشوث (مغرب، مصر،	أم دفراء، ۶۲
أعصاب، ۱۹۳	أفیمدیون، ۵۷	أفریقا)، ۲۵۸	أمذریان، ۶۲
أغافث، ۱۸۸	أفیمدیون، ۵۷	أكفیل، ۴۹	أمروسیا، ۶۱
أغالوجن، ۵۴	أفیوس، ۵۷	أكلیل الجبلی، ۲۷۴	أمصوخ، ۶۲
أغرسطس، ۹۹	أفیون، ۱۳۴، ۲۷۹	أكلیل الجیل، ۵۹	أم غیلان، ۲۱۶
أغرسطس، ۹۹	أقاقالیس، ۴۰، ۵۷	أكلیل النفساء، ۲۷۴	أملال، ۹۰
أغرومی، ۲۸۹	أقاقیا، ۱۳۲، ۱۹۱	أكلیلی، ۲۶۸	أملال، ۹۱
أغلیس، ۹۸	أقالیقی، ۶۵	أکموبزان، ۶۰	أملال، ۲۱۷
أغنس، ۴۱	أقجاله (اندلس)، ۲۴۷	ألاغزیا، ۱۶۶	أملیس، ۶۳
أغیراٹن، ۵۵	أقحوان، ۳۵	ألاطی، ۶۰	أملیسی، ۲۱۳
أغیراٹین، ۵۵	أقحوان، ۱۸۶، ۲۳۴	ألافوسقن، ۱۵۶	أمیرباریس، ۱۲۰
أغیرس، ۵۵، ۱۲۷	أقحوان زرد، ۹۰	ألافوئشئن، ۱۵۶	أمیرون، ۲۹۸
أغیلان، ۶۲	أقسوس، ۵۱، ۵۸، ۱۸۶	ألانیون، ۱۵۳	أمیونیطس، ۱۱۹
أفار، ۹۹	أقسوس، ۱۴۳	ألانیون، ۱۵۳	أناطیا(قبطی)، ۶۳
أفارینی، ۱۱۸	أقسیا، ۵۱، ۵۸	ألأسفاقس، ۶۰	أناطیریا أرمالی، ۶۳
أفاقی، ۹۲	أقطف (شام)، ۲۷۵	أللباین، ۶۰	أناغالیس، ۳۴
أفانی، ۵۵	أقطن (یمن)، ۵۸	ألایانه، ۶۰	أناغرن، ۶۲
أفثیمون، ۱۶۷، ۲۵۸	أقطی، ۸۵، ۱۳۸	ألثاآ، ۱۳۶	أناغلس، ۲۳۱
أفثیون، ۵۵	أقطی، ۱۳۸	ألسفاسق، ۶۰	أناغورس، ۱۳۲، ۲۱۶
أفستین، ۱۳۰	أقطیون، ۹۰	ألسنه العصافیر، ۱۷۸	أنبالس لوقی، ۲۲۲
أفستین، ۱۹۳	أقمام، ۳۶	ألسینی، ۳۴	أنبالس مالیس، ۲۲۲
أفستین البحری، ۵۶	أقتا، ۷۱	ألف دینار، ۶۰	أنبطرون، ۶۳
أفستین الساحلی (اندلس و	أقتا أرابیقا، ۱۸۹	ألف ذراع، ۲۹۷	أنثله بیضاء، ۶۴
مغرب)، ۵۶	أقتا أرابیقی، ۱۸۹	ألف ورق، ۱۱۰	أنثله سوداء، ۶۴
أفستین بحری، ۱۹۳	أقتا أقیس، ۶۱	ألقسینی، ۱۱۹	أنثلیش، ۶۴
أفلاطینس، ۱۴۶	أقتالوقی، ۵۸	أللیقاٹائن، ۲۱۵	أنامیس، ۷۰
أفمیلیس، ۱۶۲	أقتالوقی، ۷۱	ألوبن، ۶۰	أنثلیس، ۶۴
أفورس، ۵۰، ۱۵۱	أقتس، ۱۱۴	ألوسن، ۶۰	أنثیمس، ۶۴
أفورس، ۱۵۱	أقتون، ۵۸	ألومس، ۱۴۳	أنیمس، ۷۰



بادیان رومی، ۶۷	باریلوماین (اندلس)، ۷۳	بامیه، ۷۴	بَخور الأُکُراد، ۷۴
بادیقون (سوریه)، ۶۵	باسلیقا، ۱۰۶	بان، ۱۱۱	بخور البربر، ۱۷۰
بازام طلخ، ۲۷۱	باسلیقون، ۲۸۹	باناقس، ۱۰۰	بخور البربر، ۱۷۰
بازامک، ۷۲	باسلیقی، ۱۱۳	بانس، ۲۴۰	بَخور السُودان، ۷۴
بازاینگان، ۷۲	باشان، ۷۳	بانسه، ۴۶	بخور النئی، ۲۶۶
بازدیلین، ۱۱۶	باشیون، ۷۳	بانفیب، ۲۱۰	بخور عایشه، ۱۴۸
بازرنوبیه، ۷۱، ۲۵۷	باطاسیطس، ۹۳	بانقش (نیشابور)، ۸۱	بخور عایشه، ۲۵۶
بازرنوبیه بری، ۸۳	باطالا، ۱۴۴	بانکریزی کلوف، ۲۳۸	بخور مریم، ۳۴، ۱۷۰، ۱۸۶
بازرنجوبیه، ۸۲	باطانیقی، ۱۵۵	بانوج، ۲۶۱	۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۷
بازرنجوبیه، ۲۵۷	باطراخیون، ۲۵۳	بانورس، ۷۵	بَخور مریم، ۷۴
بازرنگ، ۴۰	باطرنیقی، ۷۵، ۸۷	باهستان، ۲۱۸	بخور مریم (آفریقا)، ۱۳۰
بازرواکوهی، ۷۱	باطس، ۲۱۳	بَیْراطَه (لاتینی)، ۱۹۲، ۲۳۶	بَدَاشِیقان، ۷۵
بازروج، ۷۱	باطُس، ۲۱۳	بَیْزَه، ۱۱۴	بدالیون، ۲۸۳
بازرود، ۵۸	باغ پر باغ، ۲۶۹	بیسطین، ۲۷۵	بداوان (شیراز)، ۱۴۸
بازنجان، ۷۲، ۲۸۳	باقریقی خنجر، ۲۱۰	بیلجش، ۱۵۷	بُدْأَه، ۲۶۰
بازنجان البری (اندلس)، ۲۵۸	باقِلّا، ۷۳	بیلیون، ۲۹۵	بدران (شیراز)، ۵۱
	باقلا مصری، ۹۳	بِیْلَیْه، ۵۸	بدسکان، ۷۵
بازنجان بری، ۲۰۷	باقَلّای قبطی (مصر)، ۷۳	بِیْلَیْه الاصفَر، ۵۴	بدشغان، ۷۵
بازوَرْد، ۳۴، ۷۲	باقلی، ۷۳	بِیْلَیْره، ۵۸	بدشکان، ۲۵۹
بازوَرْد، ۱۱۴	باقلی هندی، ۵۴	بَیْیَته، ۷۴	بدکستان، ۷۵
بازوَرْد، ۱۱۴	باقولا، ۲۴۲	بَیْیهه، ۷۴	بدکشان، ۷۵
بازی بلاله، ۱۲۳	باکَر، ۷۳	بثال مکھانه، ۲۸۴	بدلیون، ۷۵
باریه دلابر، ۱۰۳	باکسیان، ۸۲	بترح، ۱۶۱	بدولیون، ۲۸۳
باریه قُتلیه، ۱۰۳	بالانوس، ۱۰۷، ۲۵۰	بشروطوس، ۲۵۸	بدیلثون، ۲۵۵
بازرْد، ۷۲، ۲۴۶	بال چهر، ۱۷۷	بجُبلین، ۱۱۶	بذاشغان، ۷۵
بازرد، ۲۹۱	بالدرغان، ۶۵	بجوَرَه، ۴۰	بذالیون، ۲۸۳
بازرْد، ۷۲	بالسطیون، ۱۰۴	بجُه، ۱۴۷	بذر، ۱۲۶
بارسطاریون، ۷۰، ۷۳	بالسُطیون، ۱۰۴	بچند (سیستان)، ۲۴۵	بذر السداب، ۱۶۷
بارسطوان، ۱۲۴	بالسه، ۷۳	بجو (فارس)، ۲۵۷	بذلوزن، ۱۰۶
بارشک، ۲۶۹	بالش عاشقان (شیراز)، ۲۳۳	بچه، ۲۹۳	بذلیره، ۱۰۳
بارِض، ۹۱	بالقس، ۳۸	بحتریه، ۶۷	بذَلیون، ۲۸۳
بارقیون، ۱۹۱	بالک جوهِی، ۷۳	بَحْن، ۷۴	بذه، ۲۲۰
بارلیوس، ۳۰۰	بالکی البارد، ۲۵۹	بحنه، ۷۴	بر، ۱۲۶
بارنج، ۱۰۹	بالنکو، ۷۳	بُخْتَرنه، ۶۰	بُر، ۱۲۶
بارون، ۲۰۵	بالنگ، ۴۰	بخرک (شیراز)، ۱۰۵	برائی، ۳۹
بارونوخیا، ۲۳۱	بالنگو، ۷۱	بَخْرَه، ۷۴	بِرائی، ۳۹
بارویشا، ۲۳۱	بالوط، ۸۶	بُخْشش، ۲۹۰	براجیل، ۲۵۳
باریسطاریون، ۱۵۶	باله، ۷۴	بَخور، ۲۴۷	براخشنه، ۱۴۴



براذج، ۱۶۱	بردقیاس، ۱۱۹	برغست، ۲۴۵	برنیکان، ۸۴
براسن، ۸۰	بردیة، ۳۷	برغشت، ۲۴۵	برواق (مغرب)، ۱۳۸
بُرَاسِنُوشَقُرْدِزِین، ۹۸	برس، ۳۹، ۲۴۲	بَرْغوثی، ۷۸	بَرْوانی، ۷۸
براسن وقفالوطن، ۸۰	برسانئون، ۱۲۱	بر (فرنگی)، ۲۵۳	بروانیا، ۷۸
بُرَاسِین، ۲۲۴	بُرُشْتَم (آفریقا)، ۱۶۱	برقامصر، ۷۶	برواونثلاسیون، ۲۰۰
براکیس یری، ۷۶	بُرُشْتَم (فاس)، ۱۶۰	بَرْقَلِی (لاتینی)، ۸۳	برواه، ۵۲، ۲۰۲
برانیا، ۶۷	برس غنچه، ۳۹	برقوق، ۷۶، ۱۳۹	بروئا، ۳۹
براونیا، ۲۲۲	برسون، ۲۲۴	برقوق (فاس)، ۴۱	برورا، ۱۰۰
براونیا، ۲۲۲	برسیا، ۷۶، ۸۸، ۲۶۶	برقوقیة، ۲۸۲	بروطوس، ۲۵۷
براهمی، ۱۶۱	برسیاج دارو، ۲۱۰	برقة، ۱۰۶	بروق، ۳۷، ۱۳۸
برباریس، ۳۵، ۵۸، ۶۱، ۱۶۳	برسیانا، ۷۶	پزکان، ۷۶	بروقیا، ۲۰۴
بَرْنِخِینا، ۸۲	برسیاندارو، ۷۶	بَرْکسوس، ۷۶	بُروله، ۲۸۰
بریشکة (اندلس)، ۹۰	برسیان دارو، ۲۱۰	برکشان، ۲۵۷	برومس، ۱۲۶
بریطور (اندلس)، ۲۷۴	بَرْسیاوشان، ۷۵	بَرْکک شیرازی، ۷۶	برون، ۳۹، ۱۳۰، ۲۰۰، ۲۴۹
بربله، ۲۶۳	برسیاوشان، ۱۸۷، ۲۰۷	برکیره، ۴۷	بُرُون، ۵۵
بریناقه، ۷۵	بَرْسِیقَا، ۱۳۹	برکینه، ۲۴۰	بُرُون البهری، ۵۵
بریناقه، ۱۲۲	برسیون، ۷۶	برکینه، ۴۷، ۱۵۴	برون (پرتغال)، ۲۶۲
بربوٹ، ۵۲	برش، ۲۵۸	برگ فرنجمشک، ۲۲۵	بُرُون ثالاسیون، ۲۰۰
بربوذا، ۵۲	برشاد، ۱۸۹	برگک (شیرازی)، ۲۴۵	بروند (فرنگی)، ۲۴۰
بُرُوثُذِیَه (لاتینی)، ۷۹	برشف، ۲۴۲	بَرْم، ۷۷	بَرْهَنا، ۷۸
بربهن (اصفهان)، ۸۳	برشک، ۲۲۵	برم، ۲۱۷	برهلایا، ۱۵۲
برتراسک، ۲۴۷	بُرُشون، ۹۴	برمس، ۷۷	برهْمَن، ۹۲
برتراسک (شیراز)، ۷۷	برشیان دار، ۲۱۰	برنبهی، ۱۶۱	برهمی، ۱۶۱
برتقش، ۴۶	برشیان دارو، ۲۱۰	برنج، ۴۴، ۲۴۸	بَرْنِیاله، ۷۸
برتلاقش، ۴۶	برشیاوشان، ۱۸۷	برنجاسب، ۲۴۷	بَرْیا مصری (مصر)، ۷۸
برثانیون، ۵۷، ۵۸	برشیاوشان، ۲۵۷	بَرْنجاسف، ۷۶	بريجا، ۷۲
برئماز، ۱۱۳	برشیاوشان داوران، ۲۵۷	برنج اسف، ۷۶	بریدفوقه (اندلس)، ۲۰۵
برجارش، ۱۱۳	برشيقا، ۱۰۷	برنجاسف، ۷۷، ۱۹۰، ۲۴۷	بریر، ۴۳
برجی، ۹۶	برشيقا (افرنجی)، ۴۰	برنجاسف کوهی، ۵۵	بَریر، ۲۳۳
برجین، ۹۶	برشيقا میلا، ۱۳۹	برنجان، ۹۶	بری مائی، ۲۰۲
بُرَجین، ۲۱۴	برطانیقی، ۶۰، ۲۳۹	برنج کابلی، ۷۷	بَرْیون، ۵۲، ۱۹۲
برد الحریض، ۲۳۶	بَرْطانیقی، ۷۶	بَرْنجمشک، ۲۲۵	بزاج، ۱۰۴
بردبلاسقیس، ۱۱۵	برطانیقی (لاتینی)، ۲۳۹	برنفیس، ۲۲۵	بَرْازیل القَطَه (آفریقا)، ۳۷
بردرده، ۲۰۸	برطره، ۲۰۵	برنق، ۴۴	بزبار (شیرازی)، ۷۸
بردنمانمون، ۲۵۷	برطوماش، ۴۶	برنک، ۴۴	بزبان، ۱۰۷
برد و سلام، ۲۶۹	برطینی (لاتین)، ۲۵۹	برنگ، ۷۷	بزر اسفناج البری، ۱۱۸
بردی، ۷۵، ۱۶۷	برغال سالی (فرنگی)، ۸۳	بَرْنوف، ۷۷، ۱۸۳، ۲۱۴	بزر الانجره، ۶۵
بردیسیون، ۱۰۱	برغشت (خراسان)، ۲۴۵	برنيس، ۷۷	بزر البصل، ۸۰

بزر البطیخ، ۸۱	بزر النمام، ۱۸۲	بَسْبَاسَة، ۱۰۷، ۱۴۲، ۱۹۹،	بُشام (آفریقا)، ۷۴
بزر البنج، ۸۸	بزر الورد، ۲۹۳	۲۳۸	بشائق، ۲۴۷
بزر البنجنکشت، ۴۱	بزر الهلیون، ۲۹۷	بسبکه (فرنگی)، ۲۲۵	بُشْبُش، ۱۲۶
بزر الجرجیر، ۱۰۲	بزر الهوه، ۹۶	بستان ابروز، ۷۸	بشیش، ۱۲۶
بزر الجزر البری، ۱۰۳	بُزَر بَرْدی، ۷۸	بستان افروز، ۷۱، ۷۶، ۷۸،	بشوقه (اندلس)، ۱۳۸
بزر الجزر البستانی، ۱۰۳	بزر بلاستیس، ۱۱۵	۱۴۷، ۱۲۲	بِشْت، ۱۰۵
بزر الحجری، ۲۴۳	بزر خشخاش الأسود، ۱۰۴	بستان الجواری، ۷۸	بشتر، ۲۶۶
بزر الخبازی، ۱۲۹	بُزَر قَطونا، ۷۸	بستانه، ۵۵	بشتاقه، ۱۰۳
بزر الخَبَّة، ۱۲۹	بزر قطونا، ۱۶۰	بستقی، ۲۲۵	بُشْج مائی، ۲۸۰
بزر الخرفه، ۸۲	بزر قطونا، ۱۷۷	بستانج، ۸۱	بشرسون، ۱۸۰
بزر الخس، ۱۳۳	بزر قطونا (عراق)، ۷۸	بستولاک، ۱۷۰	بشرمساح (مصر)، ۷۳
بزر الخشخاش الاسود، ۲۹۸	بُزَر کتان، ۲۵۱	بستیناج، ۷۹	بِشْط، ۱۴۳
بزر الخطمی، ۱۳۶	بزر لسان الحمل، ۲۶۹	بسد، ۷۹	بشطانیکا، ۸۴
بزر الخمخم، ۹۶	بزر شوم (نجد)، ۹۵	بُسَد، ۷۹، ۱۴۰	بشعیرا، ۱۶۹
بزر الرازیانج الرومی، ۶۷	بُزَعْنَج، ۲۲۵	بُسَد، ۷۹	بشکرانی (اندلس)، ۵۱
بزر الرطبه، ۱۵۵	بزر غند، ۲۲۷، ۲۲۵	بُسَر، ۹۴	بشکرانی (اندلس)، ۵۱
بزر الريحان، ۱۵۹	بزر دویخند، ۲۴۵	بُسْرَة، ۹۱	بشکرانیة، ۵۱، ۱۱۴
بزر الزيتون البری، ۴۶	بزواق (مغرب)، ۱۳۸	بسطاقیا، ۲۲۵	بشکرانین الاسود، ۵۱
بزر السررق، ۱۷۰	بزوئا، ۳۹	بسطاقیا، ۲۲۵	بشکل (حجاز)، ۹۵
بزر السلق، ۱۷۴	بزوئون، ۳۹	بسطیقون، ۱۰۳	بشل (اندلس)، ۱۰۶
بزر الثبت، ۱۸۴	بزو سیاء، ۳۹	بسطیقیا، ۱۰۵	بشَلْشَکَة (لاتینی)، ۱۰۶
بزر العلق، ۱۵۶	بُز، ۷۵	بسفایج، ۱۴۴، ۵۴	بشلشه، ۱۰۶
بزر الفصفصه، ۱۵۶	بُزیر (سجستان)، ۲۴۷	بسفایج، ۷۹	بشم الاسود، ۲۷۲
بزر الفت، ۱۵۶	بساسة، ۱۶۱	بسقماء، ۱۸۳	بشمه (حجاز)، ۹۴
بزر الفتا، ۲۳۳	بساط الغول، ۲۰۳	بسقواس (اندلس)، ۲۶۷	بشمه (حجازی)، ۱۹۲
بزر الفتد، ۱۵۶، ۲۳۴	بساط الملك، ۲۹۱	بسکهره، ۱۲۵	بشنه، ۸۰
بزر القداح، ۱۵۶	بسبث بلی کوئیم (لاتینی)، ۲۱۰	بَسِلَة، ۹۳	بشنین، ۸۰
بزر القصب، ۱۵۶	بَسباس، ۷۸، ۱۰۷، ۲۱۱،	بسلیت، ۱۴۹	بشنین، ۲۷۲، ۲۹۲
بزر القُتَب، ۲۴۵	۲۲۰	بسلین، ۷۸	بشنین (مصر)، ۸۰
بزر الکُتَان، ۲۵۰	بَسباس، ۱۵۲	بَسْماط، ۱۳۰	بشوریقون، ۲۲۷
بزر الکراث، ۲۵۲	بَسباسا، ۱۱۶	بَسَناج، ۱۴۸	بشوش، ۸۰
بزر الکرفس البستانی، ۷۸	بَسباس حبشی، ۷۸	بسوره، ۱۶۹	بشیوما، ۹۶
بزر الکرفس الجبلی، ۷۸	بَسباس رومی، ۷۸	بُسَیْسَة، ۹۳	بصل، ۸۰، ۹۰، ۱۳۸، ۲۷۳
بزر الکرنب، ۲۵۵	بَسباس نبطی، ۷۸	بسیل، ۱۰۴	بصلا، ۸۰
بزر الکشوث، ۲۵۸	بَسباسه، ۷۸	بسیله، ۹۳	بصلا (سندی)، ۸۰
بزر المرو، ۲۰۹، ۲۸۰	بَسباسه، ۷۸	بسيلة، ۷۹، ۱۰۴	بصل الأبيض، ۸۰
بزر المَط، ۱۵۸	بَسْباسه، ۱۰۷	بُشاش، ۷۰	بصل الأکل، ۸۰
		بُشام، ۸۰	بصل البر، ۴۹، ۸۰

بَصَلُ الْبَرِّ، ٢١٥	بطراخيون، ٢٥٠، ٢٥٤	بطیقي، ٢٩٦	بَقْلَةُ الْحَمَقَاء، ٨٢، ٨٣
بصل البری، ٤٩	بَطْرَاخِيون، ٢٥٠	بَغْصْران، ٢٠٤	بقلة الحمقاء، ٢٤٧
بصل الخراسانی، ٨٠	بطراسالنون، ٢٥٣	بغلیس، ٢٥٢	بَقْلَةُ الْحَمَقَاء البریة، ١٢١
بصل الْعُرْم، ٨٠	بطراسالینون، ٢٢٦، ٢٢٧	بفرخ، ٨٣	بقلة الخطاطیف، ٢٠٨، ٢٥٥
بصل الْخُصَى، ٨٠	بَطْرَاسَالِینون (مصر)، ٢٥٤	بقتلمن، ٩٠	بقلة الرُّمَاء، ٨٣
بصل الخنزیر، ٨٠	بطراسالیون، ٢٢٦	بَقْتَلْمَن، ٩١، ٢١٧	بقلة الرمل، ٨٢
بصل الخنزیر (فاس)، ٤٩	بطرس، ٦١	بَقْثُوفِرُثْن، ٨٢	بقلة الزهراء، ٨٣
بصل الْخَنْزِير (مغرب)، ٤٩	بَطْرُس، ٧٧	بقرة العین، ١٨٢	بقلة السنانیر، ٨٣
بصل الذنب، ٨١، ٨٥	بَطْرُس، ١٩٠	بقریس، ٢٩٨	بقلة الضَّب، ٨٣
بصل الرومی، ٨٠	بطرسالی (فرنگی)، ٢٢٧	بَقْس، ٨٢	بقلة العدس، ٨٣
بصل الزنثر، ٨٥	بطرسالینوس، ٢٥٤	بقس البلدی، ٨٢	بقلة العروس، ٨٣
بَصَلُ الزَّاز، ٨٥	بطرسالیون، ٢٥٣	بقسیس، ٨٢	بقلة الفارسیه، ٨٣
بصل الزیدی، ٨٠	بطرساموه، ٢٥٤	بقسین، ٨٢	بقلة اللینه، ٨٢، ١٦٢
بصل الزعفران، ٨٠	بطرسلینون، ٢٥٤	بقسیون، ٨٢	بَقْلَةُ الْمَبَارَكَةِ، ٨٣، ٨٤
بصل الزیر، ٨٥	بطرقیره، ١١٩، ١٥٩	بَقْس، ٨٢	بقلة الملك، ١٨٣
بصل الزیر، ٨٠	بطرمیقی، ١٧٢	بقش الکرم، ١٦٠	بقلة الیمانی، ٢٥٨
بصل السنجار، ٨٠	بَطْرُمِیقَى، ٢١٦	بقطانیون، ١٩٦	بقلة الیمانیة، ١٦٢
بصل السوسن، ٨٠	بطرمیقی تاغیغشت، ٢٦٣	بقغاین، ٢٤٩	بقلة الیهود، ٥٠، ١٢٩، ٢٩٨
بصل الصغیر، ٨٠	بطره، ٨١	بقل، ٩٣، ١٠٣، ١٣٣، ١٣٥	بقلة الیهودیة، ٨٤، ٩٤، ٢٩٦
بصل العنصل، ٤٩	بطریه، ١١٩، ١٥٩	١٤٧، ١٥٤، ٢٠٥، ٢٧٤	بقلة حامضه، ٨٣
بصل الفار، ٤٩	بطریون، ٨١، ٢٩٢، ٢٣٣	بَقْلُ الْحَمَقَاء، ٨٢	بقلة حمقاء بری، ٣٧
بصل الفارسی، ٨٠	بَطْم، ٤٣، ٨١، ١١١، ١٩٨	بَقْلُ الذَّهَبَى، ١٧٠	بقلة حمقاء بریة، ٨٣
بصل الفار، ٨٠، ٢١٥	بطما، ٨١	بقل الذهبی، ٢٤١	بقلة خراسانی، ٨٣
بَصَلُ الْفَار (مغرب)، ٤٩	بطمتا، ٨١	بَقْلُ الزَّوْم، ١٧٠	بقلة خراسانیه، ٨٣
بصل القی، ٨٠، ٨١	بطورنه ماطرش، ٩٩	بَقْلُ الزَّوْم، ٢٤١	بقلة دستیة، ٤٨
بصل اللوف، ٨٠	بطوس، ١٩٠	بقل دمشقی، ٨٣	بقلة دشتی، ٨٣
بصل المجوسی، ٨٠	بطیالایا، ٢٩٠	بقل ریشی، ٨٣	بقلة ذهبیة، ١٧٠
بصل النرجس، ٨٠، ٢٩٠	بَطِیْخ، ٨١، ١٤٤، ١٩٠، ٢٧٠	بقله (شام)، ١٤٩	بقلة عائشة (اسکندریه)، ١٠٢
بصل النیلوفر، ٨٠	بطیخ اخضر، ٨٢	بقله یمانی، ١٥٥	
بصل ألھام، ٨٠	بَطِیْخ الصخری، ١٢٦	بقلة، ٢٦٣	بقلة عربیه، ٨٤
بصل بری، ١٥٠	بطیخ الطویل، ٢٨٥	بقلة اترجیه، ٢٥٧	بقلة فاطمه، ٨٣
بصل جبَلین، ٨٠	بطیخ الفلسطینی، ١٢٦	بقلة الانصار، ٨٢، ٢٥٥	بقلة فلفلیه، ٢٥٧
بصل نسرين المروج، ٨٠	بطیخ الھندی، ٨٢	بقلة الاوجاع، ٨٢	بقلة لئنه، ٨٢
بطارس، ١٦٩	بطیخ رقی، ٨٢	بقلة الأترجیة، ٨٢	بقلة مانیه، ٨٤
بَطَالَايا، ١٤٤	بطیخ سکری، ٨١	بقلة الأنصار، ٢٥٥	بقلة مبارکه، ٨٢
بطالش، ١١٨	بطیخ سندی، ٨٢	بقلة الباردة، ١٨٥	بَقْلَةُ یمانیه، ٨٤
بطباط، ٢١٠	بطیخ عقابی، ٨١	بقلة البراری، ٨٢، ٨٣	بقلة یمانیه، ٨٤
بَطْبَاط، ٢١٠	بَطِیْخ هندی، ٨٢	بقلة الحسینیة، ٨٣	بقلة یهودیة (اندلس)، ٢٣٦

بقل یمانی، ۲۰۲	بلاسفین، ۱۱۵	بلغوثیون برمندار، ۲۱۰	بلیطن، ۸۴، ۸۷
بقم، ۸۴، ۲۱۷	بلاسَنطور (فرنگی)، ۸۵	بلغیس، ۲۵۲	بلیطی، ۸۴
بَقْم، ۲۱۵، ۲۷۰	بلاطر، ۲۹۲	بُلْقیر، ۱۱۸	بَلیلج، ۸۷
بقنوقومَن، ۸۵	بلاقه، ۱۰۹	بلناس، ۲۵۰	بمولتان اهری، ۱۳۰
بَقول السَّعال، ۱۸۲	بلاقه (لاتینی)، ۱۰۹	بَلتائین، ۲۶۹	بن، ۸۱
بقول الصبیه، ۱۸۳	بلال، ۳۵	بَلتائین (لاتینی)، ۲۶۹	بَن، ۸۹
بقول المائده (مصر)،	بِلان، ۸۵	بَلنجاسف، ۷۷	بنات الرعد، ۲۶۰
اسکندریه، صقلیه، ۲۳۵	بَلایه، ۲۲۹	بلنجاسف، ۱۹۰، ۲۴۷	بنات النار، ۶۵
بکا، ۸۵	بَلایة جزیره (لاتینی)، ۲۸۱	بلودقش، ۱۳۳	بنات اُزیر، ۲۶۰
بکام، ۳۱، ۳۵	بلایه قَبرونه، ۵۹	بلورا، ۲۹۶	بنات مریرا، ۱۲۶
بکاین، ۳۹، ۱۱۱	بَلایه (اندلس)، ۲۲۹	بلوز الريح، ۲۹۱	بنادق البریر، ۱۰۸
بَكْزَر، ۱۴۰	بلباسی، ۲۵۰	بلوس، ۲۰۲	بناطش ابذا، ۱۵۳
بُکچی، ۸۵	بلیان، ۲۱۴	بلوسیطن، ۱۰۴، ۱۹۱	بن پوتکه، ۲۴۹
بکرش (حجاز)، ۲۱۲	بَلبراله، ۲۴۸	بلوط، ۷۷، ۸۶، ۸۷، ۹۱	بَشرقه (رومی)، ۲۳۹
بکریدیا، ۲۹۷	بُلْبِسا، ۸۰	۱۴۴، ۱۶۸، ۲۵۰، ۲۶۰	بَشرقه، ۱۶۰
بکریر، ۲۷۵	بُلْبِیس طویل، ۸۰	بَلوط، ۸۶	بَشْرَقَة، ۸۷
بکسیتلان از مور، ۲۱۴	بلبل شامی، ۲۷۷	بلوط ارعا، ۲۶۰	بَشْرَقَة، ۸۷
بکسیس، ۸۲	بُلْبُلِیه الاسود، ۱۵۳	بلوط الارض، ۳۷، ۸۶، ۸۷	بتوشه (اندلس)، ۱۷۱
بکلورم (لاتینی)، ۲۶۸	بلبوس، ۸۰، ۸۱	۲۶۰	بُتوقُس اُوطا، ۳۴
بکم، ۸۴	بَلْبوس، ۸۵	بلوط الملک، ۸۷	بتومه، ۱۵۷
بکَم، ۸۵	بلبوسا، ۱۷۹	بلوطا ملکا، ۸۷	بتومه (اندلس)، ۸۷
بُکمون، ۸۵	بَلج، ۹۴	بلوط (شام)، ۱۷۹	بتومه، ۴۳، ۵۲، ۱۵۰، ۱۵۷
بُکَن، ۸۵	بلج، ۹۴	بلوطی، ۸۷، ۱۴۴، ۲۲۴	بَنج، ۸۸
بکوزتیکان، ۲۱۳	بلحشکوک، ۳۰۱	بَلوطی، ۸۷، ۱۷۹	بنج اسود، ۸۸
بَکهرینده، ۸۵	بَلِخته (مغرب)، ۸۶	بلوطی صقلا، ۹۴	بَنج اَنگشت، ۴۰
بَل، ۸۵	بلخیه، ۸۶	بلوغوناطن، ۸۷	بنجانی، ۹۶
بَل، ۸۵	بَلزِیاله، ۹۸	بَلوغوئن، ۲۱۰	بنجاین، ۱۰۰، ۱۴۳
بل، ۱۳۸	بلس، ۸۶، ۹۶	بَلول، ۸۷	بنجسکروان، ۲۶۹
بلایس، ۸۰، ۸۵	بَلسان، ۸۶	بَلوئین، ۱۰۳	بنجسکروان، ۸۸
بلاقبس، ۲۶۹	بلسان، ۱۴۳	بَله بانته، ۲۴۸	بنجشک زیان، ۲۶۹
بلایبوس، ۱۰۸	بَلْسکی، ۸۶	بلیار، ۱۰۸	بنجسکروان، ۱۴۴
بلاثه (اندلس)، ۲۲۹	بلسکی، ۱۱۸، ۲۷۰	بَلیار، ۲۴۹	بنجکشت، ۱۵۲
بلاد، ۳۴	بَلسن، ۲۰۷	بلیان (مصر)، ۸۷	بنجکست، ۱۷۰
بَلادر، ۸۵	بَلْسَن (سجزی)، ۲۰۷	بَلِحاء، ۵۹	بنجکشت، ۴۰، ۱۸۵، ۱۸۶
بلادر، ۸۵، ۶۷	بَلْسَن (مکه)، ۲۰۷	بلیحاء، ۸۷	۲۲۸، ۲۵۸
بلارجه، ۱۲۹	بلطالة، ۸۷	بلیذا، ۱۴۰	بنجه، ۱۲۶
بلاس، ۸۵	بلطانس (فرنگی)، ۱۴۵	بلیطس (اندلس)، ۸۴	بنجَة، ۱۵۰
بلاس بابره، ۸۵	بلطاون، ۸۴	بلیطش، ۸۴	بنجین، ۸۸

بن چهتکی، ۸۹	بنک آس‌را، ۳۱، ۳۵	۸۴	بول (بنگال)، ۹۰
بنحنک (خوارزم)، ۸۴	بنک (شیرازی)، ۲۴۵	بورمنی (جرجان)، ۸۴	بولجاق، ۱۲۴
بَند، ۸۸	بَنک مُخیر، ۸۹	بورنسون، ۲۵۸	بولدین، ۲۸۱
بند، ۱۳۱	بنکو (شیراز)، ۷۸	بورَه، ۸۰	بولسری، ۹۰
بَندال، ۸۸	بَنگَه، ۳۶	بوریکا، ۱۱۳	بولو، ۱۹۵
بَندُق، ۸۸	بنکه قیطس، ۳۱، ۳۶	بوریداس، ۱۲۲	بولوبودیون، ۷۹
بندق، ۱۰۵	بنگ، ۸۸	بوزیدان، ۵۴	بولوبودیون، ۷۹
بَندُق هندی، ۵۴، ۵۹، ۸۸	بن لیلوفر، ۲۹۲	بُوزیدان، ۸۹	بولودیون، ۱۵۷
۱۵۵	بنور، ۱۵۳	بوست، ۱۲۴	بولوزیون، ۷۹
بَنسِیکِی، ۸۹	بَنو (سجری)، ۲۱۲	بوسیر، ۸۸، ۲۴۴	بولوطریخون، ۷۵
بنس روجن، ۱۹۹	بنو سیاه (شیرازی)، ۲۷۵	بوسینی، ۲۳۳	بولوطوطریخون، ۷۶
بنس لوجن، ۱۹۹	بنوش، ۱۳۹	بوش، ۹۰	بولوطونخون، ۷۶
بن شاه، ۸۱	بنولیون، ۵۴	بوش‌دریندی، ۹۰	بولوغالی، ۱۰۴
بنطاباطس، ۸۸	بنوماش (شیرازی)، ۲۷۵	بوشیاد، ۹۰	بولوغاناطن، ۲۵۲
بَنطابیطوس، ۸۹	بَنیاله، ۸۹	بوصیر، ۳۳، ۹۰، ۲۷۷	بولوغانطن، ۹۰
بنطادانیقا، ۱۴۴	بنیشه، ۱۵۰	بوطاماخیطس، ۹۰	بولوغخن، ۹۰
بنطادَقطوُلُن، ۸۸	بوئی، ۹۰	بوطاموغيطس، ۱۱۰	بولوقتیمن، ۹۰، ۲۵۲
بَنطادَقطوُلُن، ۸۹	بواب الحاجب، ۷۸	بوطاموغيطن، ۹۹	بولیطریخو، ۷۶
بنطاطوس، ۸۸	بوارس، ۲۸۱	بوطانیه (اندلس)، ۲۲۲	بولیون، ۱۰۳
بنطافلن، ۸۸	بوئالمیوس، ۲۱۷	بوطانیة، ۹۰، ۲۲۲	بومادران، ۷۷
بَنطافلن، ۸۸	بولسمون، ۸۶	بوظل، ۲۵۴، ۲۵۹	بوتق، ۷۷
بَنطافلن، ۸۸	بوونیاون، ۱۸۹	بوظولون، ۲۵۴	بونیاَس، ۱۸۹
بَنطافلن، ۱۵۲	بوئلمون، ۹۰	بوظة، ۱۴۸	بونیاون، ۱۸۹
بنطافلن، ۲۵۹	بوخل (نیشابور)، ۸۳	بوَعقاد (فاس)، ۲۱۰	بونیکا، ۱۵۷
بنطافلون، ۱۲۵، ۲۵۸	بوختو، ۱۰۶	بوغلصن، ۲۵۲، ۲۶۸	بونیون، ۹۰
بَنطاموَمُن، ۸۸	بودال، ۹۶	بوغلوسن، ۲۶۸	بوی جهودان، ۲۸۳
بنطاناتی، ۸۸	بودی، ۲۷۵	بوفاالمون، ۹۰	بوی مادران، ۲۴۷
بنطفلون، ۴۱	بودافانن، ۲۰۴	بوفاسفسوس، ۶۱	بوی ماذران، ۲۴۷
بنطیقا، ۱۵۴	بودریج، ۸۹	بُوقاذائُس، ۷۴	بویون، ۹۰
بَنفَسَج، ۸۹، ۱۲۹	بودنه، ۲۹۰	بوقی، ۲۴۶، ۲۹۲	بوی هیریدان (سجستان)، ۱۸۰
بنفسج الکلاب، ۱۸۳	بوراطاغرین، ۱۲۶	بوقیصا، ۱۴۴	به، ۱۷۲
بنفسج اللیل، ۱۶۸	بوراطاغونس، ۳۹	بوکسطیلان طربول رماکه	بهار، ۴۴، ۵۷، ۸۰، ۹۰
بنفشه، ۸۹	بورشاد، ۱۸۹	(لاتینی)، ۱۲۵	۱۴۲، ۲۱۷، ۲۹۴
بَنقراطیون، ۲۴۳	بورفیا، ۴۳	بول، ۲۷۷	بهار ابیض، ۹۰
بَنقَه، ۸۹	بورقداس، ۱۲۲	بولابیطس، ۱۰۵	بهار الاصفَر، ۳۴
بنک، ۸۸، ۲۴۵	بورکر، ۱۳۷	بولابیطس، ۱۳۴	بهار البر، ۳۴، ۹۰
بَنک، ۸۹	بورمندی (جرجان)، ۸۴	بولامنیون، ۹۰	بهار الریاض، ۹۰
بَنک، ۱۴۳	بورمنی (بخارا و جرجان)،	بولامونیون، ۹۰	

بهار خرما، ۹۵	بیئل، ۹۲	۲۶۹	پاندروت (سند)، ۱۴۶
بهار (فاس)، ۲۹۰	بیوریس، ۲۷۷	بیشاک مینور (فرنگی)، ۲۶۹	پاندورت، ۱۴۶
بهاری، ۲۹۰	بیت، ۱۴۰	بیش موش بیشا، ۹۲	پای کلاغ (پهلوی)، ۱۵۵
بهاسلواواکرا، ۲۹۶	بیجه، ۱۷۳	بیض الاوز، ۹۲	پت پایره، ۱۸۳
بهانتانا، ۷۲	بیخ آسمان گون، ۷۰	بیض العیار (شام و بغداد)، ۲۴۵	پتروتیزپاپ، ۱۶۶
بهنکتیه، ۱۱۴	بیخ برنده، ۱۹۳	بیتضمون، ۸۸	پتوهری (بنگال)، ۹۳
بَهَج، ۲۸۱	بیخ بنفشه، ۷۰	بیضة الارض، ۲۶۰	پدیهره، ۲۲۶
به دانه، ۱۷۲	بیخ تفت، ۱۹۱	بیضة البلد، ۲۶۰	پرپی، ۱۶۱
بهرامج، ۱۳۷، ۲۱۰	بیخ جگری، ۱۵۴	بیضة النعامة، ۲۶۰	پرپهن، ۸۳
بهرامج البر، ۱۵۹، ۲۰۵	بیخ چکری، ۱۵۴	بیضی، ۸۰	پرسیاوشان، ۷۵
بهرامه، ۲۱۰	بیخ چینی، ۱۰۶	بیطویداس، ۱۹۷	پرسیاوشان، ۷۶، ۱۷۸، ۱۸۷
بهرامه، ۱۳۷	بیخ سنبل، ۲۲۸	بیطونیداس، ۱۹۷	پرکاج (شیراز)، ۱۹۶
بهران، ۱۶۴	بیخ سوسن سفید، ۵۴	بیغانس، ۱۶۸	پرنگ، ۵۹
بَهْرَة، ۱۹۳	بیخ عرطیشا، ۳۴	بیغانن، ۱۱۶	پسته، ۲۲۵
بهرینه، ۱۲۶	بیخ کازران، ۲۶۳	بیقرون، ۵۶	پشم، ۹۴
بهرتا، ۷۲	بیخ لفاح، ۳۰۰	بیتفور، ۲۹۲	پل پرنگ، ۵۶
بهرم، ۲۱۰	بیخ مهک، ۱۸۰	بیقه، ۹۲	پلپل، ۲۲۷
بهرمان، ۲۱۰	بیخین، ۷۳	بیقیه، ۹۲، ۱۰۴	پلپلی، ۲۲۷
بَهش، ۹۱، ۲۸۳	بید، ۱۳۶	بیکن، ۷۲	پلنگ مشک، ۸۳
بهطل کطی، ۲۹۸	بیدار، ۱۴۹	بیل، ۹۲	پلنگمشک، ۲۲۵
بهفانج، ۹۱	بیدانجیر، ۱۳۳	بیلطس، ۱۱۹	پلیهیم (طبرستان)، ۲۱۹
بهقان، ۱۰۲	بید بری، ۱۳۶	بیللم، ۷۵	پُم (فرنگی)، ۱۸۹
بهکتانی، ۷۲	بید گیاه، ۹۹	بیللمون، ۸۲	پنبه، ۲۴۲
بهلاوه، ۸۵	بیدمر، ۴۱	بیلطش، ۸۷	پنبه دانه، ۲۴۲
بَهْمَاه، ۹۱	بید مشک، ۱۳۶، ۱۳۷	بیلئو (لاتینی)، ۹۱	پنجنگشت، ۴۱
بهمن، ۹۱	بید موله، ۱۳۶	بیلیون، ۱۲۱	پنکهرج (بنگال)، ۱۶۹
بهمن الأحمر، ۲۵۸	بیدانجیر، ۱۳۳	بیلئو (لاتینی)، ۲۱۷	پنواز، ۱۰۴
بهمن أبيض، ۱۰۵	بیر، ۱۶۸، ۲۲۲، ۲۴۹	بیم (دیلیم و تنکابن)، ۱۶۷	پنیرک، ۱۲۹
بَهْمی، ۹۱	بیرزد، ۲۴۶	بیثب، ۹۲	پنیرک خطمی (کرمانی)، ۱۲۹
بهنک، ۱۰۳، ۲۴۵	بیرور، ۸۰	بینوق، ۲۴۲	پنیرک (سجری جدید)، ۲۸۴
بَهْنُکْرَه، ۹۱	بیروم، ۴۳	بیوهزا، ۲۳۶	پنیر نخل، ۹۵
بُهونی انوله، ۹۲	پیرون، ۱۴۵	بیوه زا (آذربایجان)، ۹۲	پویهکل (شیرازی)، ۲۲۵
بهولسری، ۹۰	بیره، ۲۶۲		پودنک، ۲۲۹
بهی، ۱۷۲	بیزه، ۹۲، ۲۸۷		پودنه، ۲۲۸، ۲۲۹
بهیره، ۸۷	بیستی کوسک، ۷۳		پودنه جلی، ۲۸۱
بهی (سجری)، ۱۲۶	بیسیم، ۹۲		پودنه صحرانی، ۱۰۵
بیارانکا، ۹۲	بیش، ۹۲، ۲۰۴		
بیای درازاتیم (لاتینی)، ۱۸۸	بیشاک میسور (فرنگی)، ۱۰۰		

## حرف «پ»

بودنه کوهی، ۱۱۰، ۲۲۹	تاتوله، ۱۰۹	تاک پترویداره، ۹۳	تخم بزوشه (تبریزی)، ۲۶۹
پوروس، ۱۲۶	تاج خروس، ۷۹	تاکسوت، ۲۲۴	تخم بلوک (کرمان)، ۸۳
پوست، ۱۳۴	تاجر الاصر، ۳۴	تاکوب، ۵۵، ۲۲۴	تخم بیخ رومی، ۱۹۱
پوست بیخ زرشک، ۳۵	تاجر (فاس)، ۳۴	تاکوت، ۹۳، ۱۶۳	تخم پدران (شیرازی)، ۲۳۵
پوست درخت کاذی، ۴۵	تاج ریزی (اصفهان)، ۲۱۴	تالاسفیس، ۱۰۲	تخم پنوار، ۱۷۹
پوندا، ۲۴۱	تاجیقطن، ۲۸۰	تال شال، ۲۱۰	تخم پیاز، ۸۰
پهته، ۷۵	تار، ۹۲	تالکن، ۲۹۸	تخم ترخر (شیرازی)، ۲۳۵
پهیلی، ۲۵۷	تارنقه، ۱۴۷	تال مکهارا، ۹۳	تخم ترشه، ۱۲۲
پهین چهر، ۲۲۶	تاره قبرونه، ۶۵	تال مکهانابول، ۹۳	تخم ترشیشک (شیرازی)، ۱۲۲
پیاز تلکه (شیرازی)، ۸۵	تازیل، ۲۷۰	تالیس، ۱۶۱	تخم تره تیزک، ۱۱۵
پیاز دشتی، ۴۹	تازرت، ۹۶، ۹۲	تالیسپتر، ۱۶۱	تخم توخره، ۲۳۵
پیاز موش، ۴۹	تازرت، ۲۲۲	تالیسفیس، ۲۸۱	تخم جزربری، ۱۴۸
پیاز نرگس، ۲۹۰	تازغلّت (بربری - مصر)، ۲۵۰	تامرت، ۲۶۷	تخم چکوند، ۱۷۹
پیپل، ۱۴۲، ۲۲۸	تازلفت، ۵۵	تامسورت، ۹۳	تخم خرد، ۱۲۹
پیپلامور، ۲۲۸	تازلفت الینو، ۵۵	تاممشت، ۲۰۲	تخم خیار، ۲۳۴
پیپلامول بلام، ۲۲۸	تاسکرا، ۲۲۵	تاموک، ۶۷	تخم دل آشوب (شیرازی)، ۴۱
پی پل مول، ۲۲۸	تاسلت، ۱۵۹	تامول، ۹۳	تخم ریباس، ۱۱۱
پیپلی، ۱۴۲	تاسلغا، ۲۱۸	تانبول، ۹۳	تخم زرداب، ۹۹
پیته، ۲۳۷	تاسلفی، ۱۱۵	تانقیت، ۹۳	تخم سپندان، ۱۱۵
پیچک، ۲۵۷	تاسلقا، ۱۷۰	تاوه، ۱۰۴	تخم قاوند، ۲۳۳
پیچک (شیرازی)، ۲۵۷	تاسلقوا (فاس)، ۱۳۲	تاینس، ۱۵۵	تخم کاج، ۱۱۲
پیر در بهار، ۷۰	تاسمُت، ۱۲۲	تألب، ۹۳	تخم کاجره (گیلان)، ۲۳۶
پیرز، ۱۶۷	تاسمُت، ۱۲۲	تباکیر، ۱۹۹	تخم کازیره (گیلان)، ۲۳۶
پیرزد، ۷۲	تاشمست، ۱۲۲	تبرنه، ۲۷۱	تخم کافشه، ۲۳۶
پیزا، ۷۵	تاشمصت، ۱۲۲	تبرزد، ۲۰۰	تخمکمان (تبریز)، ۸۳
پیزد، ۷۵	تاصالیمت، ۸۰	تین مکه، ۴۳	تخم کرفس رومی، ۲۶۱
پیزرا، ۱۲۱	تاغغیت (آفریقا و تونس)، ۱۳۳	تبن مکه (فاس)، ۴۳	تخم کشوت، ۲۵۸
پی زمی، ۲۶۰	تاغندشت، ۲۰۵	تبهو، ۲۴۱	تخم کلم (شیرازی)، ۲۵۵
پیل، ۴۳	تاغیشیت، ۱۵۸	تترک، ۱۷۵	تخم کنب، ۱۱۱
پیلان فردی، ۹۹	تاغیغشت، ۲۰۷، ۱۷۱	تتل، ۱۷۵	تخم گزر، ۱۰۳
پیل زهره، ۱۲۰	تافزیرت، ۱۲۶	تتلی (بنگال)، ۱۶۷	تخم نیلوفر، ۱۱۳
پیل گوش، ۲۳۰	تافسیا، ۹۷، ۱۶۷	تج، ۱۷۴، ۲۳۸	تخم نیلوفر هندی، ۵۴
پیل گوشک، ۲۳۰	تافندوت، ۱۰۹	تحلی، ۱۱۵	تخم وهل، ۳۹، ۴۰
پیلووجال، ۴۳	تافیزان، ۱۰۳	تخصیص، ۲۵۳	تخمه، ۹۹
پیوند مریم، ۱۱۲	تافیرا، ۲۵۹	تخم، ۹۹	تذری (شیراز)، ۹۶
	تافیرا، ۱۷۲	تخم اسبست، ۱۵۶	تراب القی، ۱۱۴
	تاک، ۲۲۲، ۲۵۵	تخم امروود جنگلی، ۱۴۲	
		تخم اهر (شیرازی)، ۲۶۹	

تراب الهالك (عراق)، ۶۸	ترمس، ۹۳	تفاح الارمنى، ۲۸۲	تلیوت، ۲۵۰
تراست، ۸۰	ترمس الثعلب، ۹۳	تُفاح الأرض، ۶۴، ۷۰، ۱۲۸	تمتم، ۱۷۵
ترانشول (اندلس)، ۱۹۴	ترمس الحجل، ۹۳	تفاح الجمل، ۲۳۶	تَمَر، ۹۴
ترب، ۲۲۳	تُرمس الخنزیر، ۱۵۷، ۹۳	تفاح الجن، ۱۴۹، ۲۷۰	تمر، ۲۳۹
تریج، ۹۳	ترمشیر (نبطی)، ۲۸۱	۳۰۰	تَمِر، ۲۹۶
تُرَید، ۶۰، ۹۳، ۱۵۲، ۱۷۳	تُرُمی أیمازوس، ۹۳	تفاح الدب، ۴۱، ۹۴	تمر، ۹۴
۲۴۵، ۲۰۳	تُرَنج، ۴۰	تفاح الفارسی، ۱۳۹	تمر الجوز، ۲۰۵
ترید ابیض، ۹۳	ترنجاش، ۱۱۳	تفاح ارمنى، ۲۸۲	تمر الذهبی، ۳۹
تریزه (شیراز)، ۲۲۳	ترنجان، ۷۱، ۸۳، ۱۱۳، ۲۸۳	تفاح بری، ۹۴، ۱۶۲	تمر الهندیة، ۳۹
تریوز، ۸۲	ترنجان الثعلب، ۱۱۷	تفاح فارسی، ۱۳۹	تمر هندی، ۹۵، ۱۲۴
تربة، ۹۳	ترنجبین، ۱۱۰، ۱۹۳	تفاح مانی، ۳۹	تمر هندی ترش، ۱۹۴
تربة العسل (اندلس)، ۱۰۷	تُرَنج (فاس)، ۴۰	تفاح ماهی، ۳۹	تمر هیرونی، ۹۵
تریزک (شیرازی)، ۲۲۳	تُرَنگ (اهواز)، ۴۰	تفاح، ۸۳، ۸۴، ۹۴، ۲۹۶	تمش (جرجان)، ۲۱۳
تُرَبیزه، ۱۳۰، ۲۲۳	تره (اصفهان)، ۲۵۲	تَفّاء، ۱۱۵	تفک، ۶۷، ۲۷۴
ترثلی، ۲۰۴	تره تیزک، ۱۰۲	تفده، ۲۵۶	تمک، ۱۱۴
ترتیق، ۲۰۴	تره خراسانی، ۷۱، ۸۳	تفسیا، ۹۷، ۱۶۷	تملمح، ۱۵۳
ترخانی، ۲۰۲	تره داهان، ۸۳	تفوریة، ۲۱۹	تملول، ۱۷۵، ۲۴۵
ترخر، ۱۴۸	تره گربه، ۸۳	تفده، ۲۵۶	تمنس، ۲۷۷
تر (خراسان)، ۱۱۰	تُرَهْلا، ۷۷، ۲۱۹	تَفْده، ۲۵۷	تموش (دیلیم)، ۲۱۳
ترخونی (شیرازی)، ۲۰۲	ترهْلان، ۱۹۹	تَفْده، ۲۵۷	تمول، ۲۴۵
تُرَس الماء، ۲۹۲	ترهلان (آفریقا)، ۲۱۹	تَفْده، ۲۵۶	تمیط، ۱۱۴
ترسک (شیرازی)، ۱۲۳	ترهلیان (نبطی)، ۱۴۸	تقرد، ۲۵۶	تمیم، ۲۴۵
ترسی، ۹۳	تره میره (سیستان)، ۱۰۲	تَقْرَد، ۲۵۶	تنالیش، ۱۱۵
ترشح، ۱۲۲	ترهیلیه (نبطی)، ۱۴۸	تقرزین، ۱۱۳	تنایس، ۲۶۶
ترشک، ۱۲۲	تریاق کوهی، ۲۷۷	تکر، ۴۶	تنبل، ۹۳
ترشه، ۱۲۲	تریاق نبطی، ۳۰۰	تَکْطِشْت، ۲۰۵	تنبول، ۹۳
ترشه (شیراز)، ۱۲۲	تریامان، ۵۴، ۹۴	تَکُوت (مغرب)، ۲۲۴	تنزیک، ۱۷۵
ترشینک، ۱۲۲	ترزلیت، ۹۴	تِل، ۱۷۶	تَنْصَب، ۹۴
تُرَف، ۹۷، ۱۴۷	تستر، ۲۰۵	تلاد، ۳۴	تنطریه، ۲۹۲
ترفاس، ۲۶۰	تستریة، ۲۰۵	تلاسفین، ۱۱۶	تَنعیمه، ۹۴، ۹۵
ترفاس (مغرب)، ۲۶۰	تسکرت، ۹۸	تلاشفین، ۱۱۵	تنکر، ۲۱۷
ترف (خراسان)، ۱۲۴	تسوت، ۹۳	تلخه پیاز، ۸۵	تنوب، ۴۴، ۱۹۶، ۲۴۱
ترفس، ۲۶۰	تشمیز، ۷۹	تُلَسْفی، ۱۱۵، ۱۱۶	تُوب، ۱۹۶، ۱۹۷
ترله بانس، ۲۴۰	تُشمیزج، ۹۴	تلسی، ۱۸۴	تنوم، ۵۹، ۱۱۲، ۲۹۲
ترمانان، ۵۴	تشن (سیستان)، ۹۴	تلسی جنگلی، ۷۱	تَنوم، ۹۵
ترمر، ۱۰۲	تشیک (زابل)، ۱۸۳	تلغوطه، ۳۷	تَنوم، ۲۰۴
تُرُم (ری)، ۱۶۴	تَغِغِشْت (فاس)، ۲۶۳	تلکنت، ۶۷	تنیفن، ۱۰۴
تُرُمس، ۹۳، ۱۰۲	تُفّاح، ۶۴، ۹۴	تلیش، ۲۴۲، ۲۸۴	تنین، ۲۷۳



توانیقی، ۱۱۲	تونیا (هندی و سندی)، ۱۶۱	تین الرحانی، ۹۶	ثغامة، ۴۸
توبالاغ، ۱۷۱	تُوینته، ۱۷۹	تین الفُج، ۱۸۴	ثُفَاء، ۱۱۵
توبیج، ۲۶۶	تویوش، ۱۶۴	تین الفیل، ۱۰۸	ثغاة، ۱۱۵
توت، ۹۵	توئمان، ۹۶	تین أحمق، ۱۰۵	ثقولس، ۲۹۷
توت الثُغَلْب، ۱۷۹	ته توره، ۱۰۹	تین بری، ۹۶	ثلاسفی، ۱۱۵
توت الثعلب، ۱۷۹	تَهْکار، ۹۶	تین جبلی، ۹۶، ۱۰۵، ۱۲۷	ثَلْب، ۹۷
توت الحریر، ۹۵	تهلول، ۷۶	تین مکه، ۴۳	ثلاثان، ۲۱۴
توت العلیق، ۲۱۳	تهور، ۱۶۳	تیواج، ۹۷	ثَلْثان، ۲۴۹، ۲۱۵
توتاملون، ۳۰۰	تیاج، ۱۵۲	تیونی، ۲۹۰	ثَلْثان، ۲۱۵
توت حامض، ۹۵	تیبی ان وامان، ۱۲۹		ثَلْس، ۲۴۰
توت حلو، ۹۵	تیرحله، ۴۶		ثلسفی، ۱۳۱
توت سه گل (شیراز)، ۲۱۳	تیزغا (فاس)، ۲۱۹		ثمارون، ۲۰۸
توت شامی، ۹۵	تیزمارت، ۷۰	ثابقا، ۲۱۳	ثَمَام، ۹۷
توت لَحْن، ۹۵	تی سملیل، ۲۰۹	ثاروبیا، ۲۳۰	ثَمَام، ۱۵۱
توت نبطی، ۹۵	تیسو، ۸۵	ثافیشیا (مغرب)، ۹۷	ثمیرا، ۱۹۵
توت وحشی، ۲۱۳، ۹۵	تیسی، ۲۵۱، ۲۰۱	ثافیقرا، ۱۴۶	ثمرالغالبه، ۱۰۸
توجدة (مغرب)، ۸۲	تیشرت، ۹۸	ثاقب الحجر، ۷۹	ثمر الفؤاد (مصر)، ۸۶
توجردره (مغرب)، ۸۲	تیطرا انگورن، ۲۳۴	ثالاسطون، ۱۵۸	ثمر پشه، ۱۰۵
تودری، ۴۶، ۱۹۰	تیطمست، ۴۳	ثالاسفیس، ۱۱۵	ثمر شجر الکافور، ۵۴
تودری، ۹۶	تِبْغَل، ۱۲۶	ثالیطرن، ۹۷	ثمره الدب، ۲۸۰
توذریج، ۹۶	تيفرست، ۲۶۱	ثالیل الجنات، ۷۲	ثمره الکبر، ۲۵۰
تُوَرْتی، ۹۶	تيفست ازوزغار، ۲۵۱	ثامر، ۱۲۲	ثملول، ۲۴۵
تورک، ۸۳	تيفلت (فاس)، ۲۹۷	ثامرا، ۲۷۱	ثُمَيْلَه (اندلس)، ۴۷
تورکی (شیراز)، ۸۳	تیکظا، ۱۳۲	ثامروان، ۲۷۱	ثوب مُبْهَرَم، ۲۱۰
تورم، ۳۴	تيلت اینرقت، ۱۱۹	ثبوریدوس، ۲۲۸	ثور، ۲۰۰
توز، ۱۲۷، ۲۶۴	تیمجَا (مراکش)، ۲۲۹	ثُداء، ۹۷	ثوس، ۱۱۰
توزانکون ناریه (فرنگی)، ۱۱۱	تیمرساط، ۲۲۹	ثُرْثوقس ایماروس، ۱۳۳	ثوع، ۹۷
	تیمزین، ۱۲۶	ثرمان، ۹۷	ثوم، ۴۹، ۸۰، ۹۸، ۱۵۷
توشیر، ۱۹۹	تیمشطان، ۱۴۹	ثُرْمان، ۱۲۳	ثُوم، ۹۷
توفته، ۵۲	تیمط (اندلس و مغرب)، ۲۲۵	ثُرْمَد، ۱۲۳	ثومادیرا، ۹۸
توله بانس، ۱۹۹	تیمق (اندلس و مغرب)، ۲۲۵	ثرودوقس ایمارس، ۱۳۳	ثومارس، ۱۰۶
توما، ۹۸	تین (اندلس و مغرب)، ۲۲۵	ثریا، ۹۷	ثومالا، ۲۷۷
تومالی، ۲۷۵	تین، ۶۲، ۹۶، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۸۴	ثریا (اندلس)، ۷۰	ثومالا، ۲۷۷
تومرنا، ۲۰۱	تین آدم، ۶۶	ثعاله، ۲۴۹	ثوم البستانی، ۹۸
تومس، ۱۱۰	تین ایض، ۸۶	ثُغْب، ۹۷	ثوم الجبلی، ۸۰
تومین (لبنان)، ۲۷۱	تین الاحمق، ۱۰۵	ثعره، ۲۵۶	ثوم الحیه، ۴۸
تونبری، ۲۳۷		ثَغَام، ۹۷	ثوم الحیه، ۴۹، ۹۸
تُون تَرَه، ۱۱۵		ثغام، ۲۹۱	ثوم الحیة، ۹۸، ۱۰۶، ۱۸۹

### حرف «ث»

ثوم الصفادع، ۹۸	جام بَهل، ۱۰۰	جُبَلین، ۱۱۷	جرجیر الماء، ۱۰۲، ۱۵۹
ثوم الکلب، ۴۸	جامسه، ۷۳	جبن، ۱۴۵	۱۸۲، ۲۳۵، ۲۵۴
ثوم بری، ۹۸، ۴۹، ۹۸	جامسیه (مصر)، ۷۳	جَبْن الثعبان، ۲۷۳	جَرَجیر الماء (مغرب)، ۲۳۵
ثوم جبلی، ۹۸	جامع البَضع، ۱۰۱	جبن القروء، ۲۷۳	جرجیر الهر، ۱۰۲
ثوم ذی الأستان، ۹۸	جامع البَضع، ۱۵۷	جَبه، ۱۰۱	جرجیر بری، ۷۰
ثومس، ۱۱۰	جامع اللحم، ۱۰۱	جبین جبن، ۱۴۵	جرجیر بیابانی، ۷۰
ثومش، ۹۹	جامول الکتان، ۲۵۸	جشجات، ۷۶، ۱۰۱، ۲۴۷	جرذیونہ، ۱۰۸
ثومش، ۱۱۰	جامول الکتان (اندلس)، ۱۶۷	جَشْم، ۱۲۶	جرز الشیاطین، ۳۶
ثوم کُرائی، ۹۸	جامون، ۱۰۰	جحفیل، ۴۷	جرمامه، ۲۶۵
ثومون، ۹۹	جامه خواب، ۲۰۰	جحلق، ۳۷، ۶۷	جرمامة، ۱۰۳
ثومية، ۹۸	جاوردشیر، ۱۰۰	جحلیق، ۶۷	جرمان، ۲۰۲
ثیل، ۴۴، ۹۹، ۲۱۲	جاوزس، ۱۰۰	جَخِجَن (اهل هری)، ۹۴	جرموز، ۸۴
ثیل، ۱۲۳	جاورس، ۱۴۳، ۱۵۰	جُذری (بلخ و طخاری)، ۲۲۶	جَزْمیلک، ۱۰۳
ثیلوطارس، ۱۵۷	جاورس هندی، ۱۰۰	جَدَف، ۱۷۴	جزنوب، ۱۰۳
<b>حرف «ج»</b>			
جابور، ۹۹	جاوروس، ۱۴۳، ۱۰۰	جَدوار، ۱۰۱، ۱۴۴	جریال، ۱۰۳
جاجر، ۱۰۴	جاوروس هندی، ۱۴۹	جدوار اندلسی، ۶۴	جریال بقم، ۱۰۳
جاجوشی (شیراز)، ۱۰۰	جاوشیر، ۱۰۰	جراد بحری، ۴۴	جریلہ خمر، ۱۰۳
جادوبوی، ۱۰۷	جاونری، ۱۰۷	جراشیا، ۲۳۴	جز (تکنابن)، ۳۶
جادی، ۱۶۳	جابهتک، ۷۴	جراطه، ۱۰۲	جَزَر، ۵۴، ۱۰۳
جادیفل، ۱۰۷	جاهی، ۲۰۵	جراطه، ۱۲۲	جزر البری، ۶۰، ۱۴۸
جار النهر، ۹۹	جای بل، ۱۰۷	جر المشایخ (آفریقا)، ۷۴	جزر البستانی، ۱۴۸
جارکون، ۱۰۷	جای پهل، ۱۰۷	جرامغه، ۱۴۸	جزر بری، ۵۰، ۲۲۹، ۲۹۰
جاسا آکاما، ۴۱	جَبَا، ۲۶۰	جرامقه، ۱۴۹	جزمارج، ۲۰۲
جاسوس، ۱۰۰	جَبَاة، ۲۶۰	جَزْنه، ۱۴۸	جزو اعظم، ۲۴۵
جاسه، ۷۳	جبراهنگ، ۱۰۱	جرینه، ۴۳	جزیری، ۸۰
جاشوش، ۱۰۰	جبرش، ۲۵۰	جربوز، ۸۴ (شام)	جَساد، ۱۶۳
جافر (هرات)، ۱۱۷	جبروان، ۶۷	جُربونه، ۲۵۳	جسد، ۱۶۳
جاکج (خوارزم)، ۹۴	جَبَرَة (مغرب)، ۱۰۱	جرجار، ۱۰۲	جسمی، ۱۱۸
جاکجو (خوارزم)، ۹۴	جبل المساکین، ۱۲۱	جَزْجِر، ۹۳	جَطْرغ، ۱۹۳
جاکمو، ۹۴	جبل اهتق، ۱۰۱	جرجر المصری، ۹۳	جَطْره، ۱۲۲
جاکله، ۹۴	جَبْلاهنگ، ۱۰۱	جرجر (عراق)، ۷۳	جطریا، ۴۰
جالکری، ۲۲۸	جبل هنج، ۱۰۱	جرجس، ۱۶۶	جطیره، ۱۲۲
جالقیس دس، ۲۲۳	جبلهنج، ۱۰۱	جرجمه، ۱۳۷	جَعْد، ۲۵۶
جامالا، ۲۷۷	جَبْلَهَنج، ۱۰۱	جرجیر، ۱۰۲	جَعْداء، ۱۰۳، ۲۵۴
جاماها (سند)، ۶۲	جبلهنگ، ۹۳	جرجیر، ۱۰۲	جَعْدَه، ۱۰۳
	جبلهنگ، ۱۰۱	جرجیر البری، ۷۰	جَعْدَه، ۱۲۰، ۲۸۱
	جَبْلَه، ۸۰	جرجیر الکلاب، ۱۰۲، ۱۱۵	جَعْدَه، ۲۳۰

جعدہ کبیر، ۱۰۳	جلجلان (حبشه)، ۱۷۶	جُمْلَج، ۶۶	جنجر، ۶۶
جَعْدَةُ الجُدْران، ۱۰۳	جلجلان مصری، ۸۰	جُمْلَج، ۱۷۰	جنجقش، ۸۳
جعدة الجُدْران، ۱۱۹	جلجمانا، ۲۳۴	جملج (اندلس)، ۲۱۹	جنجل، ۱۰۶
جعدة القَنَا، ۷۶، ۱۰۴	جلدان، ۱۰۴	جُمُئِز، ۹۶	جنجه، ۹۵
جَعْدَةُ الماء، ۲۵۴	جلغوزه، ۱۱۲، ۱۹۶	جُمِيز، ۹۶	جَنجِیدِیون، ۱۰۳
جعدة بحری، ۱۰۳	جلغوزه مصری، ۱۰۵	جَمِيز، ۱۰۵	جنجیدیون، ۱۰۶
جعدة حَرَّان، ۲۰۳	جلماث، ۲۳۴	جَمِيز، ۱۰۵	جنخلیدس، ۱۸۹
جعفری، ۹۶	جُلنار، ۱۰۴	جُمُئِز، ۱۲۳	جنسفسوح، ۲۴۲
جعفریه، ۲۰۱	جلنار، ۱۵۶	جُمِيز، ۱۵۷	جنشاله، ۱۵۲
جعفریه (جرجان)، ۱۱۷	جُلنار بری، ۲۰۱	جَمِیم، ۹۱	جنطیان، ۱۰۶
جَعْفِیل، ۱۱۸، ۲۰۱	جلنجمون، ۱۰۵	جن آر، ۱۹۶	جَنطِیانَا، ۱۰۶
جَعه، ۱۵۰	جلنجویه، ۱۰۵	جنا الاحمر، ۵۸	جَنطِیانَا، ۱۰۶
جَعِیداء، ۱۰۳	جُلنسرین، ۱۰۵	جناح، ۱۵۳	جنطیانَا، ۲۵۸
جَعِیدِیْلَه، ۱۰۳	جل نیل، ۲۵۰	جناح البشر، ۷۳	جنطیانَا الجرْمَقانی، ۱۰۶
جغثاریحْثانا، ۲۷۷	جُلوز، ۸۸، ۱۰۵	جناح التیس، ۱۰۶	جنطیان الرومی، ۱۰۶
جغزیه، ۱۷۹	جِلْوز (مغرب)، ۱۰۵	جناح الزرزور، ۷۹	جنطیانَه، ۱۲۶
جغش (هرات)، ۱۱۷	جلوقوریزون، ۱۸۰	جناح النسر، ۱۵۷	جنکک (بلخ)، ۱۳۲
جُفْت آفرید، ۱۰۴	جلوکا، ۱۰۰	جناح (اندلس)، ۱۵۳	جنکهارمول، ۱۱۸
جفت البلوط، ۸۶	جُلهم، ۱۰۵	جَنار، ۱۴۶	جنکی چنبیلی، ۲۰۵
جفت آفرید، ۱۵۷	جلهنک، ۱۰۱	جَن القتال، ۱۴۷	جنگلا، ۱۱۲
جُفَرِی، ۲۴۸	جلیط، ۱۰۵	جناماسی، ۱۷۷	جَنی، ۱۰۶
جَفْن، ۱۰۴	جلیف، ۱۰۵	جناء، ۱۰۶	جَنی، ۱۰۶
جقلال، ۲۶۶	جلیقی، ۹۶	جناء الاحمر، ۸۴	جَنی الاحمر، ۲۳۱
جَقوطَه (لاتینی)، ۱۹۱	جُمَّار، ۹۵	جَناء الاحمر، ۲۱۱	جَنی الاحمر، ۲۴۲
جُکری، ۱۵۹	جماز (تنکابن و دیلم)، ۱۶۹	جناء الاحمر، ۲۴۲	جَنی العُشر، ۱۳۱
جگری، ۱۵۹	جم اسپرم، ۱۶۰	جَنَبَد، ۱۰۴	جنیه، ۱۴۹
جُل، ۲۹۴	جمان، ۱۶۹	جنبه، ۷۵، ۸۹، ۹۷، ۱۰۰	جو، ۱۸۷
جلبان، ۷۹، ۱۳۷، ۲۱۳	جماهو سلیمان، ۱۰۵، ۱۶۰	۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۲، ۱۲۵	جوار، ۱۰۰، ۱۳۹، ۱۴۹
۲۳۷	جم جم، ۱۰۵	۱۳۸، ۱۵۳، ۲۴۸، ۲۶۳	جواری، ۱۴۹
جُلْبان، ۱۰۴، ۲۶۳، ۲۸۱	جَمْجَم، ۱۰۵	۲۸۰، ۳۰۰	جواسا، ۷۱، ۱۱۰
جُلْبان البری، ۵۶	جَمْجَوا، ۱۰۶	جنید، ۱۹۵	جواشیر، ۱۰۰
جلب (انگلیسی)، ۱۰۴	جمرة الارض، ۱۰۵	جَنَتْ قابضة، ۱۰۵	جُوان سَبَرَم، ۱۰۶
جلبانه، ۱۳۷	جَمَرَة الارض، ۲۰۱	جَنَتْ قابضة، ۱۹۲	جوانسپرَم، ۱۸۳
جلیوب، ۱۰۳	جَمَرَة (فاس)، ۳۴	جَنَتْ قابضة (لاتینی)، ۲۳۶	جوانسفرَم، ۱۸۳
جَلْبَهَنک، ۱۰۱	جمسفرَم، ۱۰۵	جنتوریه، ۲۴۵	جو برهنه، ۱۷۳
جُلْجل، ۴۶	جمسفرَم، ۱۰۵	جَنجَبانَسَة، ۱۰۶	جوج، ۴۳
جلجلان، ۱۷۶، ۲۵۷	جمسینج (خوارزم)، ۹۴	جنجبانسه، ۱۳۹	جوجادو، ۱۴۱
جلجلان الحبشه، ۱۰۴	جَمَشک، ۹۴	جنجبنیه، ۱۲۲	جوجهرج، ۱۴۵

جوده (فرنگی)، ۲۶۱	جوز النسر، ۱۰۹	جیدار، ۱۰۹	چشوم، ۹۴
جَوْدَر، ۱۰۶، ۲۱۹	جوز النعاس، ۱۰۹	جیرش، ۱۰۹	چغرب، ۱۸۰
جورانکلی، ۵۳	جوز الهند، ۱۰۹، ۲۸۷	جیروا (سندی)، ۲۶۲	چغزب، ۱۸۰
جوراوراج ناکهه، ۲۷۲	جوز الیسرو، ۱۰۹	جیسو (فرنگی)، ۹۲	چغندر، ۱۷۳، ۱۷۴
جوری، ۳۰۰	جوز أرمانيوس، ۱۰۷	جیکلک، ۱۰۹	چَکَوْتَرَه، ۱۰۴
جوز، ۹۴، ۱۰۶، ۲۹۰	جَوَزَيَو، ۱۰۷	جیلام (گیلان)، ۱۷۹	چَکُونَد، ۱۰۴
جَوَزِ اَرَقَم، ۱۰۷	جوزیو، ۱۰۷	جیلان (گیلان)، ۱۷۹	چَکِی، ۱۰۴
جوز الایض، ۲۹۰	جوزیویا، ۱۰۷	جیلغوز، ۱۰۵	چگندر، ۱۷۴
جوز الاکل، ۱۰۷	جوز جنا، ۴۳	جَینَت، ۱۰۹	چَلاپا، ۱۰۴
جوز الأنهار، ۱۰۷	جَوَزِ جَنَدَم، ۱۰۷	جینه، ۱۰۹	چلغوز، ۱۹۶
جوز الحیل، ۱۰۵	جَوَزِ جَنَدَم، ۱۶۵		چمکدلا، ۲۴۳
جوز الحیشه، ۱۰۸	جوز جندم (رقه)، ۱۳۰		چنار، ۱۴۵، ۱۹۶
جوز الخَمْس، ۱۰۸	جوز داود، ۱۰۸		چنار (شیراز)، ۱۴۵
جوز الدفع، ۱۰۸، ۱۵۷	جوز روت، ۱۰۹		چنبیلی، ۲۹۹
جوز الدُّلْب، ۱۴۵	جوز رومی، ۱۰۸، ۲۶۴		چند سر، ۱۰۲
جوز الرُتَه، ۵۴	جوز زوان، ۱۶۴		چند سور، ۱۰۲
جوز الرُتَه، ۸۸	جوز سودار، ۱۳۹		چندن، ۱۹۶
جوز الرُقَع، ۱۰۸	جَوَزِ مَاتِل، ۱۰۹		چَنیا، ۱۰۶
جوز الریح، ۱۰۸، ۲۷۱	جوز ماث، ۱۰۹		چوب چینی، ۱۰۶
جوز الزَنْج، ۱۰۸	جوز ماثا، ۱۰۹		چوب چینی خطائی، ۱۰۶
جوز السرو، ۱۷۰	جوز مائل، ۲۷۹		چَوْلانی، ۱۰۹
جوز السواک، ۱۰۷	جوز ماثم، ۱۰۹		چونلانی، ۸۴
جوز الشیرک، ۱۰۸	جوزناق، ۹۰		چوه صباغان، ۳۴
جوز الطیب، ۱۰۷	جوز هندی، ۲۸۰، ۲۸۷		چوهه کنی، ۳۴
جوز الغَبْهَر، ۱۰۸	جوزة القروء، ۵۲		چهارا، ۹۴
جوزالعد، ۱۰۶	جوشیصا، ۱۰۹		چهار مغز، ۱۰۶
جوز العرعر، ۳۹	جوک، ۷۱		چهال کری، ۲۲۸
جوز القروء (فاس)، ۵۲	جوگندم (زابل)، ۱۷۳		چهر بخای ها، ۲۲۶
جوز القَطَا، ۱۰۷	جولاه کش (سیستان)، ۷۱		چهریله، ۵۲
جوز القِطَاة، ۱۰۸، ۲۴۹، ۲۹۰	جَوَلَق، ۱۴۱		چهوتی مائین، ۴۰
جوز القی، ۱۰۸	جولق (اندلس)، ۱۰۹		چیال، ۱۴۷
جوز القی، ۱۰۸، ۱۰۹	جَوَلَه (لاتینی)، ۲۱۱		چیپُرک، ۱۹۳
جوز الکَوْتَل، ۱۰۹	جوهی، ۲۰۵		چیر، ۱۴۹
جوز المائل، ۱۰۹	جهاز، ۲۰۲		چینه کبوتران، ۱۵۶
جوز المَرَج، ۱۰۹	جهاز قرچه (بنگال)، ۱۱۳		
جوز المزج، ۲۴۹	جهاز، ۴۰		
جوزالملک، ۱۰۷	جهنک، ۱۰۳		
	جیپالگوت، ۲۷۶		

حب المِشم، ۲۸۵	حب العزیز، ۱۱۲	حباقی، ۱۲۵	حافِطی، ۱۰
حب المِشم، ۱۱۳	حب العصفَر، ۲۱۰، ۲۳۶	حب الاثل، ۲۰۲	حاج، ۲۱۲، ۲۰۵، ۱۱۰
حب النسل، ۴۱	حب الغار، ۱۴۹	حب الاس، ۳۱، ۳۵	حاحی اکامی، ۴۱
حب النشم، ۱۱۱	حب الغراب، ۴۲	حب الانبیر یارس، ۶۱	حادطیح (سندی)، ۲۳۸
حب النعام (مغرب و اندلس)، ۲۲۶	حب الفار، ۱۱۲	حب الاثل، ۹۳	حاذ، ۱۱۰
حب النیل، ۱۱۳، ۲۳۷، ۲۹۲	حب الفقد، ۴۱	حب البان، ۱۱۱	حاراسوافی، ۹۳
حب بلسان، ۱۱۱	حب الفنا، ۲۱۴	حب البطیخ، ۸۱	حارز الانهار، ۱۱۰
حب جنکلا، ۱۱۱	حب الفول (مصر)، ۱۸۶	حب البقر، ۲۵۳	حارز الماء، ۱۱۰
حبِجَو (عمان و شحر)، ۱۱۱	حب الفهم، ۸۵	حب البلسان، ۸۶	حارس، ۱۱۰
حبربان، ۱۱۳، ۱۳۳	حب القثا، ۲۷۹	حب الحلو، ۶۷	حارسوهک (شیراز)، ۱۱۸
حب سجستانی، ۲۳۲	حب القرع، ۲۳۷	حب الخروع، ۱۳۳	حارکو، ۱۴۴
حب سرم بری، ۱۸۳	حب القطن، ۲۴۲	حب الخضراء، ۸۱	حاسیس، ۱۱۱
حب سلاطین، ۱۴۷	حب القلب، ۸۵	حب الدسم، ۱۱۱	حاشا، ۹۹، ۱۱۰، ۱۹۵، ۲۲۹
حبشة، ۱۰۴	حب القلت، ۱۱۲	حب الدود، ۲۵۵	حاشیش، ۱۱۱
حب صنوبر صغار، ۲۴۱	حب القلقل، ۴۵، ۱۱۲	حب الدهمست، ۱۴۹	حافر المهر، ۱۷۹
حب صنوبر کبار، ۲۴۱	حب القلقل، ۱۵۸، ۲۸۳	حب الراس، ۱۱۱، ۲۸۷	حافظ اطفال، ۲۲۴
حبَق، ۱۱۳، ۱۶۰	حب القوقایا، ۱۵۹	حب الراسن، ۱۱۱، ۲۸۷	حافظ الاجساد، ۴۹
حبَق، ۱۲۷	حب الکاکنج، ۲۴۹	حب الرشاء، ۱۲۲	حافظ الارواح، ۴۷
حبَق، ۲۲۹	حب الکاکنج الجبلی، ۱۰۹	حب الرشاد، ۱۰۲، ۱۱۵	حافظ الاطفال، ۵۵، ۲۲۴
حبَقا (اندلس)، ۱۱۹	حب الکلی، ۶۳	حب الرشیا، ۱۲۲	حافظ الأجساد، ۹۸، ۱۸۹
حبَق البربری، ۷۱	حب الکلی، ۳۰۱	حب الرمان، ۱۵۷	حافظ الطفل، ۲۲۴
حبَق البقر، ۷۰	حب الکلی (مصر)، ۶۲	حب الرند، ۱۴۹	حافظ الموتی، ۴۹، ۹۸
حبَق الترنجانی، ۱۱۳	حب الکلی، ۱۳۲، ۱۹۶	حب الریاس، ۱۱۱	۱۸۹
حبَق التماسح، ۱۹۸	حب الکثری، ۲۶۱	حب الزرقه (بحرین)، ۷۸	حافظ النحل، ۵۵، ۲۳۶
حبَق التماسح، ۲۲۹	حب الکنی، ۶۳	حب الزلم، ۴۹، ۱۱۲، ۱۶۳	حاقی، ۲۹۱
حبَق الحاحی، ۱۱۳	حب اللهق، ۲۴۹	حب الزلم، ۱۱۱	حالب، ۴۷
حبَق الحَر، ۱۱۳	حب اللهو، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۴۹	حب السیفنه، ۱۱۱	حالبی، ۵۴، ۱۳۱
حبَق الحمامی، ۲۰۲	حب اللهو (مغرب)، ۲۱۴	حب السود، ۲۶۹	حالتی الشعر، ۲۲۲
حبَق الراعی، ۷۶	حب اللهو (مغرب و اندلس)، ۲۱۵	حب الثبرم البری، ۱۸۳	حالوما، ۳۸، ۳۹، ۱۹۰
حبَق الشیوخ، ۲۸۰	حب اللُهو (مغرب و اندلس)، ۲۱۵	حب الشجره (مصر)، ۴۱	حاله غوره، ۶۲
حبَق الصعتری، ۱۱۳، ۱۸۳	حب المَحَلَب، ۱۱۲	حب الصبیان، ۸۶	حاماقسیس، ۱۱۱
حبَق الصلقلی، ۱۱۳	حب الملوك، ۱۱۳، ۱۴۷	حب الصراط، ۲۷۵	حاماسوقی، ۱۱۱
حبَق العریض الورق، ۱۱۳	حب الملوك، ۲۷۶	حب الصنوبر، ۱۹۶	حامافیطوس، ۲۶۱
حبَق الفنی، ۱۱۳، ۲۷۹	حب الملوك (مغرب و اندلس و فاس)، ۲۳۴	حب الصنوبر الصغار، ۱۱۲	حاوزوان، ۲۵۲
حبَق الفیل، ۲۷۹	حب المِشم، ۱۱۳	حب الصنوبر الکبار، ۱۱۲	حبّارهای، ۷۹
حبَق القَرْنَقلی، ۷۱		حب العرعر، ۴۰، ۲۰۸	حباقا، ۱۲۵
حبَق القَرْنَقلی، ۱۱۳		حب العروس، ۲۴۹، ۲۵۰	حباقا، ۱۲۶، ۱۵۰
		۲۹۲	حباقا (اهالی حیره)، ۱۵۰

حَبَقُ الْقَرْنَقُلَى (فاس)، ۱۸۴	حبیقه (اندلس)، ۱۱۹	حَرْشَفُ الْبَرَى، ۱۱۴	حرمَلُ الْبَلَدِی، ۱۹۱
حَبَقُ الْقَنَا، ۳۴	حبیقه، ۱۱۹	حَرْشَفُ الْبُسْتَانِی، ۱۱۴	حرمَلُ عامی، ۱۱۶
حَبَقُ الْکَرْمَانِی، ۱۱۳، ۱۲۲	حَتَّى، ۲۸۳	حَرْشَفُ بَرِی، ۲۱۲	حرمَلُ عربی، ۱۱۶
حَبَقُ الْمَاءِ، ۱۹۸، ۲۲۹	حِثَا، ۹۶	حَرْشَفُ بَسْتَانِی، ۱۱۴	حَرْمَلَه، ۱۱۶
حَبَقُ الْمُرْدِ، ۱۱۳	حِثِل، ۱۱۴	حَرْشَفُ (نَبَطِی)، ۱۱۴	حَرْمَلَه، ۱۱۶
حَبَقُ الْمَرَّةِ، ۲۷۹	حِجَاکِیوس، ۲۰۹	حُرْض، ۵۲، ۱۲۳	حَرْمِی، ۱۷۶
حَبَقُ الْمَغْزِ، ۷۰	حُجْثَا، ۱۳۲	حُرْض صِیْنِی، ۵۲	حَرْو اعظم، ۲۴۵
حَبَقُ الْمُتَنِّ، ۱۱۳	حِجَرُ الْبَقْرِ، ۲۹۵	حُرْف، ۱۱۵	حَرْوِی، ۱۳۲
حَبَقَالَه (اندلس)، ۱۱۹	حِد، ۱۹۱	حَرْف، ۱۳۱، ۲۸۴	حَرْشَاء، ۱۵۷
حَبَقُ بَسْتَانِی، ۷۹، ۱۲۲	حِدَبِی، ۲۹۷	حَرْفُ ابِیض، ۴۸	حَرْشَه، ۱۱۴
۲۲۹	حِدِج، ۱۲۶	حَرْفُ ابِیض، ۱۱۵، ۱۳۰	حَرْشَه، ۱۵۹
حَبَقُ تَرَنْخَانِی، ۷۱	حِدَدِی، ۹۲	حَرْفُ احْمَر، ۱۱۵	حَرْشَه، ۱۵۷
حَبَقُ جَبَلِی، ۲۲۸	حِدَق، ۷۲	حَرْفُ الْبَابِلِی، ۱۱۵	حَرْطَه، ۳۵
حَبُ قَطَاهِی، ۱۴۷	حَدَق، ۱۱۴، ۲۰۷	حَرْفُ الْبَرِی، ۱۱۵	حَرْیْفُ الْاَمْلَس (اندلس)،
حَبَقُ قَرْنَقُل، ۲۲۵	حَدَقِی، ۶۷	حَرْفُ السُّطُوح، ۸۰، ۱۱۵	۱۲۱
حَبَقُ قَرْنَقُلِی، ۲۲۵	حَدْمَانَه، ۲۸۰	حَرْفُ السُّطُوح، ۱۱۵	حَرْیْق، ۶۵
حَبَقُ کَرْمَانِی، ۱۸۳	حَدِیدِی، ۱۱۴	حَرْفُ السُّطُوح، ۱۱۶	حَرْیْق، ۶۵
حَبَقُ مِصْرِی، ۱۱۳	حَر، ۱۶۴	حَرْفُ الشَّامِی، ۱۱۵	حَرْیْقُ الْأَمْلَس، ۱۰۳
حَبَقُ نَبَطِی، ۱۲۲	حَرَاشَا، ۱۳۱	حَرْفُ الْمَانِی، ۱۱۵	حَرْیْقُ الْأَمْلَس (اندلس)،
حَبَقُ نَبَطِی (شام)، ۱۲۲	حَرَاقَه، ۱۴۰	حَرْفُ الْمَاءِ، ۱۱۶، ۱۸۲	۱۲۱
حَبُ کَاکَنْجِ کُوهِی، ۱۰۹	حَرَا السَّحَر، ۳۵	حَرْفُ الْمَاءِ (مَغْرِب)، ۲۳۵	حَرْیْقُ (مَغْرِب)، ۶۵
حَبِلُ الْمَسَاکِیْنِ، ۱۱۳، ۲۴۰	حَرَانِیَه، ۱۰۳	حَرْفُ الْمَشْرِقِی، ۱۱۵، ۱۱۶	حَرِیْمَلَه، ۱۱۷
۲۶۶	حَرَا، ۱۲۸	حَرْفُ ابِیض، ۱۱۵، ۲۷۴	حَرْیْمَلَه، ۱۱۶
حَبِلُ الْمَسَاکِیْنِ،	حَرَبَان، ۴۵	حَرْفُ بَابِلِی، ۱۰۲، ۱۱۵	حَزَا، ۱۲۷
حَبِلُ الْمَسَاکِیْنِ (قَرْطَبَه)،	حَرَبَاء، ۴۶	۱۱۶	حَزَا، ۱۱۷
۱۱۳	حَرْبَتْ، ۱۱۴	حُرْفُ بَرِی، ۱۱۷	حَزَا اوکامِی، ۱۸۰
حَبِلِی، ۲۶۶	حَرْبَتْ، ۱۱۴، ۲۷۴	حَرْفُ سَفِید، ۱۱۵	حَزَا، ۲۰۰
حَبْن، ۱۴۵	حَرِیَه، ۱۱۴	حُرْفَلَه (صَقْلَه)، ۶۷	حَزَا الْجَبَلِی، ۱۱۷
حَبُوب، ۲۰۱، ۲۹۶	حَرِیَه، ۲۷۱	حُرْفُ مَشْرِقِی، ۲۲۸	حَزَا الصَّخَر، ۱۱۷
حَبَّةُ الْخُلُو (اندلس)، ۶۷	حَرْحَم، ۲۹۳	حُرْفُ (نَبَطِی)، ۱۱۵	حَزَا الصَّخَر، ۱۶۵
حَبَّةُ الْخَضْرَاءِ، ۸۱، ۱۱۱	حَرَزُ الشَّیْطَانِیْنِ، ۳۶	حُرْفُ (نَبَطِی)، ۱۱۵	حَزَا الصَّخَر، ۲۰۴
۱۹۸	حَرِشَا، ۱۳۰	حَرْفِی، ۲۲۸	حَزَا الصَّخُور، ۱۱۷
حَبَةُ السَّفَرَجَلِ، ۱۷۲	حَرِشَاء، ۱۱۴، ۱۳۰	حِرْکَه (اندلس)، ۹۱	حَزَا یثَا دَخِیْقَا، ۱۰۷
حَبَةُ السُّودَاءِ، ۹۴، ۱۹۲	حَرِشَاء، ۱۳۰	حَرْمَانَه، ۲۰۳	حَزَاة، ۱۱۷
۲۶۲	حَرِشَاء، ۱۳۳	حَرْمَل، ۴۸	حَزَاة، ۱۱۷
حَبَةُ الْمَسَاکِیْنِ، ۲۴۵	حَرْشَف، ۱۰۶، ۱۳۳، ۲۱۰	حَرْمَل، ۸۰	حَزَاة، ۱۴۸
حَبَةُ الْمَلُوکِ، ۱۱۳	۲۶۵	حَرْمَل، ۸۵، ۱۱۶، ۲۸۶	حَزَاة بَرِی، ۱۱۷
حَبَّةُ حَلَاوَه، ۶۷	حَرْشَف، ۲۶۷	حَرْمَل، ۱۱۶	حَزَاة، ۱۱۷

حزاة أخرى، ۱۱۷	حشيشة الأسد، ۱۱۸	حشيشة السُّلْمَخفاة، ۶۰	حفوظ (لاتینی)، ۱۹۱
حُزْبِل، ۱۱۷	حشيشة الأفعى، ۱۱۸	حشيشة السنبِل الرومى، ۱۴۱	حفوظه (عجمیت اندلس)، ۱۹۱
حُزْبِل، ۱۱۷	حشيشة البابلى، ۴۳	حشيشة السُّواقى (مغرب)، ۹۵	حِفُول، ۱۲۷
حُزْبِل، ۱۲۳	حشيشة البراغيث، ۱۱۸	حشيشة الشرى، ۸۸	حَقْل، ۱۲۶
حزنبِل، ۲۸۰	۱۴۸	حشيشة الصفراء، ۲۰۸	حقوق، ۸۳
حزوزى، ۹۴	حشيشة البراغيث (شام)، ۱۱۸	حشيشة الطحال، ۱۱۹، ۱۶۰	حَلْ، ۱۷۶
حسار، ۱۱۷	حشيشة البرص، ۳۶، ۱۱۸	حشيشة الطلق، ۱۲۰	حَلاب، ۱۲۰
حَسَك، ۱۱۸، ۱۲۴	حشيشة الثومى، ۱۸۹	حشيشة العقرب، ۱۹۴	حلا دقاصرى، ۵۲
حَسَك، ۳۷	حشيشة الثوميه، ۸۰	حشيشة العَلَق، ۶۳، ۱۲۰	حلا لات، ۱۲۶
حسك البرى، ۱۱۸	حشيشة الثوميه، ۹۸	حشيشة الغافث، ۲۱۹	حُلاوى، ۶۷
حسك الجمال، ۵۹	حشيشة الثوميه (اندلس)، ۴۹	حشيشة الفَرَج، ۱۲۰	حُلْب، ۱۲۲
حسك الفِراخ، ۲۱۲	حشيشة الثومية، ۹۸، ۱۲۲	حشيشة الفقرا، ۲۴۵	حِلْبَاب، ۱۲۲
حسك كوهى، ۱۱۸	۲۷۱	حشيشة القمل، ۱۲۰	حلباد شغفینون، ۱۷۳
حَسَكَة (مصر)، ۷۹	حشيشة الثومية (اندلس)، ۹۸	حشيشة الکبد، ۱۲۰	حُلْب التيسى، ۱۲۲
حَسَل، ۱۱۸	حشيشة الحلو، ۱۸۰	حشيشة الکلاب، ۲۸۰	حلبانینا، ۲۴۶
حسم عوسج، ۲۱۷	حشيشة الحُمرة، ۲۷۶	حشيشة الکلب، ۲۲۴، ۲۸۰	حِلْبَاب، ۱۲۱، ۱۲۲
حسمى، ۱۱۸	حشيشة الحُمى (آفريقا)، ۲۰۳	حشيشة اللجاة، ۶۰	حلبوب، ۱۳۶، ۲۶۶
حسن لبه، ۱۹۸	حشيشة الحوت، ۱۴۳	حشيشة اللجاة (شام)، ۳۷	حُلْبوب (اندلس)، ۱۲۱
حسن يوسف، ۱۱۱	حشيشة الخراسانية، ۲۹۳	حشيشة المَعْدِن، ۱۲۰	حلبوب غير منقط، ۱۲۱
حسومى، ۲۸۹	حشيشة الداخس، ۱۱۸	حشيشة المُقَدَّسة، ۶۹	حُلْبوب (نبطی)، ۱۲۱
حسیب، ۸۲	حشيشة الدم، ۱۱۹	حشيشة المُکْرَمَة، ۶۹	حُلْبَة، ۱۲۰
حسین، ۱۴۵	حشيشة الدودیة (اندلس)، ۴۸	حشيشة النجاة (شام)، ۳۷	حَلِيب، ۱۲۱
حسینى، ۲۶۱	۴۸	حشيشة دودية، ۱۱۹	حلبیثا، ۱۲۱
حسینى (مرشد آباد)، ۶۲	حشيشة الذهبیه (اندلس)، ۴۸	حَضْض، ۲۹۵	حلتیت، ۱۲۱، ۲۹۵
حِشْرِق، ۱۳۹	حشيشة الرثة، ۱۱۹، ۲۰۵	حَضْض، ۲۳۱	حلتیتا، ۱۲۱
حشرما، ۲۹۰	حشيشة الزجاج، ۳۴	حَضْض یمانى، ۱۲۰	حَلِیت، ۱۲۱
حَشَف، ۲۸۳	حشيشة الرومانین، ۵۹	حَطار، ۲۵۲	حَلْحال (اندلس)، ۴۷
حشفنفل، ۱۸۸	حشيشة الزجاج، ۳۴، ۱۱۹	حَطَب، ۱۸۸	حَلْحال (مغرب و فاس)، ۴۷
حشوی، ۲۲۶	۱۵۹	حَطَب السودان، ۳۳	حَلْحل، ۲۵۱
حشیش، ۷۸، ۲۴۵	حشيشة السعال، ۱۱۹، ۱۷۱	حَطَب الفَتَح، ۲۶۵	حَلْفا، ۱۲۱
حشیش الأعظم، ۱۵۶	حشيشة السلحفا (شام)، ۳۷	حَطَبه، ۴۶	حَلْفاء، ۳۷، ۱۴۸، ۲۰۴
حشیش الدَوَاب (مصر و شام)، ۲۹۶	حشيشة السلحفاة (شام)، ۳۷	حطری راعیا، ۲۱۰	حَلَق، ۱۲۲
حشیش الغافث، ۵۴	حشيشة السلطان (مصر)، ۱۳۱	حفا، ۷۵	حلمثا، ۱۳۶
حشیشة، ۴۴		حَفَا، ۷۵	حَلْمة، ۱۲۲، ۱۶۳
حشيشة الارض، ۳۶			حُلوانه، ۶۷
حشيشة الافعى، ۱۱۸			حلو سقاقیل، ۱۹۶

خلوه، ۶۷	حماض نیری، ۱۲۳	حُمَیر، ۳۸، ۱۵۵	حَنَظَة صغیره، ۱۷۳
جِلَّة، ۱۲۲، ۱۸۴، ۲۷۱	حَمَاط، ۵۵، ۱۲۳، ۱۵۰	حُمَیراء، ۳۸، ۱۲۵، ۱۵۵	حَنَظَل، ۸۱، ۱۲۶، ۱۸۷
خَلی، ۹۷	حَمَاما، ۱۲۴	۱۹۰	۲۱۳
خَلی، ۱۲۲	حَمَاما (نبطی)، ۱۲۴	حُمَیط (فاس)، ۱۲۲	حَنَظَل، ۱۲۶
خلیق، ۶۰	حمامی، ۷۳	جَناء، ۱۲۵	حَنَظَل رومی، ۱۰۶
خلیلوطن، ۲۲۲	حمامی، ۱۵۶	حَناء الغُولَة (مصر)، ۳۸	حَنَظَل زرد، ۱۲۶
حَلِیَّة، ۵۴	حَمِجَم، ۲۵۲	حَنامشہ، ۱۹۳	حَنوہ، ۳۴
خلیمو، ۱۲۲	حُمُحَم (شام و شرق)، ۲۶۸	حَناء الجبلیه، ۱۲۵	حَنَوہ، ۱۵۹
حمااقسیس، ۱۱۱	حمر، ۱۲۴، ۹۵	حَناء الرُعَاة، ۱۲۵	حَنَوَة، ۳۴
حَمَاجِم، ۱۲۲	حمرادحزوری، ۹۴	حَناء الغول، ۳۸	حَنَوَة، ۱۵۹
حماحم، ۱۲۹، ۱۵۹، ۱۸۴	حمرما، ۲۶۴	حَناء الغولَة، ۱۲۵	حَنیق زنبق، ۲۹۰
حماروحوش، ۹۵	حمری مرکبی، ۱۲۹	حَناء القَرِیش (مصر)، ۱۱۷	حَنین، ۱۴۵
حَمَاض بحری، ۲۰۱	حمص، ۷۶	حَناء المجنونه، ۱۲۵	حوان (سندی)، ۲۸۹
حماض، ۸۳، ۲۶۶، ۲۶۹	حِمَص، ۱۲۴	حَناء المروج، ۱۲۵	حَواء البقر، ۲۹۸
حَمَاض، ۹۷	حِمَص الامیر، ۱۱۸	حَناء قریش، ۱۱۷	حَوَجَم، ۲۹۴
حَمَاض، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۷۴	حِمَص الامیر، ۱۱۸، ۱۲۴	حَناء معجون، ۲۹۲	حوحانیثا، ۴۱
حماض الاترج، ۱۲۳	حمص الامیر (مغرب)، ۱۱۸	حَنَدقوق، ۱۲۵	حَوَذان، ۱۲۷، ۲۵۹
حماض الاجامی، ۱۲۲، ۱۲۳	۱۱۸	حَنَدقوقا، ۱۵۰، ۲۰۳، ۲۹۱	حودان، ۱۵۳، ۲۷۳
حماض الارض، ۱۲۳	حِمَص الأَمیر (مغرب)، ۱۱۸	حَنَدقوقا مصری، ۲۹۱	حَوَر، ۱۲۷
حماض الارنب، ۵۵	حمص البری، ۱۱۸	حَنَدقوقی، ۹۲، ۱۵۲، ۲۰۸	حَوَر، ۱۲۷
حماض الأَرنب، ۱۲۳	حِمَص بری، ۱۲۴	۲۷۲	حوراسفیدان، ۷۸
حماض البری، ۱۲۳	حمص بستانی، ۱۲۴	حَنَدقوقی (بغداد)، ۱۵۰	حَوَر الرومی، ۵۵
حماض البقر، ۱۲۳	حمصلیثا، ۱۲۰	حَنَدقوقی (نبطی)، ۱۲۵	حور الرومی، ۱۰۹، ۱۲۷
حماض الجبلی، ۴۰، ۱۵۹	حِمَصی، ۱۲۴، ۲۹۱	حَنزاب، ۵۰	حوربخانا، ۱۳۰
حماض الحسنکی، ۱۲۲	حمصی دبرا، ۱۲۴	حَنَسی، ۲۷۳	حور رومی، ۱۲۷
حماض السبخی، ۱۲۲	حَمَصِیص، ۱۲۴	حَنَطَه، ۱۲۶	حوز، ۱۲۷
حماض السواقی، ۱۲۲، ۱۲۳	حَمَصِیص الترف، ۱۲۲	حَنَطه السوداء، ۱۹۴	حوسالی (اهالی جزیره)، ۱۰۹
حماض الشامی، ۱۲۲	حمض، ۵۲، ۱۴۴، ۱۴۷	حَنَطه رومیہ، ۱۳۹	حُوك، ۷۱
حماض الماء، ۱۲۲، ۱۲۳	حَمُض، ۵۲	حَنَطَة، ۱۵۱، ۱۵۷	حوك، ۱۱۳
حماض املی، ۱۲۲	حَمُض، ۶۶، ۹۷، ۱۱۰	حَنَطَة البریه، ۱۲۶	حُوك، ۱۹۸
حماض یزرگ، ۲۷۴	۱۵۵، ۲۵۰، ۲۸۴	حَنَطَة الحبشیه، ۱۲۶	حوكا، ۷۱
حماض بستانی، ۱۲۳	حِمَض، ۱۳۹، ۱۵۸	حَنَطَة الرمیہ، ۱۳۹	حولانا، ۷۶
حماض جبلی، ۱۵۹	حمض الابل، ۱۲۳	حَنَطَة الرومیہ، ۱۲۶	حَوَمَانَة، ۱۵۲
حَمَاض حَسَكی، ۷۶، ۱۵۹	حملايا، ۲۷۵	حَنَطَة السداب، ۱۲۶	حومانه، ۲۰۳
حماض سه برگ، ۱۲۲	حَمَلَة، ۱۲۳	حَنَطَة الفارسی، ۱۷۳	حومانه (آفریقا)، ۲۰۳
حماض کبیر، ۱۲۲	حموعیانا، ۱۲۲	حَنَطَة الفارسیہ، ۱۲۶	حومر، ۱۲۴
	حُمَیْدِش (فاس)، ۵۹	حَنَطَة جلیہ، ۱۴۷	حی، ۳۷
		حَنَطَة رومیہ، ۱۳۹	



خیاثوا، ۲۶۴	خامادزیون، ۸۷، ۲۶۰	۲۳۱	خِذِرَفَات، ۱۲۳
حی العالم، ۳۴، ۳۷، ۶۴	خامادفنی، ۱۴۵، ۱۵۹	خائق النمر، ۵۱، ۱۲۸، ۲۳۸	خراز الماء، ۲۰۰
۶۹، ۱۹۲، ۲۰۴، ۲۷۴، ۲۸۱	خاماذفنی، ۱۴۹	خائق النمر، ۱۲۸	خراطین، ۱۲۳
حیربول (اندلس)، ۵۸	خاماذفنی، ۱۴۹	خائق نفسه، ۲۳۲	خرافة العَجُوز، ۲۶۹
حیصل، ۷۲	خاماسوقی، ۱۲۷	خاوانی (صفالیه)، ۶۷	خرامبا، ۲۸۰
حی عالم، ۱۶۱	خامافیطس، ۲۶۱	خاولنجان، ۱۳۹	خَرَامِقَان، ۱۳۰
حیلت، ۲۵۳	خامافیطس، ۲۶۱	خایه ابلیس (فارس)، ۵۹	خرآة، ۱۱۷
حیوا، ۱۷۲	خاماقسیس، ۱۲۸	خَبْ، ۱۴۰	خَرَاءِ النَوَاتِیة، ۲۴۸
خَیْهَل، ۱۲۳	خامالا، ۲۷۵	خَبَّاز، ۲۸۴	خریزه، ۸۱
	خامالآ، ۲۷۵	خَبَّازِی، ۱۲۹، ۲۸۴	خریزه دراز، ۲۸۵
	خامالان اونمالس، ۵۱	خبازی الاسود، ۱۲۹	خریزه روباه، ۱۲۶
	خامالانس، ۵۷	خَبَّازِی الْجَبَلِی، ۱۲۹	خریزه زمستان، ۸۱
خابور، ۱۳۸	خامالان لوفش، ۵۱	خبازی السبخی، ۱۲۹	خریزه طلخک (زابل)، ۱۲۶
خارُبُن، ۲۱۷۰	خامالان مالس، ۴۷	خبازی الصقلی، ۱۲۹	خریزه هندی، ۸۲
خار خسک، ۱۱۸، ۲۳۶	خامالان مالش، ۵۱	خَبَّازِی الْفَارَسِی، ۱۲۹	خربع، ۱۱۴
خارسوهک، ۱۱۸	خامالان مالیس، ۵۱	خَبَّازِی الْمَاکُول، ۱۲۹	خَرَبَقِی، ۱۳۰
خارشتر، ۱۱۰	خامالاون، ۴۶، ۱۲۸	خَبَّازِی الْمَجُوسِی، ۱۲۹	خَرَبِقِ اسود، ۱۳۰
خارقیاس، ۳۰۰	خامالاون ابیض، ۲۷۵	خبازی الهندی، ۱۲۹	خربق الاسود، ۱۲۹، ۱۵۳
خاروه، ۲۹۸	خامالاون الاسود، ۱۲۸	خبازی حَمَقَاء، ۱۲۹	۲۵۹
خاس، ۱۳۳	خامالاون لَوْقُس، ۵۱	خبازی شقایقی، ۱۲۹	خربق ابیض، ۱۳۰
خاص تره (تنکابن)، ۱۰۲	خامالاون مالس، ۴۶، ۵۱	خبازی قُرطی، ۱۲۹	خَرَبَرَسْتَه، ۲۹۲
خافور، ۱۰۲، ۱۲۷، ۱۴۳، ۲۸۰	۱۲۸	خبز الغراب، ۵۷	خرجکوک (زابلستان)، ۳۸
	خامالاء، ۱۲۸، ۲۷۵	خبز الغراب، ۵۸	خَرْدَل، ۱۳۰
خاکشی (اصفهان)، ۱۲۹	خامالوقی، ۱۲۸	خبز الغراب (اندلس)، ۹۰	خردل، ۱۵۳، ۱۸۹
خالادل، ۵۱	خامالوقی، ۲۱۸	خَبَزُ الْقُرُود، ۷۵	خردلا، ۱۳۰
خالاون، ۱۳۹	خامالیون، ۴۷، ۱۲۸	خبز القُروُد، ۱۳۰	خردل الابیض، ۱۱۵
خالاون مالس، ۵۱	خامامیلن، ۱۲۸	خبز الکلب، ۲۶۷	خردل البر، ۱۳۰
خالدونیون، ۲۰۸	خامانیطس، ۲۶۱	خبز المشایخ، ۱۳۰	خردل الفارسی، ۱۱۵
خالدونیون، ۱۲۷، ۲۰۸	خامانیل، ۷۰	خبز رومی، ۱۳۰	خردل بابلی، ۱۳۱
خالیونیون ذو الخطافی، ۱۲۷	خامشه، ۱۲۸	خَبْه، ۱۲۹	خردل بری، ۱۰۲، ۱۱۴
	خامشه، ۱۲۸	خَبِیْزَة صَغِیْرَة، ۱۳۰	۱۱۶، ۱۳۱، ۲۶۶
خالدونیون طوماغا، ۲۰۸	خاملاون مالس، ۲۲۵	خبه، ۱۲۴	خردل سفید، ۱۱۵، ۱۳۱
۲۷۶، ۲۵۵	خامون، ۲۶۲	خَبْرِف، ۱۳۰	خردل فارسی، ۱۳۱
خالدونیون طومقرن، ۲۰۸	خائق الذئب، ۱۲۸	خَبْرِق، ۵۵	خردل فارسی (دمشق)، ۱۳۰
خالدونیون طومقرن، ۲۷۶	خائق الذباب، ۵۵	ختم الملک، ۱۶۷	خرز الملوک، ۲۱۴
خاماقطی، ۱۳۸، ۱۵۷	خائق الکرسنه، ۶۸، ۲۰۱	ختمی بری، ۲۱۱	خِرْزَع، ۱۶۳
خاما أقطی، ۱۳۸	خائق الکلاب، ۹۳، ۱۲۸	خداع الرجال، ۸۸	خَرَزَل، ۱۳۱
خامادریوس، ۸۶، ۸۷، ۲۶۰	خائق الکلب، ۴۲، ۱۲۸	خِذْرَاف، ۹۹	خرزون، ۱۴۵

خرزهرج، ۱۴۵	خرنوب الخنزیر، ۱۳۲	خربع، ۴۲	خشخاش، ۷۰، ۱۳۴، ۱۵۸
خرزهره، ۱۴۵	خرنوب الخنزیر (مصر)، ۶۳	خربع، ۵۷، ۲۰۹، ۲۱۰	۲۸۸، ۲۸۵، ۲۷۵، ۱۸۸
خرزهره (کرمان)، ۱۲۶	خرنوب الشوک (شام)، ۱۳۲	خربع، ۱۳۳	خشخاش احمر، ۱۳۴
خَرْزَه، ۱۳۱	خَرْنوب الکلب، ۶۲	خربعا، ۲۳۶	خشخاش اسود، ۱۳۴
خرس گیا، ۲۶۴	خرنوب المعزی، ۱۳۲	خَرْزَه الحَمام، ۱۳۰	خشخاش البری، ۱۳۴
خرس گیا، ۱۴۸	خرنوب المِعزى (شام)، ۳۰۱	خَرْو الحَمام (رقه)، ۱۰۷	خشخاش الزَّبدی، ۱۰۰
خرسیطس، ۱۰۲		خَرْامی، ۱۳۳	خشخاش الساحلی، ۱۳۴
خَرْطال، ۹۱	خرنوب شامی، ۱۳۲	خَرْامی، ۱۴۰، ۱۹۳، ۲۶۸	خشخاش المَقْرَن، ۱۳۴
خَرْطال، ۱۲۶	خرنوب مصری، ۱۳۲	خزران، ۱۴۰	خشخاش المَقْرَن، ۲۷۶
خرطال، ۱۳۱	خرنوب نبطی، ۱۳۲، ۳۰۱	خَرْم، ۱۳۳	خشخاش اليهودی، ۱۳۴
خرطال (فاس)، ۲۳۷	خرنوب نبطی، ۳۰۱	خَس، ۱۳۳	خشخاش أبيض، ۱۳۴
خرطال (مصر)، ۱۲۷	خرنوب هندی، ۱۴۰	خَس، ۱۳۳	خشخاش أسود، ۱۳۴
خرطان، ۸۸	خرو، ۱۲۹	خَس، ۲۸۰	خشخاش بحری، ۱۳۵
خرغول، ۷۸	خرو الحَمام، ۱۳۰	خَس، ۲۹۷	خشخاش بری، ۱۳۴
خَرْفَع، ۱۳۱	خرو الضفادع، ۲۰۰	خَسا، ۱۰۲	خشخاش بستانى، ۱۳۴
خرفق، ۱۳۱	خَرْوب، ۱۳۲	خَس الارنب، ۱۳۳	خشخاش زَبَدی، ۱۳۵
خرفه، ۸۳	خروب، ۱۳۲	خَس الاسود، ۱۳۳	خشخاش زبدی، ۱۳۵
خَرْفَى، ۱۰۴	خَرْوب الخنزیر، ۱۹۶، ۲۷۱	خَس الحَمار، ۳۸، ۹۴، ۱۳۴	خَشخاش سائل، ۱۳۴
خِرَق، ۲۸۰	خَرْوب السُّنْط، ۱۹۱	خَس الحَمار، ۳۸	خشخاش سفید، ۱۳۴، ۱۵۸
خَرْقَطان، ۱۳۱	خروب السودان، ۱۳۲	خَس الحَمار، ۴۳	خشخاش سیاه، ۱۳۴
خرق، ۱۷۳	خَرْوب الشامی، ۱۳۲	خَس الحَمار، ۶۸	خشخاش شاخ دار، ۱۳۴
خرک، ۱۷۳	خروب الشوک، ۱۳۲	خَس الحَمار، ۱۳۳، ۲۹۶	خشخاش مَقْرَن، ۱۳۵
خرک (شیرازی)، ۹۴	خروب العریض، ۳۰۱	خَس الحَمار (فاس)، ۱۳۳	خشخاش مثنور، ۱۳۵
خرکوش، ۱۳۱	خَرْوب النبطی، ۱۰۹	خَس القدان، ۱۳۳	خَشقاقل، ۱۸۸
خرگوشک، ۲۶۹	خروب النبطی، ۳۰۱	خَس الکلب، ۱۴۹	خَشَل، ۲۸۳
خزل، ۲۰۹	خَرْوب الهندی، ۱۴۰	خَس بری، ۱۳۳	خَشَل، ۲۸۳
خَرْم، ۴۸	خروب الهندی، ۱۴۰	خَس بستانى، ۱۳۳	خَصی الثعلب، ۸۰، ۸۹
خَرْم، ۵۴	خروس لوج، ۱۱۸	خسران، ۷۹	۱۵۲، ۱۳۵
خَرْم، ۱۳۱	خروسوقولی، ۷۰	خسرو دارو، ۱۳۹، ۲۲۲	خَصی الثعلب، ۱۳۵
خرم، ۱۶۹	خروسوقومی، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۵۱	خسف، ۱۰۶	خَصی الثَّعلَب، ۱۳۵
خرما، ۹۴، ۲۳۸		خسق، ۲۱۰	خَصی الثعلب، ۲۰۳
خرمازق، ۲۰۲	خروسوموغالی، ۱۳۳	خسک دانه، ۲۳۶	خَصی الثعلب، ۲۰۳
خرما هیرون، ۹۵	خِروع، ۱۳۳، ۲۰۳	خسکدانه، ۲۶۶	خَصی الثعلب، ۲۴۶
خرمای سنگ اشکن، ۹۵	خِروع الاسود، ۲۸۷	خسنى، ۳۰۰	خَصی الدیک، ۱۳۵
خرمدائق، ۲۵۵	خِروع الضفادع، ۲۰۰	خشب الحیه، ۲۹۷	خَصی السَمور، ۱۳۶
خَرْنوب، ۱۳۲	خِروع صینی، ۱۴۷	خشب الصینی، ۱۰۶	خَصی القط، ۱۳۵
خَرْنوب، ۱۳۲	خروک، ۸۱	خَشَبَرْم، ۲۸۰	خَصی الکلب، ۸۰
خرنوب، ۱۳۲، ۲۴۱	خروهک، ۷۹	خشب سومر، ۱۸۱	خَصی الکلب، ۱۳۵

خومی، ۱۴۰	خنج، ۱۳۱	خُلْجان، ۱۳۷	خصی الیهز، ۱۵۰
خومان، ۲۰۲	خنجر، ۱۱۴	خلجلا، ۲۵۷	خصی هرمس، ۱۳۶، ۱۲۱
خومر، ۹۵	خنجک، ۱۱۱	خُلجی، ۱۳۷	خُصی هرمس، ۱۲۱
خوم (سفدی)، ۲۹۹	خنجک (خراسان)، ۸۱	خلدانئون، ۲۰۸	خَضیر، ۱۹۴، ۱۶۴
خومه، ۹۹	خنداقل (مصر)، ۱۰۴	خَلر، ۱۰۴	خِضلاف، ۲۸۳، ۱۵۷
خونسیاوشان، ۱۴۶	خندروس، ۱۲۶، ۱۳۹، ۲۰۱	خَلر، ۱۳۷	خُضیراء، ۱۵۹
خون سیاوشان، ۱۴۶	خندروس، ۱۳۹	خَلر (قزوین)، ۱۰۴	خُضیراء، ۲۷۵
خویبو (سجزی)، ۱۷۱	خندروش، ۱۳۹	خَلص، ۱۳۷	خَطار، ۲۵۱
خویصه مصغر (اندلس)، ۲۷۲	خندریل، ۲۹۷	خلنج، ۱۱۰	خَطافی، ۱۲۷
خیار، ۱۴۰، ۲۳۴، ۲۵۵	خندریلی، ۱۳۹، ۲۱۲	خَلنج، ۱۳۷	خطای (شیرازی)، ۱۴۰
خیار بادرنگ (خراسان)، ۲۳۴	خندوس، ۱۳۹	خَلوانی، ۷۲	خِطَر، ۲۹۲، ۱۲۵
خیار باذرنگ، ۲۳۴	خنزیری (مصر)، ۲۷۲	خَلوانی (اندلس)، ۲۴۶	خَطَر، ۱۳۶
خیار باذرنگ (خراسان)، ۲۳۴	خنس (گیلان)، ۱۲۰	خلوق، ۱۶۳	خطر، ۲۵۱
خیار بالنگ (شیراز)، ۲۳۴	خوب کلان، ۱۲۹	خلوق، ۱۶۳	خِطَرَة، ۱۳۶
خیار تلخ، ۱۲۶	خوخ، ۱۳۹	خلوقه، ۲۶۱	خطری دَغیا، ۲۱۰
خیار چنبر، ۱۴۰	خوخ الماء، ۱۱۵، ۱۳۹	خُلَة، ۱۳۷	خطمی، ۲۱۶، ۱۳۶، ۱۲۹
خیار خر، ۲۳۳	خوخ المروج، ۲۴۳	خلیمو (شیرازی)، ۱۲۳	خِطْمی، ۱۳۶
خیار (خراسان)، ۲۳۳	خوخ قلیق استه، ۲۳۲	خمادریوس، ۲۶۰	خطمی الازغب، ۱۲۹
خیار خوراک، ۲۳۴	خوردپیلان، ۱۸۰	خمادفنی، ۲۷۵	خطمی الرومی، ۱۲۹
خیار دراز، ۲۳۳	خورزهرج، ۱۴۵	خمالاژن، ۲۷۵	خطمی المروج، ۱۲۹
خیار دراز (شیراز)، ۲۳۴، ۲۸۵	خوز، ۶۷	خَمایِلن، ۶۴	خطمی النهری، ۱۲۹
خیار درزده، ۲۳۳	خوشان، ۱۲۳، ۱۳۹	خمان الأرض، ۱۳۸	خطمی بری، ۱۸۷، ۱۳۶
خیار دشتی، ۱۲۶	خوش سایه، ۱۴۴	خمان الصغیر، ۱۳۸	خطمی کوچک (شیراز)، ۲۸۴، ۱۲۹
خیار زره سفید، ۲۳۳	خوشک، ۷۳	خمان الکبیر، ۱۳۸	خطمی البیضاء، ۱۲۹
خیار زره، ۲۳۳	خوشک امحری، ۹۳	خَمان (نبطی)، ۱۳۸	خُفت، ۱۶۷
خیار زره اسپند، ۲۳۳	خوشه ارزن، ۱۹۰	خَمایملن، ۷۰	خفجرومیا، ۲۳۷
خیار زره کوچک، ۱۹۸	خوص (مصر)، ۷۵	خِمْخِمْ، ۶۳	خفرج (بلخ و زابلستان)، ۸۳
خیار شنبر، ۱۴۰	خوص (مغرب)، ۲۰۸	خَمخَم، ۱۳۸	خلاف، ۱۷۱، ۵۴
خیار صنبر، ۱۴۰	خوصه (اندلس)، ۲۷۲	خَمَر، ۲۰۲	خلاف، ۱۳۶
خیار طلخ، ۱۲۶	خوفان، ۲۰۲	خممری مرجا، ۲۴۹	خلاف بلخی، ۱۳۷، ۱۵۹
خیار (عراق)، ۲۳۴	خولادولیون، ۱۳۳	خمضیض، ۱۲۲	خلاف (شام)، ۱۳۶
خیارک بی بر (بلخ و طبرستان)، ۲۸۶	خولان، ۱۲۰	خَمَط، ۵۵، ۱۴۵	خلال، ۲۸۲
خیاط، ۱۲۵	خولع، ۱۲۶	خمل، ۱۷۹	خلال مامونی، ۴۳
	خوللو (شیرازی)، ۱۵۲	خشی، ۳۷، ۵۱، ۸۰، ۸۶	خلبان، ۷۲، ۲۴۶
	خولنجان، ۱۰۶، ۱۳۹	خشی، ۱۳۸	خلبه (گیلان)، ۱۲۱
		خشی الصخریه، ۱۳۸	خلجا، ۲۵۷

خیر بوا، ۲۹۶	داذی، ۱۴۱	داره‌لد، ۱۴۲	دُخُن، ۱۴۳
خیر خیر، ۱۷۱	داذی الرومی، ۲۹۸	داری، ۱۳۰	دُخُن البری، ۱۱۹
خیر مِنْ اَلْف، ۱۷۹	داذی رومی، ۱۴۱	داغ سوغانی، ۸۵	دخن العصافیر، ۱۴۳
خیر من اَلْف درهم، ۱۷۹	داذی کوهی، ۲۹۸	دافع الغم، ۱۱۳	دخن النملی، ۱۴۳
خیرو، ۱۲۹	دارارون، ۴۴	دافنطس (اسکندریه)، ۱۷۴	دخن بری، ۱۰۰
خیروج، ۱۲۹، ۱۳۶	دارافرسام، ۸۶	دافنی، ۱۴۵، ۱۵۹	دخنخ (بخارا)، ۸۴
خیری، ۱۲۹، ۱۴۰، ۲۸۵	دار المرز، ۶۵	داک، ۲۱۴	دُخْنه، ۴۴
۲۹۲	داربرنیا، ۸۴	داککه جهاز، ۲۵۵	دُخْنه مریم، ۷۴
خیری ازرق، ۱۶۸	دارچوبه، ۱۴۲	دالان بزرگ، ۱۵۲	در، ۲۱۳
خیری اصفر، ۱۶۸	دارچینی، ۱۴۱	دانج ابروج، ۱۴۲	درابی، ۱۱۵، ۱۱۶
خیری الاحمر، ۷۹	دارشاه، ۵۹	دانک، ۱۴۲	دراجن، ۱۳۹
خیری الاصفر، ۱۴۰	دار شیرین، ۱۸۰	دانک افرونک، ۱۴۲	دراز (شیرازی)، ۱۱۷
خیری البر، ۱۳۳	دارشیشعان، ۱۰۹، ۱۴۱	دانه، ۲۰۶	دراشتا، ۲۶۱
خیری البر، ۱۴۰	۱۷۱، ۱۷۸	دانه سجستان، ۱۶۷	درافس، ۱۳۹
خیری الماء، ۱۴۰، ۲۷۲	دارصینی، ۱۴۱، ۲۳۸	داونه مروا، ۲۰۶	درافیون، ۲۷۳
خیری (بغداد و موصل)، ۲۱۱	دار صینی الدون، ۱۴۱	داء الحیه، ۱۰۶	دراققطی، ۲۵۱
خیری جبلی، ۱۳۳، ۲۶۸	دار صینی حبشی، ۱۴۱	دب، ۲۹۱	دُراقِن، ۱۳۹
خیری سیاه، ۱۴۰	دار صینی زور، ۱۴۱	دبّا، ۱۴۲	دراقن (شام)، ۱۳۹
خیزران، ۱۴۰	دارفلقل، ۴۶، ۱۴۲، ۲۲۷	دبا، ۲۳۷	دُراقنطیون، ۲۳۱
خیزران البلدی (اندلس)، ۳۶	دارققوطون، ۱۴۲	دباب، ۱۸۲	دراقنطیون، ۲۷۳
	دارکسنة (عراق)، ۲۴۹	دبسا قوس، ۱۴۸	دراقنطیون، ۲۷۳
	دار کیسه، ۱۹۹	دیساقوس، ۱۴۹	دراقنوسقر دیون، ۸۰، ۹۸
خیزران بلدی، ۱۴۰	دارکیسه (شام)، ۱۰۷	دبق، ۵۱، ۵۸، ۱۶۷	دراقونطیون، ۲۷۳
خیزو (مراکش)، ۱۰۳	دارکیسه، ۱۴۲	دبقی، ۱۴۲	دراقیطن، ۲۷۳
خیسفوج، ۲۴۲	دارکیسه (شام)، ۱۹۹، ۲۴۹	دبقت، ۱۴۲	دراقیطون، ۲۳۰، ۲۷۳
خینوس، ۱۹۳	دارم، ۱۴۲	دبقی، ۵۱	دراقیل، ۱۴۳
خیو خیر، ۱۷۱	دارم، ۱۵۷	دبندار، ۱۴۹	دراقینی، ۱۳۹
خیوز (سوانم)، ۲۰۱	دارما، ۲۸۰	دبوقا، ۱۴۳	درامج، ۱۴۳
	دارمازو، ۸۶	دبوکی (بلخ)، ۲۸۴	درامک، ۲۸۰
	دارمازی (طبرستان)، ۸۶	دبی، ۹۶	درانیج، ۱۴۳
	دارمک، ۱۴۲	دبیداریا (نبطی)، ۱۴۳	دبریق، ۲۱۴
	دارمون، ۱۵۷	دبیراز، ۱۴۳	دربیکا، ۷۱
	دارمیران، ۱۴۲	دتبلیغ، ۱۷۹	درجکان، ۱۳۹
	دارواش (دیلم و تنکابن)، ۲۱۵	دُجر، ۲۷۱	درحسحک، ۱۹۸
	داروان (تنکابن)، ۳۵	دجر، ۲۷۱	دُرحوله، ۱۴۴
	دارورهرام، ۱۸۰	دحداح، ۱۴۳	درخت اثل، ۱۸۲
	داروان، ۱۴۴	دخسیسا، ۱۴۳	درخت پشه، ۱۴۴
		دخن، ۱۰۰	درخت دبق، ۵۱

## حرف «د»

دائم العطش، ۱۴۸

داح، ۱۴۳

داد الأبیض (اندلس)، ۵۱

داد الأسود، ۵۱

داد الوحید (آفریقا)، ۵۱

دادی، ۲۰۴

داذاروان، ۴۴

درخت دردار، ۱۷۸	دروقیون، ۱۴۴، ۱۴۷	دفلی الخضراء، ۱۴۵	دمیثا، ۹۷
درخت دلیک، ۲۹۴	دروقیونون، ۱۴۴	دفنوداس، ۱۵۹	دنبی دارو (شیرازی)، ۴۹
درخت زکریا، ۱۶۹	دروکی کنکر، ۱۱۴	دقیقه، ۱۰۳	دند، ۱۴۷، ۲۷۶
درخت زهرناک، ۲۰۹	دُرُونَج، ۱۴۴	دفیون، ۲۲۳	دندان جانان (سجزی)، ۲۹۳
درخت سال، ۲۰۲	درونک، ۱۴۴	دِق، ۱۴۳	دندان ساوکف، ۸۳
درخت سیستان، ۱۴۲	درویطارس، ۵۲	دِقان، ۱۳۶	دندان گرگ، ۵۰، ۸۴
درخت شانه، ۲۶۳	درهن، ۱۸۴	دقتا، ۲۶۴	دند هندی، ۲۷۶
درخت عرعر، ۱۷۰	دَزیاس، ۱۴۵	دَقْتَرَانَش، ۱۴۵	دنقه، ۱۴۷
درخت عود، ۲۹۶	دریاس (فاس)، ۶۵	دقتوریه، ۹۹	دنقه، ۱۶۴
درخت غایش، ۲۱۵	دریاس (مغرب)، ۹۷	دَقْسِنِطُس، ۹۵	دَنَقَه، ۱۹۴
درخت فلفل، ۱۴۲	دُزیان، ۱۴۵	دقطابانون، ۲۸۱	دوئی، ۲۴۲
درخت کدز، ۴۵	دریقنون، ۲۴۹	دقطامیون، ۲۸۱	دوادم، ۱۴۷
درخت کلنورا، ۱۹۸	درینه (تبریز)، ۹۶	دقطنن، ۲۸۱	دواغریا، ۱۴۷
درخت کوت، ۲۶۲	دریولطاس، ۲۶۳	دِقَطْمُنْ، ۲۸۱	دوالک، ۵۲
درخت مسواک، ۴۳	دستنبو، ۱۴۴	دقلیوس، ۶۷	دواله، ۵۲
درخت هلیله (شهری)، ۳۵	دستنبویه، ۱۴۴	دقنادعزی، ۲۶۷	دوالی، ۵۲
دَزداب، ۱۴۴	دستنبویه، ۱۴۵	دل اشوب (شیرازی)، ۴۱	دوام (انطاکیه)، ۸۶
دَزدار، ۱۴۴	دسقس، ۱۳۳	دُلَاع، ۸۱	دَوایاغریا، ۱۴۷، ۱۴۸
دردار، ۲۶۹، ۲۹۰	دَسْم الشجر المر، ۲۸۶	دلاع، ۸۲	دواء الجنون، ۵۵
دردریه (بکر)، ۲۷۸	دسم الصوف الزوج، ۱۶۵	دلاع البری، ۱۲۶	دواء الحیه، ۱۰۶
دَرَس، ۸۶	دسظو، ۸۵	دلال، ۱۸۰	دواء الخطاطیف، ۲۰۸، ۲۷۶
درغل، ۲۰۴	دسیسه (مصر)، ۵۶	دَلَب، ۱۴۵	دویر (مصر)، ۲۷۳
درق، ۱۲۵	دشینه، ۱۹۷	دلب، ۲۱۷، ۲۹۰	دود الصخر، ۷۹
درقنطیون، ۱۴۶	دُعاع، ۱۴۵	دَلْبُوْث، ۴۵	دَوْدِر، ۱۴۵
درقیانا، ۳۰۰	دُغوب، ۱۴۵	دَلْبُوْث، ۱۴۴، ۱۴۶، ۲۵۷	دودزلوس، ۲۳۰
درمامه، ۱۴۴	دُعْتا، ۸۱	دلپوس، ۱۴۶	دودسپاروس، ۱۴۴
درماء، ۱۴۴	دعتادشغاری، ۸۱	دلدغ، ۱۴۶	دَوْدِم، ۱۴۷
درمنه، ۱۹۳، ۵۵	دعئادقرطی، ۸۲	دَلْم (فاس)، ۱۴۵	دودهالی، ۱۸۸
درمنه اسپید، ۹۷	دعئاقوریشا، ۱۲۱	دلوباخوسطس، ۲۳۰	دَوْرَاو، ۱۱۷
درمنه ترکی، ۱۹۳	دعئالغنا، ۱۱۴	دَلِیک، ۱۴۶	دوراو، ۱۱۷
درنک، ۲۸۰، ۳۸	دعقیلا، ۱۱۸	دَمَادِم، ۱۴۷	دورخولی، ۱۴۶
دَروازَدَ، ۱۹۸	دُغلول، ۱۴۵	دماسونین، ۲۸۱	دورحولی، ۱۸۱، ۲۵۷
دَرویطارس، ۱۴۴	دفعوس، ۱۰۳	دَم الاخوین، ۱۴۶، ۶۹	دورس، ۱۴۵
دَرویطارَس، ۱۴۴	دققین، ۱۰۳	۱۷۹، ۱۹۲، ۲۱۵	دورقنی، ۱۴۷
دَرویطارَس، ۱۴۴	دققینی، ۱۰۳	دم الأمیر، ۱۴۷	دورقنطون، ۲۳۰
دَروفینوس، ۱۴۴	دفلی، ۳۷	دم الغزال، ۱۴۷	دُوسر، ۱۴۷
دروقی، ۲۴۹	دِفلی، ۱۴۵	دَمْدَام، ۱۴۷	دُوسَر، ۱۹۴
دُرُوْقیون، ۱۴۴	دفلی البیضاء، ۱۴۵	دمسقینی، ۴۱	دوسر، ۲۰۱

دوشر، ۱۴۷	دیس، ۴۳، ۷۸، ۱۴۸	ذاقنیویداس، ۱۴۹	ذنب الجداة (اندلس)، ۲۳۱
دوقس، ۱۱۸	دیس (اندلس)، ۱۷۵، ۵۰	ذُبُح، ۶۳، ۱۰۳، ۲۶۵	ذَنبُ الحُروف، ۱۵۱
دوقس، ۱۴۸	دیسندس، ۲۳۷	ذُبْحَة، ۶۳	ذنب الخیل، ۵۰، ۶۲، ۲۶۷
دوقس، ۲۹۲	دیشار، ۲۸۱	ذراعہ (مصر)، ۲۳۶	ذَنبُ الخَیْلِ، ۵۰
دوقس (شام)، ۱۱۸	دیقطنینون، ۲۸۱	ذربون، ۱۸۸	ذَنبُ الخَیْلِ، ۱۵۱
دوقص، ۸۰	دیقورس، ۲۳۵	ذرت، ۱۰۰	ذنب السُّبُع، ۱۵۱
دوقسو، ۱۰۳، ۱۱۷، ۱۴۸	دیک الاعمی، ۱۱۸	ذرعاً، ۲۶۱	ذنب العقرب، ۱۵۱، ۲۰۴
۱۸۸، ۲۲۸، ۲۵۶	دیک الاعور، ۱۱۸	ذرفی، ۱۵۰	ذَنبُ العقرب، ۱۵۲
دوقو، ۱۴۸	دیک (اندلس)، ۱۴۴	ذرق، ۱۲۵، ۱۵۰	ذنب الفار، ۲۶۹
دوقواغریا، ۱۴۸	دیک اُغور، ۱۱۸	ذُرَق، ۲۹۱	ذَنبُ الفار (اندلس)، ۲۶۹
دوقوالاحرش، ۱۰۳، ۱۴۸	دیلہ، ۱۲۲	ذُرَق الحَمَام، ۱۵۰	ذنب الفارہ، ۲۶۹
دوقوالرومی، ۱۰۳	دینار، ۲۵۸	ذُرَق الطیر، ۸۷	ذنب الفرس (شام)، ۱۵۱
دوقوالقرادی، ۱۰۳	دینارو، ۱۱۷	ذُرَق الطَّیْرِ، ۱۵۰	ذنب القُط (اندلس)، ۱۵۱
دوقوالقرادی، ۱۰۳	دینارویه، ۱۱۷، ۱۴۸	ذرقونن، ۱۳۹	ذنب اللبوء، ۱۵۱
دوقواملس، ۱۴۸	دینساقوس، ۱۴۸	ذروفینون، ۱۵۰	ذنب اللَّوء، ۱۵۱
دوقوبری، ۱۴۸	دیواسپست، ۱۲۵	ذره، ۱۰۰	ذنب النمر، ۷۵
دوم، ۱۵۷، ۱۶۸، ۲۸۴، ۲۸۴	دیواسپست صحرائی، ۱۲۵	ذُرَّه، ۲۰۳	ذنب الہر، ۸۷
دوم (مغرب)، ۲۰۸	دیودار، ۳۹، ۱۴۹، ۲۰۹	ذُرَّه، ۲۶۳	ذنبان، ۱۵۱
دومه، ۲۸۳	۳۰۰	ذُرَّه مکہ، ۱۳۹	ذُنَّیاء، ۱۵۱
دویتکانی، ۱۱۰	دیودار (طبرستان)، ۲۶۴	ذُرَّه، ۱۴۹	ذوات الجُجم، ۲۰۴
دویره، ۲۷۳	دیودر، ۱۴۹	ذُرَّیْرَة السُّخْم (مصر)، ۲۷۳	ذوات جُجم، ۲۵۶
ذہار (سند)، ۴۷	دیوزوان (بستی)، ۲۱۰	ذریرة (مصر)، ۲۷۳	ذو ألف ورقة، ۱۵۱، ۱۷۱
ذہاک، ۸۵	دیوسبست، ۱۲۵	ذریزہ، ۱۵۰	ذو ثلاث الوان، ۱۵۲
ذہاهاہیج، ۱۴۸	دیوفونیطس، ۲۷۳	ذفارا، ۱۰۰	ذو ثلاث حبات، ۱۶۲
ذہتورہ، ۱۰۹	دیو مشنگ، ۱۵۶	ذفراء، ۱۵۰	ذو ثلاث شوکات، ۱۵۲
ذہکلو (شیراز)، ۲۶۰		ذفکر، ۲۲۶	ذو ثلاث ورقات، ۱۵۲
ذہماسا، ۱۴۸		ذِفلی، ۱۴۵	ذو ثلاثة اوراق، ۲۰۳
ذَهْمَسْت، ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۱۸		ذُکار، ۹۶	ذو ثلاثة ألوان، ۱۵۲
ذہمشت، ۲۱۸	ذات الریش، ۱۴۹	ذکر الارض، ۹۲	ذو ثلاثة شعب، ۱۱۸
ذہنون دوزی، ۲۵۰	ذات ثلاث حبات، ۱۶۲	ذَکَر الدیک، ۱۵۰	ذو ثلاثة عناقید، ۲۰۳
ذہنیہ، ۲۵۷	ذافنی، ۱۴۹	ذکر الرئيس، ۱۳۵، ۱۵۰	ذو خمسة أجنحه، ۸۹
ذہونہ، ۲۴۷	ذافنی، ۲۱۸	ذکر الکلب، ۱۵۰	ذو خمسة اجنحه، ۴۱، ۸۸
ذیاکلمن، ۱۴۱	ذافنی الاسکندری، ۱۴۹	ذَکَر الہر، ۸۰	۱۵۲
ذیامنطیس، ۲۶۴	ذافنیدس، ۱۴۹	ذَکَر الہر، ۲۰۱	ذو خمسة اصابع، ۱۵۲، ۲۳۰
ذیامیرون، ۹۵	ذاقنیویداس، ۱۴۹	ذکور البقل، ۱۴۴	
ذیساقوس، ۱۳۳، ۱۴۸	ذاقنی، ۱۴۹، ۲۱۸	ذَنب الأُیْلِ، ۲۸۷	ذو خمسة اقسام، ۸۸، ۱۵۲
ذیبناقوس، ۱۴۸	ذاقنی الاسکندری، ۱۴۹	ذنب الثعلب، ۱۸۱	ذو خمسة اوراق، ۴۱، ۸۸
ذیدرون اسایا، ۲۵۵	ذاقنی الاسکندری، ۱۴۹	ذَنبُ الجَمَل، ۱۲۶	۱۵۲، ۲۳۰

رتة (نبطی)، ۸۸	رانج ویر (فارس)، ۱۱۱	راحة الکف، ۲۵۹	ذو خمسة أجنحة، ۱۵۲
رتیانج، ۱۹۷	رانداروی تلخ، ۲۶۰	راحة الکلب، ۱۵۲	ذو خمسة أصابع، ۴۱، ۸۸
رثیث، ۵۰	راون، ۱۵۴	راحة الکلب، ۲۵۴	۱۵۲
رجبه، ۱۵۵	راوند، ۱۵۴	رازقی، ۱۵۲	ذو خمسة أقسام، ۱۵۲
رجل الارنب، ۲۶۵	راوند الجبلی، ۲۵۰	رازقی، ۱۸۱	ذو سبعة اضلاع، ۲۶۹
رجل الأرنب، ۲۶۵	راوند الفارسی، ۱۲۲، ۱۵۹	رازیانج، ۷۸، ۱۵۲، ۲۳۸	ذو شُوْنِکَة، ۱۵۲
رجل البازی، ۱۵۵	راوند شامی، ۱۵۴	رازیانج البستانی، ۱۵۳	ذو مائة رأس، ۱۵۲
رجل البازی، ۲۴۸	رای، ۱۳۰	رازیانج الرومی، ۶۷	ذهبی، ۳۴
رجل الجراد، ۱۵۵، ۱۶۱	رای بیل، ۱۵۴	رازیانج الشامی، ۶۷	ذهیبه، ۱۵۳
رجل الحدأة، ۱۵۵	رای مُنت، ۷۵	رازیانج القروء، ۱۴۸، ۱۵۳	ذهیبة، ۱۵۲
رجل الحرشاء، ۱۵۵	رائی مُنت، ۱۶۰	رازیانج بری، ۱۵۲، ۱۵۳	ذی الورقة الواحدة، ۲۷۳
رجل الحمام (اندلس)، ۱۲۵	راء، ۱۵۲	رازیانج حبشی، ۱۵۳	ذیره، ۱۲۳
رجل الحمامه، ۳۸، ۱۱۹	راءآ، ۱۵۲	رازیانج رومی، ۱۵۳	ذُونون، ۱۵۲، ۲۰۱
۱۲۵	راء، ۵۹، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۹	رازیانج شامی، ۱۵۳	
رجل الحمامه، ۳۸، ۴۳، ۲۵۲	۲۶۳	رازیانج فارسی، ۱۵۲	
رجل الحَمَامَة (اندلس)، ۶۸	رأس الأفعی، ۴۲	رازیانج (مغرب و اندلس)، ۷۸	
۱۹۰	رأس الذهب، ۱۳۲، ۱۵۳	رازیانق، ۷۸	رئیس الجَبَل، ۱۱۹
رجل الدجاجة، ۱۵۵	رأس الزرزور، ۱۵۳	رازیانه، ۱۵۲، ۲۱۳	رئیس الجبل، ۱۲۰، ۱۶۰
رجل الدجاجة (آفریقا)، ۷۰	رأس الشیخ، ۵۸، ۱۵۳	رازیانه بری، ۱۵۳	راء، ۱۵۴
رجل الزاغ (شام)، ۱۵۵	رأس العجل الکبیر، ۶۷	رازیانه رومی، ۶۷	رائحة الأثرنج، ۷۱
رجل الزرزور، ۱۵۵	رأس العصفور، ۱۵۳	رازیانه شامی، ۶۷	رائحة البستان، ۲۸۰
رجل الطیر، ۳۶	رأس القنفذ، ۱۵۳	راژموک (ترمذی)، ۲۷۱	رائی، ۱۳۰
رجل العقاب، ۱۵۵	رأس الهدهد (اسکندریه)، ۲۷۷	راس الذهب، ۱۳۰	رابانس ازغریا، ۵۷
رجل العقق، ۱۵۵	رب القَرظ، ۱۳۲	راسن، ۱۵۹، ۲۵۲	رایج، ۱۱۲
رجل الغراب، ۳۶، ۱۴۸	زَبَرَق، ۲۴۹	راسن (اندلس)، ۱۰۶	رابستیاج، ۱۹۳
۱۵۵، ۱۶۲، ۲۵۶	ربرق (یمن)، ۱۵۴	راسن (اندلس)، ۱۵۳	رابوقه، ۸۲
رجل الغُراب، ۱۵۵	زَبَل، ۱۵۴	راطینا، ۱۹۷	راتیانج، ۱۹۶
رجل الفروج، ۵۲، ۱۲۳	زَبَل (مصر)، ۵۶	رافانوس، ۲۲۴	راتیانج، ۱۹۷
۲۳۲	زَبَنالَه، ۲۷۴	رافعه، ۱۳۰	راتینا، ۱۹۷
رجل الفُرُوج، ۱۱۶	ربوذي، ۸۴	رافعة، ۱۵۴	راتینج، ۱۵۲
رجل الفروج (اندلس)، ۱۵۵	رتک (شیرازی)، ۲۸۱	راقوته (شیراز)، ۲۹۰	راتینج، ۱۵۲، ۱۹۷، ۲۴۴
رجل القلُوس، ۱۵۵	رَتَم، ۱۵۱، ۱۵۴	رال، ۱۷۸، ۲۴۷	راتینج، ۱۹۷
رجل القلوس، ۱۵۵	رَتَم الخنزیر، ۱۵۴	رام تلسی، ۲۲۵	راجونکه، ۲۴۹
رجل صالح، ۲۸۰	رَتَم الطُباء، ۱۵۴	رامک، ۱۵۴	راج کیری، ۲۱۰
رجله، ۸۲، ۸۳، ۸۴	رتن جوت، ۴۰	رامش، ۲۱۷	راج، ۷۹
رجلة الشتاء و الصيف، ۱۰۸	رُتَه، ۵۲، ۵۴	رانج، ۱۰۹	راح العرب، ۶۲
رجمُول، ۲۵۸	رُتَه، ۱۵۵	رانج، ۲۸۷	راحة الاسد، ۲۸۳
رجنه، ۱۳۳			راحة الأسد، ۲۸۶

## حرف «ر»

رجینة، ۱۹۷	رعى الأیل، ۶۰	رقعة الصخرية (اندلس)،	رمانامصرینا، ۱۰۴
رجینة (اندلس)، ۱۵۲	رعى الأیل، ۲۸۱	۲۷۱	رمان بری، ۱۰۴، ۱۱۲،
رحبینه، ۱۹۷	رعى الأیل، ۱۵۶	رقعة الصنوبریه، ۱۵۷	۲۸۳، ۱۵۸
رخامی، ۱۵۵	رعى الأیل، ۱۵۶	رقعة الفارسیة (اندلس)، ۸۷	رمان بستانی، ۱۰۴
رخون (بغداد)، ۲۶۱	رعى البط، ۱۴۸	رقعة اللطینیه، ۹۷	رمان حامض، ۱۵۷
رخینه، ۱۵۲	رعى الحمام، ۶۰، ۷۳، ۱۵۶،	رقعة النهریه، ۲۹۱	رمان حلو، ۱۵۷
ردایف، ۱۱۴	۲۰۴	رقعة (اهل سراه)، ۱۰۸	رمان هندی، ۱۴۱، ۲۸۸
رُدُونَتی، ۱۵۵	رعى الحمام، ۶۹	رقعة بریه، ۱۵۷	رمت، ۴۴
ردین، ۲۶۰	رعى الحمام، ۱۵۶	رقعة جبلیه، ۱۵۷	رِمَت، ۱۵۸
رُزَا، ۴۴	رعى الحمیر، ۲۲۵	رقعة خضفیه، ۱۵۷	رُمُح صغیر، ۲۷۱
رزى (تبریز)، ۸۵	رعى الشواهین، ۲۰۴	رقعة سهلیه، ۱۵۷	رمرام، ۱۵۸
رس، ۲۰۹	رعى الضفادع، ۲۵۴	رقعة شعریه، ۱۵۷	رَمَرَام، ۱۵۸
رستنی نودیه، ۲۱۰	رعى العیر، ۴۳	رقعة طلیبیه، ۱۵۷	رند، ۳۶، ۴۳، ۱۴۵، ۱۶۱
رسماریتا، ۲۳۹	رَعِیداء، ۱۶۴	رقعة ظلیه، ۱۵۷	رَند، ۱۵۹
رُسفاریتا، ۸۷	رَعِیداء، ۱۹۴	رقعة فارسیه، ۱۵۷	رند اسکندرانی، ۱۵۹
رسوت، ۱۲۰	رغباء، ۲۵۸	رقعة قَرَنُقلِبَه، ۱۵۷	رند (سندی)، ۲۱۸
رسون هندی، ۱۹۹	رَغَت، ۱۰۴	رقعة لطینیه، ۱۵۷	رندلی، ۶۷
رسیم (مصر)، ۲۳۶	رغل، ۸۳	رقعة مَرَجِیه، ۱۵۷	رَنف، ۱۳۷، ۱۵۹
رسین (اصفهان)، ۲۳۶	رُغل، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۷۰	رقعة نهریه، ۱۵۷	رنکبار (شیرازی)، ۱۵۲
رشاد، ۱۰۲، ۱۱۵	رغیدا، ۴۴، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۹۴	رقوناً، ۲۹۰	رنگ زعفران، ۴۲
رِشال الاحمر، ۴۶	رفالس (فرنگی)، ۲۲۳	رَقُون، ۱۲۵	رنگ زعفران (اصفهان)،
رِشاله، ۴۶	رفانی، ۲۲۳	رَقُون، ۱۲۵	۲۱۰
رُشالة الابيض، ۲۶۴	رفاید، ۱۱۹	رقه، ۲۱۸	رنیکا، ۴۱
رشینه، ۱۵۲	رفینون، ۲۲۳	رقیب الشمس، ۱۵۷	رواس، ۱۳۴، ۱۵۹، ۱۸۸
رشینة (اندلس)، ۱۵۲	رقاع، ۱۵۷	رَقِی (بغداد)، ۸۲	رواش، ۲۵۴
رضایف، ۱۱۴، ۱۵۹	رُقاع الیمانی، ۱۵۷	رَکَف (آفریقا)، ۷۵	روبادوج، ۲۴۹
رطا، ۲۴۷	رقاقس، ۱۵۷	رَکَل، ۲۵۲	رویازرج، ۲۱۴
رطب القَت، ۱۵۶	رِقان، ۱۲۵	رَمَان، ۱۰۴	رویه ترکیک، ۲۱۴
رَطْبَه، ۱۵۵	رقبه، ۲۶۸	رُمان، ۱۵۷	رویه تورک، ۲۱۴
رطبه، ۲۳۷، ۲۹۱	رُقَع، ۱۰۵، ۱۵۷	رُمانا، ۱۵۷	رویه زَرک، ۲۱۴
رطبه، ۹۲، ۲۴۱	رقعا، ۱۳۸	رمانادبرا، ۱۰۴	رویباس، ۱۸۹
رعاولیلا، ۱۵۶	رقع الیمانی، ۱۰۸	رَمَان الأنهار، ۱۵۸	رویبان، ۴۴، ۱۵۵
رَغَت، ۱۵۶، ۱۵۸	رقعاء، ۱۶۹	رمان البر، ۱۵۸	رویه منور، ۲۳۰
رعنادملا، ۲۲۸	رَقَعَه، ۱۵۷	رمان السُعال، ۱۵۸	رویه (فرنگی)، ۲۳۰
رعیادیلا، ۱۵۶	رقعة الرومیه، ۱۵۷	رمان السعال، ۲۷۵	رودا ایدا، ۱۵۷
رَعِیاذیلا، ۱۵۶	رُقَعَة الصخری (اندلس)،	رَمَان السعالی، ۲۸۸	رودک، ۲۳۰
رَعِی الایل، ۱۵۶	۱۵۷	رمان الهند، ۱۸۹	رودیاریزا، ۱۵۹
رعى الابل، ۱۵۶	رقعة الصخریه، ۲۵۷	رمان الهندی، ۱۸۹	رودیون، ۱۴۵



زراوند گرد، ۱۶۱	ریون، ۱۵۴	ریحان الامرود، ۲۷۹	رُودَا، ۲۹۴
زراوند مَدَخَرَج، ۱۶۱	ریوند، ۱۵۴، ۲۶۲	ریحان الترنجانی، ۷۱	رُودَا اَرِیْذَا، ۱۵۹
زراوند مدور، ۱۶۱	ریهقان، ۱۶۳	ریحان الثعلب، ۱۴۹، ۱۵۹	رُودَا اَیْذَا، ۱۵۸
زرجویک، ۲۰۸	رُؤُوسْ أَوْ (أبی) أطا أُوْبْسَا، ۱۷۵	ریحان الجَزْ، ۱۵۹	روزدقنی، ۱۴۵
زرجون، ۲۱۴		ریحان السلیمان، ۱۶۰	روزدوس، ۱۵۷
زرچویه، ۲۰۸		ریحان السواقی، ۱۵۹	رُوز، ۴۴
زردآلو، ۱۹۰، ۲۸۲		ریحان الشیاطین، ۱۸۳	رُوزنارِج، ۲۱۵
زردجویه، ۲۰۸		ریحان الشیوخ، ۲۸۰	رُوز (فاس)، ۴۴
زردچویه، ۲۷۶	زآ، ۲۱۳	ریحان القبور، ۳۶	روزی، ۴۴
زردک، ۱۰۳	زآء، ۲۱۳	ریحان الکافور، ۱۶۰	روس، ۴۳، ۲۱۳
زردلان، ۱۶۱	زابر، ۱۶۱	ریحان الماء، ۳۹	روشکه، ۵۵
زرشک، ۳۸، ۶۱، ۱۲۰	زاثا، ۵۲	ریحان المُرْد، ۱۵۹	روشنک، ۲۲۱
۲۳۱، ۲۷۱، ۲۹۸	زارج، ۳۸، ۶۱	ریحان الملک، ۱۹۸	روشی مینس (شیراز)، ۵۱
زرشگ، ۶۱	زان، ۱۶۰، ۱۶۳	ریحان النعنع (مصر)، ۳۹	روطة (فاس)، ۱۶۷
زرع، ۱۲۶	زَبَادِی، ۱۶۰	ریحان اليهود، ۱۶۰	روغناز (جرجان)، ۲۳۰
زَرَع، ۱۲۶	زبان گنجشک، ۲۶۹	ریحان (اندلس)، ۳۶	روفس، ۱۱۰
زرع آدم، ۱۱۲	زَبان لباسا، ۸۶	ریحان بری، ۸۳	رومانی دبرقویا، ۲۸۲
زرع بشاشا، ۱۱۶	زَبْ رِیاح، ۱۵۰	ریحان داود، ۳۴	رومیرو رومینیو (رومی)، ۵۹
زرع بطراسلینون، ۲۲۷	زَبْ رِیاح، ۲۰۱	ریحان سلیمان، ۱۰۵، ۱۶۰	رونا، ۲۷۹
زرعشامر، ۶۷	زَبْ رِیاح، ۲۰۱	ریحان قرفلی، ۲۲۵	روناس، ۲۳۰
زرع شخرونیاء، ۸۸	زَبْغَر، ۲۸۰	ریحان کوهی، ۷۱	رونق الملک، ۵۹
زرع علی زرع، ۲۵۷	زَبُوج، ۲۰۶	ریحان مطلق، ۱۸۴	رونک (سجزی)، ۱۷۳
زرع کرفساد طورا، ۲۲۷	زَبُوج (اندلس)، ۱۶۶	ریحانة الرومیه، ۱۱۳	رویذون، ۱۵۷
زرق الطیر، ۱۵۷	زیب الجبل، ۱۱۱، ۲۸۷	ریحانة الفتی، ۱۶۰	رویذین، ۱۵۷
زرقفت، ۱۶۱	زیب الجبلی، ۲۸۷	ریحانة المرود، ۱۱۳	روی (سجزی)، ۲۰۰
زرقوتبا، ۱۵۳	زیب الریفی، ۲۸۷	ریحانة الملک، ۱۱۳، ۱۶۰	روین، ۲۳۰
زرقوری، ۱۵۵	زیب بری، ۱۱۱	ریسم، ۱۲۲	رَهْج الفأر (مغرب)، ۶۸
زِرک، ۶۱	زَتَنکَل (فرنگی)، ۲۵۰	ریسنا، ۱۵۳	رهلیا، ۶۷
زرنب، ۱۵۵، ۱۶۱	زجمول، ۲۵۸	ریش سمندر، ۱۲۰	ریسباس، ۴۰، ۱۵۴، ۱۵۹
زَرَنَب، ۱۶۱	زحموک، ۲۵۸	ریشه انجدان خراسانی، ۶۵	۲۳۰، ۲۸۲
زرنیاد، ۱۶۱	زدوار، ۱۰۱	ریشه خیرو، ۲۹۷	ریباس الجبلی، ۱۲۲
زَرَنیاد، ۱۶۱	زر، ۲۵۵	ریشه ریباس، ۱۵۴	ریباس الخراسانی، ۱۲۲
زرنبودی، ۸۴	زراوند، ۱۶۰	ریشه والا، ۱۷۷	ریباس الشامی، ۱۲۲
زرنبوری، ۱۶۲	زراوند، ۱۶۱	ریفی، ۸۱، ۶۱	ریباس الفارسی، ۱۲۲
زرنک، ۶۱	زراوند الطویل، ۲۳۴	ریمنده (اندلس)، ۲۱۹	ریتفه، ۸۸
زرنک، ۸۰	زراوند الطویل (آفریقا)، ۱۸۶	ریواج، ۱۵۹	ریحان، ۳۱، ۳۵، ۱۵۹
زرنیلج، ۱۵۹	زراوند خراسانی، ۱۶۰	ریواس، ۱۵۹	۱۸۴، ۲۴۹
زرواش (تنکابن)، ۹۷		ریولة (اندلس)، ۲۲۶	

## حرف «ز»

زَرَوَان زَنْج، ۲۱۵	زقوم، ۱۹۸	زنجی، ۱۶۷	زیت المهرجان، ۱۶۶
زره (شیرازی)، ۱۴۹	زقوم آخر، ۱۶۳	زند (شام)، ۲۱۸	زیت الهرجان، ۱۶۶
زریات، ۱۳۲	زَلایف الملوک، ۲۴۷	زنجباری، ۱۶۴	زیتون، ۱۶۵، ۵۷
زَریر، ۱۶۲	زلاویه، ۱۶۳	زَنجیباری، ۱۶۴	زیتون الأَرْض، ۱۲۸، ۲۷۵
زریرا، ۸۲، ۱۶۲	زلایف الملوک (مغرب)، ۲۴۷	زنقال، ۹۶	زیتون البحر، ۱۶۶
زریعة السُوداء، ۱۹۲	زَلَم، ۴۹	زنکییل، ۱۶۴	زیتون البری، ۱۶۶
زریعة أبلیس، ۱۸۷	زلم، ۱۶۳	زنک فلج، ۱۳۲	زیتون الجبلی، ۲۰۶
زریقاء، ۱۰۵	زماره الراعی، ۲۸۱	زنکورج، ۳۰۱	زیتون الخَبَش، ۱۶۶
زَرین گیاه، ۹۲	زَم البول، ۱۱۸	زنگباری (شیرازی)، ۲۴۴	زیتون الطحال، ۱۶۶
زَرین گیاه، ۱۶۲	زَم شرار، ۷۶	زنگبیر، ۱۶۴	زیتون الکَلْبَة، ۱۶۶
زُرْغَد (انطالیا)، ۲۴۸	زمردرنگ، ۲۴۵	زوار، ۱۰۱	زیتون الماء، ۱۶۵
زُط (سجستان)، ۲۰۱	زمین قند، ۱۸۹	زوان، ۱۰۵، ۱۴۷، ۱۵۱	زیتون المعز، ۱۶۶
زُغُور، ۱۶۲	زمین (گرگان)، ۳۵	زوان گندم، ۱۹۴	زیتون بری، ۱۶۶
زعرور، ۱۶۳، ۱۸۶، ۲۸۲	زَن، ۱۳۷	زوان (مغرب)، ۱۹۴	زیتون صخری، ۱۶۶
۲۹۱	زَن، ۱۴۷	زوباترس (تنکابن)، ۳۵	زیتون کوهی، ۲۰۶
زعرور الأدویه، ۵۸	زَنابیر، ۹۶	زوتیر، ۱۲۶	زیتون هندی، ۱۹۹
زعرور پستانی، ۱۶۳	زَنبَا، ۱۶۴	زودوذا، ۱۴۵	زیتونیه، ۱۴۴
زعرور جبلی، ۱۶۲	زَنبارَه، ۹۶	زوفاء، ۱۶۵، ۱۹۵، ۲۸۱	زیتونیه (مصر)، ۷۰
زَعفران، ۱۶۳، ۲۵۵	زنبق، ۱۵۲	زوفارطیا، ۱۶۵	زیر، ۸۵
زعفران بری، ۱۶۳	زَنبَق، ۱۶۴	زوفایش، ۱۶۵	زیر خار (سجزی)، ۲۱۷
زعفران حبشی، ۱۶۳	زَنبَق (دمشق)، ۱۶۴، ۱۸۱	زوفای رطب، ۱۶۵	زیرکش، ۶۱
زعفران شرکی، ۱۶۳	زنبوج، ۱۶۵، ۲۵۱	زوفای یابس، ۱۶۵، ۵۲	زیرکی، ۱۱۳
زعفران هندی، ۱۶۳، ۲۵۵	زَنبوره، ۹۶	زوفرا، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۴۸	زیره، ۲۶۲
زَعْفَرَاء، ۱۶۳	زنبوش، ۹۰	زوفرا، ۱۶۵، ۲۲۳، ۲۴۸، ۲۸۱	زیره رومی، ۶۷، ۲۵۶
زَعْبَج، ۱۱۲، ۱۶۶، ۲۵۱	زنبوع، ۴۰	زوفراء، ۱۴۸	زیره هندو سیاه، ۲۶۲
زَعْبَج، ۲۰۶	زنبوقه، ۱۲۲	زوفس، ۱۰۳	زیزفون، ۲۱۹
زَعْبَر، ۲۸۰	زَنبیره، ۹۶	زول زده، ۲۵۱	زیزفون (دمشق)، ۱۶۶
زغبر، ۲۸۰	زَنجَبیل، ۱۶۴	زوله (خوارزم)، ۲۲۸	زیزوفی، ۲۱۳، ۲۱۴
زغیر، ۱۶۳، ۱۹۴	زنجبیل، ۱۷۱	زهر الملح، ۱۶۵	زیفس، ۱۸۲
زغیر (سغد، سمرقند)، ۲۵۱	زنجبیل الافرنجی، ۱۶۴	زهر زمین (جرجان)، ۳۵	زَيْلَعی، ۲۳۹
زغیره (سغد، سمرقند)، ۲۵۱	زنجبیل العجم، ۱۶۴، ۵۰	زهرو، ۲۸۹	زیتان (شیرازی)، ۲۸۹
۲۵۱	زنجبیل الفارس، ۵۰	زهرة، ۱۶۵	زینة الریاحین، ۷۹
زفزوف (فاس)، ۲۱۳	زنجبیل الکلاب، ۱۶۴	زهرة الحجر، ۱۶۵	زینیان، ۲۸۹
زفیزف (اندلس)، ۲۱۳	زنجبیل بلدی، ۱۵۳	زههم، ۱۶۱	ژالک (سجزی)، ۵۲
زفیزف ونبق، ۲۱۴	زنجبیل شامی، ۱۵۳	زیا، ۱۹۴	
زَقال، ۱۶۳	زنجبیل (اسکندریه)، ۲۲۳	زیتارعا، ۲۷۵	
زُقُشته، ۱۶۳	زَنجَرُو (سجزی)، ۶۶	زیت السودان، ۱۶۶	
زَقوم، ۱۶۳			

## حرف «س»

سَخار، ۱۶۷	سَبْعُ الْكُتَّان، ۱۶۷	سافاریعون، ۱۳۰	سابا حورارا، ۷۱
سُخْر، ۱۶۷	سبعة اصول، ۲۷۹	ساق الاسود، ۷۶	سابقه، ۷۵
سَخَس، ۴۳	سبنيرة (اندلس - لاتین)، ۱۸۵	ساق الوصیف، ۷۶	سایبج، ۲۷۰
سَخُوزِیون، ۱۷۳	سببذخار (سجزی)، ۲۱۷	ساق ترشک، ۸۳	سایبک، ۲۷۰، ۳۰۰
سَخُوس لَیا، ۱۷۵	سپارک (فرنگی)، ۲۹۷	ساکته، ۲۸۰	سایبشک (سندی)، ۲۷۰
سَخی رَغلا، ۷۹	سپاری، ۲۳۰	ساکرکھوله (سانس کرت)، ۵۹	ساتر، ۱۹۵
سَخیس، ۴۳	سپرم، ۱۵۹	سالتین اغریون، ۲۵۰	ساتری، ۱۶۷
سَخینس، ۲۸۲	سپستان، ۱۶۷	سالس اغریون، ۲۵۰	ساج، ۱۶۶
سَخِیوس، ۴۳	سپست تر، ۱۵۵	سالم (عبری)، ۱۴۷	ساجی، ۲۴۴
سَخینوس، ۲۸۲	سپندان، ۱۳۱	سالمة، ۴۸	ساداوران، ۱۶۶
سَخینوس، ۴۳	سپندانک، ۱۱۵	ساله، ۱۳۰	ساداوران قطار، ۱۶۷
سَخینوس الأجامی، ۵۰	سپند، ۱۱۶	سالی، ۱۶۷	ساذج، ۱۶۶، ۲۸۸
سَخینوس الیا، ۱۴۸	سپنی، ۱۶۱	سالین، ۲۵۴	ساذج هندی، ۱۶۷
سَداب، ۱۲۴، ۱۵۰	سپید اسفند، ۱۳۱	سالیوس قیفاون، ۲۵۴	ساذرون، ۱۶۷
سَداب، ۱۶۷	سپید گیاه، ۹۷	سالیون ایماش، ۲۵۴	ساراقیاس، ۱۳۶
سَداب البر، ۱۱۶	ستاره ائیکا، ۴۸	سالیون ریفان، ۲۵۴	سارس، ۲۹۸
سَداب بری، ۱۱۶، ۱۶۸	ستالی، ۱۸۸	سالیون قیفون، ۲۵۳	سارق الخاتم، ۲۹۲
سَداب بستانی، ۱۱۶، ۱۶۸	ستاور، ۱۸۸	سالیون، ۲۵۳	ساریفون، ۱۹۳، ۵۶
سدایان (مصر)، ۱۷۴	شخادس، ۴۷	سامان، ۱۴۸، ۱۶۷	ساریفون، ۱۹۳
سَدَر، ۲۱۴، ۲۷۲، ۲۸۹	ستوخس، ۴۷	سامر (شام)، ۲۸۴	ساز ساهوره، ۲۱۳
سَدَر، ۱۶۸	سج، ۱۸۷	سامری، ۱۵۴	سامالی، ۱۸۱
سَدَر بری، ۶۲	سجا، ۱۶۷	سامون، ۸۶	ساسالیوس، ۱۶۷
سَدَرِزوان، ۱۶۸	سجستان، ۱۶۷	ساناحور، ۷۱	ساسالیوس، ۱۸۲
سَدَرَة، ۱۶۸	سجس افراغیه (اندلس)، ۲۴۳	سانوج (فاس)، ۱۹۲	ساسالیون، ۱۸۲
سَدوس، ۲۱۱	سجالات، ۲۹۹	سانول، ۱۶۷	ساسلیوس، ۲۵۳، ۶۵
سَدوس، ۲۹۲	سجلاط، ۲۹۹	سایر، ۲۱۳	ساسلیوس، ۱۶۷
سَداب، ۹۷، ۱۶۷	سجومیس، ۴۳	سایس، ۲۱۸	ساسلیون، ۱۸۱
سَداب، ۱۶۷	سجی، ۲۴۴	سبیت، ۵۷	ساسم، ۳۳
سَداب البر، ۱۵۰	سجیوس، ۴۳	سبیت، ۲۳۷	ساسنوا (فاس)، ۱۰۶
سَداب بری، ۴۸، ۹۷	سحار، ۹۶	سبری تهلک (سجزی)، ۱۱۶	ساصلی، ۱۹۴
سَرابیون، ۴۶	سحاره، ۱۸۹	سبزیار، ۱۰۷	ساطریوس، ۱۰۱
سَرَج البری، ۱۶۸	سحبر، ۱۵۱	سبزه (شیراز)، ۲۴۵	ساطریون، ۱۳۵، ۱۶۷
سَرَج الظلام، ۲۶۳	سحر، ۲۶۰	سبسرین، ۱۱۵	ساطریه، ۱۳۵
سَرَج القطرب، ۱۳۲، ۱۴۰	سحسونه، ۱۶۷	سبط، ۲۷۳، ۲۵۶	ساطوریون، ۱۳۵
سَرَج القطرب، ۱۶۸	سحیلِس، ۴۳	سَبْعُ الْأَرْض، ۷۵	ساطیورین، ۱۳۵
سَرَج القطرب، ۱۶۹	سحیمه (اندلس)، ۲۶۷	سبع الشَّعراء، ۱۶۷	ساغافیون، ۱۷۳

سراج متوج، ۱۶۸	سرم، ۲۲۶	سَطارِیون، ۱۷۱	سعدی المَضَفَرَة، ۱۷۱
سراجیه، ۶۰	سرما، ۱۷۰	سطارِیون، ۲۶۹	سَعَسَع (عبری)، ۱۴۷
سراش، ۱۳۸	سَرَمَج، ۲۴۱	سَطَاغُونَس، ۲۶۶	سَعْفُور الصَفَالِیَه، ۱۶۳
سَرالِیَة، ۲۹۸	سرمج اطرافاکسیس، ۱۷۰	سَطافانن، ۱۵۹	سَعْلَه، ۷۳
سراویل الطلول (اندلس)، ۶۰	سرمس، ۱۷۰	سَطالیون، ۲۸۰	سَعْلَه، ۱۷۲
سراویل الكُكَّه (اندلس)، ۲۶۷	سَرَمَق، ۱۷۰، ۲۴۱	سَطانِیق، ۱۲۶	سَعْد، ۸۶
سربن طین (فرنگی)، ۲۷۳	سرمق، ۲۴۱، ۲۷۹	سَطانیون، ۲۱۹	سَعُوط، ۱۷۲
سربیل (شیراز)، ۲۳۳	سرمک، ۲۴۱	سَطراطِیوس، ۱۷۱، ۲۶۹	سَعُوط الدُّوَاب، ۲۶۳
سَرَبْهونکَه، ۱۷۱	سَرَمَه، ۱۷۰	سَطراطِیوس ماریوس، ۱۱۰	سَعِیَع (نبطی)، ۱۴۷
سَرَج، ۱۶۹	سَرَمَجِی، ۱۷۰	سَطراطِیوس طس، ۱۷۱، ۲۸۰	سَغابِیون، ۱۷۳
سرخ پای، ۱۲۲	سرو، ۱۴۹، ۱۹۷، ۳۰۱	سَطراطِیوس طس، ۱۷۱	سَغِیبن، ۱۷۳
سرخس، ۱۵۷ ۶۵	سَرَو، ۱۷۰	سَطراک، ۱۶۱	سَفادِیْکُس، ۱۷۲
سَرخَس، ۱۶۹	سَرُو، ۲۶۹	سَطرخنوس، ۲۴۹	سَفارغانِیون، ۲۰۷
سرخس البلوط، ۱۴۴	سروالی، ۷۶	سَطرکا، ۵۳، ۱۷۱	سَفاری، ۸۱
سرخس نر، ۱۶۹	سرو بیاجبلا، ۲۰۸	سَطْروبیلو، ۱۹۷	سَفانی، ۱۵۶
سرخسی، ۶۵	سرو ترکستانی، ۱۵۵، ۱۶۱	سَطْروثِیون، ۱۷۱، ۲۰۷	سَفنا، ۸۰
سرخ فرد (شیرازی)، ۲۱۰	سَرُو (سجزی)، ۲۶۹	سَطْروثِیون، ۱۷۱، ۲۰۷	سَفنا، ۸۰
سرخ مرد، ۱۴۳	سَرُوق (سند)، ۶۷	سَطْروخَس، ۲۴۹	سَفنک، ۲۹۲
سرزردک (شیراز)، ۲۴۷	سرو کوهی، ۲۰۸، ۳۹	سَطْروخَس فِنجوش، ۲۴۹	سَفنَجَه، ۱۹۸
سَرزَک، ۱۶۲	سرو نمازون، ۲۰۸	سَطْروخَس البِستانی، ۲۱۵	سَفْذولِیون، ۲۵۹
سِرِس، ۱۶۹	سروی، ۳۰۰	سَطْروخِینس، ۲۴۹	سَفْزَجَل، ۱۷۲
سَرَساد، ۴۱	سَرَفَنجِی، ۱۷۰	سَطْرومیون، ۱۷۱	سَفرجل، ۱۸۶
سر سرالدیک (شام)، ۱۴۶	سَرَة الارض، ۱۶۹	سَطْرونیون، ۱۷۱	سَفرجل الهند، ۱۸۹
سر س (سند)، ۱۳۷	سَرِیس (سند)، ۱۳۷	سَط (مصر)، ۵۷	سَفرجل هندی، ۱۸۹
سر سون، ۱۱۵	سَرِیش، ۵۱، ۱۳۸	سَطوبی، ۴۶، ۱۷۱	سَفرجل هندی، ۱۸۹
سر شاد، ۱۷۰	سَرِیقون ارمی، ۱۹۳	سَطوسا، ۱۸۴	سَفرجل هندی، ۱۸۹
سر شو (شیرازی)، ۲۶۶	سَرِینَه، ۲۰۹	سَطیوس، ۱۰۴	سَفرجل هندی، ۱۸۹
سر (شیرازی)، ۲۴۵	سَرَه (شیرازی)، ۲۳۶	سَعادی (ترکیه)، ۱۷۱	سَفرجل، ۱۸۶
سر غت، ۱۷۰	سَسالیون، ۶۵	سَعالی، ۱۷۱	سَفرجل الهند، ۱۸۹
سَرَقَفلِین، ۶۶	سَسالیون، ۲۴۸	سَعیر، ۱۶۹	سَفرجل هندی، ۱۸۹
سَرَقسانَه، ۱۷۰	سَسالِیون، ۲۴۸	سَعفتر، ۱۶۵	سَفرجل هندی، ۱۸۹
سَرَقسطَه بِلطالَه مَرکَلِینَه، ۲۶۶	سَسْتَرَنَة (اندلس)، ۱۸۷	سَعتر، ۱۸۷، ۱۹۵	سَفرجل، ۱۸۹
سَرَقوقِینا (شام)، ۱۹۳	سُسْرم، ۱۸۲	سَعتر الحَمیر، ۱۱۰	سَفرجل، ۱۸۹
سرکنده، ۲۴۰	سَسطِیعون، ۱۶۵	سَعْد، ۱۷۱	سَفرجل، ۱۸۹
سرکوه، ۱۸۱	سَطّاح، ۲۵۲	سَعدان، ۱۷۲	سَفرجل، ۱۸۹
	سَطّاخِیس، ۱۷۱، ۲۳۱	سَعْد (تَنکابن)، ۴۹	سَفرجل، ۱۸۹
	سَطّاخِیس، ۲۳۲، ۲۸۰، ۲۹۵	سَعْدِی، ۱۴۸	سَفرجل، ۱۸۹
	سَطّاخِیس، ۱۷۱	سَعْدِی، ۱۷۱	سَفرجل، ۱۸۹

سفوس (لاتینی)، ۱۲۹	سقیلا، ۴۹	سلطان الجبل، ۲۴۹	سَمَار، ۱۷۵
سفیدار، ۱۴۴	سَقِیلًا، ۴۹	سلطان الجبل (اندلس)،	سَمَاروِغ، ۲۲۶، ۲۶۰
سَفِیدلیون، ۱۷۲	سُکَات، ۱۷۳	۱۹۵	سَمَاق، ۱۷۵
سفید مرز، ۸۴	سک انگور (زابل)، ۲۱۴	سلطان الریاحین، ۱۸۳	سَمَاق، ۲۰۶
سَقَازطَاغانیون، ۱۸۱	سَکْیَینِج، ۱۷۳	سَلَع، ۱۷۴	سَمَاق الدباغین، ۱۷۵
سِقَام الجن، ۲۵۷	سکینه، ۱۷۳	سَلَع، ۱۷۴	سَمَاق بری، ۲۸۰
سِقاون، ۴۱	سکر، ۱۷۳	سَلْغَاها (سند)، ۸۲	سَمَاقیل، ۱۷۵
سَقْرابیداس، ۲۰۴	سُکْر، ۱۷۳	سَلْغَوَا، ۱۳۲	سَمَاقیل، ۱۷۵
سَقْرابیوداس، ۱۵۱	سُکْر العُشْر، ۱۷۳	سَلْغیون، ۶۵	سَم البهائم، ۱۴۵
سَقْرَاطیون، ۲۴۳	سَکْرَجَه، ۱۷۳	سَلْغیون، ۶۵	سَم الحمار، ۱۴۵
سَقْرَاغانیون، ۱۴۶	سکفس (ترمذی)، ۲۱۱	سَلَق، ۸۲، ۱۷۳	سَم الحمار، ۱۴۵
سَقْرِیون، ۲۰۲، ۲۰۴	سکفینه، ۱۷۳	سَلَق، ۱۳۳	سَم السمک، ۲۷۷
سَقْرَدونواس، ۸۰	سککن، ۳۰۰	سَلَق، ۱۷۴	سَم الفأر، ۶۸
سَقْرَدین، ۹۸	سکنبویه، ۱۷۳	سَلَق، ۱۹۷	سَمالو، ۲۶۰
سَقْرَدین، ۲۸۳	سکوک (بخاری)، ۲۱۱	سَلَقَا، ۱۷۴	سَمَام، ۲۲۱
سَقْرَدیون براسن، ۸۰	سکوم (فاس)، ۲۹۷	سَلَق البری، ۱۲۲	سَمَانی (اندلس)، ۲۹۲
سَقْر، ۸۱	سَکُوْه، ۱۷۳	سَلَق المَاء، ۹۹	سَمَاهَنگ، ۲۳۳
سَقْلَیاس، ۲۴۵	سکوهنج، ۱۱۸	سَلَق المَاء، ۱۱۰	سَمْر، ۶۲، ۱۷۶
سَقْلَیاس، ۲۴۵	سک هنو، ۱۷۳	سَلَق بری، ۱۲۳، ۱۷۴	سَمْر (اهل بادیه)، ۶۲
سَقْمُونیا، ۱۷۲	سکی رغلا، ۷۹	سَلَق بستانی، ۱۷۴	سَمْرَاء، ۱۷۵
سَقْمُونیا محموده، ۱۷۲	سگ انگور، ۲۱۴	سَلَق جبلی، ۱۲۲	سَمْرَقَنْدِیا (زابل)، ۲۷۶
سَقَنْدوقس، ۵۸	سگستان، ۱۶۷	سَلْغیون، ۶۵	سَمْرَنَا، ۲۷۷
سَقْوَردی، ۲۷۷	سَلارس، ۲۸۶	سَلَم، ۱۷۴	سَمْرَنابیوطیقا، ۲۷۸
سَقوس، ۱۲۶	سَلاطم (لاتین)، ۲۱۴	سَلَم سرخ (یزدی)، ۲۱۰	سَمْرَنیون، ۱۷۶، ۲۵۴
سَقْوَفَنْدَریون، ۱۵۷	سَلَب، ۱۷۴	سَلْمه، ۱۷۴، ۲۴۱	سَمْرَنیون، ۲۵۴
سَقْوَفَریون، ۴۹	سَلِین، ۱۱۴	سَلْهَارَس، ۲۸۶	سَمْرِیا، ۲۵۴
سَقْوَلفَنْدَرو، ۱۱۹	سَلَتْ، ۱۲۶، ۱۷۳، ۱۷۴	سَلْهَس، ۲۸۶	سَمْرِینیون، ۲۵۴
سَقْوَلفَنْدَریا، ۴۹	سَلت، ۲۰۱	سَلْهَه، ۲۸۶	سَم (سجزی)، ۱۳۲
سَقْوَلفَنْدَریون، ۴۸	سَلْجَم، ۹۰، ۱۸۹	سَلِیخ اسود، ۱۷۹	سَمَسْخون، ۱۱۳، ۲۷۹
سَقْوَلفَنْدَریون، ۱۱۹، ۴۹	سَلْدانیون (نیطی)، ۱۷۴	سَلِیخَه، ۱۷۴	سَمَسْر، ۳۴
سَقْوَلفَنْدَریون، ۲۷۱	سَلْدَهْری (لاتین)، ۲۵۳	سَلِیخَه، ۱۷۹، ۲۳۹	سَمَسَق، ۳۴
سَقْوَلفَنْدَریون، ۴۹	سَلْری (فرنگی)، ۲۵۳	سَلِیخَه، ۱۴۱	سَمَسَق، ۲۷۹
سَقْولومس، ۱۱۴	سَلَس (فارس)، ۲۱۹	سَلِیس، ۲۱۸	سَمَسَقون، ۱۱۳
سَقْولومُس، ۱۱۴	سَلطاری، ۱۲۶	سَلِیسک (فارس)، ۲۱۹	سَمَسَم، ۱۰۱
سَقْولوموا، ۱۱۴	سَلطان، ۱۵۸	سَلِیط، ۱۷۶	سَمَسِیم، ۱۷۶
سَقْونیوس، ۲۰۱	سَلطان الاشجار، ۱۶۹	سَلینون، ۲۳۵	سَمَسِیم بری، ۱۷۶
سَقونِیون، ۱۹۱	سَلطان البقول، ۱۸۳	سَمَار، ۴۹، ۷۸، ۱۴۸	سَمَشِیر، ۳۴
سَقی رَغْلا، ۷۹	سَلطان الجَبَل، ۷۵	سَمَار، ۱۴۸	سَمْعَر، ۵۹

سَمْفُوطٌ آخَرُ، ۱۷۶	سنبِل الطیب، ۱۷۷	سَنْفُوتَه، ۱۳۹	سوراج، ۲۴۹
سَمْفُوطُنْ، ۲۶۹	سنبِل العَصافیر، ۱۷۷، ۱۷۸	سَنکاهولی، ۲۶۸	سوراهد، ۲۵۷
سَمْفُوطُنْ آخَرُ، ۱۷۶	سنبِل الکلاب، ۵۰	سَنکیره، ۸۸	سوربارو، ۲۸۸
سَمْفُوطُنْ بطرا، ۲۷۴	سنبِل الکلب، ۱۷۸	سَنکِ سَبویه، ۱۷۹	سورج الملک، ۵۹
سَمْفُوطُنْ بَطْرَاوُنْ، ۱۷۶	سنبِل الملوک، ۲۸۱	سَنکسبویه، ۱۷۹	سورج مکهی، ۳۴
سَمَقْشَمْحُونْ، ۳۴	سنبِل اقلیطی، ۲۸۸	سَنکهارا، ۱۷۹	سوردن (تبریز)، ۱۲۹
سَمْفُوطُنْ، ۱۷۶	سنبِل بری، ۴۶، ۲۲۹، ۲۸۵	سَنکهاوت، ۱۴۴	سورمور، ۵۵
سَمَلایا (نبطی)، ۸۱	۲۸۸	سَنکهاورت، ۱۴۴	سورنجان، ۵۶، ۸۰، ۲۱۲
سمورنیون، ۱۷۶	سنبِل جبلی، ۱۷۷، ۲۸۸	سَنکِیْها، ۱۷۹	۲۷۰
سمون، ۸۶، ۲۲۲	سنبِل رومی، ۴۶، ۱۷۷	سَنگ بادکوکا فیلون، ۴۱	سورنجان، ۱۷۹
سمونیون، ۱۷۶	۱۷۸، ۲۶۹، ۲۸۷	سَنگ حنا (دیلِم)، ۱۱۷	سورنجان، ۱۸۰
سَمْهَر، ۱۲۶	سنبِل سفید، ۲۳۸	سَنگ سَبویه، ۲۴۳	سورنجان الدقیق (اندلس)، ۲۱۲
سَمید العَنزروت (فاس)، ۶۶	سنبِل (عوام)، ۷۶	سَنلتجی (لاتینی)، ۲۹۴	
سَمَیْراء، ۱۳۰	سنبِل فارسی، ۱۷۸	سِن نوذَه، ۱۵۵	سورنجان قَتال، ۱۰۸
سَمَیْره (اندلس)، ۴۷	سنبِل هندی، ۱۴۱، ۱۷۷	سِنو، ۱۹۲	سورنجان هندی، ۱۲۱
سمیقلس، ۱۷۶	۱۷۸، ۲۸۸	سِنوت، ۲۶۲	سورنگان، ۱۷۹
سَمیْلَقْس، ۱۹۰	سَنبِهالو، ۴۱	سِنوت الجبلی، ۲۴۸	سوری، ۱۷۷
سَمیْلَقْس، ۲۰۰	سَنَت ذیبی، ۵۰	سِوا، ۱۸۴	سوریا، ۴۳
سَمیْلَقْس، ۲۷۱	سَنجاب (هری)، ۸۳	سِواد الاکِراد، ۲۵۷	سوس، ۱۶۰، ۱۸۰
سَمیْلَقْس، ۲۷۱	سَنجار، ۳۸، ۱۴۶، ۲۹۶	سِواد الحِکام، ۱۶۶	سوسان فوسوخیوس، ۴۸
سنا، ۱۷۶	سَنجد، ۲۱۹	سِواد السِنْد، ۲۵۷	سوسانی، ۱۸۰
سنا البَلدی (اندلس)، ۲۱۸	سَنج سَبویه، ۱۷۹	سِواد العُصارَة، ۱۶۷	سوسرخون، ۶۵
سنا اَندَلِسی، ۲۱۸	سَنجسَفویه، ۱۷۷	سِواد القُضا، ۱۷۹	سوسن، ۱۱۲، ۱۶۰، ۱۸۰
سَناتیا، ۲۴۸	سَندرُوس، ۱۷۸	سِواد القُضاَت، ۱۶۶	سوسن، ۱۸۰
سَنار، ۲۲۴	سَندرِیطس، ۱۱۴	سِواد القُطاَة، ۱۶۸	سُوسَن، ۱۸۰
سَنامکی، ۱۷۶، ۲۰۹	سَندرِیطس، ۱۷۸	سِواد الِهند، ۱۷۹، ۲۵۷	سوسن آزاد، ۱۶۴، ۱۸۰
سَنانی، ۱۵۶	سَندرِیطس اِخر، ۲۵۷	سِوارون، ۱۲۹	سوسن آسمانجونی، ۷۰
سَنایزه (مصر)، ۶۲	سَندریون، ۹۳	سِواک العَباس، ۱۵۶، ۲۵۴	۱۸۰
سَنای عَرِیض الورق (حجاز)، ۲۰۹	سَندل، ۱۹۶	سِواک القُرود، ۵۲	سوسن آسمانگون، ۷۰
سَنیْراس، ۱۷۷	سَندوقس، ۵۸	سِواک القُرود، ۱۹۲	سوسن ادرا، ۱۸۰
سَنیریون، ۱۱۶	سَنده، ۱۶۴	سِواک المِسیح، ۲۹۲	سوسن اصغر، ۷۵، ۱۶۵
سَنیل، ۱۴۱، ۲۵۸	سَندهان، ۱۷۹	سِواک عَباس، ۲۹۲	سوسن الاحمر، ۱۴۶
سَنیل، ۱۷۷	سَندهی، ۱۶۴	سِواک عَباسی، ۲۹۲	سوسن الارجوانی، ۱۸۰
سَنیل اقلیطی، ۱۷۸	سَندیان، ۱۷۹	سِوالی، ۱۸۸	سوسن الاسمانجونی، ۷۵
سَنیل الاقلیطی، ۲۸۷	سَنط، ۷۷، ۱۳۲، ۲۳۷	سِوب، ۱۵۲	۱۸۱
سَنیل الرومی، ۱۷۸، ۲۸۸	سَنفاله، ۱۴۸	سِوتن (سندی)، ۵۹	سُوسَن الاسمانجونی، ۱۸۱
		سِوداء الورق، ۱۹۱	سُوسَن الأَبیض، ۱۸۱
		سِوده (شیراز)، ۲۴۵	سوسن الأَزاد، ۱۸۰

سوسن البری، ۱۴۶	سَهْنَجَه، ۱۸۱	سیسنبر، ۱۱۳	سین، ۱۸۲
سوسن الفیروزجی، ۷۰	سه سنبل، ۱۸۲	سِیْسَنْبَر، ۱۸۲	سیناپهل، ۱۸۷
سَوَسَن أَضْفَر، ۱۶۴	سهک داوران (شیرازی)، ۱۶۷	سیسنبر (سند)، ۱۸۲	سینبل، ۱۸۲
سوسن أَضْفَر، ۱۸۱	سه کوهنج، ۱۱۸	سیسنبرون، ۱۱۶، ۲۵۴	سینی، ۱۳۰
سوسن بحری، ۸۰	سهیلی، ۹۶	سیسنبرون، ۱۸۲	سیندن (بنگال)، ۱۴۴
سوسنبر، ۱۸۲	سیاک لانی، ۱۴۰	سیسنبرینی اقوانته، ۱۱۶	سینون، ۲۲۰
سوسن بری، ۱۴۴، ۱۴۶	سیاه برگ، ۱۹۱	سیسنبریون، ۱۸۲	سیوس، ۱۶۵
۱۸۱، ۲۰۷، ۲۵۷	سیاه داران، ۱۶۶	سِیْسَنْبَریُون، ۲۳۵	سیوف، ۷۵
سوسن بستانی، ۸۰	سیاه دانو، ۱۹۴	سی سنبل، ۱۸۲	سیو (فرنگی)، ۱۸۲
سوسن خطاهی، ۱۸۰	سیاه دانه، ۱۹۲	سیسنه، ۱۱۳	سیون، ۲۳۵
سوسن رملی، ۸۰	سیب، ۹۴، ۱۶۳	سیسون، ۷۹	سِیُونک (سجزی)، ۲۱۰
سوسن زرد، ۷۰	سیبیزوا (سندی)، ۲۷۰	سِیْسَنْبَر، ۱۸۲	سیهک، ۴۳
سوسن سرخ صحرائی، ۱۴۶	سیبیزه، ۲۷۰	سیصامویداس، ۱۳۰	سیهنده، ۱۶۳
سوسن سفید، ۱۵۲، ۱۸۰	سیج، ۱۶۳	سیطرمون، ۳۴	<b>حرف «ش»</b>
سوسن کبود، ۱۸۰	سیخ، ۵۲	سیطوس، ۱۹۱	
سوسنین، ۱۸۰	سیدریطس آخر، ۱۷۹	سیف الغراب، ۷۰، ۱۴۶	
سوفاس، ۹۶	سیدریطس، ۲۵۷	۱۸۱	شامی، ۱۶۱
سوفال، ۱۸۱	سیر، ۹۸	سِیْف الغراب، ۲۵۷	شابالچ، ۷۷
سوفامینوس، ۹۵، ۱۰۵	سیر آمُلج، ۶۲	سیف القرباب، ۱۴۶، ۱۸۱	شابانج، ۷۷
سوفطیون، ۱۶۷	سیردشتی، ۹۸	سیفروس، ۲۶۳	شابانک، ۷۷، ۲۳۲
سوفی، ۹۳، ۱۵۷	سیر صحرائی، ۴۸	سیقا، ۹۶	شابهی، ۱۸۵
سوفاسنيس، ۱۰۵	سیر مو، ۴۸	سیقاموری، ۱۰۵	شابیژک، ۲۷۰
سوقطیون، ۱۳۵	سیسارون، ۲۵۲، ۲۵۴	سیقیرقرا، ۱۲۶	شابت ردجِه، ۲۷۹
سوکی فینون، ۲۳۳	سیساریون، ۱۸۱	سیقُس ایماروس، ۲۳۳	شاذاسبرم، ۱۹۸
سولان، ۱۸۱	سیسالوش، ۶۵	سیقوس اغریوس، ۱۲۶	شازف، ۱۸۳
سولنجان، ۵۳	سیسالیوس، ۱۶۷	سیقوس پیقرا، ۱۲۶	شاض، ۱۸۳
سومر، ۱۴۸	سیسالیون، ۱۸۱	سیقوموروس، ۱۵۷	شاطرج، ۱۹۳
سوناخیوس، ۴۸	سیسالیون، ۲۴۸	سیقوموری، ۱۰۵	شاطوریون، ۱۳۵
سوتهه، ۱۶۴	سِیْسَاْمُن، ۱۷۶	سیکران، ۸۸	شَاغَة البستانیِه (اندلس)، ۱۷۶
سُونْدَهی، ۴۳	سیسامون، ۱۷۶	سیکران الحوت، ۹۰، ۲۷۷	شَاغَة الصخریة، ۲۷۴
سُونْدَهی، ۴۳	سیسامویداس الکبیر، ۱۰۱	سیکران (اندلس)، ۸۸	شَاغَة صخریة (اندلس)، ۱۷۶
سُونَف، ۱۵۲	سِیْسَبان، ۱۸۲	سی کوه، ۱۸۱	<b>شاکهباته (لاتینی)، ۱۷۳</b>
سونک (سجزی)، ۲۳۶	سیس بان (مازندران)، ۳۵	سیلا (بنگال)، ۲۹۲	
سوهنجته، ۲۲۷	سیسبر، ۱۸۲	سیلن، ۲۵۴	
سوی، ۱۵۲، ۱۸۴	سیسبرونه، ۱۲۲	سیلنا، ۲۵۳	
سَویداء، ۱۹۲	سیس بوان (فارس)، ۲۱۹	سیلونس، ۱۱۴	
سویلا، ۷۶	سیسدار (نبطی)، ۱۴۴	سیلهین، ۲۷۱	شالین، ۲۵۰
			شالین اغریون، ۶۰
			شالین (لاتینی)، ۲۶۸
			شالین (لاتینی)، ۴۸

شالیبه، ۱۹۴، ۲۸۳	شاهسپرم سرخ، ۱۸۴	شبوپانا، ۱۹۲	شجر الخابور، ۱۳۸
شالیبه (اندلس)، ۶۰	شاهسفرم، ۱۵۹	شبق، ۸۵	شجر الخیثه، ۱۴۵
شال حنی (مازندران و	شاهسفرم، ۱۸۳	شبقه، ۱۱۰	شجرالخرنوب، ۳۰۱
تنکابن)، ۲۵۱	شاهسفرم، ۱۸۳	شبقه (لاتینی)، ۱۳۸	شجر الخَلنج (مغرب)، ۴۶
شالم، ۱۹۴	شاهسفرم شیرازی، ۱۹۸	شبقه، ۱۳۸	شجرالخَلنج (مغرب)، ۱۳۷
شامامک، ۱۸۳	شاهشبرم، ۱۱۳، ۲۸۰	شَبهان، ۱۸۵	شجرالدردار، ۱۴۴
شامبه، ۴۸	شاهسفرم، ۱۵۹	شَبیی، ۱۹۱	شجر الدردار، ۲۹۰
شانسیه، ۲۶۶	شاه صینی، ۱۸۴	شبیطه، ۲۶۹	شجر الدلب، ۱۴۵
شاه آلو، ۴۱	شاهلوج، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷	شَبیطه (لاتینی)، ۱۷۶	شجر الرند، ۱۴۹
شاه اسپرم، ۱۵۹	شاهلوک، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷	شبیطة (لاتینی - اندلس)،	شجر الشیزی، ۳۳
شاه افسر، ۵۹	شاهنجیر، ۱۸۴	۱۷۶	شجر الصفصاف، ۱۲۷،
شاه امروود، ۲۶۱	شاه نرجس، ۲۹۰	شبیّه، ۱۸۵	۲۹۰
شاه امروود (خراسان)، ۲۶۱	شاهور (مصر)، ۱۰۱	شبیّه الذهب، ۲۷۲	شجر الصفصاف، ۱۳۶
شاه املج، ۶۲	شایانج، ۱۸۳	شبیّه الکواکب، ۵۴	شجر الصنوبر الکبار، ۱۹۷
شاه انجیر، ۹۶	شایکه، ۶۶	شبیهان، ۱۸۵	شجر الضیع، ۵۵
شاهبانج، ۱۸۳	شباب، ۲۷۶	شبیّه بالکُراث، ۶۳	شجرالعِلک (اندلس)، ۵۱
شاهبانک، ۱۸۳	شَب ارماس، ۱۱۹	شناور، ۵۶	شجر العناب، ۸۴
شاهبلوط، ۸۶	شَب انبوی، ۱۳۳	شتین، ۱۴۷	شجر الغار، ۱۴۹، ۱۵۹
شاهبلوط، ۸۷	شَب بو، ۱۳۳، ۱۴۰	شث، ۱۸۵	شجرالغُبیراء، ۲۱۹
شاه بن، ۸۱	شَبیت، ۱۸۴	شجر، ۲۴۷	شجر الغرب، ۲۲۰
شاه بید، ۱۳۶	شَب خیزک، ۱۱۵	شجر ابراهیم (ع)، ۲۲۰	شجر الفندک، ۲۹۰
شاه بید (شام)، ۱۳۷	شبدار، ۲۳۶	شجر الارز، ۳۰۱	شجر القوفل، ۱۰۹
شاه بید، ۱۳۶	شبدر، ۵۷، ۲۳۶	شجر الاهد، ۱۶۱	شجر القدس، ۲۳۳
شاه پسه، ۵۹	شبدر (اصفهان)، ۱۲۵	شجر الأثل، ۴۰	شجرالقطران، ۲۳۴
شاهترج، ۸۳، ۱۰۳، ۱۰۶،	شبر، ۹۶	شجرالأثل، ۵۷	شجر القَطَلَب، ۲۳۱
۱۵۰، ۱۵۲، ۱۸۳، ۲۵۷	شَبِرق، ۱۳۷	شجر الأجاص، ۲۱۷	شجر القَطَلَب، ۲۴۲
شاهترج، ۱۸۳	شَبِرق، ۱۸۴	شجرالأصطُرک، ۲۰۶	شجر القنا، ۲۴۵
شاهتره، ۱۸۳	شَبِرق، ۲۷۸	شجر البان، ۱۱۱	شجر القنا، ۲۵۹
شاه تره (شیراز)، ۱۸۳	شَبِرق (حجاز)، ۱۹۸	شجر البراغیث، ۱۹۹	شجر الکافور، ۱۶۰
شاه تره (مازندران)، ۱۰۲	شَبِرم، ۱۸۴	شجر البَق، ۱۴۴	شجر الکافور (موصل)، ۵۷
شاه چینی، ۱۸۴	شَبِرم، ۳۰۰	شجر البَق، ۲۹۰	شجرالکلب، ۲۱۲
شاهدانج، ۱۵۸، ۱۸۵	شبریله، ۲۸۰	شجر التیس، ۱۸۶	شجر اللاذن، ۲۶۵
شاهدانق، ۱۱۱، ۲۴۵	شَبیطاط، ۱۸۵	شجر الجن، ۱۴۹	شجر اللبْنی (شام)، ۲۰۶
شاهدانه بری، ۱۱۱	شَبیطاط، ۲۱۰	شجرالجوزالرومی، ۲۶۴	شجر المَحَلَب، ۲۰۶
شاه زیره، ۲۵۶	شبطه وقرولن، ۷۸	شجر الحَب (آفریقا)، ۵۹	شجر المران، ۲۷۸
شاه زیه، ۲۵۶	شبعالعين، ۲۶۹	شجر الحَضض، ۲۷۱	شجر المَیس، ۲۷۲
شاهسپرم، ۵۹	شیکنه (فرنگی)، ۱۹۱	شجرالحورالرومی، ۱۲۷	شجر المیس، ۲۹۰
شاهسپرم، ۱۸۳	شبناله، ۱۲۳	شجر الحیّه، ۱۰۶	شجر النبق المصری، ۲۷۲



شجر اوسیتا، ۱۹۳	شجرۃ الدب، ۵۸، ۱۶۲	شجرۃ المریم، ۷۴	شَحْمَہ (اندلس)، ۲۶۷
شجر تھام، ۱۷۴	شجرۃ الدب، ۱۶۲، ۱۸۶	شجرۃ المصطکی، ۲۸۲	شَحْ، ۲۹۰
شجر حب الأسیر، ۱۰۸	شجرۃ الذبق، ۱۴۲	شجرۃ المطهره، ۴۱	شخار، ۲۴۴
شجر درداری، ۱۷۸	شجرۃ الدردار، ۱۸۵، ۲۶۹	شجرۃ النبی، ۸۵، ۲۰۶	شَخْفراغته (لاتینی)، ۲۴۳
شجر رستم (مغرب)، ۱۶۰	شجرۃ الدم، ۳۸، ۶۶	شجرۃ الیمام، ۹۵	شُدْه، ۹۲
شجره ابراهیم، ۱۸۳	شجرۃ الدم (شام)، ۱۸۳	شجرۃ ابراهیم، ۱۸۳	شدوار (سند)، ۸۹
شجره الأرز، ۴۴	شجرۃ الراهب، ۱۸۵	شجرۃ أم کلب، ۶۲	شدونی، ۱۲۶
شجره قلی، ۱۸۷	شجرۃ الرمح، ۲۷۸	شجرۃ باردة، ۱۸۵	شرائط، ۱۷۸
شجره مریم، ۲۰۶	شجرۃ الزغرور، ۱۶۲	شجرۃ دردار، ۱۴۴	شَراره، ۶۳
شجرۃ ابراهیم، ۴۱، ۱۸۵	شجرۃ الشین، ۱۸۶	شجرۃ دم الاخوين، ۱۴۶	شرالیه آشش، ۳۰۱
۲۳۶	شجرۃ الصبر، ۶۱	شجرۃ ذوالقرنین الملک	شرالیه (لاتینی - اندلس)، ۲۹۸
شجرۃ ابی مالک، ۱۸۵	شجرۃ الصبر، ۱۹۵	اسکندر، ۱۶۸	شرالیه الحمار (اندلس)، ۲۹۸
۲۴۴، ۲۰۵	شجرۃ الصنم، ۱۶۸	شجرۃ رستم، ۱۸۶	شجرۃ سلیمان، ۱۳۲
شجرۃ اكله، ۳۹	شجرۃ الضفادع، ۱۸۶، ۲۵۴	شجرۃ سلیمان بن داود، ۱۶۸	شرائش (لاتینی)، ۲۱۸
شجرۃ الأجاص، ۴۱	شجرۃ الطحال، ۱۹۵	شجرۃ سندیان الأرض، ۲۲۴	شرب، ۲۲۴
شجرۃ الأمیزباریس، ۱۲۰	شجرۃ الطرفاء، ۲۰۲	شجرۃ کثیراء، ۲۳۳	شربت، ۲۲۴
شجرۃ البراغیث، ۷۷، ۱۹۹	شجرۃ الطلق، ۱۸۶	شجرۃ لا ولا، ۱۶۵	شربت، ۲۸۰
۲۱۹	شجرۃ الطهر، ۴۱	شجرۃ مخلب، ۱۱۲	شریش (غری)، ۱۶۲
شجرۃ البطم، ۸۱	شجرۃ العثم، ۱۱۲، ۲۰۶	شجرۃ مریم، ۵۸، ۷۰، ۱۸۶	شریلیون، ۲۷۳
شجرۃ البق، ۱۴۴، ۱۴۹	شجرۃ العرس، ۲۹۲	شجرۃ مریم (اندلس)، ۵۷	شرین، ۱۸۷
۱۷۸	شجرۃ العصب، ۲۹۲	شجرۃ مریم (مصر)، ۴۱	شرخره، ۱۱۳
شجرۃ البق (شام و عراق)، ۱۸۵	شجرۃ العُتاب، ۱۶۸	شَج مال، ۱۵۵	شرد (لبنان و بیروت)، ۱۶۹
۱۴۴	شجرۃ العود، ۲۹۶	شجرۃ مریم، ۱۸۳	شررفیون، ۲۳۲
شجرۃ البق (عراق)، ۱۴۴	شجرۃ العیثام، ۱۴۵	شحم الارض، ۱۰۷، ۲۴۲	شرس، ۱۸۷
شجرۃ البندق، ۱۰۵	شجرۃ الغار، ۱۴۸	شحم الحنظل، ۱۸۷	شیر (سجزی)، ۲۰۷
شجرۃ البهق، ۷۶، ۲۴۵	شجرۃ الغسلین، ۲۴۳	شَحْم الطعام، ۶۷	شرغلی، ۸۰
شجرۃ التنین، ۱۸۶	شجرۃ الفرس، ۸۱	شَحْم المرچ، ۱۳۶، ۲۱۱	شرم، ۱۸۷
شجرۃ الجن، ۱۴۹	شجرۃ القلقل (اندلس)، ۴۱	شحم النخل، ۹۵	شُرْبَلَه، ۴۱
شجرۃ الحب، ۵۹	شجرۃ القدس، ۲۹۱	شَحْمالَه، ۲۶۶	شرویہ (مازندران)، ۱۲۵
شجرۃ الحر، ۳۵	شجرۃ القرمز، ۶۱	شحمۃ الارض، ۲۶۰	شری، ۱۸۷
شَجَرۃ الحُضض، ۱۲۰	شجرۃ الکف، ۱۸۶	شَحْمۃ الدجاجة، ۱۵۳	شری، جنام دانہج، ۱۲۶
شجرۃ الجلثیت، ۶۵	شجرۃ الکلاب، ۲۲۴	شَحْمۃ المرچ، ۱۲۹	شریفه، ۱۸۷
شجرۃ الجناء، ۱۲۵	شجرۃ الکلب، ۶۰	شحمیلة، ۱۴۸	شسبدان، ۲۲۲
شجرۃ الحنثن، ۲۷۳	شجرۃ اللبوق، ۲۴۵	شحمیة (اندلس)، ۶۰	شسمیرون، ۲۹۶
شجرۃ الحیات، ۱۷۰	شجرۃ الله، ۳۹	شحیره، ۲۰۴	شش بندان سیاه، ۲۲۲
شجرۃ الخطاطیف، ۲۰۸	شجرۃ اللبئی (شام)، ۱۸۶	شَحْمالَه، ۲۵۸	شش بندان (شیراز)، ۲۲۲
شجرۃ الخولان، ۸۱			ششیاز، ۲۲۲

ششتره، ۲۶۲	شعیر الحامض، ۱۷۳	شَقَوَاص البحر، ۲۸۴	شما، ۲۲۶
ششتره، ۲۸۸	شعیر الرومی، ۱۲۶	شَقَوَاص (اندلس)، ۲۶۵	شمار، ۷۸، ۱۵۲
ششتره، ۱۸۷	شعیر العاری، ۱۷۳	شَقَوَاصه، ۴۶	شمار العریض، ۱۵۳
شُشْرُوب، ۱۸۷	شعیر العربی، ۱۳۹	شَقودیون، ۱۸۹	شمار (مصر و شام)، ۱۵۲
شُشْرِیث، ۱۸۷	شعیر الفارسی، ۱۲۶	شَقوشینا، ۲۳۳	شُماری (قیروان)، ۱۰۶
ششقاقل، ۱۰۳، ۱۸۸	شعیر الفاری، ۱۷۳	شَكْ، ۶۸	شمام، ۱۴۴، ۱۹۰
ششکاک (مازندران و	شعیر النبی (اندلس)، ۱۳۹	شَكْاص، ۲۶۴	شمامات (شام)، ۱۴۵
تنکابن)، ۲۳۶	شعیر رومی، ۱۳۹	شکاع، ۷۱، ۱۸۹	شمام (شام)، ۱۴۴
شطبانی فلوعرین، ۲۱۰	شعیعادیما، ۴۴	شکاعا، ۱۸۹، ۲۷۸	شمرک (سجزی)، ۱۳۲
شطبة (فاس)، ۱۰۲	شغالة، ۲۷۴	شکاعی، ۳۷، ۷۲، ۷۵، ۱۵۲	شُمَرْنَا، ۲۷۷
شطركا، ۵۳	شغدی مریری، ۲۷۱	شُکاعی، ۱۸۹	شمره، ۱۲۶
شطریه، ۱۸۷	شفتالو، ۱۳۹، ۱۹۰	شُکاعی، ۱۸۹	شمسار، ۸۲
شَطْرَیة، ۱۸۷	شفتوک (شیراز)، ۱۲۹	شکر انگور رویاه، ۲۱۴	شمسیر، ۲۳۲
شطریه، ۲۰۲	شَقَل، ۲۹۱	شکر داری، ۲۱۵	شمشاد، ۸۲
شَطْرَیة (لاتینی - اندلس)،	شَقِذ، ۱۸۴	شُکَرَقند، ۱۸۹	شمشاد (شام)، ۸۲
۱۹۵	شَقَلَج، ۲۵۰	شکر هنج، ۱۱۸	شمشار، ۸۲
شَطْطِیه (مغرب)، ۱۸۷	شفلیش، ۲۱۴	شکم دریده (شیراز)، ۷۸	شمشرا، ۲۷۹
شطی رکس، ۵۳	شقیقل، ۱۸۸	شکوئا، ۲۵۸	شمشیر، ۲۳۲، ۲۹۶
شعاریر، ۲۴۴	شقائق الفرس، ۲۷۶	شکوفه خرما، ۹۵	شمالال، ۱۰۵
شعایر، ۲۳۳	شقائق النعمان، ۱۸۸	شکونیا، ۵۵	شملیت، ۱۲۰
شعر الارض، ۷۶	شقائق النعمانی البری، ۱۸۸	شکوهج، ۱۱۸، ۱۲۴	شملیز (شیراز)، ۱۲۱
شعر الجان، ۷۶، ۲۵۷	شقااص، ۴۶	شکوهنج، ۱۱۸	شمور، ۱۵۳
شعر الجَبَّار، ۷۵، ۷۶، ۱۸۷	شقاقل، ۱۰۳، ۱۴۹، ۱۸۸	شکوهج، ۱۱۸	شموسا، ۲۸۰
شعر الجبال، ۷۶	شَقَاقل، ۱۸۸	شکه (اندلس)، ۱۰۶	شمیث مورِس (لاتینی)،
شعر الجن، ۷۵، ۷۶، ۲۵۷	شَقَاقل، ۲۲۹	شکی، ۲۱۷	۱۹۲
شِعَر الجیاد، ۱۸۷	شقایق، ۳۵، ۱۸۸	شَلْ، ۸۵	شمیثا، ۴۱
شعر الخنازیر، ۷۶، ۲۵۷	شقایق المنعم، ۱۸۸	شَلْ، ۱۸۹	شمین، ۲۹۶
شعر الذیپ، ۵۵	شقایق النعمان، ۱۳۴، ۱۵۸	شلار، ۸۰	شَنَازِیاء، ۸۴
شِعَر العِجل، ۲۸۰	۱۸۸	شلباش (لاتینی)، ۲۱۸	شنار، ۲۲۴، ۲۸۰
شعر العیّار، ۷۶	شقر، ۱۸۸	شلبش، ۲۵۲	شناقه، ۹۹
شِعَر الغزال، ۵۵	شَقِر، ۱۸۸	شَلْجِم، ۱۸۹	شنبدله، ۹۶
شعر الغول، ۱۸۷، ۲۵۷	شَقْراص، ۱۸۸	شلشفین، ۱۰۶	شنبر، ۱۱۳
شعر الکلاب، ۷۶	شقر دیون، ۱۸۹	شلغم، ۱۸۹	شنبلید، ۵۳، ۱۷۹
شعر الماء، ۷۶، ۲۵۷	شَقْرَوزین، ۹۸	شلمبی (مازندران)، ۱۲۹	شَنَبَلِید، ۱۸۰
شعران، ۱۲۳، ۱۵۸	شقرنگ (خراسان)، ۱۹۰	شلمیز، ۱۰۹	شنبلیله (اصفهان)، ۱۲۱
شعری، ۹۶	شق (مصر)، ۵۱	شلوبینی، ۸۰	شنبنش، ۲۵۶
شعیر، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱	شَقو، ۱۸۸	شلها (سندی)، ۵۳	شَنَتالَه (لاتینی)، ۶۳
۱۸۷	شَقواص، ۶۰	شَلیل، ۱۹۰	شترن، ۱۰۴

شوتله، ۱۵۷	شَوَظْ، ۳۳، ۱۳۹، ۱۹۰،	شوکه اعرابی، ۱۹۱	شونوز، ۱۹۲
شوتله (اندلس)، ۶۲	۲۰۰	شوکه اعرابی، ۶۲	شونیز، ۱۸۱
شِئَلَّة، ۶۳	شوخذانه، ۲۰۷	شوکه قبطیه، ۱۷۴	شُونِیز، ۱۹۲
ششمن، ۱۵۳	شود، ۱۸۴	شوکه مصریه، ۶۲	شونیز القمح، ۱۴۵
شنجار، ۳۸، ۶۶، ۶۸، ۱۲۵،	شودر (اصفهان)، ۲۳۶	شوکه ابراهیم (شام)، ۲۳۶	شونیز بری، ۲۶۲
۱۳۴، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۵۲	شود (شیراز)، ۱۸۴	شوکه البیضاء، ۵۸، ۵۹، ۷۱،	شویعة (اندلس)، ۲۰۴
شندله، ۹۶	شوران (سجزی)، ۲۱۰	۷۲، ۱۸۹	شوکه ابراهیم (اندلس)،
شَنَدَلَّة، ۱۹۰	شورد، ۲۳۲	شوکه الجمال، ۲۰۶	۲۳۶
شنداب (لبنان)، ۱۴۳	شورش لاطه، ۱۲۳	شوکه الدهن، ۱۱۴	شویلاء، ۷۶
شَنَدَلَّة (اندلس)، ۹۶	شورة (حجازی)، ۲۶۳	شوکه الزرقاء، ۱۹۱، ۲۳۶	شُویلاء، ۱۲۳
شنسظوره، ۱۰۳	شَوَز (حجازی)، ۱۹۱	شوکه الزرقاء (شام)، ۱۰۵	شَه بانو، ۱۸۳
شنغار، ۳۸	شوشما، ۲۳۲	شوکه السُوداء، ۱۹۱	شَهْدَانِج، ۱۱۲
شنفیل، ۲۵۴	شوشمانیا، ۲۹۶	شوکه السوداء، ۲۳۶	شهدانج، ۲۴۵
شنقار، ۳۸، ۱۹۰	شوشمشیر، ۷۰	شوکه الشهباء، ۱۰۹، ۲۷۰	شهدانج بری، ۱۳۷
شَنقار، ۳۸	شوشمیر، ۲۳۲	شوکه العربیة، ۱۸۹	شهیدیه، ۱۵۵
شَنقال، ۳۸	شوشینا، ۱۸۰	شوکه العصبیة، ۸۱	شهوت انگیز، ۲۴۵
شَنقیرِه، ۱۵۳	شوصرا، ۲۴۷	شوکه العقرب (حجاز)،	شَیان، ۴۲
شَنکار، ۳۸	شوطی، ۸۰	۱۱۴	شَیان، ۱۴۶، ۲۱۵
شَنکال، ۳۸	شوع، ۱۱۱	شوکه العقرب (شام)، ۱۰۵	شیان، ۱۹۲
شنکر (سندی)، ۲۱۸	شوقشمیر، ۲۹۶	شوکه العلك، ۵۱	شَیان القاطر، ۶۹
شَنک (زابلی)، ۲۶۹	شوک، ۲۸۲	شوکه المصریه، ۷۲، ۱۹۱	شیان القاطر، ۸۴
شنکوسا، ۱۵۳	شوک الجمال، ۵۰، ۲۷۰	شوکه المُنکرة، ۵۹	شَیان (مغرب)، ۳۷
شنکی، ۲۶۷	شوک الجمل، ۱۱۴	شوکه الیهودیة، ۱۹۱	شیب الشجر، ۵۲
شنکیا (تبریز)، ۲۳۳	شوک الجمل (مصر)، ۱۵۶	شوکه الیهودیة، ۲۳۶	شیب العجوز (اندلس)، ۵۲
شینگ، ۱۵۱	شوک الحمیر، ۲۲۵	شوکه حادة، ۶۱	شَیْب العَجُوز (اندلس و
شنگ (اصفهان)، ۲۶۷	شوک الدراجین، ۱۱۴، ۱۴۸	شوکه رهاویة، ۱۰۹	مغرب)، ۵۶
شنگرفیر (طخاری)، ۱۶۴	شُوک الدراجین، ۱۴۹	شوکه زرقاء، ۲۳۶	شیب العجوز (فاس)، ۵۵
شنگلیل، ۱۶۴	شوک الدراجین، ۱۴۹	شوکه شهباء، ۳۰۱	شَیْبَه، ۱۹۲
شنگویر، ۱۶۴	شوک الدَمَن، ۱۱۴	شوکه عربیة، ۱۸۹	شیبة العجوز، ۵۲، ۱۹۲
شنون، ۱۹۲	شوک العلك، ۵۱	شوکه مصریه، ۱۹۱، ۲۳۷	شیبیه، ۱۱۴
شواصر، ۷۷	شوک الفَاة، ۲۸۷	شوکه مغیلة، ۱۸۷	شیتره، ۱۹۳
شواصر، ۱۹۰، ۲۸۱	شوک القراء، ۲۲۵	شوکه مُتینة، ۱۹۹، ۲۱۹	شینج، ۵۶
شواصره، ۱۹۰	شوک الفلک، ۱۱۴	شوکه منفته، ۱۹۹	شیج، ۱۳۳، ۱۴۰
شوال الحمار، ۱۳۳	شوک القتاد، ۳۰۱، ۲۵۱	شوکه یهودیة، ۲۳۶	شَیج، ۱۹۳
شوبا، ۹۶	شوک المَغفل، ۵۹، ۱۰۵،	شولة دی رای (اندلس)،	شیخ ارمنی، ۱۹۳، ۲۴۷
شوبر (اندلس)، ۹۱	۱۹۲، ۲۳۶	۱۵۰	شیخ الارمنی، ۵۶، ۱۹۳،
شوت، ۱۸۴	شوکران، ۸۸، ۱۹۱	شومر، ۷۸، ۱۹۲	۲۵۸
شوت (سجزی)، ۱۸۴	شوکران الحوت، ۲۷۷	شَوَنَدَر، ۱۹۲	شیخ الربیع، ۱۹۳

## حرف «ص»

شيخ المصري، ١٩٣		صَرَاحَة (اندلس)، ٢٧٣	صغيتره، ١٩٥
شيخ تركى، ١٩٣		صَرَاخَة (اندلس)، ٢٣١	صغايبس، ١٩٨
شيخ جبلی، ١٩٣	صاب، ١٧٤	صرَاخَة (اندلس)، ٢٧٣	صفد، ١٩٦
شيخ خراسانى، ١٩٣	صاب، ١٩٤	صريه، ١٧٤	صَفَار، ٩١
شيخ رومى، ٥٦	صابرة، ١٩٥	صرخ باي، ١٢٢	صفراادوى، ٩٩
شيرابه، ١٣٤	صابون الثياب، ٢٤٤	صَرَقُوقَلَّا، ٦٦	صَفْرَاء، ١٩٦
شیر املج، ٦٢	صابون القاف (شام)، ٢٤٤	صرقوقولا، ٦٦	صفصاف، ٥٠، ٧٢، ١٣٦
شير انجير، ١٩٣، ٣٠٠	صابون القاق، ١٨٥	صرم الديك، ١٤٦	٢٢٠، ٢٩٠
شِيرِج، ١٧٦	صابون القاق (شام)، ١٨٥	صرو، ١٩١	صفصاف البُلْخي، ١٨٩
شيرخشت، ١٩٣	صابون القلى (دمشق)، ١٨٥	صريراء، ٧١	صَفِيْرَاء، ٥٤، ٦٣
شيرخشک، ١٩٣	صابون لباس، ٣٥	صريرس، ٢٣٨	صفيراء، ٨٢، ٢٥٩
شيق، ١٩٨	صاترى، ١٩٥	صريمة الجدى، ١٦٠، ٢٢٧	صَفِيْرَاء، ١٩٦
شيرگيا (زابلستان)، ٢٨٦	صارّه، ٢٧٣	صريمّة الْجَدَى، ١٩٥	صفينه، ٣٩
شير هو (خراسان)، ١٩٠	صارّه (مغرب)، ٢٣١، ٢٧٣	صَریْمَةُ الْجَدَى (اندلس)، ٧٥	صقايس، ٢٣٣
شيرين بان، ١٨٠	سارة الانثى (اندلس)، ٢٧٣	صرین غنصلی، ٢٧٣	سقار، ٩١
شيرون، ١٤٥	سارة (اندلس)، ٢٧٣	صَطَّقَطى، ٢٨٦	صَلَوَان (موصل)، ١٩٦
شىستره، ٢٢٨	صاصل، ١٩٤	صعارى، ١٨٧	صِلَيّان، ١٩٦
شيشاصيني، ١٣٣	صاصلى، ١٩٤	صَغَنر، ١٩٥	صمصوخن، ١١٣
شيشبان، ٣٥	ساغايئين، ١٧٣	صعتر، ٢٧٩	ضمَصُوخْن، ٢٧٩
شیشم، ١٣٣	صالبيه، ١٩٤	صعتر البقر، ١٩٥	صَمْعَاء، ٩١
شيشنبز، ١١٣	سامريوما، ٩٥، ١١٢، ١٥١	صعتر الجوارى، ١٩٥	صمع الحرشف، ١١٤
شيطَرْج، ١٩٣	١٥٧، ١٩٤	صعتر الحجازى، ١٩٥	صمع اللّميثا، ١٩٦
شیطرج، ٢٨١	صباحى، ٩٦	صعتر الحمير (مغرب)، ١١٠	صمع العربى، ١٩١
شيطرنج الهندى، ١٢٢	صبار، ٩٥	صعتر الرمانى، ١٩٥	صمع القتاد، ٢٥١
شيطرنج شامى (شامى)، ١٢٨	صَبَّار، ١٩٤	صعتر الرومى، ٥٩	صمع طرتوث، ٥١
شيفار، ٣٨	صَبَّاراء، ١٩٥	صعتر الزيتون، ١٩٥	صمع عربى، ٢٣٧
شيلزو، ١٥٧	صُبَّارَه، ١٩٥	صعتر العدس، ١٠٥	صمع لبلاب، ١٧٣
شيلم، ١١٨، ١٦٤، ١٨٩	صَبَّاره (مغرب)، ١٩٥	صعتر الغياضى، ١٩٥	صناّب، ١٣٠
شَيْلَمْ، ١٤٣، ١٩٤	صُبَّارة، ٦١	صَعْتِر الفارسى، ١٩٥	صَنَاب، ١٨٩
شيلوم، ١٧٤	صِبَّارى، ١٩٤	صعتر الفرَس، ١٠٥	صنائبى، ٩٦
شيلوما، ١٧٤	صبر، ٢٣٩، ١٢٠	صعتر الفرَس، ١٠٥	صناعيه، ١٠٣
شينر، ١٩٢	صِنْبَر، ١٩٥	صعتر الْفُرْس، ١٩٦	صنار، ١٤٥
شينه، ١٠٠	صَبْر، ١٩٥	صعتر رومى، ١٦٥	صنجیس، ٤٨
شيودان، ١٢٩	صبر خضر مى، ١٩٥	صعتر(شام)، ٢٢٩	صَنْحِس، ٢٩٦
شيولى، ٩٦	صيبب، ١٩٥، ٢٨٧	صعتر فارسى، ١٠٥	صُنْحِس، ٢٩٦
شيون، ٥٥	صدَح (اهالى سواد)، ٨٤	صعتر روس، ١٩٥	صندل، ١٥٩
	صدى، ٩٦	صُعَيْتِرَه، ٥٥	صَنْدَل، ١٩٦
	صدبيوند، ٢١٠	صُعَيْتِرَه، ١١٨	صندل ابيض، ١٩٦



طرباج، ۱۴۸	طرف، ۲۰۲	۱۲۵	طلعة، ۲۴۸
طربد، ۹۳	طرفاء، ۴۴، ۱۷۰، ۲۰۲	طریفلن، ۱۲۵، ۱۳۵، ۲۰۳	طلق، ۲۶۴
طربشکه، ۲۷۷، ۲۷۵	۲۲۰	۲۹۱	طلنطلی، ۱۸۹
طربه لبه، ۷۵	طرفاء البستانی، ۴۰	طریفلن، ۲۰۳	طلیطة، ۲۶۰
طربه لبه، ۸۷	طَرْفَرْدُس، ۲۰۲	طریفلون، ۱۵۵	طماخنا، ۱۵۳
طربه لبه، ۱۵۱	طَرْفُولُس، ۲۰۳	طریفوس، ۱۶۷	طمرشکه، ۲۰۲
طربید، ۹۳	طَرْفَه، ۲۰۲	طریفولون، ۱۱۸، ۱۲۵	طمرة، ۱۳۳، ۲۰۳
طرتوشا، ۵۱	طرفة، ۲۰۲	طریفولین، ۱۰۷	طمری، ۱۳۳
طرنوث، ۲۰۱	طریفولون، ۶۰	طریفولیون، ۹۳، ۱۵۲، ۲۰۳	طمطم، ۱۷۵
طَرْنُوث، ۲۰۱	طریفوس، ۱۶۰	طریفولیون، ۹۳	طنجبین، ۲۰۲
طرنوث ابیض، ۲۰۱	طرقتیة، ۲۷۳	طریفولیون، ۲۰۳	طنیة، ۵۵
طرج، ۱۴۸	طرقتیة، ۲۷۳	طریفولون، ۶۰	طنیة، ۲۲۲
طرجال، ۱۲۶	طرکسمی، ۲۹۷	طریقُفُن، ۱۶۲	طواخشیر، ۱۹۹
طَرَح النواتیة، ۲۰۲	طرمش، ۱۲۶	طَرِیقُولِیون، ۲۰۳	طواره، ۲۰۴
طَرَح النواتیة، ۲۴۸	طرم (لرستان)، ۸۵	طریخومانس، ۲۵۷	طوب، ۱۱۴
طرخشقون، ۱۴۷، ۲۹۷	طَرْمُشَس، ۸۱	طریون، ۹۳	طوبه، ۲۰۴
۳۰۱، ۲۹۸	طرمیطس، ۲۶۵	طشور، ۲۰۴	طوبه، ۴۶
طرخشوق، ۲۹۸، ۳۰۰	طرنج، ۴۰	طشیر، ۲۰۴	طوذریک، ۹۶
طرخون، ۸۳، ۱۴۷، ۲۰۲	طَرْنَسول (اندلس)، ۹۵	ططریوغون، ۲۹۴	طوررا، ۱۵۱
طَرَحون، ۲۰۲	طرنشول، ۵۹	طُغَمَة الحَمراء، ۲۳۱	طورنَه شول، ۹۵
طرخون الرومی، ۲۰۵	طَرْنُشول (اندلس)، ۱۹۴	طُغَمَة حَمراء، ۲۴۲	طورنَه شول، ۲۰۴
طرخون دشتی، ۲۰۵	طرنه (اندلس)، ۲۴۳	طغارنه، ۲۴۸	طورنَه لیته، ۲۰۴
طرخون رومی، ۲۶۱	طَرْنَه ماطر (ثغری)، ۱۳۰	طغارنه، ۲۴۸	طورنَه ماطرَس، ۲۸۳
طردج، ۱۲۳	طرنه، ۲۰۳	طفسقیون، ۱۹۱	طورنَه مَرِیطش، ۲۰۵
طردج، ۱۵۸	طرنیة (اندلس)، ۲۴۳	طفشیقون، ۲۰۰	طورنَه مَرِیطه، ۲۰۴
طَرْدِج، ۲۵۸	طروبلیوس، ۱۱۸	طفک (شیرازی)، ۳۵	طَوْره، ۲۰۴
طردجه، ۱۲۳	طرویلِس، ۱۱۸	طفنیقوس، ۱۹۱	طوریدخ، ۲۲۴
طردجه، ۱۲۳	طَرَوِیلُس، ۱۱۸	طُفّی، ۲۸۳	طوس (شیراز)، ۳۹
طردقیره متیره، ۱۴۷	طرویین، ۲۴۸	طفیر، ۲۰۴	طوسک (شیراز)، ۱۴۹
طردیلن، ۲۵۳	طروج، ۵۲	طَقاره، ۱۴۸	طوط، ۲۴۲
طَرْدِیلُن، ۱۸۲	طروقون، ۷۶	طلافیون، ۳۷	طوطاق اغریون، ۱۲۲
طرذیلون، ۱۶۷	طربیله، ۲۹۱	طِلاء، ۲۰۳	طوطاق غریون، ۱۲۳
طرسه (اندلس)، ۲۴۳	طریخومانس، ۱۸۷، ۲۰۳	طَلح، ۶۲، ۲۰۳	طوطلون، ۱۷۴
طرشقوق، ۲۹۸	طربدلیون، ۲۴۸	طَلح، ۲۶۳، ۲۸۵	طُوطُن، ۱۷۴
طرطور الحاجب، ۱۱۳	طَرْنُطَر (مایرقا)، ۲۴۶	طلخشقوق، ۲۹۸	طوفریوس، ۲۰۴
۱۲۷	طریفا، ۲۳۶	طلخشقوق (زابلستان)، ۳۸	طوفسس، ۴۳
طرغاین، ۲۰۱	طریفل (اندلس)، ۲۰۳	طلع، ۹۴	طوفوریوس، ۲۶۰
طرخولیطوس، ۲۷۸	طریفلم اورانسم (لاتین)،	طَلع، ۹۵	طوقریوس، ۲۰۴

طوقوریوس، ۱۱۹، ۲۶۰	ظفرة الفروج، ۱۱۶	عبثران، ۱۸۶	۲۲۱
طولهُ، ۲۰۴	ظفرة الهَرّ، ۲۰۵	عُبْثِرَان، ۲۰۶	عَرَصَف، ۲۰۷
طولیدون، ۲۱۴	ظَفْثِرَه، ۲۰۴	عُبْثِرَة الْأَيْل، ۵۹	عَرَصَمُودُون، ۲۳۷
طوماغا، ۲۰۸	ظفیره، ۲۰۵	عُثْرَب، ۱۷۵	عَرِصِم (یمنی)، ۲۰۷
طومقرون، ۲۴۶	ظَفْثِرَة العجوز، ۱۱۸	عُثْم، ۱۶۵، ۲۶۶	عَرُطَب، ۱۱۸
طَهْطَف، ۲۰۳	ظَفْثِرَة العجوز (قیران و	عُثْم، ۱۶۶، ۲۰۶	عَرُطِنِثَا، ۳۴، ۲۰۷، ۲۵۸
طَهْف، ۱۵۰	شام)، ۱۱۸	عُثْر، ۲۰۶	۲۸۶
طیّ، ۲۰۴	ظَفْثِرَة الفروج، ۱۱۷	عُثْرَب، ۲۰۶	عَرُطِنِثَا (آفریقا)، ۷۴
طِیَار، ۲۹۳	ظِلّام، ۲۰۵	عُثْق، ۲۰۶	عَرُطِنِفَه، ۳۴
طیب العرب، ۴۳	ظِمْخ، ۲۰۵	عُثْمَر، ۲۵۱	عَرُطِنِثَا، ۱۸۶، ۲۲۱
طیب الغریب، ۴۳	ظِیَان، ۱۵۹	عَجَب، ۲۹۲	عَرُطِنِثَا، ۳۵
طیشومالس، ۲۰۴	ظِیَان، ۲۰۵	عَجْمَا، ۲۰۷	عَرَار، ۳۹
طَیْرَانَه، ۲۰۴		عَدَس، ۲۰۷	عَرَعَر، ۳۹، ۱۴۷، ۱۷۰
طیرنَه، ۲۰۴		عَدَس المَاء، ۲۰۷، ۲۰۰	عَرَعَر، ۲۰۸
طیطان، ۲۰۴، ۲۵۲	<b>حرف «ع»</b>	عَدَس المَأْكُول، ۲۰۷	عَرَف، ۲۰۸
طیفی، ۲۰۴	عابدة الشمس، ۲۰۴	عَدَس المُرّ، ۲۰۷	عَرَفَج، ۴۱، ۵۰، ۸۵
طیلاقیون، ۱۱۸، ۲۰۴، ۲۸۰	عاریسا، ۲۵۵	عَدَس خوراکِی، ۲۰۷	عَرَفَج، ۸۵
طیلاله، ۹۰	عاشق الشجر، ۲۶۶	عَدَس نبطی، ۲۰۷	عَرَفَج بری، ۲۰۸
طیلسات، ۲۹۲	عاشق النبات، ۵۵	عُدَوَة، ۶۳	عِرْفَج بری، ۲۹۵
طین الاخضر، ۲۹۲	عاقِد اللبْن، ۲۱۹	عُدْیَسَة، ۲۰۷	عُرْفُط، ۲۰۸
طین الْأَخْضَر، ۱۱۳	عاقِر شَمْعَا، ۳۸، ۳۹، ۱۹۰	عَدْبَه، ۴۰	عَرَق الکافور (مصر و شام)، ۱۶۱
طین الْأَخْضَر، ۲۱۱	عاقِر قَرَحَا، ۲۰۲	عَدْبَه، ۲۰۲	۱۶۱
	عاقِر قَرَحَا، ۲۰۲، ۲۰۵	عَدْبَة، ۵۷	عَرَق الکافور (مکه)، ۱۶۱
<b>حرف «ظ»</b>	عاقِر قَرَحَا، ۲۵۵	عَدْبَة (مصر)، ۲۰۷	عَرَق درخت توت، ۱۹۹
ظریفلن، ۱۳۵	عاقول، ۱۱۰، ۱۲۳، ۲۰۶	عَرَا، ۲۰۲	عَرَق شجره هندی، ۱۹۹
ظفائر الجن، ۲۵۷	عالیه و برشقی، ۱۵۳	عَرَا، ۳۴، ۵۷	عُرْقُصَان، ۱۵۰
ظفَرُ الفرس، ۲۶۹	عَب، ۲۰۶	عَرَار، ۹۰	عُرْقُصَاء، ۲۰۸
ظَفَر القَط، ۲۰۵	عُبَب، ۲۴۹	عَرایس النیل، ۲۹۲	عَرَقْصَاء (سجزی)، ۱۲۵
ظفر القط، ۲۴۴	عُبَب الثعلب، ۲۱۴	عَرایس النیل (مصر)، ۸۰	عَرَق (نجد)، ۹۵
ظفر القطة، ۲۰۵	عُبَب (مصر)، ۲۱۵	عِرْب، ۹۱	عَرُوس، ۲۹۲
ظفر القطعة، ۲۰۵	عَبْرَت، ۱۷۵	عَرِثَا، ۲۲۰	عَرُوس آب (رنگرزان)، ۱۰۳
ظفر النسر، ۲۰۵	عَبْرَى، ۱۶۸	عَرِرب، ۱۷۵	۱۰۳
ظفراء، ۲۰۵	عَبْس، ۱۸۲، ۱۸۳	عَرَبْرُوس، ۷۸	عَرُوس المَاء، ۲۹۲
ظَفَر قَطُورَا، ۲۰۵	عَبَقْر، ۱۸۰	عَرَب منشور (عراق)، ۱۴۰	عَرُوسَاءَة، ۲۷۰
ظَفْرَه، ۲۰۵	عَبوثران، ۱۸۶، ۲۰۶	عَرْدی اکهر، ۲۶۰	عَرُوس در پرده، ۲۴۹
ظَفْرَة، ۲۸۱	عَبهر، ۹۰، ۲۹۰	عَرَزَاد مغوشی، ۲۹۹	عَرُوس در پرده (شیراز)، ۲۴۹
ظَفْرَة الفرس، ۲۰۵	عَبْهَر، ۲۰۶	عَرَش نَمَا، ۲۴۵	۲۴۹
ظَفْرَة الفرس، ۲۶۹	عَبْهَر (شام)، ۱۸۶	عَرَشَة (بیت المقدس)، ۲۶۹	عَرُوس در پرده (ماوراء

عُشْرَس، ۱۲۹	۱۷۹	عسل رومان، ۵۳	۲۴۹ (النهر)
عُشْرَس، ۲۱۱	عُشْر، ۱۳۱، ۲۰۹	عسل لبنی، ۲۶۷، ۲۸۶	عروس در قبه (مرو)، ۲۴۹
عطارد، ۱۷۸	عُشْر، ۳۰۰	عسلی، ۹۶	عروس رزانی (ماوراء)
عُطاس، ۲۱۶	عشر الصبیان، ۲۱۰	عشار، ۲۰۹	۲۴۹ (النهر)
عطب، ۲۴۲	عُشْرَق، ۲۰۹	عشبه کثیر الاغصان، ۲۰۲	عروسک پس پرده (فارس)، ۲۴۹
عُطشان، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۴۸	عُشْر الصبیان، ۱۹۱	عشبه مغربی، ۲۰۵	عُروسه، ۲۷۰
۱۴۹، ۲۶۳	عُشْق الصبیان، ۲۱۰	عُشْبَه مغربیه، ۲۰۹	عروسة المجلیة، ۲۹۲
عطل، ۱۹۸	عشق بیجان، ۲۶۶	عشبه مکرمه، ۷۰	عروشیه، ۸۳
عُظْم، ۲۱۱، ۲۹۲	عشق، ۱۲۱، ۲۶۶	عشبه البرطال، ۱۱۹	عروق الاصف، ۲۵۰
عُظْم، ۲۹۲	عُشْقَه، ۲۱۰	عُشْبَة البَغْلَة، ۱۵۶	عروق الزعفران، ۲۰۸
عُظْمی، ۱۵۸	عصا الراعی، ۳۷، ۱۱۰	عشبه البغلة، ۲۹۱	عروق السوس، ۲۹۱
عُفَار، ۱۷۴، ۲۱۱	۱۱۳، ۱۱۹، ۱۴۹، ۱۵۱	عشبه التیسیه، ۶۵	عروق الصباغین، ۲۰۸
عفار، ۲۷۸	۱۸۵، ۲۱۰	عشبه الثالیل، ۲۰۴	۲۵۵، ۲۳۰
عفص، ۱۷۹	عَصَاب، ۱۹۳	عشبه الحر، ۲۸۲	عروق الصفر، ۱۲۷، ۱۶۳
عُفْص، ۲۱۱	عصار مرارت برا، ۱۲۶	عشبه الحومل، ۱۲۲	۲۷۶، ۲۱۶، ۲۰۸
عفضیج (عراق)، ۸۶	عصافیر السنبِل، ۱۷۷	عشبه الخُروف، ۸۰	عروق الصُفر، ۲۵۵
عفیون (فاس)، ۵۷	عصا هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶	عُشْبَة السَّبَاع، ۲۰۹	عروق بیض، ۲۸۱
عقاب الجبل، ۱۶۶	۱۵۹	عُشْبَة السَّبَاع (اندلس)، ۲۵۳	عروق حُمَر، ۲۲۸
عقاد، ۱۲۳	عصای موسی، ۲۱۰	عشبه الصباغ، ۲۵۳	عروق دارموم، ۱۸۰
عُقَار، ۲۱۲	عصب، ۲۶۳، ۲۹۱	عشبه الصحیحة، ۳۰۰	عروق دار هرم، ۱۸۰
عُقَار ادبشکرا، ۵۴	عصب الحرفع، ۲۴۲	عُشْبَة الطحّال، ۸۷، ۱۱۹	عزیز الصغیر، ۲۰۹
عُقَار ادشوشنا، ۷۰	عُصْفُر، ۴۲، ۵۷، ۲۱۰، ۲۳۶	۲۶۹، ۲۰۴	عزیز الکبیر، ۲۰۹
عُقَار اسوسابی، ۷۰	عُصْفُر البری، ۲۱۰	عُشْبَة الطیور، ۱۴۹	عریض، ۱۵۲
عُقَار اعرطینشا، ۳۵	عصفر بری، ۷۱، ۷۲، ۱۵۳	عشبه العجول، ۲۰۱	عریقضاء (سجری)، ۱۲۵
عُقَار سوسیانی، ۷۰	۱۵۷	عشبه الفتوق، ۱۳۴	عزرو، ۶۶
عُقَار شوشا، ۱۸۰	عصفور البری، ۷۲	عشبه القلب، ۲۹۸	عزول، ۷۹
عُقَار هندی، ۲۸۳	عصی الدب (اندلس)، ۲۴۲	عشبه القویاء، ۶۷	عزیر الصغیر، ۲۰۹
عقاودم، ۲۸۳	عصی الراعی، ۶۴، ۷۶	عُشْبَة الکلب، ۱۷۰	عزیر الکبیر، ۲۰۹
عقر، ۱۴۵	۱۵۱، ۱۵۷، ۲۲۰، ۲۴۱	عُشْبَة اللحم، ۹۵	عسالیج، ۱۰۰، ۲۷۴
عُقْرَبان، ۱۰۶	۲۸۱، ۲۹۹	عشبه المُسلّحة، ۲۶۶	عسالیج (اندلس)، ۲۷۴
عُقْرَبان (اندلس)، ۴۸	عَصَى الراعی، ۲۱۰	عشبه النار، ۱۵۹، ۲۰۵، ۲۶۶	عسطوس، ۱۴۰
عقری، ۵۹	عصیر الدب، ۲۴۲	عشبه النار (مغرب)، ۲۰۹	عسل القصب، ۲۴۱
عقرمان (اندلس)، ۴۹	عصیر الدب (اندلس)، ۲۳۱	عشبه النساء، ۶۵	عَسَل اللَّبْنی، ۵۳
عَقَقَه، ۲۷۱	۲۴۲	عشبه خیر من الف (فاس)، ۸۸	عسل اللَّبْنی، ۲۸۶
عُقْریة (لبنان)، ۱۴۴	عُصْفُورَة، ۲۱۱	عشبه قبری، ۲۹۶	عسل التدی، ۱۱۰
عُقْیاء، ۲۱۲	عُصْیَة، ۱۸۵	عُشْبَة کُلّ بلا، ۱۷۹	عُسْلُج، ۷۵
عکارشا، ۱۵۳	عضات، ۱۹۳	عشبه کل بلاء (مغرب)، ۲۲۱	عسلج، ۲۲۱
عکاش (بلخ و طخاری)، ۲۰۹	عُضاه، ۲۰۹		



عود الريح (دمشق و مصر)، ۳۵	عَنْبُ الْكِلَاب، ۴۲، ۱۲۸	عَلَك الروم، ۲۸۲	۲۲۶
عود الريح (شام)، ۲۱۶	عَنْب خمری، ۲۱۴	عَلَك رومی، ۲۸۲	عَكْبَة (مصر)، ۱۷۹
عود السُّرْح، ۱۳۷	عَنْبِر، ۲۷۰	عَلَكْكَك، ۱۲۹	عَكْر، ۱۱۴
عود السوس، ۳۳	عَنْبِر بید، ۱۰۳	عَلَو، ۱۹۵	عَكْر، ۲۵۰
عود الصلیب، ۲۲۳، ۲۹۵	عَنْبُوب (فاس)، ۲۷۵	عَلِیق، ۲۱۳	عَكْرَب، ۲۱۲
عود العُطَّاس، ۱۷۲، ۲۱۶	عَنْدَم، ۲۱۰	عَلِیْجَان، ۲۱۳	عَكْرَش، ۲۱۲، ۹۹
عود العُطَّاس، ۲۶۳	عَنْزَرُوت، ۶۶	عَلِیْجَن، ۲۲۹	عَكْرِش، ۱۵۳، ۹۹
عود العطاس، ۲۶۳	عَنْضَل، ۴۹، ۲۱۵	عَلِیق، ۹۵، ۲۱۳، ۲۱۷	عَكْرِشَه، ۲۰۰
عود الفالوج، ۱۹۰	عَنْصَل، ۴۹، ۸۰، ۲۴۳	عَلِیق الْکَلْب، ۱۸۶، ۲۱۳	عَكْنَه، ۲۱۲
عود الفرخ، ۲۰۵	عَنْضَلَان، ۴۹، ۲۱۵	عَلِیق (اندلس و مغرب)، ۲۱۳	عَكْنَه (مصر)، ۱۷۹، ۲۱۲
عود القروح، ۲۱۶	عَنْصُوة، ۱۴۵	عَمَار، ۳۶	عَكُوب، ۱۱۴
عود القسینة (مصر)، ۱۹۶	عَنْطُوز، ۱۵۳	عَمْرُو، ۲۵۳	عَكُوب الْفَارِسی، ۱۱۴
عُود الْکَلْب، ۱۳۸	عَنْقُ الْحِیة، ۲۷۳	عَمْرُود (لاتینی)، ۲۵۳	عَكِیْفَة، ۵۹
عود النسر، ۲۱۶	عَنْقَر، ۳۴، ۲۷۹	عَمَلِج، ۸۱	عَلَّام، ۱۲۵، ۲۵۴
عود الوج، ۲۱۶، ۲۹۳	عَنْقَر، ۵۹، ۲۷۹	عَمَلُج، ۲۴۵	عَلْث، ۲۱۲
عود الیسر، ۲۱۶	عَنْقَز، ۱۱۳	عَمُول، ۷۶	عَلِج، ۲۰۷
عود انجوح، ۲۱۶	عَنْقَز، ۲۷۹	عَمُون، ۲۰۸	عَلْجَان (آفریقا)، ۲۱۲، ۲۳۸
عود بری، ۷۶	عَنْقَلِی، ۱۸۹	عَنْاب، ۱۶۸، ۲۱۳	عَلَس، ۲۱۳
عود رطب، ۲۱۶	عَنْقُود، ۶۱	عَنْاب الْاَبِیض، ۳۵	عَلَس، ۲۶۳
عود رنج، ۳۵	عَنْقُود، ۲۱۵	عَنْاب الْاَبِیض، ۲۱۳	عَلَس (اندلس)، ۲۱۳
عود هندی، ۱۷۹، ۲۱۶	عَنْقِیل، ۱۸۹	عَنْب، ۵۳، ۲۱۴، ۲۱۴	عَلَس (سجزی)، ۲۰۷
عود ینجوح، ۲۱۶	عَنْقِیلِی، ۱۸۹	عَنْب، ۲۱۷	عَلَسِی، ۱۹۵
عُورَة الْاَرْض، ۹۲	عَنْم، ۱۹۱، ۲۱۵	عَنْبَا، ۲۱۴	عَلَف، ۱۵۵
عُوسِج، ۶۱، ۲۱۳، ۲۲۰	عَنْم (شام)، ۸۷	عَنْب الثَّعْلَب، ۱۵۴، ۲۱۴	عَلَفْک دَاغ، ۲۰۵
عُوسِج، ۲۱۷	عُود، ۲۱۶	عَنْب الثَّعْلَب، ۲۴۹، ۲۱۵	عَلْفُوط، ۸۰
عُوسِج الْاَحْمَر، ۱۶۲	عُود الْاَرَاک، ۲۳۳	عَنْب الثَّعْلَب الْبِسْتَانِی، ۲۴۹	عَلْفَقَة، ۲۶۳
عُوسِج الْاَسْوَد، ۶۱	عُود الْبَخُور، ۵۴	عَنْب الثَّعْلَب (فاس)، ۲۴۹	عَلْقَم، ۳۵، ۱۲۶، ۲۱۳
عُوسِج الْاَسْوَد، ۱۲۰	عُود الْبَرِق، ۱۴۱	عَنْب الثَّعْلَب مَخِین، ۲۱۴	عَلْقَم، ۱۸۷
عُوسِج اَسْوَد، ۱۰۵	عُود الْبِلْسَان، ۸۶	عَنْب الْحِیة، ۲۱۵، ۲۹۸	عَلْقَمَا، ۲۲۴
عُوسِجَة، ۲۲۰	عُود الْبِنْدِق، ۷۶	عَنْب الْدَب، ۲۱۵، ۲۱۹	عَلْقَم (اندلس)، ۲۳۳
عُوقِیَا، ۱۱۹	عُود الْحَمِیر (مغرب)، ۲۲۳	عَنْب الذَّئْب (اندلس)، ۲۱۴	عَلْقَم (حجاز)، ۲۷۴
عِیَاشِیة، ۱۵۷	عُود الْحِیة، ۲۱۶، ۲۲۲	عَنْب الذِیْب، ۱۳۷	عَلْقَمَه، ۲۱۳
عِیَادِیُوس، ۱۵۵	عُود الرِّقَّة، ۶۵	عَنْب الذِیْب (فاس)، ۲۱۴	عَلْک، ۱۵۲، ۲۸۲
عِیَاثَم، ۱۴۵، ۲۱۷	عُود الرِّیْح، ۲۲۳، ۲۷۲	عَلْک، ۲۴۴	عَلْک، ۲۴۴
عِید، ۲۱۷	عُود الرِّیْح الْمَغْرِبِی، ۱۲۰	عَنْب السَّقْف، ۳۷، ۱۵۵	عَلْک الْاَنْبَاط، ۸۱، ۲۲۵
عِیْسُوب، ۳۴، ۲۷۹	عُود الرِّیْح (اندلس)، ۲۷۲	عَنْب الطَّوَال، ۵۳	عَلْک الْبَطْم، ۸۱

عین الاخضر، ۲۱۱، ۲۹۲	غالالوطا، ۷۳	۲۷۳	غلوکس، ۲۲۱
عَینُ البقر، ۴۱، ۹۰، ۹۱	غالبون، ۲۵۰	عَرْقَد، ۲۱۷، ۲۲۰	غلوکش، ۱۰۴
۲۱۷	غالبه، ۲۴۹	غرقده، ۲۲۰	غلیاون، ۵۳
عین البقر (مغرب)، ۲۱۷	غالبه (اندلس)، ۲۱۴	غرناطش، ۱۵۷	غلیجن، ۲۲۹
عین البقر (مغرب و اندلس)، ۴۱	غالبه (قرطبه)، ۱۱۳	غرناطه (بیت المقدس)، ۱۴۶	غلیجن اُغریا، ۲۲۱
	غالیّه (لاتینی)، ۲۱۵		غَلِیْحَن، ۲۲۹
عین الثور، ۹۰	غالیسیر، ۲۱۹	غرنوقی، ۱۲۹	غلیخن اُغریا، ۲۲۹
عَینُ الخضر، ۱۱۳	غاله جاقه (لاتینی)، ۱۱۸	غرنیواس، ۲۳۸	غلیشن، ۲۲۹
عَینُ الدیک، ۲۱۷	غاله جیقه، ۱۱۸	غروباوس (بلخی)، ۲۰۲	غلیقیسیدی، ۲۲۳
عین الدیکه، ۲۱۷	غاله قَرَشَتَه (لاتینی)، ۱۷۸	غری، ۵۱	غمار، ۳۱، ۳۶
عین العجل، ۲۱۷، ۹۰	غالیسس، ۲۱۹	غَری الاساکفه، ۱۳۸	غملول، ۲۴۵
عین العِجَل (شام)، ۹۰	غالیوس، ۱۷۰	غریر، ۲۲۰	عُمْلُول، ۲۴۵
عین الهدهد (آفریقا)، ۳۴	غالیون، ۲۱۹	عُزْرَاء، ۱۴۸، ۲۲۰	غنابلیان، ۲۲۶
۲۱۸	غالیون، ۲۱۹	غریزا، ۲۴۶	غنافلین، ۲۲۶
عَینُون، ۲۱۸، ۲۵۲	غانافلیان، ۱۴۸	غریطیره، ۲۷۳	غَنَافَلِیان، ۲۲۶
عینی ثورا، ۹۰	غاوشیرک، ۲۱۷	عُزْبَه (زابل)، ۱۸۵	غنافلین، ۲۲۶
عیون البقر، ۴۱	غباریه، ۲۱۹	غزل الماء، ۲۰۰	غنچ (هری)، ۱۹۲
	غبانستر، ۲۸۲	غساقالس، ۲۴۲	غنچه خرما، ۹۵
	غبرا، ۱۹۴	غَسْلَج، ۲۲۱	غنزروت، ۶۶
	عُبَیرا، ۱۶۶، ۱۹۴، ۲۱۹	غسله، ۲۱۸	غنطیانی، ۱۰۶
غالونیس، ۲۱۹	عُبَیرَة الْأَیْل، ۲۸۱	غسلین، ۱۲۳	غنفس الجاری، ۱۷۷
غار، ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۱۸	عُدْر، ۲۳۰	غسول، ۴۳، ۱۲۹	غنغیطس اشقاقا، ۱۷۷
غار الاسکندری، ۱۴۹	غدو، ۷۲	غشاة، ۳۷	عُنْغِیْلِی، ۱۸۹
غارانیون، ۳۷	غرابه، ۲۸۲	عَضَف، ۲۲۱	عُنْغِیْلِی، ۱۸۹
غار (شام)، ۱۵۹	غراله، ۹۹	غِلَالَة (اندلس)، ۱۴۴	غنکیلی، ۱۸۹
غارنیون، ۲۱۸	غرانیق، ۶۷	غلبی، ۱۶۳	غویرک (زابل)، ۱۶۲
غاریقون، ۲۱۸	غراء، ۱۴۸	غَلْتان، ۵۱	غوتاغبنا، ۲۶۲
غازایاغی، ۳۶	غراء، ۲۲۰	غَلْتان، ۱۴۲	غودیوله، ۲۵۲
غازیاغی، ۱۵۵	عُزْب، ۵۰، ۲۲۰	عَلْجَن، ۱۰۵	عُودِیَالَه (لاتینی)، ۲۱۰
غاسول، ۳۹، ۵۲، ۱۲۳	عُزْب، ۹۷، ۲۲۰، ۲۸۰	غلغلون، ۲۶۰	غودیوله، ۸۷
غاسول رومی، ۳۹	غرب، ۱۳۶، ۱۸۹	غللقا، ۲۲۱	غوره خرما، ۹۴
غاغالس، ۲۱۹	عُزْد، ۲۶۰	عَلْقَه، ۲۲۱	عُوشِئَه، ۲۲۱
غافت، ۱۲۰، ۱۹۹، ۲۱۹	غردان، ۲۶۰	عَلْقِی، ۲۲۱	غوشنه، ۲۳۰، ۲۶۰
غافت الشاهدانجی، ۲۱۹	عُزْن، ۲۲۰	غلوقریزا، ۱۸۰	غوشنه جنسی، ۲۲۱
غافت، ۱۹۹	غرغات، ۱۳۹	غلوقی، ۲۷۶	غوشه، ۲۲۱
غافت، ۲۱۹	غرغال، ۶۰	غلوقریزا، ۱۸۰	عُولان، ۱۲۳
غافت (فاس)، ۲۱۹	غرغتیته (اندلس)، ۲۷۳	غلوقریزا، ۱۸۰	غوشه، ۲۲۱
غالارتون، ۲۱۹	عُرْغَیْتَه (لاتینی)، ۲۳۱	غلوقیون، ۲۷۶	عَیْطَل، ۲۲۹

غینغیدیون، ۱۸۳

**حرف «ف»**

فابا، ۷۳

فابش الیونانی، ۷۳

فابش القبطی، ۷۳

فابش یونانی، ۷۳

فابلص، ۸۳

فابّه بورکه، ۹۳

فابّه دیبوزکه، ۱۵۷

فَابَة (لاتینی)، ۷۳

فاتره (نبطی)، ۲۵۷

فاخر، ۹۶

فاخور، ۲۲۱

فادرونی، ۲۵۶

فارالیون، ۱۳۴

فارس العود، ۱۰۹

فارس الماء، ۱۷۱

فارستاریون، ۱۵۶

فارسطاریون، ۱۵۶

فارِسطازیون، ۱۵۶

فارسطازیون، ۱۵۶

فارس ناریون، ۱۵۶

فارغه، ۲۲۲

فارق، ۹۶

فارقلومانن، ۱۶۰

فارنوخیانان، ۱۱۸

فارنیا (نبطی)، ۵۹

فاس، ۶۶

فاسی، ۲۲۲

فاسیلص، ۵۴

فاسیلون، ۵۴

فاشار، ۲۲۲

فاشر، ۷۸

فاشرا، ۲۹۷، ۲۲۲، ۱۵۴

فاشرا، ۲۲۲

فاشِرِستین، ۲۲۲

فاشِرِستین، ۲۲۲

فاشِرِستین، ۲۹۷، ۲۲۲

فاشِرِستین، ۹۰، ۲۲۲

فاشِرِشین (اندلس)، ۲۲۲

فاط، ۲۲۲

فاطن، ۷۳

فاغِرّه، ۲۲۲

فاغرة الهندیه، ۲۹۶

فاغوس، ۱۹۳

فاغوش، ۱۹۳

فاغیه، ۲۲۷

فاغیه، ۱۲۵

فافا، ۷۳

فافبوس، ۵۷

فافس، ۸۱

فافل، ۲۲۸

فافیر، ۷۵

فافیوس الحدقی، ۵۷

فافوس، ۲۰۷

فافیر (مصر)، ۷۵

فالبرس، ۲۲۳

فالِبرُتس، ۲۲۳

فالسيسبانة، ۳۵

فالتجیطس، ۲۲۳

فالتجِیْقن، ۲۲۳

فالتِجِیْقن، ۲۲۳

فالتجین، ۲۲۳

فالی بورس، ۲۲۳

فالیریس، ۲۲۳

فالینوس، ۱۸۳

فالِیورُس، ۱۸۵، ۱۶۸

فالِیورُس، ۲۲۳

فالِیورُون، ۱۶۸

فاناقس ابراقلیون، ۱۰۰

فاناقس اسفینوس، ۲۲۳

فاناقس اسقلیبوس، ۱۶۵

۲۲۳

فاناقس ایراقلیوس، ۱۰۰

فاناقس أیْرَقْلَیون، ۱۰۰

فاناقس خمرونیون، ۲۲۳

فاناقس خیرونیون، ۲۲۳، ۲۴۸

فاناقس کبیر، ۱۰۰

فانتھاری (سند)، ۸۴

فانقراطیون، ۲۴۳

فانقوس، ۲۶۲

فانیرستینست، ۲۲۲

فوانیا، ۲۱۶، ۲۲۳

فاورسیون، ۲۳۳

فاونیا، ۲۲۳، ۲۹۵

فاها، ۱۰۶

فایوقی، ۱۹۶

فَاسِی، ۶۶

فباله، ۲۷۳

فباواریس، ۱۵۱

فَتائِل الزَّهْبَان، ۲۲۳

فتحوریون، ۲۹۷

فَتْ، ۱۲۹

فُجَل، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۶۶

فجل الصغیر، ۲۷۴

فُجَل الماء (مغرب)، ۲۳۵

فجل باعشقی، ۲۲۴

فجل بری، ۵۷، ۱۰۲، ۲۲۳

۲۲۴

فجل رخامی، ۲۲۳

فجل شامی، ۲۲۴

فجلن، ۹۰

فِجَن، ۶۲

فُجَن، ۷۴

فجی، ۱۳۰

فَخْدا، ۵۹

فَخْذ، ۵۹

فدلقم، ۲۵۲

فیرااشن قافالوطن، ۲۵۲

فیرابیون، ۵۷

فیراخشنه، ۲۶۹

فراژمنک (سجری)، ۲۷۱

فراسیا، ۲۶۶

فراسین، ۲۲۴

فراسینا، ۲۵۲

فَراسِیون، ۸۷، ۹۵، ۱۷۹

۲۵۲، ۲۲۴

فَراسِیون، ۲۲۴، ۲۵۲، ۲۸۰

فَراسِیون الابیض، ۲۲۴

فَراسِیون سیاه، ۲۲۴

فراشنه، ۱۴۴

فراط، ۹۶

فرافیون، ۵۰

فراولیون، ۷۹

فریوله، ۲۶۶

فریهن، ۸۳

فریبون، ۳۷، ۵۵، ۲۲۴

فَرَثانیون، ۵۸

فَرَج الأَرْض، ۱۸۰

فَرْخار، ۲۲۵

فَرَزْد، ۹۹

فرزدجویبار، ۴۴

فرسانا، ۷۶

فَرَسِسا، ۲۶۶

فرسطاریون، ۷۳

فرسطالیون، ۱۵۶

فرسک، ۱۳۹

فرزیک، ۱۳۹

فَرَسِیا، ۷۶

فرسیون، ۲۸۰

فرسیون (فرانسوی)، ۲۵۲

فرصاد، ۹۵

فرصاد (بصره)، ۹۵

فرفجین، ۸۲

فرفرخ، ۸۲

فرَفِخ، ۲۶۶

فرَفِخ البری، ۸۲

فرفه، ۸۳

فَرَفِیر، ۸۳

۸۹	فر فیر،	فَسُوْدُوْدِ قَطْمَن،	۲۸۱	فُطَر،	۲۲۱، ۲۲۶	فلاخان،	۱۸۳
۸۲	فر فین،	فَسُوْدُوْدِ قِطَامَن،	۲۸۱	فُطَر،	۲۲۶	فلار،	۳۵
۸۳	فر فینه،	فَسُوْدُوْدِ قِطَامین،	۲۸۱	فُطَر،	۲۲۶، ۷۸، ۲۵۳	فَلَا قِئْس،	۶۶
۹۳	فر فیون،	فَسُوْشِ لیون،	۸۹	فُطَر،	۲۶۱، ۲۲۶	فَلال،	۳۴
۲۲۴	فر فیون،	فَسولن،	۲۷۱	فُطَر،	۲۲۶	فلانج (سندی)،	۵۷
۸۳	فر فین،	فَسولیدس،	۲۴۹	فُطَر،	۲۲۶	فلاروس،	۲۴۰
۱۰۳	فر لیون،	فَسولیدوس،	۲۴۹	فُطَر،	۵۴	فَلایَه،	۱۰۵
۲۹۸	فرما،	فَسوَة الضبع،	۹۳	فُطَسا،	۳۱، ۳۵	فلجون،	۱۵۷
۲۲۵	فَرْمیوس،	فَسوَة الضبع،	۲۲۶	فُعالا،	۲۲۳	فلجه،	۱۵۷
۱۸۳	فرن ت،	فَسیالانه،	۵۱	فُعلا سینوس،	۲۲۷	فلجیون،	۱۵۷
۵۳	فَرَنْجِشْک،	فَش،	۳۰۱	فُعلامینوس،	۷۴	فلحون،	۱۶۹
۲۲۵	فَرَنْجِشْک،	فشا،	۵۷	فُعلون،	۲۵۷	فلسب،	۲۴۷
۲۲۵	فرنجمشک،	فشاشیش،	۱۹۸	فُعوس،	۱۶۷	فلشراش،	۱۱۸
۱۰۷	فرو الحمام،	فشاع،	۱۹۵	فُعیلاموس،	۷۴	فلغیدس (نبطی)،	۱۲۶
۲۲۵	فرو دوهامان،	فشاع،	۲۲۶	فُعلیس،	۲۹۵	فُلُل،	۴۶، ۲۲۷
۲۲۵	فرو قودیلان،	فُشاغ،	۱۶۰	فُقاح السورنجان،	۵۳	فلقل،	۲۲۸
۲۲۹	فریثا،	فُشاغ،	۲۲۶	فُقاح الکرم،	۲۵۵	فلقل ابیض،	۴۶، ۲۲۷
۲۴۷	فریرسب،	فُشال،	۷۲، ۲۰۱	فُقَد،	۴۱، ۴۱	فلقل اسود،	۲۲۷
۹۹	فریز،	فشاله،	۲۰۱	فُقَع،	۲۲۶	فلقل الابيض،	۱۱۲
۲۴۹	فریغلیون،	فشرا،	۲۵۸	فُقَع،	۲۲۷	فلقل الأبیض،	۴۶
۲۷۱	فریقا،	فَشَغ،	۲۲۶	فُقَلامینوس،	۷۵	فُلُل الأبیض،	۱۴۲
۲۳۵	فریقان،	فشغ،	۲۲۶	فُقَلامینوس،	۲۲۷	فلقل الأخوص،	۲۷۶
۱۲۰	فریقه،	فشقل،	۱۵۳	فُقَلامینوس آخر،	۲۲۷	فلقل الأسود،	۷۰
۱۲۰	فریقه (شام)،	فشک،	۹۶	فُقَلامینوس اخر،	۷۵	فلقل الخواص،	۲۷۶
۷۰	فرینون صواسنین،	فصفصة،	۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۶	فُقَلوطا،	۲۵۲	فلقل السودان،	۲۲۸، ۲۸۹
۱۵۱	فزع اللبوء،	۲۴۱، ۲۹۱		فُقوس،	۲۲۷	فلقل السودان (اندلس و	
۲۲۶	فَزَغَد (سغدی)،	فصل مأكول،	۸۵	فُقوس الحمیر،	۲۳۳	مغرب)،	۱۶۳
۲۲۵، ۱۱۳	فستق،	فصولیا،	۲۷۱	فُقوس (مغرب)،	۲۳۳	فلقل الصقالیه،	۴۱
۱۱۱	فستق البادیه،	فصون،	۲۷۱	فُقوشا،	۱۳۰	فُلُل الصَّقَالِیَه (اندلس)،	۴۱
۱۰۹	فُسْتَق المصری،	فضل الجوارى،	۸۰	فُقولین،	۱۲۵	فلقل الصقالیه،	۲۲۸
۱۱۱	فستق الهاویه،	فضیه،	۲۲۶	فُقومیلان،	۴۱، ۹۴	فلقل القروء،	۲۵۱
۱۹۶	فستق (شیراز)،	فَضِیَه،	۶۰	فُقیص،	۱۸۳	فلقل الماء،	۲۲۸، ۲۵۴
۱۱۱	فستقی،	فَضِیَه،	۱۱۹	فُقیل،	۲۲۶	فلقل بری،	۴۱
۱۵۶	فسطاریون،	فضیّه،	۲۲۶	فُکتلمن،	۴۴	فلقل تر،	۵۷
۱۸۱، ۱۴۶	فَسْغانیون،	فطاریقا،	۴۹	فُکى،	۲۰۷	فلقل دراز،	۱۴۲
۵۱	فسله،	فُطَر،	۱۷۳	فل،	۱۳۸، ۲۲۷	فلقل سفید،	۱۴۲
۷۸	فسلیون،	فُطَر،	۲۰۱	فَل،	۲۲۷	فلقل سیاه،	۷۰
۷۸	فَسْلَیون،	فطر،	۲۵۸، ۲۳۰، ۲۱۸	فلاح،	۲۳۲	فلقلک (طبرستان)،	۱۶۴

فلفل کوهی، ۴۱	فم الطائر، ۱۲۹	فودنج البری، ۸۳	فوقاذین، ۷۴
فلفل گرد، ۲۲۷	فم قریش، ۲۴۱، ۱۹۷	فودنج التیس، ۲۲۹	فُوقَس البحری، ۲۰۰
فلفل‌مون، ۲۲۸	فمل قریش، ۱۹۷	فودنج بری، ۲۸۱	فُوقِش، ۲۷۵
فلفل‌موی، ۲۲۸	فنا، ۲۱۴	فودنج بستانی، ۲۸۱	فوکرم، ۱۱۸
فلفل مُویّه، ۲۲۸	فناغیوس، ۲۵۷	فودنج جبلّی، ۱۱۳	فول الحمام، ۱۰۱
فلفل مویه، ۲۲۸	فنال، ۱۴۸	فودنج جوهی، ۱۹۸	فول الحَمَام، ۲۴۶
فُلُقْلُمویّه، ۲۲۸	فنا (نبطی)، ۲۴۹	فودنج نه‌ری، ۲۲۹	فول الخنزیر، ۱۲۸، ۲۷۱
فلقله، ۲۵۷	فنجبون، ۱۷۱	فودیاسایس، ۳۰۰	فول الشعال، ۲۴۸
فلفمون، ۲۲۹	فنجریون، ۲۲۸	فودنجج، ۲۸۰	فول المجوسی، ۲۷۳
فلک تاز، ۲۴۵	فنجکشت، ۴۰	فودنججات، ۸۳	فول (قبطی و مصری)، ۷۳
فل‌مویه، ۲۲۸	فنجگشت، ۲۲۸، ۱۵۲، ۴۱	فودنج البری، ۲۰۵	فوله، ۲۲۸
فلنجمشک، ۲۲۵ ۸۳	فنجین، ۸۸	فودنج البستانی، ۲۲۱	فولیون، ۱۰۳، ۲۳۰
فلنجوس، ۲۷۳	فَنجیون، ۲۲۸	فودَنج التیسی، ۲۸۱	فُولیون، ۱۰۳
فلنجّه، ۵۶، ۱۶۱، ۲۴۹	فندق، ۱۰۵ ۸۸	فودنج النه‌ری، ۱۱۳، ۱۹۸	فوم، ۱۲۶
۲۵۰	فندقا، ۸۸	فودنج نه‌ری، ۱۱۳	فوقَس، ۹۱
فلنلمنکا، ۲۲۵	فندق هندی، ۵۴ ۵۲	فودنو (سند)، ۲۲۹	فونیئا، ۲۲۹
فُلُور اورو، ۸۰	فنطافلون، ۱۵۲ ۸۸	فورا، ۱۲۶	فُوه، ۲۳۰
فلوریکا، ۱۹۶	فنطافیلن، ۴۱	فورثرون، ۲۰۵	فوه الصباغان، ۲۳۰
فلورینه، ۱۴۹	فنطافیلون، ۸۸	فورثون، ۲۰۵	فوه الصباغین، ۲۰۸، ۲۳۰
فلوس، ۲۷۷	فنطسی، ۱۲۴	فورس، ۱۲۶	فوه الصیغ، ۲۳۰
فلوسطیون، ۱۰۴	فنتراطیون، ۲۴۳	فورس، ۲۵۸	فوهق، ۲۴۵
فُلُوسه کُد، ۱۴۰	فتقین، ۱۰۳	فورش ابجی، ۲۷۵	فوهل، ۷۶، ۲۴۵
فلوغوناطُن، ۲۱۰	فتلیه، ۷۸	فوروش، ۱۵۵	فوة البرانیة، ۸۶
فلوقاریش، ۲۸۰	فتیفس، ۲۳۶	فورینه، ۱۴۹	فُویله، ۲۷۳
فلوقرنیا، ۲۳۷	فتیفس اغریون، ۲۳۶	فوریون، ۲۵۷	فیاس، ۶۶
فلوماین، ۲۰۵، ۱۸۵	فَنیُکَس، ۹۵	فوشنه، ۲۲۶	فیاقه، ۹۳
فلومس، ۳۳، ۹۰	فُو، ۲۲۸	فوضوفش، ۱۹۸	فیاقیدنوس، ۱۵۲
فُلُومَس، ۹۰	فو، ۲۲۹، ۲۸۸	فوطینوس، ۲۲۴	فیثمون (فاس)، ۵۵
فلومس اداؤش، ۱۵۳	فواحش، ۹۲	فوعین، ۲۳۰	فَیْجَل، ۱۶۷
فلومس صغیر، ۶۰	فویاروم (فرنگی)، ۲۲۹	فوغلّی، ۲۲۳	فیجن، ۱۶۷
فلومس مَقْرَن، ۶۰	فویاکینوم (فرنگی)، ۲۲۹	فوفارون، ۱۲۵	فیخیون، ۱۱۹
فلیطش، ۸۷	فوتنج، ۱۱۰، ۲۲۹	فوفل، ۵۴، ۲۴۸	فیزیدجاغی، ۱۳۲
فَلِیْقله، ۲۲۸، ۲۴۸، ۲۹۶	فوتنج البری، ۱۰۵	فُوفَل، ۲۳۰	فیثوثا، ۳۳
فلیقله، ۲۹۶	فوتنج بستانی، ۱۲۲	فُوفَل، ۲۳۰	فیطل، ۲۰۴
فلیمن، ۵۷	فوتنج نه‌ری، ۲۴۹	فوفلا، ۲۳۰	فَیْطل، ۲۰۴
فلیورش، ۲۱۴	فوئا، ۲۳۰	فوفیلاطینوس، ۷۴	فیغائُن، ۱۱۶
فُلِیه (مصر)، ۲۲۹	فودنج، ۱۹۵	فوقادائُن، ۳۰۰	فیغانن، ۱۶۷
فم، ۲۲۹	فودَنج، ۲۲۹	فوقاذائُن، ۷۴	فیغائُن، ۱۶۸

فیغانن اغریون، ۱۶۷	قاتل الدب، ۲۳۱	قاطر (صیادل)، ۱۴۶	قَبَاة، ۱۴۷
فیغروا، ۱۲۵	قاتل الذئب، ۱۲۸، ۴۲	قاع قَلَا، ۲۳۲	قبتوری، ۲۵۸، ۲۵۴
فیغس باطس، ۲۵۰	قاتل العَلَق، ۲۳۱	قافلا (لاتینی)، ۷۶	قبساطه، ۹۹، ۱۴۳
فیغنا، ۱۶۷	قاتل الکلب، ۴۲، ۱۲۸، ۲۳۱	قافنون، ۲۶۲	قبسطاله، ۱۲۷، ۱۵۳
فیغن اغریون، ۲۳۶	قاتل النحل، ۲۳۲، ۲۹۲	قافنیس، ۲۶۲	قبسطلیه، ۵۴
فیفایفا (عبرانی)، ۵۷	قاتل النمر، ۱۲۸	قاقالیا، ۸۲، ۲۳۲	قبسطون، ۲۷۷
فیقس، ۱۲۶	قاتل نفسه، ۲۳۲، ۵۵	قافل، ۵۲، ۲۳۲	قبعی (مشرق)، ۲۰۷
فیقوس، ۱۰۵	قاذُرش، ۱۵۳	قافلا، ۲۴۳	قبطوط، ۲۵۲
فیقومورا، ۱۰۵	قاراطیا، ۱۳۲	قافَله، ۲۳۲	قَبْلَه موره، ۲۵۷
فیقه، ۹۶	قاراطیطس، ۶۷	قافله، ۲۳۲، ۲۳۵	قبی، ۹۶
فیقه متیره، ۱۰۵	قاراطیطس، ۱۳۴	قافله الصغار، ۷۰	قُبَیْط، ۲۸۹
فیلا، ۲۲۹	قاراماون، ۸۰	قافله صغار، ۲۹۶	قُبَیْطاء، ۲۸۹
فیلاطاریون، ۶۸، ۷۱، ۱۵۵	قارُباسَلیقا، ۱۰۷	قافله صغیر، ۲۳۲	قبطه، ۱۹۱، ۲۸۹
فیلجوش، ۲۳۰	قارُبانیطیقا، ۱۰۵	قافله صغیره، ۲۹۶	قَت، ۱۲۲، ۱۵۶
فیل جوش، ۲۷۳	قارج، ۵۰، ۱۴۸	قافلی، ۱۵۵	قت، ۱۵۶
فیلزهرج، ۵۸، ۱۲۰، ۲۳۱	قارجی، ۷۵	قافلی (قبطی)، ۲۳۲	قَت، ۲۹۱
فیلگوش، ۲۳۰	قارج، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۶۰	قافلی (نبطی)، ۲۸۴	قتاد، ۱۸۹، ۲۵۱، ۲۹۲
فیلورا، ۱۱۲، ۲۰۶	قارسطاریون، ۱۵۶	قافیا، ۲۳۳	قَتاد، ۲۳۳
فیلورا، ۲۰۶، ۲۵۱	قارسون، ۲۴۹	قالاس، ۲۴۰	قتاد الأعظم، ۲۳۳
فیلون، ۲۳۱	قارطیا هندی، ۱۴۰	قالاض، ۲۴۰	قتاد الصغیر، ۵۹
فیلیطس، ۲۳۱	قارنوخیا، ۱۱۸	قالامغرسطس، ۹۹	قت البر، ۲۹۱
فینقس، ۹۲	قارنیا (نبطی)، ۵۹	قالامتنی، ۱۹۸، ۲۲۹	قتد، ۲۳۴
فیهق (اندلس)، ۶۴	قارنی باروق، ۷۸	قالنجی، ۱۹۲	قتاد، ۲۳۳
<b>حرف «ق»</b>		قالیر، ۱۹۲	قِثاء، ۱۴۰
		قالیقیا (شام)، ۱۹۳	قِثاء، ۲۳۳
		قالیورس، ۶۱	قِثاء البری، ۲۳۳
قاباش قبطی، ۷۳	قاروایاسلیقا، ۱۰۶	قامارون، ۱۰۶	قِثاء البری الهندی، ۸۵
قابانیقی، ۲۳۲	قاروانا، ۲۵۶	قاماریون، ۲۳۱، ۲۴۲	قِثاء البستانی، ۲۳۳
قابضه، ۱۳۴	قاروذا، ۱۰۷	قائش، ۲۵۹	قِثاء الحمار، ۱۹۴، ۲۳۳
قاب طیره، ۱۱۹	قاروصبشو، ۶۵	قانیوس، ۱۸۳	قِثاء الحمار، ۲۱۳، ۲۵۳
قابطیره، ۲۸۰	قاره، ۶۰، ۲۳۲، ۲۸۰	قاوند، ۲۳۳	قِثاء الحمیر، ۲۳۳
قابیش، ۲۴۰	قاره (اندلس)، ۱۷۱	قبار، ۲۵۰	قِثاء الحیة، ۲۳۴
قابی طیاره، ۱۵۷	قاره (اندلس)، ۱۷۱	قَبَار، ۲۵۰	قِثاء العظم، ۱۲۶
قاتل ابنه، ۵۷	قاریا، ۱۰۶	قبارس، ۲۵۰	قِثاء الکبر، ۲۵۳
قاتل ابنه، ۷۵، ۱۰۶، ۲۱۱	قاریاسلقا، ۱۰۶	قبارومبدوس، ۲۴۵	قِثاء النعام، ۱۲۶
۲۲۴، ۲۳۱، ۲۴۲	قاسی، ۷۲	قباریش، ۲۵۰	قِثاء الهندی، ۱۴۰
قاتل اخیه، ۱۳۵	قاطانقی، ۲۰۵	قَباسه، ۱۵۳	قِثاء کوچک، ۱۹۸
قاتل الحمیر، ۱۴۵	قاطانقی، ۲۳۲	قباق، ۲۳۷	قَتد، ۲۳۴
	قاطانیقی، ۲۳۲		

قند، ۲۳۴	قراطیا، ۱۳۲	قرشیون، ۱۰۳	قَرظ، ۲۳۷
قند (حجاز)، ۲۳۴	قراطیارغیون، ۲۳۵	قُرش قَبْلَه، ۲۵۷	قرع، ۱۴۲، ۱۵۴
قتل، ۲۳۴	قراقیا، ۱۵۷	قرشی، ۹۶	قَرع، ۲۳۷
قئی، ۲۳۴	قرالنا، ۲۳۵	قرشیقا، ۱۰۶	قَرع، ۲۳۷
قثیون، ۱۹۱	قرانیا، ۱۶۰، ۱۶۳، ۲۳۵	قرصعنه، ۴۷، ۸۴، ۱۰۵	قرع المَر، ۲۳۷
قجلال، ۹۶	۲۷۸	۱۵۸، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۶۱	قرع الیابس، ۱۴۲
قجنار، ۸۴	قُرانیا، ۱۶۳	۲۹۶	قرغار، ۴۶
قجی، ۲۶۶	قُرأ، ۲۳۷	قَرَضَعَنَه، ۲۳۶	قرفا، ۵۷
قحوان، ۵۷	قربان، ۱۳۹	قرصعنه جبلی، ۲۳۶	قرفلون، ۲۳۸
قداح، ۱۵۵	قربانیون، ۵۸	قرصعنه مسدس، ۲۳۶	قرفه، ۱۴۱
قدح مریم، ۲۳۴	قربض، ۶۵	قرصعنه، ۱۴۳، ۲۵۲	قرفه، ۲۳۸
قدرومیلا، ۴۰	قربوله (لاتینی)، ۲۶۶	قَرَضَعَنَه، ۱۵۲	قِرَفَه، ۱۰۷
قُدْلَه، ۱۵۱	قرثارن، ۱۸۷	قَرَضَعَنَه، ۱۹۱، ۲۳۶	قِرْفَه القَرْنفل، ۱۴۱
قدومه (اصفهان)، ۹۶	قرثمن، ۲۳۵	قِرَضَعَنَه، ۲۲۹	قِرْقَا، ۲۰۹
قُدروس، ۲۳۴	قَرْثی، ۱۸۷	قرصعنه الزرقاء، ۱۹۱	قَرْقاز (فاس)، ۲۴۳
قذله (اندلس)، ۱۵۱	قَرَج، ۱۴۸	قرصونه، ۲۳۶	قرقسین، ۲۳۸
قرا، ۲۳۷	قرحا، ۲۰۹	قرصینا، ۶۵	قِرْقیمان، ۲۳۸
قراح، ۲۱۳	قرداسات الذوائب، ۱۲۱	قرط، ۱۳۲	قَرْم، ۲۳۸
قرادامنی، ۱۸۲	قردامن، ۱۱۵	قُرْط، ۲۳۶	قرمامومن، ۲۳۵
قرادامومن، ۱۱۵، ۱۱۶	قردامومن، ۱۱۵، ۲۳۲، ۲۳۵	قرطبی، ۱۱۸	قرمد، ۲۵۵
قرادسینی، ۱۱۶	قردامومون، ۲۳۵	قرطف، ۲۴۱	قرمقام، ۲۵۶
قردامن، ۱۱۵، ۲۳۵	قردامون، ۲۳۵	قرطم، ۱۱۳، ۲۱۰	قَرْمَل، ۱۲۳
قرادیة، ۱۱۴	قردامین، ۱۱۶	قُرْطَم، ۱۴۲	قرمون، ۲۵۱
قراسیا، ۱۱۳، ۲۳۴	قردمانا، ۲۳۲، ۲۵۶، ۲۶۱	قَرْطَم، ۱۶۳	قرمیدیا، ۸۰
قراسیا (دمشق)، ۲۳۴	قِرْدیمانا، ۲۳۵	قُرْطَم، ۲۳۶	قرن الّاَیَل (اندلس)، ۲۳۵
قراسیون، ۲۴۹	قُرْدمانا، ۲۳۵	قِرْطَم، ۲۳۶	قرن البحر، ۲۶۴
قُرْاص، ۵۷، ۲۳۴	قُرْدمانا، ۲۳۵	قرطمان، ۱۲۶، ۱۳۱، ۲۶۳	قرنبا، ۱۲۲، ۲۵۵
قُرْاصیا، ۲۳۴	قردمانی، ۲۳۵	قُرْطمان، ۲۳۷	قُرْنبَا، ۲۵۶
قُرْاصیا البعلبکیة (اهالی صقلیه)، ۲۳۴	قردمون، ۱۱۵	قرطمانا، ۲۳۵، ۲۵۶	قرنبا انمارس، ۲۵۶
قُرْاصیا (مغرب و اندلس)، ۱۱۳	قردی، ۱۳۳	قِرْطمانا، ۲۵۶	قرنبا، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶
قُرْاضیا، ۲۳۴	قردالیوم، ۱۱۴	قرطم بری، ۱۵۸	قُرْنباد، ۲۵۶
قراطاغون، ۲۳۵	قردب الاسود، ۲۵۹	قُرْطَم بری، ۲۳۶	قُرْنباد، ۲۵۶
قُرْاطارِغُون، ۲۳۵	قُرْدَنالَه (لاتینی)، ۶۳	قرطم هسک، ۲۱۰	قرنبا (نبطی)، ۲۸۴
قُرْاطاط، ۲۳۵	قردیوله، ۷۲	قرطم هندی، ۱۱۳، ۲۳۷	قرنبو، ۲۵۵
قُرْاطاغون، ۱۲۶	قرز، ۱۲۱	۲۹۲	قُرْنبی، ۱۰۵
قُرْاطاوس، ۱۴۷	قرسطاریون، ۱۷۱	قرطی، ۹۶	قُرْنبی ایمارس، ۲۵۶
	قرسیون، ۴۷، ۱۵۱	قرظ، ۵۷، ۲۳۷	قرنبیط، ۲۵۶
	قرشادوقاتا، ۱۲۶	قَرْظ، ۱۳۲، ۱۹۱	قُرْنج (اندلس)، ۵۹

قرنساء، ۶۷	قریطیقوس، ۶۷، ۱۴۸، ۲۰۴	۸۴	قسینی (لاتینی)، ۲۶۶
قرنفاد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶	قریطیقوس ارمالی، ۱۴۸	قسط بحری، ۲۳۹	قَش، ۲۴۰
قرنفار، ۲۵۶	قَرِیْعَة، ۲۲۲	قسط تلخ، ۲۳۹	قشا، ۱۷۴
قَرَنُفَل، ۲۳۸	قَرِیْعَة، ۲۵۸	قسطرن، ۸۷	قَشْبَة (حجازی)، ۲۴۰
قرنفل الارض، ۲۹۱	قَرِیْعَة الکَثان، ۲۵۸	قسط رومی، ۱۵۳	قَشْتَنُوْلَه (لاتینی)، ۱۸۰
قَرَنفَل بستانی، ۲۲۵	قَرِیْعَة الکَثان (اندلس)، ۱۶۷	قَسْطَرُون، ۲۳۹	قشر ترجیه، ۲۴۰
قرنفل جبلی، ۴۶	قَرِیْعَة (اندلسی)، ۵۵	قسطریون، ۸۷	قشطل، ۸۷
قرنفل شامی، ۲۳۸	قرین مو، ۲۲۸	قسطس، ۲۳۹	قشطنیولا، ۸۰
قرنفلیه (اندلس)، ۱۶۵	قرینوس، ۷۰، ۱۸۰	قَشْطُس، ۲۳۹	قَشْطَنُوْلَه، ۱۴۵
قرنفلیه (مغرب)، ۲۳۸	قَرِینُضواییسن، ۱۸۱	قسط سفید، ۲۳۹	قَشْعَر (یمین)، ۲۳۳
قرنفول، ۲۳۸	قریوله، ۲۶۶	قسط سیاه، ۲۳۹	قُشَف، ۲۱۱
قرنقار، ۲۵۶	قَرِیُولَه (اندلس)، ۲۶۶	قسط شامی، ۱۵۳	قشقابن فلسدیار، ۱۴۱
قرنوس، ۱۲۴، ۲۰۸	قَرِیُولَه (لاتینی)، ۲۶۶	قسط عربی، ۲۳۹	قشلومن، ۱۱۴
قرنوله دِکائِبَة، ۵۹	قریون، ۲۵۴	قسطل، ۸۶	قشنا، ۲۳۹
قَرَنُوش (لاتینی)، ۲۳۵	قَزاح، ۲۱۲	قُسْطَل، ۸۶، ۸۷	قشوقی (سندی)، ۲۰۹
قرنوه، ۲۹۶	قَزاح، ۲۳۸	قَسْطَلَة صغیر، ۱۸۰	قُصاص، ۱۳۷
قَرَنُوة، ۲۳۸	قَزحی، ۸۴	قَسْطَلَة صغیره، ۸۰	قصاص، ۲۴۰
قرنه، ۴۶	قزقحیر، ۸۳	قسط مر، ۲۳۹	قصب، ۳۷، ۱۵۵
قَرَنَة، ۱۲۹	قُس، ۲۳۹	قَسْطَنه، ۸۷	قَصَب، ۲۴۰
قرنی أغریا، ۲۵۶	قسا، ۲۳۹	قسطوریون، ۸۷	قصب البردی، ۷۲
قرنیثا، ۲۲۹	قسالحمار، ۱۹۴	قسطوس، ۲۳۹	قصب الذریرَه، ۲۴۰، ۲۴۴
قروسیون، ۴۵	قسادق، ۲۶۷	قسطولیدون، ۲۴۹	قصب الذهبی (اندلس)، ۲۷۲
قروص، ۶۵	قسارت، ۲۶۷	قسط هندی، ۲۳۹	
قروطن (قبرس)، ۱۳۳	قساریسما، ۲۴۰	قسطیدس، ۲۰۱	قصب الذیره، ۲۴۰
قروفا، ۲۳۷	قس الکلاب (مصر)، ۲۱۹	قسطیس، ۲۰۱	قصب الریح (اندلس)، ۲۷۲
قَرُوش، ۱۶۳	قَسَب، ۹۵	قسعر، ۲۳۳	قصب الریح (فاس)، ۲۴۰
قَرُوش، ۱۶۳	قَسب، ۹۵، ۲۳۹	قسماط، ۱۳۰	قَصَب السُکر، ۲۴۱
قَرُوشیان، ۸۱	قسبک (شیراز)، ۹۵	قسثانس، ۲۶۶	قصب الصین، ۱۴۱
قرومیدیا، ۸۰	قسثوس، ۴۶، ۱۸۸، ۲۶۷	قسوس، ۱۱۳، ۱۴۳، ۲۶۵	قصب بری، ۱۴۷
قرون السنبل، ۲۳۸	قِسْثوس، ۲۶۵	۲۶۶، ۲۶۷	قصب بوا، ۲۴۰
قَرَة العین، ۱۰۳، ۱۸۲	قسثارون، ۴۶	قَسْوس، ۱۲۱، ۲۴۰	قصب جبلی، ۱۴۷
قَرَة العین، ۲۳۵، ۲۵۸	قسثروطن، ۲۳۹	قسوة الکلابغلتک، ۱۸۳	قصب شوی، ۳۴
قریثا، ۱۲۶	قسس، ۲۶۶	قَسِی، ۱۹۰	قَصْبُور، ۲۵۷
قریدی، ۱۰۶	قَسْط، ۲۳۹	قَسِیا، ۱۷۴	قَصِبِه، ۹۹
قَرِیص، ۶۵	قُسْط الرومی، ۱۵۳	قَسِیا، ۲۳۹	قَصْبَة، ۱۴۸
قریص، ۶۵	قسطانیا، ۸۶	قسیاس، ۷۴	قصبی، ۲۱۲
قَرِیص، ۶۵، ۱۱۰	قُسْطانیقی، ۸۴	قسی (اندلس)، ۲۰۰	قَصْد، ۲۱۷
قَرِیص، ۲۵۵	قُسْطانیقی (اهالی سواد)، ۲۶۶	قسیناد، ۲۶۶	قصری، ۹۶



قَصْعَة، ۲۶۶	قطن، ۱۵۲، ۲۲۶	قُلَّاقَلَى، ۴۵	قلقاسی، ۲۴۳
قَصْعَة الحَمِير، ۲۶۶	قَطْن، ۲۴۲	قَلال، ۷۹	قُلْقاص، ۹۴
قَصفا، ۱۳۳	قطوس، ۳۱، ۳۵	قَلَّام، ۶۰، ۱۲۳، ۱۸۲	قِلقال، ۴۵
قَصم، ۲۴۲	قطولی، ۲۴۷	قلام، ۲۴۳	قِلقل، ۱۱۲
قُصَة الحَيَّة (مغرب)، ۲۴۶	قطنونا، ۷۸	قَلَّام، ۲۵۴	قُلْقَل، ۲۴۴
قَصی، ۹۶	قطیا، ۲۳۳	قلامس اُزوماطیقس، ۲۴۱	قِلْقَل، ۲۴۴
قَصیص، ۴۲	قُطَیْطِن، ۲۶۹	قلامُغرسطس، ۱۴۸	قِلقلان، ۱۱۲
قَصیصه، ۹۶	قطیفه، ۲۴۲	قلام کرمان، ۲۳۲	قِلقلان، ۲۴۴
قَصیم، ۲۴۲	قطیید اوس، ۲۳۲	قلامنتی، ۲۲۹	قِلقونیا، ۲۴۴
قُصاب مصری (مصر)، ۲۴۱	قعالا، ۱۵۳	قلائتره، ۲۵۷	قِللجَة، ۳۹
قُصاب، ۱۲۳	قَعْبَل، ۲۲۶، ۲۴۳	قلائتره کمبائه، ۲۵۷	قِلماس، ۲۴۱
قُصَب، ۵۸، ۱۵۶، ۲۴۱	قُعْفور، ۸۰	قُلَّاش، ۲۴۳	قُلْنَبارس، ۲۰۴
قُصَب، ۲۹۱	قَعنب، ۸۰	قُلب، ۲۴۳	قُلْنَبارش (لاتینی)، ۱۵۶
قَضائانا، ۱۱۶	قُغْنَب، ۲۴۳	قُلب الأَرْض، ۱۸۰	قُلْنَبِرَة، ۲۰۴
قَضَم قَریش، ۱۳۲، ۱۹۶	قُغْنَب، ۲۴۳	قلب النخل، ۹۵	قُلْنَبَة قَوْلَة، ۳۴
۲۴۱	قعیلاس، ۳۴	قلبخ، ۲۲۱	قِلنیل، ۱۴۱
قُطَب، ۱۱۸	قُف، ۲۲۰	قُلْبِرْلَه، ۲۷۳	قُلْنَبِنَه، ۱۵۰
قُطبا، ۱۱۸، ۲۴۱	قُفا، ۱۰۷	قُلْت، ۱۱۲	قِلندیرلَه، ۶۰
قُطبی حمارا، ۲۳۳	قُفالوط، ۲۵۲	قُلْت، ۱۱۲	قِلنسد ناردین، ۱۴۱
قُطرات کوئی، ۲۴۱	قُفایا، ۲۴۹	قُلْت، ۱۱۲	قِلوب الدحج، ۴۱
قُطران، ۳۹، ۲۰۳	قُف (دمشق و شام)، ۳۶	قُلْتا، ۱۱۲	قِلوب النعام، ۵۴
قُطران، ۱۸۷	قُفر، ۲۸۳	قُلْتمان، ۲۲۵	قِلودیقی، ۱۹۶
قُطریل، ۱۶۸	قُفر الیهود، ۵۰، ۱۲۴	قِلجونه، ۲۴۳	قِلوس، ۲۷۷
قُطَف، ۸۴، ۱۱۹، ۱۷۰	قُفروس، ۱۳۳	قِلخِیغ، ۱۰۸	قِلوغیطون، ۱۹۶
قُطَف، ۲۴۱	قُفطا، ۲۴۱	قُلْخِیْقِن، ۱۸۰	قِلوفیا، ۲۳۷
قُطفا، ۱۷۰	قُفْعا، ۲۵۲	قِلس، ۱۸۲	قِلومائی، ۴۶
قُطَف بحری، ۲۴۲، ۲۷۱	قُفل، ۸۲	قُلْسوفُودِیون، ۲۴۳	قِلومامش، ۴۶
۲۸۴	قُفلوط، ۲۴۳، ۲۵۲	قِلشتر، ۱۸۹	قِلومانن، ۱۸۵
قُطَف بری، ۱۳۹	قُفُور، ۲۴۳	قِلطانَه، ۲۵۰	قِلومائِن، ۱۸۵، ۲۴۴
قُطَف (مغرب)، ۱۷۰	قُفُورا، ۱۴۳	قِلفُوح، ۱۵۳	قِلْومائِن، ۲۴۴
قُطَلَب، ۱۲۲	قُفَل، ۸۲	قِلفُورا، ۱۴۳	قِلْومُس، ۲۴۴
قُطَلَب، ۱۲۳	قُقلامینس، ۲۲۷	قِلفُوط، ۸۰	قِلومش، ۳۳
قُطَلَب، ۱۸۶	قُقومیلاس، ۴۱	قِلفون، ۸۱	قِلوین، ۱۰۳
قُطَلَب، ۲۳۱، ۲۴۲	قُقیس، ۲۱۱	قِلفونیا، ۱۵۲	قِلن، ۱۲۳
قُطَلَب (شام)، ۲۴۲	قُقیس، ۲۱۱	قُلْقاس، ۳۴	قِلی، ۲۴۴
قُطلم، ۱۶۶	قُقلاریسس، ۱۸۴	قِلقاس، ۱۸۱	قِلیا، ۲۴۴
قُطلونیه، ۸۰	قُلْاظی، ۹۶	قُلْقاس، ۲۴۳	قِلیجولَه، ۱۶۱
قُطْن، ۱۳۱، ۲۴۲	قُلاقل، ۱۱۲، ۲۴۴	قُلْقاس، ۲۴۳	قِلیقِل، ۲۷۴

قلیماصیس، ۲۴۱	قَنَابَری (نبطی)، ۲۴۵	قندیز، ۲۹۵	قوالن، ۷۹
قلیماطیطس، ۱۶۱	قنابس، ۲۴۵	قنطا، ۶۹	قوامس، ۷۳
قلیماطیطس، ۱۶۱	قَنَابَش، ۱۱۲، ۲۴۵	قنطادوس، ۲۳۶	قوبع، ۱۱۴
قلیمونه، ۹۰	قنابش اُغریون، ۱۱۲	قنطس، ۲۲۶	قوتارشوق، ۱۵۲
قلینوفودیون، ۲۴۳	قنابوس، ۲۴۵	قنطورین غلیظ، ۲۴۶	قوت البریه (صیدلانیه)، ۸۶
قُلَیون، ۱۳۶	قناد (مغرب)، ۲۱۴	قنطوریون، ۳۶، ۲۲۰، ۲۴۶	قوتری، ۲۵۰
قلیون دِغاته (ثُغری)، ۱۳۵	قنار، ۱۱۴	۲۷۴	قوتقس، ۹۱
قلیونش دِغاته، ۱۵۰	قناروخشک، ۵۳	قَنطُوریون، ۲۴۵	قوث، ۲۹۳
قلیه (مصر)، ۲۲۹	قَناریه، ۱۱۴	قنطوریون الأصفر، ۳۶	قوثیرا، ۱۹۹
قماشیر، ۲۶۰	قناریه (اندلس)، ۱۱۴	قنطوریون الجلیل، ۲۴۶	قوج (ترمذی)، ۲۲۶
قمح، ۱۲۶	قَناریه بری، ۱۱۴	قنطوریون الدقیق (اندلس)،	قودونیا میلانا، ۱۷۲
قَمَح، ۱۲۶، ۱۶۴، ۱۹۴	قَناریه (مغرب)، ۱۱۴	۲۴۶	قورس، ۲۹۸
قمحادرزی، ۱۹۹	قنا صغیر، ۲۴۴	قنطوریون باریک، ۲۷۴	قورنیادطوری، ۲۲۹
قمح البری، ۴۲	قَنَاله، ۲۶۹	قنطوریون دقیق، ۲۰۹، ۲۴۶	قوروقوس، ۱۶۳
قَمَح الحَجَل، ۱۲۶	قنالیون، ۲۴۸	قنطوریون صغیر، ۲۴۵	قوروثقس، ۱۵۵
قمح السودان، ۱۰۰	قنا (مصر)، ۵۱	قنطوریون طرمقرون، ۲۴۶	قوریانون، ۲۵۷
قمح الشیطان، ۱۲۶	قناموشن، ۱۴۱	قنطوریون طُولِبُتون، ۲۴۶	قوریون، ۲۰۵، ۲۵۷، ۲۹۸
قمح الصقالیه، ۱۲۶	قَنامُوشن، ۱۴۱	قنطوریون طولیطون، ۲۴۶	قوز، ۲۴۲
قمح جبلی، ۱۰۳	قنا هندی (خوازنه)، ۸۵	قنطوریون طوماغا، ۲۴۶	قوسطاریون، ۱۵۶
قمح ماناه، ۱۲۶	قَنَب، ۱۱۲، ۲۴۵	قنطوریون غلیظ، ۲۰۹	قوسی، ۲۰۱
قَمَحَة، ۲۴۱	قَنَب، ۲۴۵	قنطوریون کبیر، ۲۴۵	قوسیة، ۲۴۶
قمر، ۵۹	قَنَباله، ۲۵۱	قنطیانی، ۱۰۶	قوش اوزی، ۲۱۴
قمرن، ۱۴۳	قَنَب بری، ۱۱۲	قنغذی، ۱۱۸	قوشنا، ۲۳۹
قمره، ۵۹	قنب (مغرب)، ۲۴۵	قنقهر، ۲۴۷	قوشیا، ۲۳۹
قمریت (اصفهان)، ۲۵۵	قنب هندی، ۲۴۵	قنلیه، ۱۵۵	قوطاما، ۲۴۷
قمسلیل، ۱۴۸	قنبیرا، ۲۴۵	قنوبر (سند)، ۱۴۵	قوطس، ۲۴۰
قمش (جرجان)، ۲۷۹	قَنَبیط، ۲۴۵	قنول، ۱۴۱	قُوطَیْدُون، ۲۴۷
قملول، ۲۴۵	قَنَبیط، ۲۵۶	قَنَه، ۲۴۶	قوطولیدون، ۳۳، ۳۴، ۱۶۹
قَمَلین، ۱۲۳	قَنَبیط، ۲۵۶	قَنَه، ۷۲، ۲۶۱	قوطولیون، ۲۳۴
قَمِنش، ۲۶۲	قَنَبیط، ۲۵۶	قنه (اندلس)، ۲۵۹	قوفا، ۲۴۴
قمصانا، ۵۹	قَنَبیط الذکر، ۲۵۶	قَنی، ۲۴۴	قوفی، ۴۴، ۲۴۷
قَمَنَحَه، ۲۴۴	قنبیل، ۲۴۴	قَنَبیه (اندلس)، ۱۱۲	قوقابس، ۱۴۸
قَمِیص، ۶۷	قنتوله، ۲۷۵	قَنیره، ۲۸۰	قوقالس، ۲۴۷
قَمَنَلَه (شام)، ۱۴۸، ۱۱۸	قنجوله، ۱۲۲	قنیقوس، ۲۳۶	قُوقامیلا، ۴۱
قنا، ۲۴۰	قنخروس، ۱۴۳	قواباوس، ۷۳	قوقامیلا، ۲۱۷
قنابری، ۷۶	قندرون (اصفهان)، ۸۱	قواد (سندی)، ۲۱۴	قوقو، ۱۶۳
قَنَابَری، ۲۴۵	قندس، ۲۶۳	قوال سریمی (سندی)،	قولار، ۲۵۶
قنابری (شام)، ۴۸	قندول، ۱۰۹	۲۰۹	قواله، ۲۶۳

قولانی، ۲۴۷	قونیزا الأصغر، ۱۹۹	قیهیمالون، ۲۴۵	کازوان، ۲۶۸
قولجیاله، ۲۵۶	قونیون، ۲۸۶، ۱۹۱	قیقُئین، ۱۷۸	کاسات، ۲۴۷
قوللّیه، ۲۵۶	قویابصل (سند)، ۴۹	قیقاوس، ۱۳۳	کاس بیل، ۵۵
قوللّیه، ۲۰۷	قویارس، ۷۳	قیقُب، ۱۰۶، ۲۸۶، ۲۹۰	کاسر الحجر، ۱۱۲، ۲۴۳
قوللّیه (اندلس)، ۱۷۱	قهلمان، ۲۸۰	قیقان (اندلس)، ۱۰۶	کاسنی، ۲۹۷
قولوریون، ۷۹	قهوه، ۸۹	قیقَمَن، ۱۷۸	کاسنی بری، ۱۳۹
قولوط، ۱۲۰	قیاصم، ۱۴۹، ۲۵۸	قیقَهَر، ۲۴۷	کاسنی رومی، ۲۶۱
قولوقتا اغریا، ۱۲۶	قیارس، ۱۷۱	قیقهن، ۲۴۷	کاش (تتکابن)، ۲۷۰
قولوقوثا، ۲۳۷	قیبّا، ۱۰۸	قیقی، ۱۳۳	کاشم، ۲۰۴، ۲۵۳
قولوقونطس، ۲۳۷	قیبوطیسرون، ۲۶۳	قیقیدیس، ۲۱۱	کاشیم، ۲۴۸
قولوقیمین، ۱۵۳	قیچ، ۲۳۳	قیقیس، ۲۱۱	کاشم الریفی، ۲۴۸
قولوقینس (لاتینی)، ۱۲۶	قیخوریون، ۲۹۸، ۶۳	قیلعی (شام)، ۲۸۶	کاشم الصغیر، ۲۰۲
قولوکنتش، ۱۲۶	قیخوریون قارذنون، ۶۳	قیلورا، ۱۴۴	کاشم الکبیر، ۱۵۵
قولومینس، ۱۵۳	قیرع، ۲۳۷	قیمص، ۲۴۷	کاشم رومی، ۱۶۷، ۱۸۱
قوله د قباله، ۱۵۱	قیرف، ۲۸۳	قیموطمشور، ۲۳۳	کاشم رومی، ۲۴۸
قولی، ۲۵۶	قیروان (آفریقا)، ۲۴۳	قیمولیا، ۴۱، ۲۶۴	کاش (مصر)، ۵۷
قولی اغریا، ۲۵۶	قیرون، ۲۳۸	قیمین اغریون، ۲۶۲	کاشم صغیر، ۲۴۸
قولی اغریاس اقیمون، ۲۵۶	قیسادافورسما، ۸۶	قیمینون اُغریون، ۲۶۲	کاشم صینی، ۲۴۸
قولی ایماروس، ۲۵۶	قیسارون، ۲۰۱	قینا، ۲۴۷	کاشم کبیر، ۱۴۸
قولی طولی، ۲۵۶	قیستوس، ۲۶۵	قینهر، ۲۴۷	کاشوش، ۱۰۰
قوللیه، ۱۲۲	قیس دافورسما، ۸۶	قیوفارروس، ۱۷۱	کافافلوس، ۱۲۶
قومارقوس، ۱۰۶	قیسوس، ۲۱۱	قیوند، ۲۳۳	کافور، ۲۴۸
قوماروس، ۲۳۱، ۲۴۲	قیسوم، ۷۶، ۲۴۷		کافوربوی، ۵۷
قوماریس، ۲۴۲	قیصر، ۵۹		کافوربویه، ۲۴۹
قومالیون، ۲۴۷	قیصوم، ۵۵، ۶۱، ۶۲، ۷۶		کافوری، ۵۷، ۲۹۰
قوماورس، ۲۴۲	۱۵۹، ۱۸۳، ۲۴۷	کابور (ترمذ)، ۷۵	کافوری نر، ۵۷
قومایس، ۶۷	قیصوم، ۷۷، ۲۸۱	کابیچ، ۲۳۶	کافوریه، ۵۷
قومسی، ۲۰۱	قیصوم، ۲۴۷	کاپنهل، ۱۴۱	کافور یهودی، ۱۶۰، ۲۴۹
قومن، ۲۴۷	قیصوم الصغیر، ۲۸۲	کات، ۲۴۸	کافوریه (آفریقا)، ۵۷
قومنون باسیلقون، ۲۸۹	قیصی، ۲۸۲	کاج، ۱۹۶	کافوریه (مغرب)، ۱۸۶
قومیا، ۲۳۳	قیطاقون، ۹۳	کاجر، ۱۰۳	کافیشه، ۲۱۰
قومینون، ۲۶۲	قیطس، ۳۱، ۳۵	کاج (شیراز)، ۱۹۶	کاکراسینکی، ۲۴۹
قومینون انتونیقون، ۲۸۹	قیعرن، ۱۴۸	کاجیره (دیلمی)، ۴۲	کاکره، ۲۰۵
قوُمیون، ۴۵	قیفارس، ۱۷۱	کاجیره (همدان)، ۲۱۰	کاکسر، ۲۳۲
قوُنس باطس، ۲۹۴	قیفر، ۹۵	کاذی، ۲۴۸، ۲۶۰	کاکل، ۲۳۲
قونوس، ۱۹۶	قیفرس، ۱۲۵	کاربا، ۲۶۴	کاکلک (اصفهان)، ۱۹۴
قونیزا، ۷۷	قیفروس، ۱۲۵	کاردوالی، ۹۵	کاک ماجهی، ۲۱۴
قونیزا، ۱۹۹، ۲۱۹، ۲۴۷	قیفوس، ۱۳۳	کازریسک (شیرازی)، ۲۷۷	کاکنج، ۱۴۷، ۲۱۴

### حرف «ک»

کاکنج، ۲۴۹	کاهربای، ۲۶۴	کبیکه، ۲۵۰	کثیر العقده، ۲۱۰
کاکنج المرجی، ۱۰۷	کاهل، ۱۰۰	کپاس، ۲۴۲	کثیر المنفعة، ۱۳۶
کاکنج المروج، ۲۴۹	کاهمکه، ۴۳	کپاس کاپهول، ۲۴۲	کثیر الورق، ۱۵۱
کاکنج النهری، ۱۳۷	کاهو، ۱۳۳	کپور، ۲۴۸	کثیرا، ۱۸۹
کاکنج غالیه (مغرب)، ۲۱۴	کاهوجرنه، ۳۸	کپور، ۲۶۴	کثیرا، ۲۵۱
کاکنج (قاهره)، ۲۰۶	کاهیان، ۲۳۶	کت، ۲۳۹	کثیرة الاضلاع، ۲۶۹
کاکنج منوم (مغرب)، ۲۱۴	کای پهل، ۱۴۱	کتانی بزرگ، ۷۸	کج، ۲۹۳
کاکنه، ۲۴۹	کایده، ۴۹	کتان، ۱۵۲، ۲۴۳، ۲۷۷	کجنتیب، ۶۵
کاکول، ۱۸۸	کاؤل، ۸۰	کتان، ۲۵۰	کجور، ۱۶۱
کاکیان، ۲۳۶	کأس، ۲۴۷	کتان، ۲۵۰	کجومن، ۲۴۹، ۲۵۲
کالا کوت، ۲۴۹	کب، ۲۵۰	کتان، ۲۵۸	کجی، ۸۷
کال چنگی، ۳۶	کیاب چینی، ۲۴۹	کتان الماء، ۵۵	کجری، ۱۴۴
کالدم ارمانک (فرنگی)، ۲۴۰	کبابه، ۲۵۰، ۲۴۹	کتانی، ۲۴۵	کجری تلخ، ۲۳۳
کالسندروس، ۲۶۴	کبابه دهن شکافته، ۲۲۲	کتنبه، ۲۵۱	کچله، ۴۲
کال (شیراز)، ۱۰۰	کبابه دهن گشاد، ۲۲۲	کتبنا، ۲۲۲	کچنار، ۲۵۲
کال ماچهی (بنگال)، ۲۱۴	کبابه، ۲۳۸	کتیکن، ۱۱۴	کچو (بنگال)، ۲۴۳
کالنجی، ۱۹۲	کبابه (عراق)، ۲۴۹	کتیل (بنگال)، ۲۶۴	کچور، ۱۶۱
کالو، ۲۴۴	کبابه هندی، ۲۴۹	کت پایره، ۱۸۳	کچوله، ۴۲
کالوسک (سنجری و سجزی)، ۷۳	کباب، ۲۴۹	کتکی، ۱۳۰	کچومن (شیراز)، ۲۴۹
کالی جهانپ، ۷۶	کبار، ۲۵۰	کتک، ۹۳	کحدان، ۲۱۸
کالیدونیون، ۲۰۸	کباس، ۱۲۴	کتک، ۲۵۱	کحلا، ۳۸، ۳۹، ۲۱۸
کالی زیری، ۲۴۹	کبابریا، ۷۱	کتهاجوری، ۲۵۹	کحل السودان، ۹۴
کامن قزبان، ۲۵۷	کیاء، ۲۱۶	کتهل (بنگال)، ۱۰۴	کخلاء، ۲۵۲، ۲۶۹
کانه، ۲۴۱	کبر، ۱۱۴، ۲۱۵، ۲۵۰	کنهه، ۲۳۹	کحلاء الجیلی، ۲۵۲
کانیطوسک (شیراز)، ۱۸۴	کبر، ۲۵۰	کتیرا، ۲۵۱	کحل خولان، ۱۲۰
کاو چشم، ۹۰	کبرالرومی، ۴۹	کتیله، ۲۵۱	کحل خولان، ۱۲۰
کاو جیله، ۲۳۶	کبرک، ۱۱۸	کتین، ۲۵۱	کحل فارس، ۶۶
کاو چشم، ۵۷	کبست، ۱۲۶	کتینیه، ۲۵۱	کحل فارس، ۶۶
کاورس، ۱۰۰	کبسون، ۲۵۰	کتا، ۱۰۲	کحل فارسی، ۶۶
کاوزاون، ۲۶۸	کبلاس، ۱۲۴	کتا، ۱۰۲	کحل کرمانی، ۶۶
کاو زبان، ۲۶۸	کبنهی بخفای، ۲۲۶	کتا، ۱۰۲	کحلوان، ۶۷، ۷۸، ۱۵۳
کاوکشک (شیراز)، ۱۸۴	کبته، ۲۵۰	کتیر الأرجل، ۷۹	کحلوان، ۲۱۸
کاول، ۲۵۲	کبیت، ۲۶۴	کثیر الأضلاع، ۲۶۹	کحیلا، ۳۹
کاو مکه، ۴۳	کبیدانه، ۱۱۱	کثیر الرکب، ۱۸۹	کخلاء، ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۵۲
کاوی، ۴۵، ۲۴۸	کیشاحمر، ۲۵۵	کثیر الرکب، ۲۵۲	کددی، ۴۹
کاوی السبرز، ۴۹	کپیکج، ۲۵۰	کثیر الرؤوس، ۹۰، ۲۵۲	کدر، ۲۴۸
	کپیکج، ۲۵۰، ۲۵۴	کثیر العقده، ۹۰	کدرو (شیراز)، ۶۶
			کدو، ۲۳۷

کدو (شیرازی)، ۸۲	کراسیا، ۲۳۴	کرفس الجبلی، ۲۵۴	کرک سیاه، ۴۱
کدو مکه، ۲۳۷	کراعی قصصی، ۱۵۳	کرفس الریفی، ۲۵۴	کُرکم، ۱۲۰، ۱۶۳، ۲۷۶
کدوی تلخ، ۲۳۷	کرانی، ۲۵۵	کرفس الشتوی، ۲۵۳	کُرکم، ۱۶۳، ۲۰۸، ۲۵۵
کدوی رومی، ۱۴۲	کراوی سریانی، ۲۵۶	کرفس الصخری، ۲۵۳	کرکما، ۱۶۳
کده پرته، ۱۲۵	کریخور، ۵۹	۲۵۴	کُرکم الصغیر، ۲۰۸
کدیمه، ۲۳۷	کُرئزه، ۲۵۷	کرفس العریض، ۲۵۳	کرکمان، ۱۲۵، ۲۹۱
کذونی، ۱۷۲	کرز، ۲۳۳، ۲۵۳	کرفس العظیم، ۲۵۳، ۲۵۴	کرکون، ۲۵۵
کذی، ۲۹۷	کرزیه الحمام، ۱۸۳	کرفس الماء، ۲۳۵	کرکی، ۲۵۵
کراث، ۸۰، ۲۶۴	کرزیه البثر، ۷۶، ۲۰۳	کرفس المجوسی، ۲۵۴	کرکیش، ۵۷
کُراث، ۲۵۲	کُرئزه البیر، ۱۱۹	کرفس المر، ۲۵۴	کرکیشه، ۱۵۹
کُراث، ۲۵۳، ۲۵۲	کرزیه الحمام، ۱۸۳	کرفس المشرقی، ۲۵۳	کرلفسابه، ۳۱، ۳۵
کراثا، ۲۵۲	کرت، ۲۳۷	کرفس النبطی، ۲۵۳	کُرّم، ۲۱۴
کراثادبرا، ۲۵۲	کرتویس (فرنگی)، ۱۵۵	کرفس بری، ۱۷۶، ۲۵۰	کُرّم، ۲۵۵
کراث الثومی، ۸۰	کیرته (سجزی)، ۱۲۱	کرفس بستانی، ۲۵۴	کُرّم الأسود، ۲۲۲
کراث الجبل، ۲۵۲	کرجاورنکوت، ۷۶	کرفس جبلی، ۲۵۳	کرم البری الابیض، ۲۲۲
کراث الجبلی، ۸۰	کرجیل (تنکابن)، ۱۶۲	کرفس جونئی، ۲۵۳	کرم البیضاء، ۲۲۲
کراث الجلیقی، ۸۰	کرچک، ۱۳۳	کرفس رومی (جرجان)، ۱۱۷	کرماله، ۱۴۰
کراث الروم، ۸۰، ۱۵۳	کرد، ۱۰۳	کرفس صخری، ۲۲۷	کرم بری، ۲۵۵
کراث الریفی، ۸۰	کُرڈمانا، ۲۳۵	کرفس عظیم، ۲۲۸	کرم بستانی، ۲۵۵
کُراث الشامی، ۸۰	کردوموم (فرنگی)، ۲۳۲	کرفس کوهی، ۱۵۱، ۲۲۷	کُرْمَدانه، ۲۵۵
کراث الشامی، ۲۵۲	کردیلن، ۲۵۳	۲۶۱	کرم دشتی، ۲۲۲
کُراث الشامی، ۲۵۲	کرزش، ۱۰۳	کرفس مائی، ۲۵۴	کُرْمه البیضاء، ۷۸، ۹۰، ۲۱۵
کُراث الصخر، ۲۵۲	کرساخسن، ۱۷۰	کرفس ماقدونئی، ۲۲۷	۲۲۲
کُراث الکرم، ۲۵۲	کرسب، ۲۵۳	کرفس مشرقی، ۲۵۳	کرمة البیضاء، ۷۸، ۹۲، ۲۲۲
کراث الکُرْمی، ۲۵۲	کرسب کوهی، ۲۲۷	کرفس مقدونئی، ۲۵۳	کرمة السوداء، ۲۲۲، ۲۵۰
کراث المائدة، ۲۵۲	کُرشف، ۲۴۲	کرفش، ۲۵۳	کرمة السوداء (اندلس)، ۹۰
کراث اندلسی، ۸۰	کرسف، ۲۴۲	کرفشا، ۲۵۳، ۲۶۱	کرمة بیضاء، ۲۲۲
کراث بری، ۴۸، ۲۰۴	کرسنه، ۱۰۴، ۱۵۶	کرفشا، ۲۳۵	کرمة سوداء، ۲۲۲
کُراث بری، ۲۵۲	کُرْسَنه، ۲۵۳	کرکاس (شیراز)، ۱۴۷	کرمة شائکة، ۲۲۶
کراث جبلی، ۲۲۴	کرسنی، ۱۲۴، ۲۹۱	کرکاش، ۵۷	کرمی، ۲۳۳
کُراث رومی، ۲۵۲	کُرش، ۲۵۳	کرکاش (مصر)، ۵۷، ۷۰	کرمینون، ۲۶۲
کُراث شامی، ۲۴۳	کرشاد، ۱۰۶	کرک جرواش (تنکابن)، ۹۹	کرنا، ۲۸۹
کُراث شامی، ۲۵۲	کرفس، ۱۰۲، ۲۰۲	کرکر، ۱۹۶	کُرنب، ۲۵۵
کراث شامی (فلسطین)، ۲۵۲	کُرْفَس، ۲۵۳	کرکر امحری، ۹۳	کُرنب، ۲۵۵
کراث ملوکی، ۸۰	کرفسادطورا، ۲۵۳	کُرْکُرْهَن، ۲۵۵	کرنباء، ۲۵۵
کُراث نبطی، ۲۵۲	کرفسادمیا، ۲۵۳	کرکرینا، ۱۲۵	کرنبات، ۵۴
کراث نبطی، ۲۵۲	کرفس الاجامی، ۲۵۴	کرکسن، ۱۰۷	کرنباد، ۲۵۶
	کرفس البستانی، ۲۵۴		کرنب الاندلسی، ۲۵۶

کرنب البحرى، ۲۵۶	کروىای دشتى، ۲۳۵	۲۵۷	کثرثا، ۲۶۱
کرنب البرى، ۲۵۶	کروىای (لاتینى)، ۲۵۶	کسبرة الحمام، ۲۵۷	کُثُط، ۲۳۹
کُرنَب البرى، ۲۵۶	کرويه، ۲۵۶	کست، ۲۳۹	کشمخه، ۱۲۳
کرنب البستانى، ۲۵۶	کرويه (شيرازى)، ۲۵۶	کستج، ۸۴	کشمش کاوليا، ۱۴۳
کُرنَب البستانى، ۲۵۶	کره، ۵۷	کُستُج (اهالى سواد)، ۸۴	کشمخ، ۱۲۳
کرنب الدورى، ۸۲، ۲۵۶	کرى، ۲۵۶	کست (فرنگى)، ۲۳۹	کُشمُخ، ۲۴۳
کرنب السواحلى، ۲۵۶	کريشه (بيت المقدس)، ۲۲۱	کسته (شيرازى)، ۲۱۰	کُشمُخ، ۲۵۸
کرنب العظیم، ۲۵۶	کریلا، ۲۵۶	کُستى (بنگال)، ۲۱۴	کشمورين، ۲۵۸
کرنب الکرماني، ۲۵۶	کریله، ۲۵۶	کسرافى، ۴۹	کُشن، ۲۵۳
کرنب الکلب، ۲۳۱	کريون، ۲۴۶	کسفون، ۱۴۴	کُشُج، ۲۵۸
کرنب الماء، ۲۵۶، ۲۹۲	کزبر السحرى، ۲۵۷	کُسما، ۶۶	کشنى، ۲۳۶، ۲۵۳، ۲۹۷
کرنب النبطى، ۲۵۶	کزبر الصخرى، ۲۵۷	کسم کاپهول، ۴۲	کُشنى (شام)، ۲۵۳
کرنب أندلسى، ۲۵۶	کزبراء، ۲۵۶	کُسموقا، ۲۵۷	کُشوث، ۵۵، ۱۲۳، ۲۵۰
کرنب بحرى، ۲۵۶	کُزْبَرَه، ۲۵۶	کسمويا، ۲۵۷	کُشوث، ۲۵۸
کُرنَب برى، ۱۳۷	کُزْبَرَة البير، ۱۸۷، ۲۵۷	کسناج، ۲۹۷	کُشوثا، ۵۵، ۲۵۸
کرنب شامى، ۲۵۶	کُزْبَرَة البير (دمشق)، ۱۰۴	کُشُنب، ۲۱۰	کُشوث الجبلى، ۲۵۸
کرنب نبطى، ۲۵۶	کُزْبَرَة الثُعلب، ۱۷۹	کستيون، ۲۵۸	کُشوث الرومى، ۵۶
کُرنُج، ۴۴	کُزْبَرَة الثُعلب، ۲۵۷	کسنگ، ۲۵۳	کُشوث الرومى، ۲۵۸
کرنج، ۵۹	کُزْبَرَة الحبشه، ۹۷	کسنگ (شيرازى)، ۲۵۳	کُشوث المجوسى، ۲۵۸
کرنج (تورانى)، ۴۴	کز، ۲۶۳	کُشنى، ۲۹۷	کُشوث رومى، ۵۶
کرنجونه، ۲۴۳	کزج، ۳۷	کسنين، ۱۱۹	کُشوث زنجى، ۵۶
کرونش (فاس)، ۲۲۳	کزطلخون، ۲۰۵	کس وبران (شيرازى)، ۲۵۰	کُشوث فارسى، ۲۵۸
کرنيا، ۱۰۶	کزمارک، ۴۰	کُشول، ۲۵۷	کُشوث (مصر، مغرب،
کرواله، ۱۴۰	کزمازج، ۵۷	کسونجى، ۲۵۷	آفريقا)، ۱۶۷
کروان، ۸۲	کزمازج، ۲۰۲	کُشُونْدِى، ۲۵۷	کُشوثى (عراق)، ۱۶۷
کروش الغنم، ۵۵	کزمازق، ۴۰، ۵۷	کس وبران (شيرازى)، ۲۵۰	کشور، ۱۰۳
کروفس، ۱۲۷	کزمازک، ۵۷	کُسيرو، ۲۵۷	کشوش، ۱۰۰
کروکسينه، ۲۳۶	کزمازک، ۹۳، ۲۰۲	کُسيفيون، ۱۴۶، ۱۸۱، ۲۵۷	کشول، ۴۳
کروندا، ۲۵۶	کُزَم (سجری و سمرقند)، ۱۸۵	کُسَيْلا (نبطى)، ۲۵۷	کُشَيْعاء (سجری جديد)،
کُزُونْدَه، ۲۵۶	کُزَمه دشتى، ۴۳	کُسَيْلى (نبطى)، ۲۵۷	۲۸۴
کُزُویا، ۲۵۶	کُزوان، ۲۵۷	کُسَيْنَا، ۲۵۸	کصتيون، ۲۵۸
کُزُویا، ۲۵۶	کُزَمين (بنگال)، ۱۴۴	کسيتيون، ۱۳۳	کطباس (لاتين)، ۱۸۹
کُزُویا الجبلیة (اندلس)، ۲۳۵	کسب، ۱۲۶	کُشبه، ۴۱	کُطَف (صحرائشيان)، ۱۷۰
کُزُویا بستانيه، ۲۵۶	کسبت، ۱۲۶	کُشت، ۲۳۹	کُفَر، ۲۵۹
کرويا جبليه، ۲۳۲	کسبرتا، ۲۵۷	کُشت بَزْکُشت، ۲۵۷	کُف ادم، ۲۵۸
کُزُویا رومى، ۲۳۵	کسيرة الثعلب (اندلس)، ۲۵۵	کُشت، ۲۵۸	کُف الأسد، ۲۵۸
کرويانه، ۲۵۵		کشج، ۱۶۲	کُف الجُذما، ۴۱
			کُف الجذماء، ۲۵۸

کف الدابه، ۱۱۷	کَنَرول، ۲۵۹	کل کنول، ۲۶۰	۲۶۰
کف الذنب، ۲۵۸	کَنَرُونده، ۲۵۹	کلم، ۲۵۵، ۲۵۶	کماذریوس التَّغْمی، ۲۰۴
کف السبع، ۸۸، ۱۵۲، ۲۵۰	ککرونده، ۲۶۱	کلمرچ، ۲۲۷	کماذریون، ۱۱۳، ۲۶۰
۲۷۳، ۲۵۸	ککروهز، ۲۴۱	کلم رومی، ۲۴۵	کماذریوس، ۸۶، ۲۵۹
کَف الضَّبع، ۹۳، ۲۵۰، ۲۵۹	ککری، ۲۳۳	کلم کرد، ۲۴۵	کَمَاذَریوس، ۲۶۰
کَف الضَّبع، ۲۵۹	ککن دهل، ۲۲۶	کلموج، ۱۵۳	کُماشیر، ۲۶۰
کَف الضَّبع (مغرب)، ۲۵۰	کلاجن، ۱۳۹	کلموح (اندلس)، ۱۵۳	کمافیطوس، ۲۰۷
کف العایشه، ۵۳	کلاغ پا (پهلوی)، ۱۵۵	کل مهندی، ۲۵۹	کُمافیطوس، ۲۶۱
کَف العذری، ۹۳	کلاکون، ۹۲	کَلَن، ۲۶۰	کمالایا، ۲۷۵
کف العظامه، ۹۳	کل انگور (مکران و قزدار)، ۸۱	کلنبار، ۲۵۰	کمالیون، ۵۱، ۱۲۸، ۲۲۴، ۲۶۱
کَف العُقَاب، ۲۰۵	کلب، ۲۴۳	کلنجه، ۷۰	کماه، ۲۲۷، ۲۳۰
کف العقاب، ۲۳۲	کلبانی، ۵۱	کلنک، ۲۵۵	کماه (شیراز)، ۲۳۸
کَف القرد، ۲۵۹	کلبک، ۲۵۵	کلنکار، ۲۵۰	کماه کوهی (شیرازی)، ۱۷۱
کف الکلب، ۷۵، ۲۵۹	کَلَت، ۲۵۹	کَلَنکَر، ۲۱۴	کماة، ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۶۰
کَف الکلب (مغرب)، ۲۵۰	کلته، ۱۱۲	کلنکرد، ۲۶۰	کَماة، ۲۶۰
کَف المَریم، ۲۵۹	کلتهه، ۱۱۲	کَلَنکک (بستی)، ۸۳	کماة حمراء، ۲۶۰
کَف المَریم (اندلس)، ۲۵۹	کَلَتیهی، ۱۱۲	کلنکور (سند)، ۱۱۱	کماة، ۳۸
کف النسر، ۱۱۷	کلنیا، ۲۴۶	کلوخ، ۲۷۴	کماة، ۲۲۱
کف النسر (مصر)، ۴۹	کلخ، ۵۱، ۶۵، ۹۷، ۱۵۴	کلوقورون، ۱۸۰	کَمَاة، ۲۵۸
کَف الِهَر، ۲۵۴	۲۷۸	کلول (آذربایجان)، ۱۰۴	کَمَاة، ۲۸۳
کَف الِهَر، ۲۵۹	کَلَنخ، ۱۷۲، ۲۰۴، ۲۳۹، ۲۴۸	کلونجی، ۱۹۲	کَمَاة، ۲۸۳
کف الِهَر، ۲۷۳	کَلَنخ، ۲۵۹	کَلوی، ۲۶۰	کمبنوس (انگلیسی)، ۲۶۲
کف أجدم، ۲۵۸	کَلَنخ الدَلَبی، ۲۵۹	کله، ۶۶	کمثری، ۶۲
کفر اليهود، ۱۲۴	کلخ الصغیر، ۳۰۰	کَلْهار، ۲۶۰	کَمْثَری، ۱۴۳
کفرجک، ۲۹۳	کَلَنخ الکبیر، ۲۵۹	کلهازی، ۱۲۸	کَمْثَری، ۲۶۱
کفرک (شیرازی)، ۱۰۲	کَلَنخ الکبیر (اندلس)، ۲۴۵	کَلیان کائَه (بنگال)، ۲۶۰	کَمْثَری البَسنانی، ۵۷
کِفَری، ۹۵	کلخ دلبی، ۱۴۶	کلیجن، ۱۳۹	کمثری بری، ۲۶۱
کَفَری، ۹۵	کلخ (مصر)، ۵۱	کلی قیسوس، ۲۹۸	کمثری جبلی، ۲۶۱
کفسون، ۲۵۰	کلخ (مغرب)، ۲۴۴	کلیکان، ۲۶۰	کمثری چین، ۲۶۱
کَف عائِشة، ۱۰۲، ۱۸۶	کلخی، ۱۴۶، ۱۵۸	کلیک (تنکابن)، ۱۴۶	کمثری حامض، ۲۶۱
۲۵۹	کَل داودی، ۲۵۹	کلیل الملک، ۵۹	کمثری (شیرازی)، ۲۶۱
کفلیون، ۱۰۳	کلدونیا، ۲۷۶	کلیل ملکا، ۵۹	کَمَزَهَرَه، ۲۶۱
کف مریم، ۵۳، ۱۸۶	کَلز، ۲۵۹	کلیلوطین، ۲۹۷	کَمَزَک، ۲۶۱
کَف مریم (اندلس)، ۸۹	کلغه، ۱۲۲	کَم، ۲۳۳	کمکام، ۱۹۸
کف مریم حجازی، ۲۵۹	کَلکان، ۲۵۲	کمابیونین، ۱۰۵	کم کام، ۱۹۸
کفوف، ۸۹، ۹۳، ۹۵، ۱۰۰	کلکله، ۱۹۵	کما، ۱۲۱	کَمَنکُوت (فرنگی)، ۲۶۲
۱۲۶، ۲۷۱، ۲۷۳	کل کنده (شیرازی)، ۲۶۰	کماذریوس، ۶۰، ۸۶، ۱۶۰	کملاون، ۲۴۸، ۲۷۵
کفیثون، ۷۲			

کومتان، ۱۰۳	کناوس، ۲۶۲	کنکر، ۱۱۴، ۲۶۳	کوتهمیر، ۲۵۷
کَمون، ۲۶۲	کنب، ۲۴۵	کَنکر، ۱۱۴	کوخر (شیراز)، ۱۱۷
کمون، ۲۶۲	کَنب، ۲۶۲	کنکر البری، ۲۷۰	کور، ۲۶۴، ۲۸۳
کموننا، ۲۶۲	کنبات، ۲۶۲	کنکر الکبیر، ۱۱۴	کورار، ۲۲۴
کمونادبر، ۲۶۲	کنشک (سجزی)، ۸۱، ۱۱۱	کنکران (ری)، ۲۴۵	کورتره (مازندران)، ۱۰۲
کَمون الابيض، ۲۰۴، ۲۶۲	کَنبَن، ۸۱	کنکر بری، ۱۱۴، ۱۵۶، ۲۹۹	کور سور (کرمان)، ۷۶
کَمون الارمنى، ۲۵۶	کتور (شیرازی)، ۱۳۳	کنکرزى (سجزی)، ۲۱۴	کورش، ۱۳۹
کَمون الارمینی، ۲۵۶	کتو (شیراز)، ۱۳۳	کنکرزد، ۱۱۴	کورک (شیراز)، ۲۵۰
کَمون الأسود، ۱۹۲	کنجد، ۱۷۶	کَنکرزد، ۱۱۴	کورو، ۱۳۲
کمون الأسود، ۲۶۲	کنجده، ۶۶	کنکریس، ۱۱۴	کوری، ۲۹۳
کمون البری، ۲۶۲	کنجده (اصفهان)، ۶۶	کنکنی، ۱۰۰، ۱۴۳	کوری زوله، ۲۱۰
کَمون البری، ۲۶۲	کنجده (اصفهان)، ۶۶	کنکون، ۱۶۳	کوزا، ۲۸۳
کَمون الجبل (بربرها)، ۹۳	کنجر، ۱۱۴	کَنکَهِی، ۲۶۳	کوزبویا، ۱۰۷
کَمون الحَنَشی، ۲۶۲	کنجروس، ۱۰۰	کنکَهِی، ۲۸۱	کوزد (شیراز)، ۶۶
کمون الحلو، ۶۷	کنخرن، ۱۰۰	کنکَهِی، ۲۶۳	کوز کلاغ، ۱۰۹
کَمون الحَلَو، ۶۷	کنخروس، ۱۰۰، ۱۵۰	کنگر، ۱۱۴	کوز کندم، ۱۰۷
کَمون الحلو، ۲۶۲	کندبتر، ۱۶۶	کنگر آبی، ۲۳۵	کوز مائل، ۱۰۹
کَمون الرطالی، ۲۸۹	کندبیل، ۴۳	کنگرخر، ۱۸۹	کوزی بویا، ۱۰۷
کَمون الرومی، ۲۶۲	کندر، ۲۱۶، ۲۷۴	کنگرزد، ۱۱۴	کوزی دبسم، ۱۰۷
کمون الکرمانی، ۲۶۲، ۲۸۹	کَندر، ۲۶۳	کنگر سفید، ۷۱	کوزی دهفاختا، ۱۰۸
کمون الملوکی، ۲۶۲، ۲۴۸	کندر دریایی، ۲۶۳	کنگری، ۱۱۴	کَوسک (بستی)، ۷۳
کموناهندو، ۲۶۲	کَندری، ۲۶۳	کنوجه، ۲۸۰	کوشبیل (تنکابن و دیلم)، ۲۶۴
کمون أرمنی، ۲۵۶	کندریات، ۲۷۴	کنه، ۲۴۱	
کمون بری، ۲۶۲	کندریات، ۲۷۴	کَنهان، ۲۶۳	کوشاد، ۱۰۶
کَمون حبشی، ۲۶۲	کندس، ۱۷۱	کَنهَلَة، ۲۶۳	کوش (شیراز)، ۱۲۶
کَمون حبشی، ۲۸۹	کَندَس، ۲۶۳	کَنب، ۲۱۳	کوشکروا، ۱۱۸
کمون رومی، ۲۵۶	کندش، ۲۱۶	کنب (یعنی)، ۲۶۳	کوشنه، ۲۳۹
کَمون صخری، ۲۶۲	کَندَش، ۲۶۳	کنبث (یعنی)، ۲۶۳	کوشیر، ۱۰۰
کمون ملوکی، ۲۸۹	کندشه، ۲۶۳	کنیر، ۱۴۵	کوکب الارض، ۲۰۴، ۲۲۶
کَمون هندی، ۲۶۲	کندل، ۱۷۳	کُوار، ۱۹۵	کوکب الأرض، ۲۶۴
کمیداس (فرنگی)، ۲۶۰	کَندَلَا، ۲۶۳	کوار (دیلم)، ۲۵۲	کوکبه، ۱۵۹
کَمیش، ۲۶۲	کندمار، ۲۴۷	کواکب، ۴۶	کوکبیه (شام)، ۱۰۵
کمّه، ۲۶۰	کندنا، ۲۴۷	کوالهریها، ۱۷۶	کوکبیه، ۶۰
کنار، ۱۶۸	کنده بهروزه، ۷۲	کوامس، ۷۳	کوکرس اندیکریس
کنار (سجزی)، ۲۸۹	کندهیس، ۴۳	کوبرا، ۲۲۷	(فرنگی)، ۲۸۷
کناروس، ۱۱۴	کندیت، ۱۹۹	کویل، ۲۳۰	کوکروا، ۱۱۸
کنارهوشه، ۵۳	کنزک، ۱۱۸	کوپرکیسو (لاتین)، ۲۵۲	کُوکِل، ۲۸۳
کناریون، ۱۱۲	کنطینوس، ۱۰۴	کوتاکبنا، ۲۶۲	کوکنی، ۷۹



کوکو ابرس (فرنگی)، ۲۳۴	کهکب، ۷۲	کیلادونیا، ۲۷۶	گردهیار، ۱۰۳
کوکولاولتا، ۲۳۲	کهکم، ۷۲	کیلجک (دیلیم)، ۸۸	گرز دشتی، ۱۸۸
کوکهر، ۱۱۸	کَهنابا، ۲۲۳	کیلدارو، ۱۶۹	گرگ مرگ، ۱۲۸
کولان، ۴۹	کَهنبی، ۲۶۰	کیل دلو، ۱۶۹	گرگیری، ۱۰۲
کولر، ۱۰۵	کهنگالی، ۷۹	کیل سرخ (شیرازی)، ۱۶۳	گریال، ۱۰۳
کولرپر، ۱۲۱	کهنگچی، ۲۱۷	کیل (شیرازی)، ۱۶۲	گز، ۴۰، ۲۰۲
کولم، ۲۲۷	کهوپره، ۲۸۷	کیلکان، ۲۶۴	گز انگدان خوش، ۵۰
کوله پر (مازندران)، ۶۵	کهورات، ۲۶۴	کیله، ۲۸۵	گز انگدان خوش، ۱۲۱
کومرثل، ۲۶۴	کهه (شیراز)، ۲۳۸	کیموس، ۱۰۰	گزر، ۱۰۳
کوم (ماوراء النهر)، ۹۹	کهپانا، ۲۲۳	کین، ۱۴۵	گزنه، ۶۵
کومنون اغریون، ۲۶۲	کهیرک، ۷۲	کینار، ۱۴۰	گژ، ۵۱
کومینون، ۲۶۲	کهیکوار، ۱۹۵	کَینشی بنگال، ۲۶۴	گشت برگشت، ۲۵۷
کوندل، ۷۵	کهیونی، ۱۱۲	کَینگیط (فاس)، ۸۸	گشن، ۲۵۳
کونده (بنگال)، ۲۳۷	کیا، ۲۸۲	کیوار، ۲۴۸	گشنیز، ۱۷۶، ۲۵۷
کونژده (اصفهان)، ۶۶	کیارس، ۱۷۱	کهپر، ۲۴۸	گشنیز کوهی، ۲۷۷
کونک، ۲۸۵	کینکی، ۲۴۸	کَته (سندی)، ۲۸۲	گل آفتاب پرست، ۳۴
کونکلوس (فرنگی)، ۲۷۳	کَینخرُس، ۱۰۰	کهپون، ۱۲۶	گلایی (شیراز)، ۲۶۱
کونله، ۲۶۴	کیدونی، ۲۶۱	کیهه، ۲۱۳	گل اربه (شیراز)، ۱۰۳
کونهان، ۲۶۳	کید (اصفهان)، ۳۴۸	کَیته، ۲۸۲	گل انار صد برگ، ۱۰۴
کووارات، ۱۳۲	کَیرانس، ۷۳		گل انول، ۱۸۲
کوهان، ۲۶۳	کَیرجک (دیلیم)، ۸۵		گل پر، ۲۴۸
کوهج، ۱۶۲	کَیر کازرونی (شیرازی)، ۱۳۲		گل حلوا، ۷۹
کوهن (بنگال)، ۲۹۲	کَیرکاکول، ۱۸۸	گاو چشم، ۹۰، ۲۱۷	گل خنق، ۴۲
کوهیان، ۲۵۲	کیسر، ۱۶۳	گاو چشم، ۲۸۰	گل خوش نظر، ۲۷۷
کویت، ۲۶۴	کیسرگونه، ۱۰۳	گاو دانه، ۲۵۳	گل خیری، ۱۴۰
کویج (اصفهان)، ۱۶۲	کیسومر، ۱۰۳	گاودر، ۲۹۸	گل رای بیل، ۱۵۲
کهپانا، ۲۲۳	کیطروناکوس، ۲۳۴	گاورس، ۱۰۰	گل رعنا ی زیبا، ۲۹۴
کهپنا، ۲۲۳	کیکج، ۱۸۶	گاوزبان، ۲۶۸	گل روسیججه، ۲۹۴
کهپرا، ۲۳۴	کیکر، ۱۰۲، ۲۳۷	گاوزوان، ۲۶۸	گل سرخ، ۲۹۴
کهجور، ۸۷، ۹۴	کیکرا، ۲۰۵	گاوشیر، ۱۰۰	گل سرخ صحرائی، ۱۴۶
کَهنزنا، ۲۶۴	کیکرکارس، ۲۳۷	گاوشنگ، ۱۵۶	گل سنگ، ۱۱۷
کَهریاء، ۱۲۷	کیکروبیول، ۶۲	گامطوسک (شیرازی)، ۱۸۷	گل سنگ، ۲۰۰
کَهریاء، ۱۲۷	کیکنز، ۱۰۲	گدلفسی، ۳۵، ۳۱	گل عاشقان (خراسان)، ۱۶۲
کهربیع، ۲۵۳	کَیک واشه، ۲۶۴	گر به دشتی، ۴۳	گل عنبرین، ۲۹۰
کَهرپا، ۲۵۳	کیک ولرش (طبرستان)، ۱۱۸	گردکان، ۱۰۶	گل قبحه، ۲۹۴
کَهرنی، ۲۶۴	کیل، ۱۶۲	گردو هندی (شیرازی)، ۲۸۷	گل قبحه (شیراز)، ۲۹۴
کهزک (شیراز)، ۱۰۲			گل کافشه، ۴۲
که (شیرازی)، ۲۱۳			

### حرف «گ»

گل کاوشه (اصفهان)، ۲۱۰	گوش فیل، ۲۷۳	لالا، ۲۶۵	لبلاب الشجر، ۲۶۶
گل کلم، ۲۵۵	گون، ۲۳۳، ۲۵۱	لال ساک، ۲۱۰	لبلاب الصغیر، ۱۸۵
گل کیدی، ۲۴۸	گیاکو، ۱۷۸	لاله، ۱۸۸	لبلاب الغنم، ۲۶۶
گل کیوره، ۲۴۸	گیاه آبگینه، ۱۱۹	لاله سرنگون، ۲۶۶	لبلاب الکبیر، ۲۴۰
گل گندم، ۱۰۷	گیاه عقرب (مصر)، ۱۹۴	لاله نغمانی، ۲۶۶	لبلاب المجوس، ۱۱۳
گل گندم (شیرازی)، ۱۰۷	گیاهی آبگینه، ۱۱۹	لامی، ۲۶۶	لَبْلَابِ المجوسی، ۲۶۷
گلگون (اصفهان)، ۹۶	گیلاس، ۲۳۴	لانطوفودیون، ۲۶۶	لبلاب بی ثمر، ۲۳۹
گل مشکین، ۲۹۰	گیل دارو، ۱۶۹	لاورس (فرنگی)، ۲۱۸	لبلیس فرسن، ۲۴۳
گلنار، ۱۰۴	گیله نار، ۲۳۴	لاورشیر، ۱۰۰	لبن الحماره، ۱۵۹، ۲۵۰، ۲۶۷
گیلنار، ۲۳۴		لاونطویاطلن، ۲۵۸	
گلنار دشتی، ۱۰۴	<b>حرف «ل»</b>		
گل نرمه (سجزی)، ۱۳۳	لانی، ۶۶	لایچی، ۲۳۲	لبن السودا، ۵۵
گلوسطقا، ۱۹۶	لاباثون، ۱۲۲	لایحل مول (سندی)، ۱۷۹	لَبْنی، ۵۳، ۲۶۷
گل هاشم (شیراز)، ۲۹۹	لایس، ۲۵۲	لباب، ۲۶۶	لبنی، ۲۸۶
گلیسریده (فرنگی)، ۱۸۰	لاتئوریدس، ۱۰۴	لباب القرطم، ۲۶۶	لبنی رومان، ۵۳
گلیم شوی، ۳۴، ۳۵، ۷۴	لاتئوس، ۱۳۶	لَبَازْذَه (لاتینی اندلس)، ۷۷	لبنی رهبان، ۵۳
گل یوسف، ۷۹	لاجوردیه، ۱۹۴	لَبَاشْتَر، ۲۶۶	لبوکا، ۲۷۵
گنجشک ازوان، ۲۶۹	لاحاس، ۵۵	لَبَاصَة (اندلس)، ۱۲۲	لبیانوا، ۲۶۳
گندم، ۱۲۶، ۲۰۰	لاحی، ۷۰	لب النخل، ۹۵	لَتَکُو، ۲۶۷
گندم دیوانه، ۱۹۴	لاخشنه، ۱۸۹	لباله، ۱۰۳	لثوهر مرطیس، ۲۲۲
گندم صحرايي، ۲۳۵	لادن، ۱۹۸، ۲۶۵، ۲۷۳	لبالّه، ۲۸۱	لَجَالُو، ۲۶۷
گندم مکه، ۲۱۳	لادنه، ۲۶۵	لَبَان، ۲۶۳	لحاح (مصر)، ۵۰
گندم مکه (تنکابین)، ۱۳۹	لاذن، ۲۶۵	لَبَان، ۲۷۴	لحام الذهب، ۵۱
گندنا، ۲۵۲	لاذن العنبری، ۲۶۵	لبانه مغربیه (مصر و شام)، ۲۲۴	لحاء الغول، ۱۸۷
گندنا کوهی، ۲۲۴	لاذینون، ۲۶۵	لَبْنَه مغربیه (مصر و شام)، ۲۶۷	لِحَاء الغول، ۲۶۷
گندناي دشتی، ۲۵۲	لاذیون، ۲۶۵	لَبْنَه، ۲۶۶	لحکا، ۲۶۹
گندناي کوهی، ۲۲۴	لاعرین، ۲۶۵	لَبْنَه، ۲۶۶	لحوز (شیرازی)، ۲۸۶
گنده انگژد، ۱۷۳	لاعون، ۲۶۵	لَبْنَه، ۲۶۶	لِحیانی، ۲۶۷
گوزغست، ۲۴۵	لاعیه، ۲۲۴	لَبْسَان، ۱۸۹، ۹۶	لحینس الاکلیه، ۲۶۸
گور گندک، ۱۰۷	لاعیه، ۱۲۱	لَبْسَان، ۱۳۱، ۲۶۶	لحیه الارنب، ۱۰۳
گور گیاه، ۴۳	لاغوبن، ۲۶۵	لَبْلَاب، ۶۰، ۱۲۱، ۱۴۳	لَحْیَة التیس، ۹۹
گوز گندم، ۱۰۷	لاغوبن، ۲۶۵	لَبْلَاب، ۱۸۵، ۲۴۰، ۲۷۱	لَحْیَة التیس، ۱۵۱، ۱۸۸
گوزن تل (جرجان)، ۴۳	لاغوبن، ۲۶۵	لَبْلَاب، ۲۶۶	۲۰۱، ۲۶۷، ۲۹۹
گوزن گیاه، ۲۶۴	لاغوبن، ۲۶۵	لَبْلَاب اعنم، ۲۶۶	لَحْیَة التیس، ۲۶۷
گوزن گیاه (مازندران و دامغان)، ۲۶۴	لاغوبن، ۲۶۵	لَبْلَاب الأعرش، ۶۰	لَحْیَة الْجَمَل، ۲۵۷
گوزنیک، ۲۶۴	لاقلیشت، ۳۷	لَبْلَاب الأعرش، ۲۶۷	لحیه الحمار، ۷۶
	لاقوره، ۱۴۰	لَبْلَاب الْجَعْد، ۲۶۶	لحیه العنز، ۱۵۱
	لاک ساک، ۱۴۳	لَبْلَاب الحقیقی، ۲۶۶	لحیه القنلیه، ۱۰۳
			لحیه امسون، ۵۵

لُخ، ۷۵	لسان الطیر، ۸۴	لُغَبه، ۲۷۰	لُثْقَوْدِنوی، ۲۵۲
لُخْتِرواله (لاتینی)، ۲۱۹	لسان العصافیر، ۱۹۹	لعبه البربریه، ۲۱۲	لویادون، ۱۹۳
لختیره، ۱۵۵	لسان العصافیر، ۲۶۹	لعبه البربریه (عراق)، ۱۷۹	لویانه المغربیه (مصر)، ۲۲۴
لخنس، ۱۳۲، ۱۴۰	لسان العصفور، ۶۶، ۸۸	لُغَبه بَزَیْری، ۲۷۰	لُویانَه (مصر)، ۵۵
لُخْنِس، ۲۶۸	۲۶۹	لعبه مطلقه، ۲۷۰	لویا، ۱۳۴، ۲۷۱
لُخْنِس اغریا، ۲۶۸	لسان الفرس، ۶۷	لعل معبری، ۲۴۷	لویا الایض، ۲۷۱
لُخْنِس الاکلیله، ۲۶۸	لسان الفرس، ۲۵۲	لُغَس، ۴۱	لویانیة (اشییل)، ۴۶
لخنس الاکلیه، ۱۴۰	لسان الفرس، ۲۸۰	لُفاح، ۲۷۰	لویای سفید، ۵۴
لخنس الأکلیلیه، ۲۶۸	لسان الکلب، ۲۶۹	لُفاح، ۳۰۰	لویای هندی، ۱۴۷
لخنس أغریا، ۲۶۸	لسباراغوس، ۲۹۷	لفاح الجن، ۲۷۰	لوخنس اغریا، ۶۶
لخنس بستانی، ۲۶۸	لستوری، ۲۵۰	لفاح الهندی، ۲۷۰	لورقی، ۲۹۰
لخوخ الماء (اندلس)، ۲۷۲	لسعة (تونس و آفریقا)، ۶۸	لفاح بری، ۲۸۳، ۳۰۰	لورونیا، ۲۷۴
لخنس، ۱۶۸، ۳۰۱	لسوالسومر، ۲۴۳	لُفاح (شام)، ۱۴۵، ۱۹۰	لوره (لاتینی)، ۱۴۹
لدان (فرنگی)، ۲۶۵	لسوده، ۱۶۷	لُفَت، ۱۸۹	لوز، ۲۷۱
لدیقه، ۶۷	لسورسطس، ۱۳۶	لَفَت الْأَخْمَرِ الْمُدَوَّر، ۱۸۹	لوز البربر، ۱۰۵، ۲۷۱، ۲۷۲
لذار، ۲۶۶	لسیعه، ۶۸	لَفَت الْبَلَدِی (فاس)، ۱۸۹	لوز الحلو، ۲۷۱
لرکیماس، ۱۶۳	لشانامرا، ۲۶۹	لِفَت الْجَنِّ، ۲۷۳	لوز القُرّ، ۲۷۱
لِزاق الذهب، ۵۱	لشان ثورا، ۲۶۸	لَفَت الْمُحْفُور، ۱۸۹	لوز المر (انطالیا)، ۲۷۲
لِزاق الذهب، ۵۱	لشان صفراء، ۲۶۹	لَفَت بری، ۱۰۲، ۲۰۴، ۲۶۶	لوز بری، ۲۷۲
لِزاق الذهب، ۲۹۵	لَصَف، ۲۵۰	لَفَت مدور، ۱۸۹	لوز حلو، ۲۷۱
لِزاق الرخام، ۸۶	لَصِف (اندلس)، ۱۱۴	لَقَش، ۲۷۰	لوزدمیرا، ۲۷۱
لِزْمُوش، ۱۹۵	لَصَف (اندلس)، ۱۱۴	لَقِیدیون، ۱۹۳	لوزمرّ، ۲۷۱
لسان، ۲۵۲	لَصَق، ۳۳	لَقْم القاضی، ۱۰۸	لوسطیون، ۱۵۸
لِسان الایل، ۲۶۸	لَصَق، ۲۵۲	لُکْ، ۱۷۸	لوسوس، ۲۸۶
لسان الایل، ۶۰	لِضَق، ۲۷۰	لُک، ۲۷۰	لوسیماخیاس، ۱۶۸
لسان الایل، ۶۰	لصیف، ۱۱۴، ۱۵۶، ۲۷۰	لُک، ۲۷۰	لُوسِیماخِیُوس، ۲۷۲
لِسان الایل، ۲۶۸	لصیفی، ۳۳، ۲۷۰	لُکاع، ۲۷۱	لوسیماخِیُوس، ۲۷۲
لسان الثور، ۱۳۸، ۲۵۲	لصیقاء، ۳۳، ۲۵۲	لُکاعه، ۲۷۱	لوطس، ۲۹۱
۲۸۰، ۲۶۹	لَصِیقِی، ۲۷۰	لکونا (تنکابن)، ۲۶۶	لوطس اغریوس، ۲۹۱
لسان الثور، ۲۶۸	لطرنه، ۲۵۱	لکونس (لاتین)، ۲۶۵	لوطس طوماغا، ۲۹۱
لسان الجمل، ۲۶۹	لطوس، ۲۸۶	لما، ۲۱۴	لوطوس، ۸۰، ۱۲۵، ۲۷۲
لسان الحمل، ۱۱۹، ۱۳۱	لطین، ۹۶	لَمْ لَمْ (برنیق)، ۲۷۱	لوطوس اغریوس، ۱۲۵
۲۰۵، ۲۶۹، ۲۷۰	لطیئ اُرِشْمِیْسَه (اندلس)، ۴۷	لُجْرویلَه، ۲۷۱	لوطوس اُغْرِیُوس، ۱۲۶
لسان الحَمَل، ۲۶۹	لُعاب القتیل، ۵۵	لُخِیطُس، ۲۷۱	۱۵۰
لسان الحمل الکبیر، ۳۳	لعاس، ۲۴۳	لُخِیطُس، ۱۲۰، ۲۷۱	لوطوس سکرار (لاتین)، ۱۲۵
لسان الحمل صغیر، ۲۶۹	لعبت بربری، ۱۷۹، ۲۷۰	لُخِیطُس آخر، ۱۵۷	لوعجیدیطوس، ۲۷۳
لسان الحمل کبیر، ۲۶۹	لعبه، ۲۷۰	لنخیطُس آخر، ۲۷۱	لوعس، ۴۱
لسان السُتْع، ۲۶۹			

لوغیوس، ۴۱	لوقیقشی، ۷۱	لُیژوئن، ۱۸۱	ماذریوس، ۲۶۰
لوف، ۱۳۰، ۲۳۰، ۲۷۳	لوقیمو بذاس، ۱۵۵	لیطفورس، ۳۵	ماراقونا، ۱۵۷
لوف، ۲۴۶، ۲۷۴	لوقیموس، ۵۸	لیغه، ۲۷۴	مارثون، ۱۵۲، ۷۸
لوفاعسقی، ۲۳۰	لوقیون، ۱۲۰، ۲۳۱، ۲۷۱	لیف، ۲۷۴	مارثون، ۱۵۳
لوف الارقط، ۲۷۳	لوقیون، ۱۲۰	لیف البحر، ۲۷۴، ۵۹	مارثون آغریون، ۱۵۳
لوف البَط، ۲۷۳	لوقیان، ۱۴۰	لیفستیقون ساسالی، ۲۴۸	مارجوبه، ۲۹۷
لوف الجعد، ۲۳۰، ۲۷۳	لوکا، ۷۱	لیفطیغون، ۲۴۸	مارجوبه، ۲۹۷، ۹۲
لوف الجعد، ۲۷۳	لوکرون، ۱۴۰	لیفیه، ۲۷۴	ماردارو، ۲۲۲
لوف الجعد اسخن، ۲۷۳	لوماین، ۲۰۵	لیقُسْطیقون، ۲۴۸	مار درخت (کرمان)، ۹۶
لوف الحیه، ۲۳۰	لونک، ۲۳۸، ۸۳	لیقیه، ۲۷۴	مارسیسقاء، ۳۹
لوف الحیّه، ۲۳۱	لونکهل، ۲۳۸	لیلنج، ۲۹۲	مارش، ۱۰۳
لوف الحیه، ۲۷۳	لَوَنگ، ۲۳۸	لیم، ۴۰	مارکیا، ۲۹۷
لوف الحیّه، ۱۸۶	لونیا، ۸۳	لیمو، ۱۰۴، ۲۷۴	ماز کُیْوا، ۲۷۵
لوف الحیّه، ۲۷۳	لونی، ۸۳	لیمودار، ۲۹۵	مارکیوا، ۲۸۸
لوف السُبْط، ۲۷۳	لویسطیقون، ۲۴۸	لیمون، ۴۰، ۲۴۲، ۲۷۴	مارکیا، ۲۷۵
لوف السبْط (اندلس)، ۲۷۳	لهسن، ۹۸	لیمونیون، ۲۷۴	مارمورد، ۳۶
لوف الصغیر، ۲۷۳	لهولوقوغزاتیس، ۲۷۴	لیمونیه ماله (فرنگی)، ۴۰	مارن، ۱۱۳
لوف العقد، ۲۳۰	لیان، ۱۹۸	لیناری (رومانی)، ۲۵۱	مارنه، ۹۹
لوف الکبیر، ۳۴، ۱۰۶، ۱۸۶	لیانئون، ۲۶۳	لیئس بُرمون، ۲۵۱	مارون، ۲۷۵، ۲۷۹
لوفای فاخر، ۲۴۶	لیاء، ۲۷۱	لیئس فرمون، ۲۵۱	ماروَن، ۲۷۹
لوفای کبیر، ۲۴۶	لیباطیش، ۵۹	لیئش، ۲۷۷	ماریقون، ۱۹۱
لوفطیون، ۲۶۰	لیبانس، ۲۶۶، ۲۷۴	لینوزسطس، ۱۳۶	ماریون، ۲۸۰
لوفقطوش، ۱۳۹	لیبانو، ۲۷۴	لینوزسْطیس، ۱۲۱	مازر، ۱۵۹
لوف کبیر، ۲۷۳	لیبانوطس، ۲۷۴	لینوسطو، ۸۵	مازر (نبطی)، ۲۷۵
لوفو سقردین، ۹۸	لیبانوفیلس، ۲۶۶	لینوفر، ۲۹۲	مازرو (مغرب)، ۱۴۹
لوفینیقی، ۷۱	لییدیون، ۱۹۳	لینوفر هندی، ۶۸	مازریون، ۴۶، ۵۱، ۵۴، ۵۵
لوفیون، ۱۲۰، ۲۶۱	لیینوطس، ۱۸۶		۱۲۸، ۱۴۹، ۲۵۵، ۲۶۱
لوقا، ۱۲۷	لییدیون، ۱۹۳		۲۷۵، ۲۷۷، ۲۹۸، ۳۰۰
لوقابا، ۱۴۰	لییدیون، ۱۱۵		مازریون سفید، ۲۷۵
لوقابس، ۱۴۰	لیئسْفَرْمُن، ۲۴۳	مائده، ۲۵۴	مازریون سیاه، ۴۶، ۱۲۸
لوقاس، ۱۳۳، ۲۶۸، ۲۷۴	لیتوقس، ۱۳۳	مائله، ۲۰۴	مازن شیر (بخاری)، ۲۱۱
لوقاس الجبلیه، ۱۳۳	لیتوقه کنیانه، ۱۳۳	مااستواچچکی، ۲۵۰	مازو، ۱۵۴، ۲۱۱
لوقاقائثا، ۲۷۴	لیثانوس، ۲۷۴	مابرونه، ۱۶۴	مازوی ریزه دانه کوهی، ۱۷۵
لوقاقانسی، ۷۱	لیثورسطس، ۱۲۱	ماثرون، ۱۵۲	
لوقاین، ۱۴۰، ۲۷۴	لیخونن، ۱۹۴	مادروپتیم (لاتین)، ۲۲۴	ماسفرم، ۲۷۵
لوقبسوس، ۳۷	لیذون، ۲۶۵	مادله، ۹۹	ماسقدون، ۲۷۵
لُوقْبسون، ۳۸	لیرون، ۲۷۴، ۵۰	مادیون، ۲۸۷	ماسقود، ۲۷۵
لوقیدس، ۱۵۵	لیرون (مغرب)، ۸۷	ماذر درخت (کرمان)، ۹۶	ماش، ۵۸، ۱۳۷، ۲۷۵

## حرف «م»

ماش دارو (شیراز)، ۲۶۱	مامون، ۱۱۰	متن هنک فار، ۱۲۱	مدارا، ۲۰۹
ماش دارو (شیرازی)، ۲۶۱	مامهستان، ۱۶۶	مُثَلَّث، ۲۰۱	مَذْبَقَة، ۵۴
ماش هندی، ۲۵۹	مامیثا، ۶۷	مُثَلَّث، ۲۴۷	مَذْرَهَمُ الْوَرَق، ۵۹
ماش هندی (عراق)، ۱۱۲	مامیثا (نبطی)، ۲۷۶	مُثَلَّث حجم، ۱۶۳	مدرَة البه (فرنگی)، ۲۶۶
ماشیا، ۴۴	مامیثای سرخ، ۴۴	مُثَان، ۲۷۵، ۲۵۵، ۹۷	مدقوش، ۲۷۹
ماطرُ شَالِبَة (لاتینی)، ۷۵	مامیران، ۱۴۲، ۱۶۱، ۲۰۸	مُثَان، ۲۷۷	مدلوك، ۸۸، ۲۵۹
ماطر شِلْبَة، ۱۶۰	۲۷۶، ۲۱۶	مُثَان آخر، ۲۷۷	مدلوكه، ۲۷۳
ماطوفیون، ۲۴۶	مامیر (قبطی)، ۲۷۱	مُثَنی، ۲۹۰	مدهوق، ۱۸۰
ماغره، ۸۰	ماتنه، ۱۱۳	مُجَّ، ۱۳۷	مدیکه (فاس)، ۴۹
ماغره الاسود، ۱۵۰	مَائْتَه (لاتینی)، ۱۸۲	مُج، ۲۷۵	مُذْهَب، ۶۱
ماقر، ۱۴۲، ۱۹۹	مسانداری تلخ (شیراز)، ۲۶۰	مُجاج، ۲۷۵	مُذْهَب الْكَلْب، ۶۰
ماقوق، ۲۴۲	ماوش أوطا، ۳۴	مُجتری، ۵۶	مُز، ۲۷۷
مالاشرن، ۱۶۷	ماه فرقین (مغرب)، ۱۰۱	مُجته، ۲۳۰	مرا، ۲۷۸
مالاشرن، ۱۶۶	ماه فروین (مغرب)، ۱۰۱	مُجَزَّع، ۱۴۰	مراتیا، ۲۹۹
مالایترون، ۱۶۶	ماهلو (شیرازی)، ۱۲۴	مُجَنَح، ۲۷۷	مرادکبار، ۲۷۷
مالایترون، ۱۶۶	ماهوداته، ۲۷۶	مُجَنَّن، ۲۴۹	مُزار، ۵۹، ۲۹۸
مَائِبَه، ۱۲۹	ماهُو بذاته، ۲۷۶	مُجنون، ۱۲۵	مُزار، ۲۷۸
مَائِبَه اوراطه، ۱۲۹	ماهودانه، ۱۱۳، ۱۴۷، ۲۷۶	مُجنون (شام)، ۱۰۵	مُزار الصحراء، ۱۲۶
مَائِبَه بَسْكَه، ۱۲۹	۳۰۰	مُحاجم (اندلس)، ۲۷۷	مرار الصخر، ۱۲۶
مَائِبَه مِلُوخه، ۱۲۹	ماهودانه (مغرب و اندلس)، ۱۱۳	محروث، ۵۰، ۶۵، ۱۲۱	مرارت فیلا، ۱۲۰
مالثرون، ۱۵۲	ماهورمورد، ۳۶	محروث، ۶۵، ۵۰	مرارة الفیل، ۲۳۱
مالسوفلن، ۷۱	ماهودیدانه، ۲۷۶	مُحَسَّنة، ۱۸۷	مراس، ۹۷
مَالْكَنْكَنی، ۲۷۶	ماهوئ دانه، ۲۷۶	مُخْفِیرَة (اندلس)، ۵۱	مراطولس، ۲۴۹
مالیا، ۱۴۴، ۲۷۸	ماهی زهرج (شام و عراق)، ۹۰	مُحَلَّب، ۴۳	مُزافروط، ۲۷۸
مَائِبَه، ۱۶۰، ۱۶۳	میدکه ماله (فرنگی)، ۴۰	مُحَلَّب، ۱۱۲	مران، ۱۶۰، ۱۷۱
مالیا، ۲۷۶	مت، ۱۷۱	مُحَلَّب، ۲۱۶	مُزان، ۱۶۳، ۲۷۸
مالیبیون، ۱۳۰	متر، ۲۵۳	مُحلولة، ۶۲	مُزان، ۲۰۰
مالیسوقْلَن، ۷۱	مترسات، ۱۲۹	مُحموده، ۱۷۳	مرانیه، ۲۹۹
مالیسوقْلَن، ۲۸۰	متر کابلی، ۱۳۷	مُخاطة، ۱۴۲، ۱۶۷	مراوح الجَن، ۲۹۲
مالیطا (لاتینی)، ۲۸۰	مترک کازرونی (شیرازی)، ۱۱۷	مُخبر (فاس)، ۴۹	مریح، ۲۸۰
مالیطانا، ۷۱	متنک، ۳۹	مُخرج الريح، ۱۷۳	میرثش، ۳۶
مالیلوطس، ۵۹	متنک، ۳۹	مُخلب العقارب الأبيض، ۴۷	مُزْتَه (لاتینی)، ۳۶
مالیلوطوس، ۵۹	متنک، ۳۹	مُخلصه، ۱۱۱	مرتینی، ۹۶
مالیشیون، ۱۹۲	متنک، ۳۹	مُخْلَصَه، ۲۷۷	مُزْتیه، ۳۶
مالیون، ۵۱	متنک، ۳۹	مُخْلَصَة، ۱۰۷	مُزْتَان (لاتینی)، ۳۶
ماما، ۲۷۵	متنک، ۳۹	مُخنخ (بلخ)، ۸۴	مرج، ۲۲۷
ماماقولا، ۱۰۶	متنک، ۳۹	مُخیطا، ۴۳	مرجان، ۷۹
مامور، ۱۱۰	متنک، ۳۹	مُخیطا، ۱۶۷	مرجان مروارید خرد، ۷۹

مرج (سغدیه)، ۲۲۷	مرسیفا، ۷۶	مروبری، ۲۸۰	مریق، ۵۷
مرجومک، ۲۰۷	مرسینا آغریا، ۳۶	مرو تلخ، ۲۸۰	مُریق، ۱۷۰
مرچ، ۲۲۷	مَرْسِیْسُ اَیْمَارُس، ۳۶	مرو تلخ (شیرازی)، ۲۸۰	مُریق، ۲۱۰
مرچائی، ۱۱۳	مرسینس اَیْمَاروس، ۳۱	مرو جبلی، ۲۷۹	مَرْیَمْدَهون، ۱۷۸
مَرْخ، ۱۷۴، ۲۵۹، ۲۷۸	۳۶	مرو خوش، ۲۷۹	مریوت (فاس)، ۲۲۴
مرخ، ۲۱۱	مرسینوس، ۳۶	مرو دشتی، ۲۹۸	مَرْوَه، ۲۸۰
مرخوش (شیرازی)، ۲۸۰	مرسینی، ۳۱، ۳۵	مرو دقیق، ۱۶۳	مَرْوَه الاسود، ۲۸۰
مَرْخَه، ۲۰۲	مرطنه، ۹۹	مرو رشک (شیرازی)، ۲۸۰	مَرْوَه ابیض، ۲۸۰
مرداراجبی، ۲۱۵	مَرْطَنَه، ۱۴۸	مرو ر (فاس)، ۲۲۴	مَرْوَه الابیض، ۲۸۰
مرداودوش، ۱۱۳	مرطولست، ۲۷۹	مروریه، ۲۸۰	مری، ۱۸۰
مَرْدایانچ، ۳۶	مرغ زفانک، ۲۶۹	مروریه، ۲۸۰	مزابله، ۲۱۴
مرددوش، ۱۱۳	مرفوران، ۲۰۹	مروزشک، ۲۸۰	مزج، ۲۷۱
مرددوش، ۲۷۹	مرقد، ۱۰۹	مروس، ۲۵۲	مزقل الصقار، ۴۹
مرددوش البری، ۱۹۵	مرقِد، ۲۷۹	مروسرز (شیرازی)، ۷۲	مَزمَار الراعی، ۳۳، ۶۴
مَرْدَدُوش (اندلس)، ۲۷۹	مرقیره، ۱۸۷	مرو سفید، ۱۶۳، ۲۸۰	۲۱۰، ۲۸۱
مردقوش، ۲۷۹	مرماحور، ۹۱	مروسیا، ۴۴	مزوبه، ۲۳۷
مَرْدَقُوش، ۲۷۹	مَرْماحور، ۲۷۹	مروسیون، ۲۳۲	مزوده، ۲۰۷
مردوش، ۳۴	مرماحوز، ۲۷۹	مروش، ۳۴	مژر (اصفهان)، ۱۸۰
مَرْذَکَی، ۲۷۸	مرماخور، ۲۷۵	مروش آقطی، ۳۴	مسافق، ۲۸۱
میرز، ۱۵۰	مرمار، ۱۵۸	مروشه (اندلس)، ۲۰۷	مَسْتار (زابل)، ۵۶
مرز، ۲۴۷	مَرمازاد، ۲۷۹	مرولیه، ۱۳۳	مست رو (شیرازی)، ۲۷۵
مرزجوش، ۳۴	مرماطوس، ۲۸۰	مروه، ۵۶	مُسْت (زابل)، ۱۷۱
مَرْزُجون (لاتینی)، ۲۱۰	مرماهان، ۲۸۰	مرو همیشه بهار، ۲۷۹	مستساققل، ۱۴۸
مرزنجوش، ۳۴، ۶۶، ۱۱۳	مرماهوز، ۲۷۹	مروی مشتهی، ۲۸۰	مستعجل، ۸۹
۱۶۰، ۲۸۸	مرماهوس، ۲۸۰	مَرْوِیَه بُنْتوُشَه (لاتینی)، ۸۷	مستعجله، ۸۹
مَرْزَنجُوش، ۱۵۹	مرماهویه، ۲۸۰	۱۷۹، ۲۲۴	مُسْتَعْجَلَه، ۲۰۷، ۲۸۱
مَرْزَنجُوش، ۲۷۹	مِرْمَلاط، ۲۷۹	مَرْوِیَه یلبوسه (لاتینی)، ۸۷	مسد، ۹۳
مرزنگوش، ۳۴، ۲۷۹	مرمیخا (سغدی)، ۲۷۹	مَرْوِیَه الأبیض، ۲۲۴	مَسَد، ۱۵۷
مرزه، ۱۸۷، ۱۹۵	مَرْناغر، ۱۰۲	حرة الطوفان، ۲۰۲	مس غات، ۲۸۱
مَرْزیر (مصر)، ۲۷۸	مرناغر، ۲۸۰	مریافلن، ۱۱۰، ۲۸۰	مسقط الأجنة، ۶۸
مرس، ۲۷۹	مرو، ۵۲، ۹۱، ۱۲۷، ۱۴۲	مَرْیَافْلَن، ۱۱۷	مستقینون، ۴۱
مرسالیمارس، ۳۱، ۳۵	۲۸۰، ۲۶۸، ۲۷۴، ۲۸۰	مریافلن، ۱۵۱	مسک الارض، ۱۰۳، ۲۸۱
مَرْسَطُس نبطی، ۲۷۹	مَرْو، ۲۸۰	مریافلون، ۲۸۰	مِسْک البَجَن، ۱۰۳، ۱۹۰
مرسلون، ۱۴۱	مروازاد، ۲۷۹	مریافلون آخر، ۲۸۰	مسک الجن (اندلس)، ۲۸۱
مرسلیطس، ۳۰۰	مرو اسود، ۲۸۰	مریث، ۸۰	مسک الرمان، ۲۸۸
مرسنین، ۳۱، ۳۵	مرو الاسود، ۲۸۰	مریخ، ۲۸۰	مسک القروذ، ۵۲
مرسیا اغریا، ۳۶	مرو العراض، ۲۲۱	مَرْیَراء، ۱۶۴، ۱۹۴	مُسْکَنَه، ۲۸۰
مرسیسا اغریا، ۳۶	مروانا، ۲۷۹	مَرْیَش، ۱۴۰	مسک جُده، ۲۸۱

مسک طرامسبع، ۲۲۹	مشک داش (تنکابن)، ۱۹۰	مصفی الرعاة (مغرب)، ۸۶	مقاتل الراعی، ۶۰
مِسْکِیة، ۱۲۵	مِشْکِرَامَشِیع (نبطی)، ۲۸۱	مض، ۱۵۸	مقاتل الرعاة، ۶۰
مِسْکِیة، ۱۵۵	مشک زمین، ۱۷۱	مض، ۲۸۳	مقاتل المَرعی، ۱۵۱
مَسْمَقَار، ۱۶۱	مشکطرامشیر، ۵۴، ۲۲۱	مُضِیء البساتین، ۷۹	مفَرَح، ۲۶۸
مسمقاره، ۱۶۰	مشکطرامشیر (نبطی)، ۲۸۱	مُطَبَّعَة، ۵۴	مُفَرِّح، ۲۶۸
مسمقران، ۱۶۰	مشکطرامشیع، ۱۱۳، ۲۲۹	مطخشاله (اندلس)، ۲۶۶	مفَرَح القلب، ۷۱
مَسْمَقَرَان، ۱۶۱	۲۹۹	مُطَر، ۱۵۰	مُفَرِّح قلب المحزون، ۷۱
مسمقوره (عجمی اندلس)، ۱۶۰	مشکطرامشیع زور، ۲۸۱	مُطَر (اندلس)، ۴۹	۱۱۳، ۲۸۳
مسمقوره، ۱۶۰	مشکطرامشیع کاذب، ۲۸۱	مطردیه (عجمیت اندلس)، ۲۴۲	مُفَصِّحَة، ۴۸
مَسْنَالَه (لاتینی)، ۶۴	مشکک، ۱۷۱	مطرقال، ۹۸، ۲۶۶، ۲۸۲	مُفَلِّق، ۱۳۹
مسواک الراعی، ۱۹۳، ۲۸۱	مشکک (شیراز)، ۱۹۴	مَطَرَقَال (اندلس)، ۹۸	مقارجه، ۱۴۸
مسواک العباس، ۲۸۱، ۲۹۱	مشکین جه (اصفهان)، ۲۹۰	مطرقال (اندلس)، ۱۸۹	مقارجه (اندلس)، ۹۰
مسواک القروذ، ۵۲	مشماش (مغرب)، ۲۸۲	مطرقان، ۹۸	مَقَارِجَة (لاتینی - اندلس)، ۷۰
مسواک القیاد، ۲۳۳	میشوش، ۲۸۲	مطرونیه، ۱۰۶	مقامح ابلیس، ۲۵۲
مسواک المسیح، ۲۳۳، ۲۹۲	مشمش (مغرب و اندلس)، ۷۶	مَطَرُونِیَه (لاتینی)، ۲۳۱	مقد، ۵۷
مَسُور، ۲۰۷	مشنگ گای، ۲۵۳	مظ، ۱۰۴	مقدونس، ۲۰۲، ۲۵۳
مسی، ۳۶	مشو (شیراز)، ۸۹	مَظ، ۱۰۴، ۱۷۴، ۲۸۳	مقدونیس، ۲۵۳
مسیخا، ۱۸۱	مشی، ۲۹۰	مظلل الحمام، ۱۵۶	مقر، ۱۲۰
مشا، ۲۸۱	مشیشتر و (فاس)، ۲۲۹	معد، ۷۲	مقر، ۱۹۵
مَشْبِلَیْن، ۱۶۲	مُصَاص، ۹۷	مُغَطَّس، ۱۷۲، ۲۱۶	مقرجالة، ۵۸
مشتان، ۲۸۱	مُصَاصه، ۱۱۴	مُعَقَّرَب، ۵۹	مقشلان، ۸۰
مشتجی، ۲۸۲	مصاصة، ۱۳۴	مَعْقَلَاوَس، ۲۷۲	مُثْقَل، ۲۵۶
مشت (شیراز)، ۲۷۵	مُصَاصَة (اندلس)، ۲۶۹	معین، ۲۷۵	مُثَل، ۵۲، ۲۳۸، ۲۸۳
مَشْتَلِیش، ۲۸۲	مصاصة (فاس)، ۲۶۹	مغاث، ۱۵۸	مقلا، ۲۸۳
مشتهی، ۱۶۲، ۶۳	مَض العسل، ۲۸۰	مُغَاث، ۲۸۳	مقل ازرق، ۲۸۳
مشحادیرسا، ۱۸۰	مصباح الروم، ۲۶۴	مغافیر، ۲۸۳	مقل الیهود، ۲۶۴، ۲۸۳
مشحونا، ۱۷۹	مصطخای، ۲۸۲	مغد، ۷۲، ۲۷۰	مقلقل (مغرب)، ۹۵
مشرقی، ۲۵۳	مصطنخی، ۲۸۲	مَغْد، ۲۸۳	مقل مکی، ۲۸۳، ۲۸۴
مشط الذنب، ۲۳۳	مَضْطَکَاء، ۲۸۲	مغدود، ۲۸۳	مقلوب، ۱۱۳
مشط الراعی، ۱۴۸، ۱۴۹	مصطکی، ۲۰۱	مغربی، ۱۳۲	مقلونیا، ۲۸۵
مشط الراعی (مغرب)، ۱۴۹	مَضْطَکِی، ۲۸۲	مَغْزَرَة، ۲۸۳	مقلیانا، ۱۱۵، ۲۸۴
مشط الغول، ۲۸۱	مَضْطَکِی، ۲۸۲	مِغْفَار، ۲۸۳	مقلیانا، ۱۱۵
مَشْطُ الْغُول، ۲۸۱	مصطنجی، ۲۸۲	مُغْفَر، ۲۸۳	مُثْلِیثا، ۱۱۵
مُشْطِیَه (لاتینی)، ۲۴۳	مُصْع، ۶۳	مُغْفَر، ۲۸۳	مقل یهودی، ۲۸۳
مشک، ۱۸۰	مُصْع، ۲۸۲	مغفور الرمث، ۱۵۸	مقیفرون، ۲۶۰
مشک الجن، ۱۹۰	مصغ، ۲۱۷	مغیلان، ۶۲	مقیل، ۳۷
مشک چوپان (فارس)، ۱۹۰			

مَکْثَرُ اللَّبْنِ، ۹۰	ملک (سجزی قدیم)، ۲۸۴	منبهل (سند)، ۱۰۸	مَیْرَة، ۲۸۵
مکثر اللبن، ۲۷۱، ۱۰۴	ملک طلحه، ۲۹۷	مَیْت، ۲۳۰	مَیْکُو (سواحل زنج)، ۳۳
مکرنه، ۹۹	ملمندر، ۸۸	متجوشه، ۱۷۸	مَو، ۹۳
مکنسه الاندر، ۲۷۷	مِلْمَنْدَر، ۸۸	مَتَجُوشَة، ۱۷۸	مو، ۲۸۷، ۲۸۵
مکنسه قرشیه، ۲۷۷	ملوح، ۲۴۲	متن الرائحه، ۲۱۹	مواغُزَن، ۲۸۵
مکوجوا (زنج)، ۹۵	ملوح (شام)، ۲۸۴	مُتَنَة (مصر)، ۲۱۹	موتیه، ۱۵۴
مکوی و مکوی، ۲۱۴	مَلُوخ، ۲۴۲	متوله میوره، ۲۷۵	موجه (اصفهان)، ۲۴۵
مَکْهَازَه، ۲۸۴	مَلُوخ، ۲۴۲	مَتَشی، ۱۱۳	مودیان، ۲۴۹
مکیدش (فاس)، ۵۹	ملوخ، ۲۸۴	مَشور، ۱۴۰، ۱۵۸، ۲۸۵	مَوْرَا، ۹۵
مُکِیْنَسَة (لاتینیو)، ۲۴۶	ملوخ البطریق، ۲۸۴	مَشور (مصر)، ۱۴۰	موران، ۲۸۷
ملاج، ۶۶	مَلُوخی، ۱۲۹، ۲۸۴	مَشی، ۲۹۰	موران، ۲۸۷
مَلْاَجَه اقوانته، ۱۴۳	ملوخیا، ۸۴، ۱۲۹، ۲۸۴	مَشج، ۲۸۵	مورجُون، ۱۵۷
مَلْاَجَه بطره، ۱۴۳	مَلُوخِیَا الشَّجَر، ۱۳۶	منج (بلخ)، ۸۴	مورد، ۳۱، ۳۶
مَلْاَح، ۶۶، ۱۲۳، ۲۴۲، ۲۴۳	ملوخیان بستانی، ۱۲۹	مَشج زَرَاوْشان، ۲۸۵	مورداسپر، ۳۶
۲۸۴	ملوخیه، ۱۲۹	مند، ۱۶۱	مورداسپر، ۱۵۹
ملاج، ۲۴۳	ملوخیه (بلخ)، ۲۸۴	منداغورس، ۳۰۰	مورداسفرم، ۳۶
مَلْاَحی، ۹۶	ملوخیه بری، ۱۳۶	مندبونه، ۲۸۰	مورسقی، ۲۰۲
ملافطون، ۱۲۶	ملوغه، ۱۲۹	مَنْدَرَاغوس، ۲۷۰	مورقا (اندلس)، ۲۸۵
مَلْبَالَه (ثغری)، ۱۳۰	ملوکیه، ۱۲۹	مندغوره، ۳۰۰	موريقا، ۲۰۲
ملبند شدرک، ۸۲	ملوکیه بری، ۱۲۹	مَنْدَه، ۱۱۳	موریقی، ۲۰۲
مَلْبُونَه، ۲۸۶	ملوکیه، ۲۸۴	مَنْ رَاى مِثْلِی، ۲۵۲	موریون، ۳۰۰
مَلْج، ۲۸۳	ملوکیه البحر، ۱۲۹	منره وشک، ۱۸۰	موز، ۲۰۳
ملجاله، ۹۸	ملوکیه البریه، ۱۲۹	مَنْسَانَة، ۹۴	مَوَز، ۲۸۵
مَلْجی، ۱۴۸	مَلُول، ۱۴۰، ۲۷۹	منسانیا، ۹۴	موزق، ۲۸۰
ملجی الایض، ۹۶	مَلُون، ۸۱	منسم، ۲۷۱	موژ (سجزی)، ۱۸۰
ملجی الاسود، ۹۶	ملونیا، ۸۱، ۲۸۵	مَنْسِیَه، ۲۹۸	موس اوطا، ۳۴
ملح، ۲۴۲	ملونیه، ۲۸۵	مَنْسِیَه، ۲۸۵	مَوَسْلِی، ۲۸۶
ملحتفن، ۱۷۹	ملهتی حیتهی مد، ۱۸۰	منشحیا، ۸۹	موسولیون، ۱۴۱
مَلْخُج (زابل)، ۱۸۰	ملیح، ۲۳۲	منشخا، ۸۹	موسیر، ۴۸، ۹۸
ملس (یمین)، ۲۰۷	مَلْیَح، ۲۴۲	مَنْشِیم، ۲۸۵	موشان پیاز، ۴۹
ملطاء، ۱۴۸	ملیسون، ۲۴۶	منظر، ۳۱، ۳۵	موشک (اصفهان)، ۲۵۰
ملطاء، ۲۸۱	ملیونا، ۸۱	مَنْطِیْذَايُون، ۳۶	موفه، ۱۷۱
ملطیرغون، ۲۶۹	ممسک الارواح، ۴۷	مَنْفَتَلَة، ۱۲۹	موقوطس، ۲۲۶
ملفون، ۸۱	مَمْسِیک الأرواح، ۴۷	مَنْفُوخَة، ۱۷۳	موقولن، ۳۰۰
مُلک، ۱۳۷	ممنون البقر، ۴۱	منفوخه، ۲۴۸	موقیطس، ۲۲۶
ملک، ۱۶۲	ممنون، ۲۸۰	مَنْقَسِیم لخمسه اقسام، ۸۹	موکره، ۱۵۴
ملکا، ۵۹	من، ۴۴	منقوسیون، ۱۹۱	موکوطیس، ۲۲۶
مُلک (خراسان)، ۱۰۴	مَنْج (شام)، ۲۷۶	مَنْوَم، ۲۴۹	مُول سَری، ۲۸۶





نارونه خرما (شیراز)، ۹۵	نبات سحری، ۲۰۴	۲۹۰	نُصار، ۲۰۲
ناریل، ۲۸۷	نبات نورا، ۲۵۵	نرجس ایض، ۸۰	نصار، ۲۹۰
نارین بری، ۲۲۸	نَبال (اندلس)، ۱۲۸	نرجس الاصفَر، ۷۶	نطفثا، ۱۳۶
نازیبو، ۱۸۳	نَبسیروله، ۱۵۳	نرجس مسکین، ۲۹۰	نعاقلیس، ۲۱۱
ناز، ۱۹۶	نَبع، ۲۸۹	نرجس مَقوَدَس، ۸۰	نعناع، ۲۹۰
ناشپاتی، ۲۶۱	نَبغ، ۲۸۹	نرجسینوس (لاتینی)، ۸۰	نَعنع، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۹۵
ناطس، ۲۱۳	نَبق، ۱۶۸، ۲۶۹، ۲۸۹	نردین، ۱۶۶	۲۲۹
ناطف، ۲۸۹	نَبقیرس، ۸۰	نرسک، ۲۰۷	نَعنع، ۲۹۰
ناعمة (اندلس)، ۲۶۸ ۶۰	نَبینا، ۲۶۲	نرسیس، ۸۰	نعیج الحبشه، ۱۰۷
ناغبشت، ۲۸۸	نَتهی مائی، ۲۰۲	نَرکسوس، ۸۰	نغرون، ۱۲۶
ناغیست (سندی)، ۲۸۸	نجاله، ۲۹۰	نرکسوس، ۸۰	نغریل، ۹۶
ناغیشت، ۲۸۹	نَجَب، ۱۷۴	نرگس، ۲۹۰ ۶۷	نغزک (تورانی)، ۶۳
ناغیطارس طوماغا، ۶۵	نَجَد، ۵۹	نرنج (فاس)، ۴۰	نغن خوالان، ۲۸۹
ناغیونس، ۲۵۳	نجم، ۴۳، ۹۹، ۱۲۹	نرنسبی، ۶۴	نفاخ، ۱۰۸
نافع، ۷۸، ۱۵۲	نجمه، ۹۹، ۲۱۲	نَرُوک، ۲۹۰	نفل، ۱۵۷
نافوخ، ۱۴۶	نجیر، ۹۹	نزار، ۳۸	نَفلی، ۲۵۳
نافوس، ۱۰۳	نَجیر (لاتینی)، ۹۹	نُرُک (سجزی)، ۲۶۶	نفل، ۲۹۱
ناکرون، ۲۹۷	نجیل، ۹۹، ۲۰۰	نسترن گل، ۲۹۰	نقخارس، ۱۶۵
ناکسیر، ۲۸۹	نَجیل (لاتینی)، ۹۹	نسج، ۲۶۳	نقد، ۲۱۰
ناکفف، ۲۸۸	نحلیة، ۱۵۵	نسرین، ۲۹۰	نقرار، ۹۶
ناککسیر، ۲۸۹	نحوفس، ۴۳	نسرین زرد بری، ۲۹۴	نقل خواجه، ۱۱۱
ناکمترو، ۲۸۸	نحیلک (مازندران)، ۱۲۹	نسرین زرد بستانی، ۲۹۴	نقیب (قدس)، ۲۴۲
ناکیس، ۲۸۸	نخل، ۹۴	نسرین (مغرب)، ۲۹۴	نیکاچونی، ۲۹۱
ناکیسر، ۲۸۸	نخل المقل، ۱۰۹	نسطوس، ۲۴۰	نکدبابوی، ۱۵۹
نالیر، ۲۸۷	نخود، ۱۲۴	نسلیون، ۷۸	نکریز (شیرازی)، ۲۳۶
نامی، ۱۵۹	نخود الوندی (اصفهان)، ۱۶۱	نسمة، ۲۸۰	نل، ۲۴۰
نانخواه، ۲۸۹	نخود دشتی، ۱۲۴	نشاط افزا، ۲۴۵	نلک، ۱۶۲، ۲۹۱
نانخواه، ۲۶۲	نخوشی (شیراز)، ۲۲۲	نَشانسَه (لاتینی)، ۵۶	نلُک، ۱۶۲
نانخواه، ۲۸۹	نَدغ، ۱۹۵	نشرا، ۱۶۹	نمام، ۱۱۳، ۱۸۲، ۲۷۹، ۲۹۱
نانخواه (اندلس)، ۲۲۸	نَدی، ۲۹۵	نَشَقَقَشَن، ۸۹	نمام الملک، ۱۸۲
نانخة، ۲۵۶، ۲۶۲	نَریسی، ۱۰۱	نشک، ۲۰۷	نیم (سند)، ۳۵
نانخة (اندلس)، ۲۸۹	نَرَنیَقَس، ۲۹۰	نَشَم، ۱۰۶، ۱۸۵، ۲۹۰	نمشک، ۲۹۰
نانکش (نیشابور)، ۸۱	نَرَنیَقَس، ۲۴۴	نَشَم الاسود، ۱۲۷	نملول، ۲۴۵
نان کلاغ، ۱۲۹	نَرَنیَقَس، ۲۴۵	نشم الاسود (اندلس)، ۲۷۲	نمیسقن، ۲۵۳
نانوخیه، ۲۸۹	نَرَنیَقَس، ۲۵۹	نَشَم الأَسود (اندلس)، ۱۴۴	ننعا، ۲۹۰
نایزه، ۹۳	نَرَنیَقَس، ۲۵۹	نَشَک (زابل)، ۱۸۳	ننوا، ۲۸۹
نبات ازاد، ۱۰۳	نرجس، ۸۰، ۱۸۱، ۲۰۶	نصی (اندلس)، ۱۳۶	ننوند (شیرازی)، ۱۱۶
نبات الرعد، ۲۶۰		نُصار، ۴۰	ننهی مائین، ۴۰

نیلج، ۱۱۳، ۱۵۹، ۲۱۱، ۲۹۲	وازنیر، ۱۴۷	ورد الحب، ۲۵۰
نوارس، ۲۳۳	واشوه، ۱۲۹	ورد الحب، ۲۵۴
نوارس، ۲۹۱	وافلایا، ۶۵	ورد الحب، ۲۹۴
نواصیر، ۳۰۰	وانسه، ۴۶	ورد الحمار، ۴۶، ۲۹۴
نوجی، ۱۰۷	وانیموروسقلمیوس، ۲۱۸	ورد الحماق، ۲۹۴
نور مطلبیه (فرنگی)، ۱۰۸	واوذاق، ۱۴۷	ورد الحمه، ۲۹۵
نوغان، ۴۶	وايله، ۲۲۵	ورد الحمیر، ۲۲۳
نوفر، ۲۹۲	وتلخ، ۲۹۷	وَرْدُ الْحَمِير (اندلس)، ۲۲۳، ۲۹۵
نوقاقیس، ۲۲۳	وتورلت، ۴۶	ورد الذکر، ۱۰۵
نوکانی، ۱۲۱	وتیرا، ۲۹۴	ورد الزوان (فاس)، ۱۳۶
نونیاس، ۱۸۹	وج، ۵۱	ورد الزوانی (اندلس)، ۱۳۶
نونیناس، ۱۸۹	وج، ۱۶۵	وَرْدُ الزَّوَانِي (اندلس)، ۱۳۶
نُونُفَع، ۱۵۳	وج، ۲۹۳	ورد الزبنة، ۱۲۹
نهشک، ۲۹۰	وجاثلق (کوهستان و لرستان)، ۱۰۳	ورد الزبنة البری، ۱۲۹
نهشل، ۱۰۳	وجد (یمن)، ۲۵۱	ورد الشمس، ۲۹۲
نَهَق، ۷۰، ۱۰۲	وحشی، ۹۶	ورد العجار، ۲۹۴
نهق، ۱۰۲	وحمو (فاس)، ۱۰۲	ورد الفجار، ۲۹۴
نه کوهی، ۲۲۸	وخشیزق، ۲۹۳	ورد الفخصی، ۲۶۵
نَهْمَا (نبطی)، ۲۹۲	وذع، ۲۹۳	ورد المجوس، ۲۹۲
نهنمک (ری)، ۱۴۸	ودود، ۸۶	ورد بری، ۲۹۴
نُهود القینات، ۵۴	ودیفرونس، ۲۴۵	ورد جبلی، ۲۶۵
نی، ۲۴۰	وڈڻن، ۲۶۰	ورد صینی، ۲۹۰
نیاشبرش، ۲۸۲	وربوعن، ۲۴۹	ورد متن، ۲۹۵
نیپال، ۲۴۰	ورحالور، ۲۲۲	ورد موجه، ۲۹۴
نیروفل، ۲۹۲	ورد، ۱۱۹	ورد وفرا، ۱۸۸
نیریون، ۱۴۵	وَرْد، ۲۹۳، ۲۹۴	ورس، ۳۹، ۲۵۵
نیش (فاس)، ۲۸۲	وردا، ۲۹۳	وَرْس، ۲۹۵
نیشق، ۴۱	ورد ابیض بری، ۲۹۴	ورسالیون، ۲۵۳
نیشکر، ۲۴۱	ورد احمر، ۲۹۳	وَرْس غُذْه، ۳۹
نیشوف، ۵۱	ورد احمر بری، ۲۹۴	ورشاء، ۲۹۵
نیشوق، ۴۱	ورد احمر بستانی، ۲۹۴	ورشن، ۲۶۳
نیطاقلی، ۲۹۲	وردادرمانا، ۱۰۴	ورطوری، ۲۹۵
نیفاطوس، ۲۹۲	ورداد صیادی، ۱۴۶	ورق الحنا، ۱۱۳
نیقولا الراهب، ۶۰	ورداد صیاری، ۲۹۴	ورق الخیار، ۲۴۵
نیقولاس، ۹۶، ۱۸۲	ورد اصفر بری، ۲۹۴	ورق بارتنگ (شیراز)، ۲۶۹
نیل، ۱۱۳، ۲۱۱	ورد اصفر بستانی، ۲۹۴	ورق بنگو، ۷۸
نیل البری، ۲۱۱	ورد الانهار، ۲۹۲	ورق زیتون هندی، ۱۹۹
نیل بری، ۱۱۳، ۲۹۲		

## حرف «و»

وریزه، ۹۹	ول، ۲۵۵	هَدَس، ۳۱، ۳۵	هزارجشان، ۲۲۲
وریزک، ۲۹۳	ولان المکی، ۱۲۰	هدل، ۱۲۰	هزار جشان، ۲۹۷
ورینه (تبریز)، ۹۶	وَلَب، ۲۹۵	هذوغورون، ۱۴۳	هزار سفید (شیرازی)، ۱۱۶
وزد، ۲۱۳	ون، ۸۱	هَذِیْلَة (اندلس)، ۲۹۶	هزار شاخه، ۲۲۲
وزق، ۱۴۴	ونا، ۲۵۸	هَذِیْلِیْه، ۱۰۶	هزارفشان، ۲۲۲
وزک (شیراز)، ۲۲۰	ونجهک، ۲۹۶	هراس، ۵۹	هزارکشان، ۲۲۲
وژ، ۲۹۳	وَنَقَازَف، ۴۱	هرانیه، ۲۹۶	هزارگشان، ۲۹۷
وسبطون، ۱۶۵	ونک (شیراز)، ۲۸۱	هرتما، ۱۱۳	هزاره، ۱۰۴
وسریلم (لاتین)، ۱۸۲	وَنُوشَک، ۸۱	هَرَجَان، ۲۸۵	هست چنکهار، ۱۱۸
وسق، ۵۱	ونیره، ۸۱	هرد، ۱۶۳	هُسَک، ۲۱۰
وسمه، ۲۵۱، ۲۹۲	ونیریون، ۸۰	هَرْد، ۲۰۸	هسک آقه، ۲۱۰
وسمه، ۱۳۶، ۲۹۲	وهل (شیراز)، ۲۰۸	هرداد (اصفهان)، ۱۱۸	هسک توم، ۲۱۰
وَسْمَة، ۲۱۱	وئی ایزه، ۲۱۰	هردا (صفاهان)، ۱۱۸	هُسَکْفَر، ۲۱۰
وَسْمَة، ۲۹۲	ویذویک (خوارزم)، ۲۸۶	هرسه (شیراز)، ۲۶۶	هشت دهان، ۱۳۶، ۲۹۷
وَسْمَة الذَّکَر، ۲۱۲	ویطس (لاتینی)، ۴۱	هرشه (شیراز)، ۲۶۶	هشرا، ۱۱۳
وسندی کیه، ۲۸۲	وَيُوْذ (ترمذی)، ۲۶۰	هرطمان، ۲۳۷، ۲۶۳، ۲۹۶	هشقیقل، ۱۸۸
وسیج، ۲۹۵	ویُوْذَه (بخاری)، ۲۶۰	هرقلوس، ۲۹۶	هطاطی، ۲۱۷
وسیل، ۱۸۸		هرقلو، ۳۹	هطی، ۲۱۷
وُشَج، ۵۱	<b>حرف «ه»</b>	هَرَقْلُوس، ۲۹۶	هفت، ۱۵۶
وشج، ۵۱		هرقلوه، ۲۹۶	هفت برج، ۲۷۵
وُشَج، ۲۹۵	هانجه، ۲۸۰	هرقلیون، ۱۸۲	هفت برگ، ۲۷۵
وَشْفَنَگ (سجزی)، ۸۳	هاتورا، ۸۸	هرقولیون، ۱۸۲	هفت بزج، ۲۷۵
وُشَق، ۲۹۵	هازَسَنَکْهَار، ۲۹۶	هرقیلوس، ۲۹۶	هفت پهلو، ۲۶۹
وشک، ۸۱	هازان، ۱۱۳	هَرْم، ۲۰۰	هفت زرده (شیرازی)، ۲۹۰
وشک (اصفهان)، ۲۲۰	هازوما، ۱۱۳	هَرَنُوتُود، ۲۹۷	هلابوروس، ۱۳۰
وشیج، ۹۹	هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶	هرنوه، ۲۹۶	هَلَتی، ۱۷۴
وَشِیج، ۲۹۵	هال، ۲۳۲، ۲۹۶	هرنوة، ۲۲۸	هلدی، ۲۰۸
وَض، ۲۹۳	هال بوا، ۷۰، ۲۹۶	هَرَنُوة، ۲۳۸	هلل (شیرازی)، ۱۲۰
وصف الاسود، ۷۶	هالم، ۱۰۲، ۱۱۵	هَرَوَا، ۲۸۶	هلل مشکک (شیراز)، ۱۲۰
وَطَم، ۲۹۵	هالوک، ۱۱۸	هروره، ۶۸	هلیسفاقوس، ۵۹
وَطَه (سند)، ۱۲۰	هالوک (مصر)، ۶۸، ۲۰۱	هَرَه، ۲۹۶	هلموت، ۱۲۲
وغد، ۷۲، ۸۳	هالوم، ۱۰۲	هریتکه (گیلان)، ۶۵	هلو، ۱۳۹
وَعْد (آفریقا)، ۵۱	هالینوطس، ۵۹	هری سمن، ۹۶	هلهل، ۹۲
وقفنص، ۱۸۳	هاهیرون، ۹۵	هَرِزِن، ۶۸	هلیانسه، ۱۸۳
وَقْل، ۲۸۳	هید، ۱۲۶	هزار بندک، ۲۱۰	هلیقون، ۶۸
وقله، ۲۸۳	هیملیون، ۹۴	هزارپا، ۲۹۰	هلیلج، ۶۸
وقواق، ۲۹۵	هدبات، ۷۰، ۱۰۳، ۱۵۴	هزار جَسان، ۲۱۵	هلیلقی، ۶۸
وکونی کرانیس، ۷۳	۲۵۶، ۲۴۸	هزار جَسان، ۲۲۲	هلیله، ۳۵، ۶۸، ۸۷، ۲۴۹

هلیله زرد، ۶۸	هوزبد، ۶۸	هینگ (سجزی)، ۶۵	یتلاق قرقرون، ۱۷۱
هلیله سیاه، ۶۸	هوزنی، ۸۱	هینگ (سند)، ۱۲۱	یتوع، ۱۰۱، ۱۴۷، ۱۵۷
هلیله کابلی، ۶۸	هوسفون، ۱۶۵	هیوازما، ۲۹۰	۱۸۴، ۱۹۴، ۲۶۷، ۳۰۰
هلیله کایم (لاتین)، ۲۴۹	هوفاریقون، ۶۹، ۱۴۱	هیوز (سوانم)، ۲۰۱	یتوع، ۲۶۵
هلیله موزیک (شیرازی)، ۶۸	۱۵۸، ۱۶۰، ۲۹۸	هیوسقاموس، ۸۸	یتوعات، ۱۶۵، ۱۹۴، ۲۰۹
هلیوس، ۲۹۷	هوفسطیداس، ۲۶۷، ۲۹۹	هیوفارقون، ۱۹۵	۲۲۱، ۲۲۴، ۲۹۵
هلیون، ۱۹۸	هوف طیداس، ۲۶۷	هیوفاریقون، ۳۴، ۶۹، ۸۶	یشون، ۹۳
هلیون، ۲۹۷	هوفسطیطاس، ۲۶۷	۲۸۵، ۲۹۸	یخصص، ۲۵۳
هملو (سند)، ۱۱۶	هوفیلوس، ۱۳۴، ۳۸	هیوفاطاریقون، ۵۴	یخصص، ۲۵۴
همون، ۲۲۲	هوفیوسقردن، ۹۸	هیوفسیطیوس، ۲۷۹	یدختن، ۱۵۷
همیشه بهار، ۳۷	هوم، ۲۹۹	هیوفسطیداس، ۲۶۷	یدقه (لاتینی)، ۱۳۸
همینا، ۲۷۶	هوم‌المجوس، ۲۹۹	هیوفسطیداس، ۲۶۵	یدره، ۱۱۳
هنجمنک (ری)، ۲۴۵	هوم‌الهرایده، ۲۹۹	هیوفسطیداس، ۲۹۹	یدره، ۲۴۰
هنداوانه (تبریزی)، ۸۲	هویعون، ۲۹۹	هیومافطون، ۲۲۴	یدره، ۶۲
هندیبا، ۲۹۷	هیتماره، ۱۱۳		یدقه (اندلس)، ۱۳۸
هندبای بری، ۲۹۸	هیدبوا، ۲۹۶		یرالجم (لاتین)، ۲۶۸
هندبای، ۶۶، ۸۴، ۲۸۰، ۲۹۶	هیده‌نیگره (فرنگی)، ۲۶۶		یراع، ۲۴۰
۲۹۷، ۳۰۱	هیروم، ۴۳	یابزوسیون، ۳۹	یرامع، ۲۹۷
هندبای، ۱۲۰	هیری، ۱۴۰	یاس سفید، ۲۰۵	یربائته، ۶۹
هندبای‌الاجعد، ۱۰۳، ۱۱۹	هیری ارشق، ۱۴۰	یاسمون، ۲۹۹	یربطور الساحلی (اندلس)،
هندبای‌البتسانی، ۲۹۸	هیزارما، ۲۹۰	یاسمین، ۱۰۶، ۱۶۴	۲۷۴
هندبای‌الشامی، ۶۶	هیزارنا، ۲۲۹	یاسمین، ۲۹۹	یربطور الشعراوی (اندلس)،
هندبای‌بری، ۱۳۹، ۲۹۶	هیشر، ۱۱۴	یاسمین البر، ۱۵۹	۲۷۴
۲۹۸، ۳۰۰	هیشر، ۲۹۹	یاسمین بری، ۲۰۵، ۲۴۶	یربطور (مغرب)، ۷۴
هندبای‌شامی، ۲۹۸	هیضمان، ۲۲۳	یاسمین سفید، ۱۵۲	یربطوره، ۲۶۲
هندبای‌(فاس)، ۲۹۷	هیطومون (نبطی)، ۱۳۰	یسروح، ۱۳۳، ۱۵۹، ۲۷۰	یربطوره (لاتینی)، ۷۴
هندبای‌هاشمی، ۲۹۸	هیغیرس، ۲۶۴	۳۰۰	یربطوره (اندلس)، ۶۶
هندوانه، ۸۲	هیقلوس، ۳۹	یتروح الصنم، ۳۰۰	یربطوره (اندلس)، ۲۰۸
هندوانه ابوجهل، ۱۲۶	هیگ، ۱۲۱	ییروح الصنم، ۳۰۰	یربطوره (لاتینی)، ۳۰۰
هنس‌بدی، ۵۳	هیگل، ۲۲۶، ۲۲۷	ییروح الوقاد، ۱۶۸	یربطه، ۱۰۶
هنکفار، ۵۰	هیل، ۷۰، ۲۳۲، ۲۹۶	ییروح الوقاد، ۱۶۸	یربوز، ۱۶۲
هوارغون، ۵۰	هیلاسقون، ۱۵۶	ییروح بری، ۲۷۰	یربوز (مغرب و فاس)، ۸۴
هواسمه (مصر)، ۷۶	هیلانیون، ۱۵۳	ییروح سریانی، ۲۷۰	یربوع، ۴۹
هویر، ۳۹	هیل بوا، ۷۰	ییروح صنمی، ۱۶۸	یربه آسلی (لاتینی)، ۲۰۴
هوجویه، ۴۰	هیلورش، ۱۳۰	ییروحی، ۳۰۰	یربه اشیلی، ۲۰۴
هودیا، ۲۶۰	هیل وهال، ۲۹۶	ییروحی دشینا، ۷۲	یربه اوناله، ۸۰
هوذاسمون، ۲۹۰	هین (سند)، ۱۲۱	ییل، ۴۴	یربه اوناله، ۱۴۵
هوره، ۲۶۰	هینک، ۱۲۱	ییقیه، ۳۰۰	یربه بانکه، ۲۵۷

### حرف «ی»

یَمِشاز، ۱۶۲	یَزَبَه بذلیره، ۱۰۳
یُمَین (اسکندریه)، ۲۱۸	یَزَبَه بُذلییره، ۱۲۰
یناشته دِیورکه، ۱۵۴	یَزَبَه بَطَره، ۲۵۳
ینبر (اندلس)، ۷۲	یربه بطره، ۲۹۱
ینبوت، ۱۰۹، ۱۳۲	یربه دفوفه، ۲۰۵
یَنْبوت، ۱۳۲، ۲۴۷، ۳۰۱	یَزَبَه دی فَوْقَه، ۱۵۹
ینبوت زَنکورج، ۱۳۲	یَزَبَه دی فَوْقَه، ۲۶۶
ینبوتَه، ۱۰۹	یربه شانه، ۳۰۰
ینبوع، ۳۰۰	یربه (شَذ) یره (لاتینی)، ۹۵
یتون، ۹۷، ۱۶۷	یَزَبَه غَلِشکه، ۱۴۴
ینستاله، ۱۵۴	یَزَبَه فَشوشکه، ۴۷
ینستاله، ۱۵۱	یَزَبَه قَرَجِییره (اندلس)، ۲۹۸
یُنَکَه (لاتینی)، ۲۰۹	یربه قرشته، ۱۰۳
یَنَمه، ۲۶۹	یَزَبَه مَوَلَه (اندلس)، ۱۵۶
یوس اقطی، ۱۱۰	یَزَبَه نَقِیْشَه (لاتینی)، ۱۲۱
یوسیمون، ۱۱۳	یَزَبَه دی فَوِیْقَه، ۲۰۵
یونجه، ۱۵۵	یَزَنّا، ۱۲۵
	یَزَنّا (شام)، ۱۲۵
	یریک، ۳۴
	یستهارمک، ۱۷۹
	یش کشکه (اندلس)، ۱۰۶
	یشمه، ۹۴
	یطااس، ۱۳۶
	یعضید، ۸۳، ۱۳۹، ۲۸۰
	۲۹۸، ۳۰۰
	یعضید، ۱۴۳
	یعضید بری، ۱۳۳
	یعضید (مصر)، ۲۹۸
	یَغَر، ۲۰۴
	یَغَمِصا، ۱۵۹
	یقطین، ۹۳، ۱۲۶، ۲۳۷
	یکهان بید، ۱۰۶
	یل شیرین (شیراز)، ۲۰۱
	یَنَم (سجزی)، ۲۱۰
	یلنجوح، ۱۷۹
	یمان (اسکندریه)، ۲۱۸
	یمرو، ۳۰۰
	یمور (شام)، ۸۴



## ضمیمه (۲)

### فهرست نام‌های کهن گیاهان داروئی در زبان های مختلف

(عربی، فارسی، یونانی، لاتینی، رومی، محلی، هندی، سریانی، بربری، ترکی)

برگرفته از کتب زیر:

- مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری)
- اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری)
- حدیقه غسانی (قرن دهم هجری)
- جامع ابن بیطار (قرن هفتم هجری)
- تفسیر کتاب دیسکوریدس (قرن هفتم میلادی)
- عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری)
- صیدنه (قرن پنجم هجری)
- الابنیه (قرن چهارم هجری)
- الحاوی (قرن سوم هجری)



## فهرست نام‌های کهن گیاهان داروئی در زبان‌های مختلف

## ۱ - نام‌های عربی و مغرب

آبنوس، ۳۳	ابن، ۳۸، ۸۹	اذان الفیل، ۲۳۰	ارقان، ۱۰۵
آذان الأرنَب، ۳۳	إِنَّ الأرض، ۳۸	اذان القسیس، ۲۴۷، ۲۷۴	ارقان (مغرب)، ۱۶۶
آذان التیس (اندلس)، ۳۳	ابن أُوَیر، ۳۸	اذان القسیس، ۲۴۷	ارمات، ۴۵
آذان الجداء، ۵۹	ابهل، ۳۹	إذخر، ۴۳	اروبی، ۲۶۵
آذان الجدی (دمشق و شام)، ۳۳	ابهل، ۱۰۵، ۱۴۳	اذخر، ۱۴۸	اروسه، ۳۸
آذان الدب، ۳۳	ابهل هندی، ۳۹	اذخر (فاس)، ۴۳	ازرّة الارض، ۲۹۱
آذان الشاة (اندلس)، ۳۳	ابی الولید، ۱۲۹	اذناب البقر، ۱۵۴	ازریول (فاس)، ۳۴
آذان العنز، ۳۳	ابی ان یموت، ۲۰۴	اذناب الخیل، ۱۵۴، ۲۱۰	ازغب، ۹۶، ۱۳۹
آذان الفار، ۳۳، ۶۳	آئید، ۱۴۳	اذناب الخیل (شام و شرق)، ۲۶۷	آسانثوا (مغرب)، ۲۳۱
آذان الفار البری، ۳۳، ۳۴	ابی رستم، ۱۱۹	أذن الأرنَب، ۱۱۹، ۲۶۹، ۲۸۱	آسانثوا (مغرب)، ۲۴۲
آذان الفار البستانی، ۳۳	ابی مقینة (فاس)، ۲۱۴	اذن الثور، ۲۲۴	اسبط، ۲۷۳
آذان الفار الرومی، ۳۴	ابی یموت، ۱۲۵	أذن الجِمار، ۴۳، ۱۵۵، ۲۲۴	استب، ۴۶
آذان الفار الرومی، ۲۱۸	أُتْرُج، ۳۹، ۱۶۲، ۲۷۴	۲۵۲	استبرق، ۴۶
آذان القسیس، ۳۴	اثاب، ۲۰۲	أذن الشاة (اندلس)، ۲۶۹	اسحارة، ۴۶، ۱۴۰، ۱۸۹
آذان الفیل، ۳۴	أتابه، ۷۶	أذن الفار، ۲۷۹	إسجیل، ۴۶
آزِر (فاس)، ۵۹	أثل، ۴۰، ۱۷۰، ۲۰۲	اذن القسیس، ۲۸۱	اسد الارض، ۴۶، ۱۲۸
آس، ۱۵۹	أثلق، ۴۰	اذن الوطواط، ۲۱۰	۲۷۵
آس البری، ۲۴۹	أجاص، ۴۱، ۱۸۴	أذن غزال، ۲۵۲	اسد العدس، ۴۷
آس البستانی، ۳۶	اجاص اصفر، ۱۸۴	آراک، ۴۳، ۱۶۱، ۲۳۳	إشرار (مغرب)، ۴۷
آس بری، ۲۸۳، ۳۶	اجبُزنی (اسکندریه)، ۲۵۴	ارجاله، ۱۱۷، ۱۲۵، ۲۰۰	اسرون (فاس)، ۴۶
آس بری (اندلس)، ۱۴۰	اجرد، ۱۳۹	ارجان، ۱۶۶	اسفراج (مغرب)، ۲۹۷
آس بستانی، ۱۵۹	احباق، ۷۱	ارجان (مغرب)، ۱۰۵، ۱۶۶	اسفراج (مغرب و اندلس)، ۲۹۷
آس نبطی، ۳۶	احداق المرضی، ۵۷	أرجل الجراد، ۵۸، ۱۶۱	اسفناج، ۲۹۶
آفواه، ۵۲	إخریض، ۴۲، ۲۱۰	أرجوان، ۴۴	اسفغار، ۱۳۳
آکل نفسه، ۳۷	احریضه، ۲۳۶	أرز، ۴۴	اسقوردیون جبلی، ۴۸
آللاء، ۳۷	اخریط، ۱۲۳	أرز، ۱۲۶	اسقوردیون مصری، ۴۸
آلاء، ۳۷	اخشنة، ۱۰۲	ارز، ۱۷۰	آشل، ۴۹، ۱۴۸
آئیس النفس، ۳۷	اخلة الارض، ۱۰۵	أرز الخلیل، ۷۶	اسنام، ۱۴۸
آنفتها، ۹۱	اخیون، ۶۸	أرزَم، ۲۷۷	آشان الذئب، ۵۰، ۸۴
آء، ۳۳	آذَرَک، ۴۲	ارزن هندی، ۱۴۹	اسنان الفار، ۲۵۹
إبالّة، ۶۰	ادقام الغرائق، ۱۲۹	ارزه، ۱۹۶	اسود، ۱۷۳
اباء، ۷۵	اذان الدب، ۲۴۴، ۲۷۰	ارطى، ۳۷، ۴۴	اشبنة آلبه، ۷۲
ابر نجمشک، ۲۲۵	اذان الفار، ۱۱۹	ارطى صغیر، ۱۵۵	اشتوان (مصر)، ۷۹
	اذان الفار حقیقی، ۳۴		

اشیج، ۵۱	اصل اللوف، ۲۳۰	اکل نفسه، ۵۵، ۲۲۴	الفاضل لِنَفْسَاء، ۱۶۰
أَشْج، ۲۹۵	اصل المتک، ۱۸۰	إکلیل الجبل، ۵۹، ۱۹۳	الف دینار، ۱۶۰
إشخیص، ۵۱	اصل التیلوفر هندی، ۲۲۷	إکلیل المَلِک، ۵۹	القسینی، ۲۶۶
اشخیص، ۲۷۵	اصل الوردی، ۱۵۹	الآس، ۳۵	القسینی الکبیر، ۲۶۶
إشراس، ۵۱	اصل امیرباریس، ۳۵	الآثرار، ۶۱	الکور (یمنی)، ۲۸۳
أشراس (مغرب)، ۵۱	اضراس الکلب، ۷۹	إلب، ۶۰	المصافق، ۲۴۷
أشَق، ۵۱، ۲۳۳	اطریشیة، ۲۸۰	البستنی، ۳۴	المُعین، ۲۷۵
أَشَق، ۲۹۵	أظفار الجن، ۵۴	البطن، ۸۰	النافع من الرُّثیلاء، ۲۲۳
اشکریة، ۲۸۰	اعرابی، ۲۷۲	البَّبل، ۱۴۱	النافع من أخلیوس، ۱۴۶
اشکَّه، ۱۴۰	اعتاب السَّراة، ۲۱۷	البهار، ۲۱۷	الوج، ۲۷۷، ۲۹۳
اشکیل، ۲۱۷	اغافت، ۵۴، ۹۰، ۱۵۴	التاجر، ۲۹۲	الهَداية، ۱۵۷
أشنان، ۵۲، ۶۹	اغافت، ۵۴	التاره، ۳۳	ام اربعة و اربعین، ۷۹
اشنان العربی، ۵۲	اغرقونیة، ۲۰۵	التواء بر التواء، ۲۵۷	أم الف ورق، ۶۲
اشنان الفارسی، ۱۲۳	اغلات، ۱۲۱، ۱۴۸، ۲۴۹	الثَّفاء، ۱۱۵	امجلیة، ۶۷
اشنان القصارین، ۱۲۳	افانی، ۱۲۳	الحاج، ۱۲۳	امرود، ۲۶۱
أشنه، ۵۲، ۱۱۸، ۱۹۲	افرنجوشک، ۱۵۹	الحاحی، ۱۲۹، ۱۳۳، ۲۵۶	أَمْطى، ۶۲
اشنه بستانی، ۱۹۲	افریقیة متتهونة، ۲۸۰	الحاذ، ۱۲۳	ام عمر، ۶۲، ۹۶
اصابع الصفَر، ۵۳	افستین، ۷۷، ۳۰، ۱۵۴، ۲۵۸	الخرفاء، ۱۰۴	أم غیلان، ۵۹، ۲۱۷
اصابع العَذاری، ۵۳	افستین البحر، ۱۹۳	الداد، ۱۱۴	أُمُ غیلان، ۶۲
اصابع الفتیات، ۲۲۵	افیون، ۵۷	الدوم، ۲۸۳	أُمُغیلان، ۶۲
اصابع القینات، ۱۱۳	اقاحی، ۹۰، ۱۵۵	الرُّقعة الصَّخریة (اندلس)، ۲۷۱	ام غیلان، ۱۹۱
اصابع اللُّصوص، ۵۳	اقاقیا، ۲۳۷	الرمث، ۱۲۲	أُمُ کلب، ۶۲
اصابع الملک، ۵۹، ۱۶۳	أَقْحوان، ۳۵، ۵۷، ۵۸	الرَّیْمَنَة (اندلس)، ۲۱۹	أُمُ لُج، ۶۲
اصابع هرمس، ۱۷۹، ۵۸۰	اقحوان البری، ۶۴	الرَّزنج، ۲۸۷	املس، ۱۳۹
اصطَرک، ۵۳، ۲۸۶	اقحوان العربی، ۱۵۳	الرَّیج، ۲۷۳	أُمُ وَجَع الکبد، ۶۳
اصطَرک (شام)، ۱۸۶	اقحوان بری، ۵۷	الزَّرَقطونا (فاس)، ۷۸	ام یحیی (شام)، ۱۰۵
اصطفی، ۲۸۶	اقحوان بستانی، ۵۷	الزَّوانی، ۱۳۶	امیره، ۱۱۰
اصف، ۲۵۰	اقراض الملک، ۸۴	السَّرْمَج، ۱۷۰	امیطی، ۶۲
اصل الانجدان خراسانی، ۵۰	اقرع، ۱۳۹	السَّرْمَق، ۱۷۰	انب، ۷۲
اصل الخثی، ۱۳۸	اقطن (یمن)، ۲۷۵	السن، ۱۲۲	أَنبِج، ۶۳
اصل الراسن، ۱۵۳	اکثوث، ۲۵۸	السنة، ۱۲۹	انبج، ۲۸۲
اصل السرح، ۳۰۰	أکرنب البحری، ۱۲۲	السنة العسافیر، ۱۷۸، ۲۶۹	انبوب الراعی، ۶۴
اصل السوس، ۱۸۰	اکرنب الدوری، ۲۵۶	الصانع الصفَر، ۱۸۶	انبوب الملک، ۶۴
اصل السوسن الابیض، ۵۴	اکرنب الرومی، ۲۵۶	الصینی، ۱۲۹	انتله، ۱۰۱
اصل الفلفل، ۲۲۸	اکرنب الشامی، ۲۵۶	الطَّفْرا، ۲۰۴	انجاص (فاس)، ۲۶۱
اصل القصب، ۲۴۰	اکرنب الكرمانی، ۲۵۶	الغسل، ۱۲۹	أَنجَار، ۶۴، ۸۷، ۱۵۷، ۲۹۱
اصل اللفاح، ۲۷۰	اکرنب الهاشمی، ۲۵۶	الف، ۲۲۲	انجار النهری، ۲۷۲، ۲۹۱
			انجدان، ۵۰، ۹۳، ۱۲۱

أفستین البحرى، ٥٦	أشجارّة، ٤٦، ٩٦	أثم، ١٦٥	أنجُدان، ٦٥
أفستین الساحلى (اندلس و	أشخفان، ٤٦	أثاب، ٤٠	انجدان رومى، ١٦٧
مغرب)، ٥٦	أسجل، ١٣٧	أثبة، ٤٠	انجره، ٦٥
أفستین بحرى، ١٩٣	أسد الأرض، ٦٨	أثرار، ٤٠	انجسا الرملی، ١٥٥
أفیون، ١٣٤، ٢٧٩	أسطراغُلُس، ٤٧	أثرار، ٦١	انجسا الساحلى، ١٥٥
أقاقیا، ١٣٢	أسل، ١٧٥	أثل، ٢٩٠، ٢٠٧، ٤٠	انجیده، ٢٢٤
أقحوان، ٣٥، ١٨٦، ٢٣٤	أسل (اندلس)، ٥٠	أج، ١٠٦	انجيلة، ٣٧
أقسوس، ١٨٦	أسليج، ٥٠	أجاص، ٢١٧	اندروت، ٦٦
أقطاف (شام)، ٢٧٥	أسنام، ٥٠	أجاص الأبيض، ١٨٤	أنزروت، ٦٦
أقثا أرابيقي، ١٨٩	أشتر، ٢٠٤، ٢٧٤	أجاص شتوى، ١٦٢	انس الارواح، ٤٧
أكباب، ٢١٦	أشخيص، ٤٧	أجاص كوچك، ٧٦	انظر (دمشق و شام)، ٣٦
أكر البحر، ٥٩	أشق، ٢٣٢	أجرِد، ٤٢	أنف العجل، ٦٦
أكشوث (مغرب، مصر،	أشق الابلّة، ٥٢	أحرّاز (صقالبه)، ١١٦	انفحة، ٢٥٠
أفريقا)، ٢٥٨	أشق (مصر)، ٢٥٩	أحريص، ٤٢	انيت الشعر، ٢٥٧
أكليل الجبلی، ٢٧٤	أشقیل، ٤٩	أخيلة، ٧٩	انيسون البری، ١١٤
أكليل النفساء، ٢٧٤	أشكل، ٢١٣	أداد الوحيد (مغرب)، ٤٧	انيسون بری، ٧٨
أكليلی، ٢٦٨	أشنان القصارين، ٥٢	أدادى (اندلس)، ٢٦٩	إهليلج، ٦٨
الأطی، ٦٠	أشنان داود، ٥٢	إذخير، ٤٣	اهليلج اسود، ٦٨
ألباين، ٦٠	أشنان فارسى، ٥٢	أذتاب البقر، ١٥١	اهليلج اصفر، ٦٨
ألسفاقس، ٦٠	أشنه، ٥٦	أذن الأرنب، ٢٦٩، ٢٧٠	اهليلج چينى، ٦٨
ألسنة العصافير، ١٧٨	أصابع الصفر، ١٨٦، ٢٥٩	أذن الثور،	اهليلج كابلی، ٦٨
ألف دينار، ٦٠	أصابع العذرى، ٥٣	أذن الثور، ٢٥٢، ٢٦٩	اهليلج هندى، ٦٨
ألف ذراع، ٢٩٧	أصابع الفتيات، ٢٢٥	أذن الجدى (اندلس)، ٨٢	ايدع، ١٤٦
ألف ورق، ١١٠	أصابع القينات، ٥٣	أذن الجمار، ٤٣	أباغسالة، ١٨٥
أمارة، ٦١	أصابع هُرمس، ٥٣	أذن الجمار (اندلس)، ٦٨	أبامالك، ١٨٥
أم الشغراء، ٧٥	أصاص، ٥٣	أذن الغزال، ٣٣، ٢٧٠	أبابة، ٣٧
أم دفراء، ٦٢	أصطُرْك، ٥٣	أذن الوطواط، ٤٣	أباؤ، ٣٧
أم غيلان، ٢١٦	أصطفيلين (شام)، ٥٤	أراك، ٢١٦، ٢٤٩	أبرة الراعى، ٣٧
أمليسى، ٢١٣	أضحيان، ٥٤	أربيان (شام)، ٤٤	أبرة الراهب، ٣٧
أنتله بيضاء، ٦٤	أضراس الكلب، ٥٤	أرجل الجراد (لبنان، عراق،	أبيلم، ٣٨
أنتله سوداء، ٦٤	أطاء، ٥٤	شام)، ١٦١	أبلم، ٣٨
أنجار، ١٥٧	أطباء الكلّبه، ١٦٧	أرجونية، ٢٨٥	أبلم، ٢٨٣
أنجار (اندلس)، ٦٤	أطرمالة، ٥٤	أرز، ١٩٧	أبلمة، ٣٨
أنجار رومى، ٦٥	أظفار القُط، ١٨٥	أرز، ٢٤٧	أبوشاد، ١٨٩
أنجيلة، ٣٨	أغيلان، ٦٢	أرنبى، ٢٦٥	أبهل، ١٤٩
أنس النفس، ٦٦	أفانى، ٥٥	أزاز، ٥٣	أبيد، ٣٩
أنف العجل، ٦٧	أفثيمون، ١٦٧	أزرارى، ٩٧	أبى مالك (مغرب)، ١٨٥
أوطمى، ٦٩	أفستين، ١٣٠، ١٩٣	أستن، ٤٦	أترجى الرائحة، ٧١

أهليلجات، ۶۸	باقلی، ۷۳	بردیه، ۳۷	بزر الخس، ۱۳۳
أیدع، ۲۶۳	بالکی البارد، ۲۵۹	بَرسیاوشان، ۱۸۷، ۷۵	بزر الخشخاش الاسود، ۲۹۸
أیزون الصغیر، ۳۷	بامیه، ۷۴	برشف، ۲۴۲	بزر الخطمی، ۱۳۶
أیزون الکبیر، ۳۷	بان، ۱۱۱	بُرشون، ۹۴	بزر الخمخم، ۹۶
بابونج، ۴۴، ۵۴، ۵۷، ۵۸	بانوج، ۲۶۱	بَرغوثی، ۷۸	بزر الرازیانج الرومی، ۶۷
۶۴، ۷۰، ۹۱، ۱۲۸، ۲۱۷	بُلبیه الاصفَر، ۵۴	برقوق، ۱۳۹، ۷۶	بزر الرطبه، ۱۵۵
۲۳۴	بحتریه، ۶۷	برقوق (فاس)، ۴۱	بزر الريحان، ۱۵۹
بابونج الاسود، ۵۸، ۱۵۳	بَحْن، ۷۴	برقه، ۱۰۶	بزر الريحان، ۱۵۹
بابونج الجبلی، ۵۸	بحنه، ۷۴	بِرکان، ۷۶	بزر الريحان البری، ۴۶
بابونج الحمیر (فاس)، ۵۷	بَحْره، ۷۴	برم، ۲۱۷	بزر السرمق، ۱۷۰
بابونج الخریفی، ۵۸	بَحور، ۲۴۷	برنجاسف کوهی، ۵۵	بزر السلق، ۱۷۴
بابونج الرومی، ۵۸	بَحور الأکراد، ۷۴	برنجان، ۹۶	بزر الشبت، ۱۸۴
بابونج الطلیطلی، ۵۸	بَحور البربر، ۱۷۰	برنجمشک، ۲۲۵	بزر العلق، ۱۵۶
بابونق، ۶۴	بَحور البربر، ۱۷۰	برنق، ۴۴	بزر الفصفصه، ۱۵۶
بابونق (مغرب)، ۷۰	بَحور السُودان، ۷۴	برنک، ۴۴	بزر القت، ۱۵۶
بابونک، ۷۰	بَحور النبی، ۲۶۶	برنوف، ۲۱۴	بزر القتا، ۲۳۳
بابونّه، ۶۴	بَحور عایشه، ۱۴۸	برواق (مغرب)، ۱۳۸	بزر القند، ۱۵۶، ۲۳۴
بابونی، ۷۰	بَحور عایشه، ۲۵۶	بروق، ۳۷	بزر القداح، ۱۵۶
بادروج، ۶۸، ۸۴، ۱۱۳	بَحور مریم، ۳۴، ۱۷۰، ۱۸۶	بُرُون البحری، ۵۵	بزر القصب، ۱۵۶
بادره، ۲۹۵	۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۷	برهمَن، ۹۲	بزر القنب، ۲۴۵
بادرنجان، ۷۲	بَحور مریم، ۷۴	بَرّیا مصری (مصر)، ۷۸	بزر الکثان، ۲۵۰
بادرنجان بری، ۷۲	بَحور مریم (آفریقا)، ۱۳۰	بریر، ۴۳	بزر الکراث، ۲۵۲
بادرنجان بری (قدس)، ۱۱۴	بَدَاشِقان، ۷۵	بَریر، ۲۳۳	بزر الکرفس البستانی، ۷۸
بادرنبویه، ۲۵۷	بدسکان، ۷۵	بزاج، ۱۰۴	بزر الکرفس الجبلی، ۷۸
بادرنبویه بری، ۸۳	بدشغان، ۷۵	بَرّازیل القَطَه (آفریقا)، ۳۷	بزر الکرنب، ۲۵۵
بادرنجبویه، ۸۲	بدکشان، ۷۵	بزر اسفناج البری، ۱۱۸	بزر الکشوث، ۲۵۸
بادرنجبویه، ۲۵۷	بَدشغان، ۷۵	بزر الانجره، ۶۵	بزر المرو، ۲۰۹، ۲۸۰
بادرواکوهی، ۷۱	بذر، ۱۲۶	بزر البصل، ۸۰	بزر المَط، ۱۵۸
بَادْرُوج، ۷۱	بذر السداب، ۱۶۷	بزر البطیخ، ۸۱	بزر النمام، ۱۸۲
بادرود، ۵۸	بر، ۱۲۶	بزر البنج، ۸۸	بزر الورد، ۲۹۳
بادرنجان، ۷۲	بُرّ، ۱۲۶	بزر البنجنکشت، ۴۱	بزر الهلیون، ۲۹۷
بادرنجان البری (اندلس)، ۲۵۸	برجی، ۹۶	بزر الجرجیر، ۱۰۲	بزر الهوه، ۹۶
بادرنجان بری، ۲۰۷	برجین، ۹۶	بزر الجزر البری، ۱۰۳	بَزْر بُردی، ۷۸
بَادْرُود، ۱۱۴، ۷۲	بُرّجین، ۲۱۴	بزر الجزر البستانی، ۱۰۳	بزر خشخاش الأسود، ۱۰۴
بارض، ۹۱	برد الحریض، ۲۳۶	بزر الحجرى، ۲۴۳	بَزْر قَطونا، ۷۸
باقلّا، ۷۳	بردرده، ۲۰۸	بزر الخبازی، ۱۲۹	بَزْر قَطونا، ۱۶۰
باقلای قبلی (مصر)، ۷۳	برد و سلام، ۲۶۹	بزر الخَبّه، ۱۲۹	بَزْر قَطونا، ۱۷۷
	بردی، ۷۵، ۱۶۷	بزر الخرفه، ۸۲	بَزْر قَطونا (عراق)، ۷۸

بَزْرکَتان، ٢٥١	بشمه (حجاز)، ٩٤	بصل بری، ١٥٠	بقلة الباردة، ١٨٥
بَزْرکَتان، ٢٥١	بَشْمَه (حجازی)، ١٩٢	بصل جبّلین، ٨٠	بقلة البراری، ٨٢، ٨٣
بزر لسان الحمل، ٢٦٩	بشنین، ٢٧٢، ٢٩٢	بصل نسرین المروج، ٨٠	بقلة الحسینیه، ٨٣
بزشوم (نجد)، ٩٥	بشنین (مصر)، ٨٠	بطریون، ٨١	بَقْلَةُ الحَمَقَاء، ٨٢، ٨٣، ٢٤٧
بزواق (مغرب)، ١٣٨	بصل، ٨٠، ٩٠، ١٣٨، ٢٧٣	بَطْم، ١١١، ٨١، ٤٣	بقلة الحمقاء البریه، ١٢١
بساسة، ١٦١	بصل الأبیض، ٨٠	بطیخ، ١٤٤، ١٩٠، ٢٧٠	بقلة الخطاطیف، ٢٠٨، ٢٥٥
بساط الغول، ٢٠٣	بصل الأکل، ٨٠	بطیخ اخضر، ٨٢	بقلة الرّماء، ٨٣
بساط الملك، ٢٩١	بصل البر، ٨٠، ٤٩	بَطِیْخ الصخري، ١٢٦	بقلة الرمل، ٨٢
بسباس، ٧٨، ١٠٧، ٢٢٠	بَصَل البَرّ، ٢١٥	بطیخ الطویل، ٢٨٥	بقلة الزهراء، ٨٣
بَسْباس، ١٥٢	بصل البری، ٤٩	بطیخ الفلسطینی، ١٢٦	بقلة السنانیر، ٨٣
بسباس رومی، ٧٨	بصل الخراسانی، ٨٠	بطیخ الهندی، ٨٢	بقلة الصَّبّ، ٨٣
بَسْباسَه، ٧٨، ١٠٧، ١٤٢	بصل الخُرْم، ٨٠	بطیخ رقی، ٨٢	بقلة العدس، ٨٣
١٩٩، ٢٣٨	بصل الخُصی، ٨٠	بطیخ سكری، ٨١	بقلة العروس، ٨٣
بستان الجواری، ٧٨	بصل الخنزیر، ٨٠	بطیخ سندی، ٨٢	بقلة الفارسیه، ٨٣
بستانه، ٥٥	بصل الخنزیر (فاس)، ٤٩	بطیخ عقابی، ٨١	بقلة اللبنة، ٨٢، ١٦٢
بستیناج، ٧٩	بصل الخنزیر (مغرب)، ٤٩	بَطِیْخ هندی، ٨٢	بَقْلَةُ المَبَارَكَة، ٨٣، ٨٤
بُسْر، ٩٤	بصل الذنب، ٨١، ٨٥	بقرة العین، ١٨٢	بقلة الملك، ١٨٣
بُسْرَة، ٩١	بصل الرومی، ٨٠	بَقْس، ٨٢	بقلة الیمانی، ٢٥٨
بسفایج، ٥٤، ١٤٤	بصل الزئر، ٨٥	بقس البلدی، ٨٢	بقلة الیمانیة، ١٦٢
بَسِیْلَة، ٩٣	بَصَل الزاز، ٨٥	بقش الکرم، ١٦٠	بقلة اليهود، ٥٠، ١٢٩، ٢٩٨
بسیل، ١٠٤	بصل الزیدی، ٨٠	بقل، ٩٣، ١٠٣، ١٣٣، ١٣٥	بقلة اليهودیه، ٨٤، ٩٤، ٢٩٦
بسيله، ٩٣	بصل الزعفران، ٨٠	١٥٤، ٢٠٥، ٢٧٤	بقلة حامضه، ٨٣
بسيلة، ١٠٤	بصل الزیر، ٨٥	بَقْل، ١٤٧	بقلة حمقاء بری، ٣٧
بُشاش، ٧٠	بصل الزیر، ٨٠	بَقْل الحَمَقَاء، ٨٢	بقلة حمقاء بریه، ٨٣
بُشام، ٨٠	بصل السنجار، ٨٠	بَقْل الذَّهَبی، ١٧٠	بقلة خراسانی، ٨٣
بُشام (آفریقا)، ٧٤	بصل السوسن، ٨٠	بقل الذهبی، ٢٤١	بقلة خراسانیه، ٨٣
بشانق، ٢٤٧	بصل الصغیر، ٨٠	بَقْل الزَّوم، ١٧٠	بقلة دستیّه، ٤٨
بشیش، ١٢٦	بصل العنصل، ٤٩	بَقْل الزَّوم، ٢٤١	بقلة ذهبیه، ١٧٠
بُشَج مائی، ٢٨٠	بصل الفار، ٤٩	بقل دمشقی، ٨٣	بقلة عائشة (اسکندریه)، ١٠٢
بشرمساح (مصر)، ٧٣	بصل الفارسی، ٨٠	بقل ریشی، ٨٣	١٠٢
بِشَط، ١٤٣	بصل الفأر، ٨٠، ٢١٥	بقله (شام)، ١٤٩	بقلة عربیه، ٨٤
بشکرانی (اندلس)، ٥١	بَصَل الفَأْر (مغرب)، ٤٩	بقله یمانی، ١٥٥	بقلة فاطمه، ٨٣
بَشْکَرَانِیّه (اندلس)، ٥١	بصل القیء، ٨٠، ٨١	بقلة، ٢٦٣	بقلة فلغلیه، ٢٥٧
بشکرانیة، ٥١	بصل اللوف، ٨٠	بقلة اترجیه، ٢٥٧	بقلة لَیْنَة، ٨٢
بَشْکَرَايِن الاسود، ٥١	بصل المجوسی، ٨٠	بقلة الانصار، ٨٢، ٢٥٥	بقلة مائیه، ٨٤
بشکل (حجاز)، ٩٥	بصل النرجس، ٨٠، ٢٩٠	بقلة الاوجاع، ٨٢	بقلة مبارکه، ٨٢
بشل (اندلس)، ١٠٦	بصل النیلوفر، ٨٠	بقلة الأترجیه، ٨٢	بَقْلَة یمانیه، ٨٤
بشم الاسود، ٢٧٢	بصل الہام، ٨٠	بقلة الأنصار، ٢٥٥	بقلة یهودیه (اندلس)، ٢٣٦

بقل یمانی، ۲۰۲	بَنج، ۸۸	۲۴۵	تَفَاح، ۶۴
بَقْم، ۲۱۵، ۲۷۰	بنج اسود، ۸۸	بیضة الارض، ۲۶۰	تَفَاح، ۹۴
بقم، ۲۱۷	بنجانی، ۹۶	بیضة البلد، ۲۶۰	تفاح الارمنی، ۲۸۲
بَقُول الشَّعَال، ۱۸۲	بنجاین، ۱۰۰	بیضة النعامة، ۲۶۰	تَفَاح الأرض، ۶۴، ۷۰، ۱۲۸
بقول الصبیه، ۱۸۳	بنجة، ۱۵۰	بیضی، ۸۰	تفاح الجمل، ۲۳۶
بقول المانده (مصر، اسکندریه، صقلیه)، ۲۳۵	بنجین، ۸۸	بیتلم، ۷۵	تفاح الجن، ۱۴۹، ۲۷۰، ۳۰۰
بکرش (حجاز)، ۲۱۲	بُنْدُق، ۸۸، ۱۰۵	بیشب، ۹۲	تفاح الذب، ۴۱، ۹۴
بکریز، ۲۷۵	بُنْدُق هندی، ۵۴، ۵۹، ۸۸	تاجر الاصر، ۳۴	تفاح الفارسی، ۱۳۹
بلاد، ۳۴	۱۵۵	تاجر (فاس)، ۳۴	تفاح ارمنی، ۲۸۲
بلبان، ۲۱۴	بَنَفْسَج، ۸۹، ۱۲۹	تاسلقوا (فاس)، ۱۳۲	تفاح بری، ۹۴، ۱۶۲
بُلبُلِیة الاسود، ۱۵۳	بنفسج الکلاب، ۱۸۳	تَالِب، ۹۳	تفاح فارسی، ۱۳۹
بَلَج، ۹۴	بنفسج اللیل، ۱۶۸	تبرته، ۲۷۱	تفاح مانی، ۳۹
بَلَج، ۹۴	بُنْکَه، ۳۶	تبن مکه، ۴۳	تفاح ماهی، ۳۹
بَلِخْتَه (مغرب)، ۸۶	بواب الحاجب، ۷۸	تبن مکه (فاس)، ۴۳	تفاف، ۸۳
بَلِخِیة، ۸۶	بودال، ۹۶	تراب القی، ۱۱۴	تَفَاء، ۱۱۵
بلسان، ۱۴۳	بوَعْقَاد (فاس)، ۲۱۰	تراب الهالك (عراق)، ۶۸	تفده، ۲۵۶
بُلْسُکِی، ۸۶	بهار ابیض، ۹۰	ثَرید، ۶۰، ۱۵۲، ۱۷۳، ۲۰۳	تفسیا، ۹۷
بلسکی، ۱۱۸، ۲۷۰	بهار الاصر، ۳۴	۲۴۵	تفوریة، ۲۱۹
بُلْسَن، ۲۰۷	بهار البر، ۳۴، ۹۰	ترید ابیض، ۹۳	تفده، ۲۵۶
بُلْسَن (مکه)، ۲۰۷	بهار الریاض، ۹۰	تربة، ۹۳	تَفْدَه، ۲۵۷
بلوز الریح، ۲۹۱	بهار (فاس)، ۲۹۰	تربة العسل (اندلس)، ۱۰۷	تَفْدَه، ۲۵۶
بلوط، ۷۷، ۱۶۸	بَهَج، ۲۸۱	تُرْس الماء، ۲۹۲	تقرد، ۲۵۶
بلوط الارض، ۳۷، ۸۶، ۸۷	بهرامج، ۲۱۰	ترسی، ۹۳	تلاد، ۳۴
۲۶۰	بهرامج البر، ۱۵۹	تُرْف، ۹۷، ۱۴۷	تمتم، ۱۷۵
بَلُوط الارض، ۸۶	بهرامج البر، ۲۰۵	ترفاس (مغرب)، ۲۶۰	تَمْر، ۹۴، ۲۳۹
بلوط الملک، ۸۷	بهرامة، ۱۳۷	تُرْمِس، ۹۳، ۱۰۲	تمر الجوزر، ۲۰۵
بلوطی، ۲۲۴	بَهْم، ۲۱۰	ترمس الثعلب، ۹۳	تمر الذهبی، ۳۹
بلیان (مصر)، ۸۷	بَهْش، ۲۸۳	ترمس الحجل، ۹۳	تمر الهندیه، ۳۹
بُلْیَحاء، ۵۹	بَهْش، ۲۸۳	ترمس الخنزیر، ۹۳	تَمْک، ۶۷، ۲۷۴
بلیحاء، ۸۷	بهقان، ۱۰۲	تُرْمِس الخنزیر، ۱۵۷	تملول، ۱۷۵، ۲۴۵
بَلِیْلَج، ۸۷	بُهْماء، ۹۱	ترنجان، ۸۳، ۱۱۳	تمنس، ۲۷۷
بُنْ، ۸۹	بهمن الأحمر، ۲۵۸	ترنجان الثعلب، ۱۱۷	تمول، ۲۴۵
بنات الرعد، ۲۶۰	بهمن أبيض، ۱۰۵	تُرْنَج (فاس)، ۴۰	تمیط، ۱۱۴
بنات النار، ۶۵	بُهْمی، ۹۱	تریاق نبطی، ۳۰۰	تمیم، ۲۴۵
بنات أَویر، ۲۶۰	بیجه، ۱۷۳	تزلیت، ۹۴	تَنْصَب، ۹۴
بنادق البربر، ۱۰۸	بیض الاوَر، ۹۲	تشمیز، ۷۹	تَنْعیمه، ۹۴
بتومه، ۴۳	بیض العیار (شام و بغداد)،	تَشْمِیزَج، ۹۴	تنوب، ۴۴، ۱۹۶، ۲۴۱

تُوب، ١٩٦، ١٩٧	ثاقب الحجر، ٧٩	ثوم الکلب، ٤٨	جَشْجَات، ١٠١، ٢٤٧
توم، ٥٩، ١١٢، ٢٩٢	ثالیل الجنات، ٧٢	ثوم بری، ٩٨، ٤٨، ٤٩	جَشم، ١٢٦
تُوم، ٩٥، ٢٠٤	ثامر، ١٢٢	ثوم جبلی، ٩٨	جخلق، ٣٧، ٦٧
تنین، ٢٧٣	تُداء، ٩٧	ثوم ذی الأسنان، ٩٨	جخلیق، ٦٧
توت الثُعلب، ١٧٩	ثرمان، ٩٧	ثوم کُزائی، ٩٨	جَدَف، ١٧٤
توت الثعلب، ١٧٩	ثُرمان، ١٢٣	ثومية، ٩٨	جَدوار، ١٠١
توت الحریر، ٩٥	ثُرمد، ١٢٣	ثیل، ٢١٢، ٩٩، ٤٤	جدوار اندلسی، ٦٤
توت العلیق، ٢١٣	ثُعالة، ٢٤٩	ثیل، ١٢٣	جراد بحری، ٤٤
توت حامض، ٩٥	ثُعب، ٩٧	جابور، ٩٩	جراطه، ١٠٢
توت حلو، ٩٥	ثُعام، ٩٧	جادی، ١٦٣	جراطه، ١٢٢
توت لَحْن، ٩٥	ثُعام، ٢٩١	جار النهر، ٩٩	جر المشایخ (آفریقا)، ٧٤
توت وحشی، ٩٥	ثُغامة، ٤٨	جاسة، ٧٣	جربنة، ٤٣
توجدة (مغرب)، ٨٢	ثُغاء، ١١٥	جامسه، ٧٣	جربوز، ٨٤ (شام)
تودری، ٤٦	ثُغاء، ١١٥	جامع البُضع، ١٠١	جرجار، ١٠٢
توذریج، ٩٦	ثُلب، ٩٧	جامع البُضع، ١٥٧	جَزَجِر، ٩٣
توز، ١٢٧، ٢٦٤	ثُلثان، ٢١٤	جامع اللحم، ١٠١	جرجر المصری، ٩٣
تومین (لبنان)، ٢٧١	ثُلثان، ٢١٥، ٢٤٩	جامول الکثنان، ٢٥٨	جرجر (عراق)، ٧٣
تُوثته، ١٧٩	ثُلثان، ٢١٥	جامول الکثنان (اندلس)، ١٦٧	جرجیر، ١٠٢
توءمان، ٩٦	ثُمام، ٩٧	جاوُرس، ١٠٠	جرجیر البری، ٧٠
تیسی، ٢٠١	ثُمام، ١٥١	جاوُرس، ١٥٠، ١٤٣	جرجیر الکلاب، ١٠٢، ١١٥
تیفلت (فاس)، ٢٩٧	ثمر الغالبه، ١٠٨	جاورس هندی، ١٠٠	جرجیر الماء، ١٠٢، ١٥٩
تیمط (اندلس و مغرب)، ٢٢٥	ثمر الفؤاد (مصر)، ٨٦	جاوروس، ١٠٠، ١٤٣	١٨٢، ٢٣٥، ٢٥٤
تیمق (اندلس و مغرب)، ٢٢٥	ثمر شجر الکافور، ٥٤	جاوروس هندی، ١٤٩	جَزَجیر الماء (مغرب)، ٢٣٥
تسین، ٦٢، ٩٦، ١٢٢، ١٢٣	ثمرة الدب، ٢٨٠	جَبْأ، ٢٦٠	جرجیر الهر، ١٠٢
١٨٤	ثمرة الکبر، ٢٥٠	جَبْأة، ٢٦٠	جرجیر بری، ٧٠
١٨٤	ثملول، ٢٤٥	جبروان، ٦٧	جرزالشیاطین، ٣٦
١٨٤	ثُمَيْلَه (اندلس)، ٤٧	جَبْرَة (مغرب)، ١٠١	جرمامة، ١٠٣
١٨٤	ثور، ٢٠٠	جبل المساکین، ١٢١	جرمان، ٢٠٢
١٨٤	ثوع، ٩٧	جبل هنج، ١٠١	جریال، ١٠٣
١٨٤	ثوم، ٤٩، ٨٠، ٩٨، ١٥٧	جَبْلَهْنَج، ١٠١	جريله خمر، ١٠٣
١٨٤	ثوم، ٩٧	جَبْلَهْنَج، ١١٧	جَزَر، ٥٤، ١٠٣
١٨٤	ثوم البستانی، ٩٨	جبن، ١٤٥	جزر البری، ٦٠
١٨٤	ثوم الجبلی، ٨٠	جُبْن الثعبان، ٢٧٣	جَزَر البری، ١٤٨
١٨٤	ثوم الحیه، ٤٨	جبن القرد، ٢٧٣	جزر البستانی، ١٤٨
١٨٤	ثوم الحیه، ٩٨، ٤٩	جَبه، ١٠١	جَزَر بری، ٥٠، ٢٢٩، ٢٩٠
١٨٤	ثوم الحیه، ٩٨، ١٠٦	جبین جبن، ١٤٥	جزمارج، ٢٠٢
١٨٤	ثوم الحیة، ٩٨، ١٨٩	جشجات، ٧٦	جزو اعظم، ٢٤٥
١٨٤	ثوم الضفادع، ٩٨		جسد، ١٦٣

جَطیره، ۱۲۲	جُلَسَرین، ۱۰۵	جُنّی، ۱۰۶	جوز النعاس، ۱۰۹
جَعْد، ۲۵۶	جلوز، ۸۸	جَنّی الاحمر، ۲۳۱	جوز الهند، ۱۰۹، ۲۸۷
جَعْداء، ۱۰۳	جَلُوز، ۱۰۵	جنى الاحمر، ۲۴۲	جوز اليسرو، ۱۰۹
جَعْداء، ۲۵۴	جُلُوز، ۱۰۵	جنى العُشر، ۱۳۱	جَوزبَوّاء، ۱۰۷
جُجَعْد، ۱۰۳	جَلُوز (مغرب)، ۱۰۵	جوارى، ۱۴۹	جوز جنا، ۴۳
جعدة، ۲۳۰	جلیط، ۱۰۵	جَوْدَر، ۱۰۶، ۲۱۹	جَوز جَندَم، ۱۰۷، ۱۶۵
جعدة کبیر، ۱۰۳	جلیف، ۱۰۵	جوز، ۹۴، ۱۰۶، ۲۹۰	جوز جندم (رقه)، ۱۳۰
جَعْدَة، ۲۸۱	جلیقى، ۹۶	جَوز أَرْقَم، ۱۰۷	جوز داود، ۱۰۸
جَعْدَة الجدران، ۱۰۳	جُمَار، ۹۵	جوز الابيض، ۲۹۰	جوز رومى، ۱۰۸، ۲۶۴
جعدة الجُدُران، ۱۱۹	جمان، ۱۶۹	جوز الاكل، ۱۰۷	جوز زوان، ۱۶۴
جعدة القنا، ۷۶	جَمِجِم، ۱۰۵	جوز الأنهار، ۱۰۷	جوز سودار، ۱۳۹
جعدة القنا، ۷۶، ۱۰۴	جَمِجْجَوا، ۱۰۶	جوز الجبل، ۱۰۵	جَوز مائِل، ۱۰۹
جَعْدَة الماء، ۲۵۴	جمرة الارض، ۱۰۵	جوز الحبشه، ۱۰۸	جوز ماث، ۱۰۹
جعدة حرّان، ۲۰۳	جَمَرَة الارض، ۲۰۱	جوز الحَمَس، ۱۰۸	جوز ماثا، ۱۰۹
جعفرى، ۹۶	جَمَرَة (فاس)، ۳۴	جوز الدفَع، ۱۰۸، ۱۵۷	جوز مائل، ۲۷۹
جعفریه، ۲۰۱	جُمَلَج، ۶۶	جوز الدُّلب، ۱۴۵	جوز ماثم، ۱۰۹
جَعْفیل، ۲۰۱	جُمَئِز، ۹۶، ۱۰۵، ۱۵۷	جوز الرُثَة، ۵۴	جوز هندى، ۲۸۰، ۲۸۷
جعه، ۱۵۰	جَمِیم، ۹۱	جوز الرُثَة، ۸۸	جوزة القروء، ۵۲
جَعِيداء، ۱۰۳	جنا الاحمر، ۵۸	جوز الرُفَع، ۱۰۸	جوك، ۷۱
جَعِيدِيْلَة، ۱۰۳	جناح، ۱۵۳	جوز الريح، ۱۰۸، ۲۷۱	جَوَلَقى، ۱۴۱
جفت البلوط، ۸۶	جناح البشر، ۷۳	جوز الزَّنج، ۱۰۸	جینه، ۱۰۹
جُفَرى، ۲۴۸	جناح التيس، ۱۰۶	جوز السرو، ۱۷۰	حائن (اندلس)، ۴۷
جَفَن، ۱۰۴	جناح الزرزور، ۷۹	جوز السواك، ۱۰۷	حاج، ۱۱۰، ۲۰۵، ۲۱۲
جُلّ، ۲۹۴	جناح النسر، ۱۵۷	جوز الشيرك، ۱۰۸	حاذ، ۱۱۰
جَلبان، ۷۹، ۱۰۴، ۱۳۷	جناح (اندلس)، ۱۵۳	جوز الطيب، ۱۰۷	حارز الانهار، ۱۱۰
۲۱۳، ۲۳۷	جَنار، ۱۴۶	جوز العَبْهَر، ۱۰۸	حارز الماء، ۱۱۰
جَلبان، ۱۰۴، ۲۶۳، ۲۸۱	جَنّ القَتال، ۱۴۷	جوز العد، ۱۰۶	حارس، ۱۱۰
جَلبان البرى، ۵۶	جنا، ۱۰۶	جوز العرعر، ۳۹	حاسيس، ۱۱۱
جلبانه، ۱۳۷	جَناء الاحمر، ۸۴، ۲۱۱	جوز القروء (فاس)، ۵۲	حاشا، ۹۹، ۱۱۰، ۱۹۵، ۲۲۹
جلبوب، ۱۰۳	۲۴۲	جوز القَطَا، ۱۰۷، ۱۰۸	حاشيش، ۱۱۱
جُلُجَل، ۴۶	جَنَبَد، ۱۰۴	۲۴۹، ۲۹۰	حافِر المَهر، ۱۷۹
جلجلان، ۱۷۶، ۲۵۷	جنبه، ۷۵، ۸۹، ۹۷، ۱۰۰	جوز القى، ۱۰۸، ۱۰۹	حافظ اطفال، ۲۲۴
جلجلان الحبشه، ۱۰۴	۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۲، ۱۲۵	جوز الكَوَثَل، ۱۰۹	حافظ الاجساد، ۴۹
جلجلان (حبشه)، ۱۷۶	۱۳۸، ۱۵۳، ۲۴۸، ۲۶۳	جوز المائل، ۱۰۹	حافظ الارواح، ۴۷
جلجلان مصرى، ۸۰	۲۸۰، ۳۰۰	جوز المَرَج، ۱۰۹	حافظ الاطفال، ۵۵، ۲۲۴
جلدان، ۱۰۴	جَنَبه، ۱۲۲	جوز المزج، ۲۴۹	حافظ الأجساد، ۹۸، ۱۸۹
جُلُنار، ۱۰۴، ۱۵۶	جنطيانا الجرمقانى، ۱۰۶	جوز الملك، ۱۰۷	حافظ الطفل، ۲۲۴
جُلُنار برى، ۲۰۱	جنطيان الرومى، ۱۰۶	جوز النسرو، ۱۰۹	حافظ الموتى، ۴۹، ۹۸





حَبَّة السَّوْدَاء، ۱۹۲	حُرْض، ۱۲۳، ۵۲	حُرْقِيق، ۶۵	حشیش الغافق، ۵۴
حَبَّة المَسَاكِين، ۲۴۵	حُرْض صِنِی، ۵۲	حُرْقِيق الأَمْلَس، ۱۰۳	حشیش، ۴۴
حَبَّة المَلُوك، ۱۱۳	حُرْف، ۱۱۵، ۱۳۱، ۲۸۴	حُرْقِيق الأَمْلَس (اندلس)، ۱۲۱	حشیشة الارض، ۳۶
حَبَّة حَلَاوَة، ۶۷	حُرْف اَبِیض، ۴۸	حُرْقِیق (مغرب)، ۶۵	حشیشة الافعی، ۱۱۸
حَبِیقَة (اندلس)، ۱۱۹	حُرْف اَحْمَر، ۱۱۵	حُرْمَلَة، ۱۱۶	حشیشة الأسد، ۱۱۸
حَبِیقَة، ۱۱۹	حُرْف البَابِلِی، ۱۱۵	حَزَا، ۱۱۷	حشیشة الأفعی، ۱۱۸
حَتَّى، ۲۸۳	حُرْف البری، ۱۱۵	حَزَا، ۱۱۷	حشیشة البابلی، ۴۳
حَثَا، ۹۶	حُرْف السُّطُوح، ۸۰، ۱۱۵	حَزَا، ۱۱۷	حشیشة البراغیث، ۱۱۸، ۱۴۸
حَثِیل، ۱۱۴	حُرْف الشَّامِی، ۱۱۵	حَزَا، ۲۰۰	حشیشة البراغیث (شام)، ۱۱۸
حَجَر البَقَر، ۲۹۵	حُرْف المَانِی، ۱۱۵	حَزَا الجَبَل، ۱۱۷	حشیشة البرص، ۱۱۸، ۳۶
حَد، ۱۹۱	حُرْف المَاء، ۱۱۶، ۱۸۲	حَزَا الصَّخْر، ۱۱۷	حشیشة الثومی، ۱۸۹
حَدَج، ۱۲۶	حُرْف المَاء (مغرب)، ۲۳۵	حَزَا الصَّخُور، ۱۱۷	حشیشة الثومیه، ۹۸، ۸۰
حَدَدِی، ۹۲	حُرْف المَشْرِقِی، ۱۱۵، ۱۱۶	حَزَاة، ۱۱۷	حشیشة الثومیة، ۹۸، ۱۲۲، ۲۷۱
حَدَق، ۱۱۴، ۲۰۷	حُرْف اَبِیض، ۱۱۵، ۲۷۴	حَزَاة، ۱۱۷، ۱۴۸	حشیشة الثومیة (اندلس)، ۹۸، ۴۹
حَدَقِی، ۶۷	حُرْف بَابِلِی، ۱۰۲، ۱۱۵، ۱۱۶	حَزَاة، ۱۱۷	حشیشة الحَلُو، ۱۸۰
حَدِیدِی، ۱۱۴	حُرْف بَرِی، ۱۱۷	حَزَاة أُخْرٰی، ۱۱۷	حشیشة الحُمْرَة، ۲۷۶
حَرَاشَا، ۱۳۱	حُرْفَلَة (صقلیه)، ۶۷	حَزَنْبِل، ۱۱۷	حشیشة الحُمّٰی (آفریقا)، ۲۰۳
حَزَاقَه، ۱۴۰	حُرْف مَشْرِقِی، ۲۲۸	حَزَنْبِل، ۱۲۳	حشیشة الحوت، ۱۴۳
حَزَا السَّحَر، ۳۵	حُرْکَة (اندلس)، ۹۱	حَزَنْبِل، ۲۸۰	حشیشة الخِرَاسَانِیة، ۲۹۳
حِرَانِیة، ۱۰۳	حَزْمَل، ۴۸، ۸۰	حَسَار، ۱۱۷	حشیشة الدَاخِس، ۱۱۸
حِرْبَا، ۱۲۸	حَزْمَل، ۱۱۶	حَسَک، ۳۷، ۱۱۸، ۱۲۴	حشیشة الدَم، ۱۱۹
حِرْبَان، ۴۵	حَرْمَل، ۲۸۶	حَسَک البرِی، ۱۱۸	حشیشة الدُّودِیة (اندلس)، ۴۸
حِرْبَاء، ۴۶	حَرْمَل البَلَدِی، ۱۹۱	حَسَک الجَمَال، ۵۹	حشیشة الذَّهَبِیة (اندلس)، ۴۸
حُرْزِیْت، ۱۱۴	حَرْمَل عَامِی، ۱۱۶	حَسَک الفِرَاخ، ۲۱۲	حشیشة الرَنَة، ۱۱۹، ۲۰۵
حُرْزِیْت، ۱۱۴، ۲۷۴	حَرْمَل عَرَبِی، ۱۱۶	حَسَکَة (مصر)، ۷۹	حشیشة الرَجَا ج، ۳۴
حَرِبَة، ۱۱۴	حُرْمَلَة، ۱۱۶	حَسِیب، ۸۲	حشیشة الرُومَانِیْن، ۵۹
حَرِبَة، ۲۷۱	حُرْمَلَة، ۲۴۵	حَسِین، ۱۴۵	حشیشة الرَجَا ج، ۱۱۹، ۳۴، ۱۵۹
حَرَز الشَّیَاطِین، ۳۶	حَرِشَاء، ۱۵۷	حَشَف، ۲۸۳	حشیشة السَّعَال، ۱۱۹، ۱۷۱
حَرِشَا، ۱۳۰	حَرِشَة، ۱۱۴	حَشَوِی، ۲۲۶	حشیشة السَّلْحَا (شام)، ۳۷
حَرِشَاء، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۳	حَرِشَة، ۱۵۷، ۱۵۹	حَشِش، ۷۸، ۲۴۵	حشیشة السَّلْحَا فَة (شام)، ۳۷
حَرِشَف، ۱۰۶، ۱۳۳، ۲۱۰	حَرِطَة، ۳۵	حَشِش الأَعْظَم، ۱۵۶	حشیشة السَّلْحَا فَة (شام)، ۳۷
۲۶۵	حَرِشَة، ۱۱۴	حَشِش الدَّوَاب (مصر و شام)، ۲۹۶	حشیشة السَّلْحَا فَة (مصر)، ۳۷
حَرَشَف، ۲۶۷	حَرِشَة، ۱۵۷، ۱۵۹		
حَرَشَف البَرْزِی، ۱۱۴	حَرِشَة، ۳۵		
حَرَشَف البُسْتَانِی، ۱۱۴	حَرِیف الأَمْلَس (اندلس)، ۱۲۱		
حَرِشَف بَرِی، ۲۱۲	حَرِیق، ۶۵		
حَرِشَف بَسْتَانِی، ۱۱۴			

۱۳۱	حشیشة السِّلَخفَاة، ۶۰	حَلَاب، ۱۲۰	حماض الارض، ۱۲۳	حَمَصِصُ الترف، ۱۲۲
	حشیشة السنبِل الرومی، ۱۴۱	حَلالات، ۱۲۶	حماض الارنب، ۱۲۳	حمض، ۵۲، ۱۴۴، ۱۴۷
	حشیشة السَّوَاقي (مغرب)، ۹۵	حَلَاوی، ۶۷	حماض البری، ۱۲۳	حَمَض، ۵۲
	حشیشة الشَّرك، ۸۸	حَلَب، ۱۲۲	حماض البقر، ۱۲۳	حَمَض، ۶۶، ۹۷، ۱۱۰
	حشیشة الصفراء، ۲۰۸	حَلَباب، ۱۲۲	حماض الجبلی، ۱۵۹، ۴۰	۱۵۵، ۲۵۰، ۲۸۴
	حشیشة الطحال، ۱۶۰، ۱۱۹	حَلَب التیسی، ۱۲۲	حماض الحسکی، ۱۲۲	حِمَض، ۱۳۹
	حشیشة الطلق، ۱۲۰	حِلناب، ۱۲۲	حماض السبخی، ۱۲۲	حِمَض، ۱۵۸
	حشیشة العُرب، ۱۹۴	حلبوب، ۱۳۶، ۲۶۶	حماض السَّوَاقي، ۱۲۲	حمض الابل، ۱۲۳
	حشیشة العَلَق، ۶۳، ۱۲۰	حَلبُوب (اندلس)، ۱۲۱	۱۲۳	حَمَلَة، ۱۲۳
	حشیشة الغافث، ۲۱۹	حلبوب غیر منقط، ۱۲۱	حماض الشامی، ۱۲۲	حَمَیْش (فاس)، ۵۹
	حشیشة الفَرَج، ۱۲۰	حَلَبَه، ۱۲۰	حماض الماء، ۱۲۲، ۱۲۳	حَمَیر، ۱۵۵
	حشیشة الفقرا، ۲۴۵	حَلِیب، ۱۲۱	حماض بزرگ، ۲۷۴	حمیراء، ۳۸
	حشیشة الکبد، ۱۲۰	حَلِیت، ۱۲۱، ۶۵، ۱۲۱، ۲۹۵	حماض بستانی، ۱۲۳	حَمَیراء، ۳۸، ۱۵۵، ۱۹۰
	حشیشة الکلاب، ۲۸۰	حَلِیت، ۱۲۱	حماض جبلی، ۱۵۹	حَمَیراء، ۱۲۵
	حشیشة الکلب، ۲۲۴، ۲۸۰	حَلحال (اندلس)، ۴۷	حَمَاض حَسَکَی، ۷۶	حَمَیْط (فاس)، ۱۲۲
	حشیشة اللجَاة، ۶۰	حَلحال (مغرب و فاس)، ۴۷	حماض حسکی، ۱۵۹	حَناء، ۱۲۵
	حشیشة اللجَاة (شام)، ۳۷	حَلحَل، ۲۵۱	حماض کبیر، ۱۲۲	حَناء القَوْلَة (مصر)، ۳۸
	حشیشة المَعْدِن، ۱۲۰	حَلَفاء، ۱۲۱	حماض نیری، ۱۲۳	حنامشه، ۱۹۳
	حشیشة المَقْدَسَة، ۶۹	حَلَفاء، ۳۷	حَمَاط، ۵۵، ۱۲۳، ۱۵۰	حناء الجبلیه، ۱۲۵
	حشیشة المَکْرَمَة، ۶۹	حَلَق، ۱۲۲	حَمَاما، ۱۲۴	حناء الرُّعَاة، ۱۲۵
	حشیشة النجاة (شام)، ۳۷	حَلَمَة، ۱۲۲، ۱۶۳	حمامی، ۷۳	حناء الغول، ۳۸
	حشیشة دودیة، ۱۱۹	حَلوانه، ۶۷	حمامی، ۱۵۶	حَناء الغولَة، ۱۲۵
	حَضَض، ۱۲۰، ۱۷۴، ۲۳۱	حَلوه، ۶۷	حَمَجَم، ۲۵۲	حناء القْرِیش (مصر)، ۱۱۷
	حَضَض هندی، ۲۳۱	حِلَة، ۱۲۲، ۱۸۴، ۲۷۱	حَمَم (شام و شرق)، ۲۶۸	حناء المَجَنونَه، ۱۲۵
	حَضَض یمانی، ۱۲۰	حَلی، ۹۷	حمر، ۹۵، ۱۲۴	حناء المروج، ۱۲۵
	حَطَب، ۱۸۸	حَلی، ۱۲۲	حمص، ۷۶	حناء قریش، ۱۱۷
	حَطَب الفَتَح، ۲۶۵	حَلِیق، ۶۰	حَمَض، ۱۲۴	حناء معجون، ۲۹۲
	حَطَبه، ۴۶	حَلِیلَة، ۵۴	حَمَص الامیر، ۱۱۸	خَنَدَقوفا، ۱۵۰، ۲۰۳، ۲۹۱
	حفا، ۷۵	حَمَاجِم، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۸۴	حَمَص الامیر (مغرب)، ۱۱۸	خندقوقا مصری، ۲۹۱
	حَقَا، ۷۵	حَمَاص بحری، ۲۰۱	۱۱۸	خندقوقی، ۱۵۲، ۲۷۲
	حَفوظه (عجمیت اندلس)، ۱۹۱	حماض، ۸۳، ۹۷، ۲۶۶	حمص الأمير، ۱۲۴	خَنَدَقوفا (بغداد)، ۱۵۰
	حِفُول، ۱۲۷	۲۶۹	حَمَص الأمير (مغرب)، ۱۱۸	حَنَزَاب، ۵۰
	حَقَل، ۱۲۶	حَمَاض، ۱۲۲	حمص البری، ۱۱۸	حَنَشی، ۲۷۳
	حَل، ۱۷۶	حَمَاض، ۱۲۴، ۱۷۴	حَمَص بری، ۱۲۴	حَنطه السوداء، ۱۹۴
		حماض الاترج، ۱۲۳	حمض بستانی، ۱۲۴	حَنطه رومیه، ۱۳۹
		حماض الاجامی، ۱۲۲	حَمَصی، ۲۹۱	حَنطَة، ۱۲۶
		۱۲۳	حَمَصِص، ۱۲۴	حَنطَة، ۱۵۱، ۱۵۷

حنطة البرية، ۱۲۶	۶۹ ۱۹۲، ۲۰۴، ۲۷۴، ۲۸۱	خَبَازِی شَقَائِقِی، ۱۲۹	خَرْزَقَة، ۱۳۱
حنطة الحبشیه، ۱۲۶	حی العالم، ۳۷	خَبَازِی قُرطِی، ۱۲۹	خَرْطَال، ۹۱، ۱۲۶
حِنطَة الرّمیه، ۱۳۹، ۱۲۶	حیربول (اندلس)، ۵۸	خَبز الغراب، ۵۷، ۵۸	خَرْطَال (فاس)، ۲۳۷
حنطة السداب، ۱۲۶	حی عالم، ۱۶۱	خَبز الغراب (اندلس)، ۹۰	خَرْطَال (مصر)، ۱۲۷
حنطة الفارسی، ۱۷۳	حَیْهَل، ۱۲۳	خَبز القُرود، ۷۵، ۱۳۰	خَرْطَان، ۸۸
حنطة الفارسیه، ۱۲۶	خابور، ۱۳۸	خَبز الکلب، ۲۶۷	خَرْفَع، ۱۳۱
حنطة جبلیه، ۱۴۷	خارسوهک، ۱۱۸	خَبز المشایخ، ۱۳۰	خَرْفَق، ۱۳۱
حنطة رومی، ۱۳۹	خافور، ۱۰۲، ۱۲۷، ۱۴۳، ۲۸۰	خَبز رومی، ۱۳۰	خَرْفِی، ۱۰۴
حنطة صغيرة، ۱۷۳	خالیدونیون ذو الخطافی، ۱۲۷	خَبْه، ۱۲۹	خَرْق، ۲۸۰
حَنْظَل، ۸۱، ۱۲۶، ۱۸۷، ۲۱۳		خَبِیزَة صَغِیرَة، ۱۳۰	خَرْم، ۱۳۱
حَنْظَل، ۱۲۶	خاماذفنی، ۱۴۹	خَحْرَق، ۵۵	خَرَم، ۱۶۹
حَنْظَل رومی، ۱۰۶	خامالاون ابیض، ۲۷۵	خَتَم المَلِک، ۱۶۷	خَرمازق، ۲۰۲
حنوه، ۳۴	خامالاون الأسود، ۱۲۸	خَتْمی بری، ۲۱۱	خَرْنوب، ۱۳۲
حَنْوَه، ۳۴، ۱۵۹	خامشه، ۱۲۸	خَدَاع الرّجال، ۸۸	خَرْنوب، ۱۳۲
حَنْوَة، ۱۵۹	خاتق الذئب، ۱۲۸	خِذْرَاف، ۹۹	خَرْنوب، ۱۳۲، ۲۴۱
حنیق زنبق، ۲۹۰	خاتق الذباب، ۵۵	خِذْرَفَات، ۱۲۳	خَرْنوب الخَنْزِیر، ۱۳۲
حنین، ۱۴۵	خاتق الكرسته، ۶۸	خِرَاز المَاء، ۲۰۰	خَرْنوب الخَنْزِیر (مصر)، ۶۳
حَوَاء البقر، ۲۹۸	خاتق الكرسته، ۲۰۱	خِرَاطِین، ۱۲۳	خَرْنوب الشوک (شام)، ۱۳۲
حَوْجَم، ۲۹۴	خاتق الکلاب، ۹۳، ۱۲۸	خِرَافَة العَجُوز، ۲۶۹	خَرْنوب الکَلْب، ۶۲
حَوْذَان، ۱۲۷، ۲۵۹	خاتق الکلب، ۴۲، ۱۲۸، ۲۳۱	خِرَاء النَوَاتِیَة، ۲۴۸	خَرْنوب المَعزِی، ۱۳۲
حَوْذَان، ۱۵۳، ۲۷۳		خِرِیع، ۱۱۴	خَرْنوب المِعزِی (شام)، ۳۰۱
حَوْر، ۱۲۷	خاتق النمر، ۵۱، ۱۲۸، ۲۳۸	خِرِیق، ۱۳۰	
حُور، ۱۲۷	خاتق التمر، ۱۲۸	خَحْرِیق اسود، ۱۲۹، ۱۳۰، ۲۳۸	خَرْنوب شامی، ۱۳۲
حور اسفیدان، ۷۸	خاتق نفسه، ۲۳۲	۱۲۹، ۱۵۳، ۲۵۹	خَرْنوب مصری، ۱۳۲
حَوْر الرومی، ۵۵	خَب، ۱۴۰	خَرِیق اَبِیض، ۱۳۰	خَرْنوب نَبْطِی، ۱۳۲، ۳۰۱
حور الرومی، ۱۰۹، ۱۲۷	خَبَاز، ۲۸۴	خَرْدَل، ۱۳۰	خَرْنوب هندی، ۱۴۰
حور رومی، ۱۲۷	خَبَازِی، ۱۲۹	خَرْدَل، ۱۵۳، ۱۸۹	خَرْو الحَمَام، ۱۳۰
حوز، ۱۲۷	خَبَازِی، ۱۲۹، ۲۸۴	خَرْدَل الابِیض، ۱۱۵	خَرْو الضفادع، ۲۰۰
خُوک، ۷۱	خَبَازِی الاسود، ۱۲۹	خَرْدَل البر، ۱۳۰	خَرْوَب، ۱۳۲
خوک، ۱۱۳	خَبَازِی الجَبَلِی، ۱۲۹	خَرْدَل الفارسی، ۱۱۵	خَرْوَب، ۱۳۲
خُوک، ۱۹۸	خَبَازِی السِیخِی، ۱۲۹	خَرْدَل بَرِی، ۱۰۲، ۱۱۴، ۲۶۶	خَرْوَب الخَنْزِیر، ۱۹۶، ۲۷۱
خَوْمَانَة، ۱۵۲	خَبَازِی الصَقْلِی، ۱۲۹	خَرْدَل فارسی، ۱۳۱	خَرْوَب السَّنْط، ۱۹۱
حومانة، ۲۰۳	خَبَازِی الفارسی، ۱۲۹	خَرْدَل فارسی (دمشق)، ۱۳۰	خَرْوَب السُودَان، ۱۳۲
حومانة (آفریقا)، ۲۰۳	خَبَازِی الماکول، ۱۲۹		خَرْوَب الشامی، ۱۳۲
حومر، ۱۲۴	خَبَازِی المَجُوسِی، ۱۲۹		خَرْوَب الشوک، ۱۳۲
حی، ۳۷	خَبَازِی الهِنْدِی، ۱۲۹		خَرْوَب العَرِیض، ۳۰۱
حی العالم، ۳۴، ۳۷، ۶۴	خَبَازِی حَمَقَاء، ۱۲۹	خِرْزَع، ۱۶۳	خَرْوَب النَبْطِی، ۱۰۹
		خِرْزَل، ۱۳۱	خَرْوَب النَبْطِی، ۳۰۱

خربوب الهندی، ۱۴۰	خشخاش المَقْرَن، ۱۳۴	خطمی بری، ۱۳۶، ۱۸۷	خوخ قلیق استه، ۲۳۲
خربوب الهندی، ۱۴۰	خشخاش المَقْرَن، ۲۷۶	خطمیة البيضاء، ۱۲۹	خوشان، ۱۲۳
خروج، ۲۰۳، ۱۳۳	خشخاش اليهودی، ۱۳۴	خلاف، ۵۴، ۱۷۱	خوص (مصر)، ۷۵
خروج الاسود، ۲۸۷	خشخاش ابيض، ۱۳۴	خلاف، ۱۳۶	خوص (مغرب)، ۲۰۸
خروج الصفادع، ۲۰۰	خشخاش أسود، ۱۳۴	خلاف بلخی، ۱۳۷، ۱۵۹	خوصه (اندلس)، ۲۷۲
خزوع صینی، ۱۴۷	خشخاش بحری، ۱۳۵	خلاف (شام)، ۱۳۶	خولان، ۱۲۰
خزیرع، ۴۲	خشخاش بری، ۱۳۴	خلال، ۲۸۲	خولع، ۱۲۶
خزیرع، ۵۷، ۲۰۹، ۲۱۰	خشخاش بستانی، ۱۳۴	خلال مامونی، ۴۳	خوم، ۱۴۰
خزیرع، ۱۳۳	خشخاش زیدی، ۱۳۵	خَلَر، ۱۰۴	خویصه مصغر (اندلس)، ۲۷۲
خزء الحمام، ۱۳۰	خشخاش سائل، ۱۳۴	خَلَر، ۱۳۷	
خزء الحمام (رقه)، ۱۰۷	خشخاش مَقْرَن، ۱۳۵	خَلَص، ۱۳۷	خیار شنبر، ۱۴۰
خزازی، ۱۴۰، ۱۹۳، ۲۶۸	خشخاش مشور، ۱۳۵	خلنج، ۱۱۰	خیار صنبور، ۱۴۰
خزَم، ۱۳۳	خشل، ۲۸۳	خَلَنج، ۱۳۷	خیار (عراق)، ۲۳۴
خَس، ۱۳۳	خصی الثعلب، ۸۰، ۸۹	خَلَوانی (اندلس)، ۲۴۶	خیر مِن ألف، ۱۷۹
خَس، ۲۸۰	۱۳۵، ۱۵۲	خَلوق، ۱۶۳	خیر من ألف درهم، ۱۷۹
خَس، ۲۹۷	خُصی الثُغْلَب، ۱۳۵، ۲۰۳	خلوقة، ۲۶۱	خیری، ۲۸۵، ۲۹۲
خَساء، ۱۰۲	۲۴۶	خُلَّة، ۱۳۷	خیری ازرق، ۱۶۸
خس الارنب، ۱۳۳	خصی الדיک، ۱۳۵	خمان الأرض، ۱۳۸	خیری اصفر، ۱۶۸
خَس الاسود، ۱۳۳	خصی السمور، ۱۳۶	خمان الصغیر، ۱۳۸	خیری الاحمر، ۷۹
خس الحمار، ۳۸، ۹۴، ۱۳۴	خصی القط، ۱۳۵	خمان الکبیر، ۱۳۸	خیری الاصفر، ۱۴۰
خَس الحمار، ۳۸، ۴۳، ۶۸	خُصی الکلب، ۸۰، ۱۳۵	خَمْنِج، ۶۳	خیری البر، ۱۳۳
۱۳۳، ۲۹۶	خصی الهر، ۱۵۰	خمنخم، ۱۳۸	خیری البر، ۱۴۰
خس الحمار (فاس)، ۱۳۳	خُصی هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶	خَمَر، ۲۰۲	خیری الماء، ۱۴۰، ۲۷۲
خس الفدان، ۱۳۳	خَصِر، ۱۶۴، ۱۹۴	خَمْضِیض، ۱۲۲	خیری (بغداد و موصل)، ۲۱۱
خس الکلب، ۱۴۹	خِضلاف، ۱۵۷، ۲۸۳	خَمَط، ۵۵، ۱۴۵	
خس بری، ۱۳۳	خُضیراء، ۱۵۹، ۲۷۵	خمل، ۱۷۹	خیری جبلی، ۱۳۳، ۲۶۸
خَس بستانی، ۱۳۳	خَطَّار، ۲۵۱	خَشی، ۳۷، ۵۱، ۸۰، ۸۶	خیزران، ۱۴۰
خسران، ۷۹	خَطَّافی، ۱۲۷	۱۳۸	خیزران البلدی (اندلس)، ۳۶
خسف، ۱۰۶	خِطَر، ۱۲۵، ۲۹۲	خشی الصخریه، ۱۳۸	
خسفی، ۳۰۰	خَطَر، ۱۳۶	خنج، ۱۳۱	خیزران بلدی، ۱۴۰
خشب الحیه، ۲۹۷	خِطَر، ۲۵۱	خنداقل (مصر)، ۱۰۴	خیزُو (مراکش)، ۱۰۳
خشب الصینی، ۱۰۶	خِطْرَة، ۱۳۶	خَنَدروس، ۱۲۶، ۱۳۹	خینوس، ۱۹۳
خشخاش، ۱۳۴، ۱۸۸	خطمی، ۱۲۹، ۲۱۶	خندروس، ۱۳۹، ۲۰۱	خیوز (سوانم)، ۲۰۱
خشخاش احمر، ۱۳۴	خِطْمی، ۱۳۶	خنزیری (مصر)، ۲۷۲	دائم العطش، ۱۴۸
خشخاش اسود، ۱۳۴	خطمی الازغب، ۱۲۹	خوخ، ۱۳۹	داج، ۱۴۳
خشخاش البری، ۱۳۴	خطمی الرومی، ۱۲۹	خوخ الماء، ۱۱۵، ۱۳۹	داد الأبیض (اندلس)، ۵۱
خشخاش الزیدی، ۱۰۰	خطمی المروج، ۱۲۹	۲۷۲	داد الأسود، ۵۱
خشخاش الساحلی، ۱۳۴	خطمی النهري، ۱۲۹	خوخ المروج، ۲۴۳	داد الوحید (آفریقا)، ۵۱

دادی، ۲۰۴	دَزیاس، ۱۴۵	دوقس (شام)، ۱۱۸	ذَفلی، ۱۴۵
داذی الرومی، ۲۹۸	دریاس (فاس)، ۶۵	دوقسو، ۱۰۳، ۱۱۷، ۱۴۸	ذُکار، ۹۶
داذی رومی، ۱۴۱	دریاس (مغرب)، ۹۷	۱۸۸، ۲۲۸، ۲۵۶	ذکر الارض، ۹۲
دار المرز، ۶۵	دستنبو، ۱۴۴	دوقوالاحرش، ۱۰۳، ۱۴۸	ذَکَر الدیک، ۱۵۰
دارصینی، ۲۳۸	دَسَم الشجر المرز، ۲۸۶	دوقو الرومی، ۱۰۳	ذکر الرئيس، ۱۳۵، ۱۵۰
دار صینی الدون، ۱۴۱	دسم الصوف الوزج، ۱۶۵	دوقو القراذی، ۱۰۳	ذکر الکلب، ۱۵۰
دارصینی حبشی، ۱۴۱	دسیسه (مصر)، ۵۶	دوقو القَراذی، ۱۰۳	ذَکَر الهرز، ۸۰، ۲۰۱
دارصینی زور، ۱۴۱	دشینه، ۱۹۷	دوقو املس، ۱۴۸	ذکور البقل، ۱۴۴
دار فُلُقُل، ۲۲۷، ۳۶	دُعاع، ۱۴۵	دوقو بری، ۱۴۸	ذَنب الأُیَل، ۲۸۷
دارکسنه (عراق)، ۲۴۹	دُعُبوب، ۱۴۵	دوم، ۱۵۷، ۱۶۸، ۲۸۳، ۲۸۴	ذنب الثعلب، ۱۸۱
دارکیسه، ۱۹۹	دُعُلول، ۱۴۵	دوم (مغرب)، ۲۰۸	ذَنب الجَمَل، ۱۲۶
دارکیسه (شام)، ۱۰۷	دَفلی، ۳۷	دومه، ۲۸۳	ذنب الحِدَاة (اندلس)، ۲۳۱
دارکیسه، ۱۴۲	دِفلی، ۳۷، ۱۴۵	دویره، ۲۷۳	ذَنب الحُرُوف، ۱۵۱
دارکیسه (شام)، ۱۹۹، ۲۴۹	دَفلی البیضاء، ۱۴۵	دیس، ۴۳، ۷۸، ۱۴۸	ذنب الخیل، ۵۰، ۶۲، ۲۶۷
دافع الغم، ۱۱۳	دَفلی الخضراء، ۱۴۵	دیس (اندلس)، ۵۰، ۱۷۵	ذَنب الخَیَل، ۵۰، ۱۵۱
دائج أبروج، ۱۴۲	دِق، ۱۴۳	دیک الاعمی، ۱۱۸	ذنب السَّیج، ۱۵۱
داء الحیه، ۱۰۶	دُلَاع، ۸۱، ۸۲	دیک الاعور، ۱۱۸	ذَنب العقرب، ۱۵۱، ۱۵۲
دَب، ۲۹۱	دلاع البری، ۱۲۶	دیک (اندلس)، ۱۴۴	۲۰۴
دَبَا، ۱۴۲، ۲۳۷	دلال، ۱۸۰	دیک اَعُور، ۱۱۸	ذنب الفار، ۲۶۹
دَبِق، ۵۱، ۵۸، ۱۶۷	دُلب، ۱۴۵	ذات الریش، ۱۴۹	ذَنب الفار (اندلس)، ۲۶۹
دَبِق، ۱۴۲	دلب، ۲۱۷، ۲۹۰	ذات ثلاث حَبَات، ۱۶۲	ذنب الفاره، ۲۶۹
دِیقی، ۵۱	دَلبوث، ۴۵	ذافنی الاسکندری، ۱۴۹	ذنب الفرس (شام)، ۱۵۱
دبی، ۹۶	دَلبوث، ۲۵۷	ذاقنی الاسکندری، ۱۴۹	ذنب القَط (اندلس)، ۱۵۱
دَجَر، ۲۷۱	دلغ، ۱۴۶	دُتِج، ۶۳، ۱۰۳، ۲۶۵	ذنب اللبوء، ۱۵۱
دحداح، ۱۴۳	دُلم (فاس)، ۱۴۵	دُتِخَة، ۶۳	ذنب اللُوء، ۱۵۱
دُخَن، ۱۰۰، ۱۴۳	دم الاخوین، ۱۹۲	ذراعه (مصر)، ۲۳۶	ذنب النمر، ۷۵
دُخَن البری، ۱۱۹	دم الأخوین، ۲۱۵، ۶۹	ذرق، ۱۲۵	ذنب الهرز، ۸۷
دخن العصافیر، ۱۴۳	دم الأَخَوِین، ۱۴۶، ۱۷۹	ذُرَق، ۲۹۱	ذنبان، ۱۵۱
دخن النملی، ۱۴۳	دم الأمیر، ۱۴۷	ذُرَق الحَمَام، ۱۵۰	ذُنباء، ۱۵۱
دخن بری، ۱۰۰	دم الغزال، ۱۴۷	ذُرَق الطیر، ۸۷	ذوات الجُجم، ۲۰۴
دُخَنه، ۴۴	دمیثا، ۹۷	ذُرَق الطَیْرِ، ۱۵۰	ذوات جُجم، ۲۵۶
دُخَنه مریم، ۷۴	دند، ۱۴۷، ۲۷۶	ذُرَه، ۲۰۳	ذو أَلَف ورقه، ۱۵۱، ۱۷۱
درامج، ۱۴۳	دَنَقَة، ۱۶۴، ۱۹۴	ذُرَه، ۲۶۳	ذو ثلاث ألوان، ۱۵۲
درانیج، ۱۴۳	دوام (انطاکیه)، ۸۶	ذُرَة، ۱۴۹	ذو ثلاث حَبَات، ۱۶۲
دُرَحُولَة، ۱۴۴	دواء الجنون، ۵۵	دُرَیْزَة السُّخَم (مصر)، ۲۷۳	ذو ثلاث شوکات، ۱۵۲
درق، ۱۲۵	دواء الحَیْه، ۱۰۶	ذریرة (مصر)، ۲۷۳	ذو ثلاث ورقات، ۱۵۲
درمامه، ۱۴۴	دواء الحَطاطیف، ۲۷۶، ۲۰۸	ذریزه، ۱۵۰	ذو ثلاثة اوراق، ۲۰۳
درماء، ۱۴۴	دود الصخر، ۷۹	ذفراء، ۱۵۰	ذو ثلاثة ألوان، ۱۵۲

رجل صالح، ۲۸۰	رَبْرِق، ۲۴۹	راحة الكَلْب، ۲۵۴	ذو ثلاثة شعب، ۱۱۸
رجله، ۸۲	ربرق (يمن)، ۱۵۴	رازقئ، ۱۸۱	ذو ثلاثة عناقيد، ۲۰۳
رجلة، ۸۳، ۸۴	رَبْل، ۱۵۴	رازيانج، ۷۸، ۱۵۲، ۲۳۸	ذو خمسة أجنحه، ۸۹
رجلة الشتاء و الصيف، ۱۰۸	رَبْل (مصر)، ۵۶	رازيانج البستاني، ۱۵۳	ذو خمسة اجنحه، ۴۱
رجينه، ۱۹۷	رَتَم، ۱۵۴، ۱۵۱	رازيانج الرومي، ۶۷	ذو خمسة اجنحه، ۸۸، ۱۵۲
رجينه (اندلس)، ۱۵۲	رَتَم الخنزير، ۱۵۴	رازيانج الشامي، ۶۷	ذو خمسة اصابع، ۱۵۲، ۲۳۰
رجينه، ۱۹۷	رَتَم الأطباء، ۱۵۴	رازيانج القروذ، ۱۴۸، ۱۵۳	ذو خمسة اقسام، ۸۸، ۱۵۲
رخامي، ۱۵۵	رُتَه، ۵۲، ۵۴	رازيانج بری، ۱۵۲، ۱۵۳	ذو خمسة اوراق، ۴۱، ۸۸
رخون (بغداد)، ۲۶۱	رُتَه، ۱۵۵	رازيانج حبشی، ۱۵۳	۱۵۲، ۲۳۰
رخينه، ۱۵۲	رتيانج، ۱۹۷	رازيانج رومي، ۱۵۳	ذو خمسة أجنحه، ۱۵۲
ردايف، ۱۱۴	رثيث، ۵۰	رازيانج شامي، ۱۵۳	ذو خمسة أصابع، ۴۱، ۸۸
رسيم (مصر)، ۲۳۶	رجبه، ۱۵۵	رازيانج فارسي، ۱۵۲	۱۵۲
رشاد، ۱۰۲، ۱۱۵	رجل الأرنب، ۲۶۵	رازيانج (مغرب و اندلس)، ۷۸	ذو خمسة أقسام، ۱۵۲
رشال الاحمر، ۴۶	رجل البازي، ۱۵۵، ۲۴۸	رازيانق، ۷۸	ذو سبعة اضلاع، ۲۶۹
رُشالة الابيض، ۲۶۴	رجل الجراد، ۱۵۵، ۱۶۱	راس الذهب، ۱۳۰	ذو شَوْنِكة، ۱۵۲
رشيته، ۱۵۲	رجل الحدأة، ۱۵۵	راسن، ۱۵۹، ۲۵۲	ذو مائة رأس، ۱۵۲
رشيته (اندلس)، ۱۵۲	رجل الحرشاء، ۱۵۵	راسن (اندلس)، ۱۰۶	ذهبي، ۳۴
رضاييف، ۱۱۴، ۱۵۹	رجل الحمام (اندلس)، ۱۲۵	راطينا، ۱۹۷	ذهبيه، ۱۵۲، ۱۵۳
رطا، ۲۴۷	رجل الحمامه، ۳۸، ۱۱۹	رافعه، ۱۳۰	ذی الورقة الواحدة، ۲۷۳
رطب القث، ۱۵۶	۱۲۵	رافعة، ۱۵۴	ذُونون، ۱۵۲، ۲۰۱
رُطبه، ۱۵۵	رِجْل الحَمَامَه، ۳۸، ۴۳، ۲۵۲	راوند، ۱۵۴	رئيس الجَبَل، ۱۱۹
رطبة، ۹۲، ۲۴۱، ۲۳۷، ۲۹۱	رِجْل الحَمَامَة (اندلس)، ۶۸	راوند الجبلي، ۲۵۰	رئيس الجبل، ۱۲۰، ۱۶۰
رُغث، ۱۵۶، ۱۵۸	۱۹۰	راوند الفارسي، ۱۲۲، ۱۵۹	رائحة الأثرُج، ۷۱
رُغى الإبل، ۱۵۶	رجل الدجاجة، ۱۵۵	راوند شامي، ۱۵۴	رائحة البستان، ۲۸۰
رعى الأيل، ۶۰	رجل الدجاجة (أفريقا)، ۷۰	راء، ۱۵۲	رابوقه، ۸۲
رعى الأبل، ۶۰، ۲۸۱	رجل الزاغ (شام)، ۱۵۵	راءآ، ۱۵۲	راتيانج، ۱۹۶
رُغى الأيل، ۱۵۶	رجل الزرزور، ۱۵۵	راء، ۵۹، ۱۳۱، ۱۳۹، ۲۶۳	راتيانج، ۱۹۷
رُغى الأيل، ۱۵۶	رجل الطير، ۳۶	رأس الأفقى، ۴۲	راتينا، ۱۹۷
رُغى البَط، ۱۴۸	رجل العقاب، ۱۵۵	رأس الذهب، ۱۳۲، ۱۵۳	راتيناج، ۱۵۲
رعى الحمار، ۱۵۶	رجل العقق، ۱۵۵	رأس الزرزور، ۱۵۳	راتينج، ۱۵۲، ۱۹۷، ۲۴۴
رعى الحمام، ۶۰، ۷۳، ۲۰۴	رِجْل العُقاب، ۳۶، ۱۴۸	رأس الشيخ، ۵۸، ۱۵۳	راتينج، ۱۹۷
رُغى الحَمَام، ۶۹، ۱۵۶	۱۵۵، ۱۶۲، ۲۵۶	رأس العجل الكبير، ۶۷	راح، ۷۹
رعى الحمير، ۲۲۵	رجل الفروج، ۵۲، ۱۲۳	رأس العصفور، ۱۵۳	راح العرب، ۶۲
رعى الشواهين، ۲۰۴	۲۳۲	رأس القنفذ، ۱۵۳	راحة الاسد، ۲۸۳
رعى الضفادع، ۲۵۴	رِجْل الفَرُوج، ۱۱۶	رأس الهدهد (اسكندريه)، ۲۷۷	راحة الأسد، ۲۸۶
رعى العير، ۴۳	رجل الفروج (اندلس)، ۱۵۵	رب القَرَط، ۱۳۲	راحة الكَف، ۲۵۹
رُعَيْدَاء، ۱۶۴	رجل القلوس، ۱۵۵		راحة الكلب، ۱۵۲
رُعَيْدَاء، ۱۹۴	رجل القلوس، ۱۵۵		

زَعَث، ۱۰۴	رقی (بغداد)، ۸۲	ریحان الثعلب، ۱۴۹، ۱۵۹	زراوند الطویل، ۲۳۴
رغل، ۸۳	رَکَف (آفریقا)، ۷۵	ریحان الجز، ۱۵۹	زراوند الطویل (آفریقا)، ۱۸۶
رُغَل، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۷۰	رمان، ۱۰۴	ریحان السلیمان، ۱۶۰	زراوند مُدَخَّرَج، ۱۶۱
رُغَیْداء، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۹۴	رُمان، ۱۵۷	ریحان السواقی، ۱۵۹	زراوند مدور، ۱۶۱
برفاید، ۱۱۹	رمان الأتھار، ۱۵۸	ریحان الشیاطین، ۱۸۳	زرجون، ۲۱۴
رقاع، ۱۵۷	رمان البر، ۱۵۸	ریحان الشیوخ، ۲۸۰	زرع، ۱۲۶
رُقاع الیمانی، ۱۵۷	رمان السُعال، ۱۵۸، ۲۷۵	ریحان القبور، ۳۶	زَرَع، ۱۲۶
رقان، ۱۲۵	رمان السعالی، ۲۸۸	رَیحان الکافور، ۱۶۰	زرع علی، ۲۵۷
رُقَع، ۱۰۵، ۱۵۷	رمان الهند، ۱۸۹	ریحان الماء، ۳۹	زرق الطیر، ۱۵۷
رقعا، ۱۳۸	رمان الهندی، ۱۸۹	ریحان المُرَد، ۱۵۹	زرنب، ۱۵۵، ۱۶۱
رقع الیمانی، ۱۰۸	رمان بری، ۱۰۴، ۱۱۲	ریحان الملک، ۱۹۸	زَرَنْب، ۱۶۱
رقعاء، ۱۶۹	۲۸۳، ۱۵۸	ریحان النعنع (مصر)، ۳۹	زَرَنْبَاد، ۱۶۱
رَقَعَه، ۱۵۷	رمان بستانی، ۱۰۴	ریحان الیهود، ۱۶۰	زَرَنْبَاد، ۱۶۱
رقعة الرومیه، ۱۵۷	رمان حامض، ۱۵۷	ریحان (اندلس)، ۳۶	زَرَنْک، ۸۰
رقعة الصخریه، ۲۵۷	رمان حلو، ۱۵۷	ریحان بری، ۸۳	زرنیلج، ۱۵۹
رقعة الصخریه (اندلس)، ۲۷۱	رمان هندی، ۱۴۱، ۲۸۸	ریحان داود، ۳۴	زریعة السُوداء، ۱۹۲
رقعة الصنوبریه، ۱۵۷	رمث، ۴۴	ریحان سلیمان، ۱۰۵	زریعة أبلیس، ۱۸۷
رقعة الفارسیة (اندلس)، ۸۷	رمث، ۱۵۸	ریحان قرنفلی، ۲۲۵	زریقاء، ۱۰۵
رقعة اللَّطِینِیة، ۹۷	رُمَح صغیر، ۲۷۱	ریحانة الرومیه، ۱۱۳	زُغُرور، ۱۶۲
رقعة النهریه، ۲۹۱	رند، ۳۶، ۴۳، ۱۴۵، ۱۶۱	ریحانة الفتی، ۱۶۰	زعرور، ۱۶۳، ۱۸۶، ۲۹۱
رقعة (اهل سراق)، ۱۰۸	رُند، ۱۵۹	ریحانة المروء، ۱۱۳	زَعُرور، ۲۸۲
رقعة بریه، ۱۵۷	رند اسکندرانی، ۱۵۹	ریحانة الملک، ۱۱۳، ۱۵۹	زعرور الأدویه، ۵۸
رقعة جبلیه، ۱۵۷	رندلی، ۶۷	رِیسم، ۱۲۲	زعرور یستانی، ۱۶۳
رقعة خضفیة، ۱۵۷	رنف، ۱۵۹	ریفی، ۸۱، ۶۱	زعرور جبلی، ۱۶۲
رقعة سُهلیة، ۱۵۷	روبیان، ۴۴	ریوند، ۲۶۲	زَعُفران، ۱۶۳
رقعة شعریه، ۱۵۷	رُوز (فاس)، ۴۴	زُبَادی، ۱۶۰	زَعُفران، ۲۵۵
رقعة طلبیه، ۱۵۷	روطه (فاس)، ۱۶۷	زُب رِیاح، ۱۵۰	زَعُفران بری، ۱۶۳
رقعة ظَلِیة، ۱۵۷	رَهَج الفأر (مغرب)، ۶۸	زُب رِیاح، ۲۰۱	زَعُفران حبشی، ۱۶۳
رقعة فارسیه، ۱۵۷	ریباس، ۴۰، ۱۵۹، ۲۳۰	زُب رِیاح، ۲۰۱	زَعُفران شرکی، ۱۶۳
رقعة قَرَنْقَلِبَه، ۱۵۷	۲۸۲	زَبَعَر، ۲۸۰	زَعُفران هندی، ۱۶۳، ۲۵۵
رقعة لَطِینِیة، ۱۵۷	ریباس الجبلی، ۱۲۲	زَبُوج، ۲۰۶	زَعُفَرَاء، ۱۶۳
رقعة مَرَجِیة، ۱۵۷	ریباس الخراسانی، ۱۲۲	زَبُوج (اندلس)، ۱۶۶	زَعْبِج، ۱۱۲، ۱۶۶، ۲۵۱
رقعة نهریه، ۱۵۷	ریباس الفارسی، ۱۲۲	زَبِیب الجبل، ۱۱۱، ۲۸۷	زَعْبِج، ۲۰۶
رَقُون، ۱۲۵	ریحان، ۳۱، ۳۵، ۱۸۴، ۲۴۹	زَبِیب الجبلی، ۲۸۷	زَعْبِج، ۲۰۶
رَقُون، ۱۲۵	زَیحان، ۱۵۹	زَبِیب الریفی، ۲۸۷	زَعْبَر، ۲۸۰
رقه، ۲۱۸	زَیحان الامروء، ۲۷۹	زَبِیب بری، ۱۱۱	زَعْبَر، ۲۸۰
رَقِیب الشمس، ۱۵۷	ریحان الترنجانی، ۷۱	زِدوار، ۱۰۱	زَعْبَر، ۱۶۳
		زراوند، ۱۶۰	



زفروف (فاس)، ۲۱۳	زَهرة، ۱۶۵	سامر (شام)، ۲۸۴	سراج متوج، ۱۶۸
زفیزف (اندلس)، ۲۱۳	زهرة الحجر، ۱۶۵	سامری، ۱۵۴	سراجیه، ۶۰
زَقوم، ۱۶۳، ۱۹۸	زهم، ۱۶۱	سانوج (فاس)، ۱۹۲	سراویل الطلول (اندلس)، ۶۰
زقوم آخر، ۱۶۳	زیت السودان، ۱۶۶	سینت، ۵۷	
زلائف الملوک، ۲۴۷	زیت المهرجان، ۱۶۶	سینت، ۲۳۷	سراویل الکُکّه (اندلس)، ۲۶۷
زلائییه، ۱۶۳	زیت الهرجان، ۱۶۶	سبب، ۲۷۳، ۲۵۶	
زلائف الملوک (مغرب)، ۲۴۷	زیتون، ۵۷	سَبْع الأرض، ۷۵	سَرُج، ۱۶۹
زَلَم، ۴۹، ۱۶۳	زیتون، ۱۶۵	سبع الشَّعراء، ۱۶۷	سرخس، ۶۵، ۱۵۷
زمارة الراعی، ۲۸۱	زیتون الأرض، ۱۲۸، ۲۷۵	سَبْع الکُتَّان، ۱۶۷	سرخس البلوط، ۱۴۴
زَم البول، ۱۱۸	زیتون البحر، ۱۶۶	سبعة اصول، ۲۷۹	سرخسی، ۶۵
زَنْ، ۱۳۷	زیتون البری، ۱۶۶	سجَلَّاط، ۲۹۹	سرسر الیدیک (شام)، ۱۴۶
زَنْ، ۱۴۷	زیتون الجبلی، ۲۰۶	سحار، ۹۶	سرقوقینا (شام)، ۱۹۳
زَنْبِق، ۱۵۲، ۱۶۴	زیتون الحَبَش، ۱۶۶	سحارة، ۱۸۹	سَرْمِج، ۲۴۱
زَنْبِق (دمشق)، ۱۶۴، ۱۸۱	زیتون الطحال، ۱۶۶	سَحیر، ۱۵۱	سَرْمَق، ۱۷۰، ۲۴۱
زنبوج، ۱۶۵	زیتون الکَلْبَة، ۱۶۶	سحیمه (اندلس)، ۲۶۷	سرمق، ۲۴۱، ۲۷۹
زنبوع، ۴۰	زیتون الماء، ۱۶۵	سُخْر، ۱۶۷	سرو، ۳۰۱
زَنْجیل، ۱۶۴، ۱۷۱	زیتون المعز، ۱۶۶	سَداب، ۱۲۴، ۱۵۰	سُرَة الأرض، ۱۶۹
زنجیل الافرنجی، ۱۶۴	زیتون بری، ۱۶۶	سُداب، ۱۶۷	سسترنه (اندلس)، ۱۸۷
زنجیل العجم، ۵۰، ۱۶۴	زیتون صخری، ۱۶۶	سَداب البر، ۱۱۶	سُطَّاح، ۲۵۲
زنجیل الفارس، ۵۰	زیتون هندی، ۱۹۹	سَداب بری، ۱۱۶، ۱۶۸	سط (مصر)، ۵۷
زنجیل الکلاب، ۱۶۴	زیتونیه، ۱۴۴	سَداب بستانی، ۱۶۸	سعالی، ۱۷۱
زنجیل بلدی، ۱۵۳	زیتونیه (مصر)، ۷۰	سدايان (مصر)، ۱۷۴	سَغَر، ۱۶۵
زنجیل شامی، ۱۵۳	زیزفون (دمشق)، ۱۶۶	سیدر، ۱۶۸	سَعتر، ۱۸۷، ۱۹۵
زنجیله (اسکندریه)، ۲۲۳	زیتة الراحین، ۷۹	سدر، ۲۱۴، ۲۷۲، ۲۸۹	سَعتر الحمیر، ۱۱۰
زند (شام)، ۲۱۸	سابقه، ۷۵	سدر بری، ۶۲	سُعَد، ۱۷۱
زَنقال، ۹۶	ساییزج، ۲۷۰	سِذْران، ۱۶۸	سعدان، ۱۷۲
زوان، ۱۰۵، ۱۴۷، ۱۵۱	ساداوران، ۱۶۶	سِذْرَة، ۱۶۸	سُعْدی، ۱۴۸
۱۵۷، ۱۹۴	ساداوران قنطار، ۱۶۷	سدوس، ۲۹۲	سعدی المُضَفَّرَة، ۱۷۱
زَوان، ۱۶۴	ساذج، ۲۸۸	سَذاب، ۹۷	سَعفور الصفالیه، ۱۶۳
زوان (مغرب)، ۱۹۴	ساذج هندی، ۱۶۷	سَذاب، ۱۶۷	سَعله، ۷۳
زوفاء، ۱۹۵، ۲۸۱	سارق الخاتم، ۲۹۲	سَذاب البر، ۱۵۰	سُعْلَه، ۱۷۲
زوفای رطب، ۱۶۵	ساسم، ۳۳	سَذاب بری، ۴۸، ۹۷	سَعند، ۸۶
زوفای یابس، ۵۲، ۱۶۵	ساسنوا (فاس)، ۱۰۶	سراج البری، ۱۶۸	سَعوط، ۱۷۲
زوفرا، ۱۴۸، ۱۶۵، ۲۲۳	ساق الاسود، ۷۶	سراج الظلام، ۲۶۳	سَعوط الدَوَاب، ۲۶۳
۲۴۸، ۲۸۱	ساق الوصیف، ۷۶	سراج القطرب، ۱۳۲، ۱۴۰	سَفَرْجَل، ۱۷۲، ۱۸۶
زوفراء، ۱۴۸	ساکتة، ۲۸۰	۲۶۳، ۲۷۲	سفرجل الهند، ۱۸۹
زهر الملح، ۱۶۵	سالمة، ۴۸	سِراج القُطْرَب، ۱۶۸	سفرجل هندی، ۱۸۹
	سالة، ۱۳۰	سراج القطریل، ۱۶۹	سفری، ۱۵۸

سفناریه (فاس)، ۱۰۳	سَمَار، ۱۴۸	سنبِل الاقلیطی، ۲۸۷	سورنجان الدقیق (اندلس)، ۲۱۲
سِقَام الجن، ۲۵۷	سَمَار، ۱۷۵	سنبِل الرومی، ۲۸۸، ۱۷۸	سورنجان قتال، ۱۰۸
سقمونیا محموده، ۱۷۲	سَمَاق، ۱۷۵	سنبِل الطیب، ۱۷۷	سورنجان هندی، ۱۲۱
سقویردی، ۲۷۷	سَمَاق، ۲۰۶	سنبِل العصافیر، ۱۷۸، ۱۷۷	سوری، ۱۷۷
شُکَات، ۱۷۳	سَمَاق الدباغین، ۱۷۵	سنبِل الکلاب، ۵۰	سوس، ۱۶۰، ۱۸۰
شُکْبِینَج، ۱۷۳	سَمَاق بری، ۲۸۰	سنبِل الکلب، ۱۷۸	سوسن، ۱۱۲
سُکَر، ۱۷۳	سَمَاقِیل، ۱۷۵	سنبِل الملوک، ۲۸۱	سُوسن، ۱۸۰
شُکَر العُشَر، ۱۷۳	سَم البهائم، ۱۴۵	سنبِل اقلیطی، ۲۸۸	سُوسن، ۱۸۰
سکوم (فاس)، ۲۹۷	شَم الحمار، ۱۴۵	سنبِل بری، ۴۶، ۲۲۹، ۲۸۵	سوسن اصفر، ۷۵، ۱۶۵
سَلَب، ۱۷۴	سَم الحمار، ۱۴۵	۲۸۸	سوسن الاحمر، ۱۴۶
سلبین، ۱۱۴	سَم السمک، ۲۷۷	سنبِل جبلی، ۱۷۷، ۲۸۸	سوسن الارجوانی، ۱۸۰
سُلَت، ۱۲۶، ۱۷۳، ۱۷۴، ۲۰۱	سَم الفأر، ۶۸	سنبِل رومی، ۴۶، ۱۷۷	سوسن الاسمانجونی، ۷۵
سلجم، ۹۰	سَمَام، ۲۲۱	سنبِل (عوام)، ۷۶	سُوسن الازمانجونی، ۱۸۱
سلطان، ۱۵۸	سَمَانی (اندلس)، ۲۹۲	سنبِل هندی، ۱۴۱، ۱۷۷	سُوسن الأبیض، ۱۸۱
سلطان الاشجار، ۱۶۹	سَمَر (اهل بادیه)، ۶۲	۲۸۸، ۱۷۸	سوسن الأَزَاذ، ۱۸۰
سلطان البقول، ۱۸۳	سَمَرَاء، ۱۷۵	سَنجَار، ۳۸، ۱۴۶، ۲۹۶	سوسن البری، ۱۴۶
سلطان الجبل، ۷۵، ۲۴۹	سَمَسِر، ۳۴	سَنج سبویه، ۱۷۹	سوسن الفیروزجی، ۷۰
سلطان الجبل (اندلس)، ۱۹۵	سَمَسِق، ۳۴	سَنَدِیَان الأرض، ۱۷۹	سُوسن أَصْفَر، ۱۶۴
سلطان الریاحین، ۱۸۳	سَمَسِق، ۲۷۹	سَنط، ۷۷، ۲۳۷	سوسن أَصْفَر، ۱۸۱
سَلَع، ۱۷۴	سَمَسَم، ۱۰۱	سَنط، ۱۳۲	سوسن بحری، ۸۰
سَلَع، ۱۷۴	سَمَسِیم، ۱۷۶	سَنوت، ۲۶۲	سوسن بری، ۱۴۴، ۱۴۶
سَلَق، ۸۲	سَمَسَم بری، ۱۷۶	سَنوت الجبلی، ۲۴۸	۱۸۱، ۲۰۷، ۲۵۷
سَلَق، ۱۳۳	سَمَعَر، ۵۹	سَوَاد الاکْرَاد، ۲۵۷	سوسن بستانی، ۸۰
سَلَق، ۱۷۴	سَمَهَر، ۱۲۶	سَوَاد الحکام، ۱۶۶	سوسن رملی، ۸۰
سَلَق، ۱۹۷	سَمِید العَنزروت (فاس)، ۶۶	سَوَاد السند، ۲۵۷	سومر، ۱۴۸
سَلَق البری، ۱۲۲	سَمْتِیرَاء، ۱۳۰	سَوَاد العُصَارَة، ۱۶۷	سَوِیدَاء، ۱۹۲
سَلَق المَاء، ۹۹، ۱۱۰	سَمْتِیرَه (اندلس)، ۴۷	سَوَاد القضا، ۱۷۹	سویلا، ۷۶
سَلَق بری، ۱۲۳، ۱۷۴	سَنَا، ۱۷۶	سَوَاد القضا، ۱۶۶	سهلی، ۹۶
سَلَق بستانی، ۱۷۴	سَنَا البَلَدی (اندلس)، ۲۱۸	سَوَاد القَطَا، ۱۶۸	سَینَسَبَان، ۱۸۲
سَلَق جبلی، ۱۲۲	سَنَا اَنْدَلَسی، ۲۱۸	سَوَاد الهِنْد، ۱۷۹، ۲۵۷	سَیف الغَرَاب، ۷۰، ۱۴۶
سَلَم، ۱۷۴	سَنَار، ۲۲۴	سَوَاک العَبَّاس، ۱۵۶، ۲۵۴	۱۸۱، ۲۵۷
سلمه، ۱۷۴	سَنَامکی، ۱۷۶، ۲۰۹	سَوَاک القُرود، ۵۲	سَیف القَرَاب، ۱۴۶
سلیخ اسود، ۱۷۹	سَنایزه (مصر)، ۶۲	سَوَاک القُرود، ۱۹۲	سَیف القَرَاب، ۱۸۱
سلیخه، ۱۴۱، ۱۷۹، ۲۳۹	سَنای عَرِیض الورق (حجاز)، ۲۰۹	سَوَاک المَسِیح، ۲۹۲	سیکران، ۸۸
سلیط، ۱۷۶	سَنبِل، ۱۴۱، ۲۵۸	سَوَاک عَبَّاس، ۲۹۲	سیکران الحوت، ۹۰، ۲۷۷
سَمَار، ۴۹، ۷۸، ۱۴۸	سَنبِل، ۱۷۷	سَوَاد الوَرَق، ۱۹۱	سیکران (اندلس)، ۸۸

سیوف، ٧٥	شبه الكواكب، ٥٤	شجر الغُیَّراء، ٢١٩	شجرة البق (شام و عراق)، ١٤٤
شابالنج، ٧٧	شبهان، ١٨٥	شجر الغرب، ٢٢٠	شجرة البق (عراق)، ١٤٤
شابانج، ٧٧	شبهه بالكُرَّاث، ٦٣	شجر الفندک، ٢٩٠	شجرة البُنْدُق، ١٠٥
شابانک، ٧٧	شجر، ٢٤٧	شجر الفوفل، ١٠٩	شجرة البوق، ٧٦، ٢٤٥
شاذاسبرم، ١٩٨	شجر ابراهيم (ع)، ٢٢٠	شجر القدس، ٢٣٣	شجرة التنين، ١٨٦
شاض، ١٨٣	شجر الارز، ٣٠١	شجر القطران، ٢٣٤	شجرة الجن، ١٤٩
شاعَة البستانيه (اندلس)، ١٧٦	شجر الاهد، ١٦١	شجر القَطْلَب، ٢٣١، ٢٤٢	شجرة الحَب، ٥٩
شاعَة الصخرية، ٢٧٤	شجر الأثل، ٤٠	شجر القنا، ٢٤٥، ٢٥٩	شجرة الحر، ٣٥
شاعَة صخرية (اندلس)، ١٧٦	شجر الأثل، ٥٧	شجر الکافور، ١٦٠	شجرة الحَضَض، ١٢٠
شالبيه، ١٩٤، ٢٨٣	شجر الأجاص، ٢١٧	شجر الکافور (موصل)، ٥٧	شجرة الحَنَّا، ١٢٥
شالبيه (اندلس)، ٦٠	شجر الأصطرك، ٢٠٦	شجر الکلب، ٢١٢	شجرة الحَنَش، ٢٧٣
شالم، ١٩٤	شجر البان، ١١١	شجر اللادن، ٢٦٥	شجرة الحیات، ١٧٠
شاهبانج، ١٨٣	شجر البراغيث، ١٩٩	شجر اللبني (شام)، ٢٠٦	شجرة الخطاطيف، ٢٠٨
شاهبانک، ١٨٣	شجر البق، ١٤٤	شجر المَحَلَب، ٢٠٦	شجرة الخولان، ٨١
شاهترج، ٨٣، ١٠٣، ١٠٦	شجر البق، ٢٩٠	شجر المَرَّان، ٢٧٨	شجرة الدب، ٥٨، ١٦٢
١٥٠، ١٥٢، ١٨٣، ٢٥٧	شجر التيس، ١٨٦	شجر المَيس، ٢٧٢، ٢٩٠	شجرة الدب، ١٦٢، ١٨٦
شاهترج، ١٨٣	شجر الجوز الرومي، ٢٦٤	شجر نهام، ١٧٤	شجرة الدبق، ١٤٢
شاهدانج، ١٨٥، ١٥٨	شجر الحب (آفريقا)، ٥٩	شجر حب الأسير، ١٠٨	شجرة الدردار، ١٨٥، ٢٦٩
شاهدانق، ٢٤٥	شجر الحَضَض، ٢٧١	شجر دردار، ١٧٨	شجرة الدم، ٣٨، ٦٦
شاهسَنَرم، ١٨٣	شجر الحور الرومي، ١٢٧	شجر رستم (مغرب)، ١٦٠	شجرة الدم (شام)، ١٨٣
شاهلوج، ٢١٧، ١٨٤، ٤١	شجر الحية، ١٠٦	شجره ابراهيم، ١٨٣	شجرة الراهب، ١٨٥
شاهلوك، ٤١	شجر الخابور، ١٣٨	شجره الأزز، ٤٤	شجرة الرمح، ٢٧٨
شاهور (مصر)، ١٠١	شجر الخبيثة، ١٤٥	شجره قلى، ١٨٧	شجرة الزغرور، ١٦٢
شايبكه، ٦٦	شجر الخرنوب، ٣٠١	شجره مريم، ٢٠٦	شجرة الشين، ١٨٦
شباب، ٢٧٦	شجر الخَلَنج (مغرب)، ٤٦	شجرة ابراهيم، ٤١، ١٨٥	شجرة الصبر، ٦١، ١٩٥
شب ارماس، ١١٩	١٣٧	٢٣٦	شجرة الصنم، ١٦٨
شَبَت، ١٨٤	شجر الدردار، ١٤٤، ٢٩٠	شجرة ابى مالک، ١٨٥	شجرة الضفادع، ١٨٦، ٢٥٤
شبر، ٩٦	شجر الدلب، ١٤٥	٢٤٤، ٢٠٥	شجرة الطحال، ١٩٥
شَبَرَق، ١٣٧	شجر الرند، ١٤٩	شجرة اكله، ٣٩	شجرة الطرفاء، ٢٠٢
شَبَرَق، ٢٧٨	شجر الشيزي، ٣٣	شجرة الأجاجص، ٤١	شجرة الطلق، ١٨٦
شَبَرَق (حجاز)، ١٩٨	شجر الصَفَصاف، ١٢٧	شجرة الأمير باریس، ١٢٠	شجرة الطهر، ٤١
شَبَرَم، ١٨٤	١٣٦، ٢٩٠	شجرة البراغيث، ٧٧، ١٩٩	شجرة العثم، ١١٢، ٢٠٦
شَبَرَم، ٣٠٠	شجر الصنوبر الکبار، ١٩٧	٢١٩	شجرة العرس، ٢٩٢
شَبَهان، ١٨٥	شجر الصُعب، ٥٥	شجرة البطم، ٨١	شجرة العصب، ٢٩٢
شبيه، ١٨٥	شجر العِلک (اندلس)، ٥١	شجرة البق، ١٤٤، ١٤٩	شجرة العناب، ١٦٨
شبيه الذهب، ٢٧٢	شجر العناب، ٨٤	١٧٨	شجرة العود، ٢٩٦
	شجر الغار، ١٤٩، ١٥٩	شجرة البق (شام)، ١٨٥	شجرة العيثام، ١٤٥

شجره الغار، ۱۴۸	شجيرة مريم، ۱۸۳	شعر الجن، ۷۵، ۷۶، ۲۵۷	شَقَوَاصُ البحر، ۲۸۴
شجرة الغسلین، ۲۴۳	شحم الارض، ۱۰۷، ۲۴۲	شِعْر الجياد، ۱۸۷	شَقَوَاصُ (اندلس)، ۲۶۵
شجرة الفارسية، ۷۶، ۳۵، ۲۶۶	شحم الحنظل، ۱۸۷	شعر الخنازیر، ۲۵۷، ۷۶	شَك، ۶۸
شجرة الفُرس، ۸۱	شَحْم الطَّعام، ۶۷	شعر الذیْب، ۵۵	شَكَّاص، ۲۶۴
شجرة الفُلْفُل (اندلس)، ۴۱	شَحْم المَرَج، ۲۱۱، ۱۳۶	شَعْر العِجَل، ۲۸۰	شکاع، ۷۱، ۱۸۹
شجرة القدس، ۲۹۱	شحم النخل، ۹۵	شعر العیار، ۷۶	شکاعا، ۱۸۹، ۲۷۸
شجرة القرمز، ۶۱	شَحْمَة الارض، ۲۶۰	شَعْر الغزال، ۵۵	شکاعی، ۳۷، ۷۲، ۱۵۲
شجرة الکف، ۱۸۶	شَحْمَة الدجاجة، ۱۵۳	شعر الفُول، ۱۸۷	شُکاعی، ۱۸۹
شجرة الکلاب، ۲۲۴	شَحْمَة المَرَج، ۱۲۹	شَعْر الفول، ۲۵۷	شُکاعی، ۱۸۹
شجرة الکلب، ۶۰	شحمیة (اندلس)، ۶۰	شعر الکلاب، ۷۶	شکه (اندلس)، ۱۰۶
شجرة اللبھق، ۲۴۵	شحیره، ۲۰۴	شعر الماء، ۷۶	شَلْجَم، ۱۸۹
شجرة الله، ۳۹	شَحْمَة (اندلس)، ۲۶۷	شعر الماء، ۲۵۷	شمار، ۷۸
شجرة اللیثی (شام)، ۱۸۶	شَخ، ۲۹۰	شعران، ۱۲۳، ۱۵۸	شَمار العریض، ۱۵۳
شجرة المريم، ۷۴	شُدْهه، ۹۲	شعری، ۹۶	شمار (مصر و شام)، ۱۵۲
شجرة المصطکی، ۲۸۲	شدونی، ۱۲۶	شعیر، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۸۷	شُماری (قبروان)، ۱۰۶
شجرة المطهره، ۴۱	شرائط، ۱۷۸	شعیر الحامض، ۱۷۳	شمام، ۱۴۴، ۱۹۰
شجرة النبی، ۸۵، ۲۰۶	شَراره، ۶۳	شعیر الرومی، ۱۲۶	شمامات (شام)، ۱۴۵
شجرة الیمام، ۹۵	شرب، ۲۲۴	شعیر العاری، ۱۷۳	شمام (شام)، ۱۴۴
شجرة أبراهیم، ۱۸۳	شربت، ۲۲۴	شعیر العربی، ۱۳۹	شمرة، ۱۲۶
شجرة أم کلب، ۶۲	شربت، ۲۸۰	شعیر الفارسی، ۱۲۶	شمسار، ۸۲
شجرة باردة، ۱۸۵	شرد (لبنان و بیروت)، ۱۶۹	شعیر الفاری، ۱۷۳	شمشاد (شام)، ۸۲
شجرة دردار، ۱۴۴	شرم، ۱۸۷	شعیر النبی (اندلس)، ۱۳۹	شمشار، ۸۲
شجرة دم الاخوين، ۱۴۶	شُرْبُلَه، ۴۱	شعیر رومی، ۱۳۹	شملال، ۱۰۵
شجرة ذوالقرنین الملک	شری، ۱۸۷	شغالة، ۲۷۴	شمور، ۱۵۳
اسکندر، ۱۶۸	شَری، جِام دانج، ۱۲۶	شَفَلَج، ۲۵۰	شنار، ۲۲۴، ۲۸۰
شجرة رستم، ۱۸۶	شُشْرُب، ۱۸۷	شَقائِق الفرس، ۲۷۶	شَنبِلِید، ۱۸۰
شجرة سلیمان، ۱۳۲	شُشْرِث، ۱۸۷	شَقائِق النعمان، ۱۸۸	شنجار، ۳۸، ۶۶، ۶۸، ۱۳۴
شجرة سلیمان بن داود، ۱۶۸	شطبة (فاس)، ۱۰۲	شَقائِق النعمانی البری، ۱۸۸	۱۸۷، ۱۹۰، ۲۵۲
شجرة سندیان الأرض، ۲۲۴	شطریه، ۱۸۷	شَقائِق النعمان، ۱۳۴، ۱۵۸	شَنذاب (لبنان)، ۱۴۳
شجرة کثیرا، ۲۳۳	شَطْرِیة، ۱۸۷، ۲۰۲	شَقائِق النعم، ۱۸۸	شنغار، ۳۸
شجرة لا ولا، ۱۶۵	شَطْطِیة (مغرب)، ۱۸۷	شَقائِق النعمان، ۱۸۸	شنقار، ۳۸، ۱۹۰
شجرة مَحْلَب، ۱۱۲	شعاریر، ۲۴۴	شَقائِق النعمان، ۱۳۴، ۱۵۸	شَنقار، ۳۸
شجرة مريم، ۷۰، ۱۸۶	شعایر، ۲۳۳	شَقائِق النعمان، ۱۳۴، ۱۵۸	شَنقال، ۳۸
شجرة مريم (اندلس)، ۵۷	شعر الارض، ۷۶	شَقائِق النعمان، ۱۳۴، ۱۵۸	شَنکال، ۳۸
شجرة مريم (مصر)، ۴۱	شعر الجان، ۷۶، ۲۵۷	شَقائِق النعمان، ۱۳۴، ۱۵۸	شوال الحمار، ۱۳۳
شَج مال، ۱۵۵	شعر الجَبَّار، ۷۶	شَقائِق النعمان، ۱۳۴، ۱۵۸	شوبر (اندلس)، ۹۱
	شعر الجَبَّار، ۱۸۷	شَقو، ۱۸۸	شَوْحَط، ۳۳، ۲۰۰
	شعر الجبال، ۷۶	شَقواص، ۶۰	شوحط، ۱۳۹

شَوَخَط، ۱۹۰	شوكه العصیة، ۸۱	شَنِيب العَجُوز (اندلس و صارة (اندلس)، ۲۷۳
شورة (حجازی)، ۲۶۳	شوكه العُقرب (حجاز)، ۱۱۴	صالبیة، ۱۹۴
شَوَز (حجازی)، ۱۹۱	شوكه العُقرب (شام)، ۱۰۵	صباحی، ۹۶
شوع، ۱۱۱	شوكه العلك، ۵۱	صبار، ۹۵
شوك، ۲۸۲	شوكه المصریة، ۷۲، ۱۹۱	صَبَار، ۱۹۴
شوك الجمال، ۵۰، ۲۷۰	شوكه المِصریة، ۱۹۱	صبارا، ۱۹۵
شوك الجمل، ۱۱۴	شوكه المُنكَرة، ۵۹	صَبَارَه، ۱۹۵
شوك الجمل (مصر)، ۱۵۶	شوكه اليهودیة، ۱۹۱، ۲۳۶	صَبَارَه (مغرب)، ۱۹۵
شوك الحمیر، ۲۲۵	شوكه حادة، ۶۱	صَبَارَة، ۶۱
شوك الدراجین، ۱۱۴، ۱۴۸	شوكه رهاویة، ۱۰۹	صَبَارِی، ۱۹۴
شوك الدراجین، ۱۴۹	شوكه زرقاء، ۲۳۶	صبر، ۱۲۰، ۲۳۹
شوك الدراجین، ۱۴۹	شوكه شهباء، ۳۰۱	صینر، ۱۹۵
شوك الدَمَن، ۱۱۴	شوكه عربیة، ۱۸۹	صَبَر، ۱۹۵
شوك العلك، ۵۱	شوكه مصریة، ۱۹۱، ۲۳۷	صبر خضرمی، ۱۹۵
شوك الفَاَزَة، ۲۸۷	شوكه مغیلة، ۱۸۷	صیب، ۱۹۵، ۲۸۷
شوك الفراء، ۲۲۵	شوكه متنته، ۲۱۹	صدی، ۹۶
شوك الفلك، ۱۱۴	شوكه مُثَبِّتَة، ۱۹۹	صَرَاخَه (اندلس)، ۲۷۳
شوك القناد، ۲۵۱، ۳۰۱	شوكه منفته، ۱۹۹	صَرَاخَة (اندلس)، ۲۳۱
شوك المُفْلَل، ۵۹	شوكه یهودیة، ۲۳۶	صَرَاخَة (اندلس)، ۲۷۳
شوك المُفْلَل، ۱۰۵	شومر، ۷۸	صرم الدیك، ۱۴۶
شوك المُفْلَل، ۱۹۲، ۲۳۶	شونیز القمح، ۱۴۵	صرو، ۱۹۱
شوكران، ۱۹۱	شونیز بری، ۲۶۲	صَرِیمَة الجَدَى، ۱۶۰، ۱۹۵
شوكران الحوت، ۲۷۷	شویعة (اندلس)، ۲۰۴	صَرِیمَة الجَدَى (اندلس)، ۷۵
شوكه اعرابی، ۱۹۱	شویكة ابراهیم (اندلس)، ۲۳۶	صرین عصلی، ۲۷۳
شوكه اعرابیة، ۶۲	شویلاء، ۷۶	صَغَر، ۱۹۵، ۲۷۹
شوكه قبطیة، ۱۷۴	شَوِیلاء، ۱۲۳	صعتر البقر، ۱۹۵
شوكه مصریة، ۶۲	شَهْدَانِج، ۱۱۲	صعتر الجوارى، ۱۹۵
شوكه ابراهیم (شام)، ۲۳۶	شهدانج، ۲۴۵	صعتر الحجازی، ۱۹۵
شوكه البیضاء، ۵۸، ۵۹، ۷۱	شهدانج بری، ۱۳۷	صعتر الحمیر (مغرب)، ۱۱۰
۷۲، ۱۸۹	شهدیة، ۱۵۵	صعتر الرمانی، ۱۹۵
شوكه الجمال، ۲۰۶	شَیَّان، ۴۲	صعتر الرومی، ۵۹
شوكه الدهن، ۱۱۴	شَیَّان، ۱۴۶، ۲۱۵	صعتر الزیتون، ۱۹۵
شوكه الزرقاء، ۱۹۱، ۲۳۶	شَیَّان القاطر، ۶۹، ۸۴	صعتر العدس، ۱۰۵
شوكه الزرقاء (شام)، ۱۰۵	شَیَّان (مغرب)، ۳۷	صعتر الغیاضی، ۱۹۵
شوكه السّوداء، ۱۹۱	شیب الشجر، ۵۲	صَغَر الفارسی، ۱۹۵
شوكه السّوداء، ۲۳۶	شیب العجوز (اندلس)، ۵۲	صعتر الفرس، ۱۰۵
شوكه الشهباء، ۱۰۹، ۲۷۰		صعتر الفرس، ۱۰۵
شوكه العربیة، ۱۸۹		

صعتر القُزُس، ۱۹۶	صنوبر نر، ۴۴	ضمران، ۱۵۹	طرف، ۲۰۲
صعتر رومی، ۱۶۵	صنبن، ۱۹۷	ضَمران، ۱۹۸	طرفاء، ۴۴، ۱۷۰، ۲۰۲
صعتر (شام)، ۲۲۹	صواب، ۹۵	ضمیران، ۱۸۴	۲۲۰
صَعِیْتره، ۱۹۵، ۱۱۸، ۵۵	صوب، ۹۶	ضومران، ۷۱، ۱۹۸، ۲۲۹	طَرْفَه، ۲۰۲
صغد، ۱۹۶	صوصله، ۱۹۷	ضومران، ۱۵۹	طرفه، ۲۰۲
صَفار، ۹۱	صوف الارض، ۲۲۴	طُبَار، ۹۶	طروج، ۵۲
صَفراء، ۱۹۶	صوف البحر، ۵۵، ۲۰۰	طبار، ۹۶	طروقون، ۷۶
صفصاف، ۵۰، ۷۲، ۱۳۶	صومران، ۱۹۸	طبار، ۹۶	طریفا، ۲۳۶
۲۹۰، ۲۲۰	صیاره (اندلس)، ۲۷۳	طَباشیر، ۱۹۹	طُعْمَة الخَمراء، ۲۳۱
صفصاف البَلْخی، ۱۸۹	صیدلانی، ۱۳۲	طباشیر هندی، ۱۹۹	طُعْمَة حَمراء، ۲۴۲
صُفیراء، ۵۴، ۶۳، ۸۲، ۲۵۹	صیصاء، ۱۲۶	طَباق، ۱۹۹، ۲۴۷	طُغی، ۲۸۳
صُفَیْراء، ۱۹۶	ضابطه، ۱۳۴، ۲۵۷	طَباق (آفریقا)، ۲۱۹	طغیر، ۲۰۴
صفینه، ۳۹	ضابطه الجبلیه، ۱۳۰	طَباقه، ۳۷	طَقارَه، ۱۴۸
صقابس، ۲۳۳	ضال، ۱۶۸	طَباقه الجبلیه، ۶۲	طِلاء، ۲۰۳
صقار، ۹۱	ضباب البری (اندلس)، ۱۳۱	طَباقه (اندلس)، ۱۹۹	طَلَح، ۶۲، ۲۰۳
صَلوان (موصل)، ۱۹۶	ضبر، ۲۹۰	طبق، ۲۰۰	طلح، ۲۶۳، ۲۸۵
صِلْیان، ۱۹۶	ضجاج، ۱۹۷	طبله، ۲۰۵	طَلَع، ۹۴، ۹۵
صَمْعاء، ۹۱	ضربوان، ۱۹۸	طُثیه، ۲۰۰	طلعه، ۲۴۸
صمغ الحشَف، ۱۱۴	ضرس العجوز، ۱۱۸	طُخْلَب، ۵۵، ۲۰۰، ۲۰۷	طلیطه، ۲۶۰
صمغ الدَمیثا، ۱۹۶	ضِرْع الکلب، ۱۶۳	طحلب بحری، ۲۰۰	طمره، ۲۰۳
صمغ العربی، ۱۹۱	ضِرْع الکلبه (یمن)، ۱۹۸	طحلب لیفی، ۲۰۰	طمطم، ۱۷۵
صمغ القتاد، ۲۵۱	ضرم، ۱۹۷	طحلب نهري، ۲۰۰	طَینَه، ۲۲۲
صمغ عربی، ۲۳۷	ضُرم (مکه)، ۴۷	طحما، ۱۹۱	طواره، ۲۰۴
صمغ لَبَلاب، ۱۷۳	ضرو، ۴۳، ۸۱، ۸۴، ۱۶۸	طُخْماء، ۲۰۰	طوب، ۱۱۴
صَناب، ۱۳۰، ۱۸۹	ضِرْو، ۱۹۸	طرائث، ۴۶، ۵۱، ۶۸، ۱۵۱	طوبه، ۴۶
صنابی، ۹۶	ضُرْو، ۲۸۲	۲۹۹، ۲۰۱	طوط، ۲۴۲
صناحیه، ۱۰۳	ضروان، ۱۹۸	طراغین آخر، ۲۰۱	طولَه، ۲۰۴
صنار، ۱۴۵	ضرو بستانی، ۸۱	طرثوث، ۲۰۱	طُفَهف، ۱۵۰
صندل ابيض، ۱۹۶	ضروع الکلبه (یمن)، ۱۹۸	طُرْثوث، ۲۰۱	طُغی، ۲۰۴
صندل احمر، ۱۹۶	ضریع، ۱۸۴، ۲۰۰	طرثوث ابيض، ۲۰۱	طیار، ۲۹۳
صنط، ۲۳۷	ضَریع، ۱۹۸	طرج، ۱۴۸	طیب العرب، ۴۳
صَنَویر، ۱۱۳، ۱۹۶	ضریم، ۴۷	طَرَح النواتیه، ۲۰۲	طیب الغرب، ۴۳
صنوبر الارض، ۱۶۳، ۲۲۴	ضط (مصر)، ۵۷	طَرَح النواتیه، ۲۴۸	طین الأَخْضَر، ۱۱۳، ۲۱۱
۲۶۱	ضَعْو، ۱۹۸	طَرَحون، ۸۳، ۱۴۷، ۲۰۲	۲۹۲
صنوبر الصِغار، ۱۹۷	ضَغاییس، ۱۹۸	طَرَحون، ۲۰۲	ظفائر الجن، ۲۵۷
صنوبر الکبیر، ۱۱۳	ضَغیوس، ۱۹۸	طرخون الرومی، ۲۰۵	ظَفَر الفرس، ۲۶۹
صنوبر الماء، ۱۱۰	ضفائر الجن، ۷۵	طرطور الحاجب، ۱۱۳	ظَفَر القَط، ۲۰۵، ۲۴۴
صنوبر الهندی، ۱۴۹	ضفدعی، ۲۵۰	۱۲۷	ظفر القطة، ۲۰۵

عُثم، ١٦٦، ٢٠٦	عرق الکافور (مصر و شام)، ١٦١	عشبه کثیر الاغصان، ٢٠٢	ظفر النسر، ٢٠٥
عثر، ٢٠٦		عشبه مغربی، ٢٠٥	ظفراء، ٢٠٥
عُثْرَب، ٢٠٦	عرق الکافور (مکه)، ١٦١	عُشْبَه مغریه، ٢٠٩	ظْفَرَة، ٢٠٥، ٢٨١
عَثَق، ٢٠٦	عرق شجره هندی، ١٩٩	عشبه مکرمه، ٧٠	ظْفَرَة الفرس، ٢٠٥
عُثْمَر، ٢٥١	عَرْقُصَاء، ٢٠٨	عشبه البرطال، ١١٩	ظْفَرَة الفرس، ٢٦٩
عجب، ٢٩٢	عرق (نجد)، ٩٥	عُشْبَة البَغْلَة، ١٥٦	ظفرة الفروج، ١١٦
عجماء، ٢٠٧	عروس، ٢٩٢	عشبه البغلة، ٢٩١	ظفرة الهر، ٢٠٥
عدس، ٢٠٧	عروس الماء، ٢٩٢	عشبه التيسية، ٦٥	ظْفَرِیه، ٢٠٤
عدس الماء، ٢٠٧، ٢٠٠	عروسة المجلية، ٢٩٢	عشبه الثاليل، ٢٠٤	ظفیره، ٢٠٥
عدس المأكول، ٢٠٧	عروشية، ٨٣	عشبه الحر، ٢٨٢	ظْفَرَة العجوز، ١١٨
عدس المُر، ٢٠٧	عروق الاصف، ٢٥٠	عشبه الحومل، ١٢٢	ظفيرة العجوز (قيران و
عدس نبطي، ٢٠٧	عروق الزعفران، ٢٠٨	عشبه الخروف، ٨٠	شام)، ١١٨
عَدَوَة، ٦٣	عروق السوس، ٢٩١	عُشْبَة السَّبَاع، ٢٠٩	ظْفَرَة الفروج، ١١٧
عَدَيْسَة، ٢٠٧	عروق الصباغين، ٢٠٨، ٢٣٠	عُشْبَة السَّبَاع (اندلس)، ٢٥٣	ظِلَّام، ٢٠٥
عَذْبَة، ٢٠٢، ٤٠	عروق الصفرة، ١٢٧، ١٦٣	عشبه الصباغ، ٢٥٣	ظَمَخ، ٢٠٥
عَذْبَة، ٥٧	٢٠٨، ٢١٦، ٢٥٥، ٢٧٦	عشبه الصحيحة، ٣٠٠	ظَيَّان، ١٥٩
عَذْبَة (مصر)، ٢٠٧	عروق بيض، ٢٨١	عُشْبَة الطحّال، ٨٧، ١١٩	ظَيَّان، ٢٠٥
عرار، ٥٧، ٣٤	عروق خمر، ٢٢٨	٢٠٤، ٢٦٩	عابدة الشمس، ٢٠٤
عَرَار، ٩٠	عروق دارموم، ١٨٠	عُشْبَة الطيور، ١٤٩	عاشق الشجر، ٢٦٦
عرايس النيل، ٢٩٢	عروق دار هرم، ١٨٠	عشبه العجول، ٢٠١	عاشق النبات، ٥٥
عرايس النيل (مصر)، ٨٠	عزيز الصغير، ٢٠٩	عشبه الفتوق، ١٣٤	عاقد اللبن، ٢١٩
عَرَب، ٩١	عزيز الكبير، ٢٠٩	عشبه القلب، ٢٩٨	عافر شمعاء، ١٩٠
عرب منشور (عراق)، ١٤٠	عريض، ١٥٢	عشبه القوباء، ٦٧	عاقِر قَرْحَا، ٢٠٢
عرشنة (بيت المقدس)، ٢٢١	عزول، ٧٩	عُشْبَة الكلب، ١٧٠	عاقِر قَرْحَا، ٢٠٥، ٢٠٢
عرصف، ٢٠٧	عزيز الصغير، ٢٠٩	عُشْبَة اللحم، ٩٥	عافر قرحا، ٢٥٥
عَرِصَم (يمنى)، ٢٠٧	عزيز الكبير، ٢٠٩	عشبه المسلحة، ٢٦٦	عاقول، ١١٠، ١٢٣، ٢٠٦
عرطب، ١١٨	عساليج، ١٠٠، ٢٧٤	عشبه النار، ١٥٩، ٢٠٥، ٢٦٦	عَبَب، ٢٤٩
عرطنيا (أفريقيا)، ٧٤	عساليج (اندلس)، ٢٧٤	عشبه النار (مغرب)، ٢٠٩	عَبَب الثعلب، ٢١٤
عرعار، ٣٩	عسل القصب، ٢٤١	عشبه النساء، ٦٥	عَبَب (مصر)، ٢١٥
عرعر، ٣٩، ١٤٧، ١٧٠	عَسَل اللَّبْنِي، ٥٣	عشبه خير من الف (فاس)، ٨٨	عَبْرَت، ١٧٥
عرعر، ٢٠٨	عسل اللبنى، ٢٨٦	عُشْبَة كُلِّ بَلَا، ١٧٩	عبرى، ١٦٨
عرف، ٢٠٨	عسل الندى، ١١٠	عشبه كل بلاء (مغرب)، ١٧٩	عبرى، ١٨٠
عرفج، ٤١، ٥٠، ٨٥	عُسْنُج، ٧٥	عُشْر، ١٣١، ٢٠٩	عبوثان، ١٨٦، ٢٠٦
عَرَفَج، ٨٥	عسلج، ٢٢١	عُشْر، ٣٠٠	عبره، ٢٩٠
عرفج برى، ٢٠٨	عسل رومان، ٥٣	عشر الصبيان، ٢١٠	عَبْهر (شام)، ١٨٦
عرفج برى، ٢٩٥	عسل لبنى، ٢٦٧، ٢٨٦	عُشْرَق، ٢٠٩	عبشران، ١٨٦
عَرْقُط، ٢٠٨	عسيلي، ٩٦	عُشْر الصبيان، ١٩١	عَبْشَرَة الأَيْل، ٥٩
	عشار، ٢٠٩		عُثم، ١٦٥، ٢٦٦

عشق الصبیان، ۲۱۰	عَظْمی، ۱۵۸	عَلَس (اندلس)، ۲۱۳	عنب الذیب (فاس)، ۲۱۴
عَشَقَه، ۱۲۱، ۲۶۶	عَفار، ۱۷۴، ۲۱۱	عَلَف، ۱۵۵	۲۴۹
عَشَقَه، ۲۱۰	عفار، ۲۷۸	عَلَقَه، ۲۶۳	عِنَب السَّقَف، ۳۷، ۱۵۵
عصا الراعی، ۳۷، ۱۱۰	عَفَص، ۱۷۹، ۲۱۱	عَلَقَم، ۳۵، ۱۲۶، ۱۸۷، ۲۱۳	عنب الطوال، ۵۳
۲۱۰، ۱۱۳	عَفْضِیج (عراق)، ۸۶	عَلَقَمَا، ۲۲۴	عِنَب الْکِلَاب، ۴۲، ۱۲۸
عصا الراعی، ۱۱۹، ۱۴۹	عَفِیون (فاس)، ۵۷	عَلَقَم (اندلس)، ۲۳۳	عنب خمری، ۲۱۴
۱۵۱، ۱۸۵	عقاب الجبل، ۱۶۶	عَلَقَم (حجاز)، ۲۷۴	عنبر، ۲۷۰
عصافیر السنبلی، ۱۷۷	عَقَاد، ۱۲۳	عَلَقَمَه، ۲۱۳	عَنْبُوب (فاس)، ۲۷۵
عصا هَرَمَس، ۱۲۱، ۱۳۶	عَقَار، ۲۱۲	عَلک، ۱۵۲، ۲۸۲	عَنْدَم، ۱۴۶، ۲۱۵
۱۵۹، ۱۲۱	عَقَار هندی، ۲۸۳	عَلک الأَنْبَاط، ۸۱، ۲۲۵	عندم، ۲۱۰
عصب، ۲۹۱	عَقَر، ۱۴۵	عَلک البطم، ۸۱	عَنْزَرُوت، ۶۶
عصب الحرفج، ۲۴۲	عَقْرَبَان، ۱۰۶	عَلک الروم، ۲۸۲	عَنْضَل، ۴۹، ۲۱۵
عُضْفَر، ۴۲، ۵۷، ۲۱۰	عَقْرَبَان (اندلس)، ۴۸	عَلک رومی، ۲۸۲	عنصل، ۴۹، ۸۰، ۲۴۳
عُضْفَر، ۲۳۶	عَقْرَبی، ۵۹	عَلِیق، ۹۵، ۲۱۳	عنصلان، ۴۹
عُضْفَر البری، ۲۱۰	عَقْرَمَان (اندلس)، ۴۹	عَلِیق، ۲۱۳، ۲۱۷	عَنْضَلَان، ۴۹، ۲۱۵
عصفَر بری، ۷۱، ۷۲، ۱۵۳	عَقَقَه، ۲۷۱	عَلِیقِ الْکَلْب، ۱۸۷، ۲۱۳	عَنْصُوه، ۱۴۵
۱۵۷	عَقْیَرِیة (لبنان)، ۱۴۴	۲۹۴	عُنق الحیة، ۲۷۳
عصفور البری، ۷۲	عَقِیْقَا، ۲۱۲	عَلِیقِ (اندلس و مغرب)، ۲۱۳	عنقر، ۳۴، ۲۷۹
عصی الدب (اندلس)، ۲۴۲	عکبة (مصر)، ۱۷۹	۲۱۳	عَنْقَر، ۷۵
عصی الراعی، ۶۴، ۷۶	عکَر، ۲۵۰	عَمَلِج، ۸۱	عَنْقَر، ۲۷۹
۱۵۱، ۱۵۷، ۲۲۰، ۲۴۱	عَكْرَب، ۲۱۲	عَمَلُول، ۲۴۵	عَنْقَر، ۵۹، ۲۷۹
۲۸۱، ۲۹۹	عکَرش، ۹۹، ۲۱۲	عَمون، ۲۰۸	عنقر، ۱۱۳
عَصَى الراعی، ۲۱۰	عَكْرَش، ۹۹، ۱۵۳	عَنْاب، ۱۶۸، ۲۱۳	عَنْقَر، ۲۷۹
عصیر الدب، ۲۴۲	عِکْرَشَه، ۲۰۰	عَنْاب الابیض، ۳۵	عقود، ۶۱
عصیر الدب (اندلس)، ۲۳۱	عکنة (مصر)، ۱۷۹، ۲۱۲	عَنَاب الابیض، ۲۱۳	عَنْقُود، ۲۱۵
عصیر الدب (اندلس)، ۲۴۲	۲۷۰	عَنْب، ۵۳، ۲۱۴	عنم، ۱۹۱
عُصْفَرَة، ۲۱۱	عکوب، ۱۱۴	عَنْب، ۲۱۷	عَنَم (شام)، ۸۷
عِضَاه، ۲۰۹	عَكُوب، ۱۱۴	عنب الثَّغَلَب، ۱۵۴، ۲۱۴	عود، ۲۱۶
عَضْرَس، ۱۲۹، ۲۱۱	عَكُوب، ۱۱۴	۲۱۵، ۲۴۹	عود الاراک، ۲۳۳
عطارد، ۱۷۸	عَكُوب الفارسی، ۱۱۴	عنب الثعلب البستانی، ۲۴۹	عود البخور، ۵۴
عُطَاس، ۲۱۶	عکِیفِیة، ۵۹	عنب الثعلب (فاس)، ۲۴۹	عود البرق، ۱۴۱
عطب، ۲۴۲	عَلَام، ۱۲۵	عنب الثعلب مخین، ۲۱۴	عود البلسان، ۸۶
عَطْشَان، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۴۸	عَلَام، ۲۵۴	عنب الحِیة، ۲۹۸	عود البندق، ۷۶
۱۴۹، ۲۶۳	عَلث، ۲۱۲	عنب الحیة، ۲۱۵	عود الحمیر (مغرب)، ۲۲۳
عَظْفَل، ۱۹۸	عَلِج، ۲۰۷	عنب الدب، ۲۱۵	عود الحیة، ۲۱۶
عَظْم، ۲۱۱، ۲۹۲	عَلْجَان (آفریقا)، ۲۱۲	عنب الدب، ۲۱۹	عود الحیة، ۲۲۲
عَظْم، ۲۹۲	عَلْجَان (آفریقا)، ۲۳۸	عنب الذئب (اندلس)، ۲۱۴	عود الرقة، ۶۵
عَظِیم، ۲۹۲	عَلَس، ۲۱۳، ۲۶۳	عَنْب الذیب، ۱۳۷	عود الریح، ۲۲۳، ۲۷۲



عود الريح المغربی، ۱۲۰	عَین البقر، ۴۹، ۹۰، ۹۱	عَرَب، ۵۰، ۲۲۰	فاخر، ۹۶
عود الريح (اندلس)، ۲۷۲	۲۱۷	عَرَب، ۹۷، ۲۲۰، ۲۸۰	فاخور، ۲۲۱
عود الريح (دمشق و مصر)، ۳۵	عَین البَقَر، ۲۱۷	عرب، ۱۸۹	فارس العود، ۱۰۹
عود الريح (شام)، ۲۱۶	عين البقر (مغرب)، ۲۱۷	عَرَب، ۲۶۰	فارس الماء، ۱۷۱
عود الشرح، ۱۳۷	عين البقر (مغرب و اندلس)، ۴۱	غردان، ۲۶۰	فارق، ۹۶
عود السوس، ۳۳	عين الثور، ۹۰	عَرَب، ۲۲۰	فاشرا، ۲۲۲
عود الصليب، ۲۹۵، ۲۲۳	عَین الخضر، ۱۱۳	غرغال، ۶۰	فاشرا، ۲۲۲
عود العطاس، ۱۷۲، ۲۱۶	عَین الديک، ۲۱۷	غرغثیه (اندلس)، ۲۷۳	فاغره، ۲۲۲
۲۶۳	عين الديكة، ۲۱۷	عَرَب، ۲۱۷، ۲۲۰	فاغرة الهندیه، ۲۹۶
عود الفالوج، ۱۹۰	عين العجل، ۹۰، ۲۱۷	غرقد، ۲۲۰	فاغوس، ۱۹۳
عود الفرج، ۲۰۵	عين العجل (شام)، ۹۰	غرناطة (بيت المقدس)، ۱۴۶	فاغوش، ۱۹۳
عود القروح، ۲۱۶	عين الهمهد (آفريقا)، ۳۴	غری، ۵۱	فاغیه، ۱۲۵
عود القسینه (مصر)، ۱۹۶	عين الهمهد (آفريقا)، ۲۱۸	غری الاساکفه، ۱۳۸	فافیر، ۷۵
عُود الکلب، ۱۳۸	عَینون، ۲۱۸، ۲۵۲	غریر، ۲۲۰	فافیر (مصر)، ۷۵
عود النسر، ۲۱۶	عیون البقر، ۴۱	عَرَب، ۱۴۸، ۲۲۰	فاناقس کبیر، ۱۰۰
عود الوج، ۲۱۶، ۲۹۳	غار، ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۱۸	غریراء، ۲۲۰	فَأَسِي، ۶۶
عود الیسر، ۲۱۶	غار الاسکندری، ۱۴۹	غزل الماء، ۲۰۰	فباله، ۲۷۳
عود انجوح، ۲۱۶	غار (شام)، ۱۵۹	عَسَلَج، ۲۲۱	فَنائل الرُهبان، ۲۲۳
عود بری، ۷۶	غاسول، ۳۹، ۵۲، ۱۲۳	غسله، ۲۱۸	فَن، ۱۲۹
عود رطب، ۲۱۶	غاسول رومی، ۳۹	غسلین، ۱۲۳	فُجَل، ۲۲۳، ۲۲۴
عود رنج، ۳۵	غافت، ۱۲۰، ۱۹۹، ۲۱۹	غسول، ۴۳، ۱۲۹	فُجَل، ۲۶۶
عود هندی، ۱۷۹، ۲۱۶	غافت الشاهدانجی، ۲۱۹	غشاة، ۳۷	فجل الصغیر، ۲۷۴
عود ینجوح، ۲۱۶	غافت، ۱۹۹، ۲۱۹	عَصَف، ۲۲۱	فُجَل الماء (مغرب)، ۲۳۵
عَورة الارض، ۹۲	غافت (فاس)، ۲۱۹	غِلالة (اندلس)، ۱۴۴	فجل باعشقی، ۲۲۴
عَوَسَج، ۶۱، ۲۱۳، ۲۱۷	غالبه، ۲۴۹	غلبی، ۱۶۳	فجل بری، ۵۷، ۱۰۲، ۲۲۳
۲۲۰، ۲۸۲، ۳۰۱	غالبه (اندلس)، ۲۱۴	غَلتان، ۵۱	۲۲۴
عوسج الاحمر، ۱۶۲	غالبه (قرطبه)، ۱۱۳	غَلتان، ۱۴۲	فجل رخامی، ۲۲۳
عوسج الاسود، ۶۱	غباریه، ۲۱۹	غلغلون، ۲۶۰	فجل شامی، ۲۲۴
عوسج الأشود، ۱۲۰	غبر، ۱۹۴	غللقا، ۲۲۱	فِجن، ۶۲
عوسج أسود، ۱۰۵	عَبَّیر، ۱۹۴، ۲۱۹	عَلَقه، ۲۲۱	فُجَن، ۷۴
عوسجة، ۲۲۰	عَبَّیرة الأیل، ۲۸۱	عَلَقی، ۲۲۱	فَنخدا، ۵۹
عیاشیه، ۱۵۷	عَدَر، ۲۳۰	غملول، ۲۴۵	فَنخدا، ۵۹
عیاشم، ۱۴۵، ۲۱۷	غدو، ۷۲	عَمَلول، ۲۴۵	فَراسیون، ۸۷، ۹۵، ۱۷۹
عید، ۲۱۷	غرایه، ۲۸۲	غزروت، ۶۶	۲۵۲، ۲۲۴
عیسوب، ۳۴	غرانیق، ۶۷	غوشنه، ۲۳۰، ۲۶۰	فَراسیون الابيض، ۲۲۴
عیسوب، ۲۷۹	غراء، ۱۴۸	عَولان، ۱۲۳	فَراسیون سیاه، ۲۲۴
عَین الأخضر، ۲۱۱، ۲۹۲	غَرَاء، ۲۲۰	عَیطل، ۲۲۹	فراط، ۹۶

فربون، ۳۷	فقاح السورنجان، ۵۳	فم الطائر، ۱۲۹	فوه الصباغین، ۲۰۸، ۲۳۰
فَرْج الأَرْض، ۱۸۰	فقاح الکرم، ۲۵۵	فم قریش، ۱۹۷، ۲۴۱	فوه الصیغ، ۲۳۰
فرصاد، ۹۵	فَقْد، ۴۱	فمل قریش، ۱۹۷	فوهق، ۲۴۵
فرصاد (بصره)، ۹۵	فُقْع، ۲۲۶	فَنّا، ۲۱۴	فوة البرانية، ۸۶
فرغخ، ۸۲، ۲۶۶	فَقِيع، ۲۲۷	فنجین، ۸۸	فَوْنِلَه، ۲۷۳
فرغخ البری، ۸۲	فَقُوس، ۲۲۷	فندق هندی، ۵۲	فیثمون (فاس)، ۵۵
فَرْفیر، ۸۳	فَقُوس الحمیر، ۲۳۳	فواحش، ۹۲	فیجن، ۱۶۷
فرغیر، ۸۹	فَقُوس (مغرب)، ۲۳۳	فوتنج، ۱۱۰، ۲۲۹	فیلمجوش، ۲۳۰
فرغین، ۸۲	فقیض، ۱۸۳	فوتنج البری، ۱۰۵	فیل جوش، ۲۷۳
فَرْفِیون، ۲۲۴	فل، ۲۲۷	فوتنج بستانی، ۱۲۲	فیلزهرج، ۵۸، ۱۲۰، ۲۳۱
فَرْنَجِشْک، ۲۲۵	فلاح، ۲۳۲	فوتنج نهري، ۲۲۹	فیهق (اندلس)، ۶۴
فرو الحمام، ۱۰۷	فُلُل، ۴۶، ۲۲۷	فودنج، ۱۹۵	قابضه، ۱۳۴
فریقا، ۲۷۱	فلفل، ۲۲۸	فودَنج، ۲۲۹	قَابْطِیرَه، ۲۸۰
فریقه (شام)، ۱۲۰	فلفل ابیض، ۴۶	فودنج البری، ۸۳	قاتل ابنه، ۵۷
فزع اللبوء، ۱۵۱	فلفل ابیض، ۲۲۷	فودنج التیس، ۲۲۹	قاتل ابیه، ۷۵، ۱۰۶، ۲۱۱، ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۴۲
فُسْتَق، ۱۱۳، ۲۲۵	فلفل اسود، ۲۲۷	فودنج بری، ۲۸۱	قاتل اخیه، ۱۳۵
فستق البادیه، ۱۱۱	فلفل الابیض، ۱۱۲	فودنج بستانی، ۲۸۱	قاتل الحمیر، ۱۴۵
فُسْتَق المصری، ۱۰۹	فلفل الابیض، ۴۶	فودنج جبلی، ۱۱۳	قاتل الدُّب، ۲۳۱
فستق الهاویه، ۱۱۱	فُلُل الابیض، ۱۴۲	فودنج نهري، ۲۲۹	قاتل الذئب، ۴۲، ۱۲۸
فسله، ۵۱	فلفل الأخوص، ۲۷۶	فودنج، ۲۸۰	قاتل العَلَق، ۲۳۱
فَسَوَة الضیغ، ۹۳، ۲۲۶	فلفل الأسود، ۷۰	فودنجات، ۸۳	قاتل الکلب، ۴۲، ۱۲۸، ۲۳۱
فَش، ۳۰۱	فلفل الخواص، ۲۷۶	فودنج البری، ۲۰۵	قاتل النحل، ۲۳۲، ۲۹۲
فشاع، ۱۶۰، ۱۹۵، ۲۲۶	فلفل السودان، ۲۲۸، ۲۸۹	فودنج البستانی، ۲۲۱	قاتل النمر، ۱۲۸
فَشال، ۷۲، ۲۰۱	فلفل السودان (اندلس و مغرب)، ۱۶۳	فودَنج التیس، ۲۸۱	قاتل نفسه، ۵۵، ۲۳۲
فشغ، ۲۲۶	فلفل الصقالیه، ۴۱	فودنج نهري، ۱۱۳	قارج، ۵۰، ۱۴۸
فشک، ۹۶	فُلُل الصَّقَالِیَه (اندلس)، ۴۱	فوفل، ۵۴، ۲۴۸	قاره، ۶۰، ۲۳۲، ۲۸۰
فصفصه، ۱۵۲، ۱۵۵، ۲۴۱	فلفل الصقالیه، ۲۲۸	فَوَقْل، ۲۳۰	قاره (اندلس)، ۱۷۱
فِصْفِصَة، ۱۵۶، ۲۹۱	فلفل القروذ، ۲۵۱	فَوَقْل، ۲۳۰	قاره (اندلس)، ۱۷۱
فصل مأكول، ۸۵	فلفل الماء، ۲۲۸، ۲۵۴	فول الحمام، ۱۰۱	قاطر (صیادله)، ۱۴۶
فضل الجواری، ۸۰	فلفل بری، ۴۱	فول الحَمّام، ۲۴۶	قَاقْلَه، ۲۳۲
فَضْیَه، ۶۰، ۲۲۶	فلفله، ۲۵۷	فول الخنزیر، ۱۲۸، ۲۷۱	قاقله، ۲۳۲، ۲۳۵
فضیّه، ۱۱۹	فلنجمشک، ۸۳، ۲۲۵	فول الشعال، ۲۴۸	قاقله الصغار، ۷۰
فضیّه، ۲۲۶	فلنجه، ۱۶۱، ۲۴۹	فول المجوسی، ۲۷۳	قاقله صغار، ۲۹۶
فَطْر، ۱۷۳	فلوس، ۲۷۷	فول (قبطی و مصری)، ۷۳	قاقله صغیره، ۲۹۶
فَطْر، ۲۰۱	فلومس صغیر، ۶۰	فوم، ۱۲۶	قاقلی، ۱۵۵
فطر، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۵۸	فُلْفِلَه، ۲۴۸، ۲۹۶	فَوّه، ۲۳۰	قالیقیا (شام)، ۱۹۳
فَطْر، ۲۲۱، ۲۲۶	فُلْیَه (مصر)، ۲۲۹	فوه الصباغان، ۲۳۰	قُبّار، ۲۵۰

قَبَاة، ۱۴۷	قراصیا (مغرب و اندلس)،	قرع الیابس، ۱۴۲	قَزَاح، ۲۱۲
قَبی، ۹۶	۱۱۳	قرغار، ۴۶	قُزَاح، ۲۳۸
قُبَیْط، ۲۸۹	قربان، ۱۳۹	قرفا، ۵۷	قُس، ۲۳۹
قُبَیْطَاء، ۲۸۹	قربض، ۶۵	قِرْفِه، ۱۴۱	قسا، ۲۳۹
قَبیطه، ۲۸۹، ۱۹۱	قَزَج، ۱۴۸	قِرْفَه، ۱۰۷، ۲۳۸	قساالحمار، ۱۹۴
قَت، ۱۲۲، ۱۵۶	قرذب الاسود، ۲۵۹	قِرْفَه القَرْنفل، ۱۴۱	قس الکلاب (مصر)، ۲۱۹
قَت، ۲۹۱	قرشی، ۹۶	قَرَقاز (فاس)، ۲۴۳	قَسَب، ۹۵
قناد، ۱۸۹، ۲۳۳، ۲۵۱، ۲۹۲	قرصعنه، ۴۷، ۸۴، ۱۰۵، ۱۵۸، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۶۱	قَزَم، ۲۳۸	قَسَب، ۹۵، ۲۳۹
قناد الأعظم، ۲۳۳	۲۹۶	قرمامومن، ۲۳۵	قُسْط، ۲۳۹
قناد الصغیر، ۵۹	قَرَضَعْنَه، ۲۳۶	قَزَل، ۱۲۳	قُسْط الرومی، ۱۵۳
قت البر، ۲۹۱	قرصعنه جبلی، ۲۳۶	قرن الایل (اندلس)، ۲۳۵	قسط بحری، ۲۳۹
قند، ۲۳۴	قرصعنه مسدس، ۲۳۶	قرن البحر، ۲۶۴	قسط رومی، ۱۵۳
قناد، ۲۳۳	قرصعنه الزرقاء، ۱۹۱	قرباد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶	قسط شامی، ۱۵۳
قِنَاء، ۱۴۰، ۲۳۳	قرصونه، ۲۳۶	قُرْنَبی، ۱۰۵	قسط عربی، ۲۳۹
قناء البری، ۲۳۳	قرط، ۱۳۲	قُرْنَج (اندلس)، ۵۹	قسطل، ۸۶
قناء البری الهندی، ۸۵	قُرْط، ۲۳۶	قرنساء، ۶۷	قِسْطَلَة صغیره، ۸۰، ۱۸۰
قناء البستانی، ۲۳۳	قرطم، ۱۱۳، ۲۱۰	قربناد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶	قسط مر، ۲۳۹
قِنَاء الحمار، ۱۹۴، ۲۳۳	قُرْطَم، ۱۴۲	قَرْنَفَل، ۲۳۸	قسط هندی، ۲۳۹
قناء الحمار، ۲۱۳، ۲۵۳	قَرْطَم، ۱۶۳	قرنفل الارض، ۲۹۱	قسوس، ۱۱۳، ۱۴۳، ۲۶۵
قناء الحمیر، ۲۳۳	قُرْطَم، ۲۳۶	قَرْنَفَل بستانی، ۲۲۵	قسوس، ۲۴۰
قِنَاء الحِیة، ۲۳۴	قِرْطَم، ۲۳۶	قرنفل جبلی، ۴۶	قسیاس، ۷۴
قناء العظم، ۱۲۶	قرطمان، ۱۲۶، ۱۳۱، ۲۶۳	قرنفل شامی، ۲۳۸	قَسَی (اندلس)، ۲۰۰
قناء الکبر، ۲۵۳	قُرْطَمَان، ۲۳۷	قرنفلیه (اندلس)، ۱۶۵	قَش، ۲۴۰
قناء النعام، ۱۲۶	قرطمانا، ۲۳۵، ۲۵۶	قرنفلیه (مغرب)، ۲۳۸	قشا، ۱۷۴
قِنَاء الهندی، ۱۴۰	قرطمانا، ۱۵۸	قرنفول، ۲۳۸	قَشَبَة (حجازی)، ۲۴۰
قَنَد، ۲۳۴	قُرْطَمَان، ۲۳۶	قرون السنبِل، ۲۳۸	قُشْعَر (یمن)، ۲۳۳
قند، ۲۳۴ (حجاز)	قُرْطَم بری، ۱۵۸	قُرْة العین، ۱۰۳، ۱۸۲، ۲۳۵	قُشْف، ۲۱۱
قتل، ۲۳۴	قُرْطَم بری، ۲۳۶	۲۵۸	قُصاص، ۱۳۷، ۲۴۰
قشی، ۲۳۴	قرطم هسک، ۲۱۰	قریثا، ۱۲۶	قصب، ۳۷، ۱۵۵
قجلال، ۹۶	قرطم هندی، ۲۳۷، ۲۹۲	قُرَیص، ۶۵	قَصَب، ۲۴۰
قداح، ۱۵۵	قرطی، ۹۶	قریص، ۶۵	قصب البردی، ۷۲
قدح مریم، ۲۳۴	قرط، ۵۷، ۲۳۷	قُرَیص، ۶۵، ۱۱۰	قصب الذریره، ۲۴۰
قراح، ۲۱۳	قَرْط، ۱۳۲، ۱۹۱	قُرَیص، ۲۵۵	قصب الذریره، ۲۴۴
قراذیه، ۱۱۴	قَرْط، ۲۳۷	قُرَیْعة، ۲۲۲	قصب الذهبی (اندلس)، ۲۷۲
قراصیا (دمشق)، ۲۳۴	قرع، ۱۴۲، ۱۵۴	قُرَیْعة، ۲۵۸	قصب الذیره، ۲۴۰
قُرَاص، ۵۷، ۲۳۴	قَرَع، ۲۳۷	قُرَیْعة الکَنان، ۲۵۸	قصب الریح (اندلس)، ۲۷۲
قراصیا البعلبکیه (اهالی	قَرَع، ۲۳۷	قُرَیْعة الکَنان (اندلس)، ۱۶۷	قصب الریح (فاس)، ۲۴۰
صقلبه، ۲۳۴	قرع المُر، ۲۳۷	قُرَیْعة (اندلسی)، ۵۵	

قَصَب السُّكَّر، ۲۴۱	قُطْلَب (شام)، ۲۴۲	قَلْقَالَ، ۴۵	قُنْب بری، ۱۱۲
قَصَب الصَّیْن، ۱۴۱	قُطْن، ۱۳۱، ۲۴۲	قَلْقَل، ۱۱۲	قَنْب (مغرب)، ۲۴۵
قَصَب بری، ۱۴۷	قُطْن، ۱۵۲، ۲۲۶	قَلْقَلان، ۱۱۲	قَنْب هندی، ۲۴۵
قَصَب بوا، ۲۴۰	قُطْن، ۲۴۲	قَلْلَجَة، ۳۹	قُنْبِیْط، ۲۵۶
قَصَب جبلی، ۱۴۷	قُطُونا، ۷۸	قَلْماس، ۲۴۱	قُنْبِیْط، ۲۵۶
قَصَب شوی، ۳۴	قُطْیْطِن، ۲۶۹	قُلُوب الدَّحِج، ۴۱	قُنْبِیْط الذَّکَر، ۲۵۶
قَصْبَة، ۱۴۸، ۹۹	قُطِیْفَه، ۲۴۲	قُلُوب النِّعَام، ۵۴	قَنْبِل، ۲۴۴
قَصْبی، ۲۱۲	قَعْبَل، ۲۴۳	قَلْنی، ۱۲۳	قُدَس، ۲۶۳
قَصْد، ۲۱۷	قُعْفُور، ۸۰	قَلْی، ۲۴۴	قَدُول، ۱۰۹
قَصْری، ۹۶	قَعْنَب، ۸۰	قَلِیَه (مصر)، ۲۲۹	قَنْطُورِیْن غَلِیْظ، ۲۴۶
قَصْعَة، ۲۶۶	قُعْنَب، ۲۴۳	قَماشیر، ۲۶۰	قَنْطُورِیُون، ۲۴۵
قَصْعَة الحَمِیر، ۲۶۶	قَعْنَب، ۲۴۳	قَمَح، ۱۲۶	قَنْطُورِیُون الْأَصْفَر، ۳۶
قَصْم، ۲۴۲	قُف، ۲۲۰	قَمَح، ۱۲۶، ۱۶۴، ۱۹۴	قَنْطُورِیُون الْجَلِیل، ۲۴۶
قُصَة الْحَیَة (مغرب)، ۲۴۶	قِف (دمشق و شام)، ۳۶	قَمَح الْبَرِی، ۴۲	قَنْطُورِیُون الدَّقِیق (اندلس)، ۲۴۶
قَصْی، ۹۶	قُفَر، ۲۸۳	قَمَح الْحَجَل، ۱۲۶	قَنْطُورِیُون دَقِیق، ۲۰۹، ۲۴۶
قَصِیص، ۴۲	قُفَر الْیَهُود، ۵۰، ۱۲۴	قَمَح السُّودان، ۱۰۰	قَنْطُورِیُون صَغِیر، ۲۴۵
قَصِیصه، ۹۶	قُقْعَاء، ۲۵۲	قَمَح الشَّیْطَان، ۱۲۶	قَنْطُورِیُون غَلِیْظ، ۲۰۹
قَصِیم، ۲۴۲	قُقْل، ۸۲	قَمَح الصَّفَالِبَه، ۱۲۶	قَنْطُورِیُون کَبِیر، ۲۴۵
قُضَاب مِصرِی (مصر)، ۲۴۱	قُقُور، ۲۴۳	قَمَح جَبَلِی، ۱۰۳	قَنْغَذِی، ۱۱۸
قُضَام، ۱۲۳	قُقْل، ۸۲	قَمَح ماناه، ۱۲۶	قَه، ۷۲، ۲۶۱
قُضْب، ۵۸، ۱۵۶، ۲۴۱	قُلَاظِی، ۹۶	قُمَحَة، ۲۴۱	قَه، ۲۴۶
۲۹۱	قُلَاقِل، ۱۱۲	قَمَر، ۵۹	قَه، ۷۲
قَضبانَا، ۱۱۶	قُلَاقَلِی، ۴۵	قَمُرُون، ۱۴۳	قَه، ۲۵۹
قَضْم قَرِیش، ۱۳۲، ۱۹۶	قُلَال، ۷۹	قَمَرَة، ۵۹	قَهْیَه (اندلس)، ۱۱۲
۲۴۱	قُلَام، ۱۲۳، ۱۸۲	قَمْلُول، ۲۴۵	قَوِیع، ۱۱۴
قُطْب، ۱۱۸	قُلَام، ۲۴۳	قَمْلِین، ۱۲۳	قَوْت الْبَرِیَه (صیدلانیه)، ۸۶
قُطْران، ۲۰۳، ۳۹	قُلَام، ۲۵۴	قَمْیَلَه (شام)، ۱۱۸، ۱۴۸	قَوْز، ۲۴۲
قُطْران، ۱۸۷	قُلَام کَرَمَان، ۲۳۲	قَنْابَرِی، ۲۴۵	قَوِیْئَه، ۲۴۶
قُطَف، ۱۷۰، ۸۴، ۱۱۹	قُلْب، ۲۴۳	قَنْابَرِی (شام)، ۴۸	قَوْلِیَّه، ۲۰۷
قُطَف، ۲۴۱	قُلْب الْأَرْض، ۱۸۰	قَنْاد (مغرب)، ۲۱۴	قَوْلِیَّه (اندلس)، ۱۷۱
قُطَف بحری، ۲۴۲، ۲۷۱	قُلْب النِّخْل، ۹۵	قَنْارِیَه، ۱۱۴	قَوْلِیَّیَه، ۱۲۲
۲۸۴	قُلِیْخ، ۲۲۱	قَنْارِیَه (اندلس)، ۱۱۴	قَوْمِسی، ۲۰۱
قُطَف بری، ۱۳۹	قُلْت، ۱۱۲	قَنْارِیَه بری، ۱۱۴	قَوْنِیز الْأَصْغَر، ۱۹۹
قُطَف (مغرب)، ۱۷۰	قُلْت، ۱۱۲	قَنْارِیَه (مغرب)، ۱۱۴	قِیَاصْم، ۱۴۹، ۲۵۸
قُطْلَب، ۱۲۲	قُلْت، ۱۱۲	قَنْا صَغِیر، ۲۴۴	قِیْخُورِیُون قَارِذَنُون، ۶۳
قُطْلَب، ۱۲۳	قُلْثَمَان، ۲۲۵	قَنْا (مصر)، ۵۱	قِیْرُوان (آفریقا)، ۲۴۳
قُطْلَب، ۱۸۶	قُلْثَاس، ۲۴۳	قُنْب، ۱۱۲، ۲۴۵	قِیْسُوم، ۷۶، ۲۴۷
قُطْلَب، ۲۳۱، ۲۴۲	قُلْثَاص، ۹۴	قُنْب، ۲۴۵	

کریزه الحمام، ۱۸۳	کثیرة الاضلاع، ۲۶۹	کاؤل، ۸۰	قیصوم، ۵۵، ۶۱، ۶۲، ۷۶
کریزه البشر، ۷۶، ۲۰۳	کحلا، ۳۸	کأس، ۲۴۷	۱۵۹، ۱۸۳، ۲۴۷
کُرْبُزَةُ البیر، ۱۱۹	کحل السودان، ۹۴	کَبْ، ۲۵۰	قَیْصُوم، ۷۷، ۲۸۱
کریزه الحمام، ۱۸۳	کَحْلَاء، ۲۵۲، ۲۶۹	کِبَابَه، ۲۴۹	قَیْصُوم، ۲۴۷
کرسف، ۲۴۲	کحلاء الجبلی، ۲۵۲	کبابه، ۲۵۰	قیصوم الصغیر، ۲۸۲
کرسنه، ۱۵۶	کُحْل خولان، ۱۲۰	کُبَابَه، ۲۳۸	قیعرن، ۱۴۸
کَرْسَنَه، ۲۵۳	کُحْل فارس، ۶۶	کبابه (عراق)، ۲۴۹	قَیْقَب، ۱۰۶، ۲۸۶
کرسنی، ۱۲۴، ۲۹۱	کحل فارسی، ۶۶	کبابه هندی، ۲۴۹	قیقبان (اندلس)، ۱۰۶
کَرِش، ۲۵۳	کحل کرمانی، ۶۶	کَبَاث، ۴۳	قیلعی (شام)، ۲۸۶
کرفس، ۱۰۲، ۲۰۲	کحلوان، ۱۵۳، ۶۷	کیاث، ۲۴۹	کاذی، ۲۴۸، ۲۶۰
کَرْفَس، ۲۵۳	کُحْلوان، ۲۱۸	کیار، ۲۵۰	کاسات، ۲۴۷
کرفس الاجامی، ۲۵۴	کُحْلَاء، ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۵۲	کیاء، ۲۱۶	کاسر الحجر، ۱۱۲، ۲۴۳
کرفس البستانی، ۲۵۴	کدر، ۲۴۸	کبر، ۱۱۴، ۲۱۵، ۲۵۰	کاسنی بری، ۱۳۹
کرفس الجبلی، ۲۵۴	کراث، ۸۰، ۲۶۴	کَبْر، ۲۵۰	کاشم، ۶۵، ۲۰۴، ۲۵۳
کرفس الریفی، ۲۵۴	کُراث، ۲۵۲	کبرالرومی، ۴۹	کاشم، ۲۴۸
کرفس الشنوی، ۲۵۳	کراث، ۲۵۲، ۲۵۳	کَبَّة، ۲۵۰	کاشم الریفی، ۲۴۸
کرفس الصخری، ۲۵۳، ۲۵۴	کراث الثومی، ۸۰	کَبِیکَج، ۲۵۰	کاشم الصغیر، ۲۰۲
	کراث الجبل، ۲۵۲	کتان، ۱۵۲، ۲۴۳، ۲۷۷	کاشم الکبیر، ۱۵۵
کرفس العریض، ۲۵۳	کراث الجبلی، ۸۰	کِتَان، ۲۵۰	کاشم رومی، ۱۶۷
کرفس العظیم، ۲۵۳، ۲۵۴	کراث الجلیقی، ۸۰	کِتَان، ۲۵۰	کاشم رومی، ۲۴۸
کرفس الماء، ۲۳۵	کراث الروم، ۸۰، ۱۵۳	کِتَان، ۲۵۸	کاش (مصر)، ۵۷
کرفس المجوسی، ۲۵۴	کراث الریفی، ۸۰	کِتَان الماء، ۵۵	کاشم صغیر، ۲۴۸
کرفس المرّ، ۲۵۴	کُراث الشامی، ۸۰، ۲۵۲	کتَم، ۹۳	کاشم صینی، ۲۴۸
کرفس المشرقی، ۲۵۳	کُراث الصخر، ۲۵۲	کَتَم، ۲۵۱	کاشم کبیر، ۱۴۸
کرفس النبطی، ۲۵۳	کُراث الکرم، ۲۵۲	کَتْنِی، ۲۵۱	کافور، ۲۴۸
کرفس بری، ۱۷۶، ۲۵۰	کراث الکَرَمی، ۲۵۲	کُتَا، ۱۰۲	کافوری، ۵۷، ۲۹۰
کرفس بستانی، ۲۵۴	کراث المائدة، ۲۵۲	کُتَاة، ۱۰۲	کافوریه (آفریقا)، ۵۷
کرفس جبلی، ۲۵۳	کراث اندلسی، ۸۰	کثیر الأرجل، ۷۹	کافوریه (مغرب)، ۱۸۶
کرفس صخری، ۲۲۷	کراث بری، ۴۸، ۲۰۴	کثیر الأضلاع، ۲۶۹	کانکج، ۱۴۷، ۲۱۴
کرفس عظیم، ۲۲۸	کُراث بری، ۲۵۲	کثیر الرکب، ۱۸۹	کانکج، ۲۴۹
کرفس مائی، ۲۵۴	کراث جبلی، ۲۲۴	کثیر الرُکب، ۲۵۲	کانکج المرجی، ۱۰۷
کرفس مشرقی، ۲۵۳	کُراث رومی، ۲۵۲	کثیر الرؤوس، ۹۰، ۲۵۲	کانکج المروج، ۲۴۹
کرفس مقدونی، ۲۵۳	کراث شامی، ۲۴۳، ۲۵۲	کثیر العقد، ۹۰	کانکج النهری، ۱۳۷
کرکاش (مصر)، ۵۷، ۷۰	کراث شامی (فلسطین)، ۲۵۲	کثیر القُعد، ۲۱۰	کانکج غالیه (مغرب)، ۲۱۴
کُرکم، ۱۲۰		کثیر المنفعة، ۱۳۶	کانکج (قاهره)، ۲۰۶
کرکم، ۲۷۶	کراث ملوکی، ۸۰	کثیر الورق، ۱۵۱	کانکج منوم (مغرب)، ۲۱۴
کُرْکُم الصغیر، ۲۰۸	کُراث نبطی، ۲۵۲	کُثیراء، ۱۸۹	کاکنه، ۲۴۹
کُرْم، ۲۱۴	کُرْبُزَه، ۲۵۷	کُثیراء، ۲۵۱	کاوی السهرز، ۴۹

کَرَم، ۲۵۵	کَرُوزِیا، ۲۵۶	کَف ادم، ۲۵۸	کلخ الصغیر، ۳۰۰
کَرَم الأسود، ۲۲۲	کَرُوزِیا الجبلِیة (اندلس)، ۲۳۵	کَف الأسد، ۲۵۸	کَلَخ الکبیر، ۲۵۹
کرم البری الابيض، ۲۲۲	کَرُوزِیا بستانیه، ۲۵۶	کَف الْجَذْمَا، ۴۱، ۲۵۸	کَلَخ الکبیر (اندلس)، ۲۴۵
کَرَم البیضاء، ۲۲۲	کرویا جبلیه، ۲۳۲	کَف الدابہ، ۱۱۷	کلخ دلبی، ۱۴۶
کرم بری، ۲۵۵	کری، ۲۵۶	کَف الذنب، ۲۵۸	کلخ (مصر)، ۵۱
کرم بستانی، ۲۵۵	کریشه (بیت المقدس)، ۲۲۱	کَف السبع، ۸۸، ۱۵۲، ۲۵۰	کلخ (مغرب)، ۲۴۴
کَرَمَة البیضاء، ۷۸، ۹۰، ۲۱۵، ۲۲۲	کزبر السحری، ۲۵۷	۲۷۳، ۲۵۸	کلخی، ۱۴۶، ۱۵۸
	کزبر الصخری، ۲۵۷	کَف الضبع، ۹۳	کلموح (اندلس)، ۱۵۳
کرمة البیضاء، ۷۸، ۹۲، ۲۲۲	کَزْبَرَه، ۲۵۶	کَف الضَّبُع، ۲۵۹، ۲۵۰	کلنج، ۶۶
کرمة السوداء، ۲۲۲، ۲۵۰	کَزْبِرَة البیر، ۱۸۷	کَف الضَّبُع (مغرب)، ۲۵۰	کلوخ، ۲۷۴
کرمة السوداء (اندلس)، ۹۰	کَزْبِرَة البیر، ۲۵۷	کَف العایشه، ۵۳	کلیل الملک، ۵۹
کرمة بیضاء، ۲۲۲	کَزْبِرَة البیر (دمشق)، ۱۰۴	کَف العذری، ۹۳	کمداریوس الثَّقْنی، ۲۰۴
کرمة سوداء، ۲۲۲	کَزْبِرَة الثعلب، ۱۷۹	کَف العظابه، ۹۳	کَمَادَرِیوس، ۲۶۰
کرمة شائكة، ۲۲۶	کَزْبِرَة الثعلب، ۲۵۷	کَف العُقاب، ۲۰۵، ۲۳۲	کماه، ۲۲۷، ۲۳۰
کَرَنْب، ۲۵۵	کَزْبِرَة الحبشة، ۹۷	کَف القرد، ۲۵۹	کماة، ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۶۰
کَرَنْب، ۲۵۵	کرمازج، ۲۰۲	کَف الکلب، ۷۵، ۲۵۹	کَمَاة، ۲۶۰
کرنباد، ۲۵۶	کرمازک، ۹۳	کَف الکلب (مغرب)، ۲۵۰	کماة حمراء، ۲۶۰
کرنب الاندلسی، ۲۵۶	کسب، ۱۲۶	کَف المَریم، ۲۵۹	کَمَاة، ۳۸
کرنب البحری، ۲۵۶	کسبرة الثعلب (اندلس)، ۲۵۷	کَف المَریم (اندلس)، ۲۵۹	کَمَاة، ۲۲۱
کرنب البری، ۲۵۶		کَف النسر، ۱۱۷	کَمَاة، ۲۵۸
کَرَنْب البری، ۲۵۶	کسبرة الحمام، ۲۵۷	کَف النسر (مصر)، ۴۹	کَمَاة، ۲۸۳
کرنب البستانی، ۲۵۶	کَسْمَا، ۶۶	کَف الهَر، ۲۵۴، ۲۵۹، ۲۷۳	کَمَاة، ۲۸۳
کَرَنْب البستانی، ۲۵۶	کَسْنِیا، ۲۵۸	کَف أَجْذَم، ۲۵۸	کَمْشِی، ۶۲
کرنب الدوری، ۸۲، ۲۵۶	کشج، ۱۶۲	کَفر الیهود، ۱۲۴	کَمْشِی، ۱۴۳
کرنب السواحلِی، ۲۵۶	کَشْمَلِخ، ۲۵۸	کَفَرِی، ۹۵	کَمْشِی، ۲۶۱
کرنب العظیم، ۲۵۶	کَشْنِی (شام)، ۲۵۳	کَف عائشة، ۱۰۲، ۱۸۶	کَمْشِی البَستانی، ۵۷
کرنب الکرمانی، ۲۵۶	کَشُوث، ۱۲۳، ۲۵۰	۲۵۹	کَمْشِی بری، ۲۶۱
کرنب الکلب، ۲۳۱	کَشُوث، ۲۵۸	کَف عایشه، ۲۵۹	کَمْشِی جبلی، ۲۶۱
کرنب الماء، ۲۵۶، ۲۹۲	کَشُوث الجبلی، ۲۵۸	کَف مَریم، ۵۳، ۱۸۶	کَمْشِی حامض، ۲۶۱
کرنب النبطی، ۲۵۶	کَشُوث الرومی، ۵۶	کَف مَریم (اندلس)، ۸۹	کَمکام، ۱۹۸
کرنب اَنْدَلِسی، ۲۵۶	کَشُوث الرومی، ۲۵۸	کَف مَریم حجازی، ۲۵۹	کَمون، ۲۶۲
کرنب بحرِی، ۲۵۶	کَشُوث المجوسی، ۲۵۸	کَفوف، ۸۹، ۹۳، ۹۵، ۱۰۰	کَمون الابيض، ۲۰۴، ۲۶۲
کَرَنْب بری، ۱۳۷	کَشُوث رومی، ۵۶	۱۲۶، ۲۷۱، ۲۷۳	کَمون الارمنی، ۲۵۶
کرنب شامی، ۲۵۶	کَشُوث (مصر، مغرب، آفریقا)، ۱۶۷	کَلب، ۲۴۳	کَمون الارمنی، ۲۵۶
کرنب نبطی، ۲۵۶	کَشُوثی (عراق)، ۱۶۷	کلخ، ۵۱، ۶۵، ۹۷، ۱۵۴	کَمون الأسود، ۱۹۲، ۲۶۲
کَرَنْج، ۴۴	کَشُوثی (عراق)، ۱۶۷	۲۷۸	کَمون البری، ۲۶۲
کروش الغنم، ۵۵	کَطَف (صحرائشینان)، ۱۷۰	کَلَخ، ۱۷۲، ۲۰۴، ۲۳۹، ۲۴۸	کَمون الجبل (بربرها)، ۹۳
کَرُوزِیا، ۲۵۶	کُفَر، ۲۵۹	کَلَخ الدَلْبِی، ۲۵۹	کَمون الحَبَسِی، ۲۶۲

کمون الحلو، ٦٧	کَهْرَبَا، ١٢٧، ٢٦٤	لَبْلَابِ المَجُوسِ، ٢٦٧	لسان الحمل الكبير، ٣٣
کَمُونُ الحُلُو، ٦٧	لابس، ٢٥٢	لَبْلَابِ بِي ثَمَر، ٢٣٩	لسان الحمل صغير، ٢٦٩
کَمُونُ الحلو، ٢٦٢	لاجورديه، ١٩٤	لَبْنِ الحِمَارَةِ، ١٥٩، ٢٥٠، ٢٦٧	لسان الحمل كبير، ٢٦٩
کَمُونُ الرطالي، ٢٨٩	لاحی، ٧٠	لَبْنِ السُودَا، ٥٥	لسان السَّيْع، ٢٦٩
کَمُونُ الرومي، ٢٦٢	لاخسنة، ١٨٩	لَبْنِي، ٢٦٧	لسان الطير، ٨٤
کمون الکرماني، ٢٨٩، ٢٦٢	لاذن، ٢٦٥	لَبْنِي، ٢٨٦	لسان العَصَافِير، ١٩٩، ٢٦٩
کمون الملوکی، ٢٦٢، ٢٤٨	لاذن العنبری، ٢٦٥	لَبْنِي رومان، ٥٣	لسان العصفور، ٦٦، ٨٨
کمون أَرَمَن، ٢٥٦	لاعیه، ٢٢٤، ١٢١	لَبْنِي رهبان، ٥٣	٢٦٩
کمون بری، ٢٦٢	لاعیه، ٢٦٥، ٣٠٠	لَحَاح (مصر)، ٥٠	لسان الفَرَس، ٦٧، ٢٥٢، ٢٨٠
کَمُون حَبَشِي، ٢٨٩، ٢٦٢	لالا، ٢٦٥	لَحَامِ الذَّهَب، ٥١	لسان الکَلْب، ٢٦٩
کمون رومي، ٢٥٦	لباب، ٢٦٦	لِحَاءِ الغُول، ١٨٧، ٢٦٧	لَسْعَة (تونس و أفريقيا)، ٦٨
کَمُون صَخْرِي، ٢٦٢	لَبَابِ القُرْطُم، ٢٦٦	لَحِينَسِ الاکلیه، ٢٦٨	لسوا السومر، ٢٤٣
کمون ملوکی، ٢٨٩	لَبَابَصَة (اندلس)، ١٢٢	لَحِيَةِ الارنب، ١٠٣	لسيعه، ٦٨
کَمُون هندی، ٢٦٢	لب النخل، ٩٥	لِخِيَةِ التيس، ٩٩، ١٨٨، ٢٠١	لَصَف، ٢٥٠
کَم، ٢٦٠	لباله، ١٠٣	٢٦٧، ٢٩٩	لَصِف (اندلس)، ١١٤
کنجده، ٦٦	لباله، ٢٨١	لِخِيَةُ التيس، ٢٦٧	لَصِف (اندلس)، ١١٤
کندر، ٢١٦	لبان، ٢٦٣	لِخِيَةُ الجَمَل، ٢٥٧	لَصُق، ٣٣
کَنْدَر، ٢٦٣	لبان، ٢٦٦	لَحِيَةِ الحمار، ٧٦	لَصُق، ٢٥٢
کندريات، ٢٧٤	لبان، ٢٧٤	لَحِيَةِ العنز، ١٥١	لِضُق، ٢٧٠
کندس، ١٧١	لبانه مغربيه (مصر و شام)، ٢٢٤	لَحِيَةِ القنليه، ١٠٣	لَصِيف، ١١٤، ١٥٦، ٢٧٠
کَنْدَس، ٢٦٣	لَبْنِج، ٣٥، ٧٦، ٢٦٦	لَحِينَسِ الاکلیه، ١٤٠	لَصِيفِي، ٢٧٠
کَنْدَلَاء، ٢٦٣	لبخه، ٧٦	لَحِينَسِ الأکلیه، ٢٦٨	لَصِيفَاء، ٣٣، ٢٥٢
کنکر البری، ٢٧٠	لسان، ٩٦، ١٨٩	لَحِينَسِ بستانى، ٢٦٨	لَصِيقِي، ٢٧٠
کنکر الکبير، ١١٤	لَبْسَان، ١٣١، ٢٦٦	لِخُوخِ المَاء (اندلس)، ٢٧٢	لَطِين، ٩٦
کَنْهَان، ٢٦٣	لَبْلَاب، ١٢١، ١٤٣، ٦٠	لَدِيقَة، ٦٧	لَطِيقِي أَرَشِمِيسَة (اندلس)، ٤٧
کَنْهَبَلَة، ٢٦٣	١٨٥، ٢٤٠، ٢٧١	لِزَاقِ الذَّهَب، ٥١، ٢٩٥	لُعَابِ القَتِيل، ٥٥
کَنْب، ٢١٣	لَبْلَاب، ٢٦٦	لِزَاقِ الرخام، ٨٦	لُعَاس، ٢٤٣
کَنْب (يمنى)، ٢٦٣	لَبْلَابِ اعنم، ٢٦٦	لسان، ٢٥٢	لُعَبَتِ بَرَبْرِی، ٢٧٠
کَنْب (يمنى)، ٢٦٣	لَبْلَابِ الأَحْرَش، ٦٠	لسان الإِیْل، ٦٠، ٢٦٨	لُعَبِه، ٢٧٠
کواکب، ٤٦	لَبْلَابِ الأَحْرَش، ٢٦٧	لسان الأُیْل، ٢٦٨	لُعْبَة، ٢٧٠
کور، ٢٦٤، ٢٨٣	لَبْلَابِ الجَعْد، ٢٦٦	لسان الثور، ١٣٨، ٢٥٢	لُعْبَة البربرية، ٢١٢
کوکب الارض، ٢٠٤، ٢٢٦	لَبْلَابِ الحَقِيقِي، ٢٦٦	٢٦٨، ٢٦٩، ٢٨٠	لُعْبَة البربرية (عراق)، ١٧٩
٢٦٤	لَبْلَابِ الشجر، ٢٦٦	لسان الجَمَل، ٢٦٩	لُعْبَة بَرَبْرِی، ٢٧٠
کوکبة، ١٥٩	لَبْلَابِ الصغیر، ١٨٥	لسان الحمل، ١١٩، ١٣١	لُعْبَة مَطلَقَة، ٢٧٠
کوکيه (شام)، ١٠٥	لَبْلَابِ الغنم، ٢٦٦	٢٠٥، ٢٦٩، ٢٧٠	لُفَاح، ٢٧٠
کوکيه، ٦٠	لَبْلَابِ الکبير، ٢٤٠	لسان الحَمَل، ٢٦٩	لُفَاح، ٣٠٠
کونهان، ٢٦٣	لَبْلَابِ المَجُوس، ١١٣		

لفاح الجن، ۲۷۰	لوف العقد، ۲۳۰	متکه، ۳۹	مَذْهَب، ۶۱
لفاح الهندی، ۲۷۰	لوف الکسیر، ۳۴، ۱۰۶	مُثَلَّث، ۲۰۱	مَذْهَب الکَلْب، ۶۰
لفاح بری، ۲۸۳، ۳۰۰	۱۸۶، ۲۷۳	مُثَلَّث، ۲۴۷	مُر، ۲۷۷
لفاح (شام)، ۱۴۵، ۱۹۰	لوقاس الجبلیه، ۱۳۳	مثلث حجم، ۱۶۳	مُرار، ۵۹، ۲۹۸
لِفَت، ۱۸۹	لیاء، ۲۷۱	مثنان، ۵۳، ۹۷، ۲۵۵، ۲۷۵	مُرار، ۲۷۸
لِفَت الْأَحْمَر المَدَوَّر، ۱۸۹	لیرون (مغرب)، ۸۷	مُثنان، ۲۷۷	مُرار الصحراء، ۱۲۶
لِفَت البلدی (فاس)، ۱۸۹	لیغه، ۲۷۴	مثنان آخر، ۲۷۷	مرار الصخر، ۱۲۶
لِفَت الجن، ۲۷۳	لیف، ۲۷۴	مَج، ۱۳۷	مرارة الفیل، ۲۳۱
لِفَت المحفور، ۱۸۹	لیف البحر، ۵۹، ۲۷۴	مَج، ۲۷۵	مران، ۱۶۰
لِفَت بری، ۱۰۲، ۲۰۴، ۲۶۶	لیغیه، ۲۷۴	مجاج، ۲۷۵	مُران، ۱۶۳، ۲۷۸
لِفَت مدور، ۱۸۹	لیقیه، ۲۷۴	مُجَجَّع، ۱۴۰	مُران، ۲۰۰
لَفَش، ۲۷۰	لیم، ۴۰	مُجَنِّح، ۲۷۷	مراوح الجن، ۲۹۲
لِقَم القاضی، ۱۰۸	لیمون، ۴۰	مُجَنِّن، ۲۴۹	مربح، ۲۸۰
لُک، ۱۷۸	مانده، ۲۵۴	مجنون، ۱۲۵	مرتینی، ۹۶
لُکَاع، ۲۷۱	مانلة، ۲۰۴	مجنون (شام)، ۱۰۵	مرجان، ۷۹
لُکَاعَة، ۲۷۱	مازر، ۱۵۹	محاجم (اندلس)، ۲۷۷	مَرْنَح، ۱۷۴، ۲۵۹، ۲۷۸
لویانة المغربیه (مصر)، ۲۲۴	مازرو (مغرب)، ۱۴۹	محروث، ۵۰، ۶۵، ۱۲۱	مَرْنَحَة، ۲۰۲
لُویَانَة (مصر)، ۵۵	مازریون، ۴۶، ۵۱، ۵۴، ۵۵	محروث، ۵۰، ۶۵	مرددوش، ۲۷۹
لویبا الابيض، ۲۷۱	۱۲۸، ۱۴۹، ۲۵۵، ۲۶۱	مَحْسَنَة، ۱۸۷	مرددوش البری، ۱۹۵
لُوز، ۲۷۱	۲۷۷، ۲۹۸، ۳۰۰	مُخْفِرَة (اندلس)، ۵۱	مَرْدَدُوش (اندلس)، ۲۷۹
لوز البربر، ۱۰۵، ۲۷۱، ۲۷۲	مازریون، ۲۷۵	مَحَلَب، ۴۳	مَرْدَقُوش، ۲۷۹
لوز الحلو، ۲۷۱	ماش، ۲۷۵	محلَب، ۱۱۲	مردوش، ۳۴
لوز العَر، ۲۷۱	ماش هندی (عراق)، ۱۱۲	مَحَلَب، ۲۱۶	میرز، ۱۵۰
لوز المر (انطالیا)، ۲۷۲	ماشیا، ۴۴	محلولة، ۶۲	مرزجوش، ۳۴
لوز بری، ۲۷۲	ماغره، ۸۰	محموده، ۱۷۳	مرزنجوش، ۳۴، ۱۶۰، ۲۸۸
لوز حلو، ۲۷۱	ماغره الاسود، ۱۵۰	مخاطة، ۱۴۲، ۱۶۷	مَرَزَنْجُوش، ۱۵۹، ۲۷۹
لوز مر، ۲۷۱	ماقر، ۱۴۲	مُخْبِر (فاس)، ۴۹	مُرْزیر (مصر)، ۲۷۸
لوف، ۱۳۰، ۲۳۰، ۲۷۳	مامور، ۱۱۰	مخرج الريح، ۱۷۳	مرقد، ۱۰۹
لوف الارقط، ۲۷۳	مامون، ۱۱۰	مخلب العقارب الأبيض، ۴۷	مرقد، ۲۷۹
لوف البَط، ۲۷۳	ما هو بذاته، ۲۷۶	مخلصه، ۱۱۱	مرمار، ۱۵۸
لوف الجعد، ۲۳۰، ۲۷۳	ماهودانه (مغرب و اندلس)، ۱۱۳	مُخَلَّصَة، ۱۰۷، ۲۷۷	مُرو، ۵۲، ۹۱، ۱۶۳، ۲۷۴
لوف الجَعْد، ۲۷۳		مَخِيطا، ۴۳، ۱۶۷	۲۸۰
لوف الجعد اسخن، ۲۷۳	ماهویدانه، ۲۷۶	مَدْبَقَة، ۵۴	مرو اسود، ۲۸۰
لوف الحَیَة، ۱۸۶، ۲۳۰	ماهی‌زهرج، ۲۷۷	مُدْرَهَمُ الزَّرَق، ۵۹	مرو الاسود، ۲۸۰
۲۳۱، ۲۷۳	ماهی زهرج (شام و عراق)، ۹۰	مدلوك، ۸۸، ۲۵۹	مرو العراض، ۲۲۱
لوف السَّبَط، ۲۷۳		مدلوكه، ۲۷۳	مرو تلخ (شیرازی)، ۲۸۰
لوف السبَط (اندلس)، ۲۷۳	میترسات، ۱۲۹	مدهوق، ۱۸۰	مرو دقیق، ۱۶۳
لوف الصغیر، ۲۷۳	متک، ۳۹	مدیکه (فاس)، ۴۹	مروشة (اندلس)، ۲۰۷



مروی مشتھی، ٢٨٠	مسواک المسیح، ٢٩٢، ٢٣٣	مظ، ١٠٤، ١٧٤، ٢٨٣	مقل ازرق، ٢٨٣
مَرْوِیة الأبیض، ٢٢٤	مشتان، ٢٨١	مظلّل الحمام، ١٥٦	مقل اليهود، ٢٨٣، ٢٦٤
حرة الطوفان، ٢٠٢	مشتهی، ١٦٢، ٦٣	معد، ٧٢	مقلقل (مغرب)، ٩٥
مربخ، ٢٨٠	مشرقی، ٢٥٣	مُعْطَس، ١٧٢، ٢١٦	مقل مکی، ٢٨٣، ٢٨٤
مُرْزِیاء، ١٩٤، ١٦٤	مشط الذنب، ٢٣٣	مُعْغَرَب، ٥٩	مقلوب، ١١٣
مریق، ٥٧	مشط الراعی، ١٤٨، ١٤٩	معین، ٢٧٥	مقل یهودی، ٢٨٣
مُرْیَق، ٢١٠	مشط الراعی (مغرب)، ١٤٩	مغاث، ١٥٨	مقل، ٣٧
مَرْوِیة الاسود، ٢٨٠	مَشْطُ الغول، ٢٨١	مُغاث، ٢٨٣	مُكْثَر اللَّبَن، ٩٠، ١٠٤، ٢٧١
مَرْوِیة ابيض، ٢٨٠	مشک الجن، ١٩٠	مغافیر، ٢٨٣	مکنسة الاندر، ٢٧٧
مَرْوِیة الابيض، ٢٨٠	مشکطرامشیع زور، ٢٨١	مَغْد، ٧٢، ٢٨٣	مکنسة قرشیه، ٢٧٧
مزج، ٢٧١	مشکطرامشیع کاذب، ٢٨١	مغدود، ٢٨٣	ملاج، ٦٦
مزقل الصفار، ٤٩	مشماش (مغرب)، ٢٨٢	مغربی، ١٣٢	مُلّاح، ١٢٣، ٦٦، ٢٤٣
مزمارة الراعی، ٣٣، ٦٤، ٢١٠	مِشْشِش، ٢٨٢	مُغْرِیة، ٢٨٣	مُلّاح، ٢٤٢، ٢٨٤
میزمار الراعی، ٢٨١	مشمش، ٢٨٢	مِغْفار، ٢٨٣	ملاج، ٢٤٣
مزودة، ٢٠٧	مشمش (مغرب و اندلس)، ٧٦	مُغْفَر، ٢٨٣	مُلّاحی، ٩٦
مسافق، ٢٨١	مُصاص، ٩٧	مِغْفَر، ٢٨٣	مُلبونه، ٢٨٦
مستعجل، ٨٩	مُصاصه، ١١٤	مغفور الرمث، ١٥٨	مُلّج، ٢٨٣
مُسْتَعْجِلَه، ٢٠٧، ٢٨١	مصاصة، ١٣٤	مقاتل الراعی، ٦٠	مُلّجی، ١٤٨
مسد، ٩٣	مَصَّاصَة (اندلس)، ٢٦٩	مقاتل الرعاة، ٦٠	ملجی الابيض، ٩٦
مَسْد، ١٥٧	مصاصة (فاس)، ٢٦٩	مقاتل المَرعی، ١٥١	ملجی الاسود، ٩٦
مسقط الأجنة، ٦٨	مَضّ العسل، ٢٨٠	مُفْرَح، ٢٦٨	ملس (یمن)، ٢٠٧
مسک الارض، ١٠٣، ٢٨١	مصباح الروم، ٢٦٤	مفروح القلب، ٧١	ملطاء، ١٤٨
مِسْک الجن، ١٠٣	مَضْطَکاء، ٢٨٢	مُفْرَح قلب المحزون، ٧١	ملطاء، ٢٨١
مسک الجن، ١٠٣، ١٩٠	مصطکی، ٢٠١	مفروح قلب المحزون، ٧١، ١١٣، ٢٨٣	ملک، ١٣٧
مسک الجن (اندلس)، ٢٨١	مَضْطَکى، ٢٨٢	مُفْصِحَة، ٤٨	ملک، ١٦٢
مسک الرمان، ٢٨٨	مَضْطَکى، ٢٨٢	مُفْصِحَة، ٢٨٣	ملکا، ٥٩
مسک القروء، ٥٢	مُصع، ٦٣	مُفَلّق، ١٣٩	ملوح، ٢٤٢
مُسْکنة، ٢٨٠	مُصع، ٢٨٢	مقارجه، ١٤٨	ملوح (شام)، ٢٨٤
مسک جَدّه، ٢٨١	مصغ، ٢١٧	مقارجه (اندلس)، ٩٠	ملوخ، ٢٤٢
مِسْکِیة، ١٢٥	مصغی الرعاة (مغرب)، ٨٦	مقامح ابلیس، ٢٥٢	ملوخ، ٢٤٢
مِسْکِیة، ١٥٥	مض، ١٥٨	مقد، ٥٧	ملوخ، ٢٨٤
مسمقاره، ١٦٠	مَضّ، ٢٨٣	مقر، ١٢٠	ملوخ البطریق، ٢٨٤
مسمقران، ١٦٠	مُضیء البساتین، ٧٩	مقر، ١٩٥	ملوخیا، ٨٤
مسواک الراعی، ١٩٣، ٢٨١	مُطَبِّقَة، ٥٤	مقرجالة، ٥٨	ملوخیا الشَّجَر، ١٣٦
مسواک العباس، ٢٩١، ٢٨١	مُطَر، ١٥٠	مُفْغَل، ٢٥٦	ملوخیان بستانى، ١٢٩
مسواک القروء، ٥٢	مُطَر (اندلس)، ٤٩	مُقل، ٥٢، ٢٨٣	ملوخیه، ١٢٩
مسواک القیاد، ٢٣٣	مظ، ١٠٤	مقل، ٢٣٨	ملوخیه بری، ١٣٦

ملوکیه، ۱۲۹	میعه، ۵۳، ۲۸۶	نخل المقل، ۱۰۹	نُؤیفَع، ۱۵۳
ملوکیه بری، ۱۲۹	میعه سایلِه، ۲۶۷	نَدَغ، ۱۹۵	نَهشل، ۱۰۳
ملوکیه، ۲۸۴	میعه یابسه، ۵۳	نَدی، ۲۹۵	نَهق، ۷۰، ۱۰۲
ملوکیه البحر، ۱۲۹	میعه یابسه، ۲۸۶	نرجس، ۸۰، ۱۸۱، ۲۰۶	نُهود القینات، ۵۴
ملوکیه البریه، ۱۲۹	میعه، ۱۸۶	۲۹۰	نیش (فاس)، ۲۸۲
ملول، ۱۴۰، ۲۷۹	مِیَعَة السائله، ۲۸۶	نرجس ابیض، ۸۰	نیقولا الراهب، ۶۰
ملونیه، ۲۸۵	میعه سائله، ۲۸۶	نرجس الاصفر، ۷۶	نیل، ۱۱۳، ۲۱۱
ملیح، ۲۳۲	میمون (مغرب)، ۲۲۲	نرجس مسکین، ۲۹۰	نیل البری، ۲۱۱
ممسک الارواح، ۴۷	میمونه، ۱۵۸	نرجس مَقوَدَس، ۸۰	نیل بری، ۱۱۳، ۲۹۲
مُفسک الأرواح، ۴۷	نارجیل، ۱۰۹، ۲۸۷	نرنج (فاس)، ۴۰	نیلج، ۱۱۳، ۱۵۹، ۲۱۱، ۲۹۲
معنون البقر، ۴۱	نارجیل بحری، ۲۸۷	نسج، ۲۶۳	۲۹۲
من، ۴۴	نارجین، ۱۳۲	نسرین (مغرب)، ۲۹۴	نیل رومی، ۱۳۶
منبج (شام)، ۲۷۶	ناردين بری، ۴۶	نسمه، ۲۸۰	نیلوفر، ۹۳، ۲۵۶
متن الرائحه، ۲۱۹	ناردين صینی، ۲۸۸	نَشم، ۱۰۶، ۱۸۵، ۲۹۰	نیلوفر، ۲۹۲
مُتَنَة (مصر)، ۲۱۹	ناردين نهري، ۲۸۸	نَشم الاسود، ۱۲۷	نیلوفر ابیض البری، ۸۰
مثور، ۱۴۰، ۱۵۸، ۲۸۵	نارنج، ۴۰، ۲۸۹	نشم الاسود (اندلس)، ۲۷۲	نیلوفر ابیض المانی، ۸۰
مُثَوْر (مصر)، ۱۴۰	ناطف، ۲۸۹	نَشم الأَسود (اندلس)، ۱۴۴	نیلوفر البرک، ۲۸۰، ۲۹۲
منبج، ۲۸۵	ناعمة (اندلس)، ۶۰، ۲۶۸	نصی (اندلس)، ۱۳۶	نیلوفر الصینی، ۲۹۲
من راي مثلی، ۲۵۲	نافع، ۷۸، ۱۵۲	نُضار، ۴۰	نیلوفر القَمَری، ۲۹۲
منسم، ۲۷۱	نافوخ، ۱۴۶	نُضار، ۲۰۲	نیلوفر المجوسی، ۲۹۲
مُنسِيَه، ۲۹۸	نامی، ۱۵۹	نضار، ۲۹۰	نیلوفر ذهبی، ۲۹۲
مُنسِيَه، ۲۸۵	نانخواه، ۲۶۲	ننعع، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۹۵	نیلوفر مجوسی، ۸۰
مُنشِم، ۲۸۵	نانخه، ۲۵۶، ۲۶۲	۲۲۹	نیلوفر هندی، ۲۲۲، ۲۲۷
مُتَفَنَلَة، ۱۲۹	نانخه (اندلس)، ۲۸۹	نَغَنَع، ۲۹۰	وایله، ۲۲۵
مُتَفَوخَة، ۱۷۳	نانوخیه، ۲۸۹	نعيج الحبشه، ۱۰۷	وَتیرْ، ۲۹۴
منفوخه، ۲۴۸	نبات الرعد، ۲۶۰	نغریل، ۹۶	وَجْ، ۵۱، ۱۶۵، ۲۹۳
مُنَقَسِم لخمسه أقسام، ۸۹	نبات سحری، ۲۰۴	نَغَاخ، ۱۰۸	وجد (یمن)، ۲۵۱
مُنوم، ۲۴۹	نَبِیع، ۲۸۹	نفل، ۱۵۷	وحشی، ۹۶
مُنیرَة، ۲۸۵	نیغ، ۲۸۹	نَفل، ۲۵۳	وحمو (فاس)، ۱۰۲
مودیان، ۲۴۹	نبق، ۱۶۸، ۲۶۹، ۲۸۹	نَفل، ۲۹۱	وَدَع، ۲۹۳
موز، ۲۸۵	نَجَب، ۱۷۴	نقد، ۲۱۰	ودود، ۸۶
مونس الوحش، ۱۴۱	نَجْد، ۵۹	نقرار، ۹۶	وَرْد، ۱۱۹، ۲۹۳، ۲۹۴
مونس الهموم، ۲۴۵	نجم، ۴۳، ۹۹، ۱۲۹	نقیب (قدس)، ۲۴۲	ورد ابیض بری، ۲۹۴
مویزج، ۱۱۱	نجمه، ۲۱۲	نُک، ۱۶۲، ۲۹۱	ورد احمر، ۲۹۳
مهد (شام)، ۲۰۷	نجیر، ۹۹	نعام، ۱۱۳، ۱۸۲، ۲۷۹، ۲۹۱	ورد احمر بری، ۲۹۴
میامیر، ۱۵۶	نجیل، ۹۹، ۲۰۰	نعام الملك، ۱۸۲	ورد احمر بستانی، ۲۹۴
میس، ۱۲۷	نحلیه، ۱۵۵	نملول، ۲۴۵	ورد اصفر بری، ۲۹۴
میسَن، ۲۸۶	نخل، ۹۴	نوغان، ۴۶	ورد اصفر بستانی، ۲۹۴

ورد الانهار، ۲۹۲	وصف الاسود، ۷۶	هندباء هاشمی، ۲۹۸	یَعْضِید، ۱۴۳
ورد الحب، ۲۵۰	وَطْم، ۲۹۵	هواسمه (مصر)، ۷۶	یَعْضِید بری، ۱۳۳
ورد الحب، ۲۵۴، ۲۹۴	وغد، ۷۲، ۸۳	هوفاریقون، ۲۹۸	یَعْضِید (مصر)، ۲۹۸
ورد الحمار، ۲۹۴، ۴۶	وَعْد (آفریقا)، ۵۱	هوم‌المجوس، ۲۹۹	یَقْطِین، ۹۳، ۱۲۶، ۲۳۷
ورد الحماق، ۲۹۴	وَقْل، ۲۸۳	هیشِر، ۱۱۴	یَمَان (اسکندریه)، ۲۱۸
ورد الحمه، ۲۹۵	وقله، ۲۸۳	هَیْشَر، ۲۹۹	یَمِین (اسکندریه)، ۲۱۸
ورد الحمیر، ۲۲۳	ولان المکی، ۱۲۰	هیوز (سوانم)، ۲۰۱	یَمُور (شام)، ۸۴
وَزْد الحَمِیر (اندلس)، ۲۲۳، ۲۹۵	وَلَب، ۲۹۵	یاسمین البر، ۱۵۹	یَنْبُوت، ۱۰۹، ۱۳۲
	هائجه، ۲۸۰	یاسمین بری، ۲۴۶	یَنْبُوت، ۱۳۲، ۲۴۷
ورد الذکر، ۱۰۵	هال، ۲۳۲	یسروح، ۱۳۳، ۱۵۹، ۲۷۰، ۳۰۰	یَنْبُوت زَنکُورِج، ۱۳۲
ورد الزوان (فاس)، ۱۳۶	هالوک، ۱۱۸	یَبْرُوح الصَّنَم، ۳۰۰	یَنْبُوت، ۱۰۹
ورد الزَّوَانِی (اندلس)، ۱۳۶	هالوک (مصر)، ۶۸، ۲۰۱	یَبْرُوح الصنم، ۳۰۰	یَنْبُوع، ۳۰۰
وَرْد الزَّوَانِی (اندلس)، ۱۳۶	هَبِید، ۱۲۶	یَبْرُوح الوَقَاد، ۱۶۸	یَنْعَم، ۲۶۹
ورد الزیتنه، ۱۲۹	هَدَبَات، ۷۰، ۱۰۳، ۱۵۴	یَبْرُوح الوَقَاد، ۱۶۸	
ورد الزیتة البری، ۱۲۹	۲۴۸، ۲۵۶	یَبْرُوح الوَقَاد، ۱۶۸	
ورد الشمس، ۲۹۲	هَدَس، ۳۱، ۳۵	یَبْرُوح بری، ۲۷۰	
ورد العجار، ۲۹۴	هَذِیلَة (اندلس)، ۲۹۶	یَبْرُوح سَریانی، ۲۷۰	
ورد الفُجَار، ۲۹۴	هَذِیلِی، ۱۰۶	یَبْرُوح صَنَمی، ۱۶۸	
ورد الفَحْصِی، ۲۶۵	هَزْجَان، ۲۸۵	یَنْتُوع، ۱۰۱، ۱۴۷، ۱۵۷	
ورد المجوس، ۲۹۲	هَرْد، ۱۶۳	۱۸۴، ۱۹۴، ۲۶۵، ۲۶۷	
ورد بری، ۲۹۴	هَزْد، ۲۰۸	۳۰۰	
ورد جبلی، ۲۶۵	هَزْطَمَان، ۲۹۶	یَنْتُوعَات، ۱۶۵، ۱۹۴، ۲۰۹	
ورد صینی، ۲۹۰	هَرْم، ۲۰۰	۲۲۱، ۲۲۴، ۲۹۵	
ورد متن، ۲۹۵	هَزَارِجْشَان، ۲۲۲	یَنْدَر، ۲۴۰	
ورد مَوْجَه، ۲۹۴	هَسْک، ۲۱۰	یَنْدَرَة، ۶۲	
ورق الحنا، ۱۱۳	هَلِیلِج، ۶۸	یَنْرَاع، ۲۴۰	
ورق الخیار، ۲۴۵	هَیْثِیَا، ۲۹۷	یَنْزِیَاثَه، ۶۹	
ورق زیتون هندی، ۱۹۹	هندبای بری، ۲۹۸	یَنْزِیْطُور السَّاحِلِی (اندلس)، ۲۷۴	
وزق، ۱۴۴	هندباء، ۸۴، ۶۶، ۲۸۰، ۲۹۶	یَرْبُطُور الشَّعْرَاوِی (اندلس)، ۲۷۴	
وسق، ۵۱	۲۹۷، ۳۰۱		
وَسْمَة، ۲۹۲، ۲۱۱، ۱۳۶	هَنْدَبَاء، ۱۲۰		
وَسْمَة الذَّکَر، ۲۱۱	هَنْدَبَاء الاجعد، ۱۰۳، ۱۱۹	یَرْبُطُورَة (اندلس)، ۶۶	
وسیل، ۱۸۸	هندباء البستانی، ۲۹۸	یَرْبُوز (مغرب و فاس)، ۸۴	
وَشْج، ۵۱	هندباء الشامی، ۶۶	یَرْزَا، ۱۲۵	
وَشْج، ۵۱	هندباء بری، ۱۳۹، ۲۹۶	یَرْزَاء (شام)، ۱۲۵	
وَشْج، ۲۹۵	۲۹۸، ۳۰۰	یَشْمَه، ۹۴	
وَشْق، ۲۹۵	هندباء شامی، ۲۹۸	یَعْضِید، ۸۳، ۱۳۹، ۲۸۰	
وَشِیج، ۹۹	هندباء (فاس)، ۲۹۷	۲۹۸، ۳۰۰	

## ۲ - نام‌های فارسی و محلی

آذرگون، ۳۴	اسبَرِیون، ۳۴	اسلیخ، ۲۶۷	انار، ۱۵۷
آذریون، ۲۵۸	اسبلنج، ۲۶۷	اسمار، ۳۶	انار دانه، ۱۵۸
آزاددرخت، ۳۵	اسبندان خوش، ۱۳۰	اشبرک (سجزی)، ۱۲۱	اناریچه (مازندران)، ۱۱۷
آزادِرخت، ۳۵	اسبیدار، ۱۴۹، ۱۳۳	اشتر (اصفهان)، ۱۱۰	انبرود، ۲۶۱
آزاد سوسن، ۱۸۰	اسبیزمرد، ۴۶	اشترانگبین (اصفهان)، ۱۱۰	آنجره، ۶۵
آس، ۳۱، ۳۵	اسپره (اصفهان)، ۷۸	اشترخاراست، ۵۰	انجیر، ۹۳، ۹۶، ۱۰۵، ۱۸۴
آلو، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷	اسپرغم بیابانی، ۱۹۹	اُشترغار، ۶۵، ۵۰	انجیر آدم، ۶۶
آلوبالو، ۲۳۴	اسپست باغ تازه، ۱۵۵	اشترغاز، ۵۰	انجیر حلوانی، ۹۶
آلوبوغلی، ۲۳۴	اسپناج، ۴۸	اشخیص اسود، ۵۱	انجیر دشتی، ۹۶
آلوبولی، ۲۳۴	اسپند، ۱۳۱	اشخیص سفید، ۵۱	انجیر زمینی، ۱۲۷
آلو جبلی، ۵۱	استکو (تنکابن)، ۱۷۱	اشراز، ۳۷	انجیر وربری، ۱۸۴
آلوجه، ۵۱	آسَخَن، ۱۰۸	اشراس، ۳۷	انچلک (شیراز)، ۱۴۲
آلوجه، ۴۱	اسفد، ۱۱۶	اشریس، ۳۷	اندقوقو (شیراز)، ۱۲۵
آلوجه سلطانی، ۴۱، ۴۲	اسفردانه، ۸۱	اشنان گازران، ۵۲	انده قوقو (شیرازی)، ۱۲۵
آلوکشته بتر، ۵۱	اسفرک (شیراز)، ۱۶۲	أشه، ۵۱	انغوزه، ۱۲۱
آلوی زرد بخارانی، ۴۱	اسفرم، ۳۱، ۳۵	افتاب پرست، ۲۹۹	انکر (شیرازی)، ۲۳۶
آلوی سیاه، ۴۱	اسفناج، ۴۸	افرنجمشک، ۱۱۳، ۲۲۵	انکزر، ۱۲۱
آلی باقلی (شیرازی)، ۲۳۴	اسفناج رومی، ۲۴۱	افریژ، ۲۹۳	انگدان، ۶۵
آلی بالی، ۲۳۴	اسفناج رومی (شیرازی)، ۲۴۱	افزغنج (بخاریه)، ۲۲۶	انگدان زد، ۱۲۱
آمله، ۶۲		افس سک (شیرازی)، ۱۸۳	انگدان، ۶۵
آویشن، ۱۹۵	اسفند، ۱۱۵، ۱۱۶	افنان سر، ۲۲۴	انگزد، ۱۲۱
ابونس، ۳۳	اسفندار، ۱۱۶	اقحوان زرد، ۷۰	انگزه، ۱۲۱
ابی، ۱۷۲	اسفند اسفید، ۱۱۵، ۱۳۱	اگیرترکی، ۲۹۳	انگشت، ۵۳
اخفاک، ۲۱۰	اسفندان سفید، ۱۱۵	الاشنگ (اصفهان)، ۲۶۷	انگشت کنده (اصفهان)،
اردشیران، ۲۸۰	اسفندسناه، ۱۱۵	الاملك (طبرستان و	۱۲۱
اردشیر دارو، ۲۸۰	اسفند سفید، ۱۱۵	تنکابن)، ۲۲۲	انگور، ۲۱۴، ۲۱۷
ارزن، ۱۰۰، ۱۴۳، ۱۴۹	اسفندسناه، ۱۱۵	الثال، ۱۳۶	انگور سگان، ۱۲۸
ارغوان، ۴۴	اسفیدار، ۱۷۸	الداس واش، ۱۲۹	انگیان، ۶۵
آزگوان، ۴۴	اسفیدش، ۷۸	آلدر، ۲۱۳	اوبرنیون، ۲۲۴
ارود (فارس)، ۱۱۰	اسفیدکشیر، ۳۰۰	السنه، ۱۲۹	اویزر، ۲۴۶
اریسه، ۱۹۸	اسفیددار، ۱۳۰	إلقیس (سجزی)، ۲۶۶	اوجا (تنکابن و دیلم)، ۲۲۰
ازاددرخت، ۲۱۳	أسفیوس، ۷۸	إلقیوس (سجزی)، ۲۶۶	اوحی (مازندران)، ۱۲۰
ازاددرخت، ۲۱۳، ۲۶۶	اسفیوش، ۷۸	آلم (شیراز)، ۱۰۰	اوسبید، ۶۸
ازدشیر زاد، ۲۸۰	اس کرمانی، ۳۶	الم (شیراز)، ۱۴۳	اوسبید، ۶۸
اسباناج، ۴۸	اسکیلیم چشم (سجزی)،	الویا، ۲۷۱	اوسفید، ۶۸
اسبک، ۵۹	۲۱۷	آمرو، ۶۲، ۲۶۱	اوشن، ۱۹۵

اوشه (شیرازی)، ۱۹۵	بادرنجبویه، ۷۱	برس، ۳۹	بُکمون، ۸۵
اونیره، ۸۱	بادنجان، ۱۱۴	برس غنچه، ۳۹	بَلادُر، ۸۵
اویشم (اصفهان)، ۱۹۵	بادنجان دشتی، ۱۱۴	برسیاج دارو، ۲۱۰	بلادر، ۸۵
اهر، ۱۷۸، ۲۶۹	بادنگان، ۷۲	برسیان دارو، ۲۱۰	بلبل شامی، ۲۷۷
ایرامامیز، ۶۹	بادیان، ۱۵۲	برسیاوشان، ۲۰۷	بلس، ۹۶
ایرس، ۳۹	بادیان خطائی، ۷۲	برش، ۲۵۸	بُلسُن (سجری)، ۲۰۷
ایشن، ۱۹۵	بادیان رومی، ۶۷	برشاد، ۱۸۹	بَلَنجاسف، ۷۷
ایکور، ۷۵	بازام طلخ، ۲۷۱	برشیان دار، ۲۱۰	بلنجاسف، ۱۹۰، ۲۴۷
أبرس، ۲۰۸	بازامک، ۷۲	برشیان دارو، ۲۱۰	بلوط، ۷۷، ۸۶، ۸۷، ۹۱
أبرنج، ۴۴	بازرنبویه، ۷۱	برشیاوشان، ۱۸۷	۱۴۴، ۲۵۰، ۲۶۰
أردمانه، ۲۶۷	بازرنگ، ۴۰	برشیاوشان داوران، ۲۵۷	بلوط الارض، ۸۷
أزاددرخت، ۳۵	بازنجان، ۲۸۳	برغث (خراسان)، ۲۴۵	بلوط (شام)، ۱۷۹
أزْدَف، ۱۶۲	بازْدَزْد، ۳۴	برغست، ۲۴۵	بلیذا، ۱۴۰
أسبست، ۱۵۶	بازورد، ۱۱۴	برغشت، ۲۴۵	بن، ۸۱
أَسْفَنَت، ۱۵۶	بازرْد، ۷۲، ۲۴۶	بَزْکک شیرازی، ۷۶	بَنج اَنگُشت، ۴۰
أسفند، ۴۸	بازرْد، ۷۲	برکینه، ۲۴۰	بنجسکروان، ۲۶۹
أَسْفُوس، ۷۸	بارشک، ۲۶۹	برگ فرنجمشک، ۲۲۵	بنجسکروان، ۸۸
أشترغاز، ۱۶۴	باقلا مصری، ۹۳	برگک (شیرازی)، ۲۴۵	بنجشک زیان، ۲۶۹
أقحوان زرد، ۹۰	باقلی هندی، ۵۴	برنج، ۴۴، ۲۴۸	بنجکسروان، ۱۴۴
أوسین، ۶۸	بالش عاشقان (شیراز)، ۲۳۳	برنجاسب، ۲۴۷	بنجکُشت، ۱۵۲
أیمونیطس، ۷۰	بالنکو، ۷۳	برنجاسف، ۲۴۷	بنجنکست، ۱۷۰
بابونه، ۷۰، ۵۷	بالنگ، ۴۰	برنج کابلی، ۷۷	بنجنکشت، ۱۸۵، ۱۸۶
بابونه گاو، ۵۷	بالنگو، ۷۱	بَرنجمشک، ۲۲۵	۲۲۸، ۲۵۸
بابونه گاو چشم، ۵۷	بالوط، ۸۶	برنگ، ۷۷	بنجنکشت، ۴۰
باتو (شیراز)، ۱۴۷	بانقش (نیشابور)، ۸۱	بزیار (شیرازی)، ۷۸	بنجه، ۱۲۶
بادآورد، ۲۷۸	باهستان، ۲۱۸	بزیاز، ۱۰۷	بنحنک (خوارزم)، ۸۴
بادام، ۱۹۷، ۲۷۱	بچند (سیستان)، ۲۴۵	بَزْغُنْج، ۲۲۵	بن شاه، ۸۱
بادام تلخ، ۲۷۱	بچو (فارس)، ۲۵۷	بزغند، ۲۲۵، ۲۳۷	بنفشه، ۸۹
بادام شیرین، ۲۷۱	بخرک (شیراز)، ۱۰۵	بزندوبخند، ۲۴۵	بنک، ۸۸، ۲۴۵
بادامک، ۱۳۶	بداوان (شیراز)، ۱۴۸	بَزْزیر (سجستان)، ۲۴۷	بنک (شیرازی)، ۲۴۵
بادام کوهی، ۱۰۵	بدران (شیراز)، ۵۱	بستان ابروز، ۷۸	بنکو (شیراز)، ۷۸
بادام نشک، ۱۹۶	بدسکان، ۷۵	بستان افروز، ۷۱، ۷۶، ۱۲۲	بنگ، ۸۸
باداورد، ۷۱	بدکستان، ۷۵	بُستان افروز، ۷۸	بن لیلوفر، ۲۹۲
بادتخم (سیستان)، ۱۵۲	بذه، ۲۲۰	بستان افروز، ۷۱، ۷۶، ۷۸	بُتو (سجری)، ۲۱۲
بادرنبویه، ۷۱	بربهن (اصفهان)، ۸۳	۱۲۲، ۱۴۷	بنو سیاه (شیرازی)، ۲۷۵
بادرنجبویه، ۷۱	برتراسک، ۲۴۷	بستولاک، ۱۷۰	بنوماش (شیرازی)، ۲۷۵
بادرنجبویه، ۱۱۳	برتراسک (شیراز)، ۷۷	بفرخ، ۸۳	بوخل (نیشابور)، ۸۳
بادرننگ، ۷۱	برتراسک (شیرازی)، ۷۷	بقلة دشتی، ۸۳	بوذنه، ۲۹۰

بورمندی (جرجان)، ۸۴	بید مشک، ۱۳۶، ۱۳۷	پیچک (شیرازی)، ۲۵۷	تخم قاوند، ۲۳۳
بورمنی (بخارا و جرجان)، ۸۴	بیدانجیر، ۱۳۳	پیر در بهار، ۷۰	تخم کاج، ۱۱۲
بورمنی (جرجان)، ۸۴	بیرزد، ۲۴۶	پیرز، ۱۶۷	تخم کاجره (گیلان)، ۲۳۶
بومادران، ۷۷	بیم (ديلم و تنکابن)، ۱۶۷	پیرزد، ۷۲	تخم کازیره (گیلان)، ۲۳۶
بوی جهودان، ۲۸۳	بیوه‌زا، ۲۳۶	پیزد، ۷۵	تخم کافشه، ۲۳۶
بوی مادران، ۲۴۷	بیوه‌زا (آذربایجان)، ۹۲	پیزرا، ۱۲۱	تخمکان (تبریز)، ۸۳
بوی مازدان، ۲۴۷	پای کلاغ (پهلوی)، ۱۵۵	پیل زهره، ۱۲۰	تخم کرفس رومی، ۲۶۱
بوی هیربذان (سجستان)، ۱۸۰	پَرسیاوشان، ۷۵	پیل گوش، ۲۳۰	تخم کشوث، ۲۵۸
به، ۱۷۲	پرسیاوشان، ۷۶، ۱۷۸، ۱۸۷	پیوند مریم، ۱۱۲	تخم کلم (شیرازی)، ۲۵۵
بهار، ۴۴، ۵۷، ۹۰، ۱۴۲	پرکاج (شیراز)، ۱۹۶	تاتوله، ۱۰۹	تخم کنب، ۱۱۱
۲۹۴، ۲۱۷	پسته، ۲۲۵	تاج خروس، ۷۹	تخم گزر، ۱۰۳
بهار خرما، ۹۵	پشم، ۹۴	تاج ریزی (اصفهان)، ۲۱۴	تخم نیلوفر، ۱۱۳
بهاری، ۲۹۰	پلپل، ۲۲۷	تاک، ۲۲۲، ۲۵۵	تخم نیلوفر هندی، ۵۴
به دانه، ۱۷۲	پلنگ مشک، ۸۳	تال شال، ۲۱۰	تخم وهل، ۳۹، ۴۰
بهمن، ۹۱	پلنگمشک، ۲۲۵	تالکن، ۲۹۸	تذری (شیراز)، ۹۶
بهی، ۱۷۲	پلیهیم (طبرستان)، ۲۱۹	تبرزد، ۲۰۰	ترب، ۲۲۳
بهی (سجزی)، ۱۲۶	پنبه، ۲۴۲	تخم اسبست، ۱۵۶	تُرئد، ۹۳
بیخ آسمان گون، ۷۰	پنبه دانه، ۲۴۲	تخم امرود جنگلی، ۱۴۲	تربزه (شیراز)، ۲۲۳
بیخ برنده، ۱۹۳	پنجنگشت، ۴۱	تخم اهر (شیرازی)، ۲۶۹	تربیزک (شیرازی)، ۲۲۳
بیخ بنفشه، ۷۰	پنیرک، ۱۲۹	تخم بزوشه (تبریزی)، ۲۶۹	تربیزه، ۲۲۳
بیخ تفت، ۱۹۱	پنیرک خطمی (کرمانی)، ۱۲۹	تخم بلوک (کرمان)، ۸۳	ترخانی، ۲۰۲
بیخ جگری، ۱۵۴	پنیرک (سجزی جدید)، ۲۸۴	تخم بیخ رومی، ۱۹۱	تر (خراسان)، ۱۱۰
بیخ چکری، ۱۵۴	پنیر نخل، ۹۵	تخم پدران (شیرازی)، ۲۳۵	ترخونی (شیرازی)، ۲۰۲
بیخ چینی، ۱۰۶	پوبهکل (شیرازی)، ۲۲۵	تخم پیاز، ۸۰	ترسک (شیرازی)، ۱۲۳
بیخ سنبل، ۲۲۸	پودنک، ۲۲۹	تخم ترخر (شیرازی)، ۲۳۵	ترشج، ۱۲۲
بیخ سوسن سفید، ۵۴	پودنه، ۲۲۸، ۲۲۹	تخم ترشه، ۱۲۲	ترشک، ۱۲۲
بیخ عرطیثا، ۳۴	پودنه جبلی، ۲۸۱	تخم ترشیشک (شیرازی)، ۱۲۲	ترشه، ۱۲۲
بیخ کازران، ۲۶۳	پودنه صحرائی، ۱۰۵	ترشه (شیراز)، ۱۲۲	ترشینک، ۱۲۲
بیخ لفاح، ۳۰۰	پودنه کوهی، ۱۱۰، ۲۲۹	ترشه (خراسان)، ۱۲۴	ترف (خراسان)، ۱۲۴
بیخ مهک، ۱۸۰	پوست بیخ زرشک، ۳۵	تُرُم (ری)، ۱۶۴	تُرُم (ری)، ۱۶۴
بید، ۱۳۶	پوست درخت کاژی، ۴۵	ترنج، ۴۰	ترنج، ۴۰
بیدار، ۱۴۹	پیاز تلکه (شیرازی)، ۸۵	ترنجان، ۲۸۳	ترنجان، ۲۸۳
بیدانجیر، ۱۳۳	پیاز دشتی، ۴۹	ترنجبین، ۱۱۰، ۱۹۳	ترنجبین، ۱۱۰، ۱۹۳
بیدبری، ۱۳۶	پیاز موش، ۴۹	تُرنگ (اهواز)، ۴۰	تُرنگ (اهواز)، ۴۰
بید گیاه، ۹۹	پیاز نرگس، ۲۹۰	تره (اصفهان)، ۲۵۲	تره (اصفهان)، ۲۵۲
بیدمر، ۴۱	پیچک، ۲۵۷	تره تیزک، ۱۰۲	تره تیزک، ۱۰۲
		تخم سپندان، ۱۱۵	تره خراسانی، ۷۱، ۸۳

تره داهان، ۸۳	جَبَل‌هنگ، ۱۰۱	چشمک (شیراز)، ۹۴	خردل بابلی، ۱۳۱
تره گربه، ۸۳	جُذری (بلخ و طخاری)، ۲۲۶	چشمیز، ۹۴	خردل سفید، ۱۱۵، ۱۳۱
تره میره (سیستان)، ۱۰۲	جرجیر بیابانی، ۷۰	چشمیزج، ۹۴	خرزهرج، ۱۴۵
تریاق کوهی، ۲۷۷	جز (تنکابن)، ۳۶	چشمیزج، ۹۴	خرزهره، ۱۴۵
تستر، ۲۰۵	جعفریه (جرجان)، ۱۱۷	چشمیژه، ۹۴	خرزهره (کرمان)، ۱۲۶
تستریه، ۲۰۵	جغش (هرات)، ۱۱۷	چشوم، ۹۴	خرس گیا، ۲۶۴
تشن (سیستان)، ۹۴	جُفت آفرید، ۱۵۷، ۱۰۴	چغندر، ۱۷۳، ۱۷۴	خرس گیاه، ۱۴۸
تشیك (زابل)، ۱۸۳	جُکری، ۱۵۹	چگندر، ۱۷۴	خرفه، ۸۳
تلخه پیاز، ۸۵	جگری، ۱۵۹	چنار، ۱۴۵، ۱۹۶	خرک، ۱۷۳
تمر هندی، ۱۲۴، ۹۵	جلغوزه، ۱۹۶	چنار (شیراز)، ۱۴۵	خرک (شیرازی)، ۹۴
تمر هندی ترش، ۱۹۴	جماز (تنکابن و دیلم)، ۱۶۹	چوب چینی، ۱۰۶	خرگوشک، ۲۶۹
تمر هیرونی، ۹۵	جم اسپرم، ۱۶۰	چوب چینی خطائی، ۱۰۶	خرل، ۲۰۹
تمش (جرجان)، ۲۱۳	جمسینج (خوارزم)، ۹۴	چوه صباغان، ۳۴	خرما، ۹۴، ۲۳۸
تموش (دیلم)، ۲۱۳	جن آر، ۱۹۶	چهار مغز، ۱۰۶	خرما هیرون، ۹۵
تتکر، ۲۱۷	جنجه، ۹۵	چینه کبوتران، ۱۵۶	خرمای سنگ اشکن، ۹۵
توبج، ۲۶۶	جنکک (بلخ)، ۱۳۲	حارسوهک (شیراز)، ۱۱۸	خرو، ۱۲۹
توت، ۹۵	جو، ۱۸۷	حرف سفید، ۱۱۵	خروس لوچ، ۱۱۸
توت حامض، ۹۵	جواشیر، ۱۰۰	حسن لبه، ۱۹۸	خزران، ۱۴۰
توت حلو، ۹۵	جوانسپرم، ۱۸۳	حسن یوسف، ۱۱۱	خسرو دارو، ۱۳۹، ۲۲۲
توت سه گل (شیراز)، ۲۱۳	جوانسفرم، ۱۸۳	حسینی، ۲۶۱	خسق، ۲۱۰
توت شامی، ۹۵	جو برهنه، ۱۷۳	حسینی (مرشدآباد)، ۶۲	خسک دانه، ۲۳۶
توت نبطی، ۹۵	جودادو، ۱۴۱	حشیش، ۲۴۵	خشخاش، ۷۰، ۱۵۸، ۲۷۵
توت وحشی، ۲۱۳	جوزبویا، ۱۰۷	حماحم، ۱۵۹	۲۸۵، ۲۸۸
تودری، ۹۶	جوز روت، ۱۰۹	حماض سه برگ، ۱۲۲	خشخاش سفید، ۱۳۴، ۱۵۸
تودری، ۱۹۰	جوشیصا، ۱۰۹	حفظل زرد، ۱۲۶	خشخاش سیاه، ۱۳۴
تورک، ۸۳	جوگندم (زابل)، ۱۷۳	خارِئِن، ۲۱۷	خشخاش شاخ دار، ۱۳۴
تورکی (شیراز)، ۸۳	جوگندم زابل، ۱۷۳	خار خسک، ۱۱۸، ۲۳۶	خطای (شیرازی)، ۱۴۰
تورم، ۳۴	جولاه کش (سیستان)، ۷۱	خارشر، ۱۱۰	خطمی، ۱۲۹
توز، ۱۲۷	جیدار، ۱۰۹	خاص تره (تنکابن)، ۱۰۲	خطمی کوچک (شیراز)، ۱۲۹، ۲۸۴
تویوش، ۱۶۴	جیلان (گیلان)، ۱۷۹	خاکشی (اصفهان)، ۱۲۹	خفروج (بلخ و زابلستان)، ۸۳
ثامروان، ۲۷۱	جیلان (گیلان)، ۱۷۹	خایه ابلیس (فارس)، ۵۹	خلبه (گیلان)، ۱۲۱
ثمر پشه، ۱۰۵	چتر اخضر، ۲۴۵	خربزه، ۸۱	خُلَر (قزوین)، ۱۰۴
جاحوشی (شیراز)، ۱۰۰	چرچه، ۱۸۹	خربزه دراز، ۲۸۵	خلیمو (شیرازی)، ۱۲۳
جافر (هرات)، ۱۱۷	چشم، ۹۴	خربزه روباه، ۱۲۶	خنجک، ۱۱۱
جاکج (خوارزم)، ۹۴	چشم خروس، ۲۱۷	خربزه زمستان، ۸۱	خنجک (خراسان)، ۸۱
جاکجو (خوارزم)، ۹۴	چشمک، ۹۴	خربزه طلخک (زابل)، ۱۲۶	خنیس (گیلان)، ۱۲۰
جاکسو، ۹۴		خربزه هندی، ۸۲	خورزهرج، ۱۴۵
جامه خواب، ۲۰۰		خرچکوک (زابلستان)، ۳۸	

خوش سایه، ۱۴۴	داربرنیا، ۸۴	درخت عود، ۲۹۶	دهمشت، ۲۱۸
خوشک، ۷۳	دارچوبه، ۱۴۲	درخت غایش، ۲۱۵	دینارو، ۱۱۷
خوشه ارزن، ۱۹۰	دارچینی، ۱۴۱	درخت فلفل، ۱۴۲	دینارویه، ۱۱۷
خوللو (شیرازی)، ۱۵۲	دارشاه، ۵۹	درخت کدز، ۴۵	دیواسپست صحرائی، ۱۲۵
خوم (سفدی)، ۲۹۹	دار شیرین، ۱۸۰	درخت کلنورا، ۱۹۸	دیودار، ۱۴۹، ۲۰۹، ۳۰۰
خونسیاوشان، ۱۴۶	دارشیشعان، ۱۰۹، ۱۴۱	درخت کوت، ۲۶۲	دیودار (طبرستان)، ۲۶۴
خون سیاوشان، ۱۴۶	۱۷۱، ۱۷۸	درخت مسواک، ۴۳	دیودر، ۱۴۹
خویبو (سجزی)، ۱۷۱	دارصینی، ۱۴۱	درخت هلیله (شهری)، ۳۵	دیوزوان (بستی)، ۲۱۰
خیار، ۱۴۰، ۲۳۴، ۲۵۵	دارفلفل، ۱۴۲، ۲۲۷	دژدار، ۱۴۴	دیوسپست، ۱۲۵
خیار بادرنگ (خراسان)، ۲۳۴	دارمازو، ۸۶	دردار، ۲۶۹، ۲۹۰	دیو مشنگ، ۱۵۶
خیار بادرنگ، ۲۳۴	دارمیران، ۱۴۲	درمنه، ۱۹۳، ۵۵	ذرت، ۱۰۰
خیاربادرنگ (خراسان)، ۲۳۴	دارواش (دیلم و تنکابن)، ۲۱۵	درمنه اسپید، ۹۷	ذرق، ۱۵۰
خیار بالنگ (شیراز)، ۲۳۴	داروان (تنکابن)، ۳۵	درمنه ترکی، ۱۹۳	ذره مکه، ۱۳۹
خیارتلخ، ۱۲۶	دارورهرام، ۱۸۰	درنک، ۲۸۰	رازیانه، ۱۵۲، ۲۱۳
خیار چنبر، ۱۴۰	دارون، ۱۴۴	دروکی کنکر، ۱۱۴	رازیانه بری، ۱۵۳
خیارخر، ۲۳۳	داری، ۱۳۰	دژوئج، ۱۴۴	رازیانه شامی، ۶۷
خیار (خراسان)، ۲۳۳	دانه سجستان، ۱۶۷	درونک، ۱۴۴	راژموک (ترمذی)، ۲۷۱
خیار خوراکی، ۲۳۴	دبندار، ۱۴۹	درهن، ۱۸۴	راقوته (شیراز)، ۲۹۰
خیار دراز، ۲۳۳	دبوقی (بلخ)، ۲۸۴	درینه (تبریز)، ۹۶	رانج وبر (فارس)، ۱۱۱
خیار دراز (شیراز)، ۲۳۴	دخنخ (بخارا)، ۸۴	دستنبویه، ۱۴۴	رانداروی تلخ، ۲۶۰
۲۸۵	در، ۲۱۳	دستنبویه، ۱۴۵	راوند، ۱۵۴
خیار درزده، ۲۳۳	دراز (شیرازی)، ۱۱۷	دل اشوب (شیرازی)، ۴۱	راء، ۱۲۶
خیار دشتی، ۱۲۶	درامک، ۲۸۰	دنبی دارو (شیرازی)، ۴۹	رتک (شیراز)، ۲۸۱
خیارزره سفید، ۲۳۳	درحسک، ۱۹۸	دندان جانان (سجزی)، ۲۹۳	رجمول، ۲۵۸
خیارزره، ۲۳۳	درخت اثل، ۱۸۲	دندان گرگ، ۵۰، ۸۴	رزی (تبریز)، ۸۵
خیارزره اسپند، ۲۳۳	درخت پشه، ۱۴۴	دوالک، ۵۲	رسین (اصفهان)، ۲۳۶
خیارزره کوچک، ۱۹۸	درخت توت، ۹۳	دواله، ۵۲	رقاقس، ۱۵۷
خیار طلخ، ۱۲۶	درخت دبق، ۵۱	دوالی، ۵۲	رنکبار (شیراز)، ۱۵۲
خیارک بسی بر (بلخ و طبرستان)، ۲۸۶	درخت درداز، ۱۷۸	دوراز، ۱۱۷	رنگ زعفران، ۴۲
خیرو، ۱۲۹	درخت دلیک، ۲۹۴	دورس، ۱۴۵	رنگ زعفران (اصفهان)، ۲۱۰
خیروج، ۱۳۶	درخت زکریا، ۱۶۹	دوسر، ۱۴۷	روبارزج، ۲۱۴
خیری، ۱۲۹	درخت زهرناک، ۲۰۹	دوسر، ۲۰۱	روبه تریک، ۲۱۴
خیری سیاه، ۱۴۰	درخت سال، ۲۰۲	دوشر، ۱۴۷	روبه تورک، ۲۱۴
داذی کوهی، ۲۹۸	درخت سیستان، ۱۴۲	دهکلو (شیراز)، ۲۶۰	روبه رزک، ۲۱۴
دارافرسام، ۸۶	درخت شانه، ۲۶۳	دهمست، ۱۴۸	رودک، ۲۳۰
	درخت عرعر، ۱۷۰	دهمست، ۲۱۸	رؤزبارج، ۲۱۵



روشنک، ۲۲۱	زَرین گیاه، ۹۲، ۱۶۲	سببذخار (سجزی)، ۲۱۷	سک انگور (زابل)، ۲۱۴
روشی‌مینس (شیراز)، ۵۱	زُط (سجستان)، ۲۰۱	سپر، ۱۵۹	سکینه، ۱۷۳
روغناز (جرجان)، ۲۳۰	زغیر، ۱۹۴	سَپستان، ۱۶۷	سکفس (ترمذی)، ۲۱۱
روناس، ۲۳۰	زغیر (سغد، سمرقند)، ۲۵۱	سپست تر، ۱۵۵	سکوک (بخاری)، ۲۱۱
رونک (سجزی)، ۱۷۳	زغیره (سغد، سمرقند)، ۲۵۱	سپند، ۱۱۶	سکوهنج، ۱۱۸
روی (سجزی)، ۲۰۰	زُقال، ۱۶۳	سپندان، ۱۳۱	سگ انگور، ۲۱۴
روین، ۲۳۰	زمرد رنگ، ۲۴۵	سپید اسفند، ۱۳۱	سگستان، ۱۶۷
ریباس، ۱۵۴	زمین قند، ۱۸۹	سپید گیاه، ۹۷	سلجم، ۱۸۹
ریحان سلیمان، ۱۶۰	زمین (گرگان)، ۳۵	ستاره اثیکا، ۴۸	سلس (فارس)، ۲۱۹
ریحان کوهی، ۷۱	زُثبا، ۱۶۴	سدا بستانی، ۱۱۶	سلق، ۱۷۳
ریحان مطلق، ۱۸۴	زُنجرو (سجزی)، ۶۶	سذاب، ۱۶۷	سلم سرخ (یزدی)، ۲۱۰
ریش سمندر، ۱۲۰	زنک فلج، ۱۳۲	سریبل (شیراز)، ۲۳۳	سلمه، ۲۴۱
ریشه انجدان خراسانی، ۶۵	زنکورج، ۳۰۱	سرخ پای، ۱۲۲	سلیسک (فارس)، ۲۱۹
ریشه خيرو، ۲۹۷	زنگباری (شیراز)، ۲۴۴	سرخس، ۱۶۹	سماروغ، ۲۶۰، ۲۲۶
ریشه ریباس، ۱۵۴	زنگبیر، ۱۶۴	سرخس نر، ۱۶۹	سمالو، ۲۶۰
ریواج، ۱۵۹	زوار، ۱۰۱	سرخ فرد (شیرازی)، ۲۱۰	سماهنگ، ۲۳۳
ریواس، ۱۵۹	زوان گندم، ۱۹۴	سرخ مرد، ۱۴۳	سمرقندیا (زابل)، ۲۷۶
ریوند، ۱۵۴	زوباترس (تنکابن)، ۳۵	سرزردک (شیراز)، ۲۴۷	سم (سجزی)، ۱۳۲
زارج، ۶۱، ۳۸	زوفرا، ۱۱۷	سرشو (شیرازی)، ۲۶۶	سنبل سفید، ۲۳۸
زبان گنجشک، ۲۶۹	زوله (خوارزم)، ۲۲۸	سر (شیرازی)، ۲۴۵	سنبل فارسی، ۱۷۸
زر، ۲۵۵	زهر زمین (جرجان)، ۳۵	سرکوه، ۱۸۱	سنجد، ۲۱۹
زراوند، ۱۶۰	زیتون کوهی، ۲۰۶	سرم، ۲۲۶	سندل، ۱۹۶
زراوند خراسانی، ۱۶۰	زیر، ۸۵	سرمک، ۲۴۱	سنگ سبویه، ۱۷۹
زراوند گرد، ۱۶۱	زیر خار (سجزی)، ۲۱۷	سَرمه، ۱۷۰	سنگسبویه، ۱۷۹
زرجویک، ۲۰۸	زیرکش، ۶۱	سرو، ۱۴۹، ۱۹۷، ۱۷۰	سنگ حنا (ديلم)، ۱۱۷
زرچوبه، ۲۰۸	زیره، ۲۶۲	سُرو، ۲۶۹	سنگ سبویه، ۲۴۳
زردآلو، ۱۹۰، ۲۸۲	زیره رومی، ۶۷، ۲۵۶	سرو ترکستانی، ۱۵۵، ۱۶۱	سوده (شیراز)، ۲۴۵
زردچوبه، ۲۰۸	زیره هندو سیاه، ۲۶۲	سُرو (سجزی)، ۲۶۹	سوردن (تبریز)، ۱۲۹
زردچوبه، ۲۷۶	زینان (شیرازی)، ۲۸۹	سرو کوهی، ۳۹، ۲۰۸	سورنگان، ۱۷۹
زردک، ۱۰۳	زینیان، ۲۸۹	سریش، ۵۱	سوسن، ۱۶۰، ۱۸۰
زرشک، ۳۸، ۶۱، ۱۲۰	ژالکه (سجزی)، ۵۲	سزه (شیرازی)، ۲۳۶	سوسن آزاد، ۱۶۴، ۱۸۰
۲۳۱، ۲۷۱، ۲۹۸	ساییزک، ۲۷۰، ۳۰۰	سعد (تنکابن)، ۴۹	سوسن آسمانجونی، ۷۰
زرشک، ۶۱	ساذرون، ۱۶۷	سفتا، ۸۰	۱۸۰
زِرک، ۶۱	ساق ترشک، ۸۳	شفجه، ۱۹۸	سوسن آسمانگون، ۷۰
زرنک، ۶۱	سبری تهلك (سجزی)، ۱۱۶	سفند اسفندو، ۲۷۴	سوسن ادرا، ۱۸۰
زرواش (تنکابن)، ۹۷	سبزیار، ۱۰۷	سفند آسفید، ۲۷۴	سوسنبر، ۱۸۲
زَرَوَان زُنج، ۲۱۵	شَبزه (شیراز)، ۲۴۵	سفیدار، ۱۴۴	سوسن خطاهی، ۱۸۰
زره (شیراز)، ۱۴۹		سفید مرز، ۸۴	سوسن زرد، ۷۰

سوسن سرخ صحرائی،	شاه املج، ۶۲	شرویه (مازندران)، ۱۲۵	شنگرفیر (طخاری)، ۱۶۴
۱۴۶	شاه انجیر، ۹۶	شسبندان، ۲۲۲	شنگلیل، ۱۶۴
سوسن سفید، ۱۵۲، ۱۸۰	شاهبانک، ۱۸۳	شش‌بندان سیاه، ۲۲۲	شنگویر، ۱۶۴
سوسن کبود، ۱۸۰	شاهبلوط، ۸۶	شش‌بندان (شیراز)، ۲۲۲	شوبا، ۹۶
سوفاس، ۹۶	شاهبلوط، ۸۷	شستره، ۲۸۸	شوت، ۱۸۴
سونک (سجزی)، ۲۳۶	شاه بن، ۸۱	ششقال، ۱۰۳، ۱۸۸	شوت (سجزی)، ۱۸۴
سه سنبل، ۱۸۲	شاه بید، ۱۳۶	ششکاک (مازندران و	شود، ۱۸۴
سهک داوران (شیرازی)،	شاه بید (شام)، ۱۳۷	تنکابن، ۲۳۶	شودر (اصفهان)، ۲۳۶
۱۶۷	شاه بیذ، ۱۳۶	شفتالو، ۱۳۹، ۱۹۰	شود (شیراز)، ۱۸۴
سه کوهنج، ۱۱۸	شاه پسه، ۵۹	شفتک (شیراز)، ۱۲۹	شوران (سجزی)، ۲۱۰
سیاه برگ، ۱۹۱	شاهتره، ۱۸۳	شفتل، ۲۹۱	شورد، ۲۳۲
سیاه‌داران، ۱۶۶	شاه تره (شیراز)، ۱۸۳	شقااص، ۴۶	شونوز، ۱۹۲
سیاه دانو، ۱۹۴	شاه تره (مازندران)، ۱۰۲	شقال، ۱۰۳، ۱۴۹، ۱۸۸	شونیز، ۱۸۱
سیاه دانه، ۱۹۲	شاه چینی، ۱۸۴	شقال، ۱۸۸، ۲۲۹	شونیز، ۱۹۲
سیب، ۹۴، ۱۶۳	شاهدانق، ۱۱۱	شقایق، ۳۵	شه بانو، ۱۸۳
سیبیزه، ۲۷۰	شاهدانه بری، ۱۱۱	شقرنگ (خراسان)، ۱۹۰	شهوت‌انگیز، ۲۴۵
سیر، ۹۸	شاه زیره، ۲۵۶	شکر انگور روباه، ۲۱۴	شیره، ۱۹۳
سیردشتی، ۹۸	شاه زیه، ۲۵۶	شکره‌نج، ۱۱۸	شیخ خراسانی، ۱۹۳
سیر صحرائی، ۴۸	شاهسپرم، ۱۸۳	شکم‌دریده (شیراز)، ۷۸	شیرابه، ۱۳۴
سیر مو، ۴۸	شاهسپرم سرخ، ۱۸۴	شکوفه خرما، ۹۵	شیر املج، ۶۲
سیس‌بان (مازندران)، ۳۵	شاهسفرم، ۱۵۹	شکوهج، ۱۱۸، ۱۲۴	شیر انجیر، ۱۹۳
سیس‌بوان (فارس)، ۲۱۹	شاهسفرم شیرازی، ۱۹۸	شکوهنج، ۱۱۸	شیرانجیر، ۳۰۰
سیسنبر، ۱۱۳	شاهشبرم، ۱۱۳	شکویهج، ۱۱۸	شیرخشت، ۱۹۳
سی سنبل، ۱۸۲	شاهشبرم، ۲۸۰	شکی، ۲۱۷	شیرخشک، ۱۹۳
سیسینیر، ۱۸۲	شاهشفرم، ۱۵۹	شلغم، ۱۸۹	شیرگیا (زابلستان)، ۲۸۶
سی‌کوه، ۱۸۱	شاه صینی، ۱۸۴	شلم‌بی (مازندران)، ۱۲۹	شیره‌و (خراسان)، ۱۹۰
شیونک (سجزی)، ۲۱۰	شاهلوک، ۱۸۴، ۲۱۷	شلمیز، ۱۰۹	شیستره، ۲۲۸
سیهک، ۴۳	شاهنجیر، ۱۸۴	شما، ۲۲۶	شیشبان، ۳۵
شبابانک، ۷۷، ۲۳۲	شاه نرجس، ۲۹۰	شمرک (سجزی)، ۱۳۲	شیلیم، ۱۸۹
شایبزرک، ۲۷۰	شایانج، ۱۸۳	شمشاد، ۸۲	صابون لباس، ۳۵
شال حنی (مازندران و	شب انبوی، ۱۳۳	شملیت، ۱۲۰	صذیوند، ۲۱۰
تنکابن)، ۲۵۱	شب بو، ۱۳۳، ۱۴۰	شملیز (شیراز)، ۱۲۱	صربه، ۱۷۴
شامامک، ۱۸۳	شب خیزک، ۱۱۵	شنبلیل (اصفهان)، ۱۲۱	صرخ بای، ۱۲۲
شاه‌آلو، ۴۱	شبدار، ۲۳۶	شنجار، ۱۲۵، ۱۳۴	صعتر فارسی، ۱۰۵
شاه‌اسپرم، ۱۵۹	شبدر، ۵۷، ۲۳۶	شنک (زابلی)، ۲۶۹	صنوبر، ۱۵۲
شاه افسر، ۵۹	شبدر (اصفهان)، ۱۲۵	شنکیا (تبریز)، ۲۳۳	صنوبر بی بار، ۴۴
شاه‌امرو، ۲۶۱	شخار، ۲۴۴	شینگ، ۱۵۱	صنوبر کوچکی، ۱۹۷
شاه‌امرو (خراسان)، ۲۶۱	شیر (سجزی)، ۲۰۷	شنگ (اصفهان)، ۲۶۷	صنوبر هندی، ۳۹

ضدل دانج، ۱۱۶	غُزیه (زابل)، ۱۸۵	قستارون، ۴۶	کاو چشم، ۹۰
طاحک (طبرستان)، ۳۵	غنچ (هری)، ۱۹۲	قسط تلخ، ۲۳۹	کاو جیله، ۲۳۶
طاق، ۲۴۴	غنچه خرما، ۹۵	قسط سفید، ۲۳۹	کاو چشم، ۵۷
طانیطومک (شیراز)، ۱۸۴	غوبزک (زابل)، ۱۶۲	قسط سیاه، ۲۳۹	کاورس، ۱۰۰
طبرزد، ۲۰۰	غوره خرما، ۹۴	قسوة الکلابغلتک، ۱۸۳	کاوزاون، ۲۶۸
طرخون دشتی، ۲۰۵	غویشه، ۲۲۱	قشر ترجیه، ۲۴۰	کاو زبان، ۲۶۸
طرخون رومی، ۲۶۱	فراژمنک (سجزی)، ۲۷۱	قطرات کوئی، ۲۴۱	کاوکشک (شیراز)، ۱۸۴
طرم (لرستان)، ۸۵	فریهن، ۸۳	قمریت (اصفهان)، ۲۵۵	کاو مکه، ۴۳
طفک (شیرازی)، ۳۵	فُرژد، ۹۹	قمش (جرجان)، ۲۷۹	کاه‌ریای، ۲۶۴
طلخشقوق (زابلستان)، ۳۸	فرزد جویبار، ۴۴	قناروخشک، ۵۳	کاهل، ۱۰۰
طنجبین، ۲۰۲	فرینه، ۸۳	قندرون (اصفهان)، ۸۱	کاه‌مکه، ۴۳
طوس (شیراز)، ۳۹	فَرَنجِمَشک، ۵۳	قنطوریون باریک، ۲۷۴	کاهو، ۱۳۳
طوسک (شیراز)، ۱۴۹	فریرسب، ۲۴۷	قوج (ترمذی)، ۲۲۶	کاهیان، ۲۳۶
عَبَس، ۱۸۳	فریز، ۹۹	قهوه، ۸۹	کیابه دهن شکافته، ۲۲۲
عدس خوراکی، ۲۰۷	فَزْغند (سغدی)، ۲۲۶	قیچ، ۲۳۳	کیابه دهن گشاد، ۲۲۲
عرش نما، ۲۴۵	فستق (شیراز)، ۱۹۶	قیصر، ۵۹	کبرک، ۱۱۸
عرق درخت توت، ۱۹۹	فَلال، ۳۴	قیصی، ۲۸۲	کبست، ۱۲۶
عروس آب (رنگرزان)، ۱۰۳	فلسب، ۲۴۷	کاج، ۱۹۶	کبیدانه، ۱۱۱
عروس در پرده، ۲۴۹	فلفل تر، ۵۷	کاج (شیراز)، ۱۹۶	کیکه، ۲۵۰
عروس در پرده (شیراز)، ۲۴۹	فلفل دراز، ۱۴۲	کاجیره (دیلمی)، ۴۲	کجومن، ۲۴۹، ۲۵۲
۲۴۹	فلفل سفید، ۱۴۲	کاجیره (همدان)، ۲۱۰	کچومن (شیراز)، ۲۴۹
عروس در پرده (ماوراء)	فلفل سیاه، ۷۰	کاردوالی، ۹۵	کحل فارسی، ۶۶
النهر، ۲۴۹	فلفلک (طبرستان)، ۱۶۴	کازریسک (شیرازی)، ۲۷۷	کدرو (شیراز)، ۶۶
عروس در قبه (مرو)، ۲۴۹	فلفل کوهی، ۴۱	کازوان، ۲۶۸	کدو، ۲۳۷
عروس رزانی (ماوراء)	فلفل گرد، ۲۲۷	کاسنی، ۲۹۷	کدو (شیرازی)، ۸۲
النهر، ۲۴۹	فلک تاز، ۲۴۵	کاسنی رومی، ۲۶۱	کدو مکه، ۲۳۷
عروسک پس پرده (فارس)، ۲۴۹	فلنجمشک، ۲۲۵	کاش (تنکابن)، ۲۷۰	کدوی تلخ، ۲۳۷
۲۴۹	فنجنگشت، ۴۰	کاشم رومی، ۱۸۱	کدوی رومی، ۱۴۲
عریقضاء (سجزی)، ۱۲۵	فنجنگشت، ۴۱، ۱۵۲، ۲۲۸	کافوربوی، ۵۷	کذی، ۲۹۷
عکاش (بلخ و طخاری)، ۲۲۶	فندق، ۱۰۵، ۸۸	کافور یهودی، ۱۶۰، ۲۴۹	کربز، ۲۳۳
۲۲۶	فندق هندی، ۵۴	کاکسر، ۲۳۲	کرت، ۲۳۷
عَلَس (سجزی)، ۲۰۷	فودنج جوهی، ۱۹۸	کاکل، ۲۳۲	کیرته (سجزی)، ۱۲۱
علفک داغ، ۲۰۵	فیلگوش، ۲۳۰	کاکلک (اصفهان)، ۱۹۴	کرجیل (تنکابن)، ۱۶۲
عنبر بید، ۱۰۳	فارچ، ۲۲۱، ۲۱۸	کاکیان، ۲۳۶	کرد، ۱۰۳
غاوشیرک، ۲۱۷	قِثاء کوچک، ۱۹۸	کال (شیراز)، ۱۰۰	کرسب، ۲۵۳
غرب، ۱۳۶	قدومه (اصفهان)، ۹۶	کالوسک (سنجری و	کرسب کوهی، ۲۲۷
غروب‌اوس (بلخی)، ۲۰۲	قرمون، ۲۵۱	سجزی، ۷۳	کرفس جوئی، ۲۵۳
	قسبک (شیراز)، ۹۵	کانیطوسک (شیراز)، ۱۸۴	کرفس رومی (جرجان)،

[illegible]

گشت برگشت، ۲۵۷	گل یوسف، ۷۹	لرکیماس، ۱۶۳	۳۰۰
گشن، ۲۵۳	گنجشک ازوان، ۲۶۹	لعبت بربری، ۱۷۹	ماهومورد، ۳۶
گشنیز، ۱۷۶، ۲۵۷	گندم، ۱۲۶، ۲۰۰	لعل معبری، ۲۴۷	ماهی‌زهره، ۲۷۷
گشنیز کوهی، ۲۷۷	گندم دیوانه، ۱۹۴	لکونا (تنکابن)، ۲۶۶	مترک کازرونی (شیراز)، ۱۱۷
گل آفتاب پرست، ۳۴	گندم صحرایی، ۲۳۵	لویبا، ۱۳۴، ۲۷۱	مخنخ (بلخ)، ۸۴
گل‌ابی (شیراز)، ۲۶۱	گندم مکه، ۲۱۳	لویبای سفید، ۵۴	مران، ۱۷۱
گل اریه (شیراز)، ۱۰۳	گندم مکه (تنکابن)، ۱۳۹	لویبای هندی، ۱۴۷	مرجان مروارید خرد، ۷۹
گل انار صد برگ، ۱۰۴	گندنا، ۲۵۲	لوف، ۲۴۶	مرج (سفید)، ۲۲۷
گل پر، ۲۴۸	گندنا کوهی، ۲۲۴	لوفای فاخر، ۲۴۶	مرجومک، ۲۰۷
گل حلوا، ۷۹	گندنا دشتی، ۲۵۲	لیذون، ۲۶۵	مرخوش (شیراز)، ۲۸۰
گل خنق، ۴۲	گندنا کوهی، ۲۲۴	لیمو، ۱۰۴، ۲۷۴	مرزنجوش، ۱۱۳، ۶۶
گل خوش نظر، ۲۷۷	گوزغست، ۲۴۵	لیمودار، ۲۹۵	مرزنگوش، ۲۷۹، ۳۴
گل خیری، ۱۴۰	گوز گندک، ۱۰۷	لیمون، ۲۷۴	مرزه، ۱۸۷، ۱۹۵
گل رعنا زیا، ۲۹۴	گورگیا، ۴۳	لینوفر هندی، ۶۸	مرغ زفانک، ۲۶۹
گل روسبیجه، ۲۹۴	گورگیا، ۴۳	ماذر درخت (کرمان)، ۹۶	مرماهان، ۲۸۰
گل سرخ، ۲۹۴	گوز گندم، ۱۰۷	مارجوبه، ۲۹۷	مرماهوز، ۲۷۹
گل سرخ صحرانی، ۱۴۶	گوزن تل (جرجان)، ۴۳	مارجوبه، ۹۲، ۲۹۷	مرماهوس، ۲۸۰
گل سنگ، ۱۱۷	گوزن گیا، ۲۶۴	ماردارو، ۲۲۲	مرماهویه، ۲۸۰
گل‌سنگ، ۲۰۰	گوزن گیاه (مازندران و دامغان)، ۲۶۴	مار درخت (کرمان)، ۹۶	مرمیخا (سفید)، ۲۷۹
گل عاشقان (خراسان)، ۱۶۲	گوژنیک، ۲۶۴	ماز کُیْوا، ۲۷۵	مرو، ۲۶۸
گل عنبرین، ۲۹۰	گوش‌فیل، ۲۷۳	مارگیا، ۲۷۵	مَرُو، ۲۸۰
گل قبحه، ۲۹۴	گون، ۲۳۳، ۲۵۱	مارمورد، ۳۶	مروازاد، ۲۷۹
گل قبحه (شیراز)، ۲۹۴	گیاه آبگینه، ۱۱۹	مارنه، ۹۹	مرو بری، ۲۸۰
گل کافشه، ۴۲	گیاه عقرب (مصر)، ۱۹۴	مازیون سفید، ۲۷۵	مرو تلخ، ۲۸۰
گل کاوشه (اصفهان)، ۲۱۰	گیاهی آبگینه، ۱۱۹	مازیون سیاه، ۴۶، ۱۲۸	مرو جبلی، ۲۷۹
گل کلم، ۲۵۵	گیلاس، ۲۳۴	مازو، ۱۵۴، ۲۱۱	مرو خوش، ۲۷۹
گل کیدی، ۲۴۸	گیل دارو، ۱۶۹	مازوی ریزه دانه کوهی، ۱۷۵	مرو دشتی، ۲۹۸
گل گندم، ۱۰۷	گیله نار، ۲۳۴	ماش، ۵۸، ۱۳۷، ۲۷۵	مرو رشک (شیراز)، ۲۸۰
گل گندم (شیرازی)، ۱۰۷	لادن، ۱۹۸، ۲۶۵	ماش دارو (شیراز)، ۲۶۱	مروزشک، ۲۸۰
گلگون (اصفهان)، ۹۶	لادنه، ۲۶۵	ماش هندی، ۲۵۹	مروسرز (شیراز)، ۷۲
گل مشکین، ۲۹۰	لاک‌ساک، ۱۴۳	مامیشای سرخ، ۴۴	مرو سفید، ۱۶۳، ۲۸۰
گلنار، ۱۰۴	لاله، ۱۸۸	مامیران، ۱۴۲، ۱۶۱، ۲۷۶	مروه، ۵۶
گلنار، ۲۳۴	لاله سرنگون، ۲۶۶	مانداروی تلخ (شیراز)، ۲۶۰	مرو همیشه بهار، ۲۷۹
گلنار دشتی، ۱۰۴	لاله نَعْمانی، ۲۶۶	ماهلو (شیرازی)، ۱۲۴	مژو (اصفهان)، ۱۸۰
گل نرمة (سجزی)، ۱۳۳	لاور شیر، ۱۰۰	ماهودانه، ۱۱۳، ۱۴۷، ۲۷۶	مستار (زابل)، ۵۶
گل هاشم (شیراز)، ۲۹۹	لحوز (شیرازی)، ۲۸۶		مست رو (شیراز)، ۲۷۵
گلیم شوی، ۳۴، ۳۵، ۷۴	لُخ، ۷۵		مُست (زابل)، ۱۷۱

مشت (شیراز)، ۲۷۵	میرک کازرونی (شیراز)، ۱۱۷	نژوک، ۲۹۰	وزک (شیراز)، ۲۲۰
مشک‌چوپان (فارس)، ۱۹۰	می سیب، ۹۴	نژوک (سجزی)، ۲۶۶	وژ، ۲۹۳
مشک‌داش (تنکابن)، ۱۹۰	میشبهار، ۲۸۰	نسترن گل، ۲۹۰	وسمه، ۲۵۱
مشک‌زمین، ۱۷۱	میشناء (سیستان)، ۳۷	نسرین، ۲۹۰	وَشْفَنگ (سجزی)، ۸۳
مشکک (شیراز)، ۱۹۴	میعه‌تر، ۲۸۶	نسرین زرد بری، ۲۹۴	وشک، ۸۱
مشکین‌جه (اصفهان)، ۲۹۰	میعه خشک، ۲۸۶	نسرین زرد بستانی، ۲۹۴	وشک (اصفهان)، ۲۲۰
مشنگ گاوی، ۲۵۳	میلکندی (خراسانی)، ۱۶۳	نشاط افزا، ۲۴۵	ول، ۲۵۵
مشو (شیراز)، ۸۹	میل (مازندران)، ۹۷	نشک، ۲۰۷	ون، ۸۱
مغد، ۲۷۰	میوه درخت سرو، ۱۷۰	نَشَنگ (زابل)، ۱۸۳	ونک (شیراز)، ۲۸۱
مغیلان، ۶۲	میوه کاکنج، ۲۰۶	نعناع، ۲۹۰	وَنُوشک، ۸۱
مکره، ۹۹	میویج، ۲۸۷	نغن خوالان، ۲۸۹	ونیره، ۸۱
ملبند شدرک، ۸۲	ناجو، ۱۹۶	نقل خواجه، ۱۱۱	وهل (شیراز)، ۲۰۸
مَلَنج (زابل)، ۱۸۰	نار، ۱۵۷، ۱۰۴	نکریز (شیراز)، ۲۳۶	وئی ایزه، ۲۱۰
مُلک (خراسان)، ۱۰۴	نارجیل دریائی، ۲۸۷	نونند (شیراز)، ۱۱۶	ویدویک (خوارزم)، ۲۸۶
ملک (سجزی قدیم)، ۲۸۴	نار فارس، ۲۸۸	نوارس، ۲۳۳	وِیُوذ (ترمذی)، ۲۶۰
ملک طلحه، ۲۹۷	نار قیصر، ۲۸۸	نه کوهی، ۲۲۸	وِیُوذَه (بخاری)، ۲۶۰
ملوخیه (بلخ)، ۲۸۴	نارک، ۲۸۹	نهنمک (ری)، ۱۴۸	هدل، ۱۲۰
منج (بلخ)، ۸۴	نارکیوا، ۲۷۵	نی، ۲۴۰	هرداد (اصفهان)، ۱۱۸
مَنج زراوُشان، ۲۸۵	نار مشک، ۱۵۸	نیپال، ۲۴۰	هردا (صفاهان)، ۱۱۸
منره و شک، ۱۸۰	نارِمشک، ۲۸۸	نیشکر، ۲۴۱	هرسه (شیراز)، ۲۶۶
موجه (اصفهان)، ۲۴۵	نارونه خرما (شیراز)، ۹۵	نیلوپرک، ۲۹۲	هرشه (شیراز)، ۲۶۶
مورد، ۳۱، ۳۶	نازبو، ۱۸۳	نیلوفر، ۲۷۲، ۲۳۲	هرطمان، ۲۳۷
مورداسبرم، ۳۶	ناز، ۱۹۶	نیلوفر ترکی، ۸۰	هرنوه، ۲۹۶
مورداسپر، ۱۵۹	نانخواه، ۲۸۹	نیلوفر فارسی، ۸۰	هَرَه، ۲۹۶
مورداسفرم، ۳۶	ناَنخواه، ۲۸۹	نیلوفر هندی، ۶۸، ۵۶	هریتکه (گیلان)، ۶۵
موز، ۲۰۳	نانخواه، ۲۸۹	نی نهاوندی، ۲۴۰	هزار بندک، ۲۱۰
موژ (سجزی)، ۱۸۰	نانکش (نیشابور)، ۸۱	نی هندو (سجزی)، ۱۴۰	هزارپا، ۲۹۰
موسیر، ۴۸، ۹۸	نان کلاغ، ۱۲۹	وادرنک، ۴۰	هزار جَسان، ۲۱۵
موشان پیاز، ۴۹	نبات‌ازاد، ۱۰۳	وارد شیران، ۲۸۰	هزار چَسان، ۲۲۲
موشک (اصفهان)، ۲۵۰	نجمه، ۹۹	وتلخ، ۲۹۷	هزار جشان، ۲۹۷
مویزج عسلی (شیراز)، ۱۴۳	نحیلک (مازندران)، ۱۲۹	وجاثلُق (کوهستان و لرستان)، ۱۰۳	هزار سفید (شیراز)، ۱۱۶
مویزک (شیراز)، ۲۸۷	نخود، ۱۲۴	ورس، ۳۹	هزارشاخه، ۲۲۲
مویزک عسلی، ۱۴۳	نخود الوندی (اصفهان)، ۱۶۱	ورق بارتنگ (شیراز)، ۲۶۹	هزارفشان، ۲۲۲
مهرگیا، ۳۰۰	نخود دشتی، ۱۲۴	ورق بنگو، ۷۸	هزارکشان، ۲۲۲
مهک (شیراز)، ۱۸۰	نخوشی (شیراز)، ۲۲۲	وریژک، ۲۹۳	هزارگشان، ۲۹۷
میخک، ۲۳۸	نرسک، ۲۰۷	ورینه (تبریز)، ۹۶	هزاره، ۱۰۴
میردارون، ۲۸۰	نرگس، ۲۹۰، ۶۷	وزد، ۲۱۳	هشت دهان، ۱۳۶، ۲۹۷
			هفت برج، ۲۷۵

- هفت برگ، ۲۷۵  
 هفت بزج، ۲۷۵  
 هفت پهلوی، ۲۶۹  
 هفت زرده (شیراز)، ۲۹۰  
 هلال (شیراز)، ۱۲۰  
 هلال مشکک (شیراز)، ۱۲۰  
 هلو، ۱۳۹  
 هلیله، ۳۵، ۶۸، ۸۷، ۲۴۹  
 هلیله زرد، ۶۸  
 هلیله سیاه، ۶۸  
 هلیله کابلی، ۶۸  
 هلیله مویزک (شیراز)، ۶۸  
 همیشه بهار، ۳۷  
 هنجمک (ری)، ۲۴۵  
 هندوانه (تبریز)، ۸۲  
 هندوانه، ۸۲  
 هندوانه ابوجهل، ۱۲۶  
 هوجویه، ۴۰  
 هوره، ۲۶۰  
 هیکل، ۲۲۶، ۲۲۷  
 هیل، ۲۳۲  
 هینگ (سجزی)، ۶۵  
 یاس سفید، ۲۰۵  
 یاسمین بری، ۲۰۵  
 یاسمین سفید، ۱۵۲  
 یریک، ۳۴  
 یل شیرین (شیراز)، ۲۰۱  
 یلم (سجزی)، ۲۱۰

## ۳ - نام‌های یونانی، لاتینی، رومی

آفُوزُون، ۱۶۵	ابویناقس، ۱۰۰	ادی دولی، ۲۶۰	آزطَمِسا، ۲۴۷
آبیوس، ۲۶۱	ابوپاناقس، ۱۰۰	اذرررقوس (رومی)، ۵۲	ارطمِسا (رومی)، ۷۷
آذربو، ۱۷۱، ۳۴	ابوخلسا، ۱۳۴، ۳۸	اذرقیس (رومی)، ۵۲	ارطوس (رومی)، ۲۶۹
آذربوا، ۳۴	ابوسمس، ۲۵۴	اذفونیدیس (رومی)، ۱۴۸	ارطِسیسا، ۶۱
آذربوی، ۳۴	ابوغلصن، ۶۷	اذقیوس (رومی)، ۱۴۸	ارطیه‌ماسیا، ۷۶
آذربویه، ۳۴	ابوفاطریوس، ۵۴	اذیارطون (رومی)، ۷۶	ازفامسیس اریثوس، ۱۲۴
آرمینس، ۴۵	ابوفاطریوس (رومی)، ۵۴	ارایشس، ۱۲۴	ارفلس، ۱۸۲
آطء، ۲۲۰	ابوفایس، ۳۹	ارایشوس، ۱۲۴	ارفلن، ۱۱۳
آغئس، ۱۸۵	ابوفسطن، ۳۹	ارایشس ایمارس، ۱۲۴	ارقطوس، ۱۲۴
آقطی، ۱۳۸	ابوقانس، ۱۲۳، ۳۹	ارامانیا، ۲۸۲	ارقالیا، ۲۶۶
آلسن، ۳۷	ابوقاوس، ۳۹	ارامونی، ۱۸۸	ارقان، ۱۲۵
آلوسن، ۲۸۰	ابوقسطنطس، ۳۹	ارب، ۲۷۳	ارقطس، ۱۱۳
آمی، ۲۸۹	ابوقینوس، ۵۹	ارباننش، ۱۲۴	ارقوس، ۳۹
آلزئذائن، ۲۳۰	ابومارس، ۱۲۰	اربسارم (فرنگی)، ۲۷۳	ارقولس، ۳۹
الوبیقواون، ۵۶	ابونیطس، ۲۵۰	اریصارن، ۲۷۳	ارقونیدوس (رومی)، ۲۱۸
ابابوس، ۲۲۳، ۳۳	ایید، ۲۶۱	اریقانن (رومی)، ۲۲۹	ارقیسون، ۴۵
اباخورس (رومی)، ۶۳	اییدی (رومی)، ۲۶۱	اریوطانن، ۱۲۱	آزقیطون، ۴۵
ابارس، ۱۰۵	اییکه (لاتینی)، ۲۶۱	ارییان، ۱۵۵	ایومزردقطلولس (رومی)، ۱۷۹
اباریقون، ۱۰۶	اپوپاقس، ۱۰۰	اریپانس، ۱۲۴	ارمیتافن، ۲۸۲
اباغلِس، ۶۳	اثاریون، ۵۰	ارییشوس، ۱۲۴	ارمنیقون، ۲۴۰
اباغورس (رومی)، ۶۳	اثانقون، ۵۱	ارتقش (لاتینی)، ۲۶۵	ارمنین، ۴۵
ابانس، ۳۳	اثونبون، ۲۴۰	ارتیک پریم (لاتینی)، ۶۵	آزمتین، ۴۵
ابانن، ۳۳	اثونیطس، ۲۵۰	ارتینوس، ۱۹۴	ارموکی (رومی)، ۲۷۱
ابردیون، ۵۲	اثویس، ۲۸۰	ارثیوس، ۸۰	ارمیناقن، ۲۸۲
ابرقیا (رومی)، ۴۸	اجبلیه (رومی)، ۲۴۶	ارجیقن، ۱۶۲	ارمیناقون (رومی)، ۲۸۲
ابرنج، ۷۷	آخیون، ۴۲	ارخس، ۱۳۶	آزن، ۲۷۳
ابرو، ۸۹	اخردس، ۲۹۰	ارخس طوماغن، ۱۳۶	آزن صاژن، ۲۷۳
ابروطانن، ۱۲۳	آخزَساج، ۴۲	ارخیس، ۱۳۶	ارنغلیسون (رومی)، ۲۶۹
ابروطنیون (رومی)، ۱۹۳	اخرسون، ۱۵۳	إزْدَقْ ناقی، ۴۴	ارتقالس، ۲۶۹
آبرون، ۳۷	آخیروس، ۴۲	ارزااردفناقی، ۴۴	آزنوغلَسن، ۲۶۹
ابرویون، ۵۲	اخیونس (رومی)، ۱۸۰	ارسطالوخیا، ۱۶۰	ارنیوقرینوس، ۷۰
ابریامتی، ۱۱۳	اخیون، ۲۵۲	ارسطالوخیا، ۱۶۰	اروییموس، ۲۵۳
ابریمون (رومی)، ۷۰	ادرک، ۴۱	ارسطالوخیا، ۱۶۰	اروس، ۲۰۸
ابلاطنوس، ۱۴۵	ادرومیلن (رومی)، ۹۴	ارطاماسیا، ۷۶، ۶۱	اروسا، ۳۸
ابن سراپیون (رومی)، ۷۶	ادمظوس (رومی)، ۲۶۴	ارطاماسیا (رومی)، ۲۴۷	اروسیمن، ۹۶
ابنیس، ۱۱۳	ادیانطن، ۲۵۷	آزطَمَسا، ۲۴۷	



اروسیمون، ۱۸۹	اسطراکه‌لیکه (فرنگی)، ۲۸۶	اسقلا، ۴۹	اطیا، ۲۲۰
آرون، ۱۴۶	اسطَرخَلو (رومی)، ۲۱۵	اسکردا (رومی)، ۹۸	اطیرنه، ۲۵۱
اروناردش، ۱۰۵	اسطرس، ۲۶۳	اسکردیون (رومی)، ۹۸	اطیطون، ۴۹
اریزجیم (فرنگی)، ۲۳۶	اسطروبیلیا (رومی)، ۱۹۶	اسکی‌نان‌تو (فرنگی)، ۴۱	اطیوس (رومی)، ۷۶
اریزون (رومی)، ۴۴	اسطروئیون (رومی)، ۲۶۳	اسلوقوطیس (رومی)، ۴۹	اظا، ۲۲۰
اریغانون، ۱۹۵	اسطوخودوس، ۴۷، ۱۱۹	اسلیوس، ۱۷۴	اعروعلیطوس (رومی)،
اریغانون (رومی)، ۲۲۹	۱۳۳، ۱۹۳، ۱۹۵	آسَمَاقوس (رومی)، ۱۳۵	۲۷۷
اریقابوشا، ۲۰۲	اسطوخودوس، ۱۰۳	اسمیم باروم (فرنگی)، ۱۸۴	اغاریقون، ۲۱۸
اریفس، ۲۲۷	اسطوریقون (رومی)، ۲۴۴	اسمیم (فرنگی)، ۱۸۴	اگرانیون، ۲۸۱
ازحمیون، ۲۵۶	اشفاراغش بَطْرَاؤس، ۲۹۷	اسمیم ماکنوم (فرنگی)،	اغرسطورون (رومی)، ۲۵۵
اسارون، ۱۱۹، ۱۴۲، ۲۸۸	اسفرینه (فرنگی)، ۲۰۹	۱۸۴	اغرسطس، ۴۳، ۹۹
اسارون (رومی)، ۴۶	اسفکوخوس (رومی)، ۸۶	اسوفس، ۱۶۵	اغرسطیس، ۹۹
اساطوس، ۲۹۲	اسفلیاطیقوس، ۴۸	اسیلیسقان (رومی)، ۱۰۶	اغرسوذوطوس (رومی)،
آساطیس، ۲۹۲	اسفلیس، ۴۹	اشپرون (اندلس)، ۱۱۵	۲۵۵
اساطیس اغریا، ۲۹۲	إسْقَلیناس، ۴۸	آشفاقش، ۴۸	اغروسطوس (رومی)، ۴۴
اسبالاقوس، ۱۰۹	اسفودالوس، ۱۳۸	اشلیه پاتم (فرنگی)، ۱۲۲	اغرو سوقومیس (رومی)،
اسپالاتوس، ۱۴۱	اسفودلوس، ۳۷	اشلیه (فرنگی)، ۱۲۲	۲۳۳
اسپنس (فرنگی)، ۴۸	اشفودلوس، ۱۳۸	اشیرون (اندلس)، ۱۱۶	اغریا (رومی)، ۲۵۵
استب (لاتینی)، ۲۶۴	اسفومغری، ۱۰۵	اصاقو (رومی)، ۲۸۲	اغریمون، ۱۰۲
آسْتَب (لاتینی-اندلس)،	اسفیراداغویوس، ۲۳۳	اصطفالینوس، ۱۰۳	اغریوس، ۱۲۴
۲۶۵	اسفیقوس (رومی)، ۲۶۲	اصطفیذه (رومی)، ۲۱۴	اغریوس (رومی)، ۱۲۶
استراتیکو، ۴۸	اسفیون الشوذه، ۷۸	اصطفیقوس (رومی)، ۲۶۲	اغرواطس، ۹۹
استراطیقوس، ۵۴	اسقال، ۴۹	اصوفورون، ۲۷۱	اغفورقیون (رومی)، ۲۳۳
اسطاری، ۹۳	اسقردین، ۲۸۳	اطا، ۲۲۰	اغلبس، ۱۴۷
اسطافالیقوس اغریوس،	اسقروامس، ۸۸	آطراطیقوس، ۵۴	اغلبص، ۱۴۷
۱۰۳	اسقلیاطیقوس (رومی)، ۵۴	اطرافعس، ۲۴۱	اغلقندریا (رومی)، ۲۸۲
اسطافالینوس اغریوس،	اسقلیطاس (رومی)، ۵۴	اطراقولیس، ۲۱۰	اغلبس، ۲۵۴
۱۰۳	اسقندریون، ۹۸	آطرقفسوس (رومی)، ۱۷۰	اغلیطوس، ۲۲۲
اسطافالینوس اَغْرِیوس،	اسقنوقراطیس (رومی)، ۴۹	اطرقطوس، ۲۳۶	اغنس، ۴۱
۱۴۸	اسقوانس، ۷۸	اطرقطولس، ۲۳۶	اغنوس، ۴۱
اسطافالیوس، ۱۰۳	أَسْقُورِدیون، ۴۸	اطروکیا (رومی)، ۳۵	اغنوس (رومی)، ۴۱
اسطافیدوس اغریا، ۲۸۷	اسقوردیون، ۸۰، ۹۸، ۱۸۹	اطریفلین، ۱۲۲	اغنیس، ۴۰، ۴۱
اسطاکیس (فرنگی)، ۲۷۹	اسقورولوس، ۱۳۸	اطریون، ۲۳۳	اغوری، ۱۲۱
اسطبخیس (رومی)، ۲۶۲	أَسْقُولُوقَنْدَریون، ۴۹	اطریون (رومی)، ۲۳۳	اغیراطون، ۵۵
أَسْطَخُودوس، ۴۷	اسقیدولون (رومی)، ۲۴۹	اطزوخیوس، ۲۱۴	اغیرس، ۱۰۹، ۱۲۷
اسطراطیقوس، ۴۸، ۱۳۱	اسقیرن، ۲۹۸	اطفکسوس، ۲۴۱	اغیرس، ۲۶۴
اسطراطیقوس الصغری،	إسْقِل، ۴۹	اطمیشا (رومی)، ۲۴۷	اغیلفس، ۱۴۷
۱۰۵	اسقیل، ۲۱۵	اطمیسا، ۷۶	افاتیس، ۲۲۳

افاریقون، ۲۹۸	افیوسطافیلن (رومی)، ۲۵۰	اکیروس، ۱۰۸	الیکا (رومی)، ۲۲۰
افامیرون، ۷۰، ۱۸۰	اقرارو، ۲۵۶	اگیراتون، ۵۵	الیمون، ۲۸۴
افنیمون، ۵۵، ۱۴۱	اكارون، ۲۹۳	الابورش مألش، ۱۳۰	آلینو، ۲۵۱
آفتیمون، ۵۵	ااقالیس، ۵۷	الاطینی، ۲۶۶	الیون (رومی)، ۱۵۳
آفریون، ۵۵	ااقالیس، ۲۰۲	آلاطینی (رومی)، ۲۶۷	آماریطن، ۶۱
افریون، ۱۶۳، ۲۲۴	ااقایا، ۵۷، ۸۲	اللسفأفس، ۲۶۸	اماریطون، ۱۵۳
آفستتین، ۵۵	اقالیفی، ۶۵	البانونس، ۱۳۱	اماریقون، ۱۰۶
افستثون (رومی)، ۵۶	اقتلقا (رومی)، ۷۵	البروس، ۱۳۰	امامون، ۱۲۴
افطریون، ۱۷۳	اقدینا، ۱۹۳	البوزش لوقس، ۱۳۰	امانیاقن، ۵۱
افطیمس، ۳۰۰	اقدی (رومی)، ۱۷۲	البیسم (لاتینی)، ۲۳۰	آمبزیاریس، ۶۱
افکرکسیس، ۲۴۱	اقرانیقی، ۱۸۹	الثا، ۱۲۹	امبلویراسون (لاتینی)، ۲۵۳
افلایوس (رومی)، ۶۵	اقرسینی (رومی)، ۲۶۶	الثا، ۱۳۶	امبودیس، ۳۸
افلیطون (رومی)، ۴۹	اقریطون، ۲۴۸	آلسن، ۱۳۳	آندزبان، ۶۲
افلیوکبیون، ۲۴۱	اقریطی، ۲۸۱	الطیرون (رومی)، ۲۳۳	امراطیون، ۲۶۲
افثیون، ۵۸	اقریون، ۲۵۴	الغثه (لاتینی)، ۲۹۵	امراقون (رومی)، ۲۷۹
آفنیقون، ۵۶	اقسوس، ۱۴۳، ۱۶۲	الفوثویا (رومی)، ۱۵۳	امرقون (رومی)، ۷۰
افنین بدونون (رومی)، ۵۵	آقسون، ۵۸	القباپن، ۲۴۹	امروسیا، ۲۹۸
افودوس (رومی)، ۱۲۶	اقسیس، ۱۶۲	القسینی، ۱۱۹	امفلویراسیون (رومی)، ۲۵۲
افوروس (رومی)، ۱۲۶	اقسینی (رومی)، ۲۶۶	آلقسینی، ۲۶۶	إمقْدال بیقرا، ۲۷۲
آفوسالین، ۲۵۴	اقسیوس، ۱۶۱	القطرون (رومی)، ۲۶۴	إمقْدال غلوقیا، ۲۷۲
إفوسالینون، ۲۵۴	اقتاطاقیس (رومی)، ۸۱	القیس، ۲۶۶	امونیاقن، ۲۹۵
افوسالیون، ۲۳۵	اقتطرمتثوس (رومی)، ۸۱	الکس، ۱۲۶	امونیاقون (رومی)، ۵۱
افوقونس، ۱۲۸	اقلغوس (رومی)، ۲۵۵	الکسینا (رومی)، ۲۶۶	امونیقون (رومی)، ۵۱
آفیمون، ۵۵	اقلفی (رومی)، ۲۵۵	إلکسینی، ۱۱۹	امیانی، ۲۸۹
افیمون، ۱۹۵	اقلیطی، ۱۷۸	الکن (رومی)، ۲۳۹	امیریاریس، ۶۱، ۲۷۱
افیمون لینون، ۵۵	اقتالوقی، ۷۱	اللشی، ۶۰	امی (رومی)، ۲۸۹
افیغون، ۵۶	اقتالوقین، ۷۱	آلمو (لاتینی)، ۱۰۷	امیرون (رومی)، ۷۰
افیقرن، ۵۶	اقتالوقی، ۷۲	العیون، ۴۹	امیغدالی (رومی)، ۲۷۱
آفیقْطُس، ۵۶	اقورون، ۲۹۳	آلتج، ۶۰	امیولوفراس (رومی)، ۲۲۵
افیقون، ۸۸	اقوقوس (رومی)، ۸۱	النیسون (رومی)، ۱۵۳	امؤمن، ۱۲۴
افیلون، ۵۶	اقولاقان، ۱۲۲	الواس (رومی)، ۲۱۶	آناغألس، ۶۳
افیمارن، ۷۰	اقونیا، ۱۱۲	الودین، ۲۶۰	اناغلس، ۳۴
افیمارون، ۱۰۸، ۱۷۹	اقونیطن، ۱۲۸	آلوسن، ۶۰	آناغورس (رومی)، ۶۳
افیمدیون، ۲۶۹	اقیاقیلونی (رومی)، ۲۴۰	آلوشن، ۶۰	اناغیرس، ۶۲
افیمدیون، ۲۷۵	اقیثالوقی، ۵۸	آلوسون، ۶۰	انانوس (رومی)، ۱۵۲
آفیمدیون، ۵۷	اقیرون (رومی)، ۲۹۳	آلوین، ۶۰	انبالس مالیا، ۲۲۲
افینوس، ۱۶۸	اکاکیا (فرنگی)، ۲۳۷	الیا، ۱۳۶	انبالقْراسن، ۲۵۲
آفیوس، ۵۷	اکثیقوس، ۱۴۳	الیسما، ۲۸۱	انبریاریس، ۳۸، ۴۰، ۶۱

انبویاریس، ۳۸	انکسینی، ۱۱۹	اورمون (رومی)، ۱۰۲	ایدامیر، ۶۹
انثامیس، ۶۴	انگذاله (فرنگی)، ۲۷۱	آورپس، ۲۵۳	ایدوصارون، ۲۶۹
آنثلیس، ۶۴	انتوس، ۲۶۱	اورودیس (رومی)، ۲۳۰	ایدیاسمن، ۱۱۳
انثوس (رومی)، ۲۹۳	انوخیلوس، ۱۵۵	اوروسیمون (رومی)، ۱۷۶	ایدیاسْمَن، ۲۹۰
انثون (رومی)، ۱۸۴	انوسما، ۴۳	اوریز، ۴۴	ایدیاسمین، ۱۱۳
انجسا، ۳۸	آنوْشَة (لاتینی)، ۱۷۱	اوریزا، ۱۲۶	آیندآریدا، ۶۹
اندراسیون، ۲۶۲	آنوْطیلون، ۶۷	اوریزوْذینوس (رومی)، ۲۳۰	ایدنطوس (رومی)، ۲۶۶
اندرافکسیس، ۲۴۱	آنوما، ۶۸	اورغاسن، ۱۹۵	ایدوصارون، ۶۹
اندرخانا (رومی)، ۸۲	انومیا، ۱۸۸	اوزمون (رومی)، ۱۰۲	ایدون، ۴۶
اندرخنا (رومی)، ۸۲	انونکسا (رومی)، ۱۳۶	اوزنس، ۲۵۳	ایدونیارون، ۶۹
اندرسامس، ۱۵۸	انیسن (رومی)، ۶۷	اوزونا، ۲۶۰	ایدووسمون (رومی)، ۲۹۰
آنْدَرْصارون، ۶۶	انیسوم (رومی)، ۶۷	اوسفدنون، ۲۴۹	ایدیصارون، ۱۴۴
اندرصارون، ۶۹	آنیسون (رومی)، ۶۷، ۷۸	اوسفول (رومی)، ۱۶۵	ایرسا، ۷۰، ۱۴۶، ۱۸۰، ۱۸۱
انْدَرْوْافْقُس، ۱۷۰	۱۵۲، ۱۵۳، ۲۶۲	اوسفون (رومی)، ۱۶۵	ایرصا، ۲۷۳
اندروساقس، ۲۹۸	انیطوا (لاتینی)، ۱۸۴	اوسیرس، ۱۲۲	ایرنجان، ۲۳۶
اندروسامَن، ۲۹۸	انیولیس، ۲۸۰	اوسیمون، ۴۶	ایرنجی، ۲۳۶
اندروصارون، ۲۲۲	انیولیون، ۲۵۴	اوفاریقن، ۲۹۸	آیرنی، ۲۷۳
آنْدَرْوْطالِیس، ۶۶	انیون، ۱۵۳	اوفاریقون، ۲۹۸	ایرنیوقرینوس (رومی)، ۱۸۰
اندیقا، ۲۹۷	آنْیَة دغاثة، ۱۱۹	اوفیموئداس، ۶۸	ایروفلون (رومی)، ۱۵۳
انسون (رومی)، ۶۷	آوافیوس، ۶۷	اوقاس، ۳۹	ایروقلیون (رومی)، ۱۷۴
انسیتون (رومی)، ۵۶	اویانیس، ۵۷	اوقانتوس، ۶۱	ایریس، ۷۰
انشعی، ۱۲۹	اویطوری (لاتینی)، ۲۱۹	او قلاوقا، ۵۹	ایریفارون، ۷۰
انطرقطولس، ۲۳۶	اویانس، ۵۷	اوقیمون، ۷۱	ایریمورون (رومی)، ۱۸۰
انطریون، ۶۶	اویانیس، ۵۷	اوقیمویداس، ۶۸	ایرینون، ۷۰
انطویا (رومی)، ۲۹۷	اوئنا (رومی)، ۱۰۴	اولسطیون، ۱۰۱	ایزون، ۳۷
انطوینا (لاتینی)، ۲۹۸	اوئومیس (رومی)، ۲۷۵	اولیاطیوم، ۲۵۵	ایزیون (رومی)، ۳۷
انطینس، ۱۲۲	اوزدمون (رومی)، ۱۷۳	اومومون، ۱۲۴	ایزیفازن، ۷۰
آنْغْزَا، ۶۶	اودی نفس (رومی)، ۲۴۳	اومیطرون، ۲۴۶	ایساطس، ۲۹۲
انفالیوس (رومی)، ۷۰	اوراسالیون، ۲۵۳	اونطریثا، ۲۲۶	ایسقوس، ۱۳۶
انفسینی، ۱۱۹	اوراسیمون (رومی)، ۲۹۰	آوئیا، ۶۸	ایصورین، ۱۱۳
انفلوس (رومی)، ۲۵۵	اورافلون (رومی)، ۱۵۳	اونیاغاْه (لاتینی)، ۲۴۴	ایفلوفوس (رومی)، ۲۵۰
انفولوفا (رومی)، ۱۵۳	اوردپاپاری، ۲۲۸	ایارانونطابی، ۶۹	ایفوریس (رومی)، ۱۵۱
انقردیا (رومی)، ۸۵	اوردقیون (رومی)، ۲۳۲	ایسقوس (رومی)، ۲۸۴	ایلرِسیا (رومی)، ۸۸
انقوس، ۲۶۱	اورزأ، ۴۴	ایبولوبوس (رومی)، ۲۵۰	ایلیوْطروبیون، ۲۰۴
انقیلامی (رومی)، ۹۴	اورسالتون، ۲۵۴	ایئوسیس (رومی)، ۲۷۵	ایلیوْطروبیون طوماغا، ۲۰۴
انقیون (رومی)، ۱۸۴	اورسیمون (رومی)، ۲۳۰	ایشولیس، ۶۹	ایلیوْطروبیون طومقرون، ۲۰۴
انکالن (فرنگی)، ۶۳	اورغیون (رومی)، ۵۰	ایدراسیمون، ۱۱۳	
انکسینس (رومی)، ۳۳	اورمش، ۱۰۵		

ایمارانو طولی، ۷۰	آرتقی، ۱۱۰	أسطوخودوس، ۱۹۷	أفومارثُن، ۱۵۳
ایمارس، ۹۳	أرجه (لاتینی)، ۲۱۳	أسطوخودس، ۴۷	أفومارثون، ۱۵۲
ایمارو قالاس، ۸۰	أرخس، ۱۳۵	أشقلینس، ۴۸	أفیغُون، ۵۶
ایهقان، ۱۰۲	أرسطُلُوخیا، ۱۶۰	أسقردین، ۹۸	أفیققطس، ۵۶
أآقتش، ۱۱۴	أرسطولوخیا، ۱۶۰	أسقلیباس، ۴۸	أفیثیون، ۵۶
أأرون، ۲۷۳	أرطاماسیا، ۶۱	أسقیرُن، ۶۹	أفیمارون، ۵۶
أأقونیطن، ۱۲۸	أرطاماشیا، ۷۷	أسوفُون، ۱۶۵	أفیمارون، ۱۸۱
أفیئش، ۲۲۵	أرطریفیون، ۶۰	أسیرون (اندلس)، ۱۱۶	أفیغذیون، ۵۷
ألیمون، ۲۴۲	أرغامونی، ۱۳۸، ۱۸۸	أشبطانه (لاتینی)، ۱۸۱	أفیمیدیون، ۵۷
ألمومن، ۱۲۴	أرغامونی أغریا، ۱۸۸	أشقالیه (اندلس)، ۲۱۳	أفیوس، ۵۷
ألمی، ۲۶۲	أرقطیون، ۴۵	أشقرذین، ۴۹، ۹۸	أقاقالیس، ۴۰
أانیسن، ۶۷	أرقطیون آخر، ۴۵	أشکالیه (لاتینی - اندلس)، ۲۱۳	أقاقالیس، ۵۷
أأبائس، ۳۳	أرقوش، ۲۰۸		أقاقیا، ۱۹۱
أأذاریذا، ۶۴	أزمین، ۴۵	أشکیطله (لاتینی)، ۱۲۰	أقالیقی، ۶۵
أأرن، ۲۷۳	أرتقالس، ۲۶۹	أصفوزن، ۵۴	أقسوس، ۵۱، ۵۸
أأریصارن، ۲۷۳	أرنیثوس غالا، ۱۹۴	أطاء، ۲۲۰	أقسوس، ۱۴۳
أأطا، ۱۳۶	أروسیطیقون، ۱۷۱	أطرُقْطولُس، ۲۱۰	أقسیا، ۵۸
أأنامونی، ۱۸۸	أروسیئمن، ۹۶	أغافث، ۱۸۸	أقطی، ۸۵، ۱۳۸
أأروئوذیا (رومی)، ۱۱۸	أروسیمن، ۱۹۰	أغرسطُس، ۹۹	أقطی، ۱۳۸
أأزوطُنون، ۷۷	أروسیمون، ۹۶	أغرسطس، ۹۹	أقطیون، ۹۰
أأزوطُنون، ۲۴۷	أریصارون، ۲۷۳	أغرسطُس، ۹۹	أقتا، ۷۱
أبوخلسا، ۳۸	أریقارون، ۱۹۳	أغئس، ۴۱	أقتا أرابیقا، ۱۸۹
أبوفایس، ۳۹	أریقون شاطوریون، ۱۳۵	أغیراطن، ۵۵	أقتا أفتیس، ۶۱
أبوفایس، ۳۹	أریقی، ۴۶	أغیراطین، ۵۵	أقتالوقی، ۵۸
أبوسفطن، ۳۹	أریقی، ۱۳۷	أغیرس، ۵۵	أقتالوقی، ۷۱
أأیوسفطن، ۳۹	أسارون، ۴۶	أغیرس، ۱۲۷	أقتش، ۱۱۴
أبومارثون، ۱۵۲	أسارون، ۲۸۸	أفارینی، ۸۶، ۱۱۸	أقتنون، ۵۸
أأیله دِطَلْباطَه (اندلس)، ۳۷	أساطیس، ۱۱۳	أفاقی، ۹۲	أقتا، ۷۱
أجیلبس، ۱۴۷	أساطیس، ۲۱۱	أفثیمون، ۲۵۸	أقیمن، ۵۹
أحیرش، ۴۲	أساطیس أغریا، ۱۱۳	أفریبون، ۵۵	أفتیس، ۲۲۵
أخلیوس، ۴۲	أساطیس، ۲۹۲	أفلاطینس، ۱۴۶	أفتیس، ۲۲۵
أأخلیوس سَندَریطس، ۱۴۶	أساطیس أغریا، ۲۱۱	أفملیس، ۱۶۲	أفسورس، ۱۸۱
أخلیوس سندریطس، ۱۷۹	أسجل، ۴۶	أفورس، ۵۰، ۱۵۱	ألاأغریا، ۱۶۶
أخیون، ۴۲	أسطافالینوس أغریوس، ۱۰۳	أفورس، ۱۵۱	ألافوسقن، ۱۵۶
أأا، ۱۶۴، ۱۹۴		أفوسالینون، ۲۵۳	ألافوشقن، ۱۵۶
أزباقه (لاتینی)، ۱۴۹	أسطافاندیا أغریا، ۱۱۱	أفوقون، ۴۲	ألانیون، ۱۵۳
أزئش ایمازس، ۱۲۴	أسطراطیقوس، ۴۷	أفوقون، ۱۲۸	ألانیون، ۱۵۳
أربیان، ۴۴	أسطراطیوس، ۱۵۱	أفولابئن، ۱۲۲	ألأسفناقس، ۶۰

اَلثَّاءُ، ۱۳۶	اَنْدَرُ وَاَفَقْسُس، ۲۴۱	اِیْثویس، ۶۹	بالانوس، ۱۰۷
اَلثَّاءُ، ۱۳۶	اَنْدروسا، ۱۵۸	اَیدایاریزا، ۶۹	بالانوس (رومی)، ۲۵۰
اَلسینى، ۳۴	اَنْدروسامُن، ۶۹	اَیدوصارون، ۶۶	بالسطنیون، ۱۰۴
اَلْقَسینى، ۱۱۹	اَنْدروصاقس، ۶۶	اَیدوصارون، ۶۶	بالسطنیون، ۱۰۴
اَللِّیقاقائین (رومی)، ۲۱۵	اَنْدَراسیون، ۷۴	اَیرَنجان، ۱۹۲	باناقس (رومی)، ۱۰۰
اَلوین، ۶۰	اَنْطَرِیْتَن، ۶۷	اَیرَنجى، ۱۹۱	بَیْراطَه (لاتینی)، ۱۹۲، ۲۳۶
اَلوسَن، ۶۰	اَنْطویا (رومی)، ۲۹۸	اَیرَنجى، ۲۳۶	بیلیون، ۲۹۵
اَلومُس، ۱۴۳	اَنْغرا، ۶۶	اَیریس، ۷۰، ۱۸۱	بشروطوس، ۲۵۸
اَلوئى، ۶۱	اَنْقردیا (رومی)، ۶۷	اَیریغان، ۷۰	بدالیون (رومی)، ۲۸۳
اَلوئى، ۱۹۵	اَنِسون (رومی)، ۱۵۳	اَنِسْفُس، ۱۶۵	بدولیون (رومی)، ۲۸۳
اَلیخْرِیْشون، ۶۱	اَنِط (لاتینی)، ۱۸۴	اَنِسْقَوامَس، ۸۸	بدیلثون (رومی)، ۲۵۵
اَمارنُطَن، ۶۱	اَوَّال، ۲۱۹	اَیفورس، ۵۰	بذالیون (رومی)، ۲۸۳
اَمارنُطَن، ۶۱	اَواقشوس، ۶۷	اَیفورس، ۱۵۱	بَذلیون، ۲۸۳
اَمْبَرَسِیا، ۷۷	اَوبَنْشِی، ۵۶	اَیلیوطرویون، ۱۹۴	برائی، ۳۹
اَمذریان، ۶۲	اَوبقلصن، ۶۷	اَیلِیوطَرْوِیون طُومِقَرْن، ۹۵	بِرائی، ۳۹
اَمروسیا، ۶۱	اَوبوطیلون، ۶۷	اَیماروقالس، ۷۰	بِرَاسِنُوشَقَرْذین، ۹۸
اَملیس، ۶۳	اَوْبَه قَنِینَه (لاتینی)، ۲۱۵	اَیمارُوقالس، ۱۸۱، ۱۶۴	براسن وقافالوطن، ۸۰
اَمیرباریس، ۱۲۰	اَوبِیَنْجى، ۸۳	اَیْهَقان، ۱۰۲	بِرَاسِین، ۲۲۴
اَمیونیطس، ۱۱۹	اَوْذَرْباباری، ۲۲۸	بالایدونیقی، ۲۷۶	براونیا، ۲۲۲
اَناطیریا اُرمالی، ۶۳	اَوراسالینون، ۲۵۳	باباری، ۴۶، ۷۰، ۱۴۲، ۲۲۷	برباریس، ۳۵، ۵۸، ۶۱، ۱۶۳
اَنَاغالیس، ۳۴	اَورسیمون، ۴۶	بابروس، ۷۵	بریشکَه (اندلس)، ۹۰
اَنَاغرن، ۶۲	اَورویَنْجى، ۲۰۱	بابلص، ۲۹۵	بِرُیُوْذِیَه (لاتینی)، ۷۹
اَنَاغلس، ۲۳۱	اَورویَنْخى، ۴۷، ۱۱۸	بابیر، ۷۵	برئانیون، ۵۷، ۵۸
اَنَاغورس، ۱۳۲، ۲۱۶	اَوریغانش، ۱۹۵	بادلیون، ۲۸۳	بردنمانمون، ۲۵۷
اَنبالس لوقى، ۲۲۲	اَوزِیْمَن، ۱۰۲	بادیقون (سوریه)، ۶۵	بردسیون، ۱۰۱
اَنبالس مالیس، ۲۲۲	اَوسانى (آفریقا)، ۲۶۹	بارسطاریون، ۷۰، ۷۳	بردیقیاس، ۱۱۹
اَنبطرون، ۶۳	اَوفِیْوشَقَرْذین، ۹۸	بارقیون، ۱۹۱	برسانیون، ۱۲۱
اَنْتِلیْش، ۶۴	اَوقِیْمَن، ۷۱	باریسطاریون، ۱۵۶	بِرُشْم (فاس)، ۱۶۰
اَنتامیس، ۷۰	اَوکسجونس، ۵۰	باسلیقا، ۱۰۶	برسون، ۲۲۴
اَنْتِلیس، ۶۴	اَوکسجونوس، ۵۰	باسلیقون، ۲۸۹	برسیا، ۲۶۶
اَنْتِیْمُس، ۶۴	اَولسطنیون، ۱۰۱	باطاسیطس، ۹۳	بِرِسیقا، ۱۳۹
اَنْتِیمس، ۷۰	اَولیرا، ۲۱۳	باطالا، ۱۴۴	برشیکا (افرنجی)، ۴۰
اَنْتِیون، ۱۸۴	اَولیرا، ۲۶۳	باطانیقی، ۱۵۵	برشیکا میلا، ۱۳۹
اَنجشا، ۶۶	اَونوسما، ۶۸	باطراخیون (رومی)، ۲۵۳	برطانیقی، ۶۰
اَنْحَسا، ۳۸	اَونوما، ۴۳، ۶۸	باطس، ۲۱۳	بِرْطانیقی، ۷۶
اَنْحوسا، ۳۸	اَونیاغائَه (لاتینی)، ۱۸۵	باطس، ۲۱۳	بِرْطانیقی، ۷۶
اَنْدَراسیون (لاتینی)، ۶۶	اَیارابوطانى، ۶۹	باقولا، ۲۴۲	برطانیقی (رومی)، ۲۳۹
اَنْدَرْخَنِ، ۸۳	اَیارابوطانى، ۷۰	باکسیان، ۸۲	برطانیقی (لاتینی)، ۲۳۹

برطوماش، ۴۶	بسلون، ۷۸	بکریدیا (رومی)، ۲۹۷	بَظادَقَطُولُنْ، ۸۹
برطینی (لاتینی)، ۲۵۹	بشبوقة (اندلس)، ۱۳۸	بکلورم (لاتینی)، ۲۶۸	بَظاطوس، ۸۸
برغال‌سالی (فرنگی)، ۸۳	بَظَلْسَکَه (لاتینی)، ۱۰۶	بلایس، ۸۰	بَظافلُنْ، ۸۸
بر (فرنگی)، ۲۵۳	بشوريقون، ۲۲۷	بلايوس (رومی)، ۱۰۸	بَظافلُنْ، ۸۸
بِرَقَقْلَى (لاتینی)، ۸۳	بشیوما، ۹۶	بلاسَنطور (فرنگی)، ۸۵	بَظافلُنْ، ۸۸
بِرَکسوس، ۷۶	بطارس، ۱۶۹	بلاقه (لاتینی)، ۱۰۹	بَظافلُنْ، ۱۵۲
برکیره، ۴۷	بَظالایا، ۱۴۴	بلال، ۳۵	بَظافلُنْ، ۲۵۹
برکینه، ۴۷	بطراخیون، ۲۵۴، ۲۵۰	بَلايه، ۲۲۹	بَظافلون، ۱۲۵، ۲۵۸
بِرَمَس	بَظراخیون، ۲۵۰	بَلايَه جَزبُونَه (لاتینی)، ۲۸۱	بَظاموَمُنْ، ۸۸
بِرَنجاسف، ۷۶	بطراسالنون، ۲۵۳	بلايه قَبْرُونَه، ۵۹	بَظاناَطی، ۸۸
برنج اسف، ۷۶	بطراسالینون، ۲۲۷، ۲۲۶	بلباسی (رومی)، ۲۵۰	بَظفلون، ۴۱
برنجاسف، ۷۷	بطراسالون، ۲۲۶	بُلَيسا، ۸۰	بَظطیقا، ۱۵۴
بِرَنجاسف (رومی)، ۷۷، ۱۹۰	بطرس، ۶۱	بُلَيس طویل، ۸۰	بَظَراطیون، ۲۴۳
برواونثلاسیون، ۲۰۰	بُطرس، ۷۷	بلبوس، ۸۰	بنولیون، ۵۴
برواه (رومی)، ۵۲	بُطرس، ۱۹۰	بَلْبوس، ۸۵	بوارس، ۲۸۱
بروطوس (رومی)، ۲۵۷	بطرسالی (فرنگی)، ۲۲۷	بلبوسا، ۱۷۹	بوئالمیوس، ۲۱۷
بروق، ۱۳۸	بطرسالینوس، ۲۵۴	بلطانس (فرنگی)، ۱۴۵	بویلسمون (رومی)، ۸۶
بروقیا، ۲۰۴	بطرسالین، ۲۵۳	بلطاون، ۸۴	بویونیاون، ۱۸۹
برومس، ۱۲۶	بطرساموه، ۲۵۴	بلغوثیون برمندار، ۲۱۰	بوثلمون، ۹۰
بَرُون، ۵۵	بطرسلینون، ۲۵۴	بلغیس، ۲۵۲	بوذافانن، ۲۰۴
برون، ۲۰۰	بطرمیقی، ۱۷۲	بلناس (رومی)، ۲۵۰	بوراطاغرین، ۱۲۶
برون (پرتغال)، ۲۶۲	بَظَرَمِیقَى، ۲۱۶	بَلَنَتاین (لاتینی)، ۲۶۹	بوراطاغونس، ۳۹
بَرُون ثالاسیون، ۲۰۰	بَظَریون، ۲۳۳	بلودقش، ۱۳۳	بورکر (رومی)، ۱۳۷
بروند (فرنگی)، ۲۴۰	بطریون، ۲۹۲	بلوس، ۲۰۲	بوصیر، ۳۳
برون (رومی)، ۳۹، ۱۳۰	بطم، ۱۹۸	بلوطی، ۸۷، ۱۴۴	بوطاموغیطس، ۱۱۰
بَریون، ۱۹۲، ۵۲	بطوس، ۱۹۰	بَلُوطی، ۸۷، ۱۷۹	بوطاموغیطن، ۹۹
بزوثون (رومی)، ۳۹	بطیالایا، ۲۹۰	بلوغوناظن، ۸۷	بوطنایه (اندلس)، ۲۲۲
بسباث بلی‌کوئیم (لاتینی)، ۲۱۰	بَطِیخ (رومی)، ۸۱	بَلُوغونُنْ، ۲۱۰	بوطنایه، ۹۰، ۲۲۲
	بغلیس، ۲۵۲	بَلُویُنْ، ۱۰۳	بوغلصن، ۲۵۲
	بَقْلَمُنْ، ۹۱، ۲۱۷	بَلِیطی، ۸۴	بوغلصن، ۲۶۸
بسباکه (فرنگی)، ۲۲۵	بَقْثورِثُنْ، ۸۲	بُشرقه (رومی)، ۲۳۹	بوغلوسن (رومی)، ۲۶۸
بسد، ۷۹	بقریس، ۲۹۸	بُتَنوقَس اُوطا، ۳۴	بوفاالمون، ۹۰
بُسَد، ۷۹	بقسیس، ۸۲	بتومه (اندلس)، ۸۷	بوقی، ۲۴۶
بُسَد، ۱۴۰	بقسین، ۸۲	بتومه، ۱۵۰، ۱۵۷	بوکسطیلان طریول رماکه
بُسَد، ۷۹	بقسیون، ۸۲	بَظاباطیس، ۸۸	(لاتینی)، ۱۲۵
بُسَد، ۷۹	بقطانیون (رومی)، ۱۹۶	بَظابیَطُوس، ۸۹	بولاییطس، ۱۰۵
بسطاقیا، ۲۲۵	بقغاین، ۲۴۹	بَظادانیقا، ۱۴۴	بولاقیطس، ۱۳۴
بَسَظاقیا، ۲۲۵	بقنوقومُنْ، ۸۵	بَظادَقَطُولُنْ، ۸۸	بولامنیون، ۹۰

بولامونیون، ۹۰	پوروس (رومی)، ۱۲۶	ثُمبِرا، ۱۹۵	حماقسیس، ۱۱۱
بولدین، ۲۸۱	تاجیقطن، ۲۸۰	ثوس، ۱۱۰	خارقیاس، ۳۰۰
بولوبودیون، ۷۹	تاسلفی، ۱۱۵	ثومالا، ۲۷۷	خالاون مالس، ۵۱
بولوبودیون، ۷۹	تاکوب، ۵۵	ثومالا، ۲۷۷	خالدونیون، ۲۰۸
بولودیون، ۱۵۷	تالاسفیس، ۱۰۲	ثومس، ۱۱۰	خالیدونیون، ۱۲۷، ۲۰۸
بولوزیون، ۷۹	تالیسفیس، ۲۸۱	ثومش، ۹۹	خالیدونیون طوماغا، ۲۰۸
بولوطریخون، ۷۵	تاموک، ۶۷	ثومش، ۱۱۰	۲۷۶، ۲۵۵
بولوطوطریخون، ۷۶	تترک، ۱۷۵	ثیلوطارس، ۱۵۷	خالیدونیون طومقرن، ۲۰۸
بولوطونخون، ۷۶	تخم، ۹۹	جالقیسدس، ۲۲۳	خالیدونیون طومقرن، ۲۷۶
بولوغاناطن، ۲۵۲	تخمه، ۹۹	جانوری، ۱۰۷	خاماقطی، ۱۳۸، ۱۵۷
بولوغانطن، ۹۰	تَرَمیَ ایمازوس، ۹۳	جَرُوذا، ۲۹۴	خاما آقطی، ۱۳۸
بولوغتن، ۹۰	تَکْطِطِست، ۲۰۵	جسمی، ۱۱۸	خامادریوس، ۸۶، ۸۷، ۲۶۰
بولوقینمن، ۹۰	تلاسفین، ۱۱۶	چطره، ۱۲۲	خامادزیون، ۸۷، ۲۶۰
بولوقینمن، ۲۵۲	تلاشفین، ۱۱۵	جطریا، ۴۰	خامادفنی، ۱۴۵، ۱۵۹
بولیطریخو، ۷۶	تُلسفی، ۱۱۵	جَقوطَه (لاتینی)، ۱۹۱	خامادافنی، ۱۴۹
بونیا، ۱۸۹	تلسفی، ۱۱۶	جلب (انگلیسی)، ۱۰۴	خاماسوقی، ۱۲۷
بونیاون، ۱۸۹	تنبایس، ۲۶۶	جلوقوریزون، ۱۸۰	خامافیطس، ۲۶۱
بونیکا، ۱۵۷	تنزیک، ۱۷۵	جَنّت قابضة، ۱۹۲	خامافیطس، ۲۶۱
بونون، ۹۰	توانیقی (رومی)، ۱۱۲	جَنّت قابضة (لاتینی)، ۲۳۶	خاماقسیس، ۱۲۸
بونون، ۹۰	توتاملون (رومی)، ۳۰۰	جنتوریه (رومی)، ۲۴۵	خامالا، ۲۷۵
بهرامج (رومی)، ۱۳۷	توجردره (مغرب)، ۸۲	جَنجِیدِیون، ۱۰۳	خامالآ، ۲۷۵
بیای درازاتیم (لاتینی)، ۱۸۸	توزانکون ناریه (فرنگی)، ۱۱۱	جنخلیدس، ۱۸۹	خامالان اونمالس، ۵۱
بیوریس، ۲۷۷	توفته (رومی)، ۵۲	جَنطِیانا، ۱۰۶	خامالان لوفش، ۵۱
پیرون، ۱۴۵	تومس، ۱۱۰	جَنطِیانا، ۲۵۸	خامالان مالش، ۵۱
بیشاک میسور (فرنگی)، ۲۶۹	تیزغا (فاس)، ۲۱۹	جَنطِیانا (رومی)، ۱۰۶	خامالان مالیس، ۵۱
بیشاک مینور (فرنگی)، ۲۶۹	تی سملیل، ۲۰۹	جنطیانه (رومی)، ۱۲۶	خامالاون، ۴۶، ۱۲۸
بیطویداس، ۱۹۷	تیطرانگورن (رومی)، ۲۳۴	جوده (فرنگی)، ۲۶۱	خامالاون لوقس، ۵۱
بیطویداس، ۱۹۷	ثالاسطون، ۱۵۸	جَوَلَه (لاتینی)، ۲۱۱	خامالاون لوقس، ۵۱
بیغانس، ۱۶۸	ثبوریدوس، ۲۲۸	جیسو (فرنگی)، ۹۲	خامالاون مالس، ۴۶، ۱۲۸
بیغانن، ۱۱۶	ثَرثوقس ایماروس، ۱۳۳	حاقطی، ۱۱۰	خامالاون مالس، ۵۱
بیقرون (رومی)، ۵۶	ثرودوقس ایمارس، ۱۳۳	حاماقسیس، ۱۱۱	خامالآ، ۱۲۸، ۲۷۵
بیلطس، ۱۱۹	ثغره، ۲۵۶	حامافیطوس، ۲۶۱	خامالوقی، ۱۲۸
بیلئو (لاتینی)، ۹۱	ثقولس، ۲۹۷	حجاکبوس، ۲۰۹	خامالوقی، ۲۱۸
بیلیون، ۱۲۱	ثلاسفی، ۱۱۵	حسمی، ۱۱۸	خامالیون، ۴۷، ۱۲۸
بیلئو (لاتینی)، ۲۱۷	ثلس، ۲۴۰	حقوق (لاتینی)، ۱۹۱	خامامیلن، ۱۲۸
پاناقس، ۱۰۰	ثلسفی، ۱۳۱	حلوسطاقیل، ۱۹۶	خامانیطس، ۲۶۱
پَم (فرنگی)، ۱۸۹	ثمارون، ۲۰۸	حلیلوطن (رومی)، ۲۲۲	خاملاون مالس، ۲۲۵

خامون، ۲۶۲	دراقینی، ۱۳۹	دوقس، ۲۹۲	رودا ایدا، ۱۵۷
خاولنجان، ۱۳۹	دریقا (رومی)، ۷۱	دُوقو، ۱۴۸	رودیاریزا، ۱۵۹
خروسوقومی، ۱۵۱	دَرَس، ۸۶	دوقو اغریا، ۱۴۸	رُودا، ۲۹۴
خطمی، ۱۳۶	درقنطیون، ۱۴۶	دیامنطیس، ۲۶۴	رُودا اَریذا، ۱۵۹
خلبانی، ۷۲	درقیانا، ۳۰۰	دیامیرون، ۹۵	رُودا اَیذا، ۱۵۸
خَلبانی، ۲۴۶، ۷۲	دَرَوِیْطارس، ۱۴۴	دیبساقوس، ۱۴۸، ۱۳۳	روذوس (رومی)، ۱۵۷
خلدانئون، ۲۰۸	دَرَوِیْطازَس، ۱۴۴	دیبناقوس، ۱۴۸	روس (رومی)، ۲۱۳
خَلوانی (رومی)، ۷۲	دَرَوِیْفینوس، ۱۴۴	دیدرون اسایا (رومی)، ۲۵۵	رومیرو رومینیو (رومی)، ۵۹
خمداریوس، ۲۶۰	دروقتی، ۲۴۹	دیقپمینیون (رومی)، ۲۸۱	رویذون (رومی)، ۱۵۷
خمدافنی، ۲۷۵	دَرُوفِیْون، ۱۴۴	دیقورس، ۲۳۵	رویذین (رومی)، ۱۵۷
خمالاژن، ۲۷۵	دروقیئون، ۱۴۴، ۱۴۷	دیبساقوس، ۱۴۸	رُؤوس اُ (أبی) اُطا اُؤنسا، ۱۷۵
خَما میلُن، ۶۴	دروقیئون، ۱۴۴	ذافنی، ۱۴۹	زآ، ۲۱۳
خمایملن، ۷۰	درویطارس، ۵۲	ذافنی، ۲۱۸	زآء، ۲۱۳
خندروس، ۱۳۹	دریقئون، ۲۴۹	ذافنیدس، ۱۴۹	زبان لباسا (رومی)، ۸۶
خندروش، ۱۳۹	دریولطاس (رومی)، ۲۶۳	ذافنیدس، ۱۴۹	زتنکل (فرنگی)، ۲۵۰
خندریل، ۲۹۷	دسقس، ۱۳۳	ذاقنیداس، ۱۴۹	زُزُغْد (انطالیا)، ۲۴۸
خندریلی، ۱۳۹، ۲۱۲	دفعوس، ۱۰۳	ذاقنی، ۲۱۸، ۱۴۹	زُغیباری، ۱۶۴
۲۹۸، ۳۰۰	دفعین (رومی)، ۱۰۳	ذاقنی الاسکندری، ۱۴۹	زیزوفی، ۲۱۴
خَندریلی، ۲۹۸	دقنیداس، ۱۵۹	ذاقنیداس، ۱۴۹	سارس، ۲۹۸
خندوس، ۱۳۹	دقیقه، ۱۰۳	ذروفینون، ۱۵۰	ساریقون، ۱۹۳، ۵۶
خَیری، ۱۴۰	دفیون (رومی)، ۲۲۳	رآء، ۱۵۴	ساریقون، ۱۹۳
دارقنوطون، ۱۴۲	دَقَسِیْطَس، ۹۵	رابانس ازغریا، ۵۷	سازساحوره، ۲۱۳
دافنی، ۱۴۵، ۱۵۹	دقتابانون (رومی)، ۲۸۱	رافانوس، ۲۲۴	ساسالی، ۱۸۱
دبساقوس، ۱۴۸	دقپامیون (رومی)، ۲۸۱	رامئس، ۲۱۷	ساسالیوس، ۱۸۲
دیبساقوس، ۱۴۹	دَقَطْمَن، ۲۸۱	رای مُنت، ۷۵	ساسالیون، ۱۸۲
درابی، ۱۱۵، ۱۱۶	دقطنن (رومی)، ۲۸۱	رائی مُنت، ۱۶۰	ساسلیون، ۱۸۱
دراقس، ۱۳۹	ذَلْبوْث، ۱۴۴، ۱۴۶	ردین، ۲۶۰	ساطریوس، ۱۰۱
درافیون، ۲۷۳	دلپوس، ۱۴۶	رسماریتا (رومی)، ۲۳۹	ساطوریون، ۱۳۵
دراقنطی، ۲۵۱	دماسونئون، ۲۸۱	رفالس (فرنگی)، ۲۲۳	ساطریه، ۱۳۵
دُراقِن، ۱۳۹	دمسقینی (رومی)، ۴۱	رفانی (رومی)، ۲۲۳	ساطوریون، ۱۳۵
دراقن (شام)، ۱۳۹	دواغریا، ۱۴۷	رفینون (رومی)، ۲۲۳	ساطوریون، ۱۳۵
ذراقنطیون، ۲۳۱	دَوایا اغریا، ۱۴۷	رُقَعَة الصخری (اندلس)، ۱۵۷	سالتین اغریون، ۲۵۰
ذراقنطیون، ۲۷۳	دوایا اغریا، ۱۴۸	رنف (رومی)، ۱۳۷	سالس اغریون، ۲۵۰
ذراقنطیون، ۲۷۳	دودزولوس، ۲۳۰	رواس، ۱۸۸، ۱۳۴	سالیونس قیفاژن، ۲۵۴
ذراقنوسقردیون، ۸۰، ۹۸	دودسطاروس، ۱۴۴	رویاس، ۱۸۹	سالیون ایمارش، ۲۵۴
ذراقونطیون، ۲۷۳	دورقنطون (رومی)، ۲۳۰	رویپه (فرنگی)، ۲۳۰	سالیون ریفان، ۲۵۴
ذراقطن، ۲۷۳	دوَقَس، ۱۱۸		
ذراقطون، ۲۳۰، ۲۷۳	دُوقَس، ۱۴۸		



سالمون قیفون، ۲۵۳	سطراطیوس ماریوس، ۱۱۰	سقردیون براسن، ۸۰	شمیلُفس، ۱۹۰
سالمون، ۲۵۳	سطراطیوطس، ۱۷۱، ۲۸۰	شَقْلَیاس، ۲۴۵	شمیلُفس، ۲۰۰
سامون، ۸۶	سَطْراطیوطس، ۱۷۱	سقلیاس، ۲۴۵	سمیلُفس، ۲۷۱
سایر (رومی)، ۲۱۳	سطرخنوس، ۲۴۹	سقوس، ۱۲۶	شمیلُفس، ۲۷۱
سبیره (اندلس - لاتین)، ۱۸۵	سَطْرویلو، ۱۹۷	سَقُوفندریون، ۱۵۷	سنبریون، ۱۱۶
سپارک (فرنگی)، ۲۹۷	سَطْروئیون، ۱۷۱، ۲۰۷	سقوقتریون، ۴۹	سنبل اقلیطی، ۱۷۸
شَنخادِس، ۴۷	۲۶۳	سقولوفندرو، ۱۱۹	سندریطس، ۱۱۴
ستوخس (رومی)، ۴۷	سَطْروخنس، ۲۴۹	سقولوفندریا، ۴۹	سَنَدَریطس، ۱۷۸
سجومیس، ۴۳	سَطْروخنس فنجوش، ۲۴۹	سَقُوفَندَریون، ۴۸	سَنَدَریطس، ۱۷۸
سخس، ۴۳	سَطْروخَن البستانی، ۲۱۵	سقولوفندریون، ۴۹، ۱۱۹	سندریطس آخر، ۱۷۹
سَخوزیون، ۱۷۳	سَطْروخنس، ۲۴۹	سقولوفندریون، ۲۷۱	سَنَدَریطس آخر، ۲۵۷
سَخوُئس لَیْا، ۱۷۵، ۵۰	سَطْرومیون، ۱۷۱	شَقولوقندریون، ۴۹	سندریون (رومی)، ۹۳
سخیس، ۴۳	سَطْرونیون، ۱۷۱	سقولومس، ۱۱۴	سنلتجی (لاتینی)، ۲۹۴
سخینس، ۲۸۲	سطوبی، ۴۶	سَقولومُس، ۱۱۴	سنو، ۱۹۲
شَخِیْئوس، ۴۳	سطوسا، ۱۸۴	سقولوموا، ۱۱۴	سوسان فوسوخیوس، ۴۸
سخینوس، ۲۸۲	سعب، ۱۶۹	سقولونیون، ۱۹۱	سوسنین (رومی)، ۱۸۰
سخیونس، ۴۳	سغابینون، ۱۷۳	شقیلا، ۴۹	سوکی فینون (رومی)، ۲۳۳
سخیونس الأجامی، ۵۰	سفادیگس، ۱۷۲	سککن، ۳۰۰	سولان، ۱۸۱
سرابیون، ۴۶	سفارغانیون، ۲۰۷	سلاطم (لاتینی)، ۲۱۴	سولجان، ۵۳
سربن طین (فرنگی)، ۲۷۳	شَقْدُولیون، ۲۵۹	سلدهری (لاتینی)، ۲۵۳	سوناخیوس، ۴۸
سَرْفَعْلَین (رومی)، ۶۶	سفرطس، ۱۳۴	سلری (فرنگی)، ۲۵۳	سیدریطس آخر، ۱۷۹
سرونمارون، ۲۰۸	سفلاغانیون، ۱۸۱	سلفیون، ۶۵	سیسارون، ۲۵۲، ۲۵۴
سربنه (رومی)، ۲۰۹	سفلاریقون، ۲۴۳	سِلْفِیون، ۶۵	سیساریون، ۱۸۱
سسالیوس ابونیقون، ۱۵۵	سفلیون، ۴۹	سلفیون، ۶۵	سیسالوش، ۶۵
سسالیون، ۲۴۸	سفندولیون، ۲۰۴	سلینون، ۲۳۵	سیسالیوس، ۱۶۷
سسالیون (رومی)، ۶۵	شفوذلوس، ۱۳۸	سمرنا، ۲۷۷	سیسالیون، ۱۸۱
شُسرْم، ۱۸۲	سفوس (لاتینی)، ۱۲۹	سمرنیون، ۲۵۴	سیسالیون، ۲۴۸
سَطْطاخیس، ۱۷۱، ۲۳۱	سفیدلیون، ۱۷۲	شَمْزَنیون، ۲۵۴	شَیْسَان، ۱۷۶
۲۳۲، ۲۸۰، ۲۹۵	شَقارْطَاغانیون، ۱۸۱	سمرنیون، ۲۵۴	سیسامون (رومی)، ۱۷۶
سَطْطاخِیْس، ۱۷۱	سقاون (رومی)، ۴۱	سمسخون، ۲۷۹	سیسامویداس الکبیر، ۱۰۱
سَطْطاریون، ۱۷۱	سقرابیداس، ۲۰۴	سَمْسَق (رومی)، ۲۷۹	سیسنبرون، ۱۱۶، ۲۵۴
سَطْطاریون، ۲۶۹	سقرابیوداس، ۱۵۱	شَمْفوطْ آخر، ۱۷۶	سیسنبرون، ۱۸۲
سَطْطاغونس، ۲۶۶	سقراطیون، ۲۴۳	شَمْفوطْ بَطْراؤن، ۱۷۶	سیسنبریونی اقوانته، ۱۱۶
سَطْطالیون، ۲۸۰	سقراغانیون، ۱۴۶	سمفوطن آخر، ۱۷۶	سیسنبریون، ۱۸۲
سَطْطانیق، ۱۲۶	سقریبون، ۲۰۲، ۲۰۴	سمفوطن بطرا، ۲۷۴	سیسنْزَیون، ۲۳۵
سَطْطانیون، ۲۱۹	سقدونواس، ۸۰	سَمْفوطْ، ۱۷۶	سیطرمنون، ۳۴
سطراطیوس، ۱۷۱، ۲۶۹	سقدین، ۹۸	سمون، ۸۶	سیفایطوس، ۳۳
	سَقْدَین، ۲۸۳	سمیقلس، ۱۷۶	سیفروس (رومی)، ۲۶۳

سیقا، ۹۶	ششپاز (رومی)، ۲۲۲	طابلیدیون (رومی)، ۱۸۳	طَرْمَشْس، ۸۱
سیقاموری، ۱۰۵	ششتره، ۲۶۲	طارطقة (اندلس)، ۲۷۶	طَرْمَسُول (اندلس)، ۹۵
سیفس ایماروس، ۲۳۳	شَطْرِيَة (لاتینی - اندلس)، ۱۹۵	طارطْلُقَه (لاتینی)، ۲۷۶	طرویلیوس، ۱۱۸
سیقوس اغریوس، ۱۲۶	شطی رکس، ۵۳	طالسفر، ۱۹۹	طرویلِس، ۱۱۸
سیقوس پیقرا، ۱۲۶	شَقْرُذِين، ۹۸	طالون (رومی)، ۳۵	طَرُوبِيلْس، ۱۱۸
سیقوموروس، ۱۵۷	شقواصة (رومی)، ۴۶	طباط، ۲۱۰	طروبین، ۲۴۸
سیقوموری، ۱۰۵	شقوشینا، ۲۳۳	طَبَاق (لاتینی اندلس)، ۷۷	طریئله، ۲۹۱
سیلن، ۲۵۴	شکونیا (رومی)، ۵۵	طبق، ۱۷۳	طریخومانس، ۱۸۷، ۲۰۳
سیلنا (رومی)، ۲۵۳	شلباش (لاتینی)، ۲۱۸	طَخْش (لاتینی)، ۱۹۰	طریدلیون، ۲۴۸
سیلهین، ۲۷۱	شلشفین، ۱۰۶	طرابشیوس (رومی)، ۸۱	طریفِل (اندلس)، ۲۰۳
سین، ۱۸۲	شمار (رومی)، ۱۵۲	طرابنیشوس (رومی)، ۸۱	طریفلم اورانم (لاتینی)، ۱۲۵
سینی، ۱۳۰	شَمَرنا، ۲۷۷	طراخیس، ۱۲۶، ۱۷۳	طریفِلن، ۱۲۵، ۱۳۵، ۲۹۱
سینون، ۲۲۰	شَمِثْ مورِس (لاتینی)، ۱۹۲	طراغافینا، ۲۵۱	طریفْلُن، ۲۰۳
سیو (فرنگی)، ۱۸۲	شَتالَه (لاتینی)، ۶۳	طراغاقانی، ۲۵۱	طریفْلُن، ۲۰۳
سیون (رومی)، ۲۳۵	شتله (اندلس)، ۶۲	طراغاقثا، ۲۵۱	طریفْلون، ۱۵۵
شات ردجه، ۲۷۹	شَنکار، ۳۸	طراغوبوغن، ۲۰۱	طریفوس (رومی)، ۱۶۷
شاطرج، ۱۹۳	شنون، ۱۹۲	طراغوئن، ۲۰۱	طریفولون، ۱۲۵
شاطوریون، ۱۳۵	شوصرا، ۲۴۷	طراغورِیغاس (رومی)، ۲۲۹	طریفولین، ۱۰۷
شاکهبانته (لاتینی)، ۱۷۳	شیریون، ۱۴۵	طراغوس، ۲۰۱	طریفولیون، ۹۳، ۱۵۲، ۲۰۳
شالین اغریون، ۲۵۰	شیلرو، ۱۵۷	طراغون سقریون، ۲۰۱	طریفولیون، ۹۳
شالْیه (لاتینی)، ۶۰	شیون (رومی)، ۵۵	طُرَایغِس، ۱۷۴	طُرَیغُولیون، ۲۰۳
شالْیه (لاتینی)، ۲۶۸	شاغابینن، ۱۷۳	طراغین، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۸۲	طریفیون، ۶۰
شالْیه، ۴۸	صَرْقُوقْلا، ۶۶	طراغیون، ۱۸۶	طریفُقُن، ۱۶۲
شاهسبرم (رومی)، ۵۹	صرقوقولا (رومی)، ۶۶	طُرَایغُیون، ۲۰۱	طُرَیغُولیون، ۲۰۳
شبنکه (فرنگی)، ۱۹۱	صریس، ۲۷۳	طراغیون آخر، ۲۰۲	طریغومانس، ۲۵۷
شبوکه (لاتینی)، ۱۳۸	صَطَقْطی، ۲۸۶	طرافلون، ۲۰۴	طریون (رومی)، ۹۳
شَبُوقَة (رومی)، ۱۳۸	صعتروس، ۱۹۵	طراقافیا، ۲۵۱	ططریوغنون (رومی)، ۲۹۴
شَبِیْطَه (لاتینی)، ۱۷۶	صمصوصخن، ۱۱۳	طرامنیشوس (رومی)، ۸۱	طفسقویون، ۱۹۱
شبیطة (لاتینی - اندلس)، ۱۷۶	ضمصوصخن، ۲۷۹	طرخشوق، ۲۹۸	طفیقوس، ۱۹۱
شجر اوسیتا، ۱۹۳	صنجیس، ۴۸	طُرْذِیلُن، ۱۸۲	طلافیون، ۳۷
شجرة الجلنیت، ۶۵	صَنخِیس، ۲۹۶	طرغولیطوس (رومی)، ۲۷۸	طوره شول، ۹۵
شَخْغراغه (لاتینی)، ۲۴۳	صَنخِیس، ۲۹۶	طَرْفَرِیدُس، ۲۰۲	طورنه ماطیزس، ۲۸۳
شرالیه آشش، ۳۰۱	صنفور، ۲۷۱	طَرَفولُس، ۲۰۳	طوطاق غریون، ۱۲۳
شرالیه (لاتینی - اندلس)، ۲۹۸	صیصاموغریون، ۱۳۳	طریفلون، ۶۰	طوطلون (رومی)، ۱۷۴
شرالیه الحمار (اندلس)، ۲۹۸	صیکه (رومی)، ۹۶	طرفیوس، ۱۶۰	طُوطُن، ۱۷۴
شرائش (لاتینی)، ۲۱۸	ضیموطوس، ۲۳۰	طركسیمى (رومی)، ۲۹۷	طوفریوس، ۲۰۴

طوفسس، ۴۳	غلوقریزا، ۱۸۰	فافا (رومی)، ۷۳	فَرَنائون، ۵۸
طوفوریوس، ۲۶۰	غلوقریزا، ۱۸۰	فافس، ۸۱	فَرَسِسا، ۲۶۶
طوقریوس، ۲۰۴	غلوقیون، ۲۷۶	فاقوس، ۲۰۷	فرسطاریون، ۷۳
طوقوریوس، ۱۱۹، ۲۶۰	غلوکس، ۲۲۱	فالنچیتس، ۲۲۳	فرسطالیون، ۱۵۶
طوماغا، ۲۰۸	غلیاون، ۵۳	فالنچیتُن، ۲۲۳	فَرَسِیا، ۷۶
طومقرون، ۲۴۶	غلیجن، ۲۲۹	فالنچیتُن، ۲۲۳	فرسیون، ۲۸۰
طیرنه، ۲۰۴	غلیجن اُغریا، ۲۲۱	فالنچین، ۲۲۳	فرسیون (فرانسوی)، ۲۵۲
طیفی، ۲۰۴	غَلِیخن، ۲۲۹	فالیریس، ۲۲۳	فرفیون (رومی)، ۹۳
طیلافیون، ۱۱۸، ۲۰۴	غلیخن اُغریا، ۲۲۹	فالینوس، ۱۸۳	فَرَمیوس، ۲۲۵
ظریفان، ۱۳۵	غلیشن (رومی)، ۲۲۹	فالِیورُس، ۱۶۸	فریغلیون (رومی)، ۲۴۹
عارِسا (رومی)، ۲۵۵	غَلِیقِسیدِی، ۲۲۳	فالِیورس، ۱۸۵	فرینون صواسنین، ۷۰
عرذی اکهر (رومی)، ۲۶۰	غنابلیان، ۲۲۶	فالِیورس، ۲۲۳	فسطاریون، ۱۵۶
عرصمودون، ۲۳۷	غنافلِیون، ۲۲۶	فالِیورُون، ۱۶۸	فَسْغانیون، ۱۴۶
علیجن، ۲۲۹	غَنافَلِیان، ۲۲۶	فاناقس ابراقلیون، ۱۰۰	فَسْغانیون، ۱۸۱
عمرود (لاتینی)، ۲۵۳	غنافلِیون، ۲۲۶	فاناقس اسفینوس، ۲۲۳	فسلیون، ۷۸
عتقلی، ۱۸۹	غنطیانی (رومی)، ۱۰۶	فاناقس اُسقلیبوس، ۱۶۵، ۲۲۳	فَسْلِیون، ۷۸
عتقلی، ۱۸۹	غَنغَلِی، ۱۸۹		فَسْودودِیْقَطْمَن، ۲۸۱
غالونیس، ۲۱۹	غَنغَلِی، ۱۸۹	فاناقس ایراقلیوس، ۱۰۰	فَسودودِیْقَطْمَن، ۲۸۱
غارانیون، ۳۷	غنکیلی (رومی)، ۱۸۹	فاناقس اَیْرَقْلِیون، ۱۰۰	فسودودِیْقَطْمین، ۲۸۱
غارنیون، ۲۱۸	غُوْذِیَالَه (لاتینی)، ۲۱۰	فاناقس خمرونیون، ۲۲۳	فسوشی لیون (رومی)، ۸۹
غاریقون، ۲۱۸	غینغیدِیون، ۱۸۳	فاناقس خیرونیون، ۲۲۳، ۲۴۸	فسولن (رومی)، ۲۷۱
غاغالس، ۲۱۹	فابا (رومی)، ۷۳		فسیالانه، ۵۱
غالارتون، ۲۱۹	فابش القبطی، ۷۳	فانقراطیون، ۲۴۳	فشاشیش (رومی)، ۱۹۸
غالیّه (لاتینی)، ۲۱۵	فابش یونانی، ۷۳	فانقوس، ۲۶۲	فصولیا (رومی)، ۲۷۱
غالسیر، ۲۱۹	فابش یونانی، ۷۳	فوانیا، ۲۱۶، ۲۲۳	فطارِیقا، ۴۹
غاله جاقه (لاتینی)، ۱۱۸	فابلص، ۸۳	فاورسیون (رومی)، ۲۳۳	فطراسالیون، ۷۸، ۲۵۳، ۲۶۱
غاله قَرَشْتَه (لاتینی)، ۱۷۸	فَابَه (لاتینی)، ۷۳	فاونیا، ۲۲۳، ۲۹۵	فَطْراسالیون، ۲۲۶
غالیسیس، ۲۱۹	فادرونی (رومی)، ۲۵۶	فایوقی (رومی)، ۱۹۶	فطریون (رومی)، ۵۴
غالیون، ۲۱۹	فارالیون، ۱۳۴	فیباواریس، ۱۵۱	فغلاسیونس، ۲۲۷
غالیون، ۲۱۹	فارستاریون، ۱۵۶	فتحوریون، ۲۹۷	فغلامینوس، ۷۴
غانافلیان، ۱۴۸	فارسطاریون، ۱۵۶	فیرااَسْن قافالوْطَن، ۲۵۲	فغلون، ۲۵۷
غَرغَنیته (لاتینی)، ۲۳۱، ۲۷۳	فارِسطازِیون، ۱۵۶	فراسیا، ۲۶۶	فغوس (رومی)، ۱۶۷
	فارسطازِیون، ۱۵۶	فراسین، ۲۲۴	فغیلاموس، ۷۴
غرینواس، ۲۳۸	فارس نارِیون، ۱۵۶	فراسینا، ۲۵۲	فقلیس، ۲۹۵
غریزا (رومی)، ۲۴۶	فارقلومانن، ۱۶۰	فراسیون، ۲۸۰	فَقْلامینوس، ۷۵
غَلْجن، ۱۰۵	فارنوخیانا، ۱۱۸	فرافیون، ۵۰	فَقْلامینوس، ۲۲۷
غلوقریزا، ۱۸۰	فاسیلِس، ۵۴	فراولیون، ۷۹	فَقْلامینوس آخر، ۲۲۷
غلوقی، ۲۷۶	فاسیلون، ۵۴	فریبون (رومی)، ۲۲۴	فَقْلامینوس اخر، ۷۵

فقلوطا (رومی)، ۲۵۲	فورینه، ۱۴۹	قازوا، ۲۵۶	قربوله (لاتینی)، ۲۶۶
فقولیون، ۱۲۵	فوربون، ۲۵۷	قاروآباسلیقا، ۱۰۶	قرئان (رومی)، ۱۸۷
فقومیلاس (رومی)، ۹۴، ۴۱	فوضوفش، ۱۹۸	قاروانا، ۲۵۶	قَرَّی، ۱۸۷
فقیص، ۱۸۳	فوطینوس (رومی)، ۲۲۴	قاریا، ۱۰۶	قرحا، ۲۰۹
فکتلمن، ۴۴	فوفیلاطینوس (رومی)، ۷۴	قاریاسلقا، ۱۰۶	قردامن، ۱۱۵
فکی (رومی)، ۲۰۷	فوقاذن، ۳۰۰	قاطانقی، ۲۰۵	قردامومن، ۱۱۵، ۲۳۲، ۲۳۵
فلار، ۳۵	فوقاذن، ۷۴	قاطانقی، ۲۳۲	قردامومون، ۲۳۵
فَلَاقِشَس، ۶۶	فوقاذین، ۷۴	قاطانقی، ۲۳۲	قردامون، ۲۳۵
فلوس (رومی)، ۲۴۰	فُوقَس البحری، ۲۰۰	قافلا (لاتینی)، ۷۶	قردامینز، ۱۱۶
فلوریکا (رومی)، ۱۹۶	فوله، ۲۲۸	قافنون (رومی)، ۲۶۲	قردمانا، ۲۳۲، ۲۵۶
فلورینه، ۱۴۹	فولیون، ۱۰۳	قافنیس (رومی)، ۲۶۲	قَزْدَمَنا، ۲۳۵
فلوسطیون (رومی)، ۱۰۴	فُولیون (رومی)، ۱۰۳	قاقالیا، ۸۲	قُردمانا، ۲۳۵
فلوغوناظن، ۲۱۰	فونئس، ۹۱	قالاس، ۲۴۰	قُردمانا، ۲۳۵
فلوقرنیا (رومی)، ۲۳۷	فیاقیدنوس، ۱۵۲	قالاض، ۲۴۰	قردمانی، ۲۳۵
فلوماین، ۱۸۵	فیخیون، ۱۱۹	قالامنتی، ۱۹۸، ۲۲۹	قردمون، ۱۱۵
فلومس، ۳۳، ۹۰	فیغائن، ۱۱۶	قالیورس، ۶۱	قردالیوم، ۱۱۴
فلومُس، ۹۰	فیغانن، ۱۶۷	قاماریون (رومی)، ۲۳۱	قَزْدَنَالَه (لاتینی)، ۶۳
فلومس مُقَرَن، ۶۰	فیغائن، ۱۶۸	۲۴۲	قرسطاریون، ۱۷۱
فلیمن، ۵۷	فیغانن اغریون، ۱۶۷	قائش، ۲۵۹	قرسیون، ۴۷، ۱۵۱
فلیورش، ۲۱۴	فیغروا، ۱۲۵	قانیوس، ۱۸۳	قرصیناتا (رومی)، ۶۵
فناغیوس، ۲۵۷	فیغس باطس، ۲۵۰	قبارس، ۲۵۰	قرفلون (رومی)، ۲۳۸
فنجبون، ۱۷۱	فیغن اغریون، ۲۳۶	قبارومبدوس (رومی)، ۲۴۵	قَزَقا، ۲۰۹
فنظافلون، ۸۸، ۱۵۲	فیقس، ۱۲۶	قباریش (رومی)، ۲۵۰	قرقسیون، ۲۳۸
فنظافیلن، ۴۱	فیلورا، ۱۱۲، ۲۰۶	قَباسمه، ۱۵۳	قرمیدیا، ۸۰
فنظافیلون، ۸۸	فیلورا، ۲۰۶، ۲۵۱	قبسطلیه، ۵۴	قربنا، ۲۵۵
فنقراطیون، ۲۴۳	قَابَانِیقِی، ۲۳۲	قثیون، ۱۹۱	قَرَبْنا، ۲۵۶
فنیفس، ۲۳۶	قاذارش، ۱۵۳	قدرومیلا، ۴۰	قربنا انمازس، ۲۵۶
فنیفس اغریون، ۲۳۶	قاراطیا، ۱۳۲	قرادامومن، ۱۱۵، ۱۱۶	قُرَبْنا، ۲۵۶
فَنِیْکَس، ۹۵	قاراطیطس، ۶۷	قرادمن، ۱۱۵، ۲۳۵	قربو، ۲۵۵
فُو، ۲۲۸	قاراطیطس، ۱۳۴	قراسیا، ۱۱۳	قُرَبِی ایمارس، ۲۵۶
فو، ۲۲۹، ۲۸۸	قاراماون، ۸۰	قراسیا (رومی)، ۲۳۴	قرونوس، ۱۲۴
فوباروم (فرنگی)، ۲۲۹	قَارَبَاسِیْلَقا، ۱۰۷	قراسیون، ۲۴۹	قرونوس (رومی)، ۲۰۸
فوباکینوم (فرنگی)، ۲۲۹	قَارَبَانِیْطِیْقا، ۱۰۵	قَرَاَصِیا (رومی)، ۲۳۴	قُرُونُش (لاتینی)، ۲۳۵
فودیاسایس، ۳۰۰	قارسطاریون، ۱۵۶	قُرَاطاغونن، ۱۲۶	قرنی اغریا، ۲۵۶
فورا، ۱۲۶	قارسون، ۲۴۹	قراطیا، ۱۳۲	قروص، ۶۵
فورثرون، ۲۰۵	قارطیا هندی، ۱۴۰	قرانیا، ۱۶۳، ۲۷۸	قروفا، ۲۳۷
فورثون، ۲۰۵	قارنوخیا، ۱۱۸	قُرَایْنا، ۱۶۳	قُرُوقَس، ۱۶۳
فورُس (رومی)، ۱۲۶	قارو، ۲۵۶	قربانیون، ۵۸	قُرُوقَس، ۱۶۳

قرومیان، ۸۱	قفروس، ۱۳۳	قنطوریون (رومی)، ۲۴۶	قولی طولی، ۲۵۶
قرومیدیا، ۸۰	ققلامینس، ۲۲۷	قنطوریون طرمقرون، ۲۴۶	قوماروس، ۲۳۱، ۲۴۲
قریدی (رومی)، ۱۰۶	ققومیللاس، ۴۱	قنطوریون طُولُبطون، ۲۴۶	قوماریس، ۲۴۲
قریطیقوس، ۶۷، ۱۴۸، ۲۰۴	ققیس، ۲۱۱	قنطوریون طولیطون، ۲۴۶	قومالیون، ۲۴۷
قریطیقوس ارمالی، ۱۴۸	ققیس، ۲۱۱	قنطوریون طوماغا، ۲۴۶	قوماورس، ۲۴۲
قرینوس، ۷۰	قلارسیس، ۱۸۴	قنطوریون طوماغا، ۲۴۶	قومون باسیلقون، ۲۸۹
قرینوس (رومی)، ۱۸۰	قلامس اُروماطیقس، ۲۴۱	قنطیانی (رومی)، ۱۰۶	قومیا (رومی)، ۲۳۳
قرینوضواسینن، ۱۸۱	قَلْخِیقَن، ۱۸۰	قنقهر، ۲۴۷	قومینون انتونیقون، ۲۸۹
قُزیوله (اندلس)، ۲۶۶	قَلْسوفُودیون، ۲۴۳	قنیقوس، ۲۳۶	قومینون (رومی)، ۲۶۲
قُزیوله (لاتینی)، ۲۶۶	قُلْلاس، ۳۴	قوالن (رومی)، ۷۹	قُومیون، ۴۵
قصادق، ۲۶۷	قُلْلاس (رومی)، ۲۴۳	قوامس (رومی)، ۷۳	قُونس باطُس، ۲۹۴
قسارت، ۲۶۷	قُلْنبارس، ۲۰۴	قوتقس، ۹۱	قونوس (رومی)، ۱۹۶
قسنوس، ۴۶، ۱۸۸، ۲۶۷	قُلْنبارش (لاتینی)، ۱۵۶	قوئیرا، ۱۹۹	قُونیزا، ۷۷
قِسْتوس، ۲۶۵	قلندیرله، ۶۰	قودونیا میلانا، ۱۷۲	قونیزا، ۱۹۹، ۲۱۹، ۲۴۷
قسخروطن، ۲۳۹	قلودیقی (رومی)، ۱۹۶	قورس، ۲۹۸	قونون، ۱۹۱، ۲۸۶
قسطانیا، ۸۶	قلوغیطون، ۱۹۶	قورو قوس، ۱۶۳	قویارس (رومی)، ۷۳
قسطرن، ۸۷	قلوفیا، ۲۳۷	قورونُقس، ۱۵۵	قیبارس، ۱۷۱
قَسْطُرون، ۲۳۹	قلومائی، ۴۶	قوریانون، ۲۵۷	قیبْنا، ۱۰۸
قسطریون، ۸۷	قلومانن، ۱۸۵	قوریون، ۲۰۵، ۲۵۷	قیبوطیسرون، ۲۶۳
قسطس، ۲۳۹	قُلومائِن، ۱۸۵، ۲۴۴	قوسطاریون، ۱۵۶	قیخوریون، ۶۳، ۲۹۸
قَسْطُس، ۲۳۹	قُلُومائِن، ۲۴۴	قوطس، ۲۴۰	قیسوس (رومی)، ۲۱۱
قُسطل (رومی)، ۸۶، ۸۷	قُلومُس، ۲۴۴	قُوطلیدون، ۲۴۷	قیطس، ۳۱، ۳۵
قَسْطَنه (رومی)، ۸۷	قلومش، ۳۳	قُوطلیدون، ۲۴۷	قیفارس، ۱۷۱
قسطوریون، ۸۷	قلیماصیس، ۲۴۱	قوطولیدون، ۳۳، ۳۴، ۱۶۹	قیفر، ۹۵
قسطوس (رومی)، ۲۳۹	قلینوفودیون، ۲۴۳	قوطولیون، ۲۳۴	قیفرس، ۱۲۵
قسئنانس، ۲۶۶	قِمِیص، ۶۷	قوفی، ۴۴، ۲۴۷	قیفروس، ۱۲۵
قسوس، ۲۶۶، ۲۶۷	قنابس، ۲۴۵	قوقالس، ۲۴۷	قیفوس، ۱۳۳
قِسی، ۱۹۰	قَنابِش، ۱۱۲	قُوقامیلا، ۴۱	قیفهیمالون، ۲۴۵
قِسْیا، ۱۷۴	قَنابِش، ۲۴۵	قوقامیلا، ۲۱۷	قیقُئِن، ۱۷۸
قِسْیا، ۲۳۹	قنابش اُغریون، ۱۱۲	قولوریون (رومی)، ۷۹	قیقاسوس، ۱۳۳
قسینی (لاتینی)، ۲۶۶	قنابوس، ۲۴۵	قولوقنئا اغریا، ۱۲۶	قِیقُئِن، ۱۷۸
قَسْتَنبُولَه (لاتینی)، ۱۸۰	قنالیون، ۲۴۸	قولوقنئا (رومی)، ۲۳۷	قَبْهَر، ۲۴۷
قشطل (رومی)، ۸۷	قنامومُن، ۱۴۱	قولوقنطس، ۲۳۷	قیقهن، ۲۴۷
قطولی، ۲۴۷	قَنامومُن، ۱۴۱	قولوقینس (لاتینی)، ۱۲۶	قیقی، ۱۳۳
قسطیداوس، ۲۳۲	قنخروس، ۱۴۳	قولومینس، ۱۵۳	قیقیس، ۲۱۱
قعالا (رومی)، ۱۵۳	قنطادوس (رومی)، ۲۳۶	قولی اغریا، ۲۵۶	قیموطمشور، ۲۳۳
قفأ، ۱۰۷	قنطس، ۲۲۶	قولی اغریاس اقیمون، ۲۵۶	قیمین اغریون، ۲۶۲
قفالیا، ۲۴۹	قنطوریون، ۳۶، ۲۲۰، ۲۷۴	قولی ایماروس، ۲۵۶	قیمینون اُغریون، ۲۶۲

قینه، ۲۴۷	کمافیطوس، ۲۰۷	لاغوبن، ۲۶۵	لوسپیماجیوس، ۲۷۲
قیوفارروس (رومی)، ۱۷۱	کُمافیطوس، ۲۶۱	لاغوبن، ۲۶۵	لوسپیماجیوس، ۲۷۲
کافافلوس (رومی)، ۱۲۶	کمالایا (رومی)، ۲۷۵	لانطوفودیون، ۲۶۶	لوطس، ۲۹۱
کاکره (رومی)، ۲۰۵	کمالیون، ۱۲۸، ۲۲۴	لاورس (فرنگی)، ۲۱۸	لوطس اغریوس، ۲۹۱
کالدِم ارماتک (فرنگی)، ۲۴۰	کمبنوس (انگلیسی)، ۲۶۲	لاونطوباطلن، ۲۵۸	لوطس طوماغا، ۲۹۱
کالیدونیون (رومی)، ۲۰۸	کُمکُوت (فرنگی)، ۲۶۲	لَبازَدَه (لاتینی اندلس)، ۷۷	لوطوس، ۸۰، ۱۲۵، ۲۷۲
کتانی (رومی)، ۲۴۵	کمیداس (فرنگی)، ۲۶۰	لَباشتر، ۲۶۶	لوطوس اغریوس، ۱۲۵
کَتَبته، ۲۵۱	کناریون (رومی)، ۱۱۲	لبیس فرسن، ۲۴۳	لوطوس اَغْرِیوس، ۱۲۶، ۱۵۰
کثا، ۱۰۲	کنخرن (رومی)، ۱۰۰	لشوهیرمرطیس (رومی)، ۲۲۲	لوطوس سکرار (لاتینی)، ۱۲۵
کذونی (رومی)، ۱۷۲	کنخروس، ۱۰۰، ۱۵۰	لَنخیرواله (لاتینی)، ۲۱۹	لوغس، ۴۱
کراسیا (رومی)، ۲۳۴	کنطینوس، ۱۰۴	لخنس، ۱۳۲، ۱۴۰	لوغیوس (رومی)، ۴۱
کرتویس (فرنگی)، ۱۵۵	کنکریس (رومی)، ۱۱۴	لَخْنس، ۲۶۸	لوفطیون، ۲۶۰
کَرْدَمانا، ۲۳۵	کوامس (رومی)، ۷۳	لُخنس اغریا، ۲۶۸	لوفقطوش، ۱۳۹
کردموم (فرنگی)، ۲۳۲	کوپرکیسو (لاتینی)، ۲۵۲	لُخنس الاکلیله، ۲۶۸	لوفو سقردین، ۹۸
کرزش (رومی)، ۱۰۳	کوکرس اندیکریس (فرنگی)، ۲۸۷	لخنس اغریا، ۲۶۸	لوفینیقی (رومی)، ۷۱
کرکسن (رومی)، ۱۰۷	کوکوابرس (فرنگی)، ۲۳۴	لخنس، ۱۶۸، ۳۰۱	لوفیون، ۱۲۰، ۲۶۱
کرمینون، ۲۶۲	کومینون، ۲۶۲	لدان (فرنگی)، ۲۶۵	لوقا، ۱۲۷
کرویای (لاتینی)، ۲۵۶	کونکلوس (فرنگی)، ۲۷۳	لژموش (رومی)، ۱۹۵	لوقاس، ۱۳۳، ۲۶۸
کست (فرنگی)، ۲۳۹	کیبارس، ۱۷۱	لسورسطس، ۱۳۶	لوقاقانسی (رومی)، ۷۱
کسفیون، ۱۴۴	کَیْخُرس، ۱۰۰	لطوس، ۲۸۶	لوقاین، ۱۴۰
کسنین (رومی)، ۱۱۹	کیدونی، ۲۶۱	لُقس، ۴۱	لوقبسوس، ۳۷
کُسیفیون، ۱۴۶	کیرانس (رومی)، ۷۳	لفیدیون، ۱۹۳	لُوقَبسون، ۳۸
کُسیفیون، ۱۸۱	کیطروناکوس (رومی)، ۲۳۴	لکونس (لاتینی)، ۲۶۵	لوقیقشی (رومی)، ۷۱
کسیفیون، ۲۵۷	کیکرا (رومی)، ۲۰۵	لَنجرویلَه، ۲۷۱	لوقیمو بذاس، ۱۵۵
کسیثیون، ۱۳۳	کیلادونیا، ۲۷۶	لَنجِیْطُس، ۲۷۱	لوقیون، ۱۲۰، ۲۳۱، ۲۷۱
کشمورین (رومی)، ۲۵۸	کَینکِیْط (فاس)، ۸۸	لُنجِیْطُس، ۱۲۰، ۲۷۱	لوقیون، ۱۲۰
کشوئا، ۲۵۸	گلوسطقا (رومی)، ۱۹۶	لَنخِیْطُس، ۱۳۲	لوقیون (رومی)، ۱۲۰
کشور (رومی)، ۱۰۳	گلیسریرزه (فرنگی)، ۱۸۰	لَنخِیْطُس آخر، ۱۵۷	لوقیبیان، ۱۴۰
کطباس (لاتینی)، ۱۸۹	لاباثون، ۱۲۲	لنخیطس آخر، ۲۷۱	لوکرون، ۱۴۰
کفیشون، ۷۲	لائتوریدس (رومی)، ۱۰۴	لوبادون (رومی)، ۱۹۳	لوماین، ۲۰۵
کلتیا (رومی)، ۲۴۶	لائوس (رومی)، ۱۳۶	لوخنس اغریا، ۶۶	لوپسطیقون (رومی)، ۲۴۸
کلدونیا، ۲۷۶	لاحاس، ۵۵	لورقی، ۲۹۰	لیباطیش، ۵۹
کلیلوپتین (رومی)، ۲۹۷	لادن، ۲۷۳	لورونیا، ۲۷۴	لیانس، ۲۶۶، ۲۷۴
کمایونیون، ۱۰۵	لاذینون، ۲۶۵	لوره (لاتینی)، ۱۴۹	لیانو، ۲۷۴
کمداریوس، ۸۶، ۸۰، ۱۶۰، ۲۶۰	لاذیون (رومی)، ۲۶۵	لوسوس، ۲۸۶	لیانوطس، ۲۷۴
کمداریون، ۱۱۳، ۲۶۰	لاغرین، ۲۶۵	لوسیماخاس، ۱۶۸	لیانوفیلِس، ۲۶۶

لییدیون، ۱۹۳	مالابثرون، ۱۶۶	مرفوران، ۲۰۹	ملح، ۲۴۲
لینوطس، ۱۸۶	مالاثرون، ۱۶۶	مرقیره، ۱۸۷	ملحتفن، ۱۷۹
لییدیون (رومی)، ۱۹۳	مالایترون، ۱۶۶	مرور (فاس)، ۲۲۴	ملطیرغون (رومی)، ۲۶۹
لیبیدیون، ۱۱۵	مالثرون (رومی)، ۱۵۲	مروس (رومی)، ۲۵۲	ملوخی، ۱۲۹، ۲۸۴
لیثسفرژن، ۲۴۳	مالسوفلن، ۷۱	مروسیا (رومی)، ۴۴	ملوخیا، ۱۲۹
لیثورسطس، ۱۲۱	مالیا، ۱۶۰، ۱۶۳	مروسیون، ۲۳۲	ملونیا، ۸۱
لیخون (رومی)، ۱۹۴	مالیا، ۲۷۸	مروش، ۳۴	ملیخ، ۲۴۲
لیرون، ۲۷۴	مالییدیون، ۱۳۰	مروش آقطی، ۳۴	ملیسون، ۲۴۶
لیژوئن، ۱۸۱	مالیسوفلن، ۷۱	مرویه بنتوشه (لاتینی)، ۸۷	متی، ۱۱۳
لیطفورس (رومی)، ۳۵	مالیسوفلن، ۲۸۰	۱۷۹	متی، ۲۹۰
لیفستیقون ساسالی، ۲۴۸	مالیپا (لاتینی)، ۲۸۰	مرویه بنتوشه (لاتینی)، ۲۲۴	مندبونه، ۲۸۰
لیفطیغون، ۲۴۸	مالیطانا، ۷۱	مرویه یلبوسه (لاتینی)، ۸۷	مندراغوس، ۲۷۰
لیقسطیقون، ۲۴۸	مالیلوطس، ۵۹	مریافلن، ۱۱۰، ۲۸۰	منسانیا، ۹۴
لیمون، ۲۴۲	مالیلوطوس، ۵۹	مزیافلن، ۱۱۷	مظیذایون، ۳۶
لیمونیون، ۲۷۴	مالیشیون، ۱۹۲	مریافلن، ۱۵۱	منقوسون، ۱۹۱
لیمونیه ماله (فرنگی)، ۴۰	مالیون، ۵۱	مریافلون، ۲۸۰	مئیکو (سواحل زنج)، ۳۳
لیئس بزمون، ۲۵۱	مانته، ۱۱۳	مریافلون آخر، ۲۸۰	مؤ، ۹۳
لیئس فرمون، ۲۵۱	مانته (لاتینی)، ۱۸۲	مریق، ۱۷۰	مو، ۲۸۷
لیئش، ۲۷۷	ماوش اوطا، ۳۴	مربوت (فاس)، ۲۲۴	مؤزا، ۹۵
لینوزسطس، ۱۳۶	ماه فرین (مغرب)، ۱۰۱	مرویه، ۲۸۰	مورسقی، ۲۰۲
لینوزسطیس، ۱۲۱	ماه فروین (مغرب)، ۱۰۱	مسقینون (رومی)، ۴۱	موریکا، ۲۰۲
ماثرون (رومی)، ۱۵۲	مبدکه ماله (فرنگی)، ۴۰	مسئاله (لاتینی)، ۶۴	موریکا (رومی)، ۲۰۲
مادروپتیم (لاتینی)، ۲۲۴	مثنی، ۲۹۰	مشیلین، ۱۶۲	موریقی، ۲۰۲
ماذریوس، ۲۶۰	مدرة البه (فرنگی)، ۲۶۶	مضطیه (لاتینی)، ۲۴۳	موس اوطا، ۳۴
مارثون، ۱۵۲، ۷۸	مراس، ۹۷	مشکطرامشیع زور، ۲۸۱	موسولون، ۱۴۱
مارثون، ۱۵۳	مژته (لاتینی)، ۳۶	مشی، ۲۹۰	موقوطس، ۲۲۶
مارثون آغریون، ۱۵۳	مژنان (لاتینی)، ۳۶	مصطخای، ۲۸۲	موقولن، ۳۰۰
مارسیسقاء، ۳۹	مژزجون (لاتینی)، ۲۱۰	مصطخی (رومی)، ۲۸۲	موقیطس، ۲۲۶
مارسیقا، ۳۹	مرسایمارس، ۳۵، ۳۱	مطرقال، ۲۸۲	موکوطیس (رومی)، ۲۲۶
مارن، ۱۱۳	مرسلیطس، ۳۰۰	مطرونیه (لاتینی)، ۲۳۱	مولی، ۴۸، ۱۱۶
مارون، ۲۷۹	مرسین (رومی)، ۳۵، ۳۱	مطرونیه (لاتینی)، ۲۴۲	مولی اخر، ۸۵
مارون، ۲۷۹	مرسیا اغریا، ۳۶	مقارجه (لاتینی - اندلس)، ۷۰	مولیقنلس، ۹۸
ماریقون، ۱۹۱	مرسیسا اغریا، ۳۶	مقدونس، ۲۰۲	موزس، ۲۸۶
ماریون، ۲۸۰	مرسینا اغریا، ۳۶	مقیفرون، ۲۶۰	مهیلیون، ۲۴۹
ماطرشالبه (لاتینی)، ۷۵	مرسیئس ایمازس، ۳۶	مکیدش (فاس)، ۵۹	میثون، ۲۸۵
ماطوفیون، ۲۴۶	مرسینس ایماروس، ۳۱، ۳۶	مکینسه (لاتینی)، ۲۴۶	میدیقامیلا، ۴۰
ماقر، ۱۹۹	۳۶	ملاجه اقوانته، ۱۴۳	میدیقی، ۱۵۶
مالابژن، ۱۶۷	مرسینی (رومی)، ۳۵، ۳۱		میدیقی، ۲۹۱

میدیکی (رومی)، ۱۵۶	ناردین جبلی، ۲۸۸	وافلایا (رومی)، ۶۵	هیوفاریقون، ۳۴، ۶۹، ۸۶
میروقوقین (رومی)، ۱۹۲	ناردین ناروس (فرنگی)، ۱۷۸	وانیموروسقلمیوس، ۲۱۸	۲۸۵، ۲۹۸
میزیقیآ، ۳۹	نارطیطس، ۵۹	ودیفرونس، ۲۴۵	هیوفاطاریقون، ۵۴
میشکجان، ۳۷	نارود (لاتینی)، ۱۷۷	وُذَن، ۲۶۰	هیوفسیطیوس (رومی)، ۲۷۹
میغالا فالون، ۲۴۹	ناطس، ۲۱۳	ورسالیون، ۲۵۳	هیوفقسطیداس، ۲۶۷
میغن افروُدس، ۱۰۰	ناغیطارس طوماغا، ۶۵	وسبطون (رومی)، ۱۶۵	هیوفقسطیداس، ۲۶۵
میغن، ۱۳۴	ناغیونس (رومی)، ۲۵۳	وسریلم (لاتینی)، ۱۸۲	هیومافطون (رومی)، ۲۲۴
میغن افروُدس، ۱۳۵	نافوس (رومی)، ۱۰۳	وسندی کیه (رومی)، ۲۸۲	یابزوسیون (رومی)، ۳۹
میغن رُواس، ۱۳۴	نَجیر (لاتینی)، ۹۹	وقفقص، ۱۸۳	یشون (رومی)، ۹۳
میغن افروُدس، ۱۳۵	نَجیل (لاتینی)، ۹۹	ونیریون (رومی)، ۸۰	یَذَقَه (لاتینی)، ۱۳۸
میغن رُواس، ۲۸۵	نحوفس، ۴۳	ویطس (لاتینی)، ۴۱	یَذَقَه (اندلس)، ۱۳۸
میلاآس، ۹۴	نَرثُقُس، ۲۴۴	هالینوطس، ۵۹	یرالجم (لاتینی)، ۲۶۸
میلا (رومی)، ۹۴	نَرثُقُس، ۲۴۵	هیمیلیون، ۹۴	یَزَبْطوره (لاتینی)، ۷۴
میلانثیاون، ۱۹۲	نَرثُقُس، ۲۵۹	هذوغورون، ۱۴۳	یربطوره (لاتینی)، ۳۰۰
میلانثیون، ۷۰	نرجسینوس (لاتینی)، ۸۰	هری سمن، ۹۶	یَزَبْطوره (لاتینی)، ۲۰۴
میلقص طراخیا، ۲۲۶	نردین، ۱۶۶	هللیسفاقوس، ۵۹	یَزَبْه آسلی (لاتینی)، ۱۰۳
میلقص لیا، ۲۸۷	نرسیس، ۸۰	هلیقون (رومی)، ۶۸	یَزَبْه بذلیره، ۲۰۵
مین، ۲۸۷	نرکسوس، ۸۰	هلیله کایم (لاتینی)، ۲۴۹	یَزَبْه دی فوقه، ۱۵۹
مینزارما، ۲۹۰	نرکسوس، ۸۰	هَلْیون (رومی)، ۲۹۷	یَزَبْه شانه (رومی)، ۳۰۰
میورسینه، ۲۰۲	نسطوس، ۲۴۰	هوارغون (رومی)، ۵۰	یَزَبْه (شَد)یره (لاتینی)، ۹۵
میون، ۲۸۷	نسلیون، ۷۸	هودیا (رومی)، ۲۶۰	یَزَبْه قَرَجِیْره (اندلس)، ۲۹۸
نابطه، ۲۷۵	نشانسه (لاتینی)، ۵۶	هوذاسمون (رومی)، ۲۹۰	یَزَبْه نَقِیْشه (لاتینی)، ۱۲۱
نابطه (اندلس)، ۱۹۸	نُشْقُقُن، ۸۹	هوسفون (رومی)، ۱۶۵	یَزَبْه دی فَوِیْقَه، ۲۰۵
نابلس، ۲۹۵	نو، ۲۶۸	هوفاریقون، ۶۹، ۱۴۱	یطاس، ۱۳۶
نابیارش، ۱۸۹	نَوارِس، ۲۹۱	۱۵۸، ۱۶۰	ینبر (اندلس)، ۷۲
نَادس سَنفاریطیقی، ۱۷۷	نور مطلبه (فرنگی)، ۱۰۸	هوفسطیداس، ۲۶۷	یتون، ۱۶۷
نارتکس، ۲۴۵	نوقاقیس، ۲۲۳	هوف طیداس، ۲۶۷	یُنْکَه (لاتینی)، ۲۰۹
نارَدس، ۱۷۷	نونیا، ۱۸۹	هوفیلوس، ۳۸، ۱۳۴	
ناردس اقلیطیقی، ۱۷۸	نونیناس، ۱۸۹	هوفیوسقردن، ۹۸	
ناردوایتالیون (لاتینی)، ۱۷۷	نیریون، ۱۴۵	هیده نیگره (فرنگی)، ۲۶۶	
ناردوس بری، ۲۲۸	نیفاطوس، ۲۹۲	هیری، ۱۴۰	
ناردین اقلیطی، ۱۷۷، ۱۷۸	نیقولوس، ۹۶، ۱۸۲	هیری ارشق، ۱۴۰	
۲۸۸	نیلی (لاتینی)، ۱۹۲	هیغیرس (رومی)، ۲۶۴	
ناردین آغریا، ۲۸۸	نیمفا، ۲۹۲	هیلاپسقون، ۱۵۶	
ناردین اقلیطی، ۲۸۸	نیمفاآ، ۲۹۲	هیلائنیون، ۱۵۳	
ناردین اُورنی، ۱۷۷	نیمقا، ۲۹۲	هیوسقاموس (رومی)، ۸۸	
ناردین اُوری، ۲۸۸	وابنیتون، ۱۸۴	هیوفارقون، ۱۹۵	



## ۴ - نام‌های هندی، سندی و بنگالی

آت جو، ۱۷۳	امل بیل، ۵۵، ۲۵۸	بجوڑه، ۴۰	بنک آسرا، ۳۱، ۳۵
آک، ۱۷۳، ۲۰۹	اَمَل کجانی، ۶۲	بچه، ۲۹۳	بنیاله، ۸۹
ابر سناروا، ۱۰۷	املناس، ۱۴۰	بڈآة، ۲۶۰	بوئی، ۹۰
ابنی هلدی، ۱۴۲	اَناس، ۶۷	براهمی، ۱۶۱	بول، ۲۷۷
اَنگَن، ۶۵	انبل، ۲۲۵	برنبهی، ۱۶۱	بول (بنگالی)، ۹۰
اجاجی، ۲۶۲	انبلی، ۹۵	برواه، ۲۰۲	بولسری، ۹۰
اجواین، ۲۸۹	انبه، ۶۳	برهتا، ۷۸	بولو، ۱۹۵
اجواین خراسانی، ۸۸	اندراین کاپهل، ۱۲۶	برهمی، ۱۶۱	بهانتانا، ۷۲
اجود، ۲۵۳	اندرجو، ۲۶۹	بزیاله، ۷۸	بهتکتیه، ۱۱۴
اخروی، ۱۰۶	اندرجو (سندی)، ۲۶۹	بریجا، ۷۲	بهرینه، ۱۲۶
اذرک، ۱۶۴	انروله، ۱۲۲	بری مائی، ۲۰۲	بهرتا، ۷۲
ادهیره، ۳۵، ۳۱	انزروت، ۶۶	بڑ، ۷۵	بهرمان، ۲۱۰
ارو، ۱۳۹	اَنکول، ۶۷	بسکپهره، ۱۲۵	بهطل کطی، ۲۹۸
اروی، ۲۴۳	انوله، ۶۲	بسوره، ۱۶۹	بهکتائی، ۷۲
ارهرتور، ۱۸۳	اوکله، ۲۴۱	بشررسون، ۱۸۰	بهلاوه، ۸۵
ازنید، ۱۳۳	اونت کتاره، ۵۰	بصلا (سندی)، ۸۰	بهنگ، ۲۴۵
آزوسه، ۴۶	اونت کتاره، ۱۸۹	بکام، ۳۵، ۳۱	بهنکره، ۹۱
اسپغل، ۷۸	آوهیر، ۳۹	بکاین، ۱۱۱، ۳۹	بُهوئی انوله، ۹۲
اشکنده، ۴۹	اوهریر، ۳۹	بکَنَر، ۱۴۰	بهولسری، ۹۰
اصطُرک، ۵۳	اهالوا، ۱۱۵	بُکچی، ۸۵	بهیره، ۸۷
اَطْمَط، ۵۴	اَطْمَط، ۵۴	بکَم، ۸۵	بیارانکا، ۹۲
اَطْموط، ۵۴	اُعرابی، ۸۰	بُکَن، ۸۵	بیل، ۹۲
اکاس بیل، ۲۵۸	بابچی، ۸۵	بُکهرینده، ۸۵	بیت، ۱۴۰
اکر، ۲۱۶	بابری، ۷۱	بلاذر، ۶۷	بیر، ۱۶۸، ۲۲۲، ۲۴۹
اکر کره، ۲۰۵	باتو، ۱۷۰	بلاس، ۸۵	بیره، ۲۶۲
اکری (بنگالی)، ۲۰۷	باجرا، ۱۰۰	بلاس بابره، ۸۵	بیش، ۹۲
اکسیر، ۵۲	باگر، ۷۳	بلول، ۸۷	بیکن، ۷۲
اکول، ۶۷	بال چهر، ۱۷۷	بمولتان اهری، ۱۳۰	بیل، ۹۲
اکون، ۲۰۹	بالسه، ۷۳	بن پوتکه، ۲۴۹	پالک، ۴۸، ۲۴۱
اگر، ۲۱۶	بالک جوہی، ۷۳	بن چهتکی، ۸۹	پاندروت (سندی)، ۱۴۶
السی، ۲۵۰	بانس، ۲۴۰	بَنْدَا، ۸۸	پاندورت، ۱۴۶
السی کابیچ، ۲۵۱	بانسه، ۴۶	بندا، ۱۳۱	پت پایره، ۱۸۳
الوا، ۱۹۵	بانکریزی کلوف، ۲۳۸	بَنْدال، ۸۸	پترو تیزپاپ، ۱۶۶
امرتیه، ۲۵۸	بَیْپه، ۷۴	بَنسِیکِی، ۸۹	پتوهری (بنگالی)، ۹۳
آمژه، ۶۲	بتال مکھانه، ۲۸۴	بنس روجن، ۱۹۹	پدیهر، ۲۲۶
اَمَل بید، ۶۲	بترج، ۱۶۱	بنس لوجن، ۱۹۹	پری، ۱۶۱

پرنک، ۵۹	ترمرا، ۱۰۲	جورانکلی، ۵۳	چیپال، ۱۴۷
پل پرنک، ۵۶	تسوت، ۹۳	جوراواراج ناکهه، ۲۷۲	چیپژک، ۱۹۳
پنکهرج (بنگالی)، ۱۶۹	تکر، ۴۶	جوهی، ۲۰۵	چیر، ۱۴۹
پنواز، ۱۰۴	تل، ۱۷۶	جهار، ۲۰۲	حادثج (سندی)، ۲۳۸
پوست، ۱۳۴	تلسی، ۱۸۴	جهاز قرچه (بنگالی)، ۱۱۳	حبارهای، ۷۹
پوندا، ۲۴۱	تَمِر، ۲۹۶	جهاو، ۴۰	حماض املی، ۱۲۲
پهته، ۷۵	تنبل، ۹۳	جیپالگوت، ۲۷۶	حوان (سندی)، ۲۸۹
پهیلی، ۲۵۷	تنبول، ۹۳	جیروا (سندی)، ۲۶۲	خپه، ۱۲۴
پهین چهر، ۲۲۶	تورنی، ۹۶	جَینت، ۱۰۹	خروک، ۸۱
پیپل، ۱۴۲	توشیر، ۱۹۹	چاکسو، ۹۴	خَس، ۱۳۳
پیپلا مور، ۲۲۸	توله بانس، ۱۹۹	چاخرکهاس، ۱۰۰	خُلُجان، ۱۳۷
پیپلامول بلام، ۲۲۸	تونبری، ۲۳۷	چاندریل، ۲۱۰	خُلجی، ۱۳۷
پی پل مول، ۲۲۸	تونیا (هندی و سندی)، ۱۶۱	چاندلی بیل، ۲۶۶	خوب کلان، ۱۲۹
پیپلی، ۱۴۲	ته توره، ۱۰۹	چاول، ۴۴	خولنجان، ۱۰۶
پیتهه، ۲۳۷	تَهکار، ۹۶	چاولانی، ۸۴	خیار چنبر، ۱۴۰
پیزا، ۷۵	تهور، ۱۶۳	چاؤل مُنکر، ۱۰۱	دارم، ۱۵۷
پیل، ۴۳	تیسسی، ۲۵۱	چتره، ۱۹۳	دارمون، ۱۵۷
پیلو و جال، ۴۳	تیونی، ۲۹۰	چرایتا، ۲۴۰	داک، ۲۱۴
تار، ۹۲	ثالاسفیس، ۱۱۵	چرایته، ۲۴۰	داکهه جهاز، ۲۵۵
تاک پترویداره، ۹۳	ثوب مُبهرَم، ۲۱۰	چرکانا، ۱۲۲	دالان بزرگ، ۱۵۲
نال مَکهارا، ۹۳	جادوبوی، ۱۰۷	چِرُونجی، ۱۰۳	دانج ابروج، ۱۴۲
نال مکهانانبول، ۹۳	جادیفیل، ۱۰۷	چریره، ۵۲	دانه، ۲۰۶
تالیس، ۱۶۱	جاکله، ۹۴	چَکَوَتره، ۱۰۴	داونه مروا، ۲۰۶
تالیسپتر، ۱۶۱	جالکری، ۲۲۸	چَکوند، ۱۰۴	دند هندی، ۲۷۶
تامول، ۹۳	جاماها (سند)، ۶۲	چَکَکی، ۱۰۴	دوئی، ۲۴۲
تانبول، ۹۳	جام بَهَل، ۱۰۰	چنیلی، ۲۹۹	دودهالی، ۱۸۸
تاوه، ۱۰۴	جامون، ۱۰۰	چند سر، ۱۰۲	دَهار (سندی)، ۴۷
تباکیر، ۱۹۹	جاهی، ۲۰۵	چند سور، ۱۰۲	دهتوره، ۱۰۹
تبهو، ۲۴۱	جای بل، ۱۰۷	چندن، ۱۹۶	دهماسا، ۱۴۸
تنل، ۱۷۵	جای پهل، ۱۰۷	چَنیا، ۱۰۶	دهنیه، ۲۵۷
تتلی (بنگالی)، ۱۶۷	جزیری، ۸۰	چَولانی، ۱۰۹	دهونه، ۲۴۷
تیج، ۱۷۴، ۲۳۸	جل نیل، ۲۵۰	چونلانی، ۸۴	دیسندس، ۲۳۷
تخم پنوار، ۱۷۹	جناماسی، ۱۷۷	چوهه کنی، ۳۴	دیله، ۱۲۲
تخم چکوند، ۱۷۹	جنجر، ۶۶	چهارا، ۹۴	دیودار، ۳۹
تریج، ۹۳	جنکی چنیلی، ۲۰۵	چهال کری، ۲۲۸	ذره، ۱۰۰
تربوز، ۸۲	جنیه، ۱۴۹	چهریخای ها، ۲۲۶	رائی، ۱۳۰
تُربیزه، ۱۳۰	جوار، ۱۴۹، ۱۳۹، ۱۰۰	چهریله، ۵۲	راجپونکه، ۲۴۹
ترله بانس، ۲۴۰	جواسا، ۷۱، ۱۱۰	چهوتی مائین، ۴۰	راج کیری، ۲۱۰

فالنجی، ۱۹۲	سیب‌زوا (سندی)، ۲۷۰	سَرهَنجی، ۱۷۰	رال، ۱۷۸، ۲۴۷
قالیر، ۱۹۲	سیج، ۱۶۳	سریس (سندی)، ۱۳۷	رام‌تلسی، ۲۲۵
قرین مو، ۲۲۸	سیخ، ۵۲	سفری (بنگالی)، ۱۰۰	رای، ۱۳۰
قشوقی (سندی)، ۲۰۹	سیر آمُلج، ۶۲	سَنگوه، ۱۷۳	رای‌بیل، ۱۵۴
فطوس، ۳۵، ۳۱	سیسنبر (سندی)، ۱۸۲	سک هنو، ۱۷۳	رتن جوت، ۴۰
قَمینَحَه، ۲۴۴	سیلا (بنگالی)، ۲۹۲	سلارس، ۲۸۶	رجله، ۸۳
قنوبر (سند)، ۱۴۵	سینبل، ۱۸۲	سلغارها (سندی)، ۸۲	رُذوَنَتی، ۱۵۵
قواد (سندی)، ۲۱۴	سیندنی (بنگالی)، ۱۴۴	سلهارس، ۲۸۶	رس، ۲۰۹
قوال سریسی (سندی)، ۲۰۹	سپهنده، ۱۶۳	سِلْهَس، ۲۸۶	رسوت، ۱۲۰
قوتری، ۲۵۰	شارف، ۱۸۳	سیلَهه، ۲۸۶	رند (سندی)، ۲۱۸
قولوط، ۱۲۰	شتاور، ۵۶	سنبهالو، ۴۱	رنیکا، ۴۱
قویابصل (سندی)، ۴۹	شدوار (سندی)، ۸۹	سندِه، ۱۶۴	روس، ۴۳
قیرع، ۲۳۷	شَریفه، ۱۸۷	سندھی، ۱۶۴	رونا، ۲۷۹
کابیج، ۲۳۶	شسمیرون، ۲۹۶	سَنکاهولی، ۲۶۸	رونق الملک، ۵۹
کاپنهل، ۱۴۱	شکرداری، ۲۱۵	سَنکپره، ۸۸	ریتهه، ۸۸
کاجر، ۱۰۳	ثُل، ۱۸۹	سِنکهارا، ۱۷۹	زیرکی، ۱۱۳
کاس‌بیل، ۵۵	شلها (سندی)، ۵۳	سَنکهاوت، ۱۴۴	زیره، ۲۶۲
کاکرا سینکی، ۲۴۹	شمشیر، ۲۹۶	سَنکهاورت، ۱۴۴	سایشک (سندی)، ۲۷۰
کاک ماجهی، ۲۱۴	شَمیثا، ۴۱	سِنکپها، ۱۷۹	ساتر، ۱۹۵
کاکول، ۱۸۸	شنکر (سندی)، ۲۱۸	سوا، ۱۸۴	ساتری، ۱۶۷
کالا کوت، ۲۴۹	شو خدانه، ۲۰۷	سوالی، ۱۸۸	ساج، ۱۶۶
کال چنگی، ۳۶	شوقشمیر، ۲۹۶	سوب، ۱۵۲	ساجی، ۲۴۴
کال ماجهی (بنگالی)، ۲۱۴	طالیسفر، ۱۹۹	سوتن (سندی)، ۵۹	سانول، ۱۶۷
کالنجی، ۱۹۲	طالج، ۲۳۸	سورج الملک، ۵۹	سپاری، ۲۳۰
کالو، ۲۴۴	طوذریک، ۹۶	سورج مکھی، ۳۴	سپنی، ۱۶۱
کالی جهانپ، ۷۶	عسپوس، ۱۴۰	سورنجان، ۵۶، ۸۰، ۲۱۲	ستالی، ۱۸۸
کالی زیری، ۲۴۹	عشق پیچان، ۲۶۶	۲۷۰	ستاور، ۱۸۸
کانده، ۲۴۱	عصای موسی، ۲۱۰	سورنجان، ۱۷۹	سیج، ۱۸۷
کای پهل، ۱۴۱	عنبا، ۲۱۴	سورنجان، ۱۸۰	سجی، ۲۴۴
کایده، ۴۹	غنفس الجاری، ۱۷۷	سوریا، ۴۳	سَرُپهونگَه، ۱۷۱
کباب چینی، ۲۴۹	غنغیطس اشقاقا، ۱۷۷	سونهه، ۱۶۴	سیرس، ۱۶۹
کبتهی بخفای، ۲۲۶	فانتھاری (سندی)، ۸۴	سُوندهی، ۴۳	سَرساد، ۴۱
کبیت، ۲۶۴	فاها، ۱۰۶	سوندھی، ۴۳	سرس (سندی)، ۱۳۷
کپاس، ۲۴۲	فرسک، ۱۳۹	سُونف، ۱۵۲	سرسون، ۱۱۵
کپاس کاپهول، ۲۴۲	فَطُسا، ۳۵، ۳۱	سوهنجه، ۲۲۷	سرکنده، ۲۴۰
کپور، ۲۴۸	فلانج (سندی)، ۵۷	سوی، ۱۵۲، ۱۸۴	سَرُنجی، ۱۷۰
کپور، ۲۶۴	فَلوسَه کُد، ۱۴۰	سَهَنجَه، ۱۸۱	سروالی، ۷۶
		سیاک لاتی، ۱۴۰	سروق (سندی)، ۶۷

کت، ۲۳۹	کسرافى، ۴۹	کندهیس، ۴۳	کیرکاکول، ۱۸۸
کتیکن، ۱۱۴	کسم‌کاپهول، ۴۲	کنکنی، ۱۰۰، ۱۴۳	کیسر، ۱۶۳
کتیل (بنگالی)، ۲۶۴	کُسنَب، ۲۱۰	کنکون، ۱۶۳	کیکر، ۲۳۷
کت‌پایره، ۱۸۳	کسونجی، ۲۵۷	کَنکَهی، ۲۶۳	کیکرکارس، ۲۳۷
کُترِیلا، ۴۳	کُسنُندی، ۲۵۷	کنکهی، ۲۸۱	کیکروییول، ۶۲
کتکی، ۱۳۰	کُسیرو، ۲۵۷	کنکپه، ۲۶۳	کیل دارو، ۱۶۹
کتهاجوری، ۲۵۹	کشول، ۴۳	کنوچه، ۲۸۰	کیله، ۲۸۵
کتهل (بنگالی)، ۱۰۴	کفرجک، ۲۹۳	کنه، ۲۴۱	کین، ۱۴۵
کتفه، ۲۳۹	کُکُرو، ۲۵۹	کنیر، ۱۴۵	کینار، ۱۴۰
کتیرا، ۲۵۱	کُکُرونده، ۲۵۹	کُوار، ۱۹۵	کُئیتی (بنگالی)، ۲۶۴
کج، ۲۹۳	ککرونده، ۲۶۱	کوالهریها، ۱۷۶	کیوار، ۲۴۸
کجور، ۱۶۱	ککروهن، ۲۴۱	کوبرا، ۲۲۷	کیهر، ۲۴۸
کجی، ۸۷	ککری، ۲۳۳	کوبل، ۲۳۰	کَیه (سندی)، ۲۸۲
کجری، ۱۴۴	ککن دهل، ۲۲۶	کوتهمیر، ۲۵۷	کیهون، ۱۲۶
کجری تلخ، ۲۳۳	کلاجن، ۱۳۹	کورى، ۲۹۳	گاورس، ۱۰۰
کجله، ۴۲	کلته، ۱۱۲	کُویل، ۲۸۳	گل انول، ۱۸۲
کُچُنا، ۲۵۲	کلتهه، ۱۱۲	کوکنى، ۷۹	گل رای‌بیل، ۱۵۲
کچو (بنگالی)، ۲۴۳	کُئیهی، ۱۱۲	کوکولاولتا، ۲۳۲	گل کیوره، ۲۴۸
کچور، ۱۶۱	کِلز، ۲۵۹	کوکهر، ۱۱۸	گندنا، ۲۵۲
کچوله، ۴۲	کلغه، ۱۲۲	کولان، ۴۹	لانی، ۶۶
کددی، ۴۹	کل کنول، ۲۶۰	کولر، ۱۰۵	لال ساک، ۲۱۰
کدو، ۲۳۷	کلمرچ، ۲۲۷	کوندل، ۷۵	لامی، ۲۶۶
کده پرته، ۱۲۵	کل مِهندی، ۲۵۹	کونده (بنگالی)، ۲۳۷	لایجی، ۲۳۲
کدیمه، ۲۳۷	کُزن، ۲۶۰	کُؤنله، ۲۶۴	لایحل مول (سندی)، ۱۷۹
کریخور، ۵۹	کلنکور (سند)، ۱۱۱	کوهن (بنگالی)، ۲۹۲	لُئبی، ۵۳
کرجاورنکوت، ۷۶	کلونجی، ۱۹۲	کُویت، ۲۶۴	لُجالو، ۲۶۷
کرماله، ۱۴۰	کِلوی، ۲۶۰	کُهرآ، ۲۳۴	لستوبری، ۲۵۰
کرمی، ۲۳۳	کله، ۶۶	کُهجور، ۸۷، ۹۴	لسوده، ۱۶۷
کرنا، ۲۸۹	کُلهار، ۲۶۰	کُهریج، ۲۵۳	لُک، ۲۷۰
کرنات، ۵۴	کلهازی، ۱۲۸	کُهرپا، ۲۵۳	لُک، ۲۷۰
کرنج، ۵۹	کُلیان کانه (بنگالی)، ۲۶۰	کُهرنی، ۲۶۴	لویا، ۲۷۱
کرواله، ۱۴۰	کلیجن، ۱۳۹	کُهنی، ۲۶۰	لونک، ۸۳، ۲۳۸
کروکسینه، ۲۳۶	کلی قیسوس، ۲۹۸	کهنکالی، ۷۹	لونکهل، ۲۳۸
کرونده، ۲۵۶	کندبتر، ۱۶۶	کهنکچی، ۲۱۷	لُونگ، ۲۳۸
کُروُنْدَه، ۲۵۶	کندبیل، ۴۳	کُهره، ۲۸۷	لونیا، ۸۳
کززع، ۳۷	کندل، ۱۷۳	کُهیوار، ۱۹۵	لونیه، ۸۳
کُزمین (بنگالی)، ۱۴۴	کندمار، ۲۴۷	کُهیونی، ۱۱۲	لهسن، ۹۸
کُستی (بنگالی)، ۲۱۴	کندنا، ۲۴۷	کینکی، ۲۴۸	لیان، ۱۹۸

مالِکَنکَنی، ۲۷۶	مهاکال، ۱۲۶	رَطه (سندی)، ۱۲۰
مامهستان، ۱۶۶	مَهَت، ۴۴	وقواق، ۲۹۵
ماهوی دانه، ۲۷۶	مَهَد، ۲۸۶	هاتورا، ۸۸
مت، ۱۷۱	مهلت، ۱۸۰	هازسَنگَهَار، ۲۹۶
متر، ۲۵۳	مهلتی (سندی)، ۱۸۰	هالم، ۱۰۲، ۱۱۵
متر کابلی، ۱۳۷	مهندی، ۱۲۵	هالوم، ۱۰۲
متن هنک فار، ۱۲۱	میتهی، ۱۲۱	هرورهره، ۶۸
مجتری، ۵۶	میلتی (سندی)، ۱۸۰	هَرزین، ۶۸
مجتهه، ۲۳۰	میمو، ۱۷۸	هست چنکهار، ۱۱۸
مدارا، ۲۰۹	مین بل، ۱۰۸	هفت، ۱۵۶
مدقوش، ۲۷۹	مین پهل، ۱۰۸	هلدی، ۲۰۸
مرج، ۲۲۷	ناذبود، ۱۵۹	هملو (سندی)، ۱۱۶
مرچ، ۲۲۷	نارغفف (سندی)، ۲۸۸	هنسیدی، ۵۳
مرچائی، ۱۱۳	نارغیث (سندی)، ۲۸۸	هنکفار، ۵۰
مروانا، ۲۷۹	نارغیست (سندی)، ۲۸۸	هویر، ۳۹
مَرزَمَدَهون، ۱۷۸	ناریل، ۲۸۷	هوزید، ۶۸
مریی، ۱۸۰	ناشیپاتی، ۲۶۱	هیگ، ۱۲۱
مَسور، ۲۰۷	ناغیست (سندی)، ۲۸۸	هیل، ۲۹۶
مسی، ۳۶	ناکرون، ۲۹۷	هین (سندی)، ۱۲۱
مشکک، ۱۷۱	ناکسیر، ۲۸۹	هینک، ۱۲۱
مکوی و مکوی، ۲۱۴	ناکفف، ۲۸۸	هینگ (سندی)، ۱۲۱
مَنکَهَارَه، ۲۸۴	ناککسیر، ۲۸۹	یکهان بید، ۱۰۶
ملهتی حیتهی مد، ۱۸۰	ناکمتر، ۲۸۸	
منبهل (سندی)، ۱۰۸	ناکیس، ۲۸۸	
مَنیت، ۲۳۰	ناکسیر، ۲۸۸	
مند، ۱۶۱	نالیر، ۲۸۷	
منظر، ۳۱، ۳۵	نایزه، ۹۳	
موتیه، ۱۵۴	نَتهی مائی، ۲۰۲	
مُؤسلی، ۲۸۶	نیرِسی، ۱۰۱	
موفه، ۱۷۱	نرنسبی، ۶۴	
موکره، ۱۵۴	نِکاچونی، ۲۹۱	
مُولِسَری، ۲۸۶	نکدبابوی، ۱۵۹	
مولسری (بنگالی)، ۹۰	نل، ۲۴۰	
مولی، ۲۲۳	نِم (سندی)، ۳۵	
مون، ۲۸۵	نَتهی مائین، ۴۰	
مونذی، ۲۸۶	نیلوپهل، ۲۹۲	
مونک، ۲۷۵	وائی، ۱۳۰	
مهار، ۱۷۶	وانسه، ۴۶	

## ۵ - نام‌های سریانی

آسا، ۳۱، ۳۵	املك، ۶۲	پلپلی، ۲۲۷	حمصلیثا، ۱۲۰
آسای، ۳۱، ۳۵	انبائتورا، ۶۵	تحلی، ۱۱۵	حمصی، ۱۲۴
ابروتا، ۱۹۳	اندراسیون، ۷۴	ترمسا، ۹۳	حمصی دبرا، ۱۲۴
اتبلیس، ۲۲۵	انزروتا، ۶۶	تریامان، ۵۴	حمصی لیتا، ۱۷۹
ادم، ۱۸۰	انقت الا، ۲۵۱	تمرا، ۹۴	حملایا، ۲۷۵
آذارقی، ۴۲	انکزانا اوکاما، ۶۵	تملمح، ۱۵۳	حموعیثا، ۱۲۲
اذوس، ۲۹۷	اوثرمسوا، ۹۳	توما، ۹۸	حوحانیثا، ۴۱
اراثموس، ۷۰	اوکا، ۷۱	تین، ۹۶	حوربخانا، ۱۳۰
ارزا، ۱۹۶	اوکامانا، ۲۲۷	ثومادیرا، ۹۸	حوکا، ۷۱
ارزمی، ۲۶۰	ایلیقس، ۱۲۶	جاسا آکاما، ۴۱	حولانا، ۷۶
ارزند، ۱۹۶	اکلیل الجیل، ۵۹	جذوار، ۱۴۴	حیائوا، ۲۶۴
ارعاحورا، ۴۱	ایلاقدیشا، ۴۱	جطرغ، ۱۹۳	خردلا، ۱۳۰
آزمال، ۴۵	بابلایانا، ۱۱۵	جغثاریحثانا، ۲۷۷	خریعا، ۲۳۶
ارمالی، ۴۵	بابلس، ۳۳	حاحی اکامی، ۴۱	خطری دغیا، ۲۱۰
ازروی، ۶۶	باقریق خنجر، ۲۱۰	حالوما، ۳۸، ۳۹، ۱۹۰	خُفت، ۱۶۷
ازمایلوس، ۸۸	بانورس، ۷۵	حبلیلی، ۲۶۶	خفجرومیثا، ۲۳۷
آسارون، ۴۶	بَرَبخینا، ۸۲	حُجثا، ۱۳۲	خمیری مرجا، ۲۴۹
اسخرون، ۹۶	برشبقا، ۱۰۷	حدبی، ۲۹۷	خمساطرفی، ۴۱
اسطرکاییشا، ۵۳	بروثا، ۳۹	حرمَل، ۸۵، ۱۱۶	خُشی، ۱۳۸
اسفلیغین، ۱۵۳	بَرورا، ۱۰۰	خُزَمَل، ۱۱۶	دبوقا، ۱۴۳
اسقال، ۴۹	بزوثا، ۳۹	حروبی، ۱۳۲	دتبلیغ، ۱۷۹
اسکیغیلای، ۲۴۶	بزوسیاء، ۳۹	حزا اوکامی، ۱۸۰	دُغتا، ۸۱
اسمرنا، ۲۷۸	بسباسا، ۱۱۶	حزازیشا دخیقا، ۱۰۷	دعتادشغاری، ۸۱
اصطفیلن، ۱۰۳	بستقی، ۲۲۵	حزوزی، ۹۴	دعتادقرطی، ۸۲
اصوفورون، ۲۷۱	بصلا، ۸۰	حشرما، ۲۹۰	دعثاقورینثا، ۱۲۱
اطروغا، ۳۹	بطباط، ۲۱۰	حصص، ۲۹۵	دعثالغنا، ۱۱۴
اطروکا، ۳۹	بَطباط، ۲۱۰	حطارا، ۲۵۲	دقتا، ۲۶۴
اغفت، ۵۴	بطما، ۸۱	حطری راعیا، ۲۱۰	دقنادعزی، ۲۶۷
افصی، ۲۱۱	بطمتا، ۸۱	حلاذقاصری، ۵۲	دهنون دوزی، ۲۵۰
اقتولوقایثادشتا، ۷۱	بلابس، ۸۵	حلبادشغفینون، ۱۷۳	دینار، ۲۵۸
اقونطیاون، ۱۳۰	بلوط ارعا، ۲۶۰	حلبانیثا، ۲۴۶	ذرعا، ۲۶۱
اکتر، ۹۶	بلوطاملکا، ۸۷	حلتیتا، ۱۲۱	ذفارا، ۱۰۰
آلتینیا، ۲۶۲	بلوطی صقلا، ۹۴	حلمثا، ۱۳۶	رُزّا، ۴۴
السری، ۲۶۴	بنات مریرا، ۱۲۶	حمرا دحزوری، ۹۴	رعاولیا، ۱۵۶
الفشرا، ۲۹۷	بوسینی، ۲۳۳	حمرما، ۲۶۴	رعنادملا، ۲۲۸
المیس، ۲۹۰	بوفاسفسوس، ۶۱	حمری مرکی، ۱۲۹	رعیادیلا، ۱۵۶

زَعْبَاذِيلَا، ۱۵۶	سَقَى رَغْلَا، ۷۹	صامریوما، ۹۵، ۱۱۲، ۱۵۱، فاشار، ۲۲۲
رَغْبَا، ۲۵۸	سَقِيلَا، ۴۹	فاشر، ۷۸
رَقْبَه، ۲۶۸	سَكْفِينَه، ۱۷۳	فاشر، ۱۵۴، ۲۹۷
رَقُوْثَا، ۲۹۰	سَكَى رَغْلَا، ۷۹	فاشَرَا، ۲۲۲
رُمَانَا، ۱۵۷	سَلْطَارَى، ۱۲۶	فاشِرِشْتِین، ۲۲۲
رمانادبرا، ۱۰۴	سَلْقَا، ۱۷۴	فاشِرِشْتِین، ۲۲۲
رمانامصرینا، ۱۰۴	سَمَاقِل، ۱۷۵	فاشرِشْتِین، ۲۲۲
رودیون، ۱۴۵	سُمَاقِل، ۱۷۵	فاشرِشْتِین، ۲۹۷
روزی، ۴۴	سمرنابیوطیقا، ۲۷۸	فاشرِشْتِین، ۹۰، ۲۲۲
رومانی دبرقویا، ۲۸۲	سَنَت ذَبِی، ۵۰	فرابیون، ۵۷
ریسنا، ۱۵۳	سَنگ بادکوکافیلون، ۴۱	فرما، ۲۹۸
زَرع آدم، ۱۱۲	سورمور، ۵۵	فستقی، ۱۱۱
زَرع بشاشا، ۱۱۶	سوسانی، ۱۸۰	فشا، ۵۷
زَرع بطراسلینون، ۲۲۷	سوسرخون، ۶۵	فشرا، ۲۵۸
زرعشامر، ۶۷	شَابَاهی، ۱۸۵	فشقل، ۱۵۳
زَرع شخرونیَا، ۸۸	شَبَطْبَاط، ۲۱۰	فَطْرِیَاثَا، ۲۲۶
زَرع کرفساد طورا، ۲۲۷	شَبَعَالْعین، ۲۶۹	فعالا، ۲۲۳
زَرَقُوْتَبَا، ۱۵۳	شَبُوْبَانَا، ۱۹۲	فقوشا، ۱۳۰
زَریات، ۱۳۲	شَرَرَفِیون، ۲۳۲	فلنلمنکا، ۲۲۵
زَریر، ۱۶۲	شَطْبَانی فلوعرین، ۲۱۰	فندقا، ۸۸
زَریرا، ۸۲، ۱۶۲	شَطْرکا، ۵۳	فوْثَا، ۲۳۰
زَنکَبیل، ۱۶۴	شَعِیْعَادِیْمَا، ۴۴	فوْغَلی، ۲۲۳
زوفارطیبا، ۱۶۵	شَغْدی مریری، ۲۷۱	فوْفَلَا، ۲۳۰
زوفایِشَا، ۱۶۵	شَکُوْثَا، ۲۵۸	فونیَاثَا، ۲۲۹
زوفرا، ۱۱۵	شَنَازِیْبَا، ۸۴	فَیْجَل، ۱۶۷
زیتارعا، ۲۷۵	شَنْبَلِیْذ، ۱۷۹	فیزیدجاغی، ۱۳۲
زیزوفی، ۲۱۳	شَنکوسَا، ۱۵۳	فیشوْثَا، ۳۳
سابا حورارا، ۷۱	شَوَاصِر، ۷۷	فیغنا، ۱۶۷
ساناحور، ۷۱	شَوَاصِرَا، ۱۹۰، ۲۸۱	فیلا، ۲۲۹
سَحِیْلَس، ۴۳	شَوَاصِرَا، ۱۹۰	قاروصیْثو، ۶۵
سَخَى رَغْلَا، ۷۹	شَوَاصِرَه، ۱۹۰	قبار، ۲۵۰
سروییا جیلا، ۲۰۸	شَوَشْمَا، ۲۳۲	قرا، ۲۳۷
سَطْرکا، ۱۷۱	شَوَشْمَانِیَا، ۲۹۶	قَرَا، ۲۳۷
سعدی، ۱۷۱	شَوَشِیْنَا، ۱۸۰	قردی، ۱۳۳
سَغَبِین، ۱۷۳	شِیْلُوم، ۱۷۴	قرشادوقاتا، ۱۲۶
سفاری، ۸۱	شِیْلُومَا، ۱۷۴	قَرَصَغَنَه، ۱۵۲
سفرکلا، ۱۷۲	صَاتِرِی، ۱۹۵	قَرَصَغَنَه، ۱۹۱، ۲۳۶
سفلولا، ۱۶۰	صَاوَه، ۲۷۳	قَرَصَغَنَه، ۲۲۹
		عینی ثورا، ۹۰
		عَصَارِمرارت برا، ۱۲۶
		عَصَیَه، ۱۸۵
		عَقَارادبشکرا، ۵۴
		عَقَارادشوشنا، ۷۰
		عَقَاراسوسابی، ۷۰
		عَقَاراعرطینِیَا، ۳۵
		عَقَارسوصیانی، ۷۰
		عَقَارشوشا، ۱۸۰
		عَکَارِشَا، ۱۵۳
		عَلْفُوط، ۸۰
		عَلْکَلْک، ۱۲۹
		عَلُوْا، ۱۹۵
		عَیْنِ ثُورَا، ۹۰

قرصعنه، ۲۵۲	کراثادبرا، ۲۵۲	گرگیری، ۱۰۲	نیروقل، ۲۹۲
قرطبی، ۱۱۸	کراعی قمصی، ۱۵۳	گنده انگزد، ۱۷۳	نیل فلفل، ۱۱۳
قرطف، ۲۴۱	کرانی، ۲۵۵	لحکا، ۲۶۹	نیلن، ۱۱۳
قرطمان، ۱۲۶	کراوی سریان، ۲۵۶	لحیه التیس، ۱۵۱	نیلی‌یسا، ۲۴۸
قرطم هندی، ۱۱۳	کرفسادطورا، ۲۵۳	لشانامرا، ۲۶۹	نینیا، ۲۸۹
قساریسما، ۲۴۰	کرفسادمیا، ۲۵۳	لشان ثورا، ۲۶۸	وردا، ۲۹۳
قشنا، ۲۳۹	کرفشا، ۲۵۳، ۲۶۱	لشان صفرا، ۲۶۹	وردادرماتا، ۱۰۴
قطبا، ۲۴۱	کرقشا، ۲۳۵	لوزدمریا، ۲۷۱	ورداد صیادی، ۱۴۶
قطبی حمرا، ۲۳۳	کرکاش، ۵۷	لوفاعسقی، ۲۳۰	وردادصیاری، ۲۹۴
قطفا، ۱۷۰	کرکرینا، ۱۲۵	لوکا، ۷۱	ورشا، ۲۹۵
قطیا، ۲۳۳	کرکم، ۱۶۳	لیانویون، ۲۶۳	وض، ۲۹۳
قفطا، ۲۴۱	کُرکُم، ۱۶۳، ۲۰۸، ۲۵۵	مامیران، ۲۷۶	وکوتی کرانیس، ۷۳
قلتا، ۱۱۲	کرکما، ۱۶۳	مرادکیار، ۲۷۷	ونا، ۲۵۸
قلفوج، ۱۵۳	کرکون، ۲۵۵	مرارت فیلا، ۱۲۰	هرقلو، ۳۹
قلفوط، ۸۰	کرکیش، ۵۷	مرافروط، ۲۷۸	هطاطی، ۲۱۷
قلقاسی، ۲۴۳	کرلنسابه، ۳۱، ۳۵	مُرَدایانج، ۳۶	هطی، ۲۱۷
قلومامش، ۴۶	کرنا، ۲۵۵	مرسلون، ۱۴۱	هلابوروس، ۱۳۰
قلیا، ۲۴۴	کرنب الماء، ۲۹۲	مریث، ۸۰	هلیلقی، ۶۸
قمحادرزی، ۱۹۹	کزیرنا، ۲۵۶	مشحادیرسا، ۱۸۰	هیزارنا، ۲۲۹
قنا، ۲۴۰	کسبرتا، ۲۵۷	مشحونا، ۱۷۹	هیقلوس، ۳۹
قنبیرا، ۲۴۵	کشنی، ۲۵۳، ۲۳۶	مشکطرامشیر، ۵۴، ۲۲۱	هیوازما، ۲۹۰
قندیز، ۲۹۵	کشوش، ۱۰۰	مشکطرامشیع، ۱۱۳، ۲۹۹	یبروحی، ۳۰۰
قواباوس، ۷۳	کَلنج، ۲۵۹	مقلا، ۲۸۳	یپلا، ۴۴
قوتری، ۲۵۰	کلیل ملکا، ۵۹	مقلیئا، ۱۱۵، ۲۸۴	یغمیصا، ۱۵۹
قورنیثادطوری، ۲۲۹	کمون، ۲۶۲	مقلیانا، ۱۱۵	
قوشنا، ۲۳۹	کمون، ۲۶۲	مقلیئا، ۱۱۵	
قومایس، ۶۷	کمونادبرا، ۲۶۲	ملافتون، ۱۲۶	
قیرف، ۲۸۳	کموناهندو، ۲۶۲	ملوخیا، ۲۸۴	
قیسادافورسما، ۸۶	کوزی بویا، ۱۰۷	منشیا، ۸۹	
قیس دافورسما، ۸۶	کوزی دبسما، ۱۰۷	منشخا، ۸۹	
قیمولیا، ۴۱	کوزی دهفاختا، ۱۰۸	میثوبا، ۷۰	
کباعریا، ۷۱	کومنون اغریون، ۲۶۲	میشی، ۲۱۱	
کبیشاحمرا، ۲۵۵	کهبانا، ۲۲۳	ناردین دبرا، ۴۶	
کَبیکج، ۲۵۰	کهبنا، ۲۲۳	نات نورا، ۲۵۵	
کئنا، ۲۲۲	کَهَنابا، ۲۲۳	نشا، ۱۶۹	
کحلا، ۳۹	کهبانا، ۲۲۳	نطفئا، ۱۳۶	
کحیلا، ۳۹	کیا، ۲۸۲	ننعا، ۲۹۰	
کراثا، ۲۵۲	گدلنفسی، ۳۱، ۳۵	ننوا، ۲۸۹	



## ۶ - نام‌های بربری و نبطی

اُکْثَار، ۳۷	اطماط، ۸۸	اُشتیوان، ۷۹	تاغْدَسْت، ۲۰۵
اُمْلِیس، ۳۷	اطموط، ۸۸	اَعْصَاب، ۱۹۳	تاغْدَسْت، ۲۰۵
اَتْفَاح، ۹۴	اَفَار، ۹۹	اَفَار، ۹۹	تاغِیشت، ۱۵۸
اَذان الشاة، ۳۳	اَفْلَدان، ۷۵	اَقْمام، ۳۶	تاغِیشت، ۱۷۱، ۲۰۷
اَذان الغزال، ۳۳	افلسطین، ۸۱	اَقْتَن، ۹۰	تافرزیرت، ۱۲۶
اَرغیس، ۳۵، ۶۱	اقروم، ۱۰۴	اُکْفیل، ۴۹	تافسیا، ۹۷، ۱۶۷
اَزْزَغْت، ۶۱	اَقْطَفیت، ۸۸	اَمْصوخ، ۶۲	تافیرا، ۲۵۹
اَسْت، ۲۶۶	اکثار، ۱۰۷	اُمْلال، ۹۰	تافیقرا، ۱۷۲
اَشْک بردین، ۶۱	اکرمیوسنه، ۲۱۹	اُمْلال، ۹۱	تاکسوت، ۲۲۴
اَطْرِیلال، ۱۵۵، ۱۱۸، ۳۶	الازاز، ۲۷۷	اُمْلال، ۲۱۷	تاکوت، ۵۵، ۲۲۴
اَطْرِیلال (فاس)، ۱۵۵	الونی، ۲۷۳	اَوْطمو، ۲۹۵	تاکُوت، ۹۳
اَیْزَنی، ۲۷۳	اَمْسُخسر، ۲۹۲	باذْرُج، ۷۱	تاکُوت، ۱۶۳
اِبْراز، ۶۱	اَمْسوخ، ۶۲	بادروج (نبطی)، ۷۱	تامرت، ۲۶۷
اِبزیر، ۲۰۵	اناکیر (نبطی)، ۶۳	بانقیب، ۲۱۰	تامسورت، ۹۳
اتسویک، ۱۰۷	انتلی، ۱۴۹	برهلیا، ۱۵۲	تاممشت، ۲۰۲
اَذار، ۷۵	انثار، ۲۰۴	بَسْلِیت، ۱۴۹	تانقیت، ۹۳
ادریاس، ۶۵	انلی، ۱۵۰	بکسیتلان از مور، ۲۱۴	تخصیص، ۲۵۳
ادْمام، ۲۹۴	اوربایس، ۹۷	بلاسفین، ۱۱۵	تراست، ۸۰
ارجالون، ۲۲۲	ایرن، ۲۷۳	بوخْوَ، ۱۰۶	ترفاس، ۲۶۰
ارماس، ۲۴۲	ایغرتی، ۳۷	تازیل، ۲۷۰	ترفس، ۲۶۰
ازاز، ۲۷۷	ایغسه، ۹۳	تازرت، ۹۶	ترمشیر (نبطی)، ۲۸۱
ازالیم، ۸۰	اُفْشرو، ۳۶	تازرت، ۲۲۲	تَرْنج، ۴۰
ازبوج، ۲۵۱	اُداد، ۵۱	تازْغَلْت (بربری - مصر)، ۲۵۰	تَرْنج، ۴۰
ازدری، ۱۴۱	اُدْریاس، ۹۷		تَرْهلا، ۷۷
ازروده، ۴۵	اُدْریس، ۹۷	تازْلَفْت، ۵۵	ترهلا، ۲۱۹
ازقُون، ۱۴۷	اُذنه، ۵۹	تازلفت الینو، ۵۵	ترهْلان، ۱۹۹
اساسنوا، ۱۰۶	اُرْجان، ۴۴	تاسکرا، ۲۲۵	ترهلان، ۱۹۹
اساسنه، ۱۲۵	اُرْغیس (اندلس)، ۱۲۰	تاسْلَت، ۱۵۹	ترهلان (آفریقا)، ۲۱۹
اسغارن اَمْشانتن، ۳۳	اُرْزغن، ۶۱	تاسْلَغا، ۲۱۸	ترهلیان (نبطی)، ۱۴۸
اسغارن یزان، ۳۳	اُرْزود، ۴۵	تاسلِقا، ۱۷۰	ترهلیه (نبطی)، ۱۴۸
اسقُون، ۱۲۶	اُرْزَمور، ۱۶۶	تاسْمُت، ۱۲۲	تَغِیغْشْت (فاس)، ۲۶۳
اسقیراسن، ۸۸	اُرْزوری، ۱۴۱	تاسْمُت، ۱۲۲	تَقاف، ۸۳، ۸۴، ۹۴، ۲۹۶
اسکروان (نبطی)، ۲۶۹	اُزیر، ۵۹	تاشمِصْت، ۱۲۲	تَفسیا، ۱۶۷
اشلابوس، ۱۴۱	اُسْرغْت، ۱۷۰	تاصالیمت، ۸۰	تَکُوت (مغرب)، ۲۲۴
اَصْاص، ۲۷۷	اُسْلِیلی، ۱۸۴	تاغفیت (آفریقا و تونس)، ۴۶	تیرحله، ۴۶
اَطْرِیلال، ۱۵۵	اُسْامْن، ۲۸۵	۱۳۳۳	تیزمارت، ۷۰

تیطمست، ۴۳	سوارون، ۱۲۹	مِیمون، ۲۲۲
تیغَل، ۱۲۶	سیسدار (نبطی)، ۱۴۴	نَهما (نبطی)، ۲۹۲
تيفرست، ۲۶۱	طاكا، ۲۰۸	وازنیر، ۱۴۷
تیفست ازوزغار، ۲۵۱	طرفاء البستانی، ۴۰	واوزاق، ۱۴۷
تیکظا، ۱۳۲	طرمیطس، ۲۶۵	وتورلَت، ۴۶
تیمرساط، ۲۲۹	عَروسه، ۲۷۰	ورحالور، ۲۲۲
تیمزین، ۱۲۶	عشبة قبری، ۲۹۶	وَنقازَف، ۴۱
تیمشطان، ۱۴۹	عَصَاب، ۱۹۳	هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶
ثابقا، ۲۱۳	عضات، ۱۹۳	هرفلوس، ۲۹۶
ثاروبیا، ۲۳۰	عَكَنه، ۲۱۲	هَرَقْلوس، ۲۹۶
ثافیرا، ۱۴۶	فاتره (نبطی)، ۲۵۷	هرقیلوس، ۲۹۶
خَزَشَف (نبطی)، ۱۱۴	فارنیا (نبطی)، ۵۹	همون، ۲۲۲
خُزَف (نبطی)، ۱۱۵	فلشراش، ۱۱۸	هیطومون (نبطی)، ۱۳۰
خُزَف (نبطی)، ۱۱۵	فلغیدس (نبطی)، ۱۲۶	يَخْصِص، ۲۵۴
حرفی، ۲۲۸	فنا (نبطی)، ۲۴۹	
حسومی، ۲۸۹	قارنیا (نبطی)، ۵۹	
حَطَب السودان، ۳۳	قاقلی (نبطی)، ۲۸۴	
حَلَبوب (نبطی)، ۱۲۱	قربنا (نبطی)، ۲۸۴	
حَماما (نبطی)، ۱۲۴	قرنه، ۴۶	
خندقوق، ۱۲۵	قَنابری (نبطی)، ۲۴۵	
خندقوقی، ۹۲	كَزْكَزَهَن، ۲۵۵	
خَنَدَقوقی (نبطی)، ۱۲۵	كُسَيْلا (نبطی)، ۲۵۷	
خَمان (نبطی)، ۱۳۸	كَسِيلی (نبطی)، ۲۵۷	
دیبیداریا (نبطی)، ۱۴۳	کوری زوله، ۲۱۰	
درغل، ۲۰۴	لاقلیشت، ۳۷	
رته (نبطی)، ۸۸	لَحیة امسون، ۵۵	
رستنی نودیه، ۲۱۰	لصیفی، ۳۳	
رویه منور، ۲۳۰	مازر (نبطی)، ۲۷۵	
رُوز، ۴۴	مامیثا، ۶۷	
زان، ۱۶۰، ۱۶۳	مامیثا (نبطی)، ۲۷۶	
زنوج، ۲۵۱	مَرَسَطَس نبطی، ۲۷۹	
سرغنت، ۱۷۰	مرو، ۱۲۷، ۱۴۲	
سعسع (عبری)، ۱۴۷	مزابله، ۲۱۴	
سعیع (نبطی)، ۱۴۷	مَسْمَقار، ۱۶۰	
سَلْدانیون (نبطی)، ۱۷۴	مَسْمَقران، ۱۶۱	
سَلغوا، ۱۳۲	مسمقوره، ۱۶۰	
سملایا (نبطی)، ۸۱	مَشْکِرَامَشِیع (نبطی)، ۲۸۱	
سمون، ۲۲۲	مشکطرامشیر (نبطی)، ۲۸۱	

## ۷ - نام‌های ترکی

۱۲۹، ابم‌کماجی،	قَرَاطاط، ۲۳۵
۲۸۲، اردک،	قوش اوزی، ۲۱۴
۳۹، ارزوج،	کج‌تیپ، ۶۵
۱۵۳، آنْدُر،	کرچک، ۱۳۳
۲۱۴، اوزم،	کلکله، ۱۹۵
۲۱۹، ایکده،	ماستواچچکی، ۲۵۰
۱۴۶، اینبروئی،	ماقوق، ۲۴۲
۲۶۹، باغ پر باغ،	مرداراغاجی، ۲۱۵
۶۵، بالدرغان،	واشوه، ۱۲۹
۲۱۳، بکوزتیکان،	هوم، ۲۹۹
۱۲۴، بولچاق،	یتلاق‌قرقرون، ۱۷۱
۲۴۲، بینوق،	یمیشاز، ۱۶۲
۹۹، پیلان‌افردی،	یونجه، ۱۵۵
۱۷۱، توبالاغ،	
۱۰۹، جیکلک،	
۱۷۲، حیوا،	
۱۳۳، خاس،	
۸۵، داغ سوغائی،	
۱۱۰، دویتکانی،	
۱۷۱، سعادی (ترکیه)،	
۸۱، سقر،	
۱۸۰، شیرین‌بان،	
۱۲۹، شیودان،	
۹۹، صفراادوی،	
۱۷۱، طبرقاق (ترکیه)،	
۱۵۳، عَنطوز،	
۳۶، غازایاغی،	
۱۵۵، غازیاغی،	
۱۳۹، غرغات،	
۱۳۰، فجی،	
۲۴۰، قابیش،	
۲۶۰، قارچ،	
۷۸، قارنی‌باروق،	
۷۲، قاسی،	
۲۳۷، قباق،	
۲۶۶، قجی،	

## ۸ - نام‌های متفرقه

آبیل، ۳۳	ابوعیس، ۱۴۰	ارکه، ۱۲۶	اسلیج، ۲۷۴
آچین، ۳۳	ابی دالس، ۲۴۸	ارمارینون، ۱۲۴	اسمادوسفرم، ۳۶
آدریس، ۳۳	ابیغل، ۳۹	آزمالک، ۴۵	اسمار، ۳۱، ۳۵
آذریون، ۳۴	ابیلائس، ۱۰۵	ارمالک، ۴۵	اسماروزند، ۳۱، ۳۶
آذریونه، ۳۵	اپراچنا، ۱۱۳	ارموش، ۱۷۰	اسملیس، ۲۸۰
آزرو، ۲۹۱	اثامنطیقون، ۲۸۷	ارمیس، ۴۵	اسمورنین، ۲۵۳
آطرس، ۱۶۰	اثر، ۳۸	ارنتاله، ۱۰۵	اسنولوس، ۵۰
آله، ۱۵۳	اثقلیا، ۳۸	ارنوله، ۱۴۵	اسواس، ۲۰۳
آله قَبْرُونَه، ۶۵	اِحْطَالَه، ۱۲۲	اروس بلغار، ۲۶۴	اشبته، ۲۰۰
آله دبقتر، ۱۵۷	احنیه، ۲۶۶	ارید برید، ۴۵	اشبرون، ۱۸۹، ۲۰۴
آلیلی، ۱۴۵	اخرادس، ۲۶۱	اریدبرید، ۴۵	اشبطاله، ۱۲۶
آمارقون، ۵۸	اخراطن، ۸۴	اریقه، ۱۳۳	اشتیّه، ۵۵
آمزقور، ۱۵۰	اخروطن، ۸۴	ازرار، ۲۹۱	اشترینه میاطش، ۱۱۶، ۱۱۸
آبارتل، ۲۵۱	ادریس، ۳۳	ازلاف، ۱۴۸	اشتکه، ۱۳۵
آباسیا، ۵۰	ادریفن، ۲۷۳	ازورا (حبشی)، ۳۱، ۳۵	اشقیطله، ۶۱
آباقی، ۱۰۴	آراقق، ۴۳	ازیریا، ۱۰۶	اشقیل، ۸۰
آبالش، ۲۴۹	اراقوا، ۴۳	اسپاراغوس، ۲۹۷	اشموسا، ۵۲
آبجه، ۳۷	اراه، ۲۸۲	استر (اندلس)، ۲۷۴	اشود، ۱۸۴
آبجه، ۲۵۲	اریاقه، ۱۵۹	استرمونیه، ۱۰۹	اصبالاثوس، ۱۴۱
ابراوی، ۱۰۰	ارلیش، ۱۰۴	اسراش، ۱۳۸	اصطرك، ۲۰۶
ابریون، ۲۲۴	اریان، ۵۸	اسطاقدماغریا، ۱۱۱	اصل التهل، ۱۶۹
ابرفیون، ۵۵	ارتارون، ۲۶۹	اسطراطیقوس، ۱۰۵	اطرایلس، ۹۴
ابرقان، ۸۱	ارتکا، ۲۰۴	اسطورا، ۱۱۵	أَطْرَمَالَه، ۵۴
ابرقطس، ۱۲۳	ارجقیل، ۲۵۷	اسطوماخوس، ۴۸	اطه، ۱۸۲
ابرقلیون، ۱۰۰	ارجمونیه، ۲۸۵	اسفارج الصینی، ۲۵۶	اطیوس، ۲۳۱
ابرقینون، ۱۰۰	ارجیولیه، ۱۵۵	اسفاناج، ۴۸	اغافت، ۹۴
ابرنان (اندلس)، ۴۹	اردم، ۳۴	إسفاناخ، ۴۸	اغرقتیة، ۲۷۳
ابروخیون، ۸۴	اردمیردا، ۲۸۰	اسفلیطس، ۲۰۳	اغروغن، ۱۲۶
ابرویه، ۱۲۲	آرز، ۴۴	اسفندشغان، ۱۱۵	اغریذی، ۲۵۶
آبرولیه (ثغری)، ۷۵	آرزّه، ۴۴	اسفیدارا راغیا، ۲۸۰	افادملس، ۱۲۴
ابریجون، ۱۵۸	ارسطیون، ۱۵۳	اسفی دیون، ۱۸۹	افرسیر، ۱۵۷
آبزار، ۳۸	آزغامونی، ۴۴	اسقال، ۴۹	افرقه دلف، ۴۶
ابزراله، ۲۲۲	ارغیلیم (عبرانی)، ۸۳	اسقولس، ۸۸	أَفْلَنْجَه، ۵۶
ابق، ۲۴۵	ارقطون، ۴۵	اسکتو، ۴۹	افیلون، ۱۹۳
ابلر، ۱۶۳	آزقَطیون، ۴۵	اسکرسول، ۱۶۲	اقرون، ۲۲۳، ۲۳۵
ایمیلُس، ۲۸۰	ارقلیا، ۱۱۹	إسْلَنْج، ۵۰	اقرونش، ۱۲۳

اقربوش، ۲۵۴	الیش، ۹۸	انطبذه، ۲۴۸	ایو سقوامس، ۸۸
اقط، ۱۸۲	إلیشکه، ۱۴۰	انطولیا (شام)، ۲۹۷	أبجالة، ۶۷
اقط (یمن)، ۵۸	الیلاون، ۲۸۳	انفیطینا، ۱۹۱	أبجَه (اندلس)، ۱۳۸
اقلولش، ۱۲۹	الیون، ۱۰۳	انکولس، ۱۲۲	أذیرزا، ۴۲
اقلیشا، ۱۰۳	امارا قوا، ۵۸	آنکیز، ۶۷	أذریون، ۳۵
اقلیولش، ۶۷	امارنطون، ۵۸	انلی، ۸۸	أرتدبرید، ۴۵
اقد، ۱۵۳	اماری، ۱۳۳	آنلیه کمیانه، ۱۵۳	أرتقی (اندلس)، ۱۱۰
اقین، ۷۲	اماریقون، ۵۸	انوئیرا، ۱۴۱	أرجنقه، ۴۴
اقینی، ۱۰۴	امامانیطس، ۲۹۸	انیراتا، ۶۷	أرجیقن، ۴۴
اكت مکت، ۵۹	اماموس مانیوس، ۲۸۹	انیلس، ۱۶۵	أرماک، ۴۵
اَكْتَمَكِت، ۵۹	امباشا، ۱۱۱	آنیه دی غائه، ۲۰۵	أسطنکه (فرنچی)، ۶۱
اکرفس، ۲۵۳	أمبروسیا، ۶۱	اوبلس و فلوطن، ۱۲۰	أسفراغس، ۲۹۷
اکروفس، ۱۰۸	امرباطون، ۱۱۸	أوبَة قَنِیْة، ۲۴۹	أسکاطامن، ۶۶
اکسوفیلن، ۲۰۳	امرو، ۲۶۱	اودومالی، ۶۸	أسلیج، ۸۷
اکسیوس، ۵۹	ام غیلان، ۲۰۳	اورابالواسطون، ۱۰۴	أسیدار، ۵۰
الالساقتن، ۶۰	اموره، ۲۷۵	اوراهیا سلیون، ۲۵۳	أشیرتاله، ۵۰
الالط، ۱۸۲	امیرون، ۳۰۰	اورمینون، ۲۲۴	أشُرّه، ۴۶
الباشه، ۱۳۰	امیرون (اندلس)، ۲۹۸	اوفال، ۲۵۹	أشقیطله، ۶۱
الباین، ۱۵۱	امیره، ۲۶۹	اوقانتوس، ۶۱	أشقیل، ۲۱۵
البوقاله، ۱۵۷	امیریا، ۲۶۹	اوقینه، ۵۹	أشکوذ، ۶۱
التوبل، ۲۴۸	انبجّه، ۲۸۰	اولایی بوشاشا، ۱۱۶	أصطرك، ۲۸۶
أَلْتِيَه، ۱۲۹	انبرسول، ۲۸۱	اولیذا، ۱۴۷	أغالوجن، ۵۴
الراسن، ۸۰	أَتْلَه (عجمی اندلس)، ۶۴	اولیه، ۲۵۲	أغرومی، ۲۸۹
الزّ، ۴۴	انجاص، ۴۱	اولیه دلیئر، ۲۶۹	أغلیس، ۹۸
السفاقتن، ۶۰	انجدان رومی، ۲۴۸	اومادا، ۲۳۳	إقجالّه (اندلس)، ۲۴۷
السمته، ۲۸۰	انجرک، ۲۷۹	اونودی، ۲۳۳	أقسیا، ۵۱
الطانه، ۲۰۴	آنجرک، ۲۷۹	ایدع، ۶۹	أَقْطِن (یمن)، ۵۸
الطردونه، ۱۰۶	انجره، ۲۵۵	ایردوساناس، ۶۹	أکرار، ۵۹
الطورثه شول، ۲۰۳	انجیله، ۷۸	ایردوسیاناس، ۶۹	أکمویزان، ۶۰
الفلیس، ۱۲۲	اندرساخس، ۶۹	ایرنجی، ۱۰۵	ألباینه، ۶۰
القسینی، ۸۳	اندرسافس، ۶۹	ایعاسوفسین، ۱۰۵	أماسیرنیون، ۱۵۱
القون، ۲۹۵	اندروساماس، ۶۹	ایقد، ۱۱۴	أمیرون، ۲۹۸
الکیا، ۲۸۲	اندروسامن، ۲۹۸	ایل، ۷۰، ۲۳۲	أناطیا (قیطی)، ۶۳
اللقامن، ۲۰۴	آنڈروطون، ۶۶	ایلانجی، ۲۳۲	أنجوك، ۶۶
النینا، ۲۷۴	اندمولیا، ۱۰۶	ایلیقپران، ۲۶۴	أنطویا، ۶۶
الویاس، ۹۳	اندُمیان، ۲۵۶	اینارهر، ۱۳۸	أنقرديا، ۶۷
الوخن، ۲۸۳	اندوا (ماوراءالنهر)، ۱۰۲	اینه، ۱۲۶	أوثنا، ۶۷
الیاله، ۱۰۳	انطاین، ۱۴۵	ایورش، ۲۸۳	أوثنا، ۶۸

اُوروینخی، ۶۸	بُجبلین، ۱۱۶	برقا مصر، ۷۶	بشعیرا، ۱۶۹
اُوشیرس، ۶۸	بُجه، ۱۴۷	برقوقیه، ۲۸۲	بشکرانیه، ۱۱۴
أهلال قسطا، ۶۸	بُخترنه، ۶۰	برکشان، ۲۵۷	بشلثه، ۱۰۶
أیهقان، ۷۰	بُخشش، ۲۹۰	برکینه، ۱۵۴	بشنه، ۸۰
بابلص، ۷۰	بدشکان، ۲۵۹	بَرَم، ۷۷	بَشْنین، ۸۰
بابُلن، ۱۴۵	بدلیون، ۷۵	برمس، ۷۷	بشوش، ۸۰
باجروجی، ۷۰	بدلوزن، ۱۰۶	برنفیس، ۲۲۵	بطالاش، ۱۱۸
باخاریون، ۱۴۶	بدلیره، ۱۰۳	بَرَنوف، ۷۷	بَطْرُاسالینون (مصر)، ۲۵۴
باخیون، ۷۳	براجیل، ۲۵۳	بَرَنوف، ۷۷	بطرقیره، ۱۱۹، ۱۵۹
باد دقلنبه، ۱۲۴	براخشه، ۱۴۴	برنوف، ۱۸۳	بطرمیقی تاغیغشت، ۲۶۳
باددُلبرینه، ۲۶۵	براذج، ۱۶۱	برنيس، ۷۷	بطره، ۸۱
باد دَلَبَه، ۲۵۸	براسن، ۸۰	برنیکان، ۸۴	بطویره، ۱۱۹، ۱۵۹
بادلُیْنَه، ۲۵۸	براکیس یری، ۷۶	بَرَوانی، ۷۸	بطورنه ماطرش، ۹۹
بازاینگان، ۷۲	برانیا، ۶۷	بروانیا، ۷۸	بطیقی، ۲۹۶
بازبلین، ۱۱۶	براونیا، ۲۲۲	برورا، ۱۰۰	بَغْصران، ۲۰۴
بازی بلاله، ۱۲۳	برباریس، ۶۱	بُروله، ۲۸۰	بقشلمن، ۹۰
باربه دِلابر، ۱۰۳	بربطور (اندلس)، ۲۷۴	برون، ۲۴۹	بَقْش، ۸۲
باربه قُتلیه، ۱۰۳	بربله، ۲۶۳	بریدفوقه (اندلس)، ۲۰۵	بقم، ۸۴
بارزد، ۲۹۱	بربناقه، ۷۵	بزریلاستیس، ۱۱۵	بِکَا، ۸۵
بارشطوان، ۱۲۴	بربناقه، ۱۲۲	بسباس، ۲۱۱	بکسیس، ۸۲
بارلیوس، ۳۰۰	بربوث، ۵۲	بسباس حبشی، ۷۸	بِکم، ۸۴
بارنج، ۱۰۹	بربوذا، ۵۲	بسباس نبطی، ۷۸	بِل، ۸۵
بارون، ۲۰۵	برتقش، ۴۶	بستناج، ۸۱	بِل، ۸۵
بارونوخیا، ۲۳۱	برتلاقش، ۴۶	بسطیقون، ۱۰۳	بِل، ۱۳۸
بارویشا، ۲۳۱	برثماز، ۱۱۳	بسطیقیا، ۱۰۵	بِلبَقس، ۲۶۹
باریلوماین (اندلس)، ۷۳	برجارش، ۱۱۳	بَشَفایج، ۷۹	بِلاَثه (اندلس)، ۲۲۹
باسلیقی، ۱۱۳	بردبلاسقیس، ۱۱۵	بسقما، ۱۸۳	بِلاَرجه، ۱۲۹
باشان، ۷۳	برس، ۲۴۲	بسقواس (اندلس)، ۲۶۷	بِلاَطر، ۲۹۲
باشیون، ۷۳	بُرُشْتَم (آفریقا)، ۱۶۱	بَسْماط، ۱۳۰	بِلاقه، ۱۰۹
باطرنیقی، ۸۷، ۷۵	برسیا، ۷۶، ۸۸	بَسْناج، ۱۴۸	بِلَّان، ۸۵
بالقس، ۳۸	برسیانا، ۷۶	بُسْنیسه، ۹۳	بِلایه (اندلس)، ۲۲۹
باله، ۷۴	برسیاندارو، ۷۶	بسيله، ۹۳	بُلْبِراله، ۲۴۸
بَبْرَه، ۱۱۴	برسیون، ۷۶	بسيلة، ۷۹	بِلبوس، ۸۱
بیسطین، ۲۷۵	برشاد، ۱۸۹	بُشْبش، ۱۲۶	بلحشکوک، ۳۰۱
بیلجش، ۱۵۷	برشک، ۲۲۵	بِشت، ۱۰۵	بِلُرْیاله، ۹۸
بِیْلَه، ۵۸	برشیاوشان، ۲۵۷	بشتر، ۲۶۶	بلس، ۸۶
بِیْلیرَه، ۵۸	برطره، ۲۰۵	بشتناقه، ۱۰۳	بَلَسان، ۸۶
بِیْتَه، ۷۴	برغشت، ۲۴۵	بشطانیکا، ۸۴	بِطالَة، ۸۷

بُلُقیرَه، ۱۱۸	بوست، ۱۲۴	بیلطش، ۸۷	تهلول، ۷۶
بَلتائین، ۲۶۹	بوسیر، ۸۸، ۲۴۴	پرپهن، ۸۳	تیاج، ۱۵۲
بلورا، ۲۹۶	بوش، ۹۰	پیل، ۲۲۸	تیبی ان وامن، ۱۲۹
بلوسیطون، ۱۰۴، ۱۹۱	بوش دربندی، ۹۰	پی زَمی، ۲۶۰	تیسو، ۸۵
بَلوط، ۸۶	بوشیاد، ۹۰	پیل گوشک، ۲۳۰	تیشرت، ۹۸
بَلَه بانته، ۲۴۸	بوصیر، ۹۰، ۲۷۷	تارتقه، ۱۴۷	تیلِت اینرِفت، ۱۱۹
بلیار، ۱۰۸	بوطاماخیطس، ۹۰	تازَه قبرونه، ۶۵	تیمعْجَا (مراکش)، ۲۲۹
بُلیار، ۲۴۹	بوطانیه (اندلس)، ۲۲۲	تازرت، ۹۲	تیواج، ۹۷
بلیطس (اندلس)، ۸۴	بوطل، ۲۵۴، ۲۵۹	تافندوت، ۱۰۹	ثالیطرن، ۹۷
بلیطش، ۸۴	بوطولون، ۲۵۴	تافیزان، ۱۰۳	ثامرا، ۲۷۱
بلیطن، ۸۴، ۸۷	بُوقاذَّاس، ۷۴	تاکوب، ۲۲۴	ثریا، ۹۲۷
بناطش ابذا، ۱۵۳	بوقی، ۲۹۲	تاینس، ۱۵۵	ثریا (اندلس)، ۷۰
بَشْرَقَه، ۱۶۰	بوقصا، ۱۴۴	ترانشول (اندلس)، ۱۹۴	ثومارس، ۱۰۶
بُشْرُوقَه، ۸۷	بولوغالی، ۱۰۴	ترتلی، ۲۰۴	ثومون، ۹۹
بُشْقَه، ۸۷	بولیون، ۱۰۳	ترتیق، ۲۰۴	جاجر، ۱۰۴
بتوشه (اندلس)، ۱۷۱	بوتق، ۷۷	ترخر، ۱۴۸	جارکون، ۱۰۷
بتومه، ۱۵۷، ۵۲	بهار، ۵۷، ۸۰	ترمانان، ۵۴	جاسوس، ۱۰۰
بنجاین، ۱۴۳	بهاسلواواکرا، ۲۹۶	ترنجاش، ۱۱۳	جاشوش، ۱۰۰
بَنْقَه، ۸۹	بهرامه، ۲۱۰	ترنجان، ۷۱	جامالا، ۲۷۷
بنک، ۸۸	بهران، ۱۶۴	تریامان، ۹۴	جامسیه (مصر)، ۷۳
بَنْک، ۸۹	بَهْرَة، ۱۹۳	تسکرت، ۹۸	جاوردشیر، ۱۰۰
بَنْک، ۱۴۳	بَهش، ۹۱	بَقْدَه، ۲۵۷	جاوشیر، ۱۰۰
بَنْک مَخیر، ۸۹	بهفانج، ۹۱	بَقْرَد، ۲۵۶	جاهبَنک، ۷۴
بنکه قیطس، ۳۱، ۳۶	بهنک، ۱۰۳	تَقْزین، ۱۱۳	جبراهنگ، ۱۰۱
بنور، ۱۵۳	بیخین، ۷۳	تلسی جنگلی، ۷۱	جبرش، ۲۵۰
بنوش، ۱۳۹	بید موله، ۱۳۶	تلغوطة، ۳۷	جبل اهتق، ۱۰۱
بنیشه، ۱۵۰	بیرو، ۸۰	تلکنِت، ۶۷	جبلهنج، ۱۰۱
بودی، ۲۷۵	بیروم، ۴۳	تلیش، ۲۴۲، ۲۸۴	جبلهنک، ۹۳
بوذریج، ۸۹	بیزه، ۹۲، ۲۸۷	تَلیوت، ۲۵۰	جبلهنک، ۱۰۱
بورشاد، ۱۸۹	بیستی کوسک، ۷۳	تمک، ۱۱۴	جِبْلَه، ۸۰
بورفیا، ۴۳	بیسیم، ۹۲	تنالیش، ۱۱۵	جحفیل، ۴۷
بورقداس، ۱۲۲	بیش، ۲۰۴	تنطریه، ۲۹۲	جَخِجَن (اهل هری)، ۹۴
بورنسون، ۲۵۸	بیش موش بیشا، ۹۲	تَنعیمه، ۹۵	جدوار اندلسی، ۶۴
بورَه، ۸۰	بَيَضَمُون، ۸۸	تنوب، ۱۹۶	جراشیا، ۲۳۴
بوریرحا، ۱۱۳	بَيَقور، ۲۹۲	تنیفن، ۱۰۴	جرامغه، ۱۴۸
بوریداس، ۱۲۲	بیقه، ۹۲	تومالی، ۲۷۵	جرامقه، ۱۴۹
بوزیدان، ۵۴	بیقیه، ۹۲، ۱۰۴	تومرنا، ۲۰۱	جَزَنَه، ۱۴۸
بُوزیدان، ۸۹	بیلَمون، ۸۲	تُون تَرَه، ۱۱۵	جُربونه، ۲۵۳

جرجس، ۱۶۶	جنگل، ۱۰۶	حرمانه، ۲۰۳	خَرَم، ۴۸
جرجمه، ۱۳۷	جنجیدیون، ۱۰۶	خَرَمی، ۱۷۶	خَرَم، ۵۴
جرذیون، ۱۰۸	جنسفسوج، ۲۴۲	حسک کوهی، ۱۱۸	خرمدانق، ۲۵۵
جرمامه، ۲۶۵	جنشاله، ۱۵۲	حَسَل، ۱۱۸	خرنوب نیطی، ۳۰۱
چرموز، ۸۴	جنطیان، ۱۰۶	حسم عوسج، ۲۱۷	خروسوقولی، ۷۰
چَرَمیلک، ۱۰۳	چنکهارمول، ۱۱۸	حِشْرِق، ۱۳۹	خروسوقومی، ۱۳۰، ۱۳۲
چرنوب، ۱۰۳	چنگلا، ۱۱۲	حشغنیفل، ۱۸۸	خروسوموغالی، ۱۳۳
چریال بقم، ۱۰۳	چَنی، ۱۰۶	حشیثه القمل، ۱۲۰	خروهک، ۷۹
چَساد، ۱۶۳	جَوَان سَپَرَم، ۱۰۶	حضض هندی، ۲۳۰	خَرَامی، ۱۳۳
چَغده، ۱۲۰	جوج، ۴۳	حقوق، ۸۳	خسکدانه، ۲۶۶
جعله بحری، ۱۰۳	جوجهرج، ۱۴۵	چِلِلاب، ۱۲۱	خُشَبَرَم، ۲۸۰
جعفیل، ۱۱۸	جوری، ۳۰۰	حلیثا، ۱۲۱	خشب سومر، ۱۸۱
جغزیه، ۱۷۹	جوز آرمانیوس، ۱۰۷	حلیمو، ۱۲۲	خشقاقلی، ۱۸۸
جقلال، ۲۶۶	جوزناق، ۹۰	حماروحوش، ۹۵	خَسَل، ۲۸۳
جَلَبَهَنک، ۱۰۱	جولق (اندلس)، ۱۰۹	حندقوا، ۲۹۱	خلجا، ۲۵۷
جلجمانا، ۲۳۴	جهنک، ۱۰۳	حنزاب، ۵۰	خلجلا، ۲۵۷
جلفوزه، ۱۱۲	جیرش، ۱۰۹	حوسالی (اهالی جزیره)، ۱۰۹	خلوق، ۱۶۳
جلفوزه مصری، ۱۰۵	جیلغوز، ۱۰۵	حیصل، ۷۲	خنجر، ۱۱۴
جلماث، ۲۳۴	چا، ۹۹	حیلت، ۲۵۳	خندروس، ۱۲۶
جلنجمون، ۱۰۵	چاکشو، ۹۴	خاروه، ۲۹۸	خوردیپلان، ۱۸۰
جلنجویه، ۱۰۵	چراسیا (صقلب)، ۲۳۴	خالادل، ۵۱	خوز، ۶۷
جلوکا، ۱۰۰	چغرب، ۱۸۰	خالاون، ۱۳۹	خَوَشان، ۱۳۹
جَلْهَم، ۱۰۵	چغزب، ۱۸۰	خامالاس، ۵۷	خوشک امحری، ۹۳
جلهنگ، ۱۰۱	چَلابا، ۱۰۴	خامانیل، ۷۰	خوفان، ۲۰۲
جماهو سلیمان، ۱۰۵، ۱۶۰	چلغوزه، ۱۹۶	خاوانی (صقالیه)، ۶۷	خولاذولیون، ۱۳۳
جم جم، ۱۰۵	چمکدلا، ۲۴۳	خَیْثَرَف، ۱۳۰	خَوَیْجان، ۱۳۹
جمسفرم، ۱۰۵	حاراسوافی، ۹۳	خراما، ۲۸۰	خومان، ۲۰۲
جَمَشک، ۹۴	حارکو، ۱۴۴	خَرَامقان، ۱۳۰	خومر، ۹۵
جُمعلج، ۱۷۰	حاله غوره، ۶۲	خراة، ۱۱۷	خومه، ۹۹
جملج (اندلس)، ۲۱۹	حاماسوقی، ۱۱۱	خَرَزون، ۱۴۵	خیاط، ۱۲۵
جَمَیز، ۱۰۵	حاوزوان، ۲۵۲	خَرِیْرَسْتَه، ۲۹۲	خیر بوا، ۲۹۶
جُمَیز، ۱۲۳	حباقا، ۱۲۵	خرسیطس، ۱۰۲	خیرخیر، ۱۷۱
جنید، ۱۹۵	حب جَنکلا، ۱۱۱	خرطال، ۱۳۱	خیروج، ۱۲۹
چَنَت قابطه، ۱۰۵	حدق، ۷۲	خرغول، ۷۸	خَیْسَفُوج، ۲۴۲
چَنجَبانَسَه، ۱۰۶	حدمانه، ۲۸۰	خَرَقطان، ۱۳۱	خیوخیر، ۱۷۱
چنچبانسه، ۱۳۹	حر، ۱۶۴	خرقع، ۱۷۳	داذاروان، ۴۴
چنجبنیه، ۱۲۲	حرجم، ۲۹۳	خرکوش، ۱۳۱	داذی، ۱۴۱
چنجقش، ۸۳			دارارون، ۴۴



دارم، ۱۴۲	دَودِم، ۱۴۷	رواس، ۱۵۹	زیا، ۱۹۴
دارما، ۲۸۰	دوراو، ۱۱۷	رواش، ۲۵۴	زیزفون، ۲۱۹
دارمک، ۱۴۲	دوزخولی، ۱۴۶	روبادوج، ۲۴۹	زیغس، ۱۸۲
دارهَلد، ۱۴۲	دورحولی، ۱۸۱	روذدقنی، ۱۴۵	زَیْلَعی، ۲۳۹
دافنطس (اسکندریه)، ۱۷۴	دورحولی، ۲۵۷	روشکه، ۵۵	ساذج، ۱۶۶
دانک، ۱۴۲	دورقنی، ۱۴۷	روفس، ۱۱۰	ساراقیاس، ۱۳۶
دانک افرونک، ۱۴۲	دوقص، ۸۰	رهلیا، ۶۷	ساسالیوس، ۱۶۷
دباب، ۱۸۲	دهاک، ۸۵	ریشه والا، ۱۷۷	ساسلیوس، ۲۵۳، ۶۵
دبقت، ۱۴۲	دهاهاهیج، ۱۴۸	ریمنده (اندلس)، ۲۱۹	ساسلیوس، ۱۶۷
دبیراز، ۱۴۳	دهمست، ۱۵۹	ریوله (اندلس)، ۲۲۶	ساصلی، ۱۹۴
دخسیسا، ۱۴۳	دیاکلمن، ۱۴۱	ریون، ۱۵۴	ساطریون، ۱۶۷
دراجن، ۱۳۹	دیشار، ۲۸۱	ریهقان، ۱۶۳	سافاریعون، ۱۳۰
دراشتا، ۲۶۱	دینارویه، ۱۴۸	زابر، ۱۶۱	ساکرکهوله (سانس کرت)، ۵۹
دراقیل، ۱۴۳	دیواسپست، ۱۲۵	زاثا، ۵۲	سالم (عبری)، ۱۴۷
دربرق، ۲۱۴	دیوفونیطس، ۲۷۳	زجمول، ۲۵۸	سالی، ۱۶۷
درجکان، ۱۳۹	ذریون، ۱۸۸	زحموک، ۲۵۸	سالین، ۲۵۴
دَزْداب، ۱۴۴	ذرفی، ۱۵۰	زردلان، ۱۶۱	سامان، ۱۶۷، ۱۴۸
دردریه (بکر)، ۲۷۸	ذرقونن، ۱۳۹	زرقفت، ۱۶۱	سایس، ۲۱۸
درق، ۱۲۵	ذفکر، ۲۲۶	زرقوری، ۱۵۵	سبسرین، ۱۱۵
درنک، ۳۸	ذیره، ۱۲۳	زرنبوزی، ۸۴	سپندانک، ۱۱۵
دَزْواژْد، ۱۹۸	رابیج، ۱۱۲	زرنبوری، ۱۶۲	سجا، ۱۶۷
دُزیان، ۱۴۵	رابستیاج، ۱۹۳	زفیزف ونبق، ۲۱۴	سیجستان، ۱۶۷
دسنطو، ۸۵	رازقی، ۱۵۲	زُقُشته، ۱۶۳	سجس افراغیه (اندلس)، ۲۴۳
دعقیلا، ۱۱۸	راسن (اندلس)، ۱۵۳	زَمَان شرار، ۷۶	سجلات، ۲۹۹
دفعینی، ۱۰۳	رامک، ۱۵۴	زنابیر، ۹۶	سجیوس، ۴۳
دِقان، ۱۳۶	رانج، ۱۰۹	زَنبَارَه، ۹۶	سحر، ۲۶۰
دُقْترانشش، ۱۴۵	رائج، ۲۸۷	زَنبوره، ۹۶	سحسونه، ۱۶۷
دقتوریه، ۹۹	راون، ۱۵۴	زنبوش، ۹۰	سَخار، ۱۶۷
دقلیوس، ۶۷	رَبْنالَه، ۲۷۴	زنبوقه، ۱۲۲	سخیونس الیا، ۱۴۸
دلویاخوسطس، ۲۳۰	ربوزی، ۸۴	زَنبیره، ۹۶	سدر، ۱۱۸
دَلِیک، ۱۴۶	رجنه، ۱۳۳	زنجبیل شامی، ۱۵۳	سُدوس، ۲۱۱
دَمادم، ۱۴۷	رُسفارینا، ۸۷	زنجی، ۱۶۷	سُدوس، ۲۹۲
دَمَدام، ۱۴۷	رسون هندی، ۱۹۹	زَنگباری، ۱۶۴	سراش، ۱۳۸
دندان ساوکف، ۸۳	رَشاله، ۴۶	زَوَبَری، ۱۲۶	سرالیه، ۲۹۸
دَنقه، ۱۴۷	رغیدا، ۴۴	زوذوذا، ۱۴۵	سَرَزک، ۱۶۲
دوادم، ۱۴۷	زَکَل، ۲۵۲	زوفس، ۱۰۳	سرشاد، ۱۷۰
دویژ (مصر)، ۲۷۳	رمرام، ۱۵۸	زول زده، ۲۵۱	
دَوُدر، ۱۴۵	زَمَرام، ۱۵۸	زهرور، ۲۸۹	

سرقسنة، ۱۷۰	سنانی، ۱۵۶	شبیطاط، ۱۸۵	شناقه، ۹۹
سرقسطه بلطاله مرکلیته، ۲۶۶	سُنیراس، ۱۷۷	شبطه وقرولن، ۷۸	شندله، ۹۶
سرما، ۱۷۰	سَنجَاب (هری)، ۸۳	شبناله، ۱۲۳	شنبر، ۱۱۳
سرمج اطرافاکسیس، ۱۷۰	سَنجسُفویه، ۱۷۷	شیوق، ۸۵	شنبلید، ۵۳
سرمس، ۱۷۰	سندروس، ۱۷۸	شیوقه، ۱۱۰	شنبنش، ۲۵۶
سروی، ۳۰۰	سَندرُوس، ۱۷۸	شَیبیی، ۱۹۱	شترن، ۱۰۴
سریش، ۱۳۸	سندوقس، ۵۸	شیبطه، ۲۶۹	شتله، ۱۵۷
سریقون ارمنی، ۱۹۳	سندهان، ۱۷۹	شتین، ۱۴۷	شِئتَلَه، ۶۳
سسطیعون، ۱۶۵	سندیان، ۱۷۹	شث، ۱۸۵	شثمن، ۱۵۳
سطاقانن، ۱۵۹	سَنفَالَه، ۱۴۸	شَحْمَالَه، ۲۶۶	شندله، ۹۶
سطراطیوس، ۱۷۱	سَنقِیزَه، ۱۳۹	شَحْمِیْلَه، ۱۴۸	شُندَلَه، ۱۹۰
سطراک، ۱۶۱	سِن نوذَه، ۱۵۵	شَحِیمَالَه، ۲۵۸	شُندَلَه (اندلس)، ۹۶
سطرکا، ۵۳	سوراج، ۲۴۹	شریش (ثغری)، ۱۶۲	شنشظوره، ۱۰۳
سطوبی، ۱۷۱	سوراهند، ۲۵۷	شریلیون، ۲۷۳	شنفیل، ۲۵۴
سطیوس، ۱۰۴	سوربارو، ۲۸۸	شرین، ۱۸۷	شَنقِیزَه، ۱۵۳
سفانی، ۱۵۶	سوفال، ۱۸۱	شرخره، ۱۱۳	شنکی، ۲۶۷
سفتک، ۲۹۲	سوفامینوس، ۹۵، ۱۰۵	شِرِس، ۱۸۷	شورش لاطه، ۱۲۳
سفندولیون، ۱۷۲	سوفطیون، ۱۶۷	شرغلی، ۸۰	شوشمشیر، ۷۰
سفودالس، ۱۹۵	سوفی، ۹۳، ۱۵۷	ششترة، ۱۸۷	شوشمیر، ۲۳۲
سقریبون، ۲۰۴	سوقاسنيس، ۱۰۵	ششقافل، ۱۸۸	شوطی، ۸۰
سَقْمُونِیا، ۱۷۲	سوقطیون، ۱۳۵	شَفِذ، ۱۸۴	شوکران، ۸۸
سقدوقس، ۵۸	سیدیریطس، ۲۵۷	شفلیش، ۲۱۴	شوله دی رای (اندلس)، ۱۵۰
سقونیوس، ۲۰۱	سیسبر، ۱۸۲	شفیقل، ۱۸۸	شومر، ۱۹۲
سَكْرَجَه، ۱۷۳	سیسبرونه، ۱۲۲	شقایق، ۱۸۸	شَوَندَر، ۱۹۲
سکنبویه، ۱۷۳	سِیسْتَبْر، ۱۸۲	شقدیون، ۱۸۹	شیان، ۱۹۲
سَلِیْجَه، ۱۷۴	سیسنه، ۱۱۳	شقدیون، ۱۸۹	شیرق، ۱۹۸
سلیس، ۲۱۸	سیسون، ۷۹	شکاعی، ۷۵	شیشاصینی، ۱۳۳
سمرنیون، ۱۷۶	سیصامویداس، ۱۳۰	شَکْرَقَنْد، ۱۸۹	شیشم، ۱۳۳
سمریا، ۲۵۴	سیطوس، ۱۹۱	شَل، ۸۵	شیشنبر، ۱۱۳
سمسخون، ۱۱۳	سیقریقره، ۱۲۶	شلار، ۸۰	شيلم، ۱۱۸، ۱۶۴
سمسقون، ۱۱۳	سیلونس، ۱۱۴	شلبش، ۲۵۲	شینر، ۱۹۲
سمشیر، ۳۴	سیناپهل، ۱۸۷	شلوبینی، ۸۰	صاصل، ۱۹۴
سمفوطن، ۲۶۹	سیوس، ۱۶۵	شَلیل، ۱۹۰	صاصلی، ۱۹۴
سمقشمحون، ۳۴	شالمن، ۱۶۱	شمسیر، ۲۳۲	صَدَح (اهالی سواد)، ۸۴
سمورنیون، ۱۷۶	شامبه، ۴۸	شمشرا، ۲۷۹	صریرا، ۷۱
سمونیون، ۱۷۶	شانسیه، ۲۶۶	شمشیر، ۲۳۲	صغاییس، ۱۹۸
سناتیا، ۲۴۸	شَبْرِق، ۱۸۴	شموسا، ۲۸۰	صمغ طرثوث، ۵۱
	شبريله، ۲۸۰	شمین، ۲۹۶	

صندل، ۱۵۹	طرذیلون، ۱۶۷	طیطان، ۲۵۲، ۲۰۴	غزاله، ۹۹
صوصلا، ۱۹۴	طرسه (اندلس)، ۲۴۳	طیلافیون، ۲۸۰	غرناطش، ۱۵۷
صومر، ۷۱	طرشقوق، ۲۹۸	طیلاله، ۹۰	غرنوقی، ۱۲۹
ضدخ، ۸۴	طرغاین، ۲۰۱	طیلسات، ۲۹۲	غریطیره، ۲۷۳
ضدخ، ۸۴	طرقتییه، ۲۷۳	عاقرشعما، ۳۸	غساقالس، ۲۴۲
ضومر، ۷۱	طرقتییه، ۲۷۳	عالیه و برشقی، ۱۵۳	غلوکش، ۱۰۴
طاحسک، ۳۵	طرمش، ۱۲۶	عبب، ۲۰۶	غمار، ۳۶، ۳۱
طارطقه، ۱۱۳	طرنج، ۴۰	عَبَس، ۱۸۲	غوتاغبنا، ۲۶۲
طالیسفر، ۱۹۹، ۱۴۲	طرنشول، ۵۹	عبر، ۹۰	غودیوله، ۲۵۲
طاموغیطن، ۱۱۰	طُرُنْشول (اندلس)، ۱۹۴	عَبْهَر، ۲۰۶	غودیوله، ۸۷
طبرش، ۲۶۰	طرنه (اندلس)، ۲۴۳	عَبْثِران، ۲۰۶	غُوشَنه، ۲۲۱
طخش، ۱۳۹، ۲۰۰	طُرْنه ماطر (ثعری)، ۱۳۰	عُترب، ۱۷۵	غوشنه جنسی، ۲۲۱
طخشیقون، ۲۰۰	طرنه، ۲۰۳	عربرب، ۱۷۵	غوشه، ۲۲۱
طَخْشیقون، ۲۰۰	طرنیه (اندلس)، ۲۴۳	عروطنیا، ۲۰۷	غوشه، ۲۲۱
طَرَّاشَنه، ۲۰۱	طَرْنُطر (مایرقا)، ۲۴۶	عروطنیفه، ۳۴	فابّه بورکه، ۹۳
طَرَاغْئون، ۲۰۱	طشور، ۲۰۴	عَرَقْصان، ۱۵۰	فابّه دیبوزکه، ۱۵۷
طَرَاغین، ۲۰۱	طشیر، ۲۰۴	عرقصاء (سجزی)، ۱۲۵	فارغه، ۲۲۲
طرامشیع، ۲۸۱	طغارنه، ۲۴۸	عروس، ۲۹۲	فاس، ۶۶
طرامه، ۲۰۲	طغاره، ۲۴۸	عروسالّه، ۲۷۰	فاسی، ۲۲۲
طرامیش، ۲۰۱	طغشیقون، ۲۰۰	عصب، ۲۶۳	فاشرشین (اندلسی)، ۲۲۲
طرباج، ۱۴۸	طلخشقو، ۲۹۸	عقاردم، ۲۸۳	فاط، ۲۲۲
طربشکه، ۲۷۷، ۲۷۵	طلق، ۲۶۴	عَکَر، ۱۱۴	فاطن، ۷۳
طربه لبّه، ۷۵	طانیطلی، ۱۸۹	علسی، ۱۹۵	فافبوس، ۵۷
طربه لبّه، ۸۷	طمرشکه، ۲۰۲	عِلک، ۲۴۴	فافل، ۲۲۸
طربه لبّه، ۱۵۱	طمره، ۱۳۳	عَلِیق، ۲۱۳	فافیوس الحدقی، ۵۷
طروتوشا، ۵۱	طَئِیه، ۵۵	علیجان، ۲۱۳	فالبرس، ۲۲۳
طرجال، ۱۲۶	طوبه، ۲۰۴	عمار، ۳۶	فالیرئس، ۲۲۳
طرخشقوق، ۲۹۷	طورنه شول، ۲۰۴	عمرو، ۲۵۳	فالسسیانه، ۳۵
طرخشقون، ۱۴۷، ۲۹۸، ۳۰۱	طورنه لینه، ۲۰۴	عمول، ۷۶	فالی بورس، ۲۲۳
طرخشوق، ۳۰۰	طورنه مَریطش، ۲۰۵	عتقیل، ۱۸۹	فانیرستینست، ۲۲۲
طردج، ۱۲۳	طورنه مَریطه، ۲۰۴	عَم، ۲۱۵	فجلن، ۹۰
طردج، ۱۵۸	طَوْره، ۲۰۴	عوقیا، ۱۱۹	فدلقم، ۲۵۲
طَرْدِج، ۲۵۸	طوریدخ، ۲۲۴	عیادیوس، ۱۵۵	فراخشنه، ۲۶۹
طردجّه، ۱۲۳	طوطاق اغریون، ۱۲۲	غالا لوطا، ۷۳	فَراسیون، ۲۲۴
طردجّه، ۱۲۳	طولیدون، ۲۱۴	غالبون، ۲۵۰	فراسیون، ۲۵۲
طردجّه، ۱۲۳	طَهْطَف، ۲۰۳	غاله جیقه، ۱۱۸	فراشنه، ۱۴۴
طردقیره متیره، ۱۴۷	طیثومالس، ۲۰۴	غالییوس، ۱۷۰	فربوله، ۲۶۶
طردیلن، ۲۵۳	طَیْرائه، ۲۰۴	غبانستر، ۲۸۲	فربیون، ۵۵

قرنمن، ۲۳۵	قاباش قبطی، ۷۳	فلنجة، ۲۵۰	فَرخار، ۲۲۵
قرداسات الذوائب، ۱۲۱	قاب طیره، ۱۱۹	فَلُور اورو، ۸۰	فرسانا، ۷۶
قردمانا، ۲۶۱	قابی طیّاره، ۱۵۷	فلوقاریش، ۲۸۰	فِرِسک، ۱۳۹
قرذیوله، ۷۲	قارجی، ۷۵	فلوماین، ۲۰۵	فرفجین، ۸۲
قرز، ۱۲۱	قاروذا، ۱۰۷	فلومس اداؤش، ۱۵۳	فرقه، ۸۳
قرسطاریون، ۱۷۱	قاع قَلّا، ۲۳۲	فلیطش، ۸۷	فرقین، ۸۳
قرشبیون، ۱۰۳	قاقالیا، ۲۳۲	فلیقله، ۲۲۸	فرلیون، ۱۰۳
قُرش قبله، ۲۵۷	قافل، ۵۲، ۲۳۲	فلیقلة، ۲۲۸	فرنّت، ۱۸۳
قرشیقا، ۱۰۶	قاقلا، ۲۴۳	فم، ۲۲۹	فروودهامان، ۲۲۵
قرصعنة، ۱۴۳	قاقله صغیر، ۲۳۲	فنال، ۱۴۸	فروودیلاون، ۲۲۵
قِرْیَمَان، ۲۳۸	قاقلی (قبطی)، ۲۳۲	فنجریون، ۲۲۸	فریثا، ۲۲۹
قرمد، ۲۵۵	قاقیا، ۲۳۳	فَنجیون، ۲۲۸	فریقان، ۲۳۵
قرمقام، ۲۵۶	قالامغرسطس، ۹۹	فقطسی، ۱۲۴	فریقه، ۱۲۰
قربنا، ۱۲۲	قالیورس، ۶۱	فنتقین، ۱۰۳	فسولیدس، ۲۴۹
قرنباذ، ۲۵۶	قامارون، ۱۰۶	فنلیه، ۷۸	فسولیدوس، ۲۴۹
قرنیبط، ۲۵۶	قاوند، ۲۳۳	فورس، ۲۵۸	فُشاغ، ۲۲۶
قرنقار، ۲۵۶	قبتوریة، ۲۵۸، ۲۵۴	فورش ابجی، ۲۷۵	فشاله، ۲۰۱
قرنقار، ۲۵۶	قبساطه، ۹۹، ۱۴۳	فوروفش، ۱۵۵	فُشغ، ۲۲۶
قرونله دِکائبة، ۵۹	قبسطاله، ۱۲۷، ۱۵۳	فوشنه، ۲۲۶	فصون، ۲۷۱
قرونه، ۲۹۶	قبسطون، ۲۷۷	فوعین، ۲۳۰	فطراسلیون، ۲۲۶
قَرَنُوة، ۲۳۸	قبلی (مشرق)، ۲۰۷	فوفارون، ۱۲۵	فقیل، ۲۲۶
قَرَنه، ۱۲۹	قبلوط، ۲۵۲	فُوقش، ۲۷۵	فل، ۱۳۸
قرنیثا، ۲۲۹	قَبْلَه موره، ۲۵۷	فوکرم، ۱۱۸	قَل، ۲۲۷
قروسوقیون، ۴۵	قجنار، ۸۴	فولیون، ۱۰۳، ۲۳۰	فلاخان، ۱۸۳
قروطن (قبرس)، ۱۳۳	قحوان، ۵۷	فوهل، ۲۴۵، ۷۶	فلایه، ۱۰۵
قربوله، ۲۶۶	قَدْلَبَه، ۱۵۱	فیاس، ۶۶	فلجون، ۱۵۷
قربون، ۲۵۴	قَدْرُوس، ۲۳۴	فیاقه، ۹۳	فلجه، ۱۵۷
قُرْحی، ۸۴	قذلبه (اندلس)، ۱۵۱	فیطل، ۲۰۴	فلجیون، ۱۵۷
قرزقحیر، ۸۳	قرادامنی، ۱۸۲	فَیطل، ۲۰۴	فلحون، ۱۶۹
قسس، ۲۶۶	قرادسینی، ۱۱۶	فیقایفا (عبرانی)، ۵۷	فلفلمون، ۲۲۸
قُسْطَانِیْقَی، ۸۴	قراضیا، ۲۳۴	فیقوس، ۱۰۵	فلفلموی، ۲۲۸
قُسْطَانِیْقَی (اهالی سواد)، ۸۴	قراطاغونز، ۲۳۵	فیقومورا، ۱۰۵	فلفل مویه، ۲۲۸
قَسْطَرُون، ۲۳۹	قَرَطَارِغُون، ۲۳۵	فیقه، ۹۶	فلفل مویه، ۲۲۸
قسطولیدون، ۲۴۹	قراطارس، ۱۴۷	فیقه متیره، ۱۰۵	قَلْقَلْمویه، ۲۲۸
قسطیدس، ۲۰۱	قراطیارغیون، ۲۳۵	فیلاتاریون، ۵۸، ۷۱، ۱۵۵	فللمون، ۲۲۹
قسطیس، ۲۰۱	قراقیا، ۱۵۷	فیلون، ۲۳۱	فلمویه، ۲۲۸
قسعر، ۲۳۳	قرالنا، ۲۳۵	فیلیطس، ۲۳۱	فلنجوس، ۲۷۳
قسماط، ۱۳۰	قرانیا، ۱۶۰، ۲۳۵	فیتقس، ۹۲	فلنجه، ۵۶

قَسَوس، ۱۲۱	قُلْنَبْرَه، ۲۰۴	قوفا، ۲۴۴	کاوی، ۴۵، ۲۴۸
قَسیناد، ۲۶۶	قُلْنَبَه قَوْلَه، ۳۴	قوقابس، ۱۴۸	کاهوجرنه، ۳۸
قَشَطَنیولا، ۸۰	قلنبیل، ۱۴۱	قوقو، ۱۶۳	کباس، ۱۲۴
قَشَطَنیولَه، ۱۴۵	قُلْنَبِیْنَه، ۱۵۰	قولار، ۲۵۶	کَبَسُون، ۲۵۰
قَشَقابن فلسدیار، ۱۴۱	قلنسد ناردین، ۱۴۱	قولاله، ۲۶۳	کبلاس، ۱۲۴
قَشلومن، ۱۱۴	قلوس، ۲۷۷	قولانی، ۲۴۷	کیکیج، ۲۵۴
قَضُبور، ۲۵۷	قلوین، ۱۰۳	قولجیاله، ۲۵۶	کئائی بزرگ، ۷۸
قصفا، ۱۳۳	قلیجوله، ۱۶۱	قوللئیه، ۲۵۶	کُئیلَه، ۲۵۱
قطبا، ۱۱۸	قلیل، ۲۷۴	قولوقیمین، ۱۵۳	کُئینییه، ۲۵۱
قطریل، ۱۶۸	قلیماطیطس، ۱۶۱	قولوکتش، ۱۲۶	کحدان، ۲۱۸
قطلم، ۱۶۶	قلیماطیطس، ۱۶۱	قوله د قَباله، ۱۵۱	کحلا، ۲۱۸
قطلونیه، ۸۰	قلیمونه، ۹۰	قولی، ۲۵۶	کحلوان، ۷۸
قَعْبَل، ۲۲۶	قُلُیون، ۱۳۶	قومارقوس، ۱۰۶	کدر، ۲۴۸
قعیلاس، ۳۴	قلیون دِغاته (ثغری)، ۱۳۵	قومن، ۲۴۷	کربز، ۲۵۳
قفالوط، ۲۵۲	قلیونش دِغاته، ۱۵۰	قهلمان، ۲۸۰	کردیلن، ۲۵۳
قفلوط، ۲۴۳، ۲۵۲	قمسیل، ۱۴۸	قیرون، ۲۳۸	کرساخسن، ۱۷۰
قفورا، ۱۴۳	قُمِش، ۲۶۲	قیسارون، ۲۰۱	کُرَشَف، ۲۴۲
قلاقل، ۲۴۴	قمضانا، ۵۹	قیستوس، ۲۶۵	کرسنه، ۱۰۴
قلامُغرسطس، ۱۴۸	قنابری، ۷۶	قیطاقون، ۹۳	کرشاد، ۱۰۶
قلامتی، ۲۲۹	قنار، ۱۱۴	قیطس، ۳۵، ۳۱	کرکر، ۱۹۶
قلاتره، ۲۵۷	قناله، ۲۶۹	قَیْقَب، ۲۹۰	کرکرامحری، ۹۳
قلاتره کمبائه، ۲۵۷	قنا هندی (خوازنه)، ۸۵	قیقیدیس، ۲۱۱	کرکمان، ۱۲۵، ۲۹۱
قُلَانَش، ۲۴۳	قُنباله، ۲۵۱	قیلورا، ۱۴۴	کرکی، ۲۵۵
قُلَب، ۲۴۳	قُنَبیط، ۲۴۵	قیمص، ۲۴۷	کرکیشه، ۱۵۹
قُلیرله، ۲۷۳	قُنَبیط، ۲۵۶	قیمولیا، ۲۶۴	کرنباد، ۲۵۶
قلجونه، ۲۴۳	قتتوله، ۲۷۵	قینا، ۲۴۷	کرنج (تورانی)، ۴۴
قلخیفن، ۱۰۸	قنجوله، ۱۲۲	قیوند، ۲۳۳	کرنجونه، ۲۴۳
قلس، ۱۸۲	قنطا، ۶۹	کابور (ترمذ)، ۷۵	کرنونش (فاس)، ۲۲۳
قلشتر، ۱۸۹	قنلیه، ۱۵۵	کات، ۲۴۸	کرنیبا، ۱۰۶
قلطانه، ۲۵۰	قنول، ۱۴۱	کاربا، ۲۶۴	کروفس، ۱۲۷
قلغورا، ۱۴۳	قَنی، ۲۴۴	کاشوش، ۱۰۰	کرویانه، ۲۵۵
قلفون، ۸۱	قَنیره، ۲۸۰	کافوریوه، ۲۴۹	کَریلا، ۲۵۶
قلفونیا، ۱۵۲	قوتارشوق، ۱۵۲	کافوری نر، ۵۷	کریله، ۲۵۶
قلقاس، ۱۸۱	قوث، ۲۹۳	کافوریه، ۵۷	کزز، ۲۶۳
قُلُقُل، ۲۴۴	قوریون، ۲۹۸	کافیشه، ۲۱۰	کَرمازَج، ۵۷
قُلُقُل، ۲۴۴	قوسی، ۲۰۱	کالَسندروس، ۲۶۴	کَرمازق، ۵۷
قُلُقُلان، ۲۴۴	قوشیا، ۲۳۹	کامن قزیان، ۲۵۷	کَروان، ۲۵۷
قلقونیا، ۲۴۴	قوطاما، ۲۴۷	کاول، ۲۵۲	کست، ۲۳۹

کستج، ۸۴	کمیش، ۲۶۲	گردهیار، ۱۰۳	مابرونه، ۱۶۴
کَسْتَج (اهالی سواد)، ۸۴	کناروس، ۱۱۴	گریال، ۱۰۳	مادله، ۹۹
کَسْمَوْقا، ۲۵۷	کناوس، ۲۶۲	گیاکو، ۱۷۸	مادیون، ۲۸۷
کسمویا، ۲۵۷	کَنِب، ۲۶۲	لاعون، ۲۶۵	ماراقونا، ۱۵۷
کستیون، ۲۵۸	کنباث، ۲۶۲	لاقئون، ۲۵۸	مارش، ۱۰۳
کُشول، ۲۵۷	کنجر، ۱۱۴	لاقوره، ۱۴۰	مارکیا، ۲۹۷
کشبه، ۴۱	کنجروس، ۱۰۰	لَبْرال، ۲۶۶	مارکیوا، ۲۸۸
کُشت، ۲۳۹	کندر، ۲۷۴	لبوکا، ۲۷۵	مارون، ۲۷۵
کُشتج، ۲۵۸	کُندری، ۲۶۳	لَنکو، ۲۶۷	ماسفرم، ۲۷۵
کشرنا، ۲۶۱	کندریا، ۲۷۴	لیحیانی، ۲۶۷	ماسقدون، ۲۷۵
کُشط، ۲۳۹	کندش، ۲۱۶	لختیره، ۱۵۵	ماسقود، ۲۷۵
کشمخه، ۱۲۳	کنده بهروزه، ۷۲	لذار، ۲۶۶	ماطرشَلَبَه، ۱۶۰
کشمخ، ۱۲۳	کندیتر، ۱۹۹	لسباراغوس، ۲۹۷	مَالَبَه، ۱۲۹
کُشْمُخ، ۲۴۳	کوتاکبنا، ۲۶۲	لطره، ۲۵۱	مَالَبَه اوراطه، ۱۲۹
کُشتج، ۲۵۸	کورش، ۱۳۹	لما، ۲۱۴	مَالَبَه بَشْکَه، ۱۲۹
کشوث زَنجی، ۵۶	کورو، ۱۳۲	لَم لَم (برنیق)، ۲۷۱	مَالَبَه مِلوِخه، ۱۲۹
کستیون، ۲۵۸	کوزا، ۲۸۳	لِثْقَوْدَبوی، ۲۵۲	مالیا، ۱۴۴
کفسون، ۲۵۰	کوسک (بستی)، ۷۳	لوبیانیة (اشبیل)، ۴۶	مالیا، ۲۷۶
کفلیون، ۱۰۳	کوشکروا، ۱۱۸	لوسطیون، ۱۵۸	ماما، ۲۷۵
کلاکون، ۹۲	کوکروا، ۱۱۸	لوعَجِدِیطوس، ۲۷۳	ماماقولا، ۱۰۶
کُلت، ۲۵۹	کولپر، ۱۲۱	لوفا، ۲۷۴	مامیران، ۲۰۸، ۲۱۶
کُل داودی، ۲۵۹	کُولَم، ۲۲۷	لوفای کبیر، ۲۴۶	مامیر (قبطی)، ۲۷۱
کُلکان، ۲۵۲	کومرثل، ۲۶۴	لوقابا، ۱۴۰	ما هویداته، ۲۷۶
کلموج، ۱۵۳	کوم (ماوراء النهر)، ۹۹	لوقابس، ۱۴۰	مرا، ۲۷۸
کلنبار، ۲۵۰	کوهج، ۱۶۲	لوقاس، ۲۷۴	مراتیا، ۲۹۹
کلنج، ۲۶۰	کوهیان، ۲۵۲	لوقاقاٹا، ۲۷۴	مراطولس، ۲۴۹
کلنکار، ۲۵۰	کهکب، ۷۲	لوقاین، ۲۷۴	مرانیه، ۲۹۹
کلنکرد، ۲۶۰	کهکم، ۷۲	لوقیدس، ۱۵۵	میرثس، ۳۶
کِلَنکک (بستی)، ۸۳	کهورات، ۲۶۴	لوقیموس، ۵۸	میزتیه، ۳۶
کلوقورون، ۱۸۰	کهیرک، ۷۲	لهولوقوغزاتیس، ۲۷۴	مرخ، ۲۱۱
کلیکان، ۲۶۰	کیسرگونه، ۱۰۳	لیتوقش، ۱۳۳	مرداودوش، ۱۱۳
کماذریوس، ۲۵۹ ۸۶	کیسومر، ۱۰۳	لیتوقه کنبیانه، ۱۳۳	مرددوش، ۱۱۳
کمالیون، ۲۶۱ ۵۱	کیکج، ۱۸۶	لیثانوس، ۲۷۴	مردقوش، ۲۷۹
کمثری چینی، ۲۶۱	کَیکِکِواشه، ۲۶۴	لیرون، ۵۰	مَرْدَکَی، ۲۷۸
کَمَرَزَهَره، ۲۶۱	کیلکان، ۲۶۴	لیلَنج، ۲۹۲	مرز، ۲۴۷
کَمَرک، ۲۶۱	کیموس، ۱۰۰	لیناری (رومانی)، ۲۵۱	مرس، ۲۷۹
کم کام، ۱۹۸	کِیَته، ۲۸۲	لینوسطو، ۸۵	مرسیفا، ۷۶
کموتان، ۱۰۳	گاودر، ۲۹۸	لینوفر، ۲۹۲	مرسینوس، ۳۶

مرطنه، ۹۹	مطرقان، ۹۸	مهرمان، ۵۷	نمشک، ۲۹۰
مَرَطْنَه، ۱۴۸	مطرونیه، ۱۰۶	میربان، ۳۶	نمیسقن، ۲۵۳
مرطولست، ۲۷۹	مَقْلَوس، ۲۷۲	میبه، ۲۸۶	نواصیر، ۳۰۰
مرماحور، ۹۱	مَقْدونس، ۲۵۳	میدیغی، ۱۵۳	نوجی، ۱۰۷
مَرْمَاحور، ۲۷۹	مقدونیس، ۲۵۳	میرادون، ۲۸۰	نوفر، ۲۹۲
مرماحوز، ۲۷۹	مقر، ۱۹۵	میس، ۲۷۲	نوکانی، ۱۲۱
مرماخور، ۲۷۵	مقشلان، ۸۰	میشهار، ۳۷	نہشک، ۲۹۰
مَرْمَازاد، ۲۷۹	مقلونیا، ۲۸۵	میشنای، ۲۸۶	نیاشیرش، ۲۸۲
مرماطوس، ۲۸۰	مقلیانا، ۱۱۵	میشو، ۴۱	نیشق، ۴۱
مرماهوس، ۲۸۰	مکوجوا (زنج)، ۹۵	میشهار، ۵۷	نیشوف، ۵۱
مِرْمَلاط، ۲۷۹	مَلَّاجه بطره، ۱۴۳	میکلس، ۲۸۷	نیشوق، ۴۱
مَرْنَاغر، ۱۰۲	مَلْبَالَه (نغری)، ۱۳۰	میواقتوس، ۲۸۷	نیطافلی، ۲۹۲
مرناغر، ۲۸۰	ملجاله، ۹۸	میودیون، ۲۸۷	وارونه، ۱۰۹
مروریه، ۲۸۰	ملمندر، ۸۸	مَیوره، ۱۱۳	وَخشیزق، ۲۹۳
مروریه، ۲۸۰	مِلْمَنْدَر، ۸۸	میوس، ۱۰۳	وربوعن، ۲۴۹
مرولیه، ۱۳۳	ملوغه، ۱۲۹	میوش اوطا، ۸۳	ورد و فرا، ۱۸۸
مَرْنِش، ۱۴۰	مُلون، ۸۱	مُوش اوطیش، ۱۱۹	ورس، ۲۵۵
مزوبه، ۲۳۷	ملونیا، ۲۸۵	نارتکس، ۲۵۹	وَرَس، ۲۹۵
مستساقفل، ۱۴۸	ملیونا، ۸۱	نارکیو، ۲۸۸	وَرَس غُنده، ۳۹
مس غات، ۲۸۱	ممونون، ۲۸۰	نارکیتوا، ۲۸۸	ورشن، ۲۶۳
مسک طرامسیع، ۲۲۹	متجوشه، ۱۷۸	نارماسیس، ۲۸۸	ورطوری، ۲۹۵
مسمقوره (عجمی اندلس)، ۱۶۰	مَشجوشه، ۱۷۸	نارین بری، ۲۲۸	وریزه، ۹۹
مسیخا، ۱۸۱	متوله میوره، ۲۷۵	ناغبشت، ۲۸۸	وسیج، ۲۹۵
مشا، ۲۸۱	منداغورس، ۳۰۰	ناغبشت، ۲۸۹	وَشیج، ۲۹۵
مشتجی، ۲۸۲	مندغوره، ۳۰۰	نانخواه (اندلس)، ۲۲۸	ونجهک، ۲۹۶
مُشْتَلِیش، ۲۸۲	مَنده، ۱۱۳	نَبال (اندلس)، ۱۲۸	هازان، ۱۱۳
مشک، ۱۸۰	مُشْتَلِیش، ۹۴	نَیسیروله، ۱۵۳	هازوما، ۱۱۳
مشکطرامشیع، ۲۲۹	مو، ۲۸۵	نبقیرس، ۸۰	هال، ۲۹۶
مشمش، ۳۰۰	مواغرن، ۲۸۵	نبنیا، ۲۶۲	هال بوا، ۷۰، ۲۹۶
مشیشثرو (فاس)، ۲۲۹	موران، ۲۸۷	نجاله، ۲۹۰	هاهیرون، ۹۵
مصطنجی، ۲۸۲	موران، ۲۸۷	نَرْتِیُقس، ۲۹۰	هراس، ۵۹
مطخشاله (اندلس)، ۲۶۶	مورجون، ۱۵۷	نرثقس، ۲۵۹	هرانیه، ۲۹۶
مطر دیه (عجمیت اندلس)، ۲۴۲	مورقا (اندلس)، ۲۸۵	نزار، ۳۸	هرتما، ۱۱۳
مطرقال، ۹۸، ۲۶۶	موریون، ۳۰۰	نعاقلیس، ۲۱۱	هرطمان، ۲۶۳
مَطْرَقَال (اندلس)، ۹۸	موز، ۲۰۳	نغرون، ۱۲۶	هرقلوه، ۲۹۶
مطرقال (اندلس)، ۱۸۹	موزق، ۲۸۰	نغزک (تورانی)، ۶۳	هرقلیون، ۱۸۲
	مولی، ۲۸۶	نقخارس، ۱۶۵	هرقلیون، ۱۸۲
	موئج، ۲۸۶	نلک، ۱۶۲	هَرْتُونْد، ۲۹۷

هرنوه، ۲۹۶	یرامع، ۲۹۷
هرنوة، ۲۲۸	یَرْطُور (مغرب)، ۷۴
هَرْنُوة، ۲۳۸	یربطوره، ۲۶۲
هَزْوا، ۲۸۶	یربطورة (اندلس)، ۲۰۸
هسک آقه، ۲۱۰	یَرْطَه، ۱۰۶
هسک توم، ۲۱۰	یربوز، ۱۶۲
هُسْكَفَر، ۲۱۰	یربوع، ۴۹
هشرار، ۱۱۳	یَرْه اشبیلی، ۲۰۴
هشقیقل، ۱۸۸	یربه اوناله، ۸۰
هَلْتی، ۱۷۴	یَرْه اوناله، ۱۴۵
هلموت، ۱۲۲	یَرْه بانکه، ۲۵۷
هلهل، ۹۲	یَرْه بُذلییره، ۱۲۰
هلیانسه، ۱۸۳	یَرْه بَطْرَه، ۲۵۳
هلیوس، ۲۹۷	یربه بطره، ۲۹۱
هلیون، ۱۹۸	یَرْه دى فَوْقَه، ۲۶۶
همینا، ۲۷۶	یَرْه عَلَیشْکه، ۱۴۴
هوزنى، ۸۱	یَرْه فَشوشْکه، ۴۷
هوفسطیداس، ۲۹۹	یربه قرشته، ۱۰۳
هوم الهرایده، ۲۹۹	یَرْه موله (اندلس)، ۱۵۶
هوِغون، ۲۹۹	یستهارمک، ۱۷۹
هیتماره، ۱۱۳	یش کشْکه (اندلس)، ۱۰۶
هیدبوا، ۲۹۶	یعضید، ۱۳۹
هیروم، ۴۳	یَغْفَر، ۲۰۴
هیزارما، ۲۹۰	یلنجوح، ۱۷۹
هیضمان، ۲۲۳	یمرو، ۳۰۰
هیل، ۷۰	یناشته دِنُورْکه، ۱۵۴
هیل بوا، ۷۰	یَنْبوت، ۳۰۱
هیلورش، ۱۳۰	یتون، ۹۷
هیل وهال، ۲۹۶	ینشتاله، ۱۵۴
هیوقسطیداس، ۲۹۹	ینشتاله، ۱۵۱
یاسمون، ۲۹۹	یوس اقطی، ۱۱۰
یاسمین، ۱۰۶، ۱۶۴	یوسیمون، ۱۱۳
یاسمین، ۲۹۹	.
یبروحی دشینا، ۷۲	
یَبیقْیه، ۳۰۰	
یخصص، ۲۵۳	
یَدْختن، ۱۵۷	
یَنْدَره، ۱۱۳	





## ضمیمه (۳)

### فهرست نام‌های علمی و انگلیسی

- ۱ - فهرست نام‌های علمی و انگلیسی گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا
- ۲ - فهرست نام‌های علمی و انگلیسی گیاهان داروئی به ترتیب خانواده

## فهرست نام های علمی و نام های انگلیسی

نام ها در غالب کتب و منابع موجود گیاهان داروئی ، دارای برخی اشتباهات املائی یا چاپی هستند که متأسفانه در کتاب های دیگر نیز به همان صورت تکرار شده اند . همچنین برخی از نام های موجود در منابع ، اکنون نام های مترادف محسوب می شوند. نام درست و اصلی گیاهان با حروف راست سیاه (غیر ایتالیک) در مقابل نام مترادف آن ها ( با حروف ایتالیک ) در جدول مشخص شده است.

نام عمومی یا معادل انگلیسی ( COMMON NAME ) گیاهان داروئی در ستون مقابل نام های علمی آن ها قرار دارد. در یافتن نام های اصلی برای تدوین جدول ، از منابع جدید گیاه شناختی و از اطلاعات اینترنتی نیز استفاده شده است. بدیهی است برخی از نام های جدول - که غالباً مربوط به گیاهان خارج از فلات ایران هستند - در منابع گیاه شناختی و اینترنتی یافت نشد و چون در کتب گیاهان داروئی مکرراً آمده اند به همان صورت در جدول باقی مانده اند. املاء نام های آمده در منابع به طور دقیق بررسی و اصلاح شده است.<sup>۱</sup>

## جدول نام های علمی گیاهان داروئی

### ۱ - نام های علمی گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Abelmoschus esculentus</i> (L.) <i>Moench</i> = <i>Hibiscus esculentus</i> L.	**	Malvaceae	Akar; Gumbo	۷۴
<i>Acacia arabica</i> Willd. = <i>Acacia nilotica</i> Del.	*	Mimosaceae	Babulacacia	۱۹۱، ۱۷۴، ۱۳۲، ۸۲، ۶۲، ۵۲، ۳۲۷، ۳۱۰، ۲۳۹
<i>Acacia ehrenbergiana</i> Hayne.	*	Mimosaceae		۱۷۴
<i>Acacia flava</i> Forsk.		Mimosaceae		۱۷۴
<i>Acacia mellifera</i> Boiss.		Mimosaceae		۱۷۶
<i>Acacia nilotica</i> Del.		Mimosaceae	Gum arabic tree	۱۹۱
<i>Acacia oerfota</i> (Forsk.) Sch.	*	Mimosaceae		۲۸۳، ۲۰۸
<i>Acacia senegal</i> Willd.		Mimosaceae		۲۳۳
<i>Acacia senegalensis</i>		Mimosaceae		۲۳۳
<i>Acacia spirocarpa</i> Hook.		Mimosaceae		۱۷۶
<i>Acacia vera</i> Willd.		Mimosaceae		۳۲۷، ۱۹۱
<i>Acanthus mollis</i> L.	**	Acanthaceae	Bear's breach soft acanthus	۳۳۷
<i>Aceras anthropophora</i> Steud. = <i>Orchis anthropophora</i> (L.) Allioni		Orchidaceae	Man Orchid	۱۳۵
<i>Achillea ageratum</i> L.		Compositae		۳۵۰، ۵۵
<i>Achillea fragrantissima</i> Sch.		Compositae		۲۴۷، ۳۳۷

<sup>۱</sup> - (\*) گیاهان داروئی بومی ایران

(\*\*) گیاهان داروئی کاشته شده

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Achillea millefolium</i> L.	*	Compositae	Common yarrow	۳۵۶، ۱۸۱، ۱۷۱، ۱۵۱
<i>Achillea ptarmica</i> L.		Compositae	Sneezewoort	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۱۶
<i>Achillea pubescens</i> L.		Compositae		۷۷
<i>Achillea</i> sp.		Compositae		۳۴۹
<i>Achillea tomentosa</i> L.		Compositae		۳۴۹، ۳۱۹، ۲۵۷، ۲۲۰، ۱۷۸، ۱۴۶
<i>Achillea viscosa</i> Lam.		Compositae		۳۵۰
<i>Achium diffusum</i> L.		Boraginaceae		۳۴۸
<i>Aconitum anthora</i> L.		Ranunculaceae	Pyrenees monkshood	۲۰۴، ۶۴
<i>Aconitum erectum</i> L.		Ranunculaceae		۱۲۸، ۴۲
<i>Aconitum ferox</i> Wall.		Ranunculaceae		۹۲
<i>Aconitum luridum</i> Hook.		Ranunculaceae		۹۲
<i>Aconitum lycoctonum</i> L.		Ranunculaceae	Wolfsbane monkshood	۳۵۲، ۱۲۹
<i>Aconitum napellus</i> L.	**	Ranunculaceae	Aconite monkshood	۳۵۲، ۳۲۰، ۱۲۹
<i>Aconitum</i> sp.		Ranunculaceae	Monkshood	۹۲، ۶۴
<i>Acorus aromaticus</i> Gilib.		Araceae		۲۹۳، ۲۴۱
<i>Acorus calamus</i> L.	*	Acoraceae	Drug sweet flag; Calamus	۳۰۹، ۲۹۳، ۲۴۱، ۲۴۰، ۱۶۵، ۱۵۰ ۳۲۴
<i>Acrostichum dichotomum</i> Forsk.		Adiantaceae	Maidenhair fern	۲۸۶
<i>Actaea</i> sp.	*	Ranunculaceae	Baneberry	۱۳۸
<i>Adiantum capillus-veneris</i> L.	*	Adiantaceae	South maidenhair; Venus's-hair	۳۵۵، ۱۸۷، ۷۶
<i>Adonsonia</i> sp.		Bombacaceae		۱۲۵
<i>Aegiceras</i> sp.		Myrsinaceae		۳۳
<i>Aegilops ovata</i> L.	*	Gramineae		۳۵۵، ۱۴۷
<i>Aegle marmelo</i> Cor.	*	Rutaceae	Bael fruit ; Bel golden apple Bengal	۱۶۶، ۸۹، ۸۵
<i>Aeluropus littoralis</i> Ga.	*	Gramineae		۲۱۲
<i>Aesculus hippocastanum</i> L.		Hippocastanaceae	Common horse chestnut	۸۷
<i>Aethusa cynapium</i> L.		Umbelliferae	Fool's-parsley aethusa	۱۹۱
<i>Agallochum</i> sp. = <i>Aquilaria agallicha</i>		Thymelaeaceae	Aloes wood, Eagle	۵۴
<i>Agaricus</i> sp.		Agaricaceae – (Mushroom)	Fool's-parsley agric	۲۱۹
<i>Agrimonia eupatoria</i> L.	*	Rosaceae	Agrimony	۳۴۹، ۳۳۵، ۳۱۹، ۲۱۹، ۹۴، ۵۴
<i>Agrimonia</i> sp.		Rosaceae		۲۱۹
<i>Agropyrum repens</i> Beauv.	*	Gramineae	Couch-grass ;Quackgrass	۳۴۹، ۲۱۲، ۹۹
<i>Agrostemma githago</i> L.		Caryophyllaceae	Common corn cockle	۳۴۳، ۲۲۸، ۱۹۲، ۱۶۹، ۲۷
<i>Agrostemma</i> sp.		Caryophyllaceae	corn cockle	۱۶۸، ۱۳۲
<i>Ahyrium filix-mas</i> L.		Dryopteridaceae		۱۷۱
<i>Ajuga chamaepitys</i> L.		Labiatae	Ground pine	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۶۱، ۲۰۷
<i>Ajuga chamaepitys</i> Sch.		Labiatae		۲۶۱
<i>Ajuga iva</i> L.		Labiatae		۲۶۱، ۱۰۴
<i>Ajuga</i> sp.		Labiatae	Bugle	۲۰۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Alangium lamrckii</i> Th.		Alangiaceae	Ankola (Sanskrit)	۲۷
<i>Alangium salviifolium</i> (L.F.) Wan.		Alangiaceae	Sage Leaves	۲۷
<i>Albersia blitum</i> Kunth . = <i>Amaranthus blitum</i> subsp. <i>blitum</i>		Amaranthaceae		۸۴
<i>Albizia lebbek</i> Bth.	*	Mimosaceae	Lebbek tree ; Siris tree	۲۶۶، ۲۷۶
<i>Alcea rosea</i> L.	**	Malvaceae		۳۳۱
<i>Alhagi camelorum</i> Fisch.		Papilionaceae	Camel's-thorn	۳۳۱
<i>Alhagi mannifera</i> Desv.		Papilionaceae		۲۰۶، ۱۱۰
<i>Alhagi maurorum</i> Tourn. = <i>Alhagi pseudalhagi</i> (M.B.) Desf.		Papilionaceae		۲۰۶، ۱۱۰
<i>Alisma plantaga</i> L.		Alismataceae	American water plantain	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۸۱
<i>Alisma</i> sp.		Alismataceae	Water plantain	۲۸۱
<i>Alkanna orientalis</i> (L.) Boiss.	*	Boraginaceae	Yellow bugloss	۲۶۳
<i>Alkanna</i> sp.		Boraginaceae	Alkanet	۱۳۴
<i>Alkanna tinctoria</i> Tausch.	*	Boraginaceae	Dyer's alkanet	۳۴۸، ۳۹، ۳۸
<i>Alliaria officinalis</i> L. = <i>Alliaria petiolata</i> (M.B.) Cav. & Grand.	*	Cruciferae	Garic mustard ; Hedge ; Garrlic	۹۸
<i>Allium ampeloprasum</i> L.	*	Liliaceae	Great round ; Headed garlic	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۳، ۲۵۲
<i>Allium ascalonicum</i> L.	*	Liliaceae	Shallot	۳۳۳، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۴۳
<i>Allium carinatum</i> L.		Liliaceae	Keeled onion	۹۸
<i>Allium cepa</i> L.	*	Liliaceae	Garden onion	۳۳۳، ۲۵۳، ۸۱
<i>Allium descendens</i> L.		Liliaceae		۳۳۳
<i>Allium dioscoridis</i> Sibth.		Liliaceae		۳۳۹
<i>Allium magicium</i> L.		Liliaceae		۸۶
<i>Allium moly</i> L.	**	Liliaceae	Lily leek	۳۳۹، ۳۱۴، ۸۶
<i>Allium porrum</i> L.		Liliaceae	Leek	۳۳۳، ۲۵۲
<i>Allium roseum</i> L.		Liliaceae		۲۵۳
<i>Allium sativum</i> L.	*	Liliaceae	Garlic	۳۳۳، ۹۸
<i>Allium scorodoprasum</i> L.		Liliaceae		۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۲، ۹۹، ۹۸
<i>Allium silvestrum</i>		Liliaceae		۱۸۹، ۹۹، ۹۸
<i>Allium subhirsutum</i> L.		Liliaceae		۳۳۳
<i>Allium ursinum</i> L.		Liliaceae	Ramsons ; Bear's-garlic	۲۵۲
<i>Allium vineale</i> L.		Liliaceae	Field garlic	۲۵۲
<i>Allium xiphopetalum</i> Ait.	*	Liliaceae		۱۸۹، ۹۹، ۹۸
<i>Aloe aloexylon</i>		Liliaceae		۶۱
<i>Aloe scotrina</i>		Liliaceae	Socotrine aloe	۶۱
<i>Aloe vera</i> L.	*	Liliaceae	True aloe	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۹۵، ۶۱
<i>Aloe vulgaris</i> Lam.		Liliaceae	Mediterranean aloe	۳۳۷
<i>Aloexylon agallocha</i> Roxb.		Papilionaceae	Aloe Wood	۲۱۶
<i>Aloexylon agallochum</i> Lou.		Papilionaceae	Aloe Wood	۳۲۵
<i>Alpinia galanga</i> (L.) Will.		Zingiberaceae	Great	۱۳۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Alpinia khulanjan</i> (L.) Will.		Zingiberaceae		۱۳۹
<i>Alpinia officinarum</i> Hance	**	Zingiberaceae	Galangal	۱۳۹
<i>Alpinia</i> sp.		Zingiberaceae		۱۳۹
<i>Althaea cannabina</i> L.	*	Malvaceae		۳۴۶، ۳۱۸، ۱۱۲
<i>Althaea ficifolia</i> R.Br.		Malvaceae		۱۳۶
<i>Althaea officinalis</i> L.	*	Malvaceae	Hollyhock	۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۷، ۱۳۶
<i>Althaea rosea</i> Cavan.		Malvaceae		۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۵، ۱۳۶
<i>Althaea</i> sp.		Malvaceae	Althaea	۱۲۹
<i>Alyssum campestre</i> L. = <i>Aysson minus</i> (L.) Rothu.	*	Cruciferae		۹۶
<i>Alyssum clypeatum</i> L.		Cruciferae		۳۴۲
<i>Alyssum saxatile</i> L.	*	Cruciferae	Golden tuft ; Golden-tuft alyssum	۳۴۲، ۳۱۵، ۶۰
<i>Alyssum</i> sp.		Cruciferae	Alyssum	۶۰
<i>Amaracus dictamnus</i> Ben. = <i>Organum dictamnus</i> L.		Labiatae	Cretan Dittany	۲۸۱
<i>Amaranthus blitum</i> L. = <i>Amaranthus graecizans</i> L. Var. <i>sylvestris</i> (Vil.) Asch.		Amaranthaceae	Prostrate amaranth	۳۳۰، ۳۱۱، ۸۴
<i>Amaranthus cruentus</i> L.	*	Amaranthaceae	Grain Amaranth	۷۹
<i>Amaranthus gangeticus</i> L.		Amaranthaceae	Tumbelweed amaranth	۱۴۳
<i>Amaranthus graecizans</i> L. var. <i>sylvestris</i> (Vil.) Asch.	*	Amaranthaceae		۸۴
<i>Amaranthus paniculatus</i> L.		Amaranthaceae	Scarlet amaranth	۱۴۳
<i>Amaranthus tricolor</i> L.		Amaranthaceae	Love-lies-bleeding	۱۴۳، ۷۹، ۷۶
<i>Ambrosia maritima</i> L.		Compositae		۳۴۴، ۳۱۶، ۷۷، ۶۱
<i>Ammi copticum</i> Boiss.		Umbelliferae		۲۸۹
<i>Ammi visnaga</i> (L.) Lam.	*	Umbelliferae	Bishop's Flower; Visnaga	۳۴۰، ۲۸۹
<i>Amomum cardamomum</i> L. = <i>Amomum compactum</i> Sol. ex Maton = <i>Elettaria cardamomum</i> (L.) Maton		Zingiberaceae	Tooth pick ammi ; Bishop's-weed	۱۲۴
<i>Amomum granum-paradisi</i> L. = <i>Aframomum granum-paradisi</i> K. Schum		Zingiberaceae		۲۹۶، ۲۳۲، ۱۰۸
<i>Amomum racemosum</i> L.		Zingiberaceae		۱۲۴
<i>Amomum racemosum</i> Lam.		Zingiberaceae		۳۲۴، ۳۰۹
<i>Amomum repens</i> Son.		Zingiberaceae		۲۳۲
<i>Amomum</i> sp.		Zingiberaceae		۲۹۶، ۲۳۲
<i>Amomum zerumbet</i> L. = <i>Zingiber zerumbet</i> (L.) Smith = <i>Zingiber officinale</i> Roscoe		Zingiberaceae		۱۶۱
<i>Amomun melegueta</i> Ros. = <i>Aframomum melegueta</i> K. Schum.		Zingiberaceae		۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲
<i>Amygdalus amara</i> Hayne		Rosaceae		۲۷۲
<i>Amygdalus communis</i> L.	*	Rosaceae	Almond	۳۲۹، ۲۷۲
<i>Amygdalus dulcis</i> Mill.		Rosaceae		۲۷۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Amygdalus persica</i> L.		Rosaceae	Peach tree	۱۳۹
<i>Amyris elemifera</i> L.		Rutaceae	Galangal ; Java galangal ; Galingale	۲۶۶
<i>Amyris gileadensis</i> L.		Rutaceae		۱۶
<i>Amyris kataf</i> Forsk.		Rutaceae		۳۲۵، ۱۷۸
<i>Amyris myrrh</i> Hafal.		Rutaceae		۳۲۵
<i>Amyris opobalsamum</i>		Rutaceae		۲۸۵
<i>Amyris</i> sp.		Rutaceae	Torchwood ; Balsam shrub	۳۲۵
<i>Anacyclus pyrethrum</i> DC.		Compositae		۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۵، ۲۰۶
<i>Anacyclus radiatus</i> L.		Compositae		۹۱
<i>Anacyclus valentine</i>		Compositae		۹۱
<i>Anagallis arvensis</i> L.	*	Primulaceae	Scarlet runner bean	۳۳۵، ۶۳، ۳۴
<i>Anagallis coerulea</i> Schreb.		Primulaceae	Blue pimpernel	۳۳۵، ۶۳
<i>Anagyris foetida</i> L.	*	Papilionaceae	Mediterranean stinkbush	۳۴۶، ۳۱۸، ۳۰۱، ۶۳، ۶۲
<i>Anagyris</i> sp.		Papilionaceae		۳۰۱
<i>Anamirta paniculata</i> Colebr. = <i>Cocculus indicus</i> Royle		Menispermaceae	Indicus Cocculus	۲۷۷
<i>Anastatica hierochuntica</i> L.	*	Cruciferae	Jericho resurrection mustard	۱۹۸، ۱۸۶
<i>Anchusa hybrida</i> Ten.		Boraginaceae	Carly bugloss	۲۶۸
<i>Anchusa italica</i> Retz.		Boraginaceae	Italian bugloss	۲۶۸، ۲۶۸
<i>Anchusa officinalis</i> L.		Boraginaceae	Common buckwheat	۲۶۸
<i>Anchusa paniculata</i> Ait.		Boraginaceae		۳۵۴
<i>Anchusa tinctoria</i> L.		Boraginaceae		۱۲۴، ۳۹
<i>Andropogon jawarancusa</i> Jo.		Boraginaceae		۴۳
<i>Andropogon lanigera</i> Desf.		Gramineae		۴۳
<i>Andropogon nardus</i> L.		Gramineae		۱۱۷
<i>Andropogon schoenanthus</i> L.		Gramineae		۳۲۴، ۳۰۹، ۴۳
<i>Andropogon sorghum</i> Brot. = <i>Sorghum vulgare</i> Pers.	*	Gramineae	Sorghum	۳۲۹، ۱۵۰، ۱۴۳
<i>Andropogona martini</i> Roxb.		Gramineae		۲۴۱
<i>Androsace lactea</i> L.		Primulaceae		۳۴۵، ۳۱۷، ۲۴۳
<i>Androsace</i> sp.	*	Primulaceae		۲۴۳، ۱۰۴
<i>Anemone coronaria</i> L.		Ranunculaceae	Poppy anemone	۳۳۵، ۳۱۲، ۱۸۸
<i>Anemone hortensis</i> L.		Ranunculaceae		۳۳۵، ۱۸۸
<i>Anemone pulsatilla</i> L.		Ranunculaceae	Yellow Anemone	۱۸۸
<i>Anemone</i> sp.	*	Ranunculaceae	Anemone	۱۸۸، ۱۳۴
<i>Anethum graveolens</i> L.	*	Umbelliferae	Dill	۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۴، ۱۱۷، ۹۷
<i>Angelica sylvestris</i> L.		Umbelliferae	Angelika, Echte Brustwurz	۳۴۰
<i>Anisum stellatum</i> L.		Umbelliferae		۷۲
<i>Anisum vulgare</i> Gaertn.		Umbelliferae		۶۷
<i>Antennaria</i> sp.		Compositae	dillweed, dillseed, dill	۲۰۵

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Anthemis arvensis</i> L.		Compositae	Field camomile	۳۴۶، ۲۹۵، ۲۱۷، ۹۱، ۵۸
<i>Anthemis chia</i> L.		Compositae		۳۴۵
<i>Anthemis nobilis</i> L.		Compositae	Roman chamomile ; English camomile	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۳۵، ۷۰، ۶۴، ۵۸
<i>Anthemis pyrethrum</i> L.		Compositae		۲۱۶، ۲۰۶
<i>Anthemis rosea</i> Sibth.		Compositae		۳۴۶
<i>Anthemis</i> sp.		Compositae	Comomile	۵۸
<i>Anthemis tinctoria</i> L.		Compositae	Golden Marguerite	۳۴۶، ۹۱، ۵۸
<i>Anthemis valentina</i> L.		Compositae		۳۴۶
<i>Anthericum graecum</i> L.		Scrophulariaceae		۳۴۳
<i>Anthericum ramosum</i> L.		Scrophulariaceae		۲۲۳
<i>Antirrhinum asarina</i> L.		Scrophulariaceae		۱۲۸
<i>Antirrhinum majus</i> L.	*	Scrophulariaceae	Common snapdragon	۳۵۷، ۳۲۰، ۶۷
<i>Apargia</i> sp. = <i>Leontodon</i> sp.		Compositae		۳۳۲
<i>Apera spica-venti</i> L.		Gramineae	Wind bent grass ; Wind grass ; Corn grass	۲۹۶
<i>Apium</i> Gr.		Umbelliferae	Celery	۲۵۴
<i>Apium graveolens</i> L.	*	Umbelliferae	Wihd celery	۳۴۱، ۲۵۴
<i>Apium petroselinum</i> L. = <i>Petroselinum sativum</i> Hoffm.		Umbelliferae	Percely, Persil, Petersilie, Petroselinum, Roc Parsley	۲۵۴
<i>Apium vulgare</i> L.		Umbelliferae		۲۵۴
<i>Apocynum erectum</i> Vell.		Apocynaceae		۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲، ۴۳
<i>Apocynum</i> sp.		Apocynaceae	Dogbane	۱۲۸
<i>Aquilaria malaccensis</i> Lam.		Thymelaeaceae	Agarwood	۲۱۶
<i>Arbutus andrachne</i>		Ericaceae		۳۲۸
<i>Arbutus</i> sp.		Ericaceae		۲۴۲، ۲۳۱
<i>Arbutus unedo</i> L.	*	Ericaceae	Strawberry saxifrage ; Aron's- beard	۳۲۸، ۲۴۲، ۲۳۱، ۲۱۱، ۱۰۶
<i>Arctium bardana</i> Willd.		Compositae		۴۵
<i>Arctium lappa</i> L.	*	Compositae	Great burdock	۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵
<i>Arctium tomentosum</i> Shkuhr.		Compositae	Cotton burdock	۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵
<i>Arctostaphylos uva-ursi</i> Spreng.		Ericaceae	Bearberry	۲۱۵
<i>Areca catechu</i> L.		Araceae	Betel-nut palm ; betel palm	۲۳۰، ۵۴
<i>Areca catechu</i> Willd.		Araceae	Areca Nut	۱۲۰
<i>Areca faufel</i> Gaertn.		Araceae		۲۳۰
<i>Argemone</i> sp.		Papaveraceae	Prickly poppy	۴۴
<i>Aristolochia boetica</i>		Aristolochiaceae		۳۳۶
<i>Aristolochia longa</i> L.		Aristolochiaceae	Long-rooted Birthwort	۱۶۱
<i>Aristolochia pallids</i> Round = <i>Aristolochia pallida</i> Willd.		Aristolochiaceae	Wild Ginger	۳۳۵
<i>Aristolochia rotunda</i> L.		Aristolochiaceae	snakeroot	۱۶۱



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Aristolochia sempervirens</i> L.		Aristolochiaceae	Birthwort	۳۳۶
<i>Aristolochia</i> sp.		Aristolochiaceae	Dutchman's-pipe-birthwort	۳۳۵، ۳۱۳، ۱۶۱
<i>Armeniaca vulgaris</i> Lam. = <i>Prunus armeniaca</i> L.		Rosaceae	Common apricot ; Apricot	۲۸۲
<i>Arnopogon picroides</i> Willd. = <i>Tragopogon capensis</i> Jacq. = <i>Tragopogon picroides</i> L. = <i>Urospermum capense</i> (Jacq.) Spreng. = <i>Urospermum picroides</i> (L.) Scop. ex Schmidt		Compositae	prickly goldenfleece, urospermum	۳۴۰
<i>Artemisia abrotanum</i> L.		Compositae	Old-man wormwood ; Southern wood	۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷
<i>Artemisia absinthium</i> L.	*	Compositae	Common worm ; Absinthium	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۳۰، ۵۶
<i>Artemisia arborescens</i> L.		Compositae	Sagewort worm wood ; Field wormwood	۳۴۴، ۱۹۳
<i>Artemisia campestris</i> L.		Compositae	Tarragon	۳۴۴
<i>Artemisia dracunculus</i> L.	*	Compositae	Maritime wormwood	۲۰۲
<i>Artemisia judaica</i> L.		Compositae	Wormwood	۲۰۶، ۱۹۳
<i>Artemisia maritima</i> L.		Compositae	Sea Wormwood	۳۳۷، ۱۹۳، ۷۷، ۵۶
<i>Artemisia palmate</i> Lam.		Compositae		۳۳۷
<i>Artemisia pontica</i> L.		Compositae	Roman wormwood	۳۳۷، ۱۹۳
<i>Artemisia santonica</i> Lam.	*	Compositae		۱۹۳
<i>Artemisia siversiana</i> Ehrh. & Willd.		Compositae		۵۶
<i>Artemisia</i> sp.		Compositae	Wormwood ; Sagebrush	۱۹۳، ۷۷
<i>Artemisia vulgaris</i> L.	*	Compositae	Douglas Mugwort	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷
<i>Arum arisarum</i> L.		Araceae		۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳
<i>Arum colocasia</i> L.		Araceae		۲۴۴، ۲۳۱، ۱۲۵
<i>Arum dioscoridis</i> L.		Araceae		۳۳۴
<i>Arum dracunculus</i> L.		Araceae	Common stink dragon	۳۳۴، ۳۱۲، ۲۸۶، ۲۷۳، ۲۳۱
<i>Arum esculenta</i> L.		Araceae		۲۴۴
<i>Arum italicum</i> L.		Araceae	Italian arum	۲۷۳، ۱۵۰، ۱۴۲
<i>Arum maculatum</i>		Araceae	Lords-and-lodies ; Cuckoopint	۳۳۴، ۲۷۳
<i>Arum</i> sp.		Araceae	Arum	۲۳۱
<i>Arum vulgare</i> L.		Araceae		۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳
<i>Arundinaria</i> sp.	*	Gramineae		۲۱۳
<i>Arundo bambos</i> L.		Gramineae		۱۹۹
<i>Arundo donax</i> L.	*	Gramineae	Giant reed	۳۲۶، ۲۴۰
<i>Arundo phragmites</i> L.		Gramineae		۲۴۰
<i>Asarum europaeum</i> L.		Aristolchiaceae	European wild ginger	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۹۰، ۴۶
<i>Asclepias cynanchoides</i> Humb.		Aslepiadiaceae		۲۰۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Asclepias gigantea</i> R.Br.		Asclepiadiaceae		۲۰۹
<i>Asclepias vincetoxicum</i> L.		Asclepiadiaceae		۳۴۲، ۳۱۵، ۲۴۵
<i>Ashbia gossypii</i> = <i>Eremothecium gossypii</i> (Fungi)			Strain Number	۲۴۰
<i>Asparagus acutifolius</i> L.		Asparaginaceae	Sharp-leaved asparagus	۳۳۱، ۲۸۹
<i>Asparagus adscendens</i> Roub.		Asparaginaceae		۲۹۷
<i>Asparagus officinalis</i> L.		Asparaginaceae	Common asparagus	۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۷، ۲۸۹، ۱۹۸
<i>Asparagus</i> sp.		Asparaginaceae	Asparagus	۲۹۷
<i>Asperugo procumbens</i> L.	*	Boraginaceae	Grman madwort ; madwort	۷۱، ۳۴
<i>Asphodelus damascenus</i> Boiss.		Liliaceae		۵۱
<i>Asphodelus microcarpus</i> (L.) Swartz		Liliaceae		۱۳۸
<i>Asphodelus ramosus</i> L.		Liliaceae		۳۳۴، ۱۳۸
<i>Asphodelus</i> sp.		Liliaceae		۱۳۸
<i>Aspidium aculeatum</i> Smit . = <i>Polystichum aculeatum</i>		Polypodiaceae	Hard shield fern; prickly shield fern; hedge fern	۳۵۷
<i>Aspidium lonchitis</i> L.		Polypodiaceae		۳۴۶، ۳۱۷، ۲۷۱، ۱۵۷، ۱۱۴، ۱۱۳
<i>Asplenium adiantum-nigrum</i> L.		Aspleniaceae	Black spleenwort	۱۶۹، ۴۴ ۳۵۷
<i>Asplenium ruta muraria</i> L.		Aspleniaceae	Wall rue	۱۷۱
<i>Asplenium trichomanes</i> L.		Aspleniaceae	Maidenhair spleenwort	۳۵۵، ۱۸۷، ۱۶۹
<i>Aster alpinus</i> L.	*	Compositae	Alpine aster	۱۳۲
<i>Aster amellus</i> L.		Compositae	Italian aster	۳۵۴، ۵۴، ۴۸
<i>Aster atticus</i> Pall.		Compositae		۵۴، ۴۸، ۴۷
<i>Aster tripolium</i> L.	*	Compositae	Tripoli aster ; Sea aster	۲۰۳، ۹۳، ۴۸
<i>Astragalus annularis</i> FORSSK.	*	Papilionaceae		۱۱۴
<i>Astragalus aristatus</i> L.		Papilionaceae		۳۳۷
<i>Astragalus arnacantha</i> M.		Papilionaceae		۲۹۲، ۲۳۳
<i>Astragalus boeticus</i> L.	*	Papilionaceae	Swedish coffe	۳۵۱
<i>Astragalus creticus</i> Lam.		Papilionaceae		۳۳۶
<i>Astragalus fasciculaeifolius</i> Boiss.	*	Papilionaceae		۶۶
<i>Astragalus glaux</i> L.		Papilionaceae	Tragacanth milk vetch	۳۵۵
<i>Astragalus gummifera</i> Lab.		Papilionaceae		۳۵۱، ۲۳۳، ۸۵
<i>Astragalus hamosus</i> L.	*	Papilionaceae		۵۹
<i>Astragalus poterium</i> L.		Papilionaceae		۳۳۶، ۳۱۳، ۲۳۳
<i>Astragalus sarcocolla</i> Dym.		Papilionaceae		۶۶
<i>Astragalus sarcocolla</i> L.		Papilionaceae		۳۴۲، ۳۱۵
<i>Astragalus sesameus</i> L.	*	Papilionaceae		۴۸۳، ۴۷
<i>Astragalus</i> sp.		Papilionaceae		۳۵۵، ۳۵۱، ۳۱۹
<i>Astragalus tragcantha</i> L.		Papilionaceae		۳۳۷، ۳۱۳، ۳۵۱، ۲۳۳

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Astrattikos tripolium</i> L. = <i>Aster tripolium</i> L.ssp. <i>tripolium</i>		Compositae		۳۵۷
<i>Athamanta cretensis</i> L.		Umbeliferae		۱۴۸، ۱۱۸، ۱۰۳
<i>Athamanta macedonica</i> L.		Umbeliferae		۲۶۱
<i>Athamanta oreoselinum</i> L.		Umbeliferae		۲۵۴
<i>Athamanta</i> sp.		Umbeliferae		۳۴۱
<i>Atractylis gummifera</i> L.Q.		Compositae		۳۳۶، ۹۷، ۵۱
<i>Atriplex halimus</i> L.	**	Chenopodiaceae	Shrubby arach	۳۲۶، ۳۰۹، ۲۸۴، ۲۴۲
<i>Atriplex hastata</i> L.	*	Chenopodiaceae	Halberd-leaved Arrach	۲۴۲
<i>Atriplex hortensis</i> L.	*	Chenopodiaceae	Garden orach	۳۴۲، ۳۳۱، ۲۴۱، ۱۶۱، ۱۷۰
<i>Atriplex rosea</i> L.		Chenopodiaceae	Tumbling orach	۳۳۱، ۲۴۲، ۱۷۰، ۱۷۰
<i>Atriplex</i> sp.		Chenopodiaceae		۲۴۱، ۱۷۰
<i>Atropa mandragora</i> L.		Solanaceae		۳۵۲، ۳۰۰
<i>Aucklandia costus</i> Fal. = <i>Aucklandia lappa</i> (Decne.)= <i>Saussurea costus</i> (Falc.)= <i>Saussurea lappa</i> (Decne.)		Compositae		۲۳۹
<i>Avena elatior</i> L.		Gramineae		۱۴۷
<i>Avena fatua</i> L.	*	Gramineae	Wild oat	۳۵۰، ۲۳۷، ۹۱
<i>Avena sativa</i> L.	*	Gramineae	Common oat	۳۵۰، ۲۹۶، ۲۳۷، ۱۷۴
<i>Avena</i> sp.		Gramineae	Oat	۱۳۱
<i>Avicennia officinalis</i> L.	*	Avicenniaceae		۲۳۸
<i>Azadirachta indica</i> Juss. = <i>Melia Azadirachta</i> L.	**	Meliaceae	Margosa; Neem	۳۵
<i>Baccharis</i> sp.		Compositae	Baccharis	۳۳۹، ۳۱۴
<i>Balanites aegyptiaca</i> L.		Balanitaceae	Higleeg	۱۶۳
<i>Balaustion</i> sp.		Myrtacea		۱۵۸
<i>Ballota nigra</i> L.	*	Labiatae	Black balllota ; Blak horehound	۳۴۳، ۳۱۶، ۱۷۹، ۸۷، ۲۲۴
<i>Ballota pseudodictamnus</i> Benth.		Labiatae	Ballota	۳۳۸
<i>Balsamina hortensis</i> L.		Balsaminaceae		۲۱۱
<i>Balsamodendron africanum</i> Arn.		Burseraceaea	African Bdeillum	۲۸۴
<i>Balsamodendron</i> DC.		Burseraceaea		۸۶
<i>Balsamodendron kataf</i> = <i>Commiphora kataf</i>		Burseraceaea		۲۴۲
<i>Balsamodendron mukul</i> Hook.		Burseraceaea	Bdeillum Gum, Guggul, Guggulipid, Gum Gugal, Salaitree	۲۸۴، ۲۶۴
<i>Balsamodendron myrrha</i> Nees.		Burseraceaea	Gum myrrh tree	۲۷۸، ۸۶
<i>Bambusa arundinacea</i> Willd. = <i>Arundo bambos</i> L. = <i>Bambusa bambos</i> (L.) Voss		Gramineae	Reed bamboo, Spiny bamboo, Thorny bamboo, Indian bamboo.	۲۰۰، ۱۴۰
<i>Bambusa</i> sp.		Gramineae	Bamboo	۱۴۰
<i>Barbarea vulgaris</i> R.Br.		Cruciferae	Bitter winter cress	۱۰۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Barjonia racemosa</i> Decne.		Asclepiadaceae		۴۲
<i>Baswellia</i> Roxb.		Burseraceae		۳۲۵، ۲۷۴
<i>Bdellium</i> Engl.		Burseraceae	aromatic gum resin obtained from trees of the genus <i>Commiphora</i>	۲۸۴
<i>Bdellium indicum</i>		Burseraceae		۲۸۴
<i>Berberis asiatica</i> Roxb.	*	Berberidaceae	Asiatic barberry	۶۱
<i>Berberis lycium</i> Roy.	**	Berberidaceae		۱۲۰
<i>Berberis vulgaris</i> L.	*	Berberidaceae	European barberry	۶۱
<i>Beta vulgaris</i> L.	*	Chenopodiaceae	Common beet	۳۳۱، ۱۹۷، ۱۹۲، ۱۷۴
<i>Betonica alopecuroides</i> L.		Labiataeae		۳۴۷
<i>Betonica officinalis</i> L.		Labiataeae	Common betony	۲۳۹
<i>Bistorta officinalis</i> Rafin. = <i>Polygonum bistorta</i> L.		Polygonaceae	Common betony	۶۴
<i>Blepharis persica</i>	*	Acantaceae		۶۵
<i>Blitum virgatum</i> L. = <i>Chenopodium foliosum</i> (Moench) Asch.		Chenopodiaceae	Strawberry Blite, Goosefoot, Pigweed	۸۴
<i>Bonaveria securidaca</i> Desv. = <i>Coronilla securidaca</i> L. = <i>Securigera coronilla</i> DC. = <i>Securigera securidaca</i> (L.) Degen & Doerfler		Papilionaceae		۶۹
<i>Borago officinalis</i> L.	**	Boraginaceae	Common borrago	۲۶۸
<i>Boswellia carterii</i> Bird		Burseraceae	Bible frankincense	۲۶۳، ۳۲۵،
<i>Boswellia serrata</i> Roxb.		Burseraceae	Indian frankincense; Salai tree	۲۶۳
<i>Boswellia</i> sp.		Burseraceae	Frankincense ; Incense tree	۲۶۱
<i>Bovista plumbea</i> Pers. = <i>Lycoperdon plumbeum</i>		Lycoperdaceae – Macrofungi	Lead-grey Bovist.	۲۲۶
<i>Brassica alba</i> L.		Cruciferae	White mustard	۳۳۳، ۱۱۵
<i>Brassica bunias</i> DC.		Cruciferae		۳۳۰
<i>Brassica campestris</i> L.	*	Cruciferae	Bird rape	۱۹۰
<i>Brassica campestris</i> L. var. <i>napus</i> Bal.		Cruciferae		۱۹۰
<i>Brassica capitata</i> Hort.		Cruciferae		۲۵۶
<i>Brassica caulorapa</i> Pasq.		Cruciferae		۲۵۶
<i>Brassica cretica</i> L.		Cruciferae		۳۳۱
<i>Brassica erucastrum</i> L.		Cruciferae		۱۰۲
<i>Brassica incana</i> L.		Cruciferae		۳۳۱، ۲۵۶
<i>Brassica napus</i> L.		Cruciferae	Winter rape	۳۳۰، ۱۹۰
<i>Brassica nigra</i> Koch.		Cruciferae	Black mustard	۱۳۱
<i>Brassica oleracea</i> L.	*	Cruciferae	Wild cabbage	۳۳۱، ۲۵۶
<i>Brassica oleracea</i> var. <i>botrytis</i>	*	Cruciferae	Cauliflower	۲۴۵
<i>Brassica rapa</i> L.		Cruciferae	Turnip	۳۳۰
<i>Brassica sinapistrum</i> Boiss.		Cruciferae		۱۳۱

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Bryonia alba</i> L.		Cucurbitaceae	White bryony	۲۹۷، ۲۲۲
<i>Bryonia dioica</i> Jacq.	*	Cucurbitaceae	Red-berry bryony	۲۹۷، ۲۲۲
<i>Bryonia</i> sp.		Cucurbitaceae	Bryony	۲۲۲
<i>Bulbocodium vernum</i> L.		Liliaceae	Vernal Bulbocodium, Medowe Saffron	۱۶۲
<i>Bunias erucago</i> L.		Cruciferae		۳۳۰
<i>Bunium bulbocastanum</i> L.		Umbeliferae		۱۰۸
<i>Buphthalmum speciosissimum</i> Ard.		Umbeliferae		۲۹۵
<i>Bupleurum fruticosum</i> L.		Umbeliferae	Shrub thoroughwax	۳۴۰، ۱۸۲، ۱۲۱
<i>Bupleurum rotundifolium</i> Schou.	*	Umbeliferae	Round-leaved thoroughwax ; Round-leave hare's-ear	۱۲۱
<i>Bupleurum</i> sp.		Umbeliferae	Oxyeye	۱۲۱
<i>Buxus dioica</i> For.		Buxaceae		۲۵۱
<i>Buxus sempervirens</i> L.		Buxaceae	Common box	۲۰۷، ۸۲
<i>Cacalia</i> sp.		Compositae		۲۳۳، ۲۳۲
<i>Cacalia verbascifolia</i> Sib.		Compositae		۲۳۲
<i>Caccinia glauca</i> Savi . = <i>Cacalia macranthera</i> Var. <i>crassifolia</i> (Vent.) Brand	*	Boraginaceae		۲۶۸
<i>Cachrys libnotis</i> L.		Umbeliferae		۳۴۱، ۳۱۵
<i>Cadaba farinosa</i> Forsk.		Capparidaceae		۱۶۹، ۳۳
<i>Cadaba</i> sp.		Capparidaceae		۱۶۹
<i>Caesalpinia bonducella</i> Fl. = <i>Caesalpinia bonduc</i> Roxb.	*	Caesalpinaceae	Nicker-nut caesalpina	۱۵۵، ۸۸، ۵۴
<i>Caesalpinia echinata</i> L.		Caesalpinaceae	Prickly brazilwood	۲۱۵
<i>Caesalpinia sappan</i> L.		Caesalpinaceae	Sappan caesalpinia	۸۵
<i>Caesalpinia</i> sp.		Caesalpinaceae	Brasiletto	۲۱۵
<i>Cakile maritima</i> Sco.		Cruciferae	GULF SEAROCKET	۲۴۳، ۲۳۲
<i>Calamintha acinos</i> Man.		Labiatae	Spring savory	۲۲۵
<i>Calamintha graveolens</i> Benh.		Labiatae		۲۲۵
<i>Calamintha incana</i> Boiss. & Held.		Labiatae		۱۵۳
<i>Calamus aromaticus</i> = <i>Acorus aromaticus</i> Lam.		Araceae	Sweet flag	۲۹۳، ۲۴۰
<i>Calamus asiaticus</i>		Araceae		۲۹۳
<i>Calamus draco</i> Willd . = <i>Daemonoropos draco</i> BLUME		Araceae		۱۴۷
<i>Calendula arvensis</i> L.		Compositae	Pot marigold	۳۵
<i>Calendula officinalis</i> L.	*	Compositae		۳۵۷، ۳۵
<i>Calligonum comosum</i> L.	*	Polygonaceae		۴۴
<i>Calligonum</i> sp.		Polygonaceae	Calligonum	۴۴
<i>Callitris quadrivalvis</i> Vent.		Cupressaceae	Arar tree	۱۷۸
<i>Callitris</i> sp.		Cupressaceae	Cypress pine	۱۷۸

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Calotropis procera</i> R.B.	*	Asclepiadaceae	French cotton	۲۰۹
<i>Calotropis</i> sp.		Asclepiadaceae	Calotrope	۲۰۹
<i>Calycotom spinosa</i> Lk . = <i>Calycotome spinosa</i> (L.) Link.		Papilionaceae	ginestra spinosa	۳۲۴، ۱۴۱
<i>Camelina sativa</i> Crant.		Cruciferae	Big-seeded false flax	۳۵۴
<i>Campanula lacinata</i> L.		Campanulaceae		۳۴۸
<i>Campanula ramosissima</i> Sibth.		Campanulaceae		۴۲
<i>Camphorosma glabrum</i> L.		Chenopodiaceae		۲۴۹
<i>Camphorosma</i> sp.	*	Chenopodiaceae	Camphorfume	۱۶۰
<i>Canna</i> sp.		Cannaceae	Canna	۲۴۵
<i>Cannabis indica</i> L.		Cannabaceae		۱۱۲
<i>Cannabis sativa</i> L.		Cannabaceae	Hemp	۳۴۶، ۲۴۵، ۱۱۲، ۹۵
<i>Cannabis sativa</i> L. var. <i>indica</i>		Cannabaceae		۳۴۶، ۳۱۷، ۱۱۲
<i>Cannabis sylvestris</i>		Cannabaceae		۲۴۵
<i>Capparis</i> sp.		Capparidaceae	Caper-caperbush	۲۵۰
<i>Capparis spinosa</i> L.	*	Capparidaceae	Common capers	۳۳۴، ۳۱۲، ۲۵۰
<i>Capsicum frutescens</i> L.		Solanaceae	Spanish pepper ; Bush red pepper	۲۲۸، ۱۴۲
<i>Capsicum minimum</i> Rox.		Solanaceae		۲۹۷
<i>Capsicum</i> sp.		Solanaceae	Red pepper	۲۲۸
<i>Cardamine amara</i> L.		Cruciferae		۲۳۶
<i>Cardamomum</i> sp. = <i>Elettaria cardamomum</i> (L.) Maton = <i>Amomum cardamomum</i> L.		Zingiberaceae	cardamom	۳۰۹، ۲۳۶
<i>Cardopatum corymbosum</i> pers.		Compositae		۳۳۶، ۵۱، ۴۷
<i>Carduus benedictus</i> Auct.		Compositae		۷۱
<i>Carduus pycnocephalus</i> L.	*	Compositae		۳۳۶
<i>Carthamus lanatus</i> L.	*	Compositae	Woolly safflower	۳۴۲، ۲۳۷، ۲۱۰، ۴۲
<i>Carthamus</i> sp.		Compositae	Safflower ; False saffron	۲۳۸
<i>Carthamus tinctorius</i> L.	*	Compositae	Safflower	۲۳۶، ۲۱۰، ۴۲
<i>Carum ammioides</i> Benth.		Umbeliferac		۱۵۵
<i>Carum ammioides</i> Benth.		Umbeliferac		۳۶
<i>Carum bulbocastanum</i> Koch.		Umbeliferac		۲۶۲
<i>Carum carvi</i> L.		Umbeliferac	Caraway	۳۴۰، ۳۱۴، ۲۶۲، ۲۵۶
<i>Carum copticum</i> Ben . = <i>Trachypnum copticum</i> (L.) Link		Umbeliferac	Ajowan caraway	۳۴۰، ۲۸۹، ۲۶۲
<i>Carum petroselinum</i> Benth. & Hook.		Umbeliferac		۳۴۱، ۳۱۵، ۲۲۷، ۲۵۴
<i>Carya</i> sp.		Juglandaceae	Hickory	۲۳۲
<i>Caryophyllus aromaticus</i> L.		Caryophyllaceae		۲۳۸
<i>Cassia absus</i> L.		Caesalpinaceae		۹۴
<i>Cassia acutifolia</i> Deli.		Caesalpinaceae	Alexandria senna	۱۷۷
<i>Cassia angustifolia</i> Vahl.		Caesalpinaceae	Congo senna	۱۷۷
<i>Cassia fistula</i> L.		Caesalpinaceae	Golden-shower	۱۴۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			senna ; purging cassia	
<i>Cassia lanceolata</i> Forsk.		Caesalpinaceae		۱۷۷
<i>Cassia obovata</i> Coll.		Caesalpinaceae		۲۱۰
<i>Cassia sophora</i> L.		Caesalpinaceae		۲۱۰
<i>Cassia tora</i> L.		Caesalpinaceae		۲۴۴، ۲۱۰، ۱۵۸
<i>Castanea sativa</i> Mill.		Fagaceae	European chestnut ; Spanish chestnut	۸۷
<i>Castanea vesca</i> Gaertn.		Fagaceae		۸۷
<i>Castanea vulgaris</i> Lam.		Fagaceae		۸۷
<i>Caucalis maritima</i> L.		Umbeliferae		۳۳۲، ۳۱۴
<i>Caucalis orientalis</i> (L.) RE . = <i>Astrodaucus orintalis</i> (L.)Drude		Umbeliferae		۸۹
<i>Cedrus deodara</i> Loud.	**	Pinaceae	Deodar cedar	۱۴۹
<i>Cedrus libani</i> Barrel.	**	Pinaceae	Cedar Lebanon	۳۲۶، ۳۰۹، ۲۳۴، ۴۴
<i>Cedrus libani</i> Loud.	**	Pinaceae		۱۴۹
<i>Celosia argentea</i> L.	**	Amarantaceae	Feather cockscomb	۷۹
<i>Celtis australis</i> L.	*	Ulmaceae	European hackberry	۳۲۸، ۲۷۲
<i>Celtis</i> sp.		Ulmaceae	Haircap moss	۲۸۶
<i>Cenchrus frutescens</i> Sieber		Gramineae		۳۲۶
<i>Centaurea aegpitiaca</i> Del.		Compositae		۲۷۸
<i>Centaurea alexandrina</i> D.		Compositae		۲۷۸
<i>Centaurea behen</i> L.	*	Compositae	White behen	۹۱
<i>Centaurea benedicta</i> L.		Compositae		۱۱۰
<i>Centaurea calcitrapa</i> L.		Compositae	Star thistle	۲۷۸
<i>Centaurea centaurium</i> L.		Compositae		۳۳۶، ۳۱۳، ۲۴۶
<i>Centaurea cyanus</i> L.	*	Compositae	Corn flower ; Bachlor's button ; Bluebottle	۲۴۶، ۱۰۸
<i>Centaurea minus</i> Moen.		Compositae		۲۴۶
<i>Centaurea officinale</i>		Compositae		۲۴۶
<i>Centaurea pallescens</i> Del.		Compositae		۲۷۸
<i>Centaurea</i> sp.		Compositae		۲۴۶
<i>Centaurea stellata</i>		Compositae		۲۷۸
<i>Cephalaria pilosa</i> Schr . = <i>Dipsacus pilosus</i> L.	*	Dipsaceae		۲۱۰
<i>Cerastium aquaticum</i> L. = <i>Myosoton aquaticum</i> (L.)Monch.	*	Caryophyllaceae		۳۴۹
<i>Cerasus avium</i> L.	*	Rosaceae	Mazzard cherry ; Gean ; Sweet cherry	۲۳۴
<i>Cerasus mahaleb</i> Mill.	*	Rosaceae	Mahhlab	۱۱۳
<i>Ceratonia siliqua</i> L.	*	Caesalpinaceae	Carob	۳۲۸، ۳۰۱، ۱۳۲
<i>Cercis siliquastrum</i> L.	*	Caesalpinaceae	Judas tree	۱۴۱، ۴۴
<i>Cercis</i> sp.	*	Caesalpinaceae	Cercis ; Redbud	۴۴
<i>Cerithe minor</i> L.		Boraginaceae	Lesser honeywort	۳۳۵
<i>Ceterach officinarum</i> L.		Boraginaceae	Miltwaste	۱۱۹، ۴۹۹
<i>Ceterach</i> sp.		Boraginaceae		۳۵۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Cetraria islandica</i> (L.) Ach. (moss)		Aspleniaceae		۱۱۷
<i>Chaerophyllum</i> sp.		Umbeliferae	Chervill	۲۳۲
<i>Chamacyparis</i> sp.		Cupressaceae	False cypress	۱۸۷
<i>Chamaeleo vulgaris</i> = <i>Chamaeleo chamaeleon</i> (Parasite)		Chamaeleonidae	Common or European or Mediterranean Chameleon	۴۷
<i>Chamaepeuce diacantha</i> DC.		Compositae		۱۲۸
<i>Cheiranthus cheiri</i> L.	**	Crucifrae	Common wallflower	۲۸۵، ۱۷۰، ۱۴۰
<i>Cheiranthus flava</i> L.		Crucifrae		۳۴۴
<i>Cheiranthus incanus</i> L.		Crucifrae		۱۶۹
<i>Cheiranthus</i> sp.		Crucifrae	Wallflower	۲۸۵، ۱۴۰
<i>Cheiranthus tricuspidatus</i> L.		Crucifrae		۳۴۴
<i>Chelidonium cuniculatum</i> L.		Papaveraceae		۲۷۶
<i>Chelidonium dodecandrum</i> Forsk.		Papaveraceae		۱۶۱
<i>Chelidonium majus</i> L.	*	Papaveraceae	Greater celandine	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۷۶، ۲۰۹، ۱۲۷
<i>Chenopodium ambrosioides</i> L.	*	Chenopodiaceae	Wormseed goose ; Wormseed tea ; Mexican tea	۱۹۰، ۷۷
<i>Chenopodium botrys</i> L.	*	Chenopodiaceae	Jerusalem-oak goosefoot ; Jerusalem oak	۳۴۴، ۳۱۶، ۱۹۰، ۷۷
<i>Chenopodium capitatum</i> L.		Chenopodiaceae	Blire goosefoot ; Straw berry blite	۸۳
<i>Chenopodium murale</i> L.	*	Chenopodiaceae	Nettle-leaf goosefoot	۱۵۹
<i>Chondrilla juncea</i> L.		Compositae	Rush skeleton weed ; Gun succory	۳۲۲، ۳۱۱، ۳۰۱، ۲۹۸، ۱۳۹
<i>Chondrilla ramosissima</i> Sibth.		Compositae		
<i>Chondrilla</i> sp.		Compositae	Sierra juniper	۱۳۹
<i>Chrysanthemum coronarium</i> L.		Compositae	Crowndaisy ; Crown-daisy chrysanthemum	۳۵۰، ۹۱
<i>Chrysanthemum parthenium</i> Pers. = <i>Tanacetum parthenium</i> (L.) Shultz-Bip.	*	Compositae	Feverfew ; Feverfew chrysanthemum	۳۴۶، ۳۱۷، ۱۸۸، ۵۸
<i>Chrysanthemum segetum</i> L.		Compositae	Corn chrysanthemum ; Corn marigold	۹۱
<i>Chrysocoma linosyris</i> L.		Compositae		۳۵۰
<i>Chrysocoma</i> sp.		Compositae		۳۵۰، ۳۱۹، ۱۵۱،
<i>Cicer arietinum</i> L.	*	Papilionaceae	Chick-pea ; Gram chick-pea	۳۳۰، ۱۲۴
<i>Cichorium endivia</i> L.	**	Compositae		۳۳۲، ۲۹۸
<i>Cichorium intybus</i> L.	*	Compositae	Common chicory	۲۹۸، ۲۹۸
<i>Cicuta virosa</i> L. = <i>Selinum</i> <i>virosus</i> (L.) E.H.L. Krause		Umbeliferae	European water hemlock ; Wasserschierling, Borstenkraut	۱۹۱
<i>Cincus acarna</i> = Picnomon		Compositae		۵۸



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
acarna (L.) Cass.				
Cincus sp.		Compositae		۳۵۷
Cinnamomum camphora Nees.		Lauraceae	Camphor tree	۲۴۸
Cinnamomum cassia Boiss.		Lauraceae	Cassia bark tree ; Chinese cinnamon	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۳۹، ۱۷۵، ۱۴۱
Cinnamomum citriadorum Th.		Lauraceae		۳۲۴، ۱۶۷
Cinnamomum iners Reinw.		Lauraceae		۳۲۴، ۱۷۵
Cinnamomum malabathrum Burm.		Lauraceae		۱۶۷
Cinnamomum obtusifolium Nees.		Lauraceae		۱۷۵
Cinnamomum tamala Nees.		Lauraceae		۱۶۷
Cinnamomum zeilanicum Nees.	**	Lauraceae	Ceylon cinnamon	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹، ۲۳۸، ۱۴۱
Cinnamomum sp.		Lauraceae	Cinnamon	۱۴۱
Circaea lutetiana L.	*	Onagraceae	Paris circaea	۲۱۰
Circaea sp.		Onagraceae	Enchanter's nightshade	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۱۰
Cirsium diacantha DC.		Compositae		۱۲۸
Cirsium rhocephalum C.A.Mey.	*	Compositae		۱۵۱
Cirsium stellatum L.		Compositae		۳۵۷، ۳۹
Cirsium tenuiflorum Boiss.		Compositae		۳۵۴
Cirsium tuberosum All.		Compositae		۳۳۷
Cissus sp.		Vitaceae	Treebine	۱۷۴
Cissus vitiginea L.		Vitaceae		۳۲۴، ۱۲۴
Cistus creticus L.		Cistaceae	Wrinkle leaf rockrose	۳۲۷، ۲۶۵
Cistus hypocistis L.		Cistaceae		۳۲۷، ۳۱۰
Cistus ladanifolius L.		Cistaceae	Gum rockrose	۳۲۷، ۲۶۵، ۲۳۹
Cistus salviaefolius Boiss.		Cistaceae		۳۲۷
Cistus sp.		Cistaceae	Rockrose	۲۶۵
Cistus villosus L.	**	Cistaceae	Rock rose	۳۲۷، ۲۶۵
Citrullus colocynthis Schrad	*	Cucurbitaceae		۲۳۷، ۱۲۷
Citrus amara Link.		Rutaceae	Sour orange ; Seville orange	۲۸۹
<i>Citrus aurantifolia Sw . = Citrus aurantium L.</i>	*	Rutaceae		۲۷۴، ۴۰
Citrus aurantium Lou.& Auc.	*	Rutaceae	Sour orange ; Seville orange	۲۸۹
<i>Citrus bigaradia Lois . = Citrus aurantium L.</i>	*	Rutaceae		۲۸۹
Citrus limonum Risso		Rutaceae	Lemon	۲۷۴، ۴۰
Citrus medica L.	*	Rutaceae	Cloza	۲۷۴، ۴۰
Citrus medica Risso	*	Rutaceae		۲۷۴
Citrus medica Risso var. cerata		Rutaceae		۳۲۸، ۳۱۰، ۴۰
Citrus sp.		Rutaceae	Citrus	۲۷۴
Citrus vulgaris Riss.		Rutaceae	Sour orange ; Seville orange	۲۸۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Cladrastis</i> sp. = <i>Cladrastis lutea</i> = <i>Cladrastis kentukea</i>		Papilionaceae	Yellowwood	۱۳۶
<i>Clematis cirrhosa</i> L.		Ranunculaceae	Vernal clematis	۳۵۶
<i>Clematis ochroleuca</i> Poir.		Ranunculaceae		۲۰۵
<i>Clinopodium montanum</i> (L.) Kuntz.		Labiatae		۲۳۸
<i>Clinopodium vulgare</i> L.	*	Labiatae	Wild basil savory	۳۴۲، ۳۱۵
<i>Clitoria ternatea</i> L.		Papilionaceae	Butterfly Pea	۲۷۵
<i>Cnicus acarna</i> L.		Compositae		۳۳۶، ۷۱
<i>Cnicus tuberosus</i> L.		Compositae		۳۳۷
<i>Cochlearia armoracia</i> L.		Cruciferae		۲۲۴
<i>Cochlearia coronopus</i> L.		Cruciferae		۱۱۶، ۳۶
<i>Cocos nucifera</i> L.	**	Palmaeae	Coconut palm	۲۸۷، ۲۸۹
<i>Cola acuminata</i> Sch. = <i>Sterculia acuminata</i>		Sterculiaceae	Sudan colanut	۱۳۲
<i>Colacasia antiquorum</i> Sch.		Araceae		۲۴۴
<i>Colacasia esculenta</i> L. = <i>Colocasia antiquorum</i> var <i>esculenta</i>		Araceae	papa china, taro, bore, ocumo, quiquisque	۲۴۴
<i>Colchicum autumnale</i> L.		Cholchicaceae		۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲
<i>Colchicum autumnale</i> L.		Cholchicaceae	Common autumn crocus ; Meadow saffron	۱۸۰
<i>Colchicum montanum</i> L. = <i>Cholchicum szovitsii</i> Fisch & C.A.Mey.	*	Cholchicaceae		۲۱۲
<i>Colchicum parnassicum</i> Sart.		Cholchicaceae		۳۵۳
<i>Colchicum persicum</i> Bak.		Cholchicaceae		۱۸۰
<i>Colchicum</i> sp.		Cholchicaceae	Autumn crocus	۱۸۰
<i>Colchicum speciosum</i> Ste.		Cholchicaceae		۱۸۰
<i>Colchicum variegatum</i> L.		Cholchicaceae		۱۸۰
<i>Collinsonia canadensis</i> L.		Labiatae	Stone Root, Horseweed, Richweed, Richleaf, Knob-Root, Knobweed, Horsebalm	۸۲
<i>Colocasia antiquorum</i> Shott. = <i>Arum esculentum</i> L., <i>Caladium esculentum</i> (L.) Vent.,		Araceae	taro, eddo, kalo, dasheen, cocoyam, elephant ears	۲۳۱
<i>Commiphora abyssinica</i> Engl.		Burseraceae	Abyssinian myrrh tree	۲۷۸
<i>Commiphora africanum</i> Engl.		Burseraceae		۲۸۴
<i>Commiphora kataf</i> Engl.		Burseraceae		۲۴۲
<i>Commiphora mukul</i> Engl. = <i>Balsamodendrum mukul</i> Hook.		Burseraceae		۳۲۵، ۲۸۴
<i>Commiphora mulomol</i> Engel.		Burseraceae		۲۸۴
<i>Commiphora myrrha</i> Engl.		Burseraceae	Common myrrh tree	۳۲۵، ۲۸۹، ۲۷۸
<i>Commiphora opobalsamum</i> Engl.		Burseraceae	Mecca myrrh tree	۸۶

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Conandron sp.		Gesneriaceae	Iwa-tabako	۲۴۳
Conium maculatum L.	*	Umbeliferae	Poison hemlock	۳۵۲، ۳۲۰، ۲۰۱، ۱۹۱
Convallaria polygonatum L.		Liliaceae		۳۴۸
Convallaria rusticellata L.		Liliaceae		۳۵۳
Convolvulus arvensis L.	*	Convolvulaceae	European glovybind	۳۴۸، ۲۶۷
Convolvulus farinosus L.		Convolvulaceae		۳۵۶
Convolvulus hystirix Vahl.		Convolvulaceae		۱۹۸
Convolvulus scammonia L.		Convolvulaceae	Scammony glorybind	۳۵۶، ۱۷۳
Convolvulus sepium L.		Convolvulaceae	Heath rush	۲۸۹
Convolvulus sepium L.		Convolvulaceae	Glorybind	۳۵۵، ۳۴۸
Convolvulus sp.		Convolvulaceae		۲۶۷
Convolvulus syriacus		Convolvulaceae		۱۷۳
Convolvulus turpethum L.		Convolvulaceae		۹۴
Conyza candida L.		Compositae		۳۵۴
Conyza squarrosa L.		Compositae		۳۳۹
Coptis teeta Wall.		Ranunculaceae		۲۷۶
Corallina officinalis L.		Corallinaceae		۳۵۳، ۲۰۱
Corallium rubraum L. (Red Coral)			Potato bean	۷۹
Corchorus olitorius L.	*	Liliaceae		۲۸۴
Cordia myxa L.	*	Boraginaceae		۱۶۷، ۱۴۳
Cordia sebestena L.		Boraginaceae		۱۶۷
Coriandrum sativum L.	*	Umbeliferae	Coriader	۳۴۰، ۲۵۷
Coriandrum sp.		Umbeliferae	Coriader	۲۵۷
Cornus mas L.	*	Cornaceae	Cornelian cherry ; Cornelian cherry	۳۲۸، ۲۳۵، ۱۶۳
Cornus mascula L.		Cornaceae		۳۲۸، ۲۷۸
Cornus sanguinea L.	*	Cornaceae	Red dog wood	۲۳۵
Cornus sp.		Cornaceae	Campion	۲۳۵
<i>Croton tinctorium</i> L. = <i>Chrozophora tinctoria</i> (L.) A. Juss.		Euphorbiaceae	Croton; Maurelle(F)	۳۵۷
Corydalis claviculata (L.) DC.		Fumariaceae		۳۵۷
Corylus avellana L.	*	Corylaceae		۳۲۹، ۱۰۵، ۸۸
Costus albus A.Chev		Zingiberaceae		۲۳۹
Costus amarum Rad.		Zingiberaceae		۲۳۹
Costus arabicus L.		Zingiberaceae		۲۳۹
Costus speciosus Sm.		Zingiberaceae	Crape Ginger	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹
Cotoneaster nigra Wahl.		Rosaceae		۱۹۳
Cotoneaster nummularia Fich & Mey.		Rosaceae		۱۹۳
Cotoneaster spp.		Rosaceae	Cotoneaster	۸۵
<i>Cotoneaster vulgaris</i> L. = <i>Cotoneaster integerrima</i> Medicus	*	Rosaceae		۱۹۳
Cotyledon lusitanicus Lam.		Crassulaceae		۳۵۲، ۳۲۰، ۲۴۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Cotyledon serrata</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳
<i>Cotyledon umbilicus</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳، ۱۷۰، ۳۴
<i>Crambe maritima</i> L.		Cruciferae	Common colewort	۲۵۶
<i>Crataegus azarolus</i> L.	*	Rosaceae	Azarole hawthorn	۳۲۸، ۲۹۱، ۱۶۲، ۹۴
<i>Crataegus lagenaria</i> Fisch.		Rosaceae		۱۶۲
<i>Crataegus melanocarpa</i> Bory & Chu.	*	Rosaceae		۱۶۲
<i>Crataegus monogyna</i> Jacq. = <i>Crataegus microphylla</i> C.koch.	*	Rosaceae	Single-seed hawthorn	۱۶۲
<i>Crataegus orientalis</i> Bieb.	*	Rosaceae	Silver hawthorn	۱۶۲
<i>Crataegus oxyacantha</i> L.	*	Rosaceae	English hawthorn ; European hawthorn	۳۲۶، ۳۱۰، ۱۶۲، ۵۹
<i>Crataegus pentagyna</i> (St.-Hil.) Eng. = <i>Crataegus melanocarpa</i> M.B.	*	Rosaceae		۱۶۲
<i>Crataegus pyracantha</i> Medic.		Rosaceae		۳۲۶
<i>Crataegus sinaica</i> Boiss.		Rosaceae		۹۴
<i>Crataegus</i> sp.		Rosaceae	Hawthorn	۱۶۲
<i>Cressa cretica</i> L.		Convolvulaceae		۳۴۵، ۱۶۵، ۶۴
<i>Crinum</i> sp.		Amarantaceae	Crinum	۱۴۳
<i>Crithmum maritimum</i> L.		Umbelliferae	Samphire	۳۳۱، ۳۱۱، ۱۵۵
<i>Crocus sativus</i> L.	*	Iridaceae	Saffron crocus	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۶۳
<i>Crocus</i> sp.		Iridaceae	Crocus	۱۶۳
<i>Crotalaria juncea</i> L.Q		Papilionaceae	Sunn crotalaria; Sunn hemp	۱۷۷
<i>Crotalaria retusa</i> L.	**	Papilionaceae		۲۴۴، ۱۵۸
<i>Croton tiglium</i> L.		Euphorbiaceae	Purging coroton	۲۷۷، ۱۴۷، ۱۱۳
<i>Croton tinctorium</i> L.		Euphorbiaceae		۹۵
<i>Cucumis asininus</i> Willd.		Cucurbitaceae		۲۳۳
<i>Cucumis colocynthis</i> L.		Cucurbitaceae		۳۵۶، ۲۳۷
<i>Cucumis flexuosus</i> L.		Cucurbitaceae	Snake melon	۲۳۳
<i>Cucumis melo</i> L.	*	Cucurbitaceae	Muskmelon	۳۳۲، ۱۹۰، ۸۱
<i>Cucumis pepo</i> Dum.		Cucurbitaceae	Pumpkin	۳۳۲
<i>Cucumis sativus</i> L.	*	Cucurbitaceae	Cucumber	۳۳۲، ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۳۳، ۱۳۹
<i>Cucumis vulgaris</i>		Cucurbitaceae		۸۲، ۸۱
<i>Cucurbita citrullus</i> L.		Cucurbitaceae		۸۲
<i>Cucurbita lagenaria</i> L.		Cucurbitaceae		۳۳۲، ۲۳۷
<i>Cucurbita maxima</i> Duch.		Cucurbitaceae	Winter squash	۲۳۸
<i>Cucurbita pepo</i> L.	*	Cucurbitaceae		۲۳۷، ۱۴۲
<i>Cucurbita</i> sp.		Cucurbitaceae	Gourd ; squash	۲۳۷، ۱۴۲
<i>Cuminum cyminum</i> L.	*	Umbliferae	Cumin	۳۴۰، ۳۱۵، ۲۶۲
<i>Cupressus horizontalis</i> Mill.		Cupressaceae		۳۹
<i>Cupressus sempervirens</i> L.	**	Cupressaceae	Italian cypress	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۷۰، ۳۹
<i>Cupressus</i> sp.		Cupressaceae	Cypress	۱۷۰
<i>Curcuma aromatica</i> Salisb.		Zingiberaceae	Curcuma; Status(es) (compiled from	۲۵۶

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Curcuma caesia Roxb.		Zingiberaceae		۲۵۵، ۱۰۲
Curcuma domestica Valet.		Zingiberaceae		۵۳
Curcuma longa Ra.	**	Zingiberaceae	Common turmeric	۲۷۶، ۲۵۵، ۲۱۰، ۵۳
Curcuma sp.		Zingiberaceae	Turmeric	۲۵۵
Curcuma tinctoria Gui.		Zingiberaceae		۲۷۶، ۵۳
Curcuma zedoaria Rosc.		Zingiberaceae		۲۵۵، ۱۶۱، ۱۰۲، ۵۳
Cuscuta epithymum Mur.		Cuscutaceae	Common dodder	۳۵۶، ۲۵۸، ۱۲۳، ۵۶، ۵۵
Cuscuta europaea L.	*	Cuscutaceae	Greater dodder	۳۳۲، ۲۵۸، ۵۵
Cuscuta hyalina Roth.		Cuscutaceae		۲۵۸
Cuscuta monogyna Vahl.	*	Cuscutaceae		۲۵۸
Cuscuta planifolia Ten.	*	Cuscutaceae		۲۵۸
Cuscuta sp.		Cuscutaceae		۲۶۰
Cyclamen europaeum L.		Primulaceae	European cyclamen	۳۳۳، ۳۱۲، ۱۸۶، ۷۵، ۲۳
Cyclamen graecum L.		Primulaceae		۳۳۳
Cyclamen hederacifolium Ait.		Primulaceae		۳۳۴، ۱۶۵
Cyclamen sp.		Primulaceae	Cyclamen	۲۰۸، ۱۳۰، ۷۵، ۳۵
Cydonia indica Spach	*	Rosaceae		۱۸۹
Cydonia oblonga Mill.	*	Rosaceae	Apple quince	۱۷۲
Cydonia semina = Pyrus cydonia L.		Rosaceae		۱۷۲
Cydonia vulgaris Delarbre = Cydonia Oblonga		Rosaceae	(Kwee)	۱۷۲
Cydonia vulgaris Pers.		Rosaceae	Common quince	۳۲۸، ۳۱۰
Cymbopogon schoenanthus Spreng.		Gramineae	Halfa bar	۳۲۴، ۴۴۳
Cynanchum erectum L.		Asclepiadaceae		۳۵۲، ۴۴۲
Cynanchum nigrum Pers.		Asclepiadaceae		۳۴۴
Cynanchum pyrotechnicum L.		Asclepiadaceae		۲۷۸
Cynanchum vincetoxicum Pers.		Asclepiadaceae	White swallowwort	۳۴۲
Cynara cardunculus L.		Compositae	Cardoon	۲۹۹، ۱۱۵، ۱۱۴
Cynara scolymus L.		Compositae	Artichoke ; Globe artichoke	۳۳۷، ۲۶۲، ۱۱۵، ۱۱۴
Cynara sp.		Compositae		۲۹۹، ۱۱۵
Cynara syriacus Gaer.		Compositae		۲۹۹، ۲۹۹
Cynips gallaeturciae Hart.		Cynipidae	Gall wasps	۲۱۲
Cynodon dactylon Pers.		Gramineae		۳۳۶، ۲۰۰، ۹۹
Cynoglossum officinale L.		Boraginaceae	Common hound's-tongue	۳۵۴، ۲۷۰
Cynoglossum sp.		Boraginaceae	Hound's-tongue	۲۷۰
Cynomorium coccineum L.		Cynomoriaceae		۲۰۱
Cynosurus egyptiaca L.		Gramineae	Hedgehog dog's-tall	۳۴۹
Cyperus esculentus L.		Cyperaceae	Chufa flat sedge ; chufa; Earth almond	۱۶۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۴۹
Cyperus longus L.	*	Cyperaceae	Galingale flat sedge ; Long cyperus	۱۷۲، ۳۲۴، ۳۰۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Cyperus papyrus</i> L.		Cyperaceae	Payrus	۷۰
<i>Cyperus papyrus</i> Trin.		Cyperaceae		۳۲۶، ۳۰۹
<i>Cyperus rotundus</i> L.	*	Cyperaceae	Nut grass flat sedge	۱۷۲
<i>Cyperus</i> sp.		Cyperaceae	Flat sedge cypress grass	۱۷۲
<i>Cytisus hypocistis</i> L.		Papilionaceae		۲۹۹، ۲۶۷، ۲۶۰
<i>Cytisus lanigerus</i> DC.		Papilionaceae		۳۲۴
<i>Cytisus scoparius</i> Br.		Papilionaceae	Scotch cotton thistle	۱۰۴
<i>Cytisus spinosus</i> Lam.		Papilionaceae		۱۴۱
<i>Dactylis repens</i> L.		Gramineae		۳۴۹
<i>Dactylon officinale</i> Villars . = <i>Cynodon dactylon</i> (L.) Persoon		Gramineae	bermuda-grass	۹۹
<i>Daemia cordata</i> R.Br.		Asclepiadaceae		۲۲۱
<i>Daemonorops draco</i> Blume = <i>Calamus draco</i> Willd.		Arecaceae	dragon's blood	۱۴۷
<i>Dalbergia lanceolaria</i> L.		Papilionaceae		۷۴
<i>Dalbergia melanoxylon</i> G.D.R.		Papilionaceae	African blackwood	۳۳
<i>Dalbergia volubilis</i> Roxb.		Papilionaceae		۷۴، ۳۷
<i>Danthonia</i> sp.		Gramineae	Danthonia	۱۲۷
<i>Daphne angustifolium</i> C.Koch = <i>Daphne mucronata</i> Royle	*	Thymelaceae		۲۷۰
<i>Daphne gnidium</i> L.		Thymelaceae	Rose daphne	۳۰۷، ۲۷۷
<i>Daphne gnidium</i> L.		Thymelaceae		۲۷۷، ۳۰۰
<i>Daphne mezereum</i> L.	*	Thymelaceae	February daphne	۳۰۰، ۲۷۰، ۲۶۱
<i>Daphne oleoides</i> Schr.	*	Thymelaceae		۲۷۰، ۱۶۶
<i>Daphne tartoumaria</i> L.		Thymelaceae		۲۰۹
<i>Datura fastuosa</i> L.		Solanaceae		۸۸
<i>Datura metel</i> L. = <i>Datura innoxia</i> Miller	*	Solanaceae	Hindu datura	۲۸۰، ۱۰۹
<i>Datura stramonium</i> L.	*	Solanaceae	Jimso-weed datura	۳۰۲، ۱۰۹
<i>Daucus carota</i> L.	*	Umbeliferae	Wild carrot	۳۴۰، ۱۴۸، ۱۰۳، ۵۳
<i>Daucus gingidium</i> L.		Umbeliferae		۳۳۲، ۳۱۱، ۱۰۳
<i>Daucus guttatus</i> Sib. & Sm.		Umbeliferae		۳۴۰
<i>Delphinium consolida</i> L. = <i>Consolida regalis</i> S.F.Gray		Ranunculaceae	Branchin larkspur	۳۴۱
<i>Delphinium peregrinum</i> L.		Ranunculaceae		۳۴۱
<i>Delphinium semibarbatum</i> Bie.	*	Ranunculaceae		۱۶۲
<i>Delphinium zalil</i> Ait.		Ranunculaceae		۱۶۲
<i>Delphinium staphisagria</i> L.		Ranunculaceae		۳۰۰، ۲۸۹
<i>Dianthus caryophyllus</i> L.		Caryophyllaceae	Pink-carnation	۲۳۸
<i>Dianthus</i> sp.		Caryophyllaceae		۲۳۸
<i>Digitalis aegyptiaca</i>		Solanaceae		۳۴۹
<i>Digitaria stolonifera</i> Schrad.		Graminae		۹۹
<i>Diospyros ebenum</i> Kon.		Ebenaceae	Ebony persimmon	۳۳
<i>Diospyros melanoxylon</i> Roub.		Ebenaceae		۳۲۷
<i>Dipsacus fullonum</i> L.		Dipsacaceae	Wild teasel	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۰۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Dipsacus sylvestris</i> Mill. = <i>Dipsacus fullonum</i> ssp. <i>sylvestris</i>		Dipsacaceae	Teasel, Common or Wild	۳۳۶
<i>Docynia</i> sp.		Rosaceae		۱۸۹
<i>Dolichos biflorus</i> L.		Papilionaceae		۲۵۹، ۱۱۲
<i>Dolichos lablab</i> L.		Papilionaceae	Hyacinth dolchos	۲۶۷
<i>Dolichos lubia</i> Forsk		Papilionaceae		۳۳۳، ۳۱۲، ۲۷۱
<i>Dolichos</i> sp.		Papilionaceae	Dolichos	۱۱۱
<i>Dolichos uniflorus</i> L.		Papilionaceae		۱۱۲
<i>Dorema ammoniacum</i> Don.	*	Umbeliferae	Bombay sumbul	۳۴۲، ۳۱۵، ۲۹۵، ۵۲
<i>Dorema ammoniacum</i> Don.		Umbelliferae	Gummi-resina ammoniacum	۵۲
<i>Dorema</i> spp.		Umbeliferae	Sumbul	۵۲
<i>Doronicum cordatum</i> C.Koch = <i>Doronicum wulfenianum</i> Poir. = <i>Doronicum columnae</i> Ten.		Compositae		۱۲۹
<i>Doronicum hookeri</i> Hook.		Compositae		۱۴۵
<i>Doronicum pardalianches</i> L.		Compositae		۳۵۲، ۱۴۵، ۱۴۵، ۱۲۹
<i>Doronicum roylei</i> DC.		Compositae		۱۴۵
<i>Doronicum scorpioides</i> Lam. = <i>Doronicum viscosum</i> Nym. = <i>Doronicum grandiflorum</i> Lam.		Compositae		۱۴۵، ۱۴۵
<i>Dorycnium</i> L.		Papilionaceae		۱۴۴، ۳۵۲، ۳۱۹،
<i>Dracaena cinnabari</i> Balf.		Agavaceae		۱۴۷، ۶۹
<i>Dracocephalum kotschy</i> Boiss.	*	Labiatae		۸۴
<i>Dracocephalum moldavica</i> L.	*	Labiatae	Moldvian dragon head	۷۱
<i>Dracontium</i> sp.		Araceae		۱۸۶
<i>Dracunculus vulgaris</i> Schot. = <i>Arum Dracunculus</i>		Araceae		۲۷۳، ۱۴۲
<i>Dryopteris aculeata</i> (L.) Kuntze		Aspidiaceae		۱۷۱
<i>Dryopteris filix max</i> L.	*	Aspidiaceae	Male fern	۳۵۷، ۱۶۹
<i>Dryopteris robertiana</i> (Hof.) C.Chr		Aspidiaceae		۱۶۹
<i>Ebenoxylon verum</i> Lour		Papilionaceae		۳۲۷
<i>Ebenus cretica</i> L.		Papilionaceae		۶۴
<i>Ebenus</i> L.		Papilionaceae		۳۲۷، ۳۱۰، ۳۳
Ebonytree (E) = <i>Dalbergia</i> sp.		Papilionaceae		۳۳
<i>Ecballium elaterium</i> Rich.		Cucurbitaceae	Squirting cucumber	۲۳۴، ۱۹۴
<i>Echinophora tenuifolia</i> L. = <i>Echinophora sibthorpiana</i> Guss.	*	Umbeliferae		۳۴۰، ۳۳۹، ۱۶۵، ۱۱۷
<i>Echinops sphaerocephalus</i>		Compositae	Common globe thistle	۳۴۱، ۳۳۶
<i>Echium amoenum</i> Fisch. & Mey.	*	Boraginaceae		۲۶۸
<i>Echium creticum</i> L.		Boraginaceae		۳۴۸
<i>Echium diffusum</i> L.		Boraginaceae		۳۸
<i>Echium italicum</i> L.	*	Boraginaceae		۳۴۹، ۳۸
<i>Echium rubrum</i> L.	*	Boraginaceae		۳۴۹، ۳۱۹، ۴۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Echium sericeum</i> Vahl.		Boraginaceae		۲۶۸
<i>Echium</i> sp.		Boraginaceae	Viper's bugloss	۴۲
<i>Echium vulgare</i> L.		Boraginaceae	Common viper's bugloss	۳۴۹
<i>Elaeagnus angustifolius</i> L.	*	Elaeagnaceae	Russian olive	۲۱۹، ۱۶۳
<i>Elaeagnus hortensis</i> Boiss.		Elaeagnaceae		۲۱۹
<i>Elaeagnus</i> sp.		Elaeagnaceae	Eleagnus	۱۶۳
<i>Elaterium agreste</i>		Cucurbitaceae		۲۳۴
<i>Elaterium officinale</i>		Cucurbitaceae		۲۳۴
<i>Elcaya jemenensis</i> Forsk.				۱۵۷، ۱۰۸
<i>Eletteria cardamomum</i> White & Maton	**	Zingiberaceae	Cardamon	۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲
<i>Eletteria</i> sp.		Zingiberaceae		۳۰۹
<i>Eleusine coracana</i> Gaer.		Gramineae	Ragi millet ; raggee ; tocusso	۲۶۳
<i>Embelica officinalis</i> Ga.		Euphorbiaceae	Embelic myrobalan Indian gooseberry	۶۳
<i>Ephedra distachya</i> Bort.	*	Ephedraceae	Joint-fir ephedra ; sea grape	۳۵۰، ۳۲۹، ۲۰۱
<i>Ephedra vulgaris</i> Rich.		Ephedraceae		۲۹۹
<i>Epimedium alpinum</i> L.		Podophyllaceae	Alpine willoweed	۳۴۸، ۵۷
<i>Equisetum arvense</i> L.	*	Equisetaceae	Field horsetail	۳۵۰، ۲۶۲، ۲۱۱، ۱۵۱، ۵۰
<i>Equisetum fluviatile</i> L.		Equisetaceae		۳۵۰
<i>Equisetum hyemale</i> L.		Equisetaceae	Scouring rush	۲۶۲، ۱۵۱
<i>Equisetum limosum</i> L. = <i>Equisetum fluatile</i> L.	*	Equisetaceae	Swamphorse tail	۳۵۰
<i>Equisetum pallidum</i> L.		Equisetaceae		۳۴۷، ۲۱۰
<i>Equisetum ramosissimum</i> Desf.	*	Equisetaceae		۲۴۶، ۵۰
<i>Equisetum sylvaticum</i> L.		Equisetaceae		۳۵۰
<i>Eramothecium ashybi</i> Filamentous (Fungi)			Routien	۲۴۰
<i>Erianthus ravnennas</i> Beauv.		Gramineae	<i>Sacchrum ravnennas</i>	۳۲۶
<i>Erica arborea</i> L.		Ericaceae		۳۲۶، ۳۰۹، ۱۳۷، ۴۶
<i>Erica cinerea</i> L.		Ericaceae	Twisted heath	۱۳۷
<i>Erica</i> sp.		Ericaceae	Heath	۱۳۷
<i>Erigeron</i> sp.		Compositae	Fleabane; Cutleaf Daisy	۱۹۳
<i>Erodium malachoides</i> Willd.		Geraniaceae		۳۴۴
<i>Eruca sativa</i> Lam.		Cruciferae	Rocket salad	۱۰۲
<i>Eruca sativa</i> Mill.		Cruciferae		۳۳۲
<i>Ervum ervillia</i> L.		Papilionaceae		۳۳۰، ۲۵۴، ۲۵۳
<i>Ervum lens</i> L. = <i>Lens culinaris</i> Medik. subsp. <i>Culinaris</i>		Papilionaceae	Lentil; Cultivated lentil	۳۳۰
<i>Eryngium campestre</i> L.		Umbeliferae	Snakeroot eryngo	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۹۲، ۱۸۸، ۹۲، ۸۴، ۵۰
<i>Eryngium coeruleum</i> ?		Umbeliferae		۲۱۰
<i>Eryngium creticum</i> L.		Umbeliferae		۲۳۶، ۲۱۰، ۱۹۲، ۸۴، ۵۰
<i>Eryngium maritimum</i> L.		Umbeliferae	Sea-holly eryngo	۲۶۴
<i>Eryngium planum</i> L.		Umbeliferae		۳۳۷



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Erysimum barbarea</i> L.		Cruciferae		۱۳۰
<i>Erysimum cheiranthoides</i> L.		Cruciferae	Treacle erysimum	۱۳۰
<i>Erysimum officinale</i> L. = <i>Sisymbrium officinale</i> (L.) Scop.	*	Cruciferae	Hedg mustard	۹۱
<i>Erysimum repandum</i> L.	*	Cruciferae	Spreading erysimum	۱۲۹
<i>Erythraea centaurium</i> Pers. = <i>Centaurium erythraea</i> = <i>Centaurium umbellatum</i>		Gentianaceae	Drug cenaurium	۲۳۶، ۲۴۶
<i>Eugenia aromatica</i> Baill.		Myrtaceae		۲۳۸
<i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb.	**	Myrtaceae	Clover tree	۲۳۸
<i>Eupatorium cannabinum</i> L.	*	Compositae	Hemp eupatorium	۲۴۹، ۲۳۸، ۹۴
<i>Euphorbia aculeata</i> Forsk.		Euphorbiaceae		۲۵۳
<i>Euphorbia aleppica</i> L.	*	Euphorbiaceae		۲۵۶
<i>Euphorbia apios</i> L.		Euphorbiaceae		۲۵۶، ۵۷
<i>Euphorbia chamaesyce</i> L.		Euphorbiaceae		۱۲۷
<i>Euphorbia characias</i> L.		Euphorbiaceae		۲۵۶
<i>Euphorbia curcas</i>		Euphorbiaceae		۱۰۸
<i>Euphorbia dendroides</i> L.		Euphorbiaceae		۲۵۶، ۱۲۱
<i>Euphorbia esula</i> L. = <i>Euphorbia boissieriana</i> (Woron.)prokh.	*	Euphorbiaceae	Leafy euphorbia	۲۶۵
<i>Euphorbia falcata</i> L.	*	Euphorbiaceae	Sickle-grass	۲۵۶
<i>Euphorbia helioscopia</i> L.	*	Euphorbiaceae	Sun euphorbia	۲۵۶، ۳۰۰، ۲۲۵
<i>Euphorbia lathyris</i> L.		Euphorbiaceae	Caper euphorbia	۲۵۶، ۲۷۷، ۲۲۴
<i>Euphorbia myrsinites</i>	*	Euphorbiaceae		۲۵۶، ۳۰۰
<i>Euphorbia officinarum</i> L.		Euphorbiaceae		۲۲۵
<i>Euphorbia paralias</i> L.		Euphorbiaceae	Sea staff-sea wand	۲۵۶، ۳۰۰
<i>Euphorbia pilosa</i> L.		Euphorbiaceae		۲۵۶
<i>Euphorbia pilulifera</i> L.		Euphorbiaceae		۶۵
<i>Euphorbia pithyusa</i> L.		Euphorbiaceae		۲۲۵، ۱۸۴
<i>Euphorbia pythuse</i> Friw.		Euphorbiaceae		۱۷۵
<i>Euphorbia resinifera</i> Berg.		Euphorbiaceae		۲۲۵
<i>Euphorbia sibthorpii</i> Boiss.		Euphorbiaceae		۳۰۰
<i>Euphorbia</i> sp.		Euphorbiaceae	Ebebright	۲۴۲، ۳۱۵، ۳۰۰، ۲۲۴، ۵۵
<i>Euphorbia spinosa</i> L.	*	Euphorbiaceae		۲۵۷، ۳۹
<i>Euphorbia triaculeata</i> For.		Euphorbiaceae		۲۶۵
<i>Evernia prunastri</i> (L.) Ach. (Lichen)			Staghorn	۵۲
<i>Evonymus europeus</i> L.	**	Celasteraceae	Prickwood	۸۲
<i>Evonymus latifolia</i> L.	*	Celasteraceae	Broad-leowed evonymus	۸۲
<i>Evonymus velutina</i> L.	*	Celasteraceae	Prickwood	
<i>Evonymus verrucosa</i> L.	*	Celasteraceae	Warty-barked	۸۲
<i>Faba vulgaris</i> Monch.		Papilionaceae	Broad bean	۷۳
<i>Fagara</i> sp.		Rutaceae		۲۲۳
<i>Fagonia cretica</i> L.		Zygophyllaceae		۷۱

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Farsetia clypeata</i> R.Br.		Cruciferae		۷۰
<i>Feniculum</i> sp.		Umbelliferae	Fennel	۱۵۳
<i>Ferula assafoetida</i> L.		Umbelifetae	Asafetida giant fennel	۳۴۲، ۱۲۱، ۷۵، ۵۱
<i>Ferula communis</i> L.		Umbelifetae	Common giant fennel	۳۴۱، ۲۵۹، ۲۴۵، ۷۲
<i>Ferula ferulago</i> L.		Umbelifetae		۳۴۲، ۷۲
<i>Ferula galbaniflua</i> Boiss. & Bus. = <i>Ferula gumosa</i> Boiss.	*	Umbelifetae		۳۴۲، ۲۴۶، ۱۰۱، ۷۲
<i>Ferula gumosa</i> Boiss.	*	Umbelifetae	Galbanum plant	۲۴۶
<i>Ferula marmarica</i>		Umbelifetae		۵۲
<i>Ferula narthex</i> Boiss.		Umbelifetae		۷۵
<i>Ferula nodiflora</i> L.		Umbelifetae		۳۱۵
<i>Ferula nodosa</i> Benth & Hook.		Umbelifetae		۳۳۹
<i>Ferula opopanax</i> Spreng.		Umbelifetae		۳۳۹
<i>Ferula orientalis</i> L.	*	Umbelifetae		۳۴۲
<i>Ferula persica</i> Willd.	*	Umbelifetae	Persian asafetida	۳۴۲، ۱۷۳
<i>Ferula rubricaulis</i> Boiss.	*	Umbelifetae		۲۴۶، ۷۲
<i>Ferula saapenum</i> Polack		Umbelifetae		۱۷۳
<i>Ferula scordosma</i> Benth & Hook		Umbelifetae		۱۲۱
<i>Ferula scowitziana</i> D.C.		Umbelifetae		۳۴۲، ۱۷۳
<i>Ferula sumbul</i> Hook.		Umbelifetae		۲۵۴
<i>Ferula tingitana</i> L.		Umbelifetae		۳۴۲
<i>Festuca altissima</i> Boiss.	*	Gramineae		۲۱۲
<i>Festuca</i> sp.		Gramineae	Fescue	۲۱۲
<i>Ficus carica</i> L.	*	Moraceae	Common fig	۳۲۹، ۹۷، ۹۶
<i>Ficus laccifera</i> Roxb.	**	Moraceae		۲۷۱
<i>Ficus palmata</i> Forsk.	*	Moraceae		۹۶
<i>Ficus</i> sp.		Moraceae	Fig	۹۶
<i>Ficus sycomorus</i> L.		Moraceae	Sycomore	۳۲۹، ۳۱۱، ۱۰۵، ۶۶
<i>Filipendula ulmaria</i> Maxim.		Rosaceae	European meadowsweet	۲۶۸
<i>Flacourita cataphracta</i> Willd.		Flacourtiaceae	Paniala; coffee plum; paniala; puneala; Chinese plum	۱۹۹، ۱۶۱
<i>Flemmigia rhodocarpo</i> Bak.		Papilionaceae		۲۹۵
<i>Flores tussilaginis</i> = <i>Flores Farfarae</i> , <i>Flores Tussilaginis</i> , <i>Flos Farfarae</i> = <i>Farfarae flos</i>		Compositae		۷۳
<i>Foeniculum vulgare</i> Mill.		Umbeliferae	Common fennel	۳۴۱، ۱۵۳، ۷۸
<i>Fragra avicennae</i> Lam.				۲۲۳
<i>Fraxinus excelsior</i> L.		Oleaceae	European ash	۳۲۶، ۲۷۸، ۲۶۹
<i>Fraxinus</i> sp.		Oleaceae	Ash	۲۷۸
<i>Fritillaria imperialis</i> L.		Liliaceae		۵۹
<i>Fucus</i> sp.		Fucacea	Rock weed-sea oak	۱۹۸

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Fumaria officinalis</i> L.		Fumariaceae		۱۸۳
<i>Fumaria parviflora</i> Lam.		Fumariaceae		۱۸۳
<i>Fumaria</i> sp.		Fumariaceae	Fumitory	۱۸۳
Fungi sp.				۳۵۲، ۲۲۶
<i>Galium aparin</i> L.	*	Rubiaceae	Catchweed; Catchweed bedstraw ;cleavers	۳۴۲، ۳۱۵، ۲۷، ۵۵
<i>Galium</i> sp.		Rubiaceae	Bedstraw	۲۱۹
<i>Galium verrucosum</i> Spr.		Rubiaceae		۳۴۲
<i>Galium verum</i> L.	*	Rubiaceae	Yellow bedstraw	۳۵۳، ۳۲، ۲۱۹
<i>Garicina mangostana</i> L.		Guttiferae	Mangosteen	۱۰۷
<i>Genista acathoclada</i> DC.		Papilionaceae		۳۲۴
<i>Gentiana lutea</i> L.		Gentianaceae		۳۳۵، ۳۱۳، ۱۰۶
<i>Geranium arabicum</i> Forsk.		Geraniaceae		۲۲۱
<i>Geranium columbinum</i> L.		Geraniaceae	Long-stalked geranium	۳۷
<i>Geranium rotundifolium</i> L.		Geraniaceae	Round-leaved fluellen; Cancerwort	۳۴۴، ۳۱۶
<i>Geranium</i> sp.		Geraniaceae	Geranium ; Crowfoot	۲۱۸، ۳۷
<i>Geranium tuberosum</i> L.	*	Geraniaceae	Tuberous-rooted crane's bill	۳۴۴
<i>Gladiolus communis</i> L.	**	Iridaceae	Common ginger	۳۴۸، ۲۵۵، ۱۸۱، ۱۴۶، ۴۵
<i>Gladiolus segetum</i> Ke.	*	Iridaceae	Corn flag gladiolus	۴۵
<i>Gladiolus</i> sp.		Iridaceae	Gladiolus ;Corn flag	۱۴۶
<i>Glaucium corniculatum</i> Curt.	*	Papaveraceae	Black-spot horn poppy;red celandine	۳۵۱، ۳۴۲، ۲۷۶، ۱۳۴
<i>Glaucium flavum</i> Crantz.	*	Papaveraceae	Yellow horn poppy ; sea celandine	۱۳۵
<i>Glaucium luteum</i> Scop.		Papaveraceae		۳۵۱
<i>Glaucium</i> sp.		Papaveraceae	Horn poppy	۲۷۶
<i>Globularia</i> sp.		Globulariaceae	Globe daisy	۲۱۸
<i>Glossostemon bruguieri</i> DC.		Papilionaceae	Sahlab	۲۸۳
<i>Glossostemon</i> sp.		Papilionaceae		۲۸۳
<i>Gloxinia</i> sp.		Gesneriaceae	Gloxinia	۲۲۱
<i>Glycyrrhiza glabra</i> L.	*	Papilionaceae	Japan clover common lespedeza	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۸۰
<i>Gnaphalium dioicum</i> L.		Compositae		۲۲۶
<i>Gnaphalium leontopodium</i> L. = <i>Leontopodium alpinum</i> Cass.		Compositae	Edelweiss; Pied de lion; Immortelle des neiges	۳۵۳، ۲۰۰، ۱۴۷
<i>Gnaphalium sanguineum</i> Spr.		Compositae		۳۳۹، ۱۴۷
<i>Gnaphalum</i> L.		Compositae	Cudweed	۳۴۴، ۲۲۶، ۳۱۶،
<i>Gossypium herbaceum</i> L.		Malvaceae	Levant cotton	۲۴۲
<i>Gossypium</i> sp.		Malvaceae	Cotton	۲۴۲
<i>Gratiola officinalis</i> L.		Scrophulariaceae	Drug hedge hyssop	۱۰۰
<i>Grewia bicolor</i> Just.		Tiliaceae	White Raisin	۲۹۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Grewia populifolia</i> L.		Tiliaceae		۲۸۹
<i>Guilandina boneculla</i> Flem.		Papilionaceae		۱۵۵
<i>Gundelia tournefortii</i> L.	*	Compositae		۱۱۵
<i>Gymnogramma ceterach</i> (L.) Spre.		Polypodiaceae		۳۴۵
<i>Gypsophila</i> sp.		Caryophyllaceae	Gypsophila; chalk plant	۲۲۳
<i>Gypsophila struthium</i> L.		Caryophyllaceae		۲۲۳، ۱۷۱
<i>Hedera helix</i> L.	*	Araliaceae	English ivy	۳۳۵، ۲۶۷، ۲۴۵
<i>Hedera</i> sp.		Araliaceae	Ivy	۲۱۰، ۱۱۳
<i>Hedysarum</i> sp.		Papilionaceae	Sweet vetch-frenh honeysuckle	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۰۷، ۲۶
<i>Helichrysum sanguineum</i> Cost.		Compositae		۱۴۷
<i>Helichrysum siculum</i> (Spr.) Boiss.		Compositae		۳۵۰
<i>Helichrysum</i> sp.		Compositae	Eveylasting	۳۵۰، ۳۱۹
<i>Helichrysum stoenchas</i> DC.		Compositae		۶۱
<i>Heliconia</i> sp.		Heliconiaceae	Heliopsis	۲۹۵
<i>Helicteris isora</i> L.	*	Sterculiaceae	Indian screw tree; Isora	۲۵۸
<i>Heliethrips haemorrhoidalis</i> Bouc.		Boraginaceae		۱۵۷
<i>Heliotropium europaeum</i> L.		Boraginaceae	Common helitrope	۳۵۷، ۳۲۱، ۱۹۴، ۱۵۱، ۳۵
<i>Heliotropium villosum</i> Pers.	**	Boraginaceae		۳۵۷
<i>Helleborus alba</i> L.		Ranunculaceae		۱۳۰
<i>Helleborus cyclophyllus</i> Boiss.		Ranunculaceae		۳۵۵
<i>Helleborus niger</i> L.		Ranunculaceae	Christmas rose	۱۳۰
<i>Helleborus officinalis</i> Salisb.		Ranunculaceae		۳۵۵
<i>Helleborus</i> sp.		Ranunculaceae	Hellebor	۱۳۰
<i>Helminthia echiodes</i> Gaertn. = <i>Helminthotheca echioides</i> (L.) Wolud		Compositae	Bugloss	۳۳۱
<i>Helvella phalloides</i>		Helvellaceae		۲۲۱
<i>Hemerocallis flava</i> L.		Liliaceae	Lemon daylily	۳۴۴، ۳۱۶، ۱۸۱، ۱۶۴
<i>Hemionitis</i> L.		Hemionitidaceae		۳۴۵، ۳۱۷
<i>Heracleum spondylium</i> L.		Umbeliferae	Hogweed cow parsnip	۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۹، ۱۷۲
<i>Hermodactylus tuberosis</i> Salisb.		Iridaceae	Snake's-head iris	۲۷۰
<i>Herniaria tourneforti</i>		Caryophyllaceae		۶۳
<i>Hetrocarpus santalinus</i> L.		Pandalidae		
<i>Hibiscus esculentus</i> L.	**	Malvaceae	Okra-gubo	۸۴، ۷۴
<i>Hibiscus mutabilis</i> L.	**	Malvaceae	Cotton-rose-changeable rose	۷۴
<i>Hibiscus rosa-sinensis</i> L.	**	Malvaceae	Chinese hibiscus	۱۰۱
<i>Hibiscus tortuosus</i> Roub.		Malvaceae		۷۴
<i>Hippomane manchinella</i> L.		Euphorbiaceae	manchineel	۱۹۴
<i>Hippomarathrum libanotis</i>		Umbeliferae		۳۴۱، ۳۱۵، ۱۵۳

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Koch.				
Hippophae rhamnoides L.	*	Elacagnaceae	Common sea buckthorn	۳۵۶، ۳۹
Hippuris vulgaris	*	Hippuridaceae	Mare's-tail	۳۴۷
Holcus dochna Forscal		Gramineae		۱۴۳
Holcus sorghum L.		Gramineae	Sudan grass	۱۵۰، ۱۰۰
Holosteum sp.		Caryophyllaceae	Mouse-ear	۳۴۸
Holosteum umbellatum L.	*	Caryophyllaceae	Jagged chickweed	۳۴۸، ۳۱۸، ۱۰۱
Hordeum morinum L.	*	Gramineae	Mouse barley	۳۵۰
Hordeum sp.		Gramineae	Barley	۳۲۹، ۱۸۷
Hordeum vulgare L.		Gramineae	Berley	۱۸۸، ۱۸۷
Horminum pyrenaicum L.		Labiatae		۴۵
Hyacinthus comosus		Liliaceae		۳۳۴
Hyacinthus orientalis	**	Liliaceae	Common hyacinth	۳۵۱، ۳۱۹
Hyoscyamus albus L.		Solanaceae		۳۵۱، ۸۸
Hyoscyamus aureus L.		Solanaceae		۳۵۱
Hyoscyamus niger L.	*	Solanaceae	Black henbane sticking-roger	۳۵۱، ۱۹۱، ۸۸
Hyoscyamus reticulatus L.	*	Solanaceae		۸۸
Hyoscyamus Sp.		Solanaceae		۳۵۱، ۳۱۹
Hypecoum procumbens L.	**	Papaveraceae		۵۶
Hypericum barbatum L.		Hypericaceae		۳۴۷، ۳۱۸، ۲۹۸
Hypericum ciliatum L.		Hypericaceae		۳۴۷، ۲۹۸، ۶۸
Hypericum coris L.		Hypericaceae		۳۴۷، ۲۹۸
Hypericum hircinum L.	*	Hypericaceae		۳۵۰، ۲۸۲، ۲۰۱، ۱۸۶
Hypericum perforatum L.	*	Hypericaceae	John's wort	۳۴۷، ۳۰۱، ۱۴۱
Hypericum procumbens L.		Hypericaceae		۳۵۱
Hypericum quadrangulum L.		Hypericaceae	Square-stalked s.t-john's-wort.	۵۶
Hypericum sp.		Hypericaceae	St. -john's-wort	۳۰۱، ۱۴۱
Hyphaene thebaica (L.) Mart. = <i>Corypha thebaica</i> L. = <i>Hyphaene guineense</i>		Arecaceae	Egyptian doum palm	۳۲۵، ۲۸۴
Hyssopus officinalis L.	*	Labiatae	Hyssop	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۶۵
Ilex aquifolium L.	*	Aquifoliaceae	English holly	۶۲
<i>Illecebrum paronychia</i> L. = <i>Paronychia verticillata</i> Lam.		Illecebraceae	coral necklace	۳۵۰
Illicium anisatum L.		Illiciaceae	anise tree	۷۲
Illicium verum Hooker fil		Illiciaceae	star anise	۷۲
Impatiens balsamina L.	*	Balsaminaceae		۲۱۱
Indigofera sp.		Papilionaceae	Indigo	۲۹۲
Indigofera tinctoria L.	**	Papilionaceae	True lavender	۲۹۲، ۲۱۱
Inula britannica L.	*	Compositae	British inula	۳۴۴
Inula candida Cass.		Compositae		۳۵۴
Inula conyzoides DC.		Compositae	Cinnamonroot inula	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۰۰، ۷۷
Inula conyzoides L.		Compositae		۱۸۳

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Inula helenium</i> L.		Compositae	Elecampane inula	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۵۴، ۱۵۳
<i>Inula saxatilis</i> Lam.		Compositae		۳۴۴
<i>Inula viscosa</i> Ait.		Compositae		۳۰۱، ۲۰۰
<i>Ipomea hederacea</i> Jack.		Convolvulaceae		۲۹۲، ۱۱۳
<i>Ipomea turpethum</i> R.Br.		Convolvulaceae		۹۳
<i>Iris ensata</i> Thund.	**	Iridaceae		۷۰
<i>Iris florentina</i> L.		Iridaceae	Florentine iris	۳۲۴، ۳۰۹، ۱۸۱، ۷۰
<i>Iris foeditissima</i> L.	*	Iridaceae		۳۴۸
<i>Iris germanica</i> L.	*	Iridaceae	German iris	۱۷۴، ۷۰
<i>Iris nobilis</i> Pall.		Iridaceae		۷۹
<i>Iris pseudacorus</i> L.	*	Iridaceae	Yellow flag iris	۳۲۴، ۲۹۳
<i>Iris</i> sp.		Iridaceae	Iris	۱۸۱، ۶۷
<i>Isatis lusitanica</i> Brot.	*	Cruciferae		۳۳
<i>Isatis</i> sp.		Cruciferae	Woad	۲۱۱
<i>Isatis titictoria</i> L.	*	Cruciferae	Dyer's woad	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۹۲، ۲۵۱، ۲۱۱، ۱۱۳
<i>Jasminum gradiflorum</i> L.	**	Oleaceae	Catalonian jasmine- spanish jasmine	۲۹۹
<i>Jasminum officinale</i> L.	**	Oleaceae	Common jasmine	۲۹۹
<i>Jasminum sambac</i> (L.) Ait.	**	Oleaceae	Arabian jasmine	۲۹۹، ۲۲۷
<i>Jasminum</i> sp.		Oleaceae	Jasmine	۲۹۹
<i>Jatropha curcas</i> L.		Euphorbiaceae	Barbados nut ; physic nut	۱۰۸
<i>Jatropha gossipifolia</i> L.		Euphorbiaceae		۲۲۷
<i>Juglans regia</i> L.	*	Juglandaceae	Persian walnut; Royal walnut tree	۳۲۹، ۱۰۷
<i>Juncus acutus</i> L.	*	Juncaceae		۳۵۰، ۱۷۵، ۵۰
<i>Juncus arabicus</i> Post.		Juncaceae		۳۵۰، ۲۲۰، ۱۷۵، ۵۰
<i>Juncus maritimus</i> Lam.	*	Juncaceae	Sea rush	۱۷۵
<i>Juncus soinosus</i> For.		Juncaceae		۱۷۵
<i>Juncus</i> sp.		Juncaceae	Rush	۱۷۵، ۵۰
<i>Juniperus communis</i> L.	*	Cupressaceae	Common juniper	۳۲۵، ۲۰۸، ۳۹
<i>Juniperus oxycedrus</i> L.	*	Cupressaceae	Prickly juniper; Red berried juniper	۲۳۴، ۲۰۸
<i>Juniperus sabina</i> L.		Cupressaceae	Sarin juniper	۳۲۵، ۳۹
<i>Juniperus</i> sp.		Cupressaceae	Juniper	۲۰۸
<i>Juniperus vulgaris</i>		Cupressaceae		۲۰۸
<i>Kandelia rheedii</i> W. & A.		Rhizophoraceae	Mangrove	۱۷۳
<i>Laburnum vulgare</i> Bercht. & Prsl.		Papilionaceae		۳۵۴
<i>Lactuca sativa</i> L.	**	Compositae	Garden lettuce	۳۳۲، ۱۳۴، ۱۳۳
<i>Lactuca scariola</i> L. = <i>Lactuca serriola</i> L.	*	Compositae	Prickly lettuce	۳۳۲
<i>Lactuca</i> sp.		Compositae	Lettuce	۱۳۳
<i>Lagenaria vulgaris</i> Ser.	**	Cucurbitaceae	Calabash gourd; Bottle gourd	۱۴۲
<i>Lagoecia cuminoides</i> L.		Umbelliferae		۳۴۰، ۲۶۲
<i>Lallemantia iberica</i> F.&M..	*	Labiatae		۷۳

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Lallemantia royleana</i> Benth.	*	Labiatae		۷۳
<i>Lamium album</i> L.	*	Labiatae	White durra	۲۱۹، ۱۱۵
<i>Lamium maculatum</i> L.	*	Labiatae	Spotted dead nettle	۳۴۳، ۲۷۴، ۱۳۳
<i>Lamium purpureum</i> L.	*	Labiatae	Purple dead nettle	۳۵۳
<i>Lamium striatum</i> Sibth.	**	Labiatae		۳۴۳
<i>Lapathum aquaticum</i> Scop.		Polygonaceae		۱۲۳
<i>Lappa major</i> Gaertn. = <i>L. officinalis</i> All. = <i>Arctium lappa</i> L.		Compositae	Great burdock	۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵۰
<i>Laserpitium siler</i> L.		Umbelliferae		۱۶۵، ۱۱۷
<i>Lathyrus aphaca</i> Tourm. & L.	*	Papilionaceae	Yellow vethling; Tare	۳۳۳
<i>Lathyrus sativus</i> L.	*	Papilionaceae	Grass pea vin	۱۰۴، ۱۳۷
<i>Lathyrus</i> sp.		Papilionaceae	Pea vine	۱۳۷، ۱۰۴
<i>Laurus camphora</i> L.		Lauraceae		۲۴۸، ۱۱۰
<i>Laurus nobilis</i> L.	**	Lauraceae	Grecian laurel; True bay	۳۲۵، ۲۱۸، ۱۵۹، ۱۴۹، ۱۴۸
<i>Lavandula dentata</i> L.		Labiatae	Fringed Lavender, French Lavender	۴۷
<i>Lavandula</i> sp.		Labiatae	Lavender	۱۳۳
<i>Lavandula spica</i> Cav.		Labiatae		۱۳۳
<i>Lavandula stoechas</i> L.	**	Labiatae	French Lavendar	۳۳۷، ۳۱۳، ۴۷
<i>Lavandula vera</i> DC.	*	Labiatae	True lavender	۱۳۳
<i>Lawsonia alba</i> Lam.		Lythraceae		۳۲۶، ۱۲۵
<i>Lawsonia inermis</i> L.	*	Lythraceae	Henna	۱۲۵
<i>Lawsonia</i> sp.		Lythraceae	Henna bush	۱۲۵
<i>Lecanara circummunita</i> Nyl.		Lecanoraceae	Lichen	۱۱۷
<i>Lecanora affini</i> Ev.		Lecanoraceae	Lichen	۱۰۷
<i>Lecanora esculenta</i> Ev.		Lecanoraceae	Lichen	۱۰۷
<i>Lemna minor</i> L.	*	Lemnaceae	Common duckweed	۳۵۳، ۲۰۱
<i>Lemna</i> sp.		Lemnaceae	Duckweed	۳۵۳، ۲۰۷
<i>Lens culinaris</i> Medic. = <i>Lens esculenta</i> Monch.	*	Papilionaceae	Common lentil	۲۰۷
<i>Lens esculenta</i> Monch.	*	Papilionaceae		۳۳۰، ۲۰۷
<i>Leontice chrysogonum</i> L.		Podophyllaceae		۳۴۲
<i>Leontice leontopetalum</i> L.	*	Podophyllaceae	Leon's leaf	۳۵۰، ۳۴۲، ۳۱۵، ۳۵۰
<i>Leontodon</i> sp.		Compositae	Hawkbit	۳۰۱
<i>Leontodon taraxacum</i> L.		Compositae		۲۰۰
<i>Leontopodium de Dioscoride</i>		Compositae		۳۵۷، ۶۷
<i>Lepidium campestre</i> L.	*	Cruciferae		۱۱۶، ۱۱۵، ۱۰۲
<i>Lepidium campestres</i> R.Br.		Cruciferae	Field pepper weed	۳۳۳، ۱۳۱
<i>Lepidium draba</i> L. = <i>Cardaria draba</i> (L.)Des.		Cruciferae	Pepper weed white top	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۵، ۱۱۶
<i>Lepidium iberis</i> L.		Cruciferae		۱۹۴
<i>Lepidium latifolium</i> L.	*	Cruciferae	Eropean papperwort	۳۳۴، ۱۹۴
<i>Lepidium sativum</i> L.	*	Cruciferae	Garden-cress; Peppergrass	۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۱۹۴، ۱۱۵

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Lepidium sp.		Cruciferae	Pepperweed; Peppergrass	۲۸۱، ۱۹۳
Leptochloa bipinnata (L.) Hochst.		Gramineae		۱۲۲، ۱۲۲
Leucojum sp.	*	Amaryllidaceae	Snowflake	۲۰۶
Levisticum officinale Koch.	*	Umbelliferae	Garden lovage	۳۴۰، ۳۱۴، ۲۵۴، ۲۴۸، ۱۱۷
Lichen				۵۲
<i>Ligusticum levisticum</i> L. = <i>Levisticum officinale</i>		Umbelliferae	Lovage	۲۴۸، ۶۵
Lilium candidum L.		Liliaceae	Madonna lily	۳۴۳، ۱۸۱
Lilium chalcidonicum L.		Liliaceae	Chalcedonian lily	۳۴۴
Lilium sp.		Liliaceae	Lily	۱۸۱، ۱۶۴
Linaria elatine Mill.		Scrophulariaceae	Sharp pointed fluellin	۳۴۹، ۳۱۹، ۲۶۷
Linaria spuria Mill.		Scrophulariaceae		۳۴۹
Linaria vulgaris Mill.	*	Scrophulariaceae	Butter and eggs	۲۷۷
Linum sp.		Linaceae	Flax	۲۵۱
Linum usitatissimum L.	*	Linaceae	Fiber flax ; Common flax	۳۲۹، ۲۵۱
Liquidambar orientalis L.	*	Hamameliaceae	Sweet gum	۲۸۹
Liquidambar orientalis Mill.		Hamameliaceae		۵۳
Liquidambar sp.		Hamameliaceae		۲۶۷
Liserpitium siler L.		Umbelliferae		۳۴۰
Lithospermum purpurea- coeruleum Dfcs. & DC.	*	Boraginaceae	Creeping gromwell	۳۳۵
Lithospermum fruticosum L.		Boraginaceae		۳۸
Lithospermum officinale L.		Boraginaceae	Common gromweel	۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۶، ۲۵۹، ۲۴۳، ۴۸ ۳۴۸
Lithospermum tinctorium L.		Boraginaceae		۱۹۰
Lodoicea sechellarum Lab.		Arecaceae	Coco maledivicus ; Nux media	۲۸۷
Lolium perenne L.	*	Gramineae	Perennial rye grass	۹۱
Lolium sp.		Gramineae	Rye grass	۱۶۴
Lolium temulentum L.	*	Gramineae	Darnel rye grass	۳۲۹، ۱۹۴، ۱۶۴
Lonicera caprifolium L.	**	Caprifoliaceae	Sweet honeysuckle	۳۳۴، ۱۹۵، ۷۵
Lonicera periclymenon L.		Caprifoliaceae		۳۴۸، ۳۱۸، ۲۴۴، ۱۸۵
Lonicera sp.		Caprifoliaceae	Honeysucle	۱۹۵
Lophotenaria aurea L.		Gramineae		۱۸۲
Loranthus europeus Jack.		Loranthaceae		۲۱۶
Loranthus europaeus L.	*	Loranthaceae	Continental mistletoe	۱۶۷، ۱۴۳، ۸۸
Loranthus globiferus A.Rich.		Loranthaceae		۱۳۱
Loranthus sp.		Loranthaceae	Loranth	۲۱۶
Lotus ornithopodioides L.		Papilionaceae		۲۱۶
Lotus sp.		Papilionaceae	Deervetch; Bird's- foot trefoil	۳۵۴، ۳۲۰، ۲۷۲
Luffa aegyptiaca Mill.		Cucurbitaceae		۲۷۳
Luffa cylindrica M.Roe.	**	Cucurbitaceae	Suakwa-vegetable	۲۷۳



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			spone	
Luffa sp.		Cucurbitaceae	Towel ground ; Dishcloth gourmd	۲۷۳
Lupinus albus L.		Papilionaceae	White lupine	۹۳
Lupinus angustifolius L..		Papilionaceae	Blue lupine	۳۳۰، ۹۳
Lupinus pilosus Murr.		Papilionaceae		۳۳۰
Lupinus sp.		Papilionaceae	Lupine	۹۳
Lupinus termis Forsk.		Papilionaceae		۳۳۰، ۳۱۱، ۹۳
Lychnis chalconica L.		Caryophyllaceae	Maltese cross campion	۲۶۸
Lychnis coronaria Desf.		Caryophyllaceae	Rose campion	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۶۸
Lychnis githago L.		Caryophyllaceae		۱۶۹
Lychnis sp.		Caryophyllaceae		۲۶۸
Lycium afrum L.		Solanaceae		۳۲۶، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱
Lycium europaeum L. = Lycium edgeworthii Dun.		Solanaceae		۲۱۷
Lycium sp.		Solanaceae	Wolfberry; desert thorn	۲۱۷، ۱۲۰
Lycoperdon sp. (Fungi)			Puffbal	۲۲۷
Lysimachia vulgaris L.		Primulaceae	Golden loosestrife	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۷۲، ۱۷۱
Lythrum salicaria L.	*	Lythraceae	Purple lythrum	۳۴۷
Maerua crassifolia Forsk.		Capparidaceae	Sunduhi, Hasu (Ou)	۳۳
Majorana hortensis Moench.		Labiatae	Sweet marjoram	۲۷۸
Majorana sp.		Labiatae	Marjoram	۲۷۸
Malabaila pumila Rois.		Umbelliferae		۱۸۸
Malabaila secacul Russ.	*	Umbelliferae		۱۸۸
Mallotus philippinensis Mull.		Euphorbiaceae	Red kamala	۲۹۰، ۲۴۴
Mallotus sp.		Euphorbiaceae		۲۴۴
Malus orientalis Ugli.	*	Rosaceae		۹۴
Malva alcea L.		Malvaceae	Hollyhock mallow	۳۴۶
Malva parviflora L.	*	Malvaceae		۱۲۹
Malva rotundifolia Diss.	*	Malvaceae		۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹، ۸۰
Malva sp.		Malvaceae		۱۲۹
Malva sylvestris L.	*	Malvaceae	High mallow; Wild mallow	۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹
Mandragora officinarum L.		Solanaceae		۳۵۲، ۳۲۰، ۳۰۰، ۲۷۰، ۱۶۲
Mandragora sp.		Solanaceae	Mandrake	۲۷۰
Mandrgora officinarum L.	**	Solanaceae		۱۴۹
Mangifera indica L.	**	Anacardiaceae	Common marchantia	۲۱۴، ۶۳
Marrubium pseudodictamnus L.		Labiatae		۳۳۸
Marrubium sp.		Labiatae	Hoarhound	۲۳۰، ۲۲۴
Marrubium vulgare L.	*	Labiatae	Common horehound	۳۴۳، ۲۲۴
Marsednia erecta L.	*	Asclepiadaceae	Marsdenia	۴۲
Matricaria aurea Sch.	*	Compositae		۵۸
Matricaria chamomilla L.		Compositae	German comomile	۲۳۰، ۱۸۷، ۵۸

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Matricaria parthenium</i> L.		Compositae	Feverfew	۵۸
<i>Matthiola incana</i> R.Br.		Cruciferae	Common stock	۳۴۵، ۱۶۹، ۷۹
<i>Matthiola livida</i> DC.		Cruciferae		۲۸۵، ۱۳۸
<i>Medicago arborea</i> Mill.		Papilionaceae	Tree medic; Tree alfalfa	۲۴۰
<i>Medicago ciliaris</i> Hook.	**	Papilionaceae		۲۹۱
<i>Medicago hispida</i> Gaertn.		Papilionaceae	Califonia bur clover	۲۹۱
<i>Medicago intertexta</i> L.	*	Papilionaceae	Horns and hedgehog	۲۹۱
<i>Medicago littoralis</i> Rhod.		Papilionaceae		۲۹۱
<i>Medicago sativa</i> L.	*	Papilionaceae	Alfalfa	۳۳۲، ۳۱۲، ۲۹۱، ۱۵۶
<i>Medicago</i> sp.		Papilionaceae	Medic	۲۴۱
<i>Melastoma</i> sp.		Melastomaceae	Melastoma family	۱۶۷
<i>Melia azadarach</i> L.	*	Meliaceae	Margosa	۳۵
<i>Melilotus officinalis</i> Lam.	*	Papilionaceae	Yellow sweet clover	۳۳۹، ۳۱۴، ۵۹، ۳۹
<i>Melilotus parviflora</i>		Papilionaceae		۲۳۶
<i>Melilotus</i> sp.		Papilionaceae	Sweet clover melilot	۱۲۶
<i>Melissa calamintha</i> L. = <i>Calamintha officinalis</i> Moench		Labiatae	Calamint savory	۱۲۶
<i>Melissa clinopodium</i> Benth.		Labiatae		۳۴۲
<i>Melissa officinalis</i> L.	*	Labiatae	Common balm	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۵، ۷۱
<i>Memecylon edule</i> Rox.		Melastomataceae	Iron wood tree	۲۹۵
<i>Memecylon tinctoria</i> Wil.		Melastomataceae		۲۹۵
<i>Memecylon tinctorium</i> L.		Melastomataceae		۵۳
<i>Menispermum cocculus</i> L.		Menispermaceae		۲۷۷
<i>Mentha aquatica</i> L.	*	Labiatae	Water mint	۳۳۸، ۲۹۱، ۲۸۲، ۲۲۹، ۱۹۸
<i>Mentha arvensis</i> L.	*	Labiatae	Field mint	۳۴۲
<i>Mentha officinalis</i> Hull.		Labiatae		۲۲۹
<i>Mentha piperita</i> Smith.	*	Labiatae	Peppermint	۳۳۸، ۲۹۱، ۲۲۹
<i>Mentha pulegium</i> L.	*	Labiatae	Pennyroyal	۳۳۸، ۲۲۹، ۲۲۱، ۱۹۶، ۱۰۵، ۸۳
<i>Mentha pulegium</i> var. <i>erecta</i>		Labiatae		۳۳۸
<i>Mentha sativa</i> L.		Labiatae		۳۳۸، ۲۹۱
<i>Mentha</i> sp.		Labiatae	Mint	۲۹۱
<i>Mentha sylvestris</i> L.		Labiatae		۳۳۸، ۲۲۹، ۲۰۵
<i>Mercurialis annua</i> L.	*	Euphorbiaceae	Herb mercury	۳۵۷، ۳۴۴، ۱۲۱
<i>Mercurialis</i> sp.		Euphorbiaceae		۱۲۱
<i>Merendera persica</i> Boiss. = <i>Colchicum robustum</i> (Bge) Stefan	*	Colchicaceae		۱۸۰
<i>Mespilus pycnoloba</i> C.Koch.		Rosaceae		۲۱۹
<i>Mesua ferrea</i> L.		Guttiferae	Iron wood	۲۸۸
<i>Meum athamanticum</i> Jack		Umbelliferae		۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۵،
<i>Mezereum officinal</i> C.A.Mey.		Thymelaeaceae		۲۷۵
<i>Micromeria juliana</i> Benth.		Labiatae		۳۳۹
<i>Micropus erectus</i> L.		Compositae		۳۵۵
<i>Milium indicum</i>		Gramineae		۱۰۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Milium nigricans</i> Ruis.		Gramineae		۲۰۴
<i>Mimosa arabica</i> Lam.		Mimosaceae		۲۳۷
<i>Mimosa nilotica</i> L.		Mimosaceae		۲۳۷، ۲۳۷، ۱۹۱
<i>Mimosa oerfota</i> Fork.		Mimosaceae		۲۰۸
<i>Mimusops schimperi</i> Hochst. = <i>Mimusops laurifolia</i> (Forssk.) I.Friis		Sapotaceae		۳۲۹، ۲۶۶، ۷۶
<i>Mogorium sambac</i> Lam. = <i>Jasminum</i> L.		Oleacea		۲۲۷
<i>Momordica elaterium</i> L. = <i>Ecballium elaterium</i> (L.) A. Reich		Cucurbitaceae	squirting cucumber, pepino de Sao Gregorio, pepino do Diabo, elaterio	۳۵۵، ۲۳۴
<i>Morchella esculenta</i> Pers. (Mushrooms)		Morchellaceae	Pancita, morilla, mazorquita, , elotito mazorca, elote, huccasy colmena.	۲۲۱
<i>Moringa aptera</i> Gaertn.		Moringaceae		۱۱۱
<i>Moringa arabica</i> Pers.		Moringaceae		۱۱۵
<i>Moringa pterygosperma</i> Gaertn.		Moringaceae		۱۱۱
<i>Morus acedosa</i> Cr.		Moraceae		۹۶
<i>Morus alba</i> L.	*	Moraceae	White mustard	۳۲۹، ۳۱۱، ۹۶، ۹۵
<i>Morus indica</i> L.		Moraceae		۹۶
<i>Morus nigra</i> L.	*	Moraceae	Black mixed	۳۲۹، ۹۶، ۹۵
<i>Morus</i> sp.		Moraceae	Mulberry	۹۵
<i>Moschosma</i> sp. (Moss)		Labiatae		۱۹۸
				۲۰۰
<i>Musa paradisiaca</i> L.	*	Musaceae		۲۸۵، ۲۰۳
<i>Musa sepientum</i> L.	*	Musaceae	Banana tree	۲۸۵، ۲۰۳
<i>Musa</i> sp.		Musaceae	Banana	۲۸۵
<i>Muscari comosum</i> Mill.	*	Liliaceae	Feathered grape hyacinth	۳۳۴، ۸۶
<i>Muscari</i> sp.		Liliaceae	Grape hyacinth	۸۶
<i>Muscus arboreus</i>		(Moss)		۵۲
<i>Muscus</i> sp. (Mushroom )		(Moss)		۵۲
				۲۲۶
<i>Myosotis alpestris</i> Schm.		Boraginaceae	Alpine forget-me- not	۳۴
<i>Myosotis arvensis</i> L.		Boraginaceae	Field forget-me-not	۳۴
<i>Myosotis palustris</i> Lam.	*	Boraginaceae	True forget-me-not	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۱۸، ۳۴
<i>Myosotis</i> sp.		Boraginaceae	Forget-me-not	۳۴
<i>Myosotis stricta</i> Roem & Schut.	*	Boraginaceae		۳۴
<i>Myrica sapida</i> Wall . = <i>Myrica</i> <i>nagi</i> Thunb		Myricaceae	Box myrtle	۱۴۱
<i>Myriophyllum</i> sp.		Haloragaceae	Water milfoil parrot feather	۲۸۰
<i>Myriophyllum spicatum</i> L.	*	Haloragaceae	Spiked milfoil	۳۵۶، ۳۲۰، ۱۱۷
<i>Myristica aromatica</i> Lam.		Myristcaceae		۱۰۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Myristica fragrans</i> Houtt.		Myristaceae	Common nutmeg	۳۲۶، ۲۰۰، ۱۴۲، ۱۰۷، ۷۸
<i>Myrobalanus bellerica</i> Gaertn.		Combretaceae		۷۹
<i>Myrobalanus chebulae</i> <i>Gaertn.</i> = <i>Terminalia chebula</i>		Combretaceae		۷۹
<i>Myrobalanus citrinae</i> Gaertn.		Combretaceae		۷۹
<i>Myrobalanus nigrae</i>		Combretaceae		۷۹
<i>Myrrhis odorata</i> Scop . = <i>Scandix odorata</i>		Umbelliferae	Sweet cicely	۳۵۴، ۳۴۰، ۳۲۶
<i>Myrtus communis</i> L.	*	Myrtaceae	Turemyrtle	۳۲۸، ۳۶
<i>Myrtus</i> sp.		Myrtaceae	Mangel	۳۶
<i>Narcissus jonquilla</i> L.		Amarillidaceae	Jonquil	۲۹۰
<i>Narcissus poeticus</i> L.		Amarillidaceae		۳۵۶، ۲۹۰، ۲۰۶
<i>Narcissus</i> sp.		Amarillidaceae	Poet's narcissus	۲۹۰
<i>Narcissus tazetta</i> L.	*	Amarillidaceae		۲۹۰، ۲۰۶
<i>Nardostachys jatamansi</i> DC.	*	Valerianaceae		۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷
<i>Nardostachys sampharitke</i> ?		Valerianaceae		۲۳۸
<i>Nardus indica</i> L.		Gramineae		۱۷۸
<i>Narthecium ossifragum</i> Huds.		Liliaceae		۲۵۵
<i>Narthecium</i> sp.		Liliaceae	Bog asphodel	۲۵۵
<i>Nasturtium officinale</i> R.Br.		Cruiferae		۲۸۴، ۲۳۵، ۲۲۴، ۱۱۵
<i>Nasturtium officinalis</i> L.	*	Cruiferae	Water cress	۳۳۱، ۱۱۶
<i>Nauclea</i> sp.		Rubiaceae		۲۳۰
<i>Nelmbium nuciferum</i> Gaer.	*	Nymphaceae	Hindu lotus	۶۸
<i>Nelmbium speciosum</i> L . = <i>Nelmbium nuciferum</i> Gaertn.	**	Nymphaceae	Chinese water lily	۶۸
<i>Nelumbium speciosum</i> Willd.		Nymphaceae		۳۳۰
<i>Nemastopora corylii</i> (Fungi)				۲۴۰
<i>Nepeta micrantha</i> Bu.		Labiatae		۱۶۵
<i>Nepeta mispahanica</i> Bo.		Labiatae		۱۶۵
<i>Nerium oleander</i> L.	*	Apocynaceae		۳۵۲، ۳۲۰، ۲۹۴، ۱۴۵
<i>Nerium</i> sp.		Apocynaceae	Common oleander	۱۴۵
<i>Neurada procumbens</i> L.	*	Rosaceae	Garden fennelflower; Black cumin	۱۷۲
<i>Nigella sativa</i> L.	*	Ranunculaceae	Nutmeg flower	۱۹۲، ۹۴، ۳۴
<i>Nigella</i> sp.		Ranunculaceae	Fennelflower	۱۹۲
<i>Nuphar alba</i> L.	*	Nymphaceae		۲۹۳
<i>Nuphar luteum</i> L.	*	Nymphaceae	European cow lily	۳۴۵، ۲۹۳
<i>Nymphaea alba</i> L.	*	Nymphaceae	White water lily	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۹۳، ۸۰
<i>Nymphaea coerulea</i> L.		Nymphaceae	Yellow mexican water lily	۲۹۳
<i>Nymphaea flava</i> Leitner		Nymphaceae		۲۹۳
<i>Nymphaea indica</i> ?		Nymphaceae		۲۹۳، ۶۸
<i>Nymphaea lotus</i> L.		Nymphaceae	White Egyptian lotus	۳۵۴، ۲۹۳، ۲۸۶، ۲۷۲، ۸۰
<i>Nymphaea lutea</i> L.	*	Nymphaceae		۲۹۳

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Nymphaea nelumbo</i> L.		Nymphaeaceae	European cow lily	۳۳۰، ۷۳
<i>Nymphaea</i> sp.		Nymphaeaceae	Water lily	۲۹۳
<i>Nymphaea stellata</i> Willd.		Nymphaeaceae		۳۵۴
<i>Ochna</i> sp.		Ochnaceae	Ochna	۱۱۷
<i>Ocimum album</i> L.		Labiatae		۷۱
<i>Ocimum basilicum</i> L.	*	Labiatae	Sweet basil; hoary basil	۳۱۱، ۲۲۵، ۱۸۴، ۱۶۰، ۱۲۲، ۷۱ ۳۳۲
<i>Ocimum filamentosum</i> Forsk.		Labiatae		۱۶۰، ۱۰۵
<i>Ocimum gratissimum</i> L.		Labiatae		۱۶۰، ۱۰۵
<i>Ocimum minimum</i> L.		Labiatae		۱۹۸، ۱۸۴
<i>Ocimum pilosum</i> Willd.		Labiatae		۳۳۹، ۲۲۵، ۱۸۴، ۱۲۲
<i>Oenothera biennis</i> L.		Onagraceae	evening primrose, fever plant, night willow-herb, scabish, scurvish, tree primrose	۳۵۴
<i>Olea europaea</i> L.	*	Oleaceae	Common olive	۱۶۶
<i>Olea oleaster</i> L.		Oleaceae		۳۲۷، ۲۰۶، ۱۶۶
<i>Onobrychis viciaefolia</i> Scop. = <i>Onobrychis altissima</i> Grossh.		Papilionaceae	Common sainfoin	۳۳۴، ۳۱۸
<i>Ononis antiquorum</i> L. = <i>Ononis spinosa</i> subsp. <i>Antiquorum</i>		Papilionaceae	Balomaga	۳۳۷، ۳۱۳
<i>Ononis antiquorum</i> L.		Papilionaceae		۳۳۷، ۱۹۸، ۱۸۴
<i>Onopordon acanthium</i> L.	*	Compositae	Cotton thistle	۳۳۶، ۲۰۴، ۱۸۹، ۷۱، ۵۸
<i>Onopordon arabicum</i> L.		Compositae		۳۳۷، ۱۸۹
<i>Onopordon illiricum</i> L.		Compositae		۳۳۷
<i>Onosma echinoides</i> L.	**	Boraginaceae		۳۴۵، ۳۱۷، ۶۸، ۴۳
<i>Onosma</i> sp.		Boraginaceae	Old- field toadflax	۳۴۵، ۱۹۰، ۱۲۵، ۳۸
<i>Onosma tinctoria</i> Bieb.		Boraginaceae		۲۵۲
<i>Ophioxylon serpentium</i> L.		Orchidaceae		۲۱۶
<i>Ophrys apifera</i> Huds.	*	Orchidaceae	Bee orchid	۳۴۵
<i>Ophrys</i> sp.		Orchidaceae		۳۴۵
<i>Opopanax chironium</i> Koch.		Umbelliferae		۳۳۹، ۱۰۰
<i>Opopanax hispidus</i> Griseb.		Umbelliferae		۳۳۹
<i>Opuntia hircina</i> ?		Cactaceae		۹۰
<i>Opuntia</i> sp.		Cactaceae	Prickly pear	۱۹۵
<i>Orchis anthropophora</i> L.		Orchidaceae		۳۴۵، ۱۳۵
<i>Orchis hircina</i> Griseb.		Orchidaceae		۱۳۶، ۱۳۵، ۹۰
<i>Orchis morio</i> L.		Orchidaceae		۳۴۴، ۳۱۶، ۹۰، ۸۹
<i>Orchis rubra</i> Jacq.		Orchidaceae		۳۴۴
<i>Orchis</i> sp.		Orchidaceae	Orchid; Orchis	۱۳۵، ۹۰، ۸۹
<i>Orchis undulatifolia</i> L.		Orchidaceae		۳۴۵، ۳۱۶
<i>Origanum aegyptiacum</i> L.		Labiatae		۱۶۵
<i>Origanum amaracus</i> Gled.		Labiatae		۲۷۹، ۲۷۸
<i>Origanum creticum</i> L.		Labiatae		۲۸۱
<i>Origanum dictamnus</i> L.		Labiatae		۳۳۸، ۳۱۴، ۲۸۱، ۲۳۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Origanum hirtum</i> L.		Labiatae		۲۸۱
<i>Origanum lirium</i>		Labiatae		۳۳۷
<i>Origanum majorana</i> L.		Labiatae	Sweet majoran	۳۳۹، ۲۷۸
<i>Origanum maru</i> L.		Labiatae		۲۷۹، ۲۲۱
<i>Origanum marum</i> L.		Labiatae		۳۳۹
<i>Origanum onitis</i> L.		Labiatae		۳۳۸
<i>Origanum sipyleum</i> L.		Labiatae		۳۳۷
<i>Origanum</i> sp.		Labiatae	Origanum	۳۳۸، ۳۱۳، ۱۹۶، ۱۹۵
<i>Origanum vulgare</i> L.	*	Labiatae	Common origanum; Wild marjoram	۳۳۸، ۲۳۰، ۱۹۶
<i>Origanum vulgare</i> var. <i>megastachyum</i>		Labiatae		۳۳۸
<i>Ornithogalum</i> sp.		Liliaceae	Star-of-bethlehem	۱۹۴، ۵۱
<i>Ornithogalum stachyoides</i> Host.		Liliaceae		۳۳۴، ۱۳۸
<i>Ornithogalum umbellatum</i> L.	*	Liliaceae	Common star-of- bethlehem	۳۳۲، ۵۱
<i>Orobanche aegyptiaca</i> Pers.	*	Orobanchaceae		۶۸
<i>Orobanche caryophyllacea</i> SM. = <i>Orobanch vulgaris</i> Poir.	*	Orobanchaceae	Clove-scented broomrape	۳۳۲، ۳۱۱، ۲۰۱
<i>Orobanche</i> sp.		Orobanchaceae	Broomrape	۶۸، ۴۷
<i>Orseille tinctoria</i> = <i>Roccella</i> <i>tinctoria</i> DC. (Lichen)			Dyer's Weed ; Orchella Weed ; Lichen Roccella	۱۶۸
<i>Oryza sativa</i> L.	*	Graminae	Rice	۳۲۹، ۳۱۱، ۴۴
<i>Osmunda cinnamomea</i> L.		Osmundaceae		۱۶۹
<i>Osmunda regalis</i> L.		Osmundaceae	Royal fern	۱۶۹
<i>Osyris alba</i> L.		Santalaceae		۳۵۵
<i>Oxalis acetosella</i> L.	*	Oxalidaceae	Wood-sorrel; oxalis	۸۳
<i>Oxalis corniculata</i> L.	*	Oxalidaceae	Creeping oxalis	۱۲۵
<i>Oxalis</i> sp.		Oxalidaceae	Oxalis ; Wood sorrel	۱۲۳
<i>Paeonia corallina</i> L.		Paeoniaceae	Coral peony	۳۴۶، ۲۲۳
<i>Paeonia corallina</i> Ret.		Paeoniaceae		۲۹۵
<i>Paeonia officinalis</i> L.		Paeoniaceae	Common peony	۲۹۵
<i>Paeonia officinalis</i> Retz.		Paeoniaceae		۳۴۶، ۲۲۳
<i>Paeonia wittmanniana</i> Hart.	*	Paeoniaceae		۲۹۵
<i>Paliurus aculeatus</i> Lam.		Rhamnaceae		۳۲۶، ۳۰۹، ۱۶۸
<i>Paliurus</i> sp.		Rhamnaceae	Paliurus	۱۸۵
<i>Pancratium maritimum</i> L.		Amaryllidaceae	sea daffodil	۲۴۳، ۲۲۶
<i>Pandanus</i> sp.		Pandanaceae	Screw pine pandnus	۲۴۸، ۴۵
<i>Panicum dactylon</i> L.		Geramineae		۹۹
<i>Panicum italicum</i> L.		Geramineae		۱۴۳
<i>Panicum milliaceum</i> L.	*	Geramineae	Proso-broomcorn; millet	۳۲۹، ۱۴۳، ۱۰۰
<i>Pannkratium maritimum</i> L.		Amaryllidaceae		۳۳۴، ۳۱۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Papaver argemone</i> L.	*	Papaveraceae	Fall daffodil	۴۴
<i>Papaver rhoeas</i> L.	*	Papaveraceae	Corn poppy ; Field poppy	۳۵۱، ۲۸۸، ۱۹۰، ۱۳۴
<i>Papaver somniferum</i> L.	*	Papaveraceae	Opium poppy	۳۵۱، ۱۵۸، ۱۳۵، ۱۳۴
<i>Papaver</i> sp.		Papaveraceae	Poppy	۱۳۴
<i>Papyrus antiquorum</i> Willd. = <b>Cyperus Papyrus</b>		Cyperaceae	Papyrus	۳۲۶، ۷۵
<i>Papyrus domesticus</i> Poir.		Cyperaceae		۷۶
<i>Parietaria cretica</i> L.		Urticaceae		۳۵۳، ۱۱۹، ۳۴
<i>Parietaria diffusa</i> L.		Urticaceae		۱۱۹
<i>Parietaria officinalis</i> L.		Urticaceae	Wall pellitory	۳۴
<i>Parietaria</i> sp.		Urticaceae	Pellitory	۳۵۳
<i>Paris incompleta</i> Bieb.		Trilliaceae	Jorusalem thorn; hore-bean	۲۱۵
<i>Parkinsonia aculeata</i> L.	*	Aesalpinaceae		۷۵
<i>Parkinsonia</i> sp.		Aesalpinaceae		۷۵
<i>Parnassia palustris</i> L.		Saxifragaceae	Wide-world parnassia	۳۴۹
<i>Paronichia</i> sp.		Caryophyllaceae	Nailwort; Whitwort	۱۱۸
<i>Paronychia serpyllifolia</i> DC.		Caryophyllaceae		۳۵۰، ۳۱۹، ۲۳۱
<i>Passeina hirsuta</i> L.		Umbelliferae		۳۴۷
<i>Pastinaca graeca</i> ?		Umbelliferae		۳۴۱
<i>Pastinaca sativa</i> L.		Umbelliferae	Garden parsnip	۳۳۰، ۱۸۱، ۱۵۹، ۱۵۶، ۱۰۳
<i>Pastinaca schekakul</i> Russ.		Umbelliferae		۱۸۸
<i>Pastinaca secacul</i> Russ. = <b>Malabaila secacul</b> (Miller) Boiss. <b>Susp. Secacul</b>		Umbelliferae		۱۰۳
<i>Pedicularis tuberosa</i> Vill.		Scrophulariaceae		۳۴۴
<i>Peganum harmala</i> L.	*	Zygophyllaceae	Harmel peganum African rue	۳۳۹، ۳۱۴، ۱۱۶
<i>Penaea mucronata</i> L.		Penaeaceae		۶۶
<i>Penaea</i> sp.		Penaeaceae		۳۴۲
<i>Pennisetum</i> sp.		Gramineae	Pennisetum	۹۷
<i>Peperomia</i> sp.		Piperaceae	Peperomia	۲۲۱
<i>Pergularia tomentosa</i> L.	*	Asclepiadaceae		۲۲۱
<i>Periploca</i> sp.		Periplocaceae	Silk vine	۸۶
<i>Persica vulgaris</i> Mill.	*	Rosaceae	Peach	۱۳۹
<i>Petroselinum oreoselinum</i> L. = <i>Peucedanum oreoslinum</i> (L.) Moe.		Umbelliferae		۲۵۴
<i>Petroselinum sativum</i> Hoffm.	*	Umbelliferae	Common garden parsly	۲۵۴
<i>Peucedanum ammoniacum</i> ?		Umbelliferae		۳۰۰
<i>Peucedanum cervaria</i> L.		Umbelliferae	Much-good	۳۴۱
<i>Peucedanum officinale</i> L.	*	Umbelliferae	Common hog's- fenel	۳۴۱، ۳۱۵، ۷۴
<i>Peucedanum oreoseinum</i> Moench.		Umbelliferae	Mountain parsley	۳۱۵، ۳۶ ۳۴۱،

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Peucedanum sativum</i> Benth.		Umbelliferae		۱۸۱
<i>Phalangium ramosum</i> Lam.		Phalangida		۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۳
<i>Phalaris canariensis</i> Nutt.	**	Gramineae	Canary grass	۳۴۶
<i>Phalaris tuberosa</i> L.		Gramineae		۳۴۶، ۳۱۷، ۲۲۳
<i>Phaseolus communis</i> Paritz.		Papilionaceae		۲۷۱
<i>Phaseolus max</i> L.		Papilionaceae		۲۷۶
<i>Phaseolus mrabiatu</i> s L.		Papilionaceae		۲۷۶
<i>Phaseolus mungo</i> L.		Papilionaceae	Mungo bean; Black gram	۲۷۵
<i>Phaseolus radiatus</i> L.	**	Papilionaceae		۲۷۵
<i>Phaseolus vulgaris</i> L.	*	Papilionaceae	Kidney bean	۲۷۱
<i>Phelypaea coccinea</i> Poir. = <i>Anoplon coccineum</i> (M.B.) H.Riedl		Orobanchaceae		۲۷۱
<i>Phelypaea egyptiaca</i> Walp.		Orobanchaceae		۲۰۱
<i>Philadelphus</i> sp.		Saxifragaceae	Mock orange	۱۷۱
<i>Phillyrea latifolia</i> L.		Oleaceae	Tree phillyrea	۳۲۷، ۳۱۰، ۲۰۶، ۱۶۶، ۱۱۲
<i>Phoenix dactylifera</i> L.	*	Palmaceae	Date; Plum persimmon	۳۲۸، ۳۱۰، ۹۵
<i>Phragmites communis</i> Trin		Gramineae	Common reed	۳۲۶، ۲۴۰
<i>Phyllanthus emblica</i> L. = <i>Embllica officinalis</i>		Euphorbiaceae	Emblic leaf flower	۶۳
<i>Phyllitis scolopendrium</i> L.	*	Aspleniaceae	Hart's-tongue;	۳۴۳، ۳۱۶، ۱۶۹
<i>Physalis alkekengi</i> L.	*	Solanaceae	Strawberry; Alkekengi	۳۵۲، ۲۴۹، ۲۱۵
<i>Physalis somnifera</i> L.		Solanaceae		۳۵۲
<i>Picea excelsa</i> Link.		Pinaceae	Norway spruce	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷، ۴۴
<i>Picnomon acarna</i> (L.) Cass.	*	Compositae	Yellow plume thiste	۷۲
<i>Picnomon acarna</i> Coss.		Compositae		۳۳۶، ۷۳
<i>Pimpinella anisum</i> L.		Umbelliferae	Anise	۳۴۰، ۳۱۴، ۹۴، ۶۷
<i>Pimpinella dioica</i> L.		Umbelliferae		۳۵۴
<i>Pimpinella dissecta</i> Polli. = <i>Pimpinellarhodantha</i> Boiss.	*	Umbelliferae		۳۵۴
<i>Pimpinella trgium</i> Vill.		Umbelliferae		۲۰۲
<i>Pinites stroboides</i> (Conw.) Sch.		Cecidomyiinae		۲۶۴
<i>Pinites succinifer</i> Goppert & Bernedt		Cecidomyiinae	Amber	۲۶۴
<i>Pinus cembra</i> L.		Pinaceae	Swiss stone pine	۱۹۷
<i>Pinus eldarica</i> Medew.		Pinaceae		۱۹۷
<i>Pinus halepensis</i> Mill.	*	Pinaceae	Aleppo pine	۳۵۶، ۱۹۷، ۴۴
<i>Pinus maritima</i> Lam.		Pinaceae		۱۹۷
<i>Pinus nigra</i> L.	**	Pinaceae	Austrian pine	۱۹۷
<i>Pinus orientalis</i> Link.		Pinaceae		۱۹۷
<i>Pinus pinea</i> L.	*	Pinaceae	Italian stone pine	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷
<i>Pinus</i> sp.		Pinaceae	Pine	۱۹۷
<i>Pinus sylvestris</i> L.		Pinaceae	Scotch pine	۱۹۷



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Piper aromaticum</i> Lam.		Piperaceae		۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۴۲، ۴۶
<i>Piper betle</i> L.		Piperaceae	Betel pepper	۲۳۰، ۱۸۴، ۹۳
<i>Piper cubeba</i> L.		Piperaceae		۲۴۹، ۵۶
<i>Piper longum</i> L.		Piperaceae		۲۲۸، ۱۴۲
<i>Piper nigrum</i> L.	**	Piperaceae	Black pepper	۳۳۳، ۲۲۹، ۱۴۲، ۴۶
<i>Piper</i> sp.		Piperaceae	Pepper	۲۲۸
<i>Pistacia chia</i> DC.		Anacardiaceae		۲۸۲
<i>Pistacia khinjuk</i> Stoc.	*	Anacardiaceae		۱۱۱، ۸۱
<i>Pistacia lentiscus</i> L.		Anacardiaceae	Lentisk pistache; Mastic tree	۳۲۹، ۳۲۵، ۲۸۲، ۱۹۸
<i>Pistacia terebinthus</i> L.		Anacardiaceae	Terebinth pistache	۳۲۵، ۱۹۸، ۱۱۱، ۸۱
<i>Pistacia vera</i> L.	*	Anacardiaceae	Common pistache	۳۲۹، ۳۱۱، ۲۲۵
<i>Pistia stratiotes</i> L.		Anacardiaceae		۳۵۳، ۳۲۰، ۱۷۱، ۳۸
<i>Pisum sativum</i> L.	*	Papilionaceae	Garden pea	۱۳۷، ۱۰۴، ۷۹
<i>Plantago coronopus</i> L.	*	Plantaginaceae	Crowfoot; Buckhorn plantain	۳۳۱، ۳۱۱
<i>Plantago major</i> L.	*	Plantaginaceae	Ripple-seed plantain-great plantain	۲۶۹
<i>Plantago psyllium</i> L.	*	Plantaginaceae	Flaxseed plantain; Psyllium seed	۳۵۱، ۳۱۹، ۷۸
<i>Platanus orientalis</i> L.	*	Platanaceae	Oriental plant tree	۳۲۶، ۳۰۹، ۱۴۶
<i>Platanus</i> sp.		Platanaceae	Plant tree sycamore	۲۱۷، ۱۴۶
<i>Plumbago europaea</i> L.		Plumbaginaceae		۲۴۵، ۲۰۳
<i>Plumbago rosca</i> L.		Plumbaginaceae		۱۹۴
<i>Plumbago zeylanica</i> L.		Plumbaginaceae		۱۹۳
<i>Poa cynosuroides</i> Retz.		Gramineae		۱۲۲
<i>Poa multiflora</i> Forsk.		Gramineae		۱۲۲
<i>Podospermum jacquinianum</i> Koch . = <i>Scorzonera cana</i> (C.A. Meyer) O. Hoffm		Compositae		۲۶۸
<i>Polemonium coeruleum</i> L.		Polemoniaceae	Greek-valerian polemonium	۳۴۸، ۳۱۸
<i>Polemonium</i> Sp.		Polemoniaceae	Polemonium; Greek valerian; Jacob's ladder	۹۰
<i>Polygonatum officinale</i> L.		Asparaginaceae	Drug solomon's- seal	۳۴۸، ۳۱۸، ۲۱۱
<i>Polygonum amphibium</i> L.	*	Polygonaceae		۲۲۰
<i>Polygonum aviculare</i> L.		Polygonaceae		۲۰۳، ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۱۱، ۲۲۰
<i>Polygonum bistorta</i> L.	*	Polygonaceae	European bistort	۶۴
<i>Polygonum equisetiforme</i> Sibth. = <i>Polygonum equisetiformis</i> Sibth.	*	Polygonaceae		۲۱۱
<i>Polygonum hydropiper</i> L.	*	Polygonaceae	Marsh-pepper smartweed	۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۶۴
<i>Polygonum</i> sp.		Polygonaceae	Knotweed	۲۱۱
<i>Polygonum tinctorium</i> Hort.		Polygonaceae		۱۸۵
<i>Polygonum viviparum</i> L.		Polygonaceae	Viviparous bistort	۶۵

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Polypodium vulgare</i> L.	*	Polypodiaceae	Common polypody; Wall fern	۳۵۷، ۳۲۱، ۸۰
<i>Polyporus officinalis</i> Fr. (Fungi)			Purging agaric	۳۳۵، ۲۶۰، ۲۱۸
<i>Poppia fabiana</i> Koch. = <i>Luffa cylindrica</i> (L.) Roem.		Cucurbitaceae		۲۷۳
<i>Populus alba</i> L.	*	Salicaceae	White poplar	۳۲۶، ۱۲۷
<i>Populus euphratica</i> L.	*	Salicaceae	Willows	۲۲۰
<i>Populus nigra</i> L.	*	Salicaceae	Black poplar	۳۲۶، ۲۶۴، ۱۰۸
<i>Populus</i> sp.		Salicaceae	Poplar	۱۲۷
<i>Portulaca oleracea</i> L.	*	Portulacaceae	Common purslane	۳۳۱، ۸۳
<i>Portulaca sativa</i> Ha.		Portulacaceae		۸۳
<i>Potamogeton natans</i> L.		Potamogetonaceae		۳۵۳، ۳۲۰، ۹۹
<i>Potentilla reptans</i> L.	*	Rosaceae	Creeping cinquefoil	۳۴۹، ۸۹
<i>Poterium sanguisorba</i> L. = <i>Sanguisorba minor</i> Scop.	*	Rosaceae	Small burnet	۳۴۹، ۳۵۷، ۱۷۸
<i>Poterium</i> sp.		Rosaceae	Burnet	۳۴۱
<i>Poterium spinosum</i> L.		Rosaceae		۳۴۸
<i>Prangos ferulacea</i> L.	*	Umbelliferae		۳۴۱
<i>Prangos pabularia</i> L.	*	Umbelliferae	Hay plant	۳۵۴، ۷۲
<i>Premna latifolia</i> Roxb.		Verbenaceae		۷۳
<i>Prenanthes purpurea</i> L.		Compositae		۳۴۱
<i>Protea</i> sp.		Proteaceae	Purple rattlesnake root	۲۲۶
<i>Prunus amygdalus communis</i> L.		Rosaceae	Protea	۲۷۲
<i>Prunus amygdalus</i> Stokes. = <i>Amygdalus communis</i> L.	*	Rosaceae		۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲
<i>Prunus amygdalus</i> var. <i>amara</i> Focke		Rosaceae		۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲
<i>Prunus armeniaca</i> L.		Rosaceae	Common apricot	۳۲۸، ۳۱۰، ۲۸۲
<i>Prunus avium</i> L. = <i>Cerasus avium</i> (L.) Moench	*	Rosaceae	Mazzard cherry	۲۳۵
<i>Prunus cerasia</i> Br.		Rosaceae	Sour cherry	۳۲۸، ۳۱۰
<i>Prunus cerasifera</i> Ehrh.		Rosaceae	Myrobalan plum	۲۳۵
<i>Prunus divaricata</i> Led.	*	Rosaceae	Wild myrobalan plum	۲۹۱، ۴۱
<i>Prunus domestica</i> L.	*	Rosaceae	Garden plum	۳۲۸، ۳۲۱، ۲۱۷، ۱۴۰، ۷۶، ۴۲، ۴۱
<i>Prunus mahaleb</i> L. = <i>Cerasus mahaleb</i> (L.) Mill.	*	Rosaceae	Mahaleb cherry; St. lucy cherry	۱۱۲
<i>Prunus persica</i> Sieb. = <i>Persica vulgaris</i> Mill.	*	Rosaceae	Peach	۳۲۸، ۳۱۰
<i>Prunus spinosa</i> L.	*	Rosaceae	Sole-blackthorn	۴۱
<i>Psidium guajava</i> L.	**	Myrtaceae	Common guava	۶۲
<i>Psoralea bituminosa</i> L.		Papilionaceae		۳۴۳، ۲۰۳
<i>Psylla</i> sp.		Psyllidae	psylla	۱۲۴
<i>Pteris aquilina</i> L.		Pteridaceae	Western bracken	۳۵۷
<i>Pteris radiofa</i> Mett.		Pteridaceae		۲۸۶
<i>Pterocarpus santalinus</i> L.		Papilionaceae	Sandwood padauk; Lal - Chandan	۱۹۶

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Ptychotis verticellata</i> Duby		Umbelliferae		۳۶
<i>Pulicaria crispa</i> Cass. = <i>Francoeuria undulate</i> (L.) Loc.	*	Compositae		۱۰۲
<i>Pulicaria odora</i> Reichb.		Compositae		۱۸۳
<i>Pulmonaria officinalis</i> L.		Boraginaceae	Common lungwort	۲۶۸
<i>Punica granatum</i> L.		Punicaceae	Pomegranate	۳۲۸، ۲۸۹، ۲۸۳، ۱۰۴
<i>Pyrethrum parthenium</i> Sm. = <i>Tanacetum parthenium</i> (L.) Sch.	*	Compositae	Feverfew; Feverfew chrysanthemum	۲۴۶، ۱۸۶
<i>Pyrus amygdaliformis</i> L.		Rosaceae	Almond pear	۳۲۸
<i>Pyrus communis</i> L.	*	Rosaceae	Common pear	۳۲۸، ۲۶۱، ۵۷، ۴۱
<i>Pyrus communis</i> var. <i>akhras</i>		Rosaceae		۳۲۸، ۳۱۱
<i>Pyrus cydonia</i> L.		Rosaceae	Cydonia oblonga	۱۷۲
<i>Pyrus germanica</i> Hook.		Rosaceae		۱۶۲
<i>Pyrus germanica</i> L.		Rosaceae		۳۲۸، ۱۶۲
<i>Pyrus malus</i> L. = <i>Malus</i> <i>orientalis</i> Ugl.	*	Rosaceae	Appel	۳۲۸، ۳۱۰، ۹۴
<i>Pyrus sorbus</i> Gaertn.		Rosaceae		۳۲۸، ۲۲۰،
<i>Quercus aegilops</i> L.		Fagaceae	Valonia oak	۳۲۷
<i>Quercus aesculus</i> Boiss.	*	Fagaceae		۳۲۷
<i>Quercus coccifera</i> L.		Fagaceae	Kermes oak	۳۰، ۳۲۷، ۸۶
<i>Quercus ilex</i> L.		Fagaceae	Holly oak	۳۰۲، ۲۱۲، ۸۶
<i>Quercus infectipria</i> Olivier	*	Fagaceae	Aleppo oak	۲۱۲
<i>Quercus lusitanica</i> Lam.		Fagaceae		۳۲۷، ۲۱۲
<i>Quercus lustanica</i> var. <i>tauricola</i>		Fagaceae		۲۱۲
<i>Quercus persica</i> Jaub. & Sp. = <i>Quercus brantii</i> Lindl.	*	Fagaceae	Oak ; Manna tree	۸۶
<i>Quercus robur</i> L.	*	Fagaceae		۸۶
<i>Quercus</i> sp.		Fagaceae	Oak	۲۱۲، ۱۷۹
<i>Randia dumetorum</i> L.		Rubiaceae	Malabar randia	۱۰۹
<i>Randia</i> sp.		Rubiaceae		۱۵۴
<i>Ranunculus acris</i> L.		Ranunculaceae	Tall buttercup	۳۳۴
<i>Ranunculus aquatilis</i> L.		Ranunculaceae	Water crowfoot	۳۳۵، ۲۵۰
<i>Ranunculus arvensis</i> L.		Ranunculaceae	Corn buttercup	۲۵۹
<i>Ranunculus asiaticus</i> L.		Ranunculaceae	Persian buttercup	۳۳۴، ۲۹۴، ۲۶۶، ۲۵۰، ۱۸۹
<i>Ranunculus ficaria</i> L.		Ranunculaceae	Figroot buttercup	۳۳۵
<i>Ranunculus lanuginosus</i> L.		Ranunculaceae	Buttercup ficaria	۳۳۵، ۲۵۰
<i>Ranunculus muricatus</i> L.	*	Ranunculaceae		۳۳۵
<i>Ranunculus muricolus</i> L.		Ranunculaceae		۲۵۰
<i>Ranunculus repens</i> L.		Ranunculaceae		۳۴۱
<i>Ranunculus</i> sp.		Ranunculaceae	Buttercup; Crowfoot	۱۲۷
<i>Raphanus niger</i> Mill.		Cruciferae		۲۲۴
<i>Raphanus raphanistrum</i> L.	*	Cruciferae	Wild radish	۳۳۰، ۲۲۴
<i>Raphanus sativus</i> L.	**	Cruciferae	Garden radish	۳۳۰، ۳۱۱، ۲۲۴
<i>Raphanus</i> sp.		Cruciferae	Radish	۲۲۴
<i>Reseda alba</i> L.	*	Resedaceae	White mignonette	۱۰۱

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Reseda canescens</i> L.		Resedaceae		۳۵۵
<i>Reseda luteola</i> L.	*	Resedaceae	Weld mignonette	۲۹۵
Resin				۱۵۲
<i>Retama</i> sp.		Papilionaceae	Retama	۱۵۵
<i>Rhamnus alaternus</i> L.	**	Rhamnaceae	Common alaternus	۳۷
<i>Rhamnus cathartica</i>	*	Rhamnaceae	Common buckthorn	۲۱۷
<i>Rhamnus infectoria</i> L.		Rhamnaceae	Persian berry buckthorn	۳۲۷، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱
<i>Rhamnus tinctoria</i> Waldest.		Rhamnaceae		۱۹۶
<i>Rhamnus zizyphus</i> L.		Rhamnaceae		۲۱۴
<i>Rheum officinale</i> Baill.		Polygonaceae	Medicinal rhubarb	۱۵۴
<i>Rheum palmatum</i> L.		Polygonaceae	Sorrel rhubarb	۱۵۴
<i>Rheum raphaniticum</i> L. (Rhubarbes)		Polygonaceae	Garden rhubarb	۱۵۴
<i>Rheum ribes</i> L.	*	Polygonaceae	Cuvrant-fruited ; Rhubarb	۱۵۹
<i>Rheum</i> sp.		Polygonaceae	Rhubarb	۱۵۹
<i>Rhubarbes officinale</i> Baillon.		Polygonaceae		۱۵۴
<i>Rhubarbes ribes</i> ?		Polygonaceae		۱۵۴
<i>Rhus coriaria</i> L.	*	Anacardiaceae	Sicilian sumac	۳۲۷، ۳۱۰، ۱۷۵
<i>Rhus cotinus</i> L.	*	Anacardiaceae	Common smok tree; Aaron's	۱۷۵
<i>Rhus glabra</i> L.		Anacardiaceae	Smooth sumac	۱۷۵
<i>Rhus</i> sp.		Anacardiaceae	Sumac	۱۷۵
<i>Rhus vermicifera</i> DC.		Anacardiaceae	Japanese lacquer tree	۱۷۸
<i>Ricinus communis</i> L.	*	Euphorbiaceae	Castor bean	۳۵۶، ۲۰۳، ۱۳۳
<i>Roccella tinctoria</i> DC. (Lichen)		Roccellaceae	Litmus roccella	۱۱۷
<i>Romeria dodecandra</i> Stapf. = <i>Romeria hybrida</i> (L.)DC.	*	Papaveraceae	Viol horned poppy	۱۶۱
<i>Rosa alba</i> L.		Rosaceae	Cottage rose	۲۹۴
<i>Rosa anserinaefolia</i> Boiss. = <i>Rosa beggeriana</i> Schrnk	*	Rosaceae	Begger rose	۱۴۶
<i>Rosa canina</i> L.	*	Rosaceae	Dog-rose	۳۲۶، ۲۹۴، ۲۹۰
<i>Rosa centifolia</i> L.	**	Rosaceae	Cabbage rose	۲۹۴، ۱۴۶
<i>Rosa cinensis</i> Jac.		Rosaceae		۲۹۴
<i>Rosa damascena</i> Mill.	*	Rosaceae	Domask rose	۲۹۴، ۱۴۶
<i>Rosa gallica</i> L.	**	Rosaceae	French rose	۲۹۴، ۱۴۶
<i>Rosa indica</i> L.		Rosaceae	Chines rose	۲۹۴
<i>Rosa lutea</i> Bort. = <i>Rosa foetida</i> Herrm	*	Rosaceae	Austrian briar rose	۳۲۷
<i>Rosa maialis</i> Desf.		Rosaceae		۲۸۹
<i>Rosa moschata</i> Herrm.	*	Rosaceae	Musk rose	۲۹۰
<i>Rosa sempervirens</i> L.		Rosaceae	Evergreen rose	۳۲۶
<i>Rosa</i> sp.		Rosaceae	Rose	۳۲۷، ۳۱۰، ۲۹۴
<i>Rosmarinus officinalis</i> L.	**	Labiatae	Rosemary	۶۰
<i>Rottlera tinctoria</i> Roxb. =		Euphorbiaceae	Common madder;	۲۹۵، ۲۴۴

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Croton philippensis</i> Lam. <i>Mallotus reticulatus</i> Dunn = <i>Mallotus philippensis</i> (Lam.) Muell. Arg.			kemala tree	
<i>Rubia cordiifolia</i> L.		Rubiaceae		۲۳.
<i>Rubia tinctorium</i> L.	*	Rubiaceae		۳۴۶، ۲۳.
<i>Rubus fruticosus</i> L.		Rosaceae	European blackberry	۲۷۹، ۲۱۳
<i>Rubus idaeus</i> L.		Rosaceae	Red raspberry	۳۴۹، ۲۱۳
<i>Rubus sanctus</i> Schreb.		Rosaceae	European raspberry	۲۱۳
<i>Rubus</i> sp.		Rosaceae	Raspberry blackberry	۲۱۷، ۲۱۳
<i>Rubus ulmifolius</i> Schott . = <i>Rubus anatolicus</i> (Focke) Fock & Wauss.	*	Rosaceae	Elm-leaved blackberry	۳۴۹
<i>Rumex acutus</i> L.		Polygonaceae		۳۳۰، ۲۷۰، ۱۲۲
<i>Rumex aquaticus</i> L.		Polygonaceae		۳۳۰.
<i>Rumex brettanica</i> L.		Polygonaceae		۳۴۷، ۳۱۸، ۷۶
<i>Rumex conglomeratus</i> L.	*	Polygonaceae	Clustered	۱۲۳
<i>Rumex elbursensis</i> Boiss.	*	Polygonaceae		۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۳
<i>Rumex hydrolapathum</i> L.		Polygonaceae	Water dock	۳۳۰، ۱۷۴، ۱۲۲
<i>Rumex lacerus</i> Balb.		Polygonaceae		۱۲۴
<i>Rumex obtusifolius</i> L.	*	Polygonaceae	Bitter dock	۱۲۴، ۱۲۳
<i>Rumex patientia</i> L.	*	Polygonaceae	Potenc dock	۳۳۰، ۱۲۳، ۱۲۲
<i>Rumex scutatus</i> L.	*	Polygonaceae	French sorrel	۱۲۲
<i>Rumex vesicarius</i> L.	*	Polygonaceae	Bladder dock; Bladder sorrel	۱۲۴
<i>Ruscus aculeatus</i> L.		Liliaceae	Butcher's-broom	۳۵۵، ۳۶
<i>Ruscus hypoglossum</i>		Liliaceae		۳۵۵
<i>Ruscus hypophyllum</i>		Liliaceae		۳۵۷، ۳۵۵
<i>Ruscus racemosus</i> L.		Liliaceae		۳۵۷
<i>Ruta graveolens</i> L.		Rutaceae	Common rue-herb of grace	۳۳۹، ۱۶۸
<i>Ruta hortensis</i> Mill.		Rutaceae		۱۶۸
<i>Ruta montana</i> L.		Rutaceae		۳۳۹، ۳۱۴، ۱۶۸، ۱۵۰.
<i>Ruta</i> sp.		Rutaceae	Rue	۱۶۸
<i>Ruta tuberculata</i> Fisch . = <i>Haplophyllum versicolor</i> Fisch & C.A. Mey.	*	Rutaceae		۱۶۸
<i>Saccharum officinarum</i> L.	**	Gramineae	Sugar cane	۲۴۱، ۱۷۳
<i>Saelanthus quadragonum</i> Forsk.		Vitidaceae		۱۷۴
<i>Salicornia fruticosa</i> L.	*	Chenopodiaceae		۵۲
<i>Salicornia herbacea</i> L . = <i>Salicornia europaea</i> L.	*	Chenopodiaceae	Marsh samphire	۲۴۴، ۵۲
<i>Salicornia</i> sp.		Chenopodiaceae	Glasswort	۵۲
<i>Salix acmophylla</i> Boiss.		Salicaceae		۱۳۷
<i>Salix aegyptiaca</i> Forsk.	*	Salicaceae	Egyptian willow	۱۳۷، ۱۱۰.
<i>Salix alba</i> L.	*	Salicaceae	White willow	۱۳۷
<i>Salix australior</i> Forbes = <i>Salix</i> <i>excelsa</i> S.G.G.M.	*	Salicaceae		۱۳۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Salix babylonica</i> L.	*	Salicaceae	Babylon weeping willow	۳۲۷، ۲۲۰، ۱۳۷
<i>Salix balchia</i>		Salicaceae		۱۳۷
<i>Salix caprea</i> L.		Salicaceae	Good willow	۱۳۷
<i>Salix fragilis</i> L.		Salicaceae	Brittle willow	۱۳۷
<i>Salix rosmarinifolia</i> L.		Salicaceae		۱۳۷
<i>Salix safsaf</i> Forsk		Salicaceae		۱۳۷
<i>Salix</i> sp.		Salicaceae	Willow-osier	۲۲۰، ۳۲۷
<i>Salsola kali</i> L.	*	Chenopodiaceae	Common russian thistle	۵۲
<i>Salsola soda</i> L.	*	Chenopodiaceae	Soda plant; bakilla-plant	۵۲
<i>Salsola tragus</i> L. = <i>Salsola kali</i> Subsp. <i>Tragus</i>	*	Chenopodiaceae		۵۲
<i>Salvadora indica</i> Royle		Salvadoraceae	Niepa bark tree	۴۳
<i>Salvadora persica</i> Gaer.	*	Salvadoraceae	Kikuel oil plant; Mustard- seed	۲۵۰، ۴۳
<i>Salvia aethiopsis</i> L.		Labiatae	Ethiopian sage-woolly clay	۳۵۴
<i>Salvia cyanescens</i> Boiss.		Labiatae		۳۳۸
<i>Salvia horminum</i> L. = <i>Salvia viridis</i> L.	*	Labiatae		۳۴۵، ۳۱۷، ۴۵
<i>Salvia officinalis</i> L.	**	Labiatae	Garden sage	۳۳۸، ۲۶۸، ۱۵۶، ۶۰، ۴۸
<i>Sambucus ebulus</i>	*	Caprifoliaceae	Mediterranean herb elder; danwort	۳۵۶
<i>Sambucus nigra</i> L.	*	Caprifoliaceae	European elder	۳۵۷، ۱۳۸
<i>Sanguisorba officinalis</i>	*	Rosaceae	Garden carrot	۳۴۹
<i>Sanguisorba</i> sp.		Rosaceae	Bloodroot	۳۴۹
<i>Santalum album</i> L.		Santalaceae		۱۹۶
<i>Santalum</i> sp.		Santalaceae	Sandalwood	۱۹۶
<i>Santolina maritima</i> Smith.		Compositae		۳۴۴، ۲۲۶
<i>Saponaria officinalis</i> L.	*	Caryophyllaceae	Bouncing bet	۳۳۳، ۱۷۱
<i>Sarcostemma viminalis</i> R.Br. = <i>Euphorbia viminalis</i>		Asclepiadaceae	Rapunzel Plant, Somabutta	۱۱۷
<i>Satureia hortensis</i> L.		Labiatae	Summer savory	۳۳۹، ۱۹۵
<i>Satureia thymbra</i> L.		Labiatae		۱۹۵
<i>Saussurea lappa</i> Clarke		Compositae	Saussura	۲۳۹
<i>Scandix pecten veneris</i> L.	*	Umbelliferae	Shepherd's-needle-lady's-s-comb; Venus's-comb	۳۳۲، ۳۱۱
<i>Schaenus</i> sp.		Cyperaceae	Bog rush	۲۱۷
<i>Schoenocaulon officinale</i> A.Gray = <i>Veratrum officinale</i> Schl. & Cham = <i>Veratrum sabadilla</i> Retz		Liliaceae	Drug sabadilla ; sabadilla	۲۶۱
<i>Scilla bifolia</i> L. = <i>Scilla autumnalis</i> L.	*	Liliaceae	Twin-leaved squill	۳۵۱
<i>Scilla maritima</i> L.		Liliaceae		۳۳۴، ۳۱۲، ۴۹
<i>Scilla pancratium</i> Nym.		Liliaceae		
<i>Scilla</i> sp.		Liliaceae	Squill	۲۱۵
<i>Scolopendrium hemionitis</i> L.		Polypodiaceae		۳۴۵

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Scolopendrium vulgare</i> Sw . = <i>Scolopendrium officinale</i> Swartz = <i>Phyllitis scolopendrium</i> (L.) Newman		Polypodiaceae	Hart's-tongue	۳۴۵، ۴۸
<i>Scolymus hispanicus</i> L . = <i>Scolymus grandiflorus</i> auct.	*	Compositae	Spanis; golden thistle	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۱۴
<i>Scorpiurus</i> sp.		Papilionaceae	Scorpoin's-tail; Caterpillar plant	۱۵۱
<i>Scorzonera elongata</i> L.		Compositae		۳۴۰
<i>Scrophularia aquatica</i> L. = <i>Scrophularia umbebrosa</i> Dumort.	*	Scrophulariaceae	Water-betony	۱۲۷
<i>Scrophularia chrysanthemifolia</i> L.		Scrophulariaceae		۳۴۹، ۱۷۸
<i>Scrophularia lucida</i> L.		Scrophulariaceae		۳۴۹
<i>Scrophularia peregrina</i> L.		Scrophulariaceae		۳۵۳
<i>Secale cereale</i> L.	*	Gramineae	Rye; Rie	۱۹۴
<i>Secale corutom</i>		Gramineae		۱۴۷
<i>Securigera coronilla</i> DC . = <i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO.	*	Papilionaceae	Hatchet vetch	۳۴۵، ۷۰
<i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO.	*	Papilionaceae		۳۴۵، ۷۰
<i>Sedom anopetalum</i> DC.		Crassulaceae	Goldmoss; stonecrop goldmoss	۳۵۶
<i>Sedum acre</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳، ۳۸
<i>Sedum cepaea</i> L.		Crassulaceae		۳۴۶، ۳۱۸، ۱۰۸
<i>Sedum ochroleucum</i> Vill.		Crassulaceae		۳۵۳
<i>Sedum roseum</i> Scop.		Crassulaceae	Rose-root stonecrop	۳۵۰
<i>Sedum</i> sp.		Crassulaceae	Stonecrop	۳۸
<i>Sedum stellatum</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳
<i>Sedum telephium</i> L.		Crassulaceae	Live-forever	۲۲۳، ۳۸
<i>Sedum telephullon</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳
<i>Selinum galbanum</i>		Umbelliferae		۳۴۲
<i>Selinum officinal</i>		Umbelliferae		۷۴
<i>Semecarpus anacardium</i> L.		Anacardiaceae	Marking Nut	۱۶، ۸۵
<i>Sempervivum arboreum</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳، ۶۴، ۳۸
<i>Sempervivum</i> sp.		Crassulaceae	Houseleek	۳۸
<i>Sempervivum tectorum</i> L.		Crassulaceae	Hen-and-chickens; Roof houseleek	۳۸
<i>Senebiera coronopus</i> (L.) Poir. = <i>Coronopus squamatus</i> (Forssk.) Ascherson		Cruciferae	Coronopus; Greater swinecress	۱۱۶
<i>Senecio coronopifolius</i> Defs . = <i>Senecio glaucus</i> L.	*	Compositae		۱۰۲
<i>Senecio vulgaris</i> L. = Common groundsel	*	Compositae		۳۵۳
<i>Serapias lingua</i> L.		Orchidaceae		۳۴۶، ۲۷۱
<i>Serratula chamepeuce</i> L.		Compositae		۲۱۸
<i>Sesamum indicum</i> L.	*	Pedaliaceae	Oriental sesme	۳۲۹، ۳۱۱، ۱۷۶

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Sesamum oleiferum</i> Moench		Pedaliaceae		۱۷۶
<i>Sesamum orientale</i> L. = <i>Sesamum indicum</i> L.	*	Pedaliaceae		۱۷۶
<i>Sesbania aegyptiaca</i> Poir.		Papilionaceae	Peabush	۱۸۲
<i>Sesbania</i> sp.		Papilionaceae	<i>Sesbania</i>	۱۸۲
<i>Seseli ammoides</i> L.		Umbeliferae	<i>Seseli</i> ; Meadow	۳۴۱
<i>Seseli tortuosum</i> L.		Umbeliferae		۳۴۰، ۳۱۴، ۲۴۸، ۱۸۲، ۱۶۷
<i>Setaria italicum</i> Beauv.	*	Gramineae	Foxtail barley; Squirrel; Tail grass	۳۲۹
<i>Sideritis remota</i> Urv.		Labiatae	Ironwort	۳۴۹
<i>Silene cucubalus</i> Will.		Caryophyllaceae	Bladder silene	۱۰۰
<i>Silene gallica</i> L.		Caryophyllaceae	French silene	۳۴۹
<i>Silene infelata</i> Sm.		Caryophyllaceae		۳۵۱، ۱۳۶، ۱۰۰
<i>Silene</i> sp.		Caryophyllaceae	Catchfly; Campion	۳۵۰
<i>Silybum marianum</i> Gaer.	*	Compositae	Blessed milk Thistle; St.mary thistle	۳۵۰، ۲۱۳، ۱۱۵، ۷۱
<i>Silybum syriacum</i>		Compositae		۳۳۷
<i>Sinapis alba</i> L.	*	Cruciferae	White mustard	۱۳۱، ۱۱۵
<i>Sinapis arvensis</i> L.	*	Cruciferae	Charlock	۳۳۰، ۱۳۱
<i>Sinapis nigra</i> L.		Cruciferae		۱۳۱
<i>Sinapis</i> sp.		Cruciferae	Mustard	۱۳۱
<i>Sison ammi</i> Jac. = <i>Trachyspermum copticum</i> (L.)Lin.	*	Umbelliferae		۲۸۹
<i>Sison amomum</i> L.		Umbelliferae		۳۴۰، ۳۱۴، ۲۲۰
<i>Sisymbrium alliaria</i> Scop.		Cruciferae		۹۹
<i>Sisymbrium irio</i> L.	*	Cruciferae	London pride	۱۲۹
<i>Sisymbrium nasturtium</i> Muhl.		Cruciferae		۳۳۱
<i>Sisymbrium officinale</i> L.	*	Cruciferae	Hedg mustard	۹۶
<i>Sisymbrium officinale</i> Scop.		Cruciferae		۳۳۳، ۱۲۹
<i>Sisymbrium polyceratium</i>		Cruciferae		۳۳۳، ۱۲۹
<i>Sisymbrium sophia</i> L. = <i>Descurainia sophia</i> (L.)Sct.	*	Cruciferae		۱۳۰
<i>Sisymbrium</i> sp.		Cruciferae	<i>Sisymbrium</i>	۹۶
<i>Sium latifolium</i> L.		Umbelliferae		۳۳۱، ۳۱۱، ۲۵۴، ۲۳۵، ۱۸۲، ۱۰۲
<i>Sium nodiflorum</i> L.		Umbelliferae		۳۳۱
<i>Sium sisarum</i> L.	*	Umbelliferae	Skirret water parsnip	۳۳۰، ۳۱۱، ۱۸۱
<i>Smilax aspera</i> L.	*	Asparaginaceae	Rough bindweed	۳۵۰، ۳۳۳، ۲۸۹، ۲۲۶
<i>Smilax glabra</i> Roxb.		Asparaginaceae		۱۰۶
<i>Smilax</i> L.		Asparaginaceae	Greenbrier	۲۲۶، ۱۰۶
<i>Smilax sarsaparilla</i> L.		Asparaginaceae		۲۰۹
<i>Smyrnum dioscoridis</i> Spreng.		Umbelliferae		۳۴۱
<i>Smyrnum olusatrum</i> L.		Umbelliferae		۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۴
<i>Smyrnum perfoliatum</i> L.		Umbelliferae		۳۴۱، ۲۵۴
<i>Smyrnum</i> sp.		Umbelliferae	Alexanders	۱۷۶



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Solanum indicum</i> L. = <i>Solanum indicum</i> L.	*	Solanaceae		۷۸
<i>Solanum melongena</i> L.	*	Solanaceae	Garden egg plant	۲۸۳، ۷۲
<i>Solanum nigrum</i> L.	*	Solanaceae	Black nightshade	۳۵۲، ۲۱۵، ۱۵۴
<i>Solanum sodomum</i> L.		Solanaceae		۷۰
<i>Solanum tuberosum</i> L.	*	Solanaceae	Potato	۳۵۲
<i>Sonchus arvensis</i> L.		Compositae	Field sow thistle	۳۳۱
<i>Sonchus ciliatus</i> L.		Compositae		۸۴، ۵۰
<i>Sonchus oleraceus</i> L.	*	Compositae	Common sow thistle	۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۶، ۸۴، ۵۰
<i>Sophora mollis</i> Gr.	*	Papilionaceae	Himalayan laburnum	۴۴
<i>Sophora</i> sp.		Papilionaceae	Pagoda tree	۱۹۶
<i>Sorbus aucuparia</i> L. = <i>Sorbus boissieri</i> Sch.	*	Rosaceae		۲۲۰
<i>Sorbus boissieri</i> Schn.	*	Rosaceae		۲۲۰
<i>Sorbus domestica</i> L.		Rosaceae	Serviceberry; Juneberry	۳۲۸، ۲۲۰
<i>Sorbus Pyrus</i> Crantz		Rosaceae		۲۲۰
<i>Sorbus</i> sp.		Rosaceae	Mounthain ash	۲۲۰
<i>Sorbus torminalis</i> (L.) Crantz	*	Rosaceae	Checker-tree mountain ash	۲۸۶
<i>Sorghum vulgare</i> L.	**	Gramineae	Sorghum; Broom corn	۱۵۰، ۱۴۳
<i>Sparganium ramosum</i> Huds.		Sparganiaceae		۳۴۸، ۳۱۹، ۱۸۱
<i>Spartium junceum</i> L.		Papilionaceae	Weaver's-broom; Spanish broom	۳۵۵، ۷۵
<i>Spartium spinosum</i> L.		Papilionaceae		۱۴۱
<i>Spermophthora gossypii</i> (Fungi)		Metschnikowiaceae		۲۴۰
<i>Spinacia oleracea</i> L.	**	Chenopodiaceae	Spinach; Prickly-seeded spinach	۴۸
<i>Spiraea filipendula</i> L.		Rosaceae		۳۴۴
<i>Sqtaria italica</i> Beauv		Graminae	Millet, foxtail; Italian millet	۱۴۳
<i>Stachys betonica</i> Benth.		Labiatae		۳۴۷، ۲۳۹
<i>Stachys germanica</i> L.		Labiatae	Mouse-earbetony	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۹۵، ۱۷۱
<i>Stachys hirta</i> L.		Labiatae		۱۷۱
<i>Stachys lavandulaefolia</i> Vahl.		Labiatae		۲۷۸
<i>Stachys palaestina</i> L.		Labiatae		۳۴۳
<i>Stachys recta</i> L.		Labiatae		۳۴۹، ۱۸۰
<i>Stachys</i> sp.		Labiatae	Betony-woundwort	۲۹۵، ۱۷۱
<i>Statice limonium</i> L. = <i>Limonium vulgare</i> Miller		Plumboginaceae		۳۴۸، ۳۱۹، ۹۱
<i>Sterculia acuminata</i> Beauv.		Sterculiaceae		۱۰۸
<i>Stipa</i> sp.		Gramineae	Needdlegrass; Feather grass	۱۲۲
<i>Stratiotes aloides</i> L.		Hydrocharitaceae	Water-soldier	۳۵۳، ۱۷۱
<i>Streptosolen</i> sp.		Solanaceae		۲۰۷
<i>Strychnos nux-vomica</i> L.		Loganiaceae	Poison Nut; Semen	۱۲۸، ۱۰۸، ۴۴۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			strychnos	
<i>Styrax officinale</i> L.		Styracaceae	Drug snowbell	۳۲۵، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۵۳
<i>Swertia chirata</i> Ham.		Gentianaceae		۲۴۱
<i>Symphytum bulbosum</i> Schimp.		Boraginaceae		۳۴۸، ۱۷۶
<i>Symphytum officinale</i> L.		Boraginaceae	Common comfrey; Woundwort	۱۷۶، ۴۳
<i>Symphytum petraeum</i> ?		Boraginaceae		۳۴۸، ۳۱۸، ۱۷۶
<i>Symphytum</i> sp.		Boraginaceae	Comfrey	۳۴۸، ۱۷۶
<i>Syringa</i> sp.		Oleaceae	Lilac	۲۹۲
<i>Syzygium aromaticus</i> (L.) Merr. = <i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb = <i>E. aromatica</i> Kuntze. = <i>Caryophyllus aromaticus</i> Linn.		Myrtaceae	Clove tree	۲۳۸
<i>Tagetes erecta</i> L. = <i>Tagetes mayor</i>		Compositae	Aztec marigold	۲۴۳، ۲۰۱
<i>Tamarindus indica</i> L.		Caesalpiniaceae	Tamarind	۱۲۴، ۹۵
<i>Tamarix articulata</i> Vahl. = <i>Tamarix aphylla</i> (L.) Kay.	**	Tamaricaceae		، ۳۲۶، ۲۰۲، ۵۷، ۴۰
<i>Tamarix gallica</i> L.	*	Tamaricaceae	French tamarsk	۳۲۶، ۲۰۲، ۴۰
<i>Tamarix gallica</i> L. var. mann?		Tamaricaceae		۴۰
<i>Tamarix nilotica</i> Ehr & Bung.		Tamaricaceae		۴۰
<i>Tamarix orientalis</i> Forsk.		Tamaricaceae		۴۰
<i>Tamarix pentandra</i> Pall. = <i>Tamarix ramosissima</i> Led.	*	Tamaricaceae	Five-stamen tamarisk	۲۰۲
<i>Tamarix</i> sp.		Tamaricaceae	Tamarisk	۲۰۲، ۴۰
<i>Tamarix tetrandra</i> Guebh.	*	Tamaricaceae	Four stamen tamarisk	۲۰۲
<i>Tamus communis</i> L.		Dioscoraceae		۳۵۷، ۳۵۶، ۲۲۲
<i>Tamus dioica</i>	*	Dioscoraceae	Adder's meat	۲۲۲
<i>Tamus</i> sp.		Dioscoraceae	Black bryony	۲۹۷، ۲۲۲
<i>Tanacetum annum</i> L.		Compositae		۶۱
<i>Tanacetum umbeliferum</i> Boiss.		Compositae		۸۹
<i>Tanacetum vulgare</i> L.		Compositae	Common tansy	۱۱۹
<i>Taraxacum dens-leonis</i> DC.		Compositae		۲۰۰
<i>Taraxacum officinale</i> Will.		Compositae	Common dandelion	۲۹۸، ۲۹۶، ۲۰۰، ۱۳۴
<i>Taraxacum vulgare</i> Shramk = <i>Taraxacum vagum</i> V.S.	*	Compositae		۲۰۰
<i>Taxus baccata</i> L.	*	Taxaceae	English yew	۳۵۲، ۱۹۹، ۱۹۰، ۱۶۱، ۱۵۵
<i>Tectonia grandis</i> L.		Verbenaceae	Teca	۱۶۶
<i>Tectonia</i> sp.		Verbenaceae	Teak	۱۶۶
<i>Telekia speciosissima</i> DC. = <i>Buphthalmum speciosissimum</i> L.		Compositae		۲۹۵
<i>Telephium imperati</i> L.	*	Caryophyllaceae	Tree orpine	۱۷۰، ۷۵
<i>Terfezia claveriji</i> (Fungi)				۲۶۰
<i>Terminalia bellerica</i> Roxb.	*	Combretaceae	Myrobalan tree	۸۷، ۶۹
<i>Terminalia chebula</i> Ret.		Combretaceae	Hebula terminalia	۶۹، ۶۸
<i>Terminalia citrina</i> Roxb.		Combretaceae		۶۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Terminalia horrida</i> Stend.		Combretaceae		۲۹
<i>Teucrium chamaedrys</i> L.		Labiatae	Chamaedoreas germander	۳۴۳، ۳۱۵، ۲۶، ۸۷
<i>Teucrium flavum</i> L.		Labiatae	Cat thyme	۳۴۲، ۳۱۵
<i>Teucrium marum</i> L.		Labiatae		۲۸، ۲۷۵
<i>Teucrium polium</i> L.		Labiatae		۳۴۳، ۳۱۶، ۱۰۴
<i>Teucrium sapinum</i> L.		Labiatae		۲۶۱
<i>Teucrium scordium</i> L.		Labiatae	Water germander	۳۴۳، ۳۱۶، ۹۸، ۴۹
<i>Teucrium</i> sp.		Labiatae	Germander	۲۰۴
<i>Thalictrum aquilegifolium</i> L.		Ranunculaceae	Columbne meadow rue	۹۷
<i>Thalictrum flavum</i> L.		Ranunculaceae	Yellow meadow rue	۳۵۳، ۳۲۰
<i>Thalictrum minus</i> L.		Ranunculaceae		۳۵۳
<i>Thapsia garganica</i> L.		Umbelliferae		۳۵۵، ۱۶۸، ۱۴۵، ۹۷
<i>Thea sinensis</i> L.		Theaceae	Common tea; chinese tea	۹۹
<i>Thelygonum cynocrambe</i> L.		Thelygonaceae		۳۵۷
<i>Thlaspi bursa-pastoris</i> L.		Cruciferae		۳۳۳
<i>Thlaspi campestre</i> L.		Cruciferae		۱۳۱، ۱۰۲
<i>Thrinicia tuberosa</i> DC.		Compositae		۳۳۲
<i>Thus oxyantha</i> = <i>Crataegus laevigata</i> (Poiret) De Candolle = <i>Crataegus oxyantha</i> L.		Rosaceae	Hawthorn, English hawthorn, haw, May flower, whitethorn, quickthorn	۲۷۱
<i>Thuja articulata</i> Vahl.		Cupressaceae	Oriental arborvitae; Chinese arborvitae	۱۷۹
<i>Thuja orientalis</i> L.		Cupressaceae		۲۱۲
<i>Thymbra spicata</i> Stric. & Hort.	*	Labiatae	Spiked thymbra	۳۳۷
<i>Thymelaea hirsuta</i> Endl.		Thymeliaceae		۲۷۷
<i>Thymelaea mezereum</i> Scop.		Thymeliaceae		۲۷۵
<i>Thymelaea tartonraira</i> Endl.		Thymeliaceae		۲۰۹
<i>Thymus barrelieri</i> Spreng.		Labiatae		۳۱۴، ۲۲۹
<i>Thymus calamintha</i> Scop.		Labiatae		۳۳۸، ۳۱۴، ۲۲۹
<i>Thymus capitatus</i> L.		Labiatae		۳۳۸، ۳۱۴
<i>Thymus capitatus</i> Lk. & Hoffm.		Labiatae		۹۹، ۱۱۰
<i>Thymus glaber</i> Mill.		Labiatae		۳۳۹، ۲۹۱، ۱۸۲
<i>Thymus graveolens</i> Bieb.		Labiatae		۳۳۸
<i>Thymus kotschyanus</i> Boiss.		Labiatae		۱۹۶
<i>Thymus nepeta</i> Sm.		Labiatae		۳۱۴، ۲۲۹
<i>Thymus nummularius</i> Benth.		Labiatae		۱۸۲
<i>Thymus serpyllum</i> Fric.		Labiatae	Mother-of- thyme	۱۸۲
<i>Thymus serpyllum</i> L.		Labiatae	Serpolet; Wild Thyme	۲۹۱، ۱۹۵
<i>Thymus sibthorpii</i> Benth.		Labiatae		۳۳۹
<i>Thymus vulgaris</i> L.		Labiatae	Common thyme	۳۳۹، ۱۹۶، ۱۱۰
<i>Tilia rubra</i> De. & T.		Tiliaceae		۱۶۶

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Tilia silvestris</i> Desf.	*	Tiliaceae	Little-leaf-linden	۱۶۶
<i>Tilia</i> sp.		Tiliaceae	Lindelfia	۱۶۶
<i>Tithymalus cotinifolius</i> Haw. = <i>Euphorbia cotinifolia</i> L.		Euphorbiaceae	Red spurge	۱۸۴
<i>Tordilium officinale</i> L.		Umbelliferae		۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۲
<i>Torilis leptophylla</i> Reichb.		Umbelliferae		۸۹
<i>Trachyspermum copticum</i> Link. = <i>Trachyspermum ammi</i> (L.) Sprague		Umbelliferae		۲۸۹
<i>Tragium columnae</i> Spreng.		Umbelliferae		۳۵۰، ۳۱۹، ۲۰۱
<i>Tragopogon orientalis</i> L.		Compositae		۳۳۲، ۳۱۲
<i>Tragopogon pratensis</i> L.		Compositae	Meadow salsify	۲۶۸، ۱۵۱
<i>Tragopogon</i> sp.		Compositae	Salsify ; Goatsbeard	۲۶۸
<i>Tragopogon villosus</i> L.		Compositae		۳۳۲
<i>Trapa natans</i> L.		Trapaceae	Water chestnut	۱۱۸
<i>Tribulus terrestris</i> L.		Zygophyllaceae	Puncture rine	۳۴۸، ۳۱۹، ۱۱۸
<i>Trichera arvensis</i> Schrad. = <i>Knautia arvensis</i> (L.) Coulter = <i>Scabiosa arvensis</i> L.		Dipsacaceae	Status(es) (compiled from below "Data sources"): Weed	۱۷۱
<i>Trichodesma indicum</i> DC.		Boraginaceae		۲۶۸
<i>Trichodesma molle</i> DC.		Boraginaceae		۲۶۸
<i>Trichodesma zeylanicum</i> R.Br.		Boraginaceae		۲۶۸
<i>Trichilia emetica</i> Wahl.		Meliaceae		۱۵۷، ۱۱۰، ۱۰۸
<i>Trifolium alexandrinum</i> L.		Papilionaceae		۲۳۶، ۱۵۶
<i>Trifolium arvense</i> L.		Papilionaceae	Rabbit-foot clover; Hare's-foot	۳۴۸، ۲۶۵
<i>Trifolium fragiferum</i> L.		Papilionaceae	Strawberry clover	۳۹
<i>Trifolium italicum</i> Boiss.		Papilionaceae		۳۳۹
<i>Trifolium melilotus-indica</i> L.		Papilionaceae		۲۹۱
<i>Trifolium officinalis</i> Willd.		Papilionaceae		۳۳۹
<i>Trifolium pratense</i> L.		Papilionaceae	Red clover	۱۵۶
<i>Trifolium sipyleum</i>		Papilionaceae		۳۳۹
<i>Trifolium</i> sp.		Papilionaceae	Clover	۲۹۱، ۲۰۳
<i>Trigonella coerulea</i> Ser.		Papilionaceae	Blue-white trigonella	۲۸۶، ۱۲۶
<i>Trigonella corniculata</i> L.		Papilionaceae		۱۵۰
<i>Trigonella elatior</i> Sybth.		Papilionaceae		۲۸۶
<i>Trigonella foenum-graecum</i> L.		Papilionaceae	Fenugreek trigonella; Fenugreek	۳۲۹، ۱۲۱
<i>Trigonella graeca</i> Boiss.		Papilionaceae		۳۳۹
<i>Trigonella grandiflora</i> Bunge.		Papilionaceae		۱۲۱، ۵۹
<i>Trigonella hamosa</i> L.		Papilionaceae		۱۲۷، ۱۲۶، ۳۹
<i>Trigonella laciniata</i> L.		Papilionaceae		۱۵۰
<i>Trigonella</i> sp.		Papilionaceae	Trigonella	۱۲۱

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Tripteris vaillantii</i> L.		Papilionaceae		۲۷۸
<i>Triticum dicoccum</i> Schr.		Graminae	Emmer; Dinkel wheat	۲۶۳، ۲۱۳
<i>Triticum monococcum</i> L.		Graminae	Einkorn; One-grained wheat	۳۲۹، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۱۳
<i>Triticum ovatum</i> L.		Graminae		۱۴۷
<i>Triticum repens</i> L.		Graminae		۹۹
<i>Triticum romanum</i> L.		Graminae		۳۲۹، ۱۳۹
<i>Triticum spelta</i> L.		Graminae	Splet	۲۶۴، ۱۷۴، ۱۳۹،
<i>Triticum vulgare</i> Vill.		Graminae	Wheat	۱۲۶
<i>Triticum zeae</i> Host.		Graminae		۲۶۴
<i>Trodylium ackakul</i>		Umbelliferae		۱۸۸
<i>Tropaeolum majus</i> L.		Tropaeolaceae	Tropae	۲۶۵
<i>Tuber album</i> Sow .(Fungi)				۲۶۰، ۲۲۶
<i>Tuber brumale</i> Vittad. (Fungi)				۲۲۶
<i>Tuber cibarium</i> (Fungi)				۳۳۲، ۲۵۸
<i>Tuber magnatum</i> (Fungi)				۲۶۰
<i>Tuber melanosporum</i> Vitt. (Fungi)			Perigord truffle	۲۶۰، ۲۵۸
<i>Tuber michell</i> (Fungi)				۳۳۲، ۲۶۰
<i>Tulipa gesneriana</i> L.		Liliaceae		۱۳۵
<i>Tussilago farfara</i> L.	*	Compositae	Horse-hoof; Common colt's foot	۳۳۴، ۱۷۲، ۱۱۹، ۷۳
<i>Tussilago vulgaris</i> L.		Compositae		۳۴۴
<i>Typha angustata</i> L. = <i>Typha australis</i> Sch.&Th.	*	Typhaceae	Narrow-leaved cattail	۳۴۴
<i>Typha latifolia</i> L.	*	Typhaceae	Common cattail	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۰۴
<i>Ulmus campestris</i> L.	*	Ulmaceae	English elm	۳۲۶، ۱۸۶، ۱۴۴
<i>Ulmus effusa</i> Sibth.		Ulmaceae	Spreading	۱۸۵، ۱۴۴
<i>Ulmus glabra</i> L.	*	Ulmaceae	Scoth elm; wych elm	۱۸۶
<i>Ulmus minor</i> Mill.	*	Ulmaceae		۲۹۳
<i>Ulmus montana</i> With.		Ulmaceae	Scoth elm; wych elm	۱۸۵، ۱۴۴
<i>Ulmus</i> sp.		Ulmaceae		۱۸۵، ۱۴۴
<i>Ulva lactuca</i> (Green algae)			Common sea lettuce; green laver	۳۵۳
<i>Uncaria gambier</i>		Rubiaceae	Bengal gambir plant	۲۳۰
<i>Ungula caballina</i>		Compositae		۷۳
<i>Urginea maritima</i> Bak.	*	Liliaceae	Shore sea onion	۴۹
<i>Urtica dioica</i> L.		Urticaceae	Big-sting nettle; Sting nettle	۶۵
<i>Urtica pilulifera</i> L.	*	Urticaceae	Roman nettle	۳۵۳، ۲۱۲، ۶۵
<i>Urtica</i> sp.		Urticaceae	Nettle family	۲۳۴، ۶۵
<i>Urtica urens</i> L.	*	Urticaceae	Dog nettle	۳۵۳، ۲۵۵، ۶۵
<i>Usnea articulata</i> (L.) Hoffm. (Lichen)				۵۳
<i>Usnea barbata</i> Ach .(Lichen)			Bearded bell flower	۳۲۴، ۱۹۲، ۱۱۷، ۵۲
<i>Usnea barbata</i> var. <i>florida</i> (Lichen)				۳۵۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Usenea sp. (Lichen)			Usenea	۳۲۴، ۵۲
Uvularia amplexifolia L.		Uvulariaceae		۳۵۰، ۶۴
Valeriana celtica L.		Valerianaceae		۳۲۴، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷
Valeriana dioscorides Sibth.		Valerianaceae		۳۲۴، ۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸
Valeriana hardwickii Wal.		Valerianaceae		۴۶
Valeriana jatamansi DC.		Valerianaceae		۲۸۸
Valeriana jatamansi Jone.		Valerianaceae	Nard	۱۷۷
Valeriana montana L.		Valerianaceae	Mountain valerian	۲۸۸
Valeriana officinalis L.		Valerianaceae	Common valerian	۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸، ۱۷۷
Valeriana phu L.		Valerianaceae		۲۸۸، ۲۲۹
Valeriana sp.		Valerianaceae	Phu; all-heal; fragrant valerian; heliotrope	۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۷
Valeriana spica Vahl.		Valerianaceae		۲۸۸
Valeriana tubereuse Sprun.		Valerianaceae		۳۲۴، ۱۷۷
Valeriana wallichii DC.		Valerianaceae	Indian Valerian	۲۸۸
Veratrum album L.		Liliaceae	White Hellebore	۳۵۵، ۲۶۳، ۱۳.
Veratrum nigrum L.		Liliaceae	Black false hellebore	۱۳.
Verbascum nigrum L.		Scrophulariaceae	Black mullein	۹۰، ۳۵۴
Verbascum plicatum Sibth.		Scrophulariaceae		۳۵۴
Verbascum sinuatum Desc.	*	Scrophulariaceae	Mediterranean hrb elder; Danewort	۳۵۴
Verbascum sp.		Scrophulariaceae	Mullein	۳۵۴، ۹۰
Verbascum thapsus L.	*	Scrophulariaceae	Flannet mullen; Great mullein	۳۵۴، ۲۷۵، ۹۰، ۷۷
Verbena officinalis L.		Verbenaceae	European verbena	۳۵۱، ۱۵۶، ۷۳
Verbena sapina L.		Verbenaceae		۳۵۱، ۶۹
Verbena sp.		Verbenaceae	Vervain	۳۵۱، ۱۵۶
Veronica officinalis L.	*	Scrophulariaceae	Drug speedwell	۲۶۷
Veronica teucrium L.		Scrophulariaceae		۳۴۲
<i>Vesicaria gnaphaloides</i> Boiss. = <i>Veronica viscose</i> Boiss.	*	Scrophulariaceae		۱۴۰
Vicia cracca L.	*	Papilionaceae	Brid vetch; Cow vetch	۳۳۳، ۹۲
Vicia ervillia Willd.	*	Papilionaceae	Bitter vetch	۳۳۰، ۲۷۶، ۲۵۴، ۲۵۳
Vicia faba L.	*	Papilionaceae	Broad bean	۳۳۰، ۷۳
Vicia onobrachoides L.		Papilionaceae		۳۴۷
Vicia sativa L.	*	Papilionaceae	Common vetch	۲۷۶، ۹۷، ۹۲
Vigna catjang Walp		Papilionaceae	Catjang cowpea	۲۷۱
Vigna sinensis Endl.		Papilionaceae	Common cowpea	۲۷۶
Vinca minor L.	**	Apocynaceae	Periwinkle	۳۴۸، ۲۴۱
Vincetoxicum officinale Monch.		Asclepiadaceae	White swallowwort	۲۲۱
<i>Viola cinerea</i> Boiss = <i>Viola behboudiana</i> Rech.F.&Esfa..	*	Violaceae		۸۹
Viola odorata L.	*	Violaceae	Violet ; sweet	۳۵۴، ۸۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			Violet	
<i>Viola serpens</i> Wa.		Violaceae		۱۹
<i>Viola</i> sp.		Violaceae	Violet	۱۹
<i>Viola tricolor</i> L.	*	Violaceae	Wild pansy	۱۹
<i>Virgilia</i> sp.		Papilionaceae	Ax plant	۱۳۶
<i>Viscum album</i> L.	*	Loranthaceae	European mistletoe	۳۴۲، ۲۱۶، ۱۴۳
<i>Vitex agnus-castus</i> L. = <i>Vitex Pseudo-negundo</i> (Haus.)Hand-Mzt.	*	Verbenaceae	Lilac chaste; Agnus castus	۲۹۷، ۲۵۹، ۱۸۵، ۱۷۰، ۵۳، ۴۱ ۳۲۷، ۳۱۰
<i>Vitis repanda</i> Wight		Vitaceae		۱۲۴
<i>Vitis vinifera</i> L.	*	Vitaceae	Eropean grape; Vine grape	۲۵۵، ۲۱۴
<i>Withania coagulans</i> Dunal	*	Solanaceae	Cheese-maker; Puneer cardaoms	۲۴۹
<i>Withania somnifera</i> Dunal.	*	Solanaceae	Clustered winter cherry	۱۹
<i>Xanthium strumarium</i> L.	*	Compositae	Lesser burdock	۳۵۵
<i>Xanthoxylon avicenne</i> DC. = <i>Zanthoxylum piperitum</i> DC.		Rutaceae	Aniseeed, Ash Berries, Badiana, Brown Peppercorns, Chinese Anise	۲۲۳
<i>Zea mays</i> L.	*	Gramineae	Maize; Indian corn	۱۵۰، ۱۰۰
<i>Zelkova crenata</i> Spac. = <i>Zelkova carpinifolia</i>	*	Ulmaceae	Zelkova elm of Siberia	۳۵
<i>Zingiber officinale</i> Rosc.		Zingiberaceae	Common ginger	۳۳۳، ۱۶۴
<i>Zingiber</i> sp.		Zingiberaceae	Ginger	۱۶۴
<i>Zingiber zerumbet</i> Rosc.		Zingiberaceae		۱۶۱
<i>Zizyphora capitata</i> L.	**	Labiatae		۳۴۲
<i>Zizyphus jujuba</i> Lam.		Rhamnaceae		۲۱۴
<i>Zizyphus lotus</i> Lam.	*	Rhamnaceae	African lotus	۱۶۸
<i>Zizyphus sativa</i> G.		Rhamnaceae		۲۱۴
<i>Zizyphus spina-christi</i> Willd	*	Rhamnaceae	Christ's thorn ; Nubk tree	۱۶۸
<i>Zizyphus vulgaris</i> L.		Rhamnaceae		۳۲۶، ۲۱۴

## ۲ - جدول نام های علمی گیاهان داروئی به ترتیب خانواده

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	<i>Ulva lactuca</i> (Green algae)		Common sea lettue; green laver	۳۵۳
	<i>Corallium rubraum</i> L. (Red Coral)		Potato bean	۷۹
Lycoperdaceae	<i>Bovista plumbea</i> Pers. = <i>Lycoperdon plumbeum</i> (Macrofungi)		Lead-grey Bovist.	۲۲۶
	<i>Ashbia gossypii</i> = <i>Eremothecium gossypii</i> (Fungi)		Strain Number	۲۴۰
	<i>Eramothecium ashybi</i> (Fungi)		Routien	۲۴۰
	Fungi sp.			۳۵۲، ۲۲۶
	<i>Lycoperdon</i> sp. (Fungi)		Puffbal	۲۲۷
Morchellaceae	<i>Morchella esculenta</i> Pers. (Mushrooms)		Pancita, morilla, mazorquita, elotito, mazorca, elote, huecasy colmena.	۲۲۱
	(Mushroom )			۲۲۶
	<i>Nemastopora corylii</i> (Fungi)			۲۴۰
	<i>Polyporus officinalis</i> Fr. (Fungi)		Purging agaric	۳۳۵، ۲۶۰، ۲۱۸
Metschnikowiaceae	<i>Spermophthora gossypii</i> (Fungi)			۲۴۰
	<i>Terfezia claveriji</i> (Fungi)			۲۶۰
	<i>Tuber album</i> Sow. (Fungi)			۲۶۰، ۲۲۶
	<i>Tuber brumale</i> Vittad. (Fungi)			۲۲۶
	<i>Tuber cibarium</i> (Fungi)			۳۳۲، ۲۵۸
	<i>Tuber magnatum</i> (Fungi)			۲۶۰
	<i>Tuber melanosporum</i> Vitt. (Fungi)		Perigord truffle	۲۶۰، ۲۵۸
	<i>Tuber michell</i> (Fungi)			۳۳۲، ۲۶۰
	<i>Evernia prunastri</i> (L.) Ach. (Lichen)		Staghorn	۵۲
Lecanoraceae	<i>Lecanara circummunita</i> Nyl. (Lichen)			۱۱۷
Lecanoraceae	<i>Lecanora affini</i> Ev. (Lichen)			۱۰۷
Lecanoraceae	<i>Lecanora esculenta</i> Ev. (Lichen)			۱۰۷
Roccellaceae	<i>Roccella tinctoria</i> DC. (Lichen)		Litmus roccella	۱۱۷
	<i>Usenea articulata</i> (L.) Hoffm. (Lichen)			۵۳
	<i>Usenea barbata</i> Ach. (Lichen)		Bearded bell flower	۳۲۴، ۱۹۲، ۱۱۷، ۵۲
	<i>Usenea barbata</i> var. <i>florida</i> (Lichen)			۳۵۰
	<i>Usenea</i> sp. (Lichen)		Usenea	۳۲۴، ۵۲
Agaricaceae	<i>Agaricus</i> sp. (Mushroom)		Fool's-parsley agric	۲۱۹
	(Moss)			۲۰۰
Aspleniaceae	<i>Cetraria islandica</i> (L.) Ach. (moss)			۱۱۷



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	<i>Muscus arboreus</i> (Moss)			۵۲
	<i>Muscus</i> sp. (Moss)			۵۲
Acanthaceae	<i>Blepharis persica</i>	*		۶۵
Acanthaceae	<i>Acanthus mollis</i> L.	**	Bear's breach soft acanthus	۳۳۷
Acoraceae	<i>Acorus calamus</i> L.	*	Drug sweet flag; Calamus	۳۰۹، ۲۹۳، ۲۴۱، ۲۴۰، ۱۶۵، ۱۵۰، ۳۲۴
Adiantaceae	<i>Acrostichum dichototum</i> Forsk.		Maidenhair fern	۲۸۶
Adiantaceae	<i>Adiantum capillus-veneris</i> L.	*	South maidenhair; Venus's-hair	۳۵۵، ۱۸۷، ۷۶
Aesalpinaceae	<i>Parkinsonia aculeata</i> L.	*		۷۵
Aesalpinaceae	<i>Parkinsonia</i> sp.			۷۵
Agavaceae	<i>Dracaena cinnabari</i> Balf.			۱۴۷، ۶۹
Alangiaceae	<i>Alangium lamrckii</i> Th.		Ankola (Sanskrit)	۶۷
Alangiaceae	<i>Alangium salviifolium</i> (L.F.) Wan.		Sage Leaves	۶۷
Alismataceae	<i>Alisma plantaga</i> L.		American water plantain	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۸۱
Alismataceae	<i>Alisma</i> sp.		Water plantain	۲۸۱
Amarantaceae	<i>Celosia argentea</i> L.	**	Feather cockscomb	۷۹
Amarantaceae	<i>Crinum</i> sp.		Crinum	۱۴۳
Amaranthaceae	<i>Albersia blitum</i> Kunth . = <i>Amaranthus blitum</i> subsp. <i>Blitum</i>			۸۴
Amaranthaceae	<i>Amaranthus blitum</i> L. = <i>Amaranthus gracizans</i> L. Var. <i>sylvestris</i> (Vil.)Asch.		Prostrate amaranth	۳۳۰، ۳۱۱، ۸۴
Amaranthaceae	<i>Amaranthus cruentus</i> L.	*	Grain Amaranth	۷۹
Amaranthaceae	<i>Amaranthus gangeticus</i> L.		Tumbelweed amaranth	۱۴۳
Amaranthaceae	<i>Amaranthus gracizans</i> L. var. <i>sylvestris</i> (Vil.) Asch.	*		۸۴
Amaranthaceae	<i>Amaranthus paniculatus</i> L.		Scarlet amaranth	۱۴۳
Amaranthaceae	<i>Amaranthus tricolor</i> L.		Love-lies-bleeding	۱۴۳، ۷۹، ۷۶
Amarillidaceae	<i>Narcissus jonquilla</i> L.		Jonquil	۲۹۰
Amarillidaceae	<i>Narcissus poeticus</i> L.			۳۵۶، ۲۹۰، ۲۰۶
Amarillidaceae	<i>Narcissus</i> sp.		Poet's narcissus	۲۹۰
Amarillidaceae	<i>Narcissus tazetta</i> L.	*		۲۹۰، ۲۰۶
Amaryllidaceae	<i>Leucojum</i> sp.	*	Snowflake	۲۰۶
Amaryllidaceae	<i>Pancratium maritimum</i> L.		sea daffodil	۲۴۳، ۲۲۶
Amaryllidaceae	<i>Pannkratium maritimum</i> L.			۳۳۴، ۳۱۲
Anacardiaceae	<i>Mangifera indica</i> L.	**	Common marchantia	۲۱۴، ۶۳
Anacardiaceae	<i>Pistacia chia</i> DC.			۲۸۲
Anacardiaceae	<i>Pistacia khinjuk</i> Stoc.	*		۱۱۱، ۸۱
Anacardiaceae	<i>Pistacia lentiscus</i> L.		Lentisk pistache; Mastic tree	۳۲۹، ۳۲۵، ۲۸۲، ۱۹۸
Anacardiaceae	<i>Pistacia terebinthus</i> L.		Terebinth pistache	۳۲۵، ۱۹۸، ۱۱۱، ۸۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Anacardiaceae	<i>Pistacia vera</i> L.	*	Common pistache	۳۲۹، ۳۱۱، ۲۲۵
Anacardiaceae	<i>Pistia stratiotes</i> L.			۳۵۳، ۳۲۰، ۱۷۱، ۳۸
Anacardiaceae	<i>Rhus coriaria</i> L.	*	Sicilian sumac	۳۲۷، ۳۱۰، ۱۷۵
Anacardiaceae	<i>Rhus cotinus</i> L.	*	Common smok tree; Aaron's	۱۷۵
Anacardiaceae	<i>Rhus glabra</i> L.		Smooth sumac	۱۷۵
Anacardiaceae	<i>Rhus</i> sp.		Sumae	۱۷۵
Anacardiaceae	<i>Rhus vermicifera</i> DC.		Japanese lacquer tree	۱۷۸
Anacardiaceae	<i>Semecarpus anacardium</i> L.		Marking Nut	۸۶، ۸۵
Apocynaceae	<i>Apocynum erectum</i> Vell.			۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲، ۴۳
Apocynaceae	<i>Apocynum</i> sp.		Dogbane	۱۲۸
Apocynaceae	<i>Nerium oleander</i> L.	*		۳۵۲، ۳۲۰، ۲۹۴، ۱۴۵
Apocynaceae	<i>Nerium</i> sp.		Common oleander	۱۴۵
Apocynaceae	<i>Vinca minor</i> L.	**	Periwinkle	۳۴۸، ۲۴۱
Aquifoliaceae	<i>Ilex aquifolium</i> L.	*	English holly	۶۲
Araceae	<i>Acorus aromaticus</i> Gilib.			۲۹۳، ۲۴۱
Araceae	<i>Areca catechu</i> L.		Betel-nut palm ; betel palm	۲۳۰، ۵۴
Araceae	<i>Areca catechu</i> Willd.		Areca Nut	۱۲۰
Araceae	<i>Areca faufel</i> Gaertn.			۲۳۰
Araceae	<i>Arum arisarum</i> L.			۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳
Araceae	<i>Arum colocasia</i> L.			۲۴۴، ۲۳۱، ۱۲۵
Araceae	<i>Arum dioscoridis</i> L.			۳۳۴
Araceae	<i>Arum dracunculus</i> L.		Common stink dragon	۳۳۴، ۳۱۲، ۲۸۶، ۲۷۳، ۲۳۱
Araceae	<i>Arum esculenta</i> L.			۲۴۴
Araceae	<i>Arum italicum</i> L.		Italian arum	۲۷۳، ۱۵۰، ۱۴۲
Araceae	<i>Arum maculatum</i>		Lords-and-lodies ; Cuckoopint	۳۳۴، ۲۷۳
Araceae	<i>Arum</i> sp.		Arum	۲۳۱
Araceae	<i>Arum vulgare</i> L.			۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳
Araceae	<i>Calamus aromaticus</i> = <i>Acorus aromaticus</i> Lam.		Sweet flag	۲۹۳، ۲۴۰
Araceae	<i>Calamus asiaticus</i>			۲۹۳
Araceae	<i>Calamus draco</i> Willd . = <i>Daemonoropos draco</i> BLUME			۱۴۷
Araceae	<i>Colacasia antiquorum</i> Sch.			۲۴۴
Araceae	<i>Colacasia esculenta</i> L . = <i>Colocasia antiquorum</i> var <i>esculenta</i>		papa china, taro, bore, ocumo, quiquisque	۲۴۴
Araceae	<i>Colocasia antiquorum</i> Shott . = <i>Arum esculentum</i> L., <i>Caladium esculentum</i> (L.) Vent.,		taro, eddo, kalo, dasheen, cocoyam, elephant ears	۲۳۱
Araceae	<i>Dracontium</i> sp.			۱۸۶
Araceae	<i>Dracunculus vulgaris</i> Schot . = <i>Arum Dracunculus</i>			۲۷۳، ۱۴۲
Araliaceae	<i>Hedera helix</i> L.	*	English ivy	۳۳۵، ۲۱۷، ۲۴۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Araliaceae	Hedera sp.		Ivy	۲۱۰، ۱۱۳
Arecaceae	<i>Daemonorops draco</i> Blume = <i>Calamus draco</i> Willd.		dragon's blood	۱۴۷
Arecaceae	<i>Hyphaene thebaica</i> (L.) Mart. = <i>Corypha thebaica</i> L. = <i>Hyphaene guineense</i>		Egyptian doum palm	۲۲۵، ۲۸۴
Arecaceae	<i>Lodoicea sechellarum</i> Lab.		Coco maledivicus ; Nux media	۲۸۷
Aristolochiaceae	<i>Asarum europaeum</i> L.		European wild ginger	۲۲۴، ۳۰۹، ۲۹۰، ۴۶
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia boetica</i>			۳۳۶
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia longa</i> L.		Long-rooted Birthwort	۱۶۱
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia pallids</i> Round = <i>Aristolochia pallida</i> Willd.		Wild Ginger	۳۳۵
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia rotunda</i> L.		Snakeroot	۱۶۱
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia sempervirens</i> L.		Birthwort	۳۳۶
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia</i> sp.		Dutchman's-pipe- birthwort	۳۳۵، ۳۱۳، ۱۶۱
Asclepiadaceae	<i>Pergularia tomentosa</i> L.	*		۲۲۱
Asclepiadaceae	<i>Barjonia racemosa</i> Decne.			۴۲
Asclepiadaceae	<i>Calotropis procera</i> R.B.	*	French cotton	۲۰۹
Asclepiadaceae	<i>Calotropis</i> sp.		Calotrope	۲۰۹
Asclepiadaceae	<i>Cynanchum erectum</i> L.			۳۵۲، ۴۲
Asclepiadaceae	<i>Cynanchum nigrum</i> Pers.			۳۴۴
Asclepiadaceae	<i>Cynanchum pyrotechnicum</i> L.			۲۷۸
Asclepiadaceae	<i>Cynanchum vincetoxicum</i> Pers.		White swallowwort	۳۴۲
Asclepiadaceae	<i>Daemia cordata</i> R.Br.			۲۲۱
Asclepiadaceae	<i>Marsdenia erecta</i> L.	*	Marsdenia	۴۲
Asclepiadaceae	<i>Sarcostemma viminale</i> R.Br. = <i>Euphorbia viminale</i>		Rapunzel Plant, Somabutta	۱۱۷
Asclepiadaceae	<i>Vincetoxicum officinale</i> Monch.		White swallowwort	۲۲۱
Asclepiadiaceae	<i>Asclepias cynanchoides</i> Humb.			۲۰۹
Asclepiadiaceae	<i>Asclepias gigantea</i> R.Br.			۲۰۹
Asclepiadiaceae	<i>Asclepias vincetoxicum</i> L.			۳۴۲، ۳۱۵، ۲۴۵
Asparaginaceae	<i>Asparagus acutifolius</i> L.		Sharp-leaved asparagus	۳۳۱، ۲۸۹
Asparaginaceae	<i>Asparagus adscendens</i> Roub.			۲۹۷
Asparaginaceae	<i>Asparagus officinalis</i> L.		Common asparagus	۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۷، ۲۸۹، ۱۹۸
Asparaginaceae	<i>Asparagus</i> sp.		Asparagus	۲۹۷
Asparaginaceae	<i>Polygonatum officinale</i> L.		Drug solomon's- seal	۳۴۸، ۳۱۸، ۲۱۱
Asparaginaceae	<i>Smilax aspera</i> L.	*	Rough bindweed	۳۵۵، ۳۳۳، ۲۸۹، ۲۲۶
Asparaginaceae	<i>Smilax glabra</i> Roxb.			۱۰۶
Asparaginaceae	<i>Smilax</i> L.		Greenbrier	۲۲۶، ۱۰۶
Asparaginaceae	<i>Smilax sarsaparilla</i> L.			۲۰۹
Aspidiaceae	<i>Dryopteris aculeata</i> (L.) Kuntze			۱۷۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Aspidiaceae	Dryopteris filix max L.	*	Male fern	۳۵۷، ۱۶۹
Aspidiaceae	Dryopteris robertiana (Hof.) C. Chr			۱۶۹
Aspleniaceae	Asplenium adiantum-nigrum L.		Black spleenwort	، ۱۶۹، ۴۴ ۳۵۷
Aspleniaceae	Asplenium ruta muraria L.		Wall rue	۱۷۱
Aspleniaceae	Asplenium trichomanes L.		Maidenhair spleenwort	۳۵۵، ۱۸۷، ۱۶۹
Aspleniaceae	Phyllitis scolopendrium L.	*	Hart's-tongue;	۳۴۳، ۳۱۶، ۱۶۹
Avicenniaceae	Avicennia officinalis L.	*		۲۳۸
Balanitaceae	Balanites aegyptiaca L.		Higleeg	۱۶۳
Balsaminaceae	Balsamina hortensis L.			۲۱۱
Balsaminaceae	Impatiens balsamina L.	*		۲۱۱
Berberidaceae	Berberis asiatica Roxb.	*	Asiatic barberry	۶۱
Berberidaceae	Berberis lycium Roy.	**		۱۲۰
Berberidaceae	Berberis vulgaris L.	*	European barberry	۶۱
Bombacaceae	Adonsonia sp.			۱۲۵
Boraginaceae	Achium diffusum L.			۳۴۸
Boraginaceae	Alkanna orientalis (L.) Boiss.	*	Yellow bugloss	۲۶۳
Boraginaceae	Alkanna sp.		Alkanet	۱۳۴
Boraginaceae	Alkanna tinctoria Tausch.	*	Dyer's alkanet	۳۴۸، ۳۹، ۳۸
Boraginaceae	Anchusa hybrida Ten.		Carly bugloss	۲۶۸
Boraginaceae	Anchusa italica Retz.		Italian bugloss	۲۶۸، ۲۶۸
Boraginaceae	Anchusa officinalis L.		Common buckwheat	۲۶۸
Boraginaceae	Anchusa paniculata Ait.			۳۵۴
Boraginaceae	Anchusa tinctoria L.			۱۲۴، ۳۹
Boraginaceae	Andropogon jawarancusa Jo.			۴۳
Boraginaceae	Asperugo procumbens L.	*	Grman madwort ; madwort	۷۱، ۳۴
Boraginaceae	Borago officinalis L.	**	Common borrago	۲۶۸
Boraginaceae	<i>Caccinia glauca</i> Savi . = <i>Cacalia macranthera</i> Var. <i>crassifolia</i> (Vent.) Brand	*		۲۶۸
Boraginaceae	Cerinthe minor L.		Lesser honeywort	۳۳۵
Boraginaceae	Ceterach officinarum L.		Miltwaste	۱۱۹، ۴۹
Boraginaceae	Ceterach sp.			۳۵۷
Boraginaceae	Cordia myxa L.	*		۱۲۷، ۱۴۳
Boraginaceae	Cordia sebestena L.			۱۲۷
Boraginaceae	Cynoglossum officinale L.		Common hound's-tongue	۳۵۴، ۲۷۰
Boraginaceae	Cynoglossum sp.		Hound's-tongue	۲۷۰
Boraginaceae	Echium amoenum Fisch. & Mey.	*		۲۶۸
Boraginaceae	Echium creticum L.			۳۴۸
Boraginaceae	Echium diffusum L.			۳۸
Boraginaceae	Echium italicum L.	*		۳۴۹، ۳۸

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Boraginaceae	Echium rubrum L.	*		۳۴۹، ۳۱۹، ۴۲
Boraginaceae	Echium sericeum Vahl.			۲۶۸
Boraginaceae	Echium sp.		Viper's bugloss	۴۲
Boraginaceae	Echium vulgare L.		Common viper's bugloss	۳۴۹
Boraginaceae	Heliothrips haemorrhoidalis Bouc.			۱۵۷
Boraginaceae	Heliotropium europaeum L.		Common heliotrope	۳۵۷، ۳۲۱، ۱۹۴، ۱۵۱، ۳۵
Boraginaceae	Heliotropium villosum Pers.	**		۳۵۷
Boraginaceae	Lithospermum purpurea-coeruleum Defs. & DC.	*	Creeping gromwell	۳۳۵
Boraginaceae	Lithospermum fruticosum L.			۳۸
Boraginaceae	Lithospermum officinale L.		Common gromweel	۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۶، ۲۵۹، ۲۴۳، ۴۸ ۳۴۸
Boraginaceae	Lithospermum tinctorium L.			۱۹۰
Boraginaceae	Myosotis alpestris Schm.		Alpine forget-me-not	۳۴
Boraginaceae	Myosotis arvensis L.		Field forget-me-not	۳۴
Boraginaceae	Myosotis palustris Lam.	*	True forget-me-not	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۱۸، ۳۴
Boraginaceae	Myosotis sp.		Forget-me-not	۳۴
Boraginaceae	Myosotis stricta Roem & Schut.	*		۳۴
Boraginaceae	Onosma echinoides L.	**		۳۴۵، ۳۱۷، ۶۸، ۴۳
Boraginaceae	Onosma sp.		Old- field toadflax	۳۴۵، ۱۹۰، ۱۲۵، ۳۸
Boraginaceae	Onosma tinctoria Bieb.			۲۵۲
Boraginaceae	Pulmonaria officinalis L.		Common lungwort	۲۶۸
Boraginaceae	Symphytum bulbosum Schimp.			۳۴۸، ۱۷۶
Boraginaceae	Symphytum officinale L.		Common comfrey; Woundwort	۱۷۶، ۴۳
Boraginaceae	Symphytum petraeum?			۳۴۸، ۳۱۸، ۱۷۶
Boraginaceae	Symphytum sp.		Comfrey	۳۴۸، ۱۷۶
Boraginaceae	Trichodesma indicum DC.			۲۶۸
Boraginaceae	Trichodesma molle DC.			۲۶۸
Boraginaceae	Trichodesma zeylanicum R.Br.			۲۶۸
Burseraceae	Baswellia Roxb.			۳۲۵، ۲۷۴
Burseraceae	Bdellium Engl.		aromatic gum resin obtained from trees of the genus Commiphora	۲۸۴
Burseraceae	Bdellium indicum			۲۸۴
Burseraceae	Boswellia carterii Bird		Bible frankincense	۲۶۳، ۳۲۵،
Burseraceae	Boswellia serrata Roxb.		Indian frankincense; Salai tree	۲۶۳
Burseraceae	Boswellia sp.		Frankincense ; Incense tree	۲۶۱
Burseraceae	Commiphora abyssinica Engl.		Abyssinian myrrh tree	۲۷۸
Burseraceae	Commiphora africanum Engl.			۲۸۴

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Burseraceae	Commiphora kataf Engl.			۲۴۲
Burseraceae	Commiphora mukul Engl. = <i>Balsamodendrum mukul Hook.</i>			۳۲۵، ۲۸۴
Burseraceae	Commiphora mulomol Engel.			۲۸۴
Burseraceae	Commiphora myrrha Engl.		Common myrrh tree	۳۲۵، ۲۸۹، ۲۷۸
Burseraceae	Commiphora opobalsamum Engl.		Mecca myrrh tree	۸۶
Burseraceae	Balsamodendron africanum Ar.		African Bdellium	۲۸۴
Burseraceae	Balsamodendron DC.			۸۶
Burseraceae	<i>Balsamodendron kataf</i> = Commiphora kataf			۲۴۲
Burseraceae	Balsamodendron mukul Hook.		Bdellium Gum, Guggul, Guggulipid, Gum Gugal, Salaitree	۲۸۴، ۲۶۴
Burseraceae	Balsamodendron myrrha Nees.		Gum myrrh tree	۲۷۸، ۸۶
Buxaceae	Buxus dioica For.			۲۵۱
Buxaceae	Buxus sempervirens L.		Common box	۲۰۷، ۸۲
Cactaceae	Opuntia hircina?			۹۰
Cactaceae	Opuntia sp.		Prickly pear	۱۹۵
Caesalpinaceae	<i>Caesalpinia bonducella Fl.</i> = <i>Caesalpinia bonduc Roxb.</i>	*	Nicker-nut caesalpina	۱۵۵، ۸۸، ۵۴
Caesalpinaceae	Caesalpinia echinata L.		Prickly brazilwood	۲۱۵
Caesalpinaceae	Caesalpinia sappan L.		Sappan caesalpinia	۸۵
Caesalpinaceae	Caesalpinia sp.		Brasiletto	۲۱۵
Caesalpinaceae	Cassia absus L.			۹۴
Caesalpinaceae	Cassia acutifolia Deli.		Alexandria senna	۱۷۷
Caesalpinaceae	Cassia angustifolia Vahl.		Congo senna	۱۷۷
Caesalpinaceae	Cassia fistula L.		Golden-shower senna ; purging cassia	۱۴۰
Caesalpinaceae	Cassia lanceolata Forsk.			۱۷۷
Caesalpinaceae	Cassia obovata Coll.			۲۱۰
Caesalpinaceae	Cassia sophera L.			۲۱۰
Caesalpinaceae	Cassia tora L.			۲۴۴، ۲۱۰، ۱۵۸
Caesalpinaceae	Ceratonia siliqua L.	*	Carob	۳۲۸، ۳۰۱، ۱۳۲
Caesalpinaceae	Cercis siliquastrum L.	*	Judas tree	۱۴۱، ۴۴
Caesalpinaceae	Cercis sp.	*	Cercis ; Redbud	۴۴
Caesalpinaceae	Tamarindus indica L.		Tamarind	۱۲۴، ۹۵
Campanulaceae	Campanula lacinata L.			۳۴۸
Campanulaceae	Campanula ramosissima Sibth.			۴۲
Cannabaceae	Cannabis indica L.			۱۱۲
Cannabaceae	Cannabis sativa L.		Hemp	۳۴۶، ۲۴۵، ۱۱۲، ۹۵
Cannabaceae	Cannabis sativa L. var. indica			۳۴۶، ۳۱۷، ۱۱۲
Cannabaceae	Cannabis sylvestris			۲۴۵
Cannaceae	Canna sp.		Canna	۲۴۵
Capparidaceae	Cadaba farinosa Forsk.			۱۶۹، ۳۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Capparidaceae	Cadaba sp.			۱۶۹
Capparidaceae	Capparis sp.		Caper-caperbush	۲۵۰
Capparidaceae	Capparis spinosa L.	*	Common capers	۲۲۴، ۳۱۲، ۲۵۰
Capparidaceae	Maerua crassifolia Forsk.		Sunduhi, Hasu (Ou)	۲۳
Caprifoliaceae	Lonicera caprifolium L.	**	Sweet honeysuckle	۲۲۴، ۱۹۵، ۷۵
Caprifoliaceae	Lonicera periclymenon L.			۲۴۸، ۳۱۸، ۲۴۴، ۱۸۵
Caprifoliaceae	Lonicera sp.		Honeysucle	۱۹۵
Caprifoliaceae	Sambucus ebulus	*	Mediterranean herb elder; danwort	۲۵۶
Caprifoliaceae	Sambucus nigra L.	*	European elder	۲۵۷، ۱۳۸
Caryophyllaceae	Gypsophila sp.		Gypsophila; chalk plant	۲۶۳
Caryophyllaceae	Gypsophila struthium L.			۲۶۳، ۱۷۱
Caryophyllaceae	Holosteum sp.		Mouse-ear	۲۴۸
Caryophyllaceae	Holosteum umbellatum L.	*	Jagged chickweed	۲۴۸، ۳۱۸، ۱۰۱
Caryophyllaceae	Agrostemma githago L.		Common corn cockle	۲۴۳، ۲۶۸، ۱۹۲، ۱۶۹، ۲۷
Caryophyllaceae	Agrostemma sp.		corn cockle	۱۶۸، ۱۳۲
Caryophyllaceae	<i>Cerastium aquaticum</i> L. = <i>Myosoton aquaticum</i> (L.) Monch.	*		۲۴۹
Caryophyllaceae	Dianthus caryophyllus L.		Pink-carnation	۲۳۸
Caryophyllaceae	Dianthus sp.			۲۳۸
Caryophyllaceae	Paronichia sp.		Nailwort; Whitwort	۱۱۸
Caryophyllaceae	Paronychia serpyllifolia DC.			۲۵۰، ۳۱۹، ۲۳۱
Caryophyllaceae	Saponaria officinalis L.	*	Bouncing bet	۲۳۳، ۱۷۱
Caryophyllaceae	Silene cucubalus Will.		Bladder silene	۱۰۰
Caryophyllaceae	Silene gallica L.		French silene	۲۴۹
Caryophyllaceae	Silene infelata Sm.			۲۵۱، ۱۳۶، ۱۰۰
Caryophyllaceae	Silene sp.		Catchfly; Campion	۲۵۵
Caryophyllaceae	Telephium imperati L.	*	Tree orpine	۱۷۰، ۷۵
Caryophyllaceae	Caryophyllus aromaticus L.			۲۳۸
Caryophyllaceae	Herniaria tourneforti			۶۳
Caryophyllaceae	Lychnis chalcidonica L.		Maltese cross campion	۲۶۸
Caryophyllaceae	Lychnis coronaria Desf.		Rose campion	۲۴۳، ۳۱۶، ۲۶۸
Caryophyllaceae	Lychnis githago L.			۱۶۹
Caryophyllaceae	Lychnis sp.			۲۶۸
Cecidomyiinae	Pinites stroboides (Conw.) Sch.			۲۶۴
Cecidomyiinae	Pinites succinifer Goppert & Berned		Amber	۲۶۴
Celasteraceae	Evonymus europeus L.	**	Prickwood	۸۲
Celasteraceae	Evonymus latifolia L.	*	Broad-leaved evonymus	۸۲
Celasteraceae	Evonymus velutina L.	*	Prickwood	
Celasteraceae	Evonymus verrucosa L.	*	Warty-barked	۸۲
Chamaeleonidae	<i>Chamaeleo vulgaris</i> = <i>Chamaeleo chamaeleon</i> (Parasite)		Common or European or Mediterranean	۴۷

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			Chameleon	
Chenopodiaceae	<i>Atriplex halimus</i> L.	**	Shrubby arach	۳۲۶، ۳۰۹، ۲۸۴، ۲۴۲
Chenopodiaceae	<i>Atriplex hastata</i> L.	*	Halberd-leaved Arrach	۲۴۲
Chenopodiaceae	<i>Atriplex hortensis</i> L.	*	Garden orach	۳۴۲، ۳۳۱، ۲۴۱، ۱۶۱، ۱۷۰
Chenopodiaceae	<i>Atriplex rosea</i> L.		Tumbling orach	۳۳۱، ۲۴۲، ۱۷۰، ۱۷۰
Chenopodiaceae	<i>Atriplex</i> sp.			۲۴۱، ۱۷۰
Chenopodiaceae	<i>Beta vulgaris</i> L.	*	Common beet	۳۳۱، ۱۹۷، ۱۹۲، ۱۷۴
Chenopodiaceae	<i>Blitum virgatum</i> L. = <i>Chenopodium foliosum</i> (Moench) Asch.		Strawberry Blite, Goosefoot, Pigweed	۸۴
Chenopodiaceae	<i>Camphorosma glabrum</i> L.			۲۴۹
Chenopodiaceae	<i>Camphorosma</i> sp.	*	Camphorfume	۱۶۰
Chenopodiaceae	<i>Chenopodium ambrosioides</i> L.	*	Wormseed goose ; Wormseed tea ; Mexican tea	۱۹۰، ۷۷
Chenopodiaceae	<i>Chenopodium botrys</i> L.	*	Jerusalem-oak goosefoot ; Jerusalem oak	۳۴۴، ۳۱۶، ۱۹۰، ۷۷
Chenopodiaceae	<i>Chenopodium capitatum</i> L.		Blire goosefoot ; Straw berry blite	۸۳
Chenopodiaceae	<i>Chenopodium murale</i> L.	*	Nettle-leaf goosefoot	۱۵۹
Chenopodiaceae	<i>Salicornia fruticosa</i> L.	*		۵۲
Chenopodiaceae	<i>Salicornia herbacea</i> L. = <i>Salicornia europaea</i> L.	*	Marsh samphire	۲۴۴، ۵۲
Chenopodiaceae	<i>Salicornia</i> sp.		Glasswort	۵۲
Chenopodiaceae	<i>Salsola kali</i> L.	*	Common russian thistle	۵۲
Chenopodiaceae	<i>Salsola soda</i> L.	*	Soda plant; bakilla-plant	۵۲
Chenopodiaceae	<i>Salsola tragus</i> L. = <i>Salsola kali</i> Subsp. <i>Tragus</i>	*		۵۲
Chenopodiaceae	<i>Spinacia oleracea</i> L.	**	Spinach; Prickly-seeded spinach	۴۸
Cholchicaceae	<i>Colchicum autumnale</i> L.			۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲
Cholchicaceae	<i>Colchicum autumnale</i> L.		Common autumn crocus ; Meadow saffron	۱۸۰
Cholchicaceae	<i>Colchicum montanum</i> L. = <i>Colchicum szovitsii</i> Fisch&C.A.Mey.	*		۲۱۲
Cholchicaceae	<i>Colchicum parnassicum</i> Sart.			۳۵۳
Cholchicaceae	<i>Colchicum persicum</i> Bak.			۱۸۰
Cholchicaceae	<i>Colchicum</i> sp.		Autumn crocus	۱۸۰
Cholchicaceae	<i>Colchicum speciosum</i> Ste.			۱۸۰
Cholchicaceae	<i>Colchicum variegatum</i> L.			۱۸۰
Cistaceae	<i>Cistus creticus</i> L.		Wrinkle leaf rockrose	۳۲۷، ۲۶۵
Cistaceae	<i>Cistus hypocistis</i> L.			۳۲۷، ۳۱۰
Cistaceae	<i>Cistus ladanifolius</i> L.		Gum rockrose	۳۲۷، ۲۶۵، ۲۳۹



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cistaceae	Cistus salviaefolius Boiss.			۳۲۷
Cistaceae	Cistus sp.		Rockrose	۲۶۵
Cistaceae	Cistus villosus L.	**	Rock rose	۳۲۷، ۲۶۵
Colchicaceae	<i>Merendera persica</i> Boiss. = <i>Colchicum robustum</i> (Bge) Stefan	*		۱۸۰
Combretaceae	Myrobalanus bellerica Gaertn.			۶۹
Combretaceae	<i>Myrobalanus chebulae</i> <i>Gaertn.</i> = <i>Terminalia chebula</i>			۶۹
Combretaceae	Myrobalanus citrinae Gaertn.			۶۹
Combretaceae	Myrobalanus nigrae			۶۹
Combretaceae	Terminalia bellerica Roxb.	*	Myrobalan tree	۸۷، ۶۹
Combretaceae	Terminalia chebula Ret.		Hebula terminalia	۶۹، ۶۸
Combretaceae	Terminalia citrina Roxb.			۶۹
Combretaceae	Terminalia horride Stend.			۶۹
Compositae	Achillea ageratum L.			۳۵۰، ۵۵
Compositae	Achillea fragrantissima Sch.			۲۴۷، ۳۳۷
Compositae	Achillea millefolium L.	*	Common yarrow	۳۵۶، ۱۸۱، ۱۷۱، ۱۵۱
Compositae	Achillea ptarmica L.		Sneezewort	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۱۶
Compositae	Achillea pubescens L.			۷۷
Compositae	Achillea sp.			۳۴۹
Compositae	Achillea tomentosa L.			۳۴۹، ۳۱۹، ۲۵۷، ۲۲۰، ۱۷۸، ۱۴۶
Compositae	Achillea viscosa Lam.			۳۵۰
Compositae	Ambrosia maritima L.			۳۴۴، ۳۱۶، ۷۷، ۶۱
Compositae	Anacyclus pyrethrum DC.			۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۵، ۲۰۶
Compositae	Anacyclus radiatus L.			۹۱
Compositae	Anacyclus valentine			۹۱
Compositae	Antennaria sp.		dillweed, dillseed, dill	۲۰۵
Compositae	Anthemis arvensis L.		Field camomile	۳۴۶، ۲۹۵، ۲۱۷، ۹۱، ۵۸
Compositae	Anthemis chia L.			۳۴۵
Compositae	Anthemis nobilis L.		Roman chamomile ; English camomile	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۳۵، ۷۰، ۶۴، ۵۸
Compositae	Anthemis pyrethrum L.			۲۱۶، ۲۰۶
Compositae	Anthemis rosea Sibth.			۳۴۶
Compositae	Anthemis sp.		Comomile	۵۸
Compositae	Anthemis tinctoria L.		Golden Marguerite	۳۴۶، ۹۱، ۵۸
Compositae	Anthemis valentina L.			۳۴۶
Compositae	<i>Apargia sp.</i> = <i>Leontodon sp.</i>			۳۳۲
Compositae	Arctium bardana Willd.			۴۵
Compositae	Arctium lappa L.	*	Great burdock	۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵
Compositae	Arctium tomentosum Shkuhr.		Cotton burdock	۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵
Compositae	<i>Arnopogon picroides</i> Willd. = <i>Tragopogon capensis</i> Jacq. = <i>Tragopogon picroides</i> L. = <i>Urospermum capense</i> (Jacq.) <i>Spreng.</i> = <i>Urospermum</i> <i>picroides</i>		prickly goldenfleece, urospermum	۳۴۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	<i>Artemisia abrotanum</i> L.		Old-man wormwood ; Southern wood	۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷
Compositae	<i>Artemisia absinthium</i> L.	*	Common worm ; Absinthium	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۳۰، ۵۶
Compositae	<i>Artemisia arborescens</i> L.		Sagewort worm wood ; Field wormwood	۳۴۴، ۱۹۳
Compositae	<i>Artemisia campestris</i> L.		Tarragon	۳۴۴
Compositae	<i>Artemisia dracunculus</i> L.	*	Maritime wormwood	۲۰۲
Compositae	<i>Artemisia judaica</i> L.		Wormwood	۲۰۶، ۱۹۳
Compositae	<i>Artemisia maritima</i> L.		Sea Wormwood	۳۳۷، ۱۹۳، ۷۷، ۵۶
Compositae	<i>Artemisia palmate</i> Lam.			۳۳۷
Compositae	<i>Artemisia pontica</i> L.		Roman wormwood	۳۳۷، ۱۹۳
Compositae	<i>Artemisia santonica</i> Lam.	*		۱۹۳
Compositae	<i>Artemisia siversiana</i> Ehrh. & Willd.			۵۶
Compositae	<i>Artemisia</i> sp.		Wormwood ; Sagebrush	۱۹۳، ۷۷
Compositae	<i>Artemisia vulgaris</i> L.	*	Douglas Mugwort	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷
Compositae	<i>Aster alpinus</i> L.	*	Alpine aster	۱۳۲
Compositae	<i>Aster amellus</i> L.		Italian aster	۳۵۴، ۵۴، ۴۸
Compositae	<i>Aster atticus</i> Pall.			۵۴، ۴۸، ۴۷
Compositae	<i>Aster tripolium</i> L.	*	Tripoli aster ; Sea aster	۲۰۳، ۹۳، ۴۸
Compositae	<i>Astrattikos tripolium</i> L. = <i>Aster tripolium</i> L. ssp. <i>tripolium</i>			۳۵۷
Compositae	<i>Atractylis gummifera</i> L.Q.			۳۳۶، ۹۷، ۵۱
Compositae	<i>Aucklandia costus</i> Fal. = <i>Aucklandia lappa</i> (Decne.) = <i>Saussurea costus</i> (Falc.) = <i>Saussurea lappa</i> (Decne.)			۲۳۹
Compositae	<i>Baccharis</i> sp.		Baccharis	۳۳۹، ۳۱۴
Compositae	<i>Cacalia</i> sp.			۲۳۳، ۲۳۲
Compositae	<i>Cacalia verbascifolia</i> Sib.			۲۳۲
Compositae	<i>Calendula arvensis</i> L.		Pot marigold	۳۵
Compositae	<i>Calendula officinalis</i> L.	*		۳۵۷، ۳۵
Compositae	<i>Cardopatum corymbosum</i> pers.			۳۳۶، ۵۱، ۴۷
Compositae	<i>Carduus benedictus</i> Auct.			۷۱
Compositae	<i>Carduus pycnocephalus</i> L.	*		۳۳۶
Compositae	<i>Carthamus lanatus</i> L.	*	Woolly safflower	۳۴۲، ۲۳۷، ۲۱۰، ۴۲
Compositae	<i>Carthamus</i> sp.		Safflower ; False saffron	۲۳۸
Compositae	<i>Carthamus tinctorius</i> L.	*	Safflower	۲۳۶، ۲۱۰، ۴۲
Compositae	<i>Centaurea aegpitiaca</i> Del.			۲۷۸
Compositae	<i>Centaurea alexandrina</i> D.			۲۷۸
Compositae	<i>Centaurea behen</i> L.	*	White behen	۹۱
Compositae	<i>Centaurea benedicta</i> L.			۱۱۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	<i>Centaurea calcitrapa</i> L.		Star thistle	۲۷۸
Compositae	<i>Centaurea centaurium</i> L.			۳۳۶، ۳۱۳، ۲۴۶
Compositae	<i>Centaurea cyanus</i> L.	*	Corn flower ; Bachlor's button ; Bluebottle	۲۴۶، ۱۰۸
Compositae	<i>Centaurea minus</i> Moen.			۲۴۶
Compositae	<i>Centaurea officinale</i>			۲۴۶
Compositae	<i>Centaurea pallescens</i> Del.			۲۷۸
Compositae	<i>Centaurea</i> sp.			۲۴۶
Compositae	<i>Centaurea stellata</i>			۲۷۸
Compositae	<i>Chamaepeuce diacantha</i> DC.			۱۲۸
Compositae	<i>Chondrilla juncea</i> L.		Rush skeleton weed ; Gun succory	۳۲۲، ۳۱۱، ۳۰۱، ۲۹۸، ۱۳۹
Compositae	<i>Chondrilla ramosissima</i> Sibth.			
Compositae	<i>Chondrilla</i> sp.		Sierra juniper	۱۳۹
Compositae	<i>Chrysanthemum coronarium</i> L.		Crowndaisy ; Crown-daisy chrysanthemum	۳۰، ۹۱
Compositae	<i>Chrysanthemum parthenium</i> Pers. = <i>Tanacetum parthenium</i> (L.) Shultz-Bip.	*	Feverfew ; Feverfew chrysanthemum	۳۴۶، ۳۱۷، ۱۸۸، ۵۸
Compositae	<i>Chrysanthemum segetum</i> L.		Corn chrysanthemum ; Corn marigold	۹۱
Compositae	<i>Chrysocoma linosyris</i> L.			۳۰،
Compositae	<i>Chrysocoma</i> sp.			۳۰، ۳۱۹، ۱۵۱،
Compositae	<i>Cichorium endivia</i> L.	**		۳۳۲، ۲۹۸
Compositae	<i>Cichorium intybus</i> L.	*	Common chicory	۲۹۸، ۲۹۸
Compositae	<i>Cincus acarna</i> = <i>Picnomon</i> <i>acarna</i> (L.) Cass.			۵۸
Compositae	<i>Cincus</i> sp.			۳۵۷
Compositae	<i>Cirsium diacantha</i> DC.			۱۲۸
Compositae	<i>Cirsium rhocephalum</i> C.A.Mey.	*		۱۵۱
Compositae	<i>Cirsium stellatum</i> L.			۳۵۷، ۳۹
Compositae	<i>Cirsium tenuiflorum</i> Boiss.			۳۵۴
Compositae	<i>Cirsium tuberosum</i> All.			۳۳۷
Compositae	<i>Cnicus acarna</i> L.			۳۳۶، ۷۱
Compositae	<i>Cnicus tuberosus</i> L.			۳۳۷
Compositae	<i>Conyza candida</i> L.			۳۵۴
Compositae	<i>Conyza squarrosa</i> L.			۳۳۹
Compositae	<i>Cynara cardunculus</i> L.		Cardoon	۲۹۹، ۱۱۵، ۱۱۴
Compositae	<i>Cynara scolymus</i> L.		Artichoke ; Globe artichoke	۳۳۷، ۲۶۲، ۱۱۵، ۱۱۴
Compositae	<i>Cynara</i> sp.			۲۹۹، ۱۱۵
Compositae	<i>Cynara syriacus</i> Gaer.			۲۹۹، ۲۹۹
Compositae	<i>Doronicum cordatum</i> C.Koch = <i>Doronicum wulfenianum</i> Poir. = <i>Doronicum columnae</i>			۱۲۹

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	Ten.			
Compositae	Doronicum hookeri Hook.			۱۴۵
Compositae	Doronicum pardalianches L.			۳۵۲، ۱۴۵، ۱۴۵، ۱۲۹
Compositae	Doronicum roylei DC.			۱۴۵
Compositae	Doronicum scorpioides Lam. = <i>Doronicum viscosum</i> Nym. = <i>Doronicum grandiflorum</i> Lam.			۱۴۵، ۱۴۵
Compositae	Echinops sphaerocephalus		Common globe thistle	۳۴۱، ۳۳۶
Compositae	Erigeron sp.		Fleabane; Cutleaf Daisy	۱۹۳
Compositae	Eupatorium cannabinum L.	*	Hemp eupatorium	۳۴۹، ۲۳۸، ۹۴
Compositae	<i>Flores tussilaginis</i> = <i>Flores Farfarae</i> , <i>Flores Tussilaginis</i> , <i>Flos Farfarae</i> = <i>Farfarae flos</i>			۷۳
Compositae	Gnaphalium dioicum L.			۲۲۶
Compositae	<i>Gnaphalium leontopodium</i> L. = <i>Leontopodium alpinum</i> Cass.		Edelweiss; Pied de lion; Immortelle des neiges	۳۵۳، ۲۰۰، ۱۴۷
Compositae	Gnaphalium sanguineum Spr.			۳۳۹، ۱۴۷
Compositae	Gnaphalum L.		Cudweed	۳۴۴، ۲۲۶، ۳۱۶،
Compositae	Gundelia tournefortii L.	*		۱۱۵
Compositae	Helichrysum sanguineum Cost.			۱۴۷
Compositae	Helichrysum siculum (Spr.) Boiss.			۳۵۰
Compositae	Helichrysum sp.		Eveylasting	۳۵۰، ۳۱۹
Compositae	Helichrysum stoenchas DC.			۶۱
Compositae	<i>Helminthia echiodes</i> Gaertn. = <i>Helminthotheca echioides</i> (L.) Wolud		Bugloss	۳۳۱
Compositae	Inula britannica L.	*	British inula	۳۴۴
Compositae	Inula candida Cass.			۳۵۴
Compositae	Inula conyzoides DC.		Cinnamonroot inula	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۰۰، ۷۷
Compositae	Inula conyzoides L.			۱۸۳
Compositae	Inula helenium L.		Elecampane inula	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۵۴، ۱۵۳
Compositae	Inula saxatilis Lam.			۳۴۴
Compositae	Inula viscosa Ait.			۳۰۱، ۲۰۰
Compositae	Lactuca sativa L.	**	Garden lettuce	۳۳۲، ۱۳۴، ۱۳۳
Compositae	Lactuca scariola L. = <i>Lactuca serriola</i> L.	*	Prickly lettuce	۳۳۲
Compositae	Lactuca sp.		Lettuce	۱۳۳
Compositae	<i>Lappa major</i> Gaertn. = L. <i>officinalis</i> All. = <i>Arctium lappa</i> L.		Great burdock	۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵۰
Compositae	Leontodon sp.		Hawkbit	۳۰۱
Compositae	Leontodon taraxacum L.			۲۰۰
Compositae	Leontopodium de Dioscoride			۳۵۷، ۶۷
Compositae	Matricaria aurea Sch.	*		۵۸

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	<i>Matricaria chamomilla</i> L.		German comomile	۲۳۵، ۱۸۷، ۵۸
Compositae	<i>Matricaria parthenium</i> L.		Feverfew	۵۸
Compositae	<i>Micropus erectus</i> L.			۳۵۵
Compositae	<i>Onopordon acanthium</i> L.	*	Cotton thistle	۳۳۶، ۲۰۴، ۱۸۹، ۷۱، ۵۸
Compositae	<i>Onopordon arabicum</i> L.			۳۳۷، ۱۸۹
Compositae	<i>Onopordon illiricum</i> L.			۳۳۷
Compositae	<i>Picnomon acarna</i> (L.) Cass.	*	Yellow plume thiste	۷۲
Compositae	<i>Picnomon acarna</i> Coss.			۳۳۶، ۷۳
Compositae	<i>Podospermum jacquinianum</i> Koch . = <i>Scorzonera cana</i> (C.A. Meyer) O. Hoffm			۲۶۸
Compositae	<i>Prenanthes purpurea</i> L.			۳۴۱
Compositae	<i>Pulicaria crispa</i> Cass . = <i>Francoeuria undulate</i> (L.) Loc.	*		۱۰۲
Compositae	<i>Pulicaria odora</i> Reichb.			۱۸۳
Compositae	<i>Pyrethrum parthenium</i> Sm . = <i>Tanacetum parthenium</i> (L.) Sch.	*	Feverfew; Feverfew chrysanthemum	۳۴۶، ۱۸۶
Compositae	<i>Santolina maritima</i> Smith.			۳۴۴، ۲۲۶
Compositae	<i>Saussurea lappa</i> Clarke		Saussura	۲۳۹
Compositae	<i>Scolymus hispanicus</i> L . = <i>Scolymus grandiflorus</i> auct.	*	Spanis; golden thistle	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۱۴
Compositae	<i>Scorzonera elongata</i> L.			۳۴۰
Compositae	<i>Senecio coronopifolius</i> Defs . = <i>Senecio glaucus</i> L.	*		۱۰۲
Compositae	<i>Senecio vulgaris</i> L. = Common groundsel	*		۳۵۳
Compositae	<i>Serratula chamepeuce</i> L.			۲۱۸
Compositae	<i>Silybum marianum</i> Gaer.	*	Blessed milk Thistle; St.mary thistle	۳۵۵، ۲۱۳، ۱۱۵، ۷۱
Compositae	<i>Silybum syriacum</i>			۳۳۷
Compositae	<i>Sonchus arvensis</i> L.		Field sow thistle	۳۳۱
Compositae	<i>Sonchus ciliatus</i> L.			۸۴، ۵۰
Compositae	<i>Sonchus oleraceus</i> L.	*	Common sow thistle	۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۶، ۸۴، ۵۰
Compositae	<i>Tagetes erecta</i> L . = <i>Tagetes mayor</i>		Aztec marigold	۲۴۳، ۲۰۱
Compositae	<i>Tanacetum annum</i> L.			۶۱
Compositae	<i>Tanacetum umbeliferum</i> Boiss.			۸۹
Compositae	<i>Tanacetum vulgare</i> L.		Common tansy	۱۱۹
Compositae	<i>Taraxacum dens-leonis</i> DC.			۲۰۰
Compositae	<i>Taraxacum officinale</i> Will.		Common dandelion	۲۹۸، ۲۹۶، ۲۰۰، ۱۳۴
Compositae	<i>Taraxacum vulgare</i> Shramk = <i>Taraxacum vagum</i> V.S.	*		۲۰۰
Compositae	<i>Telekia speciosissima</i> DC . = <i>Bupthalmum speciosissimum</i> L.			۲۹۵
Compositae	<i>Thrinicia tuberosa</i> DC.			۳۳۲
Compositae	<i>Tragopogon orientalis</i> L.			۳۳۲، ۳۱۲
Compositae	<i>Tragopogon pratensis</i> L.		Meadow salsify	۲۶۸، ۱۵۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	Tragopogon sp.		Salsify ; Goatsbeard	۲۶۸
Compositae	Tragopogon villosus L.			۳۳۲
Compositae	Tussilago farfara L.	*	Horse-hoof; Common colt's foot	۳۳۴، ۱۷۲، ۱۱۹، ۷۳
Compositae	Tussilago vulgaris L.			۳۴۴
Compositae	Ungula caballina			۷۳
Compositae	Xanthium strumarium L.	*	Lesser burdock	۳۵۵
Convolvulaceae	Convolvulus arvensis L.	*	European glovybind	۳۴۸، ۲۶۷
Convolvulaceae	Convolvulus farinosus L.			۳۵۶
Convolvulaceae	Convolvulus hystirix Vahl.			۱۹۸
Convolvulaceae	Convolvulus scammonia L.		Scammony glorybind	۳۵۶، ۱۷۳
Convolvulaceae	Convolvulus sepium L.		Heath rush	۲۸۹
Convolvulaceae	Convolvulus sepium L.		Glorybind	۳۵۵، ۳۴۸
Convolvulaceae	Convolvulus sp.			۲۶۷
Convolvulaceae	Convolvulus syriacus			۱۷۳
Convolvulaceae	Convolvulus turpethum L.			۹۴
Convolvulaceae	Cressa cretica L.			۳۴۵، ۱۶۵، ۶۴
Convolvulaceae	Ipomea hederacea Jack.			۲۹۲، ۱۱۳
Convolvulaceae	Ipomea turpethum R.Br.			۹۳
Corallinaceae	Corallina officinalis L.			۳۵۳، ۲۰۱
Cornaceae	Cornus mas L.	*	Cornelian cherry ; Cornelian cherry	۳۲۸، ۲۳۵، ۱۶۳
Cornaceae	Cornus mascula L.			۳۲۸، ۲۷۸
Cornaceae	Cornus sanguinea L.	*	Red dog wood	۲۳۵
Cornaceae	Cornus sp.		Campion	۲۳۵
Corylaceae	Corylus avellana L.	*		۳۲۹، ۱۰۵، ۸۸
Crassulaceae	Cotyledon lusitanicus Lam.			۳۵۲، ۳۲۰، ۲۴۷
Crassulaceae	Cotyledon serrata L.			۳۵۳
Crassulaceae	Cotyledon umbilicus L.			۳۵۳، ۱۷۰، ۳۴
Crassulaceae	Sedum anopetalum DC.		Goldmoss; stonecrop goldmoss	۳۵۶
Crassulaceae	Sedum acre L.			۳۵۳، ۳۸
Crassulaceae	Sedum cepaea L.			۳۴۶، ۳۱۸، ۱۰۸
Crassulaceae	Sedum ochroleucum Vill.			۳۵۳
Crassulaceae	Sedum roseum Scop.		Rose-root stonecrop	۳۵۰
Crassulaceae	Sedum sp.		Stonecrop	۳۸
Crassulaceae	Sedum stellatum L.			۳۵۳
Crassulaceae	Sedum telephium L.		Live-forever	۲۲۳، ۳۸
Crassulaceae	Sedum telephullon L.			۳۵۳
Crassulaceae	Sempervivum arboreum L.			۳۵۳، ۶۴، ۳۸
Crassulaceae	Sempervivum sp.		Houseleek	۳۸
Crassulaceae	Sempervivum tectorum L.		Hen-and-chickens; Roof houseleek	۳۸
Cruciferae	Alliaria officinalis L. = Alliaria petiolata (M.B.) Cav.&Grand.	*	Garicmustard ; Hedge ; Garrlic	۹۸

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cruciferae	<i>Alyssum campestre</i> L. = <i>Ayssum minus</i> (L.) Rothu.	*		۹۶
Cruciferae	<i>Alyssum clypeatum</i> L.			۳۴۲
Cruciferae	<i>Alyssum saxatile</i> L.	*	Golden tuft ; Golden-tuft alyssum	۳۴۲، ۳۱۵، ۶۰
Cruciferae	<i>Alyssum</i> sp.		<i>Alyssum</i>	۶۰
Cruciferae	<i>Anastatica hierochuntica</i> L.	*	Jericho resurrection mustard	۱۹۸، ۱۸۶
Cruciferae	<i>Barbarea vulgaris</i> R.Br.		Bitter winter cress	۱۰۲
Cruciferae	<i>Brassica alba</i> L.		White mustard	۳۳۳، ۱۱۵
Cruciferae	<i>Brassica bunias</i> DC.			۳۳۰
Cruciferae	<i>Brassica campestris</i> L.	*	Bird rape	۱۹۰
Cruciferae	<i>Brassica campestris</i> L. var. <i>napus</i> Bal.			۱۹۰
Cruciferae	<i>Brassica capitata</i> Hort.			۲۵۶
Cruciferae	<i>Brassica caulorapa</i> Pasq.			۲۵۶
Cruciferae	<i>Brassica cretica</i> L.			۳۳۱
Cruciferae	<i>Brassica erucastrum</i> L.			۱۰۲
Cruciferae	<i>Brassica incana</i> L.			۳۳۱، ۲۵۶
Cruciferae	<i>Brassica napus</i> L.		Winter rape	۳۳۰، ۱۹۰
Cruciferae	<i>Brassica nigra</i> Koch.		Black mustard	۱۳۱
Cruciferae	<i>Brassica oleracea</i> L.	*	Wild cabbage	۳۳۱، ۲۵۶
Cruciferae	<i>Brassica oleracea</i> var. <i>botrytis</i>	*	Cauliflower	۲۴۵
Cruciferae	<i>Brassica rapa</i> L.		Turnip	۳۳۰
Cruciferae	<i>Brassica sinapistrum</i> Boiss.			۱۳۱
Cruciferae	<i>Bunias erucago</i> L.			۳۳۰
Cruciferae	<i>Cakile maritima</i> Sco.		GULF SEAROCKET	۲۴۳، ۲۳۲
Cruciferae	<i>Camelina sativa</i> Crant.		Big-seeded false flax	۳۵۴
Cruciferae	<i>Cardamine amara</i> L.			۲۳۶
Cruciferae	<i>Cochlearia armoracia</i> L.			۲۲۴
Cruciferae	<i>Cochlearia coronopus</i> L.			۱۱۶، ۳۶
Cruciferae	<i>Crambe maritima</i> L.		Common colewort	۲۵۶
Cruciferae	<i>Eruca sativa</i> Lam.		Rocket salad	۱۰۲
Cruciferae	<i>Eruca sativa</i> Mill.			۳۳۲
Cruciferae	<i>Erysimum barbarea</i> L.			۱۳۰
Cruciferae	<i>Erysimum cheiranthoides</i> L.		Treacle erysimum	۱۳۰
Cruciferae	<i>Erysimum officinale</i> L. = <i>Sisymbrium officinale</i> (L.) Scop.	*	Hedg mustard	۹۶
Cruciferae	<i>Erysimum repandum</i> L.	*	Spreading erysimum	۱۲۹
Cruciferae	<i>Farsetia clypeata</i> R.Br.			۶۰
Cruciferae	<i>Isatis lusitanica</i> Brot.	*		۳۳
Cruciferae	<i>Isatis</i> sp.		Woad	۲۱۱
Cruciferae	<i>Isatis titictoria</i> L.	*	Dyer's woad	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۹۲، ۲۵۱، ۲۱۱، ۱۱۳
Cruciferae	<i>Lepidium campestre</i> L.	*		۱۱۶، ۱۱۵، ۱۰۲

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cruciferae	<i>Lepidium campestris</i> R.Br.		Field pepper weed	۳۳۳، ۱۳۱
Cruciferae	<i>Lepidium draba</i> L. = <i>Cardaria draba</i> (L.)Des.		Pepper weed white top	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۴۵، ۱۱۶
Cruciferae	<i>Lepidium iberis</i> L.			۱۹۴
Cruciferae	<i>Lepidium latifolium</i> L.	*	European papperwort	۳۳۴، ۱۹۴
Cruciferae	<i>Lepidium sativum</i> L.	*	Garden-cress; Peppergrass	۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۱۹۴، ۱۱۵
Cruciferae	<i>Lepidium</i> sp.		Pepperweed; Peppergrass	۲۸۱، ۱۹۳
Cruciferae	<i>Matthiola incana</i> R.Br.		Common stock	۳۴۵، ۱۶۹، ۷۹
Cruciferae	<i>Matthiola livida</i> DC.			۲۸۵، ۱۳۸
Cruciferae	<i>Raphanus niger</i> Mill.			۲۲۴
Cruciferae	<i>Raphanus raphanistrum</i> L.	*	Wild radish	۳۳۰، ۲۲۴
Cruciferae	<i>Raphanus sativus</i> L.	**	Garden radish	۳۳۰، ۳۱۱، ۲۲۴
Cruciferae	<i>Raphanus</i> sp.		Radish	۲۲۴
Cruciferae	<i>Senebiera coronopus</i> (L.) Poir. = <i>Coronopus squamatus</i> (Forssk.) Ascherson		coronopus; Greater swinecress	۱۱۶
Cruciferae	<i>Sinapis alba</i> L.	*	White mustard	۱۳۱، ۱۱۵
Cruciferae	<i>Sinapis arvensis</i> L.	*	Charlock	۳۳۰، ۱۳۱
Cruciferae	<i>Sinapis nigra</i> L.			۱۳۱
Cruciferae	<i>Sinapis</i> sp.		Mustard	۱۳۱
Cruciferae	<i>Sisymbrium alliaria</i> Scop.			۹۹
Cruciferae	<i>Sisymbrium irio</i> L.	*	London pride	۱۲۹
Cruciferae	<i>Sisymbrium nasturtium</i> Muhl.			۳۳۱
Cruciferae	<i>Sisymbrium officinale</i> L.	*	Hedg mustard	۹۶
Cruciferae	<i>Sisymbrium officinale</i> Scop.			۳۳۳، ۱۲۹
Cruciferae	<i>Sisymbrium polyceratium</i>			۳۳۳، ۱۲۹
Cruciferae	<i>Sisymbrium sophia</i> L. = <i>Descurainia sophia</i> (L.)Sct.	*		۱۳۰
Cruciferae	<i>Sisymbrium</i> sp.		Sisymbrium	۹۶
Cruciferae	<i>Thlaspi bursa-pastoris</i> L.			۳۳۳
Cruciferae	<i>Thlaspi campestre</i> L.			۱۳۱، ۱۰۲
Cruciferae	<i>Cheiranthus cheiri</i> L.	**	Common wallflower	۲۸۵، ۱۷۰، ۱۴۰
Cruciferae	<i>Cheiranthus flava</i> L.			۳۴۴
Cruciferae	<i>Cheiranthus incanus</i> L.			۱۶۹
Cruciferae	<i>Cheiranthus</i> sp.		Wallflower	۲۸۵، ۱۴۰
Cruciferae	<i>Cheiranthus tricuspidatus</i> L.			۳۴۴
Cruiferae	<i>Nasturtium officinale</i> R.Br.			۲۸۴، ۲۳۵، ۲۲۴، ۱۱۵
Cruiferae	<i>Nasturtium officinalis</i> L.	*	Water cress	۳۳۱، ۱۱۶
Cucurbitaceae	<i>Bryonia alba</i> L.		White bryony	۲۹۷، ۲۲۲
Cucurbitaceae	<i>Bryonia dioica</i> Jacq.	*	Red-berry bryony	۲۹۷، ۲۲۲
Cucurbitaceae	<i>Bryonia</i> sp.		Bryony	۲۲۲
Cucurbitaceae	<i>Citrullus colocynthis</i> Schrad	*		۲۳۷، ۱۲۷
Cucurbitaceae	<i>Cucumis asininus</i> Willd.			۲۳۳



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cucurbitaceae	<i>Cucumis colocynthis</i> L.			۳۵۶، ۲۳۷
Cucurbitaceae	<i>Cucumis flexuosus</i> L.		Snake melon	۲۳۳
Cucurbitaceae	<i>Cucumis melo</i> L.	*	Muskmelon	۳۳۲، ۱۹۰، ۸۱
Cucurbitaceae	<i>Cucumis pepo</i> Dum.		Pumpkin	۳۳۲
Cucurbitaceae	<i>Cucumis sativus</i> L.	*	Cucumber	۳۳۲، ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۳۳، ۱۳۹
Cucurbitaceae	<i>Cucumis vulgaris</i>			۸۲، ۸۱
Cucurbitaceae	<i>Cucurbita citrullus</i> L.			۸۲
Cucurbitaceae	<i>Cucurbita lagenaria</i> L.			۳۳۲، ۲۳۷
Cucurbitaceae	<i>Cucurbita maxima</i> Duch.		Winter squash	۲۳۸
Cucurbitaceae	<i>Cucurbita pepo</i> L.	*		۲۳۷، ۱۴۲
Cucurbitaceae	<i>Cucurbita</i> sp.		Gourd ; squash	۲۳۷، ۱۴۲
Cucurbitaceae	<i>Ecballium elaterium</i> Rich.		Squirting cucumber	۲۳۴، ۱۹۴
Cucurbitaceae	<i>Elaterium agreste</i>			۲۳۴
Cucurbitaceae	<i>Elaterium officinale</i>			۲۳۴
Cucurbitaceae	<i>Lagenaria vulgaris</i> Ser.	**	Calabash gourd; Bottle gourd	۱۴۲
Cucurbitaceae	<i>Luffa aegyptiaca</i> Mill.			۲۷۳
Cucurbitaceae	<i>Luffa cylindrica</i> M.Roe.	**	Suakwa-vegetable sponge	۲۷۳
Cucurbitaceae	<i>Luffa</i> sp.		Towel ground ; Dishcloth gourd	۲۷۳
Cucurbitaceae	<i>Momordica elaterium</i> L. = <i>Ecballium elaterium</i> (L.) A. Rech		squirting cucumber, pepino de Sao Gregorio, pepino do Diabo, elaterio	۳۵۵، ۲۳۴
Cucurbitaceae	<i>Poppia fabiana</i> Koch . = <i>Luffa</i> <i>cylindrica</i> (L.) Roem.			۲۷۳
Cupressaceae	<i>Callitris quadrivalvis</i> Vent.		Arar tree	۱۷۸
Cupressaceae	<i>Callitris</i> sp.		Cypress pine	۱۷۸
Cupressaceae	<i>Chamaecyparis</i> sp.		False cypress	۱۸۷
Cupressaceae	<i>Cupressus horizontalis</i> Mill.			۳۹
Cupressaceae	<i>Cupressus sempervirens</i> L.	**	Italian cypress	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۷۰، ۳۹
Cupressaceae	<i>Cupressus</i> sp.		Cypress	۱۷۰
Cupressaceae	<i>Juniperus communis</i> L.	*	Common juniper	۳۲۵، ۲۰۸، ۳۹
Cupressaceae	<i>Juniperus oxycedrus</i> L.	*	Prickly juniper; Red berried juniper	۲۳۴، ۲۰۸
Cupressaceae	<i>Juniperus sabina</i> L.		Savin juniper	۳۲۵، ۳۹
Cupressaceae	<i>Juniperus</i> sp.		Juniper	۲۰۸
Cupressaceae	<i>Juniperus vulgaris</i>			۲۰۸
Cupressaceae	<i>Thuja articulata</i> Vahl.		Oriental arborvitae; Chinese arborvitae	۱۷۹
Cupressaceae	<i>Thuja orientalis</i> L.			۲۱۲
Cuscutaceae	<i>Cuscuta epithymum</i> Mur.		Common dodder	۳۵۶، ۲۵۸، ۱۲۳، ۵۶، ۵۵
Cuscutaceae	<i>Cuscuta europaea</i> L.	*	Greater dodder	۳۳۲، ۲۵۸، ۵۵
Cuscutaceae	<i>Cuscuta hyalina</i> Roth.			۲۵۸
Cuscutaceae	<i>Cuscuta monogyna</i> Vahl.	*		۲۵۸
Cuscutaceae	<i>Cuscuta planifolia</i> Ten.	*		۲۵۸
Cuscutaceae	<i>Cuscuta</i> sp.			۲۶۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cynipidae	Cynips gallaeturciae Hart.		Gall wasps	۲۱۲
Cynomoriaceae	Cynomorium coccineum L.			۲۰۱
Cyperaceae	Cyperus esculentus L.		Chufa flat sedge ; chufa ; Earth almond	۱۶۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۴۹
Cyperaceae	Cyperus longus L.	*	Galingale flat sedge ; Long cyperus	۱۷۲، ۳۲۴، ۳۰۹
Cyperaceae	Cyperus papyrus L.		Payrus	۷۵
Cyperaceae	Cyperus papyrus Trin.			۳۲۲، ۳۰۹
Cyperaceae	Cyperus rotundus L.	*	Nut grass flat sedge	۱۷۲
Cyperaceae	Cyperus sp.		Flat sedge cyperus grass	۱۷۲
Cyperaceae	<i>Papyrus antiquorum</i> Willd. = <b>Cyperus Papyrus</b>		Papyrus	۳۲۲، ۷۵
Cyperaceae	Papyrus domesticus Poir.			۷۶
Cyperaceae	Schaenus sp.		Bog rush	۲۱۷
Dioscoraceae	Tamus communis L.			۳۵۷، ۳۵۶، ۲۲۲
Dioscoraceae	Tamus dioica	*	Adder's meat	۲۲۲
Dioscoraceae	Tamus sp.		Black bryony	۲۹۷، ۲۲۲
Dipsacaceae	Dipsacus fullonum L.		Wild teasel	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۵۰
Dipsacaceae	<i>Dipsacus sylvestris</i> Mill. = <b>Dipsacus fullonum ssp. sylvestris</b>		Teasel, Common or Wild	۳۳۶
Dipsacaceae	<i>Trichera arvensis</i> Schrad. = <i>Knautia arvensis</i> (L.) Coulter = <i>Scabiosa arvensis</i> L.		Status(es) (compiled from below "Data sources"): Weed	۱۷۱
Dipsacaceae	<i>Cephalaria pilosa</i> Schr. = <b>Dipsacus pilosus</b> L.	*		۲۱۰
Dryopteridaceae	Athyrium filix-mas L.			۱۷۱
Ebenaceae	Diospyros ebenum Kon.		Ebony persimmon	۳۳
Ebenaceae	Diospyros melanoxylon Roub.			۳۲۷
Elaeagnaceae	Elaeagnus angustifolius L.	*	Russian olive	۲۱۹، ۱۶۳
Elaeagnaceae	Elaeagnus hortensis Boiss.			۲۱۹
Elaeagnaceae	Elaeagnus sp.		Eleagnus	۱۶۳
Elaeagnaceae	Hippophae rhamnoides L.	*	Common sea buckthorn	۳۵۶، ۳۹
Ephedraceae	Ephedra distachya Bort.	*	Joint-fir ephedra ; sea grape	۳۵۰، ۳۲۹، ۲۰۱
Ephedraceae	Ephedra vulgaris Rich.			۲۹۹
Equisetaceae	Equisetum arvense L.	*	Field horsetail	۳۵۰، ۲۶۲، ۲۱۱، ۱۵۱، ۵۰
Equisetaceae	Equisetum fluviatile L.			۳۵۰
Equisetaceae	Equisetum hyemale L.		Scouring rush	۲۶۲، ۱۵۱
Equisetaceae	<i>Equisetum limosum</i> L. = <b>Equisetum fluatile</b> L.	*	Swamphorse tail	۳۵۰
Equisetaceae	Equisetum pallidum L.			۳۴۷، ۲۱۰
Equisetaceae	Equisetum ramosissimum Desf.	*		۲۴۶، ۵۰
Equisetaceae	Equisetum sylvaticum L.			۳۵۰
Ericaceae	Erica arborea L.			۳۲۶، ۳۰۹، ۱۳۷، ۴۶
Ericaceae	Erica cinerea L.		Twisted heath	۱۳۷

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Ericaceae	Erica sp.		Heath	۱۳۷
Ericaceae	Arbutus andrachne			۳۲۸
Ericaceae	Arbutus sp.			۲۴۲، ۲۳۱
Ericaceae	Arbutus unedo L.	*	Strawberry saxifrage ; Aron's-beard	۳۲۸، ۲۴۲، ۲۳۱، ۲۱۱، ۱۰۶
Ericaceae	Arctostaphylos uva-ursi Spreng.		Bearberry	۲۱۵
Euphorbiaceae	Croton tiglium L.		Purging coroton	۲۷۷، ۱۴۷، ۱۱۳
Euphorbiaceae	Croton tinctorium L.			۹۵
Euphorbiaceae	<i>Croton tinctorium</i> L. = <i>Chrozophora tinctoria</i> (L.) A. Juss.		Croton; Maurelle(F)	۳۵۷
Euphorbiaceae	Embellica officinalis Ga.		Embelic myrobalan Indian gooseberry	۶۳
Euphorbiaceae	Euphorbia aculeata Forsk.			۲۵۳
Euphorbiaceae	Euphorbia aleppica L.	*		۳۵۶
Euphorbiaceae	Euphorbia apios L.			۳۵۶، ۵۷
Euphorbiaceae	Euphorbia chamaesyce L.			۱۲۷
Euphorbiaceae	Euphorbia characias L.			۳۵۶
Euphorbiaceae	Euphorbia curcas			۱۰۸
Euphorbiaceae	Euphorbia dendroides L.			۳۵۶، ۱۲۱
Euphorbiaceae	<i>Euphorbia esula</i> L. = <i>Euphorbia boissieriana</i> (Woron.)prokh.	*	Leafy euphorbia	۲۶۵
Euphorbiaceae	Euphorbia falcata L.	*	Sickle-grass	۳۵۶
Euphorbiaceae	Euphorbia helioscopia L.	*	Sun euphorbia	۳۵۶، ۳۰۰، ۲۲۵
Euphorbiaceae	Euphorbia lathyris L.		Caper euphorbia	۳۵۶، ۲۷۷، ۲۲۴
Euphorbiaceae	Euphorbia myrsinites	*		۳۵۶، ۳۰۰
Euphorbiaceae	Euphorbia officinarum L.			۲۲۵
Euphorbiaceae	Euphorbia paralias L.		Sea staff-sea wand	۳۵۶، ۳۰۰
Euphorbiaceae	Euphorbia pilosa L.			۳۵۶
Euphorbiaceae	Euphorbia pilulifera L.			۶۵
Euphorbiaceae	Euphorbia pithyusa L.			۲۲۵، ۱۸۴
Euphorbiaceae	Euphorbia pythuse Friw.			۱۷۵
Euphorbiaceae	Euphorbia resinifera Berg.			۲۲۵
Euphorbiaceae	Euphorbia sibthorpii Boiss.			۳۰۰
Euphorbiaceae	Euphorbia sp.		Ebebright	۲۴۲، ۳۱۵، ۳۰۰، ۲۲۴، ۵۵
Euphorbiaceae	Euphorbia spinosa L.	*		۳۵۷، ۳۹
Euphorbiaceae	Euphorbia triaculeata For.			۲۶۵
Euphorbiaceae	Hippomane manchinella L.		manchineel	۱۹۴
Euphorbiaceae	Jatropha curcas L.		Barbados nut ; physic nut	۱۰۸
Euphorbiaceae	Jatropha gossipifolia L.			۲۲۷
Euphorbiaceae	Mallotus philippinensis Mull.		Red kamala	۲۹۵، ۲۴۴
Euphorbiaceae	Mallotus sp.			۲۴۴
Euphorbiaceae	Mercurialis annua L.	*	Herb mercury	۳۵۷، ۲۴۴، ۱۲۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Euphorbiaceae	<i>Mercurialis</i> sp.			۱۲۱
Euphorbiaceae	<i>Phyllanthus emblica</i> L. = <i>Emblia officinalis</i>		Emblia leaf flower	۶۳
Euphorbiaceae	<i>Ricinus communis</i> L.	*	Castor bean	۳۵۶، ۲۰۳، ۱۳۳
Euphorbiaceae	<i>Rottlera tinctoria</i> Roxb. = <i>Croton philippensis</i> Lam. <i>Mallotus reticulatus</i> Dunn = <i>Mallotus philippensis</i> (Lam.) Muell. Arg.		Common madder; kemala tree	۲۹۵، ۲۴۴
Euphorbiaceae	<i>Tithymalus cotinifolius</i> Haw. = <i>Euphorbia cotinifolia</i> L.		Red spurge	۱۸۴
Fagaceae	<i>Castanea sativa</i> Mill.		European chestnut ; Spanish chestnut	۸۷
Fagaceae	<i>Castanea vesca</i> Gaertn.			۸۷
Fagaceae	<i>Castanea vulgaris</i> Lam.			۸۷
Fagaceae	<i>Quercus aegilops</i> L.		Valonia oak	۳۲۷
Fagaceae	<i>Quercus aesculus</i> Boiss.	*		۳۲۷
Fagaceae	<i>Quercus coccifera</i> L.		Kermes oak	۳۵۰، ۳۲۷، ۸۶
Fagaceae	<i>Quercus ilex</i> L.		Holly oak	۳۵۲، ۲۱۲، ۸۶
Fagaceae	<i>Quercus infectipria</i> Olivier	*	Aleppo oak	۲۱۲
Fagaceae	<i>Quercus lusitanica</i> Lam.			۳۲۷، ۲۱۲
Fagaceae	<i>Quercus lutanica</i> var. <i>tauricola</i>			۲۱۲
Fagaceae	<i>Quercus persica</i> Jaub. & Sp. = <i>Quercus brantii</i> Lindl.	*	Oak ; Manna tree	۸۶
Fagaceae	<i>Quercus robur</i> L.	*		۸۶
Fagaceae	<i>Quercus</i> sp.		Oak	۲۱۲، ۱۷۹
Flacourtiaceae	<i>Flacourita cataphracta</i> Willd.		Paniala; coffee plum; paniala; puneala; Chinese plum	۱۹۹، ۱۶۱
Fucacea	<i>Fucus</i> sp.		Rock weed-sea oak	۱۹۸
Fumariaceae	<i>Corydalis claviculata</i> (L.) DC.			۳۵۷
Fumariaceae	<i>Fumaria officinalis</i> L.			۱۸۳
Fumariaceae	<i>Fumaria parviflora</i> Lam.			۱۸۳
Fumariaceae	<i>Fumaria</i> sp.		Fumitory	۱۸۳
Gentianaceae	<i>Erythraea centaurium</i> Pers. = <i>Centaurium erythraea</i> = <i>Centaurium umbellatum</i>		Drug cenaurium	۳۳۶، ۲۴۶
Gentianaceae	<i>Gentiana lutea</i> L.			۳۳۵، ۳۱۳، ۱۰۶
Gentianaceae	<i>Swertia chirata</i> Ham.			۲۴۱
Gramineae	<i>Panicum dactylon</i> L.			۹۹
Gramineae	<i>Panicum italicum</i> L.			۱۴۳
Gramineae	<i>Panicum milliaceum</i> L.	*	Proso-broomcorn; millet	۳۲۹، ۱۴۳، ۱۰۰
Geraniaceae	<i>Erodium malachoides</i> Willd.			۳۴۴
Geraniaceae	<i>Geranium arabicum</i> Forsk.			۲۲۱
Geraniaceae	<i>Geranium columbinum</i> L.		Long-stalked geranium	۳۷
Geraniaceae	<i>Geranium rotundifolium</i> L.		Round-leaved	۳۴۴، ۳۱۶

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			fluellen; Cancerwort	
Geraniaceae	Geranium sp.		Geranium ; Crowfoot	۲۱۸، ۳۷
Geraniaceae	Geranium tuberosum L.	*	Tuberous-rooted crane's bill	۳۴۴
Gesneriaceae	Conandron sp.		Iwa-tabako	۲۴۳
Gesneriaceae	Gloxinia sp.		Gloxinia	۲۲۱
Globulariaceae	Globularia sp.		Globe daisy	۲۱۸
Graminae	Digitaria stolonifera Schrad.			۹۹
Graminae	Oryza sativa L.	*	Rice	۳۲۹، ۳۱۱، ۴۴
Graminae	Sqtaria italica Beauv		millet, foxtail; Italian millet	۱۴۳
Graminae	Triticum dicoccum Schr.		Emmer; Dinkel wheat	۲۶۳، ۲۱۳
Graminae	Triticum monococcum L.		Einkorn; One- grained wheat	۳۲۹، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۱۳
Graminae	Triticum ovatum L.			۱۴۷
Graminae	Triticum repens L.			۹۹
Graminae	Triticum spelta L.		Splet	۲۶۴، ۱۷۴، ۱۳۹،
Graminae	Triticum vulgare Vill.		Wheat	۱۲۶
Graminae	Triticum zea Host.			۲۶۴
Gramineae	Aegilops ovata L.	*		۳۵۰، ۱۴۷
Gramineae	Aeluropus littoralis Ga.	*		۲۱۲
Gramineae	Agropyrum repens Beauv.	*	Couch-grass ;Quakgrass	۳۴۹، ۲۱۲، ۹۹
Gramineae	Andropogon lanigera Desf.			۴۳
Gramineae	Andropogon nardus L.			۱۱۷
Gramineae	Andropogon schoenanthus L.			۳۲۴، ۳۰۹، ۴۳
Gramineae	<i>Andropogon sorghum</i> Brot. = <i>Sorghum vulgare</i> Pers.	*	Sorghum	۳۲۹، ۱۵۰، ۱۴۳
Gramineae	Andropogona martini Roxb.			۲۴۱
Gramineae	Apera spica-venti L.		Wind bent grass ; Wind grass ; Corn grass	۲۹۶
Gramineae	Arundinaria sp.	*		۲۱۳
Gramineae	Arundo bambos L.			۱۹۹
Gramineae	Arundo donax L.	*	Giant reed	۳۲۶، ۲۴۰
Gramineae	Arundo phragmites L.			۲۴۰
Gramineae	Avena elatior L.			۱۴۷
Gramineae	Avena fatua L.	*	Wild oat	۳۵۰، ۲۳۷، ۹۱
Gramineae	Avena sativa L.	*	Common oat	۳۵۰، ۲۹۶، ۲۳۷، ۱۷۴
Gramineae	Avena sp.		Oat	۱۳۱
Gramineae	<i>Bambusa arundinacea</i> Willd. = <i>Arundo bambos</i> L. = <i>Bambusa bambos</i> (L.) Voss		Reed bamboo, Spiny bamboo , Thorny bamboo, Indian bamboo.	۲۰۰، ۱۴۰
Gramineae	Bambusa sp.		Bamboo	۱۴۰
Gramineae	Cenchrus frutescens Sieber			۳۲۶
Gramineae	Cymbopogon schoenanthus		Halfa bar	۳۲۴، ۴۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	Spreng.			
Gramineae	Cynodon dactylon Pers.			۳۳۶، ۲۰۰، ۹۹
Gramineae	Cynosurus egyptiaca L.		Hedgehog dog's-tail	۳۴۹
Gramineae	Dactylis repens L.			۳۴۹
Gramineae	<i>Dactylon officinale Villars . = Cynodon dactylon (L.) Persoon</i>		bermuda-grass	۹۹
Gramineae	Danthonia sp.		Danthonia	۱۲۷
Gramineae	Eleusine coracana Gaer.		Ragi millet ; raggee ; tocusso	۲۶۳
Gramineae	Erianthus ravennas Beauv.		Sacchrum ravennae	۳۲۶
Gramineae	Festuca altissima Boiss.	*		۲۱۲
Gramineae	Festuca sp.		Fescue	۲۱۲
Gramineae	Holcus dochna Forscal			۱۴۳
Gramineae	Holcus sorghum L.		Sudan grass	۱۵۰، ۱۰۰
Gramineae	Hordeum morinum L.	*	Mouse barley	۳۵۰
Gramineae	Hordeum sp.		Barley	۳۲۹، ۱۸۷
Gramineae	Hordeum vulgare L.		Berley	۱۸۸، ۱۸۷
Gramineae	Leptochloa bipinnata (L.) Hochst.			۱۲۲، ۱۲۲
Gramineae	Lolium perenne L.	*	Perennial rye grass	۹۱
Gramineae	Lolium sp.		Rye grass	۱۶۴
Gramineae	Lolium temulentum L.	*	Darnel rye grass	۳۲۹، ۱۹۴، ۱۶۴
Gramineae	Lophotenia aurea L.			۱۸۲
Gramineae	Milium indicum			۱۰۰
Gramineae	Milium nigricans Ruis.			۲۰۴
Gramineae	Nardus indica L.			۱۷۸
Gramineae	Pennisetum sp.		Pennisetum	۹۷
Gramineae	Phalaris canariensis Nutt.	**	Canary grass	۳۴۶
Gramineae	Phalaris tuberosa L.			۳۴۶، ۳۱۷، ۲۲۳
Gramineae	Phragmites communis Trin		Common reed	۳۲۶، ۲۴۰
Gramineae	Poa cynosuroides Retz.			۱۲۲
Gramineae	Poa multiflora Forsk.			۱۲۲
Gramineae	Saccharum officinarum L.	**	Sugar cane	۲۴۱، ۱۷۳
Gramineae	Secale cereale L.	*	Rye; Rie	۱۹۴
Gramineae	Secale corutom			۱۴۷
Gramineae	Setaria italicum Beauv.	*	Foxtail barley; Squirrel; Tail grass	۳۲۹
Gramineae	Sorghum vulgare L.	**	Sorghum; Broom corn	۱۵۰، ۱۴۳
Gramineae	Stipa sp.		Needlegrass; Feather grass	۱۲۲
Gramineae	Triticum romanum L.			۳۲۹، ۱۳۹
Gramineae	Zea mays L.	*	Maize; Indian corn	۱۵۰، ۱۰۰
Guttiferae	Garicina mangostana L.		Mangosteen	۱۰۷
Guttiferae	Mesua ferrea L.		Iron wood	۲۸۸
Haloragaceae	Myriophyllum sp.		Water milfoil parrot feather	۲۸۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Haloragaceae	Myriophyllum spicatum L.	*	Spiked milfoil	۳۵۶، ۳۲۰، ۱۱۷
Hamameliaceae	Liquidambar orientalis L.	*	Sweet gum	۲۸۹
Hamameliaceae	Liquidambar orientalis Mill.			۵۳
Hamameliaceae	Liquidambar sp.			۲۶۷
Heliconiaceae	Heliconia sp.		Heliopsis	۲۹۵
Helvellaceae	Helvella phalloides			۲۲۱
Hemionitidaceae	Hemionitis L.			۳۴۵، ۳۱۷
Hippocastanaceae	Aesculus hippocastanum L.		Common horse chestnut	۸۷
Hippuridaceae	Hippuris vulgaris	*	Mare's-tail	۳۴۷
Hydrocharitaceae	Stratiotes aloides L.		Water-soldier	۳۵۳، ۱۷۱
Hypericaceae	Hypericum barbatum L.			۳۴۷، ۳۱۸، ۲۹۸
Hypericaceae	Hypericum ciliatum L.			۳۴۷، ۲۹۸، ۶۸
Hypericaceae	Hypericum coris L.			۳۴۷، ۲۹۸
Hypericaceae	Hypericum hircinum L.	*		۳۵۰، ۲۸۲، ۲۰۱، ۱۸۶
Hypericaceae	Hypericum perforatum L.	*	John's wort	۳۴۷، ۳۰۱، ۱۴۱
Hypericaceae	Hypericum procumbens L.			۳۵۱
Hypericaceae	Hypericum quadrangulum L.		Square-stalked s.t-john's-wort.	۵۶
Hypericaceae	Hypericum sp.		St. -john's-wort	۳۰۱، ۱۴۱
Illecebraceae	<i>Illecebrum paronychia</i> L. = <i>Paronychia verticillata</i> Lam.		coral necklace	۳۵۰
Illiciaceae	Illicium anisatum L.		anise tree	۷۲
Illiciaceae	Illicium verum Hooker fil		star anise	۷۲
Iridaceae	Crocus sativus L.	*	Saffron crocus	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۶۳
Iridaceae	Crocus sp.		Crocus	۱۶۳
Iridaceae	Gladiolus communis L.	**	Common ginger	۳۴۸، ۲۵۵، ۱۸۱، ۱۴۶، ۴۵
Iridaceae	Gladiolus segetum Ke.	*	Corn flag gladiolus	۴۵
Iridaceae	Gladiolus sp.		Gladiolus ;Corn flag	۱۴۶
Iridaceae	Hermodactylus tuberosis Salisb.		Snake's-head iris	۲۷۰
Iridaceae	Iris ensata Thund.	**		۷۰
Iridaceae	Iris florentina L.		Florentine iris	۳۲۴، ۳۰۹، ۱۸۱، ۷۰
Iridaceae	Iris foeditissima L.	*		۳۴۸
Iridaceae	Iris germanica L.	*	German iris	۱۶۴، ۷۰
Iridaceae	Iris nobilis Pall.			۷۹
Iridaceae	Iris pseudacorus L.	*	Yellow flag iris	۳۲۴، ۲۹۳
Iridaceae	Iris sp.		Iris	۱۸۱، ۶۷
Juglandaceae	Carya sp.		Hickory	۲۳۲
Juglandaceae	Juglans regia L.	*	Persian walnut; Royal walnut tree	۳۲۹، ۱۰۷
Juncaceae	Juncus acutus L.	*		۳۵۰، ۱۷۵، ۵۰
Juncaceae	Juncus arabicus Post.			۳۵۰، ۲۲۰، ۱۷۵، ۵۰
Juncaceae	Juncus maritimus Lam.	*	Sea rush	۱۷۵
Juncaceae	Juncus soinosus For.			۱۷۵
Juncaceae	Juncus sp.		Rush	۱۷۵، ۵۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Labiatae	Ajuga chamaepitys L.		Ground pine	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۶۱، ۲۰۷
Labiatae	Ajuga chamaepitys Sch.			۲۶۱
Labiatae	Ajuga iva L.			۲۶۱، ۱۰۴
Labiatae	Ajuga sp.		Bugle	۲۰۷
Labiatae	<i>Amaracus dictamnus</i> Ben. = <i>Origanum dictamnus</i> L.		Cretan Dittany	۲۸۱
Labiatae	Calamintha acinos Man.		Spring savory	۲۲۵
Labiatae	Calamintha graveolens Benh.			۲۲۵
Labiatae	Calamintha incana Boiss. & Held.			۱۵۳
Labiatae	Clinopodium montanum (L.) Kuntz.			۲۳۸
Labiatae	Clinopodium vulgare L.	*	Wild basil savory	۳۴۲، ۳۱۵
Labiatae	Collinsonia canadensis L.		Stone Root, Horseweed, Richweed, Richleaf, Knob-Root, Knobweed, Horsebalm	۸۲
Labiatae	Dracocephalum kotschy Boiss.	*		۸۴
Labiatae	Dracocephalum moldavica L.	*	Moldvian dragon head	۷۱
Labiatae	Horminum pyrenaicum L.			۴۵
Labiatae	Lallemantia iberica F.&M..	*		۷۳
Labiatae	Lallemantia royleana Benth.	*		۷۳
Labiatae	Lamium album L.	*	White durra	۲۱۹، ۱۱۵
Labiatae	Lamium maculatum L.	*	Spotted dead nettle	۳۴۳، ۲۷۴، ۱۳۳
Labiatae	Lamium purpureum L.	*	Purple dead nettle	۳۵۳
Labiatae	Lamium striatum Sibth.	**		۳۴۳
Labiatae	Lavandula dentata L.		Fringed Lavender, French Lavender	۴۷
Labiatae	Lavandula sp.		Lavender	۱۳۳
Labiatae	Lavandula spica Cav.			۱۳۳
Labiatae	Lavandula stoechas L.	**	French Lavendar	۳۳۷، ۳۱۳، ۴۷
Labiatae	Lavandula vera DC.	*	True lavender	۱۳۳
Labiatae	Majorana hortensis Moench.		Sweet marjoram	۲۷۸
Labiatae	Majorana sp.		Marjoram	۲۷۸
Labiatae	Marrubium pseudodictamnus L.			۳۳۸
Labiatae	Marrubium sp.		Hoarhound	۲۳۰، ۲۲۴
Labiatae	Marrubium vulgare L.	*	Common horehound	۳۴۳، ۲۲۴
Labiatae	<i>Melissa calamintha</i> L. = <i>Calamintha officinalis</i> Moench		Calamint savory	۱۲۶
Labiatae	Melissa clinopodium Benth.			۳۴۲
Labiatae	Melissa officinalis L.	*	Common balm	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۵، ۷۱
Labiatae	Mentha aquatica L.	*	Water mint	۳۳۸، ۲۹۱، ۲۸۲، ۲۲۹، ۱۹۸
Labiatae	Mentha arvensis L.	*	Field mint	۳۴۲
Labiatae	Mentha officinalis Hull.			۲۲۹



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Labiatae	<i>Mentha piperita</i> Smith.	*	Peppermint	۳۳۸، ۲۹۱، ۲۲۹
Labiatae	<i>Mentha pulegium</i> L.	*	Pennyroyal	۳۳۸، ۲۲۹، ۲۲۱، ۱۹۶، ۱۰۰، ۸۳
Labiatae	<i>Mentha pulegium</i> var. <i>erecta</i>			۳۳۸
Labiatae	<i>Mentha sativa</i> L.			۳۳۸، ۲۹۱
Labiatae	<i>Mentha</i> sp.		Mint	۲۹۱
Labiatae	<i>Mentha sylvestris</i> L.			۳۳۸، ۲۲۹، ۲۰۰
Labiatae	<i>Micromeria juliana</i> Benth.			۳۳۹
Labiatae	<i>Moschosma</i> sp.			۱۹۸
Labiatae	<i>Nepeta micrantha</i> Bu.			۱۶۰
Labiatae	<i>Nepeta mispahanica</i> Bo.			۱۶۰
Labiatae	<i>Ocimum album</i> L.			۷۱
Labiatae	<i>Ocimum basilicum</i> L.	*	Sweet basil; hoary basil	۳۱۱، ۲۲۰، ۱۸۴، ۱۶۰، ۱۲۲، ۷۱ ۳۳۲
Labiatae	<i>Ocimum filamentosum</i> Forsk.			۱۶۰، ۱۰۰
Labiatae	<i>Ocimum gratissimum</i> L.			۱۶۰، ۱۰۰
Labiatae	<i>Ocimum minimum</i> L.			۱۹۸، ۱۸۴
Labiatae	<i>Ocimum pilosum</i> Willd.			۳۳۹، ۲۲۰، ۱۸۴، ۱۲۲
Labiatae	<i>Origanum aegyptiacum</i> L.			۱۶۰
Labiatae	<i>Origanum amaracus</i> Gled.			۲۷۹، ۲۷۸
Labiatae	<i>Origanum creticum</i> L.			۲۸۱
Labiatae	<i>Origanum dictamnus</i> L.			۳۳۸، ۳۱۴، ۲۸۱، ۲۳۰
Labiatae	<i>Origanum hirtum</i> L.			۲۸۱
Labiatae	<i>Origanum lirium</i>			۳۳۷
Labiatae	<i>Origanum majorana</i> L.		Sweet majoran	۳۳۹، ۲۷۸
Labiatae	<i>Origanum maru</i> L.			۲۷۹، ۲۲۱
Labiatae	<i>Origanum marum</i> L.			۳۳۹
Labiatae	<i>Origanum onitis</i> L.			۳۳۸
Labiatae	<i>Origanum sipyleum</i> L.			۳۳۷
Labiatae	<i>Origanum</i> sp.		Origanum	۳۳۸، ۳۱۳، ۱۹۶، ۱۹۰
Labiatae	<i>Origanum vulgare</i> L.	*	Common origanum; Wild marjoram	۳۳۸، ۲۳۰، ۱۹۶
Labiatae	<i>Origanum vulgare</i> var. <i>megastachyum</i>			۳۳۸
Labiatae	<i>Rosmarinus officinalis</i> L.	**	Rosemary	۶۰
Labiatae	<i>Salvia aethiopis</i> L.		Ethiopian sage-woolly clay	۳۰۴
Labiatae	<i>Salvia cyanescens</i> Boiss.			۳۳۸
Labiatae	<i>Salvia horminum</i> L. = <i>Salvia viridis</i> L.	*		۳۴۰، ۳۱۷، ۴۰
Labiatae	<i>Salvia officinalis</i> L.	**	Garden sage	۳۳۸، ۲۶۸، ۱۰۶، ۶۰، ۴۸
Labiatae	<i>Satureia hortensis</i> L.		Summer savory	۳۳۹، ۱۹۰
Labiatae	<i>Satureia thymbra</i> L.			۱۹۰
Labiatae	<i>Sideritis remota</i> Urv.		Ironwort	۳۴۹
Labiatae	<i>Stachys betonica</i> Benth.			۳۴۷، ۲۳۹
Labiatae	<i>Stachys germanica</i> L.		Mouse-earetony	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۹۰، ۱۷۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Labiatae	Stachys hirta L.			۱۷۱
Labiatae	Stachys lavandulaefolia Vahl.			۲۷۸
Labiatae	Stachys palaestina L.			۳۴۳
Labiatae	Stachys recta L.			۳۴۹، ۱۸۰
Labiatae	Stachys sp.		Betony-woundwort	۲۹۵، ۱۷۱
Labiatae	Teucrium chamaedrys L.		Chamaedoreas germander	۳۴۳، ۳۱۵، ۲۶۰، ۱۸۷
Labiatae	Teucrium flavum L.		Cat thyme	۳۴۲، ۳۱۵
Labiatae	Teucrium marum L.			۲۸۰، ۲۷۵
Labiatae	Teucrium polium L.			۳۴۳، ۳۱۶، ۱۰۴
Labiatae	Teucrium sapinum L.			۲۶۱
Labiatae	Teucrium scordium L.		Water germander	۳۴۳، ۳۱۶، ۹۸، ۴۹
Labiatae	Teucrium sp.		Germander	۲۰۴
Labiatae	Thymbra spicata Stric. & Hort.	*	spiked thymbra	۳۳۷
Labiatae	Thymus barrelieri Spreng.			۳۱۴، ۲۲۹
Labiatae	Thymus calamintha Scop.			۳۳۸، ۳۱۴، ۲۲۹
Labiatae	Thymus capitatus L.			۳۳۸، ۳۱۴
Labiatae	Thymus capitatus Lk. & Hoffm.			۹۹، ۱۱۰
Labiatae	Thymus glaber Mill.			۳۳۹، ۲۹۱، ۱۸۲
Labiatae	Thymus graveolens Bieb.			۳۳۸
Labiatae	Thymus kotchyanus Boiss.			۱۹۶
Labiatae	Thymus nepeta Sm.			۳۱۴، ۲۲۹
Labiatae	Thymus nummularius Benth.			۱۸۲
Labiatae	Thymus serpyllum Frie.		Mother-of- thyme	۱۸۲
Labiatae	Thymus serpyllum L.		Serpolet; Wild Thyme	۲۹۱، ۱۹۵
Labiatae	Thymus sibthorpii Benth.			۳۳۹
Labiatae	Thymus vulgaris L.		Common thyme	۳۳۹، ۱۹۶، ۱۱۰
Labiatae	Zizyphora capitata L.	**		۳۴۲
Labiatae	Ballota nigra L.	*	Black ballota ; Blak horehound	۳۴۳، ۳۱۶، ۱۷۹، ۱۸۷، ۲۲۴
Labiatae	Ballota pseudodictamnus Benth.		Ballota	۳۳۸
Labiatae	Betonica alopecuroides L.			۳۴۷
Labiatae	Betonica officinalis L.		Common betony	۲۳۹
Labiatae	Hyssopus officinalis L.	*	Hyssop	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۶۵
Lauraceae	Cinnamomum camphora Nees.		Camphor tree	۲۴۸
Lauraceae	Cinnamomum cassia Boiss.		Cassia bark tree ; Chinese cinnamon	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۳۹، ۱۷۵، ۱۴۱
Lauraceae	Cinnamomum citriadorum Th.			۳۲۴، ۱۶۷
Lauraceae	Cinnamomum iners Reinw.			۳۲۴، ۱۷۵
Lauraceae	Cinnamomum malabathrum Burm.			۱۶۷
Lauraceae	Cinnamomum obtusifolium Nees.			۱۷۵
Lauraceae	Cinnamomum tamala Nees.			۱۶۷

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Lauraceae	Cinnamomum zeilanicum Nees.	**	Ceylon cinnamon	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹، ۲۳۸، ۱۴۱
Lauraceae	Cinnamomum sp.		Cinnamon	۱۴۱
Lauraceae	Laurus camphora L.			۲۴۸، ۱۱۰
Lauraceae	Laurus nobilis L.	**	Grecian laurel; True bay	۳۲۵، ۲۱۸، ۱۵۹، ۱۴۹، ۱۴۸
Lemnaceae	Lemna minor L.	*	Common duckweed	۳۵۳، ۲۰۱
Lemnaceae	Lemna sp.		Duckweed	۳۵۳، ۲۰۷
Lichen	Lichen			۵۲
Lichen	<i>Orseille tinctoria</i> = <i>Roccella tinctoria</i> DC.		Dyer's Weed ; Orchella Weed ; Lichen Roccella	۱۶۸
Liliaceae	Allium ampeloprasum L.	*	Great round ; Headed garlic	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۳، ۲۵۲
Liliaceae	Allium ascalonicum L.	*	Shallot	۳۳۳، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۴۳
Liliaceae	Allium carinatum L.		Keeled onion	۹۸
Liliaceae	Allium cepa L.	*	Garden onion	۳۳۳، ۲۵۳، ۸۱
Liliaceae	Allium descendens L.			۳۳۳
Liliaceae	Allium dioscoridis Sibth.			۳۳۹
Liliaceae	Allium magicium L.			۸۶
Liliaceae	Allium moly L.	**	Lily leek	۳۳۹، ۳۱۴، ۸۶
Liliaceae	Allium porrum L.		Leek	۳۳۳، ۲۵۲
Liliaceae	Allium roseum L.			۲۵۳
Liliaceae	Allium sativum L.	*	Garlic	۳۳۳، ۹۸
Liliaceae	Allium scorodoprasum L.			۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۲، ۹۹، ۹۸
Liliaceae	Allium silvestrum			۱۸۹، ۹۹، ۹۸
Liliaceae	Allium subhirsutum L.			۳۳۳
Liliaceae	Allium ursinum L.		Ramsons ; Bear's-garlic	۲۵۲
Liliaceae	Allium vineale L.		Field garlic	۲۵۲
Liliaceae	Allium xiphopetalum Ait.	*		۱۸۹، ۹۹، ۹۸
Liliaceae	Aloe aloexylon			۶۱
Liliaceae	Aloe scotrina		Socotrine aloe	۶۱
Liliaceae	Aloe vera L.	*	True aloe	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۹۵، ۶۱
Liliaceae	Aloe vulgaris Lam.		Mediterranean aloe	۳۳۷
Liliaceae	Asphodelus damascenus Boiss.			۵۱
Liliaceae	Asphodelus microcarpus (L.) Swartz			۱۳۸
Liliaceae	Asphodelus ramosus L.			۳۳۴، ۱۳۸
Liliaceae	Asphodelus sp.			۱۳۸
Liliaceae	Bulbocodium vernum L.		Vernal Bulbocodium, Medowe Saffron	۱۶۲
Liliaceae	Convallaria polygonatum L.			۲۴۸
Liliaceae	Convallaria rusticellata L.			۳۵۳
Liliaceae	Corchorus olitorius L.	*		۲۸۴
Liliaceae	Fritillaria imperialis L.			۵۹
Liliaceae	Hemerocallis flava L.		Lemon daylily	۳۴۴، ۳۱۶، ۱۸۱، ۱۶۴

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Liliaceae	Hyacinthus comosus			۳۳۴
Liliaceae	Hyacinthus orientalis	**	Common hyacinth	۳۵۱، ۳۱۹
Liliaceae	Lilium candidum L.		Madonna lily	۳۴۳، ۱۸۱
Liliaceae	Lilium chalconicum L.		Chalcedonian lily	۳۴۴
Liliaceae	Lilium sp.		Lily	۱۸۱، ۱۶۴
Liliaceae	Muscari comosum Mill.	*	Feathered grape hyacinth	۳۳۴، ۸۶
Liliaceae	Muscari sp.		Grape hyacinth	۸۶
Liliaceae	Narhecium ossifragum Huds.			۲۵۵
Liliaceae	Narhecium sp.		Bog asphodel	۲۵۵
Liliaceae	Ornithogalum sp.		Star-of-bethlehem	۱۹۴، ۵۱
Liliaceae	Ornithogalum stachyoides Host.			۳۳۴، ۱۳۸
Liliaceae	Ornithogalum umbellatum L.	*	Common star-of-bethlehem	۳۳۲، ۵۱
Liliaceae	Ruscus aculeatus L.		Butcher's-broom	۳۵۵، ۳۶
Liliaceae	Ruscus hypoglossum			۳۵۵
Liliaceae	Ruscus hypophyllum			۳۵۷، ۳۵۵
Liliaceae	Ruscus racemosus L.			۳۵۷
Liliaceae	<i>Schoenocaulon officinale</i> A.Gray = <i>Veratrum officinale</i> Schl. & Cham = <i>Veratrum sabadilla</i> Retz		Drug sabadilla ; sabadilla	۲۶۱
Liliaceae	<i>Scilla bifolia</i> L. = <i>Scilla autumnalis</i> L.	*	Twin-leaved squill	۳۵۱
Liliaceae	<i>Scilla maritima</i> L.			۳۳۴، ۳۱۲، ۴۹
Liliaceae	<i>Scilla pancratium</i> Nym.			
Liliaceae	<i>Scilla</i> sp.		Squill	۲۱۵
Liliaceae	<i>Tulipa gesneriana</i> L.			۱۳۵
Liliaceae	<i>Urginea maritima</i> Bak.	*	Shore sea onion	۴۹
Liliaceae	<i>Veratrum album</i> L.		White Hellebore	۳۵۵، ۲۲۳، ۱۳۰
Liliaceae	<i>Veratrum nigrum</i> L.		Black false hellebore	۱۳۰
Linaceae	<i>Linum</i> sp.		Flax	۲۵۱
Linaceae	<i>Linum usitatissimum</i> L.	*	Fiber flax ; Common flax	۳۲۹، ۲۵۱
Loganiaceae	<i>Strychnos nux-vomica</i> L.		Poison Nut; Semen strychnos	۱۲۸، ۱۰۸، ۴۲
Loranthaceae	<i>Loranthus curopeus</i> Jack.			۲۱۶
Loranthaceae	<i>Loranthus europaeus</i> L.	*	Continental mistletoe	۱۶۷، ۱۴۳، ۸۸
Loranthaceae	<i>Loranthus globiferus</i> A.Rich.			۱۳۱
Loranthaceae	<i>Loranthus</i> sp.		Loranth	۲۱۶
Loranthaceae	<i>Viscum album</i> L.	*	European mistletoe	۳۴۲، ۲۱۶، ۱۴۳
Lythraceae	<i>Lawsonia alba</i> Lam.			۳۲۲، ۱۲۵
Lythraceae	<i>Lawsonia inermis</i> L.	*	Henna	۱۲۵
Lythraceae	<i>Lawsonia</i> sp.		Henna bush	۱۲۵
Lythraceae	<i>Lythrum salicaria</i> L.	*	Purple lythrum	۳۴۷
Malvaceae	<i>Abelmoschus esculentus</i> (L.)	**	Akar; Gumbo	۷۴

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	<i>Moench = Hibiscus esculentus L.</i>			
Malvaceae	<i>Alcea rosea L.</i>	**		۳۳۱
Malvaceae	<i>Althaea cannabina L.</i>	*		۳۴۶، ۳۱۸، ۱۱۲
Malvaceae	<i>Althaea ficifolia R.Br.</i>			۱۳۶
Malvaceae	<i>Althaea officinalis L.</i>	*	Hollyhock	۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۷، ۱۳۶
Malvaceae	<i>Althaea rosea Cavan.</i>			۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۵، ۱۳۶
Malvaceae	<i>Althaea sp.</i>		Althaea	۱۲۹
Malvaceae	<i>Gossypium herbaceum L.</i>		Levant cotton	۲۴۲
Malvaceae	<i>Gossypium sp.</i>		Cotton	۲۴۲
Malvaceae	<i>Hibiscus esculentus L.</i>	**	Okra-gubo	۸۴، ۷۴
Malvaceae	<i>Hibiscus mutabilis L.</i>	**	Cotton-rose- changeable rose	۷۴
Malvaceae	<i>Hibiscus rosa-sinensis L.</i>	**	Chinese hibiscus	۱۰۱
Malvaceae	<i>Hibiscus tortuosus Roub.</i>			۷۴
Malvaceae	<i>Malva alcea L.</i>		Hollyhock mallow	۳۴۶
Malvaceae	<i>Malva parviflora L.</i>	*		۱۲۹
Malvaceae	<i>Malva rotundifolia Diss.</i>	*		۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹، ۸۵
Malvaceae	<i>Malva sp.</i>			۱۲۹
Malvaceae	<i>Malva sylvestris L.</i>	*	High mallow; Wild mallow	۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹
Melastomaceae	<i>Melastoma sp.</i>		Melastoma family	۱۶۷
Melastomataceae	<i>Memecylon edule Rox.</i>		Iron wood tree	۲۹۵
Melastomataceae	<i>Memecylon tinctoria Wil.</i>			۲۹۵
Melastomataceae	<i>Memecylon tinctorium L.</i>			۵۳
Meliaceae	<i>Azadirachta indica Juss . = Melia Azadirachta L.</i>	**	Margosa; Neem	۳۵
Meliaceae	<i>Melia azadarach L.</i>	*	Margosa	۳۵
Meliaceae	<i>Trichilia emetica Wahl.</i>			۱۵۷، ۱۱۰، ۱۰۸
Menispermaceae	<i>Anamirta paniculata Colebr . = Cocculus indicus Royle</i>		Indicus Cocculus	۲۷۷
Menispermaceae	<i>Menispermum cocculus L.</i>			۲۷۷
Mimosaceae	<i>Albizzia lebbek Bth.</i>	*	Lebbek tree ; Siris tree	۲۶۶، ۷۶
Mimosaceae	<i>Acacia arabica Willd . = Acacia nilotica Del.</i>	*	Babulacacia	۱۹۱، ۱۷۴، ۱۳۲، ۸۲، ۶۲، ۵۲ ۳۲۷، ۳۱۰، ۲۳۹
Mimosaceae	<i>Acacia ehrenbergiana Hayne.</i>	*		۱۷۴
Mimosaceae	<i>Acacia flava Forsk.</i>			۱۷۴
Mimosaceae	<i>Acacia mellifera Boiss.</i>			۱۷۶
Mimosaceae	<i>Acacia nilotica Del.</i>		Gum arabic tree	۱۹۱
Mimosaceae	<i>Acacia oerfota (Forsk.) Sch.</i>	*		۲۸۳، ۲۰۸
Mimosaceae	<i>Acacia senegal Willd.</i>			۲۳۳
Mimosaceae	<i>Acacia senegalensis</i>			۲۳۳
Mimosaceae	<i>Acacia spirocarpa Hook.</i>			۱۷۶
Mimosaceae	<i>Acacia vera Willd.</i>			۳۲۷، ۱۹۱
Mimosaceae	<i>Mimosa arabica Lam.</i>			۲۳۷
Mimosaceae	<i>Mimosa nilotica L.</i>			۲۳۷، ۲۳۷، ۱۹۱
Mimosaceae	<i>Mimosa oerfota Fork.</i>			۲۰۸

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Moraceae	<i>Ficus carica</i> L.	*	Common fig	۳۲۹، ۹۷، ۹۶
Moraceae	<i>Ficus laccifera</i> Roxb.	**		۲۷۱
Moraceae	<i>Ficus palmata</i> Forsk.	*		۹۶
Moraceae	<i>Ficus</i> sp.		Fig	۹۶
Moraceae	<i>Ficus sycomorus</i> L.		Sycomore	۳۲۹، ۳۱۱، ۱۰۵، ۶۶
Moraceae	<i>Morus acedosa</i> Cr.			۹۶
Moraceae	<i>Morus alba</i> L.	*	White mustard	۳۲۹، ۳۱۱، ۹۶، ۹۵
Moraceae	<i>Morus indica</i> L.			۹۶
Moraceae	<i>Morus nigra</i> L.	*	Black mixed	۳۲۹، ۹۶، ۹۵
Moraceae	<i>Morus</i> sp.		Mulberry	۹۵
Moringaceae	<i>Moringa aptera</i> Gaertn.			۱۱۱
Moringaceae	<i>Moringa arabica</i> Pers.			۱۱۵
Moringaceae	<i>Moringa pterygosperma</i> Gaertn.			۱۱۱
Musaceae	<i>Musa paradisiaca</i> L.	*		۲۸۵، ۲۰۳
Musaceae	<i>Musa sepientum</i> L.	*	Banana tree	۲۸۵، ۲۰۳
Musaceae	<i>Musa</i> sp.		Banana	۲۸۵
Myricaceae	<i>Myrica sapida</i> Wall. = <i>Myrica nagi</i> Thunb		Box myrtle	۱۴۱
Myristaceae	<i>Myristica aromatica</i> Lam.			۱۰۷
Myristaceae	<i>Myristica fragrans</i> Houtt.		Common nutmeg	۳۲۶، ۲۰۰، ۱۴۲، ۱۰۷، ۷۸
Myrsinaceae	<i>Aegiceras</i> sp.			۳۳
Myrtaceae	<i>Balaustion</i> sp.			۱۵۸
Myrtaceae	<i>Eugenia aromatica</i> Baill.			۲۳۸
Myrtaceae	<i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb.	**	Clover tree	۲۳۸
Myrtaceae	<i>Myrtus communis</i> L.	*	Turemyrtle	۳۲۸، ۳۶
Myrtaceae	<i>Myrtus</i> sp.	.	Mangel	۳۶
Myrtaceae	<i>Psidium guajava</i> L.	**	Common guava	۶۲
Myrtaceae	<i>Syzygium aromaticus</i> (L.) Merr. = <i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb = <i>E. aromatica</i> Kuntze. = <i>Caryophyllus aromaticus</i> Linn.		Clove tree	۲۳۸
Nymphaeaceae	<i>Nelmbium nuciferum</i> Gaer.	*	Hindu lotus	۶۸
Nymphaeaceae	<i>Nelmbium speciosum</i> L. = <i>Nelmbium nuciferum</i> Gaertn.	**	Chinese water lily	۶۸
Nymphaeaceae	<i>Nelumbium speciosum</i> Willd.			۳۳۰
Nymphaeaceae	<i>Nuphar alba</i> L.	*		۲۹۳
Nymphaeaceae	<i>Nuphar luteum</i> L.	*	European cow lily	۳۴۵، ۲۹۳
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea alba</i> L.	*	White water lily	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۹۳، ۸۰
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea coerulea</i> L.		Yellow mexican water lily	۲۹۳
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea flava</i> Leitner			۲۹۳
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea indica</i> ?			۲۹۳، ۶۸
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea lotus</i> L.		White Egyptian lotus	۳۵۴، ۲۹۳، ۲۸۶، ۲۷۲، ۸۰
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea lutea</i> L.	*		۲۹۳
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea nelumbo</i> L.		European cow lily	۳۳۰، ۷۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Nymphaeaceae	Nymphaea sp.		Water lily	۲۹۳
Nymphaeaceae	Nymphaea stellata Willd.			۳۰۴
Ochnaceae	Ochna sp.		Ochna	۱۱۷
Oleaceae	<i>Mogorium sambac</i> Lam. = <i>Jasminum</i> L.			۲۲۷
Oleaceae	Fraxinus excelsior L.		European ash	۳۲۶، ۲۷۸، ۲۶۹
Oleaceae	Fraxinus sp.		Ash	۲۷۸
Oleaceae	Jasminum gradiflorum L.	**	Catalonian jasmine- spanish jasmine	۲۹۹
Oleaceae	Jasminum officinale L.	**	Common jasmine	۲۹۹
Oleaceae	Jasminum sambac (L.) Ait.	**	Arabian jasmine	۲۹۹، ۲۲۷
Oleaceae	Jasminum sp.		Jasmine	۲۹۹
Oleaceae	Olea europaea L.	*	Common olive	۱۶۶
Oleaceae	Olea oleaster L.			۳۲۷، ۲۰۶، ۱۶۶
Oleaceae	Phillyrea latifolia L.		Tree phillyrea	۳۲۷، ۳۱۰، ۲۰۶، ۱۶۶، ۱۱۲
Oleaceae	Syringa sp.		Lilac	۲۹۲
Onagraceae	Circaea lutetiana L.	*	Paris circaea	۲۱۰
Onagraceae	Circaea sp.		Enchanter's nightshade	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۱۰
Onagraceae	Oenothera biennis L.		evening primrose, fever plant, night willow-herb, scabish, scurvish, tree primrose	۳۰۴
Orchidaceae	<i>Aceras anthropophora</i> Steud. = <i>Orchis anthropophora</i> (L.) Allioni		Man Orchid	۱۳۰
Orchidaceae	Ophioxylon serpentium L.			۲۱۶
Orchidaceae	Ophrys apifera Huds.	*	Bee orchid	۳۴۰
Orchidaceae	Ophrys sp.			۳۴۰
Orchidaceae	Orchis anthropophora L.			۳۴۰، ۱۳۰
Orchidaceae	Orchis hircina Griseb.			۱۳۶، ۱۳۰، ۹۰
Orchidaceae	Orchis morio L.			۳۴۴، ۳۱۶، ۹۰، ۱۸۹
Orchidaceae	Orchis rubra Jacq.			۳۴۴
Orchidaceae	Orchis sp.		Orchid; Orchis	۱۳۰، ۹۰، ۱۸۹
Orchidaceae	Orchis undulatifolia L.			۳۴۰، ۳۱۶
Orchidaceae	Serapias lingua L.			۳۴۶، ۲۷۱
Orobanchaceae	Orobanche aegyptiaca Pers.	*		۲۸
Orobanchaceae	<i>Orobanche caryophyllacea</i> SM. = <i>Orobanch vulgaris</i> Poir.	*	Clove-scented broomrape	۳۳۲، ۳۱۱، ۲۰۱
Orobanchaceae	Orobanche sp.		Broomrape	۲۸، ۴۴۷
Orobanchaceae	<i>Phelypaea coccinea</i> Poir. = <i>Anoplon coccineum</i> (M.B.) H.Riedl			۲۷۱
Orobanchaceae	Phelypaea egyptiaca Walp.			۲۰۱
Osmundaceae	Osmunda cinnamomea L.			۱۶۹
Osmundaceae	Osmunda regalis L.		Royal fern	۱۶۹

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Oxalidaceae	<i>Oxalis acetosella</i> L.	*	Wood-sorrel; oxalis	۱۳
Oxalidaceae	<i>Oxalis corniculata</i> L.	*	Creeping oxalis	۱۲۵
Oxalidaceae	<i>Oxalis</i> sp.		Oxalis ; Wood sorrel	۱۲۳
Paeoniaceae	<i>Paeonia corallina</i> L.		Coral peony	۳۴۶، ۲۲۳
Paeoniaceae	<i>Paeonia corallina</i> Ret.			۲۹۵
Paeoniaceae	<i>Paeonia officinalis</i> L.		Common peony	۲۹۵
Paeoniaceae	<i>Paeonia officinalis</i> Retz.			۳۴۶، ۲۲۳
Paeoniaceae	<i>Paeonia wittmanniana</i> Hart.	*		۲۹۵
Palmaceae	<i>Phoenix dactylifera</i> L.	*	Date; Plum persimmon	۳۲۸، ۳۱۰، ۹۵
Palmaeae	<i>Cocos nucifera</i> L.	**	Coconut palm	۲۸۷، ۲۸۹
Pandalidae	<i>Hetrocarpus santalinus</i> L.			
Pandanaceae	<i>Pandanus</i> sp.		Screw pine pandnus	۲۴۸، ۴۵
Paoilionaceae	<i>Psoralea bituminosa</i> L.			۳۴۳، ۲۰۳
Papaveraceae	<i>Argemone</i> sp.		Prickly poppy	۴۴
Papaveraceae	<i>Chelidonium carniculatum</i> L.			۲۷۶
Papaveraceae	<i>Chelidonium dodecandrum</i> Forsk.			۱۶۱
Papaveraceae	<i>Chelidonium majus</i> L.	*	Greater celandine	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۷۶، ۲۰۹، ۱۲۷
Papaveraceae	<i>Glaucium corniculatum</i> Curt.	*	Black-spot horn poppy; red celandine	۳۵۱، ۳۴۲، ۲۷۶، ۱۳۴
Papaveraceae	<i>Glaucium flavum</i> Crantz.	*	Yellow horn poppy ; sea celandine	۱۳۵
Papaveraceae	<i>Glaucium luteum</i> Scop.			۳۵۱
Papaveraceae	<i>Glaucium</i> sp.		Horn poppy	۲۷۶
Papaveraceae	<i>Hypecoum procumbens</i> L.	**		۵۶
Papaveraceae	<i>Papaver argemone</i> L.	*	Fall daffodil	۴۴
Papaveraceae	<i>Papaver rhoeas</i> L.	*	Corn poppy ; Field poppy	۳۵۱، ۲۸۸، ۱۹۰، ۱۳۴
Papaveraceae	<i>Papaver somniferum</i> L.	*	Opium poppy	۳۵۱، ۱۵۸، ۱۳۵، ۱۳۴
Papaveraceae	<i>Papaver</i> sp.		Poppy	۱۳۴
Papaveraceae	<i>Romeria dodecandra</i> Stapl . = <i>Romerta hybrida</i> (L.)DC.	*	Violt horned poppy	۱۶۱
Papilionaceae	<i>Alhagi camelorum</i> Fisch.		Camel's-thorn	۳۳۱
Papilionaceae	<i>Alhagi mannifera</i> Desv.			۲۰۶، ۱۱۰
Papilionaceae	<i>Alhagi maurorum</i> Tourn. = <i>Alhagi pseudalhagi</i> (M.B.)Desf.			۲۰۶، ۱۱۰
Papilionaceae	<i>Aloexylon agallocha</i> Roxb.		Aloe Wood	۲۱۶
Papilionaceae	<i>Aloexylon agallochum</i> Lou.		Aloe Wood	۳۲۵
Papilionaceae	<i>Anagyris foetida</i> L.	*	Mediterranean stinkbush	۳۴۶، ۳۱۸، ۳۰۱، ۶۳، ۶۲
Papilionaceae	<i>Anagyris</i> sp.			۳۰۱
Papilionaceae	<i>Astragalus annulairis</i> FORSSK.	*		۱۱۴
Papilionaceae	<i>Astragalus aristatus</i> L.			۳۳۷
Papilionaceae	<i>Astragalus arnacantha</i> M.			۲۹۲، ۲۳۳
Papilionaceae	<i>Astragalus boeticus</i> L.	*	Swedish coffe	۳۵۱



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	<i>Astragalus creticus</i> Lam.			۳۳۶
Papilionaceae	<i>Astragalus fasciculaeifolius</i> Boiss.	*		۶۶
Papilionaceae	<i>Astragalus glaux</i> L.		Tragacanth milk vetch	۳۵۵
Papilionaceae	<i>Astragalus gummifera</i> Lab.			۲۵۱، ۲۳۳، ۸۵
Papilionaceae	<i>Astragalus hamosus</i> L.	*		۵۹
Papilionaceae	<i>Astragalus poterium</i> L.			۳۳۶، ۳۱۳، ۲۳۳
Papilionaceae	<i>Astragalus sarcocolla</i> Dym.			۶۶
Papilionaceae	<i>Astragalus sarcocolla</i> L.			۳۴۲، ۳۱۵
Papilionaceae	<i>Astragalus sesameus</i> L.	*		۴۸۳، ۴۷
Papilionaceae	<i>Astragalus</i> sp.			۳۵۵، ۳۵۱، ۳۱۹
Papilionaceae	<i>Astragalus tragacantha</i> L.			۳۳۷، ۳۱۳، ۲۵۱، ۲۳۳
Papilionaceae	<i>Bonaveria securidaca</i> Desv. = <i>Coronilla securidaca</i> L. = <i>Securigera coronilla</i> DC. = <i>Securigera securidaca</i> (L.) Degen & Doerfler			۶۹
Papilionaceae	<i>Calycotom spinosa</i> Lk. = <i>Calycotome spinosa</i> (L.) Link.		ginestra spinosa	۳۲۴، ۱۴۱
Papilionaceae	<i>Cicer arietinum</i> L.	*	Chick-pea ; Gram chick-pea	۳۳۰، ۱۲۴
Papilionaceae	<i>Cladrastis</i> sp. = <i>Cladrastis lutea</i> = <i>Cladrastis kentukea</i>		Yellowwood	۱۳۶
Papilionaceae	<i>Clitoria ternatea</i> L.		Butterfly Pea	۲۷۵
Papilionaceae	<i>Crotalaria juncea</i> L.Q		Sunn crotalaria; Sunn hemp	۱۷۷
Papilionaceae	<i>Crotalaria retusa</i> L.	**		۲۴۴، ۱۵۸
Papilionaceae	<i>Cytisus hypocistis</i> L.			۲۹۹، ۲۶۷، ۲۶۵
Papilionaceae	<i>Cytisus lanigerus</i> DC.			۳۲۴
Papilionaceae	<i>Cytisus scoparius</i> Br.		Scotch cotton thistle	۱۵۴
Papilionaceae	<i>Cytisus spinosus</i> Lam.			۱۴۱
Papilionaceae	<i>Dalbergia lanceolaria</i> L.			۷۴
Papilionaceae	<i>Dalbergia melanoxylon</i> G.D.R.		African blackwood	۳۳
Papilionaceae	<i>Dalbergia volubilis</i> Roxb.			۷۴، ۳۷
Papilionaceae	<i>Dolichos biflorus</i> L.			۲۵۹، ۱۱۲
Papilionaceae	<i>Dolichos lablab</i> L.		Hyacinth dolchos	۲۶۷
Papilionaceae	<i>Dolichos lubia</i> Forsk			۳۳۳، ۳۱۲، ۲۷۱
Papilionaceae	<i>Dolichos</i> sp.		Dolichos	۱۱۱
Papilionaceae	<i>Dolichos uniflorus</i> L.			۱۱۲
Papilionaceae	<i>Dorycnium</i> L.			۱۴۴، ۳۵۲، ۳۱۹،
Papilionaceae	<i>Ebenoxylon verum</i> Lour			۳۲۷
Papilionaceae	<i>Ebenus cretica</i> L.			۶۴
Papilionaceae	<i>Ebenus</i> L.			۳۲۷، ۳۱۰، ۳۳
Papilionaceae	Ebonytree (E) = <i>Dalbergia</i> sp.			۳۳
Papilionaceae	<i>Ervum ervillia</i> L.			۳۳۰، ۲۵۴، ۲۵۳
Papilionaceae	<i>Ervum lens</i> L. = <i>Lens culinaris</i> Medik. subsp. <i>Culinaris</i>		Lentil; Cultivated lentil	۳۳۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	<i>Faba vulgaris</i> Monch.		Broad bean	۷۳
Papilionaceae	<i>Flemmigia rhodocarpus</i> Bak.			۲۹۵
Papilionaceae	<i>Genista acathoclada</i> DC.			۳۲۴
Papilionaceae	<i>Glossostemon bruguieri</i> DC.		Sahlab	۲۸۳
Papilionaceae	<i>Glossostemon</i> sp.			۲۸۳
Papilionaceae	<i>Glycyrrhiza glabra</i> L.	*	Japan clover common lespedeza	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۸۰
Papilionaceae	<i>Guilandina boneculia</i> Flem.			۱۵۵
Papilionaceae	<i>Hedysarum</i> sp.		Sweet vetch-frenh honesuckle	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۰۷، ۶۶
Papilionaceae	<i>Indigofera</i> sp.		Indigo	۲۹۲
Papilionaceae	<i>Indigofera tinctoria</i> L.	**	True lavender	۲۹۲، ۲۱۱
Papilionaceae	<i>Laburnum vulgare</i> Bercht. & Prsl.			۳۵۴
Papilionaceae	<i>Lathyrus aphaca</i> Tourn. & L.	*	Yellow vethling; Tare	۳۳۳
Papilionaceae	<i>Lathyrus sativus</i> L.	*	Grass pea vin	۱۰۴، ۱۳۷
Papilionaceae	<i>Lathyrus</i> sp.		Pea vine	۱۳۷، ۱۰۴
Papilionaceae	<i>Lens culinaris</i> Medic. = <i>Lens esculenta</i> Monch.	*	Common lentil	۲۰۷
Papilionaceae	<i>Lens esculenta</i> Monch.	*		۳۳۰، ۲۰۷
Papilionaceae	<i>Lotus ornithopodioides</i> L.			۲۱۶
Papilionaceae	<i>Lotus</i> sp.		Deervetch; Bird's-foot trefoil	۳۵۴، ۳۲۰، ۲۷۲
Papilionaceae	<i>Lupinus albus</i> L.		White lupine	۹۳
Papilionaceae	<i>Lupinus angustifolius</i> L..		Blue lupine	۳۳۰، ۹۳
Papilionaceae	<i>Lupinus pilosus</i> Murr.			۳۳۰
Papilionaceae	<i>Lupinus</i> sp.		Lupine	۹۳
Papilionaceae	<i>Lupinus termis</i> Forsk.			۳۳۰، ۳۱۱، ۹۳
Papilionaceae	<i>Medicago arborea</i> Mill.		Tree medic; Tree alfalfa	۲۴۰
Papilionaceae	<i>Medicago ciliaris</i> Hook.	**		۲۹۱
Papilionaceae	<i>Medicago hispida</i> Gaertn.		Califonia bur clover	۲۹۱
Papilionaceae	<i>Medicago intertexta</i> L.	*	Horns and hedgehog	۲۹۱
Papilionaceae	<i>Medicago littoralis</i> Rhod.			۲۹۱
Papilionaceae	<i>Medicago sativa</i> L.	*	Alfalfa	۳۳۲، ۳۱۲، ۲۹۱، ۱۵۶
Papilionaceae	<i>Medicago</i> sp.		Medic	۲۴۱
Papilionaceae	<i>Melilotus officinalis</i> Lam.	*	Yellow sweet clover	۳۳۹، ۳۱۴، ۵۹، ۳۹
Papilionaceae	<i>Melilotus parviflora</i>			۲۳۶
Papilionaceae	<i>Melilotus</i> sp.		Sweet clover melilot	۱۲۶
Papilionaceae	<i>Onobrychis viciaefolia</i> Scop. = <i>Onobrychis altissima</i> Grossh.		Common sainfoin	۳۳۴، ۳۱۸
Papilionaceae	<i>Ononis antiquorum</i> L.			۳۳۷، ۱۹۸، ۱۸۴
Papilionaceae	<i>Ononis antiquorum</i> L. = <i>Ononis spinosa</i> subsp. <i>Antiquorum</i>		Balomaga	۳۳۷، ۳۱۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	Phaseolus communis Paritz.			۲۷۱
Papilionaceae	Phaseolus max L.			۲۷۶
Papilionaceae	Phaseolus mrabatus L.			۲۷۶
Papilionaceae	Phaseolus mungo L.		Mungo bean; Black gram	۲۷۵
Papilionaceae	Phaseolus radiatus L.	**		۲۷۵
Papilionaceae	Phaseolus vulgaris L.	*	Kidney bean	۲۷۱
Papilionaceae	Pisum sativum L.	*	Garden pea	۱۳۷، ۱۰۴، ۷۹
Papilionaceae	Pterocarpus santalinus L.		Sandlwood padauk; Lal - Chandan	۱۹۶
Papilionaceae	Retama sp.		Retama	۱۵۵
Papilionaceae	Scorpiurus sp.		Scorpoin's-tail; Caterpillar plant	۱۵۱
Papilionaceae	<i>Securigera coronilla</i> DC . = <i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO.	*	Hatchet vetch	۳۴۵، ۷۰
Papilionaceae	<i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO.	*		۳۴۵، ۷۰
Papilionaceae	Sesbania aegyptiaca Poir.		Peabush	۱۸۲
Papilionaceae	Sesbania sp.		Sesbania	۱۸۲
Papilionaceae	Sophora mollis Gr.	*	Himalayan laburnum	۴۴
Papilionaceae	Sophora sp.		Pagoda tree	۱۹۶
Papilionaceae	Spartium juncum L.		Weaver's-broom; Spanish broom	۳۵۵، ۷۵
Papilionaceae	Spartium spinosum L.			۱۴۱
Papilionaceae	Trifolium alexandrinum L.			۲۳۶، ۱۵۶
Papilionaceae	Trifolium arvense L.		Rabbit-foot clover; Hare's-foot	۳۴۸، ۲۶۵
Papilionaceae	Trifolium fragiferum L.		Strawberry clover	۳۹
Papilionaceae	Trifolium italicum Boiss.			۳۳۹
Papilionaceae	Trifolium melilotus-indica L.			۲۹۱
Papilionaceae	Trifolium officinalis Willd.			۳۳۹
Papilionaceae	Trifolium pratense L.		Red clover	۱۵۶
Papilionaceae	Trifolium sipyleum			۳۳۹
Papilionaceae	Trifolium sp.		Clover	۲۹۱، ۲۰۳
Papilionaceae	Trigonella coerulea Ser.		Blue-white trigonella	۲۸۶، ۱۲۶
Papilionaceae	Trigonella corniculata L.			۱۵۰
Papilionaceae	Trigonella elatior Sybth.			۲۸۶
Papilionaceae	Trigonella foenum-graecum L.		Fenugreek trigonella; Fenugreek	۳۲۹، ۱۲۱
Papilionaceae	Trigonella graeca Boiss.			۳۳۹
Papilionaceae	Trigonella grandiflora Bunge.			۱۲۱، ۵۹
Papilionaceae	Trigonella hamosa L.			۱۲۷، ۱۲۶، ۳۹
Papilionaceae	Trigonella laciniata L.			۱۵۰
Papilionaceae	Trigonella sp.		Trigonella	۱۲۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	<i>Tripteris vaillantii</i> L.			۲۷۸
Papilionaceae	<i>Vicia cracca</i> L.	*	Brid vetch; Cow vetch	۳۳۳، ۹۲
Papilionaceae	<i>Vicia ervillia</i> Willd.	*	Bitter vetch	۳۳۰، ۲۷۶، ۲۵۴، ۲۵۳
Papilionaceae	<i>Vicia faba</i> L.	*	Broad bean	۳۳۰، ۷۳
Papilionaceae	<i>Vicia onobrachioides</i> L.			۳۴۷
Papilionaceae	<i>Vicia sativa</i> L.	*	Common vetch	۲۷۶، ۹۷، ۹۲
Papilionaceae	<i>Vigna catjang</i> Walp		Catjang cowpea	۲۷۱
Papilionaceae	<i>Vigna sinensis</i> Endl.		Common cowpea	۲۷۶
Papilionaceae	<i>Virgilia</i> sp.		Ax plant	۱۳۶
Pedaliaceae	<i>Sesamum indicum</i> L.	*	Oriental sesame	۳۲۹، ۳۱۱، ۱۷۶
Pedaliaceae	<i>Sesamum oleiferum</i> Moench			۱۷۶
Pedaliaceae	<i>Sesamum orientale</i> L. = <i>Sesamum indicum</i> L.	*		۱۷۶
Penaceae	<i>Penaea mucronata</i> L.			۶۶
Penaceae	<i>Penaea</i> sp.			۳۴۲
Periplocaceae	<i>Periploca</i> sp.		Silk vine	۸۶
Phalangida	<i>Phalangium ramosum</i> Lam.			۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۳
Pinaceae	<i>Cedrus deodara</i> Loud.	**	Deodar cedar	۱۴۹
Pinaceae	<i>Cedrus libani</i> Barrel.	**	Cedar Lebanon	۳۲۶، ۳۰۹، ۲۳۴، ۴۴
Pinaceae	<i>Cedrus libani</i> Loud.	**		۱۴۹
Pinaceae	<i>Picea excelsa</i> Link.		Norway spruce	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷، ۴۴
Pinaceae	<i>Pinus cembra</i> L.		Swiss stone pine	۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus eldarica</i> Medew.			۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus halepensis</i> Mill.	*	Aleppo pine	۳۵۶، ۱۹۷، ۴۴
Pinaceae	<i>Pinus maritima</i> Lam.			۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus nigra</i> L.	**	Austrian pine	۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus orientalis</i> Link.			۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus pinea</i> L.	*	Italian stone pine	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus</i> sp.		Pine	۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus sylvestris</i> L.		Scotch pine	۱۹۷
Piperaceae	<i>Peperomia</i> sp.		Peperomia	۲۲۱
Piperaceae	<i>Piper aromaticum</i> Lam.			۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۴۲، ۴۶
Piperaceae	<i>Piper betle</i> L.		Betel pepper	۲۳۰، ۱۸۴، ۹۳
Piperaceae	<i>Piper cubeba</i> L.			۲۴۹، ۵۶
Piperaceae	<i>Piper longum</i> L.			۲۲۸، ۱۴۲
Piperaceae	<i>Piper nigrum</i> L.	**	Black pepper	۳۳۳، ۲۲۹، ۱۴۲، ۴۶
Piperaceae	<i>Piper</i> sp.		Pepper	۲۲۸
Plantaginaceae	<i>Plantago coronopus</i> L.	*	Crowfoot; Buckhorn plantain	۳۳۱، ۳۱۱
Plantaginaceae	<i>Plantago major</i> L.	*	Ripple-seed plantain-great plantain	۲۶۹
Plantaginaceae	<i>Plantago psyllium</i> L.	*	Flaxseed plantain; Psyllium seed	۳۵۱، ۳۱۹، ۷۸
Platanaceae	<i>Platanus orientalis</i> L.	*	Oriental plant tree	۳۲۶، ۳۰۹، ۱۴۶

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Platanaceae	Platanus sp.		Plant tree sycamore	۲۱۷، ۱۴۶
Plumbaginaceae	Plumbago europaea L.			۲۴۰، ۲۰۳
Plumbaginaceae	Plumbago rosea L.			۱۹۴
Plumbaginaceae	Plumbago zeylanica L.			۱۹۳
Plumbaginaceae	<i>Statice limonium</i> L. = <i>Limonium vulgare</i> Miller			۳۴۸، ۳۱۹، ۹۱
Podophyllaceae	Epimedium alpinum L.		Alpine willoweed	۳۴۸، ۵۷
Podophyllaceae	Leontice chrysogonum L.			۳۴۲
Podophyllaceae	Leontice leontopetalum L.	*	Leon's leaf	۳۰، ۳۴۲، ۳۱۰، ۳۰
Polemoniaceae	Polemonium coeruleum L.		Greek-valerian polemonium	۳۴۸، ۳۱۸
Polemoniaceae	Polemonium Sp.		Polemonium; Greek valerian; Jacob's ladder	۹۰
Polygonaceae	<i>Bistorta officinalis</i> Rafin. = <i>Polygonum bistorta</i> L.		Common betony	۶۴
Polygonaceae	Calligonum comosum L.	*		۴۴
Polygonaceae	Calligonum sp.		Calligonum	۴۴
Polygonaceae	Lapathum aquaticum Scop.			۱۲۳
Polygonaceae	Polygonum amphibium L.	*		۲۲۰
Polygonaceae	Polygonum aviculare L.			۲۰۳، ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۱۱، ۲۲۰
Polygonaceae	Polygonum bistorta L.	*	European bistort	۶۴
Polygonaceae	<i>Polygonum equisetiforme</i> Sibth. = <i>Polygonum equisetiformis</i> Sibth.	*		۲۱۱
Polygonaceae	Polygonum hydropiper L.	*	Marsh-pepper smartweed	۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۶۴
Polygonaceae	Polygonum sp.		Knotweed	۲۱۱
Polygonaceae	Polygonum tinctorium Hort.			۱۸۰
Polygonaceae	Polygonum viviparum L.		Viviparous bistort	۶۰
Polygonaceae	Rheum officinale Baill.		Medicinal rhubarb	۱۰۴
Polygonaceae	Rheum palmatum L.		Sorrel rhubarb	۱۰۴
Polygonaceae	Rheum raphaniticum L. (Rhubarbes)		Garden rhubarb	۱۰۴
Polygonaceae	Rheum ribes L.	*	Cuvrant-fruited ; Rhubarb	۱۰۹
Polygonaceae	Rheum sp.		Rhubarb	۱۰۹
Polygonaceae	Rhubarbes officinale Baillon.			۱۰۴
Polygonaceae	Rhubarbes ribes?			۱۰۴
Polygonaceae	Rumex acutus L.			۳۳۰، ۲۷۰، ۱۲۲
Polygonaceae	Rumex aquaticus L.			۳۳۰
Polygonaceae	Rumex brettanica L.			۳۴۷، ۳۱۸، ۷۶
Polygonaceae	Rumex conglomeratus L.	*	Clustered	۱۲۳
Polygonaceae	Rumex elbursensis Boiss.	*		۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۳
Polygonaceae	Rumex hydrolapathum L.		Water dock	۳۳۰، ۱۷۴، ۱۲۲
Polygonaceae	Rumex lacerus Balb.			۱۲۴
Polygonaceae	Rumex obtusifolius L.	*	Bitter dock	۱۲۴، ۱۲۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Polygonaceae	Rumex patientia L.	*	Potenc dock	۳۳۰، ۱۲۳، ۱۲۲
Polygonaceae	Rumex scutatus L.	*	French sorrel	۱۲۲
Polygonaceae	Rumex vesicarius L.	*	Bladder dock; Bladder sorrel	۱۲۴
Polypodiaceae	<i>Aspidium aculeatum</i> Smit . = <i>Polystichum aculeatum</i>		Hard shield fern; prickly shield fern; hedge fern	۳۵۷
Polypodiaceae	<i>Aspidium lonchitis</i> L.			۳۴۶، ۳۱۷، ۲۷۱، ۱۵۷، ۱۱۴، ۱۱۳
Polypodiaceae	<i>Gymnogramma ceterach</i> (L.) Spre.			۳۴۵
Polypodiaceae	<i>Polypodium vulgare</i> L.	*	Common polypody; Wall fern	۳۵۷، ۳۲۱، ۸۰
Polypodiaceae	<i>Scolopendrium hemionitis</i> L.			۳۴۵
Polypodiaceae	<i>Scolopendrium vulgare</i> Sw . = <i>Scolopendrium officinale</i> Swartz = <i>Phyllitis scolopendrium</i> (L.) Newman		Hart's-tongue	۳۴۵، ۴۸
Portulacaceae	<i>Portulaca oleracea</i> L.	*	Common purslane	۳۳۱، ۸۳
Portulacaceae	<i>Portulaca sativa</i> Ha.			۸۳
Potamogetonaceae	<i>Potamogeton natans</i> L.			۳۵۳، ۳۲۰، ۱۹۹
Primulaceae	<i>Anagallis arvensis</i> L.	*	Scarlet runner bean	۳۳۵، ۶۳، ۳۴
Primulaceae	<i>Anagallis coerulea</i> Schreb.		Blue pimpernel	۳۳۵، ۶۳
Primulaceae	<i>Androsace lactea</i> L.			۳۴۵، ۳۱۷، ۲۴۳
Primulaceae	<i>Androsace</i> sp.	*		۲۴۳، ۱۰۴
Primulaceae	<i>Cyclamen europaeum</i> L.		European cyclamen	۳۳۳، ۳۱۲، ۱۸۶، ۷۵، ۲۳
Primulaceae	<i>Cyclamen graecum</i> L.			۳۳۳
Primulaceae	<i>Cyclamen hederifolium</i> Ait.			۳۳۴، ۱۶۵
Primulaceae	<i>Cyclamen</i> sp.		Cyclamen	۲۰۸، ۱۳۰، ۷۵، ۳۵
Primulaceae	<i>Lysimachia vulgaris</i> L.		Golden loosestrife	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۷۲، ۱۷۱
Proteaceae	<i>Protea</i> sp.		Purple rattlesnake root	۲۲۶
Psyllidae	<i>Psylla</i> sp.		psylla	۱۲۴
Pteridaceae	<i>Pteris aquilina</i> L.		Western bracken	۳۵۷
Pteridaceae	<i>Pteris radiofa</i> Mett.			۲۸۶
Punicaceae	<i>Punica granatum</i> L.		Pomegranate	۳۲۸، ۲۸۹، ۲۸۳، ۱۰۴
Ranunculaceae	<i>Anemone coronaria</i> L.		Poppy anemone	۳۳۵، ۳۱۲، ۱۸۸
Ranunculaceae	<i>Anemone hortensis</i> L.			۳۳۵، ۱۸۸
Ranunculaceae	<i>Anemone pulsatilla</i> L.		Yellow Anemone	۱۸۸
Ranunculaceae	<i>Anemone</i> sp.	*	Anemone	۱۸۸، ۱۳۴
Ranunculaceae	<i>Clematis cirrhosa</i> L.		Vernal clematis	۳۵۶
Ranunculaceae	<i>Clematis ochroleuca</i> Poir.			۲۰۵
Ranunculaceae	<i>Coptis tecta</i> Wall.			۲۷۶
Ranunculaceae	<i>Delphinium consolida</i> L . = <i>Consolida regalis</i> S.F.Gray		Branchin larkspur	۳۴۱
Ranunculaceae	<i>Delphinium peregrinum</i> L.			۳۴۱
Ranunculaceae	<i>Delphinium semibarbatum</i> Bie.	*		۱۶۲

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Ranunculaceae	Delphinium zalil Ait.			۱۶۲
Ranunculaceae	Delphinium staphisagria L.			۳۵۵، ۲۸۹
Ranunculaceae	Helleborus alba L.			۱۳۰
Ranunculaceae	Helleborus cyclophyllus Boiss.			۳۵۵
Ranunculaceae	Helleborus niger L.		Christmas rose	۱۳۰
Ranunculaceae	Helleborus officinalis Salisb.			۳۵۵
Ranunculaceae	Helleborus sp.		Hellebor	۱۳۰
Ranunculaceae	Nigella sativa L.	*	Nutmeg flower	۱۹۲، ۹۴، ۳۴
Ranunculaceae	Nigella sp.		Fennelflower	۱۹۲
Ranunculaceae	Ranunculus acris L.		Tall buttercup	۳۳۴
Ranunculaceae	Ranunculus aquatilis L.		Water crowfoot	۳۳۵، ۲۵۰
Ranunculaceae	Ranunculus arvensis L.		Corn buttercup	۲۵۹
Ranunculaceae	Ranunculus asiaticus L.		Persian buttercup	۳۳۴، ۲۹۴، ۲۶۶، ۲۵۰، ۱۸۹
Ranunculaceae	Ranunculus ficaria L.		Figroot buttercup	۳۳۵
Ranunculaceae	Ranunculus lanuginosus L.		Buttercup ficaria	۳۳۵، ۲۵۰
Ranunculaceae	Ranunculus muricatus L.	*		۳۳۵
Ranunculaceae	Ranunculus muricolus L.			۲۵۰
Ranunculaceae	Ranunculus repens L.			۳۴۱
Ranunculaceae	Ranunculus sp.		Buttercup; Crowfoot	۱۲۷
Ranunculaceae	Thalictrum aquilegifolium L.		Columbne meadow rue	۹۷
Ranunculaceae	Thalictrum flavum L.		Yellow meadow rue	۳۵۳، ۳۲۰
Ranunculaceae	Thalictrum minus L.			۳۵۳
Ranunculaceae	Aconitum anthora L.		Pyrenees monkshood	۲۰۴، ۶۴
Ranunculaceae	Aconitum erectum L.			۱۲۸، ۴۲
Ranunculaceae	Aconitum ferox Wall.			۹۲
Ranunculaceae	Aconitum luridum Hook.			۹۲
Ranunculaceae	Aconitum lycoctonum L.		Wolfsbane monkshood	۳۵۲، ۱۲۹
Ranunculaceae	Aconitum napellus L.	**	Aconite monkshood	۳۵۲، ۳۲۰، ۱۲۹
Ranunculaceae	Aconitum sp.		Monkshood	۹۲، ۶۴
Ranunculaceae	Actaea sp.	*	Baneberry	۱۳۸
Resedaceae	Reseda alba L.	*	White mignonette	۱۰۱
Resedaceae	Reseda canescens L.			۳۵۵
Resedaceae	Reseda luteola L.	*	Weld mignonette	۲۹۵
Rhamnaceae	Paliurus aculeatus Lam.			۳۲۶، ۳۰۹، ۱۶۸
Rhamnaceae	Paliurus sp.		Paliurus	۱۸۵
Rhamnaceae	Rhamnus alaternus L.	**	Common alaternus	۳۷
Rhamnaceae	Rhamnus cathartica	*	Common buckthorn	۲۱۷
Rhamnaceae	Rhamnus infectoria L.		Persian berry buckthorn	۳۲۷، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱
Rhamnaceae	Rhamnus tinctoria Waldst.			۱۹۶
Rhamnaceae	Rhamnus zizyphus L.			۲۱۴
Rhamnaceae	Zizyphus jujuba Lam.			۲۱۴

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Rhamnaceae	<i>Zizyphus lotus</i> Lam.	*	African lotus	۱۶۸
Rhamnaceae	<i>Zizyphus sativa</i> G.			۲۱۴
Rhamnaceae	<i>Zizyphus spina-christi</i> Willd	*	Christ's thorn ; Nubk tree	۱۶۸
Rhamnaceae	<i>Zizyphus vulgaris</i> L.			۳۲۶، ۲۱۴
Rhizophoraceae	<i>Kandelia rheedii</i> W. & A.		Mangrove	۱۷۳
Rosaceae	<i>Agrimonia eupatoria</i> L.	*	Agrimony	۳۴۹، ۳۳۵، ۳۱۹، ۲۱۹، ۹۴، ۵۴
Rosaceae	<i>Agrimonia</i> sp.			۲۱۹
Rosaceae	<i>Amygdalus amara</i> Hayne			۲۷۲
Rosaceae	<i>Amygdalus communis</i> L.	*	Almond	۳۲۹، ۲۷۲
Rosaceae	<i>Amygdalus dulcis</i> Mill.			۲۷۲
Rosaceae	<i>Amygdalus persica</i> L.		Peach tree	۱۳۹
Rosaceae	<i>Armeniaca vulgaris</i> Lam. = <i>Prunus armeniaca</i> L.		Common apricot ; Apricot	۲۸۲
Rosaceae	<i>Cerasus avium</i> L.	*	Mazzard cherry ; Gean ; Sweet cherry	۲۳۴
Rosaceae	<i>Cerasus mahaleb</i> Mill.	*	Mahhlab	۱۱۳
Rosaceae	<i>Cotoneaster nigra</i> Wahl.			۱۹۳
Rosaceae	<i>Cotoneaster nummularia</i> Fich & Mey.			۱۹۳
Rosaceae	<i>Cotoneaster</i> spp.		Cotoneaster	۸۵
Rosaceae	<i>Cotoneaster vulgaris</i> L. = <i>Cotoneaster integerrima</i> Medicus	*		۱۹۳
Rosaceae	<i>Crataegus azarolus</i> L.	*	Azarole hawthorn	۳۲۸، ۲۹۱، ۱۶۲، ۹۴
Rosaceae	<i>Crataegus lagenaria</i> Fisch.			۱۶۲
Rosaceae	<i>Crataegus melanocarpa</i> Bory & Chu.	*		۱۶۲
Rosaceae	<i>Crataegus monogyna</i> Jacq. = <i>Crataegus microphylla</i> C.koch.	*	Single-seed hawthorn	۱۶۲
Rosaceae	<i>Crataegus orientalis</i> Bieb.	*	Silver hawthorn	۱۶۲
Rosaceae	<i>Crataegus oxyacantha</i> L.	*	English hawthorn ; European hawthorn	۳۲۶، ۳۱۰، ۱۶۲، ۵۹
Rosaceae	<i>Crataegus pentagyna</i> (St.- Hil.) Eng. = <i>Crataegus</i> <i>melanocarpa</i> M.B.	*		۱۶۲
Rosaceae	<i>Crataegus pyracantha</i> Medic.			۳۲۶
Rosaceae	<i>Crataegus sinaica</i> Boiss.			۹۴
Rosaceae	<i>Crataegus</i> sp.		Hawthorn	۱۶۲
Rosaceae	<i>Cydonia indica</i> Spach	*		۱۸۹
Rosaceae	<i>Cydonia oblonga</i> Mill.	*	Apple quince	۱۷۲
Rosaceae	<i>Cydonia semina</i> = <i>Pyrus</i> <i>cydonia</i> L.			۱۷۲
Rosaceae	<i>Cydonia vulgaris</i> Delarbre = <i>Cydonia Oblonga</i>		(Kwee)	۱۷۲
Rosaceae	<i>Cydonia vulgaris</i> Pers.		Common quince	۳۲۸، ۳۱۰
Rosaceae	<i>Docynia</i> sp.			۱۸۹
Rosaceae	<i>Filipendula ulmaria</i> Maxim.		European meadowsweet	۲۶۸
Rosaceae	<i>Malus orientalis</i> Ugli.	*		۹۴



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Rosaceae	<i>Mespilus pycnoloba</i> C.Koch.			۲۱۹
Rosaceae	<i>Neurada procumbens</i> L.	*	Garden fennelflower; Black cummin	۱۷۲
Rosaceae	<i>Persica vulgaris</i> Mill.	*	Peach	۱۳۹
Rosaceae	<i>Potentilla reptans</i> L.	*	Creeping cinquefoil	۳۴۹، ۸۹
Rosaceae	<i>Poterium sanguisorba</i> L. = <i>Sanguisorba minor</i> Scop.	*	Small bureat	، ۳۴۹، ۲۵۷، ۱۷۸
Rosaceae	<i>Poterium</i> sp.		Burnet	۳۴۱
Rosaceae	<i>Poterium spinosum</i> L.			۳۴۸
Rosaceae	<i>Prunus amygdalus communis</i> L.		Protea	۲۷۲
Rosaceae	<i>Prunus amygdalus</i> Stokes. = <i>Amygdalus communis</i> L.	*		۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲
Rosaceae	<i>Prunus amygdalus</i> var. <i>amara</i> Focke			۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲
Rosaceae	<i>Prunus armeniaca</i> L.		Common apricot	۳۲۸، ۳۱۰، ۲۸۲
Rosaceae	<i>Prunus avium</i> L. = <i>Cerasus avium</i> (L.) Monch	*	Mazzard cherry	۲۳۵
Rosaceae	<i>Prunus cerasia</i> Br.		Sour chery	۳۲۸، ۳۱۰
Rosaceae	<i>Prunus cerasifera</i> Ehrh.		Myrobalan plum	۲۳۵
Rosaceae	<i>Prunus divaricata</i> Led.	*	Wild myrobalan plum	۲۹۱، ۴۱
Rosaceae	<i>Prunus domestica</i> L.	*	Gardan plum	۳۲۸، ۲۶۱، ۲۱۷، ۱۴۰، ۷۶، ۴۲، ۴۱
Rosaceae	<i>Prunus mahaleb</i> L. = <i>Cerasus mahaleb</i> (L.) Mill.	*	Mahaleb cherry; St. lucy cherry	۱۱۲
Rosaceae	<i>Prunus persica</i> Sieb. = <i>Persica vulgaris</i> Mill.	*	Peach	۳۲۸، ۳۱۰
Rosaceae	<i>Prunus spinosa</i> L.	*	Sole-blackthorn	۴۱
Rosaceae	<i>Pyrus amygdaliformis</i> L.		Almond pear	۳۲۸
Rosaceae	<i>Pyrus communis</i> L.	*	Common pear	۳۲۸، ۲۶۱، ۵۷، ۴۱
Rosaceae	<i>Pyrus communis</i> var. <i>akhras</i>			۳۲۸، ۳۱۱
Rosaceae	<i>Pyrus cydonia</i> L.		Cydonia oblonga	۱۷۲
Rosaceae	<i>Pyrus germanica</i> Hook.			۱۶۲
Rosaceae	<i>Pyrus germanica</i> L.			۳۲۸، ۱۶۲
Rosaceae	<i>Pyrus malus</i> L. = <i>Malus orientalis</i> Ugl.	*	Appel	۳۲۸، ۳۱۰، ۹۴
Rosaceae	<i>Pyrus sorbus</i> Gaertn.			۳۲۸، ۲۲۰، ۴
Rosaceae	<i>Rosa alba</i> L.		Cottage rose	۲۹۴
Rosaceae	<i>Rosa anserinaefolia</i> Boiss. = <i>Rosa beggeriana</i> Schrnk	*	Begger rose	۱۴۶
Rosaceae	<i>Rosa canina</i> L.	*	Dog-rose	۳۲۶، ۲۹۴، ۲۹۰
Rosaceae	<i>Rosa centifolia</i> L.	**	Cabbage rose	۲۹۴، ۱۴۶
Rosaceae	<i>Rosa cinensis</i> Jac.			۲۹۴
Rosaceae	<i>Rosa damascena</i> Mill.	*	Domask rose	۲۹۴، ۱۴۶
Rosaceae	<i>Rosa gallica</i> L.	**	French rose	۲۹۴، ۱۴۶
Rosaceae	<i>Rosa indica</i> L.		Chines rose	۲۹۴
Rosaceae	<i>Rosa lutea</i> Bort. = <i>Rosa foetida</i> Herrm	*	Austrian briar rose	۳۲۷

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Rosaceae	<i>Rosa maialis</i> Desf.			۲۸۹
Rosaceae	<i>Rosa moschata</i> Herrn.	*	Musk rose	۲۹۰
Rosaceae	<i>Rosa sempervirens</i> L.		Evergreen rose	۳۲۶
Rosaceae	<i>Rosa</i> sp.		Rose	۳۲۷، ۳۱۰، ۲۹۴
Rosaceae	<i>Rubus fruticosus</i> L.		European blackberry	۲۷۹، ۲۱۳
Rosaceae	<i>Rubus idaeus</i> L.		Red raspberry	۳۴۹، ۲۱۳
Rosaceae	<i>Rubus sanctus</i> Schreb.		European raspberry	۲۱۳
Rosaceae	<i>Rubus</i> sp.		Raspberry blackberry	۲۱۷، ۲۱۳
Rosaceae	<i>Rubus ulmifolius</i> Schott. = <i>Rubus anatolicus</i> (Focke) Fock & Wauss.	*	Elm-leaved blackberry	۳۴۹
Rosaceae	<i>Sanguisorba officinalis</i>	*	Garden carrot	۳۴۹
Rosaceae	<i>Sanguisorba</i> sp.		Bloodroot	۳۴۹
Rosaceae	<i>Sorbus aucuparia</i> L. = <i>Sorbus boissieri</i> Sch.	*		۲۲۰
Rosaceae	<i>Sorbus boissieri</i> Schn.	*		۲۲۰
Rosaceae	<i>Sorbus domestica</i> L.		Serviceberry; Juneberry	۳۲۸، ۲۲۰
Rosaceae	<i>Sorbus Pyrus</i> Crantz			۲۲۰
Rosaceae	<i>Sorbus</i> sp.		Mounthain ash	۲۲۰
Rosaceae	<i>Sorbus torminalis</i> (L.) Crantz	*	Checker-tree mountain ash	۲۸۶
Rosaceae	<i>Spiraea filipendula</i> L.			۳۴۴
Rosaceae	<i>Thus oxycantha</i> = <i>Crataegus laevigata</i> (Poir.) De Candolle = <i>Crataegus oxycantha</i> L.		Hawthorn; English hawthorn; May flower; whitethorn; haw; quickthorn	۲۷۱
Rubiaceae	<i>Galium aparin</i> L.	*	Catchweed; Catchweed bedstraw ;cleavers	۳۴۲، ۳۱۰، ۲۷۰، ۱۰۰
Rubiaceae	<i>Galium</i> sp.		Bedstraw	۲۱۹
Rubiaceae	<i>Galium verrucosum</i> Spr.			۳۴۲
Rubiaceae	<i>Galium verum</i> L.	*	Yellow bedstraw	۳۰۳، ۳۲۰، ۲۱۹
Rubiaceae	<i>Nauclea</i> sp.			۲۳۰
Rubiaceae	<i>Randia dumetorum</i> L.		Malabar randia	۱۰۹
Rubiaceae	<i>Randia</i> sp.			۱۰۴
Rubiaceae	<i>Rubia cordiifolia</i> L.			۲۳۰
Rubiaceae	<i>Rubia tinctorium</i> L.	*		۳۴۶، ۲۳۰
Rubiaceae	<i>Uncaria gambier</i>		Bengal gambir plant	۲۳۰
Rutacea	<i>Aegle marmelo</i> Cor.	*	Bael fruit ; Bel golden apple Bengal	۱۶۶، ۸۹، ۸۰
Rutaceae	<i>Amyris elemifera</i> L.		Galangal ; Java galangal ; Galingale	۲۶۶
Rutaceae	<i>Amyris gileadensis</i> L.			۸۶
Rutaceae	<i>Amyris kataf</i> Forsk.			۳۲۰، ۱۷۸
Rutaceae	<i>Amyris myrrh</i> Hafal.			۳۲۰
Rutaceae	<i>Amyris opobalsamum</i>			۲۸۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Rutaceae	Amyris sp.		Torchwood ; Balsam shrub	۳۲۵
Rutaceae	Citrus amara Link.		Sour orange ; Seville orange	۲۸۹
Rutaceae	<i>Citrus aurantifolia</i> Sw . = <i>Citrus aurantium</i> L.	*		۲۷۴ ، ۴۰
Rutaceae	Citrus aurantium Lou.& Auc.	*	Sour orange ; Seville orange	۲۸۹
Rutaceae	<i>Citrus bigaradia</i> Lois . = <i>Citrus aurantium</i> L.	*		۲۸۹
Rutaceae	Citrus limonum Risso		Lemon	۲۷۴ ، ۴۰
Rutaceae	Citrus medica L.	*	Cloza	۲۷۴ ، ۴۰
Rutaceae	Citrus medica Risso	*		۲۷۴
Rutaceae	Citrus medica Risso var. cerata			۳۲۸ ، ۳۱۰ ، ۴۰
Rutaceae	Citrus sp.		Citrus	۲۷۴
Rutaceae	Citrus vulgaris Riss.		Sour orange ; Seville orange	۲۸۹
Rutaceae	Fagara sp.			۲۲۳
Rutaceae	Ruta graveolens L.		Common rue-herb of grace	۳۳۹ ، ۱۶۸
Rutaceae	Ruta hortensis Mill.			۱۶۸
Rutaceae	Ruta montana L.			۳۳۹ ، ۳۱۴ ، ۱۶۸ ، ۱۵۰
Rutaceae	Ruta sp.		Rue	۱۶۸
Rutaceae	<i>Ruta tuberculata</i> Fisch . = <i>Haplophyllum versicolor</i> Fisch&C.A..Mey.	*		۱۶۸
Rutaceae	<i>Xanthoxylon avicenne</i> DC. = <i>Zanthoxylum piperitum</i> DC.		Aniseseed, Ash Berries, Badiana, Brown Peppercorns, Chinese Anise	۲۲۳
Salicaceae	Populus alba L.	*	White poplar	۳۲۶ ، ۱۲۷
Salicaceae	Populus euphratica L.	*	Willows	۲۲۰
Salicaceae	Populus nigra L.	*	Black poplar	۳۲۶ ، ۲۶۴ ، ۱۰۸
Salicaceae	Populus sp.		Poplar	۱۲۷
Salicaceae	Salix acmophylla Boiss.			۱۳۷
Salicaceae	Salix aegyptiaca Forsk.	*	Egyptian willow	۱۳۷ ، ۱۱۰
Salicaceae	Salix alba L.	*	White willow	۱۳۷
Salicaceae	<i>Salix australior</i> Forbes = <i>Salix excelsa</i> S.G.G.M.	*		۱۳۷
Salicaceae	Salix babylonica L.	*	Babylon weeping willow	۳۲۷ ، ۲۲۰ ، ۱۳۷
Salicaceae	Salix balchia			۱۳۷
Salicaceae	Salix caprea L.		Good willow	۱۳۷
Salicaceae	Salix fragilis L.		Brittle willow	۱۳۷
Salicaceae	Salix rosmarinifolia L.			۱۳۷
Salicaceae	Salix salsaf Forsk			۱۳۷
Salicaceae	Salix sp.		Willow-osier	۲۲۰ ، ۳۲۷
Salvadoraceae	Salvadora indica Royle		Niepa bark tree	۴۳
Salvadoraceae	Salvadora persica Gaer.	*	Kikuel oil plant; Mustard- seed	۲۵۰ ، ۴۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Santalaceae	Osyris alba L.			۳۵۵
Santalaceae	Santalum album L.			۱۹۶
Santalaceae	Santalum sp.		Sandalwood	۱۹۶
Sapotaceae	<i>Mimusops schimperi</i> Hochst. = <i>Mimusops laurifolia</i> (Forssk.) L.Fris			۳۲۹، ۲۶۶، ۷۶
Saxifragaceae	Parnassia palustris L.		Wide-world parnassia	۳۴۹
Saxifragaceae	Philadelphus sp.		Mock orange	۱۷۱
Scrophulariaceae	Anthericum graecum L.			۳۴۳
Scrophulariaceae	Anthericum ramosum L.			۲۲۳
Scrophulariaceae	Antirrhinum asarina L.			۱۲۸
Scrophulariaceae	Antirrhinum majus L.	*	Common snapdragon	۳۵۷، ۳۲۰، ۶۷
Scrophulariaceae	Gratiola officinalis L.		Drug hedge hyssop	۱۰۰
Scrophulariaceae	Linaria elatine Mill.		Sharp pointed fluellin	۳۴۹، ۳۱۹، ۲۶۷
Scrophulariaceae	Linaria spuria Mill.			۳۴۹
Scrophulariaceae	Linaria vulgaris Mill.	*	Butter and eggs	۲۷۷
Scrophulariaceae	Pedicularis tuberosa Vill.			۳۴۴
Scrophulariaceae	<i>Scrophularia aquatica</i> L. = <i>Scrophularia umbellifera</i> Dumort.	*	Water-betony	۱۲۷
Scrophulariaceae	<i>Scrophularia chrysanthemifolia</i> L.			۳۴۹، ۱۷۸
Scrophulariaceae	<i>Scrophularia lucida</i> L.			۳۴۹
Scrophulariaceae	<i>Scrophularia peregrina</i> L.			۳۵۳
Scrophulariaceae	<i>Verbascum nigrum</i> L.		Black mullein	۹۰، ۳۵۴
Scrophulariaceae	<i>Verbascum plicatum</i> Sibth.			۳۵۴
Scrophulariaceae	<i>Verbascum sinuatum</i> Desc.	*	Mediterranean hrb elder; Danewort	۳۵۴
Scrophulariaceae	<i>Verbascum</i> sp.		Mullein	۳۵۴، ۹۰
Scrophulariaceae	<i>Verbascum thapsus</i> L.	*	Flannet mullen; Great mullein	۳۵۴، ۲۷۵، ۹۰، ۷۷
Scrophulariaceae	<i>Veronica officinalis</i> L.	*	Drug speedwell	۲۶۷
Scrophulariaceae	<i>Veronica teucrium</i> L.			۳۴۲
Scrophulariaceae	<i>Vesicaria gnaphaloides</i> Boiss. = <i>Veronica viscosa</i> Boiss.	*		۱۴۰
Solanaceae	<i>Atropa mandragora</i> L.			۳۵۲، ۳۰۰
Solanaceae	<i>Capsicum frutescens</i> L.		Spanish pepper ; Bush red pepper	۲۲۸، ۱۴۲
Solanaceae	<i>Capsicum minimum</i> Rox.			۲۹۷
Solanaceae	<i>Capsicum</i> sp.		Red pepper	۲۲۸
Solanaceae	<i>Datura fastuosa</i> L.			۸۸
Solanaceae	<i>Datura metel</i> L. = <i>Datura</i> <i>innoxia</i> Miller	*	Hindu datura	۲۸۵، ۱۰۹
Solanaceae	<i>Datura stramonium</i> L.	*	Jimso-weed datura	۳۵۲، ۱۰۹
Solanaceae	<i>Digitalis aegyptiaca</i>			۳۴۹
Solanaceae	<i>Hyoscyamus albus</i> L.			۳۵۱، ۸۸

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Solanaceae	<i>Hyoscyamus aureus</i> L.			۳۰۱
Solanaceae	<i>Hyoscyamus niger</i> L.	*	Black henbane sticking-roger	۳۰۱، ۱۹۱، ۸۸
Solanaceae	<i>Hyoscyamus reticulatus</i> L.	*		۸۸
Solanaceae	<i>Hyoscyamus</i> Sp.			۳۰۱، ۳۱۹
Solanaceae	<i>Lycium afrum</i> L.			۳۲۶، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱
Solanaceae	<i>Lycium europaeum</i> L. = <i>Lycium edgeworthii</i> Dun.			۲۱۷
Solanaceae	<i>Lycium</i> sp.		Wolfberry; desert thorn	۲۱۷، ۱۲۰
Solanaceae	<i>Mandragora officinarum</i> L.			۳۰۲، ۳۲۰، ۳۰۰، ۲۷۰، ۱۶۲
Solanaceae	<i>Mandragora</i> sp.		Mandrake	۲۷۰
Solanaceae	<i>Mandrgora offiicinarum</i> L.	**		۱۴۹
Solanaceae	<i>Physalis alkekengi</i> L.	*	Strawberry; Alkekengi	۳۰۲، ۲۴۹، ۲۱۰
Solanaceae	<i>Physalis somnifera</i> L.			۳۰۲
Solanaceae	<i>Solanum indicum</i> L. = <i>Solanum</i> <i>indicanum</i> L.	*		۷۸
Solanaceae	<i>Solanum melongena</i> L.	*	Garden agg plant	۲۸۳، ۷۲
Solanaceae	<i>Solanum nigrum</i> L.	*	Black nightshade	۳۰۲، ۲۱۰، ۱۰۴
Solanaceae	<i>Solanum sodomum</i> L.			۷۰
Solanaceae	<i>Solanum tuberosum</i> L.	*	Potato	۳۰۲
Solanaceae	<i>Streptosolen</i> sp.			۲۰۷
Solanaceae	<i>Withania coagulans</i> Dunal	*	Cheese-maker; Puneer cardaoms	۲۴۹
Solanaceae	<i>Withania somnifera</i> Dunal.	*	Clustered winter cherry	۸۹
Sparganiaceae	<i>Sparganium ramosum</i> Huds.			۳۴۸، ۳۱۹، ۱۸۱
Sterculiaceae	<i>Cola acuminata</i> Sch. = <i>Sterculia acuminata</i>		Sudan colanut	۱۳۲
Sterculiaceae	<i>Helicteris isora</i> L.	*	Indian screw tree; Isora	۲۰۸
Sterculiaceae	<i>Sterculia acuminata</i> Beauv.			۱۰۸
Styracaceae	<i>Styrax officinale</i> L.		Drug snowbell	۳۲۰، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۵۳
Tamaricaceae	<i>Tamarix articulata</i> Vahl. = <i>Tamarix aphylla</i> (L.) Kay.	**		۳۲۶، ۲۰۲، ۵۷، ۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix gallica</i> L.	*	French tamarsk	۳۲۶، ۲۰۲، ۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix gallica</i> L. var. mann?			۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix nilotica</i> Ehr & Bung.			۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix orientalis</i> Forsk.			۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix pentandra</i> Pall. = <i>Tamarix ramosissima</i> Led.	*	Five-stamen tamarisk	۲۰۲
Tamaricaceae	<i>Tamarix</i> sp.		Tamarisk	۲۰۲، ۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix tetrandra</i> Guebh.	*	Four stamen tamarisk	۲۰۲
Taxaceae	<i>Taxus baccata</i> L.	*	English yew	۳۰۲، ۱۹۹، ۱۹۰، ۱۶۱، ۱۰۰
Theaceae	<i>Thea sinensis</i> L.		Common tea; chinese tea	۹۹
Thelygonaceae	<i>Thelygonum cynocrambe</i> L.			۳۵۷

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Thymelaceae	<i>Daphne angustifolium</i> C.Koch = <i>Daphne mucronata</i> Royle	*		۲۷۵
Thymelaceae	<i>Daphne cnidium</i> L.		Rose daphne	۳۵۷, ۲۷۷
Thymelaceae	<i>Daphne gnidium</i> L.			۲۷۷, ۲۵۵
Thymelaceae	<i>Daphne mezereum</i> L.	*	February daphne	۳۵۵, ۲۷۵, ۲۶۱
Thymelaceae	<i>Daphne oleoides</i> Schr.	*		۲۷۵, ۱۶۶
Thymelaceae	<i>Daphne tartonrarira</i> L.			۲۰۹
Thymelaeaceae	<i>Agallochum</i> sp. = <i>Aquilaria agalicha</i>		Aloes wood, Eagle	۵۴
Thymelaeaceae	<i>Aquilaria malaccensis</i> Lam.		Agarwood	۲۱۶
Thymelaeaceae	<i>Mezereum officinal</i> C.A.Mey.			۲۷۵
Thymeliaceae	<i>Thymelaea hirsuta</i> Endl.			۲۷۷
Thymeliaceae	<i>Thymelaea mezereum</i> Scop.			۲۷۵
Thymeliaceae	<i>Thymelaea tartonraira</i> Endl.			۲۰۹
Tiliaceae	<i>Grewia bicolor</i> Just.		White Raisin	۲۹۰
Tiliaceae	<i>Grewia populifolia</i> L.			۲۸۹
Tiliaceae	<i>Tilia rubra</i> De. & T.			۱۶۶
Tiliaceae	<i>Tilia silvestris</i> Desf.	*	Little-leaf-linden	۱۶۶
Tiliaceae	<i>Tilia</i> sp.		Lindelofia	۱۶۶
Trapaceae	<i>Trapa natans</i> L.		Water chestnut	۱۱۸
Trilliaceae	<i>Paris incompleta</i> Bieb.		Jorusalem thorn; hore-bean	۲۱۵
Tropaeolaceae	<i>Tropaelum majus</i> L.		Tropae	۲۶۵
Typhaceae	<i>Typha angustata</i> L. = <i>Typha australis</i> Sch.&Th.	*	Narrow-leaved cattail	۳۴۴
Typhaceae	<i>Typha latifolia</i> L.	*	Common cattail	۳۴۴, ۳۱۶, ۲۰۴
Ulmaceae	<i>Celtis australis</i> L.	*	European hackberry	۳۲۸, ۲۷۲
Ulmaceae	<i>Celtis</i> sp.		Haircap moss	۲۸۶
Ulmaceae	<i>Ulmus campestris</i> L.	*	English elm	۳۲۶, ۱۸۶, ۱۴۴
Ulmaceae	<i>Ulmus effusa</i> Sibth.		Spreading	۱۸۵, ۱۴۴
Ulmaceae	<i>Ulmus glabra</i> L.	*	Scotch elm; wych elm	۱۸۶
Ulmaceae	<i>Ulmus minor</i> Mill.	*		۲۹۳
Ulmaceae	<i>Ulmus montana</i> With.		Scotch elm; wych elm	۱۸۵, ۱۴۴
Ulmaceae	<i>Ulmus</i> sp.			۱۸۵, ۱۴۴
Ulmaceae	<i>Zelkova crenata</i> Spac. = <i>Zelkova carpinifolia</i>	*	Zelkova elm of Siberia	۳۵
Umbeliferae	<i>Athamanta cretensis</i> L.			۱۴۸, ۱۱۸, ۱۰۳
Umbeliferae	<i>Athamanta macedonica</i> L.			۲۶۱
Umbeliferae	<i>Athamanta oreoselinum</i> L.			۲۵۴
Umbeliferae	<i>Athamanta</i> sp.			۳۴۱
Umbeliferae	<i>Bunium bulbocastanum</i> L.			۱۰۸
Umbeliferae	<i>Bupththalmum speciosissimum</i> Ard.			۲۹۵
Umbeliferae	<i>Bupleurum fruticosum</i> L.		Shrub thoroughwax	۳۴۰, ۱۸۲, ۱۲۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Umbeliferae	Bupleurum rotundifolium Scho.	*	Round-leaved th Round-leave hare's- ear; thoroughwax	۱۲۱
Umbeliferae	Bupleurum sp.		Oxyeye	۱۲۱
Umbeliferae	Cachrys libnotis L.			۳۴۱، ۳۱۰
Umbeliferae	Carum ammioides Benth.			۱۰۰
Umbeliferae	Carum ammioides Benth.			۳۶
Umbeliferae	Carum bulbocastanum Koch.			۲۶۲
Umbeliferae	Carum carvi L.		Caraway	۳۴۰، ۳۱۴، ۲۶۲، ۲۰۶
Umbeliferae	<i>Carum copticum</i> Ben. = <i>Trachypernum copticum</i> (L.) Link		Ajowan caraway	۳۴۰، ۲۸۹، ۲۶۲
Umbeliferae	Carum petroselinum Benth. & Hook.			۳۴۱، ۳۱۰، ۲۲۷، ۲۰۴
Umbeliferae	Caucalis maritima L.			۳۳۲، ۳۱۱
Umbeliferae	<i>Caucalis orientalis</i> (L.) RE. = <i>Astrodaucus orientalis</i> (L.) Drude			۸۹
Umbeliferae	Chaerophyllum sp.		Chervill	۲۳۲
Umbeliferae	Conium maculatum L.	*	Poison hemlock	۳۰۲، ۳۲۰، ۲۰۱، ۱۹۱
Umbeliferae	Coriandrum sativum L.	*	Coriader	۳۴۰، ۲۰۷
Umbeliferae	Coriandrum sp.		Coriader	۲۰۷
Umbeliferae	Daucus carota L.	*	Wild carrot	۳۴۰، ۱۴۸، ۱۰۳، ۰۳
Umbeliferae	Daucus gingidium L.			۳۳۲، ۳۱۱، ۱۰۳
Umbeliferae	Daucus guttatus Sib. & Sm.			۳۴۰
Umbeliferae	Dorema ammoniacum Don.	*	Bombay sumbul	۳۴۲، ۳۱۰، ۲۹۰، ۰۲
Umbeliferae	Dorema spp.		Sumbul	۰۲
Umbeliferae	<i>Echinophora tenuifolia</i> L. = <i>Echinophora sibthorpiana</i> Guss.	*		۳۴۰، ۳۳۹، ۱۶۰، ۱۱۷
Umbeliferae	Eryngium campestre L.		Snakeroot eryngo	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۹۲، ۱۸۸، ۹۲، ۸۴، ۰۰
Umbeliferae	Eryngium coeruleum?			۲۱۰
Umbeliferae	Eryngium creticum L.			۲۳۶، ۲۱۰، ۱۹۲، ۸۴، ۰۰
Umbeliferae	Eryngium maritimum L.		Sea-holly eryngo	۲۶۴
Umbeliferae	Eryngium planum L.			۳۳۷
Umbeliferae	Foeniculum vulgare Mill.		Common fennel	۳۴۱، ۱۰۳، ۷۸
Umbeliferae	Heracleum spondylium L.		Hogweed cow parsnip	۳۴۱، ۳۱۰، ۲۰۹، ۱۷۲
Umbeliferae	Hippomarathrum libanotis Koch.			۳۴۱، ۳۱۰، ۱۰۳
Umbeliferae	Seseli ammoides L.		Seseli; Meadow	۳۴۱
Umbeliferae	Seseli tortuosum L.			۳۴۰، ۳۱۴، ۲۴۸، ۱۸۲، ۱۶۷
Umbelifetae	Ferula assafoetida L.		Asafetida giant fennel	۳۴۲، ۱۲۱، ۶۰، ۰۱
Umbelifetae	Ferula communis L.		Common giant fennel	۳۴۱، ۲۰۹، ۲۴۰، ۷۲
Umbelifetae	Ferula ferulago L.			۳۴۲، ۷۲
Umbelifetae	<i>Ferula galbaniflua</i> Boiss. & <i>Bus</i> = <i>Ferula gumosa</i> Boiss.	*		۳۴۲، ۲۴۶، ۱۰۱، ۷۲
Umbelifetae	<i>Ferula gumosa</i> Boiss.	*	Galbanum plant	۳۴۶

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Umbelifetae	<i>Ferula marmarica</i>			۵۲
Umbelifetae	<i>Ferula narthex</i> Boiss.			۶۵
Umbelifetae	<i>Ferula nodiflora</i> L.			۳۱۵
Umbelifetae	<i>Ferula nodosa</i> Benth & Hook.			۳۳۹
Umbelifetae	<i>Ferula opopanax</i> Spreng.			۳۳۹
Umbelifetae	<i>Ferula orientalis</i> L.	*		۳۴۲
Umbelifetae	<i>Ferula persica</i> Willd.	*	Persian asafetida	۳۴۲، ۱۷۳
Umbelifetae	<i>Ferula rubricaulis</i> Boiss.	*		۲۴۶، ۷۲
Umbelifetae	<i>Ferula saapenum</i> Polack			۱۷۳
Umbelifetae	<i>Ferula scordosma</i> Benth & Hook			۱۲۱
Umbelifetae	<i>Ferula scowitziana</i> D.C.			۳۴۲، ۱۷۳
Umbelifetae	<i>Ferula sumbul</i> Hook.			۲۵۴
Umbelifetae	<i>Ferula tingitana</i> L.			۳۴۲
Umbelliferae	<i>Aethusa cynapium</i> L.		Fool's-parsley aethusa	۱۹۱
Umbelliferae	<i>Ammi copticum</i> Boiss.			۲۸۹
Umbelliferae	<i>Ammi visnaga</i> (L.) Lam.	*	Bishop's Flower; Visnaga	۳۴۰، ۲۸۹
Umbelliferae	<i>Anethum graveolens</i> L.	*	Dill	۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۴، ۱۱۷، ۹۷
Umbelliferae	<i>Angelica sylvestris</i> L.		Angelika, Echte Brustwurz	۳۴۰
Umbelliferae	<i>Anisum stellatum</i> L.			۷۲
Umbelliferae	<i>Anisum vulgare</i> Gaertn.			۶۷
Umbelliferae	<i>Apium</i> Gr.		Celery	۲۵۴
Umbelliferae	<i>Apium graveolens</i> L.	*	Wihd celery	۳۴۱، ۲۵۴
Umbelliferae	<i>Apium petroselinum</i> L. = <i>Petroselinum sativum</i> Hoffm.		Percely, Persil, Petersilie, Petroselinum, Roc Parsley	۲۵۴
Umbelliferae	<i>Apium vulgare</i> L.			۲۵۴
Umbelliferae	<i>Cicuta virosa</i> L. = <i>Selinum virosum</i> (L.) E.H.L. Krause		European water hemlock ; Wasserschierling, Borstenkraut	۱۹۱
Umbelliferae	<i>Crithmum maritimum</i> L.		Samphire	۳۳۱، ۳۱۱، ۱۵۵
Umbelliferae	<i>Dorema ammoniacum</i> Don.		Gummi-resina ammoniacum	۵۲
Umbelliferae	<i>Feniculum</i> sp.		Fennel	۱۵۳
Umbelliferae	<i>Lagoecia cuminoides</i> L.			۳۴۰، ۲۶۲
Umbelliferae	<i>Laserpitium siler</i> L.			۱۶۵، ۱۱۷
Umbelliferae	<i>Levisticum officinale</i> Koch.	*	Garden lovage	۳۴۰، ۳۱۴، ۲۵۴، ۲۴۸، ۱۱۷
Umbelliferae	<i>Ligusticum levisticum</i> L. = <i>Levisticum officinale</i>		Lovage	۲۴۸، ۶۵
Umbelliferae	<i>Liserpitium siler</i> L.			۳۴۰
Umbelliferae	<i>Malabaila pumila</i> Rois.			۱۸۸
Umbelliferae	<i>Malabaila secacul</i> Russ.	*		۱۸۸
Umbelliferae	<i>Meum athamanticum</i> Jack			۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۵،
Umbelliferae	<i>Myrrhis odorata</i> Scop. =		Sweet cicely	۳۵۴، ۳۴۰، ۳۲۶



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	<i>Scandix odorata</i>			
Umbelliferae	<i>Opopanax chironium</i> Koch.			۳۳۹، ۱۰۰
Umbelliferae	<i>Opopanax hispidus</i> Griseb.			۳۳۹
Umbelliferae	<i>Passeina hirsuta</i> L.			۳۴۷
Umbelliferae	<i>Pastinaca graeca</i> ?			۳۴۱
Umbelliferae	<i>Pastinaca sativa</i> L.		Garden parsnip	۳۳۰، ۱۸۱، ۱۵۹، ۱۵۶، ۱۰۳
Umbelliferae	<i>Pastinaca schekakul</i> Russ.			۱۸۸
Umbelliferae	<i>Pastinaca secacul</i> Russ. = <i>Malabaila secacul</i> (Miller) Boiss. <i>Susp. Secacul</i>			۱۰۳
Umbelliferae	<i>Petroselinum oreoselinum</i> L. = <i>Peucedanum oreoselinum</i> (L.) Moe.			۲۵۴
Umbelliferae	<i>Petroselinum sativum</i> Hoffm.	*	Common garden parsly	۲۵۴
Umbelliferae	<i>Peucedanum ammoniacum</i> ?			۳۰۰
Umbelliferae	<i>Peucedanum cervaria</i> L.		Much-good	۳۴۱
Umbelliferae	<i>Peucedanum officinale</i> L.	*	Common hog's- fenel	۳۴۱، ۳۱۵، ۷۴
Umbelliferae	<i>Peucedanum oreoselinum</i> Moench.		Mountain parsley	۳۱۵، ۳۶، ۳۴۱،
Umbelliferae	<i>Peucedanum sativum</i> Benth.			۱۸۱
Umbelliferae	<i>Pimpinella anisum</i> L.		Anise	۳۴۰، ۳۱۴، ۹۴، ۶۷
Umbelliferae	<i>Pimpinella dioica</i> L.			۳۵۴
Umbelliferae	<i>Pimpinella dissecta</i> Polli. = <i>Pimpinella rhodantha</i> Boiss.	*		۳۵۴
Umbelliferae	<i>Pimpinella trgium</i> Vill.			۲۰۲
Umbelliferae	<i>Prangos ferulacea</i> L.	*		۳۴۱
Umbelliferae	<i>Prangos pabularia</i> L.	*	Hay plant	۲۵۴، ۷۲
Umbelliferae	<i>Ptychotis verticellata</i> Duby			۳۶
Umbelliferae	<i>Scandix pecten veneris</i> L.	*	Shepherd's-needle- lady's-comb; Venus's-comb	۳۳۲، ۳۱۱
Umbelliferae	<i>Selinum galbanum</i>			۳۴۲
Umbelliferae	<i>Selinum officinal</i>			۷۴
Umbelliferae	<i>Sison ammi</i> Jac. = <i>Trachyspermum copticum</i> (L.) Lin.	*		۲۸۹
Umbelliferae	<i>Sison amomum</i> L.			۳۴۰، ۳۱۴، ۲۲۰
Umbelliferae	<i>Sium latifolium</i> L.			۳۳۱، ۳۱۱، ۲۵۴، ۲۳۵، ۱۸۲، ۱۰۲
Umbelliferae	<i>Sium nodiflorum</i> L.			۳۳۱
Umbelliferae	<i>Sium sisarum</i> L.	*	Skirret water parsnip	۳۳۰، ۳۱۱، ۱۸۱
Umbelliferae	<i>Smyrniun dioscoridis</i> Spreng.			۳۴۱
Umbelliferae	<i>Smyrniun olusatrum</i> L.			۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۴
Umbelliferae	<i>Smyrniun perfoliatum</i> L.			۳۴۱، ۲۵۴
Umbelliferae	<i>Smyrniun</i> sp.		Alexanders	۱۷۶
Umbelliferae	<i>Thapsia garganica</i> L.			۳۵۵، ۱۶۸، ۱۴۵، ۹۷
Umbelliferae	<i>Tordilium officinale</i> L.			۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۲

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Umbelliferae	<i>Torilis leptophylla</i> Reichb.			۱۹
Umbelliferae	<i>Trachyspermum copticum</i> Link. = <i>Trachyspermum ammi</i> (L.) Sprague			۲۸۹
Umbelliferae	<i>Tragium columnae</i> Spreng.			۳۰، ۳۱۹، ۲۰۱
Umbelliferae	<i>Trodylium ackakul</i>			۱۸۸
Umbelliferae	<i>Cuminum cyminum</i> L.	*	Cumin	۳۴۰، ۳۱۵، ۲۶۲
Urticaceae	<i>Parietaria cretica</i> L.			۳۵۳، ۱۱۹، ۳۴
Urticaceae	<i>Parietaria diffusa</i> L.			۱۱۹
Urticaceae	<i>Parietaria officinalis</i> L.		Wall pellitory	۳۴
Urticaceae	<i>Parietaria</i> sp.		Pellitory	۳۵۳
Urticaceae	<i>Urtica dioica</i> L.		Big-sting nettle; Sting nettle	۷۵
Urticaceae	<i>Urtica pilulifera</i> L.	*	Roman nettle	۳۵۳، ۲۱۲، ۷۵
Urticaceae	<i>Urtica</i> sp.		Nettle family	۲۳۴، ۷۵
Urticaceae	<i>Urtica urens</i> L.	*	Dog nettle	۳۵۳، ۲۵۵، ۷۵
Uvulariaceae	<i>Uvularia amplexifolia</i> L.			۳۵۰، ۷۴
Valerianaceae	<i>Nardostachys jatamansi</i> DC.	*		۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷
Valerianaceae	<i>Nardostachys sampharitke</i> ?			۲۳۸
Valerianaceae	<i>Valeriana celtica</i> L.			۳۲۴، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷
Valerianaceae	<i>Valeriana dioscorides</i> Sibth.			۳۲۴، ۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸
Valerianaceae	<i>Valeriana hardwickii</i> Wal.			۴۶
Valerianaceae	<i>Valeriana jatamansi</i> DC.			۲۸۸
Valerianaceae	<i>Valeriana jatamansi</i> Jone.		Nard	۱۷۷
Valerianaceae	<i>Valeriana montana</i> L.		Mountain valerian	۲۸۸
Valerianaceae	<i>Valeriana officinalis</i> L.		Common valerian	۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸، ۱۷۷
Valerianaceae	<i>Valeriana phu</i> L.			۲۸۸، ۲۲۹
Valerianaceae	<i>Valeriana</i> sp.		Phu; all-heal; fragrant valerian; heliotrope	۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۷
Valerianaceae	<i>Valeriana spica</i> Vahl.			۲۸۸
Valerianaceae	<i>Valeriana tubereuse</i> Sprun.			۳۲۴، ۱۷۷
Valerianaceae	<i>Valeriana wallichii</i> DC.		Indian Valerian	۲۸۸
Verbenaceae	<i>Premna latifolia</i> Roxb.			۷۳
Verbenaceae	<i>Tectonia grandis</i> L.		Teca	۱۶۶
Verbenaceae	<i>Tectonia</i> sp.		Teak	۱۶۶
Verbenaceae	<i>Verbena officinalis</i> L.		European verbena	۳۵۱، ۱۵۶، ۷۳
Verbenaceae	<i>Verbena sapina</i> L.			۳۵۱، ۶۹
Verbenaceae	<i>Verbena</i> sp.		Vervain	۳۵۱، ۱۵۶
Verbenaceae	<i>Vitex agnus-castus</i> L. = <i>Vitex Pseudo-negundo</i> (Haus.) Hand-Mzt.	*	Lilac chaste; Agnus castus	۲۹۷، ۲۵۹، ۱۸۵، ۱۷۰، ۵۳، ۴۱ ۳۲۷، ۳۱۰
Violaceae	<i>Viola cinerea</i> Boiss = <i>Viola behboudiana</i> Rech.F.&Esfa..	*		۱۹
Violaceae	<i>Viola odorata</i> L.	*	Violet ; sweet Violet	۳۵۴، ۸۹

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Violaceae	<i>Viola serpens</i> Wa.			۸۹
Violaceae	<i>Viola</i> sp.		Violet	۸۹
Violaceae	<i>Viola tricolor</i> L.	*	Wild pansy	۸۹
Vitaceae	<i>Cissus</i> sp.		Treebine	۱۷۴
Vitaceae	<i>Cissus vitiginea</i> L.			۳۲۴، ۱۲۴
Vitaceae	<i>Vitis repanda</i> Wight			۱۲۴
Vitaceae	<i>Vitis vinifera</i> L.	*	Eropean grape; Vine grape	۲۰۰، ۲۱۴
Vitidaceae	<i>Saelanthus quadragonum</i> Forsk.			۱۷۴
Zingiberaceae	<i>Alpinia galanga</i> (L.) Will.		Great	۱۳۹
Zingiberaceae	<i>Alpinia khulanjan</i> (L.) Will.			۱۳۹
Zingiberaceae	<i>Alpinia officinarum</i> Hance	**	Galangal	۱۳۹
Zingiberaceae	<i>Alpinia</i> sp.			۱۳۹
Zingiberaceae	<i>Amomum cardamomum</i> L = <i>Amomum compactum</i> Sol. ex Maton = <i>Elettaria cardamomum</i> (L.) Maton		Tooth pick ammi ; Bishop's-weed	۱۲۴
Zingiberaceae	<i>Amomum granum-paradisi</i> L. = <i>Aframomum granum-paradisi</i> K. Schum			۲۹۶، ۲۳۲، ۱۰۸
Zingiberaceae	<i>Amomum racemosum</i> L.			۱۲۴
Zingiberaceae	<i>Amomum racemosum</i> Lam.			۳۲۴، ۳۰۹
Zingiberaceae	<i>Amomum repens</i> Son.			۲۳۲
Zingiberaceae	<i>Amomum</i> sp.			۲۹۶، ۲۳۲
Zingiberaceae	<i>Amomum zerumbet</i> L. = <i>Zingiber zerumbet</i> (L.) Smith = <i>Zingiber officinale</i> Roscoe			۱۶۱
Zingiberaceae	<i>Amomun melegueta</i> Ros. = <i>Aframomum melegueta</i> K. Schum.			۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲
Zingiberaceae	<i>Cardamomum</i> sp. = <i>Elettaria</i> <i>cardamomum</i> (L.) Maton = <i>Amomum cardamomum</i> L.		cardamom	۳۰۹، ۲۳۶
Zingiberaceae	<i>Costus albus</i> A.Chev			۲۳۹
Zingiberaceae	<i>Costus amarus</i> Rad.			۲۳۹
Zingiberaceae	<i>Costus arabicus</i> L.			۲۳۹
Zingiberaceae	<i>Costus speciosus</i> Sm.		Crape Ginger	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹
Zingiberaceae	<i>Curcuma aromatica</i> Salisb.		Curcuma; Status(es) (compiled from below	۲۰۶
Zingiberaceae	<i>Curcuma caesia</i> Roxb.			۲۰۰، ۱۰۲
Zingiberaceae	<i>Curcuma domestica</i> Valet.			۵۳
Zingiberaceae	<i>Curcuma longa</i> Ra.	**	Common turmeric	۲۷۶، ۲۰۰، ۲۱۰، ۵۳
Zingiberaceae	<i>Curcuma</i> sp.		Turmeric	۲۰۰
Zingiberaceae	<i>Curcuma tinctoria</i> Gui.			۲۷۶، ۵۳
Zingiberaceae	<i>Curcuma zedoaria</i> Rosc.			۲۰۰، ۱۶۱، ۱۰۲، ۵۳
Zingiberaceae	<i>Elettaria cardamomum</i> White & Maton	**	Cardamon	۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲
Zingiberaceae	<i>Elettaria</i> sp.			۳۰۹

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Zingiberaceae	Zingiber officinale Rosc.		Common ginger	۳۳۳، ۱۶۴
Zingiberaceae	Zingiber sp.		Ginger	۱۶۴
Zingiberaceae	Zingiber zerumbet Rosc.			۱۶۱
Zygophyllaceae	Fagonia cretica L.			۷۱
Zygophyllaceae	Peganum harmala L.	*	Harmel peganum African rue	۳۳۹، ۳۱۴، ۱۱۶
Zygophyllaceae	Tribulus terrestris L.		Puncture rine	۳۴۸، ۳۱۹، ۱۱۸

## کتابنامه:

### فارسی:

- ابن سینا، ابو علی الحسین بن علی. قانون در طب، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، چاپ چهارم، انتشارات سروش ۱۳۶۸ هـ - ش).
- ابن سینا، ابو علی الحسین بن علی. طبیعت، نشر دانش.
- اژدری، اسماعیل. مجموعه طب سستی، (۱۳۷۰ هـ - ش)، انتشارات باربد مشهد.
- افشار، ایرج. پزشکی سستی مردم ایران، (۱۳۷۰ هـ - ش).
- امیری، منوچهر. فرهنگ داروها و واژه های دشوار تحقیق در باره کتاب الالبیه عن حقایق الادویه، (۱۳۵۳ هـ - ش)، انتشارات بنیاد فرهنگ.
- امین، غلامرضا. گیاهان داروئی سستی ایران، (۱۳۷۰ هـ - ش)، موسسه پژوهشهای گیاهان داروئی ایران دانشکده داروسازی دانشگاه تهران.
- انصاری، علی بن حسین معروف به حاج زین الدین عطار. اختیارات بدیعی، (۱۰۲۳ هـ - ق)، آستان قدس رضوی شماره ۱۳۱۰۵.
- بهرامی، حسینعلی. فرهنگ گیاهی، (۱۳۲۹ هـ - ش).
- پارسا، احمد. دارونامه، از نشریات موزه علوم طبیعی، چاپخانه دانش.
- تاج بخش، حسن. تاریخ دامپزشکی ایران، (۱۳۷۵ هـ - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- جرجانی، اسماعیل. خفی علانی، (۵۰۴ هـ - ق)، به کوشش علی اکبر ولایتی، محمود نجم آبتدی انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹ هـ - ش.
- جرجانی، اسماعیل. ذخیره خوارزمشاهی، (۵۰۴ هـ - ق)، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- حویزی، عبداللطیف. بیماری ها و درمان گیاهی، (۱۳۷۰ هـ - ش)، انتشارات کتاب آفرین.
- خسروی، سید مهدی. گیاهان داروئی و نحوه کاربرد آن برای بیماری های مختلف در طب سستی، (۱۳۷۴ هـ - ش)، نشر محمد.

- خلخالی، کاظم. ترجمه طب الرضا علیه السلام و طب الصادق علیه السلام، علامه عسکری، انتشارات رثوف.
- دهخدا، علی اکبر. فرهنگ دهخدا، (۱۲۵۸ ه - ش)، موسسه لغت نامه دهخدا.
- رجب نیا، مسعود. (ترجمه کتاب) تاریخ طب اسلامی، ادوارد بروان (۱۳۷۱ ه - ش)، انتشارات علمی فرهنگی.
- رنگجی، غلامحسین. گل و گیاه در ادبیات منظوم فارسی، (۱۳۷۳ ه - ش)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زاهدی، اسماعیل. واژه نامه گیاهی، (۱۳۳۷ ه - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- زرگری، علی. گیاهان دارویی، جلد ۱ تا ۵، (۱۳۶۶ ه - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- زمانی، ساعد. ترجمه گیاهان دارویی، ژان ولاگ، (۱۳۷۶ ه - ش)، انتشارات ققنوس.
- سزگین، فواد. تاریخ نگارش های عربی، جلد ۳ و ۴، (۱۳۸۰ ه - ش)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- شمالی، مهرداد. واژه نامه گیاهی، (۱۳۶۹ ه - ش)، انتشارات عمید.
- صفی پور، عبدالرحمن بن عبدالکریم. منتهی الارب، (۱۳۷۷ ه - ق)، تهران.
- عطار یزدی، میر حسین. نسخه حکیم طب قدیم، (۱۳۶۹ ه - ش)، انتشارات جاوید.
- عقیلی علوی، محمد حسین. قریب الدین کبیر، (۱۱۸۹ ه - ش)، انتشارات کتابفروشی محمودی.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- کریمی، هادی. اسامی گیاهان ایران، (۱۳۷۴ ه - ش)، مرکز نشر دانشگاهی.
- مصطفوی، حسن. مقایسه طب سنتی با پزشکی نوین، انتشارات دانشگاه تهران.
- مظفریان، ولی الله. فرهنگ نام های گیاهان ایران، (۱۳۷۵ ه - ش)، انتشارات فرهنگ معاصر.
- معین، محمد. برهان قاطع، (۱۳۶۲ ه - ش)، انتشارات امیر کبیر.
- مومن دیلمی تنکابنی، محمد. تحفه، با مقدمه محمود نجم آبادی، (۱۳۳۰ ه - ش)، کتابخانه مصطفوی.
- میر حیدر، حسین. گنجینه اسرار گیاهی، جلد ۱ تا ۳، (۱۳۶۳ ه - ش)، انتشارات وحید.
- میر حیدر، حسین. معارف گیاهی، جلد ۱ تا ۸، (۱۳۷۳ ه - ش)، نشر فرهنگ اسلامی.
- نجم آبادی، محمود. تاریخ طب در ایران، ج ۱ و ۲، (۱۳۷۵ ه - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطبا). پزشکی نامه، (۱۳۱۷ ه - ق)، خط عبد الله قزوینی، تهران.
- هروی، قاسم بن یوسف ابو نصر. ارشاد الزراعه، به اهتمام محمد مشیری، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳۷۱ ه - ش.

هروری، موفق الدین علی . الابنیه عن حقایق الادویه، (۳۵۰ هـ - ق) به تصحیح احمد بهمنیار ، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۱.

یوسفی، غلامحسین. ترجمه تقویم الصحه ابن بطلان بغدادی، (اوایل قرن ششم) ، انتشارات علمی و فرهنگی.

## منابع غیر فارسی :

### ۱- عربی:

ابن مراد ، ابراهیم.. المصطلح الاعجمی، ج ۱ و ۲، (۱۹۸۵ م)، دار الغرب الاسلامی.

اخوینی البخاری، ابو بکر ربیع بن احمد . هدایه المتعلمین، به اهتمام جلال متینی، انتشارات دانشگاه فردوسی ۱۳۷۱ هـ - ش.

ابن بیطار المالقی، ابی محمد عبد الله احمد بن محمد . الجامع، (۶۴۶ هـ - ق).

ابن بیطار المالقی، ابی محمد عبد الله احمد بن محمد. تنقیح الجامع ، (۶۴۶ هـ - ق)، دارا لغرب الاسلامی.

ابن بیطار المالقی، ابی محمد عبد الله احمد بن محمد. تفسیر کتاب دیاسقوریدوس ، (۶۴۶ هـ - ق)، تحقیق ابراهیم بن مراد، دار الغرب الاسلامی ، ۱۹۸۹ م.

ابن جزله بغدادی، یحیی بن عیسی . منهاج البیان فی مستعملات انسان ، (۱۱۰۹ هـ - ق) ، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۱۳۹۹۰.

ابن جوزیه، شمس الدین محمد بن ابی بکر ایوب الزرعی. الطب النبوی صلوات الله علیه و اله، (۷۵۱ هـ - ق)، دار الفکر.

ابن سینا، ابو علی الحسین بن علی . قانون فی الطب، جلد ۱ الی الرابع، (۴۲۸ هـ - ق) ، موسسه عز الدین ۱۴۱۳ هجری.

ابن قریب الاصمعی، ابو سعید عبد الملک. النبات ، (۱۲۸ هـ - ق) ، با تحقیق عبدالله یوسف الغتیم، مکتبه المبتنی شارع الجمهوریه القاهره - ۱۹۷۲ م.

ابن مراد، ابراهیم . بحوث فی تاریخ الطب و الصيدله عند العرب ، (۱۹۹۱ م)، دار الغرب الاسلامی.

ابن منظور، الافریقی . لسان العرب، (۷۱۱ هـ - ق)، اعداد و تصنیف یوسف الحیاط، بیروت.

الاشبیلی، ابی الخیر. عمدہ الطیب فی معرفه النبات ، (قرن ششم هجری)، دار الغرب الاسلامی.

ابن محمود، احمد.. مجموعه، (۱۲۷۴ هـ - ق) ، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۱۰۶۸۴.

ابن سلیمان، اسحاق . الاغذیه و الادویه، (٣٢٠ هـ - ق)، موسسه عز الدین تحقیق دکتور محمد الصباح.

اسرائیلی قرطبی، ابو عمران موسی بن عبید الله . شرح اسماء العقار، باهتمام ماکی میرهوف، قاهره ١٩٤٠ م .

انطاکی، شیخ داوود . تذکره، (٩٥٠ هـ - ق)، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ١٠٧١٠.

انیس، ابراهیم . المعجم الوسیط، (١٩٧٢ م)، مجمع اللغة العربیه بالقاهره.

بیرونی، ابو ریحان . صیدنه، (٤٤٠ هـ - ق)، با تصحیح عباس زریاب ١٣٧٠.

جزایری، عبدالرزاق محمد بن حمدوش. کشف الرموز فی شرح العقاقیر و الاعشاب، (١١٦٣ هـ - ق)، دار الکتب العلمیه بیروت.

حایک، میساک. موسوعه النبات الطیبه المعجم، الاول الی الرابع، (١٩٩٢ م)، مکتبه اللبنان .

خراسانی، سید حسن . طب الامام الرضا علیه السلام، (١٣٨٥ هـ - ق)، منشورات الکلیه الحیدریه و مطبعه النجف.

خلیلی، محمد. طب الامام الصادق علیه السلام، (١٣٨٩ هـ - ق)، منشورات الکلیه الحیدریه و مطبعه النجف. خوئی، شافعی یوسف بن اسماعیل . ما لایسع الطیب جهله، (١٠٦٧ هـ - ق)، کتابخانه آستان قدس، شماره ٥٢١٦.

دینه وری، ابو حنیفه احمد داود بن وند . النبات، (٢٨٢ هـ - ق)، المعهد العلمی الفرنسی لاثار الشرقیه بالقاهره.

رازی، محمد بن زکریا. اسرار و سر الاسرار با تجارب شهریار، (٢٥١ هـ - ق)، به کوشش محمد تقی دانش پژوه ١٣٤٣ هـ - ش.

رازی، محمد بن زکریا. الحاوی، ج ١ و ٢، (٢٥١ هـ - ق)، باهتمام شرکت داروسازی الحاوی ١٣٧٢ هـ - ش.

رازی، محمد بن زکریا. خواص الخاص، نسخه خطی آستان قدس، شماره ١٠٣.

رفعت، محمد. الموسوعه الصحیه العلاج بلاعشاب، (١٩٩٥ م)، موسسه عزالدین.

رواجیه، عایده احمد. اسرار الطب العربی و الحدیث، (١٤١٦ هـ - ق)، دار ابن زیدون.

سنکری، محمد نذیر. ابحاث المؤتمر السنوی الاولی لتاریخ العلوم عند العرب، (١٩٧٧ م)، معهد التراث العربی جامعه حلب.

سنکری، محمد نذیر. ابحاث المؤتمر السنوی الثالث لتاریخ العلوم عند العرب، (١٩٨٠ م)، معهد التراث العربی جامعه حلب.

سنکری، محمد نذیر. ابحاث المؤتمر السنوی الثانی لتاریخ العلوم عند العرب، (١٩٧٩ م)، معهد التراث العربی جامعه حلب.



- شبر، عبدالله . طب الاثمه ، ( ۱۱۸۸ هـ - ق ) ، الارشاد لطباعه و النشر بیروت - لندن .
- شیرازی، قطب الدین . قوانین الطب، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۵۱۳۱ .
- عبد الرحیم، محمد . الاعشاب و النباتات الطیبه و الاغذیه فی تفسیر الاحلام، دارالفکر بیروت ، ( ۱۴۱۷ هـ - ق ) .
- غالب، ادوار . الموسوعه فی علوم الطیبه، ج ۱ تا ۳ ، ( ۱۹۶۵ میلادی )، مطبعه الکاتولیکیه بیروت .
- غسانی، ابوالقاسم بن محمد بن ابراهیم معروف به وزیر . حدیقه الازهار ماهیه العشب و اللعقار ، ( ۸۹۸ هـ - ق ) تحقیق محمد العربی الخطابی ، دار الغرب الاسلامی .
- قیبسی، احسان . الطب العربی المعروف تذکره السویدی ، شرح و تعلیق محسن عقیل ، دار المجتبی بیروت، ۱۹۹۵ م .
- کرمانی، حاج محمد کریم . حقایق الطب، ( ۱۲۶۴ هـ - ق )، نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی شماره ۵۱۷۳ .
- مرعشلی، ندیم و مرعشلی، اسامه . الصحاح فی اللغة و المعلوم، ج ۱ و ۲ ، ( ۱۹۷۴ م )، دار الحضاره العربیه - بیروت .
- ابن منصور، مهران . الحشایش ، (شرح کتاب دیسکوریدوس) ، (قرن ششم هجری) ، نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی .
- میدانی، ابوالفتح احمد بن محمد . السامی فی الاسامی ، ( ۶۰۱ هـ - ق )، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۵ هـ - ش .
- هروی، محمد بن یوسف . بحرالجواهر، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۵۰۵۰ .
- هروی، محمد بن یوسف . جواهر اللغة ( ۱۲۴۵ هـ - ق )، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۵۱۷۱ .
- هروی، محمد بن یوسف و ابن علینقی، شریف محمد جامع الفوائد ، فوائد الاخبار، زاد المسافرین ( ۱۲۵۸ هـ - ق )، نسخ خطی آستان قدس رضوی، شماره ۱۰۳۱۱ .
- یاقوت حموی، شهاب الدین . معجم البلدان، مصر، ۱۳۳۴ هـ - ق .

## ۲ - لاتینی :

- CHENALLIER A. 1996. **ENCYCLOPEDIA OF MEDICINAL PLANT** ,DORLING KINDERSEY.
- CHIEJ ROBERTO. 1982. **LES PLANTES MEDICINALES** ,GIUSEPPE MAZZA.
- FORSKAL PETRUS. 1775. **FLORA EGYPTIACO - ARABICA**, HAUNIE.
- GHAREMAN A. 1999. **BIODIVERSTYS OF PLANT SPECIES IN IRAN** , TEHRAN UNIVERSITY PUBLICATION.
- GHOPRA R.N.& NAYAR S.L.& CHOPRA I.C. 1956. **GLOSSARY OF INDIAN MEDICINALPLANTS** , COUNCIL OF SCIENTIFIC.

- GUEST E. 1966. **FLORA OF IRAQ**, PUBLISHED BY THE MINISTRY OF AGRICULTURE OF THE REPUBLIC OF IRAQ.
- HASAN KAMAL. 1975. **ENCYCLOPAEDIA OF ISLAMIC MEDICINAL**, GENERAL EGYPTIAN BOOK ORGANIZATION.
- HOOKE & JACKSON. 1895. **INDEX Kewensis VOLUM 1 & 2**, OXFORD.
- LAUFER BERTNOLD. 1873. **SINO-IRANICA**, FIELD MUSEUM OF NATURAL HISTORY.
- MACURA P. 1979. **ELSIER'S DICTIONARY OF BOTANY I PLANT NAMES**, ELSIER SCIENTIFIC PUBLISHING COMPANY, AMSTERDAM-OXFORD-NEW YORK.
- MAHDIHASSAN S. 1984. **BAZAR DRUGS AND FOLK MEDICINE IN PAKISTAN**, HAMDARD FOUNDATION PRESS.
- MIKI, HON, USMINGHAN. 1986. **HERB DRUGS AND HERBALIST**, INSTITUTE FOR THE STUDY OF LANGUAGES AND CULTURES OF ASIA AND AFRICA.
- PANGLOX D. 1987. **MEDICINAL PLANT BANGKOK & THAILAND**, EXHIBITION COMMITTEE.
- PARSA A. 1960. **FLORA DE L' IRAN**, TEHRAN UNIVERSITY PUBLICATION.
- RECHINGER K. 1976. **FLORA OF IRAN**.
- ROBERT T. 1934. **THE GREEK HERBAL OF DIOSCORIDES**, OXFORD.
- TAHMIJAH H. 1983. **WILD PLANTS OF QATAR**, ARAB ORGANIZATION FOR AGRICULTURAL DEVELOPMENT.

# **Matching The Old Medicinal Plant Names With Scientific Terminology**

**Vol 1**

- A History of Medicinal Plants
- The Methodology For Using Ancient Medicinal Plant Texts And Sources
- The Old Medicinal Plant Names
- The Terminology And Old Names in The Identification of Scientific Names For Plants

**by**

**Ahmad Ghahreman**

Professor of Botany Faculty of Science Tehran University

**&**

**Ahmad Reza Okhovvat**

Academic Member of Biology Group Faculty of Science Tehran University